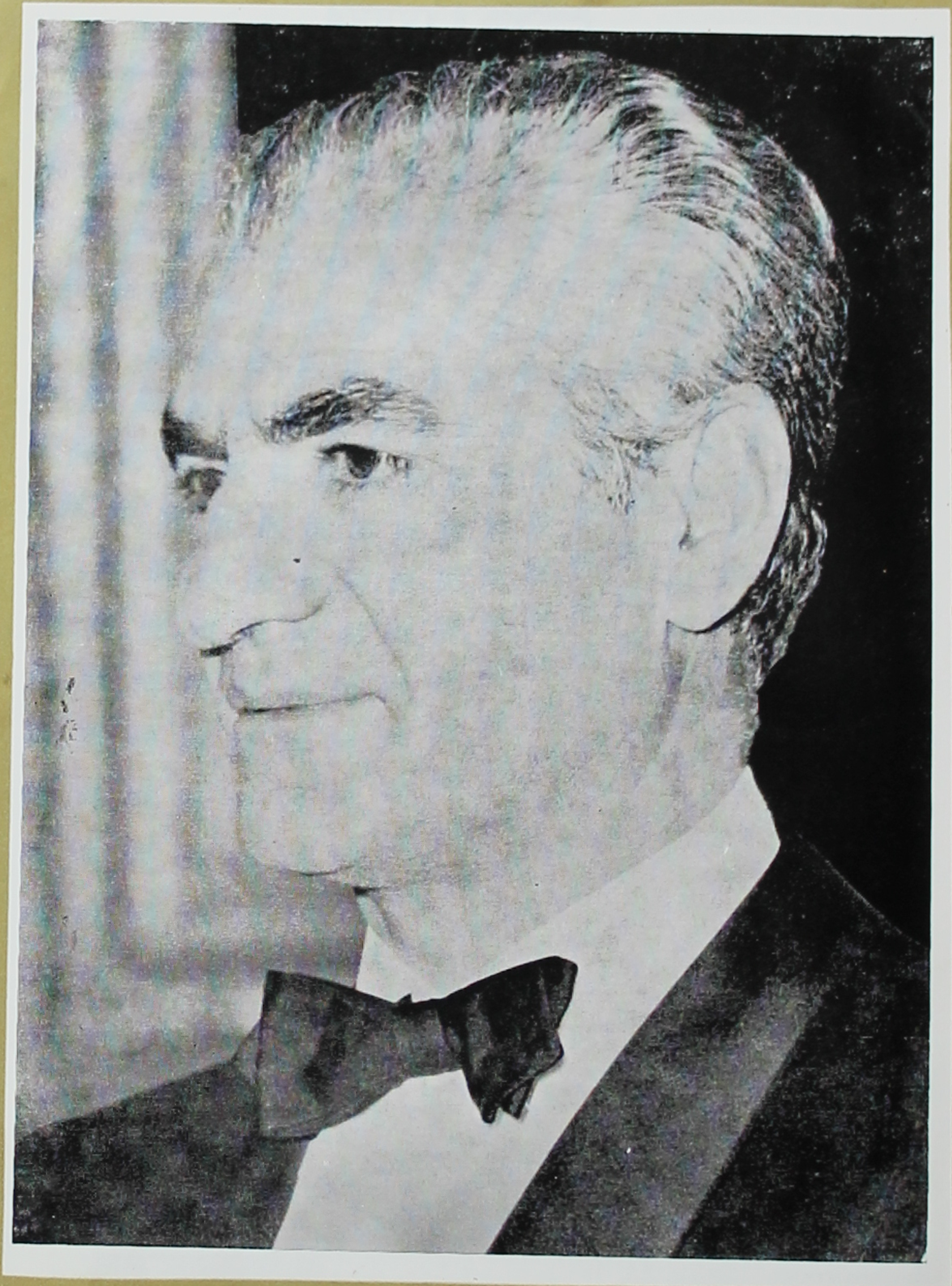


سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملّی

«۱۰۱»

آثار ملّی اصفهان

تألیف

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

تهران ۱۳۵۲

از این کتاب دو هزار نسخه در چاپخانه اتحاد
در اسفندماه ۱۳۵۲ بچاپ رسید
شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۶۶۹ مورخ ۵۲/۸/۲۲

سرآغاز

بنام پروردگار بزرگ یکتا و دانا.

با تقدیم سپاس بی قیاس بدرگاه آفریننده جهان و درود نامحدود بر پیغمبر بزرگ اسلام (ص) در پرتو الطاف کریمانه ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمّدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر کتاب «آثار ملّی اصفهان» به معرض انتشار گذارده میشود.

از چند سال پیش که انجمن آثار ملّی با همکاری و پایمردی دانش پژوهان و محقّقان ارجمند نسبت به تألیف کتابهای مربوط به ابنیه و آثار تاریخی ایران کوشش بخرج داده و میدهد (خوشبختانه در این راه گامهائی برداشته و تا حدّی بمقصود نائل آمده است) برای شهر تاریخی اصفهان مناسبتر دانست از اقدام به تألیف و چاپ کتابی همانند آنچه در بارهٔ استانها و شهرهای دیگر ایران فراهم ساخته است خودداری نماید، چه در بارهٔ ابنیه و آثار اصفهان کتابهای مختلف از طرف دانشمندان و مؤلّفان ارجمند تدوین و منتشر گردیده است. و نیازی به کتاب تازه احساس نمی شد و بدین سبب انجمن آثار ملّی کوشش خود را در ترتیب

مقدمات عملی شدن چاپ و انتشار مجموعه‌های بس بزرگ و جامع و ارزنده که دانشمند گرامی

استاد جلال الدین همائی طی سالیان دراز گردآوری و فراهم ساخته اند مصروف نموده

و امید وار است در تحقق این مهم توفیق یابد لکن بر اثر مکاتباتی که از طرف استانداری

محترم اصفهان با انجمن آثار ملی بعمل آمد تألیف کتابی حاوی اطلاعات اجمالی و سودمند

درباره جمیع ابنیه و آثار تاریخی آن شهر مهم باستانی از طرف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

که صاحب تألیفاتی در زمینه معرفی یادگارهای فرهنگی و آثار تاریخی شهرستانهای تابع

اصفهان هستند بمورد شناخته شد و درنتیجه تهیه و چاپ و انتشار کتاب حاضر برای استفاده

خوانندگان و علاقه‌مندان گرامی منظور نظر قرار گرفت .

با توجه به اهمیت فراوان آثار تاریخی اصفهان و درنظر داشتن این نکته که کتابهای گوناگون

جهت معرفی آثار نامبرده به چاپ رسیده و انتشار یافته است و کلیه آنها هم پس از گذشت

زمانی کوتاه بإتمام رسیده و چه بسا در اختیار و دسترس دوستداران و مشتاقان نمانده است امید میرود

کتاب «آثار ملی اصفهان» نیز بنوبه خود تا حدی نیاز خواستاران و جویندگان اطلاعات مربوط

بدینگونه آثار و ابنیه را برآورد و پیشگامی در راه رسیدن به هدف و آرزوی دیرین انجمن آثار ملی جهت

ادای حق عظیم و دیرین شهر کهن سال بزرگ و تاریخی اصفهان بشمار آید .

انجمن آثار ملی
بمنه و کرمه
بخط زنجانی

مدخل کتاب :

که گوید اصفهان نصف جهان است ؟ جهانی گر بود آن اصفهان است

اصفهان یکی از آن نقاط تاریخی و باستانی است که در اثر مرور زمان و گذشت دهور و حدثان و نزول حوادث و بروز وقایع گوناگون سرگذشت تاریخی آن از خاطره ها محو و از صفحات صدور سترده شده است ! و تاریخهائی هم در باره آن نوشته شده ، یا چنین تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی متوفی حدود (۳۵۰ ه.ق) و تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی متوفی (۵۱۲ ه.ق) و تاریخ ابن مردویه در باره اصفهان بکلی از میان رفته و وجود ندارد ! یا اینکه مربوط بتقسیمی از سرگذشت این مرز و بوم است ، مانند :

سنی ملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی - ذکر اخبار اصبهان ابونعیم - محاسن اصفهان مافروخی - ترجمه محاسن اصفهان - قلائد الشرف - الازمنة و الامکنة مرزوقی - تذکره حزین - سوانح العمر همو - سفرنامه شاردن فرانسوی - سفرنامه تاورنیه - سفرنامه کامفر - سفرنامه فلاندن - تاریخ عالم آرای عباسی - تذکره نصرآبادی -

تاریخ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ارباب — جغرافیای اصفهان تحویلدار

الاصفهان جناب — راهنمای اصفهان همو — گزارش میرزا غلامحسین خان نائینی — روضات الجنات

چهارسوقی — تاریخ نیمه جهان و همه جهان جابری انصاری — تاریخ اصفهان زوری همو — آگهی شهان

از کار جهان همو — تذکرة القبور جزی — تاریخ اصفهان حاج سید محمدعلی مبارکه ای متوفی سال

(۱۳۶۵ ه. ق) در پنج مجلد — دانشوران اصفهان همو در ۶ مجلد — تاریخ اصفهان نور

صادقی — اصفهان هدایت — تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان بهزاد حسینی — تاریخ نائین

سید عبدالحجه بلاغی — فرهنگ تاریخ نائین همو — انساب خاندان نائین همو — تذکرة المقابر

همو — راهنمای اصفهان حسین عمارزاده کربکندی اصفهانی — رجال اصفهان سید مصلح الدین

مهدوی — تذکرة القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان همو — تذکره شعرای اصفهان

همو — تاریخچه محله خواجو همو — بخشی از آثار ربع بهشتی — آتشکده اردستان مؤلف

در سه بخش — فرهنگ اصفهان مؤلف — راهنمای اصفهان دکتر لطف الله هنرفر — گنجینه

آثار تاریخی اصفهان همو — اصفهان جوانان همو — مختصری از آثار تاریخی اصفهان همو —

راهنمای اصفهان عطارپور — تاریخ خوانسار زهرائی — تذکره شعرای خوانسار دلیساری

دیگر از کتابها و رسالات و سفرنامه‌ها که یادآوری همه آنها بدرازا میکشد و با مقدمه کتاب تناسب

ندارد . از استاد روانشاد دکتر محمد معین متوفی (۱۳/۴/۵۰ هـ .ش) که از بزرگان مؤلفان

و محققان و لغت شناسان معاصر و رئیس سازمان لغت نامه دهخدا و استاد دانشگاه تهران بود شنیدم

که استاد مفضال و دانشمند بی همال جلال الدین همائی که از فضلای مبرز و ادباء و شعراء و محققان

پرکار عصر حاضر است کتابی راجع باصفهان تألیف کرده‌اند که از هر جهت جامع است ما و اگر

بچاپ در آید تاریخ کامل اصفهان خواهد بود ! وشایسته است تمام طالبان در انتظار چنین

کتابی باشند ، ما خود استاد همائی هم در مقدمه دیوان طرب باین کتاب اشاره کرده‌اند . بعلاوه در

مقدمه دیوان نیز بوده و در مقدمه برگزیده دیوان شاعر صفاهانی قسمتی از تاریخ اصفهان را شرح داده‌اند

خلاصه اینکه تا زمان تحریر تاریخ جامعی درباره اصفهان بنظر نرسیده که گزارش کننده سرگذشت تاریخی آن باشد

قدر مسلم اینکه اصفهان در گذشته اهمیت تاریخی بسزائی داشته و پادشاهان و امراء و رجال و علماء و محدثان و

عرفاء و شعراء و ادباء و اقطاب بزرگ و صنعتگرانی هنرمند و حرف اندرز و بصیر از آنجا برخاسته‌اند و در

ازمنه پیش از اسلام و بعد از آن حوادث بزرگ و تحولات سترگ در آن روی داده است که از نظر ما مخفی مانده و

اطلاعی از سرگذشت تفصیلی آن در دست نیست .

و اما بناهای تاریخی که در اصفهان و اطراف مربوط بقبل از اسلام وجود داشته بتقریب بورطهٔ نیستی
گرائیده است ، و آنچه بعد از صفویه باقی مانده بود ، هر زمان که دچار اندراس میگردید از اوضاع
کشور طوری بود که کمترین توجهی بتعمیر و مرمت آن معطوف نمیگردید ، مگر اینکه پادشاهی چون
فتحعلیشاه و یا ناصرالدین شاه قاجار عازم عبور از شهری میشدند که مرکز اینگونه آثار بود ، و در
این موقع کارکنان دیوان ناچار بعضی محلهای مورد عبور را سر و صورتی میدادند و آثار مندرس را تعمیر
و مرمت کنند که مبادا مورد مؤاخذه و یا سیاست قرار گیرند ، مثل اینکه یکی دو مرتبه عمارت عالیقاپوی
اصفهان ، یا پل خواجو و جاهای دیگر در اثر پیش آمد عبور پادشاه وقت تعمیر گردید ؛ و الا قطع نظر
از اینکه خرابیها را جبران نمیکردند بیشتر قصور و باغهای سلطنتی و ملی را پیش از طلوع سلسلهٔ پهلوی خراب
و مصالح آنرا مورد استفاده قرار دادند ؛ ولی پس از طلوع آن سلسله حفظ آثار باستانی مورد
توجه و حمایت واقع و بموجب قانون در حدود امکان و همه ساله و همه جا آثار باستانی تعمیر و تحفظ
یافت ؛ و بحمدالله بیشتر آن بخصوص آثار باستانی اصفهان باهتمام انجمن آثار ملی و سازمان حفاظت
آثار باستانی کشور صورت نوی گرفت و از اندراس و ویرانی آن جلوگیری بعمل آمد ، و انتظار
میرود که در زمانی عاجل کلیهٔ آثار باستانی کشور مورد تعمیر و مرمت کامل قرار گیرد .

این همه از نتایج سحر است   باش تا صبح دولتش بدمد

در کتاب حاضر (آثار ملی اصفهان) از آثاری بحث شده که نام ویا اثری از آنها باقی و یا معمور است،

و از اینرو کتاب بشرح زیر مرتب گردیده است :

در خاتمه از توجه انجمن آثار ملی بخصوص تیمسار بزرگوار فرهنگ شعار سپهبد آق‌اولی در انتشار کتاب؛ و از راهنمائیهای گرانبهای استاد دانشمند جناب آقای سید محمدتقی مصطفوی؛ و از اولیای اداره کل باستان شناسی در تهیه عکس از بعضی از آثار باستانی اصفهان و شهرستانهای آن؛ و نیز از کمک تیمسار سرلشکر ضیاء مهدوی اردستانی در تنظیم نقشه آثار تاریخی شهر اصفهان؛ و همچنین از کمک و اهتمام کارکنان چاپخانه اسکار در طبع و تهیه گراور و صحافی کتاب؛ و بطور کلی از همه کسانی که مؤلف را در این امر فرهنگی بنحوی یاری و همراهی کرده‌اند سپاسگزاری نموده و توفیق همگی را در خدمت بفرهنگ از خداوند باری مسئلت مینمایم.

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

بنام یزدان پاك

آثار ملی اصفهان

آثار جمع اثر است ، ودرلغت تازی بچیزی اثر گویندکه ازکسی یاکسانی از دیرین بار بازمانده باشد و دراصطلاح وعرف باستان شناسی آثار ملی بمجموعه‌ای از اشیاء گفته میشودکه درجات تمدن وفرهنگ وهنر و نبـوغ یك ملت را نشان دهد ، مانند ابنیه و مصنوعات باستانی که سبك بنا وطرز ساختمان و یا طراحی و رنگ‌آمیزی و نقشهٔ آنها نمودار تمدن و فرهنگ و هنر بانیان و سازندگان آن زمان است. چون بحث دراین کتاب محدود و راجع به آثارملی اصفهان است نخست بشرح حدود وقلمرو اصفهان پرداخته وسپس باصل موضوع میپردازیم .

جغرافیای تاریخی اصفهان

اصفهان در ادوارگذشته حدود و قلمرو آن متغیر بوده است ، و آنچـه از تاریخ برمیآید، در ازمنهٔ لاحقه وسعت خاك اصفهان کمتر شده است.

در ابتدا وپیش ازاسلام قلمرواصفهان یکصدوبیست فرسنگ دریکصدوبیست فرسنگ وحدود آن مابین اطراف همدان ودینور ونهاوند تا اطراف کرمان ومیانه اطراف ری وقومس تااطراف فارس وخوزستان بوده ودارای سه استان وسی روستاو یکصدوبیست طسوج و پنجهزار قریه وهفت شهر بوده است .

اسامی شهرهای اصفهان

۱- کهثه[۱] **۲-جار ۳- جی ۴- قه ۵- مهرین**[۲] **۶- درام**[۳] **۷- سارویه.**

شهرهای: کهثه- جار - درام- سارویه‌پیش‌ازاسلام ویران گردید ، بطوریکه هنگام فتح اصفهان بوسیله مسلمانان که‌بنا براختلاف سال۱۹ و یا ۲۱ هجرت بوده فقط شهرهای : جی - قه ومهرین[۴] باقی مانده بود ومشتمل بردو استان و بیست‌و هفت روستا وسه هزارو سیصدو سیزده قریه بود .

پس‌از ورود اعراب باصفهان شهرهای قه ازروستای جه وسارویه از روستای کاشان را ویران ساختند وفقط شهرجی باقی‌ماند . دنباله آن هارون‌الرشید استان قم را با چهار روستاکه ازهمدان ونهاوند بآن اضافه شده بود ازاصفهان جداکرد ، و این وضع باقی‌بود تا معتصم شهرکرج را بنا نهاد و به چهار روستا تقسیم و آنرا نیز از اصفهان‌مجزاکرد وبااین‌ترتیب اصفهان بعداز معتصم‌دارای یك استان ونوزده روستا ودوهزارو‌پانصد قریه‌گردید .

بانی و بنای شهر جی

در بانی شهر جی اختلاف است، برخی بنای نخست آن‌را به‌اسکندر رومی با مباشرت : جی‌بن[۵] زراده یا زاردة دانسته‌اند و گفته‌اندکه پهنای پایه دیوار آن شصت خشت بوده است .

برخی دیگر نوشته‌اندکه شهرجی پیش از پادشاهی جم ساخته شده ودرزمان افراسیاب ترك مانند سایر شهرهای ایران شهرخراب‌گردید وخمانی چهرآزاد که

۱- دربعضی ازجاهای کتاب ذکراخبار اصفهان ابونعیم : کهته بتای منقوطه است .
۲- درذکر اخبار اصبهان مهربن بباء موحده نوشته شده .
۳- درذکراخبار اصبهان دررام نوشته شده ولی درست آن چیزی است‌که درمتن مرقوم‌گردید.
۴- مهرین وسارویه ازبناهای طهمورث بوده است . (فارسنامه ابن بلخی ص۳۵)
۵- درذکر اخبار اصبهان ج۱ ازاردة نوشته شده است ولی‌دربقیه مدارك زراده است .

به‌هما دختر بهمن‌بن اسفندیار شهرت دارد پیش‌از ورود اسکندر آن شهر مخروبه را از اساس بنیان نهاد وهنوز بیش از نصف بارو ساخته نشده بود که بدرود حیات گفت ، و چون اسکندر وارد شد از اتمام بنای آن درگذشت و بحال نیمه خراب واگذاشت ، و چنین بود تا زمان سلطنت فیروزبن یزدجرد که آن موقع یکصد و هفتادسال‌پیش‌ازاسلام بود ، فیروز به‌آذرشاپورپسر آذرمانان‌که مردم قریه هراستان ماربین بود دستور داد تا باروی جی‌را بانجام برساند .

پاره‌ای از مورخان بنای شهرجی را به طهمورث دیوبند نسبت داده‌اند ، دسته‌ای‌هم اسکندر را بانی‌آن شهرمیدانند .

کیفیت ساختمان بارو

پایه ساختمان بارو باندازه‌ای استحکام داشت‌که پهنای آن سوای‌گل وملاط چسبیده بآن شصت خشت بود ، وبربالای آن‌کنگره هائی قرار داد وبرای‌کارزار و تیراندازی سوراخها وجاهائی‌را مهیاکرد ، سپس چهار دروازه از چهار طرف بارو درچهار روز آماده‌کرد، دروازه‌ای‌که روی‌آن بطرف میدان بازار بود در روز خور بسته می‌شد وآن را : دروازه خور یعنی دروازه خورشید مینامیدند ، وفردای‌آن روز یعنی در روز ماه دروازه دوم را می‌بست و آن را ماه‌بر یعنی دروازه ماه مینامیدند وآن محل‌را بعدها اسفیس واسفیش ودر زمان حال شئیش نیزمیگویند که محل‌کنونی محله بیدآباد است.

و روز بعد که روز تیر باشد دروازه سوم را می‌بست و آن را تیربر یعنی دروازه تیرکه عطارد باشد میخواندند وروزبعد دروازه چهارم را می‌بستند وآن‌را کوش‌بر[1] ویا دروازه یهودیه میگفتند وعلت تسمیه اخیرآنست‌که عده‌ای‌از اولاد کوش‌بن حام‌بن نوح‌که طایفه الوار باشند در آن‌جا سکونت داشتند .

۱- نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۱۶۵

وضع هندسی دروازه‌ها

وضع هندسی دروازه‌ها طوری بودکه هرگاه خورشید در درجه نخست برج جدی منزل داشت از دروازه خور طلوع ودر دروازه یهودیه غروب میکرد. وهرگاه دردرجه یکم برج سرطان جا داشت، ازدروازه اسفیش طلوع ودر دروازه تیره غروب میکرد.

اسکان شهر جی

شهرجی پیش‌از اسلام‌قلعه‌ای بود برای مردم دهات روستای‌جی وخود مردم در شهر قه‌سکونت داشتند وتنها خانه مطیار بودکه بامر خسروپرویز در ازاء فتح قسطنطنیه برای او در جی ساخته شده بود در آنجا قرار داشت، ولی پس از فتح اصفهان ازطرف مسلمانان وخراب‌کردن شهر قه مردم قه هم درجی ساکن‌شدند.

مساحت جی

دورهٔ باروی جی هزار نی وقطر شهر سیصدوبیست نی‌بود وچنانچه نصف‌قطر ضرب در نصف دورهٔ بارو شود حاصل هشتاد هزارنی خواهد شد وچون هرچهل‌هزار نی یك‌جریب اصفهان بوده مساحت شهرجی دوهزار جریب بوده است.

کوشکهای شهر جی

درشهر جی یکصدو چهارده کوشك بشکل برجهای معوج وموسع در دنباله دوره باروی شهربکیفیتی ساخته‌شده بودکه درهرفاصله معینی چند برج‌باین‌ترتیب وجود داشت:

۱ـ از دروازه خور تا دروازه یهودیه کوچك که یکصدو بیست ذراع فاصله

داشت هیجده برج .

۲ـ از دروازه یهودیه تا دروازه تیره که هزار و صد ذراع فاصله بود سی و سه برج .

۳ـ از دروازه تیره تا دروازه اسفیس که هزارو سیصد ذراع مسافت داشت بیست و چهاربرج .

۴ـ از دروازه اسفیس تا دروازه خور که هزار و چهارصد ذراع فاصله بـود سی وپنج برج .

وبا این کیفیت محیط شهرجی بالغ بر هفتهزار ویکصد ذراع بوده که بذراع دست ده هزار وششصد وپنجاه ذراع میشده وطول آن هزار وپانصد وعرضش هزارو هفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است[۱] .

بنیان یهودیه و حدود آن

پس از اینکه بخت‌النصر یهودیان را از اورشلیم آواره‌کرد آنان سرگردان دراطراف زمین گردش میکردند وخاك اورشلیم‌را که همراه داشتند باخاك آن‌زمین مقایسه میکردند هیچ خاکی‌را مناسب با اورشلیم ندانستند تا اینکه وارد اصفهان شدند ودرمحلی‌که آنرا بزبان عبری بنجار می‌گفتند و معنی‌آن : فرود آئید بود خاك اورشلیم را با خاك آنجا مطابق و موافق دیدند و فرود آمدند و همانجـا را یهودیه‌گفتند .

یهودیه ازطرفی به قریه یوان وطرف دیگر به قریه خرجان وسنبلان‌که همان چمبلان یا چملان یاجمیلان فعلی‌باشد و طرف سوم به‌قرای‌کمائان واشکهان و چهارم بقرای جروائان وخشینان متصل بود و مساحت این قسمت بالغ برهفتصد جریب میگردید وتمام سکنه آن یهود و بکارهای‌کثیف چون : حجامت ـ دباغی- گازری وقصابی اشتغال داشتند .

۱- این‌مساحت برحسب محاسبه محمدبن لره حاسب اصفهانی است .

شهر شدن یهودیه

درسال یکصدو پنجاه واندی گذشته ازهجرت ایوب بن زیاد ازطرف ابوجعفر منصورخلیفه بعنوان عامل وسعیدبن منصورحمیری خال مهدی برای جنگ وارد اصفهان شدند چون سعید تغییر داده شد هردو سمت را ایوب عهده‌دار گردید و در قریه خشینان فرود آمد و درکنار نهر فوسان کوشکی ساخت و در مقابل آن نیز مسجدی بنا کرد که مقصوره داشت و این مسجد تا اوایل قرن پنجم باقی بود، در آن مسجد منبری گذارد و برای بازرگانان و صاحبان متاع بازاری آماده ساخت که دارای صفه‌ها و میدانها بود واین قسمتها در میدان کاه‌فروشان با یهودیه متصل میشد، و در همین موقع خانه‌های قریه خشینان با یهودیه متصل گردید ویهودیه وخشینان به‌شهر واحدی تبدیل‌شدند.

طول مسیر خانه ایوب بن‌زیاد ازدرمسجد خشینان تا در باغ عیسی‌بن ایوب و عرضش از طرف محله کوراء تا ملنجه بود.

چون ایوب مورد سخط خلیفه واقع گردید و ببغداد احضار و زندانی شد عرب قریه طهران (تیران‌فعلی) که بنی‌تیم بودند مصمم شدند مسجد جامع وسیعی بسازند و منبر مسجد ایوب را بآنجا منتقل‌کنند، چون زمین صدر جامع مسقف تا پشت آنجائیکه آب میکشیدند از آن صخربن سنان بود و آن زمین متروکه و در راه طهران (تیران) واقع شده بود تمام آن زمین را بجامع بخشید و جامع وسعت یافت. منبر مسجد ایوب هم بآنجا منتقل‌گردید، این انتقال مصادف با سال یکصدوپنجاه وشش هجری و زمان حکمرانی هانی‌بن ابی‌هانی وپس از انقضای‌پنج سال از عمران وآبادی ایوب‌بن‌زیاد بود. پس‌از آنکه جامع یهودیه درصحرا ساخته شد، پانزده قریه بشرح زیر بشهر یهودیه ضمیمه شد:

۱- باطرقان. ۲- فرسان. ۳- یوان. ۴- خرجان. ۵- فلفلان. ۶- سنبلان. ۷- فرائان. ۸- کمائان. ۹- جوزدان. ۱۰- لنبان. ۱۱- اشکهان. ۱۲- جروائان. ۱۳- خشینان. ۱۴- بروسکان. ۱۵- فابجان.

وچون شهر توسعه‌یافت مردم درتوسعه مسجدنیز کوشیدند و اراضی خصیب‌آباد ضمیمه مسجدشد، ونیز درسال دویست وبیست وشش درخلافت معتصم وامارت یحیی‌بن‌عبدالله بن‌مالك خزاعی‌مسجد تجدید بناگردید وابوعلی‌بن‌رستم‌ـ رستم‌آباد را که مشتمل بر کاروان‌سراها و مستراحها بود پاکیزه‌کرده وضمیمه‌مسجد ساخت، این وسعت اخیر درسال سیصد وهفت هجری و در خلافت مقتدر و امارت احمدبن مسرور اتفاق افتاد .

قلمرو اصفهان در ۲۹۰ هجری

مساحت اصفهان در۲۹۰ هجری هشتاد فرسنگ در هشتاد فرسنگ ودارای هفده روستا بشرح زیر بود :

۱- **جی**. ۲- **ماربین**. ۳- **النجان**. ۴- **براان**. ۵- **برخوار**. ۶- **رویدشت**. ۷- **اردستان**. ۸- **کروان**. ۹- **برزاوند**. ۱۰- **دارك**. ۱۱- **فریدن**. ۱۲- **قهستان**. ۱۳- **قامدار**. ۱۴- **گرمسیر کاشان**. ۱۵- **سردسیر کاشان**. ۱۶- **ارزنان**. ۱۷- **تیمره کوچك**. ۱۸- **تیمره بزرگ** و هر روستا سیصدوشصت قریه داشته است[۱] .

برخی دیگر در همان تاریخ‌عدد روستاها را بیست شمرده‌اند و این روستاها را اضافه کرده‌اند :

۱- **طسوج‌الرود**. ۲- **آران**. ۳- **انار والوار** وعدد قراء آن‌را بالغ بردو هزار وسیصد نوشته‌اند[۲] .

تغییرات وضع‌جغرافیائی اصفهان درهمین‌حدود بوده تابقرن چهاردهم‌هجری رسیده است .

۱ـ البلدان ابن‌الفقیه همدانی

۲- جلد هفتم اعلاق‌النفیسه

تقسیمات اصفهان در قرن چهاردهم

تقسیمات اصفهان در سال یکهزار وسیصد وهشت (۱۳۰۸ ه. ق.) باین ترتیب و شرح بوده:

مرکز شهر اصفهان و نه بلوك بنامهای:

۱- **جی.** ۲- **برخوار.** ۳- **قهاب.** ۴- **برآن.** ۵- **رویدشت.** ۶- **ماربین.** ۷- **لنجان.** ۸- **کرون.** ۹- **کرارج** و **هشت‌محل** بنامهای:

الف - محلهای متصل بیکدیگر موسوم به‌چهارمحل: ۱- **رار.** ۲- **کیار.** ۳- **گندمان.** ۴- **میزدج.**

ب - محال چهارگانه جدا ازیکدیگر: ۱- **سیمرم.** ۲- **جرقویه.** ۳- **اردستان** ۴- **قهپایه** و هرند، و دوقصبه نجف آباد و قمشه.

وپنج ناحیه که عبارت از پنج ناحیه فریدن: - ۱- **ورزق.** ۲- **چادگان.** ۳- **گرجی.** ۴- **کرچنبوت** (تخماقلو). ۵- **چنار رود**[1].

در حدود سال یکهزار وسیصد ونه شمسی سازمان بلوکات اصفهان باین شرح بوده است:

۱- **چهارمحال وفریدن.** ۲- **النجان.** ۳- **ماربین.** ۴- **جی.** ۵- **کرارج.** ۶- **برآن** ۷- **رویدشتین** ۸- **تیران** ۹- **دهق** ۱۰- **کرونین** ۱۱- **برخوار** ۱۲- **اردستان** ۱۳- **قهپایه** ۱۴- **دهاقان** ۱۵- **سمیرم** ۱۶- **اسفرجان** ۱۷- **قمشه** ۱۸- **جرقویه.**

درسال یکهزار و سیصدوسی وپنج شمسی نائین ونطنز هم جزء سازمان استان اصفهان‌شد ودنبال آن یزد هم‌اضافه شد ولی فرمانداری‌های کل چهارمحال وبختیاری و یزد مستقل گردیدند و در حال حاضر استان اصفهان مرکب از شهرستانهای: ۱- اصفهان ۲- شهرضا ۳- نجف‌آباد ۴- فریدن ۵- اردستان ۶- نائین ۷- نطنز ۸- گلپایگان ۹- سمیرم میباشد.

۱- نصف جهان محمدمهدی ارباب اصفهانی ص ۲۲.

عنوان اصفهان

بطوریکه دربنای نخست اصفهان گفته شد کلمه اصفهان در بدو امر به‌مجموعه هفت شهر : کهنه ــ جار ــ درام ــ قه ــ سارویه ــ مهرین ــ جی اطلاق میگردید و چون آن شهرها خراب گردید وفقط شهر جی از آنها باقی ماند ، پس از آبادی یهودیه وخشینان یهودیه جای‌گزین همه آن هفت‌شهر شد ونام اصفهان را بآن‌شهر میگفتند . ولی بتدریج برقلمرو آن افزوده گردید و اصفهان دو عنوان یافت :
یکی شهر اصفهان که همان یهودیه اخیر باشد ودیگر اقلیم یا استان اصفهان.

چرا یهودیه را اصفهان گفتند ؟

درعلت نام‌گزاری اصفهان وجوه مختلفی گفته‌اندکه برخی باساطیر شباهت دارد ، و پاره‌ای از گفته‌ها هم‌سند و دلیلی ندارد ، مانند . قصه سوزانیدن نمرود ابراهیم خلیل را که چون به‌اصفهانیان امر شد که در سوزاندن خلیل‌الله شرکت کنند و از قبول آن خودداری کردند درباره آنها گفته شد: « اسپاه‌آن » یعنی آنها سواران خدایند[1] ، و یا اینکه اصفهان از بناهای اصبهان‌بن فلوج‌بن سام‌بن نوح علیه‌السلام[2] و یا اصبهان‌بن فلوج‌بن لنطی‌بن یونان‌بن‌یافث است[3]. که این دو در اصل روایت متحد بنظر میرسند منتهی در مراتب نسب تغییری وجود دارد .

آنچه منطقی ومناسب بنظرمیرسد وجه تسمیه‌ایست که‌حمزه اصفهانی اختیار کرده و آن چنین است :

لفظ اصبهان و اصفهان و اصفاهان از اسپاهان که‌بمعنی سپاه‌ها و لشکر است گرفته‌شده و اسپاه[4] و اسپه نام لشکر وهم‌نام‌سگ است، زیرا هردو درکار نگهبانی و حراست اشتراك دارند، و ازاینرو اصفهان وسجستان راکه مرکز سپاهی بوده‌اند بترتیب: اسپاهان[5] وسگان یا سگستان خوانده‌اند ، وچون مردم اصفهان از زمان

۱ــ محاسن‌اصفهان ص۶ ۲ــ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶ ۳ــ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶
۴و۵ــ درسنی ملوك‌الارض و الانبیاء اسبه‌واسباه بباء موحدة نوشته شده‌ولی علی‌التحقیق ببای فارسی هم درست است .

کاوه آهنگر بسپاهی‌گری شهرت داشتند و در دوره ساسانیان برای حمل درفش کاویانی فقط از وجود آنان استفاده میکردند و اساوره‌ایکه دربین تازیان شهرت دارد همان سواران برجسته مردم اصفهان را میگفته‌اند یعنی مردم سپاهی یا جای سپاه.

وبرخی طریق نامگذاری‌را چنین گفته‌اندکه در روزگار فرس چون گودرزبن کشواد دراصفهان سوار میشد در دنبال اوهشتاد پسر شجاع و نواده‌ها و اتباع‌دلیر سوار میشدند وچون این منظره بسیار جالب وچشمگیر بود باین دسته میگفتند: اسپاهان یعنی‌لشکر وسپاهی واین‌کلمه بتدریج نام محل‌گردید[1] و دراین‌مورد هم باید اذعان‌کرد که الف و نون آخر معنی جمع میدهد برخلاف وجه تسمیه پیش که الف و نون علامت مکان است چون : گیلان‌که معنی جای‌گیل میدهد[2].

ساختمانهای تاریخی اصفهان

اصفهان‌که در ادوارمختلف زمان ازلحاظ موقعیت جغرافیائی‌وسیاسی وقدمت دربنا موردتوجه حکمرانان وقت‌بوده‌هر کدام از فرمان روایان‌بمناسبتی بساختمان بنا و یا ایجاد اثری مهم پرداخته‌اند ، منتها آن آثار بنسبت مرور زمان و کیفیت ساختمان ویا طرز و سبك ایجاد اثر ، برخی از آنها چنان معدوم شده که نامی هم از آن آثار باقی نمانده است واز موضوع بحث کتاب خارج خواهد بود .

و از بعضی دیگر نامی بجا وپاره‌ای دیگر را اثری باقی مانده که شرح این دو قسمت در سه فصل بیان میگردد :

۱ـ محاسن اصفهان ص۶ .

۲ـ نصف‌جهان فی تعریف‌الاصفهان ص ۱۶۱ .

فصل اول

در بیان آثاری که فقط نامشان باقی‌است و آن مشتمل بر دوگفتار است:

گفتار اول

آثار تاریخی پیش از اسلام

آثار تاریخی پیش از اسلام که تنها نامی از آنها باقی مانده باروها و دژها و آتشکده‌ها ومعابدی است که در آغاز عمران شهرها و دهات وقصبات بنا شده و سپس در اثر مرور زمان و توارد حوادث‌جوی چون طوفان و زلزله و سیل وامثال آنها درمعرض زوال درآمده و برجای بعضی از آنها بنائی دیگر ساخته شده است:

الف ـ باروهائی‌که درحوزه استان اصفهان ساخته شده و بتدریج بویرانی انجامیده وفقط نامی از آنها باقی مانده بشرح زیر است:

۱ـ باروی قلعه طبرك (تبره) درشهراصفهان‌که پیش ازتجدید بنای قلعه بوسیله دیلمیان در زمان ساسانیان ساخته شده بوده است.

۲ـ باروی طهمورثی جی که بوسیله طهمورث دیوبند پادشاه پیشدادی ایران بنا شده وفقط نامی از آن درکتابها باقی است.

۳ـ باروی جی که از طرف فیروزبن یزدجرد آذرشاپوران پسر آذرمانان کشیده بود و معدوم‌الاثر شده است[1].

۱ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۳۸ .

۴- باروی همان شهر که بفرمان هما دختر بهمن‌بن اسفندیار بنا شده بود.
۵- باروئی که اسکندر بگرد شهر جی کشیده بوده است.
۶- **باروی شهر اردستان** از زمان ساسانیان.
۷- **باروی زواره** از پیش از ساسانیان.
۸- **باروی آتشگاه** بین‌راه اصفهان و نجف‌آباد[۱].
ب- آتشکده‌هائی که پیش از اسلام بنا و در زمان حاضر فقط نامی از آنها مانده است:

۱- **آتشکده‌ذروان** اردشیر که بنا بامر بهمن[۲] بن‌اسفندیار معروف به‌اردشیر دراز دست در دارك از توابع خوار[۳] بنا شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست.

۲- **آتشکده مهر** اردشیر در اردستان که نیز بامر همان بهمن‌بن اسفندیار بنا شده.

۳- **آتشکده شهر اردشیر**[٤] که‌همو درقلعه‌ماربن[۵] برپاداشته‌است، ومتأخران احتمال داده‌اند که آتشکده مزبور همان آتشگاه واقع در راه ماربین است و بااین فرض جزء آثار موجود خواهد بود. این سه آتشکده دریك روز بـاین ترتیب: که آتشکده ذروان اردشیر درهنگام طلوع آفتاب وشهر اردشیر در وقت‌ظهر ومهر اردشیر در غروب آفتاب برپا گردید.

۴- **آتشکده سروش آذران** که شاپور ذوالاکتاف درقریه حروان از روستای جی بنا وقرای یوان وجاجاه از رستاق النجان را وقف بر آن‌کرد.

۵- **آتشکده رستاق انارباد** ازدیه ممنور که‌کی‌کشتاسب کیانی آنرا بنا و

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۵.
۲- بنی‌اسرائیل بهمن را کورش خوانده‌اند (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۲۸).
۳- درسنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸. خوا نوشته شده که شاید محرف برخوار باشد ولی در زمان ما جزء قهاب است.
۴- شهر نام سپیده صبح است. و اردشیر نام بهمن. (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸).
۵- مادین و مهرین اصل ماربین است.

املاکی از همان رستاق برآن وقف کرده است .

۶ـ آتشکده شاپور ذوالاکتاف در یوان جروائان اصفهان[۱] .

۷ـ آتشکده‌ایکه بهمن‌بن اسفندیار در دیه جز جزء برخوار بنا کرده بوده است[۲] .

۸و۹ـ آتشکده‌های امهران و جوگند در اردستان[۳] .

ج ـ مساجدی‌که پیش از اسلام محل آن آتشکده بـوده و خـراب و تبدیل به‌مسجد شده :

۱ـ محل قسمتی از مسجد جامع اصفهان که احتمال داده‌اند پیش از اسلام آتشکده بوده و خراب و برروی آن مسجد جامع را ساخته‌اند[۴] .

۲ـ محل مسجد ازیران واقع در هفده کیلومتری غرب اصفهان از روستای برآن‌که از دوره ساسانیان بوده وسپس بعد ازاسلام و خرابی آن تبدیل به‌مسجد گردیده و درتاریخ اول دیماه هزار وسیصد وچهل وهشت (۱۳۴۸) شمسی طی‌شماره ۸۹۰ به‌ثبت باستان‌شناسی رسیده است[۵] .

۳ـ محل مسجد بن‌کویه زواره که دریکصد و نود کیلو متری اصفهان واقع و در زمان ساسانیان محل آتشکده بوده است و سپس در زمان‌اسلام تبدیل بمسجد گردیده است[۶] .

۴ـ محل‌مسجد دیه‌ویدان‌از روستای سفلای اردستان[۷] که دومحراب‌دارد[۸] .

۵ـ محل مسجد خرابه دشت رامیان اردستان[۹] .

د ـ دژها و قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام ساخته شده و در زمان حـاضر اثری از آن باقی نیست :

---

۱ ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص ۸۵ . ۲ ـ نزهت‌القلوب . ۳ ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۱۹ . ۴ـ ومساحت پیشین‌آن سی‌وشش جریب‌بوده (تاریخ اصفهان و ری ص۹). ۵ـ گزارش اداره باستان‌شناسی. ۶ـ آتشکده اردستان ص ۱۵۱ . ۷ـ آتشکده اردستان بخش یك ص ۱۰۳ . ۸ ـ یکی از آنها بطرف بیت‌المقدس و دیگری بمکه. ۹ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۹ .

۱ـ سارویه مشهور به‌هفت هلکه[1]

بعضی[2] این کلمه را ساروق گفته‌اند و در هرحال بینائی گویندکه از ساروج ساخته شده باشد وگمان میرودکه ساروق هم معرب ساروج باشد .

طبق گفته‌حمزه اصفهانی[3] و بنقل از ابومعشر بلخی که صاحب‌محاسن اصفهان و ابونعیم نیز از او نقل‌کرده‌اند و در فهرست ابن‌الندیم هم روایت شده ، درزمان سلطنت طهمورث دیوبند یا زیباوند از دوستداران علوم وحکمت ونجوم حکماءِ و منجمان زمان پیش‌بینی کرده بودندکه طوفانی سهمگین خواهد آمد که همه‌چیز را نابود میکند، طهمورث‌شاه برای ایمن بودن‌کتابهای علمی بخصوص زیج‌شهریاری که مورد عمل در استخراج ارصاد کواکب بود و تا اوائل اسلام هم مورد عمل بوده است ، دستور داد ورقی را که از لحاظ دوام وصحت ممتاز باشد انتخاب وعلوم را برروی آن بنویسند وسپس درجای امنی‌که صلاحیت حفظ آن نوشته‌ها را داشته باشد قرار دهند ، پس از رسیدگی برای‌نوشتن برگ درخت خدنگ (توز) ومحل سپردن آن‌جائی را بنام کهندز سارویه انتخاب و ساختمانی را با ساروج و شفته بناکردندکه مانندا‌هرام مصر استوار وموجب شگفتی‌بود و آن نوشته‌ها را درآنجا بودیعت گذاردند و در زمانی قدیم پیش‌ازحمزه اصفهانی قسمتی‌از ساختمان‌سارویه خراب ومقداری از آن‌کتابها بدست‌آمدکه پس‌از ترجمه از طرف مترجمان‌معلوم گردید راجع بعلوم اوائل است .

درسال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری زمان حمزه اصفهانی نیز قسمت دیگری ویران وخانه‌ای ازآن نمایان‌گردیدکه درآن پنجاه (۵۰) عدل کتاب بود ، چون کسی از وضع ومحتویات کتابها اطلاعی نداشت بکتاب ابومعشر بلخی رجوع ومعلوم گردیدکه‌کتابها در زمان طهمورث‌دیوبند برای‌ایمنی ازحوادث وطوفان درآن‌محل گذارده شده است . و این محل را که‌کهندزسارویه میخواندند تا سال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری باقی بوده ولی در زمان حال اثری از آن باقی نیست . مگر اینکه

۱ـ فارسنامه‌ابن بلخی ص۲۵ . ۲ـ ابن‌رسته دراعلاق‌النفیسه. ۳ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۷ .

تپه اشرف درجی (شهرستان) باقی مانده سارویه باشد . بعضی هم گفته‌اند که مناره ساربان واقع درجوباره درهمان محل سارویه میباشد وساروان محرف سارویه‌است[1].

در فارسنامه ابن‌البلخی آمده‌که سارویه دروسط شهرستان اصفهان و درمیان آبی شیرین وخوش بوده‌که‌کسی منبع آن را نمیدانسته کجاست و در ۴۶۵ رکن‌-الدوله خمارتکین که والی فارس شده بود سر آن را بکند و بر آن کوشکی ساخت که آنرا هفت هلکه خوانند این کلمه بزبان اصفهانی یعنی هفت سوراخ‌است[2].

۲ـ قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام در اردستان درمحلات آن ساخته شده بود[3]. یکی از آنها موسوم به دژ اورنه که فردوسی گفته : ز سرحد ری تا دژ اورنه[4]، و دیگری قلعه خرابه محله رامیان از زمان ساسانیان و بالاتر ، دژ اورنه[5] همان قلعه میان شهر است‌که آتشکده مهر اردشیر درآن برپا بوده وانوشیروان عادل‌نیز درآن متولد شده است[6].

۳ـ قلعه‌ای در روستای النجان که در محاذات قریه روسان و آزادوار محل اقامت بهرام‌گور ساخته شده و اثری ازآن باقی نیست[7].

۴ـ قلعه وهانزاد واقع در رستاق قمذاز که اثری از آن نمانده است[8].

۵و۶ـ دوقلعه درقریه یوان‌واقع در دروازه شهر اصفهان[9]. درفارسنامه ابن‌-البلخی این محل بنام بوان بباى موحدة نوشته شده ولی درست‌آن همان‌یوان بیاء مثناة از زیر میباشد .

۷ـ قلعه جوگند از برزاوند اردستان مربوط به‌پیش از اسلام‌که بنیان آن آتشکده بوده است[10].

هـ ـ معابدی‌که پیش ازاسلام بنا شده و اثری ندارد :

۱ـ تاریخ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲ . ۲ـ فارسنامه ابن‌بلخی ص۳۵ .
۳ـ معجم‌البلدان بنقل ازاصطخری ج۱ ص۱۴۶. ۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۸.
۵ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۲۸ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص ۲۲۲ .
۷ـ محاسن اصفهان ص۲۲ . ۸ـ محاسن اصفهان ص۱۸ . ۹ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۲ . ۱۰ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۸ .

۱ و ۲ـ دومعبد بنام قبةالنصاری که در محله شهشهان و گلبار درزمان خسرو پرویز بنا شده است[۱].

۳ـ کنیسه‌ایکه فیروزبن یزدجرد برای حکیم رومی در میان دوقلعه یوان بنا کرد[۲]، ونیز خانه‌ایکه برای همو درجائی‌که خانه نوشجان بود بناکرد. کنیسه در زمان ابونعیم اصفهانی در محل مسجد جامع کنونی بوده است[۳].

و ـ قصور وکوشکهائی که پیش از اسلام بوده و اکنون جزنام اثری ندارند:

۱ـ قصر چملان یا چلمان واقع در محله چملان یا چلمان درکنار قبرستان بهمان نام و این‌قبرستان قسمتی از باغی بوده‌که ازطرف خسروپرویز برای‌شیرین اصفهانی ساخته شده و قصر مزبور در وسط آن باغ بوده است[۴].

این قصر نقبی داشته که درب آن در قبرستان نامبرده باز میشده و هولناك بوده وکسی آخرش‌را ندیده وبعضی کسان با شمع‌وچراغ‌مقداری راه رفته وبه‌چهار طاقی رسیده و گاهی‌هم تاچهارطاقی پیش رفته‌اند وچون‌احساس تنگی نفس‌کرده‌اند برگشته‌اند . این قصر تا اوائل قرن چهاردهم آثاری داشته است .

۲ـ قصوری که ازطرف انوشیروان دادگر یا پدرش قباد در اردستان برای همدرسها و همبازیهای نوشیروان ساخته شده بوده و تا قرن هفتم هجری باقی و مورد افتخار اعقاب آنان بوده است[۵].

فعلاً محله‌ای در اردستان بنام کوشك موسوم است که نشان میدهد جای آن قصور بوده است .

۳ـ قصوری هم در زواره در زمان ساسانیان ساخته شده بوده که در آنجا هم فقط محلی بنام کوشك وجود دارد[۶].

ز ـ گورستانهائیکه پیش از اسلام دائر و اکنون اثری ندارد :

۱ـ گورستان تاریخی چملان یا چلمان که صابئان را در آنجا در خمره

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۷ . ۲ـ محاسن اصفهان ص ۸ . ۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۴۴ . ۴ ـ جغرافیای اصفهان ص ۳۴ . ۵ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴۹ .

سفالین گذارده دفن میکرده‌اند و درموقع حفریات اسکلتهائی دیده‌شده که‌درخمره سفالین ایستاده دفن شده بوده است[1].

۲ـ گورستان زردشتیان واقع درقسمت‌شرقی مهرآبادسفلای‌اردستان درمحلی بنام ملنگو که بارها هنگام حفرزمین آثاری از مردگان بدست آمده است[2].

۳ـ خانه‌گبرها[3] واقع‌درقسمت‌غربی‌قنات‌بلوچهادرقریه‌شهراب‌سفلای‌اردستان که هنگام خاکبرداری خمره‌هائی از آنجا بیرون آمده ومعلوم میشود مردگان را درآن خمره‌ها دفن میکرده‌اند.

۴ـ گورستان صابئان‌واقع در حدود گنهران‌کرون‌که در اوایل قرن‌چهاردهم هجری درموقع حفرزمین‌گورهائی پیدا شد ودرآن خمره‌های سفالین ایستاده بود که صابئان برای دفن مردگان خود برپا میداشته‌اند[4].

حـ شهرها و ساختمانهائی‌که پیش از اسلام احداث و اکنون تپه خاکی‌است:

۱ـ هفت شهر لیلاز ویا لاسون‌که از نزدیکی دیه‌موغار و مه‌آباد گرمسیر اردستان آغاز و ازکنار زواره و امیرآبادگذشته به‌یزد منتهی میشده است[5].

چنانکه دهان بدهان نقل‌شده‌این‌شهرها مرکزحکمروائی لیلاز پدرکیخسرو کیانی‌بوده ، و در اثر زلزله ویا هجوم ریگ‌روان ویا حمله افراسیاب ترك ویران گردیده و اکنون جز تپه‌هائی خاك‌که درفصل بارندگی و تابش آفتاب اشیائی مانند خرده‌طلا و امثال‌آن ازآن بدست میآید اثری نیست ودراین‌باب این اشعار خرابی هفت شهر را بخوبی مجسم میکند[6]:

موغار که بدمغ آر دیگر نبود آثار	پندار که ذکر مغ گردیده دگردستان
مه باد که بد آباد در عهد مهابادان	بینی‌که شده اینسان ویرانه چوقبرستان

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۴۴۱ .
۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۷۷ .
۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۵ .
۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶ .
۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۴۴ .
۶ـ مطلع قصیده چنین است :

دیدی چو مدائن را با دیدهٔ عبرت هان — زانجا قدمی بگذار در خطه اردستان

وبرای ملاحظه مقطع آن به‌آتشکده اردستان بخش۱ ص۵ رجوع شود .

لیلازودگر لاسون گردیده چنان هامون اطـلال همه بینی در معبـر ریگستان
بس قصر زمردگون چون طاس شده وارون در قعر زمین مدفون گردیده نگارستان
زانجـا نگهی بنمابا دیدهٔ خون پـالا بر بـاروی اردستان یـا بارگـه دستان

۲ـ خرابه‌های ساسانی واقع درشمال مدینةالسادات زواره که طبق تحقیقات باستان‌شناسان اردستان قدیم در آنجا بوده و اکنون جز تپه‌های خاك اثـری دیگر مشهود نیست واین خرابه‌ها بموجب تصویبنامه شماره $\frac{۵۱۹۷}{۱۴۱۰٫۶٫۲۸}$ هیئت وزیران جزو آثار باستانی ثبت‌شده است[۱] و غربیان این خرابه‌هـا را بنام لاسریـه میخوانند. بنظر نگارنده این‌خرابه‌ها اگر از ساسانیان هم باشد باید از عمارتهای اوایل دوره سلطنت ساسانیان باشدکه آغاز عمارت آن پیش از سلطنت قباد و انوشیروان باشد چه همانطورکه نگاشته شد قلعه میان شهرکه مسقط‌الرأس انوشیروان عادل بوده تا اوایل قرن چهاردهم آثاری از آن باقی[۲] واز آن ببعد تبدیل به‌باغ شده ودرزمان حاضرهم بباغ قلعه معروف است.

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۹.
۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۷-۲۸.

گفتار دوم :

در آثار تاریخی بعداز اسلام که فقط نامی از آن باقی است:

الف ـ گورستانهای بزرگ :

۱ـ قبرستان آسیاب چهارسنگ واقع در نزدیکی خاجوی قدیم اصفهان که گورستان یهودیان بوده و اکنون از بین رفته است .

۲ـ قبرستان گلستانه واقع در احمدآباد اصفهان که در زمان صفویه اهمیت داشته و درقسمت شمالی خیابان حافظ‌فعلی جنب چشمه پا قلعه قرار داشته وتاسال ۱۳۵۰ هجری قسمتی از آن باقی‌بود ولی اکنون همه‌آن تبدیل بعمارات گوناگون گردیده است .

۳ـ گورستان باغ خلفاء جنب چهارسو مقصود اصفهان‌که اثری ازآن نیست و در آنجا مدرسه مریم بیگم بناشده است .

۴ـ گورستان باغ سهیل وشیرسبز دراطراف‌طوقچی‌اصفهان‌که مدفن‌سادات گلستانه بوده و از میان رفته و در آن محل مسجدی ساخته‌اند .

۵ـ مقبره بکتاش در حوالی محله حسن‌آباد اصفهان که در حدود هشتاد جریب وسعت داشته و تمام آن تبدیل بخانه‌گردیده است .

۶ـ گورستان بیدآباد اصفهان‌که در دنباله جوی بیدآباد وحوالی یخچال درکوشك بوده و در یکقرن‌ونیم پیش تبدیل بباغ و خانه شده است .

۷ـ گورستان پشت مسجد شاه اصفهان‌که در قسمت جنوبی مسجدشاه قرار

داشته و یکقرن‌ونیم پیش تبدیل به‌خانه وباغ شده است .

۸ـ **گورستان درکوشك** اصفهان‌که پیش از پادشاهان آق‌قوینلو ایجادشده بوده تبدیل به‌عمارات مختلف چون‌مدرسهٔ با قریه‌که بمدرسه درکوشك شهرت‌دارد گردیده است .

۹ـ **گورستان چملان** یاسنبلستان‌دراصفهان‌که بمقبره درب امام اتصال‌داشته بتدریج از بین رفته تا در سال ۱۳۵۵ هجری بقیه آن تسطیح و تبدیل بعمارات شده است .

۱۰ـ **گورستان قبله دعاء** که پیش‌از صفویه مصلای‌اصفهان و درقسمت‌غربی محله آب بخشان واقع و وسعت‌آن ۴۰ هزار ذرع بوده از ۱۳۷۰ هجری تبدیل بعمارات گوناگون شده است .

۱۱ـ **گورستان آل‌ترکه** که در جنب لنبان ، و از قبرستانهای‌کهن سال اصفهان بوده و از بین رفته است .

۱۲ـ **گورستان دوشاباد** یا روشاباد مشهور به‌قبرستان‌شیخ یوسف‌بنا واقع‌در قصر منشی اصفهان از گورستانهای‌قدیمی بوده است‌که طبق دستور شاه‌عباس‌تسطیح ودر آن مسجد ومدرسه وحمام وبازارچه وخانه وقصر احداث شده است .

۱۳ـ **گورستان باغ نقش‌جهان** دراصفهان‌که سلاطین و شاهزاده‌ها و امرای قبل از صفویه درآنجا دفن و هرکدام بتناسب بقعه‌هائی روی قبر آنان ساخته شده بوده است . در عصر شاه‌عباس[۱] و شاید شاه اسماعیل صفوی تبدیل به میدان شده وآن امرچنین‌نقل‌شده: روزی شاه عباس ازطبقه آخر عالی‌قاپو باطراف مینگریست آن بقاع‌که ازآن شاهان وشاهزادگان‌گذشته بود بنظرش آمد پرسید اینها چیست جواب دادندکه قبور سلاطین و شاهزادگان گذشته است . شاه‌عباس گفت فعلاً بیش از یك سلطان لزومی ندارد آن بقعه‌ها را خراب و اینجا را میدان مشق وچوگان

۱ـ طبق‌گفته منتخب مظفری بدستور شاه‌عباس‌بقعه‌های امراء وسلاطین تسطیح و تبدیل‌بمیدان گردیده است .

بازی کنید وچنین کردند .

۱۵- گورستان شهرستان اصفهان

۱۶- گورستان محله‌کران اصفهان‌که در قرون اوائل اسلام دائر بوده است

۱۷-گورستان شهداء در قهجاورستان‌که عده‌ای از شهدای‌مسلمانان درآنجا مدفون شده‌اند .

۱۸- گورستان یهودیه

۱۹- مقبره ملامحمد صادق پلوی اردستانی(۱)

این مقبره واقع بود در آن طرف پل خاجو که بطرف تخت فولاد اصفهان میرفتند و در دست چپ کنار جاده سکوئی‌بودکه در روی آن چندین قبر مشاهده میشد و محل آن گوشه شمال غربی باغ محمود (فعلا محل اداره تنباکو) میبود. یکی از مدفونان درآن سکو حکیم ربانی وعارف صمدانی آخوند ملامحمدصادق معروف به‌پلوی بودکه در هنگام هجوم افاغنه باصفهان در سال ۱۱۳۴ وفات یافت. این محل در حدود چهل سال قبل خراب گردید و آثار موجود درقبر بتخت فولاد منتقل گردید(۲). و درکنار قبر میرزا محمد گلکار عارف (ناصر علی) نرسیده به آب‌انبار تکیه‌کازرونی دفن شد .

۱- وی ازجمله فلاسفه وحکمای قرن یازدهم هجری و از بزرگان الهیون و عرفای زمان خود بود وچون درعصرشاه سلطان حسین صفوی میزیسته و مصادف با دوره تصوف و عرفان بوده اخبار و حکایات مختلفی در باره او نقل گردیده است شیخ‌علی حزین‌که از شاگردان او بوده درباره‌اش چنین‌گفته:

«پس بخدمت سلطان‌المحققین، افضل‌الحکماءالراسخین، المولی‌الاعظم، والحبرالاعلم ، مظهرالمعارف والحقایق مکمل علوم‌السوالف واللواحق، محیی‌الحکمة ابوالفضایل ، مولانا محمدصادق‌اردستانی علیه‌الرحمة‌که از متوطنین اصفهان و بتدریس زبده‌ای از اذکیای فاضل میپرداخت رسیده باستفاده مشغول شدم وی از اساطین حکماء بوده و قرنها بایدکه مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد.» برای استحضار کامل از شخصیت و نژاد ملامحمدصادق اردستانی واحفاد و اولاد اوبه‌کتاب آتشکده اردستان بخش۱ و۲ مراجعه‌گردد.

۲- تاریخچه محله خواجو ص۶۷ .

۲۰ـ مقبره فدای[۱] اردستانی

این مقبره درآن طرف پل خاجوی اصفهان که بطرف تخت فولاد میرفتند در دست چپ جاده روی سکوئی واقع بود و مردم بزیارت مقابر آنجا میرفتندولی در حدود چهل سال قبل ازاین از بین رفت و دیگر اثری ازآن مشهود نیست[۲].

۲۱ـ مقبره شیخ محمدبن یوسف بناء :

محمدبن یوسف بن‌معدان بن‌یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بناء صوفی جد[۳] پدر حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی است‌که درسال (۲۴۵ هـ. ق.) بحج رفت ودرسال (۲۸۶ هـ. ق.) بدرود حیات گفت وی ازعبدالجبار و سعید مخزومی و عابدی و حسین مروزی ومحمدبن منصور خزاز و ابراهیم‌بن سلام‌بن حبیب ومحمدبن جعفربن زنبور وبندار وابوموسی ونصربن‌علی ومحمدبن

۱ـ میرزا محمد سعید متخلص به‌فدا فرزند حاج‌میرزا مهدی بن‌میرزا محمدسعیدبن‌میرمحمد حسین‌بن میریحیی‌بن میرآقابیک‌بن میریحیی‌بن امیرحسن‌بن سیدروح‌الله اردستانی از عرفابوده است. فدا تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و عالیه را در عراق عرب انجام داد وسپس باصفهان مراجعت و بتدریس و افاضه‌پرداخت. پیوسته درمحضرش فضلاء و طالبان علم بکسب دانش و معرفت میپرداختند. وی درعصر آقا محمدخان قاجار درسال (۱۲۰۴هـ.ق) متولد ودر حدود (۱۲۷۰ هـ. ق) وفات یافت. درعصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار ازمشاهیر فضلاء و شعراء بشمار میرفت و مورد توجه بود بخصوص صدر اصفهانی که فرزندان خود را موظف کرده بود از محضر فدا استفاده کنند وپیوسته‌رعایت‌حال اورا مینمود و ازبذل مال‌ومنال‌درباره او مضایقت نداشت . معتمدالدوله‌گرجی حاکم اصفهان نیز نسبت‌باو محبت مخصوصی‌داشت ولی‌هم فدا بیشتر مصروف تدریس و افاده بودوکمتر بسرودن شعر میپرداخت واغلب‌اشعارش در مدایح اهل‌بیت‌اطهاراست بحکم ضرورت قصایدی‌هم درمدح محمدشاه وصدراصفهانی و معتمدالدوله سروده است. دیوان شعر اوهم‌تاکنون بچاپ‌نرسیده و اصل‌آن نزد جناب‌حاج‌آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی ادیب معاصر و نماینده سابق مجلس شورای ملی موجود است‌که از روی‌آن دیگران هم نسخه‌هائی برداشته‌اند. ازاشعار اواست:

مارا که جا بکنج قفس خوش‌بود چه‌غم ‌‌ گر باغبان بباد دهد آشیان ما

۲ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۶۷ .

۳ـ از رسیدگی به‌کیفیت نسب و باضافه آنچه مشهور است مراد جد مادری پدر ابونعیم میباشد زیرا جد پدری پدرش اسحاق بوده است بنابراین باید اذعان کردکه همانطورکه اشتهار دارد شیخ محمد بنای‌صوفی جد مادری‌پدرش بوده است .

میمون خیاط واحمدبن محمدبن ابی برة ویحیی بن حبیب بن عربی واحمدبن عبدالرحمن بن الفضل واسحاق بن الجراح الاذنی و بصریان و اصفهانیان روایت کرده و در شام از شامیان درسال (۲۰۵ هـ. ق.) از برکة بن محمد حلبی وطبقه‌اش حدیث نوشته‌است. ابومحمد حیان اصفهانی درکتاب خود گفته که شیخ مزبور مستجاب‌الدعوة و یکی از سران صوفیان زمان بوده و کتابهای نیکوئی تصنیف کرده است[۱] . پس از وفات در محله خاجوی قدیم درجائی معروف به‌محله پاکوچه شیخ یوسف مدفون گردیده و دارای مقبره و خادم نیز بوده‌است وکتیبه ذیل کتیبه اوزون حسن در صفه صاحب مسجد جامع عتیق باین عبارت[۲] : « هذه‌التجدید عمل جمال خادم الشیخ محمدبن یوسف البناء رحمه‌الله[۳] » دلیل براینست که در قرن نهم هم مقبره باقی و دارای خادم بوده است . و بطوریکه درکتاب تذکرة‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان مذکور گردیده آثار قبر تا سال (۱۳۳۶ هـ. ق.) باقی بوده است .

موضوعی‌که قابل تذکر است اینکه دراصفهان چند تن بنام محمدبن یوسف وجود داشته‌اندکه همه آنها از زهاد ومحدثان وبعضی هم‌متصوف بوده‌اند . یکی از آنها[۴] : ابوعبدالله محمدبن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری است که درسال (۱۸۴ هـ. ق.) وفات و در مصیصه دفن گردیده است و او معروف به‌عروس الزهاد بوده است . دومین[۵] آنان محمدبن یوسف صوفی اصفهانی محدث بوده‌که پیش از قرن چهارم میزیسته وحسین بن محمدبن علی ومحمدبن احمدبن جعفر از اوروایت کرده‌اند و خود نیز از احمدبن مهران وحسین بن علی بن غالب واسطی روایت کرده است .

سومین آنها محمدبن یوسف ابوالعباس اصفهانی محدث است که در بغداد سکونت داشت ومحمدبن المظفر از او وخود ازولیدبن حماد روایت‌کرده است[۶] .

چهارمین آنان محمدبن یوسف بن محمد ابوعبدالله جلاب اصفهانی بوده که خوداز

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۲۰ . ۲ ــ تذکره‌القبورو یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۱۱۱ . ۳ــگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۹۵ . ۴- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۷۰ . ۵ و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۴۹ .

احمدبن مهران ومحمدبن مسلمة وعبیدبن شریك وکدیمی روایت‌کرده واحمدبن یوسف خشاب از او حدیث روایت کرده است[1]. و پنجمین آنـان شیخ محمدبن یوسف صوفی‌بنا جد مادری پدر ابونعیم اصفهانی‌که ذکرش گذشت بوده است. این چند محمد در جد از یکدیگر امتیاز دارند.

۲۲ـ مقبره حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله بن اسحاق‌بن‌موسی بن مهران اصفهانی:

صاحب روضات الجنات[2] در کلمه احمد راجـع بحافظ ابونعیم اصفهـانی چنین گفته:

« شیخ فقیه نبیه ومتقن حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی از اعلام محدثان و روات واکابر حفاظ ثقات است‌که افاضل محدثان ازاو وخود نیز از افاضل اعلام‌نقل حدیث‌کرده است. اوراست: کتاب حلیة‌الاولیاء که از بهترین‌کتابها است و این مطلب‌را ابن‌خلکان تأییدکرده و کتاب معروف بین اصحاب شیعه است‌که از‌آن اخبار مناقب و اخلاق را نقل میکنند و نیز اوراست: کتاب اربعین محتوی احادیثی که راجع بامامت مهدی[3] آخـرالزمان علیه‌السلام است‌که صاحب کشف‌الغمه بمقتضای مقام از آن بسیار نقل‌کرده است. ونیز کتاب ذکرالمهدی واوصاف وجای‌خروجش وثبوتش‌که سیدرضی‌الدین‌بن طاوس درطرائف باو نسبت داده است ولکن ظاهر اینست کـه کتـاب اربعین مهدی و ذکرالمهدی یکی است و با حلیة‌الاولیاء اختلاف دارد. ونیزکتاب طب‌النبی بنا بـگفتهٔ دمیری درحیات‌الحیوان‌وکتاب فضائل‌الخلفاء که حموئی درکتاب فوائد خود باو نسبت‌داده ونیزکتاب حلیة‌الابرار وکتاب‌الفتن وکتاب‌الفوائد که‌سیدهاشم‌بحرانی درکتاب غایة

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۳۰۶.   ۲ ـ ازتألیفات عمدة‌العلماء القمقام حاج‌سید محمد باقربن‌حاج‌میرزا زین‌العابدین خوانساری اصفهانی چهارسوئی متولد (۲۲ صفر۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی سال (۱۳۱۳ ه. ق) است‌که شرح حال عمده علمای اسلام‌را بیان‌کرده است. و در ماده تاریخ وفاتش چنین‌گفته‌اند:

آمدیکی برونو بگوش خرد سرود   قل حبذا بوفدك یا باقرالعلوم.

۳ ـ این کتاب درکتابخانه ملك موجود است و نگارنده دیده‌ام.

المرام خود باو نسبت داده واگرچه ظاهر اتحاد حلیةُالابرار با حلیةالاولیاء است .
و نیز کتاب مختصر استیعاب باو منسوب است . و صاحب معالم‌العلماء در ترجمه
ابونعیم گفته : او مردی است عامی مذهب‌الااینکه اوراست‌کتاب منقبةالطاهرین و
مرتبةالطیبین وکتاب مانزل من‌القران فی امیرالمؤمنین (انتهی) و نیز اوراست :
کتاب تاریخ اصبهان[1] و در این کتاب از او نقل شده‌که گفته جد من مهران اول
کسی است که اسلام قبول‌کرده‌است . و او (مهران) غلام‌عبدالله‌بن‌معاویة‌بن عبدالله
ابن جعفربن ابی‌طالب بوده است . و دربعضی از فوائد امیرمحمدحسین خواتون
آبادی سبط مجلسی است‌که گفته : و ازکسانیکه مطلع شدم بر تشیعش از مشاهیر
علماء عامه همان حافظ ابونعیم محدث اصفهانی صاحب کتاب حلیةالاولیاء میباشد
و او از اجداد جدم علامه مجلسی است و بتحقیق نقل‌کرده است جدم مجلسی از
پدرش مجلسی اول از پدرش تا باو رسیده است وگفته ابونعیم از مشاهیر محدثان
عامه ظاهراً مگر اینکه او از خالص شیعیان‌است باطناً وتقیه‌میکرده است بروفق
مقتضای زمان واز اینرواست‌که درکتاب‌حلیةالاولیاء بیشتر درمناقب امیرالمؤمنین
علی‌علیه‌السلام مطالبی را بحث‌کرده که درکتابهای دیگر یافت نمیشود وگفته‌است
چون فرزند آگاه‌تر از دیگران بحال پدر خود میباشد دیگر شکی درتشیع او
نخواهد بود. پس خدا او را رحمت‌کند ومقدس گرداند ودربهشت با کسی‌که‌دوست
داشته محشورگردد. وصاحب ریاض‌العلماءِ گفته : که ابونعیم از اجداد عالیه محمد
تقی مجلسی و محمدباقر مجلسی است و معروف اینستکه از محدثان عامه است و
لکن شنیدم از مجلسی دوم استادم که‌گفت : ظاهر اینستکه از علمای شیعه است و
از مخالفان تقیه میکرده چنانچه بیشتر از احوال مردم آن زمان بوده است و در
جای دیگر از ریاض‌العلماءِ گفته است :که‌ابونعیم ازنواده‌های دختری شیخ‌محمدبن
یوسف بناءِ صوفی اصفهانی است یعنی همان کسیکه در محله خاجوی اصفهان در
بقعه‌ایکه معروف‌نزد عامه مردم بلحن خودشان ازکثرت استعمال شیخ سبنا میباشد

۱ــ اینکتاب بنام (ذکر اخبار اصبهان) در دو جلد چاپ شده است .

مدفون است . ونیز گفته‌که از جمله مشایخ ابونعیم ابوالقاسم طبرانی صاحب کتاب معجم‌البلدان و دیگر اینکه این کنیه این از او مکبرة و مصغرة گاهی اطلاق میشود بر حافظ ابونعیم فضل‌بن دکین واو از مشاهیر قدمای علمای شیعه و عامه از او روایت کرده‌اند ومورد وثوق است نزد جمیع وگرچه نامش درکتب رجال ذکر نشده واین مطلب از این‌جهت است که‌شهید و نواده‌اش شیخ محمد در رجالیات خودگفته‌اند. و همین‌طور ابونعیم برنصربن عصام‌بن‌المغیرة‌الفهری معروف به‌قرقاره و نیز برپدر شیخ ابوالعباس عقده ونیز بر ربعی‌بن عبدالله البصری از اصحاب صادق و کاظم علیهماالسلام اطلاق میشده است . در تاریخ اخبار البشر است که ابونعیم اصفهانی از حفاظ و قاضی ابوزید موسی از حنفیه و امام ابومنصور ثعالبی و شیخ ابوالفتح بستی ازشعراء معروف درسال ۴۳۰ هجری وفات‌کرده‌اند وابن‌خلکان نیز همین‌تاریخ را تأیید کرده است . حافظ‌ابونعیم‌درهنگام وفات ۷۷سال‌داشت و قبرش (در هنگام تألیف روضات الجنات درحدود اول‌قرن چهاردهم بوده) معروف است در محله درب‌الشیخ ابی مسعود از محلات اصفهان درقبرستان معروف آب‌بخشان و مقبره شیخ ابومسعود نیز درجوار قبر مزبور است .

ونقل شده‌که سید امیر لوحی موسوی‌سبزواری ساکن اصفهان یکی‌ازکسانی بوده‌که با مجلسی عداوت داشته و در زمان خود قبر ابونعیم را خراب کرده است بگمانش این کار توهینی بعلامه مجلسی است و برای اینکه قلب او را بسوزاند مرتکب خراب‌کاری شده است و خداوند نیت او را بهتر میداند مولی نظام‌الدین قرشی شاگرد شیخ‌بهائی درکتاب نظام‌الاقوال گفته: قبر ابونعیم را دراصفهان زیارت کردم برقبرش نوشته بود :

قال رسول‌الله مکتوب علی‌ساق‌العرش لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدبن عبدالله عبدی و رسولی و ایدته بعلی‌بن ابی‌طالب رواه‌الشیخ الحافظ المؤمن‌الثقة العدل ابونعیم احمدبن‌عبدالله سبط احمدبن یوسف‌البناء الاصفهانی ره و رضی‌عنه و رفع فی‌اعلی علیین درجته وحشره مع‌من یتولاه من‌الائمة المعصومین (انتهی) .

و ابن جوزی نقل کرده که وفات حافظ ابـونعیم در ۱۲ محرم ۴۱۲ هجری اتفاق افتاده است و اگر این نظر درست باشد مبنی است بر غلطی در اصل و یـا تصحیفی شده است(۱).

این مطالب از روضات الجنات با نقلی که در آن از کتب مختلفه آورده بود ودر مورد شخصیت ابونعیم و نسب و مقام علمی و روحانی و مدفن او بود ایرادگردید و دراین جا مطالب منقول تمام میگردد .

چند نکته از مطالب مزبور معلوم گردیدمانند اینکه مقبره ابونعیم درمحله مردبان که در زمان حاضر آب بخشان یا آب بخشگان میگویندواقع و در مجاورت خانقاه و باغ و مقبره شیخ ابومسعود رازی بوده است . وتا زمان میرلوحی موسوی سبزواری که معاصر باعلامه مجلسی بوده یعنی تا قرن یازدهم بقعه و مقبره ابونعیم بحال خود باقی وبنابدستور سبزواری بقعه و بارگاهش خراب گردیده وتا سال ۱۳۳۶ هجری اثر قبر نیز دیده میشده و در آن تاریخ کـه قبرستان تسطیح گردید مزار ابونعیم هم ازبین رفت .

نکته دیگر اینکه ابونعیم درکتاب ذکر اخبار اصبهان خود را سبط شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی معرفی کرده ولی در محاوره عوام و بعضی نوشته‌ها او را نواده شیخ یوسف بنای صوفی معرفی کرده‌اند و در نظام‌الاقوال هم بجای شیخ محمد احمد نوشته شده است درصورتیکه احمد دائی پدر ابونعیم بوده‌است‌وبظاهر منافات دارد ولی ممکن است گفت همانطورکه شیخ محمد صوفی بناءِ مشهور بوده پـدرش شیخ یوسف بناءِ نیز معروف بوده و شاید درهمانجا که شیخ محمد مدفون شده شیخ یوسف هم مدفون بوده است و از اینرو به‌مدفن شیخ یوسف و محله شیخ یـوسف شهرت یافته است و اما اینکه اورا نواده احمدبن یوسف بنای صوفی در نظام‌الاقوال گفته دو راه ممکن است داشته باشد یکی آنکه درنوشتن محمد تصحیف و احمد خوانده شده باشد و دیگر اینکه چـون شیخ یـوسف دو پسر دیگـر هم داشته

۱ــ روضات الجنات ص ۷۴ .

یکی بنام احمد و دیگری یعقوب[1] در انتساب ابونعیم باو اشتباه شده باشد. در هرحال ابونعیم برای یوسف ثقفی مقامی قائل نشده و محمدبن یوسف ثقفی را (بناءِ وصوفی) خوانده است.

ب - مدارسی که پس از اسلام احداث و اکنون فقط نامی از آنها مانده است:

۱- مدرسه دده‌خاتون واقع در محله چرخاب و چهارسو نقاشی در شهر اصفهان. این مدرسه در زمان صفویه بوسیله دده خاتون که یکی از بانوان حرم بوده احداث و در اثر مرور زمان بویرانی انجامیده و در اوایل قرن چهاردهم برحسب اجازه علماء وقت مصالح آن بمصرف ساختمان مساجد رسیده است و اکنون محل آن جزءِ اراضی بایر و درکنار خیابان ثریا میباشد[2].

۲- مدرسه آقا مبارک:

این مدرسه را آقامبارک که از خواجگان شاه سلیمان صفوی بوده در شهر اصفهان ساخته و تاریخ بناءِ معلوم نیست. درسال[3] (۱۱۰۵ه. ق) دائر بوده و گویا یکی ازمدارس هفتگانه است که بویرانی کشیده و فعلا اثری از آن نیست. حاجی محمدبن محمدعلی اردبیلی مؤلف جامع الرواة درسال (۱۱۰۰ه. ق) در آن مدرسه مقیم بوده است[4] واین مدرسه را مبارکیه هم خوانده‌اند.

۳- مدرسه اسفندیار بیک:

این مدرسه از بناهای اسفندیاربیك از امرای شاه‌عباس اول بوده است و اکنون محل آن زمین بایری است که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی در خیابان ثریا واقع است.

۴- مدرسه آقاکمال خازن:

این مدرسه درمحله مستهلك اصفهان واقع و بانی آن آقاکمال خازن شاه‌سلطان حسین صفوی بوده است. کتیبه سردر آن حاکی است که بنای مدرسه درسال (۱۱۰۷ه.ق)

۱- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۳۵۲ .
۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۸۷ .
۳- فهرست مشکوة ج۱ ص ۴۵۵ .
۴- فهرست آستان قدس ج۶ ص۵۹۸ .

خاتمه یافته ولی بمرورزمان خراب و آثارآن ازبین [1] رفته است وکتیبه سردرآن که درمسجد رحیم‌خان نگهداری میشود چنین‌است:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ من‌فضل‌الله سبحانه ومیامن دولةالسلطان‌الاعظم و برکات»
«خدمةالخاقان‌الافخم، ظل‌الله فی‌العالم، سیدالسلاطین، قهرمان‌الماء والطین ، السلطان‌بن »
«السلطان، ابوالمظفر شاه‌سلطان‌حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادر خان لازال بابه‌مرجعاً»
«لاعاظم‌السلاطین وفق‌لبناء هذه‌المدرسة خادمه‌الخازن الخزانة عطیاته‌الممتاز بالقرب الی»
«حریم سرادقاته، آقاکمال، جعل‌الله سعیه‌مشکوراً واتفق اتمامها فی۱۱۰۸کتبه عبدالرحیم»
« عمل محمد طاهر ». (۲)

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه بانی آقاکمال خازن و تاریخ اتمام بنـا در (۱۱۰۸ هـ . ق) ودرعصر شاه سلطان‌حسین بوده است. این مدرسه هم یکی از هفت مدرسه ویران شده میباشد.

۵ـ مدرسه زینب‌بیگم:

این مدرسه‌که بانی‌آن یکی از بانوان حرمسرای صفویه بوده در مجاورت محله چرخاب و چهارسونقاشی واقع بوده است و در اثر مرور زمان روبویـرانی نهاده و سرانجام‌در اوایل قرن حاضر برحسب تجویز علمای دین مصالح ساختمانی آن در ساختن مسجد رحیم‌خان وشبستان مسجد نو بکاررفته‌است.

۶ـ مدرسه پریخان‌خانم :

این مدرسه هم مانند مدرسه پیش‌از بناهای پریخان خانم از بانوان صفویه بوده‌که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی واقع بوده است وپس‌ازخرابی مصالحش درساختمان مساجد رحیم‌خان و مسجد نو بکاررفته است.

۷ـ مدرسه حاج آقاکافور:

این مدرسه نیز یکی ازهفت مدرسه مخروبه است‌که ساختمان آن بوسیله حاج‌آقا کافور خزانه‌دار حرم شاه عباس ثانی درسال یکهزاروشصت‌ونه (۱۰۶۹هـ.ق)

۱ـ مصالح‌آن در ساختن مسجد نو بکار رفته است. گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان‌صفحه۸۰۴.
۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۳.

انجام شده است. آنچه معلوم است محل این مدرسه در مجاورت بازار توپچی باشی وبازار محمد امین بوده است.

حاج آقا کافور از خواجه‌های حرم و مردی فحاش و تندخو بوده که هنگام مسافرت شاردن باصفهان با یکدیگر مواجه شده‌اند.

این مدرسه بتدریج روبویرانی گذارده وازبین رفته‌است. گویامصالح ساختمانی این مدرسه هم درساختمان مساجد جدید بکاررفته است.

طبق کتیبه‌ای از مدرسهٔ مزبورکه درمسجد خان واقع درمحله‌دارالبطیخ (به احمدآباد معروف است) نگهداری میشود معلوم میگردد که ازآن مدرسه جز همان‌کتیبه اثری باقی نمانده است وآن‌کتیبه چنین است :

«درزمان دولت نواب کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی »
«مروج مذهب بحق حضرات ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین، السلطان‌بن»
«السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان‌السلطان‌شاه‌عباس الثانی‌الصفوی»
«الموسوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین بره و احسانه،
«کمترین این‌آستان حاجی‌کافور صاحبجمع خزاین عامره‌خالصاًلله و مخلصاً لوجهه
«بنای این مدرسه عالیه‌کرد و وقف برطلبه علوم دینیه اثناعشریه نمود که طلبه »
«علوم دینیه اثناعشریه درمحل مزبور سکنی‌نموده بافاده و استفاده علوم دینیه و»
« معارف یقینیه مشغول شوند، باشد که ثواب‌آن بروح پر فتوح حضرات ائمه »
«معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بروزگار فرخنده‌آثارصاحبقران عایدگردد»
« بحق‌النبی وآله فی‌شهر ربیع‌الثانی سنة تسع و ستین والف کتبه محمدرضا »
« الامامی [1] »

۸ـ مدرسه مریم بیگم :

این مدرسه در نزدیکی محله خاجوی اصفهان و در مجاورت چهارسو نقاشی واقع بوده وتا چندسال‌قبل بطور نیمه‌خراب وجودداشت ولی بصورت مدرسه نبود .

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵

در این اواخر درمحل آن دبستانی ساخته‌اند وازبنای مدرسه قدیم اثری جزدولوح سنگی مرمری که متمم وقفنامهٔ مدرسه میباشد باقی نمانده‌است.

کتیبه سردر مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین ثبت شده بوده است:

«بسم الله الرحمن الرحیم- لقدوقفت هذه المدرسة المبارکة النواب العلیة العالیة الموفقة»
«لافعال الخیر ابنة السلطان الاعظم السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان شاه صفی الصفوی»
«الموسوی الحسینی قدس الله مرقده اعنی ملکة الافاق علی الاطلاق سمیة من افصح عن وصفها»
«الذکر المبین بکریمة یامریم ان الله اصطفیك وطهرك علی نساء العالمین مریم بیگم لازالت»
«موفقة لخیر الدنیا والاخرة بحق محمد وعترته الطاهرة علینقی الامامی ۱۱۱۵.»

و قسمتی از وقفنامه مدرسه چنین است:

«... علوم دینیه بشروطی چندکه دروقفنامچه بتفصیل مذکور و مسطور است»
«وازجمله آن شروط اینستکه بایدسکنه مدرسه مذکوره مشغول تحصیل علوم دینی»
«که فقه و حدیث و تفسیر ومقدمات آنهاست وصالح و متقی و پرهیزگار واز اهل»
«قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده حجره خود را»
«معطل و مقفل نگذارند بلکه شب و روز درحجره خود بمباحثه و مطالعه‌وعبادت»
«مشغول باشند و اگر یك سال براحدی بگذردکه ترقی در حال او بحسب علم و»
«عمل نشده باشد یامظنون مدرس شودکه قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج نماید»
«و جماعتی که درعرض یکسال بحسب علم وعمل ترقی کنند یامظنون شودقابلیت»
«و ترقی ایشان بایدکه زیاده ازپنج سال درآن مدرسه ساکن نشوند، اگر احیاناً»
«حرکت بعضی اشخاص بعداز مدت پنج‌سال‌متعذر یا متعسر باشد یاآنکه درعوض»
«ایشان جمعی متصف بمقامات مذکوره حاضر نباشدبایدکه تا برطرف شدن عذر»
«در مدرسه باشند و نهایتش تا هفت‌سال امابعداز هفت سال البته بایدکه بدرروند،»
«و بر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر متصف بصفات مذکور باشند»
«تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد و حجره‌هارا خالی ومعطل نکند، وهرکه»

«بعداز هفت سال یك روز بماند غاصب باشد و بغضب خدا و رسول خدا گرفتار»
«شود و بایدکه کتابهای علوم وهمیة یعنی علوم شکوك و شبهات که بعلوم عقلیه و»
«حکمت مشهور و معروف است مثل : شفاء و اشارات وحکمةالعین و شرح‌هدایة»
« و امثال ذلك بشبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند و وجه معاش خواه »
« وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیرآنها از هیچ ممری نداشته‌باشند، و بایدکه‌مدرس»
درتمشیت واجراءِ امور مزبوره اهتمام...[1].

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم:

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مشتمل براشعاری‌بوده‌که بخط نستعلیق‌سفید بر کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نوشته شده بوده :

« . . . . . .[2] والانژاد گوهر بحرین ملكو دین »
«نیکو نتیجهٔ شه رضوان مکان صفی » مریم‌بیگم که باد بعمر ابد قرین»
«تا ساخته‌است بهر خدا این بنای‌خیر دارالعیارخانه نقد علوم دین»
« ارباب فضل را که تمامی شکفته‌اند چون‌گل‌شده‌است‌غنچه‌گشای‌دل‌حزین»
«بحری است این‌مدینهٔ علم‌ازبرای‌آن هر حجره‌اش بود صدف گوهر یقین»
« درگلشن زمانه چو نرگس علم شود گل کرد هر که . . .[3] گل زمین »
«چون‌گردغم...[4] ز دل او غبار جهل منزل گزید هرکه دراین‌مسکن‌گزین»
« از جان‌ودل صحیفه نگاردعای‌اوست هرکس دراین مکان مشرف‌شودمکین»
«کردم چو نقشبندی تاریخ این بنا دل گفت ...[5] این علوم دین[6] »

۱- آغاز وقفنامه و پایان افتادگی داشته‌است. گنجینه‌آثار تاریخی ص ۶۶۳ بنقل‌از روزنامه سرنوشت . ۲ - افتادگی در اصل داشته است . ۳ - در اصل ریخته شده بود .
۴- شاید دراصل زدود باشد. ۵- دراصل ریخته شده‌بوده است. ۵ -گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۶۵ بنقل از روزنامه سرنوشت .

آنچه بر دولوح سنگی که موجوداست نوشته شده :

در طرف راست وچپ ایوان شرقی مدرسه مریم‌بیگم در دولوح مرمرین که روز بنا نصب شده بوده چنین نوشته شده بوده :

درلوح اول :

«هوالمعزجلت عظمته- ازجمله شروط سکنای مدرسهٔ مزبوره آنستکه‌باید»
«زوجه یا خانه یا پدر یا صاحب‌خانه یا مادر صاحب‌خانه درچهار فرسخی‌شهر یا»
«زیاده بر چهارفرسخی داشته باشد بایدکه ماهی زیاده بردوشب در آنجا نماند»
«میخواهدکه دوشب را پی‌درپی بماند میخواهد متفرق و هرگاه میسر و مقدورش»
«نشودکه بشرایط مذکوره عمل‌نماید بایدکه دراین مدرسه سکنی ننماید و تظلم»
«نکندکه مرا منع‌میکنند از رفتن بخانه خود یا بخانه پدر یامادر یا زوجه‌خود»
«چه‌کسی مانع ازرفتن‌نشده بلکه‌منع کردیم اوراازساکن‌شدن‌درمکانهای‌غیر بناحق»
«چه‌این مدرسه محل‌ومکان اونیست بلکه محل‌ومکان سکنی‌آن جماعتی‌که وفا»
«کردن بجمیع شرایط مذکوره میسر و مقدور ایشان باشد وهیچ دقیقه از دقایق»
«شرایط از ایشان تخلف نکند وتظلم‌کردن این قسم شخص مانند تظلم‌کسی‌باشد»
«که بگوید نمیگذارندکه خانه مردم را غصب‌کنم وساکن شوم درآن، پس‌این‌قسم»
«شخص خودش ظالم خواهدبودبصورت‌مظلوم‌که میخواهدکه حق‌ومال‌ومحل‌سکنی»
«و مأوای موقوف علیهم را بناحق غصب‌کند و ساکن شود و تظلم هم میکند»
«سنه ۱۱۱۶ . »

درلوح دوم :

«چون شرایط وقفیه‌که درکتیبهٔ مدرسه مرقوم‌گشته‌دوعبارت اجمال دارد»
«لهذا توضیح آن دوعبارت را لازم دانستیم‌که دراجمال‌آنها شبهه نکنندادل‌آنکه»
«نوشته شده‌که تا هفت‌سال بیشتر سکنا در مدرسه نکنندوبعداز هفت سال البته»
«بایدکه بدررونده تفصیل‌آن اجمال‌آنکه بعداز هفت‌سال هرگاه تا شش‌ماه یا کمتر»
«از مدرسه غیبت اختیار نمایند وبعداز غیبت معاودت بمدرسه نمایند بر ایشان»

«حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تاهفت سال درمدرسه مزبوره مجوزخواهدبود»
«دویم آنکه نوشته شده که وجه معاشی خواه وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیرآنها از»
«هیچ ممری نداشته باشند مفصل آن مجمل آنکه وظیفه ومواجب ومددمعاش مستمری»
«از جائی دیگر نداشته باشند واگر مردم از موهبت و عطایاگاهی رعایتی بطلبه»
«مدرسه مزبوره نمایند دراخذ این وجوه مؤاخذنخواهند بود فی تاریخ شهرشعبان»
«سنه ۱۱۱۶ و همچنین اگرکسی راازطلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد»
«که باخراجات اوکفاف نباشد و با وجود آن وجه وظیفه درمرتبه استحقاق باقی»
«باشد توقف آن کس درمدرسه مجوز است وبراو حرجی نیست. علی نقی الامامی».

در تاریخ حاضر کتیبهٔ سر درمدرسه درموزه ایران باستان نگهداری میشود و دیگر آثاری از مدرسه مریم بیگم وجود ندارد.[1]

۹ـ مدرسه افتخارالملك :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناء واقع وبانی آن خانمی بنام افتخارالملك بوده است .

۱۰ـ مدرسه افندی :

مدرسه‌ای بوده که میرزاعبدالله افندی جیرانی اصفهانی متوفی ایام فتنهٔ افغان آنرا در نزدیکی منزلش در اصفهان بناکرده بود واکنون از آن اثری نیست[2]

۱۱ـ مدرسه ایلچی :

این مدرسه درمحله احمدآباد اصفهان واقع بوده وکتابخانه‌ای داشته که آن کتابخانه تاسال یکهزار و سیصدوسی وهشت دائر بوده است[3]

۱۲ـ مدرسه شیخ یوسف :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناجزءِ محله خاجو واقع بوده است[4]

۱- تاریخچه محله خواجو ص۲۹. ۲- تاریخ حزین ص۶۳.
۳- تاریخ کتابخانه در ایران ۴- تاریخچه محله خواجو ص ۳۰

۱۳ ـ مدرسه شاه‌حسن :

این مدرسه در دروازه حسن آباد اصفهان ومجاور قصرشاه حسن واقع بوده و مخروبه شده است واکنون دبیرستان صارمیه جای‌آن مدرسه میباشد.[۱]

۱۴ـ مدرسه سیدرکن‌الدین یزدی :

این مدرسه درقرن هفتم هجری بهمت سیدرکن‌الدین محمد یزدی در بازار خواجه محمود در اصفهان ساخته شده و مشتمل بردارالحدیث و دارالکتب و دارالادویه بوده است ولی دیگر اثری از آن نیست.

موقوفات این مدرسه بشرح زیر بوده:

الف ـ تمام بازار خواجه‌محمودکه دوطرف دارد وبجنب مدرسه است و هر طرفی مشتمل برچند دکان میباشد که درجلوآن درهمان محله واقع است.

ب و ج ـ حمام‌مردانه متصل باین‌بازار وحدود یکی ازدوطرف بازار وحمام منتهی ببازار خواجه‌محمود و کارگاه فخاری وکوچه مشهور به ابوسعید قصاب و باغچه و خانه ورثه سعد پور داود و مستراحها و سقاخانه‌های مسجد امام محمود شفروه میگردد و حدود طرف دیگر بخانه و خزانه سپهسالار فخرالدین مبارز از محله دارالحدیث و ممرومدخل منتهی میشود.

د ـ دکانهای سه‌گانه متصل بهم نوساز واقع درهمان محله و همان موضع و حدودش منتهی براه مسجد منسوب به محمد بن سعید صباغ و به مسجد و بازار خواجه‌محمود وشارع عام و ممر است .

هـ ـ تمام سرای‌نو دوسقف‌که آنرا خود سیدرکن‌الدین محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی یزدی قاضی‌القضات قرون۷و۸ ساخته ودربازارآرتش‌اصفهان واقع و حدودش بدودکان که ذکرش خواهدشد وجزء رقبات وقف است ونیز بمسجد مشهوربه انماطی و بازار امیر سعید بابلاق ومسجد سدید ودکان طباخی و مسجدی که در آن ببازار است وبشارع عام وممر ومدخل منتهی میگردد.

۱ـ تاریخچه محله‌خواجو ص ۱۳ .

و - دکان طباخی که سه‌طبقه ومتصل به‌کاروانسرای محله وبازار مسگر است که به کاروانسرای نواز طرفین منتهی میگردد و نیز دکان بقالی وشارع عام وممر و مدخل.

ز - دو دکان متصل به کاروانسرای جدیدکه یکی ازآن دو بقالی و دیگری نانوائی است درهمان محله و بازارکه حدشان بهمان‌دکان‌وقف وسقاخانه‌وکاروانسری مذکور منتهی میگردد.

ح - دو باب دکان دوسقف حلوائی دربازار عسکر مقابل‌دکان بقالی‌ونانوائی که حدودشان منتهی میشود به دکان موقوفه حرمین شریفین وکاروانسرای امیر- بقمور از دوضلع و شارع عام و ممرومدخل باسایرحدود وحقوق همگی.

ط - تمام قصرمورح واقع دربازار عسکرکه مستغنی‌ازتحدید وتوصیف‌است. و شرط‌کرده است که دارالحدیث و خانه‌هائی‌که در آن مسکن و منزل میگیرند ده نفر از فقهای از اصحاب حدیث منزل نمایند وسالیانه بهرکدام مبلغ $680\frac{1}{3}$ دینار از پول رایج که هرروزی $1\frac{2}{3}$ دینار باشد داده شود. و برای تدریس وتعلیم طلبه علم و فقه مدرس عالم متبحر متفنن و مجتهد ذوفنون درعلم حدیث گمارده شودکه هرروز بعداز نماز صبح بعدازختم قرآن وخطبه و دعاءِ واقف بالقای درس بپردازد. وهرسال مبلغ ۱۸۲ یانصف دینار در روز از پول رایج باو داده شود. ودر آن مدرسه معیدی [1] منصوب شود عالم و دانشمندکه درس استاد را تکرار کند و سالی مبلغ $91\frac{1}{4}$ یعنی هرروز $\frac{1}{4}$ دینار باو پرداخت‌گردد. ونیزامامی‌درآنجا نصب شودکه عالم بارکان نماز و شروطش باشد ومواظب براقامه جماعت درصلوات‌خمس باشد و در هرسال باو $60\frac{3}{4}$ دینار یعنی روزی $\frac{1}{6}$ دینار باو پرداخت شود، و نیز مؤذنی پرهیزگار و متدین نصب شود. ونیز چهارنفر نصب شوندکه پرهیزگار و متدین و حافظ قرآن و دائماً تلاوت قرآن کنند، بخصوص در ایام ولیالی متبرکه و در هرشب جمعه سور خمس مدعوبه پنج الحمد راقرائت‌کنند وبه‌آنان

۱- معید کسی راگویندکه درس استاد را یاکلمات نماز امام جماعت را تکرار کند.

هریك سالی ۱۸۲ $\frac{۱}{۲}$ از پول رایج بدهند که روزی نصف دینار باشد، وبمؤذن ۶۰ دینار و نصف و $\frac{۱}{۳}$ دینار که روزی $\frac{۱}{۶}$ باشد داده شود. و یك نفر مرتب برای نقابت جماعت بطوریکه مرسوم است منصوب شود. وهرسال مبلغ ۶۰ دینار نصف و $\frac{۱}{۳}$ دینار که روزی $\frac{۱}{۶}$ دینار باشد پرداخت شود. وکسی را منصوب کنندکه فراش و دربان باشد و مدرسه را نظارت کند وهرسال ۶۰ $\frac{۳}{۶}$ دینار یعنی روزی $\frac{۱}{۶}$ دینار باو داده شود و هر روزی $\frac{۲}{۳}$ دینار خرج عمارت موقوفات شودکه استنماءِ آن ممکن باشد، و عمارت دارالحدیث و بیت ادویه و توابع آن و پول فرش مناسب آن و باید متولی این مقدار را روزبروز جمع کند، متولی هرسالی مبلغ ۶۰ $\frac{۳}{۶}$ دینار را در مصالح خودش خرج کند، ونیز متولی سالی ۳۴ $\frac{۱}{۶}$ دینار یعنی روزی $\frac{۱}{۱۲}$ دینار به‌مشرف و ناظر مدرسه میدهد و در هرسال برای پول خوراك و خورش و سفره برای قرای سور خمس هرکدام ۳ $\frac{۱}{۳}$ دینار فضی رایج بدهد. و درهرشب رغائب[۱] ۳ $\frac{۱}{۳}$ دینار رایج صرف کند ، و در روز عیدین و مولد نبی صلی‌الله‌علیه واله وسلم ۳۰ دینار یعنی روزی ده(۱۰) دینار خرج کند، و درشب نصف شعبان ۶ $\frac{۱}{۳}$ برای وجه‌مأکول بدهد، ودرشبهای رمضان شبی ده دینار برای پول خرما بدهدکه روزه‌داران افطار کنند، و برای خرج سفره عبورکنندگان و مسافران سالی ۶۰ $\frac{۳}{۶}$ دینار بدهدوبرای مصالح بیت‌الادویه از اشربه و ادویه مفرده و مرکبه سالی ۲۴۳ دینارکه هرروزی $\frac{۱}{۳}$ دینار باشد بپردازد، و برای تکفین مردگان وتجهیزشان هرسال ۱۲ $\frac{۱}{۳}$ دینار خرج کند، و آنچه زایدآمد خرج عمارت مدرسه شود اگرمنهدم شود و اعاده آن ممکن باشد ازمحل محصولات موقوفات دریك سال یاچندسال واگر ممکن نشد صرف فقراءِ و مساکین گردد.[۲]

۱۵- مدرسه جامع تاج الملك:

این مدرسه را ابونصر تاج‌الملك‌ابن بهرام هنگامیکه وزیرشمس‌الدوله بود

۱- شب جمعه اول‌ماه رجب را رغیبه‌گویند وجمع آن رغائب است مجمع‌البحرین.

۲- فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین محمد یزدی.

در اصفهان بناکرد و در آن علوم شرعی وسایر علوم تدریس میگردید.[۱]

۱۶- مدرسه جعفریه :

این مدرسه دراصفهان درقرن یازدهم دائر بوده است [۲]

مدرسه مزبور بزرگ ودارای حجرات وکاشیکاری‌های شگرف بوده و درجنب بقعه جعفریه بود ولی در قرن‌اخیر مجاوران آن مدرسه را بعنوان‌خانه تصاحب کردند[۳]

۱۷- مدرسه حاجی باقر :

این مدرسه را حاجی محمدباقر مـه‌آبـادی در اصفهـان ساخته و درسال (۱۰۷۶هـ . ق) دائر بوده است[۴]

۱۸- مدرسه خواجه ملك مستوفی:

این مدرسه را خواجه ملك مستوفی درمقابل باغ نقش‌جهان پهلوی میدان نقش‌جهان و میدان شاه‌کنونی‌بناء کرده است و در دوران صفویه دائر و عده‌ای از علمای بزرگ مانندآقاحسین خوانساری درآنجا تحصیل کرده‌اند ولی‌فعلا اثری‌از آن باقی نیست. این مدرسه را مدرسه شیخ‌لطف‌الله هم میگفته‌اند چون‌شیخ‌لطف‌الله چندی مدرس آنجا بوده است[۵]. و احتمال هم میرود که مدرسه مزبور با مدرسه عربان یکی باشد .

۱۹- مدرسه خواجه‌نظام‌الملك :

این‌مدرسه‌که بنظامیه اصفهان‌هم معروف‌بوده بهمت خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی احداث و تا قرن هشتم درمحله در دشت باقی و موقوفات آن‌که درآمد سالیانـه‌اش بالغ برده‌هزاردینارمیشده مستأکله بوده است[۶] از مدرسان‌بزرگ‌این‌نظامیه قاضی ارجانی ازاحفاد جابر انصاری بوده است .[۷]

۱- هزاره ابوعلی‌سینا .   ۲- فهرست مدرسه سپهسالار ج۲ ص۴۲۱.

۳- تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰ .   ۴- فهرست استان قدس ج۶ ص۶۱۲.

۵- زندگانی شاه‌عباس‌اول ج۱ ص۲۸۹.   ۶- ترجمه محاسن اصفهان

۷- ازاشعارعربی اواست : ادب‌المرء ظاهره جمیل ـ وباطنه لطاهرة سلیم ـ مودته‌تدوم لکل هول - وهل کل مودته تدوم - تاریخ اصفهان وری ص۲۱۶.

۲۰- مدرسه سارو تقی:

این مدرسه را ساروتقی بنا و درمحله باغات اصفهان واقع بوده است وپس از ویرانی مدرسه حاج‌شیخ محمدعلی بجای آن ساخته شده است[۱]

۲۱- مدرسه سلطان‌محمد سلجوقی :

این مدرسه‌که از مستحدثات سلطان‌محمدسلجوقی دراصفهان بوده اکنون اثری ازآن دیده نمیشودوبعضی گفته‌انداحتمال دارد مدرسه حاج‌حسن باشدکه‌متصل بمسجدعلی واقع درهارون ولایت میباشد[۲].

۲۲- مدرسه سن‌پیروسن‌پل :

مدرسه‌ای بودکه شاه‌عباس اول اجازه داده بود کشیشان کرملیت دراصفهان تأسیس کنندتاکودکان اتباع و میهمانان عیسوی‌زبان‌اروپائی درآن تحصیل‌کنند[۳].

۲۳- مدرسه شاهزاده‌ها :

این مدرسه را شهربانوخانم دخترشاه‌سلطان‌حسین صفوی در نزدیك مسجد حکیم اصفهان درانتهای بازار رنگرزان درزمینی بمساحت یك‌جریب ویك‌قفیز دو طبقه ساختمان‌کرد وحمام شاهزاده‌ها را موقوفه‌آن قرار داد و طلبه‌نشین بود[۴]. از مدرسان معروف‌آن مدرسه ملاعبدالجواد حکیم بوده است. این مدرسه خراب و تبدیل بدبستان‌گردیده است[۵]

۲۴- مدرسه‌شفیعیه : [۶]

این مدرسه درسال (۱۰۹۹هـ. ق) بهمت محمد شفیع میرزا حسینی در محله احمدآباد اصفهان درعهد سلطنت شاه‌سلیمان صفوی ساخته شده است.

تاریخ آغاز و اتمام ساختمان‌را چنین سروده‌اند:

خرد سال آغاز و انجام را　　　　در فیض گفت مقام افاضل
　　　　　　　　　　　　　　　　۱۰۹۴　　　　　۱۰۹۹

۱- تاریخچه‌محله خواجو ص۲۹ وتذکره‌نصرآبادی ص۲۴۷. ۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۷۹. ۳- زندگی شاه‌عباس اول ج۳ ص۷۰ ۴- نگارنده‌آنرا دیده بودم مدرسه‌ای معمور بود. ۵و۶- تاریخ اصفهان وری ص۳۰۶و۳۰۸

واز ماده تاریخ مزبور معلوم میشودکه آغاز بنا در۱۰۹۴ و ختم آن در۱۰۹۹ بوده است. مساحت این مدرسه حدود یك‌جریب و متصل بخانه‌های خود بانی‌بوده که مجموع آنها درحدود دوازده جریب وهنوز نژادش‌که معروف به نوابان‌حسینی و اولاد دختری‌صفویه‌اند درخانه‌ها سکونت دارند ولی مدرسه خراب و از صورت نخست خارج گردیده است. دارای سردری‌باکاشیهای معرق‌بوده‌که از بین‌رفته‌است.

۲۵ ـ مدرسه شیخ‌الاسلام :

مدرسه‌ای بوده درشهر اصفهان‌که‌آخوندملامحمدباقرسبزواری درآن‌تحصیل میکرده است [۱]

۲۶ ـ مدرسه‌شیخ‌لطف‌الله :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع و درسال (۱۰۱۵هـ . ق) دائر و طلبه نشین بوده است [۲] و احتمال دارد این‌مدرسه با مدرسه خواجه‌ملك مستوفی‌که در جنب مسجد شیخ لطف‌الله واقع بوده یکی باشد چه شیخ لطف‌الله مدرس این مدرسه نیز بوده است .

۲۷ ـ مدرسه نقاشان :

این مدرسه در تختگاه هارون ولایت‌شهر اصفهان‌واقع‌بوده و درویش‌یوسف کشمیری [۳] مدتی درآن سکونت داشته است [۴]

۲۸ ـ مدرسه نجفقلی‌بیك :

این مدرسه دراصفهان واقع و از بناهای نجفقلی‌بیك ناظر شاه‌سلطان حسین صفوی است ودر (۱۱۰۴هـ . ق) ساختمان آن بپایان رسیده است [۵]

۱ـ تذکره نصرآبادی

۲ـ تاریخ خط و خطاطان ج۱ ص۲۰۸

۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۴

۴ـ ازکشمیر باصفهان‌آمده‌متاهل‌شد ودرمدرسه نقاشان سکونت و از فنون علم بهره داشت . او راست :

ای آنکه ترا دیدن رویش هوس است — نالان دلت ازبهر رخش چون جرس است

زنهار مکن تکیه بلطفش زنهار — همراهی شعله آفت خار و خس است

تذکره نصرآبادی ص۲۰۴ .

۵ـ فهرست آستان قدس ج۵ ص۵۹

۲۹ ـ مدرسه میرزا رضی :

این مدرسه از بناهای میرزا رضی صدر اصفهانی است که در عهد صفویه صدارت داشته ودرشهر اصفهان واقع بوده است[1]

۳۰ ـ مدرسه میرزا تقی :

این مدرسه درمحله جماله‌کله اصفهان بهمت میرزاتقی[2] بن محمدباقر دولت آبادی درزمان شاه‌عباس ثانی درسال (۱۰۷۱ ه.ق) ساخته‌شده وچنانچه سید نعمت‌الله جزائری درشرح‌حال خود نوشته این مدرسه را میرزاتقی برای سکونت او ساخته و چندسال جزائری درآن مدرسه ساکن و بتحصیل اشتغال و ازمدارس نامی آن‌زمان بشمار میرفته است .

در زمان حال مدرسه مزبور درتصرف ابوالحسن بیك نامی‌است واحتمال‌داده شده‌که در اوائل قرن چهاردهم هجری بتصرف اشخاص درآمده‌است.

از این مدرسه درتاریخ حاضر اثری ازصورت‌مدرسه نیست و خانه است‌ولی درموقعیکه دائر بوده کتیبه سردرآن چنین خوانده شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ قدوفق ببناء هذه‌المدرسة فی‌زمن دولة‌السلطان‌الاعظم »
«والخاقان‌الاکرم، مولی ملوك‌العرب والعجم ، قهرمان‌الماء والطین ، مروج مذهب الائمة
«المعصومین علیهم‌السلام ،السلطان بن‌السلطان بن‌السلطان والخاقان بن‌الخاقان بن‌الخاقان(۳)...
«ابن مرحوم محمدباقر دولت‌آبادی کتبه محمدرضاالامامی الاصفهانی.»

«این بنا را سه نام نامی آن   که فرح‌بخش شاب و هم شیخ است»

«اولین : مدرسه دویم : طیبه   سیمین : خالصیه تاریخ است »

۳۰۹   ۲۶   ۷۳۶

ومعلوم میگرددکه نام‌مدرسه : مدرسهٔ طیبه خالصیه است ودرسال یکهزارو هفتادویك بنای‌مدرسه پایان پذیرفته‌است .

بطوریکه نوشته‌اند این‌مدرسه رامدرسهٔ‌حوابیگم نیزخوانده‌اند واگر چنین شهرتی درست باشد بایدگفت‌که‌بعدازبنای‌نخست‌ازطرف حوابیگم‌که ازحرمسرایان

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۶۰۸ بنقل ازروزنامه سرنوشت   ۲ـ انوارالنعمانیه سیدنعمت‌الله جزائری .   ۳ـ تراشیده شده بوده‌که نام بانی معلوم نباشد .

بوده تعمیری بعمل آمده وباین نام هم خوانده شده است. این کتیبه را دانشمند متوفی سیدمحمد صدرهاشمی درروزنامه سر نوشت شماره ۲۱ و ۲۲ سال اول آن روزنامه نوشته است .[۱]

۳۱ - مدرسه محرمیه :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع ودر بیست وششم جمادی الاولی سال (۱۱۰۸) محمدبن الغنی الجبلی درآن اقامت داشته است[۲]

۳۲ - مدرسه محمدصالح :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف جزء خاجوی اصفهان واقع بوده است[۳]

۳۳ - مدرسه مرتضویه :

این مدرسه در تاریخ سال یکهزار وصدویازده (۱۱۱۱ه.ق) در شهر اصفهان دائر بوده است[۴]

۳۴ - مدرسه کوچه کلباسی :

مدرسه‌ای بوده واقع درنزدیکی مسجد حکیم اصفهان که بوسیله حاجی قرچقای بیك در زمان شاه صفی در سال (۱۰۷۵ه.ق) بناگردیده و در اثرمرورزمان تبدیل بخانه شده والآن به کوچه کلباسی معروف است.

قطعه‌ای روی سنگ سقاخانه روبروی سردرشمال غربی مسجد حکیم نوشته شده که حکایت ازوجودچنین مدرسه وبانی آن وبانی سنگ آب آن میکند ولی چند جا افتادگی داشته و خوانده نشده است .

و قطعه چنین است :

«شاه جنت مقام شاه صفی	که روانش غریق رحمت باد»
«داشت یك بندهٔ رضایت بخش	پاك گوهر . . . . . . »
«قرچقای بیك آنکه حضرت حق	از عنایت قبول حجش داد»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۰۸

۲-۳- تاریخچه محله خواجو ص ۳۰

۴ - فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۱۱ ص ۲۳۱۲ .

«کرد عالی بنای مدرسه‌ای — که ز فیضش ملك خبر میداد»
«خواجهٔ او که حاجی نصرت بود — بعطاء شه کریم نژاد»
«سنگ آبی نمود وقف که هست — کوثرسلسبیل . . . . . . »
«این سعادت بخیر جاری یافت — در زمان شهی بعدل و بداد»
«شاه عباس ثانی آن کوهست — صدچوفیض وجود اوبو . . . »
«بهر تاریخ آن رسید : «ندا — رحمت ایزدی براین کس باد»

درواقع ماده تاریخ (ندا رحمت ایزدی براین کس باد) است. وآن بحساب جمل مساوی است با (۱۰۷۵) که تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان نوشته است. این مدرسه دراثرمرور زمان ازبین‌رفته وچون مقبره مرحوم‌حاج‌محمد ابراهیم‌کلباسی متوفی (۱۲۶۱ه . ق) درمقابل در شرقی مسجد حکیم واقع شده‌محل مدرسه دربدو امر به مدرسه‌کلباسی وسپس بکوچه کلباسی اشتهار یافته است[۱].

قطعه مزبور حکایت از بانی‌که حاج قرچقای بیك باشد وزمان سلطنت شاه عباس ثانی وبانی سنگ‌آب آن‌که حاجی‌نصرت باشد مینماید.

۳۵ ـ مدرسهٔ کلباسی[۲] :

این‌مدرسه درکوچه‌جنب‌مسجد حکیم دراصفهان واقع وبانی‌آن‌حجة‌الاسلام حاج محمدابراهیم‌کلباسی بوده ویکجریب وسعت‌داشته ودرسال۱۳۵۷ه.ق باهتمام

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۸۵

۲ـ حاج‌محمدابراهیم کلباسی فرزندمحمدحسن کاخکی‌است‌که پدرش ازهرات باصفهان‌آمده‌از معاریف فقهاء و مجتهدان وعلماءومحققان قرن‌سیزدهم بشمارمیرفته ودرزهدوتقوی‌ضرب‌المثل بوده است.

باحجة‌الاسلام رشتی معاشرت ومصاحبت داشته وهریك مورد احترام دیگری بوده‌اند. وی در روز نوزدهم ربیع الثانی سال(۱۱۸۰ه.ق) دراصفهان متولدگردیده ومقدمات‌علوم را در اصفهان تحصیل و سپس برای تکمیل بعتبات‌عالیات مسافرت‌کرده ودرآنجا از اعلام کرام چون وحید بهبهانی وآقاسید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض استفادتها برده وپس‌از مراجعت درقم از محضر میرزای قمی ودرکاشان از ملامهدی نراقی و باصفهان مراجعت وبتدریس پرداخته است وعده‌ای از بزرگان علماء ازمحضرش استفاده کرده‌اند. ودر جمادی‌الاولی (۱۲۶۱ ه . ق) وفات یافت(تذکرة‌القبور یابزرگان ودانشمندان‌اصفهان‌ص۴۶)

نبیره‌های کلباسی[1] اکنون تبدیل بخانه شده است.

۳۶ـ مدرسه صفویه:

این مدرسه درشهر اصفهان پشت باغ شرکت هند وهلند درمحله **بی نقابان**[2] واقع بوده است.

محله بی نقابان از سه کوچه وهفت کاروان‌سرای بزرگ تشکیل میشده و آن کاروان‌سراها را کاروان‌سرای بی نقابان میخوانده‌اند وزنان روسبی که مالیات دیوانی برای کارشان میپرداخته‌اند درآن کاروان‌سراها اقامت داشتند. این مدرسه درزمان شاه‌عباس اول دائر وطلبه نشین بوده است[3]

۳۷ ـ مدرسه عمر بن عبدالعزیز:

این مدرسه را قطب‌الدین محمودشاه آل‌مظفر (۷۶۷ـ۷۷۸هـ.ق) در محل مسجدجامع شهراصفهان بناکرده است[4]. بنظر نگارنده مدرسه از بناهای عمر بن عبدالعزیز بوده وبهمت قطب‌الدین محمود تعمیر شده‌است.

۳۸ـ مدرسه فاطمیه:

این مدرسه درسال (۱۰۶۷هـ.ق) در شهر اصفهان دائر و طلبه نشین بوده است[5].

۳۹ـ مدرسه فخریه:

مدرسه فخریه‌را فخرالملك بن خواجه نظام‌الملك طوسی درشهر اصفهان بناکرده وتاسال (۱۰۹۸هـ.ق) طلبه‌نشین بوده است.[6]

۱ـ گمان میرود مدرسه کلباسی ومدرسه کوچه کلباسی و مدرسه قرچقای‌بیك هر سه‌یکی بوده است باین‌طورکه مدرسه قرچقای‌بیك بوسیله کلباسی تعمیر ویاچون درآن مدرسه درس میداده بنام او معروف شده ودرهرحال دیگر اثری از هیچکدام نیست (تاریخ اصفهان دری ص۴۱۶)

۲ـ چون زنانی که عفیف بوده‌اند حجاب ونقاب داشتند از اینرو زنان روسبی‌را بی‌نقابان میخواندند. نقاب پارچه‌ای بودمشبك که زنان برروی خود میانداختند.

۳ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۵۶.

۴- راهنمای اصفهان عطارپور ص۴۸

۵- فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه‌تهران ج۱ ص ۴۲۱

۶- فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۳ ص ۲۷۷

۴۰- مدرسه فرچقای بیک :

مدرسه‌ای بوده واقع در بازار رنگرزان اصفهان[۱] . و ظاهراً این مدرسه همان مدرسه معروف بمدرسه کلباسی و یا کوچه کلباسی است.

۴۱ - مدرسه شهشهان :

مدرسه‌ای بود که شاه علاءِالدین محمد مقتول در (۸۵۰هـ . ق) هنگام بنای خانقاه وحسینیه درمحله شهشهان اصفهان که قبلا نام محله مزبور دریه بوده بنا نموده ولی بمرورزمان وپیش آمد حوادث اثری ازآن باقی نمانده‌است[۲]

۴۲ - مدرسه دردشت :

این مدرسه درمحله دردشت اصفهان ودردنباله آرامگاه سلطان‌بخت آغامقتول در(۷۶۹ هـ. ق) واقع شده است وظاهراً آثار مدرسه درقرن سیزدهم باقی بوده ولی درقرن حاضر ازآن اثری نیست . بانی مدرسه‌هم معلوم‌نیست‌ممکن است‌ازبناهای خود سلطان‌بخت آغا باشد چنانکه سنك مزار خودرانیز درزمان حیات آماده کرده بوده واحتمال‌هم دارد از بناهای سلطان‌محمود از آل‌مظفر باشد وچون امامزاده شوری هم در نزدیکی آن مدرسه بوده شاید این مدرسه همان مدرسه امامزاده شوری باشد[۳]

۴۳ - مدرسه کران :

مدرسه‌ای بوده‌که خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی درمحله کران اصفهان بنا کرده بود، وچون خواجه درمذهب حنفی اصرار وتعصب داشت مقرر کرده بودکه بربالای درب مدرسه نام شافعی‌را ننویسند، بلکه بنویسند: وقف علی‌اصحاب‌امامی‌الائمة صدری‌الاسلام.[۴] و ممکن است این مدرسه هم همان نظامیه اصفهان باشد .

۴۴ - مدرسه علمیه طاهریه :

این مدرسه درشهر اردستان درمحله فهره درجنب بقعه پیر مرتضی‌علی

---

(۱) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۸۵. (۲-۳) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی اصفهان‌ص۱۵۸.

(۴) تجارب السلف

اردستانی عارف مشهور قرن نهم هجری واقع وازبناهای میرزامحمد طاهراردستانی بوده است و برای تحصیل علوم دینیه ساخته شده و رقبات موقوفه‌ای برای آن معین کرده که بشرح زیراست :

یکم مزرعه چاهریسه در علیای اردستان - دوم - مزرعه خرونده در سفلای اردستان - سوم مزرعه ارسوره نزدیك شهراردستان - چهارم یکطاق وربع محله کبودان - پنجم - زمین یکباب عصارخانه واقع درمحله بازاراردستان. این مدرسه درنیمه‌دوم قرن حاضر بوسیله اداره معارف وقت خراب وجزء دبیرستان آنجا گردید[1].

۴۵ - مدرسه درویشان :

این مدرسه درمحله خاجو ومجاور قبرشاه حسن بوده‌است ولی دراین زمان اثری ازآن نیست[2]

۴۶ - مدرسه مادرشاه :

این‌مدرسه ازمدارس‌بزرگ اصفهان وبوسیله مادرشاه‌احداث‌ودرحدودشاهزاده ابراهیم قرار داشته است[3]

۴۷ - مدرسه‌الماسیه :

این مدرسه درچهارسو مقصود اصفهان واقع و دارای ششصد ذرع مساحت و دوطبقه بود ولی درسال هزاروسیصدوپنجاه‌وپنج قمری‌خراب‌گردید. وآجرهای آن بفروش رفت[4]. این مدرسه ازآثار حاج‌الماس نامی از غلامان دربار صفوی بوده و وقفنامه‌ای از این مدرسه بتاریخ یکهزارویکصدوچهار هجری قمری هنوز باقی است.[5]

۴۸ - مدرسه شهرستان :

این مدرسه درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع بوده است و بمرورزمان از

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ ۲- تاریخچه محله خواجو بنقل ازسفرنامه شاردن ص۱۳ ۳- تاریخچه محله خواجو ص۳۱ ۴- تاریخ اصفهان وری ص۴۱۲ و ص ۳۰۴ ۵- بخشی ازگنجینه‌آثار ملی‌ص۳۶

میان رفته است.[1]

۴۹ ـ مدرسه خواجه محبت :

این مدرسه درقرن یازدهم درعصر شاه‌سلیمان صفوی دراصفهان دائر بوده و محمدداود تویسرکانی برادرزاده قاضی‌حسن‌تویسرکانی درآنجا تحصیل‌میکرده است و اکنون اثری از آن مدرسه نیست و ممکن است جزء آن هفت‌مدرسه باشدکه در قرن چهاردهم مصالح ساختمانی مخروبه‌آنها صرف ساختن‌مساجدگردیده است[2]

۵۰ـ مدرسه خواجه‌صدرالدین علی‌طبیب :

خواجه‌صدرالدین‌علی‌طبیب که ازطرف‌سلطان‌محمدگورکان‌حاکم‌اصفهان‌بوده دراصفهان و نواحی سه‌مدرسه‌ساخت. یك مدرسه درحوالی‌مسجدجامع قدیم درجنب خانه‌میرزاهدایت‌الله طبیب‌که درزمان مؤلف تذکره نصرآبادی‌قرن یازدهم‌کتابه‌آن موجود بوده است و گویا میرزاصدرالدین جابری داخل کاروانسرای خود کرده بوده است و درهمان زمان حیات نصرآبادی دیگر اثری ازآن باقی نبوده‌است[3].

۵۱ـ مدرسه صدرالدین علی‌طبیب :

این‌مدرسه را صدرالدین علی‌طبیب اصفهانی‌حاکم‌اصفهان‌درمحله باباقاسم در کوچه‌میرزاشریف‌حکیم‌بناکردوچندی‌آن‌مدرسه مهمانخانه میرزایوسف‌نامی‌بود و سپس عده‌ای درویش درآن مسکن‌گزیدند ولی اکنون اثری از آن مدرسه وجود ندارد[4].

ج ـ مساجدی‌که بعد از اسلام احداث و اثری ازآنها باقی نیست:

۱ ـ مسجدخرابه قدیمی که بجای‌آن مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تجدید بنا گردیده است[5].

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۲ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۱

۳ـ تذکره نصرآبادی ص۴۵۷ ۴ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۵۷ ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۱۱۰

۲ ـ مسجد آقاسی .

این مسجد درمحله میدان کهنه اصفهان واقع وآثاری ازعهد پارسیان درآن دیده میشده و عوام آنرا نقاره‌خانه ملکشاه مینامیدند و درزیرزمین آن معبری‌بود وچاهی داشت‌که‌آنرا چاه‌دجال میخواندند ونیز کاشیهای‌گران بهائی داشت‌که‌نقوش ستاره‌های منطقة البروج وماه وخورشید برآن‌رسم شده بود وگمان میرفت که این محل در زمان پیش ازمسجدشدن میکده بوده است. کاشیهای دیگری‌هم داشت‌که صورت‌گاو وببر بران رسم‌بود ونشان میداد که درزمان دیالمه درآن تعمیری بعمل آمده است. این مسجد درسال (۱۳۰۷هـ.ش) در معرض خیابان قرار گرفت واکنون کاشیهای متفرقه‌ای بنام مسجد آقاسی در چهلستون اصفهان نصب است[۱]

۳ ـ مسجد انماطی :

این مسجد در اوائل قرن هشتم دائر بوده و محل آن بازار خواجه محمود در اصفهان بوده است[۲].

۴ـ مسجد امام محمود شفروه:[۳]

این مسجد نیز در اصفهان دربازار خواجه‌محمود واقع و درقرن هشتم دائر بوده است و ظاهراً امام را تب این مسجد امام محمود شفروه بوده است نه‌بانی آن و این امام محمود شفروه‌نیز از خاندان شفروه بوده است .

۵ـ مسجد سدید.

این مسجد دربازار امیرسعید بابلاق واقع ودرقرن هشتم دائر بوده‌است.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۱ ۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

۳ـ کلمهٔ شفروه را تفسیرهای مختلفی کرده‌اند ولی‌آنچه معلوم است در اصفهان بیشتر مردم بخصوص طبقات ممتاز ، القابی داشته‌اند و درزمان اعراب و دوره خلفاکه عربیت غلبه داشته این‌القاب را معرب کرده‌اند مانند سه لبه که سلفه شده وهمین‌طور شب روه یعنی کسیکه شب راه میرود به شفروه معرب گردیده است و خانواده بزرگی بوده‌اند مانند سلیمان بن احمدبن جلال‌الدین محمدبن‌الشریف رکن‌الدین علی بن جلال‌الدین محمدبن هبةالله‌بن حمزة معروف به شفروه اصفهانی که بعداز(۹۵۳ هـ . ق) وفات‌یافته وازعلماء وبزرگان عصرخود بوده‌است .

←

۶- مسجد محمدبن‌سعید صباغ :

این مسجد در بازار خواجه‌محمود درشهر اصفهان دائر و بانی‌آن محمدبن سعید صباغ بوده است.

۷- مسجد بازارخواجه‌محمود :

این مسجد نیز دربازار خواجه محمود اصفهان واقع و درقرن هشتم دائر بوده است .

۸- مسجد روبروی بازارعسکر :

این مسجد نیز درمجاورت بازار عسکر اصفهان در قرن هشتم دائرومقابل و روبروی بازار عسکرواقع بوده است.

۹- مسجد بازارامیرسعید بابلاق :

این مسجدنیز در اصفهان در بازار امیرسعید بابلاق واقع و در قرن هشتم دائر بوده است .

۱۰- مسجد باذانه:

این مسجد درمحله باذانه یهودیه اصفهان واقع و بانی‌آن ولیدبن ثمامة امیر اصفهان بوده‌که در ۱۵۰ هجری بناکرده است [۱] .

→ دیگری شرف‌الدین‌محمد یا عبدالمؤمن بن هبةالله یا فضل‌الله شفروه متوفی (۵۹۸ ه. ق) که از طرف اتابك شیرگیر ملقب به‌ملك‌الشعرائی گردیده و دیگری ظهیرالدین عبدالله‌بن شفروه از شعراءکه برادر یا پسرعم شرف‌الدین‌محمداست و معاصربااو بوده‌است بطوریکه‌مذکور گردید در این خانواده بزرگانی هم چون ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهربن اسعد معروف به شیخ‌ابوالسعادات اصفهانی که استاد سیدرضی‌الدین علی‌بن‌طاوس حلی وشیخ طوسی‌بوده و درسال (۶۳۵ ه.ق) میزیسته است میباشند و اوراست تصنیفاتی چون : (رشح‌العرفاء فی شرح‌الدعاء و اکسیرالسعادتین و توصیف الوزراء و دعاء صنمی قریش و توجیه السؤالات فی‌حل‌الاشکالات ونیز جامع‌الدلائل و مجمع‌الفضایل. ومعلوم نیست که این‌لقب ازآن چه‌کسی ازآنان بوده است. واینکه صاحب مجمع‌الفصحاء شفروه را معرب پزوه دانسته وعده زیادی از او پیروی کرده‌اند مستندی‌ندارد. و امام محمود شفروه‌که مسجد مورد بحث منسوب باو است از همین خانواده بوده است .

۱ـ ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱ - ۱۹

۱۱- مسجد باباسوخته یامسجد سلطان ابوسعید بهادرخان:

این مسجد دراصفهان در انتهای محله جوباره واقع و با دومنارخود بمناره باغ قوشخانه‌که اکنون نیز وجود دارد متصل بوده است وبانی آن سلطان ابوسعید بهادرخان ودرقرن هشتم هجری ساخته شده است .

سیاحان اروپائی این مسجد را هنگامیکه قسمتی از آن‌هم خراب شده بوده بیک قطعه جواهر حقیقی توصیف‌کرده‌اند و در آن موقع‌گنبد و تمام اطراف و مناره‌هایش ازکاشیهای‌گران‌بها ورنگارنگ مزین‌بوده است وگفته شده‌که‌آن‌کاشیها حاشیه‌ای داشته‌که خطوطش سفید و بر روی زمینه سبز نوشته شده بوده‌است.

مناره‌اش‌فوق‌العاده شیواوجالب وازتوده مارپیچهای سبزوسفید تشکیل‌میشده که درفواصل‌کاشیهای‌آبی بکاررفته بوده‌است . دراین زمان اثری از آن‌مسجد و دو مناره‌اش نیست و فقط منارباغ[۱] قوشخانه درکنارمادی سودان دیده میشود[۲].

۱۲- مسجد کاروانسرای دومنار:

این مسجد درمحله دردشت‌اصفهان واقع و درجای کاروانسرای دومنار بوده که هنگام مبارزه شیخ‌ابواسحاق با مبارزالدین دراثر ضربه منجنیق ویران‌گردید و روی‌آن کاروانسرای دومنار ساخته شد[۳].

۱۳- مسجد جامع خشینان :

این مسجد در دوران خلافت‌ظاهری‌امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام و بکوشش ابوخناس آزادکرده عمربن‌خطاب خلیفه دوم در محله خشینان‌که از دهات متصل به یهودیه اصفهان بود بناگردید و اکنون چنین مسجدی وجود ندارد لیکن بعضی از[۴] نویسندگان حدس میزنندکه حدودامامزاده‌اسماعیل واحمدآباد همان خشینان است ولی‌بگفته ابونعیم اصفهانی مسجد جامع خشینان را ایوب‌بن

۱- ارتفاع این منار چهل متر و دارای پلکان معمولی است. (تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۶۰)   ۲- گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۲۹۴   ۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۱۴ - ۲۱۵   ۴- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۸.

زیاد ساخته است[1].

۱۴- مسجد حفص بن معدان :

این مسجدرادرقرن‌سوم هجری حفص بن معدان بناکرده ومؤذن آن ابواسحاق ابراهیم‌بن عیینه بوده است[2].

۱۵- مسجد جامع شهرستان :

این مسجد در سال(۲۵۰هـ.ق) در شهرستان (جی) اصفهان دائر و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزید هلالی متوفی(۲۵۰هـ.ق) بوده‌است[3].

۱۶- مسجد خواجه‌محمود [4] :

این مسجد در بازار خواجه محمود اصفهان واقع و در قرن هشتم دائر بوده است.

۱۷- مسجد درب‌طوقچی :

این مسجد در درب طوقچی اصفهان ودر مجاورت بقعه سلطان اسدبن جنید واقع بوده و درزمان حاضر اثری از مسجد مزبور باقی‌نیست ولی لوح سنگی بر- دیوار جنوبی اداره فرهنگ اصفهان منصوب است‌که میرساند در محل اشاره شده چنین مسجدی‌بوده‌که بهمت‌مردی بنام‌حاجی یاربیك صباغ ساخته شده وموقوفاتی برای مسجد و بقعه سلطان قرار داده‌است و این‌کار درسال (۱۰۴۴ هـ . ق) و در دور سلطنت شاه‌صفی انجام گردیده و آن لوح بخط‌نستعلیق برجسته چنین است:

«غرض‌نقشی‌است‌کز ما بازماند (۱۰۴۴) که هستی را نمی‌بینم بقائی»

«مگرصاحب‌دلی‌روزی‌برحمت(من‌شهور) کند در کار درویشان دعائی»

«در زمان‌دولت‌خاقان‌جمشیدرای، سکندرصولت‌وسلطان فریدون‌فر ، دارای»

«حشمت،ابوالمظفر،معزالدوله‌و[5]عز نصره،سلطان‌شاه‌صفی الحسینی‌الموسوی‌الصفوی»

۱- ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰. ۲- ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۸۲. ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- فرهنگ‌اصفهان‌مخطوط بنقل ازوقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی . ۵- درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱ باواو نوشته‌شده ولی درست‌نیست و واو آن زائد است .

«بهادرخان خلدالله تعالی ملکه ابداً، توفیق رفیق حال وقرین آمال کهف الحاج والمعتمرین»
«وزایر رسول الثقلین حاجی یاربیك صباغ گشته احداث مسجدی قویم البنیان ،»
«سلیم الارکان که نموده بود باتمام رسانید واقع درجنب شارع درب طوقچی وبضلع»
«شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه‌الله وقف نمود بر مسجد مزبور همگی وتمامی چهارباب»
«دکان که یکی بقالی است وهمه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه»
«درست مقابل مسجدمزبور بضلع غربی که در وقفنامه ثبت است وهمگی وجملگی»
«یکباب خانه معینه واقعه‌درجنب مسجد مزبور و همگی وتمامی یك درخانه‌واقعه»
«درسکه باب التبریزیه مشهور بخانه فتح‌الله نساج بحد دومی که در وقفنامه مسطور»
«است، وهمگی وتمامی اعیان وعمارت دو در دکان معینه یکی صباغی ویکی علافی که»
«واقف مزبور خود احداث نموده درعرصه معینه که وقف است برمزار کثیر الانوار سلطان»
«اسدبن جنیدمتصل بیکدیگر واقع در محله طوقچی مزبور بحدی که در وقفنامه»
«مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد»
«مزبور و مزار مذکور و دروقفنامه شرط نمود که آنچه بعلت نفع و اجاره عرصه»
«مزبور و اعیان و اشیاءِ مذکـور بهمرسد منقسم بده قسمت نموده سه‌قسمت آن را»
«صرف تعمیر و روشنائی و غیره مسجد مزبور نمایند بشرط واقف .»

دنباله این کتیبه بخط نستعلیق در دو حاشیه طرفین لوح سنگی مزبور در فوق چنین حجاری شده :

«چون تولیت موقوفات مزبور مادام‌الحیات متعلق بواقف مشارالیه و بعداز»
«آن اولاد او و دیوان الصدارة وناظران و متصدیان اوقاف اجاره نودساله نموده»
«بود خانه بـاب‌التبریزیه را بجهت سکنای اولاد خود مشروط به‌آنکه بعد از»
«اخراجات تعمیرخانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و»
«روشنائی مسجدمزبور نماید بازبهمین دستور تولیت خانه‌مزبور متعلق است باولاد»
«واقف مشارالیه‌که بعد از تعمیر خانه مزبوره آنچه زائد باشد بشرط واقف‌صرف»
«تعمیر فرش و روشنائی مسجد مزبور نمایند . تغییردهنده بلعنت خدا و نفرین»

«رسول گرفتار باد[1] .»

۱۸- مسجد دروازه اردستان :

این مسجد در محله رامیان اردستان واقع بوده و در حدود چهل سال پیش تبدیل بباغ گردیده وخلاصه مسجد را ازبین برده‌اند[2] .

۱۹- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن مسجد شجره درخیابان شاه‌عباس اصفهان بناگردیده است .[3]

۲۰- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن‌مسجد شیخ‌بهائی درخیابان‌معروف به‌شیخ بهائی دراصفهان بنا شده است .

۲۱- مسجد عبدالله بن کوشید :

مسجدی بوده در اصفهان که مهران‌بن شبیب مؤذن آن و عبدالله‌بن کوشید آن را بنا کرده بوده‌است[4] ولی درحال‌حاضر اثری از آن نیست.

۲۲- مسجد طیبه :

مسجدی بوده درحوالی مسجد حکیم وظاهراً با مدرسه طیبه که بنامهای میرزاتقی و حوابیگم وکلباسی نیز معروف بوده واکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد متصل‌بوده است . برای تشریح موضوع بمدرسه میرزا تقی رجوع شود.[5]

۲۳- مسجد درویشان :

این مسجد در محله خاجو در مجاورت مدرسه درویشان و قبر حسن شاه بوده است .[6]

---

۱ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۱ . ۲ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۴۱

۳- تاریخچه محله‌خاجو ص ۷۲ ۴- ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۲. ۵- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۸۱ . ۶ - تاریخچه محله خاجو بنقل از سفرنامه شاردن ص ۱۳ .

۲۴- مسجد سلمان :

این مسجد در دیه‌جیان اصفهان واقع و مورد زیارت مردم بوده است [۱] و اکنون اثری از آن نیست .

۲۵ - مسجد عمرو بن راشد :

این مسجد دراوایل طلوع اسلام دراصفهان ساخته شده و ابوجعفر محمدبن جعفر صابونی درآن تلاوت قرآن میکرده است. [۲]

۲۶- مسجد فضل بن برغوث :

این مسجد را فضل‌بن برغوث اصفهانی پیش‌از قرن چهارم هجری دراصفهان بناکرده و رجاءبن صهیب جروائانی در آن اذان میگفته و اکنون جز نام اثری ندارد . [۳]

۲۷- مسجدقبا :

مسجدی بود جزء مخروبه‌های عباس آباد اصفهان که برطبق اجازه علمای دین آجر ومصالح آن درساختمان مسجد نو بکار رفت . [۴]

۲۸- مسجد مصلی:

این‌مسجد درخارج محله طوقچی‌اصفهان واقع بوده ودرزمان دیالمه مصلای شهر بوده است ولی اکنون اثری‌از آن‌نیست [۵] وممکن است همان مسجد معروف به مسجد عمر باشد [۶] .

۲۹- مسجد حسینیه شهشهان :

این مسجد درحسینیه شهشهان که شاه‌علاءالدین‌محمد بانی آن‌بوده قرارداشته و پس‌از دفن جسد او در آن مکان بمرور زمان مسجد و چنانکه قبلاً نوشته شد مدرسه وخانقاه‌آن نیز ازبین رفته است وظاهراً اطرافیان تبدیل بخانه‌کرده‌اند [۷] .

۱- مرآت‌البلدان‌ناصری . ۲- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۹۸ . ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵ . ۴- تاریخ اصفهان‌وری ص ۲۹۷. ۵ - تذکرةالقبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص یو . ۶- مرآت‌البلدان ناصری . ۷ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

۳۰- مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه وجود داشته و شانزده قفیز مساحت آن بوده ودر گوشهٔ آن تکیه و بقعه شیخ‌عبدالله انصاری فقیه متوفی (۸۹۰ ه. ق) واقع وپس از آنکه محل تبدیل بمسجد شده سنگ قبر را بدیوار نصب کرده‌اند ولی از زمان نادرشاه به‌بعد ازبین رفته است[۱].

۳۱- مسجد جامع رنگرزان :

جامعی بوده درشهر اصفهان در محلی‌که روی خرابه آن مسجد جورجیر و حکیم فعلی بناشده وتا قرن سوم هجری وجودداشته است شیخ‌ابومسعوداحمدبن-فرات رازی درآن جامع بمنبر میرفته و مردم را موعظت میکرده است[۲].

۳۲- مسجدجامع شهرستان (مدینة) :

این مسجد درشهرستان اصفهان‌که‌آنرا سابقاً جی میخوانده‌اند قرار داشته‌و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزیدالهلالی متوفی (۲۵۰ه.ق) بوده‌است[۳]

۳۳ - مسجد خواجه‌علم :

این مسجد نزدیك مناره خواجه‌علم واقع بود، مناره در اوایل‌نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط کرد و مسجد هم درمسیر خیابان هاتف فعلی قرار گرفت و بالطبع از میان رفت[۴] این مسجد قبل‌از صفویه احداث و در زمان آنان مورد تعمیر واقع شده بود[۵].

۳۴- مسجد نصرآباد :

این مسجد دارای کاشیهای عتیقه‌ای بودکه از بین رفت و اکنون اثری از آن نیست[۶].

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۹ . ۲ - خلدبرین ص ۱۹۲. ۳- ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۲ . ۵- تاریخ اصفهان و ری ص۲۷۷. ۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۴.

۳۵- مسجد شیخ ابو مسعود رازی :

این مسجد درمحله درشیخ اصفهان درمجاورت بقعه شیخ ابومسعود رازی واقع بوده[۱] و بفتوای یکی ازعلماء قرن سیزدهم خراب شده است[۲] .

۳۶- مسجد جامع عباس آباد:

این مسجد درقرن یازدهم درمحله عباس آباد اصفهان دائر وحجراتی داشته که طالبان علم وشعرای عارف درآن حجره‌ها ساکن بوده‌اند ازآن جمله شیخ عماد پسرمیرزا ابراهیم خوش‌نویس تبریزی متخلص به‌رافع یاارفع دریکی ازآن حجره‌ها ساکن بود و با قناعت زندگی میکرد وگاهی شعری میسرود از اشعار اوست:

رباعی

خواهی که دلت محرم اسرارشود　　از جمله علم حق خبردار شود

از گریه بشو غبار آیینهٔ دل　　مگذار ز گرد معصیت تار شود

از این جامع دراین تاریخ اثری نیست.[۳]

۳۷- مسجد مستوفی :

این مسجدامیرزا شکرالله مستوفی ازمستوفیان معروف زمان شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴هـ . ق) درسال (۹۸۱هـ.ق) که ازطرف شاه بمنصب استیفا منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان بناکردواکنون اثری ازآن نیست[۴] .

د- قصوری که بعد از اسلام احداث وکنون اثری ندارد:

۱- قصر احمد سیاه :

این قصر درزمان اعراب دراصفهان احداث گردیده و نواده[۵] احمد سیاه از محدثان اصفهان بوده است و چنین حدس زده‌اندکه احمدآبادکنونی جای آن قصر بوده است[۶] .

۱- خلدبرین ص۱۹۶ .　۲- میزان الانساب ص۵۸ .　۳- تذکره نصرآبادی ص۴۰۴ .

۴ - تاریخچه محله خواجو بنقل از منتظم ناصری ص۸۱ .

۵ - ابومسلم عبدالرحمن بن محمدبن احمدبن سیاه مذکر متوفی سلخ رجب ۳۴۶ هجری .

۶ - تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ .

۲- قصر اصفهان :

احداث این قصر نیز پیش از قرن هفتم هجری بوده ومحله‌ای هم بنام محله قصر بآن منسوب وحسین بن معمر قصری که ازمشایخ [1] سمعانی صاحب الانساب بوده باین محله انتساب دارد [2] وباب القصر نیز گفته‌اند. ومنظور همان درب کوشك فعلی است که در قرون پیش بقصر رستم معروف بوده است .

۳ - قصر جهان نما :

خانه مربع کوچکی را در اول خیابان چهارباغ بالای اصفهان دو طبقه بشکل کلاه فرنگی درزمان صفویه ساخته بودند که مخصوص حرمسرا باشد ودارای نقاشیها و تزیینات بسیارعالی و اطرافش ایوان وپنجره‌هائی وجود داشته که از آن مکان بلند خیابان را تماشا میکردند [3] . این قصر مشتمل بود برصور زنان ودختران عجم ازکیانی تا ساسانی با جامه‌های خسروانی [4] .

۴- قصر صخر بن سدوس :

این قصر درقرن ششم هجری در تیران اصفهان وجودداشته ولی اکنون جز نام اثری ازآن باقی نیست [5] .

۵ - قصر خصیب :

این قصر دارای کوشکها واشجار ورياحين ودرکنار پل حسین در اصفهان واقع بوده ودر هنگام تفوق مسلمانان درا صفهان ساخته شده [6] . و تازمان سلجوقیان و دوره ملکشاه باقی بوده است بانی این قصر همان خصیب بن سلم است که بقاعی را بر

---

۱ - قاضی ابوسعد عبدالکریم بن ابی بکر محمدبن ابی المظفر المنصور بن محمدبن عبدالجبار التمیمی السمعانی متولد ۲۱ شعبان ۵۰۶ و متوفی لیله ۲۰ ربیع الاول ۵۶۱ هجری قمری .

روضات الجنات ص ۴۲۷ . ۲- معجم البلدان ج ۴ ص۳۵۵ . ۳ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۷. ۴-کسان بانوعظمی ببهانه اینکه درآنجا اندرونی هشت بهشت پیداست خراب کردند. (تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۳) . ۵ - محاسن اصفهان ص۵۶.

۶- بانی این قصر ظاهراً خصیب بن سلم بن عوذبن سلامة حنفی ازمردم شهرستان اصفهان وعامل خراج اصفهان درسال (۲۲۵ ه. ق) بوده است. نواده اوخصیب بن الفضل از عبدالله بن عمران روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰۷) .

مسجد جامع افزوده است.[1]

۶- قصر عبدویة‌بن حبة :

این قصر نیز دراصفهان درکنار زاینده‌رود واقع و درقرن ششم دائر و بانی آن عبدویة‌بن حبة بوده است.[2]

۷- قصر فراشخانه:

این قصر درزمان صفویه احداث شده و درسال۱۲۹۸ هجری مخروبه‌وعمارت باعرض و طولی بوده بسیارعالی و بعضی‌کاشیهای‌آن‌که مانده بوده ماننده‌چینی‌بوده است[3] این قصر دربرابر برج چهلستون واقع وجایگاه ضباط وزیر آن شارع خیابان پشت چهلستون بود وسقاخانه مفصلی داشت‌وهمان خیابان جزءِ خیابان‌سپه فعلی شده است[4]

۸- قصر هارون هفت درب:

این قصر در دیمرتین حوالی اصفهان واقع و صاحب اشجار ومتنزهات بوده است[5].

۹- قصر فرقد:

این قصر در دروازه شهرستان واقع بوده و دارای انواع و اقسام تزیینات واشجار بوده است[6].

۱۰- قصر کوهان:

این قصر درماربین اصفهان واقع و دارای تزیینات واشجار گوناگون بوده است[7].

۱۱ - قصریحیی :

ظاهراً این قصر منسوب به یحیی برمکی‌بوده که درکنار زرین‌رود و کنار خندقین واقع شده بوده است.[8]

۱- محاسن‌اصفهان ص۸۴. ۲- محاسن اصفهان ص۵۶. ۳- جغرافیای‌اصفهان ص۲۵.
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۴۷ . ۵ و ۶ و ۷- محاسن اصفهان ص۵۶ .
۸- محاسن اصفهان ص۵۷ .

۱۲ ـ قصر مغیرة :

این قصرهم درزمان تفوق اعراب در اصفهان احداث شده وشعرای تازی زبان درباره آن اشعاری سروده اند[۱].

۱۳ ـ قصرعلی بن رستم دیمرتی :

این قصر در دیمرت اصفهان واقع و از احداثات علی بن رستم دیمرتی بوده است و برادرزاده اش احمدبن القاسم بن علی رستمی در وصف آن قصر ومتنزهات آن چنین سروده است :

ضحك الربیع بمبسم الابرار — و بکی بعین سحة مدرار

فبد معه اکتست البسیطة نبتها — و بضحکه ضحکت ذری الاشجار

و اذا الریاح امالها فکانه — ثمل یمیل لنغمة الاقمار

والنرجس الغض الجنی کانما — تدویره بشظیتی مدوار

حدقت به فوق الزبرجد فضة — تبکی شعاع کواکب الاسحار [۲]

۱۴ ـ قصر منشی :

این قصر را منشی الممالك شاه عباس که نامش میرزارضی بوده در محله ایکه امروزه بقصر منشی معروف است احداث واز میان رفته است.[۳]

۱۵ ـ قصر مورح :

این قصر دربازار عسکر اصفهان واقع و در قرون ۷و۸ دائر و از موقوفات سیدرکن الدین یزدی بر مدرسه او بوده است [۴]

۱ـ ازجمله شعرائی که درباره قصر مغیره شعرگفته اند ابوسعید رستمی مدینی است که مطلع آن چنین است:

سقی قصرالمغیرة کل دان — اجش الرعد منهمر الغوالی

و دیگر شیخ ابوالرجاء حسن بن محمدبن عوذ که چنین گفته :

ظللنااليوم فی قصر المغیرة — و انوارالحدائق مستنیرة

که بعداز چند بیت دیگرچنین میگوید:

عیان الخلداوجنات عدن — لارشدنا الی قصرالمغیرة

محاسن اصفهان ص۵۷ و ۶۱. ونیز سعدمافروخی چنین گفته :

الی جسرالحسین فباغ بکر — فقصر مغیرة ففناء خندق.

۲ـ محاسن اصفهان ص۶۵. ۳ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰ ۴ـفرهنگ مخطوط اصفهان بنقل از وقفنامه سیدرکن الدین یزدی ص۲۳۳۷.

۱۶و۱۷ ـ دوقصر درباغ تخت :

باغ تخت در مغرب چهارباغ واقع و قریب چهل‌هزار ذرع مساحت داشت و درآن باغ دوقصر بسیار عالی ساخته شده بود یکی رو بچهار باغ و دیگری رو بخیابان فرعی محل شمس آبادکه امروز خیابان شیخ‌بهائی خوانده میشود این‌باغ و قصور آنرا میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت و قطعه قطعه کرد و بدیگران فروخت[۱].

۱۸ ـ قصر سرپوشیده :

این قصر در دوره فتحعلی‌شاه [۲] در اصفهان ساخته شده ولی در این تاریخ اثری ازآن نیست .

۱۹ ـ قصر آینه‌خانه :

این قصر جزء باغ سعادت‌آباد درمیان مایل بشمال باغ بوده دارای طنابی زیبا و تالاری بزرگ‌آینه‌دار وبکمال خوبی ساخته وپرداخته شده بود و به قصر آینه‌خانه معروف [۳] وبین پل خواجو و پل جوئی قرار داشت. ودر (۱۳۱۹ه.ق) بوسیله مأموران مسعودمیرزا ظل‌السلطان ویران‌گردید.[۴]

۲۰ ـ قصر قوشخانه :[۵]

این قصر در وسط باغ قوشخانه و بسیار وسیع و رفیع و دو طبقه بوده و در آن‌بیوتات وامکنه‌کثیره ملوکانه وجود داشته ودارای‌حوضهاوجداول‌وخیابان‌بندی

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵ ۲ـ سیف‌الدوله سلطان‌محمدمیرزا ساخته‌وظل‌السلطان درتزیین آن اقدام کرده(نصف‌جهان‌ص۳۶). ۳ـ نصف‌جهان ص۴۵. ۴ـ میرزامظفر ترکه این اشعار را در وصف آینه‌خانه در۱۰۷۶ سروده است:

فانوس و شمع قدسی و پا تا سرآینه — نقاش صنع لم یزل از سایه تو بست

این جلوه‌گاه کیست که ازهرطرف دراو — عشرت سرای شاه صفی دان کزو بود

رویت صباح عید ترا پیکر آینه — بر پرده‌های دیده هفت اختر آینه

صورت‌نمای گشته ز یکدیگر آینه — روشن چراغ اختر چشم هر آینه

خواند خط جبین ملایك بنه فلك — افتد اگر ز روی تو عکسی در آینه

نقل ازگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان‌ص۵۷۵

۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰.

بوده و این قصر و باغ قوشخانه جزء خالصجات دولتی و در دوره قـاجاریه محل خلعت‌پوشی بود ولی در این‌تاریخ جز منار قوشخانه اثری نه‌از باغ‌ونه ازقصراست.

۲۱ ـ قصر گلدسته :

این قصر درمیان باغ‌گلدسته واقع واز بناهای شاه‌عباس بزرگ‌صفوی‌است . مساحت باغ سی‌هزار ذرع بود این قصروباغ در این زمـان تبدیل بخـانـه شده است . [۱]

۲۲ ـ قصر قاضی معز :

این قصر درمحله خاجوی کوچك اصفهان و متصل بدروازه حسن‌آباد واقع بود و متعلق بقاضی معز ازقضات دوره صفویه بوده است . [۳]

۲۳ ـ قصرعلی‌بیك[۴] :

بانی این قصر علی‌بیك پسر علیمراد خان حاکم قندهار و در محله خاجوی کوچك اصفهان ومتصل بدروازه حسن‌آباد واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست .

۲۴ ـ قصر میرکشیك بیك درخاجوی کوچك .

۲۵ ـ قصر علیقلی‌خان. درخاجوی کوچك .

۲۶ ـ قصر حوابیگم معروف بقصر میرزارضی :

این قصر نیزکه درخاجوی کوچك ومتصل بدروازه حسن‌آباد اصفهان بوده از مستحدثات حوابیگم دختر شاه‌عباس و زن میرزا رضی منشی الممالك بوده‌است.

۲۷ ـ قصر هفت‌دست :

این قصر واقع بوده درباغ وسیع سعادت‌آباد اصفهان‌که پیش‌از احداث آن درسال ۱۰۵۶ه.ق مسکن‌گبران بوده شاه‌عباس دوم دستور دادگبران را بانتهای‌جلفا کوچانیده ونسبت باحداث باغ مزبور وقصرهای داخل‌آن اقدام نمایند.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۷ و جغرافیای اصفهان ص۲۴.　　۲ ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۴۷　　۳ و ۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۴.

این باغ میان پل اللهوردیخان و پل خاجو و در کنار جنوبی زاینده رود واقع بوده و روبروی این باغ باغی دیگر بنام باغ دریاچه در شمال رودخانه خودنمائی میکرده است، وضع طوری نشان میداد که هردوباغ درحکم یك باغ است ورودخانه زاینده‌رود ازمیان آن میگذرد، این دو باغ بوسیله پل جوئی [1] بیکدیگر متصل میشدند . درباغ سعادت آباد قصرهائی وجود داشته که مهمترین آنها قصرنمکدان و قصر آینه خانه و قصر هفت دست بوده است . این قصر در سال (۱۳۱۸ هـ. ق) بامر مسعودمیرزا ظل‌السلطان خراب شده است والآن محل کارخانه وطن اصفهان است .

۲۸ ــ قصر نمکدان :

این قصر نیز در باغ سعادت‌آباد و بفاصله یکصدو پنجاه متر درجنوب قصر آینه واقع وبشکل‌مستدیری روی زمین‌بناشده بود زمین‌آن مرتفع وعمارت‌مثمن وسه طبقه وازطبقهٔ بالارودخانه پدیدار میگردید این‌قصر نیز درسال(۱۳۰۶ هـ. ق) بوسیله کارکنان مسعود میرزا ظل‌السلطان خراب گردید.[2]

۲۹ ــ قصر منظر: [3]

این قصر نیز ازجمله قصوری است‌که در دوران صفویه احداث واکنون جز اسم اثری ازآن نمانده است. امکان داردکه این‌قصر همان‌طبقه فوقانی‌قصر نمکدان باشدکه ازآن طبقه رودخانه زاینده رود دیده میشده‌است .

این‌بود عده‌ای از عمارات‌که بنام قصر معروف بوده وگرنه اغلب باغهای معروف دوران سلاجقه و صفویه درمیان یا در سر درب‌آنها عمارت و ساختمانهای شگرف و جالبی بوده‌که حکم قصر داشته است. قصر در اصطلاح[4] قدماء بعمارتی گفته میشده‌که محصور و فقط از نقطه معینی داخل و خارج میشده‌اند و بسیار استوار ساخته شده و مشرف بر ساختمانهای دیگر باشد .

۱ــ این پل درسال (۱۰۶۸هـ.ق) ساخته‌شده. گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.

۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.

۳- آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص ۹۱.

۴- معجم‌البلدان ج۴ ص ۳۵۴.

۳۰ ـ قصر هفت هلکه یا قصر کهندز سارویه :

این قصر را رکن‌الدوله خمارتکین که درسال(۴۶۵هـ. ق) بسمت والی فارس انتخاب شده بود هنگام عبوراز اصفهان بناکرد باین کیفیت که سر بنای کهندزسارویه را کند و بر آن قصری بساخت و سارویه را در زمان خمارتکین مردم اصفهان هفت هلکه میخواندند و این هفت هلکه درمیان شهرستان اصفهان واقع ومیان آن آبی خوشگوار بودکه منبع آن راکسی ندانست کجاست. واکنون آثاری ازآن قصر نیست .[۱]

۳۱ ـ قصرغازی‌خان :

این قصر درمحله صالح‌آباد درچهارسوی اسفندیاربیك[۲] دربازارحسن‌آباد اصفهان واقع بوده است[۳]

۳۲ ـ قصر نقاره‌چیان هندی :

این قصر در قسمت محله خاجوی‌کوچك اصفهان واقع وازجمله عمارات صفویه بوده‌که از بین رفته است .[۴]

۳۳ ـ قصر گاریچیان :

این قصر نیز در محله خاجوی کوچك اصفهان و ازاحداثات دوره صفویه بوده است .[۵]

۳۴ ـ قصر میرزاطاهر وقایع نویس :[۶]

این قصر نیز در قسمت محله خاجوی کوچك اصفهان‌که به حدود چهارباغ عباسی امتداد داشته واقع بوده است .

۳۵ ـ قصر تفنگدارباشی :

این قصر در قسمت خاجوی بزرگ اصفهان که بصحرا منتهی میشده واقع

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۳۵.   ۲ـ همان چهارسو نقاشی‌است که خراب وجزء خیابان شاه‌عباس گردیده است. (تاریخچه محله خواجو ص۱۵).   ۳و۴و۵و۶ ـ تاریخچه محله خاجو ص۱۵ .

بوده است . [۱]

ه - باغهائی که بعداز اسلام احداث واکنون تنها اسم آنها باقی است:

۱ - باغ نقش‌جهان :

درمشرق و شمال چهلستون اصفهان واقع و درآن‌عمارات و باغچه‌های دولتی بودکه شاه اسماعیل از سلاطین صفویه ساخته بود وچهار حوض وپستخانه قدیم و خلوت‌های عدیده درآن باغ بود ولی دراین تاریخ‌فقط نامی ازآن مانده‌است . [۲]

۲ - باغ چینی‌خانه :

این باغ نیز در زمان صفویه در مجاورت چهلستون ساخته شده بوده است . [۳]

۳ - باغ خرگاه و کجاوه خانه :

این باغ درقسمت غربی چهلستون اصفهان واقع بوده است . [۴]

۴ - باغ بادامستان :

باغی بود درعمارت هشت‌بهشت‌که بانو عظمی عمارت تلگرافخانه را از آن جدا نموده بود این باغ نخست به بختیاریها و سپس بجلال‌السلطنه واگذار گردید و دیگر اثری ازآن باغ نیست . [۵] مساحت‌آن ۲۵هزارمتر بود. [۶]

۵ - باغ بهشت‌آئین صفوی :

این باغ نیز از ساختمانهای‌صفویه و دارای عمارت ودراطراف باغ‌هشت‌بهشت بوده است واکنون باغ مزبورکه درکوچه فتحیه واقع است تبدیل به‌کالج‌دختران شده است . [۷] و ظاهراً این باغ با باغ انگورستان یکی باشد .

۶ - باغ انگورستان :

این‌باغ ازنامش معلوم میشودکه باغ انگور بوده وآنرا باعمارت‌خسروخانی

۱- تاریخچه محله خواجو ص۱۵. ۲- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۴۸. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۸۴ . ۴ و ۵- تاریخ اصفهان وری ص۳۴۷. ۶- فرمان آنرا مرتضی‌خان نوری گرفت و قطعه قطعه فروش رفت (تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۴).
۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .

بدست سردار اعظم داده بوده‌اند این باغ هم وصل به چهلستون بوده است [1] باغ مزبور اندرونی صفویه بوده و افغانها بطمع دفینه خراب کردند [2].

۷ - باغ رشک‌جنان:

این باغ در مجاورت کاخ هشت‌بهشت ودر اختیار بانوعظمی بوده است [3]

۸ - باغ خیمه‌گاه :

این باغ هم درپشت چهلستون واقع بوده و اینک تبدیل بخانه و گاراژ و مغازه شده است [4].

۹ - باغ سلطانعلی‌خان :

این باغ در حدود چهارده هزار ذرع مساحت داشته و مقداری هم ساختمان که از بین رفت. [5]

۱۰ - باغ جزایرخانه :

این باغ در مقابل چهلستون بود واکنون تبدیل بخانه و باغات عدیده شده و مساحت آن با باغ جزایرخانه ۳۶ هزار متر بود. حاج محمد حسین کازرونی و غیر او درآن خانه‌ها ساخته‌اند. [6]

۱۱ - باغ نواب :

این باغ هم از باغهای زمان صفویه بوده‌که عمارت داشته و از بین رفته است. [7]

۱۲ - باغ کجاوه‌خانه :

این باغ نزدیك بازار صباغان اصفهان واقع و بیش‌از ۴۵هزار ذرع‌مساحت داشته میرزا احمدخان فاتح‌الملك فرمان صادرکرد ودست‌بدست فروخته خانه‌های بسیار شد [8]

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .

۲ - گزارش میرزا علیخان نائینی در ۱۳۰۰ .

۳و۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

۵- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۹.

۶و۷- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۴ .

۸- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۲ .

۱۳ - باغ احمد سیاه :

باغی بوده که احمدبن سیاه جد عبدالرحمن‌بن محمدبن سیاه در قرن سوم هجری دراصفهان ساخته و درزمان ملکشاه سلجوقی محل‌سکونت **ترکان خاتون** زن اوبود. این باغ بسیاربزرگ وتالارهای‌تو درتو وسقفهای بلند با قابهای منقش و مصور ودیوارهای گچبری شده و آئینه‌کاری و تالارهائی که دارای دیوار مشبك از چوب قرنفل خوش‌نقش و خوش تراش بود داشت[۱] و در کنار زاینده رود قسمت غربی اصفهان واقع بود.

۱۴ - باغ بکر :

این باغ درحدود ناژونان والیادران وباغ جنت واقع بوده است.[۲]

۱۵ - باغ معتمد خسرو :

این باغ ازباغهای دوران صفویه است که معدوم‌الأثر شده است.[۳]

۱۶ - باغ بیت‌المأ :[۴]

این باغ ازمستحدثات دورهٔ ملکشاه سلجوقی دراصفهان بوده است.[۵]

۱۷ - باغ کاران :

این باغ نیز ازبناهای ملکشاه سلجوقی است که دراصفهان احداث کرده و محل آن ظاهراً محلهٔ باغات امروزی وقسمتی از محله خاجو بوده است و خواجه حافظ شیرازی و دیگران نیز درتوصیف آن مطالبی نگاشته واشعاری سروده‌اند.

خواجه حافظ دروصف این‌باغ چنین‌گفته :

گرچه صد رود است در چشمم‌مدام   زنده رود و باغ کاران یاد باد

عبداللطیفخجندی نیز چنین‌گوید :

اصفهانا در آرزوی توام   گشته انده فزای و شادی کم

۱- فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل ازآشیانه عقاب ص۱۴۳۳. ۲- تاریخ اصفهان‌وری ص۴۰۹ ۳ - آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۱. ۴ - درتاریخچه محله خاجو ص۸ بنقل از سلجوقنامهٔ بیت‌المال ذکر شده است. ۵ - راحة‌الصدور ص ۱۲۹

عکس شکلت بخواب میجویم — زنده رودت در آب میجویم

مار بینت که نسخهٔ ارم است — آفتاب اندر او درم درم است

هریك از باغهاش صد بیشه — گم شده در میانش اندیشه

سبزه زار فلك زغایت رشك — چهره کرد است ازستاره پر اشك

برد گلزار تو ز چرخ کلاه — رفت آب ارم ز آتشگاه

هر که اکنون به باغ کاران است — گو نگه‌دار جا که کار آن است[1]

۱۸ ـ باغ دشت کور :

باغی است که ملکشاه سلجوقی در دوره سلطنت خود در اصفهان احداث کرده است.[2]

۱۹ ـ باغ تاج آباد :

این باغ طبق فرمان شاه‌عباس اول در اطراف نظز ساخته شده بوده‌که هنگام تفرج وصید وشکار گاهگاهی درآن باغ اقامت میکرده است.[3]

۲۰ ـ باغ تخت :

این باغ از مستحدثات صفویه و در مغرب چهارباغ اصفهان واقع و تقریباً چهل هزار ذرع مساحت داشت.

میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت وآنرا قطعه قطعه کرده بفروش رسانید. این باغ دوقصر داشت یکی روبچهار باغ ویکی روبخیابان فرعی‌شمس آباد (خیابان شیخ‌بهائی کنونی).[4] پیش‌از اینکه ناظر مزبور فرمان‌بگیرد باغ‌تخت در مقابل عیادت به‌حاج میرزا محمد باقر حکیم بعنوان حق‌القدم از طرف مشیر انصاری داده شد ولی مرحوم حکیم ردکرد ونپذیرفت.[5]

---

۱ ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۹. ۲ـ راحة‌الصدور وآية‌السرور در تاریخ‌آل‌سلجوق ص ۱۳۹. ۳ـ فرهنگ اصفهان مخطوط ص ۱۴۴۱. ۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶۰.

۲۱ - باغ طاوس‌خانه :

این باغ ازبناهای شاه عباس دوم و در مشرق چهارباغ و ضمیمه باغ پهلوان حسین بود ومادی نیاصرم از میانش میگذشت و در وسط این دو باغ ساختمانهائی از شاه‌عباس دوم وجود داشت، مساحت آن بیش‌ازچهل هزار ذرع بود این دوباغ‌هم به اربابی میرزا هادیخان پیشخدمت و ندیم مسعود میرزا ظل‌السلطان داده شد و سپس دست بدست گشت تا اینکه قسمتی از آن مدرسه ستاره صبح و قسمتی هم عمارت‌گردید.[۱]

۲۲ - باغ پهلوان حسین :

این‌باغ هم ازمستحدثات زمان صفویه وشرح آن گذشت .

۲۳ - باغ محمد علی حیدر :

این باغ نیز ازبناهای زمان صفویه است‌که علیرضاخان فرمان آن‌را گرفته وازبین برد .[۲]

۲۴ - باغ سیف‌الدین معروف به باغ آلبالو :

این‌باغ نیز ازمبانی زمان صفویه که دارای هیجده هزار متر مساحت و در تصرف میرزا علی محمد مستوفی‌گلستانه بود وسپس تبدیل بباغ وعمارات‌گوناگون گردید .[۳]

۲۵ - باغ نسترن :

باغی‌بوده که در زمان صفویه احداث وکنار مادی نیاصرم اصفهان و وصل برودخانه بود ومیرزاتقی‌اشراقی ملقب به امین‌الشریعه با باغهای دیگری‌برد .[۴]

۲۶ - باغ ناظر :

باغی‌بوده‌که مقداری عمارت‌هم داشته ودرب آن دربازار مسگران بازمیشده است و درب جدائی‌هم داشت .[۵] قریب سی‌وپنجهزار ذرع مساحت داشت محمود

---

۱ و ۲ و ۳ و۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.   ۵ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

آقاخان پس از بنان‌الملك فرمانی گرفت ودست بدست‌گردید .[۱]

۲۷ - باغ میرزا مهدیخان :

این باغ در محله تلواسکان واقع و از آثار میرزا مهدیخان اعتمادالدوله و صدرالممالك شاه عباس‌ثانی‌معروف به امیراشرف است‌که در (۱۰۷۹ ﻫ . ق) مقتول شده . باغ مزبور وقفی[۲] ومساحت آن بیش‌از۲۷ هزار ذرع بوده است فرمان‌آنرا مصطفی قلی‌خان فراشباشی گرفت وبعدها تبدیل بعمارات شد .[۳]

۲۸ - باغ بابا امیر :

این‌باغ درچهارباغ اصفهان واقع وسی وسه هزار ذرع مسافت داشت و دارای سردرب وعمارت بود و در دوران صفویه احداث شده بود فرمان از ناصرالدین‌شاه گرفتند وبعدبملکیت صارم‌الدوله درآمد وقطعه قطعه‌کرده بدیگران فروختند.[۴]

۲۹ - باغ قراخان :

این‌باغ درلب رودخانه اصفهان درقسمت شمالی آن واقع بوده است .[۵]

۳۰ - باغ صالح آباد :

این‌باغ میان چهار باغ کهنه ونو واقع ومانند مینو بود و در آن خانه هائی از مردم ثروتمند وجود داشت بنام آقا عبدالحسین فرمان دادند و تبدیل بعمارات گوناگون گردید .[۶]

۳۱ - باغ نظر :

این باغ دراصفهان واقع وازمستحدثات زمان صفویه بود ومساحت‌آن چهل وپنج‌هزار متر ومادی نیاصرم ازوسط آن‌میگذشت. شیخ‌حسن شیخ‌العراقین فرمان گرفت و اولادش فروختند وقسمتی را حاج زین‌العابدین و مختصری‌را دکتر جواد خرید .[۷]

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۲. ۲ - تاریخچه محله خواجو ص۸۷. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۲. ۵ و۶ و۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷.

۳۲ - باغ نگار :

بین‌پل انجیری و باغ قوشخانه واقع بوده است .[۱]

۳۳ - باغ کلعنایت :

این باغ ازبناهای کلعنایت مسخره شاه عباس است که دارای شکمی بزرگ بوده مساحت باغ بیش‌از هشتادو پنجهزارمتر ومیان دربدشت وخاوجان واقع شده بود وآنرا میرزا حسین‌خان ضابط اسناد خرج بنام دامادش سیف‌الله خان صدری مجاهدالسلطنه گرفت و انتقالاتی شد بحاج مشیرالملك و غیره و بتدریج از بین رفت .[۲]

۳۴ - باغ قوشخانه :

باغی‌بود درنزدیکی باغ لنجانی‌که از آنجا بطرف زینبیه میروند و درآن باغ قوشهای سلطنتی را نگاهداری میکردند .[۳]

۳۵ - باغ صدر جهان :

باغی بوده که قاضی صدر جهان از علمای دوره شاه عباس اول احداث کرده است .[۴]

۳۶ - باغ شرکت هند وهلند .

باغی بوده در زمان شاه‌عباس اول‌که محل شرکت هندوهلند و در نزدیکی محله بی‌نقابان (روسبیان) واقع بوده است .[۵]

۳۷ - باغ شاه :

باغی بوده در اصفهان‌که بدربارشاه متصل و پس‌ازتماشای چوگان‌بازی برای استراحت بآن باغ میرفته‌اند.[۶]

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۷۱ .

۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۴- ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء .

۵ - زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۵۶.

۶- زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۰۵.

۳۸ ـ باغ سهیل :

این باغ دریکی از محلات اصفهان بنام باغ سهیل واقع بوده است .(۱)

۳۹ ـ باغ سلم :

باغی بوده که خانه محمدبن یحیی بن ابان دراصفهان در آن بوده و مردم اطراف آن چادر میزدند و ابوعلی لغذه از علماءِ ادب ونحو درآنجا بـرای مـردم تدریس میکرده است . دروازه باغ سلم نیز منسوب بآن میباشد(۲)

۴۰ ـ باغ عبدالله :

این باغ که بانی آن عبدالله نامی بوده و پیش از قـرن چهارم میزیسته در محله جوباره اصفهان واقع بوده است. از منسوبان باین باغ است :

ابوعبدالله محمدبن سعیدبن اسحاق قطان باغ عبداللهی(۳)

۴۱ ـ باغ عیسی بن ایوب :

باغی بوده در اصفهان که ازیك طرف بمحله خشینان وازطرف دیگر به محله کوراء و ملنجه محدود بوده است وخشینان ویهودیه که جوباره کنونی باشد درقرن چهارم هجری در دو طرف باغ مزبور واقع بوده است(۴) از منسوبان آن باغ است : ابومحمد عیسی بن ایوب بانی آن باغ و دیگر سندیله عبدالله بن داود عابـد باغ عیسائی .(۵)

۴۲ ـ باغ فراشخانه :

این همان باغی است که قصر فراشخانه درآن ساخته شده بود ودرطرف شمالی مقابل چهلستون بود. این باغ درسال (۱۳۱۴هـ. ق) بامر مسعود میرزا ظل السلطان

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲. ۲ـ ابوبکرمحمدبن حسنو متوفی بعد(۳۶۰) وابومسلم نوح بن منصوربن مرداس سلمی متوفی (۲۹۵) از مردم محله باغ سلم بوده‌اند. (ذکـر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ ومعجم الادباء ج۸ ص۱۴۰). ۳ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۷۲ وص۲۷۴. ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱ـ۱۹ ۵ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .

خراب گردید .[1]

۴۳ ـ باغ فلاسان :

این باغ از مستحدثات ملکشاه و هزار جریب مساحت داشت و در اطراف چهارباغ اصفهان واقع بود واکنون جز اسم اثری ندارد [2]

۴۴ ـ باغ علی بن سهل :

این باغ در محله طوقچی اصفهان واقع و [3] بخانقاه علی‌بن‌سهل پیوسته بوده است .

۴۵ و ۴۶ ـ باغ توپخانه و باغ عسکر :

این دو باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی واقع و درحدود چهل وچهار هزار متر مساحت داشت و در دست میرزاآقاخان محاسب‌الدوله و میرزاعلی‌اکبرخان سرتیپ بود وقسمتی ازآن نیز بدیگران منتقل‌گردید .[4]

۴۷ ـ باغ گلدسته :

این باغ محتوی بر قصری بوده‌که شرح آن نوشته شد و از بناهای‌شاه‌عباس بزرگ بوده است .[5]

۴۸ ـ باغ لنجانی :

باغی بوده درنزدیکی باغ قوشخانه که ازآنجا بطرف زینبیه میروند و اکنون آنجا خیابان هاتف است .[6]

۴۹ ـ باغ مابان :

این باغ درقرن پنجم هجری درمحله جورجیر اصفهان در زمان المقتدر بالله عباسی وجود داشته است .

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۴. ۲ــگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۶.
۳ــ اصفهان جوانان ص۲۰۵. ۴ــ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵ــ جغرافیای اصفهان ص۲۵ . ۶ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۳ .

۵۰ - باغ ستاره :

از باغهائی است که در زمان صفویه درخیابان چهارباغ بالا واقع بوده و اکنون نام آن باقی است .(۱)

۵۱ - باغ زرشك :(۲)

این باغ درمحل فعلی کارخانه صنایع پشم اصفهان واقع بوده و وقتی که از پل اللهوردیخان بطرف عباس آباد عبور میکردند باغ مزبور درخیابانی واقع بودکه شیب زیادی داشت ودردوران صفویه دریاچه‌ای بوده‌است که ازهزارجریب بآن میریخته و درحدود چنار باغ زرشك که اکنون هم‌وجود دارد آبشاری تشکیل میداده است.

مساحت باغ زرشك در حدودهشتادهزار مترمربع و سر در آن مشتمل بر عماراتی مفصل و مجلل بوده است وگلهای رنگارنگ آنرا احاطه‌کرده بوده و بر بالای سردرآن تالارها وغلام‌گردشهائی بودکه منظره رودخانه وکوه و جلفا و باغ وسیع سعادت‌آباد و هزار جریب درسمت مشرق آن بر صفای این عمارت و باغ میافزوده است. این باغ را سیدشهاب از ناصرالدین‌شاه فرمان‌گرفت و به آغاباشی فروخت و امروزه کارخانه ریسباف است .(۳)

۵۲ - باغ مراد :

باغی بوده دراصفهان‌که اکنون جای آن محله نو خوانده میشود.(۴)

۵۳ - باغ منوچهر خان معتمدالدوله :

این باغ زیاد وسیع و کلاه فرنگی وسطش بسیار عالی و دو طبقه و خوش طرح بود بطوریکه کلاه فرنگی نظائر تهران با اندك تصرفی از روی آن ساخته شده بود، خلوتها وعمارات دیگری هم در اطراف باغ داشت(۵) این باغ هم قسمت شده وتبدیل بعمارات مختلف گردید.(۶) باغ‌مزبوردرمحل معروف به‌پشت مطبخ‌واقع

۱ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۸. ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۴۸۷.
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰. ۴ـ الاصفهان ص۸۴. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷.

بودکه منتهی بقسمت جنوبی میدان شاه میگردید.[۱]

۵۴ - باغ عموطاهر :[۲]

این باغ درپشت باغ آلبالو دراصفهان واقع وبیش‌از سی‌هزار ذرع مساحت داشت قسمتی ازآن در دست حاج میرزاحسین‌بنکدار و برادرانش میباشدوتبدیل بعمارت گوناگون شده است .

۵۵ و ۵۶ - باغهای : زین‌خانه و فتح‌آباد :

این دوباغ درمشرق چهارباغ اصفهان واقع بودند و مساحت آنها بحدود شصت‌هزار متر میرسید و در جلو مدرسه چهارباغ و از موقوفات شاه سلطان‌حسین بود، بباغات کوچك و عمارات مبدل‌گشت وکارخانه‌های نجاری و آهن‌بری در آن ساخته‌اند .[۳]

۵۷ - باغ دمور :

این باغ میان هشت‌بهشت و پشت مسجدشاه واقع بوده است.[۴]

۵۸ - باغ شیرخانه :

این باغ هم در طرف شرقی چهارباغ اصفهان در محلی که امروز بکوچه شیرخانه شهرت دارد واقع و معبرش از باغ پهلوان‌حسین بوده است. در این باغو سایر باغها آثار عمارات عالی و سردرب‌ها وجود داشته ولی درقرن حاضر از روی عمد همه‌آن‌آثار را محو و تبدیل بعمارات دیگر گردید و در واقع آثار باستانی را از میان بردند.[۵]

۵۹ - باغ علی‌قاسم :

این‌باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی‌واقع وحدود چهارده هزار ذرع‌مساحت داشته وبتدریج از صورت اولیه خارج‌گردیده است .[۶]

۱- نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۸ .   ۲ و۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.

۵و۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷ .   ۶- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۸.

۶۰ـ باغ حاج باقر :

این باغ در همان خیابان چهارباغ واقع و پانزده هزار ذرع مساحت داشت و حاج ابراهیم آقا فرمان گرفت وبصورت دیگری درآمد. (۱)

۶۱ـ باغ فیل‌خانه :

این باغ که فیلخانه بود و در خیابان چهار باغ اصفهان واقع بود همان حاج ابراهیم آقا بضمیمه سردرب وعمارت فرمان گرفت وآنرا دگرگون ساخت. (۲)

۶۲ـ باغ قورچی‌باشی علیا : (۳)

این باغ درچهارباغ بالای اصفهان واقع بود وزمان شاه‌عباس بانی باغ منصب قورچی‌باشی‌داشته. مساحت آن تقریباً بیست وششهزارذرع بود، میرزاجعفر بیدآبادی فرمان صادرکرد و بصورت دیگری درآورد. (۴)

۶۳ـ باغ قورچی‌باشی سفلی :

این باغ نیزکه‌از مبانی صفویه بود در چهارباغ بالای اصفهان واقع و قریب سی هزار ذرع مساحت داشت میرزاتقی اشراقی درزمان مظفرالدین شاه قاجار فرمان‌گرفت ودیگرگون‌گردید. (۵)

۶۴ـ باغ ایشك آقاسی :

این باغ هم در چهارباغ بالای اصفهان واقع و سی هزار ذرع مساحت داشت و آنرا هم میرزاتقی اشراقی در زمان مظفرالدین شاه فرمان گرفت و در آن تصرفات کرد. (۶)

۶۵ـ باغ قرچقای‌خان :

این باغ نیز درچهارباغ بالای اصفهان واقع‌ومساحتش‌تقریباً بیست‌وپنجهزار ذرع بود آنرا نیز میرزاتقی اشراقی در(۱۳۰۳هـ.ق) فرمانی چاپی برای تملك‌آن در دست داشت ودرآن عمارات‌گوناگون ساخته شد. (۷)

۱و۲ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۸. ۳و۴و۵و۶و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰.

۶۶ - باغ توشمال‌باشی :

این باغ بسیارعالی و وسعتش از باغهای دیگر بیشتر بود سلطان‌حسین‌میرزا نواده علیشاه ظل‌السلطان فرمان‌گرفت و در اثر معامله شرطی بامیرزاتقی اشراقی درتصرف نامبرده اخیر درآمد و مانند دیگر باغات دیگرگون شد. (۱)

۶۷ - باغ داروغه :

این باغ هم درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و درحدود شانزده هزار ذرع بودکه حاج ابراهیم‌آقا فرمان‌گرفت و او خالوزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان بود . (۲)

۶۸- باغ رضاقلی‌خان :

این باغ هم در خیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و بیش از دوازده هزار ذرع مساحت داشت ، برای این باغ توسط ابراهیم آقای فوق‌الذکر فرمان گرفته شد و دگرگون‌گردید. (۳)

۶۹ - باغ خواجه :

این باغ هم مانند باغ رضاقلیخان درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع بود و ابراهیم‌آقا آنرا با فرمان تصرف و دگرگون ساخته است. (۴)

۷۰ - باغ داروغه دفتر :

برای این باغ که در اصفهان واقع بود بضمیمه سر درب آن آقاکمال‌الدین شریعتمدار اصفهانی فرمان‌گرفت ومساحت‌آن قریب پانزده‌هزارذرع بود و سپس دست بدست‌گشته واز صورت نخست درآمد . (۵)

۷۱ - باغ وقایع نویس :

این باغ که محل سکونت وقایع نویس وقت بوده و با سردرب آن بیست‌وهشت‌هزار ذرع‌مساحت داشت مانند باغ پیش‌گفته شریعتمدار اصفهانی‌فرمان گرفت و تصرفاتی درآن بعمل‌آورد . (۶)

۱- تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰ .

۲و۳و۴و۵و۶ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.

۷۲ - باغ دیوان بیگی :

این باغ را هم که در اصفهان واقـع و بیست و پنجهزار ذرع مساحت داشت شریعتمدار بوسیله فرمان متصرف و آنرا تغییر صورت داد.[۱]

۷۳ - باغ تفنگچی آقاسی :

این باغ راکه در اصفهان واقع وسی هزار ذرع مساحت داشت در سال (۱۳۱۲ه.ق) حاج میرزا حسین خان ولد میرزا نصرالله خان مستوفی فرمان گرفته و به محمدحسین گیوه فروش فروخت ولی شریعتمدار مانع تصرف او شده خود در دست داشت و آنرا دگرگون ساخت.[۲]

۷۴ - باغ چرخاب صفوی:

این باغ در ناحیه ۴ اصفهان واقع و درحدود بیست وهشت هزار ذرع مساحت دارد این باغ و باغهای دیگری را میرزا مهدی بن ملاهاشم بنام اولادش: میرزا حیدرعلی و حاج میرزا احمد و برادرزادگانش: میـرزا حسن و میـرزا حسین پسران میرزا عبدالوهاب فرمان گرفت و دست بدست بدیگران منتقل کردند.[۳]

۷۵و۷۶ - باغ قوشچیان و غلامان مطبخ :

این دو باغ شانزده هزار ذرع مساحت داشت که میرزامهدی فرمان گرفت.[۴]

۷۷ - باغ میر آخور شاه عباس :

این باغ در اصفهان واقع و درحدود هیجده هزار ذرع مساحت داشت. محمودخان فرمان تصرف آن راگرفت وفروخت وقطعه قطعه گردید.[۵]

۷۸ - باغ مهردار شاه عباس :

این باغ هم که در اصفهان و در اطراف چهارباغ بود قریب سی وچندهزار ذرع مساحت داشت رضاخان نامی فرمان گرفت و دست بدست گشت.[۶]

۱و۲ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱. ۳و۴و۵و۶ - تاریخ اصفهان وری ص۳۶۲.

۷۹ - باغ جلودار :

این باغ هم درحدود بیست‌وپنجهزار ذرع بود و مورد تصرف اشخاص واقع و قطعه قطعه گردید.(۱)

۸۰ - باغ جون کمر :

این‌باغ درحدود باغ سعادت‌آباد بوده وسی و دو هزار ذرع مساحت داشته و آنرا حاج ابراهیم‌آقا سعیدالملك فرمان گرفته و دست بدست گشته است .(۲)

۸۱ - باغ درب کارخانه :

این‌باغ نیز درهمان اطراف واقع و سی‌وشش‌هزار ذرع وسعت داشت و آنهم جزء فرمان سعیدالملك بود .(۳)

۸۲ - باغ کلاه شاه :

این‌باغ هم که دراطراف سعادت‌آباد بود سی‌وچهار هزار ذرع مساحت داشت وسعیدالملك فرمان آنرا گرفت .(۴)

۸۳ - باغ سپهسالار :

درهمان اطراف بود وبیست وششهزار ذرع وسعت داشت وفرمان‌آنرا همان سعیدالملك گرفت ودست بدست گردید .(۵)

۸۴ - باغ محمود صفوی :(۶)

این‌باغ بانضمام تکیه‌آن بیست و شش‌هزارذرع مساحت داشت و عمده آنرا میرزا فضل‌الله خان دهش ضبط کرد .

۸۵ - باغ بهارستان :

این‌باغ‌هم درهمان حدود باغ سعادت آباد معروفیت داشت که فعلاً اثری از آن نیست .(۷)

۸۶ - باغ برج و ۸۷ - باغ حاج صالح :

این دو باغ در مشرق چهارباغ نو و راه پل خاجو واقع و بیش از یکصد و

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۲ .

۲و۳و۴و۵و۶و۷- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۴.

چهل هزار ذرع وسعت داشتند درسال (۱۳۰۳ هـ . ق) بمیرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا مسیح خان حافظ‌الصحه فرمان چاپی دادند و سهم ناظم‌الاطباء را سادات خاجوئی خریدند وامروز قسمتی ازباغ برج را آقایان تجار روغنی محل شرکت وکارخانه بافندگی بناءِ نهاده‌اند . (۱)

۸۸ - باغ جشاران = جوشاران = گوش‌اران :(۲)

این‌باغ‌که معلوم‌میشود سابقه طولانی‌دارد و دراصل‌گوش آران بوده‌که‌گوش نام قدیم جهودان بوده واز اینرو دروازه جوباره را در قدیم‌گوش‌بر مینامیده‌اند و سپس معرب شده به جوشاران‌یاجشاران تبدیل‌گردیده‌است . وسعت آن هفتادهزار ذرع و در طرف پل‌خاجو واقع بوده است . (۳)

۸۹ - باغ جعفرخان :

این‌باغ نیز درطرف پل‌خاجو واقع و تبدیل باراضی زراعتی شده و اگرهم ساختمانی داشته ازبین رفته است . (۴)

۹۰ - باغ جلوخان :

درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائراست . (۵)

۹۱ - باغ حبشی‌خانه :

این باغ‌هم درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائر است . (۶)

۹۲- باغچهٔ یخچال :

این‌باغچه هم دراطراف هفت دست بوده ولی اکنون از میان رفته است . (۷)

۹۳ - باغ عباس‌آباد :

این‌باغ در طرف غرب چهار باغ که بطرف محله عباس‌آباد اصفهان میرفت واقع شده بود واز بناهای شاه عباس بود واکنون محله عباس‌آباد نیز درمحل‌همان باغ است . قسمت شرقی‌آن باغ را نیزعباس‌آباد میگویند . و چون این باغ هزار

---

۱ و۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۴ و ۳۶۵

۳- در مجله ارمغان سال اول شماره ۱۰۶۹ ص۶۰ خوشاران نوشته شده است .

۴و۵و۶و۷- تاریخ‌اصفهان ص۳۶۷.

جریب مساحت داشت به‌باغ هزارجریب نیز شهرت یافت . [۱]

۹۴ - باغ خیاطخانه :

این باغ جنب چهلستون بوده ودوازده هزارذرع وسعت داشت وخانه ومغازه شده است . [۲]

۹۵ - باغ توحید خانه :

باغی بوده که خلیفةالخلفای صوفیان در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را جمع ودرآن باغ بذکرمشغول میشدند و درهمین شبها مقداری نان وحلوا بانظارت او میان درویشان وصوفیان تقسیم میگردید [۳] واین باغ درپشت عالی قاپو وتالار طویله واقع و درکنار آن خلوتهای تو درتو و وسطش گنبد بسیار وسیع وعجیب ـ الشکل ومرتفعی بوده است . [۴]

۹۶ - باغ خلیل :

۹۷ - باغ مستمند یا مستمن :

این‌دوباغ با باغ توحید خانه وبرج باغ مستمند در حدود شصت هزار ذرع وسعت داشته‌اند وتبدیل بخانه شده‌اند . [۵]

۹۸- باغ محمد امین :

این باغ درطرف جنوبی باغ تخت بوده که محل آن امـروز خیابان شیخ بهائی است وتبدیل بخانه شده است . [۶]

۹۹ - باغ جنت :

این‌باغ در شمال‌رودخانه زاینده رود ومجاورمحلهٔ لنبان واقع‌بوده است . [۷]

۱۰۰ - باغ فرح‌آباد :

این‌باغ‌که بعدها به‌کاخ فرح‌آباد معروف‌گردیده در دامنه‌کوه صفحهٔ اصفهان

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷ .
۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ .
۳ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۴۰۷.
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵ .
۵و۶- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵.
۷- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۲۳.

بنا وبانی آن شاه سلطان حسین صفوی بوده است .

شاه سلطان حسین در ماه شعبان سال (۱۱۲۳ هـ . ق) بباغ فرح آباد نزول و در دوم شهر رمضان همان سال مراجعت کرد و فرمان داد که در باغ مزبور بسرکاری ابراهیم آقا یوزباشی عمارت کنند واز جمعی از مقربان دربار نیزخواسته شد که درحوالی باغ عمارت کنند و ازآن جمله بعلامه مجتهدالزمان میرمحمد باقرمدرس مدرسه‌سلطانی نیز تکلیف عمارت گردید وآن عالم بزرگوار با عدم تمایل ناچار بخریدن زمینی و بنای عمارتی گردید و مقدار ده جریب شاه از آب نهر سعادت آباد باو ارزانی شد، درآن سال شاه باغ فرح آباد و بقیه زمین سعادت آباد را نیزوقف کرد .

بنای این باغ وعمارات داخل آن بسیار سست وبیشتر آن ازخاك وخشت بود وازنظر هنری ارزشی نداشته وآنجا کاخ تابستانی شاه بوده است . طول این باغ یك فرسنگ وعرض آن تقریباً نیم فرسنگ بوده است ، از وقایع مهم این کاخ ورود محمود افغان درآن وتسلیم شاه سلطان حسین در یازدهم محرم (۱۱۳۵ هـ . ق) میباشد . وازآن روز ببعد فرح آباد رو بویرانی گذارد و اکنون جز ویرانه هائی درجنوب جاده اصفهان بدستگرد چیز دیگری باقی نمانده است . (۱)

۱۰۱ - باغ هزارجریب :

پس‌ازعبور ازچهارباغ وپل زاینده رود وارد خیابانی میشودکه اطراف آن جوی شکل است وازآن خیابان وارد زمینی مربع شکل میگردد که معروف به باغ هزار جریب است ودارای عماراتی عالی وآبشار زیادبوده وظل‌السلطان مسعود میرزا پسر ناصرالدین‌شاه آنرا خراب کرد . (۲)

۱۰۲ - باغ وعمارات هفت دست خاقانی :

این باغ وعمارات راکه بهفت دست معروف است‌صدر اصفهانی برای‌فتحعلی-

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان وذیل وقایع‌السنین ص۲۷۳ .

۲- الاصفهان ص۴۲ .

شاه ساخت ولی بتدریج مخروبه وازبین رفت .[۱]

۱۰۳ - باغ بهشت برین :

این باغ نیزاز بناهای زمان فتحعلی شاه قاجار بوده‌که ویرانه شده‌است .[۲]

۱۰۴ - باغ درب سنگ :

این باغ که در دوران صفویه ساخته شده دارای عماراتی نیزبوده که بتدریج ازبین رفته است .[۳]

۱۰۵ - باغ وعمارت کرکس صفوی :[۴]

۱۰۶ - باغ نارنجستان صفوی :

این باغ هم ظاهراً در نزدیکی باغ بادامستان و چهلستون بوده و بتدریج خراب و ویران وتبدیل بامکنه دیگری شده است.[۵]

۱۰۷ - باغ و عمارت کاخ صفوی :

این باغ و عمارات آن نیزکه در اطراف عمارات دولتی بوده معدوم‌الاثر گردیده است .[۶]

۱۰۸- باغچه وعمارت حمام صفوی:

این باغچه وعمارات وابسته آن نیز خراب ومعدوم‌الاثر گردیده است.[۷]

۱۰۹ - باغ محمد علی صدری :

این باغ که از دوره قاجاریه است نیز معدوم‌الاثرگردیده است .[۸]

۱۱۰ - باغ محمد علی‌خان :

۱۱۱ - باغچه نواب صفوی :

هردوباغ وباغچه وعمارت آنها ویران شده است .[۹]

۱۱۲ - باغ وعمارت قادرخان صفوی

۱و۲- مجله ارمغان سال‌اول شماره ۹ و ۱۰ ص۵۹ .   ۳- آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲.   ۴- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص۵۹.   ۵و۶و۷و۸- مجله‌ارمغان سال۱ ، شمارهٔ۹و۱۰ ص۶۰.   ۹- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص ۶۱ .

۱۱۳ ـ باغ و عمارت صفی‌میرزای صفوی :

این باغ در بیرون دروازه در دشت واقع بوده و در اثر عدم توجه و بـروز حوادث ویران گردیده است وجز نام اثری ندارد.[۱]

۱۱۴ ـ باغ و عمارت رضاقلی‌خان صفوی :

این باغ نیزکه در دوران صفویه احداث شده و دارای عمارت نیزبوده مانند سایر عمارات آن زمان ویران شده است[۲]

۱۱۵ـ باغ لب مادی صفوی :

این باغ هم که لب مادی واقع واز احداثات صفویه بوده خراب ومعدوم‌الاثر گردیده است.[۳]

۱۱۶ ـ باغ و عمارت ملك صفوی :

این باغ وعمارت نیزکه از دوران صفویه ودر اطراف چهارباغ بوده بتدریج ویران وبلااثر شده است.[۴]

۱۱۷ ـ باغ و عمارت چشمه صفوی :

این باغ و عمارت‌که احداث آن مربوط بدوران صفویه و در لنجـان واقع بوده بتدریج از بین رفته است.[۵]

۱۱۸ ـ باغ و عمارت کومه صفوی درلنجان :

این باغ وعمارت آن درلنجان واقع وگویاشکارگاه شاه‌عباس بوده واشعاری‌در وصف‌این‌کومه نیزسروده‌اند وشرح آن‌چنین‌است که‌شاه‌عباس‌درلنجان‌جای‌مخصوصی برای صید و شکار پرندگان ساخته بود. درماه شعبان‌سال (۱۰۱۷ه . ق)که بعزم‌شکار بآن‌ناحیه رفته‌بود بزمینی‌رسیدکه بسیار سبز وخرم و ازکنارآن نهرآبی‌میگذشت و پرندگان آبی وهوائی درآنجا بسیار دیده میشد، پس دستور دادکـه درآن زمین عمارتی‌دوطبقه بااطاقها وایوان‌های‌زیبابناکردند وبرابرآن‌دریاچه‌ای‌بزرگ‌ساختند

---

۱ و۲ و۳ و۴ـ مجله ارمغان سال ۱شماره ۹و۱۰ ص۶۱ ۵ـ آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲

وکنار دریاچه کومه‌ای که دیوارهای کاشی داشت برای پرندگان آبی و پشت آن کومه علفزاری ترتیب دادند. درمیان دریاچه نیز جزیره کوچکی بصورت مربع مستطیل ساختند که با پلی بساحل مربوط میشد، وچون پل را برمیداشتند دیگر کسی به آن جزیره نمیتوانست رفت. اطراف دریاچه راهم بانواع گلهای سوسن وهمیشه بهار وشب‌بو و قرنفل آراستند، وپشت آنرا تایك جریب یونجه کاشتندکه همیشه سبز باشد. گرد آن یونجه‌زار نیز ازهرسو چنارها نشاندند، ودورچنارها خندقی عمیق کندند، تاجانوران وحشی بآن محوطه وعمارت داخل نتوانندشد. گرد خندق نیزنی کاشتند که چون سبزگردد خود دیواری دیگر شود.

ازآن‌پس همه‌سال شاه برای شکار پرندگان باین‌مکان میرفت و آنرا کومه سگ‌علی نام داده بود درآنجا همیشه انواع غذاها و مشروبها ولوازم زندگی‌ازفرش و خوابگاه و وسائل روشنائی فراهم‌بود وبهمین‌سبب نیزیکی‌از شاعران تاریخ‌اتمام بنای آن را درجمله: کومه پرنعمت سگ‌علی پیداکرد. که بحروف جمل‌مطابق‌عدد هزاروبیست وسه (۱۰۲۳) هجری میشود و ذوقی معروف به‌علیشاه‌اردستانی‌ازشعرای دربارشاه‌عباس ومردم اردستان درتاریخ شروع آن این‌قطعه را سروده است:

شاه عباس آنکه در هنگام صید	شیر گردون بستهٔ فتراك او است
صید گاهی ساخت در ملك عراق	صید گاهی کاسمان را آبرو است
صیدگاهی آنچنان تا ساخته	صید از شادی نمیگنجد بپوست
شاه آنجا چون کمین سازد بصید	همچوجان درقالب ومی‌درسبواست
گفت ذوقی از پی تاریخ آن :	« صیدگاه پادشاه صید دوست »
	۱۰۱۷

شاه‌دریکی‌از روزهای‌شکار دراین‌کومه ۱۰۴ کلنگ و ۱۸۰ اردك وکلاغ‌وهوبره و ۱۷۰ مرغابی گرفت. [1]

۱۱۹ ـ باغچه ملای صفوی :

این باغچه‌که دارای عمارت و از بناهای زمان صفویه ودر اطراف چهارباغ

---

۱ ـ زندگی شاه‌عباس ج ۲ ص ۲۹۹ .

بوده خراب و ویران وبلااثر است.(۱)

۱۲۰ ـ باغ وحش صفوی :

این باغ هم‌که درحدود چهارباغ اصفهان بوده خراب و اثری ازآن باقی نیست .(۲)

۱۲۱ ـ باغ و عمارت دریاچه :

این باغ درشمال رودخانه زاینده رود دراطراف پل جوئی و در مقابل باغ سعادت‌آباد اصفهان واقع بوده است.(۳)

۱۲۲ ـ باغ حسن‌پاشا :

این باغ درمحله خاجوی اصفهان واقع وازبناهای حسن‌پاشا دامادامیرتیمور بوده است.(۴)

۱۲۳ ـ باغ حاجی :

این باغ درشمال زاینده‌رود اصفهان واقع بوده و هنگامیکه همایون شاه باصفهان نزول‌کرد درآن محل اقامت داشت وبرای او طبق دستور شاه‌عباس عمارات دولتی بناکردند وآنجارا باب‌همایون میخواندند تا زمانی‌که حاجی‌آقا محمدحاکم اصفهان از طرف کریم‌خان‌زند مأمور تعمیر خرابیهای اصفهان‌شد در این محل‌باغ بزرگی برای‌خود بنا نهاد ومحل موسوم به‌باغ حاجی‌شد ولی‌آن باغ بتدریج تبدیل بعمارات مختلف‌گردیده است.(۵)

۱۲۴ ـ باغ عبدالعزیز:

این باغ در زمان علاءالدوله در داخل حصاری بوده که در اطراف اصفهان کشیده ومحله‌ایکه باغ درآن واقع بوده بنام باغ عبدالعزیز خوانده میشد. گویا بانی باغ عبدالعزیز نامی بوده‌که پیش‌ازعلاءالدوله میزیسته است.(۶)

۱و۲ ـ مجله ارمغان سال۱ شماره ۹ و ۱۰ ص ۶۲ ۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵ . ۴ ـ زنده‌رود ج ۱ ص۳۲ . ۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۸۱.

۱۲۵ - باغ نگارستان :

این باغ درچهارباغ فتح‌آباد اصفهان واقع بوده است.[۱]

۱۲۶ - باغ معیر:

این باغ نیز درکنار نهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی‌بوده است.[۲]

۱۲۷ - باغ فراخان :

این باغ نیز درکنارنهرنیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی بوده‌است[۳]

۱۲۸ - باغ وعمارت قرچه‌خان صفوی :

این باغ وعمارت مربوط بزمان صفویه است‌که معدوم‌الاثر گردیده است[۴]

۱۲۹ - باغ عدن :

این باغ جزء حرمسرای ملکشاه سلجوقی دراصفهان و از احداثات خود او بوده است.[۵]

۱۳۰ تا ۱۴۲- باغهای: فرنگ- ارم- خالقی - پل کله- پهلوان‌لنجان- صفی‌آباد - قورچیها - مستوفی - مردارکش - مودون- احمدافغان- درب قلعه - انارستان [۶] - سقاخانه از باغهای دوره صفویه‌است‌که معدوم شده‌اند.[۷]

علاوه برباغهائی‌که ذکر شد بطوریکه نوشته‌اند درحدود چهارصدباغ مهم‌در اصفهان تا پیش‌ازقرن چهاردهم هجری وجود داشته‌که از بدو اسلام تا زمان‌حاضر ازبین رفته وفقط معدودی که در مبحث خود توصیف خواهد شد باقی مانده است گذشته از باغهای مهم چهارباغهائی‌هم‌که ذیلا نگاشته میشود درشهراصفهان وجود داشته‌که اکنون فقط نام‌آنها باقی است:

۱ - چهارباغ سلجوقی :

این چهارباغ درشمال شرقی شهراصفهان واقع ومتصل‌بمحله طوقچی‌که‌آنرا

۱و۲و۳- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۶ ۴- مجله ارمغان سال۱شماره۹و۱۰ص۶۰

۵- آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ ۶- تاریخچه محله خواجو ص ۲۱ .

۷- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص ۹۱-۹۲

محله دریه میگفته‌اند بوده است و ظاهراً محله جروائان یاگروائان همانجائی‌است که به چهارباغان معروف است.[۱]

۲ ـ چهارباغ قهوه‌ای :

این چهارباغ هم مربوط بدوران پیش‌ازصفویه است.[۲]

۳ ـ چهارباغ ملکشاهی :

این چهار باغ مرکب از باغهای : کاران ـ طرازآباد و خاجوی‌کنونی بوده است.[۳]

۴ ـ چهارباغ اصفهان :

این‌چهارباغ مرکب ازباغهای: فلاسان‌ـ بکر[۴] ـ سلم‌ـ عبدالله‌ـ عیسی‌بن‌ایوب بوده است.

و ـ عماراتی‌که بعد از اسلام احداث و جز نام اثری ازآن نمانده است:

۱ ـ عمارت جمال‌الدین :

این عمارت را جمال‌الدین محمدبن شجاع‌الدین لنبانی اصفهانی در مسقط‌ـ الرأس خود لنبان بناکرد و بنام جمال‌الدین مشهور شد و اکنون اثری از آن باقی نیست[۵]سعید هروی در وصف‌آن سروده :

غیرت باغ خورنق رشك بستان ارم　　　صورت‌ارژنگ‌مانی‌نسخهٔ صحن‌جنان

۲ ـ نقاره‌خانه:

این عمارت در دوطرف جلوخان سردر قیصریه‌اصفهان واقع بوده و درزمان صفویه عده‌ای نقاره‌چی باطبل‌ودهل و بوق وکرنا درآن جا داشته وطلوع آفتاب و غروب‌آن را با نواختن موسیقی ایرانی اعلام میداشته‌اند. این عمارت‌تااواخردوره قاجاریه وجود داشته است.[۶]

۱ـ مرآت‌البلدان ج ۴ درکلمه چهار باغ .　　۲و۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۲
۴ـ محاسن اصفهان ص۵۴ـ۵۶.　　۵- ترجمه محاسن اصفهان ص۷۵ .　　۶ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۶۵.

۳ ـ عمارت خلوت رکیبخانه صفوی :

این عمارت در وسعت حیاط متوسط و در نیکوئی عالی، اطاقهای فوقانی و تحتانی آن زیبا و تمام منقش ومطلا بوده است.[۱]

۴ ـ عمارت صدری :

این عمارت دیوانخانه وبی‌اندازه وسیع ومیان عمارات دولتی کمتر عمارتی باین‌وسعت و جامعیت بود چه دارای حمام و خلوتها و نارنجستانهای بزرگ بود و آنرا صدراعظم اصفهانی بعنوان تقدیمی برای قدوم فتحعلی‌شاه قاجار ساخته بود، اعیانی آن از چهارسمت تحتانی وفوقانی دورآن حیاط اطاقهای ملوکانه‌که هرکدام یکدست عمارت شمرده میشد و تالار بزرگ وبلندکه درضلع شرقی واقع بودداشت و بعداز چهلستون و عالی‌قاپو وقصر آینه عمارتی باین‌خوبی نبود، سردرب زیرتالار غیرقابل‌وصف وبی‌نظیر وتالار دو رو داشت یکی بحیاط بزرگ ودیگری‌بنارنجستان حیاط نارنجستان نیز مشتمل برچندین‌عمارت بودکه درهریك حمامی هم ساخته شده بود و اندرونی فتحعلی‌شاه بشمار میرفت[۲] واین عمارت درسال ۱۳۱۷هجری بکلی ازمیان برداشته شد.[۳]

۵ ـ طالار طویله:

این عمارت درجنب‌کاخ عالی‌قاپوی اصفهان واقع و از بناهای صفویه وبسیار شگرف بود. درسال۱۳۱۷هجری مانند سایر قصور وعمارات سلاطین صفویه ویران گردید.[۴] و دبیرستان‌کنونی سعدی درقسمتی ازجای آن قرار دارد.

۶ ـ عمارت اشرف:

این عمارت‌که بسیار مفصل و ازجمله‌آن تالار اشرف بوده است‌که منقش و مذهب بود و قسمتی از آن تجدید عمارت‌گردیده و فعلاً محل اداره آموزش وپرورش اصفهان است[۵] ولی بقیه‌آن ازبین رفت.

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲ . ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ . ۴و۵ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۱۱۳

۷ـ عمارت بزرگ صفوی معروف به صدری :

این عمارت نیز درسال یکهزاروسیصدونوزده هجری خراب گردیده است.[۱]

۸ـ حمام خواجه‌های صفویه:

ساختمان این حمام بسیار شگرف بود و در سال ۱۲۹۹ هجری خراب گردید.[۲]

۹ـ حمام چهارباغ اصفهان :

این حمام نیزکه از زمان صفویه و در خیابان چهار باغ عباسی واقع بود در ۱۳۱۱ هجری خراب گردید.[۳]

۱۰ـ عمارات ملکشاهی:

قصور و خانه‌هائی بوده‌که دارای‌حمام واصطبل وصدها میدان وباغ وبوستان وهرکدام ازآنها مسکن امیری بزرگ وسپهسالاری عالی‌مقام باخیل وحشم ودواب و اسباب بوده و دوهزار ازآن قصوروخانه‌ها ازآن ارکان دولت ومحتشمان‌و وزرای سترك و پیشوایان و زعماء بوده‌که درهریك حجرات معمور و تالارهای فاخر بوده است.[۴]

۱۱ـ حمام امین‌الدوله:

این حمام درکنارچهارباغ اصفهان واقع و تا سال ۱۲۹۵ هجری دائـر و از حمامهای دوره صفویه درجه دوم بوده است.[۵]

۱۲ـ حمام حاتم‌بیك:

این حمام در خیابان شاه‌عباس اصفهان و درسه راه ملك واقع بوده‌است.[۶]

۱۳ـ حمام قاراخان :

این حمام‌که مربوط بزمان صفویه و در اول چهارباغ نزدیك‌کوچه‌امامزاده

۱ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۱۱۴

۲ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۷۷

۳ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۹۰

۴ـ محاسن اصفهان ص ۸۳.

۵و۶ـ تاریخچه محله خواجو ص۷۱

باقر واقع بوده درسال ۱۳۳۶هجری بدست متولی آن خراب گردیده است.[۱]

۱۴ ـ حمام سرچهارراه :

این حمام درمحله تلواسکان اصفهان قرار داشته ومربوط بزمان صفویه بوده است.[۲]

۱۵ ـ حمام محمد صالح :

این حمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع بوده است.[۳]

۱۶ ـ حمام سارو تقی : درمحله عباس آباد.[۴]

۱۷ ـ حمام درقهوه :

این دوحمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است.[۵]

۱۸ ـ حمام آقانیمور :

این حمام نزدیك باغ مراد واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است.[۶]

۱۹ ـ حمام چادردوز:

این حمام مربوط بزمان صفویه ودرکوچه گاریچیان نزدیك چهارسو نقاشی که اکنون خیابان شاه‌عباس میباشد واقع بوده است.[۷]

۲۰ ـ حمام درویشان :

این‌حمام نیز درنزدیکی تکیه بکتاش درمحله خاجوی اصفهان واقع‌ومربوط بدوره صفویه بوده است.[۸]

۲۱ ـ حمامهای روغنی :

این دوباب حمام‌که یکی کوچك و دیگری بزرگ در محله خاجوی اصفهان واقع واز احداثات دوره صفویه بوده‌است.[۹]

۱و۲و۳و۵و۶و۷و۸و۹ـ تاریخچه محله خواجو ص۷۱

۴- تاریخچه محله خواجو ص۶۷

۲۲ - کاروانسراهای بی‌نقابان :

هفت‌کاروانسرا بودکه در زمان شاه‌عباس بزرگ برای‌زنان روسبی تعیین‌شده بودکه درآنها سکونت‌کنند و این کاروانسراها اختصاص بزنان روسبی داشته که مالیات دیوانی میپرداخته‌اند ومحل‌آن در اصفهان در محله‌ای بنام محله بی‌نقابان و پشت باغ شرکت هندوهلند قرار داشته است.[۱]

۲۳ - تکیه دولت صفوی :

این عمارت‌ازبناهای صفویه وفضای‌آن متوسط و وسعتش‌کمتر‌ازسایرعمارات عالی و دارای تالار و ایوانها وبالاخانه‌ها و طاقنماهای بسیارخوب ومرغوب‌وحوضی بسیاربزرگ واقع درجلو تالار و سایرملزومات عمارات دولتی درآن جمع‌بوده واز قدیم‌درآنجا تعزیه خامس آل‌عبا علیه‌السلام‌برپا میشده‌است وپس‌از بنای‌تکیه‌جدید در زمان حکومت ظل‌السلطان‌آن تکیه متروك و روبویرانی‌گذارده است.[۲]

۲۴ - عمارت دارالنظاره آشپزخانه وشربتخانه :

این عمارت‌که برای نظارت در اموراآشپزخانه و شربت‌خانه ساخته شده بود مشتمل بر انبار وخلوتهای تودرتوی نشیمنگاه و باغ بزرگ عقب‌آن بسیار مرغوب بوده[۳]که از بین رفته است.

۲۵ - میدان چهارحوض صفوی :

این میدان درمقابل عمارت تیموری (باشگاه فعلی افسران) قرار داشته و از طریق بازار مسگران بمیدان شاه مربوط میگردیده است، سابق براین‌چهارحوض درچهارجای‌آن واقع ومحل سکونت یك‌فوج سربازبوده‌است میدان مزبوربمنزله جلوخان عمارات دولتی و دارای سردری مرتفع وعالی مشتمل برجاهای خوب و نیکو بوده ولی بتدریج ازبین رفته وصورت دیگری بخودگرفته است.[۴]

۱- زندگانی شاه‌عباس بزرگ ج ۳ ص۵۶ — ۲- جغرافیای اصفهان ص۲۲

۳- جغرافیای اصفهان ص۲۳ — ۴-گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان ص ۸۳۱

۲۶- عمارت چهارسو نقاشی :

این عمارت در راسته بزرگ میان محله خاجو و محله حسن آباد در وسط بازارچه چهارسو نزدیک چهارباغ صدری اصفهان واقع و دارای کمال زینت و آراستگی، اطراف و نماهای آن بصورت سلاطین و بعضی از پهلوانان مصور بوده است، در زمان ظل السلطان نقاشیهای آن چهارسو را تغییر و نام بازارچه را به رکن آباد تغییر دادند زیرا رکن الملك نایب الحکومه اصفهان متصدی این تعمیر بوده است.[۱]

چهارسو نقاشی همان چهارسوی اسفندیار بیك است که در اثر مرور زمان و داشتن نقاشیهای گوناگون بدیع به چهارسو نقاشی معروف و اخیراً در مسیر خیابان شاه عباس واقع و خراب گردیده است.[۲]

۲۷ - تکیه بکتاش :

این تکیه در اصفهان در چهارباغ کهنه واقع و قریب هشتاد جریب باغ و اراضی اطراف آن برای دستگیری و اعانت فقرای دراویش و تعمیرات بقعه وقف شده بوده و با وجود فرمانهای متعدد از سلاطین صفویه چون شاه سلطان حسین و شاه طهماسب و سلاطین قاجاریه چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه املاك آنرا ازبین برده و حتی بقعه را نیز تبدیل بمغازه کرده اند.

دراویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش ولی که در قرن نهم میزیسته و در ۸۶۰ هجری در روم ساکن بوده و پس از وفات در قریه بکتاش ولی میان قونیه و قیصریه مدفون گردیده است.[۳]

۲۸ - عمارت کتابخانه صفوی :

این ساختمان پشت عمارت نمکدان صفوی در اصفهان واقع بوده که شاردن[۴] کتابهای آن کتابخانه را در حدود پانزده هزار جلد گفته و عمارت مزبور را ضمن توصیف طالار طویله چنین بیان کرده: در دوسمت این طالار اطاقهای بزرگ است، در یکی

۱- نصف جهان در تعریف اصفهان ص۵۲ ۲- تاریخچه محله خواجو ص۱۵

۳- تاریخچه محله خواجو ص۲۸ ۴- مرآت البلدان ج۴ بنقل از سفرنامه شاردن

از این اطاقهاکتابخانه پادشاه است و میرزا مقیم کتابدار است، میرزامقیم در۱۸۵۰ مسیحی مطابق ۱۰۶۸هجری بسفارت هندوستان مأمور شده‌بود درکتابخانه تقریباً پانزده هزار جلد کتاب بنظرم آمد و اغلب بزبان ترکی و عربی بود و فارسی کمتر داشت از میرزامقیم پرسیدم بزبان فرنگی کتابی درکتابخانه پادشاهی هست یا نه دوصندوق بمن نشان‌داد، درهرصندوقی شصت‌هفتادجلدکتاب بود یکی‌ازاین‌صندوقها کتبی بودکه ازکلیسای هرمز بغارت‌آورده بودند واین‌کتابها غالباً بزبان فرانسه یا آلمانی بود واطاقی دیگرمحاذی‌کتابخانه رختدارخانه است‌که هیچکس را درآن راه نمیدهند.

۲۹ ـ طویله خورشید :

این عمارت نیز جزء طالارطویله بوده است.

۳۰ ـ عمارت اصطبل کالسکه :

این ساختمان نیز در داخل طالار طویله بوده‌است.

۳۱و۳۲ ـ عمارت فردوس وعمارت میهمانخانه :

این‌دوساختمان‌درحرمخانه‌صفویه دراصفهان‌واقع بوده وزنانی‌که‌ازحرمسرای سلطنتی بشوهر میرفته‌اند درموقع ورود مجدد بحرمسرا در آن عمارت اقامت میکرده‌اند.[۱]

۳۳ ـ عمارت گمرك صفوی :

این عمارت محل فیصله امورگمرکی اصفهان بوده و دراین تاریخ محل آن بانك‌گردیده است.[۲]

۳۴ ـ سقاخانه عزیزالله :[۳]

این سقاخانه در وسط چهارسوی بازار مقابل دربزرگ ورودی مسجد جمعه اصفهان واقع و دارای سنگابی بوده وآن سنگاب پس از ویرانی سقاخانه در نیمه

۱- سفرنامه شاردن ۲- آگهی شهان از کار جهان ج۳ ص۹۱ و۹۲

۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۴۶.

نخست قرن چهاردهم درگوشه‌ای ازمسجد عمر نگهداری شده است کتیبه سنگاب حاکی‌ازآن‌است‌که سنگاب مزبور بوسیله عزیزالله نامی در زمان شاه‌سلیمان‌صفوی درآن محل نصب‌گردیده‌است.

کتیبه سنگاب بخط نستعلیق برجسته چنین میباشد:

«نظام داد عزیز این بنای عالی را بعهد خسرو اقلیم دین سلیمان‌شاه»

«سقی‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مأویه»

«زبهرخیر تراشید سنگ‌آب زلال که‌بریزیدتوان‌کرد لعن‌خاطرخواه»

«رقم زد از پی تاریخ خامهٔ مسعود: «سبیل باد سقاخانه عزیزالله»

درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان سال تاریخ مطابق شعرمزبور یکهزاروهشتاد وهفت (۱۰۸۷) تشخیص داده شده ولی این تشخیص بنظر نگارنده درست نیست و سال تاریخ برطبق حروف تهجی‌که در کتابت‌آمده یکهزار و هشتاد وشش (۱۰۸۶) میباشد، زیرا ملاك حروف مکتوبه است نه ملفوظه.

۳۵ - گنبد دروازه طوقچی :

این‌گنبدکه بوسیله سلاطین دیالمه بر دروازه طوقچی اصفهان ساخته شده بود در سال۱۳۴۲هجری بوسیله شهرداری اصفهان بمنظور ایجاد خیابان‌های‌حافظ و هاتف خراب گردید. [۱]

۳۶ - گنبد مهرارت :

این‌گنبدکه درحوالی شهراصفهان واقع و در زمان ملکشاه سلجوقی عمارتی باشکوه وچنان جالب بوده‌که اگر از بالای‌آن چشم میانداختند منظره جالبی را تماشا میکردند بخصوص باغهائی‌که ملصق بآن بودآن عمارت را بسیار زیبا جلوه میداد وناظررا در دیدن‌آن خیره‌میکرد وآواز پرندگان وصفیر مرغان‌گوش‌رالذت نیوش می‌بخشید ولی مرورزمان چنان آن بنیان را برافکندکه نشانی از آن باقی نیست. [۲]

۱- تاریخ اصفهان و ری ص۴۰۰ . ۲- محاسن اصفهان ص۵۳ .

۳۷و۳۸ ـ کوذکرت و نفاذه :

این دوعمارت نیز در اطراف شهر اصفهان واز ساختمانهای باشکوه و جالب و دارای بستانهای پراز درخت و ریاحین وگلهای گوناگون بوده‌است واکنون‌نشانی جز نام ندارند.(۱)

۳۹ ـ عمارت خسروخانی صفوی :

۴۰ ـ کاروان‌سرای صفوی:

۴۱ ـ خلوت سرپوشیده صفوی:

۴۲ ـ خلوت آبدارخانه صفوی :

۴۳ ـ عمارت‌گلشن صفوی:

این پنج عمارت نیز از ساختمانهای دوره صفویه بوده‌که بمرورزمان ازبین رفته است.(۲)

۴۴ ـ عمارت پست خانه :

این عمارت نیز که از دوره صفویه بوده تبدیل ببانك شده است.(۳)

۴۵ ـ عمارت بیمارستان درویشان :

این بیمارستان درمحله حسن‌آباد خاجوی اصفهان درنزدیکی‌مسجدومدرسه وحمام درویشان از احداثات اوزون‌حسن واقع و در زمان سیاحت شاردن‌فرانسوی (۱۰۶۷هـ.ق) دائر بوده ولی اکنون نشانه‌ای ازآن نیست.(۴)

۴۶ ـ عمارت بیگلربیگی :

این ساختمان را صدر اصفهانی روی پل خاجوی اصفهان بنا کرد و در سال ۱۳۱۰هجری‌آنرا خراب‌کردند.(۵)

۴۷ ـ قلعه شهر:

قلعه‌ای بوده‌که در زمان ملکشاه سلجوقی در شهر اصفهان ساخته شده است

۱ـ محاسن اصفهان ص۵۳ ۲و۳ـ تاریخ اصفهان و ری وآگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۹۱ـ۹۲. ۴ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۱۳ ۵ـ تاریخچه محله‌خواجو ص۱۹

و اکنون اثری ازآن باقی نیست.[1]

۴۸ - نقاره‌خانه شهرستان :

این نقاره‌خانه که درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع بوده بمرورزمان‌ازبین رفته است.[2]

۴۹ - قلعه شهرستان :

این قلعه نیز درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع‌بوده‌که بمرورزمان‌تبدیل به تل خاکی شده است.[4]

۵۰ - حمام شیخ‌ابومسعودرازی :

این حمام در محله درشیخ‌اصفهان در مجاورت مسجد و بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ه.ق) واقع بوده و درقرن سیزدهم بفتوای یکی‌از علمای زمان ظاهراً سیدصدرالدین عاملی ویران شده‌است.[5]

۵۱ - خانه برّ :

خانه‌هائی بوده در دوره صفویه در شهراصفهان‌که عددآن چهل واز واردان در مدت سه روز پذیرائی میشده است.[6]

۵۲ - دارالشفاء :

بیمارستانی بوده دراصفهان‌که درنزدیکی قیصریه واقع میشده است[7]وبازار متصل بآن هم معروف ببازار دارالشفاء میباشد که بازار رنگرزها بوسیله بازار ترکش‌دوزها بآن منتهی میشود[8]

۵۳ - عمارت رختدارخانه:

محلی بوده درعمارات دیوانی اصفهان‌که درآنجا در زمان صفویه خلعتهائی

۱- اصفهان جوانان ص۸۸   ۲و۳و۴ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۹۳.
۵ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۴ .   ۶- الاصفهان ص۷۵ .   ۷- تذکره نصرآبادی ص۲۳۸ .   ۸- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹ .

که بمردم میداده‌اند نگهداری میشده است.[1]

۵۴ ـ عمارت رختدارخانه‌خاصه :

جائی بوده درعمارات دیوانی صفویه که درآن لباسهای خصوصی سلاطین صفویه در اصفهان نگهداری میگردیده است.[2]

۵۵ ـ بیمارستان ورنوسفادران :

این بیمارستان در ورنوسفادران از دهات سده اصفهان بوده که ساکنان محل آنرا بن‌اصفهان میخوانند، بیمارستان مزبور در زمان صفویه درقرن یازدهم دائر بوده ولی دراین تاریخ اثری ازآن نیست.[3]

۵۶ ـ تکیه درویش محمد صالح :

درویش محمدصالح چندی درمسجدلنبان اصفهان تکیه‌ای داشت وسپس بامر شاه‌عباس ثانی برای او تکیه‌ای درکنار نهر طاق‌نما بنا کردند و درویش مزبور در آن تکیه اقامت داشت تا پس‌از اندك مدتی فوت ودرهمان تکیه مدفون شد، زمین تکیه را برحسب امر شاه‌عباس ثانی جبراً از رئیس اویس لنبانی خریدند و تکیه با صفائی ساختند. این تکیه‌که در قرن یازدهم بوده دائر اکنون اثری از آن نیست.[4]

۵۷ ـ تکیه درویش صادق:

این تکیه را مرتضی‌قلیخان حاکم بندرعباس هنگامیکه دراصفهان‌بود برای درویش صادق که مرد درویش و بیچاره‌ای‌بود در مزار باباركن‌الدین اصفهان بساخت

۱و۲- گنج‌دانش ص۲۵.   ۳- تذکره نصرآبادی ص۳۲۳.

۴- درویش محمدصالح که مردی وارسته و درویش بوده طبع شعرهم داشته‌واشعاری میسروده است. از اشعار او است:

مطرب جان مینوازد سازها	میرسد در گوش جان آوازها
بانگ طبل باز آن شه شد بلند	میطپد دل در سر شهباز ها
بسکه ناز نازنینان میکشم	میکنم بر نازنینان ناز ها

(تذکره نصرآبادی ص۲۱۰).

و درآنجا زندگی‌میکرد، شعرکمتراز او شنیده میشد مگر این‌شعر:

دل‌خانه‌خداست مکن‌وقف‌چون‌مزار　　　این‌خانه‌را‌بصاحب‌این‌خانه‌واگذار[1]

۵۸ـ تکیه باباحیدر :

این تکیه‌را شاه‌عباس‌کبیر‌برای باباسلطان قلندر متخلص به‌لوائی ازدرویشان وقلندران وارسته در خیابان چهارباغ اصفهان بنانمود ومقرری نیز برای‌او تعیین کردکه بموجب‌آن اعاشه میکرد.

وی درحدود سال ۱۰۷۰ هجری وفات کرد و بابائی تکیه مزبور به باباحیدر انتقال یافت ، باباحیدر نیز بفاصله اندکی فوت و بابائی‌آن تکیه به پسرش باباصفی محول شد آنهم درسن‌جوانی‌بدرود حیات گفت وبرادرش بابارضی‌که درویشی‌وارسته بود عهده‌دارگردید.[2]

۵۹ـ تکیه فیض :[3]

تکیه‌ای بوده‌که در سال یکهزاروشصت وهشت هجری بامر شاه‌عباس دوم در اصفهان بنا شده و میرزا مؤمن نصرآبادی ماده تاریخ‌آن بنا را چنین‌گفته:

چون ساخت‌شهنشاه جهان‌تکیه‌فیض　　　شد اهل صلاح را مکان تکیه فیض

مؤمن تاریخ سال اتمامش گفت :　　　«خالی است زنا مقیدان تکیه‌فیض»

۱۰۶۸

تکیه فیض دیگری نیز دراصفهان وجود داردکه علیمرادخان زند برای فیضعلی‌شاه اول ساخته است، وتا۱۱۹۴هجری‌که وفات یافت درآن تکیه مقیم وپس از وفات‌نیز درآنجا مدفون‌گردید.[4]

۱ـ تذکره نصرآبادی ص۲۱۱.　　۲ـ باباسلطان‌قلندرعلاوه بردرویشی‌وقلندری‌مردی شاعر بود وگاهی بسرودن شعر مشغول میگردید از اشعار اواست:

قطعه

لوائی نیست شاد از وصل امروز　　　چو هجران خواهدش افسرد فردا

چه باشد حال بیماری که امروز　　　یقین داند که خواهد مرد فردا

تذکره نصرآبادی ص ۲۸۴.

۳ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۸۶ .　　۴ـ تذکره‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۴۶۱ .

۶۰ ـ بقعه محمد بیک :

این بقعه درمزار بابارکن‌الدین اصفهان در قرن یـازدهـم دائر بوده است و ملاعلی حبش[1] که از احفادبلال مؤذن حضرت رسول صلی‌الله علیه‌وآله بوده پس‌از وفات (۱۰۷۰هـ. ق) درآن بقعه مدفون‌گردیده است .

۶۱ ـ قهوه‌خانه جنب دارالشفاء :

در دوره صفویه قهوه‌خانه مرکز فضلاء وشعراء و بزرگان بوده وبهمین‌جهت شاه‌عباس‌کبیر بسیار اتفاق افتاده‌که بقهوه‌خانه‌ها نزول‌کرده واغلب قهوه‌خانه‌ها بامر سلاطین بنا میشده‌است.

این قهوه‌خانه درنزدیکی دارالشفای‌قیصریه یعنی بیمارستانی که دربازارقیصریه بوده واقع میشده است و در آنجا شعراء و ادباءِ و موزونان و عرفاء و دوستداران آنان مجتمع میشده‌اند و ببحث و گفتگو و مشاعره و مناظره میپرداخته‌اند.[2]

۶۲ ـ قهوه‌خانه شمس تیشی : [3]

این قهوه‌خانه را شاه‌عباس‌کبیر دستور داده بودکه در خیابان چهارباغ برای شمس‌تیشی‌که از اواسط الناس و مردم شیراز بود و درعلم موسیقی وآواز وارد بود بسازند و درکنارآن شرابخانه هم دائرکردندکه هرکس در میخانه او شراب‌بنوشد مهری درکف دست‌او بزنند تا ملا زمان‌داروغه متعرضش نشوند، ازاین قهوه‌خانه‌هم اکنون اثری نیست.[4]

۱ـ ملاعلی حبش مردی فاضل وکریم الطبع و شاعربود،در اوان جوانی درمشهدمقدس بتحصیل مشغول بود و در اواخر عمر بقضای مازندران اشتغال داشت ولی بیشتر اوقات را با شعراء و موزونان صرف میکرد، دربدو امردانش و درآخر جاوید تخلص میکرد. از اشعار او است:

مجنون که‌خویشرا بجهان‌روشناس کرد پنداشت عاشقی نتوان در لباس کرد

تذکره نصرآبادی ص۳۷۴.

۲ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۶. ۳و۴ـ شمس‌را ازآن جهت تیشی میگفتند که درلباسش شپش بسیار بود و درشیراز به شپش تیش میگویند . شمس علاوه براینکه درموسیقی وعمل آن‌وارد بود وبهمین‌جهت هم مورد توجه شاه عباس واقع شده‌بود تصنیف میساخت وشعر هم میگفت : از تصنیفانش :

←

۶۳ ـ قهوه‌خانه بابافراش :

این قهوه‌خانه در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع و در آن انواع بازیها و سرگرمیها موجود بوده و پسربچه‌های خوب رو برقص میپرداخته‌اند و ظاهراً اینگونه قهوه‌خانه‌ها با همراهی شاه‌عباس اول دائر میشده است و بیشتر اهل دل و صورت‌پسندان وشعراءِ میعادگاه آنان قهوه‌خانه‌بوده‌است.[1] اکنون از این قهوه‌خانه اثری نیست .

۶۴ ـ قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی :

قهوه‌خانه بزرگی بوده در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان و دارای‌طاقنماها و شاه‌نشینهاکه با قالی وفرشهای دیگرمفروش‌میشده و نشیمن مشتریان‌وتماشاگران بود وهمه درآنجا برزمین می‌نشستند. شبها چراغهای فراوان برسقف میآویختند و درمیان قهوه‌خانه هم حوض بزرگی‌بودکه همیشه آب پاك وروشن ازاطراف آن میریخت، و درشب از انعکاس نورچراغهاچون‌آسمانی‌پرستاره بنظر میرسید صاحب قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی بود، ازاین قهوه‌خانه هم اکنون اثری نیست.[2]

۶۵ ـ قهوه‌خانه طوفان :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وبکمك‌شاه‌عباس اول دائر شده بود و بسبب وجودجوان خوب‌روئی بنام (طوفان) که درآنجا خدمت میکرد شهرت یافته بود. شاه‌عباس نیز گاه‌بگاه بآنجا میرفت. ازجمله شاعرانی‌که باین قهوه‌خانه دلبستگی داشته‌اند یکی‌رشیدای‌زرگرتبریزی ودیگری‌مظفرحسین کاشی‌لنگ شاعروطبیب خوشنویس بوده است. شاعر اخیر(مظفرحسین) این‌رباعی

←

ای خال و خط و زلف توآرایش دیده ای دیده بسی دیده و مثل تو ندیده

ازاشعار اواست : رباعی:

ای شیخ توخبث جام احباب مزن خود را بدم گرم می‌ناب مزن

زاهد تو بافسردگی خویش بساز چون بار تو کاغذ است برآب مزن

(تذکره نصرآبادی ص۱۴۷ - ۱۴۸)

۱ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۳۶ . ۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۵.

را برای طوفان قهوه‌چی سروده و در آن به لنگی خود اشاره کرده است :

درقهوه طوفان که سر خوبان است — سه عاشق پا شکسته سرگردان است
آن رفت مظفر که سمندر بودی — مرغابی شو که کار با طوفان است

وچون بمنظور پاکش توجه نمیکرد و با رقیبان شاعر محبت میکرد از او رنجیده و رباعی دیگری گفت :

بد باطن و چاپلوس میباید گشت — خواهان کنار و بوس میباید گشت
حیف است چو پروانه بگردت گشتن — برگردتو چون خروس میباید گشت (۱)

۶۶ ـ قهوه‌خانه عرب :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع و در آن مردمان مختلف جمع و معمولاً پسربچه‌هائی برقص میپرداختند وانواع سرگرمیها وبازیها دائر بود. (۲) این قهوه‌خانه هم درقرن یازدهم دائر بوده و در تذکره نصرآبادی آمده که روزی شاه‌عباس اول وارد این قهوه‌خانه شد و ملا شکوهی همدانی خوشنویس نستعلیق باتفاق میر آگهی درقهوه‌خانه بودند ، از ملاشکوهی پرسید که توچکاره‌ای؟ جواب داد شاعرم، شعر از اوخواست این‌شعر را خواند :

ما بی‌دلان بباغ‌جهان همچو برگ گل — پهلوی یکدگر همه‌درخون نشسته‌ایم

شاه تحسین کرده وگفت : عاشق را به‌برگ‌گل تشبیه‌کردن اندکی ناملایم است

این شعر نیز از اوست:

چشم بددورکه در گشت گلستان وصال — دست بردوش‌هم انداخته‌چون برگ گلیم (۳)

ز ـ مناره‌هائی که بعد ازاسلام احداث واکنون جز نام‌نشانی ندارند:

۱و۲ ـ دومناره دشتی :

این دو مناره در دوطرف گنبد مغولی مسجدجامع دشتی در حدود دوازده کیلومتری جنوب زاینده‌رود واقع بوده وچون مسجد نیز روبویرانی است مناره‌ها بکلی از میان رفته است. (۴)

۱و۲ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۶. — ۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۳۹.
۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۰۱

۳ ـ مناره شهرستان :

این مناره در مجاورت بقعةالراشدبالله وپل قدیمی شهرستان در اصفهان‌واقع و از بناهای دوره سلاجقه بوده‌که درعداد مناره‌های زیبا وجالب اصفهان بشمار میرفته. طبق‌اوصافی که باستان‌شناسان از آن کرده‌اند دارای دوپلکان بوده‌که‌ازیکی بالا میرفته‌اند واز دیگری فرود میآمده‌اند وازلحاظ معماری نیزدارای تزیینات و نقوش عالی چون مناره مسجدعلی و ساربان بوده وسیاحان بخصوص سیاحان قرن اخیر ازآن توصیف کرده‌اند. [۱] وبرخی آنرا [۲] بنام مناره شهرستان و دیگری شاه رستم یادکرده‌اند.

این مناره را بطمع آجرهایش درسال ۱۳۳۳هجری عمداً خراب کردند.

۴ ـ مناره پاشاخ :

این‌مناره درشهراصفهان درمحله‌ایکه‌بنام پاشاخ‌معروف‌است درزمان‌شاه‌عباس ازکله شکار ساخته شده وکنایه ازکثرت شکار بزکوهی بوده [۳] که در یکروز شکار شده است. [۴]

۵ـ مناره کله :

مناره‌ای بوده که در زمان تیمور از کله مردم ساخته بوده‌اند و محل آن بازارچه اسماعیل‌کوسج بوده‌است. [۵]

۶ـ مناره خواجه علم :

این‌مناره درآخرمحله‌گلبار اصفهان بطرف‌شمال واقع ومرتفع وکمی‌ازمناره مسجدعلی‌کوتاهتر بود [۶] و دراوائل نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط کرد. [۷]

این مناره بشماره ۹۹ـ۱۰۱۱۵/ ۱۳۱۰ بثبت رسیده بود.

مناره مسجدعلی درحدود پنجاه متر وقطرتنه‌آن درنزدیکی زمین ۶ متر و

۱ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۱۰. ۲ـ سمیث باستان‌شناس. ۳ـ سیاحت‌نامه شاردن فرانسوی ۴ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص۲۹۷. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۳۳. ۶ـ نصف‌جهان ص۳۲. ۷ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۶.

کلفتی دیوار خارجی ۱/۴۵ متروقطر ستون گرد درونی یادکل مناره ۱/۶ متر میباشد[۱]
وبااین ترتیب مناره خواجه‌علم در حدود چهل‌وپنج متر ارتفاع داشته است.

۷ ـ مناره مسجدامام‌حسن اردستان :

این مسجد که درمحله کبودان اردستان واقع شده دارای دومناره بوده که یکی
از آن دو بکلی ازمیان رفته وازدیگری مقداری برجا است.[۲]

۸ ـ مناره‌های مسجد کاج :

این مسجد که در۲۵ کیلومتری اصفهان واقع واز بناهای قرن هشتم هجری
میباشد دارای مناره‌هائی بوده‌که در این تاریخ اثری ازآن‌ها نیست.[۳]

۹ ـ مناره های مسجد جوجو :

این دومناره که بمسجد جوجو یا جورجیر ویا جامع صغیر اصفهان متصل
بوده و در قرن چهارم آباد بوده برحسب مرورزمان و بروز حوادث از بین رفته
است .[۴]

۱۰ ـ مناره شاه رستم :

این مناره درمجاورت پل شهرستان اصفهان واقع بوده‌است وبعضی گفته‌اندکه
این مناره و مناره شهرستان یکی است.[۵]

ح ـ رباطها و ساباطها وکاروان‌سراها و قلعه‌ها و برجها :

۱ ـ رباط اردستان :

این رباط را سیدرکن‌الدین‌محمدیزدی متوفی(۷۳۷ه.ق)هنگامی که‌اردستان
ونطنز یك واحد جغرافیائی بود بناکرد ولی آثاری جزنام ازآن رباط نیست.[۶]

۲ ـ رباط زبرقند :[۷]

کلمه‌زبرقند بتعابیر: جوگند وزفرقندنیز استعمال میشود، باین‌کیفیت که‌در

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۳۳.　　۲ ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۲۰.
۳ـ فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن باستانی‌ایران ص۳۵　　۴ـ تاریخ‌اصفهان وری‌ص۲۲۴
۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳　　۶ و۷ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

دفاتر دیوانی ونوشتجات واسناد زفرقند مینویسند ومردم‌خود محل وعوام جوگند تلفظ میکنند ولی از مفاد وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی معلوم میگرددکه‌در قرن‌هشتم زبرقند تلفظ میشده وآنهم‌معرب زبرگند است و شاید وجه‌تسمیه‌اش آن باشدکه شهر اردستان در پائین دره و زبرکند دربالای آن دره واقع میباشدوازاینرو با این نام مناسبت دارد.

این رباط در بیرون دیه زبرقندکه جزء روستای برزاوند اردستان‌میباشد[1] بناگردیده و سیدرکن‌الدین محمد یزدی بانی آن - رباط راکه ازمال خالص خود بوده وقف بر عابران و واردان و صادران که متصف بصفت صلاحیت وعفاف باشند واز فسق‌وفجور ومناهی دوری‌کنندکرده ومطالبه حق‌السکنی و نزول‌واخذومطالبه هرچیزی را ولو بقدر دانه‌ای باشد حرام‌کرده است.

از موقوفات آن رباط است: نصف‌وثلث تمام شایع درجماعت قریه مسماة به خوقندکه محتاج بتعریف نیست باتمام لواحق ومضافات وچشمه‌ها وباغها و اشجار و اراضی بائر ودائرو بیوت وقلاع واصطبل ومزابل وطواحین. وشرط‌کردکه‌متولی در ابتداء عمارت رقبه را بجاآورد وسپس بعمارت رباط بپردازد وآنچه زیاد آمد صرف اطعام مسافران‌کند(باشرطی‌که برای مسافران تعیین شده) وخرج سفر آنان در هرسال ۳۶۶۰ من از دونوع‌که درهر روز ده من ومبلغ ۳۶۰دینار وجه‌رایج در هرروزی یك دینار و مقدار دوهزار من انگوررنگین بتفرقه بر طبق مصلحت دید متولی است. وبکسی‌که مراقب مسافران است سالی ۷۲۰ من از دونوع غله بدهد. و دیگراینکه ۹۶ دینار و $\frac{1}{2}$ دینار مقرری واقف از متوجهات املاك بهائیه نطنز صرف رباط زبرقندشود، ونیز۶۵ دیناری‌که ازمتوجهات ضیاع نطنزدرقریه‌جوشقان بنام متولی ثبت است بمصرف رباط مزبور برسد.

و چنانچه رباط زبرقند خراب شد واعاده‌آن ممکن نشد موقوفات‌آن‌خرج رباط نه‌گنبدان شود، واگرآن هم‌خراب شد خرج رباط نیستانه‌گردد.

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص ۱۳۸.

در زمان حاضر دو رباط در دیه مزبور یکی بنام شاه‌عباس که در حال انهدام است و دیگری بنام تاجر یزدی که نام آن مجهول است ومورد استفاده است قراردارد وآنچه که در وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی مقرر گردیده اثری از آن در رباطهای فوق‌الذکر مشهود ومحسوس نیست و علی‌الاصول باید چنانچه دروقفنامه اشعارشده آن رباط سیدرکن‌الدین‌محمد خراب گردیده و موقوفات آن درجای دیگر صرف شده است.

۳ ـ ساباط دروازه اصفهان :

بقعه‌ای بوده بطور ساباط که سیدرکن‌الدین محمد یزدی متوفی (۷۳۷ه. ق) درخارج شهر اصفهان در دروازه نزدیك مزار علی‌بن‌سهل‌صفوی اصفهانی بناکرده و اکنون نشانی از آن نیست.[۱]

۴ـ کاروان‌سرای سبة :

کاروان‌سرائی بوده درشهر اصفهان که اسماعیل‌بن‌بکیر صاحب آن معاصر اصمعی ومحمدبن‌عیسی مقری بوده است واین بناکه در اوائل قرن پنجم دائر بوده کنون اثر ونشانی ندارد.[۲]

۵ ـ برج ساعت :

این برج درقسمت جنوبی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تقریباً مقابل عمارت عالی‌قاپو واقع شده بوده وآن را سیاحان فرانسوی برج ساعت مینامیده‌اند . برج مزبور برای سرگرمی شاه‌عباس دوم ساخته شده بود و درون آن ماشینهای مکانیکی قرار داشت که ساعات شبانه روز را نشان میداد ، هروقت که این ساعت زنگ میزد فوجی از مجسمه‌ها مانند عروسکهای خیمه‌شب‌بازی و حیوانات گوناگون بیرون میآمدند و مانند سربازان بتمرین نظامی میپرداختند. این ساعت را صنعتگران اروپائی که در دربار شاه‌عباس دوم اقامت داشتند برای او ساخته بودند.[۳]

۱ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی. ۲ـ ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴.
۳ ـ سیاحت‌نامه هانری رنه آلمانی ترجمه فره‌وشی .

۶ ـ عمارت چراغ‌خانه :

این‌عمارت محلی بوده دراصفهان در دیوانخانه صفویه‌که امورچراغ در آن انجام و چراغها در آن نگهداری میشده است.[۱]

۷ ـ کاروان‌سرای گیلك :

کاروان‌سرای کوچکی بوده در اصفهان‌که مرکز معاملات سوداگران و مردم گیلان بوده است.[۲]

۸ ـ خان‌کاشیان :

کاروانسرائی بوده‌که درقرن یازدهم در اصفهان دائر و مسافرانی که مردم کاشان بوده‌اند درآن منزل میکرده‌اند از این‌کاروانسرا اثری باقی نیست. نوراولد خواجه محمدحسین‌کاشی متخلص به‌نجیب از شعراءِ درآن کاروانسرا بزازی‌داشته و از اشعار او است:

از بدی نتوان رهائی داد ظلم اندیشرا
بسته باچندین‌گزد برخویش‌عقرب نیش‌را[۳]

۹ ـ کاروان‌سرای نقش‌جهان :

این سرا از بناهای شاه‌عباس بزرگ و یا یکی‌از جانشینان اوبوده‌که تااوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وجود داشته است ودرعهدشاه مزبور چون بمرورزمان ویران وغیرقابل تعمیربوده بوسیله ظل‌السلطان تبدیل به میدان سربازی و موسوم به میدان ناصری‌گردیده است.

این‌کاروان‌سرا مشتمل‌بود برصحنی‌وسیع‌و دوطبقه وحجرات‌بزرگ ومحتوی برچهار در و چهار دهلیز که در هر دهلیز حجرات و دوتیمچه داشت وهریك از تیمچه‌های هشتگانه‌آن بقدرکاروانسرای متعارفی وسیع بود. خلاصه کاروانسرائی بخوبی‌آن درهمه ایران بلکه جهان نبوده است.[۴]

۱ـ گنج دانش ص ۲۵ . ۲ ـ زندگی شاه عباس ج۲ ص ۲۸۹ . ۳ ـ تذکره نصرآبادی ص۳۷۲. ۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۸

۱۰ - بازار زین سازها :

این بازار جزء چهاربازاراطراف میدان نقش‌جهان‌بوده ودرآن‌درزمان‌صفویه زین اسب و لوازم‌آن را تهیه میکردند ولی امروز اثری ازآن‌نیست. (۱)

۱۱ - بازار مسگرها : (۲)

درطرف غربی‌میدان نقش‌جهان روبروی خیابان حافظ وبموازات خیابان‌سپه بازاری بنام بازار مسگرها و نیزچهارسوئی وجود داشت که بمیدان چهارحوض منتهی میشد - این بازارمنهدم ومیدان چهارحوض‌هم قسمتی جزءِ خیابان‌استانداری و قسمتی ضمیمه اراضی بانک ملی شد وازصورت اصلی‌خارج گردید.

۱۲ - چهارسوی بازار رنگرزها :

این بازارکه از بناهای شاه‌عباس بزرگ میباشد وازبازار ترکش دوزهابیازار دارالشفاءِ منتهی میشود چهارسوئی داشته درآخر آن درمقابل حمام شاهزادگان که کدخدای صنف رنگرز درآنجا اقامت داشت واین چهارسو ازبین‌رفته است . (۳)

۱۳ - بازار ریخته‌گرها :

این بازار درحوالی بازار رنگرزها بوده و امور ریخته‌گری فلزات در آن انجام میگردید و از بازارهای دوره صفویه بوده است ولی اکنون اثری از آن نیست . (۴)

۱۴ - چهارسوی فراشخانه :

این چهارسوکه ازچهارسوی بازار رنگرزها منشعب‌میشدازبین‌رفته وامروز آنجا را خیابان تلفونخانه مینامند. (۵)

۱۵ - بازار شاهی :

بازار شاهی درعصرصفویه بکوی شاهزادگان متصل میشده و آنرا بنام بازار شاهزادگان مینامیدندبیشتراین‌بازارکه همان‌بازارچه بلندباشد ودرخیابان‌چهارباغ

۱و۲ - بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۷   ۳و۴ - بخشی ازگنجینه‌آثار ملی ص۲۹.
۵- بخشی ازگنجینه‌آثارملی ص۳۰.

واقع است ازبین رفت و باقی‌مانده آن انبار دخانیات است از مدرسه چهارباغ و سرای فتحیه که اکنون مهمانسرای شاه‌عباس است و باغ هشت‌بهشت درهائی باین بازار باز میشده است. (۱)

۱۶ - سرای الماسیه :

این سرا در بازار مقصودبیک که از جنوب شرقی میدان نقش‌جهان تا بازار حسن‌آباد امتداد داشته واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۱۷ - چهارسوی الماسیه :

این چهارسو درنزدیکی‌سرا و مدرسه‌الماسیه در بازار مقصودبیک واقع بوده ولی اکنون اثری ندارد. (۳)

۱۸ - بازارمشعلدارباشی :

این‌بازار ببازار منجم‌باشی که به‌چهارسوی ساروتقی منتهی میشود می‌پیوسته است واکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱۹ - بازار اسلحه‌سازان :

این بازارکه درحدود بازار تفنگسازهاواقع و درآنجا مبادرت بساختن‌انواع اسلحه میکرده‌اند از بناهای شاه‌عباس بوده است و اکنون اثری ازآن نیست. (۵)

۲۰ - کاروانسرای اسلحه‌سازان :

این کاروانسراکه ازبناهای شاه‌عباس بوده دربازار اسلحه‌سازان واقع بوده است و اینك اثری ازآن نیست. (۶)

۲۱ - چهارسوی بازار مسگرها :

این چهارسوکه دربازار مسگرهادرغرب میدان‌نقش‌جهان مقابل‌خیابان‌حافظ فعلی وجود داشته پس‌از انهدام بازارآن چهارسوهم ویران‌گردید. (۷)

---

۱ - بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۳۰

۲و۳- بخشی ازآثار ملی ص۳۶

۴- بخشی ازگنجینه‌آثار ملی ص۱۸ .

۵و۷- بخشی ازگنجیه آثار ملی ص۲۷.

۶- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص ۲۶.

۲۲ ـ بازار عربان :

بازاری بوده که ازمسجد جامع اصفهان تا محل خیابان فعلی محمدرضاشاه ممتد وعصارخانه وسرائی بنام میرحاج درآن وجود داشته که اعراب ساکن اصفهان در اوایل طلوع اسلام درآنجا اجتماع میکرده‌اند واز اینرو این بازار را بازار عربان وبمناسبت مجاورت باگنبدخواجه نظام‌الملك بازار نظامیه و نظام‌الملکی نیز مینامیده‌اند و شایدوجه تسمیه آن این باشدکه چون امارت حاج‌مردم آن محل‌را عربان‌داشته‌اند ببازارعربان‌موسوم‌بوده است این بازار ببازارهای دروازه طوقچی وبازار غاز وبازار میدان‌میر وصل‌میگردید و بازارهای منشعب ازآن‌عبارت بود از: بازار ریسمان‌که بمیدان هاتف‌فعلی وصل است، مدرسه‌کاسه‌گران دربازار ریسمان میباشد.دیگر از بازارهای‌منشعب از بازار عربان‌بازار نجف‌آبادیها است‌که سراهای معروفش: سرای اردستانیها وسرای خانی میباشد. دراین‌تاریخ از بازار عربان‌که‌گفته شد اثری‌نیست واگر هم بوده از صورت نخست خارج‌گردیده است. (۱)

۲۳ ـ کاروان‌سرای امیر بقمور:

این کاروانسرا درقرن هشتم هجری در اصفهان دائر بوده است ولـی اکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۲۴ ـ کاروانسرای لله‌بیك :

این کاروانسرا نیز در زمان صفویه وبدست لله‌بیك خزانه‌دار شاه‌عباس‌کبیر احداث شده وکارهای مربوط بخزانه‌داری‌را درآن‌انجام میداده‌اند. ازکاروانسرای مزبور اکنون اثری باقی‌نیست. (۳)

۲۵ ـ کاروانسرای محله‌بازار مسگر :

این‌کاروانسرا درمحله بازار مسگر اصفهان درقرن هشتم هجری دائر بوده ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱ـ بخشی ازگنجینه آثارملی ص۷و۸.

۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

۳ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص ۲۸۹.

۴ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی.

۲۶ ـ بازار لله‌بیك :

این بازار درجانب راست میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وتجارتخانه‌شرکت هندانگلیس درانتهای آن بازار بود. اکنون از این بازار اثری‌نیست.[۱]

۲۷ ـ عمارت جارچی‌باشی :

این عمارت که‌درمیان باغی‌وسیع وباشکوه ودرسه قسمت بناشده بوداختصاص به ملك‌علی‌بیك جارچی‌باشی شاه‌عباس‌کبیر داشت وچون مورد خشم واقع گردید اموالش بتصرف شاه درآمدودراین‌هنگام نماینده شرکت هندشرقی‌انگلیس بایران آمد، شاه‌عباس این عمارت راکه درمرکز معاملات بازرگانی و نزدیك دیوانخانه‌بود باو بخشید. سقف‌آن عمارات مذهب ونقاشیهای جالبی داشته و دیوارهای‌آن بسیار زیبا بوده وهنگامیکه شاردن فرانسوی در زمان شاه‌سلیمان دراصفهان بوده نوشته که رو بویرانی است وکارکنان شرکت هم تقلیل یافته‌اند و اخیراً بصورت خانه ییلاقی مأموران‌انگلیسی‌بندرعباس درآمده بوده‌است. از این‌باغ وعمارت‌هم اکنون اثری نیست.[۲]

۲۸ ـ بازار مستوفی :

این‌بازر را میرزاشکرالله مستوفی‌اصفهانی درسال(۹۸۱هـ.ق)که‌بسمت‌مستوفی دیوان‌اعلای شاه‌طهماسب صفوی‌منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان‌بناکرد ولی اکنون اثری ازآن نیست.[۳]

۲۹ ـ بازار صرافان :

این بازار درقرن پنجم هجری دراصفهان (شهر) دائربوده وناصرخسروعلوی در هشتم صفر ۴۴۴که وارد شهر اصفهان شده‌گفته: بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود این بازارکه درمدخل ومخرج آن دربندی داشته اکنون اثری از آن نیست.[۴]

۱و۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۴ ص۲۶۹. ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۸۱ بنقل از منتظم ناصری. ۴ـ سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ .

۳۰ ـ بازار میان طوقچی و باباقاسم :

این بازار نیز واقع بود میان محله طوقچی اصفهان و باباقاسم و در زمان قدیم بنا شده بود ودر حکمرانی صدر اصفهانی موردتعمیر قرارگرفت ولی در تاریخ تألیف از بین رفته است.[۱]

۳۱ ـ بازار نقش جهان :

این بازار از دروازه حسن آباد شروع و بدروازه طـوقچی ختم میشده است و در زمان صفویه دائر بوده است ولیکن در دوره فترت افغان این بازار از بین رفته است.[۲]

ط ـ دروازه‌های شهر اصفهان :

دراصفهان (شهر) ازقدیم‌الایام مانند تمام کشوردروازه‌هائی درجهات مختلف شهر وجود داشت که در موقع هجوم دشمن آن دروازه ها را می‌بستند ونیز درهر محله‌ای چند دربند بودکه هنگام لزوم آن دربند ها را نیزمی‌بستند و وقتی بسته میشد چون شهر دارای حصار بلند بود دیگر ورود دشمن بآسانی میسر نبود این وضع تا اول‌دهه پنجم قرن چهاردهم باقی بود ولی‌پس‌ازطلوع دولت پهلوی وشیوع امنیت درسرتاسر کشور آن دروازه‌ها ودربندها برداشته شد .

نگارنده بخاطر دارم‌که درهای دروازه‌ها ودربندها بسیار مرتفع وباچوبهای محکم وضخیم وآهنکوبی ساخته‌شده‌بود وآن‌درها را بدون‌ادوات وآلات آهنگری ونجاری غیرممکن بودکه از حیّز استفاده بیرون‌آورد .

اغلب آن درها از ازمنه خیلی قدیم بود و در حقیقت جنبه تاریخی داشت . اینک برای ضبط درتاریخ آثار ملی دروازه‌های شهرقدیم شهراصفهان‌راکه اینک‌جز نام اثردیگری ندارد مینگارد :

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص ۲۰.
۲ـ نصف جهان ص۲۴.

۱ـ دروازه اسماعیل کوسج:[۱]

این دروازه درمحله‌ای بهمین نام واقع بوده است‌که نزدیکی خیابان حافظ کنونی میشود.

۲ ـ دروازه اشرف:[۲]

محل آن درشمال رودخانه زاینده رود وظاهراً همان محله پشت بارو است‌که بنام دروازه اشرف خوانده میشود.[۳]

۳ ـ دروازه اصفهان:

این دروازه همان دروازه معروف به تیره میباشدکه در آنجا قبر حمة‌بن ابی حمة است.[۴]

۴ ـ دروازه الیاران:

این دروازه درمغرب‌شهر اصفهان واقع‌بوده است واکنون نیزجای‌آن‌معروف بدروازه الیاران است.[۵]

۵ ـ دروازه باب‌السجن:

یکی از دروازه های قدیم اصفهان که درآن نزدیکی زندانی بوده‌است.[۶]

۶ـ دروازه باغ سلم:

این دروازه ازدروازه‌های زمان ورود اعراب باصفهان میباشدکه درحدودباغ سلم و محله باغ سلم واقع و محمدبن احمدبن حسنویه محدث‌متوفی(۳۶۰ هـ. ق) و ابو مسلم نوح‌بن منصوربن مرداس سلمی متوفی ۲۹۵ هـ. ق در آنجا سکونت داشته‌اند[۷].

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۳۳ ۲ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۹۹ ۳ـ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۷۲۸. ۴ـ تاریخچه ابنیۀ تاریخی اصفهان ص۱۵ ۵- نصف جهان ص۲۳ ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۶۴ ۷ـ ذکراخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۹۵

۷ ـ دروازه بخارا :

دروازه‌ای بوده دراصفهان که ابوبکر محمدبن ثابت دربکوشکی درحدود آن منزل داشته‌است .گویا وجه تسمیه آن بوده‌که مردم بخارا که به اصفهان میآمده‌اند یا ساکن بوده‌اند درآن حدود مقیم بوده‌اند .[۱]

۸ ـ دروازه بیدآباد :

این‌دروازه درمغرب شهراصفهان بوده است .[۲]

۹ ـ دروازه جوباره :

این دروازه درمشرق شهراصفهان واقع[۳] و از دروازه طوقچی‌شروع وکلیه قسمتهای شرقی شهردرآن بوده است .[۴]

۱۰ ـ دروازه جوزدان :

این دروازه در مغرب شهر اصفهان واقع بوده است . جوزدان در زمان پیش بیرون شهر بوده وچون بشهر اتصال یافته جوزدان دروازه شده است .[۵]

۱۱ ـ دروازه چهارباغ :

این دروازه درجنوب شهر اصفهان واقع بوده است .[۶]

۱۲ ـ دروازه چهاررو :

این‌دروازه درجهت شمال شهر اصفهان قرارگرفته بوده است.[۷]

۱۳ ـ دروازه حسن‌آباد :

این دروازه از بناهای امیر حسن‌بیك آق قوینلو[۸] و در زیر محله خاجو واقع بوده است .[۹]

۱۴ ـ دروازه خاجو (خواجو) :

این دروازه درمحلی بوده‌که نهر نیاصرم ازکنار آن میگذرد وعرض شهر

۱ـ معجم‌الادباء ج ۱۸ ص ۳۲ ۲و۵و۷ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص ۲۳

۳و۶ـ نصف جهان ص۲۴ ۴ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳ .

۸ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۱ ۹ـ نصف جهان ص۲۲

نیز ازاین طرف است ودرسمت جنوب شهر اصفهان واقع شده است.[۱]

۱۵ - دروازه درب کوشك :

این‌دروازه درمحله باب کوشك واقع بوده است.

۱۶ - دروازه دردشت :

این‌دروازه درسمت شمال شهراصفهان واقع بوده است.[۲]

۱۷- دروازه دولت :

این‌دروازه درقدیم جای فعلی محله دولت بوده است.[۳]

۱۸ - دروازه ساروج :[۴]

این دروازه ازدروازه های بسیار قدیمی اصفهان بوده و شاید در همان مکان سارویه باشد.

۱۹ - دروازه سه پله :

این دروازه درسمت مغرب شهر اصفهان واقع بوده است.[۵]

۲۰ - دروازه سید احمدیان :

این دروازه درسمت مشرق اصفهان واقع بوده است.[۶]

۲۱ - دروازه طبره :

این دروازه درشهرستان اصفهان واقع بوده است.[۷]

۲۲- دروازه طوقچی (تقچی) :

این‌دروازه درسمت شمال شهراصفهان واقع‌بوده است.[۸]

۲۳ - دروازه ظله :

این دروازه درقسمت شرقی شهر اصفهان‌قرار داشته و از دروازه‌های قدیمی است.[۹]

۱و۲و۵و۸- نصف‌جهان ص۲۳ ۳و۴- جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۶و۹- نصف جهان ص۲۴. ۷- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۳۴۸

۲۴ ـ دروازه عباسی :

این‌دروازه همان دروازه جوباره است‌که درقسمت شرق‌اصفهان واقع‌میباشد.

۲۵ ـ دروازه عطاء خشك :

از دروازه‌های اصفهان است که به عطاء خشك‌ابن سائب باب عطائی منسوب واز سرکردگان بنی‌عباس درخراسان بوده است .(۱)

۲۶ ـ دروازه کران :

این دروازه درطرف مشرق شهر اصفهان واقـع و مجاور دروازه خاجـو و گلبار است .(۲)

۲۷ ـ دروازه کله :

این دروازه در شمال رودخانه زاینده رود واقع و اکنون جـزء بخش ۴ از محلات شمال زاینده رود است .(۳)

۲۸ـ دروازه لنبان :

این‌دروازه درمحله لنبان ودرمشرق اصفهان واقع بوده است .(۴)

۲۹ - دروازه مارنان = مورنان = ماربانان :

این‌دروازه درسمت شمالی‌شهر‌اصفهان ونزدیکی‌پل‌مارنان واقع‌بوده است.(۵)

۳۰ ـ دروازه ممیل = درب ممیل :

دروازه ای‌بوده درشهر اصفهان‌که درسال (۳۴۹ هـ . ق) ابومحمد قـرمطی مؤذن درآن ناحیه سکونت داشته است .(۶)

۳۱ ـ دروازه نو :

این دروازه درجای محله‌ایست‌که قسمتی از آن جزءِ بخش ۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده رود واقع شده واز دروازه‌های قدیمی است .(۷)

۱ـ عطاء خشك‌ابن سائب متوفی (۱۳۰ هـ. ق) است. (ذکر اخبار‌اصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲و۳و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳

۵ - نصف جهان ص۲۳ ۶ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص ۱۱۹

این دروازه‌ها بتناسب عمران و آبادی شهر اصفهان کم وزیاد میشده وگاهی نام بعضی ازآنها تبدیل میگردیده است . و از این رو تعداد حقیقی این دروازه‌ها در اوقات خرابی و یا عمران معلوم نیست و گاهی بانام محلات و کوچه‌ها متحد شده است .

عده دروازه های شهر اصفهان در هنگام ساختن باروی جی چهار دروازه بنامهای: خور - ماه‌بر - کوش‌بر - تیر‌بر که‌خور در مشرق وماه‌بر در مغرب بارو بود وماه‌بر را اسفیس واسفیش وشهیش وشئیش نام داده‌اند وکوش‌بر را جوش‌بر ویهودیه نیزخوانده‌اند .

عده‌آن دروازه ها درزمان علاءالدوله حاکم اصفهان دوازده بود که تمام‌آن درها ازآهن وبطوری مرتفع وگشاد ساخته شده بود که فیل با تخت روان براحتی داخل دروازه‌ها میگردید و در پشت باروی شهرخندق نیزکنده شده بود که مانع ورود ناگهانی دشمن‌گردد .

در طی مرور زمان عده دروازه های شهر تغییر کرده بطوریکه سی و یك دروازه برای شهر اصفهان شمردیم .

در اواخر قرن سینزدهم عده دروازه‌های شهر اصفهان شانزده [1] باین اسامی بوده است :

۱- دروازه‌دولت. ۲- دروازه حسن‌آباد. ۳- دروازه‌خاجو. ۴- سیداحمدیان ۵- ظله. ۶- کران. ۷- جوباره. ۸- طوقچی. ۹- باب‌الدشت. ۱۰- دروازه‌نو. ۱۱- ساروج ۱۲- بیدآباد. ۱۳- جوزدان. ۱۴- الیاران. ۱۵- سه پله. ۱۶- مارنان .

مؤلف نصف جهان [2] دروازه‌های اصفهان را در تاریخ هزار و سیصد و هشت هجری چهارده باین شرح نامبرده : ۱- دروازه مارنان. ۲- سه‌پله. ۳- الیاران. ۴- جوزدان . ۵- بیدآباد . ۶- چهاررو . ۷- دردشت . ۸- طوقچی . ۹- جوباره . ۱۰- سیداحمدیان. ۱۱- کران. ۱۲- ظله. ۱۳- خاجو. ۱۴- چهارباغ.

۱- جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۲- نصف جهان ص۲۳.

فصل دوم

در ابنیه و آثار تاریخی که نام و نشان از آنها باقی است ومشتمل است بر ۲ گفتار :

گفتار اول:

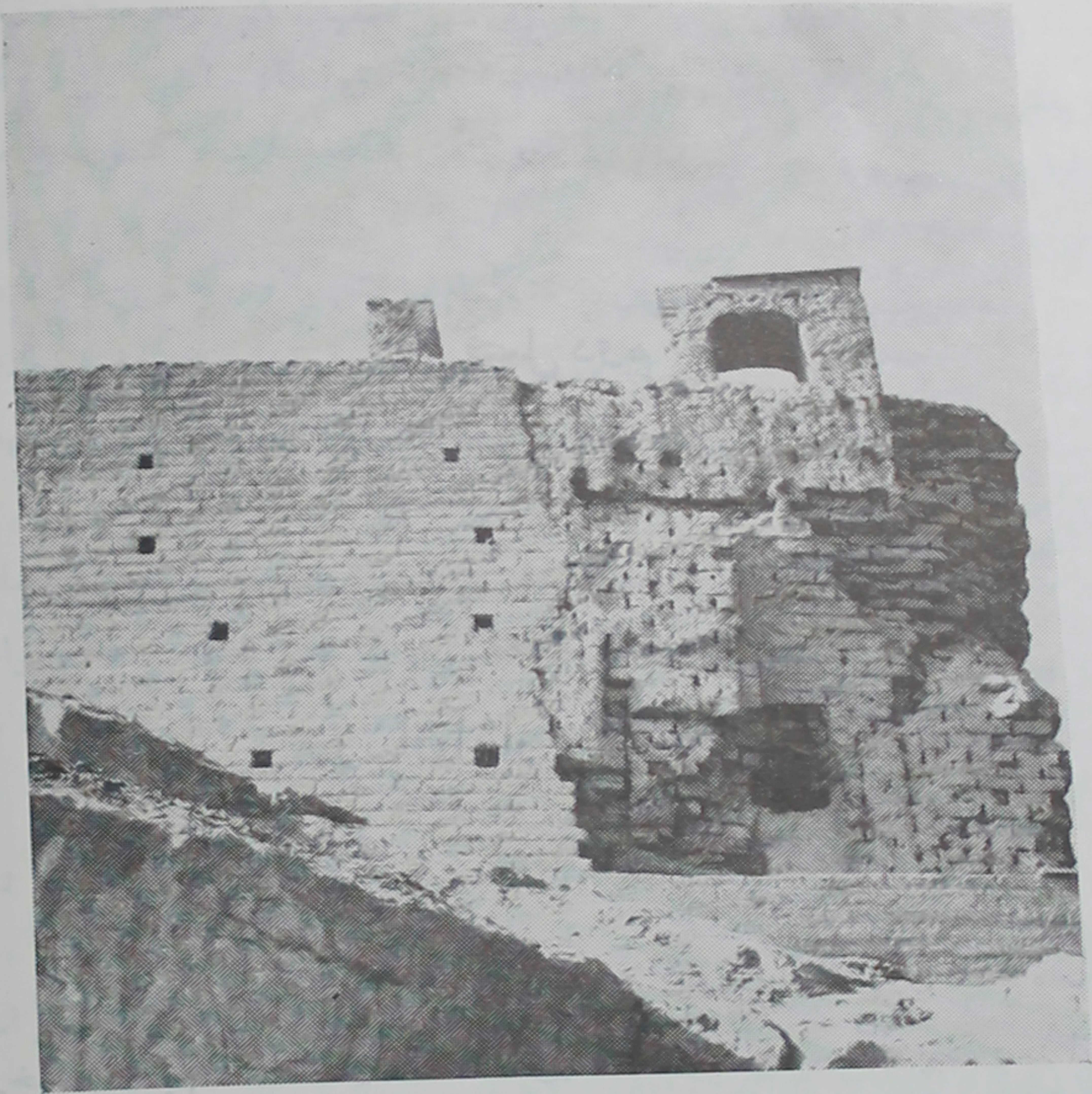
دربیان آثار پیش ازاسلام:

الف ـ آتشکده‌ها :

۱ـ آتشکده اصفهان :

درمغرب اصفهان مشرف به جاده اصفهان ونجف آباد روی قله‌کوه ساختمانی ازخشت ضخیم وملاط رس وقطعات نی بشکل قلعه ساخته شده بوده و در اثر مرور زمان وباد وباران قسمت مختصری از آن باقی مانده‌که بنام آتشگاه خوانده میشود وکوه آنجا را نیزکوه آتشگاه مینامند. (ش ۱)

تاریخ احداث آن بطور وضوح معلوم نیست آنچه محققان معاصر نوشته‌اند اینستکه این ساختمان بقیه ساختمانی است‌که جغرافیانویسان قدیم وحمزهٔ اصفهانی نگاشته‌اندکه بهمن بن اسفندیار در ناحیت ماربین آتشکده شهراردشیررا بناکردو بگفته ابن‌حوقل دراین بخش تل بزرگی است‌که برروی آن قلعه‌ای بنا شده و درآن قلعه آتشکده‌ای است‌که میگویند آتش آن از آتشهای ازلی است ومراقبان آن مجوسی وهمه‌مردمانی ثروتمندند. ونیز درمحاسن اصفهان از قلعه ماربین وآتشکده‌مزبورنام میبردومعلوم میگردد درقرن پنجم دائر بوده‌است. این بنای تاریخی که‌فقط نشانه‌هائی



(ش ۱)

از آن باقی مانده طی شماره $\frac{۳۸۰}{۲۳۳۰/۹/۱۱}$ به ثبت تاریخی رسیده است . (ش ۲)

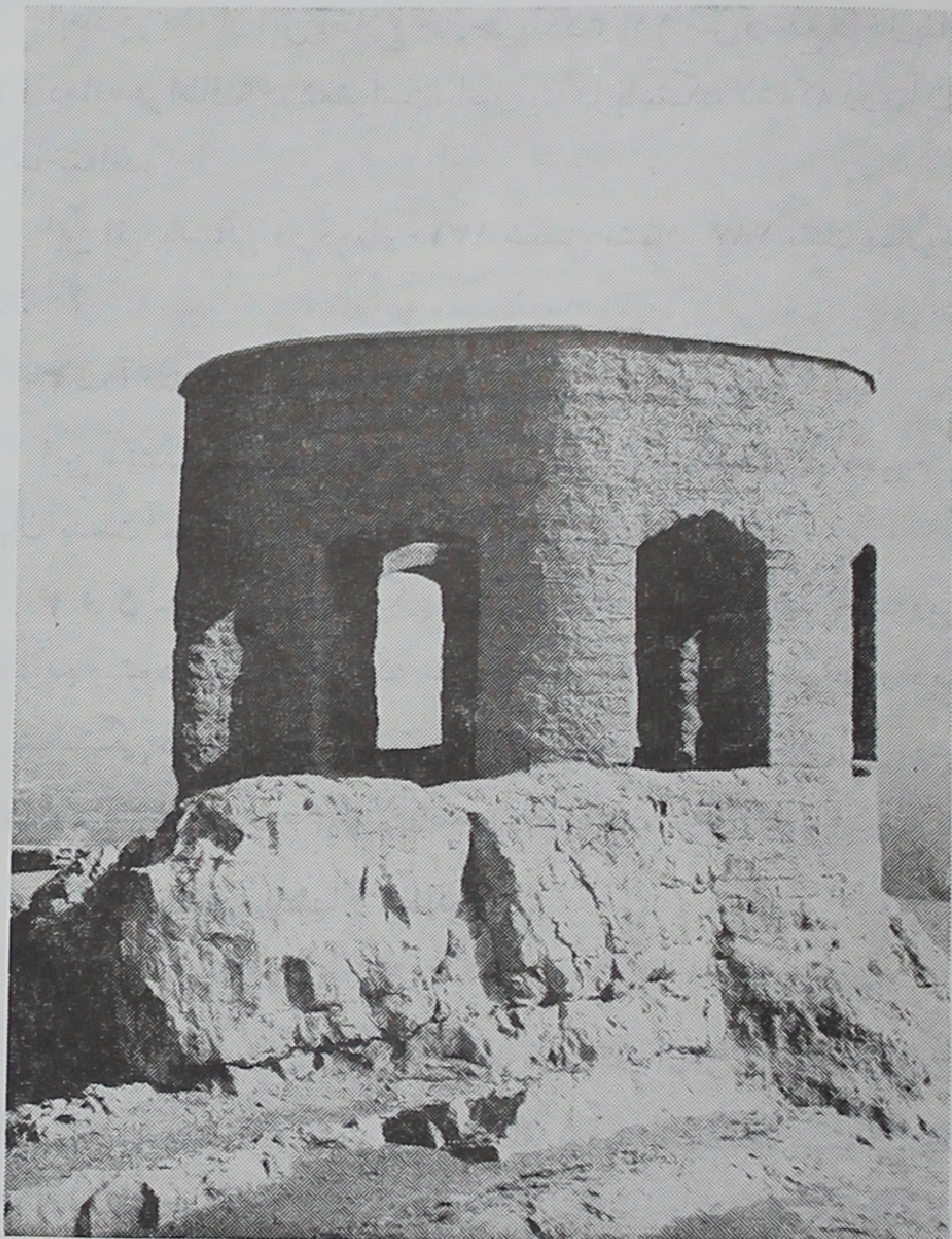
از وضع فعلی آتشگاه معلوم میگردد که در زمان بعد از اسلام [۱] و دوران مغول تصرفاتی در آن بعمل آمده است. [۲]

۲ ـ آتشکده ساسانی نطنز :

درحوالی مسجدجمعه نطنز میان باغ ملك شخصی بنام امام سکوئی بارتفاع دومتر از سطح زمین آثار عمارت مختصر وجالب توجهی کوشك مانند بنظر میرسد

---

۱ - سنی ملوك الارض والانبیاء و صورت الارض ابن حوقل و محاسن اصفهان ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۵



(ش ۲)

که ازلحاظ ظرافت وتناسب بنا شباهت کاملی به آثار ساختمانی دوره ساسانی دارد و چنان معلوم میگرددکه جای آتشکده بوده است.

چهارستون ازهفت ستون اولیه ویك اطاق از چهار اطاق آن برپاوبجامانده وبقیه خراب شده‌است. و نیزدوطاقچه ازچهار طاقچه آن‌که سطح بنارا بطاق‌بالای گنبد سنگی وصل میکرده باقی مانده است.

ابعاد هریك از این اضلاع خارجی بنا ۱۱٫۳۵ متر وضلع داخل بنا ۷ متر طول دارد و دهانه هر اطاق ۵٫۶۹ متر است، اصل بنا را باسنگ لاشه که روی آن گچ مالیده شده ساخته‌اند.

این اثر باستانی در دیماه ۱۳۱۰ شمسی بشماره ۱۸۷ بثبت تاریخی رسیده است. (۱)

۳ ـ آتشدان سنگی :

این آتشدان سنگی که مربوط بعهد هخامنشیان است در سمیرم بختیاری اصفهان بدست آمده (۲) که ثبت تاریخی آن جریان دارد.

۴ و ۵ ـ دوسرستون سنگی متعلق بدوره ساسانی که نقش خسروپرویز روی آنها دیده میشود ویکی از آنهاکه سالم است درموزه ایران باستان و دیگری که کمی شکستگی دارد درکاخ چهلستون اصفهان نگهداری میشود. این دوسرستون در حدود سال ۱۳۳۰ درنزدیکی تالار تیموری اصفهان کشف شده است. (۳)

ب ـ قلعه‌ها و رباطها و نظائر آن :

۱ ـ قلعه وشاق نطنز :

دریکی از ارتفاعات کوه کرکس آثار قلعه خرابه‌ای است که دلالت بر سوابق تاریخی آن میکندوتا قرن هشتم هجری دائر بوده و حمدالله مستوفی چنین گفته : وشاق قلعه‌ایست در ولایت نطنز وچون وشاق بر آنجا حاکم شد به وشاق معروف گشت و این گفته میرساندکه این قلعه بسیار قدیمی واحداث آن به پیش از اسلام میرسیده است.

این قلعه که روی قله کوهی بنا شده هنگام آبادی وسایل زندگی از هر جهت مانند آسیاب بادی وغیر آن درآن فراهم بوده وآسیاب بادی آن هنوز وجوددارد.

اطراف کوه را بطوری تراشیده‌اندکه راه بالا رفتن و رسیدن بقلعه بوسیله

---

۱ ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص ۳۸۸-۳۸۹ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۵۱ ۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۸

میخهای ضخیم آهنین که بر بدنه کوه کوفته شده ممکن باشد.[1] نجیب‌الدین[2] جرفادقانی گفته :

چوسرکشی که بهر صبحدم بگاه‌طلوع درآید ازکمرت پای آفتاب بسنگ

۲ - قلعه زواره :

در زمان قدیم در زواره قلعه‌ای بوده برای ذخیره آرتش و از اینرو محله‌ای را بنام بنجیره یعنی جای جیره قشون خوانده‌اند، و این قلعه چهار دروازه داشته و در فاصله از هردروازه تادروازه دیگر ده برج وجود داشته‌که تاکنون هم آثارش نمایان‌است، ودرداخل قلعه‌بزرگ‌چهارقلعه بوده‌که‌اکنون‌دوقلعه از آنها باقی‌است.[3]

۳ - نارنج یا نارین قلعه نائین :

این‌قلعه‌که در شهر نائین درنزدیکی‌مسجدعلویان درمحله باب‌المسجد واقع است بسیار قدیمی و از خشت خام ساخته شده است .

خشتهای خام‌آن دارای نیم ذرع طول ویکربع عرض و وزن هر خشت هفت الی هشت من است.

عمارات زیرین برج‌قلعه بتل‌خاکی‌تبدیل ولی خود برج‌که بیست وپنج‌ذرع ارتفاع دارد باقی است. دراطراف این‌قلعه درقدیم خندقی‌بوده بعرض ۲۵ ذرع ولی اکنون پرشده است. دراین‌قلعه چیزی‌که دلالت برسال احداث این بنا بکند وجود ندارد وفقط ازسبك ساختمان ومتلاشی‌شدن‌آن نشان میدهدکه پیش‌از اسلام ساخته شده است، واحتمال میرودکه برای‌آتشگاه احداث شده باشد.

معروف است‌که ناصرالدین‌شاه قاجار این قلعه را بپاداش‌قرآنی‌که مریم بانو دختر آقامحمدبن ابوطالب نائینی برایش نوشته بود اهداءِکرده است.[4]

باستان‌شناسان‌معتقدندکه‌احداث‌این‌قلعه‌مربوط بزمان‌پیش‌ازاسلام‌ازساسانیان تا اشکانیان میباشد و نائین نخست همان قلعه وحمام مجاورآن بوده است، درمیان

۱- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۲۱ ۲ - زینت‌المجالس بنقل ازنزهت القلوب ص۷۷۴ ۳- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶۱ ۴- تاریخ نائین ص ۷۰

قلعه و در برجهای چهارطرف آن چاههای عمیقی بوده که از آنها بوسیله راههای زیرزمینی بخارج میرفته‌اند و راهی بمسجد جامع نیز دارد. ارتفاع قلعه از سطح کوچه‌ها ۲۵متر وازکف خندق ۴۰متر ومعلوم است که در روزگارپیشین ازاین‌مقدار مرتفعتر بوده واکنون بتلی‌خاك شبیه‌تراست تا بعمارت.

جنگ امیرمبارزالدین‌محمد پادشاه‌آل‌مظفر وملك‌اشرف چوپانی دراین‌قلعه واقع شده است.[۱]

۴ ـ قلعه رستم بافران :

این قلعه درقریه بافران درمشرق نائین واقع و چاهی درآنجا است که درباره آن افسانه‌هائی گفته شده و این قلعه درحال ویرانی است.[۲]

۵ ـ عمارت مخروبه شاه‌جهان :

این‌عمارت مخروبه‌که نام اصلی آن سلطان چشم‌جان است در زیر مزرعه شهدادنائین واقع ومطابق نوشته‌مورخ۷۴۴هجری مدفن‌مردی بزرگ وموردداحترام مردم اطراف بوده است.[۳]

۶ ـ قلعه مخروبه نیستانك :

این قلعه‌که ازلحاظ قدمت وطرز ساختمان به پیش‌از اسلام ارتباط دارد در قصبه نیستانك تابع شهرستان نائین واقع است.[۴]

۷ ـ قلعه بزی :

این قلعه‌که درلنجان اصفهان واقع است در زمان ساسانیان بنا شده و در دوران سلاجقه الحاقاتی پیداکرده ولی اکنون بائر و فقط نشانی‌ازآن باقی‌وبشماره ۷۵۷ در۲۶/۲/۱۳۴۶ شمسی بثبت تاریخی رسیده است.[۵]

۱ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۱۲ ۲ـ‌فرهنگ‌تاریخ‌نائین ص۲۳ ۳- فرهنگ‌تاریخ نائین ص۲۸ ۴- فرهنگ تاریخ‌نائین ص۳۹ ۵- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۰

۸ ـ قلعه فارفاآن :

این قلعه درقریه فارفاآن رویدشت اصفهان واقع و دژی نظامی بوده که در عهد ساسانیان بناگردیده‌است. فارفاآن در قدیم یکی از شهرهای حاکم‌نشین اصفهان بشمار میآمده است.[۱]

۹ ـ قلعه دیو :[۲]

این قلعه عبارت است از یك‌عده چهار دیواری‌کوچك و بزرگ بشکل قلعه که بعضی از آنهاکه آثارشان بکلی خراب نشده میرساند ساخته آن درگاه نداشته مگربطور نقب از زیرزمین و دیوارآنها بالتمام از سنگهائی ساخته شده است که دارای شکل هرم ناقص وضلع قاعده مربع آنها قریب به ۵/۲۵ متر و ارتفاعش قدری بیشتر بوده است. دیوارهای‌کلفت که از این سنگها درست شده بوده است عادةً بغیراز بادست وکلنگ ممکن‌نبوده است خراب شود، و این قلعه‌ها را قلعه دیو گویند و احتمال میرودکه در قدیم آتش‌پرستان جهت دفن اجساد اموات خود ساخته‌اند وعمرهریك بیش‌ازچندین‌هزار سال‌است واین قلعه‌ها درامتداد جاده‌چشمه درویش[۳] بسمت مغرب در پای‌کوه صفه اصفهان واقع شده است .

۱۰ ـ تخت رستم :

عمارتی است واقع درسه‌هزار متری غربی‌کوه صفه اصفهان درقله‌کوهی‌که از کوهها جدا افتاده وآن‌چند دیوار است‌با خشتهای بزرگ با اضلاع قریب نیم‌متر و اثر دیگری ندارد، جنگ اسکندر، و دارا درآنجا واقع شده است.[۴] چون قلعه دیو و تخت رستم‌که حقا ازآثار باستانی است تاکنون به ثبت نرسیده اقتضاء دارد مورد توجه واقع و نسبت به ثبت و حفظ و حراست‌آنها اقدام مقتضی معمول‌گردد.

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۲۱ ۲- الاصفهان ص ۴۳ ۳ـ چشمه درویش درسه هزارمتری باغ هزار جریب اصفهان واقع وآن حوضی است طبیعی و مسقف درپایه‌کوه صفه وآب ازآن خارج نمیشود. الاصفهان ص۴۳ ۴- الاصفهان ص۴۴

گفتار دوم :

درآثاریکه بعداز اسلام احداث و فقط نام و نشانی از آنها مانده :

الف ـ گورستانها :

۱ ـ گورستان آب‌بخشان :

گورستان آب‌بخشان [۱] یا مردبان دراصفهان‌که اکنون میدان پهلوی است ودارای هفتادهزارذرع وسعت‌بوده وبسیاری‌ازاولیاء واقطاب‌وعلماءِ درآن مدفون‌شده بودند واکنون‌تبدیل بساختمان‌های‌گوناگون چون‌اداره بهداشت ودبیرستان‌تبریزی و هنرستان دختران شده وفقط بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ هـ . ق) و قبر میرزا ابراهیم جوهری [۲] باقی مانده است.

۱ـ آب بخشان وآب بخشگان محل کنونی میدان‌پهلوی شهر اصفهان است و درزمان ابونعیم اصفهانی (اوائل قرن پنجم) آنجا را مردبان مینامیده‌اند ووجه تسمیه آنستکه درروز جشن آبریزان دراین‌محل‌که مادی قدین عبور میکرده‌آب بهم میپاشیدند (رجال اصفهان‌ص۱۴۲)

۲ ـ میرزا ابراهیم متخاص بجوهری پسر محمد باقر مروی اصفهانی از شعراء و وعاظ و نژادش از مرو بود ، پس‌از اتمام تحصیلات چندی در سیر و سیاحت بسربرد و زمانی‌هم در قزوین اقامت کرد وازاینرو اورا قزوینی‌هم‌نامیده‌اند . کتاب طوفان البکاء معروف به‌جوهری را هم در قزوین باتمام رسانیده سپس باصفهان آمد و درخدمت سید حجة‌الاسلام حاج سید محمد باقر رشتی معزز ومحترم میزیست تا در تاریـخ سال ۱۲۵۳ هجری بدرود زندگی گفت وبدیار دیگرشتافت و درقبرستان آب بخشان مدفون گردید ، درسال (۱۲۹۰ هـ . ق) ←

۲ - گورستان شاهزاده ابراهیم :

واقع است در محله مستهلك از گورستانهای دوران صفویه‌که بصورت باغ و خانه درآمده و عمارات دبیرستان شاهدخت وآذر و دانشسرای دختران در آن بنا گردیده است ، و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده که اخیراً بهمت مردان اخیار عمارت صحن وبقعه تجدید بنا شده است (۱)

۳ - گورستان امامزاده احمد :

واقع است در محله حسن‌آباد از قبرستانهای مربوط بعهد سلاطین صفویـه که ازهمان زمان بتدریج از صورت‌گـورستان بیرون وهمه‌آن تبدیل بخانه‌گردید و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده است. (۲)

۴ - گورستان امام‌زاده اسماعیل(۳) :

واقع است در محله گلبهار یا گلبارکه در قدیم آنرا خشینان یا خوشینان میخوانده‌اند، بتدریج ازصورت‌گورستان خارج‌وفقط عمارت‌امامزاده بجامانده است.

۵ - گورستان سرقبر آقا :

واقع‌است درمحل خاوجان‌یا خابجان(۴)که تبدیل‌به دکان وخانه وتیمارستان وهنرستان حرفه‌ای شده وحتی‌قسمتی از مقبره نیزجزءِ هنرستان شده است.

→ زنی‌گور اورا تعمیرکرد وچون این اواخر قبرستان ازبین رفت بهمت مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی تاجر اصفهانی اطاقی روی قبرش‌بناگردید و روی مزارش سنگی تمام قد گذارده شد وبر سر آن قصیده میرزا محمد باقر متخلص به بهای شاعر در بی‌اعتباری دنیا کـه مطلعش اینست حجاری شده :

ای برادر گربچشم اعتبار اندرجهان برقبور مردگان آری‌گذار و بنگری

و مقطع :

کلك سحرانگیز اوبنوشت این مصرع‌تمام « همره سلطان دین آید بمحشر جوهری » ۱۲۵۳

(تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان ص۴۵)

۱و۲و۳و۴- تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان (ص ی)

۴- خابجون (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ی).

۶ ـ گورستان امامزاده باقر :

واقع است درمحله خاجوی قدیم و ازگورستانهای کهن که مدفن ابن‌مسکویه نیز بوده و تبدیل به ساختمانهای گوناگون مانند اداره کشاورزی وغیر آن شده وتنها عمارت امامزاده بحال خود باقی مانده است.[۱]

۷ ـ گورستان بابارکن‌الدین[۲] که معروف به تخت فولاد است مقدار زیادی ازآن تبدیل بساختمانهای گوناگون گردیده است.[۳]

۸ ـ گورستان باغ درویش :

واقع است در اراضی آهنگران که در قرن دهم هجری دائر بوده و اکنون فقط اثر چند قبر دیده میشود.[۴]

۹ ـ گورستان بابانوش:[۵]

از متفرعات گورستان چملان واقع درمحله در وازه‌نواست که پیش‌از صفویه دائرشده وتکیه بابانوش تا نیم‌قرن‌پیش وجود داشته ولی اکنون ازصورت‌گورستان درآمده است ولی‌از وضع در و دیوار معلوم میگرددکه‌گورستان بوده است.

۱۰ ـ گورستان تکیه ظلمات[۶]نزدیك چهارراه‌کرمانی.

۱۱ ـ گورستان خواجه میرحسن[۷] واقع درمقابل مسجد مصری.

۱۲ ـ گورستان امامزاده دوقلی :[۸]

واقع درکنار خیابان شاه‌عباس درمحله خاجو از مزارات عهد صفوی.

۱۳ـ گورستان امامزاده شاه زید:[۹]

در زمینهای بافجان (بافجون هم تلفظ میکنند) در قسمت شرقی خیابان بزرگمهر واقع و ازگورستانهای کهن سال اصفهان‌که مقدارکمی ازآن باقی است.

۱ـ تذکرة‌القبور ص ی . ۲ـ بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله انصاری بیضاوی فارسی از اولیاء و مورداحترام شیخ‌بهائی ومجلسی‌وکلباسی و متوفی یکشنبه بیست‌وششم ربیع‌الاول (۷۶۹ ه.ق)، وی درتکیه‌ای بنام بابارکن‌الدین مدفون است. (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ۱۵۳) ۳و۴ ـ (تذکرة القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ی). ۵و۶و۷و۸و۹ ـ (تذکرة‌القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص باتاید .)

۱۴ - گورستان سادات[۱] جنب مسجد حکیم :

واقع است در محله جورجیر در قسمت چپ درب صاحب‌بن‌عباد .

۱۵ -گورستان ستی فاطمه[۲]:

واقع است در قسمت شمالی محله چهارسو شیرازیها و از مزارات قدیمی و بزرگ اصفهان است که در دوران پادشاهان آق قوینلو و صفوی اعتباری داشته و بتدریج بیمارستان صد تختخوابی و پرورشگاه در قسمتی از آن ساخته‌شده‌است .

۱۶ـ گورستان طوقچی[۳] یا تقچی[۴]:

از قبرستان‌های بزرگ وکهن‌سال اصفهان است که محل دفن‌اموات حنفیان بوده ، ومصلای قدیم‌هم در مجاورت این‌گورستان واقع بوده است .

قسمتی از این گورستان دبستان و دبیرستان هاتف و درمانگاه و استخر و کشتارگاه شده است و ازبقاع متبرکه بقعه امامزاده ابراهیم و علی‌بن سهل صوفی باقی مانده است .

۱۷ـ گورستان شاه سید علی[۵] :

واقع در محله خاجوی قدیم و از مزارات زمان تراکمه و صفویه‌است‌که در قرن‌کنونی بتدریج تبدیل بباغ و ملك و خانه و دبستان‌گردیده است .

۱۸ـ گورستان شاه میرحمزه[۶]:

واقع در قسمت شرقی خیابان سروش از گورستانهای وسیع زمان سلاجقه تا صفویه ومحل دفن مردگان شافعیان بوده است. درسالهای اواخر تسطیح وتبدیل بباغ و ملك و خانه و عمارات مختلف گردیده و تنها عمارت امامزاده باقی وتعمیر شده است .

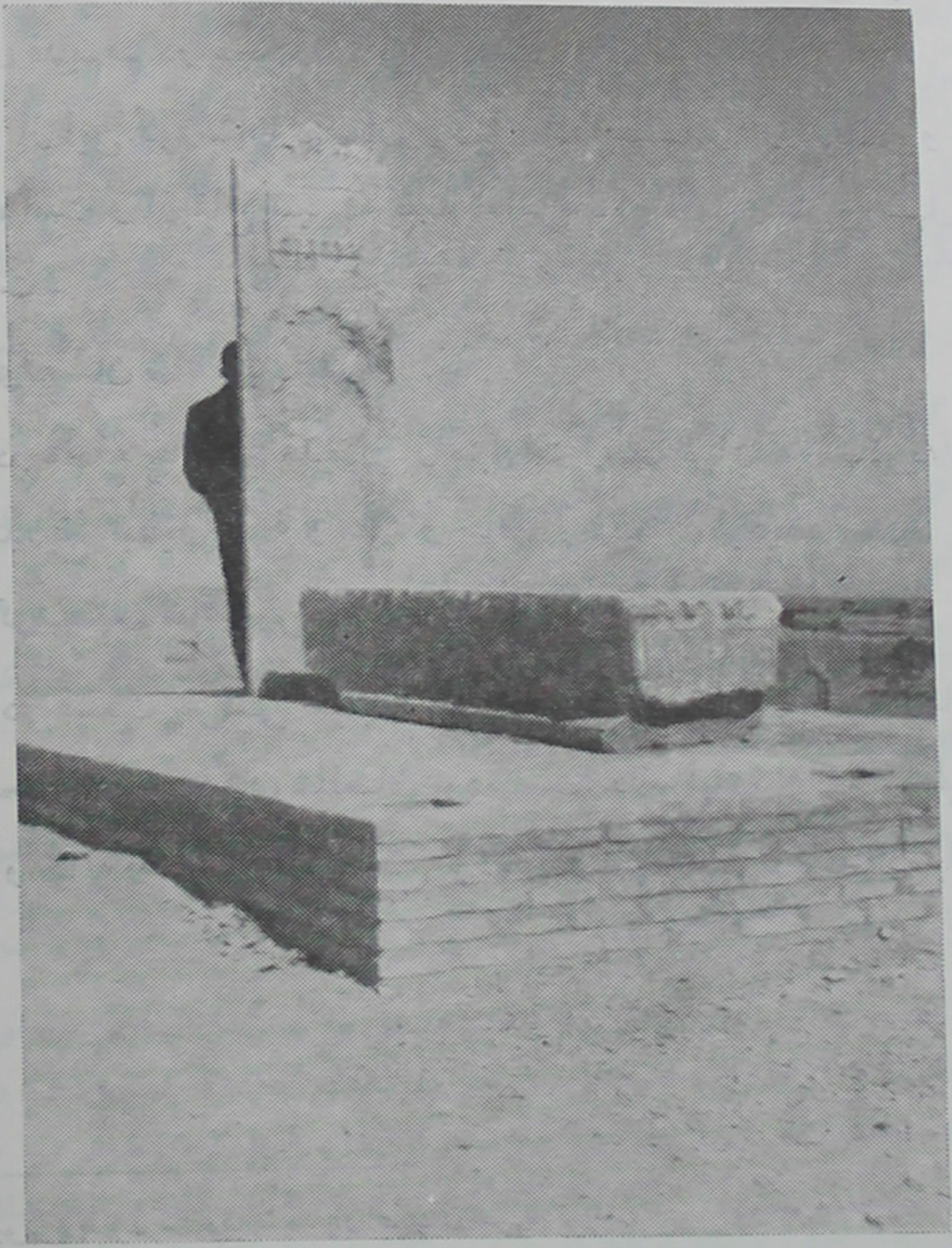
۱- تذکرة‌القبور ویابزرگان‌ودانشمندان‌اصفهان ص‌یا تاید. ۲و۳و۵و۶ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص یه‌ـیو ۴ـ درجغرافیای‌اصفهان‌تقچی نوشته‌شده ص۳۲

۱۹ ـ سنگ سفید یامقبره امیراویس:

این مقبره درخارج شهر اردستان نزدیك راه شوسه اردستان بزواره واقع شده است در ایام قدیم بقعه‌ای کوشك مانند از آجر داشته که بمرور زمان ازبین رفته است.

آنچه مانده آجرهای اطراف قبرکه بسیار بزرگ و دو سنگ مرمرکه یکی بطور عمودی ودیگری افقی نصب شده‌اند. (ش ۳)

سنگ مرمر افقی دارای خطوط و نوشته‌هائی است که میرساند صاحب قبر که ازشیعیان بوده درسال نهصد و بیست در سن سی‌سالگی کشته شده و پدر و مادر



(ش ۳)

او زنده بوده وازدست دادن فرزند خود درسوز وگداز بوده‌اند.

عبارات مکتوب بر سنگ افقی کـه بطور مکعب و پنج سطح آن پیداست و درازای آن ۲٫۷۵مترونیم مترآن درپشت سنگ افقی پوشیده شده چنین است.

« هذا مشهد الامیرالکریم الغفیرالشهید ، نتیجةالاکابر الکرام بین‌الانام، الامیر »

« جلال‌الدولة والدین امیراویس‌ابن عالیجناب رفعت آیات ، جلالتمآب ، اکابـرانتساب »

« شمس‌الدولة والدین محمد نجیبا ۹۲۰ »

« باو بودم شبی افسانه آن شب بگوئیدم
و گر میرم بتعظیم سگان او بموئیدم »

« مرا امروز بردار فنا جلـوات بهر او
سرودی‌کان‌میان نوحه‌گوئید آن بگوئیدم »

« شهید خنجر عشقم بخون دیده آلـوده
بخاکم‌همچنان‌برخون درآرید و مشوئیدم »

« همه جا ازشهیدان نور خیزد و زدلم آتش
نشان‌است این‌میان‌کشتگانش گربجوئیدم »

« گلی‌کزخاك من روید بگوش اهل‌دل‌گوید
که من بوی فلان دارم مبوئیدم مبوئیدم »

« گرازگل‌گل‌شودخرم زمن‌خواهدزدن‌بویش
مبوئیدم که از غیرت بسوزم گر ببوئیدم »

«پس‌ازکشتن‌که‌خون‌آلوده‌افتدبرزمین‌خسرو
از آن بهترکه ازغیرت بآب دیده شوئیدم »

وبعد این اشعار نقش شده :

امیر زاده اعظم دلاور دوران — امیراویس‌که‌بدفخرآل نوشروان
بهفده رمضان وبسال نهصدو بیست — شهیدگشت‌وروان‌شدبروضه‌رضوان

درحاشیه اول متصل بمتن سنگ این‌اشعار خوانده میشود :

« زیر گل سنگدل ای غنچه رعنا چونی

بی تو ما غرقه بخونیم تو بی ما چونی »

« سلك جمعیت ما را فلك از هم بگسست

ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی »

برحاشیه دیگر سنگ دوازده امام بخط ثلث بشرح زیرنقش شده :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها»
« و بسبطیه وشبلیه هما نجل زکی و بسجاد و بالباقر والصادق حقا و بموسی وعلی وتقی و»
نقی . وبذی العسکر والحجة حقا الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی وعلیهم صلواتی وسلامی»
« بالوف و بلیل و نهار وغداة وعشی ».

دردنباله آن این قطعه حجاری شده :

« قضا نقش یوسف جمالی نکرد — که ماهی گورش چو یونس نخورد »
« در این باغ سروی نیامد بلند — که باد اجل بیخش از بن نکند »

سپس این دوبیت خواند میشود :

« نهالی به سی سال گردد درخت — زبیخش برآرد یکی باد سخت »
« عجب نیست بر خاك گر گل شکفت — که چندین گل اندام در خاك خفت »

درقسمت بالائی سنگ افقی که دارای ۲/۵ طول ونیم متر ضخامت میباشد
این قطعه حجاری شده :

« با حکم خداوند مکن دل ناخوش

در محنت فرزند خود از آه مکش »

« چون جای جوانیش مصیبت گشته است

تاریخ وفات او شده : « جای خوش »
۹۲۰

و درپائین سنگ افقی چنین حجاری شده :

« ای نور دو دیده جهان افروزم — رفتی وزفرقت تو شب شد روزم »
«گوئی من وتو دوشمع بودیم بهم — کایام ترا بکشت ومن میسوزم »

درطرفین شمالی وجنوبی سنگ‌افقی اشعار زیر منقوش است :

« دردی بدل رسید کز آن دود جان برفت
کان سرور جهان بدریغ از جهان برفت »

« بالا تمام کرد درخت بلند ناز
ناگه بحسرت از نظر باغبان برفت »

« تلخ است شربت غم هجران و تلختر
هر سرو قامتی که بحسرت جوان برفت »

« چندان برفت خون جراحت از آستین
کز چشم مادر و پدر مهربان برفت »

« همچون شقایقم دل خونین سیاه شد
کان سرو نو برآمده از بوستان برفت »

« زخمی چنان نبود که مرهم توان نهاد
داروی دل چه فایده کارام جان برفت »

« سعدی همیشه بار فراق انتظار داشت
این نوبتش ز دست تحمل عنان برفت »

برقسمت فوقانی سنگ افقی مجدداً ماده تاریخ : امیرزاده اعظم تا آخر آن تکرار شده است

بقیه سطح فوقانی سنگ افقی باگل و بوته حجاری شده و درکنار آن این غزل نقش‌گردیده :

« بلبلی خون جگرخورد وگلی حاصل کرد
باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد »

« طوطئی را بهوای شکری دل خوش بود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد »

« قرةالعین من آن میوه دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد »

«ساربان بار من افتاد خدا را مددی

که امید مددم همره این محمل کرد»

«روی خاکی و نم چشم حسود مه ومهر

در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد»

«نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ

چکنم بازی ایام مرا غافل کرد»

نام صاحب قبر امیراویس ولقبش جلال‌الدوله و یا جلال‌الدین بود و نام پدرش شمس‌الدوله ویاشمس‌الدین محمد نجیبا بوده‌است. وی ازبزرگان و امرای دولت شاه اسماعیل سر دودمان سلسله صفویه و خود وپدر از مفاخر آل نوشیروان بشمار و دارای مذهب تشیع وبتصوف مایل بوده‌اند.

امیراویس مردی دلاور ودرحال پیکار وجنگ پس‌از زدوخورد های بسیار دراثر جراحت وخون ریزی درسن سی‌سالگی درتاریخ هفدهم رمضان سال نهصد و بیست هجری شهیدگردیده است.[1]

۱- در اینجا چند نکته روشن نیست که امیراویس از احفاد انوشیروان بوده که در اردستان میزیسته‌اند یا احفادیکه درشروان سلطنت داشته‌اند، و دیگر اینکه قتل او بدست چه کسانی درکجا اتفاق افتاده است بنظر میرسدکه امیرجلال‌الدوله که ازامرای شاه اسماعیل و تاریخ ولادت او ۸۹۰ هجری بوده فرزند امیرشمس‌الدوله محمد نجیبا و فرزند زاده امیر شمس‌الدین محمد ندیم شاه منصور متوفی (۷۹۵ ه. ق) بوده‌که دراصفهان‌میزیسته است.

زن امیرشمس‌الدین محمد طبق روایت پیرجمالی اردستانی درکتاب روح‌القدس از پیرمرتضی علی اردستانی (فرزند امیر مزبور) ازاحفاد انوشیروان عادل بوده است. و امیر شمس‌الدین محمدآنچه معلوم‌است دوپسرداشته‌یکی ازآنها درسن‌جهارده سالگی بدرودحیات گفته که شرح‌آن دربخش دوم‌آتشکده اردستان درشرح حال پیرمرتضی علی اردستانی‌مذکور است، پسردوم اوپیر مرتضی‌علی اردستانی عارف معروف‌قرن نهم هجری بوده که شرح‌حال او نیز در همان قسمت مذکور بیان گردیده پسر سومی‌هم‌داشته که پدر امیرشمس‌الدوله‌محمد نجیبا بوده است.

ولی بنظر نگارنده محمد نجیبا پسرپیرمرتضی‌علی اردستانی بوده، زیرا درشرح‌حال پیرمرتضی نوشته‌اند که درکودکی‌یتیم شده وغیرازمادر پرستاری نداشته واگر احیاناً عموئی داشت بالطبیعه از او پرستاری میکرد در صورتیکه در شرح حال او که پیر جمالی اردستانی

←

اقتضاء دارد این اثر تاریخی به‌ثبت رسیده ودر اطراف آن دیواری وپناهگاهی مناسب ساخته شود که ازگزند حوادث جوی مصون باشد .

ب ـ رباطها و عمارات گوناگونی که بعد ازاسلام احداث و نام و اثر دارند :

۱ـ نارین قلعه شهراب :(۱)

این قلعه درقریه شهراب جزء دهستان سفلای شهرستان اردستان واقع و از بناهای محمد حسین‌خان عرب عامری(۲) است . قلعه مزبور شامل تارنج یا نارین

→ مریدش نوشته هیچ اشاره‌ای بداشتن چنین‌کسی نکرده است پس‌باید باورکرد که امیرجلال ـ الدوله پسر محمد نجیبا فرزند پیرمرتضی‌علی اردستانی واز احفاد انوشیروان عادل است که در اردستان میزیسته و در هنگام مبارزه شیعه و سنی شهیدشده است .

آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۶ .

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۳۲ .   ۲ـ محمدحسین‌خان‌عرب عامری پسر محمد علی‌خان بن امیرشمشیر خان ازجمله کسانی بوده که باتفاق آغا محمد خان قاجار در دربار کریمخان زند خدمت سپاهی میکرده وازسران سپاه بوده‌است .

چه این‌طایفه از زمان میرزا علی بیك عرب عامری پیوسته در دربار سلاطین صفویه بعد خدمت میکرده‌اند ، منتها بعضی دراثر ارجاع وانجام خدمات بزرگ مشهور شده‌اند و بعضی گمنام مانده‌اند .

محمد حسین‌خان پس‌از فوت کریم‌خان باتفاق آغا محمدخان ازشیراز خارج شد ودر بین‌راه خان‌قاجار باوگفت میروم تهران وزمام امورسلطنت‌را دردست خواهم‌گرفت و تو راهم سپهسالار قشون خواهم کرد ، محمد حسین‌خان که خود را در دوره کریم‌خان بالاتر از او میدانست جوابداد که اگر تو شاه شوی من ادعای خدائی خواهم کرد و از یکدیگر جدا شدند .

محمدحسین‌خان دراردستان ونطنز وبیابانك مستقر وعده‌ای سوار تهیه وقلاعی‌مستحکم نیز بناکرد ، بخصوص در قریه شهراب قلعه مستحکمی که درآن آب و حمام و مسجد و تمام لوازم زندگی فراهم بود ساخت و درآن اقامت کرد و منال دیوانی تمام اردستان و نطنز و بیابانك را وصول مینمود ، کم بکم امیراسماعیل‌خان عرب عامری عموزاده‌اش باو ملحق گردیده وبا اینکه حکومت آنان برنطنز واردستان از طرف آغا محمد خان قاجار تأیید شده بود وکسی معارضشان نبود تصمیم‌گرفتند باتفاق امیرمحمدخان طبسی اصفهان را اشغال نمایند وپس‌ازچهارده روز جنگ درمحل رویدشت مغلوب وفراری‌گردیدند ، ازآن تاریخ ببعدمحمد ←

قلعه و آب قنات وحمام ومسجد وتمام لوازم زندگی درآن جمع وعمارات باشکوهی
داشته ونقبی هم داشت که درهنگام لزوم از آن نقب فرار کنند و بطوریکـه معروف

→
حسین‌خان دراردستان و بیابانك ونطنز مشغول تاخت وتاز وجمع‌آوری مالیات و آزار بمردم
بود ، شنیده شدکه برای ساختن قلعه شهراب دستور داده بود خاکستر ازاطراف بیاورند و
حاجی ابوطالب که جد خوانین اولادکریم بود خاکستر ازهفت فرسخی شهراب آورده بود و
چون غربال نشده بود امر کرد که بمحل برگردانیده و پس‌از غربال‌کردن بیاورد. دراثرظلم
زیاد وشکایت مردم محمد حسین‌خان شیبانی حاکم‌کاشان مامور دفع اوگردید و سرانجام اورا
درمحل معروف به چاه علم که دربیابان شهراب واقع است دستگیروبه تهران اعزام ومحاکمه
ومقتول گردید. صباحی بیدگلی درتاریخ این فتح ازطرف حاکم‌کاشان قصیدهٔ ذیل‌را سروده‌است:

در زمان شه جمجاه محمد خان آن — که زفرط خدمتش نام فریدون گم‌شد
آنکه رخسارظفر آنکه کلید درفتح — آشکارش ز گریبان و عبا درکم شد
زیرحکمش همه‌آفاق کران تابکران — گرچه عرض سپهش ساحت‌ری تاقم‌شد
روزکین روی بآورد گهی‌چون‌آورد — تیغ‌خودمعرکه‌گردون وسپاه انجم‌شد
خان‌فرزانه حسین آنکه زبیمش‌مریخ — متواری بفـراز فلـك پنجم شد
چاکرانش‌چو به:من‌اشجع لب بگشادند — اهل‌لابل همه را ورد زبان آهم شد
تهنیت‌گوید از او مادرگردون وزمین — چون درآغوش ابش جازکنار ام شد
شد بچاه علم آنجاکه زآغاز وجود — دور چون وادی غولان زپی مردم شد
مسکن طایفهٔ راهـزن کالانعام — که بلد قائدشان تابدر بل هم شد
آن‌قدرماندکه‌شب‌خرقه بیفکندزدوش — صبحدم‌کز پی‌سنجاب روان قاقم شد
تاخت برقلب‌عدوکشت‌ازایشان‌چندان — که‌زخون‌معرکه عمان‌و زمین‌قلزم شد
نیزه‌اش گشت نهالی و سرآورد بیار — توسنش‌نعل‌رکاب آمد ومرجان‌سم‌شد
چرخ‌را گردبسر برشد وخون تابکمر — خنگ‌گردون‌مشکین کاکل‌وگلگون‌دم‌شد
کاسه‌های‌سرشان دستخوش‌وحش‌آمد — کاسهٔ خود چوبلند ازسر نیلی‌خم شد
ازطمع آتش بیداد عدو میافروخت — شدبلند آتش ونخل املش هیزم شد
مردرا می‌فکند حرص بخواری‌آری — رهزن آدم خاکی طمع گندم شد
چون باقبال سلیمان زمان مردم‌را — دور از راه سرمار و دم کژدم شد
سال این‌فتح همایون زصباحی‌جستم — زد رقم: «فاتح بیرعلم دویم شد»

از مضمون این قطعه معلوم میگرددکه حاکم‌کاشان از راه غیر متعارف حرکت و شبانه
دراطراف موضع‌گرفته و هنگام طلوع‌آفتاب برمحمدحسین‌خان عرب عامری و اتباعش تاخته
وپس‌ازکشت وکشتار زیاد برخان عرب چیره میگردد .

وبالاخره محمد حسین‌خان پس‌از یکعمر ظلم وستم برمردم اردستان و نطنز و بیابانك
دستگیر وبه تهران اعزام ومقتول میگردد . این‌واقعه درتاریخ یکهزارو دویست و شش هجری
قمری اتفاق افتاده است .(آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۵۲)

است سالها مردم اطراف نائین واردستان ونطنزرا بعنف میآوردندکه دربنای مزبور کمك کنند ولی چون از روی ظلم ساخته شده بود پایدار نماند و بدست خود مردم شهراب ویران وخاك آن بمصرف زراعت رسید و اکنون جز حمام ومسجد آن که مورد استفاده عموم بود چیزی باقی نمانده است و باید اذعان کرد که :

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

مسجدی که ازآن قلعه باقی مانده بحال مخروبه ویك برنج ازآب شهراب و یکدرب باغ وقف برآن میباشد.

متأسفانه بعضی ازمردم محل تمام قلعه و مسجد و حمام را در موقع تأسیس ثبت اسناد به ثبت داده اند واکنون صورت ملکیت دارد وتعجب ازاین است که اوقاف محل هم توجهی باین موضوع نکرده است.

۲ـ قلعه جوگند=زفرقند=زبرکند :

این قلعه درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان واقع شده و در حال انهدام و ویرانی است و فقط آثاری از آن باقی است که دلالت برقدمت تاریخی آن دارد.(۱)

۳ـ رباط صاحب دیوان جوگند :(۲)

این رباط نیز درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان درکنار دیه در مسیر شارع واقع شده ودرحال ویرانی وغیرقابل استفاده میباشد ولی پیکره آن نشان میدهدکه هنگام عمران وآبادی با شکوه و قابل استفاده بوده است و در اثر عدم توجه وبخصوص درقرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم که اردستان وتوابع محل دستبرد وشرارت سرکشان و یاغیان و زورگویان بوده رو بانهدام نهاده است.

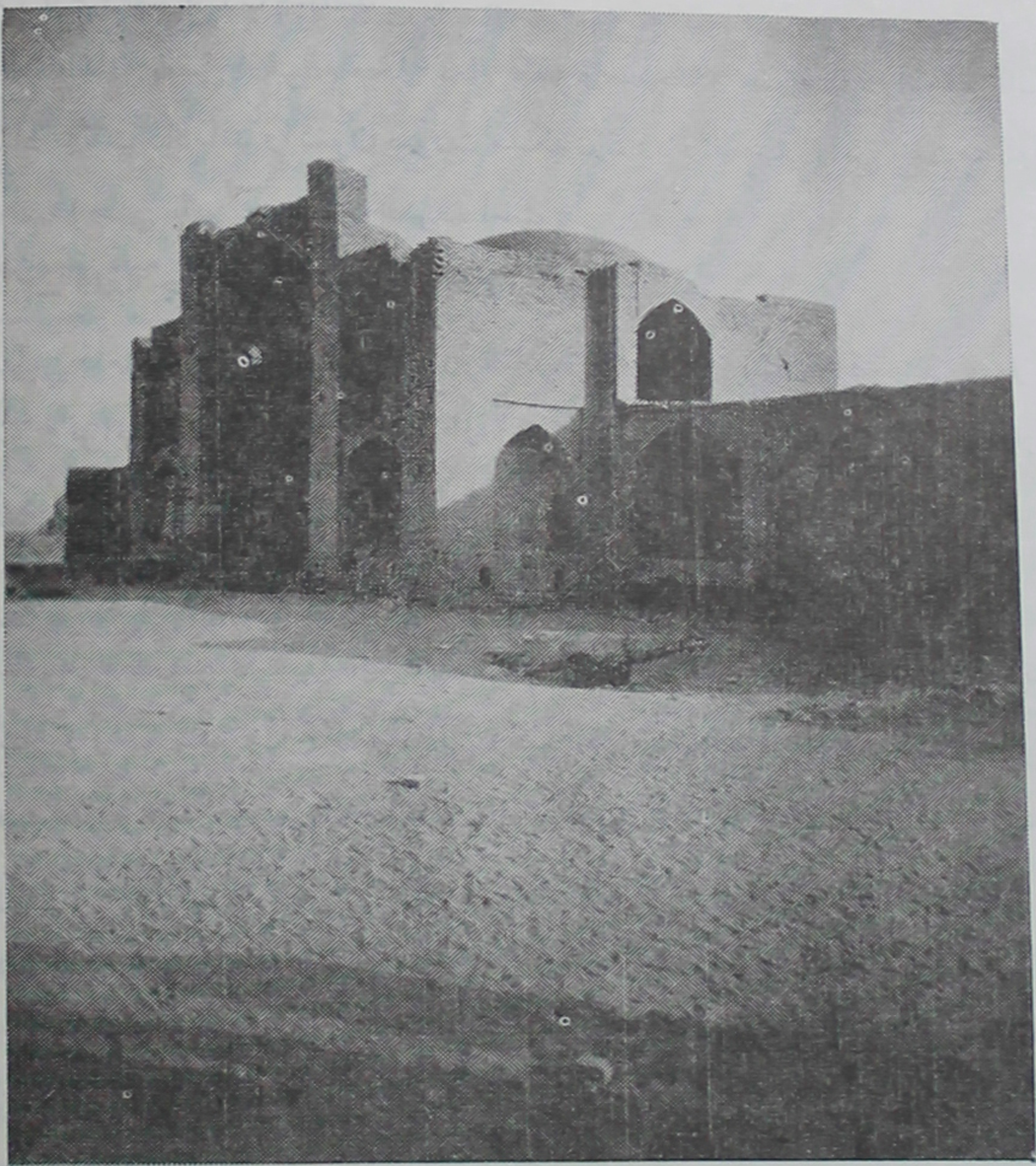
بعضی هم این رباط را بشاه عباس کبیر نسبت میدهند ومعتقدند رباطی که دائر است ازآن صاحب دیوان ویا تاجر یزدی است.

۱و۲ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۸

۴ ـ رباط زواره : (۱)

این رباط که بشاه‌عباس منسوب است در بیرون مدینة‌السادات زواره در مسیر راه زواره بشهراب ومزدآباد واقع و ساختمان آن دوطبقه و با آجر ساخته شده است. بعضی‌هم گفته‌اندکه رباط از احداثات حاج‌سیدمحمد غراب زواره‌ای است ولی‌گویا شخص اخیر آنرا تعمیر کرده است .   (ش ۴)

این رباط در چند سال قبل با اصلاحاتی تبدیل بدبیرستان و مورد استفاده



(ش ۴)

---

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۵۵ .

است ودرحقیقت ازصورت اول خارج شده است.

۵ - قسمتی از سرای مقصود واقع درچهارسو مقصود اصفهان که‌ازبناهای مقصود مسگر بود بمرورزمان جزءِ خانه‌های اطراف گردیده است.(۱)

۶ - سردر زاویه باب‌القصر :

این سردردرمحله باب‌القصر معروف بدرب کوشك اصفهان واقع ودر دوره حکمرانی ابوالمظفررستم بهادرخان آق‌قوینلو بناشده و در تاریخ۱۵/ ۱۰/ ۱۳۱۰ زیرشماره ۹۷ بثبت تاریخی رسیده است.(۲)

این سردرکتیبه‌ای داشت‌که پس‌از ویرانی‌زاویه باب‌القصر به‌عمارت‌چهلستون نقل‌گردیده و درآنجا نگهداری میشود وعبارت‌کتیبه‌که بخط سفید وثلث معرق‌بر زمینه‌کاشی لاجوردی ترسیم شده چنین است:

«لقد ساعدالتوفیق باتمام هذه‌الزاویة‌الشریفة والجنبدالرفیعة‌المنیفة لتربة‌حضرة »
« والده طاب‌الله ثراه فی‌زمان خلافة من‌هوعین سلاطین الزمان ولعین الخواقین انسان، »
«سراج‌الدنیاوالدین، ابوالمظفررستم بهادرخان خلدالله تعالی خلافته وملکه‌وسلطانه، الحضرة»
«الاشجع‌الاکرم،افتخارالانام والصنادید فی‌العالم‌مؤیددین‌سیدالاملاك،والافلاك‌زین‌الدوله»
«والسعادة والدین، علی‌بیك برنا ایدت امارته فی۹۰۲کتبه معین‌المنشی.»

در داخل مقرنسهای سردربخط‌بنائی‌سفیدبر زمینه‌کاشی لاجوردی‌این‌عبارات نوشته شده :

«یا مجیب‌الدعوات» و «یارافع‌الدرجات» و «یا مستجاب‌الدعوات » و«یـا بـدیع السموات والارض» و « انا مدینة‌العلم و علی بابها » و « فرض علی‌الحاضر والغائب حب علی‌بن ابی‌طالب » .

غیراز عبارات بالا نام حضرت‌علی درچندجا تکرار شده‌که بخط بنائی‌است . در داخل قطارهای سردربخط بنائی سفید بر زمینه کاشی لاجـوردی ایـن بیت را نوشته‌اند :

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۳۷.

۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

«اگر هست مرد از هنر بهره‌ور   هنر خود بگوید نه صاحب هنر»

نام وکنیه (ابوالمظفر رستم بهادرخان خلدالله تعالی) شاه زمان با حروف طلائی نوشته شده است. [1]

۷ ـ چله‌خانه : [2]

عمارتی بوده در تخت پولاد اصفهان در نزدیکی تکیه بابارکن‌الدین دارای چند اطاق مرتبط بیکدیگر که یکی از آنها معروف به چله‌خانه بوده و درگذشته مرتاضان در آنجا چله مینشستند. بعضی از آن اطاقها دارای گچبریهای ممتاز بود و تا چندسال قبل اشعارزیر برروی‌گچ دیوار خوانده میشدکه با خط نستعلیق‌عالی نقش شده بود :

«در زمان شهنشه عادل	رونق‌افزای مسجدومحراب»
«زینت دودمان مرتضوی	. . . .»
«.	خرد از روی‌شوق دادجواب»
. . . دوش‌سال تاریخش:	«قبله‌اهل‌حاجت‌است‌این‌باب»

«سنه ۱۱۱۲»

۸ ـ رباط شاه‌عباسی نطنز :

این‌رباط‌که درحوالی‌قصبه نطنزمرکزشهرستان‌مزبور بوسیله‌میرزاابوالمعالی برزرودی وزیرحضورومجلس‌نویس شاه‌عباس ساخته شده است دارای جلوخان و سردر وکتیبه سنگ نبشته بخط ثلث زیبا بوده وقسمتی‌ازآن ازبین‌رفته وآنچه‌هم باقی مانده در اثر سنگربندی اشرار و راهزنان درهنگام‌اغتشاش آسیب‌زیادی‌دیده و بدشواری این عبارات خوانده میشود : «ابوالمظفر شاه‌عباس الحسینی‌الصفوی» «بهادرخان بنده‌درگاه شاهی‌ابوالمعالی‌الشهیر به‌آقامیرزاابن‌اسدالله‌ابن‌علی‌الحسینی» «البرزی‌النطنزی توفیق بساختن‌این بقعه خیر بتاریخ هزاروبیست‌ونه هجری و»

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۸.

۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۵۰۰ بنقل از روزنامه سرنوشت شماره۳۱ سال اول.

«باتمام رسانید باهتمام این بنده درگاه علاءالملك، امید که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار عالی شاهی...»[1]

میرزا ابوالمعالی مشهور به آقا میرزا و آقامیر وقایع نویس شاه‌عباس کبیر بود و اعتبارش بمرتبه‌ای رسید که پادشاه فرمود که مهر من اعتبار ندارد و خط آقامیر معتبر است.[2]

وی از سادات حسینی برخوار بود که اجدادش در نطنز سکونت اختیار کرده بودند و همه منسوبانش در دیوان کار میکردند.

۹ ـ شکارگاه عباس آباد نطنز: [3]

در پنج کیلومتری پل‌هنجن نطنز بطرف قصبه در کنار جاده اسفالتهٔ کاشان و نطنز بقایای کاخ شکارگاه و باغ عباس آباد از آثار شاه‌عباس بزرگ دیده میشود و از پیکره آن معلوم میگردد که آنجا زمانی گردشگاه ییلاقی وجای سیر وشکارگاه سلاطین صفویه بوده است ولی سالها میگذرد که آن محل بصورت کشتکار و ملك شخصی درآمده است.

موقعیت آن بسیار دل‌انگیز و فرح‌افزا است، چه اطراف آن کوه وسبزه زار و از طرفی قله‌های مرتفع کوه‌کرکس که بلباس سفید برف آراسته میباشد برطراوت آن افزوده و با اینکه تقریباً بصورت کشتزار درآمده اکنون‌هم همان صفا وخرمی را دارد و چنانچه درآنجا مهمانخانه آبرومندی احداث شود برای جلب سیاحان بسیار مناسب خواهد بود.

۱۰ ـ مناره مسجد قدیمان نائین :

این مناره درکنار مسجدجامع قدیمان درمحله کلبان نائین واقع بوده وبمرور زمان ازبین رفته است.[4]

۱- آثارتاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۱۴.

۲- تذکره نصرآبادی ص۷۰.

۳- آثارتاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص۲۱۹.

۴- فرهنگ تاریخ نائین ص۱۱.

۱۱ - خانقاه شیخ ابومسعود رازی :

این خانقاه[1] درمحله شیخ‌مسعود اصفهان واقع بوده و به‌بقعه آرامگاه ومدرسه وحمام وباغ او اتصال داشته است این محله درقدیم بزرگتر از زمان حال بوده و از جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان واز مشرق به قبله‌دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه نو محدود میشده است، این خانقاه درقرن سوم دائر و درقرن چهارم یعنی پس‌از وفات شیخ ابومسعود رازی (۲۵۰ هـ. ق) در اثر اینکه متوفی شخصیتی بارز داشت مورد توجه قرارگرفت و از اطراف زهاد و صوفیان بزیارت بقعه او میآمدند وبتدریج برشهرتش افزوده‌میشد ومورد توجه‌سلاطین‌وقت نیز واقع گردید وحتی ابونعیم اصفهانی حافظ معروف پس‌از وفات درجوار آن مدفون‌شد. و درعهد یعقوب بهادرخان بقعه‌ای برمزار شیخ بنا شدکه درمحل خود بتفصیل شرح داده خواهدشد. این خانقاه تا اواخر قرن سیزده هجری باقی‌بود ولی برحسب فتوای یکی ازعلمای وقت غیراز سردر بقعه‌بقیه عمارات‌آن خراب گردید. خانقاه مزبور دارای موقوفاتی بوده‌که بمصرف واردان و صادران میرسیده است ولی اکنون اثری ازآن نیست.[2]

۱۲ - لسان‌الارض :

در مشرق تخت فولاداصفهان محلی‌بنام لسان‌الارض میباشدکه دروجه تسمیهٔ آن به‌لسان‌الارض اختلاف است ومشهور اینستکه چون این‌زمین‌ازلحاظ شکل به زبان شباهت دارد باین‌نام معروف شده است. محل‌مزبور دارای دیواری بسیارکهنه میباشد که درشرف ویرانی است ودربعضی‌قسمتهای‌آن آجرکاری‌زمان دیلمی آشکار است وسبك‌آن قدمت این‌مصلی‌را تأییدمیکند.[3]

۱- خانقاه معرب خانه‌گاه است که‌کنایه از تواضع وفروتنی درویشان و صوفیان بوده ومحل سکونت خودرا درآن‌قرار میداده‌اند ومعمولا مدرسه‌ومسجد وبیوتاتی‌برای واردان داشته است.

۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۵۳ بنقل ازکتاب خلد برین .

۳ - بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۷۴ .

ج- مساجدی که بعد از اسلام احداث و اکنون فقط نام و آثاری دارند:

۱- مسجد جامع کاج :

این مسجد درحدود ۲۵ کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بستر زاینده‌رود واقع وجزء براآن. شمالی میباشدگنبد این‌مسجد برج‌مانندساخته شده ودراطراف آن ملحقاتی بوده‌که بمرورزمان وعدم تعمیر ازبین رفته و جزء اراضی زراعتی گردیده است. گنبد مزبور در وسط صحن متناسبی قرار داشته و بوسیله مدخلهای بزرگ وکوچك ازجوانب شمال وشرق وغرب باز بوده وفقطسمت‌جنوبی آن‌بسته بوده است، محراب مسجدهم در این طرف قرار دارد. مهمترین مواد ساختمانی آن آجر بوده است.

کتیبه اطراف‌گنبد درقسمت داخل آن باکاشی‌معرق وبخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برآیاتی از سوره یس است، این‌کتیبه‌تاریخ‌ندارد وگفته‌اند ممکن است متعلق‌بقرن هشتم هجری باشدکه‌این نظریه‌را پرفسورپوپ‌مأسوف‌علیه تأییدکرده است وبعضی ازنویسندگان احتمال داده‌اندکه از ملحقات مسجد درقرن یازدهم وبعدازآن میباشد.

اسامی خلفاء راشدین‌درطرفین محراب دردوشکل مستطیل بخط بنائی‌نوشته شده است و درپوشش داخلی گنبد چهارشکل‌مربع بخط بنائی باآجرقرمزبرزمینه سفیدآجری‌که دوبدو قرینه‌اند وجود داردکه در دو مربع آن نام محمد و در دو مربع دیگر نام علی نوشته شده است، درقسمت پائین‌گنبد و روی جرزها بخط بنائی باگچ درفاصله‌آجرها اسامی: الله، محمد، علی، حسن، حسین خوانده میشودو کلمات دیگری هم بوده‌که اکنون وجود ندارد.[1] این مسجد دارای مناره‌هائی‌هم بوده‌که اکنون اثری ازآن باقی نیست. مسجدنامبرده طی‌شماره ۲-۳۲۸ / ۱۱ / ۳۱۸ بثبت تاریخی رسیده است.[2]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۸۳

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵ .

۲ ـ مسجد گار (غار) :

این مسجد در دیه گار که مردم محل آنرا جار تلفظ میکنند و غارهم نوشته‌اند واقع شده است. درقرون اولیه طلوع اسلام لفظ گار را معرب کرده جار تلفظ میکردند واز این جهت است که درکتابهای مورخان وجغرافی نویسان و انساب نویسان عربی همه جا جار نوشته شده ودرمعجم البلدان متذکر گردیده که مردم محل گار تلفظ میکنند وکسانیکه تحصیل کرده‌اند بجیم مینویسند.(۱)

این دهکده در زمان قدیم دائر ومعمور و عده‌ای از محدثان از آن برخاسته‌اند که برای روشن شدن وضع قدیم این دهکده دسته‌ای از آن محدثان را ذیلاً مینگارد :

جارکه از دهات پاکیزه وپرباغ وبوستان اصفهان وبطرف لاذان امتداد دارد محدثانی بااین شرح داشته است:(۲)

۱ـ ابوالطیب عبدالجبار بن فضل بن محمد بن احمد جاری ۲ـ ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن عیسی جاری ۳ـ احمد بن محمد بن علی بن مهران جاری مدینی ۴ـ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی بن مهران جاری ۵ـ الذاکر ابوبکر ذاکر بن محمد بن عمر بن سهل جاری برائانی (متوفی ۵۵۱ هـ.ق) ۶ـ ام‌عمر وسعیدة بنت بکران بن محمد بن احمد جاری ۷ـ ابوالفضل جعفر بن محمد بن جعفر جاری ۸ـ ابونصر بن ابوحفص جاری ۹ـ سید الرؤساءِ قاسم بن احمد بن ابوالقاسم جاری بانی مناره جار در ۵۱۵ هجری قمری ۱۰ـ عبدالملك بن حسن جاری ۱۱ ـ عیسی بن عبدالرحمن جاری.

از شمارش این عده که اغلب از مشایخ حدیث بوده‌اند معلوم گردید که دیه مزبور درآن زمان اهمیت داشته ومرکز دانشمندان زن ومرد بوده است و قاعدةً باید درآن هنگام که قرن ششم و پنجم باشد محراب و مسجد درآنجا دائر باشد و و از همین جهت است که گفته‌اند این مسجد در زمان سلاجقه ساخته شده چه تاریخ مناره آن هم ۵۱۵ میباشد. تاریخ کتیبه موجود برجرز شمالی ویرانه های محوطه

۱و۲ـ معجم البلدان ج۲ ص۹۳.

گنبددار نشان میدهدکه در ۶۶۰ هجری ساخته شده است وتقریباً یکصدو سی‌وپنج سال بعداز عمارت مناره میباشد وبا این ترتیب بایدگفت این تاریخ اخیر ممکن است تاریخ تعمیر یا تجدیدبنای مسجد نخست باشد چه اینگونه مناره‌ها را برای مسجد میساختند.

عباراتی که درکتیبه مناره موجود میباشد بشروح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ـ امر ببناء هذاالمنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساء ابا»
«القسم بن احمدبن ابالقسم فی‌سنة خمس‌عشرة وخمسمائة. »

درصفحه ۱۸۴ گنجینه آثار تاریخی اصفهان عبارات کتیبه باین‌کیفیت نوشته شده ولی ازنظر املای عربی چند اشکال دارد:

یکی اینکه بجای هذاالمنارة باید هذه‌المنارة باشد و دیگر اینکه ابالقسم چون درحالت رفع‌است بایدابوالقسم باشد و ابالقسم دوم‌هم باید ابی‌القسم باشد ولی درفهرست بناهای‌تاریخی و اماکن باستانی صفحهٔ۲۹ نوشته شده: «سیدالرؤساءِ قاسم بن‌احمد»ودر تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان صفحه۲۰۱ نوشته:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - امر ببناء هذاالمنارة الزهید الرئیس سیدالرؤسا القاسم بن احمدبن ابی‌القسم فی‌سنةخمس عشرة وخمسمائة»

و مطابق املای عربی اگر سیدالرؤساء نامش ابوالقاسم باشد باید کتیبه چنین باشد :

«امر ببناءِ هذه‌المنارةالزهیدالرئیس‌سیدالرؤساءابوالقسم‌بن‌احمدبن‌ابوالقسم»

واگر نامش قاسم باشد صحیح آن چنین است: «امر ببناء هذه‌المنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساءالقاسم‌بن احمدبن ابوالقسم...» و اما طرز نوشتن قاسم درقدیم : قسم بوده است .

بنظر نگارنده نام سیدالرؤساء باید قاسم باشد، چه ابوالقاسم در قرن ششم کنیه اشخاص بوده وکنیه مطابق قواعد عربی مقدم برلقب بوده است و از اینرو آنچه درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان‌وفهرست ساختمانهای تاریخی‌واماکن‌باستانی نسبت بنام سیدالرؤساءِ نوشته شده محکمتر ومنطقی‌تر میباشد.

خطوط بنائی که بر بدنه مناره دیده میشود عبارت: الملك لله میباشد که تکرار شده است. کلمات وجملاتی روی بقایای دیوار دور گنبد مسجد که در ضلع جنوبی صحن متروك مسجد واقع شده خوانده میشود مثلاً روی دو جرز شمالی عبارات زیر بخط ثلث گچبری شده:

«امر عمارت هذا المحراب .... ولیه» وسمت غربی: «رشیدالدین محمد کامل احمدبن اسماعیل» لوحد سمت شرقی: «... ابن ابی القاسم. رمضان المبارك... ستین و ستمائة».

از مجموع این کتیبه‌های ناقص معلوم میگردد که تاریخ بناء در حدود ۶۶۰ هجری بوده زیرا کلماتی پیش از ستین افتاده و ممکن است جای یکی از اعداد ۹گانه باشد.

و اما راجع ببانی ومباشر وکاتب صراحتی این جملات ندارد وممکن است کتیبه در اصل چنین باشد:

«امر عمارة هذا المحراب .... ولیه ... ابن ابی القاسم رشیدالدین محمد، کاتب احمدبن اسماعیل .... رمضان ... ستین وستمأته» و با این ترتیب رشیدالدین محمد پسر ابوالقاسم آمر ببناءِ محراب واحمدبن اسماعیل کاتب کتیبه بوده است.

از آثار وخطوط دیگری که در نصف شرقی بخط کوفی گچبری شده این قسمت خوانده میشود: «...علیکم اهل البیت انه حمید مجید فلما...» و در اطراف محراب قسمتی بخط ثلث گچبری گردیده که در آن آیة الکرسی وچند آیه دیگر بوده که از بین رفته و فقط جملاتی از آن خوانده میشود، آن قسمتی که خوانده میشود چنین است:

«... عنده الا باذنه یعلم مابین ایدیهم وما خلفهم ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات والارض...» و نیز «... احسن عملا و هوالعزیز الغفور الذی خلق سبع سموات طباقاً ماتری فی خلق الرحمن...».[1] مسجد گارومناره

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۲.

طی شماره ۲۷۰-۱۲/۱۲/۵۱ بثبت تاریخی رسیده است .[۱]

۳- مسجد جامع گلون آباد :

این مسجد در ۲۱ کیلومتری مشرق شهر اصفهان در گلون آباد از دهستان قهاب و متصل بجاده شوسه اصفهان به یزد واقع میباشد و بنامهای : گلون آباد - گلناباد جیلون آباد خوانده و نوشته شده است.

شهرت این محل گذشته از اینکه در دوره صفویه آباد و پر جمعیت بوده از نظر وقوع جنگ تاریخی افغانها و شاه سلطان حسین صفوی در آنجا میباشد و گرنه اغلب این دهکده خراب و ویرانه‌های آن مشهور است .

مسجد جامع دیه مزبور نیز بحال ویرانی افتاده و فقط در چند سال پیش[۲] در یکی از ایوانهای جانب شرقی صحن کتیبه‌ای با خط زیبای ثلث موجود بوده که عبارات آن چنین خوانده شده است : «قال الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر صدق الله العظیم فی عام ۱۱۰۹».[۳]

۴- مسجد بوزان :

بوزان یکی از دهکده‌های جی است که در سه کیلومتری مشرق شهر اصفهان واقع شده و دارای مسجدی قدیمی است که محراب آن درقرن ششم احداث گردیده است .کتیبه‌های گچبری محراب آن بمنظور حفظ و حراست بموزه ایران باستان نقل شده و حاشیه بیرون محراب آن با خط کوفی گلدار مشتمل بر آیه ۱۸ سوره آل‌عمران است و بر جبهه محراب آن بخط ثلث عبارت پائین خوانده میشود :[۴]

« قوموالله قانتین هذا المحراب عمارة العبد المذنب علی شیرزاد الانصاری القزوینی فی جمادی الاخرة سنة ثمان وعشرین و خمسمائة » .

این مسجد در حال ویرانی است .[۵]

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۲۹.   ۲ - ۱۳۴۳ شمسی.
۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۳.   ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲.
۵- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۱۴.

۵ ـ مسجد هفشویه: (۱)

این مسجد در دیه هفشویه جزء بلوك قهاب و در شمال شرقی اصفهان واقع شده است. بنای این مسجد بسبك مغولی وآثار بنا حکایت دارد که در دوره سلاطین مغول ساخته شده ودراثر متلاشی شدن گنبد ومناره و دیوارهای آن کتیبه ایکه تاریخ بنا را برساند باقی نمانده ، گچبری محراب باقی مانده با محراب گچبری شده گار شباهت دارد واز اینرو میتوان حدس زدکه مسجددرقرن ششم و هفتم بنا شده است. مناره مسجدهم خراب وفقط پایه آن باقی میباشد، این مسجد از خشت خام ساخته شده ونمای آن ازآجر بوده است.

در اطراف محراب آیةالکرسی بخط ثلث ودراطراف اسپرمحراب سوره فاتحه بخط کوفی وآیات ۵۱و۵۲ از سوره قلم بخط بنائی گچبری شده است.(۲) مسجد مزبور طی شماره ۴۳۰ـ۵/۱۲/۴۱ بثبت تاریخی رسیده است .(۳)

۶ ـ مسجد شهرستان : (۴)

این مسجد در دیه شهرستان جی درمجاورت پل شهرستان ومقبره الراشدبالله واقع شده، مسجدی است کوچك که در اثر مرورزمان وعدم توجه بویرانه‌ای تبدیل گردیده و فقط کتیبه تاریخی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ موجوداست که تاریخ ساختمان وکاتب آن را تعیین میکند.

کتیبه مزبور چنین است: «قال‌الله تعالی ـ انما یعمر مساجدالله من آمن بالله» «والیوم الاخر واقام‌الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من» «المهتدین فی شهر رمضان المبارك سنة۱۰۴۲ (۵) کتبه محمد رضاالامامی الادهمی».(۶)

۱ـ بنا بگفته حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب هفشویه درقرن هشتم قصبه‌ای آباد بوده است و اکنون دیهی نیمه‌خراب است.

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۲۱.

۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰.

۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۲۱.

۵ـ در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ تاریخ کتیبه هزار وچهل وسه نوشته شده است.

۶ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱.

۷ ـ مسجد نمکی :

این مسجد درحدود میدان میر درجنب میدان کهنه اصفهان واقع و بنای آنرا بخواجه نظام الملك نسبت میدهندولی کتیبه‌ای نداردکه حکایت ازبانی وتاریخ بناکند وبمرورزمان روبویرانی نهاده است.

در ویرانه مسجد سنگ نبشته‌ای موجود میباشدکه حکایت دارد زنی از نواده‌های خواجه نظام الملك در زمان شاه‌عباس موقوفاتی برای مسجدقرار داده‌است و مفاد و عبارات آن سنگ نبشته چنین است:

«درزمان خلافت اعلیحضرت خاقان جمجاه، السلطان بن السلطان والخاقان بن»
«الخاقان سلطان شاه‌عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخان توفیق رفیق حال»
«علیاحضرت طهارت و نزاهت دستگاه حاجیه شاه‌خانم بنت مرحمت و غفران پناه»
«میرزا احمدبیك نمکی گردید قربة الی الله تعالی، وقف مخلد نمود نصف چهارسوق[۱]»
«نمکی دارالسلطنه اصفهان با نصف تیمچه ونصف حمام و نصف زمین ساده مشهور»
«بزمین شترخان ونصف طاحونه‌گاوی واقعات درچهارسوق مزبور برمسجد معین»
«واقع درجنب چهارسوق مزبورکه جد او خواجه نظام الملك بناکرده، وقف صحیح»
«شرعی که نخرند ونفروشند و مرهون ننمایند و زیاده ازسه سال باجاره ندهند و»
«صدور و متصدی موقوفات دخل درآن ننمایند وحق النظاره و غیره نگیرند، و»
«شرط نمود واقفه‌که منافع مزبور را بعد از تعمیر مسجد و مستغلات مزبوره»
«هریوم چهل‌وپنج دینار بشخصی دهندکه هرروز یك جزوه قرآن مجیددرمسجد»
«مزبور تلاوت نماید، و ده دینار صرف روشنائی مسجدمزبور شود، وآنچه زیاده»
«بماند درشب جمعه و ایام متبرك صرف اطعام عجزه ومساکین‌شود، وتولیت آن تا»
«واقفه مزبور در قید حیات است تعلق باو داردو بعد از آنکه داعی حق را لبیك»
«اجابت بگوید تولیت از شخصی خواهدبودکه سند معتبر از واقفه در دست خود»
«داشته باشد ، وشرط نمود واقفه مزبور که متولی درتعمیر مستغلات از صلاح»

۱ــ درآخرمحله گلبار واقع است. نصف‌جهان درتعریف‌اصفهان ص۵۳.

«شریك که باعث آبادانی مستغلات مزبور باشد بیرون نرود و هرکس تغییر آنچه»
«واقف شرط نموده بکند بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار گردد بحق النبی و آله.»

این سنگ نبشته بخط نستعلیق برجسته وفاقد تاریخ میباشد.[1]

۸- مسجد امامزاده شوری:

این مسجد درمحله دردشت اصفهان درمقابل امامزاده عبدالله (شوری) واقع ومسجدی است محقر که آثار تزیيناتی از آن باقی نمانده ودرحال ویرانی است ولی در قدیمی آن باقی وکتیبه روی در چنین است:

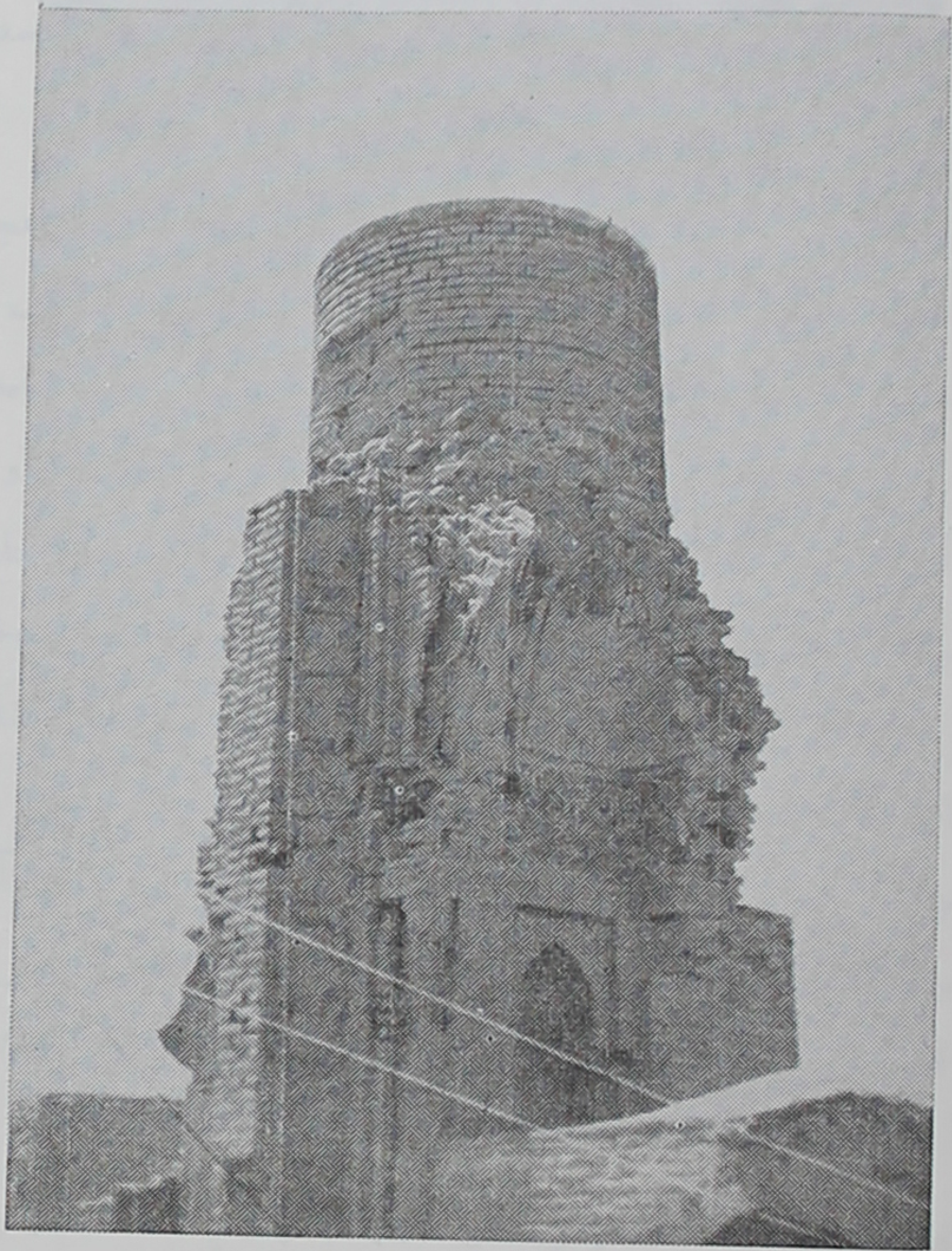
«قال الله تبارك و تعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً فی سنته ۹۱۹ وقف شرعی»
«نمود جناب مفخر الاعیان خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی». این مسجد تا کنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است.

۹- مسجد امام حسن اردستان:

این مسجد در بازار محله کبودان اردستان واقع و موسوم به مسجد امام حسن علیه السلام است و تقریباً بحالت نیمه‌ویرانی درآمده‌است،[2] مناره‌مسجد هم درچند سال قبل که‌کمی اعوجاج پیداکرده بود مقداری ازآن خراب و ازطرف باستان‌شناسی تعمیر گردید.[3] این‌مسجد دارای سر دری زیبا و مزین بکتیبه‌هائی بخط کوفی درمتن کاشی فیروزه‌ای‌است. باقیمانده مناره و شبستان و محراب گچبری آن نماینده‌کامل ساختمانهای دوره سلجوقی‌است.[4] بنظر نگارنده این‌بنای‌سلجوقی بجای مسجدی‌که بسبك عربی بنا شده بوده و رو بخرابی گذارده بناگردیده و این نکته را معروفیت آن به‌مسجد امام‌حسن‌وشرحی‌که در تواریخ وارد شده‌که‌حضرت امام حسن پس‌از مراجعت از جنگ یزدیاقم درآن مسجد نماز خوانده وازطریق کهنگ باصفهان عزیمت و در اصفهان هم درمسجدی‌که بهمین‌نام معروف شده‌نماز خوانده است[5] وآمدن حضرت امام‌حسن‌مجتبی(ع) هم‌بایران تأیید میکند. مسجد

۱- بنقل ازگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۷۲۹ ۲- آتشکده‌اردستان بخش‌یك ص۲۸.
۳- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۲۰۵ . ۴ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳. ۵- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۸ بنقل از خزائن نراقی و تذکرة الائمه

ومناره آن بشماره ۲۴۹ بثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش ۵)



(ش ۵)

۱۰- مسجد دشت رامیان :

این مسجد در دشت محله رامیان اردستان واقع و بحال خرابه درآمده بود و فقط کتیبه‌ای داشت بخط کوفی که دلالت بر قدمت مسجد داشت[۲] درچندسال قبل از طرف ساکنان آن محله مسجد تعمیر و صورت نوی یافت. (ش ۶)

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .   ۲ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹ .



(ش۶)

۱۱ ـ مسجد سفید سردشت:

این مسجد درمحله فهره اردستان در مجاورت بقعه پیر مرتضی علی اردستانی واقع و از بناهای تاریخی است که در دوره سلاجقه ساخته شده هر چند تاریخی ندارد ولی درگفته‌های[1] پیرجمالی اردستانی شاگرد و مرید پیرمرتضی در رسالات عرفانی خود نام این مسجد تکرار شده وحکایت دارد که مسجد مزبور در آن زمان دائر بوده است و درمحل شهرت دارد که پیش ازمسجد جامع بناگردیده است.

درحدود سال ۱۳۰۵ شمسی مقدار شصت ذرع ازاین مسجد خراب و جزء

۱ـ آتشکده اردستان بخش۲ ص ۳۴۴ بنقل از رساله روح‌القدس پیرجمالی.

دبیرستان اردستان گردید.[1] این مسجد هنوز مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفته ولی اقتضا دارد مورد مداقه و با سوابق تاریخی که دارد بثبت تاریخی برسد.

۱۲ - مسجد جامع جورجیر: [2]

این مسجد را صاحب بن عباد ملقب به کافی الکفات در قرن چهارم هجری در محلی که اکنون مسجد جامع حکیم داود است بنا کرده و این جامع معروف بجامع صغیر جورجیر بنا بگفته مؤلف محاسن اصفهان مشتمل بر شبستانها و خانقاه‌ها و کتابخانه و مدارس برای فقها و مجلسهائی برای ادباء و محلهائی برای شعراء و صوفیان و قاریان قرآن بوده است و چون در بازار رنگرزان واقع بوده به آن جامع رنگرزان نیز گفته میشده است. از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاک رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده محکمتر از خاك جامع عتیق بوده و مناره آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمانهای جامع مزبور نسبت بجامع عتیق محکمتر و مرتفعتر بوده است. جامع رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران و بر روی آن حکیم داود هندی مسجد معروف به حکیم و یا تقرب خان را در عصر صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاك بیرون آمده است.[3]

بطوریکه ابو نعیم[4] اصفهانی در قرن چهارم و پنجم و صاحب للباب[5] في تهذیب الانساب و یاقوت حموی[6] در قرن هفتم نوشته‌اند در شهر اصفهان محله‌ای بوده بنام جورجیر که درهمان محله جامع جورجیر بنا شده و تا زمان یاقوت دائر بوده است و بهمین جهت این جامع بنام آن محله شهرت یافته - زیرا محله مزبور از محلات آباد و دارای مردمان دانشمند و زاهد و محدث بوده است.

از معروفان آن محله ابوبکر محمد بن الحسن جورجیری از متعبدان و مصاحب

۱- آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹.
۲- ترجمه محاسن أصفهان ص ۶۳.
۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۱.
۴- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۴۷.
۵- اللباب ج ۲ ص ۲۴۹.
۶- معجم البلدان ج ۲ ص ۱۸۰.

سهل بن عبدالله که سرانجام از اصفهان بدمشق منتقل ودرآنجا وفات یافت.[1] دیگر ابوجعفرمحمدبن عمربن حفص جورجیری متوفی ربیع الاول (۳۳۰هـ. ق) ازمحدثان که از اسحاق بن ابراهیم حدیث شنیده و ابواسحاق بن حمزه از او روایت کرده است.[2]

نیز ابوعبدالله محمدبن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری متوفی (۱۸۴ هـ.ق) که خود و برادرانش عبدالرحمن و عبدالعزیز در محله جورجیر سکونت داشته‌اند و در مصیّصه فوت و درجنب مخلدبن الحسین مدفون شد.

اوراست مناقب وفضایل وهنگام فوت بسن چهل سالگی نرسیده بود. کتابهایش را دفن کردومیگفت: فرض کن که قاضی هستی سپس چه میشود، و فرض کن مفتی هستی بعد چه خواهدشد وفرض کن محدث هستی دیگر چه‌خواهد شد و درکنج‌خاموشی خزید و راه ورفتار رسول‌خدارا اختیارکرد. یحیی قطان وابن مهدی ومحمدبن عیینه فرازی وعصام وجبّرودیگران از او روایت دارندوخوداز یونس بن عیینه واعمش ثوری وحمادبن زید و حمادبن سلمه وصالح المری و عمربن صبیح حدیث نقل میکرد.[3]

ازجمله محدثان محله مزبور ابوالقاسم طاهربن محمدبن احمدبن عبدالله عکلی جورجیری متوفی جمادی الاولی (۴۳۹هـ. ق) میباشدکه خود ازابوبکرمقری حدیث نقل کرده است.[4]

محدث دیگر ابومحمدقاسم بن ابی حامد احمدبن قاسم کاتب جورجیری است که در آن محله سکنی داشته و از احمدبن سلمان نجار حدیث روایت میکرده است.[5]

دیگر از معاریف آن محله عبدالرحمن بن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری از محدثان وبرادر ابوعبدالله محمدبن یوسف متوفی (۱۸۴هـ.ق) وبرادرش عبدالعزیز جورجیری میباشد[6]

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۰.
۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۲.
۳و۶ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۱.
۴ـ اللباب فی تهذیب الانساب ج۱ ص۲۴۹.
۵- ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴ .

فصل سیم:

در آثار و ابنیه موجود و معمور و آن مشتمل است بر ۳ گفتار:

گفتار اول:

در آثار و ابنیه شهر اصفهان:

الف ـ در بیان اوضاع جغرافیائی آن:

۱ـ موقعیت نجومی:

یاقوت‌حموی[۱] درکتاب معجم‌البلدان اصفهان‌را در آخر اقلیم چهارم دانسته و طول آن را از جزائر خالدات ۷۴ درجه و $\frac{۲}{۳}$ درجه وعرض ۳۴ درجه و $\frac{۱}{۲}$ درجه تعیین نموده‌است.[۲]

شارح چغمینی درکتاب شرح چغمینی درباب اقالیم سبعه اصفهان را جزء اقلیم سیم و ازلحاظ طول نهار ۱۳ساعت و۴۵ دقیقه وازنظر عرض ۲۷ساعت و۳۰ دقیقه

۱ـ ابوعبدالله یاقوت‌بن‌عبدالله رومی‌در بلاد روم ولادت یافت وچندی غلام عسکربن ابی نصر حموی بود وسپس آزاد شدو بتجارت وسیاحت پرداخت وسرانجام در حلب در ۶۲۶ هجری وفات‌یافت. اوراست معجم‌البلدان ومعجم‌الادباوالمشترک.

۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶.

و در اول اقلیم مزبور تشخیص داده است.[۱]

مؤلف نصف جهان در تعریف اصفهان گفته اصفهان در اقـلیم معتدل میانی واقع شده و طول آن شرقی است وازجزیره فره خالدات تقریباً ۷۰ درجه و عرض شمالی آن از خط استواء ۳۲ درجه وسی و هشت دقیقه میباشد ، و از گرینویچ که مبدءِ انگلیسی دارد تقریباً ۵۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول دارد.[۲]

حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده چنین گفته:[۳] «تومانین اصفهان دروسه شهر است: اصفهان و فیروزان وفارفا آن ـ اصفهان را از اقلیم چهارم شمرده اندامـا بحسب طول وعرض حکما از اقلیم سوم گرفته اند.

طولش از جزایر خالدات (عوم) وعرض ازخط استواءِ (لب که)[۴] و در اصل چهاردیه بوده است: کران وکوشك وجویباره وددشت باچند مزرعه».

ولی طول وعرض جغرافیائی شهر اصفهان مطابق مـوازین فعلی بین المللـی چنین است :

طول شرقی از نصف النهار گرنیچ ۵۱ درجه و۳۹ دقیقه و۴۰ ثانیه و عرض شمالی آن ازخط استواء ۳۲ درجه و۳۸ دقیقه و۳۰ ثانیه[۵]

۲ ـ حدود آن :

شهر اصفهان ازطرف شرق وشمال وجنوب محدوداست به جی که مرکب ازجی و برز رود جی باشد وازطرف مغرب بماربین[۶]. حدنهائی شرق شهر مقسم نهرنیاصرم و حدنهائی مغرب محله لنبان و جنوبی نهرنیاصرم ، وحد نهائی شمالی شهر اصفهان باروئی بوده که بمرورزمان خراب واز میان رفته است.

۳ ـ محیط شهر اصفهان :

درقرن پنجم هجری که مفضل ما فروخی کتاب محاسن اصفهان را تألیف کرده

۱ـ شرح چغمینی ص ۱۰۹. ۲ـ نصف جهان ص ۶ . ۳ـ تاریخ گزیده ص ۵۲ .
۴ـ علمای هیئت قدیم برای اختصار اعداد را بحروف تهجی حساب میکردند ومینوشتند چنانچه ۷۶ درجه وچهل دقیقه را (عوم) و۳۲ درجه و۲۵ دقیقه را (لب که) نوشته اند. ۵ـ راهنمای اصفهان دکتر هنرفر ص ۱۱ . ۶ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص ۲۲ .

محیط شهر اصفهان چهارده فرسنگ طول و شش فرسنگ عرض وهشت دروازه و هشتصد دیه ومزرعه داشته‌است.[1] ودرزمان شاردن سیاح فرانسوی یعنی قرن یازدهم هجری محیط شهر هشت فرسنگ بوده است. و درسال یکهزار و دویست‌وپنجاه‌و پنج زمان فتحعلی‌شاه قاجار محیطش چهل کیلومتر بوده‌است.[2]

طول شهراصفهان اکنون ازطرف مشرق بمغرب هیجده کیلومتروعرض آن‌از شمال به‌جنوب دوازده کیلومتر است.[3]

۴ـ جمعیت شهر اصفهان :

جمعیت شهر اصفهان بتناسب علل‌وجهات کسر وازدیاد در زمانهای گوناگون متغیر بوده است. وضع جمعیت این شهر پیش‌از دوران صفویه روشن نیست مگر بوسیلهٔ اماراتی‌که بدست داده شده مانند اینکه درزمان امیرتیمور هنگام قتل عام هفتادهزارنفر کشته شده‌اند و میتوان پی‌برد درشهری‌که هفتادهزار نفر کشته شوند باید ده‌برابر آن جمعیت داشته باشد تا هفتادهزارنفرکشته شوند و روی این قاعده جمعیت شهراصفهان درآن زمان بالغ بر هفتصدهزارنفر میگردیده است. یااینکه در زمان امارت علاءالدوله کاکویه هرروز دوهزارگوسفند و صد رأس‌گاو ذبح‌میشده و یا اینکه درمحله گروائان پنجاه مسجد بوده است. پس اگر هر گوسفندی برای بیست نفر درنظرگرفته شود وهرگاوی برای دویست تن میتوان احتمال‌داد که در آن تاریخ جمعیت شهر اصفهان شصت‌هزارنفر بوده‌است.[4] عددجمعیت‌شهراصفهان را در زمان شاه‌عباس اول از هفتصدهزار تا یك میلیون نفر تخمین زده‌اند. درقرن سینزدهم اوژن‌فلاندن اظهار نظرکرده که شاید جمعیت‌آن در حدود یکصد هزار نفر باشد .

مؤلف جغرافیای اصفهان جمعیت اصفهان را در زمان فتحعلی‌شاه‌قاجار در حدود دویست‌وپنجاه هزارنفر و در دوره محمدشاه قاجار یکصدوهفتادهزار نفر ودر

۱و۳ـ اصفهان جوانان ص۲. ۲ـ اصفهان جوانان ص۴ بنقل از سفرنامه اوژن‌فلاندن.
۴ـ محاسن اصفهان ص۸۶.

سال یکهزار و دویست و نودوچهار هجری‌قمری پنجاه‌هزار تن نوشته است.(۱)

اولئاریوس که در عهد شاه صفی بایران سفر کرده نوشته است که جمعیت شهر اصفهان پنجاه‌هزار نفر است وهیجده هزارخانه در داخل‌حصار دارد.(۲)

علت این نقصان جمعیت: گرانی - قتل‌عام - قحطی - وباء وبخصوص هجـوم افغانها برشهر اصفهان واطراف‌آن وکشت‌وکشتار وقحطی‌آن دوره بوده است.

تا رسیدن دوره پهلوی‌که علل‌نقصان جمعیت‌سیر تصاعدی میکرده ازجمعیت اصفهان کاسته میشده ولی از هنگامی که حکومت بدوران پهلوی رسید روز بروز برعدد جمعیت اصفهان مانند دیگر نقاط ایران افزوده شد.

جمعیت شهر اصفهان درسرشماری سال هزاروسیصدوسی‌وپنج (۱۳۳۵شمسی) ۲۵۴۸۷۶نفر بوده‌که ۹۵ درصدآن مسلمان و دو درصد یهودی و دو درصدمسیحی بوده‌اند. و در سرشماری سال ۱۳۴۵ شمسی بالغ بر۴۲۳۷۷۷نفر گردیده است.(۳)

جمعیت‌کنونی شهر اصفهان طبق‌نامه(۴) وزارت‌کشور ۴۲۹۴۰۵ نفر است وبا مقایسه‌آن با جمعیتهای گوناگون که درشهر اصفهان سابقاً وجود داشته‌است معلوم میگرددکه هرچه بتدریج علل‌وموجبات نقصان جمعیت برطرف‌گردیده بر جمعیت اصفهان افزوده شده است، وطولی نخواهدکشید با موجباتی‌که‌برای عمران‌وآبادی آن فراهم شده و میشود درزمان بسیار نزدیکی‌شماره جمعیت این‌شهر بحد اعلی خواهد رسید ، واز امروز باید بفکر مسکن فردای آن جمعیت بود و اولیای امر ناچار باید دراندیشه تهیه‌آن باشند .

۵ - مذهب مردم شهر اصفهان :

مذهب رسمی و عمومی مردم شهر اصفهان اسلام و جعفری اثناعشری است و دو درصدآن یهودی و دو درصد دیگر مسیحی ویك درصدهم کمی‌زردشتی‌و بقیه از مذاهب غیررسمی پیروی میکنند .

۱- جغرافیای اصفهان ص ۶۵.　　۲و۳- اصفهان جوانان ص ۵ .

۴- نامه ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ - ۵۰/۶/۲۰ وزارت کشور .

پیروان هر مذهبی برای انجام مراسم مذهبی خود معابدی دارند. مسلمانان درمساجدکه در این شهر بحدکافی وجود دارد واغلب آنها از آثار باستانی بشمار میرود بمراسم مذهبی میپردازند و مسیحیان هم کلیساهای مختلف درجلفا دارند که بعضی ازآنها جزءآثار باستانی است یهودیها هم در کنیسه‌ها عبادت میکنند.

۶ - موقعیت طبیعی :

شهر اصفهان درجلگه سبز و خرمی درکنار زاینده‌رود واقع شده‌که‌چنانچه اشاره شد طول آن از مغرب بمشرق هیجده‌کیلومتر و عرض آن از شمال‌به‌جنوب ۱۲کیلومتر است.

ارتفاع آن از سطح دریا میانه۱۴۷۵ تا ۱۵۸۴متر تعیین‌شده، جلگه‌اصفهان درحدود۳۰۰متر از تهران مرتفعتر است و اختلاف ساعت میان تهران و اصفهان‌در حدود ۲۰ثانیه میباشد.

اصفهان درمرکز فلات ایران واقع شده ومنطقه‌ایست نسبتاًکوهستانی‌که از سمت مغرب در طول دره وسیعی‌که بسترزاینده رود است ازکوههای مرتفع‌محصور گردیده وکوههای آن از شمال‌غربی به‌جنوب شرقی‌کشیده شده است.

ارتفاع‌کوههای حدود اصفهان تقریباً ۳۰۰متر است و بزرگترین رشته‌آن‌در جنوب غربی واقع‌شده وجنس آن آهکی‌است ومواضع‌صعب‌العبور نیزدارد. سرچشمه رودخانه‌های‌کارون و زاینده رود دراین‌قسمت است.

ارتفاع کوه صفه درجنوب‌اصفهان‌به۲۴۰۰مترمیرسد، این رشته‌کوه باتضاریس زیادی‌که دارد و بعلت نزدیکی بشهر بر زیبائی موقعیت طبیعی اصفهان افزوده است.

در بیست وپنج‌کیلومتری شمال غربی اصفهان کوههای سیدمحمد واقع شده که ازکنار جاده شوسه اصفهان شروع و به‌کوههای کرون و قمیشلو و علوی‌متصل میگردد.[1]

۱- اصفهان جوانان ص۷-۸.

و از اینروکه جلگه اصفهان درکنار زاینده‌رود واقع شده‌آب‌وهوایش‌معتدل وفصول چهارگانه‌آن منظم است.

ب ـ خیابانهای شهر اصفهان در اوائل قرن چهاردهم هجری :

۱ـ خیابان خشك از بناهای صفویه‌که چون‌آب ودرخت نداشته خشك‌نامیده میشده است ولی از همان اوائل قرن مزبور ازطرف حکومت وقت اقدام‌به‌آوردن آب و درختکاری شده است.

۲ ـ خیابان درکوشك ـ ۳ـ خیابان محله نو ـ ۴ـ خیابان پشت باره دروازه‌نو ـ ۵ـ خیابان یزدآباد ـ ۶ـ خیابان کران ـ ۷ـ خیابان پای قلعه ـ ۸ ـ خیابان شمس‌آباد . [۱]

ج ـ خیابانهای فعلی شهر بترتیب حروف تهجی :

۱ـ خیابان آبشار:

این خیابان از پل خاجو بطرف گبرآباد امتداد دارد .

۲ ـ خیابان آتشگاه :

این خیابان‌ازفلکه‌نصرآبادی شروع‌وبا خیابانهای‌خرم وصارمیه و رفیع‌الدین تلاقی میکند وآتشگاه‌که یکی ازآثار تاریخی‌است و در پیش بیان شده در انتهای آن خیابان واقع شده است .

۳ ـ خیابان آذر :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی ختم میشود.

۴ ـ خیابان آینه‌خانه :

این‌خیابان درجنوب غربی زاینده رود و در شرق سی‌وسه پل واقع شده‌است.

۵ ـ خیابان احمدآباد :

این خیابان از دروازه جی شروع و فلکه شکرشکن را قطع میکند و طول

۱ـ نصف‌جهان ص ۴۸.

آن هزاروششصد متر وعرض آن ۲۵متر است .

۶ـ خیابان ابن‌سینا :

این خیابان ازمیدان پهلوی بطرف فلکه طوقچی عبور میکندوآنراخیابان سنبلستان نیز گویند .

۷ ـ خیابان اردی بهشت :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی منتهی‌میشود .

۸ ـ خیابان استانداری :

این خیابان در ضلع شمالی باغ چهلستون واقـع و دروازه دولت را بمیدان نقش‌جهان متصل میکند .

۹ ـ خیابان اللهوردیخان :

این خیابان ازپل سی‌وسه‌پل شروع و درنزدیکی پل مارنان بانتها میرسد .

۱۰ ـ خیابان امین :

این خیابان از منشعبات خیابان استانداری میباشد .

۱۱ ـ خیابان پارس :

این خیابان از خیابان چهارباغ منشعب میگردد .

۱۲ ـ خیابان پهلوی :

این خیابان از میدان ۲۴ اسفند شروع و با خیابان صائب تقاطع میکند ، طول‌آن ۱۸۰۰ متر و عرض‌آن ۲۰ متر درجنوب شهر و در امتداد مسیر رودخـانه زاینده‌رود واقع شده است .

۱۳ ـ خیابان جامی :

این خیابان از چهارباغ منشعب و بطرف غرب امتداد دارد . مسجدرحیم‌خان دراینجا واقع‌است .

۱۴ ـ خیابان حافظ :

این خیابان از فلکه شکرشکن شروع و با میدان شاه تلاقی میکند.

۱۵ ـ خیابان تبریزیها :

این خیابان از خیابان جنوبی شمالی شاپور منشعب میگردد .

۱۶ ـ خیابان تخت‌فولاد :

این خیابان درمبدءِ با خیابان فیض (چهارباغ امین‌آبادسابق) تلاقی‌و به‌تخت فولاد منتهی میشود .

۱۷ ـ خیابان تلواسکان = تل واژگون = ترواسکان = تل عاشقان :

این خیابان با خیابان ملك وگلزار تلاقی میکند .

۱۸ ـ خیابان ثریا :

این خیابان با خیابانهای چهارباغ صدر و فردوسی تلاقی میکند.

۱۹ ـ خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی :

این خیابان ازمحل تقاطع خیابانهای سعدی و هاتف شروع و بخیابان چهارباغ متصل میشود .

۲۰ ـ خیابان چهار باغ پائین = کهنه = عباسی:

این خیابان در وسط شهر واقع وازطرف‌شمال بجنوب‌مبدء فلکه آب‌بخشان‌و انتهای آن فلکه خیابان فرح‌آباد درجنوب‌شهر بطول ۵ کیلومتر وعرض ۴۲ کیلومتر و دارای چهار رشته درختکاری‌است. مؤلف عالم‌آرای‌عباسی درباره خیابان چهارباغ اینطور توصیف‌کرده است :

« درسال‌ست‌والف‌هجری رأی‌جهان‌آرابدان قرارگرفت‌که دارالسلطنه‌مزبور»
«را مقر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت‌صادق وعزم»
«لایق متوجه آن صوب‌گشته زمستان‌رابعیش وخرمی‌دردولتخانه مبارکه‌نقش‌جهان»
«گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت‌آسا»
«آراسته بساط عشرت‌گسترانیده میشدوایام بهار عمارات عالی درنقش‌جهان طرح »
«انداخته معماران ومهندسان در اتمام‌آن میکوشیدند وازدروب شهریك‌دروازه در»

«حریم باغ نقش‌جهان واقع و بدرب دولت موسوم‌است ازآنجا تا کنار زاینده‌رود»
« خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هر دو طرف خیابان انداختند و ازکنار »
«رودخانه تا پای کوه جانب شهر انتهای خیابان‌چهارباغ قرار داده اطراف آنرا»
«بر امراء و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده‌اندکه هرکدام باغی طرح انداخته »
«در درگاه‌باغ عمارتی‌مناسب درگاه مشتمل‌بر درگاه وبساط رفیع وایوان‌وبالاخانه‌ها»
« و منظره‌ها درکمال زیب وزینت و نقاشی‌های بطلا و لاجورد ترتیب دهند و در»
«انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع‌پست وبلند نه‌طبقه جهت‌خاص پادشاهی طرح»
«انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدندو پل عالی مشتمل‌برچهل‌چشمه بطرز»
«خاص میان‌گشاده‌که درهنگام‌طغیان آب درکل یك چشمه بنظر درمیآید قرار»
«دادندکه برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر اتصال یابد وتاعباس‌آباد»
«یك خیابان باشد تخمیناً یك فرسخ شرعی و از دوطرف خیابان جوی‌آب جاری »
«گردد و درختان سرو و چنار و کاج وعرعر غرس شود و از میان خیابان نهری »
« سنگ بست ترتیب یابدکه‌آب از میان خیابان نیز جاری باشد ودربرابر عمارت»
«چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود القصه هرکس از امراء واعیان»
«و سرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع درکارکرده و در انجام‌آن»
« ساعی‌گشتند وازآن تاریخ تا حال‌که سنه‌هجری‌به خمس و عشرین‌والف رسیده‌و»
«این‌شگرف‌نامه تحریرمییابد عمارات باصفاوباغات دلگشا بنوعی‌که‌طرح‌کارخانه»
«ابداع در عرصه ضمیر مبارك اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهورآمده درکمال »
«لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت، درختان سربفلك افراشته واشجار میوه‌دارش »
«گوئی بطوبی‌جنان پیوند دارد.»

«الحاصل هرباغی ازآن‌رشك‌جنان و عمارات رفیعش‌که‌بنقوش بدیع‌مذهب»
« و مزین و بصور مصوران نادره‌کار آراستگی‌داردگوئی‌سدیر وخورنق ازآن‌نشانی»
« است بلکه در عرصه‌گیتی‌نظیر وعدیل آن محض خیال وگمانی».

«عجب چهار باغی‌است‌بهجت‌فزا گرش ثانی خلد گویند شاید »

«چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم: نهالش بکام دل شه بر آید [1] »

تاورنیه که درطی سالهای سیاحت خود ۹ بار ایران را دیده ودر فوریه ۱۶۸۹ میلادی وفات یافته راجع به خیابان چهارباغ چنین بیان کرده است: [2]

«این خیابان بیش از ۱۵۰۰ قدم طول و ۷۰ هشتاد قدم عرض دارد، و رودخانه»
«تقریباً وسط آن را قطع کرده ودر آن نقطه پل بسیار عالی ساخته شده که شرحش»
«را بعد خواهم گفت. در ابتدای این خیابان که وصل بعمارت سلطنتی است کوشکی»
«دوطبقه [3] بنا شده که تقریباً چهل پای مربع مساحت آن است و از بالا و پائین »
«پنجره‌های زیاد دارد که از چوب ولی بسیار قشنگ نجاری کرده‌اند فقط شاه و »
« اعضای خانواده‌اش میتوانند از آنجا داخل خیابان بشوند، مردم دیگر که از شهر»
«بیرون میروند باید از یك دروازه که درجنب آن کوشك است خارج بشوند، این »
«راه موسوم است بخیابان چهارباغ و تفصیلش از این قرار است که نهر بزرگی از »
«کوشك مذکور شروع شده در تمام طول خیابان امتداد یافته به پل بزرگی منتهی میشود»
«واین نهر از چشمه ایکه از زیر کوشك بیرون میآید همیشه پر از آب است دوطرف نهر »
«که از تخته سنگهای بزرگ مفروش است ودوسه پا عرض آنست راهروئی تشکیل میدهد»
«که گاهی عابرین از آنجا نیز عبور میکنند، اما راه معمولی سواره و پیاده در دو»
«طرف خیابان از پشت درختهائی است که بخط مستقیم کاشته شده تا بدیوارهای»
«باغهای شاه که دوسر خیابان بآنها منتهی میشود این درختها خیلی بلند و صاف و»
«مستقیم وموسوم به چنار هستند که فقط درسر آنها دسته انبوهی از شاخه و برگ دیده»
«میشود. در فاصله میان نهر و درختها سنگ فرش نشده و زمین خاکی است که »
« گاهی کشت و زرع مینمایند. تقریباً در دویست قدمی آن کوشك بزرگ آب چشمه»
« از نهر داخل حوضی میشود که ۳۰ الی ۳۵ پا قطر دائره آن است ودر فاصله‌های»
« معینی باز چندین حوض دیگر ساخته شده وهرجاکه حوضی است عرض خیابان»
«را سنگ فرش کرده‌اند و راهی باندازه ده دوازده پا از کف خیابان بلندتر ساخته‌اند»

۱- عالم آرای عباسی ص ۵۴۴-۵۴۵. ۲- سفرنامه تاورنیه ترجمه عریضی ص ۳۹۳.
۳- درگزارش میرزاعلیخان نائینی و دیگران سه طبقه یاد شده.

«که از خیابان خارج میشود. درسمت چپ حوض اول کوشك دیگری نظیر همان»
« کوشك اولی ساخته شده‌که درحقیقت در دهنه خیابان واقع میشود وطبقه زیر »
«آن تالار طاق پوشی تا پل بزرگ خیابان سراشیب است ونهر آبشارهائی پیدا »
«میکند. تمام باغهائیکه درطرفین خیابان و این سروآن سرپل ساخته‌شده‌متعلق»
«بشاه است، اما نباید تصورکردکه‌این باغ وهمچنین‌باغ هزارجریب که‌قشنگترین»
«باغات ایران است چون باغهائی‌که ما در اروپا داریم مزین و خوب نگاهداری »
«شده باشد. در این باغها نه باغچه‌های گلکاری دیده میشود ونه خیابانهای مصفا و»
«نه زمینهائی‌که معمول باغات فرانسه و ایطالیا هستند.

«زینت باغهای ایران منحصر است‌بدرختهای میوه زیاد و همین‌چنارهائی‌که»
«بصف میکارند و فقط درسر آنها دسته انبوهی برگ‌دیده میشود، در سایر نقاط آنها»
«علفهای هرزه روئیده‌که هرگز پاك نمیکنند وعموماً شباهتی به باغهای ما ندارند»
«در دوطرف دیوار باغهائی که‌خیابان‌را احاطه‌کرده‌اند درفاصله‌های متساوی‌درهائی»
« ساخته شده که خیلی مزین وقشنگ هستند . درپشت سردرها همه جا تالاری »
« بناکرده‌اند . »

« ازکوشك اول تا به پل‌برسند، دروسط راه بسمت چپ خانه‌درویشی‌است[1] »
« که شاه یکی از باغهای خودرا باو داده و او این خانه‌را بنا نموده است. درآنجا»
« بعضی ازآثارمقدسه متعلق به‌علی‌علیه‌السلام وسایرائمه را در زیرطاقی گذارده‌اند»
« که ایرانی‌ها دروقت عبور ازمقابل آنها تعظیم وکرنشی‌می نمایند . این دراویش»
« هر روز سه چهارساعت بعد از ظهر دربازار آمده وهرکدام قاعده و حدی‌دارند.»
« یك پیرو یك جوان متفقاًحرکت کرده ازاین دکان بآن دکان رفته مسائل‌دینی»
«را بمردم میآموزند».

پیترودولاوالله ایطالیائی دربارهٔ چهارباغ چنین‌بیان‌کرده !

۱ــ منظور تکیه درویش حیدر است که درخیابان چهارباغ عباسی طبق فرمان شاه عباس‌برای او ساخته شده بود .

« چهارباغ بعضی روزها مخصوص گردش بانوان بوده ومثلا برای یك جاده »
« مسیر عمومی نمی‌توان چنین اختصاصی را قائل شد . طول این خیابان هم دو یاسه »
« میل ، پهنای آن تقریباً دوبرابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و پونت مل »
« نامیده می‌شود . »

« ابتدای این خیابان در جانب شهر اصفهان عمارت کوچکی است که بشکل »
« کلاه فرنگی ساخته‌اند واطرافش تمام ایوان وپنجره است . »

« این عمارت بانقاشی وتزیینات بسیار دیگری آراسته شده و برای آن بنا »
« شده است که بتوان خیابان را از آن مکان بلند تماشا نمود و طول آن را »
« تشخیص داد » .

« کاخ شاهی بوسیلهٔ دالانی بآنجا راه دارد ، دو دیوار بارتفاع مساوی در »
« دو سمت خیابان است وپشت این دیوارها تا حدود نصف خیابان باغهائی است که »
« بشاه تعلق دارد مردم اجازه دارند داخل این باغ‌ها شده گردش کنند وحتی ازمیوه‌های »
« بی‌شمار آنجا در مقابل اندك انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان استفاده نمایند . »

« درطرفین خیابان درفاصله‌های مساوی درهای این باغ‌ها دیده می‌شودکه »
« روبروی یکدیگر قرارگرفته وهرکدام آنهاعمارت کوچك زیبائی است که فقط برای »
« تفریح کسانی ساخته شده است که بخواهند درآنجا غذائی بخورند و یابرای کار »
« دیگری نظیر آن بدانجا روند . »

« شماره این عمارت‌ها بی‌اندازه زیاد ونمای آنها خیلی آراسته ودلرباست »
« وطوری باهم قرینه وجور ومتناسب است که نمی‌توان تصورکرد چیزی دلپذیرتر »
« از آن وجود داشته باشد . »

« درخت‌های فراوان درهرسو چه درخیابان و چه داخل باغ در دو سمت »
« دیوارها دیده می‌شود که ردیف هم بیك اندازه در فواصل مساوی کاشته شده »
« وچنان سبز و خرم است که هراندازه تصور کنید این نقطه با طراوت و دلگشا »
« است . »

« علاوه براینها گوشه بگوشه در فاصله های معین مقابل بناهای بسیار زیبا »
« در وسط خیابان حوض‌های بزرگ آب باتناسب صحیح واشکال مختلف بدون لبه »
« دیده می‌شود . آب درکف سنگفرش خیابان موج میزند وراه نسبة عریضی دردو »
« طرف برای عبور پیاده وسواره ساخته‌اند . »

« نهرآب بزرگی که دروسط خیابان جاری است در جویباری که ازسنگ »
« ساخته شده جریان دارد وبه آب‌نماها میریزد، درچندین حوض فواره‌های بسیار »
« زیبائی دیده می‌شود و دربعضی از آنها نیز بوسیلهٔ احداث پاره‌ای سراشیبها »
« آبشارهائی که در دنیا نظیرآن باین دلپسندی وجود ندارد درست کرده‌اند . »
« قسمت وسط خیابان وپای دیوارهابا سنگ های کوچکی فرش شده که برای مردم »
« واسبها ناراحت نیست . »

« لکن این طرف وآن طرف خیابان دونقطه‌ایکه خاك خوبی دارد جاگذاشته »
« وگلهای رنگارنگی نشانده‌اند یقیناً این گلها درموسم خود ازعطرومنظره زیبای »
« خویش دلومشام جان را محظوظ وسرشار می‌نمایند.[1] »

مؤلف نصف جهان درسال (۱۳۰۸ هـ . ق) درتوصیف خیابان چهارباغ چنین گفته است :

« واز جمله امکنه‌معروف اصفهان یکی چهارباغ شاه‌عباسی است که معروف »
« به چهارباغ کهنه است که چون شاه عباس عمارت دولتی خود را بقدر میسور و »
« مقتضی وقت بساخت وامرای اونیز بطرف جنوب آن‌که مناسب آن‌وقت می‌نمود »
« عمارات زیاد بساختندی وجای ومنزل گرفتند آن محل‌را بمحله دولت موسوم »
« نمود واگرچه قلعه نداشته وحصاری دورآن نکشیده بودند امادری ازدیواربست »
« آن‌بطرف مغرب که جهت محله‌های نوآباد او بود بگشاد وآنرا دروازه دولت »
« نام نهاد و از آنجا خیابانی در جنب همان عمارات دولتی بطرف جنوب تا کنار »
« زاینده رود که الحال موسوم به چهار باغ است طرح انداخت مشتمل بر دو »

۱ــ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان ص۴۸۰ بنقل ازآثار ایران .

« باغچه و دوکنار و میان آن راهی سنگ بست ساخته و راه میان وسیع وجوی»
« سنگی درمیان آن درست نمودند واطراف باغچه‌ها به‌چهارصف درخت چنار ودر»
«کنار ومیان درخت گل به‌ردیف یکدیگر نشاندند ، ودوطرف این خیابان باغ‌های»
« بزرگ بنا نموده و سردرها فراخور حال هرباغ منقش و خوش‌نما بساختند و »
« محاذی هر سردری درمیان چهارباغ حوضی بزرگ درست نمودند وچندموضع»
«که سمت بلندی نسبت به پیشتر ازآن داشت وممکن بود آبشار ریز بساختند »
« و زیرآن آبشاررا نیز حوضی درست نمودندکه آب از آن جوی سنگی درآن »
« ریخته وباز در جوی روان وجاری می‌گردد وبحوضهای بزرگ می‌رود وازآنجا»
« باز خارج شده وبخرج باغ‌های اطراف میرود .»

« درابتدای این‌چهارباغ قریب به دروازه دولت قصری سردر مانند برای »
«آن ساخته‌اند مشتمل بر سه طبقه که طبقهٔ زیری عمارتی وسیع و چهار فصل »
« بچهار ایوان ساخته شده است والحال وضع آن‌را تغییر اجمالی داده‌اند و در دو»
« طبقهٔ‌بالای‌آن حجرات متعدده وخوش‌نما درست‌کرده‌آنرا قصرجهان‌نما می‌نامند»
« چه بربالای آن تمام باغات وچهارباغ وعمارات نمایان است . »

« چهار باغ مذکور الحال روی بخرابی آورده ومحتاج مرمت کاملی‌گشته »
« است که خرابی آنرا درست و حالتش بجانب صلاح و خضرت و نضارت‌گراید »
« واین چهارباغ منتهی است به پل بزرگ شاه عباسی معروف به سی‌وسه چشمه »
« وباز محاذی آن خیابانی بزرگ ساخته و ازآن بلندی همچنان آبشاری ریز »
« درست نموده‌که از بالاآب درآن‌حوض میریزد ومحاذی این‌حوض مواجه‌مشرق»
«عمارت سردری عالی ساخته‌اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهارباغ علیا است»
« وبباغ زرشك معروف‌است وبسیار باصفا جائی‌بوده واین چهارباغ‌را نیزشاه عباس»
« اول‌طرح انداخته و اتمام آنرا دیگران نموده‌اند و بچهار باغ‌بالا مشهور است »
« واین‌چهارباغ طویلتر ازاولی است ، اما عرضش‌کمتر است و بخوبی آن ساخته »
«نشده و بدستور اطرافش باغات و سردرها دارد و آنرا منتهی نموده‌اند بـه باغ»

«عباس آباد که قریب به کوه صفه و در حقیقت درابتدای دامنه آن واقع شده است»
«وبین الانام این باغ به هزارجریب اشتهاردارد چه بحسب مساحت تقریباً هزارجریب»
«است ومشتمل است بر ده قطعه که هریك بطرف جنوب بلندتر از قطعه شمالی»
«آنست ودرهریك چندآبشار ریزدرعمارت داشته آبی مخصوص از رودخانه برای»
«آن آورده بودند وباغی بی‌مانند بوده است چنانکه بعضی ازاهل فرنگ که در»
«زمان آبادی آن باغ اصفهان آمده وآنرا دیده نوشته‌اندکه امروز درآسیامثل این»
«باغ موجودنیست ووضع آن‌را شرح‌داده امااز ما احدی خبردرستی ازآن ندارد»
«نهرآن که ممرش‌ازبالای طبقه‌بالائی‌جنوبی اوست مسلط برتمام طبقات وازمغرب»
«بطرف مشرق میرفت موسوم به جوی سفید بوده و در فترت افغان که همهٔ»
«اصفهان خراب و ویران‌گردید این آب نیز جهت خرابی ممرش بایستاد وباغ‌رو»
«بخرابی‌آورد وتا اواخر دولت زندیه دیگر اثری ازآن باقی نمانده وچنان بود»
«تا درسال یکهزار ودویست وپنجاه و پنج (۱۲۵۵) هجری که پادشاه مرحوم»
«مبرور محمدشاه غازی انارالله برهانه باصفهان‌آمده روزی در اثنای‌گشت نظرش»
«بر اوایل ممر آن‌آب‌که از زاینده‌رود جدا نموده وبرده بودند افتاد ازهمراهان»
«سئوال ازآن فرموده کسی که آگاه ازآن بود حقیقت حال را بعرض رسانیدآن»
«پادشاه بلندهمت بعداز مراجعت ازآنجا حکم‌کرد تا مهندسان رفته بازدید آنرا»
«نموده وخرج آنرا نیز فهمیده ومعروض داشتند».

« برفور به منوچهر خان معتمدالدوله‌که از قبل او حاکم به اصفهان بود »
«مثال دادکه بنا وعمله فرستاده آن ممر را درست و آب را بیاورندوآن را آباد »
«نمایند موافق‌حکم‌لازم‌الاتباعش کارکنان رفته و در همان سال باتمام‌آن‌کارپرداخته»
«وآب را آوردند وبهمان جوی سفید باز معروف‌گردید، تقریباً بقدر یك‌شعبه از»
«نهر فدین یعنی نیمه‌آن بودکه درمدرسه ملاعبدالله جاری است و درهمان‌مجاری»
«با اینکه خراب بود جاری نمودند وازآبشارهای خراب باغ‌ریختن‌گرفت ووسط»
«باغ را خیابان طرح انداخته، درختان از میوه وگل بکاشتند و عنقریب صورت »

«نوعی و گلستانی باصفا شدومحل تفرج و تفریح مردمان گردیدوتا سی سال‌چنین»
«بوده و ترقی و تنزل هیچکدام نداشت.»

«اما دربیست سال قبل ازین آب آنرا بازمجاوران ممر آن بردند و دوباره»
«مثل اول گردید، اما چهارباغ بالاهم که آبادی مجملی داشت درین سنوات خراب»
«گشته وکمی از باغات اطراف آن باقی مانده است.[۱]»

میرزا علیخان‌نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه در گزارشی که برای دربار وقت تهیه‌کرده وبصورت کتابی خطی[۲] بزرگی درآمده و تاریخ آن گزارش (۱۳۰۰ه.ق) است درباره خیابان چهارباغ چنین گفته[۳]:

«چهارباغ شاهی».

«دوچهارباغ است طولاً مقابل‌هم که عرض زاینده‌رود فاصله مابین است، »
«شمالی رودخانه را چهارباغ پائین مینامند که وصل به باغات و عمارات مبارکات »
«و جنوبی رودخانه را چهارباغ بالا گویندکه در دامنه سفه افتاده تمام دو سمت »
«طولانی این دوچهارباغ باغات شاهی است بسیار وسیع که دربهای باغات دوطرف»
«بچهارباغها باز است وکلاً سردربهای عالیه منقش و مذهب داشته و داردکه من »
«جمله باغات‌یکی همین هشت‌بهشت موصوف است. پل سی‌وسه‌چشمه شاه‌عباسی‌که»
«روی رودخانه بسته شده فصل میان دوچهارباغ‌است‌پلی است بسیار طویل‌وعریض»
«و مرتفع شالوده‌آن با سنگ وآهك ریخته و با آجر وگچ بالا رفته و دوطرف »
«پل غرفات و غلام‌گردشهای رفیع فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش‌زیادباعرض»
«وبلند، طول‌دوچهارباغ قریب ثلث‌فرسنگ، دهنه دروازه‌اول چهارباغ اول که‌متصل»
«است‌بدروازه‌دولت شهروخیابان‌محله‌چهارسوق‌شیرازیان‌قصرعالی‌بسیارباصفاساخته»
«شده است، سه‌طبقه مشتمل‌بر ایوانهای رفیع وچهارجانب واطاق بزرگ‌چهارفصل»

۱- نصف‌جهان درتعریف اصفهان ص۴۰-۴۳. ۲- این کتاب دردوجلدوتا چند سال پیش درکتابخانه وزارت دارائی بود. ۳-گزارش‌مزبور با مندرجات‌کتاب‌جغرافیای اصفهان میرزا حسین‌خان تحویلدار مطابقت دارد و معلوم نیست کدام سبقت دارند.

«در وسط بانضمام ارسیها و اطاقهای بسیار مرغوب درچهار سمت طبقات مزبور موسوم»
«به قصر جهان‌نما و این دوچهارباغ تمام‌سنگ فرش بسنگهای قطور تراشیده‌صاف»
«و سرتاسر طول وعرض دوچهارباغ دوباغچه عریض دارد و یك خیابان پهن در »
«بین آنها ووسط خیابان جوی سنگی و جلو سردرب‌های باغات هرکدام یك‌حوض »
«بسیار بزرگ ، آبش از نهری جداگانه جاری و درجوی طولانی وسط آب‌نماها»
«وآب‌افشارها است، چهارقطارچنارکهن درچهارکنار طول‌دوباغچه طرفین‌است،متن»
«باغچه‌ها تمام سال از علف‌کاری مدام سبز و خرم است ، درختهای قوی هیکل»
«سر بکهکشان‌کشیده و هزاران هزار طیور بشاخساران اشجار ریخته: »

« دوحةالنهر مائها صلصال	سجعةالطیر مرغها موزون »
« باد در سایه درختانش	گسترانیده فرش بوقلمون »

«وسط همین چهارباغ‌داخله شهر مدرسه شاه سابق‌الذکر است وخصایص‌آن»
«زایدالوصف، درش به‌چهارباغ بازمیشود وآب‌جاری‌مادی عظیم درمیانش‌میگذرد»
«عقب‌آن کاروانسرای سه طبقه که تا بحال از حجاری و سفت‌کاری وغیره‌چنین »
«سرائی ساخته نشده و نیز بازاری طویل مرتفع الطاق بسیار مرغوب دو طبقه در»
«جنبش افغان افتاده و الآن بایر است».

« وضع چهارباغ بالا هم بهمین نحواست الاآنکه مدرسه وکاروانسرا وبازار»
«ندارد و آخر چهارباغ مزبور حوضی بسیار بزرگی است عرض آن تمام‌عرض »
«چهارباغ راگرفته سردری دارد بسیار عالی و دورو مشتمل برعمارات و ایوانهای»
«مرتفع تحتانی و فوقانی‌که یك‌روی‌آن مشرف به‌چهارباغ و روی دیگرش منظر »
«باغ هزار جریب مشهورکه هزار هزار ذرع‌مربع مسطح سطح‌آنست و در دامنه »
«کوه سفه واقع شده نهر بزرگی دارد مخصوص شرب این باغ (هزار جریب) از »
«رودخانه سوا میشود و بباغ مزبور وارد میگردد و از آنجا خارج نمیشود . »
« عمارات میانش خراب و اشجار زمینش از میان رفته دیوارهایش هنوز برپاست »
« ومتن باغ الآن ساده است وغله‌کار و قدیم دراین باغ قصرها وکلاه فرنگیها و »

« برجها و آب‌نماها و جویها و جدولها و حوضها داشته و الآن شالوده بعضی از آنها »
« پیداست باغی بوده‌که درروی زمین در آن زمان نظیر نداشته عماراتش حالا از »
« میان رفته و نقشه آبادی آن در فرنگستان و ممالك خارجه از قدیم ثبت و »
« ضبط گردیده . »

سرپرسی سایکس در تاریخ خود ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی درباب چهارباغ چنین توصیف کرده [1] :

«از ابنیه مذکور گذشته به‌چهارباغ میرسیم (میگویند چهارتاکستان دراین »
« محل بوده‌که بامر شاه عباس خیابان‌بندی گشته و چهارباغ نامیده شده) که آن »
« دارای چهار خیابان باشکوه‌که پهنای آن ۱۵۰ پا و حاشیه‌های آنرا مخصوصاً »
« درختان چنارمشرق فراگرفته است . »

«آب ازمجراها وجدولهای سنگی عبور میکرده و درحوضهای قشنگی‌که »
« سرچهار راهها (محل تقاطع جاده‌ها) تعبیه شده بود جمع میشده است، اطراف »
« خیابانها سردرهای کاشی‌کاری باغهای اشراف و درباریان قرار داشت».

«دکتر فریر درکتاب : هند شرقی و ایران‌میگوید : تمام‌عظمت اصفهان را »
« در واقع میتوان در چهار باغ مشاهده کرد . در اینجا بزرگان و اعیان شهر »
« بهواخوری‌مشغول وهریك بااتباع وهواخواهان‌خود آهسته‌آهسته قدم‌زده‌پیوسته»
«کوشش دارند تادر جاه و جلال و سخاوت و عظمت بر دیگران سبقت‌گیرند . »
« فضای باغ را درختان سر سبز وگلهای معطر باچشمه‌ها و جویبارها فراگرفته »
« دل و جان هررهگذر و تماشاچی‌را زنده میسازد ، در دو طرف حوضها قصرهای »
« تابستانی باتمام لوازم تفریح و زیبائی ساخته شده است ».

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته است :

«امروز چنانچه از وضع چنارهای‌کهن سال مشاهده‌میشود خیابانی وسط و »
« جویهای طرفین بوضع چهارباغ قدیم‌باقی و درطرفین بجای آن باغات وعمارات »

۱- ترجمه‌جلد دوم ص۳۱۳.

« شاهی تجارتخانه‌ها و عمارات شخصی وجود دارد و اهالی بعادت زمان‌قدیم هنوز »
« گردشگاه و محل میعاد خودرا بدین‌خیابان اختصاص داده واز هوای آن‌محظوظ »
« و مسرور میشوند ، درقسمت آن‌طرف پل آثار تاریخی بجز چنار کهن سال روبروی »
« عمارت‌باغ زرشك «محل کارخانه صنایع پشم» بنای‌دیگری از قصور دیده‌نمیشود .»

« سیاحان اروپائی‌در آن زمان‌نوشته‌اند چهارباغ‌چشم اصفهان است‌وبالاترین »
« و زیباترین خیابانهائی است‌که در اروپا و جاهای دیگر دیده نشده است ،دراین »
« خیابان نام باغ ستاره و باغ تخت - باغ‌طاوس - باغ نسترن و غیره هنوز ورد »
« زبانها و آثارکمی از بعضی‌ازآنها دیده میشود .»

از مجموع نوشته‌ها کیفیت خیابان چهارباغ و وضع غرس اشجار و مجاری آب و ساختمانهای اطراف و عرض و طول و آرایش و زیبائی خیابان و عمارات اطراف بخوبی‌معلوم میگرددکه در زمان‌خود یکی ازگردشگاهها و تفرجگاههای ممتاز و برجسته اصفهان بلکه ایران و آسیا بوده و عنوان خیابان و معبر نداشته بلکه اصولا برای امکان تفرج سلاطین و حرمسرای آنان ساخته شده بوده است ، و چون پس از تأسیس مورد توجه ایرانیان و خارجیان قرار گرفت پل‌اللهوردی خان نیز بر روی زاینده رود بسته شد و خیابان چهار باغ تا باغ‌هزار جریب امتداد یافت‌ولی بمرور زمان بسیاری ازاجزای خود را از دست‌داد تا اینکه در زمان حاضر باغهای اطراف بکلی تبدیل بعمارات مختلف گردیده و در متن خیابان هم تغییراتی چون برداشتن حوضچه‌ها و فواره‌ها بعمل آمده است هرچند اکنون هم مانند گذشته چهار باغ نامیده میشود ولی با چهار باغ قدیم تفاوت بسیار دارد .

در قدیم باغهائی راکه در بند هـ ـگفتار دوم برشمردیم بیشترآن چون : باغ تخست - کاج - بابا امیر - توپخانه - نسترن - چهلستون - بلبل (هشت بهشت) فتح آباد - گلدسته - طاوسخانه - پهلوان ، در این خیابان واقع بوده و مدرسه چهارباغ وکاخ هشت‌بهشت نیز دراین خیابان است .

این خیابان تاریخی بشماره ۱۰۹ بثبت باستان‌شناسی رسیده است.[۱]

۱۷- خیابان چهارباغ بالا = هزار جریب = عباس آباد :

این خیابان از انتهای پل اللهوردی‌خان شروع و بدامنه کوه‌صفه درجنوب‌شهر اصفهان منتهی می‌شود سیاحان ومورخان هرکدام راجع باین‌خیابان و منتهی الیه آن مطالبی‌نوشته که چندان باهم متفاوت نیست.

خلاصهٔ نوشته‌ها اینست که خیابان چهارباغ بالا نیزمانند چهار باغ پائین در اطرافش باغها وسر دربهای بسیارعالی ومنقش ساخته شده بوده تا بباغ هزارجریب میرسیده است یکی ازباغهای معروف که دراین خیابان واقع بوده باغ زرشك است که‌فعلا درخت چناری از آن مشهود است.

چون دربیان احوال سیاحان ومورخان شمه‌ای هم از وضع خیابان بالا گفته شده قسمتی از مطالب تاورینه سیاح که در باب خیابان چهارباغ بالا است در اینجا نقل می‌شود :

« حالا بشرح بقیه خیابان بزرگ چهارباغ برمی‌گردیم ازپل جلفا بآن‌طرف »
« باغ هزارجریب بهمان ترتیبی که شرح دادم هشتصد قدم دیگر امتداد میابد ، »
« نهری که ازپل بآن طرف کشیده شده آبش ازهمان نهرهائی‌است که گفتم از سه »
« چهارلیو بالاتر ازاصفهان از رودخانه جدا کرده‌اند. »

« چهارصد قدم که از پل دور می‌شوند به آبشاری که میان حوض میریزد »
« میرسند ، درطرفین آبشارده دوازده پله خورده ببالا میرود تاباآخرخیابان‌میرسد »
« که درآنجا در سردرباغ هزارجریب عمارتی بنا شده که عبارت از تالاری است »
« در وسط و چهار اطاق درچهار زاویه و این‌عمارت به خیابان وآب نما و آبشار »
« نگاه می‌کنند . »

« اما باغ هزارجریب برای ایران‌خیلی قشنگ است ولی درفرانسه‌اهمیتی »
« ندارد[۲] . من چندین باغ در اطراف پاریس دیدم که هیچ طرف تشبیه و قیاس »

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۴.

۲- ولی شاردن فرانسوی درسفرنامه خود راجع بخیابان بزرگ چهارباغ (بالا و پائین) نوشته : این‌خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده ویاشنیده‌ام .

« با هزارجریب نمیتوان قرارداد .»

« اگر یك ایرانی باغهای رؤسا و سایر قصور سلطنتی فرانسه را بـه بیند »
« دیگر باغ هزار جریب را درنظرش قدر وقیمتی نمیماند شرح باغ هزارجریب »
« بطور اختصار چنین است : »

« چون باغ در دامنه تپه واقع شده شانزده طبقه پیدا کرده است که هر »
« طبقه ازطبقه دیگر شش‌هفت پا بلندتر است وازتمام حوضهای آن‌آب باریکی »
« جاری است وچیزیکه دراین باغ بیشتر قابل دیدن است درطبقه چهارم حوض »
« بزرگی‌است قریب ۱۲۰ پا قطر دایره آن است وشکل این‌حوض هشت‌گوشه »
« است دورآن بفاصله‌های متساوی چندین‌لوله نصب شده که‌آب ازآنها بارتفاع »
« سه پا فوران میکند و بتوسط سه پله میتوان بمیان حوض رفت .»

« نهری ازسنگ دروسط خیابان عمده باغ‌که‌بعمارت منتهی‌میشود ساخته »
« شده که بعرض‌نهر خیابان چهارباغ است وآبش‌نیز همان آب است ، یعنی‌آب »
« این‌نهر بخیابان چهارباغ ویکی ازداخل درمحاذات یکدیگر واقع‌شده‌اند .»

« درطبقهٔ دهم نیزحوض دیگری‌نظیرطبقهٔ چهارم بهمان‌شکل وبزرگی دیده »
« می‌شود و درطبقه آخرکه باغ‌بانتها میرسد نهری ازعرض‌باغ می‌گذردکه باتمام »
« خیابانهائی‌که مثل خیابان عمده درطول واقع شده‌اند تقاطع می‌نماید ودرکنار »
« آن‌نهرکلاه فرنگیهائی ساخته شده‌که ازهمه طرف باز وبی‌حفاظ است و برای »
« خنکی ساخته‌اند وآبشارهائی نیز درآن نهردیده می‌شود ، اما گل‌کاری وچمن »
« وزینتهای دیگرکه برای قشنگی باغ لازم است نه هزار جریب ونه درهیچ‌یك »
« ازباغهای دیگر ایران نباید تفحص‌کرد[1] .»

مجموع طول دوخیابان چهارباغ پائین وبالا در حدود یك فرسخ بوده ولی عرض خیابان چهارباغ بالا کمتر ازعرض چهارباغ پایین‌بوده است .

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۹ .

۱۸ - خیابان چهارسو شیرازیها :

خیابانی است که ازچهارسو شیرازیها که جزء محله ۱ از محلات شمالی زاینده رود است می گذرد .

۱۹ - خیابان حافظ (احمدآباد) :

این‌خیابان از دروازه‌جی شروع وبه فلکه شکرشکن‌منتهی می‌شود .

۲۰ - خیابان حافظ در (خاجو) :

این‌خیابان از فلکه شکرشکن‌شروع وبخیابان شاه عباس‌کبیر منتهی‌میشود.

۲۱ - خیابان حسن‌آباد :

این‌خیابان جزءِ خیابانهای واقع درشمال رودخانه زاینده رود است .

۲۲ - خیابان حکیم‌نظامی :

این‌خیابان درجهت شمالی جنوبی‌ساحل زاینده رودرا به‌کوه صفه درجنوب اصفهان اتصال می‌دهد .

۲۳ - خیابان خرم :

این‌خیابان از فلکه دروازه تهران شروع وبفلکه نصرآباد وصل می‌شود .

۲۴ - خیابان خوش = خشک :

این همان خیابان شاه است که از دروازه دولت بطرف شاپور امتداد پیدا می‌کند ومسجد قطبیه دراین‌خیابان واقع است .

۲۵ - خیابان خیام :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع وباخیابانهای شاپور ووحید تقاطع می‌کند .

۲۶ - خیابان دالان بهشت :

خیابانهای فیض ومیروآبشاررا قطع می‌کند .

۲۷ - خیابان دلگشا = مشتاق :

خیابانی است بطول هزارمتر وعرض‌بیست مترکه باخیابانهای یزد وخیابان دور شهر بهم میرسند .

۲۸ـ خیابان دورشهر :

از سه راه یزد شروع ودرپل زمان خان ختم می گردد .

۲۹ـ خیابان رحیم‌خان :

این خیابان از انشعابات خیابان شاه است که بین‌دروازه دولت و شاپور واقع شده است .

۳۰ـ خیابان رسومات :

این خیابان نیز از خیابان ثریا منشعب میگردد .

۳۱ـ خیابان رفیع‌الدین :

این‌خیابان ازفلکه نصرآباد شروع و به‌پل زمان‌خان منتهی میگردد .

۳۲ـ خیابان سپه :

از دروازه دولت شروع و بمیدان نقش جهان ختم میشود . کاخ چهلستون دراین خیابان واقع است .

۳۳ـ خیابان سعادت‌آباد :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع و بفرودگاه اصفهان ختم میشود .

۳۴ـ خیابان سعدی :

این‌خیابان ازشرق خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق شروع وبه‌خیابان‌دورشهر متصل میشود .

۳۵ـ خیابان سنگ‌تراشها :

این خیابان ازخیابان شاپور منشعب میشود .

۳۶ـ خیابان سیدعلیخان :

این‌خیابان ازخیابان چهارباغ بطرف‌چرخاب امتداد پیدا میکند .

۳۷ـ خیابان سروش :

این‌خیابان، خیابان صغیر راقطع و بدروازه‌جی وصل میگردد .

۳۸- خیابان شاه :

این خیابان از دروازه دولت شروع و با خیابان شاپور تقاطع میکند .

۳۹- خیابان شاپور :

این خیابان از خیابان پهلوی شروع و بفلکه دروازه تهران منتهی میشود . مسجدلنبان درنزدیکی این خیابان واقع شده است .

۴۰- خیابان شاهزاده‌ها :

این خیابان از خیابان شیخ‌بهائی بطرف خیابان آذر منشعب است .

۴۱- خیابان شاه عباس کبیر :

از خیابان جنوبی شمالی گلزار شروع و باخیابان فردوسی و صوراسرافیل تقاطع و بخیابان چهارباغ وصل میشود .

۴۲- خیابان شهناز پهلوی :

این خیابان از خیابان شیخ‌بهائی شروع و بخیابان عباس‌آباد وصل میگردد .

۴۳- خیابان شیخ‌بهائی :

این خیابان‌که بطول ۱۵۰۰ متر و عرض ۲۳ متر است از خیابان چهار باغ شروع و باخیابان شاهزاده‌ها تقاطع وگذشته بخیابان شاپور منتهی میشود . مدرسه شمس‌آباد دراین خیابان واقع شده است .

۴۴- خیابان شیروانی :

این خیابان ازخیابان حافظ (احمدآباد) شروع‌و بقلعه طبرم ختم میشود .

۴۵- خیابان صائب: [۱]

این خیابان از خیابان شاپور منشعب و پس‌از تقاطع باخیابان پهلوی در نزدیکی پل شیری بانتها میرسد . مقبره صائب و باغ او در غرب این خیابان واقع است .

۱- محمدعلی صائب‌تبریزی ازشعرای مبرز دوران صفویه‌است‌که دیوانش‌مکرر بچاپ رسیده و در (۱۰۸۶هـ یا ۱۰۸۱) وفات یافته است .

۴۶- خیابان صارمیه :

این خیابان ازفلکه نصرآبادی بطرف فلکه شیخ بهائی امتداد دارد .

۴۷- خیابان صغیر اصفهانی :

خیابان صغیر اصفهانی[۱] از ابتدای خیابان ابن‌سینا شروع و تانزدیکی شاه میرحمزه امتداد دارد یعنی از فلکه طوقچی شروع و در اراضی زراعتی دورشهر تمام میشود .

۴۸- خیابان صاحب بن عباد:

خیابانهای مدرس و دورشهر را قطع میکند وقبر صاحب دراین خیابان است .

۴۹- خیابان صفا :

این خیابان از نزدیکی پل‌شیری شروع و درحوالی پل‌مارنان ختم میشود .

۵۰- خیابان عباس آباد :

این خیابان از خیابان چهار باغ منشعب و خیابان شهناز و شاپور را قطع میکند .

۵۱- خیابان فتحیه :

خیابانی است که از پشت مدرسه چهار باغ میگذرد و آنرا پشت مطبخ نیز گویند .

۵۲- خیابان فرح:

این خیابان از فلکه شیراز شروع و بنزدیکی پل‌مارنان منتهی میشود .

۵۳- خیابان فردوسی :

ازخیابان شاه عباس کبیر شروع وبفلکه دروازه تهران منتهی می گردد .

۱- محمد حسین متخلص به‌صغیر از شعرای مبرز معاصر و مرثیه‌سرا است که در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ متولدودرآخر جمادی‌الاولی(۱۳۹۰ه.ق) بدارباقی شتافت - وی دارای انجمنی‌ادبی بنام صغیر بود ومیان شعرای معاصر اصفهانی محترم میزیست دیوان او قسمتی بنام‌گلچین صغیر بچاپ رسیده است .

۵۴ - خیابان فروغی :

این‌خیابان ازفلکه پهلوی شروع وبه فلکه دروازه تهران ختم می‌شود بقعه شیخ ابومسعود وقبرستان قبله دعا درنزدیکی این خیابان واقع است .

۵۵ - خیابان فیض :

همان خیابان امین‌آباد است . این خیابان از خیابان میر بطرف پل خاجو ممتد است .

۵۶ - خیابان قاآنی :

این خیابان ازهزارجریب شروع ونزدیك خیابان تخت فولاد ختم می‌شود .

۵۷- خیابان کاوه :

این‌خیابان در میدان پهلوی با خیابانهای فروغی وابن‌سینا تلاقی می‌کند .

۵۸ - خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی :

خیابانی‌است بطول هزار و پانصد متر و عرض بیست مترکه با خیابانهای فردوسی وچهار باغ‌صدر ومیدان بیست‌و چهار اسفند تلاقی می‌کند. پل‌سی و سه‌پل و خاجو دراطراف این‌خیابان است .

۵۹ - خیابان کورش کبیر :

این‌خیابان ازشرق باباركن‌الدین شروع وبخیابان چهارباغ بالا(هزارجریب) ختم‌می‌شود .

۶۰ - خیابان مارنان :

این‌خیابان ازشاپور منشعب و خیابان وحید را قطع می‌کند ، پل مارنان در این‌خیابان است .

۶۱ - خیابان مجمر :

این خیابان ازخیابان کمال‌الدین اسماعیل منشعب می‌شود .

۶۲ - خیابان محمد رضاشاه :

این خیابان ازخیابان چهارباغ شروع وبه خیابان خرم منتهی می‌گردد .

مسجد علی‌قلی آقا درشمال و مسجد سید درجنوب این‌خیابان واقع است .

۶۳ ـ خیابان مدرس :

این‌خیابان ازمیدان پهلوی (فلکه آب بخشان) شروع و بخیابان صاحب‌بن عباد منتهی می‌شود .

۶۴ ـ خیابان ملك :

این‌خیابان ازخیابان شاه عباس‌کبیر منشعب وبپای قلعه وصل می‌شود .

۶۵ ـ خیابان منوچهری :

این خیابان از خیابان چهار باغ صدر شروع و به خیابان فـردوسی منتهی می‌گردد . امامزاده باقر درشمال آن واقع است .

۶۶ ـ خیابان مولوی :

این‌خیابان ازچهارباغ منشعب وبا خیابان شاپور تقاطع وتا جوزدان امتداد دارد . مدرسه درب‌کوشك مجاور این خیابان است .

۶۶ ـ خیابان میرفندرسکی:

خیابانی‌است‌که ازحوالی‌کوله‌پارچه بطرف خیابان نظرپیش‌میرود و درمیانه با خیابان فیض تلاقی می‌کند .

۶۷ ـ خیابان میهن :

این‌خیابان ازخیابان هزارجریب منشعب می‌گردد .

۶۸ ـ خیابان نشاط :

این‌خیابان ازخیابان حافظ شروع وبفلکه خیابان شاه عباس منتهی میشود .

۶۹ ـ خیابان نظر :

این خیابان از خیابان چهارباغ بالا منشعب و با خیابان وحید در نزدیکی پل مارنان تلاقی میکند .

۷۰ ــ خیابان وانك :

این‌خیابان از خیابان نظر منشعب میشود . کلیسای وانك در نزدیکی این خیابان است .

۷۱ ــ خیابان وحید :

این‌خیابان ازچهارراه خیابان نظر شروع وبفلکه دستگرد منتهی میشود .

۷۲ ــ خیابان هاتف : (۱)

این‌خیابان ازفلکه طوقچی شروع وبخیابان چهارباغ صدر منتهی‌میگردد . مقبره‌صاحب‌بن عبادودو مناره‌دردشت‌وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه‌نظام‌الملك درشرق این‌خیابان واقع شده است .

۷۳ ــ خیابان یزد :

این‌خیابان با خیابان دلگشا (مشتاق) وخیابان دور شهر تلاقی میکند . طول آن پانصد متر وعرض آن بیست (۲۰) متراست .

د ــ محلات شهر اصفهان : (۲)

درقدیم‌الایام شهراصفهان دارای شش محله بزرگ باین شرح بوده است :

۱ــ محله لنبان‌که درقسمت غربی جنوبی شهر اصفهان واقع‌بوده است .

۲ــ محله باغ کاران که درجنوب شرقی شهراصفهان واقع و اکنون آنجارا

۱ــ سیداحمدحسینی‌از ادباء وشعراء واطبای ماهر بود، پدرانش‌مردم‌اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف دراصفهان متولد ودرآن شهرنشو و نمایافت درسرودن اشعار فارسی وعربی‌مهارت داشت و ترجیع بند عرفانی او شهرت بسزائی دارد ، دیوانش مکرر بچاپ رسیده است . معاشران و معاصرانش از شعراء :آذر بیگدلی وصباحی بوده‌اند . وی درسال ۱۱۹۸ هجری درقم وفات ودر صحن حضرت معصومه مدفون‌گردید .

(نقل‌از بزرگان ودانشمندان اصفهان‌ص۵۲۸)

۲ــ کیفیت و وضع این محلات معلوم نیست‌که بیکدیگر اتصال داشته ویااز هم جدا بوده‌اند آنچه مسلم‌است اینکه هریك از این‌محلات بقدر و اندازه شهری وسعت داشته‌اند .

(نصف جهان ص۲۵)

خاجو[1] مینامند. وقسمتی ازآن هنوزهم بباغ کاران شهرت دارد.

۳ـ محله کران که درمیانه شهرواقع وبطرف مشرق متمایل بوده است.

۴ـ محله چنبلان که در وسط شهر وبطرف مغرب آن مایل بوده است.

۵ـ محله جوباره که شمالی شهر ومایل بمشرق است.

۶ـ محله دردشت که درشمال ومایل بمغرب شهر اصفهان است.

عدد محلات شهراصفهان در دوران سلاطین صفویه به چهل میرسیده است که دراثرفترت افغانها وخرابی‌های بعد ازصفویه تا زمان پهلوی بتدریج تغییر کرده است وبرای اینکه این آثار ملی درتاریخ بماند تمام محلاتی که نام آن‌ها درمکاتبات و محاورات مردم محل ودیگران برده شده بترتیب حروف تهجی ذکرمیشود:

۱ـ محله آب بخشان:

این محله فعلا قسمتی ازآن میدان وفلکه پهلوی است وقبر ابونعیم و شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی در آنجا واقع بوده است.

۲ـ محله آسنجان:

این محله بامحله دروازه‌نومتحد میباشد. وامامزاده اسحاق درآنجااست.[2] و در زمان حاضرخراب وجای خیابان خوراسکان فعلی است که درامتداد احمدآباد می‌باشد.[3]

۳ـ محله احمدآباد:

این محله از محله های آبادی است که در سمت جنوبی واقع و جزء بخش ۴

۱ـ درتسمیه این محله به‌خاجو و نوشتن کلمهٔ مزبور به‌خواجو یاخاجو اختلاف است ولی آنچه مسلم بنظر میرسد این کلمه ازخا بمعنی کوبی که محل جمع شدن آبهای کثیف چون فضولات مطبخ باشد و جوگرفته شده یعنی جای اجتماع آبهای کثیف و این تسمیه‌هم مسلم بعد ازصفویه و هنگامی بوده که باغ کاران ازوضع قدیم خود افتاده بوده و بیشترآن محل‌جای همان آبهای راکد وکثیف بوده است و بنابراین املای آنهم خاجو باالف درست است.

۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۰ ۳ـ نصف جهان ص ۲۸

محلاتی است که درشمال زاینده رود واقع شده‌اند.[1]

مدرسه جلالیه و مسجد شیعا و امامزاده اسماعیل و مقبره خواجه نظام‌الملک و مسجد ایلچی دراین محله واقع شده‌اند.

۱ـ این محله محل نشو و نما و سکونت عده‌ای از بزرگان و دانشمندان بوده و از آن جمله است:

۱ـ ملانورالله افندی تخلص از شعرای ملازم شاه‌عباس ماضی که در بدو امر بدیهی تخلص داشت وسپس به‌افندی تبدیل کرد. از اشعار او است:

بناکامی دمی کز کوی او عزم سفر کردم — چو پای خویشتن درهر قدم خاکی بسر کردم

افندی بسکه نالیدم بزاری برسر کویش — زگریه مردمان دیده راخون در جگر کردم

(تذکره روشن ص ۶۸)

۲ـ جلال‌الدین محمدطبیب متوفی (۱۱۳۱ هـ.ق) از اطبای خاص شاه سلطان حسین صفوی و بانی مدرسه جلالیه درمحله احمدآباد مزبورو مدفون درهمان مدرسهٔ.

۳ـ میرزا محمدرضا مشتاق احمدآبادی عالم و حکیم وسخنور و شاعر بود و درعهدشاه سلطان حسین صفوی میزیست و بامیرزا عبدالباقی و برادرش میرزاعبدالوهاب پسران میرزا عبدالحکیم یکی از ارکان شاه سلطان‌حسین قرابت داشت. از اشعار او است:

قدرعنای تورا شوخ سراپا است بهشت — راست گفتند که برعالم بالا است بهشت

(صبح گلشن ص ۴۱۳)

۴ـ محمدفاضل بن محمدشفیع احمدآبادی که درسال (۱۱۱۰ هـ.ق) خطاط معروف خط نستعلیق بوده است. (تاریخ خط و خطاطان ص ۲۱۸)

۵ـ میرزا محمدطبیب‌زاده احمدآبادی فرزندمیرزا ابوالقاسم ناصرحکمت (متولد ۱۳۰۶ هـ.ق) ازمعاصران و علماء و مؤلف کتاب حورمقصورات در ترجمهٔ اعتقادات صدوق بفارسی و الشمس‌الطالعة درشرح زیارت عاشورا و آفتاب درخشان.

(فهرست آستان قدس ج ۶ ص ۳۳۶)

۶ـ میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت پدر میرزا محمد طبیب‌زاده احمدآبادی از پزشکان مشهور و مؤلف رسالهٔ: الافیونیه. درمضار افیون بفارسی که درتاریخ ۲ر ع ۲ر ۱۳۷۱ درسن ۹۳ سالگی بدرود زندگی گفت ودرتکیه مادرشاهزاده‌ها مدفون شد.

۷ـ سیدمحمد تقی بن حاج میرزاعبدالرزاق احمدآبادی مولود (۱۳۰۱ هـ.ق) ومتوفی (۱۳۴۸ هـ.ق) از علماء وصاحب تألیفات: ۱ـ وظیفة الانام. ۲ـ سراج القبور. ۳ـ بساتین الجنان. ۴ـ تذکرة الطالبین. ۵ـ کنزالغنائم. ۶ـ نورالابصار. ۷ـ مکیال المکارم. ۸ـ دیوان اشعار. از اشعار او است:

زدوری رخت ای پادشاه حسن وجمال — رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال

(رجال اصفهان ص ۴۶)

۴ـ محله ارجان :

این‌محله درقدیم مشهور وقاضی‌ارجانی‌مدرس مدرسه نظامیه اصفهان درعهد خواجه نظام‌الملك طوسی که نسبش بجابر انصاری میرسید مردم این محلـه بوده است[۱] .

۵ـ محله ارجاء :

این‌محله هم درقدیم دراصفهان مشهور بوده است.[۲]

۶ـ محله اشکهان :

همان محله شیئش‌است‌که در ابتداءِ ماه برواسفیش واسفیس وشئیش وشهیش گفته شده ومحل‌آن در بیدآبادکنونی بوده است .

۷ ـ محله الیادران :

این‌محله درقسمت غربی خیابان شاه واقع وقسمت غربی خیابان شیخ بهائی درجنوب آن میباشد .

۸ ـ محله امامزاده اسماعیل :

محله‌ایستکه امامزاده اسماعیل‌بن زیدبن‌حسن‌بن‌حسن‌بن‌امام‌علی‌بن‌ابیطالب علیهم‌السلام درآنجا مدفون است .

۹ـ محله بابالغت :

این محله ازمحلات خاجو بوده که شاه عباس ثانی درآن یکهـزار جریب کوچك بناکرده بوده است.[۳]

۱ــ از اشعار او است :

احب‌المرء ظـاهره جمیل و باطنه لظاهـره سلیم

مودته تـدوم لکـل هـول وهل کل مودتـه تـدوم

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۱۶)

۲ــ از ساکنان‌این محله‌علی‌بن‌محمدبن‌الحسن ارجائی اصفهانی است‌که از محدثان ونامداران محله ارجاء اصفهان بوده است . (اسماء البلدان)

۳ــ مرآت البلدان ج ۴

۱۰- محله باب‌الدشت :

این‌محله ازمحلات قدیمی‌اصفهان و درعرف مردم محل به دردشت[۱] شهرت دارد وچون در قدیم‌الایام دروازه این محله بدشتی متصل میشده آنجا را در دشت نامیده‌اند .

در محله باب‌الدشت عده‌ای از اماکن تاریخی چون گنبد ابـن‌سینا و منارهٔ گلدسته ومدرسه شفیعیه ومناره های دردشت واقع شده ونیز عده‌ای ازمحـدثان و بزرگان قدماء از این محله برخاسته‌اند.[۲]

۱۱ - محله باب‌السجن :

محله‌ای بوده که دروازه باب‌السجن درآن واقع و گویا جزء یهودیه بوده است.[۳]

۱۲ - محله باب سلم :

محله‌ای بوده که دروازه سلم درآن واقع بوده است.[۴]

۱۳ - محله باب عطاء خشك :

این‌محله هم دارای دروازه‌ای‌بنام باب‌عطاءِ خشك‌که منسوب‌به عطاءِخشك‌بن

۱- معجم‌البلدان ج۲ ص ۴۵۰ ۲- ازآن جمله است :

۱- ابوعبدالله محمدبن یعقوب‌بن‌مهران باب‌الدشتی متوفی (بعداز ۲۰۰ هـ.ق) وی‌از محدثان و پسرانش‌احمد و عبداله نیزاز محدثان بودند ، هنگامیکه ازطریق بغداد عزیمت سفر حج‌کرده بود مردم بغداد از او حدیث نوشته‌اند، و خود از محمدبن حمید و هارون‌بن مغیره و عبدالباقی‌بن قانع حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۱۴)

۲- امیر قطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی از بزرگان و بانیان خیر است وهمو مسجدقطبیه را کـه در خیابان شاه واقع است بناکرده و ظاهراً در حدود سالهای ۹۵۰ ببالا مسجد ساخته شده است .

۳- میرمجدالدین اسماعیل‌بن امیرمظفر بن‌امیرمسعودباب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ هـ.ق) از امراء و بزرگان بوده و پس‌از وفات‌در مسجد قطبیه مدفون شده و تاریخ‌وفاتش‌روی‌سنگ باین‌کیفیت حك شده :

منادی بهر تاریخش ندا کرد : « که حیف ازسروبستان جوانی »

(مجله یادگار سال ۴ شماره‌های ۹ و ۱۰)

۳- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۶۶ ۴- معجم‌البلدان ج ۳ ص ۲۴۰

سائب باب‌عطائی متوفی (۱۳۰ هـ.) ازسرکردگان بنی‌عباس که درخراسان میزیسته است بود.[۱]

۱۴ ـ محله باب‌کوشك :

این‌محله مطابق گفته یاقوت درمعجم‌البلدان ازمحلات بزرگ اصفهان بوده ولی اکنون به درب کوشك و در کوشك معروف است . مدرسه درکوشك و مسجد رحیم خان دراین‌محله واقع است .[۲]

۱۵ ـ محله باب همایون :

این‌محله درشمال زاینده‌رود واقع وچون باغ همایون‌که شرح آن در بند ه گفتار دوم مسطوراست درآن محله ایجادگردیده‌بمحله باغ همایون موسوم شده و

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۴۷ ۲ـ از علماء و محدثان این محله‌است :

۱ـ ابواسحاق جلاب‌ابراهیم‌بن احمدبن‌یوسف بابکوشکی وی حدیث ازابن صاعد و طبقه اوشنیده است .

۲ـ ابوجعفراحمدبن مجاهدبن‌عبدالله مدینی باب‌کوشکی خرجانی متوفی(۲۹۰هـ. ق) وی مردم محله باب‌کوشك بود وازآنجا بمحله‌خرجان رفت‌وبمرد. او ازابوبکر وعثمان‌پسران ابوشیبة و عبدالله‌بن‌عمربن‌ابان حدیث شنید و از مشایخ ابونعیم اصفهانی بشمار میرفت .
(ذکر تاریخ اصبهان ج ۱ ص ۲۰۸)

۳ـ ابوعبدالله محمدبن نوح بن محمد شیبانی سمسار باب‌کوشکی از محدثان که از شبانه و ابراهیم‌بن حمیدطویل و ابوالولید و خلاد و حسین‌بن‌حفص روایت‌کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۰۰)

۴ـ ابومحمد قاسم بن زیـد مؤدب بابـکوشکی متوفی (بعد از ۳۵۰ هـ . ق) از محدثان‌که حدیث ازبغدادیان نقل‌میکرد، و ابونعیم‌حافظ اصفهانی از اوحدیث نقل‌کرده‌است.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۳)

۵ـ ابومسعود یزیدبن خالدبن‌یزید انصاری تاجرباب‌کوشکی متوفی (۲۸۱ هـ. ق) اززهاد و عباد و محدث بود . وی ازابوالولید و ابراهیم‌بن منذرخرامی و عمروبن‌زیادگندی شاپوری روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۴۲)

۶ـ احمدبن ابراهیم باب‌کوشکی متوفی (۲۷۸ هـ . ق) از محدثان که حدیث از حسین‌بن حفص‌نقل میکرد . (اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۸۱)

۷ـ حاج‌ملا اسماعیل‌بن‌محمد جعفر حکیم باب‌کوشکی‌متوفی (۱۵شوال ۱۳۰۴هـ.ق) ازحکماء . وی استاد حاج سیدابوالقاسم دهکردی بوده است. (رجال اصفهان ص۵۲)

در دورانهای بعدنام آن به‌محله باغ حاجی تبدیل شده است .

۱۶ ـ محله باذانه :

محله‌ای درشهر یهودیه یعنی جوباره بوده‌که‌آنرا ولیدبن ثمامه امیراصفهان بناءِ نمود و این بنا بعد از سال یکصد و پنجاه (۱۵۰) هجری‌که از شهر قرار دادن یهودیه بدست ایوب‌بن زیاد میگذشت واقع‌گردید .[۱]

۱۷ ـ محله بازار :

محله‌ایست‌که جزءِ بخش‌سه و درشمال‌رودخانهٔ زاینده رود واقع‌شده‌است.[۲]

۱۸ ـ محله باطرقان :

محله‌ایست قدیمی که درکنار دروازه حسن‌آباد نزدیکی جاده فعلی یزد و مجاور باغ مراد واقع بوده است . این‌کلمه را باترقان و باطرخان نیز نوشته‌اند . این محله قبلا دهی نزدیك شهر بوده و سپس متصل بشهر گردیده و جزء محلات بشمار آمده است.[۳]

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۱۶ ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۶۹

۳ـ محله باطرقان نیزاز محلات قدیمی و عده زیادی ازمحدثان از آن برخاسته‌اندکه ازآن جمله است :

۱ـ ابوبکر عبدالـواحدبن احمدبن محمدبن عبدالله‌بن عباس باطرقـانی مقتول در (۴۲۱ هـ. ق) از ائمه‌قرائات و راوی حدیث‌بود و درفتنه خراسان درایام مسعودبن محمودبن سبکتکین او و پیشوایان دیگری بقتل‌رسیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۸۸)

۲ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌حسن باطرقانی‌که درسال (۳۰۴ هـ . ق) زنده و ازحارث‌بن ابی‌اسامة و عراقیان ومحمدبن ابراهیم جیرانی واصفهانی‌ها روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۳ـ ابوحفص عمربن محمدبن احمدبن داود تاجر باطرقانی متوفی (۳۵۸ هـ. ق) از محدثان و شیخ بلاواسطه حافظابونعیم اصفهانی بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۳۵۷)

۴ـ ابوالعباس باطرقانی محدث‌که از عقیل‌بن یحیی روایت‌میکند و احمدبن شبریس معدل از او حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۲۳)

۵ـ ابوعلی‌محمدبن احمدبن رستم باطرقانی متوفی (۳۲۱ هـ . ق) ازادباء و شعراء
←

۱۹ـ محله باغات :

محله‌ای است واقع در کنار جاده محله خاجو که در آن امامزاده احمدبن علی‌بن محمدباقر حسینی مدفون است و قسمتی ازآن بنام پا قلعه خوانده میشود .

→

قرون سوم و چهارم و ازحکام اصفهان و فارس و ازاشعار عربی او است :

فان عسیرات الامور منوطة　　　بیسرین صاراعمدة لرجائکا

ولیس صحیح الرای من ظن انه　　　اذانابه شیئی یدوم کذالکا

یعنی پس بدرستی که دشواریهای کارها وابسته بدوآسانی است بتعبیر دیگر اینکه درهر مشکلی دوآسانی است و همین امر مایه امیدواری توگردیده است . ودرست نیست نظر کسیکه گمان میکند هرگاه مصیبتی باو رسید آنهم مایه دوام امیدواری خواهدگردید . وی حدیث از اسحاق‌بن جمیل و طبقه او و تازمان حیات حدیث شنیده ولی روایت نکرده است.

(الوزراء والکتاب جهشیادی ومحاسن اصفهان ص۱)

۶ـ ابوعمرو مؤدب یوسف‌بن ابراهیم‌بن یوسف باطرقانی از محدثان پیش از ابونعیم که از خالددملی در سال ۲۰۱ در صفای مکـه روایت کرده و محمدبن یعقوب شیبانی از او روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۴۹)

۷ـ ابومحمد عبدالله‌بن ضریس باطرقانی از محدثان پیش از ابونعیم که از حسین‌بن حفص روایت میکرد ومحمودبن صبیح ازاو حدیث نقل کرده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۵۴)

۸ـ احمدبن فضل بن محمدبن احمدبن محمدبن جعفر باطرقانی مولود(۲۷۲ هـ. ق) و متوفی ۲۲صفر (۴۶۰ هـ. ق) وی مردی مقری و فاضل ومحدث ومکثر درحدیث بود وخود حدیث نوشت و نیکو خط بود، قرآن رانزد جماعتی قرائت کرد و بروایات گوناگون قرائت میکرد و درآن باب تصانیفی داردکه ازآنها است. ۱-کتاب طبقات القراء . ۲- الشواذ .

سالها در جامع کبیر اصفهان بعداز ابن‌مظفربن شبیب امام بود وحدیث از ابوعبدالله محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن عبدالله‌بن خرشیدة تاجر استماع کرد و نیز از جماعتی روایت کرده است .

ابن‌منده گفته : در محضر امام‌عمر رحمه‌الله و شیخ حافظ ابومحمد عبدالعزیزبن محمد نخشبی و جماعتی دیگر از حضار ذکر باطرقانی میرفت، عبدالعزیز گفت :

باطرقانی را مسندی است که حاوی تمام صحیح بخاری است جزاینکه دومتن را از اصل نوشته و سپس اسناد را بآن ملحق کرده است و این رسم اصحاب حدیث میباشد.

(اعلام زرکلی ج ۱ ص ۱۸۶)

۹ـ ابراهیم شیبانی و راق باطرقانی ابن‌قاسم بن یونس بن عبدالملک باطرقانی ازمحدثان پیش از ابونعیم و از ثقات که خود حدیث از ابومسعود رازی نقل و بواسطه ابراهیم‌بن حمزه شیخ حدیث حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۶)

←

علت اینکه این محله را باغات میگفته‌اندگویا باغهای زمان ملکشاه سلجوقی بیشتر دراین قسمت واقع بوده است .

محله قصرمنشی هم که از محلات معتبر اصفهان در عصر صفویه بوده قسمتی ازمحله باغات محسوب میگردیده است .

بیشتر اهمیت این محله برای بودن مدفن امامزاده احمد میباشدکه پیوسته مورد توجه وقدیمترین تاریخی که درآن دیده میشود (۵۶۳) قمری است که روی سنگی که در آستانه آن افتاده و معروف است که همان سنگ سومنات میباشد حك گردیده و در زمان صفویه عمارت امامزاده تعمیر گردیده است و همینطور در (۱۲۷۰ هـ. ق) باهتمام چراغعلی‌خان حاکم اصفهان تعمیرشده است .

از نامبرداران ساکن این محله درقدیم یکی : محمد باقربن محمد جعفر باغاتی ازدانشمندان زنده در (۱۱۲۳ هـ.ق) و ازخوشنویسان‌خط شکسته نستعلیق بوده است که اللئالی المستخرجه من الکلمات المکنونه فیض‌را بخط زیبای‌نستعلیق شکسته نوشته‌است این‌کتاب درکتابخانه مرکزی دانشگاه وجود دارد .[۱]

دوم معزالدین محمد میرزا ابوطالب باغاتی تعمیرکننده بقعه شاه‌زیدبن‌امام علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام در (۱۰۹۷ هـ. ق)[۲]

۲۰ - محله باغ‌جنت :

این‌محله ازمحلات‌شمالی رودخانه زاینده‌رود ومجاورمحله‌لنبان می‌باشد.[۳]

→

۱۰- عبدالله مجنون باطرقانی که مناظراتی باابن‌عمید در اصفهان داشته و مورد توجه سلاطین وقت بوده است.

۱۱- ابوالفوارس نیزیکی ازمجانین موردنظر سلطان مسعودبن سلطان محمود غزنوی بوده‌که شرح حال عبدالله و ابوالفوارس در محاسن اصفهان مسطور و منقول است که چون علاءالدوله بدیوارکشیدن دور اصفهان‌مشغول شد ابوالفوارس باوگفت مگر میخواهی‌که باغ بسازی. علاءالدوله‌گفت بچه‌دلیل میگوئی پاسخ‌داد برای‌اینکه اصفهان راخراب‌کرده و برگرد آن دیوار میکشی .

۱- فهرست‌کتب‌خطی دانشگاه تهران . ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۸۹ .

۳- نصف جهان ص۲۳.

۲۱ - محله باغ حاجی :

این محلـه همان محلـه باغ همایـون است که در ازمنه مختلفه تغییر نام یافته است .

۲۲ - محله باغ سلم :

محله باغ سلم یاسلم محله‌ای بوده که دروازه‌ای هم بنام باب سلم داشته و مردانی محدث ازاین محله برخاسته‌اند .[۱]

۲۳ - محله باغ عبدالعزیز :

این محله منسوب بباغ عبدالعزیز عجلی است که در اصفهان امارت وحکومت داشته و درحدود یهودیه واقع بوده است .[۲]

۲۴ - محله باغ عبدالله:

محله‌ای بوده واقع درجوبارهٔ اصفهان که آنرا درزبان محلی بغدلی میگفته‌اند وابوعبدالله محمدبن سعیدبن اسحاق قطان باغ عبداللهی ازمحدثان که ابواسحاق بن حمزه ازاو وخود ازیحیی بن ابیطالب حدیث نقل میکرده ازمردم این محله است .[۳]

۲۵ - محله باغ عدن:

ازمحلاتی بوده که درزمان ملکشاه سلجوقی که باغ عدن را برای حرمسرای خود احداث کرده بود دائر بوده است.[۴]

۲۶ - محله باغ عیسی بن ایوب :

این محله ازیك طرف به محله خشینان وازطرف دیگـر به محله ملنجـه و کوراء محدود بوده وخشینان ویهودیه که جوباره فعلی باشد دردوطرف باغ عیسی که

۱ـ ازآن جمله است: ۱ـ ابوبکر محمدبن احمدبن حسنویه باغ سلمی متوفی بعد از(۳۶۰ ه. ق) صاحب اصول که ازبغوی روایت میکرد . ۲ـ ابومسلم نوح بن‌منصور بن مرداس سلمی اصفهانی متوفی(۲۹۵ه. ق) که ازمصریان وعراقیان نقل میکرد و درشیراز بمرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ و۳۳۲)

۲ـ محاسن اصفهان ص۱۱ . ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۷۴ . ۴ـ آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ .

درآن‌محله است واقع بوده .[1]

ابومحمد عیسی‌بن‌ایوب احداث کننده باغ ومحله‌که در قرون سوم و چهارم میزیسته و سندیلة عبدالله‌بن داود عابد باغ عیسائی ازعباد که حدیث از حسین بن حفص وابراهیم‌بن ایوب روایت میکرد ازمردم قدیم این محله‌اند .[2]

۲۷ - باغ کاران :

قسمتی ازآن بنام محله خاجو باقی‌مانده است .[3]

۲۸- محله باغ‌مراد :

محله نوفعلی جای محله باغ مراد قرارگرفته است ، وگفته میشود باغ‌نو را که‌محله‌آن جزءِ بخش۱ ازمحلاتی است‌که‌درآن طرف خیابان‌دور شهر افتاده‌است، مسعود میرزا ظل‌السلطان در (۱۳۱۶ هـ. ق) در الیادران و فیمابین بنا نهاد و سپس محله مزبور بنام محله‌باغ نو موسوم‌گردید .[4]

۲۹- محله‌باغ همایون :

همان محله‌ایست‌که درمحله باب همایون شرح داده است .

۳۰- محله باقلافروشان :

یکی ازمحلاتی است‌که محله باغات را تشکیل میداده است .

۳۱- محله بان لوفه :

محله‌ای بوده درنزدیکی محله ویدآباد قدیم اصفهان.[5]

۳۲- محله بغدلی :

همان محله باغ‌عبدالله درجوباره بوده‌که شرح‌آن گذشت .

۳۳- محله بوان :

این‌محله درحدود محله جروائان بوده که شاپور ذوالاکتاف درآن محلـه

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹ .
۲- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .
۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ .
۴- نصف جهان ص ۱۷۷ .
۵- محاسن اصفهان ص ۸۹.

آتشگاهی نیز بنا کرده بوده است.[1]

۳۴ـ محله بیدآباد :

این محله جزءِ بخش ۱ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده رود قرار دارد و مسجد تاریخی سید و مسجد علیقلی آقا و مدرسه میرزا حسین و حمام و چهار سوی علیقلی آقا در این محله واقع شده است.[2]

درقرن پنجم هجری که مافروخی کتاب محاسن اصفهان را بعربی ادیبانه تألیف کرده این محله را ویذآباذ مینامیده‌اند یعنی این کلمه در اصل همان ویذآباذ بوده چه در آن زمان کلمات فارسی که آخر آن دال مهمله و پیش از آن واو و یاءِ ساکن و یا الف ماقبل مفتوح بود دال مهمله تبدیل به ذال معجمه میگردید وروی همین قاعده آنرا ویذآباذ تلفظ میکردند و همین کلمه بعینه درمعجم البلدان یاقوت حموی و انساب سمعانی و دیگر مراجع عربی آمده است.

واینکه بعضی از نویسندگان معاصر[3] گمان کرده‌اند ویذآباذ معرب بیدآباد است درست نیست. چه اینکه از زمان صفویه ببعد این تصرفات بعمل آمده و مثلاً ویذآباذ بیدآباد و ویدان بیدان تلفظ گردیده است.

واصل ریشه این کلمه از لغت وید است که از لغات اوستائی و از ادعیه و سرودهای باستانی اوستائی است. و آبادی آن محل را منسوب به وید کرده‌اند که مقدس القاءِ شده بوده است. واما لفظ ویدان را مشروحاً در کتاب آتشکده اردستان بیان کرده‌ام و موجبی برای تکرار نیست.[4]

درقرن چهارم که علاءالدوله سور معروف خود را بدور شهر اصفهان میکشیده محله بیدآباد خارج شهر اصفهان بوده است ولی درقرن پنجم قسمتی از آن که بمحله بان لوفه نزدیك بوده جزءِ شهر شده بوده وقسمتی دیگر جزءِ قبرستان شهر درآمده بود.[5]

۱ـ فارسنامه ابن البلخی ص۸۵ و ظاهراً درست آن یوان به یاء مثناة از تحت باشد.

۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹.　　۳ـ مؤلف تاریخ نصف جهان در ض ۳۵.

۴ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۰۳.　　۵ـ محاسن اصفهان ص۸۹.

آنچه مسلم است این محله در زمان صفویه از محلات بزرگ و پرجمعیت اصفهان وداخل درحصار بوده است . ازمحله نامبرده بزرگانی ازعلماءِ و دانشمندان ومحدثان پیش از صفویه و نیز بعدازآن برخاسته‌اند و درآن محله اماکن تاریخی بوجود آمده است[1] .

---

۱ ــ کسانی که پیش‌ازصفویه دراین محله عرض‌اندام کرده‌اند بقرار زیراست :

۱ ــ ابوعبدالله احمدبن محمد بن عبدالله بن اسحاق بن ماجة ویدآبادی مؤدب متوفی (۴۲۲هـ. ق) وی مردی‌زاهد و مکثرالحدیث بود واز قاضی ابواحمد محمدبن‌احمدبن ابراهیم عسال روایت میکرد . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۳)

۲ــ ابومحمد جابربن‌منصوربن‌محمدبن صالح ویدآبادی شیخ‌حدیث ابوسعیدسمعانی وخود ازابوالعباس احمدبن عبدالغفاربن اشته اصفهانی و برادرش ابوالعباس‌احمد در تحبیر حدیث نقل کرده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۸۶)

۳ــ ابومحمداعرج عبداللهبن اسحاق‌بن ابراهیم اعرج‌خیاط ویدآبادی متوفی (پیش‌از ۳۶۰ هـ . ق) که ازابوحنیفه روایت میکرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۹۱)

واما بعداز صفویه :

۱ــ آقا محمدبن ملامحمد رفیع‌گیلانی بیدآبادی متوفی (۱۱۹۷ هـ.ق) ازاجله حکماء ومتالهان و افاضل سیر وسلوك بود و بزرگانی چون : ملاعلی نوری و میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه چهارباغ و ملامحراب عارف گیلانی ازشاگردان اویند . (مکارم‌الآثار ج ۱ص۶۷)

۲ ــ حجةالاسلام مطلق حاج‌سیدمحمد باقربن‌محمدنقی موسوی شفتی گیلانی‌اصفهانی بیدآبادی مولود (۱۱۷۵هـ.ق) ومتوفی(۱۲۶۰هـ.ق) که درنجف ازمحضربحرالعلوم استفاده کرده چندی هم درکربلا ازمحضر درس صاحب شرح‌کبیر ونیز درمحضر سیدمحسن‌کاظمینی استفاده‌کرد . پس ازمراجعت هشت‌سال درقم نزد میرزای قمی درس خوانده وترقیات بسیاری کرد و سپس باصفهان‌آمد . در اوائل حال بسیار درسختی بود ولی بتدریج مکانتی یافته و از سردمداران علمای ایران‌گردید . وازآثار اواست مسجد معروف به‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان‌که خود نیز درآن مدفون وبقعه وبارگاهی دارد و مورد زیارت مردم است.

(مصفی‌المقال ص۹۲)

۳ ــ حاج‌سیداسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقرحجةالاسلام بیدآبادی مولود (۱۲۲۷هـ.ق) ومتوفی (سلخ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۰هـ.ق) ازعلمای مبرز وشاگرد صاحب جواهر ومعروف به حجت‌الاسلام ثانی بود ودرعصر خود سلمان محسوب میگردید وگذشته ازتمام محاسن علمی وزهدی وخانوادگی خط را نیز بسیارشیوا مینوشت هنگام مراجعت ازسفرنجف‌اشرف در کرند دارفانی را وداع گفت ونعشش بنجف حمل ودرآنجا مدفون گردید .

(نقل بمعنی از تاریخ اصفهان‌وری)

←

۴ ـ آقا سیدهاشم بن حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ ﻫ.ق) ازمجتهدان عصرخود بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۹۶)

۵ ـ آقا سیدمؤمن بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی (رمضان ۱۲۹۴ ﻫ . ق) وی ازعلماء ومجتهدان بود وپس‌ازوفات در نزدیکی قبر پدر درهمان مسجد سید مدفون گردید و حاج‌میرزا بهاء شاعر اصفهانی درماده تاریخ وفاتش چنین گفت :

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان — آن سیدی که مؤمن آل رسول بود

او بعد از حجت‌الاسلام ثانی درمسجد سید سمت امامت داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۶ ـ حاج سیدمحمدباقر معروف به‌حاج‌آقاابن حاج‌سید اسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی (سوم رمضان ۱۳۳۳ ﻫ.ق) وی پس از وفات پدر باتفاق مادرش که دختر حاج ملاعلی‌بن میرزا خلیل طبیب بود بنجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا بتحصیل پرداخت وپس‌ازمدتی جزء اعلام نجف اشرف بشمارآمد و محضرش از نظر علم وادب قابل توجه بود . نیکومعاشرت ـ تیزذهن ـ لطیف روح ـ سخی‌الطبع بود پس‌ازاقامت درنجف باصفهان برگشت ومورد قبول‌مردم واقع‌شد وبعدازانقلاب استبداد بمشروطیت بنجف برگشت و پس‌ازمدت کمی وفات کرد .

در سرودن شعرعربی بسیارقوی بود مطلع قصیده‌ایکه درمدح حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام سروده چنین است :

یابن عم‌النبی خیر مقال — لك فی ارفع‌المدایح تذكر

بعد ما انزل‌الاله كتاباً — فیك لایستطاع للقوم ینكر

یعنی ای پسر عموی پیغمبر بهترین گفتاری که در بالاترین مدایح تویادآوری میشود اینستکه بعدازآنکه خداوند قرآن را درباره تو نازل کرد دیگر امکان انکار مقام تو را کسی ندارد . (اعیان‌الشیعه ج۱۳و۱۴ ص۳۳۳)

۷ ـ سید مهدی‌بن سیدمحمدعلی‌بن حجةالاسلام شفتی بیدآبادی مولود (۱۲۷۸ﻫ.ق) ومتوفی بعد(۱۳۱۹ ﻫ. ق) و ازعلماء و بزرگان و اوراست‌کتاب غرقاب که از۱۳۰۳ هجری تا ۱۳۱۲ آنرا تألیف‌کرده و مشتمل برمقدمه وخاتمه و دو مرحله است‌که شرح حال علمای قرن یازدهم ودیگر بعد ازآن قرن‌را شرح‌کرده است .

(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه ج ۱۶ ص۴۴)

۸ ـ سید ابوالقاسم‌بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۰ ﻫ.ق) ازعلمای بارع که‌پس‌از پدر مرجع امور شرعی دراصفهان بود وپیش‌ازبرادرش حاج سیداسدالله حجت‌الاسلام ثانی درگذشت . (اعلام‌الشیعه ج۲ ص۵۱)

۹ ـ شیخ عزیزالله بیدآبادی از مشایخ بیدآباد اصفهان که درعلم جفر ورمل و اعداد استاد وفقیهی عالیمقدار بود واواخر قرن سیزدهم درگذشت . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۱۰ ـ حاج میرزا یحیی مدرس بیدآبادی معروف به کاشی‌پز فرزند میرزا اسماعیل

۳۵ ـ محله بیرون دروازه :

۳۶ ـ محله پاچنار :

این محله جزء بخش ۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است [۱] .

۳۷ ـ محله پاشاخ :

این‌محله بطوریکه درسفرنامه تاورنیه نوشته شده دروسط شهراصفهان واقع بوده ودر آنجا مناره پاشاخ از سرشکار ساخته شده بوده است و جزء محله جوباره بزرگ بوده است [۲] .

۳۸ ـ محله پافجان :

اکنون بصورت کشتکاراست ولی در قدیم از محلات شهر اصفهان بوده و بقعه شاه‌زید نیز درآنجا است [۳] .

۳۹ ـ محله پاقلعه :

چون قلعه طبرك اصفهان دراین محله واقع بوده باین نام موسوم گردیده‌است. فخرالدوله دیلمی در این قلعه وفات کرد و در زمان صفویه خزانه جواهرات بود ولی در ۱۲۹۳ هجری فقط دیوار قلعه وجود داشت [۴] وامروز فقط نامی ازآن‌باقی مانده است . این محله اکنون جزء بخش ۴ ازمحلاتی است که درشمال زاینده‌رود قراردارند [۵] . محله پاقلعه که بعدازصفویه باین‌اسم معروف‌شده ودرقدیم جزء محله باغات بشمار میرفته مرکز رجال ودانشمندان و شعرای بزرگ و اقطاب و صوفیان

→

مدرس بیدآبادی مولود (۱۲۵۴ ه.ق) ومتوفی ششم ذی‌قعده (۱۳۴۹ ه.ق) ازبزرگان شعراء ومدرسان و مؤلفان و تخلصش در شعر یحیی بود . اوراست کتاب مرآت‌المصنف در احوال حاج میرزا رضا کلباسی که ضمیمهٔ کتاب انیس‌اللیل بچاپ رسیده است . از اشعار معروف او مخمس نوروزیه اواست که مطلع آن اینست :

امروز بفیروزی و به‌روزی و نوروز   با شور عرب نیك بود نغمهٔ نوروز

(رجال اصفهان ص۶۱)

۱ ـ نصف جهان ص ۲۸ .   ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۹۹ .   ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۱۶.   ۴ـ نصف جهان‌ص۳۱.   ۵ـ تاریخ اصفهان‌وری ص۱۰۰.

بنام بوده وچندین بقعه وتکیه درمزار تخت فولاد ازعلماء ورجال این‌محله بیادگار مانده است وبرای نمونه عده‌ای از آنها را دراین موقع و محل یادآوری‌میکند [1].

گویا محلات قصرمنشی وباغات و پاقلعه و خاجو وباغ کاران بهم‌اتصال داشته و بعد از صفویه در این محلات خرابی راه یافته و از هرقسمت مختصری آبادانی داشت ولی پاقلعه نسبت بدیگر قسمت‌های آن آبادتر بوده است .

---

۱ ـ از نامبرداران محله مزبور است :

۱) میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (۱۱رجب۱۳۱۱ه.ق) ازعرفاء ومرید رحمتعلی‌شاه ومجاز درارشاد از نورعلیشاه وسرپرستی فقرای صوفیه اصفهان را داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۰۵)

۲ ـ میرمحمداسماعیل پاقلعه‌ای ازعرفاء وبرادر میرمحمدهادی پاقلعه‌ای وپس ازوفات میرمحمد هادی سرپرستی‌فقرای اصفهان را عهده‌دار بوده است .

۳ ـ میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای ازعلمای پاقلعه متوفی درحدود (۱۳۳۰ه.ق) .

۴ـ میرزا محمدحسن منجم‌باشی ولایتی پاقلعه‌ای، وی ازطایفه مدرسهای پاقلعه ومنجم بود ودر (۱۲۹۳ه. ق) بمهمات مملکتی اشتغال داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۵ ـ میرزاعباس صابر علیشاه فرزند سیدمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (پنجم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ه.ق) ازمشایخ سلسله نعمت‌اللهی، وی درحسن خلق ومعاشرت وبسط ید کم‌نظیر بود وعموم مردم ازصوفی وغیر صوفی باو ارادت میورزیدند . پس از وفات درتکیه خاتون‌آبادی مدفون گردید درماده تاریخ وفاتش معلم حبیب‌آبادی چنین گفته :

سر برون کرد یکی ناگه و گفت : « از جهان عارف ربانی رفت »

۶ ـ حاج میرزاعبدالحسین سیدالعراقین پا قلعه‌ای مولود (۱۲۹۴ ه.ق) ومتوفی (دهم شوال ۱۳۵۰ ه.ق) ازبزرگان ورؤسای علمای اصفهان ومدرس ومتولی مدرسه‌چهارباغ‌سلطانی اصفهان است‌که تحصیلات عالیه را در نجف انجام داده بود . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری‌چنین سروده :

تو هم پا بکش از عراق و بگو : « عراقین بی سید و سرور است »

و بعدازفوت درتکیه بنام سیدالعراقین مدفون گردید .

۷ ـ میرزا عبدالغفار سحاب متوفی حدود اوائل قرن چهاردهم هجری ازادباء و شعراء محله پاقلعه .

۸ ـ حاج میرزا اسدالله پاقلعه‌ای متوفی (۱۳۶۰ه.ق) از علمای منزوی وماهردرعلوم ریاضیات ونجوم .

۹ ـ آقا میرمحمد باقربن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (هفدهم ذیقعده ۱۳۴۸ه.ق) از معاریف علماء وفضلاء وعرفاء .

←

۴۰ – محله پانارون :

محله‌ایست جزء بخش۱ از محلاتی که درشمال زاینده‌رود واقع شده است .

→

۱۰ – آقا مرتضی بن میرزاعلینقی بن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی(رجب۱۳۵۴ه.ق) از عرفاء .

۱۱ – محمدرضا قلیخان هما فرزند بدیع خان شیرازی اصفهانی پاقلعه‌ای مولود (۱۲۱۲ ه . ق) ومتوفی (دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ه.ق) ازبزرگان شعراء وادباء وعرفاء وصاحب خانواده ودیوان بود. اشعار وقصاید بسیاری درمدایح‌ائمه طاهرین دارد درزمان خود مشار بالبنان بود و اشعارش را دست بدست میبردند خط نستعلیق را شیوا و زیبا مینوشت . ازغزلهای عارفانه اواست که درحال تحیر وجذبه وآشفتگی سروده است :

بسکه اندرخویش حیرانم نمیدانم کیم — کافرم گبرم مسلمانم نمیدانم کیم
گه عزیز مصر جانم بر سریر عزوناز — گاه چون‌یوسف بزندانم نمیدانم کیم
گه ظلمنا گوی و گه رب بما اغویتنی — گاه آدم گاه شیطانم نمیدانم کیم
گاه‌چون‌بدرآشکارم‌گاه‌پنهان‌چون هلال — گه کمال و گاه نقصانم نمیدانم کیم
گاه دردم گاه درمان گاه خارم گاه‌گل — گاه گنج و گاه ثعبانم نمیدانم کیم
گه‌سگ‌اصحاب‌کهفم‌گاه‌گرگ یوسفم — گاه مورو گه سلیمانم نمیدانم کیم
گاه رندباده‌نوشم‌گاه شیخ خرقه پوش — گاه دانا گاه نادانم نمیدانم کیم
گاه در بزم خردمندان ندیم عاقلان — گاه مجنون بیابانم نمیدانم کیم
گه فقیر خاکسارم گه امیر نامدار — گاه سلطان گاه دربانم نمیدانم کیم
گه گدای کوی درویشان با حق آشنا — گه همای بزم سلطانم نمیدانم کیم
صلح کل کردم به‌هفتادودوملت‌چون هما — باهمه‌یك‌رنگ ویکسانم نمیدانم کیم

(مقدمه دیوان طرب ص۳۰)

۱۲ – میرزاابوالقاسم محمدنصیرمتخلص به‌طرب مولود (دوازدهم ذی‌قعده۱۲۷۶ه.ق) ومتوفی دوازدهم ربیع‌الثانی‌سال (۱۳۳۰ ه.ق) فرزند همای مذکور ازشعراء وادباء وعرفاء وخوشنویسان زمان خود ومشهور درمجامع فضل وادب وشعر وصاحب دیوان بود وهمانطور که درباب هما پدرش گفته شد طرب هم درسرودن اشعار وقصاید درمدح رسول وائمه اطهار تمایل بسزا داشته است. مطلع‌یکی ازقصایدش درمدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چنین است :

شکر لله زنده گشتم از ثنای بوتراب — هم برآرم سربمحشر با ولای بوتراب
خامه‌ام‌گوهرفشان‌است‌ازمدیح بوالحسن — خامه‌ام عنبرفشان است از ثنای بوتراب
سر بتاج قیصر و خاقان نمی‌آرم فرود — برسرم افسر بود تا خاك پای بوتراب
گررضای حق همی جویی‌رضای اوبجو — چونکه‌باشدخوددرضای‌حق‌رضای‌بوتراب
چون ولای بوترابستی محك قلب ونقد — قلب مملو است از نقد ولای بوتراب

←

۴۱ ـ محله پشت بارو

محله‌ای است جزء بخش ۱ ازمحلاتی که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است وازکنار مدرسه چهارباغ شروع میشود .

۴۲ ـ محله تحت‌الشارع :

محله‌ای باین نام درشهر اصفهان در قرن یازدهم هجری وجود داشته و گویا

→

ومقطع چنین است :

چون سپاس‌اوپیمبر گفت‌وحق گفتش درود	من چه گویم لایق مدح وسزای بوتراب
آید آمین دعایش از لب روح‌الامین	چون گشاید لب طرب‌بهردعای بوتراب

(نقل ازدیوان طرب ص۵۳)

۱۳ ـ محمدحسین متخلص به‌عنقا ملقب به ملك‌الشعراء مولود (۱۲۶۰ ه.ق) ومتوفی (۱۳۰۸ ه.ق) فرزند ارشد هما وازبزرگان شعروادب وعرفان وخوشنویسان زمان خود بشمار میرفت و او همانطور که درباب پدر و برادرش گفته شد متمایل بسرودن قصاید و اشعار در اوصاف اهل‌بیت اطهار بود و از اشعار او است که در منقبت مولای متقیان علی علیه‌السلام سروده است :

بتا ز باده برافروز در بهار آتش	که آب‌گل زده برخاك لاله‌زار آتش
بنوبهار بده باده‌ای چوآب حیات	که در بهار نیاید بتا بکار آتش
ازآن شراب‌که گرساغری‌بروم برند	ز عکسش افتد درخاك زنگبار آتش

۱۴ـ ملك‌الادباء محیی‌الدین محمد متخلص به‌سها فرزند هما مولود (۱۲۶۲ه.ق) و متوفی سوم ماه صفر (۱۳۳۸ ه.ق) از شعراء و ادباء وعرفاء که مانند پدر و برادران محبت خاصی نسبت بخاندان رسول داشت وقصایدی نیز دراوصاف ومراثی آنان سروده واز اشعار او است :

منت خدای را که سها آفتاب‌وار	مداح آستان علی شاه اعظم است
شیر خدا امیر عرب کزره شرف	پشت سپهر از پی تعظیم او خم است

سها مردی آزاده و وارسته بود ودرتمام زندگی تأهل اختیارنکرد تا از داردنیا رحلت کرد . در ماده تاریخ وفاتش استاد جلال‌الدین همائی متخلص به سنا فرزند برادرش طرب چنین سروده :

ز رضوان دوش تاریخ وفاتش	سنا پرسید از روی تألم
ز مینو پا بجمع‌آورد و گفتا :	« سها پوشیده‌شد از چشم مردم »

(نقل از برگزیدهٔ دیوان سه شاعراصفهان)

درنزدیکی مسجد جامع عتیق واقع بوده است[1] .

۴۳ ـ محله تحت گنبد :

این محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع‌وجزء بخش چهاراصفهان‌است[2] .

۴۴ ـ محله ترواسکان = تل‌واژگون = تل‌استخوان :

این‌محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع وجزءبخش چهاراصفهان‌است[3] .

۴۵ ـ محله تکیه ظلمات :

این محله از کوچه‌ای شروع میشود که از شمال شرقی میدان نقش جهان منشعب میشود ومسجد مقصودبیك نیز درآن واقع است[4] .

۴۶ ـ محله تل عاشقان :

این محله متصل بدروازه نو بوده است .

۴۷ ـ محله تلواسکان :

این محله همان است که بچند لفظ وعبارت خوانده میشود . ازمعروفان‌این محله شیخ محمدعلی واعظ تلواسکانی است که درسال (۱۳۴۰ هـ . ق) حیات داشته وسید محمد نجم‌الواعظین عالم حکیم وشاعرادیب متوفی (۱۳۴۲هـ.ق) که تألیفاتی دارد ، و نیز آقا محمد تلواسکانی که در سال (۱۲۹۳ هـ . ق) کدخدای محله مزبور بوده است[5]. بقعه معروف به شاه‌زید که از قرن دهم هجری باقی مانده در این محله است[6].

۴۸ ـ محله تیران و آهنگران :

این محله از محلات قدیمی اصفهان بوده و دانشمندانی نیز از آن محله برخاسته‌اند که نام آنان درتاریخ ثبت افتاده است و امروز محله مزبور معروف به

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۲۱ . ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص۹۹ .
۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰ . ۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۷ .
۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۱۲۶ . ۶ ـ تاریخچه محله خواجو ص۶۳ .

محله شمس آباد است[1] .

۴۹ ـ محله تیجاباد :

این محله هم ازمحلات قدیمی اصفهان ودانشمندانی ازآنجا برخاسته‌اند و معلوم میگردد که محله مزبور دراوائل اسلام‌آباد بوده است[2] .

۵۰ ـ محله جروائان :

باین نام محله بزرگی درشهر اصفهان وجود داشته که تاقرن هفتم دائربوده است ومردانی نامی از اهل حدیث از آنجا برخاسته‌اند و در فارسی نام این محله گروائان بوده‌است[3] .

درترجمه محاسن اصفهان راجع باین محله چنین توصیف شده :

« محلتی باصفهان که از تمامت محلها واطراف آن خوشتر است . ابومسلم»
«گفت : درربع مسکون خوشتر از خانه من موضعی نیست ، حاضران تمامت چشم»
«تعجب بیکدیگر بازگذاشتند وآن دعوی را ازجاده‌عقل متجاوز ودورپنداشتند.»
«ابومسلم گفت : شما از هفت اقلیم خوشتر و بهتر باعتدال از اقلیم چهارم زمینی»
«میدانید ؟ گفتند نه . بر قاعده اهل‌هیئت ودرباب هندسه وسیاحان بحروبرمحقق»

---

۱ ـ از دانشمندان تیران وآهنگران است :

۱ـ شیخ نورالدین تیرانی از محققان وعرفاء وشیخ‌سید حیدرعاملی عارف محقق قرن هشتم هجری که درتیران نزدیك شهر اصفهان ازطرف دروازه دردشت سکونت داشت .
(المحیط‌الاعظم ص۴۳)

۲ ـ میرزا عباس فایض فرزند ملا محمدعلی سهیلی شمس‌آبادی تیرانی وآهنگرانی مولود (۱۳۰۸ ه.ق) ازفضلاء وشعراء واز اشعار اواست :

نسبتی روی نکویش را بمهر و ماه نیست   مهرومه‌هرگزچوروی‌خوب‌اودل‌خواه‌نیست
(تذکره شعرای معاصراصفهان ص۳۴۱)

۲ ـ ازدانشمندان تیجاباد است :

۱ ـ ابوزید تیجابادی ازعلمای نحو وشعراء درقرن پنجم هجری .
(محاسن اصفهان ص۳۳)

۲ ـ ابونصر تیجابادی ازمهره علم نحو ولغت وازشعراء قرن پنجم هجری .
(محاسن اصفهان ص۳۳)

۳ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰ .

«است که ازجهت آب گوارنده شیرین صافی سبك و هوای تروتازه وتنگ وفضای»
«فراخ وروشن اصفهان که ناف آن است خوشتر وبهتراست وباتفاق اهل اصفهان از»
«تمامت اطراف ومحله‌ها جروائان درآن محلت خوشتر ازخانه من نیست[1].وصاحب»
«مرآت البلدان احتمال داده که محل این محله چهارباغان باشدکه منظورچهارباغ»
«طوقچی است که اکنون اثری از آن بجای نمانده است[2].»

مؤلف تاریخ اصفهان و ری گفته شاید جیران پائین دروازه باشد[3]. وابونعیم گفته ازمحلات نزدیك مسجد جامع اصفهان است که همان گروائان باشد[4].

ونیز درمحاسن اصفهان[5] گفته شده که برحسب روایات موثق درمحله جروائان در زمان کمی دورتر از قرن پنجم پنجاه مسجد معمور بوده است که مردان نامی بمناسبت رقابت دراینکه در مسجد دیگری برای نماز حاضر نشوند خود بعمارت مسجد پرداخته‌اند و در هریك از آن مساجد کمتر از پنجاه مرد بنماز جماعت نمی‌ایستادندکه هریك از مردان مزبور درمحل خود ریاست داشتند و الآن (قرن پنجم) آن محله ومساجد آن بیشترش نشانه‌ها و آثار باستانی گردیده است.

ازاین محله که درقرن پنجم از بین رفته بوده محدثان ودانشمندانی برخاسته‌اند ودرتاریخ نام آن محله را ثبت کرده‌اند[6]. اما دراشتقاق ووجه تسمیه کلمه جروائان چند وجه احتمال دارد : یکی اینکه جروائان معرب گروائان مشتق از گریوه

۱ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۱.   ۲ـ مرآت البلدان ج۴ ص۲۲۲.   ۳ـ تاریخ اصفهان وری ص ۴۱۰.   ۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱۶-۱۷.   ۵ـ محاسن اصفهان ص ۸۹.   ۶ ـ کسانیکه منسوب باین محله میباشند و در کتب رجال و تاریخ و حدیث ثبت شده‌اند اسامی آنان چنین است :

۱ـ ابوعلی عبدالرحمن بن محمد بن الخصیب بن رسته (ابراهیم بن الحسن الجروائانی الضبی) متوفی (۳۸۶ ه . ق) ازمحدثان که ازفضل بن خصیب روایت کرده است.
(معجم البلدان ج۲ ص۱۳۰)

۲ ـ ابوبکر احمدبن عبدالله بن سهیل جروائانی ازمحدثان که بیك واسطه شیخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ ه.ق) بوده است. (ذکراخباراصبهان ج۱ص۱۶۸)

۳ ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن بن الخصیب جروائانی از محدثانی که از عبدالله بن جعفر بن احمدبن فارس روایت میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۸)

←

۴ ـ ابوجعفر محمدبن علی جروائانی ازمحدثان که پیش‌از ابونعیم میزیسته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۵ـ ابوحاتم غانم‌بن عمربن‌محمدبن احمدبن‌مسلم جروائانی وی ازمحدثان و پسرعم همام قاضی بود واز ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۵۰)

۶ ـ ابوحامد محمدبن‌الازمع بن‌الاشنع بن طلعة بن‌عبیدبن مالك‌الازدی جروائانی‌محدث که ازمحمدبن بکیر روایت میکرد .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴)

۷ ـ ابوداود محمدبن‌الازمع که همان ابوحامد باشد چه‌اورا دوکنیه بوده است .

۸ ـ ابوسعید اعین‌بن محمدبن مندویه‌بن حمادبن‌زهیربن سعیدبن عطیة مولی‌العباس‌بن مرداس متوفی (۲۷۰ ه.ق) ازمحدثان که از ابوالولید طیالسی‌و ابوحذیفه روایت میکرد و جدش حماد ازکوفه باصفهان انتقال یافته بود .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۸)

۹ ـ ابوعامر جروائانی ازشعراء وکتاب اصفهان قبل‌ازقرن پنجم هجری که از اشعار او است :

سقی‌الله جیا ان جیاً لذیذة	من‌الغیث ما یسری لها ثم یبکر
فلا بقة فی‌اللیل یؤذیك لسعها	لنوم ولا برغوثة حین تسهر
و ماء رکایاها زلال کانه	اذاماجری فی‌الحلق ثلج و سکر

یعنی خداوند سیراب گرداند جی را که جی لذت‌بخش است از باران تا زمانی که شب بروز وروز بشب میآید، پس نه پشه‌ای درشب نیشش تورا آزار میدهد درهنگام خواب ونه‌کیکی هنگام بیداری و آب چاه‌های آن چنان صاف است‌که در هنگامی‌که درحلق جاری گردد گویا برف و قند است .
(محاسن اصفهان ص۵)

۱۰ ـ ابوالعباس احمدبن محمد (معروف به ابوجعفر جروائانی) بن علی جروائانی ازمحدثان و راوی از عمروبن علی وریاش وحسن‌بن عرفه و بیك واسطه شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۱۱ ـ ابوعبدالله حسین‌بن محمد مؤدب جروائانی از محدثان که از ابراهیم‌بن متویه روایت‌کرده است ودرسن شصت‌سالگی وفات کرد .
(ذکراخباراصبهان‌ج۱ ص۲۸۴)

۱۲ ـ ابوعبدالله محمدبن احمدبن اسباط جروائانی متوفی رجب (۳۰۸ ه . ق) وی شیخی ثقة بود ومحمدبن حیان ازاو وخود ازاحمدبن بدیل حدیث روایت میکرد .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۴۶)

۱۳ ـ ابوعبدالله محمدبن سلیمان‌بن عبدالله جروائانی از محدثان که معروف به وکیل بود ، الناس ازاو حدیث نقل میکرد ، ولی اُزخود اوحدیثی بیرون نیامده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۸)

۱۴ ـ ابوعبدالله محمدبن عبیدة‌بن‌یزیدبن عبیدة جروائانی متوفی (۳۰۱ ه. ق) از

ثقات محدثان که از سلیمان بن عمر بن الاقطع ومؤمل وابن عسکر ویوسف قطان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۳۸)

۱۵ ـ ابوعبدالله محمدبن نوح جروائانی ازمحدثان و حدیث ازبصریان نقل میکرد ویوسف مؤذن وعبدالله بن محمدبن جعفر ازاو حدیث نقل کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۱۶ ـ ابو عمروسعیدبن بشربن حماد قرشی جروائانی وی ازاهل فضل وپسرش ممشاذ از محاسبان اصفهان بود وی از مقری و خلاد و بکربن بکار و عاصم بن یوسف روایت میکرد وعبدالله بن جعفر ازاو روایت داشت .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۷)

۱۷ ـ ابوغسال یا ابومحمد رجاءبن صهیب جروائانی متوفی (۲۵۱ ﻫ.ق) واو است رجاءبن ابورجاء مؤذن مسجد فضل بن برغوث و وی از افاضل اهل اصفهان و مجاب الدعوة بود ، خود ازمحمدبن زنبور وابوعاصم نبیل وروح بن عبادة و بکربن بکار وسعیدبن عامر و یعقوب حضرمی وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵)

۱۸ ـ ابومسلم محمدبن بحر جروائانی مولود (۲۵۴ ﻫ.ق) ومتوفی (۳۲۲ ﻫ.ق) از کتاب ومترسلان وشعراء معاصرالمقتدربالله ومؤلف کتابهای : ۱ ـ جامع التأویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزلة ۲ ـ کتاب جامع الرسائل است . اومدتی ازطرف خلیفه عامل فارس بوده است .
(اخبارالوزراء والکتاب جهشیاری)

۱۹ ـ احمدبن یحیی بن حجاج جروائانی از محدثان پیش ازقرن پنجم که حدیث از شاذکونی و سهل بن عثمان و عمروبن علی که اخبار مجهول نقل میکرد حدیث گفته است و شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی بیك واسطه بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۱۷)

۲۰ ـ حافظ ابراهیم بن عمروبن حفص بن معدان جروائانی متوفی (۲۵۱ ﻫ . ق) از محدثان واز بکربن بکار وسلیمان بن حرب وعلی بن عبدالحمید ومحمدبن ابان وحسین بن حفص روایت میکند ، وهارون بن سلیمان ومحمدبن یحیی بن مندة ازاو روایت دارند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۱)

۲۱ ـ سعیدبن عطاءبن سعید جروائانی وی برادر حسن بن عطاء واز عامربن ابراهیم روایت میکرد واحمدبن حسین انصاری ازاو روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۹)

۲۲ ـ عبدالرحمن بن احمد جروائانی از محدثان بود ، احمدبن اسحاق از وی و خود از ابان بن شهاب روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۲)

۲۳ ـ عبدالله بن احمدبن خازن جروائانی وی ازخدام و خازن کتب صاحب کافی واز بلغاء وفصحاء وشعراء وادباء بود ازاشعار اواست :

کالغزال التفاتة و رنواً — والهلال استدارة و استنارة
فض تقصاره و حل حباه — و لوی صدغه و ارخی ازاره

بمعنی تل وپشته یا پستی وبلندی باشد وآن اخر بمعنی نسبت یعنی جای پستی و بلندی که بااین فرض محله مزبور درچنین جائی واقع بوده است[1] .

دوم اینکه جروائان معرب گروائان مأخوذ ازگوروائان باشد وگورهم جای پست ونهان راگویند وتقریباً با معنی اول متقارب است[2] .

واینکه‌گفتیم‌حروف‌آن برای‌نسبت است این‌وضع دراسامی واعلام‌جغرافیای اصفهان واطرافش‌که مربوط به‌پیش‌ازاسلام است زیاد دیده میشود چون:اشکهان ـ باطرقان ـ سنبلان ـ کمائان ـ خرجان ـ دلیجان = دلیگان ـ فرسان ـ یوان و غیر ذلك .

۵۱ ـ محله جرین :

این محله دارای بازاری بوده موسوم به سوق جرین‌که در نزدیکی دروازه‌ـ خور درمحله واذار واقع بوده و سالی دوماه ازروز نوروز درآن بازاری جامع تمام امتعه تشکیل میگردیده ومردم اصفهان دراین مدت بعیش و شادی می‌پرداختند و چون عضدالدوله درایام‌کودکی این بازاررا دیده بود هنگام پادشاهی‌خود درشیراز هم دستورداد دربازار امیر همین رویه را معمول دارند[3] . اما وجه‌تسمیه جرین‌که معرب‌گرین است بنظر میرسدکه تصحیف‌گران است وچون درآن‌بازارامتعه‌گران

→

یعنی مانند آهو درنگاه‌کردن وزیبائی وچون ماه نو درگردی ونورانیت‌بود، لباسهای کوتاه اورا درهم ریخت وجامه روی او را گشود ، و گونه‌اش را درهم پیچید و جامه‌اش را رها کرد . (معجم‌الادباء)

۲۴ ـ ممشاذ محمدبن سندیله‌نحوی جروائانی‌وی‌صاحب عربیت‌بودوحدیث ازمحمدبن بکیر وسهیل و شاذکونی نقل میکرد و نام سندیله پدرش عصام بود ، اسماعیل شروطی از او حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۲۵ ـ هیثم‌بن فورك جروائانی ازمحدثان وبرادر مادری عمران‌بن عبدالرحیم است که جماعتی ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۹)

۲۶ ـ یوسف‌بن مهران جروائانی وی ازاصحاب نعمان ویکی از ثقات بود . رسته و محمدبن عاصم ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۶)

۱و۲ ـ برهان قاطع درحرف کاف فارسی ص ۱۳۱۵ . ۳ ـ محاسن اصفهان ص۹۳ .

بهاءِ را میفروختهاند باین نام خوانده شده است[۱] .

۵۲ ـ محله جسر الحسین :

نام محلهای بوده که پل‌حسین درآن واقع بوده وازآن محله است ابراهیم بن علی بن الجسری راوی از ابوعمرو بن حکیم و طبقهاش[۲] .

۵۳ ـ محله جلفا :

این محله که درقدیم آنرا جولاهه میگفتهاند جزءِ بخش ۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده رود واقع شده و دارای کلیساهای معروف وانك و بیدخم وغیرآن میباشد وسکنه نخست آن ازجلفای روس باصفهان کوچ داده شدهاند ومؤسس این انتقال شاه‌عباس بزرگ بوده است[۳] .

ازجلفا مردان نامی هم برخاستهاند ونشان دادهاند که مردمانی وطن‌پرست وبکشور ایران علاقمندند[۴] .

۵۴ ـ محله جلك :

در معجم‌البلدان[۵] از ابوسعد بنقل ازتاریخ ابوبکر بن مردویه اصفهانی که

---

۱ ـ واحتمال هم داردکه جرین معرب ژیرین باشد که معنای زیرین را میدهد وبا این فرض استنباط میشودکه بازاری دربالا بوده است که آنرا بازار جرین یا ژیرین مینامیدهاند .

۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۰۳ ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ .

۴ ـ ازنامبرداران محله جلفاست که اکنون قصبهای بزرگ بشمار میرود :

۱ ـ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان‌بن یعقوب ارمنی جلفائی متوفی (۱۳۲۷ هـ . ق) از دانشمندان سیاس روزگار قاجاریه و مؤلف : ۱ ـ رساله کشف‌الغائب . ۲ ـ رساله رفیق و وزیر مطبوع در (۱۳۲۵ شمسی) . ۳ ـ رساله رسم‌الخط جدید . وی مدیرروزنامه قانون نیز بودکه چند شماره ازآن انتشار یافت . (تاریخ سرپرسی‌سایکس ج۲ ص۴۱۶)

۲ ـ فریدون‌بن میرزاملکم‌خان جلفائی متوفی (بعد۱۳۲۶هـ.ق) وی پسرمیرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله واز مورخان . اوراست : تاریخ گزیده دربیان وقایع‌تاریخی سلطنت شارل پادشاه انگلستان که جلداول آن باهتمام دکترجلیل‌بن عبدالباقی درسال (۱۳۲۶ هـ.ق) درپاریس به طبع رسیده است . (فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار ج۱ص۳۳۴)

۳ ـ دکتر تومانیانس جلفائی ازمعاصران ومؤلف کتاب بهداشت دراسلام .
(فهرست‌کتابهای چاپی فارسی ج۲ ص۱۸۹۲)

۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۵۵ .

گفته جلك بروزن جرذ گمان میکنم از دهات اصفهان است . ولی بنظر نگارنده چون در هیچ کجا چنین دیهی نه درگذشته و نه‌حال دراطراف اصفهان نبوده بیقین باید گفت که محله‌ای بوده است و این محله هم وسعتی داشته و مردانی از آنجا برخاسته‌اند[۱] .

۵۵ ـ محله جماله کله :

این محله جزء بخش۳ از محلات شمالی رودخانه زاینده رود میباشد و در شمال درب مسجد حکیم وتل عاشقان واقع است[۲] .

محله مزبوربمناسبت اینکه کدخدای آن مردی بنام جماله‌کله یعنی‌جمال شل بوده باین اسم خوانده شده است .

۵۶ ـ محله جو باره :

نام این محله بچندوجه خوانده شده است :

۱ ـ جوبره مخفف جوباره .

۲ ـ جویباره که ازلغت جویبار وجائی که‌درآن جوی آب روان باشدگرفته شده است[۳] .

۳ ـ جوبار و باین ترکیب محل دیگری هم غیراز جویباره اصفهان وجود دارد[۴] .

---

۱ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوصالح محمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن حفص جلکی که ازاحمدبن‌عصام روایت میکرد ومردی ثقه بود واحمدبن موسی‌بن مردویه ازاو روایت‌کرده است .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۲ ـ ابوالفضل‌عباس‌بن ولیدبن‌مرداس جلکی محدث‌که ازقاسم‌بن‌حکم عرفی‌واحمدبن یونس ضبی واصرم‌بن حوشب وقتیبة‌بن مهران روایت‌میکرده است .
(اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۳۳)

۳ ـ ابو یعقوب اسحاق‌بن اسماعیل‌بن موسی‌بن مهران جلکی متوفی(۲۷۹ هـ.ق)شیخی ثقة وازبصریان چون : ابوالولید وسهل‌بن‌بکار ومعاذبن‌اسد وابوالربیع واسماعیل‌بن‌ابی‌اویس وسعیدبن منصور وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۷)

۲ـ تاریخ‌اصفهان‌و ری ص۹۹. ۳ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۴ـ المشترك ص۱۱۰.

۴ ـ جوباره که مخفف جهودباره یا جویباره باشد وبهردووضع درست بنظر میرسد[۱] .

۵ ـ جهان‌باره که کنایه از باروی بسیار بزرگ میباشد و شاید از این نظر باشد که با روی طهمورثی و با روی علاءِالدوله و اشرفی در آنجا بیکدیگر اتصال یافته بوده است .

تحقیق موضوع اینستکه هنگامیکه یهودیان مهاجر وارد اصفهان شدند در محلی نزول کردندکه بعدهابزبان عبری‌آنجا رابنجار (یعنی فرود آئید) مینامیدند و چون اسلام در آنجا نفوذ یافت همانجا را یهودیه خواندند و زمانی که تسلط اعراب کاهش یافت مردم محل آنجا را بزبان خود جهودباره گفتند ودراثر کثرت استعمال به کلمه جوباره تبدیل گردید . آنچه معلوم است تا قرن پنجم نامی از جوباره در محاورات نبوده است[۲] و بعد متداول شده است . این محله‌که از شمال شهراصفهان بمشرق مایل است درقدیم بسیاروسیع و دارای ۹ محله تابع خود بوده است وسپس دراثر خرابی این محله سایر محلات تابع آن مجزا شده‌اند .

عده‌ای از دانشمندان وعلماء و شعراء باین محله منسوبند[۳] و مسجد جامع

---

۱ ـ جغرافیای‌اصفهان ص۳۲.   ۲ ـ کمال‌الدین اسماعیل گفته :

تاکه در دشت را چو دشت کند	جوی خون آورد به جوباره
عده مردمان بیفزاید	هر یکی را کند دوصدپاره

۳ ـ ازقدماء که منسوب باین محله‌اند چنین است :

۱ ـ ابوبکرمحمدبن‌احمدبن علی‌بن الحسین‌السمسار الجوباری‌النیلی متوفی بعد۴۶۵ هجری قمری از محدثان‌که حدیث از محمدبن ابی عبدالله‌بن دلیل‌الدلیلی و حرب‌بن طاهر و عبدالعزیز سبط احمدبن شعیب صوفی وغیرآنان استماع کرده است ، و در دینور نیز از ابو عبدالله‌بن فنجویه حدیث شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۲ ـ ابوالحسین احمدبن ابراهیم‌بن صالح‌بن منذر جوباری که حدیث ازاهل اصفهان وبغدادیها روایت میکرد. وی ازبندگان صالح‌بود وحدیث ازحسن‌بن‌محمدبن جبلة وابومحمد حرب‌بن محمد وغیرآنان شنید ـ اودرقرن پنجم میزیسته است. (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب)

۳ ـ ابوعبدالله قاسم‌بن فضل‌بن محمود ثقفی جوباری مولود (۳۹۵ یا ۳۹۷ هـ.ق) ومتوفی رجب ۴۸۹ هـ.ق) وی رئیس اصفهان و از محدثان و شجاعان و مبارزان و متمولان

←

قدیم یهودیه و بقعه باباقاسم و بقعه صاحب بن عباد و مناره ساربان و مناره‌های دارالضیافة وچهل دختران وقبر کمال‌الدین اسماعیل دراین محله واقع است .

بشمار میرفت‌وازشاگردان ابوالفرج ربضی وابومحمدبن جوآة وابوعبدالله‌جرجانی وابوبکربن مردویه وابومحمد کرخی دراصفهان واز شاگردان ابوالفتح هلال حفار و ابوالحسین بن فضل دربغداد واز شاگردان ابوعبدالله‌بن نظیف فراء درمکه معظمه و از تلامذه ابوطاهربن جحمش وابن بالویه ومحمدبن موسی صیرفی وابوبکرحیری وغیرآنان درنیشابور ونیزشاگرد عده‌ای ازاهل اصفهان بود . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۴ ـ ابومسعود عبدالجلیل بن محمدبن عبدالواحدبن کوتاه حافظ جوباری ازمحدثان که درقرن ششم میزیست واز اصحاب ابوبکربن مردویه روایت‌کرده وسمعانی نیزازاوروایت دارد اومردی متقن وحافظ و پرهیزگار بوده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۵ ـ ابوالمطهر عبدالمنعم بن ابی‌نقل احمدبن یعقوب‌بن احمدبن‌علی سامکانی جوباری محدث‌که حدیث از جدش یعقوب‌بن احمدبن علی سامکانی جوباری نقل‌کرده است .
(انساب سمعانی)

۶ ـ ابومنصور محمودبن عبدالمنعم‌بن ماشاذه جوباری مولود (۴۵۳ یا ۴۵۸ ه.ق) و متوفی (ربیع‌الثانی۵۳۶ یا ۵۲۴ ه.ق) ازاصحاب ابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد، وابوسعد سمعانی نیز ازاو روایت‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۷ ـ کمال‌الدین اسماعیل بن‌جمال‌الدین عبدالرزاق خلاق‌المعانی مقتول‌در(۶۳۵ه.ق) از مشاهیر شعرای فارسی زبان بودکه درآخر روزگار برطریقه سهروردی رفت وهنگام هجوم مغول درخارج اصفهان مقتول گردید . ازاشعار اواست :

کارم همه ناله و خروش است امشب	نه‌صبرپدیداست ونه‌هوش‌است امشب
دوشم خوش بود ساعتی پنداری	کفاره خوش‌دلی دوش است امشب

(گنج سخن ج۲ ص۹۹)

۸ ـ جمال‌الدین عبدالرزاق متوفی (۵۸۵ ه.ق) وی ازبزرگان شعراء فارسی‌گوی بود از اشعار او است :

بشنو از من نصیحتی که ترا	کار هردو جهان شود بنظام
بد نخواهی که باشدت هرگز	بد مکن خاصه با اولوالارحام
حق مادر نگاهدار و مترس	زایزد ذوالجلال والاکرام
کانکه با مادر و پدر بد کرد	نبود جز همیشه دشمن کام

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۱۴۸)

۹ ـ ملامحمد صالح بن‌ملامحسن‌بن فاضل‌سراب جوباری متوفی(غره‌محرم۱۲۸۵ه.ق) ازاحفاد فاضل سراب و از علماء و امام جماعت و مرجع ترافع بود ، ازکارهای خیر اوتعمیر

۵۷ - محله جورجیر :

محله‌ایست دراصفهان و درآن جامعی است و عده‌ای ازعلماء و محدثان بآن محله منسوبند[1]. وجامع جورجیر بطوریکه درجای خود شرح داده شده بوسیله صاحب‌بن‌عباد برروی خرابه مسجد دیگری بنا وهنگام بنای مسجد حکیم دراین محله جامع جورجیرمعدوم‌الاثرشده بوده است ولی اخیراً آثاری ازجامع‌جورجیر بدست آمده است شرح‌حال رجال و محدثان محله مزبور در شق ۱۲ بند ج گفتار دوم کتاب بیان گردیده است وموجبی برای تکرار نیست .

اماوجه‌تسمیه‌آن به‌جورجیر اصولاً کلمه‌جور دراسامی‌دهات‌ومحلات‌اصفهان زیاددیده میشودمانند: جور وجورتان وجار وجیران وجرین‌وچنین‌بنظر میرسدکه دراصل جیم آن کاف فارسی بوده ومعرب وتبدیل بجیم شده است و با این ترتیب میتوان گفت که جورجیر دراصل گورگیر بوده یعنی کسیکه کاراوگورگرفتن بوده یااینکه گور جای گودی بوده وچون آن محله چنین جائی بوده بااین‌نام خوانده شده و جزءِ دوم آن یعنی گیر یا مخففِ‌از گریوه است و با این فرض معنی هردو جزءِ پستی وبلندی خواهد بودکه دلیل آنستکه محله مزبور دارای پستی وبلندی بوده است و یا اینکه گیر تغییری نیافته باشد وبا این‌صورت از توابع خواهد بود مانند کیت وزیت و حیص و بیص و نظائـر آن . و ممکن است در اصل ژورژیر

→

مسجد شیشه‌گرها در محله جوباره در ۱۲۷۶ بوده است . ماده تاریخ تعمیر مسجد را پرتو شاعر چنین سروده است :

ساخت طاعتگهی برای عباد	صالح آن مقتدای شرع هدی
شد ز پرتو سئوال تاریخش	گفت : « قداسست علی‌التقوی »

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۰ ـ حاج میرزامهدی بن‌ملامحمد صالح‌بن ملامحسن‌بن فاضل سراب جوباری‌مولود (۱۲۶۱ هـ.ق) و متوفی (۱۳۲۵ هـ . ق) ازعلماء و فضلای جوباره اصفهان .

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۱ ـ زهرابیگم جوباری دختر سید صدرالدین‌عاملی وزوجه حاج‌میرزامهدی‌جوباری متوفاة (۱۳۲۵ هـ.ق) اززنان فاضل وعالم بنام بوده است . (رجال اصفهان ص۷۴)

۱ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۴۹ .

بمعنی رو و زیر باشد ودر تلفظ متمایل به جیم گفته شده است .

۵۸ - محله جوزدان:

طبق گفته یاقوت حموی[۱] جوزدان درقدیم الایام دیهی در دروازه اصفهان بوده است وعده‌ای ازعلماءِ ومحدثان نیز بآن منسوبند ولی در زمانهای بعد که اصفهان توسعه یافته جزءِ محلات شهر اصفهان گردیده‌است، واکنون جزءِ بخش ۱ ازمحلاتی است که آن طرف خیابان دور شهر افتاده است[۲] .

این کلمه درعرف محل گوزدان تلفظ میشود ومعلوم میگردد که در هنگام تسلط اعراب معرب و به جوزدان تبدیل یافته است .

گوز بمعنی گردکان ودان هم از دات ظرفیت است یعنی جای گردو وشاید در اعصارگذشته دراین محل گردو بعمل میآمده است[۳] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۸۳ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۳ ـ از رجال ومحدثان این محله است :

۱ ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن معمربن شریس جوزدانی متوفی (۲۶۴ ه . ق) جزء سه برادری بودکه کسی غیراو حدیث نگفت. عبدالله‌بن جعفر ازاوحدیث نقل کرده وخوداز شامیان هشام‌بن عمار وسلیمان‌بن عبدالرحمن وحوطی وطبقه‌شان وسهل‌بن عثمان وحانی وحامدبن‌یحیی وابن ابی‌السری ویزیدبن مؤدب‌الرملی روایت دارد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۸۵)

۲ ـ ابوبکر محمدبن‌علی‌بن احمدبن‌حسین‌بن بهرام جوزدانی متوفی(ذیقعده۴۴۲ه.ق) امام جامع عتیق اصفهان درایام تراویح بود ونیزاز مقریان و شاگرد حافظ ابوبکربن ابراهیم مقری‌دراصفهان‌وشاگرد ابوطاهرمخلص وابوحفص‌عمربن‌شاهین‌دربغداد بود، وابوزکریا بن‌مندة وعده‌ای دیگر ازاو حدیث شنیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۵۱)

۳ـ ابوصالح‌عبیدالله‌بن‌محمدبن احمدبن‌فیار جوزدانی متوفی(پیش از۳۶۰ ه.ق) وی باابومحمدبن‌حیان شبهای‌جمعه سالهای‌بسیارمجالس وهم‌نشین‌بود، وازصوفی‌احمدبن‌الحسن‌بن عبدالجبار وبغدادیان واصفهانیان حدیث شنید . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۰۴)

۴ ـ ابوعبدالله محمدبن ممشاذبن‌خزیمة جوزدانی وی بطرسوس منتقل‌گردید وهمانجا وفات کرد او قرائات ابوحاتم را گرد آورد وکتابهای شافعی را بواسطه ربیع نوشت . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۰۷)

۵ ـ ابوعبدالله محمدبن هارون جوزدانی ازمحدثان و شیخی متدین وفاضل بود و به مجلس بزار رفت وآمد داشت. ابومحمدبن حیان از او وخود از حسن‌بن عرفه حدیث روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۸)

←

۵۹ ـ محله‌جوی شاه :

این محله جزءِ بخش ۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع گردیده است[۱] .

۶۰ ـ محله جیران :

در المشترك[۲] یاقوت و نیز دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] جیران بفتح‌جیم وکسر یاء و جیران بفتح جیم وسکون یاء ازدهات درب دروازه اصفهان معرفی‌شده و اکنون نیز جیرانی از دهات جی‌باقی است ولی از خلال اخبار مربوط بگذشته اصفهان برمیآید که محله‌ای هم‌که مجاور آن ده بوده جیران خوانده میشده است و عده‌ای از محدثان و دانشمندان باین محله منسوب بوده‌اند[۴] .

→

۶ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن منصور جوزدانی متوفی بعداز (۳۶۰ هـ . ق) از محدثان که ازابن‌منیع وابن سکن ومحمدبن سهل‌بن‌الصباح وولیدبن ابان روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۹۲)

۷ ـ ابومسلم طاهربن محمدبن عبدالله‌بن حمزة جوزدانی از احفاد ابومسلم معروف بخراسانی . (محاسن اصفهان ص۲۵)

۸ ـ ام ابراهیم فاطمه دخترعبدالله جوزدانی مولوده (۴۳۴هـ.ق) ومتوفات (۵۲۴هـ.ق) از محدثات که شیخ حدیث اسعدبن ابی‌الفضایل محمودبن خلف عجلی اصفهانی متوفی (۶۰۰ هـ.ق) بوده است . (روضات‌الجنات ص۱۰۱)

۹ ـ محمدبن علی جوزدانی ازعلمای قرون سوم وچهارم وازشاگردان‌عمربن‌عبدالعزیز اسواری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۱۰ ـ ملااسدالله‌بن ملامحمدعلی جوزدانی متوفی (۱۳۲۳ هـ.ق) ازعلماء ودانشمندان ومؤلف کتاب جواهرالایمان بفارسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱۱ ـ حاج فتح‌الله جوزدانی واقف سنگاب مسجد آقا میرزا محمدهاشم چهارسوئی در (۱۲۸۰ هـ.ق) . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۴)

۱۲ ـ حاج محمد صادق بزرگ الوارساکن محله جوزدان اصفهان در(۱۲۹۳هـ.ق) . (جغرافیای اصفهان ص۱۳۶)

۱ ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۸ . ۲ـ المشترك ص۱۱۷ . ۳ـ اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۲۶۲ . ۴ ـ ازمحدثان ودانشمندان منسوب به‌محله جیران است :

۱ـ ابوبکرعمربن احمدبن محمدبن‌سهل تمیمی جیرانی فرسانی متوفی ۲۳ ربیع‌الاول (۳۷۷ هـ.ق) وی در محله جیران فرسان جی سکونت داشت و از ابوالبشر احمدبن محمدبن

←

عمر مروزی حدیث نقل میکرد ، وابوبکربن مردویه ازاو حدیث روایت میکرد .
(انساب سمعانی)

۲ ـ ابوبکرمحمدبن عبدالرحمن بن احمد جیرانی ازمحدثان که ازابن محمویه عسکری حدیث نقل کرده است
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۱۰)

۳ ـ ابوزفر هذیل بن عبدالله ضبی ابن قدامة بن عامر بن حشرج بن خولی بن فضلة بن ظالم بن غضبان بن تمیم بن ثعلبة بن ذویب بن سید بن مالك بن بکر بن سعد بن ضبة بن ادبن طابخة بن الیاس بن مضر جیرانی متوفی سال (۳۲۲ ه.ق) وی از محدثان جیران اصفهان بودکه خود ازاحمدبن موسی وابومحمدبن حیان ازاو روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۰)

۴ ـ ابوالعباس احمدبن محمدبن سهل بن مبارك معروف به ممجمة بزارمعدل جیرانی متوفی (۳۰۶ ه . ق) از محدثان ثقه که از لوین و حمیدبن مسعدة وعمروبن علی ومحمدبن عیسی المقری وابومسعود روایت میکرد .
(المشترك ص۱۱۷)

۵ ـ ابوعبدالله محمدبن ابراهیم بن ابان مکتب جیرانی متوفی (۲۷۸ ه . ق) از ثقات محدثان که ازحسین بن حفص وبکربن بکار وحاتم بن عبیدالله حدیث نقل میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۰)

۶ ـ ابومحمدابن الجیرانی ازاهل علم وصلاح بود و ابن ماکولا گفته که من درقریه فردوزان اصفهان ازاو حدیث نوشتم و آن حدیث ازاملای ابوعبدالله جرجانی ازابوالخیربن زرا فردوزانی امام جامع اصفهان بود .
(اللباب فی تهذیب الانساب ج۱)

۷ ـ افندی میرزا عبدالله بن عیسی بیك بن محمد صالح بیك بن حاج شاه ملاولی بیك بن حاج میرمحمدبیك ابن خضرشاه جیرانی مولود حدود (۱۰۶۶ ه.ق) ومتوفی حدود(۱۱۱۰ ه.ق) ازعلمای فاضل ومتبحر و صاحب تألیفات رشیقه چون : ۱ - الاجازات . ۲ - الامان من النیران . ۳ - الانفعالیة . ۴ - بساتین الخطباء . ۵ - تفسیر سوره واقعه . ۶ - ثمارالمجالس . ۷ - جاماسب نامه . ۸ - حاشیه برآیات الاحکام . ۹ - حاشیه بر مختلف علامه . ۱۰ - حاشیه شرح مختصرالاصول . ۱۱ - روضة الشهداء . ۱۲ - ریاض العلماء وحیاض الفضلاء .
(مصفی المقال ص۲۴۰)

۸ ـ جمال الدین بن محمدقاسم جیرانی از بزرگان علماء و منشی اجازه نامه ملامحسن فیض برای سبط برادرش هادی بن مرتضی درسال (۱۱۲۴ ه.ق) . (الذریعة الی تصانیف الشیعه)

۹ ـ شیخ یوسف بناء از عرفای بزرگ اصفهان که مقبره‌اش در مجاورت چهارسوق نقاشی درمحله جیران واقع ودرزمان ریاست هیئت علمیه مسجد شاهیان دراصفهان ازبین رفت.
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۱۰ ـ محمد ممجه ابن ابراهیم جیرانی متوفی (۳۰۶ ه.ق) وی از محدثان وحدیث از بکربن بکار نقل میکرد و آخرین کسیکه از او حدیث گفته ابوبکر قباب اصفهانی و احمدبن ابراهیم اصفهانی است .
(اللباب فی تهذیب الانساب ج۱ ص۲۴۴)

۶۱ - محله چرخاب :

این محله جزءِ بخش چهار ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱] .

۶۲ - محله چلمان = چلمون = چنبلان[۲]:

همان محله‌ایست که امروز آنرا سنبلستان مینامند و آن دروسط شهراصفهان متمایل بغرب واقع است .

۶۳ - محله چنارسوخته :

از محلات معروف اصفهان است[۳] .

۶۴ - محله چهار باغ بالا :

ازمحلات جزءبخش ۵ واقع درجنوب رودخانه زاینده رود میباشد[۴] .

۶۵ - محله چهار باغ کهنه :

این محله جزءِبخش۱ از محلاتی است که در شمال زاینده‌رود واقع شده و چهارباغ عباسی و مدرسه چهارباغ وهشت بهشت دراین محله واقع شده است[۵].

۶۶ - محله چهارسو شیرازیها :

این محله جزءبخش۱ ازمحلات واقع در شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد و چون در این محله چهارسوئی واقع شده که بانی آن قطب‌الدین علی باب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ ﻫ . ق) بوده به محله چهارسو نامیده شده و چون شیرازیها در آنجا سکونت داشته‌اند کلمه شیرازیها هم بآن اضافه گردیده است[۶] .

این محله بعد از صفویه رونقی بسزا داشته و مردمـانی عالم و دانشمند از

→

۱۱ - میرزا عیسی بیك‌بن محمد صالح بیك‌بن حاج‌میرمحمدبیك‌بن خضرشاه‌جیرانی اصفهانی متوفی (۱۰۷۴ﻫ.ق) وی درجیران درمحله شیخ‌یوسف بناء منزل داشته واواست پدر صاحب ریاض‌العلماء وخود از بزرگان علماء ومؤلف‌الحواشی علی‌الکتب‌الاربعة است .
(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۲ ص۵۸۷)

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .　　۲ - نصف جهان ص۲۵

۳و۴- تاریخ‌اصفهان و ری ص۱۰۰ .　　۵ - تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۸ و۹۸ .

آن برخاسته‌اند که نام آنها درتاریخ مدون گردیده است[1] .

۱ ــ ازعلمائی که باین محله منسوبند عده‌ای‌را در ذیل مینگارد :

۱ ــ حاج میرزا زین‌العابدین بن سیدابوالقاسم خوانساری چهارسوئی مولود ذیقعده (۱۱۹۲ ه.ق) ومتوفی نهم‌ربیع‌الثانی (۱۲۷۵ ه. ق) ازبزرگان علماء ومؤلفان ومجتهدان واز تألیفات او است : ۱ - شرح معالم‌الاصول . ۲ - شرح زبدةالاصول شیخ بهائی . ۳ - رساله‌ای درقواعد عربیه . ۴ - رساله اجماع . ۵ - تداخل اسباب . ۶ - رساله نیت . ۷ - احباط وتکفیر . ۸ - نوادرالاحکام . ۹ - تعارض حقیقت مرجوحه و مجاز را جح . ۱۰ - حواشی برکتب علامه . ۱۱ - دیوان اشعار . (رجال اصفهان‌ص۷۶)

۲ ــ میرزا ابراهیم‌بن سیدمحمد صادق‌بن میرزا زین‌العابدین خوانساری چهارسوئی مولود پانزدهم رمضان سال (۱۲۶۹ ه.ق) ومتوفی بیست‌وسوم ربیع‌الاول (۱۳۳۱ ه.ق) وی برادرزاده صاحب روضات‌الجنات وازعلماء وفضلاء وائمه جماعت بود و پس‌ازوفات درتکیه صاحب روضات درتخت فولاد مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۹۶)

۳ــمیرزا محمدباقربن زین‌العابدین‌موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌صاحب‌روضات مولود بیست‌ودوم صفر سال (۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی هشتم جمادی‌الاولی (۱۳۱۳ ه.ق) از عالمان و رجالیان بزرگ قرون‌سیزدهم وچهاردهم وبرادر میرزا محمدهاشم چهارسوئی معروف است .

وی‌صاحب تألیفات رشیقه ومورد توجه اعلام است . علاوه برمقام علمی وادبی وزهد و تقوی واصالت خانوادگی صاحب طبع وقاد درشعر عربی وفارسی بوده . ازمؤلفات اواست :

۱ - روضات‌الجنات فی فضائل‌العلماء والسادات در رجال که مرجع مؤلفان است . ۲- اسباب‌البلایا . ۳- احسن‌العطیة . ۴ــقرة‌العین . ۵- رساله ضروریات . ۶- رساله ضروریات دین و مذهب . ۷ - شرح حدیث حماد . ۸ - فضیلت نماز جماعت . ۹ - منظومه عربی دراصول . ۱۰ - رساله امربمعروف ونهی‌ازمنکر . ۱۱ - تسلیة‌الاحزان. ۱۲- مجالس درمصیبت. ۱۳- قصاید عربی درتحیت براهل‌بیت . ۱۴- حواشی برقوانین. ۱۵ - حواشی برشرح لمعه .

وی ازشاگردان شیخ‌محمدتقی وآقا میرسیدمحمد شهشهانی ونیزازعلمای نجف وکربلا و اصفهان و شیخ محمدبن‌شیخ علی‌بن‌شیخ جعفرکبیر و شیخ قاسم نجفی و صاحب ضوابط و آقا میرسیدحسن مدرس اجازه داشتند . پس از وفات درتخت فولاد مدفون وتکیه او معروف است . (تذکرةالقبور ص۹۶)

۴ ــ میرزا محمدهاشم‌بن میرزا زین‌العابدین‌بن ابوالقاسم جعفربن سیدحسین موسوی خوانساری چهارسوئی مولود (۱۲۳۵ ه.ق) ومتوفی هفدهم رمضان (۱۳۱۸ ه.ق) ازفقهاء و اصولیان و در رجال علامه و استاد بسیاری از علماء از آن جمله شیخ نوری و شیخ‌الشریعه اصفهانی وصدر بود وخود ازمحضرشیخ‌مرتضی‌انصاری وسید صدرالدین عاملی استفاده کرده وازتألیفات نامبرده است :

←

۶۷ ـ محله چهارسو کوچك :

اینمحله جزءبخش ۱ ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[1].

→

۱ـ اصول آل‌الرسول . ۲ـ الاربعین . ۳ـمبانی‌الاصول. ۴ـالفوائدالرجالیة.
۵ـ شرح مشیخهٔ فقیه. ۶ـ الاستصحاب. ۷ـ رساله در قرائت مطبوع. ۸ـ احکام‌الایمان
(رساله عملیه) . (مصفی‌المقال ص ۴۹۰)

۵ ـ میرزا هدایت‌الله‌بن میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوئی مولود بیست و هفتم جمادی‌الثانیه (۱۲۷۱ ه.ق) متوفی دوم شوال (۱۳۴۵ ه.ق) از علماء و فضلای اصفهان بود ودر تاریخ فوت اوچنین سروده‌اند :

ازل ثلثاً صار تاریخ فوته : «لقد افجع‌الاسلام موت‌الهدایة»

(رجال اصفهان ص۹۸)

۶ ـ میرزاعطاءالله‌بن میرزا محمدباقرموسوی چهارسوئی مولود بیست‌ونهم‌ربیع‌الاول (۱۲۶۶ ه.ق) و متوفی ششم جمادی‌الاولی (۱۳۳۵ ه. ق) وی ازعلماء و فضلاء و مؤلف فهرست روضات‌الجنات است . (رجال اصفهان ص ۹۸)

۷ ـ میرزامحمدهاشم روضاتی‌ابن جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزامحمدباقرصاحب روضات‌الجنات مولود (۱۳۱۹ ه.ق) و غریق در کوفه در (۱۳۵۶ ه.ق) ازعلماء برجسته و محشی مغنی‌اللبیب درنحو . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۸ ـ سید صدرالدین‌بن سید علی‌بن سید محمد باقر خوانساری چهارسوئی صاحب روضات‌الجنات زنده درسال (۱۳۴۸ه.ق) ازعلماء ومؤلف رسالهٔ نورالایمان دراحکام‌اجماعی و احتیاطی . (فهرست استان قدس ج ۵ ص۶۳۵)

۹ ـ میرزا احمدبن محمدباقر موسوی خوانساری چهارسوئی‌ابن میرزا جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزا محمدباقر صاحب روضات مولود (۱۳۴۷ ه . ق) ازعلماء معاصر و از تألیفات اواست : موقظ‌الاعلام در سه مجلد . (مصفی‌المقال ص۶۴)

۱۰ ـ سیدمحمدمهدی‌بن سیدمحمد موسوی خوانساری چهارسوئی‌مولود(۱۳۲۹ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۸ ه.ق) ازعلماء وازشاگردان شیخ‌حسین‌بن عبدالکریم رشتی واز تألیفات اواست: ۱ـ احسن‌الودیعة. ۲ـانوارالکاظمیة. ۳ـمتمم‌جنات‌الخلود. ۴ـ مصباح‌الوصول الی علم‌الاصول . (اعلام زرکلی)

۱۱ـ سیدابوتراب‌بن سیدابوالقاسم موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌مولود (۱۲۷۱ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۶ ه.ق) ازعلماء ومؤلف : الدرالنضید فی شرح‌التجرید در کلام است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۶۸ـ محله حسن آباد :

حسن آباد درقدیم وپیش از صفویه دیهی نزدیك شهر اصفهان[۱] ، بوده است و سپس که دهات نزدیك شهر باصفهان وصل شده حسن آباد نیز جزءِ محلات آن شده بطوریکه دراوائل قرن چهاردهم ازمحلات اصفهان درنزدیکی پل خاجو بوده است[۲]. ازمحله‌مزبوردرزمانهای گذشته عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان برخاسته‌اند[۳].

۶۹ـ محله حسین آباد طوقچی :

دراطراف شهراصفهان دو حسین آباد وجود دارد یکی جزءبخش۱ ازمحلاتی که درجنوب رودخانه زاینده‌رود ودرحومه شهر واقع شده است و عده‌ای از علماءِ هم بآن منسوبند[۴] ودیگری حسین آباد طوقچی‌است‌که درنزدیکی دروازه طوقچی وجزءِ محلات شهر محسوب میشود[۵] .

---

۱ ـ المشترك ص۱۳۳ .　　۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ .　　۳ـ ازمحدثان ودانشمندان محله حسن آباد است:

۱ ـ ابوالحسن بن‌عیسی حسن آبادی ازمحدثان قرون سوم وچهارم هجری که در محله حسن آباد میزیسته است .　(محاسن اصفهان ص۳۰)

۲ ـ ابوطاهر عبدالکریم بن عبدالرزاق‌بن عبدالکریم بن عبدالواحدبن محمدبن‌سلیمان حسن آبادی متوفی بعدازسال (۵۰۰ هـ.ق) وی حدیث ازپدرش عبدالرزاق وابوبکرباطرقانی ونیز ازعراقیان شنیده وجماعتی بسیار ازاو روایت کرده‌اند .　(معجم‌البلدان ج۲ص۲۶۰)

۳ ـ عبدالکریم مکشوفی ابن‌عبدالواحدبن محمدبن سلیمان حسن آبادی وی صوفی و محدث بود وبعراق وشام سفرکرد وحدیث ازابوالشیخ‌حافظ وابوبکربن‌منده شنید وابومحمد نخشبی ازاو حدیث شنید .　(اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ص۱۷۴)

۴ ـ ابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم‌بن محمدبن عبدالرحمن‌بن محمدبن سلیمان‌الوفاء حسن آبادی متوفی (۴۶۹ هـ.ق) وی محدث وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد ومردی فاضل بود .　(اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ص۲۹۹)

۵ ـ ابوالفتح عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمد حسن آبادی متوفی (۴۸۴ هـ.ق) ازخانواده حدیث وتصوف بود و از ابوبکربن مردویه روایت داشت ، و حافظ اسماعیل‌بن فضل ازاو روایت میکرد ، ودرعراق وجاهای دیگر حدیث شنید وپرحدیث بود . پسرش ابوطاهر نیز ازاو روایت میکرد .　(المشترك ص۱۷۳)

۶ ـ ابوالمظفر حسن آبادی از شعرای فارسی زبان قرن پنجم هجری است که درمحله حسن آباد اصفهان میزیسته است .　(محاسن اصفهان ص ۳۳)

۴و۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷۰ ـ محله حصار پشت مسجدشاه :

این محله ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است ومسجدشاه دراین محله است[۱] .

۷۱ محله خابجان = خاوجان = فابجون = خوابجون :

این محله معروف بسرقبرآقا است که درشمال محله دردشت واقع گردیده وقبور امام‌جمعه‌های اصفهان درآنجا است .

۷۲ ـ محله خرجان :

درمعجم‌البلدان[۲] . خرجان بروزن درمان وهم بروزن جبران خوانده و در اللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] گفته شده‌که‌مردم‌محل آنرا خورجان میگویند وبسیاری ازعلماءِ بآنجا منسوبند ، ودرتاریخ اصفهان و ری گفته ممکن‌است‌خارجان‌یا جرگان جی باشد[۴] . برخی خرجان را از قرای اصفهان[۵] . و بعضی دیگر از محلات اصفهان دانسته‌اند[۶] .

تحقیق اینستکه در زمان قدیم جزءِ دهاتی بوده‌که نزدیک دروازه شهرواقع میشده وسپس که شهر روبتوسعه گذارده از محلات متصل باصفهان شده است . در هرحال محله بزرگی بوده وعده‌ای ازمحدثان وعلماءِ بآن منسوبند[۷] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ .
۲ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۳ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۴۱۰ .
۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۶ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۷ ـ کسانیکه باین محله منسوبند بشرح زیراست :

۱ـ ابن‌تانه ابونصر محمدبن عمربن محمدبن‌عبدالرحمن خرجانی‌مقری متوفی چهارم رجب(۴۷۵ ه.ق)وی شیخی‌صالح وثقه‌بود ودربغداد ازابوعلی‌بن شاذان واقران او ودراصفهان از ابوبکربن مردویه و طبقه او استماع حدیث کرد ، و در اصفهان مجلس املاء هم داشت . ابوسعدگفته اسماعیل‌بن محمدبن‌فضل وابونصر احمدبن‌محمدغازی از وی‌حدیث نقل کرده‌اند. (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۲ ـ ابوبکر محمدبن ادریس خرجانی از محدثان که حدیث از ابوحامد علی‌بن احمدبن‌الحسین خرجانی روایت میکرد . (اللباب ج۱ ص۳۵۳)

۳ ـ ابوبکر احمدبن حسین‌بن محمود بزادابن علی خرجانی از محدثان را وی از

←

پسر برادر ابوزرعة وابوالاسود وغیرآنان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۸)

۴ ــ ابوجعفر محمدبن ابراهیم بن حسن فرایضی خرجانی از فقهای عالم وفاضل بود وبرمذهب شافعی میرفت او درخرجان ازابن غیلان وابوالقاسم عبدالله بن محمد بغوی و اقران او حدیث نقل میکرد . (انساب سمعانی)

۵ ــ ابوجعفر محمدبن یزیدبن مالك ضبی خرجانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازمشایخ ثقه وحدیث ازمحمودبن غیلان وحسین بن حریث ومحمدبن ابان بلخی ورازیان نقل میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲۱)

۶ ــ ابو حامد معافر احمدبن محمدبن حسین بن ابراهیم بن کوشیذ خرجانی متوفی بعداز (۳۶۰ ه.ق) وی ازعبدان وابن زهیر وغیرآنان روایت کرده است ، وابوبکربن مردویه ودیگران ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۵۹)

۷ ــ ابوحامد علی بن احمد بن محمدبن حسین خرجانی محدث که از ابواسحاق ابراهیم بن احمدبن فراش مکی وپسرش و ابواحمد محمدبن محمدبن مکی خرجانی حدیث شنید ، وابوبکر محمدبن ادریس خرجانی وابوبکر خطیب بغدادی برسبیل اجازه ازاوروایت میکردند ، وابوالحسن احمدبن محمدبن معلم صوفی نقل کرده که کتابی بنام سفرنامه نوشته است . (اللباب ج۲ ص۳۵۳)

۸ ــ ابوالحسن علی بن حامد خرجانی متوفی (۳۶۵ ه.ق) از محدثان .

(لغت‌نامه دهخدا)

۹ ــ ابوسعید جبیربن هارون بن عبدالله معدل خرجانی متوفی (۳۰۵ ه.ق) از محدثان وی در ری حدیث ازعلی بن محمد طنافسی ومحمدبن حمید نوشت ، ودراستماع حدیث در ری با ابوحاتم وکبار همراه بود . هنگام مرگ فقط دارائی اوجای اقامت و پرده و دیگی بود . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۵۳)

۱۰ ــ ابوالعباس زیادبن محمدبن زیادبن هیثم خرجانی متوفی(۳۷۸ ه.ق) ازمحدثان که ازحسن بن محمد دارکی ومحمدبن حمزة بن عمارة وجماعتی دیگرحدیث نقل کرده است .

(ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۱ ــ ابومحمد عبدالله بن اسحاق بن یوسف خرجانی محدث که ازپدرش اسحاق و اواز حفص بن عمر عدنی روایت کرده‌اند ، وابوعبدالله محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی و عده دیگر ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (معجم البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۱۲ ــ ابوالحسن ضراربن احمدبن ضرار خرجانی وی محدث واز احمدبن یونس و او از ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی حدیث نقل کرده ودر مسجد جامع اصفهان نقطه‌ای است بنام ضرارآباد که ازمستحدثات جدش ضراراست ابوالحسن درقرن سوم میزیسته است.

(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۵۱)

۱۳ ــ محمدبن نصربن عبدة خرجانی متوفی (۲۵۲ ه.ق) ازمحدثان که از یحیی بن

۷۲ ـ محله خاجو :

این‌محله درقسمت غربی رودخانه زاینده رود واقع و از شمال شهر بجنوب میرود و با محله تلواژگون مجاورت دارد وپلهای خاجو و چهارباغ صدر را مجاور ودرمشرق چهارباغ صدر قرارگرفته‌است.[۱]

این محله اکنون جزء بخش ۴ ازمحلات واقع درشمال زاینده رود است[۲]. واما لفظ واملاءِ درست آن و وجه تسمیه‌اش در پیش اشاره‌گردید و خلاصه این‌که خا درلغت فارسی بمعنی‌گودال است و چون زاینده رود درنزدیکی‌پل خاجو گودی داشته آنرا خاجوی[۳] یعنی جوی گود نام نهاده‌اند و الا نام قدیم آن همان باغ کاران بوده است.

محله خاجو پیش‌ازصفویه ونیز درزمان صفویه درنهایت توسعه وجلال بوده ورجال وعلماءِ ومردان نامبرداری از آنجا برخاسته‌اند.

→

ابی‌بکر وداودبن ابراهیم حدیث نقل‌کرده است ؛ ومحمدبن یحیی‌بن مندة وپسرش عبدالله‌بن محمدبن نصر ازاو حدیث روایت‌کرده‌اند وخود و پسرش هردو موثقند.

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۹)

۱۴ ـ محمدبن‌ابونصرشجاع‌بن ابراهیم‌فتوانی‌حافظ خرجانی مولود(۴۶۰واند‌ه.ق) ومتوفی(۵۳۰واند ه.ق) ازمحدثان‌که درمحله خرجان سکونت داشت وازاینرو اورا خرجانی میگفتند، خود از ابومنصوربن بکرویه قاضی وتنی‌چند خبرشنید وبسیاری نیزازاوخبرشنیدند.

(انساب سمعانی)

اما وجه تسمیه خرجان درلغت‌نامه دهخدا گفته شده‌که دراصل خرگان بوده و این نکته درست بنظر میرسد ، پس‌ازاینکه این لفظ را معرب خرگان دانستیم اگرآنرا خرگان بروزن مژگان بخوانیم معنی اینستکه جای خورشید است و شاید این محله در همان جائی بوده که باب خور یعنی دروازه خور درقدیم بوده است . و اگر آنرا خرگان بروزن مردان تلفظ کنیم جای ونشیمن بزرگان معنی میدهد وشاید چنانچه گفتیم عده‌ای ازبزرگان محدثان وبخصوص ضرار خرجانی وابوسعیدبن جبیرکه مسجدش معروف است و از معاریف زمان خود بوده در این محله سکونت داشته‌اند . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحهٔ ۴۵ خرچان تعبیرشده‌که نتوانستم برای صحت آن مجوزی بدست آورم مگراینکه بمعنی کسیکه خر را میگرداند که عرقش سرد شود ویاآینکه مخفف خرچران باشد.

۱ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹

۳ـ فرهنگ دکتر معین.

این محله در قدیم مرکب از محله های باغات و باقلا فروشان وپا قلعه و حسن آباد وتلواسکان وخاجو بوده است . پیش ازصفویه این محله‌را بنام حسن آباد می نامیده‌اند وخارج شهر واقع بوده .

پس ازصفویه به محله خاجو خوانده میشده است وقسمتی‌راهم حسن آباد و باغات ودیگر نامها میخوانده‌اند. محله خاجو از دروازه حسن آباد شروع میشده و پس‌ازعبور ازخرابه‌های قصرشاه حسن بمدرسه‌ای بهمین‌نام میرسیده است که‌اکنون آنجا محل‌مدرسه صارمیه است وقبرشاه حسن نیز درآنجا بوده است.

دراین‌محله‌در دوران‌صفویه‌رجالی‌سکونت داشته‌وقصوری برپاکرده بوده‌اند، خاجوی کوچك که متصل‌بدروازه حسن آباد میشده‌مرکزقصورعده‌ای ازبزرگان‌بوده چون قصر قاضی‌معز وقصر حوابیگم که آن‌را قصر میرزا رضی‌نیز میگفته‌اند چه میرزا رضی‌شوهر حوابیگم بوده است ، ونیزقصر علی‌قلیخان وقصر میرکشیك‌بیك وقصرعلی‌بیك پسرعلیمرادخان حاکم قندهار .

بازارقدیم حسن آبادومسجد حمام درویشان ومسجد میرزا رضی دراین‌محله واقع بوده واین قسمت را بمناسبت وقوع قصر وحمام و مسجد میرزا رضی منشی‌-الممالك درآن ، قصر منشی خوانده‌اند .

بازارحسن آباد ازبازارهای طویل‌وروشن وبسیار زیبا بوده ودرآن دو چهار سوی بزرگ قرار داشته یکی چهارسوچوبی ودیگری چهارسوی اسفندیاربیك که چون‌دارای نقاشی‌هائی بوده به چهارسو نقاشی معروف شده است(۱) .

خاجوی کوچك تا حدود چهار باغ امتداد داشته و قصور میرزا طاهر ناظر وقایع‌نویس ونقاره چیان هندی وگاریچیان وحمام چادر دوزان دراین قسمت‌قرار داشته است .

چهارسونقاشی در مسیرخیابان شاه عباس قرارگرفته ولی چهارسو چوبی که اهمیت‌کمتری دارد باقی‌است .

۱ـ تاریخچه محله خواجو ازص۱۰ تاص۱۵

محله خاجوی بزرگ به صحرا منتهی میشده و قصر تفنگدار باشی و بازار مستوفی وخانه شیخ بهاءالدین محمد عاملی وآسیابهای آبی متعددی وغسالخانه در این‌قسمت قرارداشته وکاخ شیخ‌بهائی‌آخرین بنای‌خارج شهر این‌محله بوده‌است و ازآنجا تا دهکدهٔ شهرستان مزارع با صفا وبیشه محمد علی‌بیك پیوسته بوده است.

شاردن فرانسوی درسفرنامه خود نوشته :

محله خاجو درکوچه‌های‌آن نهرها جاری است واطراف آن درختان‌تنومند غرس‌شده واز اینرو مانند شهرهای هلند میباشد در این‌قسمت اصفهان کسی جز اشراف ساکن نیست و جزعمارات با شکوه ومجلل مشاهده نمیگردد.

درجای دیگر ازسفرنامه خودگفته : درمحله خاجو یکهزارو یازده خانوار ودوازده مسجد وبیست وپنج کاروانسرا و هشت باب مدرسه وبیست حمام و دوازده بازار قرار دارد.

ولی‌درهمین محله دراواخرسلطنت قاجاریه هزارخانه مخروبه وغیرمسکون ودویست وپنجاه باب خانه‌مسکونی‌وجود داشته است وبخوبی درجه تنزل وویرانی وآبادی‌آن معلوم میگردد.

در زمان صدراصفهانی متوفی(۱۲۳۹ هـ. ق) تعمیرات وعماراتی دراین محله بعمل‌آمده‌که ازاین‌قرار است :

۱- ایجاد چهار باغ خاجو معروف به چهارباغ فتح‌آباد[۱] یاچهارباغ‌نوکه‌از انتهای محله حسن‌آباد شروع شده و تانهر نیاصرم امتداد دارد. ودرکنارآن‌بسبك چهارباغ شاه‌عباسی‌باغهای باصفا و سردرها ومدرسه‌ها وحمامها بناشده است، مدرسه آن تاکنون باقی وازحمام آن‌اثری نمانده است.

۲- ساختمان عمارت بیگلربیگی روی‌پل خاجوکه درسال (۱۳۱۰هـ. ق) آن‌را خراب‌کرده‌اند.

مساجد واقع درمحله خاجو عبارت است از :

۱- تاریخچه محله خاجو ص۲۲

۱ـ مسجد میرزا اشرف ۲ـ مسجد پانارون ۳ـ مسجد خرابه ۴ـ مسجد چهارسو آجری ۵ـ مسجد رکن‌الملك ۶ـ مسجدحاج‌میرزا صادق‌جنب چهارسو آجری ۷ـ مسجدعلی‌اکبربیك معروف به‌مسجد آقاسید محمدلطیف ۸ـ مسجد فریدون ۹ـ مسجدکازرونی ۱۰ـ مسجد حاج منوچهرخان ۱۱ـ مسجد حاج مهدی معروف به مسجد ابراهیم زاغی.

تکیه‌هائی‌هم دراین‌محله وجود داشته‌که اغلب آن‌ها برای استفاده ازاراضی آن ازبین رفته است چون تکایای: بکتاش وعلی اکبربیك و تکایای موجود بشرح زیر است:

۱ـ تکیه میرزااشرف. ۲ـ تکیه حسن‌خاکی واقع درکوچه‌میرزاکریم. ۳ـ تکیه خاجو معروف به‌حسینیه صرافها. ۴ـ تکیه نایب‌جواد واقع در کوچه درویشان. ۵ـ تکیه نورباران آخر خیابان شاه‌عباس. در این محله چه قبل از صفویه وچه بعدازآن مدارسی برای تحصیل طلاب علوم دینیه تأسیس شده بوده‌که عده‌ای ازآن مدارس خراب واندکی هم باقی مانده است:

۱ـ مدرسه اسفندیاربیك معروف به انیس از بناهای اسفندیاربیك ندیم مخصوص شاه‌عباس متوفی (۱۰۲۳ هـ.ق) که ازبین رفته است.

۲ـ مدرسه اسماعیلیه واقع در کوچه قصرمنشی که تا کنون موجود است.

۳ـ مدرسه افتخارالملك در محله شیخ‌یوسف.

۴ـ مدرسه دده که محل آن درکنار خیابان ثریای فعلی بوده است.

۵ـ مدرسه ساروتقی که با خانه ومسجد اواتصال داشته و امروز معروف به مدرسه ثقة‌الاسلام است.

۶ـ مدرسه شاه‌حسن درجنب مقبره شاه‌حسن که ازبین رفته ومحلش حدود دبیرستان صارمیه درباغ نو بوده است.

۷ـ مدرسه شیخ‌یوسف درمحله شیخ یوسف‌که از بین رفته است.

۸ـ مدرسه محمدصالح درمحله شیخ‌یوسف‌که ازبین رفته است.

۹ ـ مدرسه صدر در چهارباغ خاجوکه دائر است .

۱۰ ـ مدرسه عربان نزدیك امامزاده احمدکه هنوزباقی‌است .

۱۱ـ مدرسه مریم‌بیگم که خراب وتبدیل بمدرسه جدید گردیده است[۱] .

امامزادگانی که در محله خاجوی قدیم مدفون شده‌اند بشرح زیراست :

۱ ـ امامزاده احمد که گویند فرزند علی‌بن امام محمدباقرعلیه‌السلام‌است وبرادرش دربارکرس یا بارکرسب مشهد اردهال‌مدفون‌است ونسب اورا نگارنده در باب امامزاده احمد شرح داده است .

۲ ـ بقعه باباعلمدار درکنار خیابان دلگشا . ۳ ـ امامزاده‌باقر درقبرستان قدیمی درکنارچهارباغ خاجو. ۴ ـ چهل‌دختران درنزدیکی بقعه شاه‌زید دروسط قبرستان قدیمی . ۵ ـ مقبره شاهزاده‌حسین . ۶ ـ شاهزاده ابراهیم واقع‌درقریه شهرستان چهارکیلومتری شرقی خاجوکه درقدیم منتهی‌الیه‌محله خاجوبوده است.

۷ـ و۸ـ بقعه امامزاده دوقلی در کنار خیابان شاه‌عباس . ۹ ـ بقعه شاه‌زید واقع دراراضی تلواسکان . ۱۰ ـ شاه‌سیدعلی دریکی از کوچه‌های جنوبی خیابان شاه‌عباس[۲] . ازاین محله علماءِ وشعراءِ وفضلائی برخاسته‌اند که قابل توجه بوده و اغلب تألیفاتی نیز داشته‌اند[۳] .

---

۱ ـ تاریخچه‌محله خاجو از ص۱۵ تا ص۲۸ . ۲ ـ تاریخچه محله خاجو ازص۲۸ تا ص۷۱ . ۳ ـ از نامبرداران این محله است :

۱ ـ ملااسماعیل‌خاجوئی‌آبن محمدحسین‌بن محمدرضابن علاءالدین محمدمازندرانی اصفهانی خاجوئی متوفی (۱۱۷۳ ه.ق) ازدانشمندان بزرگ ومؤلف : ۱ ـ رساله‌ابطال زمان موهوم . ۲ـ شرح اربعین شیخ بهائی . ۳ـ شرح مدارك . ۴ ـ فوائد رجالیه . ۵ ـ جامع‌الشتات. ۶ـ حاشیه برار بعین شیخ بهائی. ۷ـ حاشیه برآیات‌الاحکام اردبیلی. ۸ـ هدایةالفؤاد . ۹ ـ رساله امامت . ۱۰ ـ رساله حرمت‌غناء در رد بر ملامحمدباقر سبزواری . ۱۱ ـ رساله فارسی در رد برصوفیه . ۱۲ ـ رساله در مالایتم‌الصلوة . ۱۳ ـ رساله درتفضیل عید نوروز . ۱۴ ـ رساله دررضاع . ۱۵ ـ شرح‌دعای صباح. ۱۶ ـ رساله درفضل اولاد فاطمه علیهماالسلام . (تذکرةالقبور جزی ص۵۳)

۲ ـ ملاابوالحسن خاجوئی که درقرن سینزدهم میزیسته ازعلماء ومؤلف رساله‌ای در تجوید قرآن . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

←

۳ ـ ملامحمد صادق‌بن ابوالقاسم‌بن محمدباقر خاجوئی از علمای قرون یازدهم و دوازدهم ومؤلف کتاب حدایق‌المعارف فی‌طرایق‌المعارف که در (۱۱۰۸ ه.ق) تألیف گردیده است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۴ ـ میرزا کوچک خاجوئی وی از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۸۴)

۵ ـ میرزا ابوطالب خاجوئی ازعلماء بوده است .

۶ ـ آقا محمداسماعیل‌بن محمد جعفربن ملااسماعیل خاجوئی متوفی بیست‌وپنجم ربیع‌الثانی (۱۲۸۲ ه.ق) ازعلماء وحکماء بود وپس‌ازوفات درنزدیکی قبرجدش ملااسماعیل مدفون شد . کفاش درماده تاریخ اوچنین گفته :

حال کفاش بتاریخ وفاتش تو بگو «شد زدنیا سوی بستان‌جنان اسماعیل»

(رجال اصفهان ص۱۹۹)

۷ ـ میرزا اشرف ازعلماء وادباء و از ملازمان میرزامهدیخان اعتمادالدوله وزیراعظم اواخر زمان شاه‌عباس دوم وازسادات جلیل‌القدر وبانی آثارخیرازقبیل مسجد وحمام وحسینیه . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۸ ـ میرزا محمدباقر طبیب‌ابن حاج‌محمداسماعیل‌بن ابراهیم‌بن حسینعلی‌بن شمس‌علی پوده‌ای اصفهانی خاجوئی ازاطبای حاذق وازشاگردان حاج‌میرزا محمدباقرحکیمباشی‌متوفی (۱۳۲۷ ه.ق) . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۹ ـ میرزا کریم‌بن حاج محمداسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای اصفهانی‌خاجوئی از اطباء اوائل قرن‌چهاردهم . (تاریخچه محله خاجوص۷۶)

۱۰ ـ حاج‌میرزاعلی جراح فرزند حاج‌محمد اسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای ازجراحان . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۱۱ ـ میرزا محمدباقر بهاء تخلص ازشعراء ووعاظ وادباء متوفی اوایل‌قرن چهاردهم هجری. از اشعار اواست‌که در مرثیه سروده است :

مرحبا ای‌پیک خاص کردگارم جبرئیل مرحبا خوب‌آمدی بنشین‌کنارم جبرئیل

۱۲ ـ شیخ‌بهاءالدین محمدبن شیخ‌حسین‌بن عبدالصمد جبعی عاملی مولود چهارشنبه هفدهم ذی‌حجة (۹۵۳ ه.ق) ومتوفی شوال (۱۰۳۰ ه.ق) از اعلام و افاضل علمای زمان و ارکان دوران و شهرت او تمام عالم را فراگرفته بود تألیفاتش بسیار وکلماتش درربار همه ازدل برخاسته وعموماً بردل نشسته است پس‌ازوفات نعشش به مشهد رضوی حمل ودرآنجا مدفون گردید واکنون مزار عمومی است .

ازتألیفات اواست : ۱ ـ اثنی‌عشریات درطهارت و صلوة و صوم و حج و زکوة . ۲ ـ اربعین . ۳ ـ اسرارالبلاغة . ۴ـ جامع عباسی درفقه فارسی . ۵ ـ حبل‌المتین. ۶ـ حواشی برکتب عدیده. ۷ـ خلاصه‌الحساب . ۸ـ زبدة‌الاصول . ۹ـ صمدیه در نحو . ۱۰ ـ شرح صحیفه سجادیه . ۱۱ـ عروة‌الوثقی درتفسیر . ۱۲ ـ کشکول.

→

۱۳ ـ مشرق‌الشمسین . ۱۴ ـ مفتاح‌الفلاح . ۱۵ ـ تشریح‌الافلاك . ۱۶ ـ رساله اسطرلاب . ۱۷ ـ حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی . ۱۸ ـ رساله ارتفاع قله دماوند . شیخ بهائی با تمام فضایل طبع شعر نیز داشت و بتازی و فارسی شعر میسرود و نان و حلوای او معروف است . از اشعار او این رباعی ذکرمیشود :

رباعی

در میکده دوش زاهدی دیدم مست تسبیح بگردن و صراحی در دست
گفتم ز چه درمیکده جاداری گفت : ازمیکده هم بسوی حق راهی هست

(تاریخچه محله خاجو ص۷۷ ومجمع‌الفصحاء ج۴ ص۱۲)

۱۳ ـ سیدمحمدحسن مجتهد اصفهانی فرزند سیدمحمدتقی مستجاب‌الدعوة علامه‌فقیه عالم عابد مولود حدود (۱۳۰۵ ه.ق) ومتوفی (۱۲۶۳ ه.ق) ازشاگردان حاج‌محمدابراهیم کلباسی صاحب اشارات‌الاصول و از مجازان از سید صدرالدین عاملی و سید محمدرضابن بحرالعلوم ومیرزا محمدمهدی نایب‌الصدارة اصفهانی وملامحمدمهدی قمبوانی اصفهانی. از تألیفات اواست : ۱ ـ رساله درشرط ضمن‌العقد . ۲ـ رساله درشیربهاء . ۳ـ درمناسك حج . ۴ ـ در رد مظالم . ۵ ـ رساله دروجه اعجازقرآن . ۶ ـ شرح تهذیب منطق تفتازانی . ۷ـ یك دوره فقه استدلالی در۶مجلد . ۸ـ شرح ارشاد علامه‌حلی در۱۲مجلد بنام مهجة‌الفؤاد . (تاریخچه محله خاجو ص۷۹)

۱۴ ـ سیدمحمدتقی‌بن سیدمحمد سعید موسوی خاجوئی متوفی (۱۲۳۶ ه . ق) از علماء واتقیاء و ادباء بود و نزد حجة‌الاسلام رشتی و حاجی کلباسی محترم بود و میان مردم به مستجاب‌الدعوة شهرت داشت پس‌از وفات در جنب تکیه خاتون‌آبادیها در تخت‌فولاد مدفون گردید . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۵ ـ آخوند ملامحمدحسین‌بن ملامحمدجعفر فشارکی خاجوئی مولود آخر ذیحجه (۱۲۶۶ ه.ق) ومتوفی ۸ذیقعده (۱۳۵۳ ه.ق) ازعلمای اعلام که دراصفهان و عراق تحصیل کرده وبیشتر تلمذش ازمحضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی کربلائی بوده و پس‌ازفراغت از تحصیلات عالیه ووصول بمقامات شامخهٔ اجتهاد به‌اصفهان مراجعت ودرمحله خاجو ساکن و درمسجدحاج‌میرزا صادق‌امامت داشت وبعدهاعلاوه برامامت‌مسجد مزبور درمساجدمحله نیم‌آورد وجماله‌کله نیز امامت میکرد ولی تا پایان عمر در محله خاجو مقیم بود . اوراست حواشی برکتب علمیه ورسایل عملیه . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۶ ـ سید زین‌العابدین طباطبائی ابرقوئی خاجوئی متوفی هشتم‌صفر (۱۳۷۲ه.ق) عالم‌فاضل وزاهد ومحدث خبیرومتقی ازتلامذه مرحوم سیدمحمدباقردرچه‌ای وشیخ محمدرضا مسجدشاهی ومجاز ازجمعی ازعلماء بود. اوراست : ۱ - تریاق‌اعظم . ۲ـ ولایة‌المتقین، در فوائد تقوی وفضایل شاه ولایت مطبوع دردوجلد . (تاریخچه محله خاجوص۸۰)

۱۷ ـ ملامرتضی‌بن ملافتحعلی لنجانی خاجوئی متوفی هیجدهم شوال (۱۳۴۷ ه.ق)

←

۷۴ ـ محله خشینان :

این محله که بروزن مریوان تلفظ میشود وگاهی بضم‌خاءِ وزمانی خوشینان با واو گفته میشود از محلات قدیمی اصفهان است[۱] . اهل محل آن‌را خوشینان تلفظ میکرده‌اند و بنابراین باید گفت صحیح آن خشینان بضم‌خاءِ بوده است .

درتطبیق این محله قدیمی با وضع کنونی شهر اصفهان اختلاف است بعضی آنجا را بامحله[۲] احمدآباد تطبیق میدهند درهرحال چون اصفهان قدیم درحدود یهودیه و جی بوده باید محله مزبور را درهمان حدود دانست .

خشینان درابتدای امریکی ازدهات اطراف یهودیه بوده وبهمین‌جهت است که بعضی از نویسندگان آنجا را جزء قرای اصفهان و بعضی دیگر جزء محلات ، دانسته‌اند وهردودرست است، چه درابتداء دیهی جدا بوده وبتدریج که شهروسعت یافته دیه مزبور هم جزء شهرگردیده است .

این محله پس از انضمام به‌شهر اصفهان روز بروز بزرگتر شده و عده‌ای از محدثان ودانشمندان نیز ازاین محله برخاسته‌اند[۳] .

→

ازشاگردان حاج‌میرزا بدیع درب‌امامی وآقا سیدمحمدباقر درچه‌ای و ثقةالاسلام مسجدشاهی بشمار میرفت ودرمحله خاجو ساکن ودر یکی از مساجد محله امامت داشت تااینکه در سن متجاوز ازهفتاد بدرود حیات گفت . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۱۸ـ میرزا رضی‌منشی‌الممالک‌صدراعظم‌شاه‌عباس وشوهرحوابیگم‌متوفی(۱۰۲۶ه.ق) از صدور و بزرگان و اخیار محله خاجو بود و از آثار او است : ۱ - بازارمنشی . ۲- حمام‌منشی. ۳- قصرمنشی. ۴- قهوه‌خانه منشی . ۵-کاروانسرا منشی . ۶- مسجد منشی‌متصل بقصرمنشی که تاکنون بهمین نام باقی است . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۵ ـ ابوعبدالله شیخ‌محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بنای صوفی خاجوئی متوفی (۲۸۶ ه.ق) .

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص ۳۷۴ و اللباب ج۱ ص۳۷۶ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۸ . ۳ ـ کسانیکه بمحله خشینان منسوبند ازقرار زیراست :

۱ ـ ابویحیی غالب‌بن فرقد خشینانی‌راوی‌ازمبارک‌بن فضالة وعقیل‌بن‌یحیی‌واسماعیل‌بن یزید ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۷۴)

۲ ـ ابوشجاع ادریس‌بن عباس کرجی‌خشینانی وی شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی

←

۷۵ ـ محله خوز وخوزیون ودر خوزیان :

محله‌ای دراصفهان بوده‌که مردم‌خوزستان درابتدای امردرآن‌خانه داشته‌اند و اول کسیکه در آنجا سکونت اختیار کرد[۱] ، ابوالعباس معروف به‌ابن نجوکه احمدبن حسن‌بن احمد خوزی متوفی (۵۱۷یا۵۱۸ ه.ق) بود که در حدیث شاگرد ابونعیم حافظ اصفهانی بوده و آخرین کسی است که از او سمعانی روایت کرده است[۲] . ازاین محله دانشمندانی دیگر نیز برخاسته‌اند[۳] .

۷۶ ـ محله خیابان :

گویا محله‌ای دراطراف خیابان چهارباغ بوده است .

۷۷ ـ محله دارالبطیخ = دالبتی :

این محله جزءبخش۴ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع

→ بود . ازکرج باصفهان آمد ودرخشینان بماند و حدیث املاء میکرد .

(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۲۴)

۳ ـ ابوغسان احمدبن محمدبن اسحاق‌بن یزیدبن عجلان خشینانی از محدثان وداماد رجاءبن صهیب بودکه ازمکی‌بن‌ابراهیم واصمعی وفراء روایت میکرد وخود ازمشایخ‌ابونعیم اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۲)

۱ـ قاموس‌اللغة درلغت خوز . ۲ـ المشترك ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱- ابوالنصر احمدبن‌محمدبن ابی‌القاسم‌بن فلیزةامین‌خوزی اصفهانی متوفی چهارشنبه سینزدهم‌شوال (۵۳۱ ه.ق) وی درمحله خوزیان ساکن بود ودرآنجا حدیث‌ازابوعمروبن‌مندة وابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم حسن‌آبادی شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۰۴)

۲ ـ عبدان‌بن محمد خوزی ازشعرای معاصر ثعالبی است که برسیاق و روش شعرای مولد شعر میگفت واز پیشروان معاصران آن زمان بود . وی در حدود سالهای (۴۰۰ ه . ق) میزیست واشعاری بتازی ملیح میسرود وازاو است .

ترکنا لخوف‌الخیل دورنا   فلله صرف‌الدهر کیف ترددا

دهالیزناضاقت لخوف نزولهم   کأنا یهود ندخل‌الباب سجدا

یعنی برای ترس ازخیل سپاه خانه‌های خودرا ترك کردیم . پس قسم بخداکه چگونه روزگار در رفت‌وآمد است ودهلیزهای ما تنگ شد ازترس فرودآمدن آن سپاه ، مثل‌اینکه ما یهودانی هستیم‌که درحال سجده داخل در خانه میشویم . (اعیان‌الشیعه ج۲و۱ ص۱۹۰)

شده است[1] . این محله درقدیم از محلات فرعی جوباره و از محلات نعمتی خانه بوده است[2] . مقبره خواجه نظام‌الملك وعده‌ای دیگر ازپادشاهان سلجوقی دراین محله واقع شده است .

۷۸ ـ محله درب امام :

این محله همان است که بنامهای چملان وچملون ویا جمیلان ویا سنبلان ویاسنبلستان خوانده‌شده‌وازمحلات قدیمی اصفهان‌است[3] که درآن بقعه‌امامزادگان:

۱ ـ ابوالحسن زین‌العابدین علی بن نظام‌الدین احمدالابج ابن شمس‌الدین عیسی‌الرومی ابن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌ابن‌الامام‌الهمام جعفر الصادق .

۲ ـ ابراهیم بطحائی واقع است .

محله درب‌امام از محلاتی است‌که در ادوارگوناگون مردمانی نامدار ازآنجا برخاسته‌اند که ما هریك را درذیل نامهای مختلف آن محله شرح خواهیم‌داد[4] .

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۷و۱۰۰ . ۲ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ـ تذکرة‌القبور یا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ط .

۴ ـ منسوبان به‌محله درب‌امام بشرح‌آتی است:

۱ ـ ابوسعید امامی درب امامی از نویسندگان خط ثلث که در سال (۹۶۲ ﻫ . ق) میزیسته وکتیبه بقعه شاه‌حسن را نوشته است . (گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۸۸)

۲ ـ سیدامیر ابوطالب امامی درب امامی از علمای دولت شاه‌طهماسب صفوی و بعد اوبود ومدتی نیزتولیت مشهد امامزاده زین‌العابدین اصفهان واقع دردرب امام را داشت ولقب امامی ازاین تاریخ درخانواده اوادامه یافت . (اعیان‌الشیعه ج۶ ص۲۹۲)

۳ ـ میرزا محمدباقر امامی درب امامی متوفی (بعد از ۱۰۷۵ ﻫ.ق) از اولاد امامزاده زین‌العابدین وبرادرزاده شمسا ومیر سیدمحمدمستوفی موقوفات ممالك محروسه ودارای فضل وکمال وانسانیت وشریعت‌پروری بود ، دربدایت حال منصب احتساب خطه یزد واستیفای کل موقوفات باومحول بود ولی بعدازچندسال‌سمت اقضی‌القضاتی یافت، سپس در(۱۰۷۵ﻫ.ق) تقسیم وجوه مستحقان نیز باومحول شد . (جامع مفیدی ج۳ ص۳۷۵)

۴ ـ سیدرضابن سیدمصطفی توفیقی درب امامی اصفهانی که در صفر (۱۲۷۶ ﻫ.ق) میزیسته ازخوشنویسان خط نسخ بوده است .

(فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج۸ ص۷۰۲)

۵ ـ سیدحسین‌بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۱ ﻫ . ق) از شاگردان شیخ‌مرتضی انصاری که خط نسخ را نیز بسیار خوش مینوشته است .

(اعلام‌الشیعه ج۲ ص۳۸۴)

←

درب امام جزء محلات حیدری خانه بوده است .

۷۹ ـ محله درب دربه :

محله‌ای بوده که مدفن صاحب‌بن عباد در آن واقع شده است ومعنای آن در دروازه است[۱] .

۸۰ ـ محله درب دریچه[۲] :

این محله نیز ازمحلات قدیمی شهراصفهان است ودرزمانهای پیش‌ازمحلات تابع جوباره ودرعداد محلات نعمتی‌خانه بوده است[۳] .

۸۱ ـ محله درب‌دشت = دردشت = باب‌الدشت :

این محله نیز ازمحلات قدیمی اصفهان و جزء حیدری‌خانه و قسمتی از آن جزءبخش۲ وقسمتی دیگر جزءبخش۳ واز محلات واقع درشمال شهراصفهان است. مناره‌های دردشت دراین محله واقع شده است[۴] .

درمعجم‌البلدان نوشته شده که دردشت محله‌ایست دراصفهان وظاهراً منظور همان باب‌الدشت است[۵] . مؤلف‌اللباب فی‌تهذیب‌الانساب نیز گفته که دردشت محله‌ایست دراصفهان[۶] . ودرنصف جهان گفته : دردشت واقع است در مغرب شهر اصفهان[۷] .

→

۶ ـ محمد بدیع‌بن سیدمصطفی موسوی درب امامی متوفی ۲۱ شعبان (۱۳۱۸ ه.ق) ازبزرگان‌علماء وادباء وشعراء ومؤلفان وازخوشنویسان خط نستعلیق که ازنمونه خط اواست: کتاب زواهرالجواهر بهاءالدین محمد نائینی بتاریخ ۱۲۸۴/۱/۲۶ که جزء کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران موجود است . پس‌ازوفات درتکیه میرسید محمد شهشهانی دفن‌شد . (بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۰۰)

۷ ـ میرسید محمد درب امامی متوفی پانزدهم ذیقعدةالحرام (۱۳۵۹ ه.ق) از علماء وفضلاء وائمه جماعت . (رجال اصفهان ص۹۴)

۸ ـ میرمحمدحسین‌بن میرمحمدتقی موسوی درب‌امامی ازخوشنویسان خط نسخ‌ممتاز که در (۱۲۶۲ ه.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابخانه مجلس ج۲ ص۱۲۴)

۱ ـ ارشادکوپائی ص۵ . ۲ ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ . ۵ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص ۴۵۰ . ۶ـ [illegible] ج ۱ ص۴۲۰ . ۷ ـ نصف‌جهان ص۲۵ .

آنچه مسلم میباشد قدمت این محله است که نام آن از قدیم‌الایام متداول بوده وحتی دراشعار کمال‌الدین اسماعیل خلاق‌المعانی نیز آمده است ودرضمن نام عربی این محله که باب‌الدشت باشد نام عده‌ای ازمحدثان وبزرگان نوشته شد ودر ازمنه اخیر نیز کسانی ازآنجا برخاسته‌اند[1].

---

۱ ـ کسانیکه در ازمنه اخیر باین محله انتساب دارند بقرار زیراست :

۱ ـ نورالدین عبدالرحمن دردشتی جامی‌ابن نظام‌الدین احمدبن شمس‌الدین محمد دشتی اصفهانی‌جامی متوفی یازدهم محرم (۸۹۸ ه.ق) ازبزرگان علماء وعرفاء وشعراء وادباء و ازواست : ۱ - نفحات‌الانس . ۲ - لوامع . ۳ - شرح فصوص‌الحکم. ۴- شرح نصوص یا نقدالنصوص . ۵ - دیوان جامی . ۶ - تفسیرسوره فاتحه . ۷ - شرح‌چهل حدیث . ۸ - احادیث منقوله ازاباذر . ۹ - رساله درتوحید . ۱۰ - آداب حج . ۱۱ - ترجمه کلمات صوفیان بزرگ - ۱۲ - رسائل دراخلاق - ۱۳- شرح قصیده‌تائیه و میمیه و خمریه عمربن‌الفارض مصری . ۱۴ - نی‌نامه . ۱۵ - شرح رباعی امیر خسرو دهلوی . ۱۶- شرح بعضی ازرباعیات خود . ۱۷- رسائلی درعروض وقافیه‌ودرموسیقی. ۱۸ - شرح مفتاح‌الغیب . ۱۹ - شرح برکتاب‌کافیهٔ‌ابن حاجب درنحو . ۲۰ - مجموعه مراسلات ومنشئات . ۲۱ - رسالاتی درفن معما . ۲۲ - بهارستان . ۲۳- هفت‌مثنوی. ۲۴ - هفت اورنگ . ۲۵ - فاتحة‌الشباب . ۲۶ - واسطة‌العقد . ۲۷ - خاتمة‌الحیات . ۲۸ - سلسلة‌الذهب . ۲۹ - سلامان وابسال و بنابرقول سام میرزا ۴۶ کتاب و رساله و در مرآت‌الخیال ۹۲ کتاب ورساله ذکرکرده است .

ازاشعار اواست :

آنکه ناکس بود باصل سرشت — بتقالیب دهر کس نشود

(ازسعدی تاجامی ص۵۶۲ تا ص۵۹۷ وتحفه سامی ص۸۶)

۲ ـ ملاحاج محمدکریم متخلص به‌مجنون فرزند حسن دردشتی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۵ ه.ق) ازشعراء وصاحب دیوان بنام آشوب وازاشعار اواست :

شتاب عمرتو مجنون اگرچه پنهان است — شود ز سرعت و تعجیل آب جو واضح

(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة ج۱۰ ص۱۵۰۷)

۳ ـ ابومسلم عبدالرحمن بن محمدبن احمدبن سیاه‌دشتی مذکر متوفی (۳۷۶ ه . ق) ازمحدثان که ابوبکربن مردویه از او روایت کرده است . باغ احمدسیاه که تا زمان ملکشاه سلجوقی دائر بوده ازمستحدثات جداعلای اواحمدبن سیاه‌دشتی بوده‌است . ودرکلمه دردشت تاریخ وفات ابومسلم را (۳۴۶) گفته است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۵۶)

۴ ـ ملک‌المتکلمین حاج میرزا نصرالله بهشتی فرزند محسن دردشتی اصفهانی مولود (۱۲۷۷ ه . ق) ومقتول در اواخر جمادی‌الاولی (۱۳۲۶ ه. ق) وی از رجال روشن‌فکر و ←

۸۲ - محله درب کوشك = درکوشك :

این محله جزء بخش ۲ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وازمحلات حیدری خانه بوده است [۱] .

کسانیکه بعنوان دربکوشکی باین محله منسوبند :

۱ - ابوبکر نمیری محمدبن ثابت‌بن محمدبن سوار‌بن علوان درب‌کوشکی امام مسجد جامع اصفهان در درب‌کوشك ومردی سنی‌مذهب وفاضل ودرادب وشعر بارع وفصیح وکثیرالسماع و قلیل‌الروایة بود مسکنش درنزدیکی دروازۀ بخارا [۲] بود واز عبدالله‌بن محمدبن محمدبن فورك وابوبکر محمدبن ابراهیم‌بن‌المدینی و احمدبن‌عبدالله نهردیری روایت میکرد ویحیی‌بن مندة از او روایت‌کرده است [۳] .

۸۳ - محله درب مسجد حکیم :

این‌محله جزء‌محلات غربی‌ازشمال به‌جنوب اصفهان است وجزءِحیدری‌خانه محسوب میشده ومسجد حکیم‌داود دراین محله واقع گردیده است [۴] .

→

آزادیخواه صدر مشروطیت ایران وازخطباء ووعاظ فصیح‌البیان بود . درابتدای امردرفصاحت ازمحضر آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل‌کرد و از محضر سیدجمال‌الدین اسدآبادی کسب فیوضات نمود وتحت تأثیر افکار عالیه اوقرارگرفت ودر جرگه آزادیخواهان تهران وارد شد تا پس از چندسال کوشش مداوم بامر محمدعلیشاه قاجار درباغ شاه محبوس و سپس مقتول گردید . درابتدای کار چندسالی درهندوستان دست بانقلاب زد و باصفهان مراجعت کرد ودر اصفهان هم با مخالفت ظل‌السلطان روبرو گردید وناچار بمسافرت تهران شد‌که سرانجامش درپیش‌گفته شد .

(زندگانی ملك‌المتکلمین)

۵- دکتر سیدمهدی‌ملکزاده فرزندحاج‌میرزا نصرالله‌بهشتی ملك‌المتکلمین فرزندمحسن دردشتی اصفهانی متوفی‌دوشنبه سی‌ام جمادی‌الثانیه (۱۳۷۵ ه.ق) از پزشکان حاذق وفضلاء و نویسندگان ونماینده مجلس شورای‌ملی وسنا ازتألیفات او است : ۱ - تاریخ مشروطیت ایران درشش مجلد . ۲ - زندگانی ملك‌المتکلمین که درشرح حال پدرخودملك‌المتکلمین برشته تحریر درآورده است .

(زندگانی ملك‌المتکلمین)

و(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۱)

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ . ۲ - دروازه بخارا دروازه‌ای بوده در اصفهان‌که بخارائیهادر آن‌سکونت‌داشته‌اند. معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲. ۳- معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲.

۴ - تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۸۴ـ محله دروازه اشرف:

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ودرقدیم جزء نعمتی‌خانه بوده است[۱] .

۸۵ ـ محله دروازه دولت :

این محله که بدروازه دولت ومحله دولت هردومعروف است حدجنوبی نهر فرشادی است واین حد ازکناربازارچه بلند معروف تاپیش دروازه حسن‌آباد ممتد است . وحد شرقی آن ازدروازه حسن‌آباد و بازار ممتد است بطرف شمال تا پیش دروازه اشرف ، وحدشمالی آن از همان دروازه اشرف کشیده است بطرف مغرب تا پیش خیابان درکوشك ، وحدغربی آن خیابان درکوشك است ممتد پشت باروی اشرف چهارباغ کهنه عباسی تا پیش دروازه بازارچه بلند ، وتمام قصور و عمارات شاهی وباغات خاصه ومیدان نقش جهان وغیره ومسجد جامع‌عباسی‌وبعضی‌بازارهای جزءکه بعضی ازآنها ببازاربزرگ متصل وبعضی منفصل ازقبیل بازارقیصریه و بازار چیت‌سازهاوصباغان وزرگرها وشمشیرگران وبازارمسگرها وقنادیها وحمام شاه[۲] .

۸۶ ـ محله دروازه‌نو :

این محله همان محله آب‌بخشان است[۳] .

۸۷ ـ محله دشت عطاء :

این محله منسوب به ابـوزید عطاءِ خشك ابن‌السائب‌بن ابی‌السائب متوفـی (۱۳۰هـ. ق) اصفهانی است[۴] .

۸۸ ـ محله دیلمان :

بنابگفته حافظ ابونعیم اصفهانی[۵]. دیلمان ازمحلات خرجان اصفهان است وچندتن ازمحدثان بآنجا منسوبند[۶].

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹ .

۲ ـ نصف جهان ص۲۸.

۳ ـ نصف جهان ص۱۰۱ .

۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴ .

۵ ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۸۱ .

۶ ـ ازمنسوبان به‌محله دیلمان خرجان است :

۱- ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌یوسف دیلمانی‌خرجانی ازمحدثان که ازپدرش روایت ←

۸۹ ـ محله ذوالفقار :

متصل ببازاربزرگ ودرآن مسجد ومدرسه وحمام ذوالفقار واقع شده است.

۹۰ ـ محله ربض اصفهان :

این محله دراطراف اصفهان بوده وبشهراتصال داشته است وابوشکراحمدبن محمدبن علی ربضی که پیش‌ازقرن هفتم‌هجری میزیسته منسوب باین محله‌است[۱].

۹۱ ـ محله روشاباد[۲] = روشاباذ = دوشاباذ = دوشاباد :

درسال (۲۸۷ هـ.ق) نام محله‌ای دراصفهان بوده‌که احمدبن عمروبن‌ابی‌عاصم ضحاك شیبانی قاضی اصفهان در آنجا مدفون گردیده[۳]. و نیز شیخ یوسف بنای صوفی معروف[۴] وپسرش شیخ‌محمدنیای مادری ابونعیم واحمدبن یوسف بناء پسر دیگرش درآنجا مدفون و جزء خاجوی کنونی بشمار میرود.

→

میکرد وابوعمروبن‌حکیم شهرستانی وابواحمد وابومحمد وجماعتی ازاوحدیث نقل کرده‌اند.
(اللباب ج۱ ص۴۳۸)

۲ ـ اسحاق‌بن یوسف خرجانی دیلمانی متوفی (۲۴۵ هـ . ق) از ساکنان محله دیلمان خرجان اصفهان و ازمحدثان ثقه‌که حدیث از سفیان‌بن عیینه و حفص‌بن عمر عدنی وطارق‌بن عبدالعزیز مکی شنیده وعقیل‌بن یحیی و پسرش عبدالله ازاو روایت کرده‌اند.
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۶)

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۵ . ۲ ـ درذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ دوشاباذ بدال مهمله دراول‌آمده ولی درطرایق‌الحقایق وتذکرةالقبور روشاباد به‌راء مهمله آمده‌است وناچار باید گفته ابونعیم را مقدم داشت مگرآنکه اشتباهی ازناسخ شده باشد. ۳ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۴ ـ شیخ‌یوسف ازعرفای معروف قرن سوم وازنیاهای مادری ابونعیم ومجلسی بوده‌که سلسله طریقتش چنین است : شیخ یوسف ازشیخ‌ابوالعباس موسوس واو ازشیخ محمدبن اسماعیل مغربی واو ازشیخ ابوبکروراق واو ازشیخ ابوعبید بصری و او از شیخ عبدالله مکی واواز ابوعبدالله واوازفضل واوازاحمد واوازیحیی واواز ابوالحسین نوری واواز سیدرقة منصور واواز عمار واواز احمد واوازعاصم واوازابوتراب نخشبی واواز عمرحداد واوازیحیی‌بن معاذ رازی واواز حاتم‌اصم واواز سلیمان دارانی واو ازیزید بسطامی واو ازشقیق بلخی واو از معروف کرخی واو ازفضیل عیاض و او از ذوالنون مصری و او از ابراهیم ادهم و او از حسن بصری و او از امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام .
(طرایق‌الحقایق ج۲ ص ۱۵۱)

۹۲ ـ محله سرجوی رکن‌الملك :

از محلاتی است که نهر فرشادی پس‌ازعبور ازمدرسه چهارباغ ازآن محله میگذرد .

۹۳ ـ محله سرنجان :

در کتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب در جلد یکم صفحه ۵۴۲ حرف سوم نون نوشته شده درصورتیکه در کتاب معجم‌البلدان ج‌سوم صفحه ۲۱۸ سریجان بر وزن سلیمان مصغر سرجان بیان شده ودرذکراخباراصبهان ابونعیم نیز سریجان مسطور است . وبظن قوی صاحب اللباب دچاراشتباه شده وصحیح آن همان سریجان بیای مثناة منقوط ازتحت است وظاهر اینستکه معرب سریگان باشد و در لغت در اصل به‌جائی گفته میشده که لغزنده باشد . و اگر فرض کنیم که سرنجان بنون درست باشد معرب سرنگان خواهد بود[۱] .

۹۴ ـ محله سریجان :

این‌محله طبق‌گفته‌ابونعیم اصفهانی ازمحلات جزءِ مدینة(شهرستان) اصفهان بوده ومحدثانی نیز ازآنجا برخاسته‌اند[۲] .

۹۵ ـ محله سلطان سنجر :

این محله ازمحلات جزء جوباره ودرقدیم سکنه قابل‌توجهی داشته است[۳].

---

۱ ـ صاحب‌اللباب، ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن فاخررا سرنجانی دانسته وازمحدثان منسوب بآنجا آورده درصورتیکه اوچندتن دیگر را ابونعیم مردم سریجان بیاء شمرده است.

۲ ـ وازمحدثان آنجا است :

۱ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن فاخربن محمدبن‌یحیی فقیه سریجانی مدینی متوفی ربیع‌الاخر (۳۵۸ ه.ق) ازمحدثان که ازمنیعی وابن ابی‌داود ومحمدبن هارون‌بن‌حمید مجدر وبغدادیان وکوفیان وبصریان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۲۰۳)

۲ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن بشیر سریجانی اصفهانی از روات ومحدثان .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۱۶۴)

۳ـ ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن‌فاخرسریجانی‌معدل متوفی هفتم‌صفر(۴۰۵ه.ق) ازمحدثان که درعراق ازاحمدبن سلیمان نجار وجعفر خالدی ورازیان حدیث شنید .

(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۳۵۷)

۳ ـ نصف جهان ص۲۸ .

۹۵ ـ محله سلم :

بفتح اول و سکون دوم نام مردی است که دراصفهان دراوائل تسلط اعراب سکونت داشته واوراست باب‌سلم ونیز باغ‌سلم ودرلغت بمعنی دلوی است‌که یکدسته داشته باشد[۱] .

۹۷ ـ محله سنبلان :

بضم سین وسکون نون وضم‌باء موحدة وبعدش الف و در آخرش نون محله بزرگی است دراصفهان[۲] .

یاقوت در معجم‌البلدان گفته این کلمه (سنبلان) تثنیه سنبل و محله‌ای در اصفهان میباشد[۳] .

ابونعیم اصفهانی درکتاب ذکر اخبار اصبهان دریکجا گفته سنبلان از دهات متصل باصفهان است[۴] .

ودرجای دیگر گفته‌محله‌ایست دراصفهان[۵] . وگویا ازدهات متصل‌بشهربوده که بعد محله شهر شده است .

درتاریخ اصفهان و ری گفته شده که سنبلان همان سنبلستان امروزی است، که معروف میباشد[۶] .

این محله درقدیم سنبلان استعمال میشده وامروزسنبلستان گفته میشود و محل کنونی آن میان دردشت ودرب امام میباشد ولی دراصل چنبلان و یا چلمان ویا چلمون وبعضی گفته‌اند جمیلان بوده ودر زمان تسلط اعراب معرب گردیده و سنبلان خوانده شده و اینکه معجم‌البلدان آنرا تثنیه سنبل خوانده منظور وزن است نه مطابق وضع لغوی .

عده‌ای محدث هم باین محله قدیمی منسوبند[۷] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۴۰ . ۲ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۵۶۸ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱ . ۴ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹ . ۵ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۳۰۵ . ۶ ـ ذکر اخبار اصبهان و ری ص۴۱۰ . ۷ ـ از محدثان منسوب باین محله است :

←

→

۱ ــ قاسم بن ابی ایوب بهرام سنبلانی معروف به‌اعرج است وگفته شده که سعیدبن‌جبیر براو وپدرش درقریه سنبلان فرود آمد ودوسال بماند واحادیثی ازاوشنیدند : شعبه و هشیم و اصبغ بن زید از او وخود ازسعیدبن جبیر روایت میکردند وسعید از ابن عباس .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹)

۲ ــ ابوبکر احمدبن یحیی سنبلانی ازمحدثان که بدمشق وارد شد ودرآنجا حدیث از ابوعبدالرحمن هارون‌بن سعید راعی و ابراهیم‌بن عیسی اصفهانی روایت کرد ، ابراهیم‌بن عبدالرحمان‌بن عبدالملك‌بن مروان ازاو روایت میکرد .

(معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱)

۳ ــ ابوجعفراحمدبن سعیدبن‌جریربن یزید سنبلانی اصفهانی ازمحدثان که ازجریربن عبدالحمید وانس‌بن عیاض وابن‌مبارك وعبدالرحمان وعده‌ای دیگرنقل کرده وابونعیم‌اصفهانی نیز ازاو حدیث نقل کرده وی مردی ثقة بود ومحمدبن یحیی‌بن مندة اصفهانی که ازاهل‌بیت حدیث بود ازاو روایت دارد .

(اللباب ج۱ ص۵۶۸)

۴ ــ ابوعبدالرحمان خالدبن ابی‌کریمة سنبلانی از محدثان است که مردم محله سنبلان بود ولی ساکن کوفه شد . ابن‌عیینه ومسعر وثوری وشعبه ازاو حدیث نقل کرده‌اند .

(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۰۵)

۵ ــ ابوعلی حسن‌بن علی‌بن سعید سنبلانی جعفی یکی ازابدال بود و از ابومسعود و سهل‌بن‌عبدالله ابوطاهر روایت میکرد .

(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۹)

۶ ــ ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمان سنبلانی اصفهانی متوفی (۱۸۱ ه.ق) از محدثان وعم محمدبن سعیدبن‌الاصفهانی است که ازسهیل‌بن ابی‌صالح و ابواسحاق شیبانی و عطاءبن‌السائب و محمدبن عبدالرحمن‌بن ابی‌لیلی روایت دارد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۷ــ یحیی‌بن ابوعلی محمدبن‌سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی‌اصفهانی ازمحدثان که خود وپدرش درسنبلان سکونت داشتند وپسر ازپدر روایت میکرد وپدر چنانچه‌گفته شد ازسهیل‌بن ابی‌صالح وابواسحاق شیبانی ودیگران .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۸ ــ ابوجعفر محمدبن سعیدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن‌بن اصفهانی سنبلانی متوفی (۲۲۰ ه.ق) وی برادرزاده ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی بود که در کوفه سکونت کرد ودرآنجا معروف به حمدان بود. حدیث ازقاسم‌بن معن روایت میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۵)

۹ ــ ابوعمرعامربن‌اسیدبن واضح‌الواضحی‌سنبلانی‌امام مسجد ایوب‌بن زیاد وازوکیع و ابن عیینه و یحیی قطان و ابن‌مهدی و معتمر روایت میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۸)

۱۰ــ ابومحمددلیل‌بن‌ابراهیم‌بن دلیل سنبلانی ازقدمای محدثان‌اصفهان است ویادآوری شده که او سعیدبن‌جبیر را دراصفهان دیده وگمان کرده که اویکصدوبیست‌سال دارد . ابومحمد

←

۹۸ ـ محله سنگ تراشان[۱] .

این محله ازمحلاتی است که درجلفا وجود دارد وچون عده‌ای درآن محله سنگتراشی میکرده‌اند باین نام خوانده شده ودرهرحال بعد از صفویه نامگذاری شده است . ومردمان نامداری در دوره قاجاریه ازاین محله برخاسته‌اند[۲] .

۹۹ ـ محله سیچان :

این محله جزءبخش۵ ازمحلات جنوبی رودخانه زاینده‌رود میباشد ودرواقع از دهاتی است که بشهراتصال یافته است[۳] . ومعدودی ازسکنه‌آنجا قابل یادآوری میباشند[۴] .

از لوین و ابی‌الدرداء مروزی و دیگران روایت کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۲)

۱۱ ـ داودبن سلیمان سنبلانی وی از دیه سنبلان بود و علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را دیده است . این نکته را ابونعیم اصفهانی درکتاب خود بنقل ازحمزه اصفهانی گفته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۱)

۱۲ ـ عبدالله‌بن علی سنبلانی از محدثان که ازیحیی‌بن سعید قطان روایت میکرد ، و احمدبن عصام ازاو روایت دارد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۵۲)

۱ ـ زنده‌رود ج۱ ص۶۵ .	۲ـ کسانی‌که ازاین محله برخاسته‌اند :

۱ ـ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان فرزند یعقوب ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی مولود (۱۲۴۹ ه.ق) مطابق (۱۸۳۱ـ م) و متوفی (۱۳۲۸ ه.ق) مطابق (۱۹۰۸ـ م) از رجال نامدار ودانشمند ایران در دوران قاجاریه بود . وی سفارت ایران را در نقاط مختلف دنیا عهده داشت وازنویسندگان وروشن‌فکران بودکه شرح آن درمحله جلفا ذکرشده است .

۲ ـ فریدون‌بن ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی‌متوفی بعد (۱۳۳۶ ه.ق) فرزند ناظم‌الدوله که درمحله جلفا شرح حالش ذکر گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .	۴ ـ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ـ عبدالله‌بن محمدعلی سیچانی از خوشنویسان خط نستعلیق که در (۱۰۹۵ ه.ق) میزیسته است .
(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۲۱۲)

۲ ـ آقا عبدالمولی ـ مولی تخلص سیچانی اصفهانی ازشعراء معاصر شیخ‌علی‌حزین واز سادات واز مصاحبان میرنجات و میرزا نوری ودر عربیت دست داشت و خط شکسته را درست مینوشت . ازاشعار اواست :

تنها نه‌گل دراین باغ بوی وفا ندارد	گلزار هستی ما رنگ بقا ندارد
(صبح گلشن ص۴۲۳)

۱۰۰ ـ محله سیداحمدیان :

این محله درقدیم جزء جوباره وازمحلات نعمتی‌خانه[۱] بوده و از هنگامی که جوباره بخرابی گرائیده محله سیداحمدیان استقلال حاصل کرده است واکنون جزءبخش ۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۰۱ ـ محلهٔ سینه پائینی :

محله‌ایستکه قسمتی ازآن جزءِبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] .

۱۰۲ ـ محله شاه‌شاهان = شهشهان .

این محله پیش‌ازاینکه خانقاه و مدفن شاه علاءالدین در آن بناشود ظاهراً بهمان نام محله طوقچی یا حسینیه خوانده میشده و جزءِ آن محله بوده است . ولی پس از آنکه شاه علاءِالدین که از عرفاء و اقطاب بنام آن زمان بوده و او را عرفاءِ شاه‌شاهان میخوانده‌انـد در آنجا توطن کـرد بتدریج محله بنام او شهرت و انتساب یافته است . و کم‌بکم روبتوسعه و از محلات بزرگ اصفهان شده است . محله شاه‌شاهان یاشهشهان دراوائل قرن چهاردهم برمحله طوقچی هم برتری‌داشته وحتی کدخدای شهشهان کدخدائی طوقچی را نیز عهده‌دار بوده است[۴] . واکنون جزءِبخش ۳ محلات‌شمال زاینده‌رود است. ازاماکن تاریخی واقع دراین‌محله همان حسینیه‌شهشهان‌است که‌مدفن‌شاه‌علاءِالدین شده‌وازهرجهت موردتوجه‌باستان‌شناسان میباشد . این محله درادوار تاریخی ازقرن نهم ببعد رجالی ازآن برخاسته‌اند[۵] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ .　　۲و۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .

۴ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .　　۵ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ سلطان‌النقباء بالاتفاق، برهان‌نجباءالافاق،مقدم‌السادات، السعیدالشهیدالاعلی‌محمدبن محمدبن محمدبن یحیی‌بن محمدبن‌محمدبن حیدر بن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌قوام‌الشرف‌بن‌محمدبن قوام‌الشرف‌بن‌هادی‌بن‌اسماعیل‌بن‌حسین‌بن‌علی‌بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌عمر‌بن‌الحسن‌بن علی‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) شاه علاءالدین در رمضان (۸۵۰ ه.ق) در ساوه بامر شاهرخ‌بن‌امیرتیمور باتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر مصلوب گردید و بعدازهشتاد روز شاهرخ بمرد وسلطان محمد بهادر نعش اورا با احترام تمام باصفهان منتقل ودر حسینیه و ←

→
خانقاه او دفنش کرد و بر بقعهٔ او عماراتی ساخت و قرای درزبان و اصفهانك و قرائی دیگر را بر آن وقف کرد .
(ازسعدی تاجامی ص۶۵)

۲ ــ سیدمحمدبن عبدالصمد حسینی مدرس شهشهانی متوفی(۱۲۸۷ ه.ق)ازشاگردان صاحب ریاض‌المسائل وفرزندش سیدمحمد مجاهدوکلباسی واستاد فاضل‌اردکانی وازمدرسان قرن‌سیزدهم‌هجری واز تألیفات‌او‌است: ۱- انوارالریاض‌وانیس‌المتقین. ۲-رضوان‌الآملین. ۳ - رساله‌ای درارث .
(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۳ ــ سیدابوالحسن شهشهانی متوفی (۱۲۵۹ ه.ق) از اعلام و افاضل اصفهان بشمار میرفته است .
(اعلام‌الشیعه جزء۲ ص۳۱)

۴ ــ میرمحمد علی‌بن میرعبدالصمد حسینی شهشهانی متوفی (۱۲۶۵ ه.ق) ازعلماء و فضلاء وبرادر میرسیدمحمد شهشهانی بوده است .
(رجال اصفهان ص۵۹)

۵ ــ میرزا عبدالوهاب‌بن محمدامین‌شهشهانی‌متوفی‌بعد (۱۲۷۱ ه.ق) ازعلماء وفضلاء وریاضی‌دانان ومؤلف بحرالجواهر درسیاق .
(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۶ ــ ضیاءالدین شهشهانی ازخوشنویسان خط نستعلیق که درسال (۱۳۰۴ ه.ق) حیات داشته است .
(فهرست کتابهای خطی دانشگاه تهران)

۷ ــ میرزا عبدالغفارخان ازمؤسسان فرهنگ جدید در اصفهان ومؤسس مدرسه شرف ازمدارس جدید دراصفهان درقرن چهاردهم هجری .
(الاصفهان ص۶۴)

۸ ــ میرزا محمدجعفرحسینی شهشهانی ازاحفاد شاه علاءالدین شهشهانی ونیای‌اعلای حاج سیدحسین شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه.ش) از علمای معاصر حاج سید محمدباقر رشتی حجةالاسلام ومورد احترام و وثوق ومتولی قریهٔ اصفهانك در حومه اصفهان.
(رجال اصفهان ص۱۹۱)

۹ ــ میرزا ابوالقاسم لشکرنویس زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) وی از خانواده شهشهانیان ودرتهران سمت لشکر نویسی داشته است .
(جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۰ ــ میرزاابوالحسن مستوفی شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان وصاحب خط وقلم بوده است .
(جغرافیای اصفهان ص ۷۸)

۱۱ ــ میرزاابوتراب مستوفی‌شهشهانی ازخانواده میرزانصرالله مستوفی ــ سررشته‌دار ومستوفی بوده است .
(جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۲ ــ حاج‌میرزاهادی مستوفی متوفی‌پیش‌از (۱۲۹۳ ه.ق) از مستوفیان شهشهان بوده است .
(جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۳ ــ حاج‌میرزا اسدالله‌بن حاج‌میرزاهادی‌زنده در (۱۲۹۳ه.ق) مستوفی‌وسررشته‌دار.
(جغرافیای‌اصفهان‌ص۷۸)

۱۴ ــ میرزا احمد شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان شهشهان.

۱۵ ــ میرزاعلینقی‌شهشهانی سرسلسله‌مستوفیان شهشهان. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۶ ــ حاج سیدحسین‌بن یحیی حسینی شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه . ش) از علماء و رجال ایران واحیاء‌کننده موقوفات بقعه شهشهان

۱۰۳ ـ محله شروانشادان = شروانشاذان :

این محله درقرن سوم هجری درشهر اصفهان دائر بوده است[۱]. و بعضی ازمحدثان نیز باین محله منسوبند[۲].

۱۰۴ ـ محله شمس آباد :

این محله جزء بخش ۱ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳]. وعده‌ای ازمردان نامدار بآن منسوبند[۴].

۱۰۵ ـ محله شمیکان :

بفتح وکسر وبعد یاء کاف وآخرش نون محله‌ایست دراصفهان که عده‌ای از روات بآن منسوبند[۵]. ودراللباب گفته : بضم شین وفتح آن وکسر میم وسکون یاء

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۲ـ ازآن جمله است : ۱ ـ سعیدبن یحیی بن طویل سعدویه شروانشاذانی اصفهانی متوفی (۲۲۷ ه.ق) از راستگویان محدثان بود که از مسلم زنجی وابوبکربن عیاش وسلمة بن صالح روایت میکرد و درمحله شروانشادان سکونت داشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۵)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۴ ـ ازآن جمله است :

۱ـ میرزا ابوالقاسم شمس آبادی ازمستوفیان دیوان اصفهان که قبل از(۱۲۹۳ ه.ق) فوت شده ودرخط وربط شفیعای ثانی بشمار میرفته وکمالات وهنرهای دیگری نیز داشته است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۲ ـ میرزا احمدبن میرزا ابوالقاسم شمس آبادی صاحب کمالات در نویسندگی و مستوفیگری بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است . (جغرافیای اضفهان ص۷۹)

۳ ـ میرزااسماعیل بن میرزاابوالقاسم شمس آبادی متوفی بعد (۱۲۹۳ ه.ق) ازارباب کمال ومنشی باشی خاصه منوچهرخان حاکم اصفهان بوده وپسری بنام میرزا محمدعلی داشته که او نیز ازصاحبان فهم وکمال بوده ودرحیات پدر فوت شده بوده است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۴ ـ میرزا محمدحسن بن میرزا ابوالقاسم شمس آبادی صاحب کمالات و هنر و امین وظایف ومستمریات مشهد بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است .

(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۵ ـ میرزا محمدعلی مازندرانی شمس آبادی ازمترجمان جلددهم بحارالانوار مجلسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۵ ـ معجم‌البلدان ج ۳ ص۳۶۶ .

آخر حروف وفتح کاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان[1] . وابونعیم بضم شین وفتح‌میم وسکون یاء خوانده است[2] . درهرحال همانطورکه درمعجم‌البلدان گفته چندتن محدث نیز باین محله قدیمی که اکنون جزنام چیزی از آن باقی نیست منسوبند[3] .

۱۰۶ - محله شهیش = شئیش = اسفیس = اسفیش = شیش :

این محله همان محله اشکهان و جزء بخش۱ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[4] .

۱۰۷ - محله شیخ ابومسعود = درشیخ :

این محله ازطرف جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان وازمشرق به قبله دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه‌نو محدود میشده است وچهارسوئی هم‌نزدیک آن بوده که چهارسوی درشیخ نام داشته است . خانقاه و بقعه شیخ ابومسعود رازی وقبر ابونعیم دراین محله واقع و در قدیم از محلات بزرگ اصفهان بشمار میآمده است[5] .

۱۰۸ - محله شیخ سبنا = شیخ یوسف بناء :

این محله در خاجو واقع ودر قدیم آن را دوشاباد یا روشاباد مینامیده‌اند . مقبره شیخ یوسف بناء دراین محله بوده است[6] .

---

۱ ـ اللباب ج۲ ص۲۹ .　　۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۴ .　　۳ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ جعفربن ناجیة شمیکانی اصفهانی از محدثان که جماعتی از تابعان را درك و از ابوعطاءبن ابی‌رباح پرسش کرده وازنعمان‌بن عبدالسلام روایت دارد .　(اللباب ج۲ص۲۹)

۲ ـ قدامةبن میمون شمیکانی اصفهانی ازساکنان محله شمیکان واز روح‌بن‌مسافر که از طرف مادر جد عبداللهبن محمدبن زکریابن الصلت‌الفقیه‌الخطیب است روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴)

۳ـ هذیل‌بن فروخ شمیکانی اصفهانی محدث که ازسفیان‌ثوری ازمسئله‌ای درنمازپرسش کرده ودر نود سالگی وفات کرده است .　(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۳۶)

۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .　　۵ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۳ .

۶ ـ ذکر تاریخ اصبهان ج۱ ص۱۰۰ .

۱۰۹ - محله صالحان :

در معجم‌البلدان گفته : صالحان تثنیه صالح پیغمبر است و نام محله‌ای از محلات اصفهان که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۱] . بنظر نگارنده چون مردمان صالحی دراین محله ساکن بوده‌اند به‌این نام خوانده شده است . و در لباب گفته : صالحان محله بزرگی است دراصفهان[۲] . ولی اکنون ازمحله مزبوراثری نیست ولی همانطورکه یاقوت گفته علماء ومحدثانی باین محله منسوبند[۳]

۱۱۰ - محله طراز :

این محله که دراطراف باغ‌کاران وچهارباغ خاجو بوده[۴] . درزمان خود از محلات بزرگ بشمار میآمده است . در قاموس‌اللغة‌گفته : طراز بکسرطاءِ راه جامه

---

۱ - معجم‌البلدان ج۳ ص ۳۸۹ . ۲ - اللباب ج۲ ص۴۵ ۳ - از منسوبان باین محله است :

۱ - ابوبکر محمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی از محدثان که از جدش ابوذر روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۲ - ابوالحسین عبدالغفوربن عبدالله‌بن احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازمحدثان که ازعبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۳۲)

۳ - ابوذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن ابراهیم صالحانی متوفی ربیع‌الاول (۴۴۰هـ.ق) از وعاظ ومحدثان که حدیث ازابوالشیخ حافظ وغیر او نقل میکرد ونواده اوابی‌بکرمحمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی ازاو روایت میکرد (اللباب ج۲ ص۴۶)

۴ - ابوعبدالله احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازفقهای پرهیزگار ومتقی اصفهان . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۵ - ابومحمد عبدالله‌بن احمدبن ایوب صالحانی محدث‌که ازمحمدبن یحیی‌بن مندة روایت میکرد وابی‌بکربن مردویه ازاو . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۶ - ابونصر صالحانی از وزرای آل‌بویه (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۷ - حسین‌بن طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی صالحانی از محدثان متأخر . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۸ - سعیدبن طلحة‌بن‌حسین‌بن‌ابی‌ذرمحمدبن ابراهیم‌بن‌علی‌صالحانی‌متوفی (۵۳۲هـ.ق) از محدثان‌که خود نیز استماع حدیث‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۹ - طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌صالحانی متوفی (۵۱۵هـ.ق) از محدثان ومکثران درحدیث که درآخر عمر نابینا گردید . (معجم‌البلدان‌ج۳ ص۳۸۱)

۴ - تاریخچه محله خاجو ص۱۰ .

ومعرب‌تر ازاست و محله‌ای در مرو و نیز نام محله‌ایست در اصفهان . در سفرنامه ناصرخسرو[1] . هم ازمحلات پر ثروت و بزرگ اصفهان درآن زمان ذکر گردیده است . دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[2] . این محله را کوچه عنوان‌کرده وگفته است: ابوطاهرمحمدبن ابی‌نصرابراهیم‌بن مکی معروف به‌هاجرطرازی متوفی (۵۰۷ه.ق) ازمحدثان آنجا بوده وخود ازابومنصورشجاع وابوزید احمد پسران علی‌بن‌شجاع مصقلی و غیرآنان روایت میکرد و ابوسعد سمعانی از او. و در محاسن اصفهان[3] ابونصر طرازی را جزء شاعران اصفهان شمرده است. درمعجم‌البلدان پس ازآنکه گفته طراز در آخر اقلیم پنجم و از شهرهای ترکستان و نزدیک اسپیجاب است نوشته: ونیز محله‌ایست در اصفهان وشاید چون بازرگانان اهل شهرطراز ترکستان در آنجا اقامت میکرده‌اند باین نام خوانده شده است وابوطاهر نامبرده بالا را نیز ذکرکرده است[4] .

۱۱۱- محله طوقچی = تقچی = تخجی = دربه = دریه :

این محله همان است که به دربه یا دریه معروف وبقعه و خیابان صاحب‌بن عباد درآن واقع[5] . ودرمجاورت منار باغ قوشخانه میباشد .

درو جه تسمیه این محله به طوقچی ونیز املای آن اختلاف است ومعمول نویسندگان امروزی طوقچی است . در رساله‌الارشاد[6] . فی‌احوال‌الصاحب‌الکافی اسماعیل‌بن عباد درباب مدفن او چنین گفته :

«نعش صاحب باصفهان نقل شد ودرمحله معروف به‌باب دربه مدفون گردید»
«واز شهید ثانی نقل شده که مدفن اودراصفهان وقبرش نزدیک دروازه طوقچی در»
«مقابل مسجد (باباسوخته) است و نیز شهید ازابن‌خلکان نقل کرده که صاحب در»
«خانه خودش مدفون شد ونیز گفته‌که این دروازه را عموم‌تخجی میخوانند ووجه»
«تسمیه آنرا چنین بیان میکنند بعضی از حکام که باصفهان آمدند مردم آنجارا»

---

۱ - سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ . ۲- اللباب ج۲ ص۸۴ . ۳ - محاسن اصفهان ص۳۴ . ۴ - معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷ . ۵ - الاصفهان ص۱۸۵ .
۶ - رساله ارشاد ص۴۴ .

«مستجاب‌الدعوه شناختند وچون این‌نکته مانع مقاصد آنان بود ازتمام مردم شهر»
«خواستند که تخم‌مرغی بیاورند ونزدیك دروازه بگذارند، چون این‌کارانجام شد»
«وتخم‌مرغها مختلط شد دستور داد که هرکس تخم‌مرغ خود را بردارد ومردم هم»
«هرکدام تخم‌مرغی برداشتند وچون هرکسی مال‌دیگری را برداشته بودآن‌تخمها»
«مورد شبهه واقع ودیگر دعای‌آنان مورد استجابت نبود .» و چون تخم‌مرغها را روی هم چیده بودند آن دروازه را دروازه تخم‌چین خواندند و برحسب کثرت استعمال تخچی گردید و سپس آنرا معرب کرده طوقجی و تحریف کرده طوقچی خواندند. صاحب ارشاد درپایان ذکراین وجه تسمیه اظهارنظر کرده گرچه ممکن است مردم اصفهان مستجاب‌الدعوه بوده باشند ولی با اوضاع و احوال و گفته‌های شعراءِکه : بهشت روی زمین‌است خاك اسپاهان. بشرط‌آنکه تکانش‌دهند در دوزخ بعید بنظر میرسد .

۱۱۲ - محله طهران = طیران = تیران و آهنگران :

این محله که فعلاً درشمال‌شهراصفهان ونزدیك محله مورنان وآب‌بخشان ودر شمال خیابان فروغی واقع است در قدیم دیهی در نزدیکی دروازه شمالی شهر بوده وعالمان ومحدثانی نیز ازآن‌جا برخاسته‌اند . درکتاب معجم‌البلدان گفته[۱] : طهران بکسروسکون وراءِ وآخرش نون وآن فارسی است ومردم محل میگویند: تهران زیر اطاء درلغت فارسی نیست و آن دیهی در ری و دیهی دیگر در اصفهان است که عده‌ای از آن برخاسته‌اند . ودر المشترك[۲] . هم همین مضمون را تأیید کرده است . دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳]. گفته دیه بزرگی‌است دردروازه‌اصفهان که عده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۴] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲.   ۲ـ المشترك ص۲۹۸ .   ۳ ـ اللباب ج۱ص۹۴.

۴ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوبکر ابراهیم‌بن سفیان طهرانی محدث کثیرالحدیث که ازعراقیان واصفهانیان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۳)

←

۲ ـ ابوبکر ابراهیم بن سلیمان طهرانی محدث که حدیث ازابراهیم بن نصروغیراوشنید.
(المشترك ص۲۹۸)

۳ـ ابوبکرمحمدبن احمدبن محمود طهرانی متوفی (۴۳۲ ه.ق) وی درشیرازسکونت داشت ومردی پیر ومتجاوز ازنودسال داشت وحدیث از دارکی کبیروصغیرومحمدبن احمدبن مخلد فرقد روایت میکرد . وابوعبدالله قصار شیرازی ودیگران ازاو روایت میکردند .
(المشترك ص۲۹۸)

۴ ـ ابوبکرمحمدبن جعفرطهرانی محدث که ازاسماعیل بن یزید قطان کتاب ابراهیم بن اشعث را ازفضیل روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۶)

۵ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن عمرطهرانی مؤدب ازمحدثان که دربغداد ازابن سماك ونجار ونقاش حدیث نوشته وخود ازمشایخ حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۴۱)

۶ ـ ابوجعفر محمدبن محمدبن صخربن سدوس تمیمی طهرانی متوفی (۲۶۸ ه.ق) از محدثان که حدیث از حسین بن حفص و حمیدی ومقری ومحمدبن حرب وخلادبن یحیی و ابی‌عاصم وسلیمان بن حرب وغیرآنان روایت‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۴)

۷ ـ ابوالحسن علی بن رستم بن مطیار طهرانی متوفی (۳۰۳ ه. ق) وی از محدثان و ازخانواده رستمی و عم ابوعلی بن رستم که از لوین واحمدبن معاویة وجبر و عبدالله بن عمر برادر رسته وعقیل بن یحیی وطبقه‌اش ابراهیم بن معمرویحیی بن واقد ومحمدبن محمد وحسن بن علی بن عفان روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰)

۸ ـ ابوصالح عقیل بن یحیی بن اسود طهرانی متوفی رمضان (۲۵۸ ه.ق) از محدثان که حدیث ازیحیی بن سعید قطان وابوداود وابن عیینه وابن مهدی روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۴)

۹ ـ ابوالعباس احمدبن محمدبن احمدبن قاسم بن سهلویه طهرانی متوفی رمضان (۴۶۹ ه.ق) ازمحدثان که ازابوعبدالله بن مندة روایت میکند وابونصر احمدبن عمرمغازلی و ابوسعید احمدبن محمد بغدادی ازاوروایت دارند . (اللباب ج۲ ص۹۴)

۱۰ ـ ابوعثمان سعیدبن مهران بن محمد طهرانی از محدثان که از خوارزمی روایت دارد وشعاروعبدالرحمن بن سیاه ازاو روایت میکنند . اوبیك‌واسطه شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی است (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۳۰)

۱۱ ـ ابوالقاسم ناجیه‌بن سدوس طهرانی از محدثان که ساکن طهران بود واورا در آنجا اعقاب وخانه وضیاع مشهوراست ودهقانی با ثروت وصاحب ضیاع وعقاربزرگی بود. محمدبن احمدبن تمیم ازاو حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۲)

۱۲ ـ ابونصر محمودبن عمربن ابراهیم بن احمد طهرانی ازمحدثان‌که حدیث ازابن مردویه نقل میکرد و ابوالفضل مقدسی از او حدیث استماع کرده است .

(معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

۱۱۳ - محله طیرا[۱] = تیره :

این محله درقدیم در نزدیکی دروازه تیره که در مغرب شهر اصفهان بوده واقع میگردیده است ودانشمندانی نیز بآنجا منسوبند[۲] . درزمانی هم جزء دهات اصفهان محسوب میشده ولی پس‌ازتوسعه ضمیمه شهر شده است

۱۱۴ - محله ظله :

این محله ازجمله محلاتی است که اززمان صفویه ببعد دائرشده ودر اوائل قرن چهاردهم بویرانی کشیده شده بود ولی ازآن تاریخ ببعد بعمران وآبادی آن افزوده شده است . احتمال میرود ازظله عربی‌که بمعنی صفه وسایبان است گرفته شده باشد یعنی در دروازه ظله چیزی چون صفه و یا چادری بوده که واردان در هنگام گرما ونظائرآن ازآن استفاده میکرده‌اند .

۱۱۵ - محله عباس آباد :

این‌محله درزمان شاه‌عباس بزرگ‌احداث شده وعلت احداثش فزونی‌جمعیت بطوری بوده که بشاه گزارش دادند بیست‌وپنج‌نفر زن ومرد دریك اطاق میخوابند

←

۱۳ - علی‌بن یحیی طهرانی از محدثان که حدیث ازقتیبة‌بن مهران اصفهانی استماع کرد . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

۱۴ - محمدبن جعفربن احمد طهرانی از محدثان و از مشایخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲)

۱ - بروزن شیوا بکسراول وسکون ثانی . معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴ ۲ - ازمنسوبان بآنجا است :

۱ - ابوالعباس احمدبن محمدبن‌علی‌بن متته طیرانی که مسافرتی درطلب حدیث‌کرده وحدیث بسیار استماع ولی‌جزکمی حدیث نگفته است ازابوعبیدة عبدالله‌بن‌محمدبن‌الحسن‌بن زیاد جهرمی خود حدیث شنید وابوبکربن مردویه ازاو . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۲ - ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن احمدبن‌یزید انصاری طیرانی‌متوفی (۴۲۳ ه.ق) ازصلحای‌شیوخ وثقات وصاحب رأی واستواری دردین وپرکتابت وثابت‌قدم و نیکو تصنیف بود . یحیی‌بن‌منده در تاریخ اصفهان از او چنین یاد کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۳ - ابومحمد طیرانی ازمقریان قرون چهارم و پنجم هجری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

و شاه دستور داد که این محله را بنا کنند ولی بعدها در اثر حوادث افغان و غیره روبخرابی گذارد. محله عباس آباد درکنارشمالی رودخانه زاینده‌رود واقع وخانه‌های پشت مسجدشاه جزءِ محله مزبور بوده است . در این زمان محله مزبور درحال عمران وآبادی میباشد .

ازمحله عباس آباد نیزعلماءِ وشعرائی برخاسته‌اند[1] . دردوره صفویه‌محله‌ای بسیارآباد وبزرگ بوده است . وچون مردم تبریز را درآنجا سکونت دادند آنرا محله تبارزه وسکة‌التبریزیة نیز گفته‌اند .

---

۱ ـ ازمنسوبان به محله عباس آباد است :

۱ ـ میرزا محمدمهدی عباس آبادی تاجر وبانی مدرسه شمس آباد اصفهان که درسال (۱۱۲۵ هـ.ق) زنده بوده است .

۲ ـ میرزا مهدی الهی عباس آبادی شاعری خوش‌فکر و خوش‌خیال و بتحصیل علوم اشتغال داشت وخودرا در هرعلم متفرد میانگاشت . مولدش تبریز ولی درعباس آباد سکونت داشت . ازاشعار اواست :

سخت میترسم بحسرت انتظارم بگذرد — رفته باشم‌ازخودآن‌ساعت که‌یارم بگذرد
ایکه خاکم را بباد از جلوهٔ خودداده‌ای — آنقدر بنشین که از پیشت غبارم بگذرد

(صبح گلشن ص۳۵)

۳ ـ بهرام بیك‌بیانی فرزند نقدی‌بیك تبریزی عباس آبادی زنده در(۱۰۹۹ هـ.ق) وی ازمردم تبریز ولی‌ساکن عباس آباد اصفهان ومردی خاموش وآرام بود وخط نستعلیق‌را خوش مینوشت ، بهار بشغل کتابت ودرزمستان به پوستین‌دوزی مشغول بود ومنتی ازکسی نمیکشید. از اشعار اواست :

کیست‌ازما تنگ‌روزی‌تر که دائم رزق‌ما — آید از شق قلم یا دیدهٔ سوزن برون

(احوال خوش‌نویسان نستعلیق بخش۱ ص۱۰۲)

۴ ـ میرسیدعلی جواهر رقم فرزند میرزا مقیم تبریزی عباس آبادی از شاگردان میرزا ابوتراب رئیس‌الخطاطین است شاه جهان اورا از هند خواست و مدتی در هندوستان بسمت کتابداری مشغول و در سال سیصدتومان مواجب داشت. وی خط نستعلیق‌را مانند پدر نیکو مینوشت وازاین‌جهت در دربار صفویه‌مورد توجه بود، نامبرده ازاحفاد میرشاهمیر جد سادات طباطبائی تبریز که از زواره اردستان بآنجا مهاجرت کرده‌اند بشمارمیرفت .

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۷۱)

۵ ـ میرزامقیم جوهری‌بن میرزا علی‌اکبر عباس آبادی از زرگران و شعراء بود ودر محله عباس آباد سکونت میکرد . ازاشعار او است :

←

دلیل فائده خامشی بس است همین　　که چون زبان‌بگزیدی‌نمیگزد زنبور

(تذکره نصرآبادی ص۱۳۶)

۶ ـ حاج اسماعیل خـان تبریزی عباس آبادی از شعرای متصوف که چند نوبت به هندوستان سفر کرد ازاشعار اواست :

تا خاك نشین کوی دلدار شدم　　از لذت هردو کون بی‌زار شدم

چون موج بروی بحر میغلطیدم　　روداد کشاکشی و هموار شدم

(دانشمندان آذربایجان)

۷ ـ حاج عبدالمطلب بن محمدحسین عباس‌آبادی متوفی بعد (۱۲۷۷ ه.ق) ازعلمای قرن‌سینزدهم هجری وشاگردشیخ‌احمد احسائی‌در(۱۲۶۶ه.ق) واوراست : ۱-الحجةالبالغة بفارسی . ۲ - حجیةالمظنة بفارسی . ۳ - رساله‌ای در بداء . ۴ - تنبیه‌المقال .

(طبقات اعلام‌الشیعه ج۲ ص۷۹۴)

۸ ـ سیدعبدالله حالی تخلص عباس‌آبادی ازشعراء واز اشعار اواست :

طپد در سینه‌ام دل از خیال حلقهٔ زلفش　　چوگنجشگی که‌ماری‌گرددش‌درآشیان پیدا

(صبح گلشن ص۱۱۶)

۹ ـ میرزا ابوتراب حجاب تخلص عباس‌آبادی معاصر نادرشاه افشار از شعراء واز سادات ساکن‌عباس‌آباد ازاشعار او است :

زین پیش‌گردون ، درشیرمن خون　　میکرد و اکنون ، در باده‌ام خون

(تذکره روز روشن ص۱۹۵)

۱۰ ـ محمد امین خازن تخلص فرزند ضیاءالدین عباس‌آبادی جامع کمالات و از شعراء بود . چندی بشیراز توقف داشت وهمانجا فوت شد . ازاشعار اواست :

بود ز تنگی دل غنچه سان دل جمعم　　چوگل شکفتگیم باعث پریشانی‌است

(تذکره نصرآبادی ص۲۰۶)

۱۱ ـ میرزا شریف‌بیك خازن تخلص فرزند نوری‌خان عباس‌آبادی معاصرشاه‌سلیمان صفوی بود واز شعرای نامدار بشمار میرفت . ازاشعار اواست :

شد تازه آب گیری تیغ جفای او　　ممنون شدم زگریه بی‌اختیار خویش

(تذکره روز روشن ص۲۳۴)

۱۲ـ محمدرضا راضی تخلص‌عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباداصفهان وازشعراء وزرگران بود مدتی بهند رفت وسپس مراجعت‌کرد وبزرگری پرداخت و باز بهند رفت . از اشعار اواست :

رباعی

جان گر از سینه ما شاد برون میآید　　کی خیال توام از یاد برون میآید

بامیدی که بسرو قد او دل بندد　　قمری از بیضهٔ فولاد برون میآید

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۱۳ ـ رشید عباس‌آبادی ازشاعران وزرگران ومیناکاران و باصائب تبریزی معاصربود . ازاشعار اواست :

چو رفتم از سر کوی توغیر گلها چید — چو باغبان رود ازباغ مفت گلچین است

(تذکره روز روشن ص۲۹۲)

۱۴ ـ میرزا قاسم‌خان زاهد تخلص عباس‌آبادی ازاکابر شعراء ومعاصرشاه‌سلیمان بود. ازاشعار اواست :

میان کعبه و دل فرق این‌قدر باشد — که‌دل‌خراب‌چوگردید بیت معموراست

(تذکره روز روشن ص۳۲۳)

۱۵ ـ محمدقلی‌بیك شاکر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان واز ماهران در زرگری ونقاشی وازشعراء معاصر نصرآبادی بود وازاشعار اواست :

هجر هرچند که دل بیشترم میسوزد — در فنا وصل دو چندان قدرم میسوزد

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۲)

۱۶ ـ خواجه محمدصادق معروف به‌صادق عباس‌آبادی و متخلص به‌ناظم تبریزی از شعراء واوراست نظم‌گزیده که‌آنرا درسال (۱۰۳۶ ﻫ.ق) گردآورده وشاید همان‌تذکرةالشعراء باشد .

بطوریکه نصرآبادی نوشته هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (۱۰۸۳ ﻫ . ق) خواجه محمدصادق عباس‌آبادی بدرود زندگی‌گفته بوده است . از اشعار اواست :

آغوش گل زسینه چاکم نشانه‌ایست — دستان بلبلان ز سرودم ترانه‌ایست

خاشاك راه او كه به‌ژگان ربوده‌ام — از بهر مرغ دیده من آشیانه‌ایست

(تذکره نصرآبادی ص۴۱۱)

۱۷ ـ میرزا محمدرضا صدرالکتاب عباس‌آبادی متوفی (۱۱۱۸ ﻫ . ق) از شاگردان میرزا ابوتراب‌اصفهانی وازخوشنویسان‌بود. مهندسی کتیبه حیاط‌نو حضرت امام‌رضا علیه‌السلام ازاوست . نامبرده پس‌ازوفات درمزار تخت فولاد دفن گردید . (امتحان‌الفضلاء ص۳۳۶)

۱۸ ـ میرزاابراهیم عارف تخلص عباس‌آبادی ازشعراء و برادرمیرزاآقاسی‌عباس‌آبادی متوفی پیش‌از (۱۰۸۳ ﻫ.ق) وازاشعار اواست :

ازحوادث‌گردغم بنشست بررخسارما — پاسبان خانه شد کوتاهی دیوار ما

(تذکره نصرآبادی ص۴۳۱)

۱۹ ـ عارفا عباس‌آبادی از تبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان مردی آرام و وارسته و مصاحب صائب تبریزی وکاتب دیوان اوبود ، خود نیز شاعربود وشعر نیکومیگفت . زمانی قصد مسافرت‌بهندکرد چون بافغان‌رسید اموالش‌را بتاراج بردند ونادم‌شده باصفهان‌برگشت . از اشعار اواست :

دوران شراب محنت ودردم بجام ریخت — دندان شکوفه‌وار زباد زکام ریخت

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۰ ــ میرسیدعلی مشتاق عباس‌آبادی متوفی (۱۱۷۰ ه.ق) ازشعرای متأخر و استاد آقامحمد عاشق ورفیق ومیرزا صبوح واومعتقد بود که هرشاعر باید درغزل بسعدی ودرقصیده به‌انوری ودر رزم به فردوسی وبزم به‌نظامی ودرقطعه با بن‌یمین ودر رباعی به عمرخیام اقتدا کند. نمونه شعراواست :

روتافتم از دل بسراغ حرم دوست غافل که دراین‌خانه به‌آن‌خانه رهی هست

(تذکره روز روشن ص۷۳۸)

۲۱ ــ ملامحمدعلی مفرد تخلص فرزند محمدقلی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی ازشعراء و خوشنویسان خط نسخ ومردی درویش و مدارش بکتابت حدیث میگذشت و با مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود ازاشعار اواست :

کسی‌پا دره عشق توکافر کیش‌نگذارد من‌آنجا سرنهادم‌تا کسی‌پا پیش نگذارد

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۹)

۲۲ ــ مطیعا عباس‌آبادی ازاکابر عباس‌آباد بود وشعر نیکو میسرود وبا پسرخود از اصفهان به‌هند رفت ودرآنجا پسرش وفات‌کرد وخود به‌عباس‌آباد بازگشت. ازاشعاراواست :

با گرفتاری چنان سازم‌که درگلزارعشق می‌خلد دردیده‌ام خاری‌که دامن‌گیر نیست

(صبح گلشن ص۴۲۵)

۲۳ ــ ملاعباس‌بن محمدبیك زیاد اوغلی عباس‌آبادی متوفی (بعد ۱۰۸۳ ه . ق) از تبارزه ساکن عباس‌آباد وازشعراء و اوراست قصیده تأویلیه که بعضی از فضلاء عصرش آنرا شرح‌کرده‌اند ودیباچه شرح آنرا ملامحمدامین‌بن ملاعبدالفتاح وقاری طبسی در کتاب گلدسته اندیشه ایراد کرده است وازتألیف آن در (۱۰۸۳ ه.ق) فراغت یافته .

(الذریعة ج۱۷ ص۱۱۱)

۲۴ ــ عبدالوهاب موسوی عباس‌آبادی زنده در رجب (۱۰۷۸ ه.ق) از خوشنویسان خط نستعلیق بوده‌که نمونه خطش درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

(فهرست آستان قدس ج۵ ص۲۳۱)

۲۵ ــ میرزا طالب‌بن حاج‌میرزاخان‌بیك عباس‌آبادی ازشعراء وفضلای دوره صفویه و ازتبارزه ساکن عباس‌آباد وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود. پدرش حاج‌میرزاخان‌بیك مردی ثروتمند بود وآن مکنت به‌پسر رسید ولی تمام شد و با فقر ودرویشی زندگی میکرد. از اشعار اواست :

بااینکه بتان شکوه ماگوش نکردند	جرمی که نکردیم فراموش نکردند
آغوش گشادیم برین کبك خرامان	يك جلوه باندازه آغوش نکردند

(تذکره نصرآبادی ص۱۲۵)

۲۶ ــ میرزا مقیم عباس‌آبادی متوفی اندکی پیش‌از (۱۰۸۳ ه . ق) از خانواده‌های میرشاهمیر جداعلای سادات طباطبای تبریز است‌که اززمان امیرتیمورگورکان اززواره به‌تبریز

مهاجرت کرده‌اند میرزا مقیم ازتبریزبهائی بودکه درزمان شاه‌عباس در عباس‌آباد اسکان داده شده بودند .

اوصاحب فضایل وکمالات وخط نستعلیق را بسیارخوش مینوشت وازاین‌رو جزء کتاب دربار بود ، و پس‌ازمدتی باتفاق پسرش میرسیدعلی جواهر رقم به هندوستان رفت و درآنجا نیز دردربار هند درکتابخانه اشتغال داشت وهمانجا بدرود زندگی گفت .

نسب علیاحضرت شهبانوی ایران نیز به میرشاهمیر میرسدو ترتیب‌آن برحسب آنچه در مجالس‌النظامیه نوشته شده ودرتاریخ خط وخطاطان جلداول نقل شده باین‌ترتیب است :

«علیاحضرت‌فرح‌پهلوی شهبانوی‌ایران فرزند برومند مرحوم‌سهراب دیبا فرزندمرحوم»
« سیدمهدی‌شعاع‌الدوله دیبا فرزند عالم‌نامدار سید میرزا رفیع‌الدین نظام‌العلماء صاحب »
« مجالس‌النظامیه ازاعاظم علمای عصرناصرالدین‌شاه فرزند حاج‌میرزا علی‌اصغرمستوفی‌پسر »
«میرزارفیع‌پسرمیرزا ابوطالب‌معروف به‌وزیرفرزندمیرزا سلیم‌نایب‌الصدارة پسرمیرمحمدسعید»
«پسرمیرعلی‌اکبرفرزندمیرزا رفیع‌پسرمیرمطلب‌پسرمیرفتاح پسرمیرصدرالدین فرزند میرمحمد»
« پسرمیراسماعیل دیباج (ازاین‌تاریخ لقب‌دیبا درمیان‌سادات طباطبای تبریزدایج‌شده)فرزند »
« میرعلی‌اکبر شاهمیر (ازمعاصران شاه‌اسماعیل صفوی) پسر امیرعبدالوهاب (وی بهمراهی »
« اسحاق صاحب‌کتاب حاوی ومولانا شکرالله مغانی وحمزه‌خلیفه وجمعی کثیر بعنوان‌سفارت »
« ازطرف‌شاه‌اسماعیل نزدسلطان‌سلیم رفتند ولی‌پوزش‌پادشاه‌ایران را نپذیرفت ومیرعبدالوهاب »
« وقاضی وصاحب حاوی را باهمراهان به‌حصار دیموته اعزام ومحبوس‌کرد) پسرامیرجلیل »
« عبدالغفارپسر میرعمادالدین پسر امیرالحاج پسر میرحسن فخرالدین پسرکمال‌الدین محمد »
« فرزندکمال‌الدین حسن پسرشهاب‌الدین علی پسرمحمد مکنی به‌ابوجعفر پسر احمدملقب »
« به‌فتوح‌الدین‌پسرمحمد پسراحمد مشهوربه‌رئیس پسرابراهیم طباطبا پسراسماعیل‌دیباج‌پسر »
« ابراهیم‌غمر پسرحسن مثنی پسر امام‌حسن مجتبی پسرامیرالمؤمنین علی وفاطمهٔ زهرا دختر »
« پیغمبرخاتم علیهم‌السلام . » (مجالس‌النظامیه ص۳۴۸ وتاریخ خط وخطاطان ج۱ص۷۱)

۲۷ ــ کلبعلی‌نادر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه عباس‌آباد وصائغ و نقاش وشاعربود ونژادش نیز اصفهانی است . نمونه شعرش :

بپای مد هر تقصیر مهر توبه‌ای دارد مفاصائی است نادرچون‌گشائی‌دفتر مارا
(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۸ ــ میرزا عزت ناصح تخلص عباس‌آبادی از شعرای فارسی‌زبان است‌که صائب تبریزی اورا ستوده ودیوانی دارد . ازاشعار اواست :

بهار عمرگذشت وزمن گلی نشکفت در این حدیقه بموسم نکشته‌اند مرا
(تذکره روزروشن ص۷۹۰)

در تذکره نصرآبادی درصفحه ۱۲۵ نام ناصح را میرزا عرب نوشته ولی‌عزت درست بنظر میرسد .

۲۹ــ ملامهدی واثق تخلص فرزند محمدقاسم‌نجفی‌عباس‌آبادی زنده در(۱۰۸۳هـ.ق)

۱۱۶ ـ محله عطاءِ خشك :

یکی ازمحلات قدیمی اصفهان است که بنام عطاءخشك[۱] . نیای مادری حسین بن حفص بن فضل متوفی (۲۱۲ هـ.ق) خوانده شده است .

۱۱۷ ـ محله فابجان :

این محله درقدیم ازقرای متصل به‌شهر بوده وبتدریج که شهر توسعه یافته جزءِ محلات شمرده شده است . در معجم‌البلدان[۲] . گفته فابجان بعد الف‌باء یك نقطه اززیر ومکسور و جیم وآخرش نون بنابقول ابوسعد دیهی از دهات اصفهان است وگفته نمیدانم که منظورهمان فابزان است یا جای دیگر. ودرلباب[۳] . گفته: بفتح فاءِ و سکون الف وفتح باء یك نقطه و جیم وبعد الف دوم نون دیهی ازدهات اصفهان است .

واینکه درلفظ درست آن‌که فابجان یافابزان باشد یااینکه دوجاباشد تردید گردید اینطور بنظر میرسد که در تلفظ و لهجه قدیم مردم اصفهان حرف ژ فارسی طوری‌تلفظ میشده‌که بین‌جیم وزاءِ بوده واینستکه بعضی‌بلفظ فابجان وبرخی‌فابزان فهمیده‌اند وگرنه نبایستی ابوموسی عقیلی راهم هردوفریق ذکرکنند وچون‌ابونعیم فابزان‌ذکرکرده ازنظراینکه اهل اصفهان بوده وآگاهی‌بیشتری داشته است‌بایستی درست آنرا فابزان قبول کرد نه فابجان مگراینکه گفته شود در زمان ابونعیم فابزان معمول بوده وهنگامیکه یاقوت حموی و مؤلف اللباب نوشته‌اند چند قرن

←

دارای فضایل اخلاقی ودراکثرعلوم ربط داشت وبیشترخطوط حتی‌کوفی را خوش مینوشت . از اشعار اواست :

بی‌تو اندیشهٔ گلزار مرا زندان است — نغمه‌پردازی بلبل اجل پران است

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۴۵)

۱ ـ اواست : ابوزید عطاءبن‌السائب‌بن ابی‌الحارث متوفی(۱۳۰ هـ.ق) که ازطرف‌بنی‌عباس بخراسان رفت وریاست سپاه را داشت ولی اواصفهانی بود و دشت عطاء وباب عطاء نیز باو منسوب است . دخترش خالده زن حفص‌بن فضل بود واعقابی درمرو داشت ونیزازاعقابش در اصفهان : صباح‌بن عطاء وشاذویة‌بن عطاء بوده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۶ .

گذشته بوده و معمول فابجان بوده است . در هر حال عده‌ای از محدثان به فابجان منسوبند[1] .

۱۱۸ ـ محله فابزان :

در معجم‌البلدان[2] گفته : بعد الف باء موحدة وزاءِ و آخرش نون : جائی وگفته شده دیهی است وگفته شده شهر کوچکی است ازاصفهان.

درهر حال به‌محله فابزان نیز عده‌ای ازعلماء و محدثان منسوب شده‌اند[3] .

---

۱ ـ از آن جمله است : ۱ ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم‌بن بشافابجانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) آزاد کرده قریش ومردی ثقة بودکه از سلیمان شاذکونی وغیراو روایت میکرد ، و محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی ازاو . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق فابجانی متوفی بعد (۲۷۰ ه.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازجد مادریش‌ابوموسی فابجانی نقل‌کرده‌است. (اللباب ج۲ص۱۸۷)

۳ ـ ابوموسی عیسی‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی فابجانی اصفهانی متوفی (۲۷۰ ه.ق) مردم شهراصفهان بود ودر دیه فابجان سکونت داشت . خود از آدم‌بن ابی‌ایاس وابوتوبةالربیع‌بن نافع روایت میکرد وابومحمد عبدالله‌بن‌محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌فابجانی پسردخترش ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۴ ـ علی‌بن مغیره اثرم فابجانی اصفهانی ازعلمای لغت واز کسانی بود که شهرهای عراق را برای جمع لغت وشعر دور زد ونزد علمای آنجا تصحیح کرد .

(معجم‌الادباء ج۱ ص۳۶۴)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ ازمنسوبان به‌فابزانند :

۱ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم بشارفابزانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازموالی قریش‌وبواسطه ابواحمد محمدبن احمدبن ابراهیم شیخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی‌است .

(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی معروف به‌سکویه فابزانی‌ازجد مادریش عیسی‌بن ابراهیم عقیلی واسحاق عموی مادرش‌روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۸۸)

۳ ـ یزیدبن هزاری‌الفابزانی که حدیث ازسعیدبن‌جبیر دراصفهان استماع کرد .

(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۳)

۴ ـ محمدبن‌ابراهیم فابزانی نفیلی خود ازاحمدبن اسحاق ومحمدبن‌حمیدازاوحدیث نقل میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۹۲)

۵ ـ ابوبکر محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح عقیلی فابزانی متوفی (۲۸۳ ه.ق) خود از دحیم وهشام وابوعثمان اسحاق‌بن ابراهیم ازاو روایت میکرد .

(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۳۱)

۱۱۹ ـ محله فاذجان :

درمعجم‌البلدان[۱] . واللباب[۲] . آنرا بافاءِ وذال وجیم و آخرش نون ذکر وگفته‌اند ازدهات اصفهان است ویك نفررا[۳] هم بآن نسبت داده‌اند[۴] .

۱۲۰ ـ محله فرائان :

ازمحلاتی‌است‌که درهنگام توسعه مسجد جامع یهودیه جزءِ شهرشده‌است[۵] .

۱۲۱ ـ محله فرح‌آباد :

این محله جزءبخش۵ ازمحلاتی است‌که درجنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۶] . ودرزمان شاه‌سلطان‌حسین صفوی محله‌ای آباد بوده ودراثرمهاجمه افغانها بتدریج روبویرانی‌نهاده است ولی امروز دومرتبه روبعمران وآبادی میرود. این محله بمناسبت کاخ فرح‌آباد که بنا بدستور شاه‌سلطان‌حسین در آنجا بناشده بوده بنام فرح‌آباد منسوب شده ولی آن کاخ همانطور که درجای خود یادآور شده ازمیان رفته است .

۱۲۲ ـ محله فرسان :

در معجم‌البلدان[۷] گفته : بکسر اول وسکون ثانی و آخرش نون از دهات اصفهان است ، وسلفی‌گفته: بضم فاء میباشد و قومی ازاهل حدیث بآنجا منسوبند . درالمشترك گفته[۸] : بضم فاءِ و سکون راءِ و سین مهلة والف و نون دیهی‌است در

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۲ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۸ . ۳ ـ از منسوبان بمحله فاذجان است :

۱ ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن‌اسحاق فاذجانی که دربغداد ساکن شد ودرآنجا حدیث از ابومسعودبن الفرات رازی نقل کرد و ابوبکربن مالك قطیفی از او .

(اللباب ج۲ ص ۱۸۸)

۴ ـ بنظر نگارنده اسامی فابجان وفابزان وفاذجان وخابجان که محله سرقبرآقای‌کنونی باشد یکی است . منتهی در ادوار تاریخی لهجه‌ها و تلفظها تغییر یافته و اکنون آنجا را سرقبرآقا میخوانند وعده‌ای از امام‌جمعه‌های اصفهان وغیرآنان درآن محل مدفونند .

۵ ـ ذکرتاریخ اصبهان ج۱ ص۱۷ . ۶ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۸ ـ المشترك ص۳۳۲ .

دروازه اصفهان . ودرتاریخ نصف جهان[1] . گفته : قریه‌ای بوده درمشرق شمال‌شهر اصفهان که ضمیمه‌شده ومحله اول آن بوده‌است. درهرحال عده‌ای ازعلماءِ ومحدثان باین محله منسوبند[2] . شاه‌میرحمزه دراین محله واقع است :

---

۱ ــ نصف جهان‌فی تعریف‌الاصفهان ص۲۷ .   ۲ــ از منسوبان به‌محله فرسان است :

۱ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن ایوب عنبری فرسانی ازمحدثان که به‌دو واسطه شیخ حدیث ابونعیم‌بوده وخود حدیث ازثوری ومبارك‌بن فضالة وابوهانی واسودبن‌رزین شنیده وعبدالله‌بن داود از وی . اوازصاحبان تهجد وعبادت بود ومدت چهل‌سال بفراش نرفت . سروریشش را خضاب میکرد و درقرن سوم هجری میزیست .   (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۷۲)

۲ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن‌عاصم‌فرسانی ازمحدثان‌که ازخلادبن یحیی‌حدیث نقل‌میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۳ ــ ابوالحجاج یوسف‌بن ابراهیم‌بن شبیب‌بن مزید فرسانی متوفی (۲۴۲ ﻫ . ق) از موالی‌بنی اسد قریش وازحفاظ بودکه باابومسعود رازی معارضه میکرد. شیوخ تصنیف‌کرد، وحدیث ازابونعیم حافظ اصفهانی و عبیدالله‌بن موسی و ابوغسان نهدی و سلیمان‌بن حرب و ابوالولید شنید ولی حدیثش خارج نویس نگردید .   (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۷)

۴ ــ ابوالحسن علی‌بن عمربن عبدالعزیزفرسانی متوفی بعد (۳۷۰ ﻫ.ق) از محدثان که حدیث ازمحمدبن‌سهل‌بن الصباح ویحیی‌الذارع وطبقه‌اش‌شنید وبهمه مجالس‌حدیث‌میرفت تا بمرد .   (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱)

۵ ــ ابومحمد بذال‌بن سعدبن خالدبن محمدبن ایوب فرسانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن بکیرحضرمی روایت میکرد و ابواحمدبن عبدی حافظ از او روایت دارد .

(اللباب ج۲ ص۲۰۵)

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن‌جعدفرسانی ازمحدثان‌که ازسهیل‌بن عثمان وعبدالله‌بن عمران روایت میکرد واورا دیداری ازابراهیم‌بن ایوب فرسانی صاحب نعمان دست داد .

(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۶۹)

۷ــ احمدبن‌جعفربن‌سلم‌فرسانی ازمحدثان فرسان اصفهان وشیخ‌حدیث ابونعیم بواسطه محمدبن عبدالرحمن‌بن مخلد .   (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۲)

۸ ــ ابراهیم‌بن حیان‌بن حکیم‌بن حنظلة‌بن سویدبن‌علقمة‌بن سعدبن معاذاشهلی فرسانی ازمحدثان‌که حدیث ازپدرانش و شریك‌بن عبدالله روایت میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۹ ــ عبدالعزیزبن محمدبن جعفر ضبی فرسانی مولود (۴۱۲ ﻫ.ق) ومتوفی‌ربیع‌الثانی (۴۹۶ ﻫ.ق) ازشیوخ معمر وبزرگ و صالح و کثیرالسماع بود . خود حدیث ازابوالحسن احمدبن محمد عبدی وابوالقاسم معمری اسدآبادی شنید .   (المشترك ص۳۳۲)

۱۲۳ ـ محله فلفلان :

این محله درزمان خیلی قدیم ازقرای درب دروازه شهراصفهان بوده و گویا در همان اطراف دروازه طوقچی قرارداشته و شاید بمناسبت اینکه درآنجا درخت فلفل یا مردمان تندوتیزی وجود داشته‌اند باین نام خوانده شده است والف ونون آخر آن برای نسبت است .

درمعجم‌البلدان[۱] . فلفلان بکسر سپس سکون وفاءِ دیگرمکسوروآخرش نون‌گفته دیهی‌است ازقرای اصفهان وابونعیم‌اصفهانی‌وابویعقوب اسحاق‌بن‌اسماعیل سکین فلفلانی متوفی،بعد از (۲۶۰ هـ.ق) محدث را که از اسحاق‌بن سلیمان رازی روایت میکرد و نیز محمد بن اسماعیل سکین برادرش را منسوب به محله فلفلان دانسته است[۲] .

۱۲۴ ـ محله فلفلچی :

ازمحلات اصفهان که در فتنه افغان خراب شده است[۳] . و درگنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گفته[۴] . این‌محله درزمان سلجوقیان درانتهای محله طوقچی درآن طرف حصار قدیم اصفهان بوده و اکنون درمهرآباد در خیابان دور شهر میباشد .

۱۲۵ ـ محله قبله دعاءِ :

این محله که در دردشت[۵] . واقع شده جزءِبخش۱ ازمحلات شمالی‌رودخانه زاینده‌رود است[۶] .

۱۲۶ ـ محله قصر اصفهان :

این محله بنام باب‌القصر موسوم ومنسوب بآن را قصری میگویند وکسانی نیز بآن منسوبند[۷] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۲ـ ذکرتاریخ‌اصبهان‌ج۱ص۲۱۶ . ۳ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص۲۸ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۶ . ۵ـ رجال‌اصفهان ص۱۹۱ . ۶ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۹ . ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۵۵ .

۱۲۷ ـ محله قصر منشی :

این محله جزء بخش ۴ از محلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱] و منسوب است به میرزا رضی منشی‌الممالك که درزمان شاه‌عباس درآن محله قصر و عمارات دیگری ساخته است ودرواقع همان محله باغات است .

۱۲۸ ـ محله قلعه طبرك :

این محله بقسمتی اطلاق میشود که قلعه طبرك در آن واقع و در حقیقت همان محله پاقلعه و محدود به‌چشمه‌های خوراسگان و راهروان میشده و درقسمت جنوب شرقی اصفهان میباشد[۲] .

۱۲۹ ـ محله قنادر :

درمعجم‌البلدان گفته که قنادر بفتح وکسر دال وراءِ محله‌ایست دراصفهان[۳] ودراللباب[۴] . گفته‌محله‌ایست دراصفهان‌که‌گروهی ازمحدثان‌ازآن برخاسته‌اند[۵] .

۱۳۰ ـ محله قناطر :

در منتهی‌الارب گفته : قناطر موضع یا محله‌ایست در اصفهان ودر المشترك گفته[۶] . قناطر جمع قطرة موضع یا محله‌ایست در اصفهان که چون ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن‌اسحاق خلقانی قناطری دائی‌ابوالمهلب سکونت داشته به‌قناطری معروف شده است . در معجم‌البلدان[۷] . نیز گفته محله یا دهی است در اصفهان . قناطرازمحلات قدیمی‌اصفهان است وفعلاً جزنامی ازآن نیست . عده‌ای‌ازمحدثان نیز بآنجا منسوبند[۸] . وبنظر میرسد که قنادروقناطرمتحد باشند، زیرا ابوالحسن را درقنادر وقناطر هردو ذکر کرده‌اند .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۷ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص ۴۰۰ . ۴ ـ اللباب ج ۳ ص ۵ ۵ ـ از منسوبان این‌محله است : ابوالحسین محمدبن علی‌بن یحیی قنادری اصفهانی از محدثان‌که از محمدبن علی‌بن مخلدبن فرقدی متوفی (۳۰۷ ه.ق) روایت میکند وابن مردویه حافظ ازخود او . (اللباب ج۳ ص۵)
۶ ـ المشترك ص۳۵۹ . ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ص۴۰۰ . ۸ ـ از منسوبان باین محله است :

←

۱۳۱ ـ محله قینان :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان اصفهان متصل به‌شهروازمحلات آن‌محسوب میشود وجزءبخش۵ ازمحلات جنوبی زاینده‌رود میباشد[۱].ابومنصوربن بزرگ امیدبن آذرجشنش اصفهانی دروصف آن گفته :

قینان ریان انیق زاهر　　　　غض النوابت جنةالزوار

یعنی قینان سیراب و شکوفان ودرخشنده وگیاهان آن شاخ برهم نهاده و بهشت زیارت‌کنندگان است[۲] . در زمان قدیم یکی از دهستانهای اطراف شهر و تفرجگاه مردم بوده ولی بتدریج دراثر توسعه شهربشهر متصل شده است .

۱۳۲ ـ محله کران :

این محله جزءِ بخش ۴ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع[۳] و از محلات قدیمی است‌که در حدود دارالبطیخ بوده و در هرحال‌در وسط شهر واقع و مایل بمشرق شهر است[۴] . یاقوت در معجم‌البلدان[۵]. گفته : کران بفتح اول و تشدید دومش و آخرش نون محله‌ایست مشهور در اصفهان که مدفن نظام‌الملك درآن بوده است ، و بسیاری از اهل علم و روایت بآن منسوبند . در المشترك نیز همان گفته را تأییدکرده است[۶] . دراللباب گفته : کران محله‌ایست در اصفهان[۷] .

محله کران از محلات قدیمی اصفهان است که نام آن از قرن سوم هجری

←

۱ ـ ابوالحسن محمدبن علی‌بن یحیی طبیب قناطری از محدثان که ازفرقدی روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاوحدیث نقل‌کرده است و در اللباب اورا قنادری خوانده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۰۴)

۲ ـ ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن اسحاق قناطری خلقانی وی خال ابوالمهلب بود و حدیث ازقاضی احمدبن موسی انصاری و از ابوعلی اسماعیل‌بن محمدبن اسماعیل صفار نقل کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۴۰۰)

۱و۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۲ـ محاسن اصفهان ص۵۹ . ۴ـ نصف جهان ص۲۵ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۴۷۷ ۶ ـ المشترك ص۳۱۸ .

۷ ـ اللباب ج۳ ص۳۳ .

ببعد در محاورات زمان معمول و ظاهراً محله‌ای بزرگ و وسیع بوده و عده‌ای از علماءِ ومحدثان نامی بآن منسوبند[1].

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله کران است :

۱ــ ابن اسودکاتب معمراحمدبن علویة کرانی مولود (۲۱۲ ه.ق) ومتوفی (۳۱۲ ه.ق) از رواتِ مصنفات ابراهیم ثقفی وصاحب لقبی بوده که تأدیب وآموزگاری انجام میداده است. وی ازاصحاب ابوعلی لغذة اصفهانی بود، وپس ازچندی شغل آموزگاری را ترک وجزء ندیمان احمدبن عبدالعزیز و دلف بن ابی‌دلف عجلی درآمد ، اوراست رسائلی برگزیده که آنها را ابوالحسن احمدبن سعد درکتاب خود تدوین کرده است وآنها هشت کتاب دردعاء و رساله‌ای درپیری وخضاب است، واوشعرنیکو دارد، ازآنجمله درباره احمدبن عبدالعزیزعجلی سروده:

یری خیر ما یبدو اوائله   حتی کان علیه‌الوحی قدنزلا

یعنی آنچه درابتداء براوظاهر میشود آن را خوب میداند وگمان میکندکه وحی براو نازل گردیده است . الفیه‌ای هم در مدح امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد موسوم به محبرة . وفاتش بقول صاحب اعیان‌الشیعه در سال (۳۲۱ ه.ق) اتفاق افتاده ، درلغت‌نامه دهخدا وفات را (۳۲۰ ه.ق) نوشته ولی کسان دیگر دروفاتش در (۳۱۲ ه.ق) اتفاق دارند .

(اعیان‌الشیعه ج۱و۲ ص۲۲۵ ولغت‌نامه دهخدا ومعجم‌الادباء واسماءالمصنفین)

۲ ــ ابوبکر احمدبن ابراهیم‌بن احمدبن روزویه کرانی ازمحدثان‌که از دارکی وپسر برادر ابوزرعه روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۴)

۳ ــ ابوبکر عمربن ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم کرانی ازمحدثان که از علی بن‌سعید عسکری روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۵۶)

۴ــ ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌مندة مقری مفتولی کرانی ازمحدثان‌که ابونعیم حافظ اصفهانی حدیث ازاو نقل میکرد ، وخود از حاجب‌بن دکین .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۲۹۱)

۵ ــ ابوحامد احمدبن حسین‌بن‌علی سمسارکرانی وی درکوچه ماجشون‌کران درمیدان انماطیین سکونت داشت وشیخ بلاواسطه ابونعیم حافظ اصفهانی در حدیث بود .

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۶ ــ ابوالحسن‌احمدبن محمدبن موسی‌بن بحرادیب کرانی ازمحدثان‌که ازعبدالله‌بن محمدبن عباس روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۷ــ ابوطاهرمحمدبن عمربن عبدالله‌بن‌احمدبن عبیدالله کرانی متوفی‌هفدهم‌جمادی‌الاولی (۴۹۶ ه.ق) ازمحدثان وبافاده پسردائیش یسرخفی حدیث ازابوبکربن علی ذکوانی استماع کرد . (اللباب ج۳ ص۳۳)

۸ ــ ابوعلی احمدبن محمدبن عاصم‌کرانی متوفی جمعه (۳۳۹ ه.ق) از محدثان که

←

۱۳۳ ـ محله کروائان :

ظاهراً نام درست این محله گروائان بکاف فارسی بوده و بعدکه معرب شده جروائان گفته شده ودرجای خود شرح داده شدد است[۱].

۱۳۴ ـ محله کلکه :

این محله درزمان ابونعیم اصفهانی دائر و سکنه داشته و گمان میکنم که

→ حافظ ابونعیم اصفهانی بواسطه ابواسحاق ابراهیم بن محمدبن حمزة از او حدیث نقل کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۴۷)

۹ ـ ابومحمد جعفر بن محمد بن جعفر رفاعی کرانی متوفی صفر (۳۷۹ ه.ق) ازمحدثان که ازمحاملی وابن‌عقدة وطبقه‌اش حدیث روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ص۲۴۸)

۱۰ ـ ابونصرعبدالواحدبن عبدالرحمن مذکرآبنوسی کرانی ازمحدثان که ازولیدبن ابان وغیراو روایت میکرد، وأبونعیم اصفهانی اورا دیده ولی حدیثی ازاونشنیده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰۶)

۱۱ ـ اخت ملارحیم وابنة ملای کرانی اززنان دانشمند و کتاب قرن یازدهم هجری بوده و با صاحب ریاض‌العلماء معاصر و در وصفش گفته : شرح لمعه‌ای را که با خط نسخ شیرین‌ونسخ تعلیق نوشته ودرنزد برادر وپدرش خوانده بوده دیده است .
(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱۲ ـ صلحی کرانی ازشعرای ساکن محله کران بود . این رباعی را در هجو احمد جگربخون اصفهانی گفته است :

رباعی

ای آنکه ز گوهر زبون آمده‌ای　　از روز ازل لجوج دون آمده‌ای
ازکاوش همچومن دلت خون شده است　　کز پشت پدر جگر بخون آمده‌ای
(تذکره روز روشن ص۴۷۹)

۱۳ ـ عمربن احمدبن محمدبن حسین عنبری کرانی از محدثان که ازضراب ومحمدبن حمزة روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۵۷)

۱۴ ـ محمدبن زید ذکوانی کرانی از محدثان معاصر ابوالفتوح بن محمودبن خلف عجلی واستاد حدیث ابوالحسن علی بن محمدبن احمد انصاری قشبری بوده است .
(حلل سندسیه ج۲ ص۴۵)

۱۵ ـ ملارحیم کرانی ازعلمای معاصر صاحب ریاض‌العلماء بوده است .
(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱ ـ درشرح محله جروائان ذکرشده است .

دراین محله چون کلکهای گلی میساخته‌اند باین نام خوانده شده است و یکنفر را هم ابونعیم حافظ باین محله نسبت داده است[1] .

۱۳۵ ـ محله کمائان :

این محله درقدیم‌الایام ازدهات نزدیك شهراصفهان بوده که درقرن‌سوم جزء شهر وازمحلات آن محسوب میشده است[2] . ویکی ازحدود یهودیه بوده ولی در تاریخ اصفهان و ری[3] . مینویسد کمائان همان کمبرك‌جی[4] . یا کلمان است[5] .

۱۳۶ ـ محله کوراءِ :

این‌محله‌ای دراصفهان ازقدیم‌الایام‌جزءِ محلات‌یهودیه بوده وبه‌محله ملنجه منتهی میشده است[6] . این کلمه اصلش فارسی است وممکن است از دولفظ‌کوداه بصورت استفهام یااینکه کورراه یا کورها بوده و سپس دراثر کثرت استعمال تبدیل به‌کوراءِ شده باشد . وجه دیگراینکه درزمان قدیم دیده شده که بجای‌های جمع و آن جمع الف ممدود استعمال و پاره‌ای اوقات علاوه برالف ممدود الف و نون هم میاورده‌اند مانند گروائان و اندائان ودر مورد کلمه کوراءِ هم ممکن است جمع کور باشد یا محل‌کوران .

۱۳۷ ـ محله کون گنبد :

محله‌ای است دراصفهان‌که بقول صاحب عیون‌الانباءِ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا

---

۱ ـ ازمنسوبان باین محله است : قاسم‌بن مندة‌بن کوشید ضریر کلکه‌ای اصفهانی از محدثان که ساکن محله کلکة اصفهان بود وازسعدویه و شاذکونی وسهل‌بن عثمان روایت میکرد ودر آخرعمرش احادیث را تخلیط میکرد و ازاینرو اورا تضعیف کرده‌اند .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۲)

۲ ـ محاسن اصفهان ص۸۱ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰. ۴ ـ درذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۱ کنبرك نوشته شده و چون ابونعیم در آن زمان واقف بدرست‌آن بوده باید همان را پذیرفت و گفته است‌که ابومحمد قاسم‌بن فورك بن سلیمان‌کنبرکی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازمحدثان این محله بوده که حدیث از عراقیان و شامیان نقل و قاضی محمدبن احمدبن ابراهیم ازاو روایت میکند . ۵ ـ درمعجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۷ گفته : کلمان دیهی است دم دروازه جی اصفهان ونعمان‌بن عبدالسلام ازبزرگان زمان خود بآنجا منسوب و درهمانجا مدفون است . ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱-۱۹ .

درآن دفن گردیده است وظاهراً منظور همان گنبد معروف به گنبد ابن سینا میباشد که در محله دردشت واقع گردیده است[۱].

۱۳۸ ـ محله گبر آباد :

محله‌ای بوده زردشتی نشین که در نزدیکی عمارت نمکدان دراصفهان ساخته شده بوده است[۲].

۱۳۹ ـ محله گروائان :

شرح این محله درتوصیف محله جروائان وکروائان بیان شده ونیازبتکرار ندارد.

۱۴۰ ـ محله گلبار = گلبهار = جلبار وجلباره :

ازمحلات قدیمی اصفهان است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و جزء نعمتی‌خانه بوده است. جلبار وجلباره‌که معرب گلبار وگل بهار است[۳]. نزدیکی میدان قدیم واقع وخوابگاه سلطان‌محمد سلجوقی دراین محله میباشد[۴].

۱۴۱ ـ محله گود مقصودبیک :

این محله جزءمحلات نه‌گانه جوباره و نعمتی‌خانه بوده است[۵]. و اکنون جزاین محله ویکی دومحله دیگر همه ازبین رفته است.

۱۴۲ ـ محله لتور جوباره :

این محله از محلات نه‌گانه جوباره وجزءِبخش ۳ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ نعمتی‌خانه بوده است[۶].

۱۴۳ ـ محله لنبان :

بنابگفته یاقوت حموی لنبان بضم سپس سکون وباءِ موحدة و آخرش نون دیه بزرگی است در اصفهان و آن را دروازه‌ایست که به دروازه لنبان معروف میباشد[۷].

۱ـ اعیان‌الشیعه ج ۲۶ ص۲۸۸. ۲ـ زنده‌رود ج۱ ص۲۸. ۳و۶ـ تاریخ اصفهان وری ص۹۹. ۴ ـ نزهت‌القلوب ازص۵۳-۵۶. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲.
۷ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳.

صاحب اللباب گفته : لنبان محله‌ایست دراصفهان وآن را دروازه‌ایست بنام دروازه لنبان[1] . ودرتاریخ نصف جهان گفته : محله‌ایست واقع در مغرب جنوبی شهر اصفهان[2] .

تحقیق اینستکه لنبان درابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی‌ازدهات نزدیك شهراصفهان بوده و دروازه شهر که نزدیك آنجا بوده به دروازه لنبان معروف بوده است ولیکن پس‌ازتوسعه شهرجزء شهرشده وازمحلات‌مهم وازدوقسمت لنبان سفلی وعلیا تشکیل میگردیده است . دراین محله مسجد باستانی وتاریخی لنبان وجود دارد . عده‌ای ازدانشمندان نیز باین محله منسوبند[3] .

۱– اللباب ج۳ص ۷۰ .   ۲– نصف‌جهان ص۲۵ .   ۳– ازمنسوبان باین‌محله است:

۱ – ابوبکر احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی لنبانی ویا ابوالحسن متوفی بیستم ربیع‌الاول (۳۳۲ ه.ق) وی ازمحدثان مشهور وثقه است که از عراقیان روایت میکند، وخود ازابوبکربن ابی‌الدنیا تصانیفش را شنید و نیز مسند احمدبن حنبل را ازپسرش عبدالله شنید. ابراهیم‌بن محمدبن حمزة حافظ وعبدالله‌بن احمدبن اسحاق اصفهانی پدرابونعیم ازاوروایت میکنند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۷ واللباب ج۳ ص۷۱)

۲ – ابومنصور معمربن احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی صوفی لنبانی متوفی (۴۸۹ ه.ق) ازعالمان بتاریخ وانساب واخبار صوفیه وازمحدثان که هم استماع کرد وهم نقل کرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳)

۳ – رفیع‌الدین عبدالعزیزبن مسعودلنبانی متوفی (۶۳۹ه.ق) ازشعرای قصیده‌سرا که با کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وپدرش جمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومباحثه داشته ومدتی عمرخودرا در ولایت ری گذرانید و سپس بوطن بازگشت و درسن جوانی دارفانی را وداع گفت . ازاشعار اواست :

نسیم لطف توبی‌منت چمن هر روز   بدست باد صبا دسته‌های ریحان داد
حسود را ز نهیب سنان تو ایزد   چوزلف پرخم تو خاطر پریشان داد

(تذکره روزروشن ص۳۰۵)

۴ – عبدالعزیزبن محمد لنبانی از افاضل محله لنبان و معاصر با رافعی قزوینی متوفی (۶۲۳ ه.ق) بوده است . (فهرست اسماءالرجال‌التدوین رافعی‌قزوینی‌ص۴۲)

۵ – رئیس یوسف لنبانی ازمعاریف و بزرگان محله لنبان درقرن دهم هجری که منشاء اوقریه زمان بوده است . (تذکره نصرآبادی ص۴۱۲)

۶– خواجه عبدل‌بن رئیس یوسف لنبانی متوفی بعد (۹۱۹ ه.ق) ازاعیان واخیارمحله

←

محله لنبان درقدیم جزء حیدری‌خانه بوده وامروز جزءبخش ۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده‌اند[1] .

۱۴۴ - محله لو بیاباذ :

مطابق گفته معجم‌البلدان بضم سپس سکون و کسر باء موحده و یاءِ و بعد

لنبان وواقف مسجد امامزاده شوری که آنرا در (۹۱۹ هـ.ق) بنانهاده ودر محله دردشت واقع میباشد . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲)

۷ــ آقاحسین بن ملاحسن گیلانی لنبانی متوفی (۱۱۲۹ هـ.ق) ازمعاصران میرزاعبدالله افندی است که خود باتفاق پدرش ازگیلان باصفهان آمد ودرمحله لنبان منزل و درمدرسه شاه تدریس میکرد ، واز ملامحمدتقی اصفهانی معروف به‌ملاتقیا روایت میکرده است . مؤلفات ذیل : ۱ - شرح صحیفه سجادیه. ۲- اصول عقاید بفارسی . ۳- زیارات. ۴- شرح ذخیره سبزواری . ۵ - شرح مفاتیح فیض کاشانی ازآثار اواست . نامبرده پس‌ازوفات در تکیه آقاحسین خوانساری مدفون گردید .

(اعیان‌الشیعه ج۲۵ص۲۸۶ وریحانة‌الادب ج۳ ص۴۱۸)

۸ ــ محمدبن سعدالدین محمدحسینی اوحدی لنبانی اصفهانی معروف به‌میرتقی‌الدین مولود (۹۷۳ هـ.ق) ومتوفی (۱۰۳۰هـ.ق) ازشعرا وفضلاء وازنسل سیدعبدالله لنبانی است که حالت معنوی داشته وبهندوستان رفت ودرآنجا شعر بسیارگفت ودرگجرات اورا دیده‌اند . از آثار اواست : ۱ - تذکره عرفات‌العاشقین . ۲ - سرمه‌سلیمانی. ۳ - یعقوب ویوسف. ۴ ــ کعبه مراد . ازاشعار او است :

صدگره دردلم ازحسرت پیکان تو بود　　سست جنبیدی وزد بخت کمان دگرم

(تذکره نصرآبادی ص۳۰۳)

۹ ــ حاج‌سیداحمد لنبانی متوفی (۱۳۶۳ هـ.ق) ازعلماء وفضلاء و ائمه جماعت واز سادات محترم بهشتی محله لنبان اصفهان ومردی وارسته وخطیب وواعظ بود . پس‌ازوفات در جنب مسجد مصلی درتخت‌فولاد مدفون گردید و سپس مردمان خیر تکیه مخصوصی برقبر او بنانهادند . (رجال اصفهان ص۱۹۸)

۱۰ ــ ملامحمدتقی بن ملاحسین بن ملاحسن لنبانی متوفی بعد (۱۱۰۳ هـ.ق) ازعلماء وخانواده علم بود ودرمحله لنبان زندگی میکرد . تاریخ قطعی وفاتش بدست نیامد .

۱۱ ــ زیادبن یحیی القسام لنبانی که ازبکربن بکارحدیث نقل میکرد وعلی‌بن‌حسن‌بن سلم اصفهانی از او . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۲ ــ رئیس اویس لنبانی که درقرن یازدهم ازرؤسای لنبان بوده است .

(تذکره نصرآبادی ص۲۰۹)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸.

الف باء موحده و آخرش ذال معجمه جائی است دراصفهان[1]. ودراللباب[2]. گفته: محله یا قریه‌ایست در اصفهان. وآنچه مسلم است سرانجام جزء محلات شهر شده است وابوالفضل محمدبن ابی بکراحمدبن ابی جعفرمحمدبن احمد لوبیابادی معروف به قبج فرضی مولود عاشورای (۴۱۱ ه.ق) ومتوفی بعد (۴۸۰ ه. ق) ازمحدثان را منسوب باین محله دانسته است.

۱۴۵ - محله ماربان :

دراللباب[3]. گفته شده قریه‌ای است نزدیك اصفهان که ابوعلی احمدبن رستم ماربانی عامل سلطان از آنجا است[4]. و در معجم البلدان و نزهت القلوب ماربانان نوشته شده وجزء ناحیه جی قلمداد شده است وکسانی ازمحدثان وبزرگان رامنسوب بآنجا کرده‌اند. بنظرنگارنده لفظ ماربان سیرهای تاریخی کرده وچندی ماربان و سپس ماربانان واخیراً مارنان ومورنان تلفظ میگردد، وپلی هم بآن منسوب است و درهرحال جزءِ محلات جنوب غربی اصفهان بشمار میرود.

درکتاب اللباب فی تهذیب الانساب ماربان ودرمعجم البلدان وذکراخباراصبهان ماربانان ودرفرهنگ جغرافیائی ستادآرتش وکتب جغرافیائی وتاریخی جدیدمارنان نوشته شده است.

۱۴۶ - محله ماربانان :

درمعجم البلدان گفته[5]. به‌راء سپس باء موحدة ونون وآخرش نون ازدهات اصفهان است که تا شهر نیم فرسنگ مسافت دارد.

وصاحب نزهت القلوب گفته : ماربانان ازناحیت جی است[6]. در ذکراخبار اصبهان هم ماربانان نوشته وآن رادر عداد قرای شهراصفهان شمرده‌است[7]. وچنانچه در تاریخ نصف جهان گفته در زمان صفویه این قریه هم جزء محلات شهر اصفهان

۱و۵ــ معجم البلدان ج۵ ص۰۳۴   ۲ــ اللباب ج۳ ص۰۷۱   ۳ــ اللباب ج۳ ص۰۷۹

۴ ــ ابوعلی احمدبن رستم ماربانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازعاملان سلطان و از شیوخ صالح وثقه بود وحدیث ازکثیر میشنید و درهمان اصفهان وفات کرد. (اللباب ج۳ ص۷۹)

۶ ــ نزهت القلوب ص   ۰   ۷ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷ .

بوده ودرائر خرابی افغانها اغلب عمارات تبدیل بکشتزار شده ومدتی از شهر جدا بوده است[۱] . درهرحال عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان باین محل منسوبند[۲] .

۱۴۷ ـ محله مارنان :

در فرهنگ جغرافیائی استـــان دهم ستاد آرتش در کلمه مـــارنان چنین نوشته شده :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان‌اصفهان درجنوب باختری‌ومتصل بشهر ویکی از محلات اصفهان است پل مارنان بروی زاینده‌رود در نزدیکی این آبادی است .

در تاریخ اصفهان و ری نوشته : مارنان جزءبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] . ازآثارتاریخی همان پل‌مارنان است که روی زاینده‌رود بسته شده است .

۱۴۸ ـ محله مردبان :

مردبان نام قدیمی محله آب‌بخشان است که پیش از اسلام باین نام خوانده میشده است و بمناسبت اینکه هنگام جشن آبریزان در آنجا رسومی بعمل میآورده‌اند یا اینکه مرکزپخش آب بوده بنام آب‌بخشان هم خوانده‌اند بعضی را هم عقیده اینستکه مورنان مصحف مردبان است ولی نمیتوان محملی برای صحت

---

۱ ـ نصف جهان ص۲۲ .   ۲ ـ از منسوبان باین موضع است :

۱ـ ابوبکر محمدبن فرخان‌بن ابان ماربانانی ازمحدثان‌که ازابومسعود روایت میکرد و حسین‌بن‌علی‌بن احمدبن‌بکر ازاو حدیث نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۶)

۲ ـ ابوعبدالله محمدبن فضل‌بن خطاب عنبری از محدثان ماربانان و شیخی ثقة و کثیرالحدیث بود . محمدبن جعفربن یوسف از او و خود از محمدبن عمر بغلانی روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۳ ـ احمدبن تاجیکة ماربانانی متوفی (۲۷۱ ه.ق) ازمحدثان وشیوخ صالح ماربانان بود واین نکته را ابونعیم ازغزال نقل‌کرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۳)

۴ ـ شبیب‌بن عبدالله‌بن محمدبن احمدبن خورة ماربانانی اصفهانی .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

این تصحیف پیدا کرد ، چه مردبان با مورنان مناسبت اشتقاقی نه صغیر و نه‌کبیر ندارند بلکه مورنان را میتوان مصحف مارنان ومخفف ماربانان‌دانست[1] .

۱۴۹ - محله مستهلك :

این محله درقدیم نزدیکی محله شمس‌آباد فعلی بوده وخراب وازبین رفته و بقیه خانه‌ها هم جزء شمس‌آباد شده است اکنون از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و بصورت مخروبه است .

۱۵۰ - محله ملقاباذ :

یاقوت‌گفته : ملقاباذ بضم‌سپس‌سکون وقاف وآخرش ذال معجمه محله‌ایست دراصفهان[2] . وظاهر اینستکه ملك‌آباد بوده است .

۱۵۱ - محله ملنجة :

بنابگفته یاقوت‌حموی ملنجه بکسرسپس‌فتح ونون ساکن وجیم محله‌ایست دراصفهان[3] . در ذکر اخبار اصبهان گفته شده : ملنجه در قرن چهارم از محلات یهودیه اصفهان بوده که به‌محله کوراء منتهی میشده است[4] . و در اللباب گفته : ملنجه ازدهات اصفهان وگفته شده محله‌ای است دراصفهان[5] . و در اسماءالبلدان خطی نوشته : ملنجه محله‌ایست ازاصفهان که عده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[6] .

---

۱ ــ از منسوبان به محله مردبان است : حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن احمدبن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران مردبانی اصفهانی مولود رجب (۳۳۰ یا ۳۳۴ هـ . ق) و متوفی ۲۲ محرم (۴۳۰ هـ.ق) ازبزرگان علماء ومحدثان و نیای مجلسی و مدفون درقبرستان مردبان که درمحله شیخ‌مسعود نیزواقع‌است وبقعه‌اش معروف به‌بقعه‌حافظ میباشد. اوراست: ۱- ذکرتاریخ‌اصبهان دردومجلد . ۲- حلیة‌الاولیاء در ده‌جلد . ۳- اربعین درمناقب حضرت‌علی(ع) . ۴- در مهدویت چون درمحل دیگری بطورکامل شرح‌داده شده موردی برای تکرار نمی‌بیند .
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۲ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص ۱۹۳ . ۳ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵ . ۴ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹) . ۵ ــ اللباب ج۳ ص۱۷۷ . ۶ ــ از منسوبان به محله ملنجه است :

۱ ــ ابوعبدالله مقری احمدبن محمدبن حسن‌بن برد ملنجی‌اصفهانی متوفی(۴۳۷هـ.ق) ←

۱۵۲ ـ محله منجان ومنوجان :

این محل که اکنون ازدهات جی است درقرن چهارم وپنجم جزءِمحلات شهر بوده وکسانی نیز باین محله منسوبند[۱] .

۱۵۳ ـ محله ەورنان :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۵۴ ـ محله میدان :

یاقوت حموی گفته[۳] . میدان محله‌ای است دراصفهان که عده‌ای ازمحدثان بآن منسوبند[۴] .

→

ازمحدثان که حدیث ازابوبکر قیار وابوالشیخ حافظ نقل میکرد وابوبکر خطیب ازاو . (اللباب ج۳ ص۱۷۷)

۲ ـ ابوعبدالله قرشی محمدبن ابراهیم بن سالم بن عبدالله ملنجی معروف به ابن شاوال وساکن ملنجه بود از حسن بن عرفة وعلی بن داود قنطری وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۲)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن محمدبن ابی‌القاسم‌المؤذن ملنجی متوفی (۶۱۲ ه . ق) از محدثان که حدیث از ابوالفضل بن ابی‌الرجاء ضبابی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابوطاهر معروف به هاجر و غیرآنان روایت میکرد و ببغداد رفت و در (۵۱۸ ه.ق) درآنجا حدیث گفت ومحمدبن مبارك وغیراو دردمشق ازاو حدیث شنیدند و سپس باصفهان برگشت و همانجا بمرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵)

۴ ـ ابومسعود سلیمان‌بن ابراهیم‌بن سلیمان ملنجی اصفهانی متوفی (۴۸۶ ه . ق) از محدثان و مصنف تخریج بر صحیحین و غیر ذلك و کتاب : الاربعین علی مذهب‌المحققین در حدیث . (اسماءالمؤلفین ص۳۹۸)

۵ ـ جعفربن ابوسنان ملنجی ازمحدثانی که حافظ عبدالعظیم براواملاء کرده است . (اسماءالبلدان)

۱ ـ ابومنصور ابراهیم بن ابجه‌بن اعصرابواسحاق منجانی اصفهانی ازمحدثان که ازمحمدبن عاصم اصفهانی‌روایت‌میکرد وابواسحاق سیرجانی‌ازاو. (المشترك ص۴۱۲)

۲ـ تاریخ‌اصفهان و ری‌ص۹۹.

۳ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۹۹ .

۴ ـ ازمنسوبان به محله میدانند : (اللباب ج۳ ص۱۸۱)

←

۱۵۵ ـ محله میدان اسفریس :

و ظاهراً اسفریس معرب اسبریس و اسپریس است که میدان اسب‌دوانی و چوگان‌بازی باشد بنا بگفته ابوموسی که از قدمای اصفهان است میدان اسفریس محله‌ای دراصفهان بوده است[1] . وکسانی ازعلماءِ ومحدثان نیزباین محله انتساب داده شده‌اند[2] . وبنظر نگارنده محله میدان با این محله یکی است .

۱۵۶ ـ محله میدان شاه :

ازمحلات جزءبخش۴ شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[3] . وحدود آن در اطراف میدان شاه وبالاتر خواهد بود .

۱۵۷ ـ محله میدان کهنه :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[4]. وازمحلات معروف اصفهان است . کسانی‌ازنامداران نیزباین محله منسوبند[5]. مدرسه‌کاسه‌گران ونوریه درنزدیکی این‌میدان واقعند.

۱۵۸ ـ محله میدان میر :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ محله بزرگ جوباره ونعمتی‌خانه بوده است[6] .

→

۱ ـ ابوالفتح مطهربن احمد مفیدبیع میدانی که بنابگفته حافظ ابوالفضل مقدسی از محدثان اصفهان است که حدیث از ابونعیم حافظ شنیده است ولی ابوموسی حافظ اظهار بی‌اطلاعی ازوجود چنین محدثی کرده است . (المشترك ص۴۱۲)

۲ـ محمدبن محمدبن عبدالرحمان‌بن‌عبدالوهاب مدینی میدانی که ابوموسی‌گفته پدرم ازاو حدیث نقل میکرد . (المشترك ص۴۱۲)

۱ ـ المشترك ص۴۱۲ . ۲ ـ ازمنسوبان بمحله میدان اسفریس است: محمدبن‌محمدبن عبدالرحمن‌بن عبدالوهاب میدانی‌که ابوموسی وپدرش آزاو حدیث شنیده‌اند . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۴۲) . ۳ و۴ و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۵ـازمنسوبان به‌محله میدان‌کهنه است :

۱ـ میرزا غلامحسین استاد اسطرلاب واکرکه در خدمت وزارت پست‌وتلگراف بود و درقرن‌چهاردهم هجری‌میزیست . سیدحسن‌مشکان طبسی استاد ریاضی معروف متوفی‌ازمحضرش استفاده‌کرده است . (مجله آستان قدس شماره۱ دوره هشتم ص۱۰۳)

۱۵۹ ـ محله ناجونان = ناژونان :

ازمحلاتی است که جزءبخش ۱ واقع و آن طرف خیابان دورشهر اصفهان است[1].

۱۶۰ ـ محله نخان :

ازدهات درب دروازه اصفهان است که گاهی خارج شهروزمانی جزءمحلات اصفهان محسوب میشده است یاقوت گفته[2] : نخان بضم و آخرش نون دیهی است درب دروازه اصفهان که بآن گفته میشود شهر جی یا نزدیك آن یا محله‌ایست از اصفهان . مؤلف اللباب گفته[3]. نخان ازقرای اصفهان است که آنرا جی‌میگویند. ابونعیم حافظ اصفهانی گفته[4] ؛ نخان دیهی از سواد شهرستان بوده است . ویکی ازمحدثان را نیز بآنجا منسوب ساخته‌اند[5] .

۱۶۰ ـ محله نیم‌آورد = نم‌آورد :

این محله جزء بخش ۳ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود وحیدری‌خانه بوده است[6] .

مدرسه نیم‌آورد ومسجد حاج محمد جعفرآباده‌ای وچند مسجد دیگر در این‌محله واقع شده است وبه محله یمابرت نیز رجوع شود .

۱۶۱ـ محله وادار = واذار = وذار :

ابونعیم حافظ اصفهانی‌متوفی (۴۳۰ ه.ق.)گفته:[7] واذار درشهراصفهان‌محل دفن احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام است‌که هنگام‌فرار درخلافت هارون‌الرشید باصفهان‌آمد وهمانجا وفات‌کرد ودرمحل واذار

۱و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹.　۲ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۷۵.　۳ـ اللباب ج۳ ص۲۱۹ .　۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰ .　۵ ـ از منسوبان به‌محله نخان است :

۱ ـ ابوجعفر زیدبن بندار‌بن زید نخانی اصفهانی فقیه متوفی (۲۷۳ ه .ق) از مردم نخان‌که دیهی ازسواد شهرستان است بوده وخود ازعثمان‌بن ابی‌شیبه وقعنبی وعمروبن رافع ابوحجر واسماعیل بجلی‌روایت میکرده است واحمدبن‌محمدبن نصیراصفهانی ازاو. ابوجعفر مزبوروزن وپسرش چهل‌سال روزه گرفتند .　(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۷ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۰

دفن گردید .

درمعجم البلدان گفته:[1] و اذار بذال معجمه و آخرش راء از دهات اصفهان است. ودراللباب[2] گفته : واذار ازقرای اصفهان‌است. درالمشترك گفته:[3] وذاربفتح واو و ذال معجمه ازدهات اصفهان است .

آنچه مسلم است اینکه محله واذار اکنون همان محله موسوم به امامزاده احمد است که دربازار ساروتقی ونزدیکی مدرسه عربان واقع است و این‌حدودرا درقدیم‌واذار میگفته‌اند وظاهراً در دوره ملکشاه سلجوقی که شهر روبتوسعه‌گذارده جزءِ شهرشده است .

ازاماکن تاریخی واقع دراین محله همان امامزاده احمد ومسجد ساروتقی و مدرسه عربان است . وامکان دارد واذار بجا و معنای بازار باشد چون بازار سار و تقی‌هم درآنجا است .

وعده‌ای‌ازعلماءِ ومحدثان وبزرگان‌باین محله منسوبند[4]، وجه تسمیه شاید این باشدکه درمحل و اذار توقفگاه وایستگاهی بوده‌که امر بایستادن و واداشتن میکرده‌اند .

۱۶۲- محله وذنكاباذ :

درمعجم‌البلدان[5] وذنكاباذ را بفتح اول وثانی وسکون نون‌گفته ومعنای‌آن را آبادی وذنك نوشته است .

۱- معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۶ ۲- اللباب ج۳ ص۲۵۵ ۳- المشترك ص۴۳۵

۴- ازمنسوبان به محله واذارند :

۱ - حسن‌بن مصقله واذاری متوفی (۲۹۰ ﻫ . ق)

(ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۲۶۱)

۲- ابوالعلاء محسن‌بن ابراهیم‌بن احمد واذاری متوفی بعد از (۴۰۰ ﻫ . ق) از محدثان‌که ابوعلی حسن‌بن عمربن یونس از او روایت میکرد .

(اللباب ج ۳ ص ۲۵۵)

۳- محمدبن جعفربن‌یحیی‌بن فرقد ضبی معبر واذاری ازصاحبان تفسیر برای‌عبدالرزاق بنقل ازسلمة‌بن شبیب. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۸)

۵- معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۶۹

این محله هم در قدیم جزء دهات خارج شهر بوده وزمانی جزء شهر وخلاصه تابع عمران وویرانی شهر بوده است .

ابو نعیم گفته[1] : وذنکاباد از دهاتی بوده که منصل بحصار شهرستان بوده است .

دراللباب گفته :[2] وذنکاباد از قرای اصفهان است. و عده‌ای را منسوب بآنجادانسته است[3] .

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۹ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۶۵ ۳ـ از منسوبان به این محله است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم بن عمرو ذنکابادی که حدیث ازحسن بن محمد بن عبدالله بن حسنویه اصفهانی شنید و ابوالقاسم شیرازی از او روایت میکرد .

(اللباب ج ۳ ص ۲۶۵)

۲ـ ابوبکر محمودبن فرج بن عبدالله بن بدر وذنکابادی متوفی (۲۸۴ه.ق) ازمحدثان ونیای ابومحمدبن حیان وازابدال بود ، سه‌بار بطرسوس رفت ، ازاحمدبن عبدة وبشیربن هلال وعبدالجبار وابن ابی عمر وازابوحجررازی وعبدالله بن عمران وسعیدبن عنبسه واسماعیل بن ثوبة وابوعثمان رازی روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج ۲ ص۳۱۲)

۳ـ ابوعبدالرحمن عبدالله بن محمودبن الفرج الوذنکابادی متوفی (۳۲۵ ه . ق) از محدثان ودائی ابومحمدبن حیان بودکه ازبوحاتم رازی وهلال بن العلاء رقی وابوعمرروایت میکرد ، وحسن بن اسحاق بن ابراهیم اصفهانی از او روایت داشت .

(اللباب ج ۳ ص ۲۶۷)

۴ـ ابوعبدالله محمدبن علی بن محمد بن احمد وذنکابادی ازمحدثان که حدیث ازابن‌ـ الشیخ روایت میکرد . (معجم البلدان ج ۵ ص۳۶۹)

۵ـ ابوالعباس احمدبن محمودبن صبیح بن سهل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکابادی متوفی (۳۱۰ ه . ق) ازصاحبان اصول وثقة واز اصفهانیان روایت میکرد ودارای فواید بسیار بود، نامبرده در وذنکاباذ با روی شهرستان سکونت داشت ، و از عبدالله بن ابی عمرو و ابـومسعود مصنفاتش را ونیز از احمدبن سعیدبن جریر روایت میکرد .

(ذکر تاریخ اصبهان ج۱ص۱۲۹)

۶ـ عبدالرحمن بن محمودبن الفرج وذنکابادی متوفی (۲۹۸ ه . ق) ازمحدثان که با برادرش احادیث بسیار نوشت ولی حدیثش بیرون نیامد .

(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۱)

۷ـ علی بن حسین بن محمدبن علی بن الحسین الحنظلی المؤدب الوذنکابادی ازمحدثان که خود از اسماعیل بن راشد وابوعمر طلحی از او روایت میکرد .

(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۸)

←

۱۶۳ـ محله واذنان :

دراللباب گفته:[۱] ازقرای اصفهان است که جمعی از علماءِ بآن منسوبند در معجم‌البلدان گفته :[۲] واذنان بکسرذال معجم ونونین ازقرای اصفهان است وشیخ عارف محمدبن احمدبن‌عمر منسوب بدانجا است.[۳]

۱۶۴ ـ محله ورگان :

بفتح واو وسکون راء وکاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[۴] .

دراللباب گفته : محله‌ایست دراصفهان[۵]. یاقوت نوشته: ورکان بفتح‌وسکون وکاف و بعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[۶] .

ورگان یعنی جای‌گرگ .

→

۸ـ فرح‌بن عبدالله وذنکاباذی از محدثان و ذنکاباذ که حدیث از عثمان‌بن سعید نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۷)

۹ـ هبةالله مؤدب وذنکاباذی از محدثان وذنکاباذ شهرستان وابوبکر محمدبن ابراهیم سبط اوبود . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۶۹)

۱ـ اللباب ج۳ ص۲۰۶ ۲ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۴۶ ۳ ـ دیگرازمنسوبان‌به واذنان است :

۱ـ ابوجعفر احمدبن مالک‌بن یحیی‌بن‌احنف‌بن قیس واذنانی ازمحدثان‌که ابواسحاق سریجانی از او روایت‌کرده است . (اللباب ج ۳ ص۲۵۶)

۲ـ مالک‌بن بحرواذنانی‌ازمحدثان‌که ازاحمدبن صالح‌سمومی روایت‌میکند وابوحامد اشعری ازاوحدیث نقل‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ص۳۱۹)

۳ـ محمدبن احمدبن عمر واذنانی‌که درمعجم‌البلدان یادآوری‌گردیده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۹)

بنظرمیرسدکه واذنان ازمحلات شهرستان بوده‌که ازمیان رفته است . بیشترازمحلات و آبادیهائی‌که دارای عالمان ومحدثان بوده وازبین رفته ازشهرستان بوده است .

۴ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۳۷۳ ۵ـ اللباب ج ۳ ص۲۶۹ ۶ـ از منسوبان باین محله است :

۱- ابوالعباس‌احمدبن حسن‌بن ابراهیم مفتش ورکانی‌متوفی صفر (۴۵۴ه.ق) محدثی

←

۱۶۶ ـ محله ویذآباذ :

که شرح آن ومنسوبان بآن درمحله بیدآباد شرح داده شده است .

۱۶۷ـ محله وعل :

درکشف‌الظنون گفته[۱] وعل ازقرای اصفهان است وابوبکروعلی ازمنکران حیله درطلاقرا منسوب بآنجادانسته‌است وگفته طاهر بن یحیی یمینی کتاب‌الاحتجاج الشافی بالردعلی المعاند فی طلاق‌التنافی‌را در رد براو تألیف‌کرده است.

۱۶۸ ـ محله هفتشور = هفتشویه :

ابونعیم[۲]، اصفهانی گفته : هفشور از دهات اصفهان است و یکی از محدثان را منسوب بآنجا شمرده است[۳] . ولی در قرون ششم وهفتم و هشتم‌که ناحیه قهاب درنهایت عمران و آبادی بوده این محل بنام هفشویه تقریباً متصل بشهراصفهان و ازمحلات آن محسوب میشده است . منتهی معلوم میگردد که درقرن سوم‌وچهارم نام آن هفشور وبعدازآن بنام هفتشویه بوده است ودرهرزمانی هم منسوبانی داشته است . از اماکن تاریخی در آنجا مسجدی است که از قرون مربوط بسلجوقی‌ها

→

کثیرالسماع وقلیل‌الروایة بود وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد . (المشترك ص۴۳۵)

۲ـ ذوالنون مصری ورگانی ازشیوخ ابوالفضل باطرقانی .

(معجم‌البلدان ج ۵ ص ۳۷۳)

۳ـ عایشه بنت حسن‌بن‌ابراهیم ورگانی متوفاة (۴۶۳ ه.ق) ازدانایان و واعظان بود واز ابوعبدالله‌بن‌مندة روایت میکرد وام‌الرضا ضوء بنت‌محمدبن علی‌حبال‌ورگانی ازاوروایت میکرد . (اللباب ج ۳ ص۲۶۹)

۱ـ (کشف‌الظنون ج۱) ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷. ۳ـ و از منسوبان به‌آنجا است: ۱ـ احمدبن ابراهیم‌بن عبدالله مؤدب هفشوری از ساکنان قریه هفشور و از محدثان که حدیث از محمدبن المثنی و سلمةبن شبیب ومقری نقل میکرد.

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷)

۲ ـ پیرسلیمان هفتشوئی از شاگردان آخوند ملانصیراواز شعرای معاصر شاه سلیمان صفوی واز اشعار اواست معمائی بنام صدر :

چون‌صبا زلف‌ازجمال‌روی یارم دورکرد برکنار لب دوخال هندویم رنجور کرد

(تذکره نصرآبادی ص ۵۳۸)

بصورت ویرانه‌ای درآمده است وشرح آن گفته شده . اکنون بنام هفتشویه و جزءِ ناحیه قهاب و در ۵ کیلومتری شمال شوسه اصفهان بیزد واقع است و در حدود دویست‌وبیست‌نفر سکنه دارد(۱) .

۱۶۹ ـ محله هفتان :

این محله درابتدای امر دیهی واقع در درب دروازه اصفهان ودارای آبهای جاری و منبر بوده است(۲) . و هرچه شهر روبخرابی میرفته از شهر دور میشده و هنگام عمران وآبادی ازمحلات شهر بوده است .

۱۷۰ ـ محله هیسان :

بفتح‌سپس سکون وسین‌مهملة وآخرش نون ازقرای اصفهان است. این‌نکته را یاقوت حموی درقرن هفتم هجری گفته است(۳) . ولی در دوران صفویه که شهر اصفهان به‌نهایت معموریت رسیده بود این دیه ونظائرآن همه جزءِ محلات‌اصفهان بوده‌اند . دراللباب نیزگفته(۴) : هیسان قریه‌ای ازقرای اصفهان است‌که عده‌ای از علماء بآن منسوبند(۵) .

۱۷۱ ـ محله یارم :

درمعجم‌البلدان بکسر راء خوانده وآنرا از دهات اصفهان دانسته است(۶) . و در المشترك براء مفتوحه و از ابوموسی حافظ اصفهانی نقل کرده که از قرای

---

۱ ـ فرهنگ جغرافیائی استان دهم اصفهان .　　۲ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۸ .

۳ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۲۲ .　　۴ ـ اللباب ج۳ ص۲۹۷ .　　۵ ـ از منسوبان به محله هیسانند :

۱ ـ ابوعلی حسن‌بن محمدبن حمزه هیسانی از محدثان که از علی‌بن محمد طنافسی و یحیی‌بن اکثم روایت میکند وخود از عبدالله‌بن محمدبن عیسی اصفهانی .

(اللباب ج۳ ص۲۹۸)

۲ ـ ابوعمرمحمدبن احمدبن حسن‌بن محمدبن حمزه ضبی‌هیسانی مولود (۲۷۲هـ.ق) ومتوفی (۳۵۸ هـ.ق) ازمحدثان که حدیث ازابوبکربن نعمان وابوطالب‌بن سوادة و محمدبن عبدالله‌بن‌الحسن وابراهیم‌بن نائله استماع کرد .　　(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۷)

۶ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص ۴۲۵.

اصفهان وعده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[1] . درقاموس‌اللغه آنرا یرم بفتح را نوشته وازقرای اصفهان دانسته است .

درهرحال نام یارم اکنون در محاورات نیست و از آن دهاتی بوده که دراثر توسعه شهر آن نام ازبین رفته است، وجزء محلات شهر درآمده است و فقط عنوان تاریخی دارد .

۱۷۲ ـ محله یازده‌پیچ :

چنانچه صاحب تاریخ نصف جهان گفته این محله در جوباره اصفهان واقع ونعمتی‌خانه بوده است[2] .

۱۷۳ ـ محله یزدآباد :

محله‌ایست دراصفهان جزءِبخش۴ ازمحلاتی که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[3] . وعده‌ای ازعلماء وفضلاءِ بآن منسوبند[4] .

۱۷۴ ـ محله یمابرت :

بنا بگفته یاقوت حموی بفتح وبعد الف‌باء موحدة و راءِ ساکنهٔ وتاءِ مثناة از قرای بزرگ اصفهان است که درآن بازار و منبراست و گاهی بجای باء فاء تلفظ میشود ومیگویند «یمافرت»[5] . ودراللباب گفته[6] : یمابرت یکی ازمحال‌اصفهان است وآنرا « یمافرت » بفای غیر خالص نیز تلفظ میکنند و عده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[7] .

از گفته‌های یاقوت وصاحب اللباب برمیآید که یمابرت یا از قرای اطراف

---

۱ ـ المشترك ج۳ ص۴۴۱ . واز منسوبان آنجا است : ابوموسی حافظ یارمی ازمحدثان .

۲ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان به‌این محله است : ۱ ـ میرزا مهدی یزدآبادی از خوشنویسان خطوط نستعلیق وشکسته در دوره قاجاریه . (جغرافیای اصفهان ص۸۲)

۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۴۱ . ۶ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۳ . ۷ ـ از منسوبان بآنجا است : ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم یمابرتی اصفهانی ازمحدثان که بعراق سفرکرد وحدیث از ابوالقاسم بغوی وابوبکربن الولاد شنید و ابوبکربن مردویه حافظ ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۳ ص۳۱۳)

اصفهان ویا محله‌ای بوده و چون درذکر تاریخ اصبهان که از ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم خشاب نامبرده ذکری ازقریه ویا محله نکرده دلیل اینستکه در آن تاریخ مردم اصفهان محسوب میشده است وطوری بوده که یمابرت از اصفهان (شهر) محسوب بوده است مطلب تازه‌ای که بنظرمیرسد (یمابرت) یا (یمافرت) احتمال زیاد دارد که منظور همان محله (نماورد) باشد که در قدیم (یمابرت) یا (یمافرت)وشاید (نمابرت) و(نمافرت) بوده و تصحیف گردیده است و اینکه ابونعیم ذکری نکرده برای این بوده‌که این کلمه بعد از ابونعیم پیدا شده است.

۱۷۵ ــ محله یوائان :

درمحاسن اصفهان یوان را بصورت یوائان نوشته وگفته است ازقرای‌قدیمی اصفهان است که درآنجا دو قلعه مهم بوده است و میتوان گفت تثنیه یوان یا جمع فارسی آن باشد[۱].

واما ابونعیم گفته:یوان‌قریه‌ای‌بوده‌که‌اکنون‌محل‌مسجدجامع‌اصفهان‌است[۲]. درانساب سمعانی گفته : یوان دیهی است ازدهات اصفهان که بردر دروازه اصفهان است و قبر علی‌بن سهل صوفی در آنجا است . در اللباب گفته شده : یوان دیهی از اصفهان است وعده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[۳] . و یاقوت گفته[۴] : یوان آخرش نون واولش مفتوح قریه‌ایست بردروازه اصفهان که جماعتی بآن منسوبند[۵] .

---

۱ ــ محاسن اصفهان ص۸ . ۲ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ . ۳ ــ اللباب ج۳ ص۳۱۴ . ۴ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۲ . ۵ ــ از منسوبان به محله یوان است :

۱ ــ ابوبکر محمدبن احمدبن معرة یوانی ازبندگان صالح خدا که حدیث ازمظالمی وابوعلی‌بن غانم والحساب و عبدالله‌بن جعفر شنید . (اللباب ج۳ ص۳۱۴)

۲ ــ ابوجعفر احمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌الحکم‌الیوانی‌الاصفهانی متوفی (۳۲۲ه‍.ق) ازمحدثان ثقة‌که از: سری‌بن یحیی ویحیی‌بن ابوطالب روایت میکرد، وابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة اصفهانی وابوبکربن مقری و شیخ ابونعیم اصفهانی بایك واسطه ازاو حدیث نقل میکردند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۱)

۳ ــ ابوعبدالله محمدبن‌الحسن‌بن عبدالله‌بن مصعب‌بن سلیم‌بن کیسان ثقفی یوانی‌متوفی (۳۲۲ ه‍. ق) وی از دیه یوان درب دروازه شهر بود و محمدبن عبدالرحمن‌بن الفضل و ابواسحاق‌حمزه اصفهانی ازاو وخود ازسهل‌بن عثمان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۱۷۶ ـ محله یونارت :

در معجم‌البلدان چنین ضبط شده : یونارت بضم سپس سکون وبعد الف راءِ مفتوحه وتاء مثناة ازفوق قریه‌ایست درب دروازه اصفهان[۱] . ودر اللباب نوشته[۲] : یونارت: دیهی است ازاصفهان درب دروازه‌آن وعده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۳] .

این دیه ازدهاتی است‌که درزمان صفویه جزء شهرشده واز محلات محسوب میگردیده است ولی اکنون نشانی ازآن هم دیده نمیشود .

۱۷۷ ـ محله یهودیه :

در المسالك والممالك مقدسی گفته شده که قسمت یهودی‌نشین اصفهان را یهودیه میگفته‌اند ودر المشترك گفته[۴] : یهودیه نام شهر فعلی اصفهان است . در معجم‌البلدان‌هم گفته :یهودیه شهر کنونی‌اصفهان‌است[۵] .درنخبة‌الدهر فی‌عجایب‌البر والبحر نیز نظر معجم‌البلدان والمشترك تأیید گردیده است . مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته است‌که یهودیه عبارت ازقسمتی ازاصفهان فعلی بوده که از خیابان هاتف امروز ازفلکه شکرشکن تا دروازه طوقچی محورآن‌محسوب میشود وهمچنین جوباره یعنی قسمت یهودی نشین فعلی اصفهان .

درواقع این محله همان محله جوباره کنونی است باکمی تفاوت وآن‌راکوی جهودان نیز نامیده‌اند واین نام مربوط بزمان پیش از اسلام است . درهرحال این محله معروف ومشهور وعده‌ای ازعلماءِ ازآن برخاسته‌اند[۶] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۳ . ۲ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۶ . ۳ ـ از منسوبان بآنجا است: ابونصرحسن بن محمدبن ابراهیم‌بن‌احمدبن علی‌بن حیویه‌المقری‌الیونارتی متوفی حدود (۴۳۰ هـ.ق) دراصفهان ازحفاظ مکثر وکثیرالکتابة بود سفری بعراق وخراسان کرد و حدیث ازحسن‌بن احمد سمرقندی درنیشابور واز‌ابوالقاسم احمدبن محمد خلیلی در بلخ‌شنید. اوراست معجم‌الشیوخ درچند جزء . دراسماءالمؤلفین و انساب سمعانی و اللباب ولادتش در ۴۶۶ ووفاتش در حدود ۵۳۰ هجری نوشته شده است .
(معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۵۳ واسماء المؤلفین واللباب)

۴ ـ المشترك ص۴۴۳ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۳. ۶ ـ ازمنسوبان به‌محله یهودیه است :

←

این بود فهرست نامهای محلات شهر اصفهان در ادوار مختلف تاریخی که ملاحظه میشود برای یك محله درزمانهای گوناگون نامهای مختلف قرارداده‌اند. هرچند عدد محلاتیکه شمردیم زیاد بنظر میرسد ولی چون اغلب آنان مترادف میباشند نمیتوان عدد واقعی آن محلات را از پنجاه ببالا دانست.

ازطرف دیگر عده‌ای ازکوچه‌ها هم‌همان نام محلات را دارند وبنظرمیرسد که ازنظروسعت بهردونام خوانده شده است. اصولاً درزمان قدیم که‌خیابان بمعنی امروزی متداول نبوده شارعهائی که وسیع و درروهای گوناگون داشته است کوی مینامیده‌اند مانندکوی جهودان وکوی خوزیان‌که درواقع محلاتی‌بوده‌که‌شارعهای گوناگون ازهرطرف داشته‌اند واگر شارع بن بست میشده کوچه مینامیده‌اند.

ذکر معابر ومحلات وکویها وبرزنها دراین نوشته از جهت وجود آثارملی و باستانی درآنها درگذشته ویا درحال است وگرنه بنفسه اطلاع ازمحله یا کوچه یا کوئی که در زمانهای پیشین وجود خارجی داشته است و خبرش بما رسیده ثمری ندارد چنانچه در ابتدای وضع ساختمانی شهر اصفهان متذکر گردید درشهر مزبور علاوه برکوچه وشارع محلات‌آن به‌سیبه‌هائی تقسیم میشده یعنی یك‌کوچه منقسم

←

۱ــ ابوجعفرمحمدبن‌الفرج‌الفقیه‌یهودیه‌ای ازمردان خیروفاضل‌بودکه درکتابهای کوفیان نظر میکرد وازمتولیان جامع یهودیه بشمارمیرفت، جدش فرج از موالی خالدبن یزید قرنی بود. خود ازقاسم‌بن حکم عرنی ومحمدبن یحیی‌بن منده ازاو روایت میکرد.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۰۰)

۲ ــ ابوعبدالله محمدبن‌العباس‌بن‌خالدبن یزیدبن‌ماهان یهودیه‌ای متوفی (۲۶۶ ه.ق) ازمحدثان وازیاران عباس طامه‌ای وزکریابن‌الصلت وعبدالرحمن‌بن علی است، و حدیث از ابوعاصم وحسین‌بن حفص ومقری و عبیدالله‌بن موسی روایت میکرد وآخرین کسی که حدیث از اونقل‌کرده عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس است. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۵)

۳ــ عمروبن المبارك البجلی یهودیه‌ای اصبهانی متوفی بعد از (۲۸۰ه. ق) ازساکنان یهودیه‌که حدیث ازقیس وابوهانی عمربن بشیر و اسرائیل و مندل نقل کرده است. ابونعیم گفته: درکتاب من اکره‌الروایة عنه دیدم گفته درکتاب ابویعقوب اسحاق بن یوسف یافتم‌که ازمحمدبن حارث صیداوی مسموع شد درسال (۲۸۰ ه.ق) عمروبن‌المبارك البجلی‌الاصبهانی ساکن یهودیه مارا حدیث گفت.
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۴)

به چند کوچه میشده وتمام این کوچه‌ها یك در رو داشته و دربی داشته که هنگام اغتشاش یا درموقع فرارسیدن شب آن درها را می‌بسته‌اند واین‌عده‌کوچه بادربندان آن راسیبه مینامیده‌اند ودرابتداء اشاره گردید که این وضع تا دوره پهلوی ادامه داشت وازآن زمان‌ببعد متروك گردید ودرها برداشته شد والا اکنون هم درامکنه قدیمی شهر اصفهان بعضی از سیبه‌ها وجود دارد .

ه ـ کوچه‌های شهر اصفهان :

۱ ـ کوچه اسماعیل کوسج :

این‌کوچه درمحله باغات واقع شده است .

۲ ـ کوچه جهودان :

یاکوی جهودان که همان محله یهودیه ویا جوباره میباشد .

۳ ـ کوچه باباسرخ :

این‌کوچه واقع است دردنبال جوی شاه درمحله سرجوی شاه وبقعه باباسرخ که یکی ازباباهای قدیم است درآنجا واقع شده است[۱] .

۴ ـ کوچه باقلافروشان :

این‌کوچه در محله باقلا فروشان جزء بخش ۴ از محلات شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۲] .

۵ ـ کوچه بی‌نقابان :

این کوچه جزء کوچه‌هائی بوده که در دنباله مدرسه صفویه اصفهان واقع و درآن کوچه‌ها کاروانسراهائی قرارداشته که مسکن زنان بدکار بوده است[۳] .

۶ ـ کوچه حران :

این کوچه درزمان قدیم دراصفهان معروفیت داشته ورجالی نیزازآن‌کوچه برخاسته‌اند[۴] .

---

۱ ـ رجال اصفهان ص۶۴ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۳ ـ زندگی شاه‌عباس ج۳ ص۵۶ . ۴ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ .

۷ - کوچه بازارچه خان :

این کوچه دربازارچه‌خان که درمحله دارالبطیخ واقع است میباشد ومسجد خان درآنجا بوده است[۱] .

۸ - کوچه‌باغ :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد کوچه‌باغ واقع شده است .

۹ - کوچه باغ قلندرها :

این کوچه مسجد حکیم را ببازار بزرگ شهراصفهان متصل میکند وعلاوه برمسجد حکیم مسجد دیگری بنام مسجد شیشه که معروف به‌مسجد خلوت‌نشین است واقع گردیده است[۲] .

۱۰ - کوچه باغ حاجی :

درمحل باغ حاجی‌که موقعیت‌آن درمحله باغ‌حاجی شرح داده‌شده‌کوچه‌ای است بنام کوچه باغ حاجی‌که درآن مسجدی بنام مسجد خواجه روح‌الله واقع‌است که در زمان شاه‌عباس بنا گردیده است . تاریخ بنای آن سال یکهزار و بیست وسه هجری میباشد[۳] .

۱۱ - کوچه بواسحاقیه :

کوچه‌ای است‌که ازگوشه شمال غربی‌مسجدجامع اصفهان بطرف‌آن میروند واین کوچه را ازآن‌جهت بواسحاقیه گفته‌اندکه عمارت دیوانی شیخ‌ابواسحاق‌انجو درآن کوچه بوده است ودرست آن همین است . مسجد جامع نیز درنزدیکی این کوچه واقع شده است[۴] .

۱۲ - کوچه پاکاریها :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد پاکاریها واقع شده است .

---

۱ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۱۰ .
۲- گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌ص۸۵۵ .
۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۷۹ .
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۲ .

۱۳ - کوچه پشت مسجدشاه :

این کوچه درپشت مسجدشاه واقع وکتیبه سردرمدرسه سلیمانیه بسوی این کوچه قرارگرفته است[۱] .

۱۴ - کوچه پهن :

دراین کوچه هم مسجدی بنام مسجد کوچه پهن وجود دارد و چون کوچه عریض بوده بنام کوچه پهن خوانده شده است .

۱۵ - کوچه تکیه ظلمات :

این کوچه درمحله تکیه ظلمات واقع ومسجد مقصودبیک که مردم محل آنرا مسجد ظلمات میخوانند درآن قرار دارد و شاید وجه تسمیه این باشدکه درآنجا تکیه‌ای بوده‌که بیشتر تاریك وبی‌روشنائی وچراغ دیده‌میشده واز اینروآن تکیه‌را تکیه ظلمات یعنی تاریکیها خوانده‌اند .

۱۶ - کوچه جماله کله :

این کوچه که اکنون بنام محله خوانده میشود درعصر شاردن فرانسوی که درزمان صفویه باصفهان‌آمده کوچه نامیده میشده است ودرآن موقع شاردن‌کوچه جماله کله را تابع محله نیم‌آورد خوانده است[۲] .

۱۷ - کوچه رندان :

ازکوچه‌های قدیم اصفهان است‌که شیخ‌عزالدین متوفی (۷۹۰ه.ق) درابتدای آن‌کوچه مدفون شده‌است. وازآن‌جهت‌آن‌کوچه‌را باین نام خوانده‌اندکه مردمان عیار وغارتگر درآن سکونت داشته‌اند .

۱۸ - کوچه ساوجیان :

این‌کوچه‌که بمناسبت سکونت سعیدالدین محمد ساوی بنام‌کوچه ساوجیان معروف بوده ودرنزدیکی مسجد جامع کنونی واقع میشده تغییر نام داده و اکنون

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۷ .   ۲ـ سفرنامه شاردن ترجمه‌عریضی ص۸۹ .

به کوچه سبزیان شهرت دارد[۱] .

۱۹ - کوچه طراز :

کوچه‌ای بوده در اصفهان که تجار مردم شهر طراز ترکستان در آن منزل میکرده‌اند ودر آن پنجاه کاروانسرا وجود داشته است واین طرازهمان محله طراز میباشد که درپیش شرح داده شده است[۲] .

۲۰ - کوچه دارالبطیخ :

درواقع همان است که محله دارالبطیخ ودالبتی میخوانند و در محله کران که امروزه احمدآباد نامیده میشود واقع گردیده است ونهرفدین آنجارا مشروب میکند وتربت نظام‌که مقبره خواجه نظام‌الملك و دیگران باشد در این‌کوچه واقع شده است[۳] .

۲۱ - کوچه درویشها :

این کوچه واقع است درمحله خاجو ومسجدی نیز درآن کوچه میباشد بنام مسجد حاج‌محمدمهدی‌که به‌مسجد زاغی شهرت دارد وچون تکیه بکتاش‌ازصوفیه درآنجا بوده بنام کوچه درویشها خوانده شده است[۴] .

۲۲ - کوچه سلطان سنجر :

این کوچه قدیمی ودر محله سلطان‌سنجر واقع شده که از محلات جوباره بوده است .

۲۳ - کوچه عمریها :

دراین‌کوچه مسجدی بنام مسجد عمریها وجود دارد وشاید این نام بمناسبت سکونت سنی‌ها درآن بوده است .

۲۴ - کوچه مسجد ذوالفقار :

این کوچه درمحله ذوالفقارکه منشعب ازبازار ومحله نیم‌آورد میباشد واقع

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۸ . ۲ - اللباب ج۱ ص۲۸۹ . ۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۳۵ . ۴ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۰ .

گردیده است ومسجد وحمام ومدرسه ذوالفقار دراین کوچه است

۲۵ - کوچه مسجدسرخی :

در این کوچه مسجدی است که در دوران شاه‌عباس اول بنا شده و بانی آن خلف سفره‌چی بوده وازاینرو بنام مسجد سفره‌چی خوانده‌اند ولی در الحان عموم معروف به مسجد سرخی است .

۲۶ - کوچه مشیر :

این کوچه منسوب به مشیرالملك انصاری اصفهانی‌است ودرآن نیزمسجدی قراردارد که آنرا مسجد کوچه مشیر میخوانند .

۲۷ - کوچه مصری :

این‌کوچه درشمال جوباره واقع ونزدیکی قبرستان شورقرارگرفته ومسجدی بنام مسجد مصری درآنجا میباشدکه در زمان شاه‌عباس دوم بناگردیده است .

۲۷ - کوچه نمکی :

این کوچه واقع است درنزدیکی میدان میر جنب میدان کهنه شهراصفهان ودرآن کوچه مسجدی است که بخواجه نظام‌الملك طوسی نسبت میدهند و آنرا مسجدکوچه‌نمکی میخوانند چهارسوئی هم داشته‌که خراب‌شده ومعروف به‌چهارسو نمکی بوده است[۱] .

۲۹ - کوچه گازران :

این‌کوچه ازکوچه‌های بسیارقدیمی اصفهان است که گازران درآن سکونت داشته‌اند وازاینرو کوچه گازران نامیده شده است، چه دردوران قدیم بیشترمردم اصفهان بافنده وجولاه بوده‌اند[۲] . وعلمائی ازآنجا برخاسته‌اند[۳] .

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۲۹ .   ۲ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۶۴ .

۳ ــ ازمنسوبان باین کوچه است : ۱ ــ محمدبن سلیمان‌بن علی کوچه گازرانی از سکنه کوچه گازرها وازمحدثان که از بکر وابوحذیفه ومسلم روایت میکرد وکتابهای حمادبن‌سلمة که ازحجاج‌بن‌منهال روایت میکرده نزد اوبود. ۲ــ ابومحمد عبدالله‌بن‌الصباح بزازکوچه گازرانی متوفی (۲۹۴ ﻫ . ق) از صدوقان و موثقان‌که از عراقیان و مکیان روایت میکرد.

۳۰ - کوچه ماجشون :

کوچه‌ای بوده واقع درمحله کران (احمدآباد فعلی) درمیدان فرش‌فروشهای شهر اصفهان[۱] . که در زمان ابونعیم دائر بوده است[۲] . ماجشون معرب ماه‌گون است وبکسانی که بسیارزیبا و ماهرو بوده‌اند این کلمه گفته میشده است و معلوم میشود دراین کوچه چنین کسانی بوده‌اند .

۳۱ - کوچه باباسنگکی :

این کوچه درپشت مسجدجامع اصفهان واقع ومزارباباسنگکی دراین کوچه قرار گرفته است .

۳۲ - کوچه طبرك :

۳۳ - کوچه مرداویج :

۳۴ - کوچه مؤیدالدوله :

۳۵ - کوچه فخرالدوله :

۳۶ - کوچه‌علاءالدوله :

۳۷ - کوچه جباخانه :

این چند کوچه دراطراف محل سابق قلعه طبرك قرار گرفته و هرکدام بنام یکی ازکسانی که درآن قلعه جاداشته‌اند موسوم گردیده است ویك کوچه هم بنام خود قلعه است .

۳۸ - کوچه باب‌التبریزیه :

این کوچه هم از کوچه‌های قدیمی اصفهان است که آنرا سکةالتبریزیه میخوانده‌اند و ظاهراً کوچه‌ای بوده که مردم تبریز درآن سکونت داشته‌اند .

۳۹ - کوچه خوز :

کوچه‌ای بوده که مردم خوزستان درآن اقامت میکرده‌اند وشاید در محله خوز واقع بوده است .

---

۱ - ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰ .   ۲- وازآنجا است: ابوحامد احمدبن‌الحسین‌بن علی‌السمسار کوچه ماجشونی ازمحدثان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰) .

۴۰ - کوچه جهودان :

کوچه‌ای بوده درمحله جوباره که یهودان درآن اقامت داشته‌اند .

و بیست‌ویك کوچه دیگر نیز وجود دارد که چون جنبه تاریخی ندارند از ذکر آنها . خودداری میگردد .

و - میدانهای شهر اصفهان :

درزمان قدیم جائی را میدان میگفته‌اندکه دارای وسعت‌کافی وازچند جهت دررو داشته باشد و معمولاً میدان برای چوگان بازی و اسبدوانی مساعد باشد و همچنین برای سان دیدن سپاه و نظائر آن مناسبت داشته باشد . از لابلای تاریخ اصفهان برمیآید میدانهائی بوده است که بعضی باقی وبرخی هم نامشان مانده‌است:

۱ - میدان اسپریس :

میدانی بوده دریکی‌ازمحلات قدیم‌اصفهان‌که برای اسبدوانی وچوگان‌بازی استفاده میشده است وشرح آن درمحلات داده شد .

۲ - میدان کهنه :

این میدان که به میدان عتیق نیز شهرت دارد ازبناهای سلاطین آل‌بویه و نزدیك بآنان است که برای بیاعان اجناس مختلف بناشده وهرقسمتی ازآن برای عرضه و فروش وخرید متاعی اختصاص دارد و بااینکه قرنها از بنای آن میگذرد هنوز مورد استفاده است .

۳ - میدان میر :

این میدان ازبناهای تیموریان است ونزدیکی میدان قدیم واقع شده است. معروف است‌که ازساختمانهای این میدان به‌قلعه طبرك راهها ونقبهای زیرزمینی بوده است که درموقع لزوم بیکدیگر ارتباط پیدا میکرده‌اند .

۴ - میدان کاه‌فروشان :

میدانی بوده که درشهرقدیم اصفهان در محله یهودیه وجود داشته است . و سوق جرین نیز درهمان حدود واقع بوده است .

۵ - میدان چهارحوض :

این میدان که چهارحوض دراطراف آن بوده واز میدان نقش‌جهان و سایر میادین کوچکتر و دارای حجراتی نیز برای سکونت داشته است خراب و اکنون خیابان ومحل عبور ومرور است ودرقدیم بمنزله جلوخان عمارات دولتی بوده ودر پشت چهلستون قرار داشته است . شرح آن در آثار باستانی معدوم‌الاثر داده شده است .

۶ - میدان سلیمان :

میدانی بوده که محمدبن سلیمان اصفهانی معاصر مأمون عباسی در نزدیك کنیسه‌ایکه شاه ایران برای حکیم رومی در اصفهان ساخته بوده احداث‌کرده‌اند ، واین میدان در نزدیکی محل فعلی مسجد جامع اصفهان و تا زمان ابونعیم وجود داشته است[۱] .

۷ - میدان سربازخانه :

این میدان درفرح‌آباد اصفهان واقع شده است . واختصاص بسربازان دارد .

۸ - میدان دروازه دولت :

این میدان درمحل دروازه سابق دولت واقع گردیده است .

۹ - میدان فرش‌فروشان (اغاطیین) :

این میدان درقدیم‌الایام درمحله کران در کوچه ماجشون قرار داشته است که درآن فرش‌فروشان متاع خودرا عرضه میکرده‌اند[۲] .

۱۰ - میدان ادب :

این میدان بطوریکه نوشته‌اند درکوچه‌آداب شهر اصفهان وجودداشته است.

۱۱ - میدان باغ همایون :

این میدان درنزدیکی باغ همایون معروف به‌باغ حاجی واقع‌شده‌بوده‌است.

---

۱ - ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴-۳۸ . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۹ .

۱۲ - میدان نقش جهان = میدان شاه :

در محل این میدان وبانی آن اختلاف است . برخی گفته‌اند این میدان در زمانی پیش از صفویه بناء شده و محل آن درجای باغ چهلستون فعلی واقع بوده است ولی آنچه مشهوراست اینکه میدان نقش‌جهان همان میدان شاه‌کنونی میباشد که میان مسجدشاه و سردر قیصریه قرار گرفته و بصورت مستطیل و مساحت آن ۱۲۵ جریب میباشد . در زمان شاردن فرانسوی این میدان زیباترین میدانهای جهان وطول آن دویست‌وچهل (۲۴۰) قدم وعرض آن یکصدوشصت‌پا بوده است .

این میدان دوازده مدخل بزرگ وچند راهرو کوچك داشته وابتدای بنای آن از یکهزارویازده هجری بوده است . یعنی اززمان شاه‌عباس تغییراتی دروضع این میدان داده شده و ازآن‌ببعد بنام میدان شاه معروف شده است[۱] .

درسال ۱۳۱۱ شمسی حوضی درمیدان ساخته شد و در (۱۳۵۳ ه.ق) اتمام و آب درآن انداختند[۲] .

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۵ .

۲ ـ وبرای این کار جشنی برپا داشتند و مرحوم جابری مؤلف تاریخ اصفهان و ری چکامه‌ای در وصف آن حوض و ماده تاریخ آن سرودندکه در ذیل درج میگردد :

زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر — چو ترعه لب دریا زمان اسکندر

سکندر ارکه باسکندریه حوضی ساخت — ببین که مصنع میدان شه است زیباتر

چوآب آینه‌گون موج میزند لب حوض — همی در آب بلرزد چو مرد اشناور

فرات‌ودجله کم‌آبی‌زحوض وخورنق‌خورد — به آستان علی‌قاپو و خجل منذر

و یا که حوض بود رود نیل و مسجد شاه — کمینه کفش کنش صحن جامع ازهر

چو عکس گنبد رخشان شیخ لطف‌الله — نیامده است در این نه فلك یکی اختر

اگرکه سرپوشی وارونه خواهی ازمه‌ومهر — درآب عکس دوگنبد سپید و سبز نگر

بچرخ صورت این مصنع درخشنده — نگر نه حوض که دریاچه‌ایست پرگوهر

بویژه سال دگر سرکشیده بر افلاك — هزار سرو صنوبر هزار طرفه شجر

نسیم نالد و خندد چمن بگرید ابر — درخت بالد و آرد گل و ببارد زر

شود چو بوقلمون رنگ رنگ طاوسی — که از جمالش طاوس هند ریزد پر

دوچشم مردم روشن ز نرگس و اطلس — دماغ خلق بعطر از قرنفل و عبهر

ز داغ لاله لب غنچه بسته و سوسن — زبان گشوده پی پیلگوش و سیسنبر

←

از آثار باستانی موجود در این میدان عمارت عالی‌قاپو و مسجدشاه و طالار طویله و مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه میباشد. این میدان زیر شماره ۱۰۲ بثبت تاریخی رسیده است.[۱]

۱۳ ـ میدان چوگان‌بازی :

این میدان درعصر شاه‌عباس صفوی برای چوگان‌بازی و اسب‌دوانی اختصاص داشته و محل آن همان میدان نقش‌جهان بوده که شاه‌عباس از بالای عمارت عالی‌قاپو بتماشای چوگان‌بازی میپرداخته‌اند و شعراء و ایلچیان خارجی نیز در معیت شاه میبوده‌اند[۲].

۱۴ ـ میدان خاجو :

این میدان درخاجوی اصفهان واقع شده است.

۱۵ ـ میدان پهلوی :

این میدان در محله آب‌بخشان‌که درقدیم به‌مردبان شهرت داشته است واقع گردیده.[۳]

۱۶ ـ میدان هاتف :

این میدان درخیابان هاتف اصفهان واقع‌گردیده است.

→

هزار پوشش از اشکوفه‌های رنگارنگ — دوصد قطیفهٔ ز نسرین و یاس و نیلوفر
زنند بلبل و قمری نوای عشق بشور — کبوتران که ببوسند روی یکدیگر
چو کبك خوش بخرامد برای وصل حبیب — رقیب گردد زاغ و خطیب بر منبر
بلطف آب نگر در پیاله زر سرخ — شقایقش بنموده چو باده احمر
چو باد حمله کند پوشد آب سیم زره — که سرو تیغ بدست است و بید با خنجر
ویا که آب چو دختی درون چادر سبز — نهان شده‌است و کشیده‌است برسرش بستر
چو«جوی کوثروتسنیم» شدروان‌در حوض — به ابتدای بنا سال شمسیش بنگر
چو حوض گشت تمام وز آب شد روشن — چنانچه عکس وی افتاد در مه انور
تو سال را قمری بشمرو بگو تاریخ : — «زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر»

نقل ازتاریخ اصفهان و ری از ص ۳۴۰ تا ص۳۴۲ .

۱ ـ فهرست آثار تاریخی ایران ص ۴۵ .
۲ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص ۳۰۵ .
۳ ـ تاریخچه محله خاجو ۲۲ .

۱۷ ـ میدان هزار جریب :

این میدان در دروازه شیراز اصفهان واقع گردیده است .

۱۸ ـ میدان بازار :

میدانی است که در ابتدای بنای شهر جی از طرف آذرمانان در یکصدوهفتاد سال پیش از اسلام وجود داشته و دروازه خور مقابل آن واقع بوده است[۱] .

۱۹ ـ میدان بیست‌وچهارم اسفند :

این میدان در محل تقاطع خیابان پهلوی بـا خیابان کمال الدین اسماعیل واقع گردیده است .

ز ـ رودخانه زاینده‌رود

نام این رودخانه در عرف نویسندگان گوناگون در ازمنهٔ مختلف متفاوت نوشته‌شده، برخی زرین‌رود ودیگران زرینه‌رود وزرنروذ وزرینه‌رود و زاینده‌رود و زندك‌رود . حمزهٔ اصفهانی متوفی حدود (۳۶۰ هـ . ق) در کتاب سنی‌ملوك‌الارض والانبیاءِ[۲] . زرین‌رود نوشته وگفته است طول میان منبع آن‌که چشمه جانان‌باشد تا جائی که درانتهای رویدشت فرو میرود پنجاه فرسخ میباشد .

ابونعیم حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ هـ.ق) زرنروذ نوشته ومحلی را که آب این رودخانه فرومیرود بنام (هنام) خوانده است[۳] .

صاحب‌عجایب‌المخلوقات نام‌آن‌را زاینده‌رود نوشته وگفته است‌که مکررنی در رودخانه مزبور انداخته‌اند و در کرمان گرفته‌اند ؛ گرچه پذیرفتن این مطلب دوراز‌عقل‌سلیم ومنطق است ولی درهرحال نام رودخانه را زاینده‌رود نوشته است.

درمحاسن اصفهان‌که در قرن پنجم تألیف شده : زرین‌روذ[۴] و وزرنروذ[۵] و زنده‌روذ[۶] نـوشته وزرین‌رود را گفته چون‌آب آن مانند زربرمردم انفاق میشود

---

۱ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۵ .
۲ ـ سنی‌الملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۴ .
۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰ .
۴ ـ محاسن اصفهان ص۴۸ و ۵۳ .
۵ ـ محاسن اصفهان ص۵ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۹ .

به زرین‌رود نامیده شده‌است . بدیهی است زرنرود هم‌مشتق و مخفف زرین‌رود است ولیکن زنده‌رود معنی رودخانه دائر وزنده را میدهد که پیوسته در احیای اراضی موات بکارمیرود وممکن است مخفف زاینده‌رود باشد .

صدرالدین عبداللطیف[1] خجندی که ازشعرای زمان آل خجند دراصفهان بوده درشعریکه دراوصاف اصفهان سروده نام آنرا زرین‌رود گفته :

ای چو سیم مذاب زرین‌رود   اصفهان پرنوا شده ز تو رود
گشته‌ای عین زندگی در جی   فی مجاریك کل شیء حی
در لقای تو داشت خضر برات   آب گشته ز شرم تست فرات

خواجه حافظ گفته :

اگرچه زنده‌رود آب‌حیات است   ولی شیراز ما از اصفهان به

درجای دیگری آنرا چنین یاد میکند:

یاد باد آن روزگاران یاد باد   زنده‌رود و باغ‌کاران یاد باد

استاد سعدالدین هروی ازشعرای‌قرن هشتم دروصف اصفهان قصیده‌ای‌سروده ونام زاینده‌رود را چنین گفته :

هرکه‌رابینی‌همه‌لطف‌است‌واحسان‌وکرم   هرکجاباشی‌همه‌آب‌است وباغ‌وبوستان
آب حیوان است گوئی پیش بستان ارم   زنده‌رود اوکه دارد باغ کاران برکران

ابوالفضل اسماعیل‌بن محمد جربادقانی[2] . از شعرای قرن پنجم در وصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده ونام رودخانه زاینده‌رود را زندروذ سروده است :

یـا اصفهان سقیت‌الخمر صافیة   اذقلت قلت لها سقیا غوادیها
لاحبذا جبل‌الریان من بلد   وحبذا لی مصلاها و وادیها
بزنده‌روذ دیون قد مطلت بها   وان اعش‌فزمانی‌سوف یقضیها[3]

۱ـ زنده‌رود ج ۱ ص۲ .   ۲ـ محاسن اصفهان ص ۱۱۸ .   ۳ـ یعنی ای اصفهان من از شراب صافی هنگامی سیراب‌گردیدم‌که گفتم‌کم باد سیرابی شیران بیشه‌های اصفهان . کوه ریان نیکونیست ازهیچ‌شهری ونیکو و پسندیده است برای من مصلاو رودخانه اصفهان، زنده‌رود را وامهائی برمن است‌که اگر زنده‌مانم زود باشدکه روزگار آن وامها را ادا کند .

ونیز ابوالعلاءِ بختیاربن بنیمان بن خرزاذ اصفهانی دروصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده که درآن نام رودخانه زاینده‌رود را زنده‌رون خوانده است[۱] :

و زندروون الضحی بصفحته — سبائك للجین مذرورة[۲]

ونیز جوهری واعظ اصفهانی[۳] . از شعرای اصفهان در قرن پنجم قصیده‌ای بتازی دروصف اصفهان سروده و درآن نام رودخانه را زنده‌رون گفته است :

کان حنین الزندروون خلالها — حنین اسود للمجاعة تزار

تری مائها مثل اللجین و ارضها — کجنة عدن روضها یتعطر[۴]

ونیز قاضی محمدبن احمد قمی ازشعرای[۵] اصفهان دروصف این شهر بتازی سروده ونام رودخانه را زرنروذ آورده است .

حبذا زرنروذ واد تغطی — من لجین مذوب بجلال[۶]

ونیز شیخ ابوجعفر محمدبن الحسین بن محمدبن الحسن بن یزید اصفهانی[۷] . در قصیده‌ایکه در وصف اصفهان سروده نام رودخانه را زرین رود گفته :

سلام علی زرین روذ وشعبه — سلام محب لاسلام مودع[۸]

حمدالله مستوفی قزوینی درنزهت‌القلوب[۹] . نوشته :

« رودخانه اصفهان امروز به زنده‌رود موسوم است ومصنفین مختلف آن را زاینده‌رود وزرین‌رود نیز نوشته‌اند . زرین‌رود اکنون بیکی از شعب این رودخانه اطلاق میشود . قسمت علیای شاخه اصلی این رود جوی سرد نام دارد و از زردکوه سرچشمه میگیرد . این کوه‌که هنوز بمناسبت سنگهای آهکی زردرنگ خود باین نام خوانده میشود در سی فرسخی باختر اصفهان نزدیك سرچشمه رود دجیل یعنی

---

۱ ــ محاسن اصفهان ص۱۱۸ . ۲ــ یعنی زنده‌رود درهنگام چاشت برروی آن‌شمشهائی ازسیماب پراکنده است . ۳ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۰ . ۴ ــ ناله‌ایکه زنده‌رود در درون خود دارد چون ناله شیرهای‌گرسنه است‌که میغرند . آب آنرا مانند سیماب می بینی و زمین آن مانند بهشت جاوید سرسبز و معطر است . ۵ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۲ . ۶ــ چه بسیارخوب است زرنرود که پوشیده شده است از سیمابی گداخته . ۷ــ محاسن اصفهان ص۶۲ . ۸ ــ یعنی بر زرین‌رود و نهرهای منشعب از آن باد درود دوستدار نه درود کسیکه آنرا ترك میکند . ۹ــ اصفهان جوانان ص۲۱ بنقل از نزهت‌القلوب .

کارون واقع است.

پائین سهروفیروزان واقع درخان لنجان یکی ازشعب زاینده‌رود که ازحیث بزرگی با خود رودخانه همسری میکند واز حدود گلپایگان سرچشمه میگیرد، به زاینده‌رود میریزد، آنگاه پس‌ازعبورازاصفهان وسیراب‌کردن نواحی‌هشتگانه آن اندکی بسمت خاور رودشت پیچیده بالاخره در باتلاق گاوخانی که در حاشیه کویر واقع است فرومیرود. طبق یك عقیده عمومی که ابن‌خردادبه در قرن سوم نیز آن را ذکر کرده است این رودخانه پس ازفرورفتن در باتلاق گاوخانی دوباره درشصت فرسخی آن باتلاق در کرمان ظاهرمیشود و آن‌گاه بدریا میریزد، اما این روایت ضعیف مینماید، زیرا که ازگاوخانی تاکرمان زمینهای سخت وجبال محکم درمیان است و ممری درزمین که چندان آب درآن روان باشد متعذر مینماید و زمین‌کرمان بلندتر از زمین گاوخانی است.»

یاقوت حموی درمعجم‌البلدان[1]. دربیان این رودخانه چنین میگوید.

زرنروذ. بفتح اول و ثانی و نون ساکن پس ازآن راء مهملة و آخرش ذال معجمه[2] نام نهر اصفهان است و آن رودی است معروف بگوارائی و صحت‌که از بناکان بیرون میآید وبده دریم میگذرد وسپس به ده دیگری بنام دنبا و دراین ده آبهای زیادی جمع میشود که اهمیت پیدا میکند و بستانها و روستاها را سیراب میکند تابشهر میرسد وسپس در ریگزاری فرومیرود و در کرمان خارج میشود و فاصله آن شصت فرسخ است. پس از خروج در کرمان جاهائی را درآنجا سیراب میکند وسپس بدریای هند میریزد. واینطوریاد کرده‌اند که نئی را علامت‌گذارده ودرآن مواضع‌که آب درآن فرومیرود رها کردند، پس ازآن آن نی‌را درآنجائی که درکرمان آب خارج میشود یافتند، وازاینروگفته‌اند که همان آب زاینده‌رود اصفهان است‌که ازکرمان بیرون میآید.

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۳۹. ۲ ـ مؤلف کتاب زنده‌رود در صفحه ۲ کتاب خود اشتباهاً گفته یاقوت را: بفتح‌اوله وسکون ثانیه و فتح دال مهملة وراء مهملة مضمومة و واو ساکنة واخره ذال معجمة نقل کرده است.

از اقوال گوناگونی که در نام رودخانه ذکر گردید روشن شد که نام اصلی زرین‌رود بوده و بتدریج زرنرود و زاینده‌رود و زرینه‌رود گفته‌اند و وجه تسمیه همانطوریکه در نزهت‌القلوب گفته چون کوهی که سرچشمه آب در آن است زرین‌رنگ بوده نهر هم بهمان نام خوانده شده است وچون در قسمتی از رودخانه مزبور دربین راه زایشی تولید میگردد گاهی هم بنام زاینده‌رود خوانده‌اند و زنده‌رود مخفف همان زاینده‌رود و زرنرود و زرینه‌رود هم مشتق از همان زرین‌رود نام اصلی آن است .

ودلیل آن گفته‌های حمزه اصفهانی ومؤلف محاسن اصفهان وابونعیم‌اصفهانی است‌که درزمان قدیم میزیسته‌اند وآشناتر بنامهای گذشته بوده‌اند .

سرچشمه رودخانه زاینده‌رود ازکوههای زرد بختیاری و انتهای آن باتلاق گاوخانی است وتقسیم رودخانه مزبور چنین است :

گردش‌آب رودخانه پس ازعبور ازکوههای فریدن و مشروب نمودن اراضی ساحلی وبلوك اید غمش میان هفت بلوك مشروح زیر از لحاظ زمان در طول مدت یك‌سال روی سه اصل زیراست :

۱ ـ اختصاصی :

آب زاینده‌رود از ۱۵ اردی‌بهشت تا آخر برج واز ۱۵ آذر تاآخر برج مخصوص بلوك رودشتین است .

۲ ـ اشتراکی :

ازآخر اردی‌بهشت تا شش‌ماه بطور مشترك دراختیار بلوك زیرین است :

۱ ـ بلوك لنجان شش‌سهم . ۲ ـ بلوك‌النجان چهارسهم . ۳ ـ ماربین چهارسهم . ۴ ـ جی شش‌سهم . ۵ ـ کرارج سه‌سهم . ۶ ـ رودشتین و برائان ده سهم .

۳ ـ آزاد :

از آخر آذرماه تا ۱۵ اردی‌بهشت آب زاینده‌رود آزاد بوده و همه آبادیها

میتوانند از آن استفاده کنند. طبق طومار معروف به طومار شیخ بهائی آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم میشود که بوسیله انهاری که از رودخانه زاینده‌رود منشعب شده و هر نهر را مادی میخوانند آب را بقراءِ میرسانند و این ۳۳ سهم به ۲۷۵ سهم و ۱۳ مادی تقسیم میگردد. ۶سهم لنجان وایدغمش به ۱۳ سهم قسمت شده وهمین سهام دوباره به ۳۵۷ سهم تقسیم میگردد، ۴سهم لنجان مابین مادیهای ۴۷/۵ قسمت شده ومجدداً به ۳۱۵/۱۵ سهم تقسیم میشود. چهارسهم ماربین به ۲۹سهم و دوباره به ۳۸۲ سهم تقسیم میشود. ۶ سهم جی به ۳۷ ومجدداً به ۳۸۷ سهم تقسیم میشود. ۳ سهم کرارج به ۱۲ ومجدداً به ۳۸۷ سهم تقسیم میشود. از ۱۰سهم رودشتین به ۲۴ مادی وبین قراء به ۲۳۰سهم تقسیم میشود[1].

از رودخانه زاینده‌رود نهرهائی جدا شده که آنها را مادی میخوانند و در محلات شهر اصفهان گردش کرده وبخارج شهر میرود. مهم آنها چنین است:

۱ - مادی نیاصرم:

اصولاً کلمه مادی در لغت معمول قدیم اصفهان به نهری اطلاق گردیده که از رودخانه کوچکتر وازنهر بزرگترباشد ومادی نیاصرم بهمین منوال است. کلمه نیاصرم هم مرکب است از نه وصرم که جزءِ اول بمعنی شهرکوچك و یا قصبه است و صرم هم معرب سرم است که نام محل است. و معلوم میشود که محلی که مادی مزبور درآن جاری شده نیاصرم نام داشته است.

این مادی ازسایر مادیهائی که درشهر اصفهان جاری است بزرگترومعروفتر میباشد ودر حدجنوبی شهرواقع وازکنار پل مارنان‌که ابتدای شهراست‌ازرودخانه جدا شده وازکنار باغ جنت ومحله لنبان بطرف مشرق میرود ودرنزدیکی دروازه ظله که مشرق مایل بجنوب شهر است بسه شاخه تقسیم و زمینهای جی را آبیاری میکند. این مادی در زمان وفورآب رودخانه زاینده‌رود در حدود دویست سنگ آب دارد ودر زمان کم‌آبی کمترازپنجاه سنگ آب ندارد.

---

۱ - نقل بمعنی ازفرهنگ جغرافیائی استان دهم.

۲ ـ مادی فرشادی :

محل انشعاب این مادی بالاتر از مادی نیاصرم و در کنار قریه ناجوان یا ناجنون یا ناژونان ماربین است و آب آن درحدود ربع آب مادی نیاصرم است .

معبر این مادی ازمحله لنبان و شمس آباد و از زیرچهارباغ قدیم میگذرد و از وسط مدرسه چهارباغ و کاروانسرای بازارچه بلند که پشت مدرسه است عبور نموده وازمحله دولت‌خارج میگردد ، سپس ازشمال محله‌خاجوگذشته و شاخه‌هائی ازآن جدا شده ومحلات چرخاب وحسن آباد و چهارباغ صدری وباغات آن ومحله خاجو وپاقلعه را سیراب کرده وارد محله تراسکان میشود و درآنجا منشعب شده واز شهر خارج ودر اراضی جی می‌نشیند .

۳ ـ مادی شاه :

آب آن نصف مادی فرشادی است . ازلنبان وچهارسوی شیرازیها ومستهلك وشمس آبادگذشته اطراف خودرا سیراب وبدوشاخه تقسیم ووارد دوحوض‌چهارباغ که محاذی باغ هشت بهشت است شده واز آنجا داخل باغ میگردد وباغات شاهی وخانه‌های دولتی وبعضی ازباغهای چهارباغ ومدرسه سلطانی را سیراب میکند .

از اینرو این مادی را جوی شاه گفته‌اند که بیشتر باغات وعمارات شاهی را سیراب میکرده است[۱] .

۴ ـ مادی فدین = فدا = فدن .

وجه تسمیه این مادی آنست‌که چون نیمی ازآن را بعضی ازسلاطین صفویه فدای نفس خود و اکثر آنرا وقف شهر کرده‌اند هردوقسمت را فدین ویك قسمت آن را فدا گفته‌اند . قبل‌ازصفویه آنرا فدن و فدین میگفته‌اند ودر زمان صفویه به فدا شهرت یافته است . محل انشعاب آن بالاتر از سه مادی مرقوم فوق است و آب آن زیادتر از فرشادی است .

این‌مادی ازمحله لنبان وشمس آباد عبورکرده ودرمحله دروازه‌دولت بدوشعبه

---

۱ ـ نقل بمعنی ازنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۹۹ .

منقسم میشود و آنجا را لت محمدحسین بیك مینامند. شعبه‌ای از آن به‌محله در کوشك و بیدآباد و چهارسوی علیقلی‌آقا رفته و از آنجا بکنار محله دروازه‌نو (آب‌بخشان) رفته و باز آنجا دوشاخه میشود. شاخه کوچکتراز زیر دروازه چهاررو خارج از شهر شده و قریه سواری باغ جی را آب میدهد و شاخه بزرگتر وارد باغ صفی میرزا شده واز آنجا بباغ کلعنایت رفته سپس سه‌شاخه شده، یك شاخه آن تمام محلات دردشت وشهشهان را سیراب میکند ودوشاخه دیگر بیلوك جی درقریه سودان وچمبرك (کمبرك) وجاهای دیگر میرود.

واماشعبهٔ‌دیگر از لت‌محمدحسین‌بیك ازمحله‌دروازه دولت‌عبورکرده‌وداخل بعضی ازعمارات و باغات شاهی میگردد و از کنار میدان نقش جهان گذشته داخل مدرسه ملاعبدالله شده ودرپشت آن سه شاخه میشود، کوچکتر آنها خرج محله قصر منشی شده وشاخه دویم که بزرگتراست به محله یزدآباد رفته ودرمحله‌کران و جنوبی جوباره مصرف شده و اندکی از آن از شهر خارج میگردد. شاخه سیم از کاروانسرای طباطبائی وعقب آن ازمدرسه جده بزرگ گذشته و از محله گلبار عبور میکند و وارد محله جوباره شده وازشهر بیرون میرود وپاره‌ای ازدهات جی را سیراب میکند واین مادی از پرمنفعت‌ترین مادیها است و قریب دوثلث شهر را مشروب میکند. در عرض سال سه ماه تابستان را آب ندارد، درگذشته در محل انشعاب چشمه‌ای داشته‌که هیچگاه آب آن‌کم نمیشده ولی چون آن چشمه پرشده آب آن نقصان پذیرفته است.

شعرای تازی زبان درباب این مادی قصایدی سروده‌اندکه ازآن جمله است:

بدت زهرةالدنیا و مد فذین   وطاب لدیه للمحب مجون[1]

هرچند ریشه‌کلمه فذین معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این‌کلمه فارسی است‌که درهنگام تعریب دال‌آن مبدل به‌ذال معجمه شده است. نکته دیگراینکه این تقسیمات درقرن پنجم رایج بوده ومربوط بزمانی دور بوده است.

۱ــ یعنی زهره‌دنیا و مد فذین ظاهرشدند وسختیها برای دوستداران فذین پاکیزه وگوارا شد.

۵ - مادی تیران :

این مادی ازمغرب شهر گذشته به محله بیدآباد وچهارسو شیرازیها میرود و محله‌نو وشئیش‌وموزنان را سیراب کرده بقریه معروف به‌تیران وآهنگران‌سرازیر ومزارع اطراف آن‌را مشروب میگرداند وسپس به‌شاخه مادی فدین‌که به‌سواری-باغ میرود متصل میشود .

۵ - مادی قمش :

این مادی بالاترازمادیهای پیش گفته از زاینده‌رود جدا میشود وازمادیهای مزبور مهمتراست ، چه درمحل انشعاب آن چشمه‌ای وجود داردکه اگرخشکسالی هم شود از آب آن چشمه استفاده میشود . این مادی از میان قرای ماربین مانند نصرآباد - گورتان - جوزدان میگذرد[۱] .

چنانچه مؤلف کتاب اعلاق‌النفیسه که در قرن سوم هجری میزیسته و نیز حمزه اصفهانی[۲]. نوشته‌اند نخستین‌کسی‌که‌آب رودخانه زاینده‌رود را تقسیم‌کرده اردشیر بابکان بوده که بدست مهربن وردان انجام داده و مطابق فرمان آن پادشاه قری و قصبات مجاور رودخانه بفراخور آبخور خود استفاده میکردند وکسانی هم که بعد از اوآمدند همان رویه را پیروی‌کردند .

ولی‌آنچه معروف است تقسیم‌کنونی‌آب زاینده‌رود برطبق طومار شیخ‌بهائی است که در زمان صفویه تنظیم شده .

مؤلف دانشمند و محقق کتاب زنده‌رود[۳] . درباب فرمان تقسیم آب مزبور چنین نوشته :

[«آنچه مشهور است تقسیمات کنونی آب زنده‌رود مربوط بدوره صفوی و ایام شیخ بهائی میباشد ، بعضی ازمؤلفین جدید هم همین نظررا تأیید کرده‌اند که تقسیمات کنونی زنده‌رود مطابق طومار صفویه است وتوسط دایره میاه مالیه اجرا میشود ، اما باید دانست که دائره‌ای بنام میاه دراداره مالیه اصفهان نیست ومباشر تقسیم آب ازطرف ملاکین وزارعین انتخاب شده با نظارت حکومت اصفهان‌شروع

---

۱ - اصفهان جوانان ص۲۸ .　　۲ - سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۳۴ .

۳ - ج۱ ص۱۱ .

بکار میکند ، در قسمت طومار صفویه هم نگارنده اهتمام بسیارنمود که شاید اصل فرمان یا سواد مصدق آنرا بدست آورد چیزی معلوم نشد ، فقط سواد غیر مصدقی ازفرمان مشهور دراداره مالیه اصفهان موجود بود که معمول به‌آن ایام همان سواد است وعین آن برای مزید استحضار خوانندگان درج میشود :

« سواد فرمان شاه طهماسب راجع به‌آب زاینده‌رود مورخ رجب ۹۲۳ : »

« فرمان همایون شد که چون بعضی اختلاف درقراروسهام رودخانه مبارکه »
« زاینده‌رود اصفهان .... بنابراین امنای دولت قاهره چندنفرازمعتمدین ومعمرین»
« را مشخص نموده بامضای عالیجاهان مستوفیان عظام ، و تصدی کدخدایان و »
« ریش سفیدان بلوکات مشترکه ازآن که قرارسهام وحصه هریك ازقراءِ ومزارع »
« را درجزءِ هربلوکی‌که گنجایش وقابلیت بدون تقلب وتعمد تعیین نموده درقید »
« التزام ثبت آن را در دفاتر برقرار داشتند که ازآن قرارمعمول دارند ، وچون »
« بلوك جی در وسط بلوکات مشروبه ازرودخانه مبارکه است ازقدیم چنان قرار »
« بوده که خدمت میر آبی رودخانه مبارکه به‌یك‌نفر از کدخدایان معتمد معتبری »
« ازبلوك مذکوره‌بوده الحال نیز بهمان دستورمعمول دارند، مقررآنکه عالیجاهان »
« عمال وضباط وکدخدایان و ریش سفیدان بلوکات مفصله ومیراب و مباشرین و »
« مادی سالاران رودخانه مبارکه حسب‌الامر ازقرار دستورالعمل در طومار حقابه »
« هریك را موافق سهم وقرارداد معمول داشته تخلف جایز ندارند وازمؤاخذه و »
« سیاست امنای دولت قاهره باهره محترز بوده در عهده شناسند تحریراً فی‌شهر »
« رجب‌المرجب سنه ۹۲۳ انتهی . بعداز فرمان در بیست‌ویك صفحه درکاغذ ورق »
« بزرگ صورت تقسیم جزء آب زنده‌رود وترتیب تقسیم واسامی قراءِ و قصبات و »
« املاك ومزارع وعمارات وباغها ذکرمیشود . خلاصه آنکه سال را به ۳۶۰/روز »
« شمسی تقسیم کرده‌اند ، ازاول حمل (نوروز) تا هفتادوپنجم عید آب رودخانه »
« برای همه‌کس آزاد است وتحدید وتقسیمی وجود ندارد ، ازروز هفتادوششم تا »
« اول قوس‌که جمعاً مدت۱۶۵ روزمیباشد (هرماهی بدون کم‌وزیاد سی‌روزحساب »

« میشود) آب رودخانه را به ۳۳ سهم قسمت میکنند ، هرسهمی ۵ شبانه‌روز است »
« که جمع کل سهام ۱۶۵ روز میگردد وهربلوکی سهم معینی دارد ، مثلاً بلوك »
« رودشتین دارای ۹ سهم یعنی ۳۰ شبانه‌روز آب است که ۱۵ روز آنرا از ۱۶ تا آخر »
« جوزا و ۱۵ روز دیگر را از اول تا ۱۵ عقرب آب میبرد ، این تقسیم مطابق »
« مندرجات فرمان است وفعلاً با مختصر تغییراتی اجراءِ میگردد ، تمام اسناد و »
« مدارکی که راجع به‌تقسیم آب و طومار وفرمان صفویه در دست‌است همان سواد »
« فرمان وضمائم آن میباشد که عین فرمان فوقاً درج شد واستنادآن بشاه‌طهماسب »
« ازچندجهت قابل تأمل است . »

« اولاً ــ درماه رجب ۹۲۳ هجری (تاریخ سواد فرمان) شاه‌طهماسبی درکار »
« نبوده وپدرش شاه‌اسماعیل‌درایران سلطنت میکرد، اتفاقاً درسال ۹۲۳ شاه‌اسماعیل »
« دراصفهان اقامت داشته ولی همان موقع خبررسیدکه سلطان‌سلیم عثمانی‌مهیای »
« حمله به‌ایران شده است، شاه‌اسماعیل بطرف سرحد عثمانی حرکت کرد ومدتی »
« سرگرم زدوخورد بود، مخصوصاً درسال ۹۲۳ هجری شاه‌اسماعیل درشهر نخجوان »
« میزیست شاید هیچ هم درفکر زاینده‌رود نبود، شاه‌طهماسب درسال ۹۳۰ بتخت »
« نشست وتاحدود سال ۹۳۵ درخراسان با ازبکها منازعه داشت . »

« ثانیاً ــ طرزانشاء وکلمات وارده درفرمان بقدری تازه است که به‌منشئات »
« قرن سیزدهم بیشتر شباهت دارد وبوی انشاء ایام صفویه را نمیدهد . »

« ثالثاً ــ درتقسیم نامه‌ضمیمه فرمان‌اسامی‌عمارات ونقاطی‌مانند: طالاراشرف ـ »
« جامع‌عباسی‌ ـ سعادت‌آباد ـ هشت بهشت وغیره ذکرشده‌که ازابنیه اواسط صفویه »
« است ودرتاریخ ۹۲۳ چنین عماراتی دراصفهان وجود نداشت، حدس قوی میرود »
« که فرمان وتقسیم نامه از ایام صفویه موجود بوده ولی بواسطه عملی‌نشدن آن »
« یا مصلحت دیگر مفقود نموده‌اند وفرمان وطومارفعلی را جدیداً باعبارت‌امروزی »
« انشاءِ کرده‌اند ، بالاخره گذشته از آنکه سواد معتبر مصدق فرمان معهود در »
« اصفهان دیده نشد هیچکس هم لااقل دعوی رؤیت سواد مصدق آنرا ننمود واین »

« خود دلیل دیگری بر مجعولیت فرمان است ، معذلك عده زیادی مصرند که »
« تقسیم کنونی بدست شیخ بهائی انجام یافته وترتیبی بهتر از آن نمیشود . »]

بطوریکه ازکتاب زنده‌رود نقل گردید فرمان شاه طهماسب که مصدق نیست بنظرمؤلف دانشمند مجعول رسیده است . ولی باتوجه بنظری‌که مؤلف جغرافیای اصفهان‌که درقرن سیزدهم وچهاردهم میزیسته وخود ازمتصدیان اموراصفهان بوده اظهارکرده میتوان باورکردکه چنین فرمانی ازشاه‌طهماسب‌اول صادرگردیده منتهی تاریخی را که درسواد غیرمصدق ۹۲۳ نوشته شده تحریف شده و ممکن است ۹۳۲ باشد وبا این‌ترتیب بخصوص که در جغرافیای اصفهان تصریح شده[۱] . که فرمان ممهور شاه‌طهماسب در دفتر مربوط بوده است . و اینکه مؤلف زنده‌رود نوشته‌اند که عبارات ضمیمه فرمان جدید است درست بنظر میرسد ، چه مؤلف جغرافیای اصفهان هم نوشته که عمل بمفاد فرمان اسمی است ودر عمل اختلاف است وبا این ترتیب دستور ضمیمه فرمان غیرمصدق ازمنشئات جدید وبرطبق‌عمل زمان تدوین شده است وغیراز دستوری است که با فرمان شاه‌طهماسب صادر گردیده است .

اما راجع به کلمه گاوخانی ووجه تسمیه آن‌که درنوشتجات مختلف‌متفاوت نوشته شده است چنین باید گفت : در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء نامی برده نشده ولی در ذکر اخباراصبهان ابونعیم نام آن هنام نوشته شده ودرمحاسن‌اصفهان بنقل از ابونعیم گفته که نام آن جاخوانی است در نزهت‌القلوب هم جاخانی و در تاریخ اصفهان و ری گاوخانی[۲] . و در تاریخ نصف‌جهان[۳] . گاوخوانی نوشته شده است . ازگفته ابونعیم دانسته میشود نام دریاچه محل فرورفتن‌آب زاینده‌رود هنام که فارسی قدیم است بوده واما جاخانی یا گاوخانی وگاوخوانی مرکب از دوکلمه گاو وخانی است گه گاو بمعنی بزرگ وخانی یعنی حوض و چشمه آب است ومثل اینکه دریاچه گاوخانی را چشمه‌ای برای نقاط پائین‌دست‌آن یاچون حوض فرض کرده‌اند وبهمین‌جهت است که بعضی ازجغرافی‌نویسان قدیم نوشته‌اند که آب این

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۴۱ . ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۰ . ۳ـ نصف جهان ص۳۰۶ .

دریاچه ازکرمان بیرون میآید ، ودرهرحال اگر بمعنی حوض وچشمه باشد املای درست آن گاوخانی با الف خواهد بود . احتمال هم میرود جاخانی ، بمعنی ظرف بزرگی که اشیاء را درآن میریزند باشد وبااین فرض مخفف جانخانی است .

واما درمقدارآب رودخانه زاینده‌رود چون‌متناسب باازدیاد ونقصان بارندگی در منبع آن بوده در ازمنه گوناگون متفاوت بوده است . چنانکه در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء[۱] در حوادث سال ۳۱۰ هجری گفته : بطوری آب رودخانه مد پیدا کرد که آب برپشت پلها سوارشد ودیگر پلها قابل عبورنبود ودرآن موقع اصفهان مرکب از دوشهر یهودیه وشهرستان بود وبرای اینکه مطلبی را ازیهودیه به‌شهرستان اطلاع دهند نامه‌ای را مینوشتند وبوسیله تیری‌بطرف شهرستان ناحیه ورزق‌آباد پرتاب میکردند وطوری آب زیاد گردید که دیوار شهر درخطر انهدام واقع گردید واندك اندك فروکش کرد .

آنچه در خلال ایام معلوم شده اینستکه حداکثر آب رودخانه در سالهای بارندگی در حدود سی‌هزار سنگ میرآبی‌که هفتهزار وپانصد سنگ گردش باشد میرسد[۲] . وازماه دوم سال بتدریج روبنقصان میگذارد . ولی درسرچشمه تغییری نمیکند ، نقصان حاصل از لحاظ کم شدن آب برفها در وسط راه میباشد . طول رودخانه زاینده‌رود هشتاد فرسنگ وپهنای‌آن دویست ذرع است[۳]. نخستین‌جائی که مطابق دستور دیوان مشروب میشود آخربلوك ایدغمش درلنجان وآخرش اول گاوخانی رودشتین‌که اراضی مقسوم‌علیه بطول ۳۲ فرسنگ وبعرض برروی هم به زیاد وکم چهارفرسنگ باشد .

یکصدوپنج مادی ازدوجانب طول رودخانه جدا میشود وازاین رودخانه آب میگیرد . غیرازآبهای مادیها فاضل‌آب رودخانه در اوقات سیل‌آبی بزرگ باندازه شطی‌میشود وتمام را زمین‌گاوخانی‌میخورد. محیط گاوخانی درجدود دوسه‌فرسنگ وکنارش گزستان و قلم است[۴] .

۱ــسنی الملوك الارض والانبیاء ص ۱۲۴ . ۲ــ نصف جهان ص ۹۶ . ۳و۴ــ نصف جهان ص ۳۷ .

بعضی ازمورخان[1]. نوشته‌اندکه نرسیده بمیدانی که در آن دریاچه‌گاوخانی واقع است محلی بنام شهرسبا بوده که ویران گردیده است ودرآنجا گل‌رنگ که شبیه زعفران میباشد زراعت میشده است وشاید از همین‌جا گفته‌اند که در اصفهان زعفران کشت میشده است .

ح - پلها

بطوریکه در بند ز گفته‌شد رودخانه زاینده‌رود ازمغرب به‌مشرق جاری‌است ورودخانه‌ایست قدیمی و از هنگامی که شهر اصفهان محل سکونت شده و ساکنان نیاز به‌ارتباط با قسمتهای دیگرآن داشته‌اند ناگزیربساختن پل‌گردیده‌اند، بدیهی است هرارتباطی‌که بین دوقسمت اصفهان ضرورت یافته پل‌ارتباطی‌آن زودترساخته شده است .

آنچه مسلم است پلهای مارنان (شهرستان) واللهوردیخان و خاجو از پلهائی هستند که درمرحله اول احتیاج ساخته شده‌اند ، منتهی دراثرکثرت ایاب و ذهاب فرسوده و خراب شده و تجدید بناء گردیده‌اند ازهمین نکته که گفته شد معلوم گردید اینکه میگویند پل شهرستان از احداثات سلسله ساسانیان است درست میباشد چه نخستین پلی‌است‌که دوقسمت اصفهان را بیکدیگرارتباط میداده است . ولی دراثر فرسودگی درزمان دیالمه ودیگران ترمیم وتجدید گردیده است. برای اینکه روشن‌گردد که درچه محلهائی نیازمند ارتباط بوده‌اند تمام پلهائی‌که درخود شهر واطراف آن برای ارتباط بین دوقسمت رودخانه ساخته‌اند ذکر میگردد :

۱ - پل اورگان :

این پل در روی زاینده‌رود برای امکان عبور مردم چهارلنگ بختیاری به فریدن احداث گردید آنرا پل حاج‌کاظم نیز مینامند .

۲ - پل بابامحمود :

پلی است‌که درباغ محمود ازدهات گرکن‌لنجان ساخته شده وتا پل کله ۴۸

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۱ .

کیلومتر فاصله دارد وقافله رواست . ثبت تاریخی این پل درجریان است .

۳ ـ پل زمان‌خان :

این پل دودهانه وسه پایه طبیعی سنگ دارد ودرآخر بلوك آیدغمش لنجان قرارگرفته و واسطه ارتباط راه ماشین‌رو نجف‌آباد به سامان و شهرکرد میباشد وتا اصفهان ۱۶ فرسخ مسافت دارد .

۴ ـ پل ورزنه :

این پل درنزدیکی ورزنه رویدشت روی آب زاینده‌رود ساخته شده است .

۵ ـ پل سروش آذران :

این پل‌که آنرا پل سروشفادران وپل دشتی نیز میخوانند درشش‌کیلومتری پل چوم واقع ولی اکنون بعلت تغییر بستر رودخانه آبی از آن خارج نمیگردد .

۶ ـ پل چوم :

این پل درشش کیلومتری شرق پل خاجو واقع و محل ایاب و ذهاب قوافل میباشد .

۷ ـ پل جویی :

این‌پل میان پلهای‌اللهوردیخان وخاجوبناشده ووسیله اتصال وارتباط باغهای سلطنتی واقع درشمال وجنوب رودخانه زاینده‌رود بوده است ، وچون جوی‌کوچك سنگی روی این پل تهیه شده بوده که آب از آن عبور کند باین نام مشهور شده است . این پل بیست‌ویك دهانه داردکه باسنگ وآجربناشده است . ولی‌درسالهای اخیر جوی پرومسطح گردیده است . نسبت به ثبت تاریخی این پل اقدام گردیده است ولی تاکنون به‌ثبت نرسیده است[1] .

۸ ـ پل فلاورجان :

این کلمه معرب ازپل ورگان است چه‌ورگان نام دهی در لنجان میباشد که الان معروف به فلاورجان است ولی دراصل پل ورگان بوده است .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی ص۳۳۸ .

این پل هم محل عبور ومرور قوافل واتومبیل نیز هست و تا پل بابامحمود ۱۲ کیلومتر فاصله دارد[1] .

۹ ـ پل نیاصرم :

پل کوچکی است که در داخل شهراصفهان برروی مادی نیاصرم که بطرف لنبان میرود ساخته شده ومعبراست .

۱۰ ـ پل مادنان :

چهارفرسنگ بشهراصفهان مانده رودخانه زاینده‌رود بشکل مارپیچی راست و خم گشته وارد شهر میگردد و گفته‌اندکه بهمین‌جهت قریه مارنان را مارنان یا ماربانان گفته‌اند ودر همین محل پل مارنان را ساخته وجلفا را بقریه مارنان اتصال میدهد پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از هفده دهانه داشته است که حالا بسته شده است . این پل را پل سرفراز هم نامیده‌اند و وجه

---

۱ ـ منسوب به‌فلاورجان است: ۱- تاج‌الدین حسن‌بن شرف‌الدین محمد فلاورجانی متوفی (۱۰۵۸ ه.ق) از علماء و فضلاء و مجتهدان وپسرش فاضل هندی ازاو روایت میکرد وخود شاگرد ملاحسنعلی شوشتری بودکه او از پدرش ملاعبدالله شوشتری روایت میکرد . و نیز به سیدحسین‌بن سیدحیدر کرکی عاملی اجازه داده است . اوراست: ۱- بحرمواج درتفسیر قرآن بفارسی . ۲ - رساله در زوجتی عثمان . ۳ - شرح برکافیة .

(اعیان‌الشیعه ج۲۳ ص۷۷)

۲ ـ محمدبن حسن‌بن محمد فلاورجانی معروف به فاضل هندی و ملقب به بهاءالدین مولود (۱۰۶۲ه.ق) ومتوفی۲۵ رمضان (۱۱۳۷ ه.ق) ازعلمای بزرگ وجامع ونادرروزگار که درهشت‌سالگی شرح تلخیص تفتازانی را تدریس میکرد ، و در سال یازدهم عمر بتألیف پرداخت ، ودرسال سیزدهم بعلوم عقلی توجه‌کرد او درهند پرورش یافت وبا علمای آن‌سامان که سنی‌مذهب بودند مباحثاتی داشت وازاینرو به‌فاضل هندی معروف بود . وی درنزدمجلسی دوم تلمذ وبا خاندان مجلسی مصاهرت‌کرد ودراصفهان بتدریس ومرجعیت امورشرعی اشتغال داشت وبا حرفه کتابت امرارمعاش میکرد .

اوراست: ۱- کشف‌اللثام فی‌شرح قواعدالاحکام . ۲- اصالةالنظرفی‌القضاءوالقدر. ۳ - تفسیرالقرآن . ۴- تلخیص‌الشفاء . ۵ - التمحیص. ۶ - چهارآینه . ۷ - حاشیه برشرح عقاید . ۸- المناهج‌السویة . ۹ - بینش غرض آفرینش. ۱۰ - شرح برقصیده حمیری. ۱۱-کلید بهشت . ۱۲- شرح عوامل . ۱۳- زبده دراصول دین. ۱۴- خور البریعة فی‌اصول‌الشریعه . ۱۵- شرح ملخص‌التخلیص. (تذکرةالقبور جوی ص۵۶)

تسمیه‌اش را چنین بیان کرده‌اندکه در زمان شاه‌سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه آنرا ساخت و بلقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم بهمان نام سرفراز مشهور بود .

در هرحال متمول مزبور تعمیری کرده است چه این پل قبل از آن وجود داشته است . منتهی هرچه عبور و مرور بنسبت جمعیت زیادتر میشده پل فرسوده میگردیده است واحتیاج بتعمیر وتجدید بناء حاصل میگردیده است ثبت‌تاریخی این پل درگردش اداری است .

۱۱ ـ پل شهرستان :

این پل در ناحیه جی قدیم ساخته شده و یکی از پلهای باستانی است که در چهارکیلومتری مشرق اصفهان واقع و از دوطرف ازآن پل عبورمیکنند . یکی از خیابانهای‌مشتاق وساروپه وازدامنه تپه‌اشرف ودیگرازدالان بهشت؛ دردوطرف این پل بیشه‌ها وباغها وآپارتمانهای تابستانی وجود دارد . (ش۷)



(شکل ۷)

این پل ازنظر معماری بسیار جالب وبعقیده باستان‌شناسان مربوط به دوره ساسانیان است وپایه‌های آن برروی سنگهای طبیعی کف رودخانه استوار گردیده

است عده‌ای هم ساختمان آن را به دوره دیلمیان مربوط میدانند. این پل در نه کیلومتری مشرق پل خاجو واقع شده‌است. ثبت تاریخی این پل درگردش اداری است. (ش۸)



(شکل ۸)

۱۲ - پل خاجو :

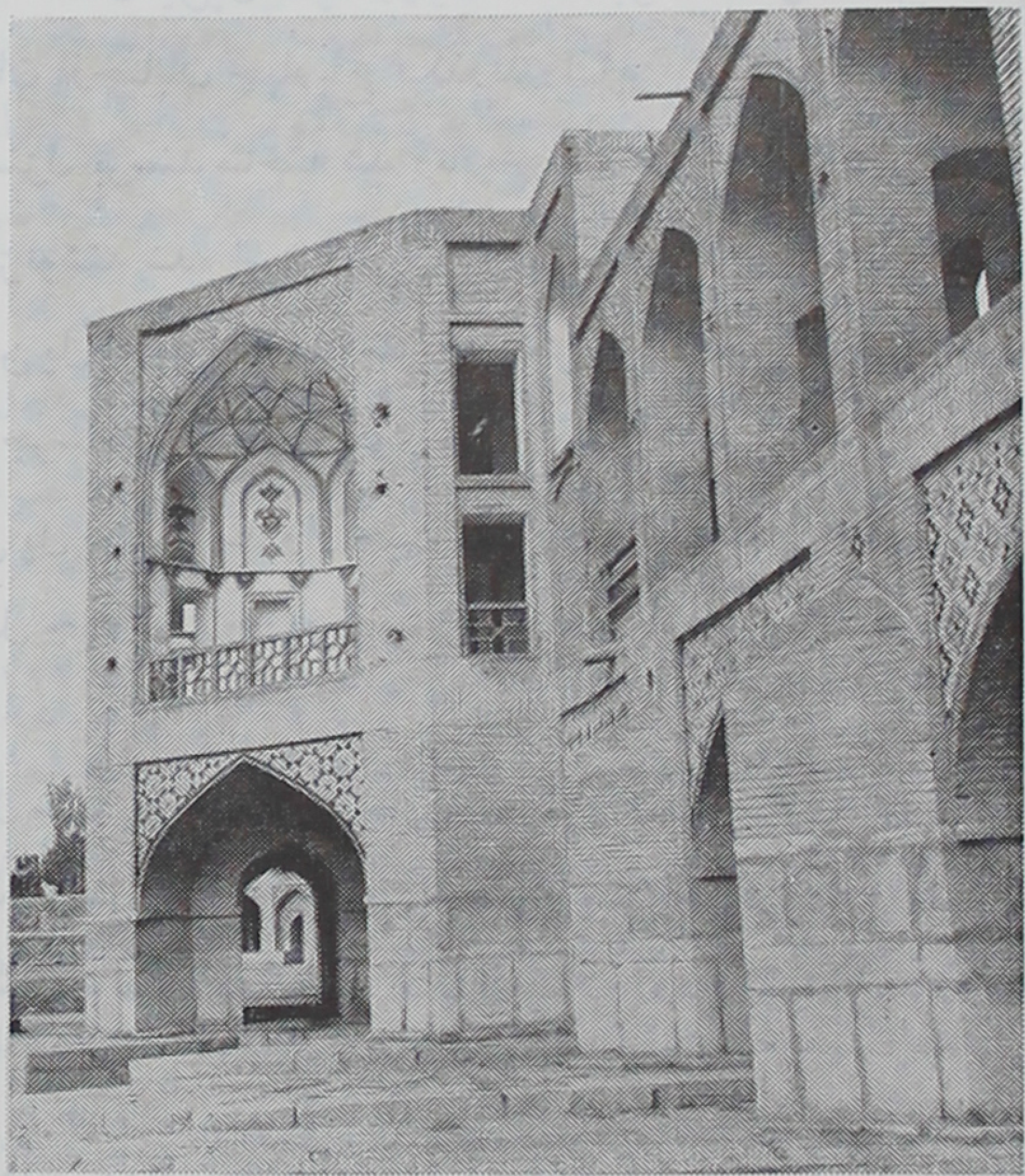
این پل درانتهای شرقی خیابان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وانتهای جنوبی خیابان خاجو واقع شده است. بطوریکه باستان‌شناسان تحقیق کرده‌اند پل مزبور برروی پلی که درپیش وجود داشته وخرابی بآن راه یافته‌بوده بناگردیده‌است. (ش۹)



(شکل ۹)

درباب ساختمان این پل وزمان ساختمان وبانی ساختمان وکیفیت آن اقوال گوناگونی نوشته‌اند ولی آنچه مناسب بنظرمیرسد شرحی است که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دراینباب نگاشته وازاینرو نوشته مزبور عیناً نقل میگردد[1]:

(ش ۱۰)



(شکل ۱۰)

« درانتهای شرقی خیابان کمال اسماعیل وانتهای جنوبی خیابان خواجوکه »
« بطرف تخت فولاد (قبرستان اصفهان) وراه یزد میرود پل زیبا وتاریخی خواجو »
« واقع شده ـ این پل برروی خرابه‌های پل حسن بیك بوسیله شاه‌عباس‌دوم‌صفوی »
« درسال (۱۰۶۵هـ) ساخته شده است . آنرا باسامی : پل‌خواجو ـ پل حسن بیك ـ »
« پل بابا رکن‌الدین ـ پل گبرها نوشته‌اند . »

۱ ـ از صفحه ۱۸۷ تا ص۱۹۲ .

« تاورنیه سیاح اروپائی نوشته است که در دوطرف خیابان این پل دوخانه »
« زیبا وجود دارد که متعلق بشاه است و رودخانه درهیچ کجا بستری بقشنگی این »
« نقطه ندارد وچون این محل ازهمه جا گودتراست همین امر تا اندازه‌ای شاه‌عباس »
« را وادار بساختمان این پل نمود وچون محله گبرها آن طرف رودخانه بوده برای »
« اینکه آنان ازخیابان چهارباغ نگذرند وازاین پل که راه را کوتاهتر مینمود »
« وزودتر بمنزل برسند ساخته شد وتاریخ آن ۱۰۵۷ تا ۱۰۷۷ هجری است . »

« ونیز نوشته شده است وقتی که پل باتمام رسید بهمان نام حسن بیك نامیده »
« میشد - این پل که طولش ۱۵۰ متر وعرضش ۱۴ ومعبر آن ۷/۵ متر میباشد از »
« سنگ وآجر ساخته شده و۲۱ جوی و۲۶ چشمه دارد . »

« این پل بمنزله سد واز حیث معماری واستحکام بی‌اندازه زیبا و بی‌نظیر »
« است ، شامل چهارطبقه ودردوطرف داخلی معبر فوقانی هرطرف ۵۱ غرفه بزرگ »
« وکوچك دارد . »

« طول سنگهای این پل متجاوزازدومتر وامتداد ستون‌های فاصله هرچشمه »
« وپایه سقف ۲۰ متراست جلوهرسقف ودیوار پیش آمدگی وفرورفتگی وجوددارد »
« که اگر تخته‌ای باندازه دهانه پلها بگذارند آب رودخانه بالاآمده ومدتی ذخیره »
« میشود . »

« ودرقدیم مواقع جشن وغیره نیز قایقرانی مینموده‌اند . درهذه‌السنه از »
« طرف شهرداری تخته‌گذاری وقایقرانی ومنظره زیبائی ایجاد شده وچنانچه برای »
« پل خسرانی نداشته باشد اقدام خوبی است اما نه برای همیشه. درقسمت شرقی پل »
« درطرفین دوصفه مسطح سنگی وجود دارد ودروسط آن دوتقریباً درکف رودخانه »
« آثارسنگفرش مفصلی دیده میشود وچنانچه نوشته‌اند دریاچه‌ای وجود داشته که »
« آب ازفواره‌های آن جستن مینموده‌است، تاکف رودخانه یازده پله سنگی میخورد، »
« دردوطرف شرقی قسمت پائین پل دوشیر سنگی بزرگ ازقدیم موجود است که در »
« اثر بی‌مبالاتی وجهالت افراد خرابیهائی بدان وارد شده. غرفه‌ها واطاقهای وسط »

« پل بهمان طرز نقاشی و طلاکاری دوره صفویه باقی است و طبقه بالای اطاقها »
« را درچندین سال قبل خراب نموده‌اند . پشت بغلهای این پل ازکاشیهای خشت »
« هفت‌رنگ تزیین شده که متأسفانه درائر لاقیدی وبی‌مواظبتی مسئولین امرویا »
« تأثیر باد وباران همه‌ساله تعداد زیادی ازآنها خراب وازبین رفته بود. ازوسط »
« پل درطرفین تالار دوراه پله موجود است‌که بوسیله آن دوبطبقه زیرین‌میتوان »
« رفت وآمدکرد. تاریخ تعمیراین پل مطابق کتیبه‌کوفی که درطرف راست‌جنوبی »
« پل‌روبکارخانه نوراست‌درسال ۱۲۹۰ هجری بسعی نصرالله‌خان‌درزمان ناصرالدین‌شاه »
« قاجار میباشد . »

« اطراف پل مانند قدیم درایام بهاروتابستان وروزهای‌تعطیل‌محل‌گردشگاه »
« عموم اهالی است وبعضی روزها بحدی جمعیت زیاد است که راه عبورومرور در »
« طبقه دوم تقریباً مشکل میشود . »

« درکتاب عباسنامه تألیف محمدطاهروحیدقزوینی بسال(۱۱۱۰تا۱۰۱۵هـ) »
« شرح مفصلی راجع بساختمان‌پل حسن‌آباد «خواجو» نوشته بخلاصه‌اینکه‌پس‌از »
« اتمام شاه‌عباس دوم دستور آئین بستن و گلریزان نمودن پل را بعهده و اهتمام »
« مقصودبیك سفره‌چی باشی واگذارنمود وتزیین هریك از طاقهای آن پل بعهده »
« یکی ازامرا محول‌گردید وچشمه‌های وسط‌که بمنزله دل دربدن ومعنی درسخن »
« است ازطرف شاه‌آئین بسته شد ومینویسد : آب رودخانه را ببالا پل سد نموده »
« بطوریکه فواره حوض آن تقریباً سه‌گز میجست ، سایبانهای زر نگار از مبدا »
« تامنتهای‌پل‌برسرپا بود ورشته‌های‌مفتول جهت‌آویختن فانوس وقنادیل‌بطرحهای »
« مختلف کشیده بودند . »

« ودرهرمجلسی فرشهای قالی کرمانی و قائنی افتاده بود ودر هرحجره‌ای »
« شاهد سنبل موبرپای ایستاده وجوانان خطه ارم عباس‌آباد وسیمبران خوش‌آب »
« ورنگ هندو وارامنه شمشاد قامت گلرخسار مجلس را بصورت نگار گردانیده »
« بودند و اعلیحضرت ظل‌اللهی کامران و کامیاب تا حین طلوح صبح عالمتاب در »

« عمارت شرقی پل مزبوراستراحت وامرا ومقربان و ملازمان هریك در حجرات »
« مختلف خود غنودند . »

« حبذا زین پل مبارك فال — که بود آسمان جاه و جلال »
« بر سرش سایبان رنگارنگ — چون کله بر سر بتان فرنگ »
« باطن او ز جوشش سرشار — چون رگ شاخ گل بفصل بهار »

***

« گشت در عهد پادشاه زمان — جنتی بر پل صراط عیان »

***

« در آن خلد برین گردیده پیدا — ز مینا شمع و از آیینه مینا »
« کس ازبینندگان کم دیده آنسان — چراغان درچراغان درچراغان »

در وصف ساختن دریاچه و سد بر روی پل مزبور بابا محمد علی اصفهانی متوفی حدود (۱۰۸۱ هـ. ق) از شعرای مصاحب حکیم شفائی چنین سروده است :

ندانم چون‌کنم تعریف آن پل — کزو ایجاد شد راه توکل
شکوه بحر اگر آنجا کشد سر — جهد مانند میمونی زچنبر [۱]

و نیز شیخ رمزی کاشی در تاریخ بستن سد برروی زاینده رود چنین گفته : [۲]

حبذاسدی‌که از خارا به‌پیش‌زنده رود — ازعطای‌شاه دین عباس ثانی بسته‌اند
بهرتاریخش‌گذشت‌ازآب‌رمزی‌و‌نوشت: — (سداسکندر بآب‌زندگانی بسته‌اند)
(۱۰۶۷)

ازمزایای اختصاصی این‌پل سدی بوده‌که برای آن درموقع ساختن درنظر گرفته‌اندکه هرزمان اقتضاءِ داشته بابستن چشمه‌های پائین‌آب بالا میآمده وحکم دریاچه وسدی پیدا می‌کرده است واز اینرو گفته‌اند : [۳]

۱- تذکره نصرآبادی ص۴۲۶.　۲- تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.
۳- تذکره نصرآبادی ص۱۰ .

دارای جهان پناه عباس　　　دریاچه و سد و پل بناکرد

وبنای این‌سد ودریاچه برای این بوده که منظره عمارات وباغهای واقع در آن محل باشد و درهنگام جلوس درآن عمارات و باغات از منظره دریاچه‌ای که بابستن سد ایجاد میگردید لذت برند.

منظور ازعباس‌که در شعر بالاگفته شده شاه عباس‌ثانی است‌که امر ببنای پل و سد نمود، زیرا بانی‌آن همان شاه عباس دوم است وتاریخ بنای[1] پل (۱۰۶۰ه.ق) وبنای سد[2] (۱۰۶۸ ه. ق) بوده است.

این‌پل علاوه براینکه برای عبور ومرور قوافل و عابران ساخته شده بوده برای تفرج وگردش مردم وپادشاه نیز مستعد بوده است. چنانچه از قصص‌الخاقانی نقل‌شده[3] درسال (۱۰۶۰ ه. ق) که‌پل‌ساخته شد وبه پل شاهی اشتهار یافت بعد از تعطیلات نوروز آن‌سال برحسب فرمان‌شاه عباس‌ثانی پل‌را آئین‌بندی وچراغان کردند وهریك از غرفه‌های آنرا یکی‌از امراءِ وبزرگان تزیین‌نمود وبرای جشن مهیاگردید وسائرای مشهدی قصیده‌ای‌در۴۵ بیت ونیز صائب تبریزی قصیده‌ای در وصف آن چراغانی وجشن سروده‌اند:[4]

۱و۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۸۳.　　۲ـ تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.

۴ـ قصاید مزبور باین‌شرح است:

۱ ـ قصیده سائرای مشهدی:

بحکم پادشاه استاد تردست	پلی بر زنده رود اصفهان بست
که ریزد سیل هنگام بهارش	بجوی کهکشان از آبشارش
پلی بر روی دریا تازه بستند	بر اجزای زمین شیرازه بستند
بحکم پادشاه هفت کشور	بطاق آسمان شد پل برابر
دلش آئین گلریزان پل خواست	رخ از جام چراغان می‌آراست
بفرمود ازپی‌جشن آن زمان زود	ببزم افروز آن هنگام مقصود
که پل را چون بروج آسمانی	ببند آئین نگه‌کن بین که دانی
چه سیلاب بهاری شد سوی پل	که تاپل را کند رنگین‌تر ازگل
ز بس تصویر گوناگون نموداد	روان بانی آنجا نقش دیوار
عجب نبود اگر ازعکس آئین	شود آئینه صورتخانه چین

←

→

اگر یك گل زمین را تازه دیدند — برویش عقد از گوهر کشیدند
پل از دریاچه بیند جلوه خویش — نهاده چون عروس آئینه در پیش

چراغان شد ز حکم پادشاهی
زمین تا آسمان مه تا بماهی

۲ ـ قصیده صائب تبریزی :

اصفهان یك‌دل‌روشن ز چراغان شده است — پل ز آراستگی تخت سلیمان شده است
باده‌چون‌سیل زهرچشمه روان گردیده است — کمر پل زمی لعل بدخشان شده است
از گل و شمع که افروخته و ریخته دست — کهکشان دگر ازخاك نمایان شده است
چون مه عیدکه گردد ز شفق چهره فروز — طاقها ازمی گلرنگ فروزان شده است
عالم آب دوبالا شده از عشرت پل — شادی و عشرت ایام دوچندان شده است
رنگ سیلاب طلائی شده از نور چراغ — چشمها مشرق خورشیددرخشان‌شده است
میدهد یاد سرپل ز خیابـان بهشت — شمع‌وگل‌چهره‌حوراست که‌تابان‌شده است
بادبانها است پی کشتی دریا دل می — سایبانها که ز اطراف نمایان شده است
شده چون قوس وقزح هرخم طاقی رنگی — از تماشا پروبال نگه الوان شده است
زنده‌رود از کف مستانه که برلب دارد — جوی‌شیری‌است که‌درخلدخرامان‌شده است
از رگ ابر هوا چنگ بدامان دارد — ازگل سرخ زمین چهره مستان شده است
بسکه درمغز هوا نکهت گل پیچیده است — مغز ابراز اثر عطسه پریشان شده است
دفتر عیش که هرفردی ازاو جایی بود — از رگ ابر به‌شیرازه وسامان شده است
توبه عاجز ز عنان داری تقوی گشته است — زهد خاروخس سیلاب بهاران شده است
کشتی پل شده هرطاق می از بادهٔ ناب — لنگر توبه خراباتی طوفان شده است
توبه کز سنگدلی داشت ز فولاد اساس — همچوموم ازنفس‌گرم چراغان شده است
خون خاك آمده از جرعه‌فشانان درجوش — کوچه‌ها ازمی‌گلرنگ‌رگ‌کان شده است
روزگار طرب و مستی و بی‌پروائی است — که می ومطرب‌ومعشوق‌فراوان شده است
مه احسان ز رگ ابر کشیده است بهار — دامن خاك پراز گوهر غلطان شده است
خون خود میخورد و خاك به لب میمالد — زهد از توبهٔ‌خودبسکه پشیمان شده است
خاك از سبزهٔ مینا شده چون طوطی مست — چرخ تنگ شکرازخنده‌مستان شده است
آسمان یك لب خندان شده ازتابش برق — خاك‌ازجوش‌طرب‌یك‌خم‌جوشان‌شده است
میزند قهقههٔ کبك به طاوس بهشت — بط که شهباز دل باده‌پرستان شده است
بیستونی است پراز صورت شیرین سرپل — که ز تردستی فرهاد گلستان شده است
ابر گریان گل رخسار مه کنعان است — که کبود از اثر سیلی اخوان شده است
چشم بد دور از این عهد که هر چشمه پل — زندگی‌بخش‌چوسرچشمه‌حیوان‌شده است
کمر خدمت شه بسته زپل زرین رود — به‌دل زنده از آن شهره دوران شده است
سربسر سجده شکر است زپل زرین رود — که مقام طرب خسرو ایران شده است

←

مؤلف تاریخ اصفهان وری چنین گفته : [1]

« و اما مبانی شگرف اصفهان یکی پلهائی است که روی زاینده رود زده‌شده»
« مانند پل بابارکن‌الدین که به‌پل خواجو معروف است . ریشه واساسش قبل از»
« عجم بوده وزمان ترکمان‌های آق‌قوینلو تعمیری ازآن شده وبعهد صفویه مرتبه»
« بالاراطرح انداخته و در بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه»
« ساخته بود بنام خودکه در ۱۳۱۰ اجزای ظل‌السلطان خراب کردند و راه »
« چهارباغ‌نو است برای تخت پولاد . » .

اینکه مؤلف تاریخ اصفهان وری گفته اساسش قبل از عجم بوده معلوم نشد چه زمانی‌را درنظر داشته است ولی آنچه مسلم‌می‌نماید اینستکه پیش‌ازدولت اسلام اساس آن پل وجود داشته است و درزمان ترکمانها تعمیری ازآن شده ودزدوران صفویه طبقه بالای آن ساخته شده ودرزمان بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه‌ای بنام‌خود ساخته که درسال (۱۳۱۰ هـ . ق) ازطرف ظل‌السلطان خراب گردیده است .

این پل‌را باسامی : بابارکن‌الدین ـ خاجو ـ گبرها ـ شیراز ـ حسن‌آباد ـ پل‌شاهی تیموری خوانده‌اند اما اینکه آن‌را پل بابارکن‌الدین گفته‌اند ازاین‌جهت است‌که درتخت فولادکه نزدیکی‌جاده قدیم‌شیراز واقع‌شده قبروبقعه بابارکن‌الدین که ازعرفای معروف‌زمان خود ودر ۲۶ ربیع‌الاول سال (۷۶۹ هـ . ق) وفات کرده درآنجا واقع‌ومورد توجه ومزار عمومی‌است ازاینرو پل‌بنام‌او معروف‌گردیده‌است.

اما نامیدن آن به پل‌خاجو بمناسبت اینستکه در مجاورت محله خاجو ساخته شده وپل شیراز از این نظرکه نزدیك جاده اصفهان بشیراز واقع گردیده وپل‌گبرها ازنظر اینکه گبرها ازاین‌پل بمحله خود میرفته‌اند وپل حسن‌آباد از

→
شاه عباس جوان‌بخت که از بخت جوان کیمیای طرب عالم امکان شده است
روزش از روز دگر خوشتر و نیکوتر باد
که ازاو روی زمین یك‌گل‌خندان شده است

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۸۳ .

جهت این که محله خاجورا درقدیم حسن آباد مینامیده‌اند واما پل شاهی ازاینجهت بوده که‌چون شاه عباس دوم درسال یکهزاروشصت پل‌را کامل کرد وازهرجهت آراسته گردید به پل‌شاهی معروف گردید وتیموری ازآن نظرگفته‌اند که تیمور بدامادخود حسن‌پاشا دستور داده بوده که آن‌پلرا بناکند وبناکرد.[1]

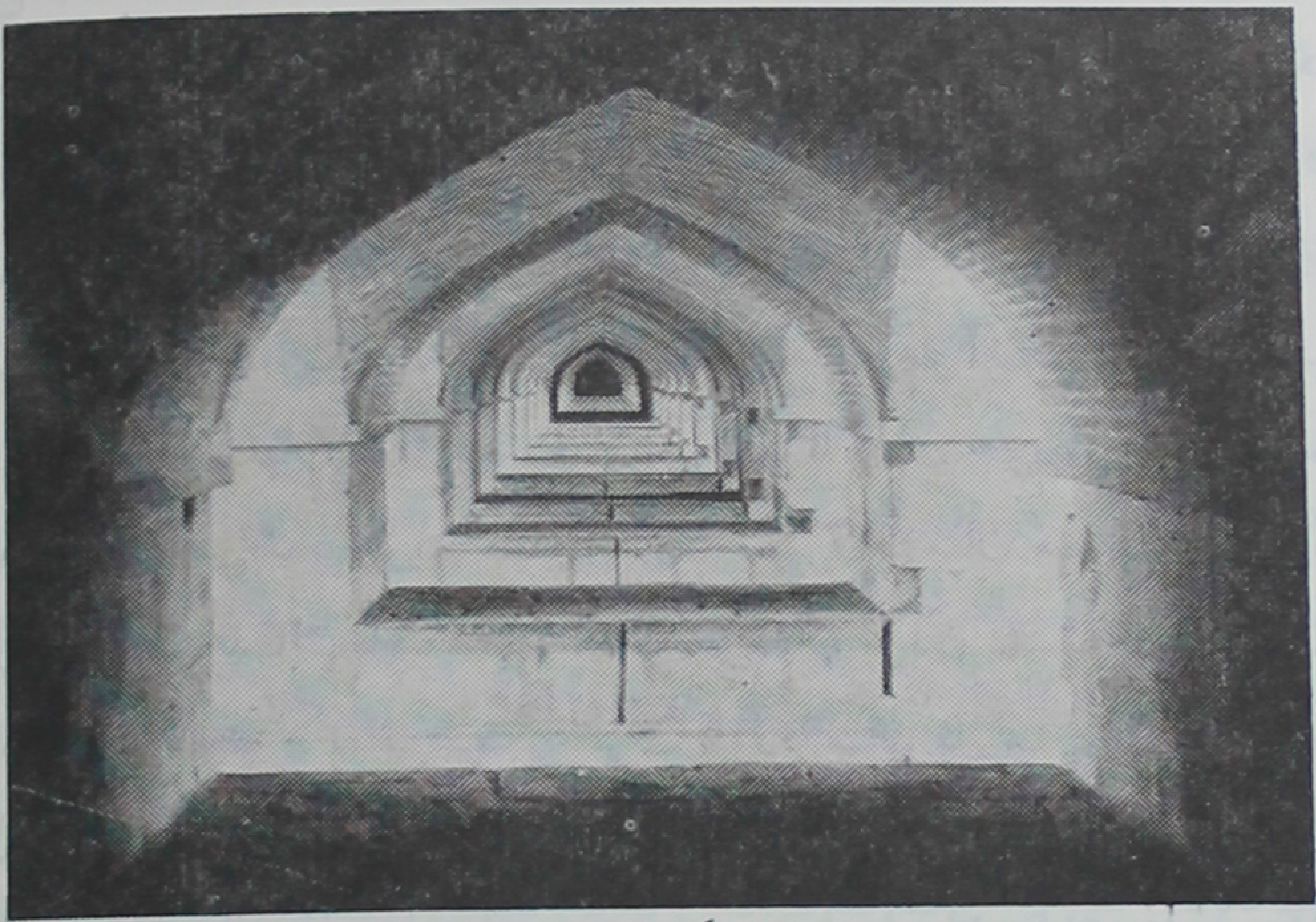
مؤلف نصف جهان درباب پل‌خاجو چنین نوشته است:[2]

«پل هشتم – پلی‌است‌که الحال به پل خواجو اشتهار دارد زیراکه درآخر»
«چهارباغ مشهور به‌خواجو واقع است وقبل ازچهارباغ درآخر وکنار آن محله»
«واقع بوده وپل‌طرف‌یمین است، و دراول قبل ازخرابیها برسرمحله حسن‌آباد»
«بوده وبانی آن‌را باسم‌پل حسن‌آباد موسوم نموده‌بوده و چون محله حسن‌آباد»
«در فترت افغان وفتنه‌های بعدازآن خراب وبکلی‌ازآبادی افتاده است و محله»
«خواجو نزدیك آن بوده باسم آن معروف شده. این پل‌درکمال خوبی وزیبائی»
«است وزیاده خوش‌نماتر ازپل سی‌وسه چشمه است اما بآن عرض و طول نیست»
«لکن‌بهمان استحکام ساخته‌شده ودقیقه‌ای ازاستحکام وخوش‌نمائی‌را فروگذار»
«ننموده‌اند، آنرا شاه عباس‌ثانی بنا نموده و میرزاطاهر وحید تخلص‌که در آن»
«زمان وقایع نگار ومورخ زمان آن پادشاه بود آنرا ضبط و درتاریخی‌که بنام»
«او نوشته ثبت‌نموده است وآورده که درمحل‌این‌پل یك‌پل‌کهنه مدروس‌وویران»
«بود وشاید آن پلی بوده است‌که درکتاب مافروخی باسم جسر حسین‌نوشته‌شده»
«وبالجمله بحکم پادشاه آنرا خراب نموده و برداشتند واین پل‌را باین وضع»
«خوب و هئیت مرغوب مشتمل بربیست وچهار چشمه بزمان اندك بساختند و»
«چون پیش محله حسن‌آباد و جنوب آن بوده آنرا پل حسن‌آباد نام نهادند و»
«تصریح نموده است‌که یك طرف‌آن باغ سعادت آباد است‌که مشتبه به پل دیگر»
«بهیچوجه نیست، ومرحوم امیرالشعراءِ رضاقلی‌خان هدایت تخلص نیز درکتاب»
«روضةالصفای ناصری درآخراحوال شاه عباس‌ثانی اشاره‌ای‌ازبنای این‌پل‌ازپادشاه»

۱- زنده رود ج۱ ص۳۱. ۲- نصف جهان ص۱۰۹.

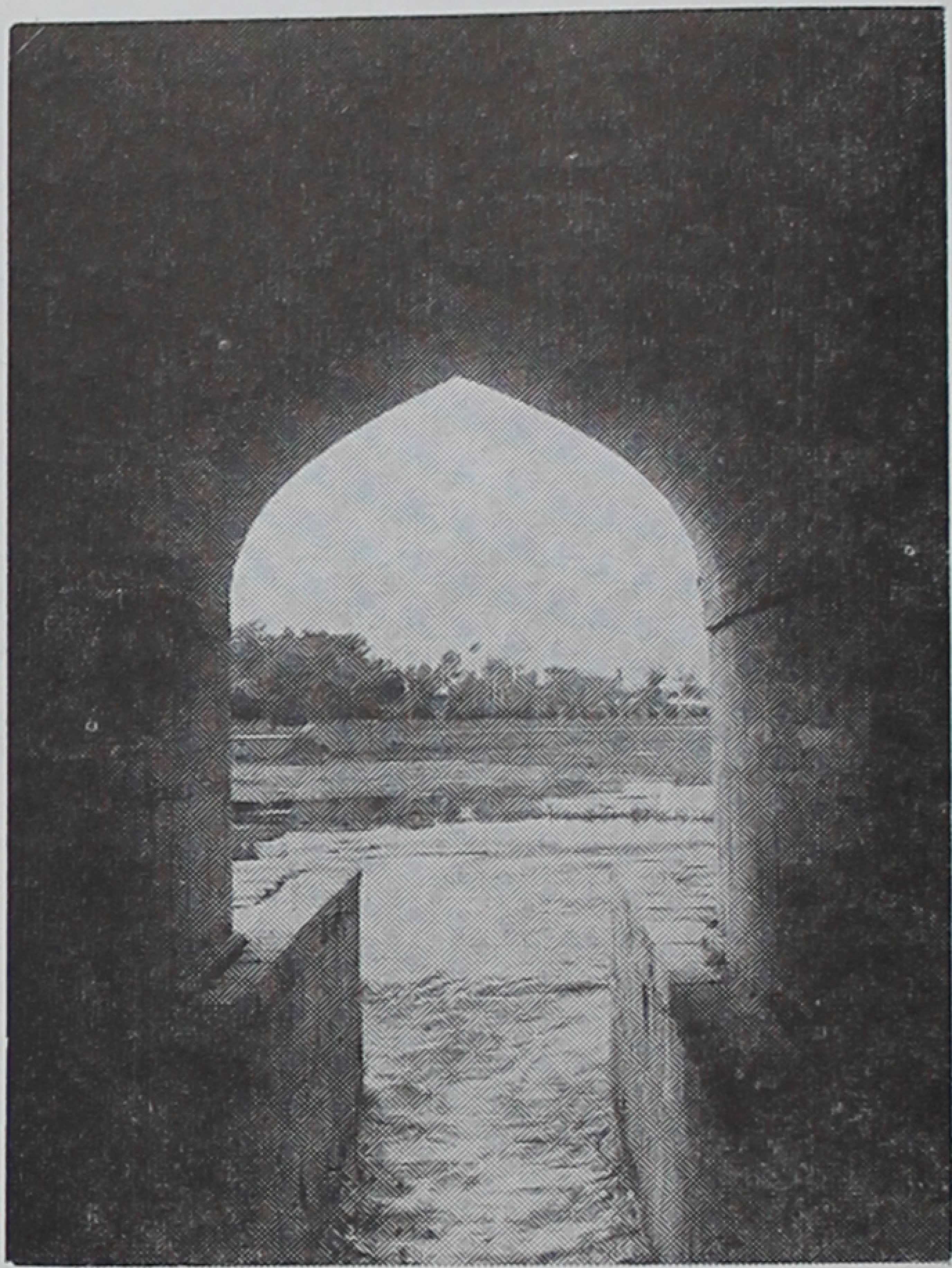
« مذکور نموده است . بر بالای این پل بدستور خیابان و دوطرف غرفه‌ها بسته‌اند»
« وسر طاقهای غرفه‌ها را کاشی‌کاری نموده و در میان آن عمارت و نمائی‌ساخته‌اند»
« که درغرفه‌ها و آن عمارت همه نشیمن مردمان عام وخاص میباشد که بتفرج و »
« تماشا آیندوشاه عباس بعداز اتمام آن‌در آنجا چندشبی‌جشن وچراغان فرموده‌اند»
« ومرحوم صدراعظم اصفهانی حاجی‌محمدحسین‌خان‌هم‌چهارباغ خود راکه موسوم»
« به‌فتح‌آباد است متصل‌باین‌پل بناکرده‌است . زیرااین پل‌رابطرز دیگرساخته‌اند»
« که زیاد ازحد مزید حسن‌آن‌گشته . دوطرف شرقی‌وغربی پل‌را که جهت‌دخول»
« وخروج آب است مهتابی طرح انداخته ومیان پلهارا طاقنمائی ساخته‌اند و در »
« میان هرطاقنمائی نهربزرگ سنگی بناکرده‌اندکه آب قسمت‌آن چشمه ازمیان »
« نهرمیرود ودوطرف آن‌شهرراه‌روی است‌که مردمان‌برسرآن میروند ومی‌نشینند »
« وگاهی‌که درفصل بهارآب زیاده طغیان میکند تا بالای جویهای میان‌آمده راه »
« عبورومرور را می‌بندد وبرای مهتابی روی بمشرق درمیان ممرهای آب ومحل »
« ریزش آن زینه‌ها قالب آب ساخته‌اندکه مردمان برآن نشسته ازصفا وتماشای »
« آب محظوظ شوند و نمائی دیگربطرف طول‌درمیان پل ساخته‌اند ایوان‌مانند »
« ازاول تاآخر چشمه‌ها محاذی یکدیگر ، چنانچه ازاول چشمه‌آخری آن‌پیدا »
« است ، مجملاً مانند این‌پل‌وپل‌سی‌وسه چشمه پلی‌بایران ساخته نشده وبنفاست »
« واستحکام آنها نپرداخته‌اند . ودرنزد مردم عام وکسانی که ازتاریخ خبرندارند »
« این‌پل به‌پل حسن‌خان ترکمان مشهور شده‌است ومراد ایشان امیرحسن‌بیك‌آق »
« قوینلو است که امیرآذربایجان بوده وبراین‌سمتها نیز فرمان‌روا بود ولیکن‌او »
« هرگز باین‌جاها نپرداخته وچنین همت وسلیقه نداشت بلکه تمام دولت‌اوبهمه »
« عمربقدرخرج این‌پل نبوده است واوقبل‌اززمان سلطنت صفویه بوده وسلطنت »
« ازاولاد اوبصفویه منتقل شده واگراین پل را اوبنانموده بود وشاه‌عباس بزرگ »
« که بسیارسال بعد از او بود و این وضع و ترکیب را دیده بود سلیقه شاه‌عباس »
« هرگزبوضع وهیئت پل سی‌وسه چشمه رضا نمیداد وهمت بشکل ووضع به‌ازاین »

« میگماشت نه‌کسر ازآن ، چه این پل هیئتی فایق دارد وزیاده قابل تعریف و »
« تحسین است هزار آفرین بدانش وذهن مهندسان آن زمان و صدهزار آفرین »
« بهمت‌آن پادشاه با فروتمکین بادکه ذره‌ای درمخارج آن خست واهمالی ننموده »
« است و مسلماً وجه اشتباه نزدیکی اسم شده وازبی‌خبری پل حسن‌آباد را پل »
« حسنخان گفته ودانسته‌اند وحال آنکه‌آنهم غلط است نه‌خان است ونه‌شاه بلکه »
« امیرحسن‌بیك ترکمان است وهرگز لقب خانی وشاهی نداشته . (ش۱۱)



(شکل ۱۱)

از گفتار مورخان معلوم گردید که درجای کنونی پلهای خاجو پل دیگری بوده که بوضع اندراس درآمده بوده وقابل استفاده نبوده است واز اینرو شاه‌عباس دوم دستورداده برطبق نقشه پلی برروی زاینده‌رود که در نزدیکی باغ سعادت‌آباد وعمارت آینه‌خانه بوده ساخته شود و کارکنان برطبق دستور ساعی بوده‌اند که این پل ازپل اللهوردیخان وسایرپلها زیباتر وبهترساخته شود ومسلم پل باوضع کنونی بعداز شاه‌عباس دوم ایجاد شده وپلی که پیش بوده ، اهمیتی ازنظرساختمان نداشته است ومسلم سطح معماری آن پل درهنگام احداث پل اللهوردیخان پائین‌تر بوده است . (ش۱۲)



(شکل ۱۲)

درطول این پل اختلاف است ، چنانچه در گفته‌های پیش نوشته شد طول را ۱۵۰ وعرض‌را ۱۴متر نوشته‌اند ولی درگنجینه آثارتاریخی اصفهان طول ۱۳۲/۵متر وعرض ۱۲ متر نوشته شده است .

عدد چشمه‌های این پل را بعضی ۲۶ وبرخی ۲۴ وکسانی ۲۱ و دیگران ۲۸ نوشته‌اند وگمان‌میرود بعضی ازچشمه‌های آن درزیرشن وخاك مسطورشده باشد .

این پل زیرشماره ۱۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۱۳ ـ پل اللهوردی‌خان :

این پل در سال (۱۰۱۱ هـ. ق) باهتمام اللهوردیخان سپهسالار شاه‌عباس و بنا بفرموده شاه مزبورشروع بساختمان گردید وبطوریکه درعالم‌آرای عباسی[۲] نوشته

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .

۲ ـ عالم‌آرای عباسی ج۱ ص۵۴۴ .

شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده‌که ازهرچشمه‌ای آب خارج میگردیده، پلی بسیارعریض وطویل ومرتفع ، شالوده آن با سنگ و آهك ریخته شده وباآجر و گچ بالا رفته ودوطرف پل غرفات وغلام‌گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش زیاد با عرض ومرتفع وطول آن ۳۵۰قدم و عرضش بیست قدم وشش معبر باین شرح داشته است :

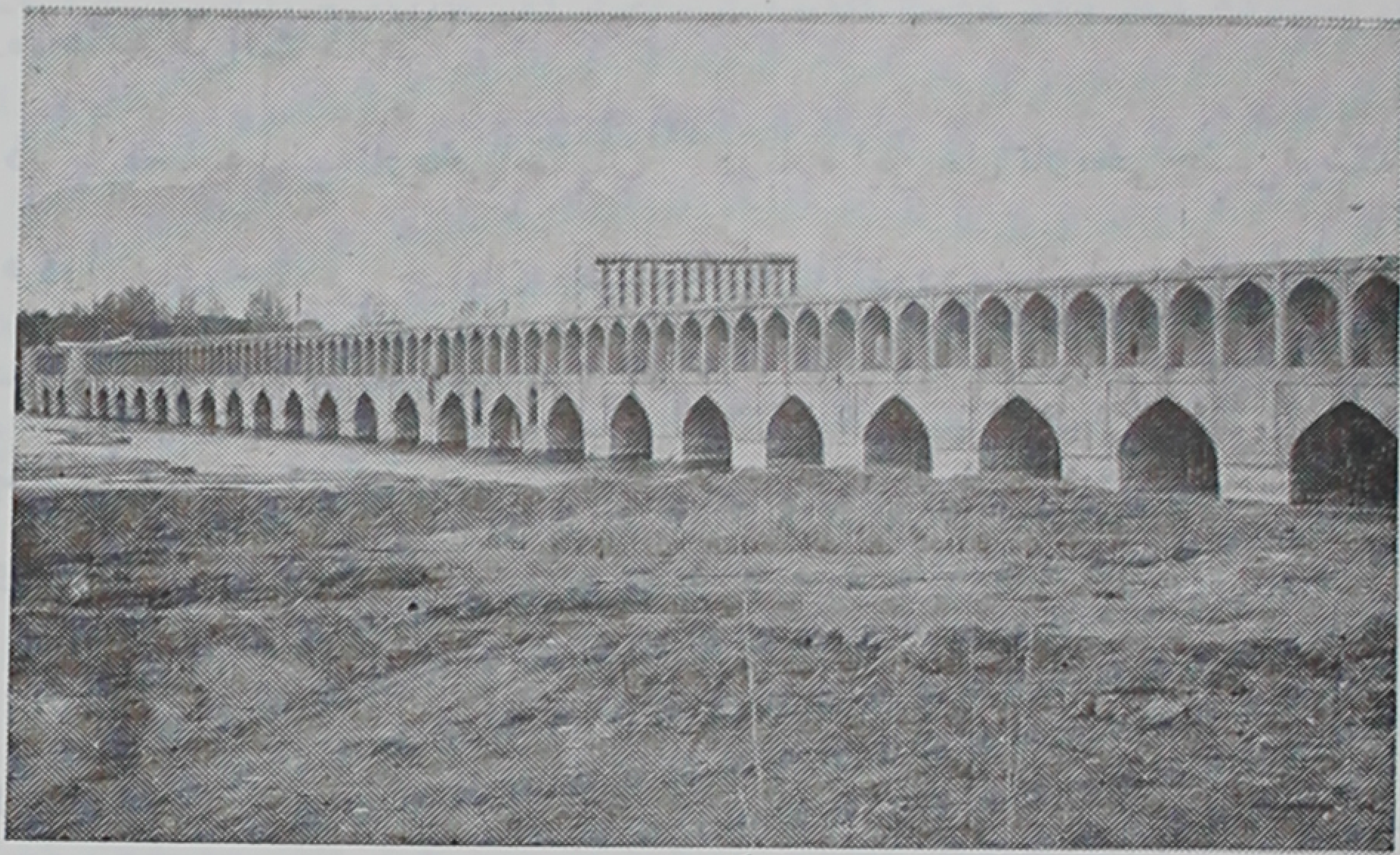
۱ـ راه وسط‌که مخصوص عبورسواره وگردونه‌ها بوده است . ۲و۳دوطرف پل که ازمیان گالاریهای زیبا میگذشت وبه پیاده‌رو تخصیص داشت . ۴و۵ پشت‌بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام‌گالاریهای پل بوسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل میشد واز زیرپل هم موقع کم‌آبی عبور میکردند . ۶ اززیر پل بود .

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند . هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد واز اینرو به پل۳۳ چشمه شهرت دارد .

این‌پل‌رابنامهای : پل‌شاه‌عباسی ـ پل اللهوردیخان ـ پل جلفا ـ پل‌چهل‌چشمه ـ پل سی‌وسه چشمه خوانده‌اند ووجه تسمیه هریك چنین است : ۱ ـ پل شاه‌عباسی ازآن‌جهت گویند که شاه‌عباس اول دستور بنای آن را داده است . وچون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آنرا پل جلفا هم گفته‌اند و چون در ابتداءِ چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینك سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد .

این پل برای اتصال خیابان چهارباغ‌کهنه عباسی به‌خیابان چهارباغ بالا وباغ هزارجریب وعباس‌آباد ساخته شده است . این پل در جشن آبریزگان و آب‌پاشان محل اجتماع شاه وبزرگان وشعراء ورجال وسایرمردم بوده است . (ش۱۳)

شرحی‌را که سرپرسی‌سایکس انگلیسی راجع به‌این پل نوشته ازنظراینکه



(شکل ۱۳)

بسیار دقیق ووضع پل را درآخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم هجری مجسم مینماید عیناً دراین‌جا نقل میگردد :

« خیابان باشکوه چهارباغ از یك‌طرف به پل اللهوردیخان کشیده میشود »
« که بااینکه‌حالیه روی بویرانی‌نهاده معهذا ازپلهای درجه‌اول عالم بشمارمیآید، »
« اینجا از یك شاهراه سنگ‌فرش شده وارد مدخل عمومی پل میشوند شکل »
« فوق‌العاده وشگفت‌آور این پل‌که ۳۸۸یارد طول‌آنست مقابل یك‌جاده‌سنگ‌فرش »
« شده‌ای به‌عرض ۳۰پا بدین‌قرار است‌که درآن سه‌معبر درسه‌سطح مختلف تعبیه »
« شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دوطرف آن طاق‌نماهای »
« سرپوشیده ساخته‌اند . طاقنماها ازطرفی برودخانه وازطرفی بهمین‌جاده مشرف »
« میباشند ، دربالا وپائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود »
« هرکدام یك پیاده‌روهائی است‌که با پله‌کانها باین‌راه اصلی وصل میشود ودرکنار »
« سطح رودخانه معبر دیگری است‌که بطول رودخانه امتداد میابد . تنها انتقاد »
« مخالفی‌که برای ساختمان این‌پل میشودکرد وآن ازتصویرهم نمایان‌است‌آنکه »
« پل مزبور درمقابل جریان ضعیف وباریك زنده‌رود دربیشتر فصول سال بیش از »

« اندازه جنبه ظرافت دارد[1] . »

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[2] درباره این پل تاریخی چنین نوشته است :

« درانتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که بنام بانی و »
« سازنده آن خوانده میشود ودرهمان موقعی که شاه‌عباس دستور کاشتن درختان »
« چهارباغ را میداده رفیق وسپهسالارشاه نیز درساختمان این پل بوسیله آجر و »
« سنگ‌تراش فعالیتی بخرج میداد، وضعیت این پل باقدیمش تفاوت زیادی نکرده »
« است . ایوانچه‌ها وغرفه‌های زیبا ومتناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و »
« یا عبورومرور است بهمان حالت اولیه باقی است . طول این پل ۲۹۵ متروعرضش »
« ۱۳/۷۵ متر میباشد . نوشته‌اندکه درابتدا چهل‌چشمه داشته و بتدریج سی‌وسه »
« چشمه شده . درسنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و »
« اشجاری غرس نموده بودند بطوریکه چندچشمه پل از عبورآب محروم گشته »
« وممکن بود بکلی متروك شود ولی درسال ۱۳۳۰ که آقای مصطفی‌خان مستوفی »
« ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت وشجاعت بخرج داده و اراضی مزبور »
« را ازتصرف غاصبین‌خارج ومجرای عبورآب چشمه‌ها را بازکرد واقدام‌بساختمان »
« دیوارهای سنگی‌درطرف شمال رودخانه نمودکه هنوزآثارش پابرجا وعملیاتش »
« زبانزد مردم این شهراست . دردوره صفویه ارامنه حق داشتند تامیدانی‌که اول »
« پل احداث شده بود جمع شوند ومال‌التجاره وصنایع خویش را با صنعتگران »
« اصفهانی تبدیل نمایند وحق نداشتند ازاین پل عبورکرده داخل شهر شوند در »
« جلو این پل مجسمه رضاشاه‌کبیر برروی ستونی بارتفاع ۵متر دیده میشود که »
« براسبی سوارو بطرف شمال‌متوجه است اطراف این‌مجسمه فعلاً میدان۲۴اسفند »
« ویا میدان مجسمه نامیده میشود . »

« درشمال شرقی پل‌یعنی‌اول خیابانی‌که بطرف شرق امتداد دارد ساختمان »

---

۱ ـ ترجمه تاریخ ایران سرپرسی‌سایکس ج۲ ص ۳۱۵ . ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۸ .

« آجری است که بیاد مقبره کمال الدین اسماعیل (قبرش درجهانباره است)ساخته »
« شده وخیابان مزبور بنام آن بزرگوار نامیده میشود که بطرف پل جوئی وخواجو »
« امتداد دارد . »

بطوریکه ملاحظه شد گفتار تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وضع پل زاینده رود را درگذشته وحال تشریح کرده و اقتضاء داشت که برای استحضار سرگذشت پل در ایام گوناگون درج گردد .

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین پل درسفرنامه خودکه نظم الدوله ابوتراب نوری آنرا ترجمه کرده [1] چنین نوشته است :

« پلی که دروسط خیابان تقاطع میکند موسوم به پل اللهوردیخان که بانی »
« آن بوده است میباشد وآنرا پل جلفا هم میگویند. این پل تمام ازآجروسنگ »
« بناشده وسطح آن بیك میزان است . دوطرف آن ازوسطش پست ترنیست، ۳۵۰ »
« قدم طول وبیست قدم عرض دارد وزیر آن چندین چشمه وطاق ازسنگ ساخته »
« شده که خیلی پست وکم ارتفاع است ، دردوکناره پل راهروی بعرض هشت نه پا »
« و بطول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع بارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا »
« سقف آنرا نگاهداشته‌اند دیده میشود ، اشخاصی که میخواهند هواخوری کنند »
« وقتی که خیلی گرم نباشد ازبالای سقف راهروها عبور مینمایند، امامعبرمعمولی »
« از زیر آن راهروها است که بمنزله نرده و نگهبان است و روزنهائی بطرف »
« رودخانه داردکه هوای لطیف وخنك ازآنها داخل راهرومیشود . زمین راهرو »
« ازسطح پل خیلی بلندتراست و بتوسط پله براحتی بالای آنها میروند . فضای »
« وسط پل مخصوص عبورگاری ودواب است وتقریباً ۳۵پا عرض دارد . یك معبر »
« دیگرهم دارد که درتابستان وموقع کمی آب بواسطه خنکی خیلی مطبوع است »
« وآن ازمیان خود رودخانه است درخط مخصوصی که تخته سنگها نزدیك هم اتفاق »
« افتاده میتوان ازروی آنها رد شد بدون اینکه پا تربشود. ازتمام دهنه‌های زیر »

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۶ .

« پل بواسطه درهائی که بهرچشمه گذارده‌اند میتوان عبورنمود وازپلکانی که در »
« قطرپایه پل ساخته شده ازروی‌پل بزیرچشمه‌ها وطاقها پائین‌میروند وهمینطور »
« پله‌هائی دردوطرف دارد که ببالای مهتابی روی راهروها صعود مینمایند وعرض »
« راه‌پله‌ها بیش‌از۲ تواز(۴ذرع تقریباً) است، ودردوطرف نرده ومحافظی‌کشیده‌اند »
« که ازپرت‌شدن جلوگیری مینمایند . »

« بنابراین شش‌معبر درروی این پل وجود دارد: یکی دروسط وچهارتا در »
« دوطرف‌که عبارت است اززیروبالای راهروهای پلکان تنگی که بزیرپل میرود، »
« حقیقةً این پل ازروی صنعت واستادی بناشده ومیتوان‌گفت قشنگترین‌صنعت »
« وشاهکار ابنیه ایران است ، اما بسی‌دور است ازاینکه به‌استحکام پل نف پاریس »
« ساخته شده باشد . »

سرپرسی‌سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به‌پل زاینده‌رود نوشته بود گفته بودکه این پل بااینکه روی به‌ویرانی نهاده ازپلهای درجه اول عالم است واما تاورنیه تعصب ملی نگذارده که در قضاوت خود انحراف نورزد ، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش‌ساده نبوده واغلب خواسته است بناها ودیگر آثارایران‌راکوچك وپست جلوه دهد وازدیگران هم استفاده کرده که درتجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به‌این پل نگاشته شد برای‌امکان استخراج نظر صحیح وصائب درباره آن بود واینکه درستی ونادرستی نظرهائی چون‌نظر تاورنیه معلوم گردد . درهرحال اکنون این پل دراصفهان ممتاز ودر درجه اول قراردارد و چون از آثار باستانی بشمارمیرود زیرشمارهٔ ۱۱۰ ، بثبت تاریخی رسیده است[۱].

شاه‌عباس اول بطوریکه مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت میکرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده‌رود برابر پل سی‌وسه پل واگر درمازندران‌بود درکنار دریای خزر، وگاهی روی‌پل سی‌وسه‌چشمه برگزار میکرد[۲] .

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .　　۲ــ درشرح جشن‌آبریزان ←

در کتاب زندگانی شاه‌عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه درسال ۱۰۱۸ هجری درروی پل سی‌وسه‌پل برگزارکرده چنین نوشته‌است[1] .

« جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه‌روز دوام می‌یافت . گذشته از باغ »
« نقش‌جهان پل اللهوردی‌خان‌را نیز آئین می‌بستند وچراغان میکردند. وگاه به »
« فرمان شاه‌عباس برسرپل مراسم گل‌ریزان صورت میگرفت، وگلهای فراوان در »
« راه شاه و همراهان او ریخته میشد . ازآن جمله در سال ۱۰۱۸ باآنکه جشن »
« فروردین مصادف با ماه محرم بود ، بفرمان شاه هفت شبانه‌روز جشن نوروزی »
« گرفتند، وبرسرپل گلریزان کردند، وچون مردم اصفهان درچراغان‌وآئین‌بندی »
« هنرنمائی بسیارکرده بودند ، شاه مبلغ پانصدتومان ازمالیات‌آن‌سال را بایشان »
« بخشید . »

→
شاعری قطعه‌ای سروده که بنقل ازاصفهان جوانان ص۱۴۱ عیناً درج میگردد .

چو هر سال روز نخستین مهر	برافروزد از برج خرچنگ مهر
بود آب پاشان برسم عجم	که‌کسری‌شگون‌کرده بوده‌است‌وجم
شهش نیز نیکو شمردی بفال	بامرش شدی جشن آن روز سال
در آن روز در چهارباغ ازدحام	نمودند بیش از شمر خاص و عام
ز بس ریختند آب بر یکدیگر	جهان گشت تا ماهی و ماه‌تر

اصولا این جشن در ایران و بخصوص در اصفهان معمول بوده وگویامحله‌آب‌بخشگان ویا آبریزان هم یکی ازمحلهائی بوده‌که مردم اصفهان درآنجا باین جشن میپرداخته‌اند وآب برسورروی یکدیگر میریخته‌اند . وشاید بیت‌الماء که ملکشاه احداث کرده بوده برای انجام همین منظور بوده است .

مرسوم ایرانیان قدیم چنین بوده‌که در روز ۱۳ تیرماه هرسال جشنی برپا میکردند ودر آن‌جشن باآب وگلاب برسورروی هم‌آب میپاشیدند. شاه‌عباس هم‌دراین جشن شرکت میکرده ومراسم مخصوص وتشریفات خاصی دراین جشن بکارمیبرده است ، اگردراصفهان میبوددرزیر طاقنمای پل می‌نشست و بتماشای جشن میپرداخت در روز جشن باندازه‌ای جمعیت ازدحام میکردکه گاهی سرودستها شکسته میشد وزمانی کسانی کشته میشدند وآن‌موقع شاه‌دستورمیداد که دست ازآب‌پاشی بردارند .

تاورنیه سیاح فرانسوی‌جزئیات جشن آبریزان شاه‌عباس‌اول را درروی پل‌سی‌وسه‌چشمه شرح داده است .

۱ ــ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۱۸ تا ص۳۱۹ .

« در تاریخ این جشن و گلریزان میرحیدر معمائی کاشی [1] چنین سروده است:»

«گل گشت روی پل چو کند خسرو عجم گل گشت روی پل پی تاریخ کن رقم»

۱۰۱۸

موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه‌عباس کبیر انجام شده است. آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان درحضور شاه‌عباس انجام گردید پل مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند:

اسکندربیك درعالم آراء درو قایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته [2]:

« ... درانتهای خیابان باغی بزرگ ووسیع، پست‌وبلند، نه‌طبقه جهت خاص »
« پادشاهی طرح انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند و پل عالی‌مشتمل بر »
« چهل‌چشمه بطرزخاص ، میان گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل ، یك‌چشمه »
« بنظردرمیآید ، قرار دادند که برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر »
« اتصال یابد . »

حاج‌میرزا حسن‌خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال (۱۰۰۵ هـ. ق) چنین نوشته [3]:

« شاه‌عباس اصفهان را پای‌تخت دائمی نموده طرح عمارات عالیه انداخت ، »
« سردرب قیصریه جنگ اواست با ازبکان . »

ودروقایع سال (۱۰۰۸ هـ.ق) چنین نوشته [4]:

« شاه ازهرات باصفهان آمده وتکمیل طرح عمارات وباغات که هریك از »
« امراء باغی بنام خود ساخته درحواشی چهارباغ کهنه وچهارباغ بالا . »

۱ــ میرحیدر معمائی کاشی و از سادات معتبرکاشان وشاعر ودر سرودن معما توانا بود ، اورا بهجو شاه‌عباس اول‌متهم کردند و شاه امرکرد اموالش‌را تصاحب‌وخودش‌را محبوس کردند. ازحبس گریخته و بهندوستان رفت و درآنجا مکنتی حاصل کرد و قصد مراجعت داشت ولی در راه کشتی او تباه‌شد و با تخته‌پاره‌ای سرازبندر سورت درآورد. خبرمراجعتش بشاه‌عباس رسید و او را خواست و مورد نوازش قرارداد و در حدود سی هزار تومان بجبران اموال از دست‌رفته‌اش باو داده شد.
(نقل بمعنی ازتذکره نصرآبادی ص۴۷۵)

۲ ــ تاریخ عالم‌آراء ج۲ ص۱۱۱۱ .   ۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۹ .

۴ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰.

ونیز دروقایع سال (۱۰۰۸ ه. ق مینویسد[۱] :

« شاه‌عباس باصفهان برگشت ، اللهوردیخان را فرمود پل زاینده‌رود را با »
« عمارات دیوانی بساخت . »

دروقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است[۲] :

« بنای سردرب عالی قیصریه وکاشی‌کاری ممتازآن ... »

میرزاعلینقی کمره‌ای متخلص به‌نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است[۳] :

فلك قدر اللّٰه‌ویردی که قدر	ز عباس‌شاه اندر ایام یافت
بامداد بیگ‌ویردی دادگر	پلی کرد آغاز و انجام یافت
بسعی ملك سیرت آقا حسین	بخیرالعمل حسن اتمام یافت
بدست زبردست صعب امیر	چو بند امیر این بنا نام یافت
پی سال تاریخ این پل نیافت	کسی خوبتر از«پل اتمام یافت»

ظاهر گفته عالم‌آرا اینستکه پل درسال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شده و گفته‌های جابری انصاری قسمتی حاکی است‌که درسال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمتی نوشته که ساختن‌آن با سر در قیصریه مقارن بوده وحال‌آنکه ساختمان سردرقیصریه را ازوقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این‌گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به‌نقی کمره‌ای هم حاکی است‌که ساختمان پل‌امیر درسال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست وباید اذعان‌کرد که اگر منظور همان پل چهل‌چشمه ویا اللهوردیخان باشد محال است که درظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حداقل باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) باتمام برسد .

آنچه بنظر میرسد اینستکه برای ساختمان عباس‌آباد مسلم است که باید

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۹۰ . ۲ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۱ .
۳ ــ موادالتواریخ نخجوانی ص۶۴۹ .

ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع بساختمان آن‌طرف پل شود . تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام‌آن مطابق ماده تاریخی‌که سروده‌اند وعالم‌آراء نوشته است[1] . هزار وپنج هجری است و ماده تاریخ چنین است :

عجب چارباغی است بهجت‌فزا — گرش ثانی خلد گویند شاید

چوتاریخ‌آن‌دل‌طلب‌کرد گفتم : — « نهالش بکام دل شه برآید »

که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تکایائی که در خیابان چهارباغ طبق دستور شاه‌عباس ساخته شده سال هزار و یازده است‌که در تذکره‌نصرآبادی[2] بنقل از تاریخ جلال منجم بشاه‌عباس اول منسوب شده وآن ماده تاریخ چنین است :

کلبه‌ای را که من شدم بانی — مطلبم تکیه سگان علی است

زین سبب فیض یافتم ز اله — که مرا مهر با علی ازلی است

« خانه دلگشا » شدش تاریخ — چونکه‌ازکلب‌آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه‌عباس اول بایالت فارس منسوب گردید ودرآنجا باداره امور و تمشیت میپرداخت تااینکه حکومت کوه گیلویه هم برحوزه حکومتش افزوده گردید وازمجموع این تواریخ استنباط میشود که شاه‌عباس پس‌ازاستقرار بسلطنت وپیش‌ازاینکه مقر خودرا اصفهان قرار دهد درصدد بوده که اصفهان را بپای‌تختی انتخاب کند واز اینرو دستورداده بوده که طرحهائی برای آبادی اصفهان و مهیا کردن آن برای پای‌تختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان بفارس هم ازاین‌نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیرنظر اوقرارگیرد وعادةً باید عمران اصفهان از بعدازتاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعدازسال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین‌طور است چه مطابق ماده تاریخ نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخان درسال (۱۰۰۵ ه.ق)

۱ــ عالم‌آرا ج۱ درص۵۴۴ تاص۵۴۵ . ۲ــ تذکره نصرآبادی ص۹ . ۳ــ مقاله دوپل تاریخی مندرج درص۱۷ مجله هنر ومردم شماره ۸۱ .

اتمام یافته وعمران خیابان چهارباغ در(۱۰۰۵ه.ق) وتکایای چهارباغ در(۱۰۱۱ه.ق) ودرسال (۱۰۲۵ه.ق) تمام ساختمانهائی که اززمان شاه‌عباس شروع شده بوده سرانجام یافته بوده است .

واما اینکه گفته‌شده درسال (۱۰۱۱ه.ق) مأمورساختمان پل‌شده باتاریخ اتمام پل که (۱۰۰۵ ه. ق) باشد مغایر است ، میتوان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبورومرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ه.ق) باتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را باتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیز بسازد که درموقع طغیان رودخانه هم عبورومرور ازطبقه دوم مقدورباشد وشاید طغیان رودخانه زاینده‌رود موجب تکمیل پل‌بوده است وبااین فرض‌دیگر مغایرتی در بین نخواهد بود .

نظر دیگری هم امکان دارد و آن اینستکه بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشده ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی‌وسه‌پل دانست .

۱۴ - پل محمدرضاشاه :

این پل که دارای۱۳۶متر طول و۱۶متر عرض و۳۷۵تن وزن است میان پلهای تاریخی مارنان و۳۳چشمه واقع شده واصفهان را به جلفا مربوط میکند ساختمان این پل در مهرماه سال ۱۳۲۷ بدست مبارك شاهنشاه آریامهر شروع وسرانجام دراردی‌بهشت سال ۱۳۳۸ باتمام رسید وبهره‌برداری ازآن شروع گردید . این پل با آهن وفلز ساخته شده وامروزکلیه وسایط نقلیه سنگین ازروی‌آن عبور میکنند وایجاد این پل بمنظور حفظ سایرپلهای تاریخی‌ازعبورومرور وسایط نقلیه سنگین ازروی آنها بوده است. درحقیقت این پل بمنزله مکمل پلهای تاریخی است وآنها را ازخرابی حفظ می‌کند . پل مزبوردارای پنج‌دهانه وبرای عبور۹وسیله نقلیه که هریك بوزن ۴۵تن درردیف‌های ۳تایی حرکت کنند محاسبه گردیده ر ۵۵میلیون ریال هزینه‌آن‌شده است این پل شامل دوپیاده‌رو هرکدام بعرض ۲٫۵ متروسواره‌رو

بعرض ۱۱متر میباشد[۱] .

ط ـ کاخهای شهر اصفهان

۱ ـ کاخ هشت بهشت :

این کاخ که درهنگام سلطنت شاه‌سلیمان صفوی بناء شده ازبهترین کاخهائی است که درروزگار صفویه ساخته شده و چون کیفیت ساختمان و وضع بناء درائر مرور زمان تغییر کرده ناچار برای امکان بیان وضع آن در ازمنه مختلفه باید نوشته‌های کسانی را که درازمنه گوناگون کاخ را مشاهده وازوضع آن آگاهی‌کامل داشته‌اند از نظر اهل تحقیق‌گذرانید.

ازکسانی‌که مکرر دراین‌کاخ رفته و باوضاع آن آشنائی کامل حاصل کرده شاردن فرانسوی‌است‌که درسفرنامه خود بطورمشبع شرح‌اوضاع‌کاخ را نوشته است و قسمتی از ترجمه نوشته اورا ذیلاً مینگاریم :

« من قول داده‌ام که درطی توصیف باغهای اطراف خیابان زیبای اصفهان »
« شرح یکی ازتالارهای یکی ازباغها را بنام باغ بلبل بدهم ، این تالاررا عمارت »
« هشت‌بهشت مینامند . تمام سقفهای‌آن موزائیك بسیارعالی‌است دیوارها وجرزها »
« دوطبقه ودالانها و غلام‌گردشهائی دراطراف آنها است. دراین‌دالانها صدها مکان »
« است‌که دلکشترین وفرح‌انگیزترین‌نقاط دنیا محسوب میگردد وهریك‌بوسیله »
« منفذی‌که بدان نورمیتابد روشن میشود این روشنائی متناسب باتفریحاتی است »
«که این امکنه ویژه آنها ساخته شده است . »

« هیچیك ازاین نقاط ازحیث شکل وساختمان و تزیینات بدیگری شبیه »
« نیست ، درهرجائی چیزتازه وگوناگون است چنانکه دربعضی بخاریهای متنوع »
« ودربرخی حوض‌ها وفواره‌ها است که از لوله‌هائی که درداخل دیوارها میباشد »
« آب میگیرند ، این تالارعجیب در حقیقت لابیرنتی است زیرا انسان درقسمت »
« فوقانی هرجاگم میشود وپله‌ها چنان مخفی‌است‌که بآسانی پیدا نمیشوند. قسمت »
« پائین تا ده‌پا ازسطح زمین ازسنگ یشم ونرده‌ها از چوب زرنگار ، و قاب‌ها و »

---

۱ ـ نقل ازاصفهان جوانان ص۳۰ .

« چهارچوبها از نقره، وجامها از بلور، و آلتها از شیشه‌های رنگارنگ ظریف ساخته »
« شده است . »

« اما راجع به تزیینات نمیتوان این اندازه شکوه و عظمت و دلربائی و »
« فریبندگی را که درهم آمیخته است تصور کرد . میان نقاشیهای این بنا تصاویر »
« برهنه وفرح انگیز بسیارزیبا وجود دارد ودرهمه‌جا آئینه‌های بلورین دردیوارها »
« بکار رفته است ، دراین تالار اطاقهای آئینه‌کاری کاملی است که اثاثه هر اطاق از »
« باشکوهترین و شهوت‌انگیزترین نوع خود دردنیا است . اطاقهای کوچکی نیز »
« در آنجا میباشد که فقط گنجایش یك رختخواب دارد . درخاورزمین رختخواب »
« پرده نداشته وروی زمین پهن میشود . یك رختخواب جالب توجهی دیدم که »
« فقط لحاف آن دوهزار اکو میارزیدکه برای گرمی وسبکی ازپوست سمورتهیه »
« شده بود . بمن گفتند شاه تشکهای بسیاری ازهمین جنس دارد من یك‌کتاب از »
« تزیینات وتصاویرواشکال ومینیاتورها وظروف وکتیبه‌های‌این تالارتصنیف‌خواهم »
« کرد برخی ازاین‌کتیبه‌ها شامل افکارلطیف عاشقانه وبرخی قطعات‌اخلاقی‌است. »

« چندقطعه زیرنمونه‌ای از آنها است‌که دردفترخود ثبت کرده‌ام : »

« بالای‌گلدانی چنین نوشته شده است: گل لاله نماینده راز درون‌من‌است. »
« من چهره‌آتشین و دلی سوخته دارم . هرچه زیبائی‌گردنی افراشته داشته باشد »
« همواره پای درگل است . دل من صدهاباربچپ وراست بدون‌اینکه بکسی تعلق »
« یابد منحرف‌شد تاتورا دید وبتوپیوست. من بیش‌ازاین‌تاب درد هجر تورا ندارم »
« ونمیتوانم آنجاکه تونیستی مسکن‌گزینم. تومردمك چشم منی . توراگم‌کرده‌ام. »
« نمیدانم بچه‌نظر افکنم . کاری جزمردن نتوانم . »

« پادشه پاسبان درویش است — گرچه نعمت بفر دولت اوست »
« گوسفند ازبرای چوپان نیست — بلکه‌چوپان برای‌خدمت‌اواست»

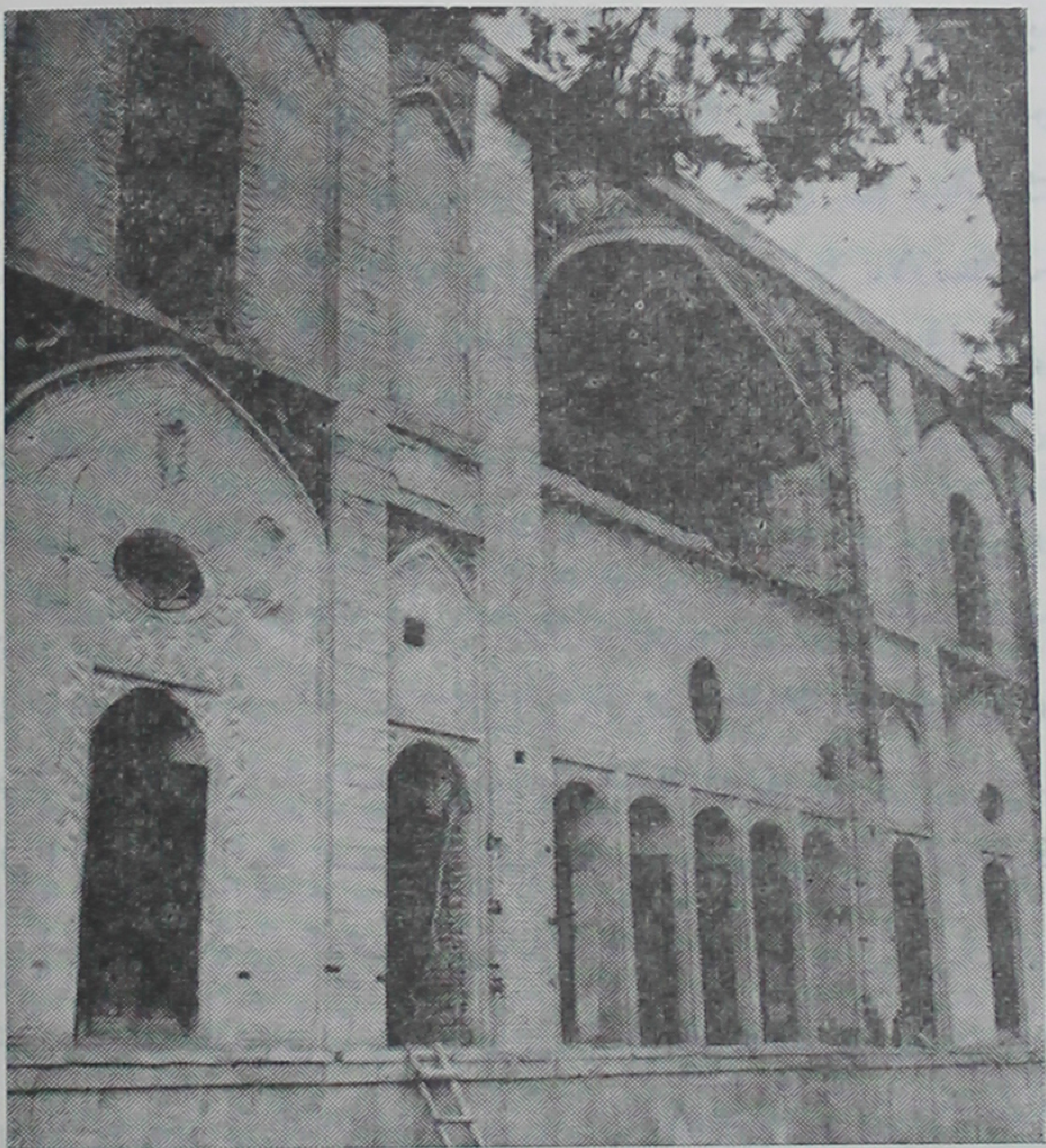
***

« زیر پایت گربدانی حال مور — همچوحال‌تواست زیرپای‌پیل »

« روی یك پیش بخاری عبارت زیررا نگاشته‌اند : »

« از زمستان نترسید ، زیرا فقط سردی وسلامت است . »

« نمیتوانم ازبیان این نکته خودداری کنم که بهنگام گردش دراین محل »
« که مخصوصی لذت وحظ وعشق ساخته‌شده‌است ودرحال عبورازاطاقهاوشاه‌نشین‌ها »
« آدم چنان تحت تأثیر قرارمیگیرد که بگاه بیرون‌شدن ازخود بیخود میگردد »
« بدون تردید هوای این تالاراثرمهمی دراین‌حالت عاشقانه‌که بانسان‌دست‌میدهد »
« دارد . اگر چه این بناءِ چندان با دوام و استوار نیست ولی فرح‌انگیزتر از »
« مجللترین کاخهای ممالك اروپائی است[1] . » (ش۱۴)



(شکل ۱۴)

۱ ــ ترجمه سفرنامه شوالیه شاردن عریضی ازصفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ .

گوست سیاحی که در زمان فتحعلیشاه قاجار بایران آمده واصفهان را دیده درباره این کاخ چنین نوشته است :

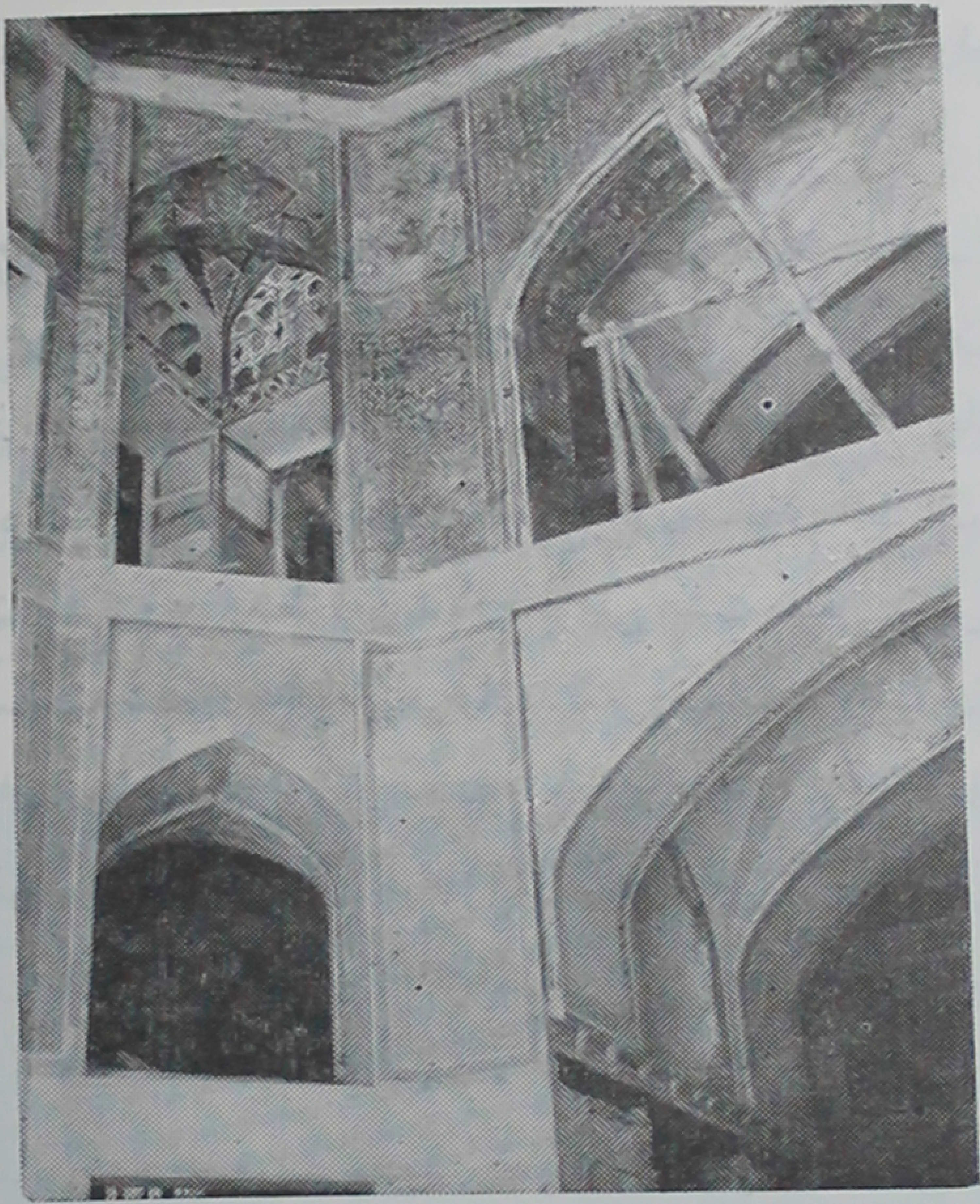
« این عمارت دروسط باغ باندازه دومتر ازسطح زمین بلندتر و۳۵متر طول »
« و۲۵ / ۲۶متر عرض دارد، اطاقهای این عمارت تمامی منقش وگچ بری ودرهایش »
« خاتم‌سازی وزیبا میباشد . تالار وسط گنبدی شکل است که از یك نوع پنجره »
« ساختمان گردیده، درگنبد آن هشت پنجره بطور مساوی باطراف قراردارد که »
« ازچوب ساخته‌اند ، ودر وسط این تالار حوضی هشت ضلعی بقطر۸۳ سانتیمتر »
« ازمرمرعالی ساخته شده وبه‌حوض مروارید معروف است، وطوری حجاری شده »
« که وقتی آب ازسوراخهایش خارج میشود چون‌دانه مروارید میباشد؛ پلکانهای »
« این عمارت طوری بناشده که از هرطرف بعمارت فوقانی و تحتانی عبورومرور »
« میشود، دارای غلام‌گردش‌ها وبالاخانه‌های زیادی است درختان‌کهن وچنارهای »
« مرتبی دارد ، و قسمتی ازآب جوی شاه از برابر عمارت بالائی داخل این باغ »
« میشود . درزمانی که دراصفهان بودم فتحعلیشاه دراین‌عمارت می‌نشست وتماشای »
« رقاصه‌هائی که میرقصیدند مینمود، درودیوار، ازاره‌ها ، هلالیها،گنبدها وبالاخره »
« تمام‌این عمارت سرتاپای ازطلا تزیین‌یافته واشکال وتصاویرگوناگون پرندگان »
« وگلها وغیره برزیبائی قصرافزوده است ، دارای تابلوهای منقش و زیبا است‌که »
« جلب توجه مینماید[۱] . » (ش ۱۵)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه قاجارکه ازطرف دربار وقت مأموریت یافته بود نسبت باوضاع جغرافیائی وتاریخی ایران مطالبی‌تهیه‌کند ونسبت‌بقسمتی ازکشور موفق شد ومطالبی دردوجلد بزرگ تهیه‌کردکه آن دوجلد را درکتابخانه وزارت‌دارائی مطالعه‌کردم راجع‌بکاخ هشت‌بهشت درسال(۱۳۰۰ه. ق) چنین گزارش داده است :

« باغ هشت بهشت وعمارت تحتانی‌وفوقانی قصرمیان ووسعت دستگاه‌آن از»

---

۱ ــ نقل ازصفحه ۲۲ تا ۲۴ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان .



(شکل ۱۵)

« حد توصیف بیرون است غیر ازایوانهای عالی وارسیها یکصد وپنجاه ویکزوج »
« درب اطاق تنهادربالا وپائین دارد . ازمعماران معتبر شنیده شده که طرح آنرا »
« درطرز عمارت کرامت کرده‌اند چنانچه نقشه این‌قصر را بکشند و درجای دیگر »
« بخواهندمثل آن بناکنندمشکل‌که بتوانند ازعهده‌برآیند. باغ مزبورباغی‌است »
« بسیار بزرگ خیابانهای عریض و قطعه بندیهای وسیع در آن است ، دیوار یك »
« طول باغ باقدری از دیوار چهارباغ‌شاه مشترك ، دونهر بزرگ ازچهارباغ عرضاً »
« این‌باغ‌را تقاطع‌میکند ، یکی مقابل قصر موصوف وسط وارد دو دریاچه‌بزرگ »
« میشود که بعرض باغ در دو طرف عمارت متقابل یکدیگر است ، ودو حوض »
« بزرگ هم در دو سمت دیگر عمارت است ، و دوره عمارت نیز جوی سنگی »
« وآب نماها قرار داده‌اند که آب دائماً ازاینها جاری است . مقابل این دریاچه »

« وقصر ، سردری است عالی ودو رو که یک‌روش مشرف بچهارباغ وحوض بزرگ »
« پای آن ، وروی دیگرش منظرقصر وسط باغ است ، سردر مزبور نیز وصف زیاد »
« دارد ، نهر دیگرهم مقابل وهم عرض نهر بفاصله زیاد باز از چهارباغ میآید و »
« بعرض باغ جاری است. بهمین قانون سردری دارد عالی مشتمل برتالار بزرگ »
« مشرف برباغ ، و عمارات عقبش منظر چهار باغ ، و اینجاست که سالها است »
« تلگرافخانه شده . در این باغ حیاط دیگرهم هست وسیع ، صاحب اطاقها و »
« ارسیهای مرغوب و آشپزخانه و طویله و غیره معروف به نارنجستان هشت »
« بهشت است . » (ش۱۶)

موضوع قابل توجه اینکه گزارش میرزاعلیخان نائینی روزنامه نگار



(شکل ۱۶)

ناصرالدین‌شاه وشرحی‌را که میرزاحسین‌خان تحویلدار[1] در سال (۱۳۰۸ ه. ق) نوشته‌اند عیناً مطابقت‌دارد وناچار باید گفت یکی‌ازآنها از دیگری‌گرفته وبنظر میرسد چون تاریخ ختم تألیف جغرافیای اصفهان (۱۳۰۸ ه. ق) وبعد از (۱۳۰۰ ه. ق) است. جغرافیای اصفهان ازگزارش میرزا علی‌خان نائینی‌گرفته است وذکر مأخذی هم نشده است.

آنچه‌ازگزارش مزبورمعلوم‌میگردد اینستکه‌کاخ مزبور تا اول‌قرن چهاردهم بوضع سابق زمان صفویه باقی‌بوده ونقصی درآن‌راه نیافته وتغییراتی‌که درآن راه یافته درقرن چهاردهم هجری انجام شده است.

میرزاحسن‌خان جابری‌انصاری که‌ازمعمران اصفهان وآگاه بتاریخ‌وتغییرات مبانی‌آن سامان بوده راجع باین‌کاخ چنین نوشته است:

«وهشت بهشت نیز بمنوال چهلستون طرح‌باستانی بستانیش‌که از نقش‌جهان»
«جدا کرده زمان شاه‌عباس بزرگ شده با ساختمانی‌مختصر، وبنای‌عمارت شگرف»
«هشت بهشت را سایرشاعر مشهدی‌گفته زمان شاه سلیمان به هزاروهشتاد (۱۰۸۰)»
«وکاشی کاریهای زیبا خصوصاً طاوسها ودیگرمرغان در ۱۱۰۲ باز بفرموده شاه،»
«وعرصه این‌باغ از چهلستون بسی بیشتر بود برای حرمخانه شاهی، چوحد»
«جنوبیش به بازارچه بلند منتهی میشد و در حکومت ظل‌السلطان بانوی عظمی»
«خواهرش با همه اولاد وخانواده درآن‌بزرگترین پارك سلطنتی میدان جولانی»
«برای خوش‌گذرانی داشتند، امروزه‌آن‌باغ را قطعاتی‌کوچك نموده وبه‌مقبلان»
«فروخته‌اند که شاید پنجاه خانه وباغچه سرا ازآن جدا شده وباز قسمت‌بزرگی»
«را خود دارند، بنگاهها وسراچه‌ها ومغازه‌های بسیاری درچهارباغ عباسی‌بیرون»
«انداخته که نفع بزرگی دارد وکوچه جهانبانی با خانه های دوطرف وحمام‌نمره»
«نامی را ازمیان باغ‌ردکرده ودرآنجا حوض‌مرمری یکپارچه مروارید میدیدم»

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵

« و از آثار صفویه دوسه حوض یك قطعه مرمر موسوم به مروارید پدید بود یکی »
« درعمارت اشرف وآن چنان بود که همه آن سنگ را شبیه به حوض حجاری »
« استادانه‌کرده وبرای همه فواره‌های کوچك باندازه انگشت سبابه ازتمام‌سنگ »
« درآورده هرحوضی بیش‌از صد فواره داشت وآن حوض‌را که نصب نموده بودند »
« از زیر سنگ آب جریان یافته مانند دانه‌های مروارید بوسیله آن فواره‌ها »
« جستن‌کرده وحوض‌را پرازآب نموده، بانوی عظمی یك حوضش‌را ببدیع‌الملك »
« پسرش‌داد درعماراتش ازباغ بادامستان تلگرافخانه‌جدا نموده داد وآن‌عمارات »
« بعد به بختیاریها و ازآنها منتقل‌به جلاءِالسلطنه شد ، قنات آب حلال که روی »
« به ماربین بالا میرفته وآبش متصل به جوی شاه میشد برای آب دائمی هشت »
«بهشت وديگرعمارات صفویه احداث کرده بودند وهرعمارتی بهری‌وبخشی معین»
«داشت، وزیر ومستوفی خاصی‌ازنیاکان‌بنده برای‌آن‌مقرربود تابتواند درحرمخانه»
« سلطنتی حکم بخش‌آب را بدهد ورفع مشاجره سکنه باغچه سراها را بنماید »
« و وجه نامش به‌آب حلال ازآن‌رهگذر بودکه شاه عباس دوم وجهی‌را که بنظر »
« خود وعلماء حلال شرعی میدانستند بخرج احداث آن قنات داده تاآب غسل و »
«وضوی حرمخانه نهایت‌حلیت‌را داشته‌شبهه‌کم و زیادآب رودخانه ازحقوق‌دیگر »
« محلها نرود . حالیه شنیده‌ام آن آب را ازپشت‌آتشگاه به جروکان اولادبانوی »
« عظمی میبرند وچون بانوی عظمی واولادش شصت سال وکسری‌است[1] درهشت »
« بهشت ساکنند ضمناً باغات وعمارات دولتی‌دیگرمجاور را بدست داشتند مانند »
« بهشت آئین ورشگ جنان وانگورستان، وبهشت آئین امروزه درکوچه فتحیه »
« کالج دختران شده وانگورستان را با عمارت خسرو خانی بدست سردار اعظم »
« داده بودند . »

این کاخ که روزی از کاخهای کم نظیر بوده درسال ۱۳۳۴ شمسی که‌آقای

۱ـ این کتاب درسال (۱۳۲۱ هـ . ش) به چاپ رسیده و اگر ۶۰ سال را از ۱۳۲۱ کسر کنیم میشود (۱۲۶۱ هـ . ش) ولی آخرین تاریخ قمری که مؤلف گفته ۱۳۵۸ بوده و بنابراین ابتدای تصرف بانوعظمی ۱۲۹۸ قمری خواهد بود .

نیکزاد حسینی از طرف اداره باستان‌شناسی اصفهان مورد بازدید قرارداده چنین گزارش واظهار نظر کرده است:[1]

«این عمارت‌را فعلاً آقای ابوالفتح قهرمان (سردار اعظم) بموجب دستخطی»
« مالك و در تصرف دارد ازقرار مشهور در اراضی وباغات قدیمی آن تغییراتی داده »
« وکاخ اصلی بحال خود ولی مخروبه باقی‌است . ذخائر آن ازبین رفته است . یك»
« دفعه در دوره وزارت سید ضیاءالدین باغ ملی‌شد ولی درزمان‌شاه فقید مسترد »
« ومجدداً درش بسته شده است . درسال ۱۳۳۴ شمسی که از این عمارت بازدیدی »
« بعمل آمده محتاج بتعمیرات کامل است، زیرا نقاشیهای زیبا وگچبریهای‌عالی »
« (نظیر تزیینات عالی‌قاپو) آن ازبین رفته وآنچه باقی‌است نیز جلب توجه را »
« مینماید ، اشکال‌وحوش وطیور وشکارگاهها که بعضی‌قدیمی وبرخی جدید برروی»
« کاشی نقش‌ودرپشت بغلهای اطراف نصب شده جالب‌توجه وتماشائی‌است ، مساحت »
« فعلی آن قریب ۷۵۰۰ مترمربع است . »

برخی نوشته‌اندکه کاخ و باغ مجموعاً درابتدای ساختمان مساحت آن ۸۵ جریب بوده است[2] ولی مساحت کنونی آن درحدود پنجهزار مترمیباشد .[3] و در تاریخ شهریور ۱۳۴۳ شمسی تحویل دولت گردیده است .[4]

این کاخ در خیابان چهارباغ عباسی در مقابل خیابان‌کنونی شیخ‌بهائی واقع شده واکنون در دست دولت است .

ازگزارش‌های گوناگونی که درتوصیف این کاخ داده‌اند معلوم گردید که علت شهرت آن برای بکاربردن سنگهای مرمر عالی درآن و داشتن طاقهای مقرنس کاری ونقاشی بوده است .

ساختمان کاخ دوطبقه و دارای شاه نشین و غلام گـردش‌هـای زیبا و نقوش گوناگون طلائی وتزیینات جالب وپشت بغلهای‌کاشی بی‌نظیر و نقوش وحوش وطیور

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۴ ۲ـ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان‌ص۶۲۲ .
۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۴ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۳

وآئینه‌کاری بسیار ممتاز ودرواقع از قصور ممتاز دوره صفویه است .

کاخ‌مزبورکه آنرا باغ بلبل نیز نامیده‌اند قسمتی از باغ نقش‌جهان زمان شاه‌عباس بوده و در زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ ـ ۱۰۷۸) مجزا و شروع بساختمان گردیده است .

این‌کاخ تاریخی زیرشماره ۲۲۷ به ثبت رسیده است[۱] .

در توصیف و تاریخ‌ساختمان آن شعرای زمان اشعاری نیز سروده‌اند .[۲]

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۲ـ ازجمله‌شعرائی که درباب کاخ هشت بهشت ماده تاریخ سروده میرزا طاهر نصرآبادی بشرح زیر است :

زهی دولتسرای پادشاهی	بود در سایه‌اش مه تا بماهی
بود زیبا عروسی‌شوخ وسرمست	که از جامش بود آئینه دردست
شود تا حلقه‌اش برروی درگاه	دل خود میخورد زین آرزو ماه
پی نقش و نگار آن ستوده	ز چشم حور آوردند دوده
ز آب دست نقاشان گل کار	شده شبنم بروی گل نمودار
گه نظاره‌اش از نارسائی	بود مد نظر تیر هوائی
نه‌فواره‌است‌کان را درمیان است	بشکر شاه دائم‌تر زبان است
رسیده تا بعیسی رفعت او	شده فواره شمع خلوت او
بود طالارش ازطوبی بسامان	گل او شد خمیر از آب حیوان
ستونش تکیه‌گاه آسمان است	دوام گردش افلاك از آن است
بتاریخش قلم قد راعلم کرد	خیالم (مشرق دولت) رقم کرد ۱۰۸۰
بتاریخ دگر دل کرد تکرار	(مکان عشرت بی‌روی اغیار) ۱۰۸۰
بتجدیدش‌شد این مصرع بسامان	(مکان شاه دین‌پرور سلیمان) ۱۰۸۰
ز فیض شاه دیگر گوهری سفت	بدیهه (قطعه خلد برین) گفت ۱۰۸۰
باینها همتم راضی نگردید	بساط مصلحت با خویشتن چید
ز خاطر این رباعی‌ها مهیا است	که ازهرمصرعش‌تاریخ پیداست

رباعی

«چون شاه‌سلیمان شه اقبال بلند» (۱۰۸۰)	«شدبانی‌این‌مسکن‌بهجت پیوند» (۱۰۸۰)

←

→

«از جشن‌ونشاط وکامرانی دایم» (۱۰۸۰)

« در وی جای پادشه دولتمند » (۱۰۸۰)

ایضاً

« از قصر بلند زیبا ارکان » (۱۰۸۰)

«گردید زمین اصفهان تاج جنان» (۱۰۸۰)

«درگاه عبادت این بود ورد ملك» (۱۰۸۰)

«پاینده عمارت از سلیمان زمان» (۱۰۸)

« ایضاًهرمصرعی تاریخ است :

« چون بدوران شه اعلاشان » (۱۰۸۰)

« که زدل گشته سلیمان زمان » (۱۰۸۰)

«جان‌پناهی که مدیحش عام‌است» (۱۰۸۰)

« مرشد و داد ده ایام است » (۱۰۸۰)

« تاج داری که زوی شد نازان » (۰۸۰)

« زدل وصدق همه خلق جهان » (۱۰۸۰)

« صوفی صافی تابع مقصود » (۱۰۸۰)

«کو باخلاق و صفا ساعی بود» (۱۰۸۰)

«آنکه مقصود وی ازعمروحیوة» (۱۰۸۰)

« بندگی ره شه باطاعات » (۱۰۸۰)

« کرد سرکاری این‌مسکن سعد » (۰۸۰)

«که چووی نیست مقدر من‌بعد» (۱۰۸۰)

« دل‌گشائی‌است که ازلطف‌صبا » (۱۰۸۰)

« شد فرح لازم و شادی افزا » (۱۰۸۰)

« چه مکان شبه بنای فلك است » (۱۰۸۰)

«چون لب‌قند سراپا نمك است» (۱۰۸۰)

«طاق‌ازآن سرشکن قوس‌وقزح» (۱۰۸۰)

« رکن او قائمه جشن و فرح » (۱۰۸۰)

« آفتاب آینه درگاهش » (۱۰۸۰)

« طلبد سرمه گرد راهش » (۱۰۸۰)

« بنم آورده گلش آب حیات » (۱۰۸۰)

« میل شادی بادرم داده زکات » (۱۰۸۰)

« از لب شکر لیلی لعلیش » (۱۰۸۰)

« شد از آیینه جان به کاشیش » (۰۸۰)

« دوده‌اش سرمه بیننده کشید » (۱۰۸۰)

«زگچش شد قصب صبح سفید» (۰۸۰)

« آیه نور ز سنگش شامل » (۱۰۸۰)

« بدرش حاتم بی‌حد سایل » (۱۰۸۰)

←

اشعاری راکه نصرآبادی در توصیف وماده تاریخ بنای کاخ هشت‌بهشت سروده بخوبی روشن میدارد که کاخ مزبور در دوران سلطنت شاه‌سلیمان صفوی و در سال یکهزاروهشتاد هجری (۱۰۸۰) ساختمان آن بپایان رسیده و این ساختمان بسعی واهتمام مقصود نامی که ازصوفیان سرسپرده درگاه بوده انجام گردیده است.

گرچه ممیزاتی برای مقصود نگفته ولی نمیتوان بانی مسجد مقصود بیك واقع درتکیه ظلمات در سال یکهزار و ده را با مباشر ساختمان‌کاخ هشت بهشت‌که در سال یکهزار وهشتاد انجام شده است متحد دانست.

۲ ـ کاخ چهلستون:

این‌کاخ درجنوب خیابان سپه‌کنونی واقع و/ ۶۷۰۰۰متر مربع مساحت دارد. اغلب مورخان نوشته‌اند که کاخ مزبور قسمتی ازباغ نقش جهان بوده ومقداری از

«زندگی‌بخش زجو آب زلال» (۱۰۸۰) «یابد ازبوی هوا جان تمثال» (۱۰۸۰)

«چشم دل ازهمه‌سو حیرانیش» (۱۰۸۰) «جوش گل دل شده ایوانیش» (۱۰۸۰)

«نه فلك شیفته از سایهٔ وی» (۱۰۸۰) «عرش از سرببرد پایهٔ وی» (۱۰۸۰)

«شوکت اوببرد زنگ ازجان» (۱۰۸۰) «شد ازو تاج فلك اصفاهان» (۱۰۸۰)

«تا کند دور نجوم مه و مهر» (۱۰۸۰) «تا بود دایره سان سیر سپهر» (۱۰۸۰)

«دولت شاه سلیمن افزون» (۱۰۸۰) «دشمنش باد بهر ویل نگون» (۱۰۸۰)

«باشدش مرکب اقبال بزین» (۱۰۸۰) «زیر فرمان بادش جمله زمین» (۱۰۸۰)

«برهش طاهر نصرآبادی» (۱۰۸۰) «بسته در بندگیش آزادی» (۱۰۸۰)

«بیتها گفته نجیب و نیکو» (۱۰۸۰) «ز گلستان بها یافته بو» (۱۰۸۰)

«دیده از هر مصرع سال بناش» (۱۰۸۰) «آنکه باشد هنر این دعواش» (۱۰۸۰)

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۷ تا ص ۴۹۰)

آن را شاه‌عباس بزرگ جدا کرده ودروسط آن عمارت کلاه فرنگی سبکی ساخته بوده وجشن نوروز سال بیست‌وسوم جلوس خودرا درآن محل برپا داشته است.

سپس درزمان سلطنت شاه‌عباس دوم برعمارات آن افزوده وکاخ چهلستون بناگردید ودرتاریخ یکهزارو پنجاه وهفت هجری پایان یافت وماده تاریخ آن را: «مبارکترین بناهای دنیا» گفتند.

برخی ازمورخان گفته‌اند[1] چهلستونی که بدست شاه‌عباس دوم ایجاد گردید دارای چهل ستون بوده ودرهنگام آتش‌سوزی که در۲۱ رمضان سال هزارویکصدو هیجده (۱۱۱۸) هجری اتفاق افتاد ازپنج‌ستون هشت‌تائی فقط بیست‌ستون‌آن باقی مانده ودرواقع قسمتی ازعمارت وبیست ستون طرفین ازجلوسوخته است. وتاریخ آتش‌سوزی آنرا چنین سروده‌اند:

هزارویکصدوهیجده زهجرت نبوی گذشته‌بودکه آتش به‌چهلستون‌افتاد

وتاریخ تعمیر آن‌را که درزمان سلطنت شاه‌سلطان‌حسین صفوی اتفاق افتاده چنین سروده‌اند: «مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی» که سال (۱۱۱۸ هـ. ق) را میرساند.

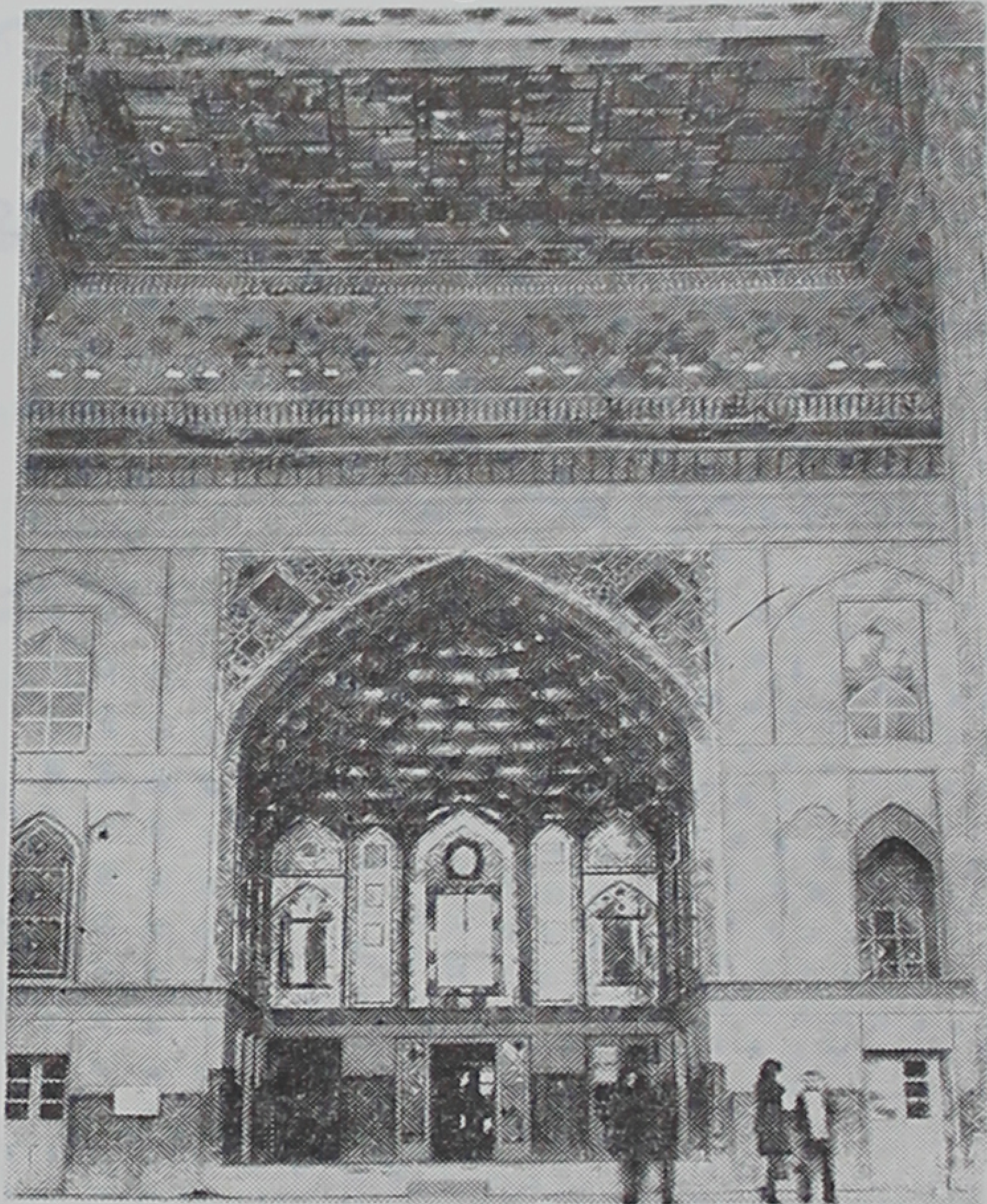
این کاخ که شامل چهلستون وباغ است عمارت چهلستون دروسط آن واقع شده ومساحتش دوهزارویکصدوبیست متر مربع میباشد ویك شعبه ازمادی فدا از وسط آن میگذرد، محل بنای عمارت یك متر از زمین باغ بلندتراست و حوض بزرگی درمقابل عمارت ساخته شده که حکم دریاچه دارد. گویا بعنوان دولتخانه بناشده بوده ولیکن‌چون چهلستون داشته بنام‌اخیرمعروف شده‌است. کاخ‌چهلستون مشتمل برایوان بزرگ بطول ۳۸متر و عرض ۱۷متر و به‌ارتفاع ۱۴متر روبطرف مشرق‌ساخته شده وهیجده ستون ازچوب چنار وکاج دارد وشکل آن کثیرالاضلاع و۱۶ ضلعی و۸ضلعی مدور میباشد. چهارستون وسط برروی چهارشیرسنگی قرار دارد وطوری حجاری شده که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهارشیر

---

۱ ـ مؤلف‌الاصفهان.

جلوآب جستن کرده وارد حوض مرمر وسط میشده است .

درایوان دومی که اندکی مرتفع‌تر است دوستون چوبی با ارتفاع دوازده‌متر قرارگرفته که باستونهای ایوان بزرگ بالغ بربیست ستون میشود . (ش۱۷)



(شکل ۱۷)

بالای این ایوان دوکتیبه یکی اززمان شاه‌عباس دوم شامل این اشعاراست :

بعهد شهنشاه عباس ثانی — که‌عهدش‌جوان‌کردپیرجهان را

بنا کرد از فیض لطف الهی — بنائی‌که شد رشك نه سقف‌مینا

زبس رفعتش بر سپهرکواکب — نماید چو ریگ ته جو ثریا

کواکب چوگلهای باغش‌نمایان — مجره‌دراوهمچوجوئی‌است‌پیدا

کند سالها اندرآن کامرانی — بود قرنها سجده‌گاه برایا

مبارك‌بود زانکه تاریخ‌آن‌شد : — « مبارکترین بناهای دنیا »

(۱۰۵۷)

کتیبهٔ دیگر از اول تا آخر ایوان و درزمان سلطنت شاه‌سلطان حسین صفوی و بخط نستعلیق سفید محمد صالح نوشته شده که شامل ۲۸ فرد بوده و قسمتی از آن‌که خوانده میشود چنین شروع میگردد:

بحمدالله که باز از نو باقبال شهنشاهی
مرصع شد زمین وآسمان ازماه تا ماهی

تجلی در گریبان طالع از جام جهان‌بین شد
صفای صبح عید و فیض انوار سحرگاهی

بحکم شاه دین سلطان حسین آن ماه مهرآئین
که صبح و شام عالم را کند خورشیدی و ماهی

سهیل صبح عید زندگانی خسرو عادل
فروغ اختر روشن دلی خورشید آگاهی

ز شیر و پرچم سرپنجه تیغ جهانگیری
بلند و پست عالم را گرفت از ماه تا ماهی

ز بس در کفه میزان احسانش سبك گشته
خجالت میکشد دائم طلا از چهره کاهی

شب وروز جهان را ریخت درهم مهرومه یکجا
که ریزد طرح ورنگ این بنای آسمان جاهی

زهی عالی بنا کاندر بلندیهای اوصافش
قبای لفظ براندام معنی کرده کوتاهی

. . . . جهان پیدا
سپهری بر سپهر افزود معمار یداللهی

مگر از عالم بالا دری بر رویش بگشوده
که بر کریاس آن چرخ چهارم کرده درگاهی

خدا زان بیستون گرداند خلق این آسمانها را
که برپاباشد ازاین چهل ستون از ماه تا ماهی

فلك برخویش میبالید از ترصیع کوکب‌ها

مرصع کا . . . .

. . . .

. . . . گشت درگاهی

چو شمع محفل خضر نبی زرین ستونهایش

ید بیضا بکف با خضر و موسی کرده همراهی

برنگ چل تنان چلستون در ربع آن مسکون

گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی

مرصع کاری سرو ستونهایش بآن ماند

که آیین کرده با دست دعا با عرش همراهی

چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را

ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی

بجز در آب و آئینه ندیده مثل و مانندش

سکندر گرد عالم گشت همچون حرف افواهی

زهی نقاش صورت آفرین کلك نقاشی

کشیده دربن روشندلی تصویر آگاهی

زرنگ روحی و جسمی نموده ظاهرِ باطن

بهر معنی که میجوئی وهرصورت‌که میخواهی

به نیرنگی شبیه جان گرفته بهر درمانی

. . . .

. . . .

. . . .

ز آهنگ شبیه چارتاری هم نیم غافل

دوگاهی میرساند گاه بر گوشم سحرگاهی

صفای منبع فواره گوهرفشان آن

کبوترهای زرین بال انجم را کند چاهی

ضیاءِ چار دیوار مرصع کار مینایش

بود تا صبح حشر آئینه‌دار طلعت شاهی

اگر چه ماه اوج سلطنت دارد بهر شهری

مکانهای همایونی و منزلهای جمجاهی

ولیکن این همیون بارگاه آسمان رفعت

گرفت از کرسی اعلی خطاب عرش درگاهی

نگهدارش بود از چشم زخم دیده بدبین

علی مرتضی تعویذ بازوی یداللهی

چو شد اتمام این عالی بنا زینت ده گردون

بتأییدات یزدانی و توفیقات اللهی

نجیب از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش:

«مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی»

(۱۱۱۸)

(کتبه محمد صالح)

از قصیدهٔ مزبور که بعضی از ابیات آن خوانده نمیشود معلوم میگردد که نامیدن این کاخ به‌چهلستون برای شکون عدد چهل ودارای بیست ستون بوده‌که درآب منعکس وجمعاً چهلستون میشده است.

این نکته ازشعر:

برنگ چل‌تنان چل‌ستون در ربع آن مسکون

گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی

و شعر:

چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را

ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی

کاملاً معلوم میگردد . ازدوموضوع دیگر بسیار توصیف شده یکی فواره‌ها ودیگر تذهیب‌کاری ستونها وسقف[1] .

این اشعارسرودهٔ نورالدین محمد نجیب کاشانی است که ملك‌الشعرای دربار شاه‌سلطان حسین صفوی بوده و کتابی هم بنام کشیك‌خانه در (۱۱۰۹ هـ . ق) تألیف کرده است که درکتابخانه سلطنتی کاخ گلستان دیده شده است[2] .

در دوطرف شاه‌نشین چهلستون و ایوان مدخل سالون پادشاهی و در داخل تزیینات آئینه‌کاری دوطرف مقرنس سقف آن دردولوح بخط نسخ مشکی برزمینه گل وبوته‌دارمذهب بخط شمس‌الدین بن ملامحمدسعیدجیلانی مورخ بسال(۱۱۱۹هـ.ق) این عبارات نوشته شده[3] :

۱ ــ لوح جنوبی شاه‌نشین: «نصرمن‌الله وفتح‌قریب و بشرالمؤمنین‌رب‌انزلنی» «منزلاً مباركاً وانت خیرالمنزلین‌فان تولوا فقل‌حسبی‌الله‌کتبه‌العبد شمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی فی۱۱۱۹» .

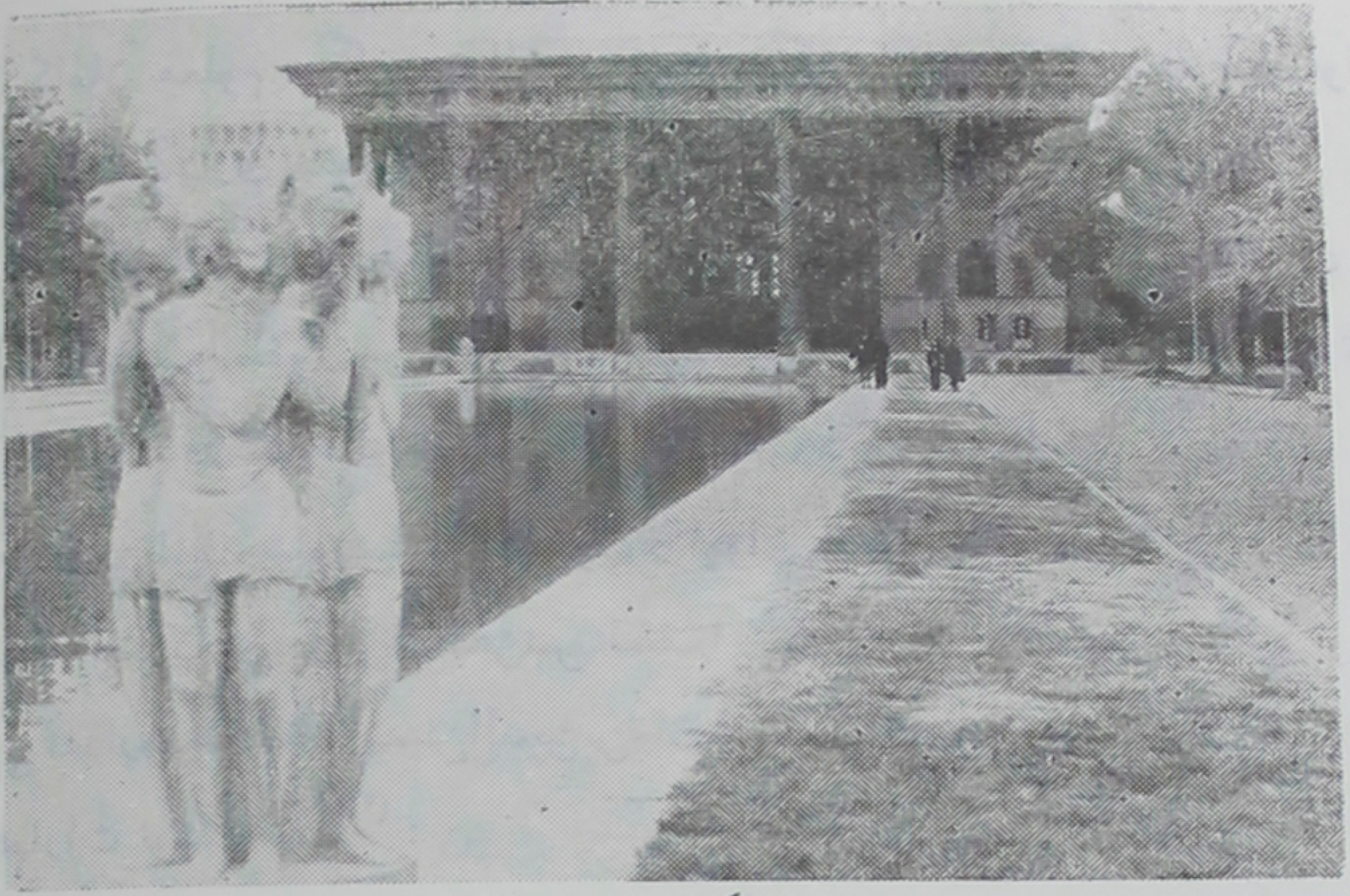
۲ ــ لوح شمالی : «نصرمن‌الله وفتح قریب وبشرالمؤمنین رب‌انزلنی منزلاً» «مباركاًوانت‌خیرالمنزلین‌ولایؤده‌حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌کتبه‌العبدشمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی . »　　(ش ۱۸)

تمام آنچه درساختمان و نقاشیها وتذهیبها که درکاخ مز بور دیده میشود از دوره صفویه است مگرچند تابلو که عبارت از :

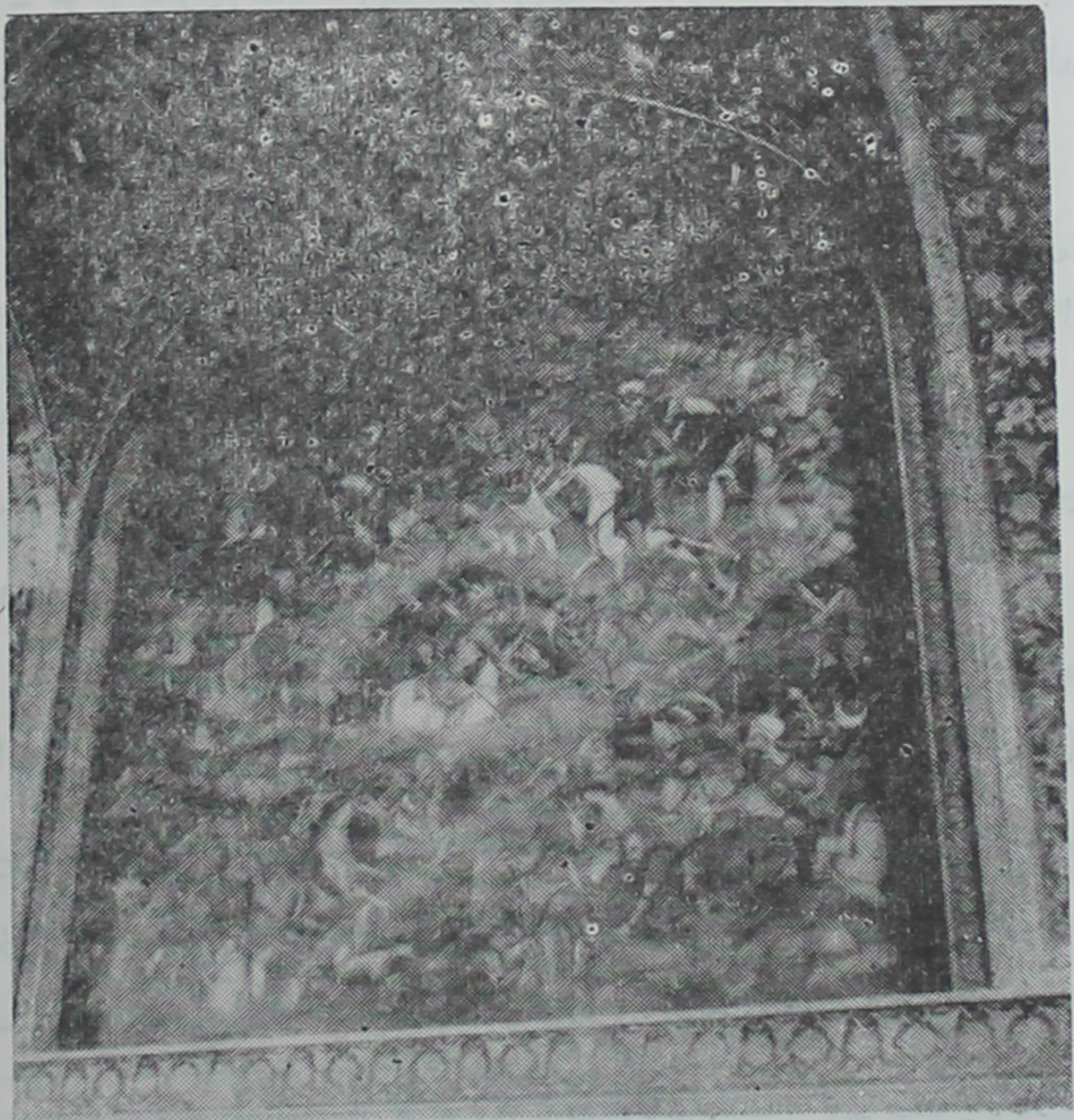
۱ ــ جنگ شاه اسماعیل اول باسپاه عثمانی درچالدران. ۲ــ مجلس‌جنگ نادرشاه افشار با هندوها ، که بعدازصفویه الحاق شده است .　　(ش۱۹)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نگار دربارناصری درسال یکهزاروسیصدهجری قمری گزارشی راجع به عمارت چهلستون داده که با مطالب جغرافیـای اصفهان میرزاحسین‌خان تحویلدار عیناً مطابقت دارد وآن چنین است :

۱ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۷۲ تا ص۵۷۳ .　　۲ــ مجله یادگار سال‌چهارم شماره۷ ص۷۰ .　　۳ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۷۴ .



(شکل ۱۸)



(شکل ۱۹)

« عمارت باغ چهلستون و دریاچه‌های دو طرف تالار وسط باغ و اطاقهای »
« بزرگ جنبین وبیوتات فوقانی واطاق طنابی تحتانی که سر تاسرعقب تالارافتاده »
« با عرض‌عریض وارتفاع طاقی‌که دارد ودرهاش بچهارسمت باز، بانضمام ایوانهای »
« بزرگ وایوانچه‌ها وغلام‌گردشهای اطراف ، عماراتی است قوی‌بنیاد که نظیر و »
« مانند ندارد ازبنائی ونجاری وحجاری و آینه‌کاری وطلا و لاجورد و تصویرات »
« کثیره کارهای استادان بزرگ وستونهای رفیعه وحمالهای عظیمه و سایر آلات »
« وادوات جراثقالی که در زیرورو وجوف سقف تالار وغیره بکاررفته درغرابت و »
« عظمت ، ودر رفعت وصناعت عقل همه اهالی خبره و بصیرت بحیرت است : »

« یك زبان خواهد زافواه ملك تابگوید وصف آن رشك فلك »

« یکی ازاوصاف این عمارت آن است که دربزرگی ووسعت هم میان تالار »
« جلو و هم دراطاق طنابی عقب میتوان سلام عام ملوکانه بست و نیز یك دریاچه »
« بزرگ جلوطنابی عقب ویك دریاچه عظیم که درعظمت ثانی ندارد درپیش‌روی »
« تالار افتاده که همیشه‌آب رودخانه ازآنها جاری است، وجوی وجداول سنگی »
« وآب‌نماها وآب‌افشارها درمیان خیابانهای باغ واقع شده‌که بسیارنقل دارد[1] . »

(شکل ۲۰)

مؤلف تاریخ نصف جهان بیشتر به توصیف کیفیت ساختمان کاخ چهلستون پرداخته وچنین گفته است[2] :

« دیگرازعمارات عالیه دولتی که قابل ذکراست : عمارت چهلستون است »
« که آنرا شاه‌عباس ثانی ساخته و وضع آن مرکب است از طرز عمارات چین و »
« فرنگستان وایران ، وبنفاست وخوبی‌این عمارت درتمام ایران نیست،طالارعالی »
« با سقف آینه وستونهای غریب چوبی که در زیر چهارعدد آنها سنگی بزرگ »
« واطراف آن سنگها را صورت شیریالدار درآورده وساخته‌اند، وحجاری‌بکمال »
« خوبی نموده وحوضی درمیان این‌چهارستون است‌که اطراف آنها بسنگ‌مرمر »

---

۱ ـ عبارت جغرافیای اصفهان ازصفحه ۲۳ تا ۲۴ عیناً با گزارش میرزاعلیخان نائینی‌مطابقت دارد . ۲ ـ نصف جهان ص۳۴ .



(شکل ۲۰)

« فرش نموده‌اند ساخته وازدهان آن شیرها روی بحوض راه و سوراخ آب هست »
« که درآن حوض میریخته ودرسقف آن مهندسان صنعتهای عجیب نموده‌اند ودر »
« استحکام آن مبالغه فرموده، ستونهای آن بیست عدد است وتمام آنها را نقش و »
« آینه‌کاری نموده بودند ، عقب آن طالار طنابی است بس عالی وزیبا که آن را »
« سقفی رفیع به‌سه‌چشمه زده‌اند ومذهب بتذهیب وزرنشان نموده ودرنماهای آن »
« صورت بعضی از سلاطین صفویه را ساخته‌اند که اکثر آن مطابق واقع است ، »
« چنانچه صورت شاه‌اسماعیل وهردوشاه‌عباس موافق صورت شاه‌اسماعیل درمیدان »
« جنگ اوزبك است و از دیگران مجلس بزم است ، ودر نماهای میان صورت »
« جنگ شاه‌اسماعیل با رومی . »

« وجنگ نادرشاه را با محمدشاه هندی ساخته‌اند درزمان متأخرازآنها و »
« هیچیك ازصورتها موافق نیست . »
« وبالجمله این عمارت مطمح نظر همه‌کس میباشد ، واین عمارت و طالار »
« درباغی است که معروف به‌همان چهلستون‌است ودرپیش روی‌آن عمارت‌دریاچه »
« مربع طولانی ساخته‌اند که اکثر پرآب ودرکمال صفا است. »

جابری انصاری‌که درتاریخ اصفهان بصیرت‌کافی داشته راجع بساختمان این کاخ وبانی وزمان آن نیز مطالبی نوشته‌که عین آن نگاشته میشود[1] :

« وباغ‌چهلستون‌که‌آن هم‌ازباغ‌نقش‌جهان‌گرفته‌شده یکی‌ازبزرگترین مبانی »
« صفویه‌است، طرحش‌را زمان‌شاه‌عباس اول‌ریختند، وبنای چهلستون‌راشاه‌عباس‌دوم »
« در (۱۰۵۷) پس‌ازصلح‌باعثمانی اقدام‌کرد، ومساحت‌آن باباغچه‌های‌گرداگردش »
« قریب‌پنجاه‌جریب‌میشود. عمارت‌وسط چون‌دیگرمبانی‌قدیم تیموریه‌روی‌به‌مشرق »
« افتاده، طنابی‌بزرگ‌عقب‌تالارایوان‌است‌که‌شاه‌نشین سلطنتی‌بوده ودارای‌سه‌گنبد، »
« طول‌تقریباً بازیردیوارها ۲۸ذرع وعرض بیش‌از۱۱ذرع‌ونیم‌ودربهایش ازاطراف »
« روبه‌ایوانهای‌گرداگردبازمیشود، ودواطاق بزرگ خروجی جنبین‌ایوان‌شاه‌نشین »
« است، وصندوق خانه‌ها وبالاخانه عقب‌هم‌دارد، وخود تالارچهلستون‌جلوشاه‌نشین »
« واطاقها است وبیست ستون بلند پایه‌های آن سقف بیستون‌مانند است وبیست »
« ستون هم عکس آن ستونها که درحوض آب جلوافتاده چهلستون میشود ، یا »
« عکسش‌که درآینه‌های‌سقف میافتاد. طول حوض بیرون تخمیناً۱۲ذرع وعرضش »
« بیش‌از۱۰ذرع، وآن سقف محیرالعقول رااز‌چوبهای کاج زده‌اند حقیقةً دیدنی »
« است، چوتیرهائی قویتراز تیرهای عصاری وبلندتر باچه‌آهنها ومیخها بهم‌بسته »
« و با جرثقیل بالا کشیده‌اند ، و بچه زنجیرها پیوسته میان کف سقف زیرین و »
« سقف بالائین ایستاده براحتی گردش توان کرد ، و دربها روبباغ باطراف برای »
« دخول هوا میان دوسقف بازاست، وتذهیب ستونها وقابهای سقف زیرین نمایشی »

۱ــ تاریخ اصفهان و ری از ص۳۴۲ تا ص۳۴۶ .

« زیبا دارد، وسقف ایوان ودیوارهایش همه به‌آینه‌های سنگ بزرگ ونقشهای »
« کار استاد مزین بود، و در این شصت ساله پس از (۱۳۰۰)[1] همی بردند و فقط »
« شاه‌نشین آینه‌کاری ماند، آینه‌های بزرگ دیوارها حکایتی از چرخ آینه‌گون »
« مینمود خصوصاً آینه چهلستون‌نما یاجهان‌نمای دیوار بالای‌سرحوض که چندان »
« بزرگ وعالی وشفاف وروشن بود هرقدر جمعیت از درب عراد، چهلستون که تا »
« عمارت تقریباً ۱۸۰متر فاصله داشت پیدا میشد عکس آن جماعت درآن آینه »
« بخوبی نمودار بود و دربها یکسره خاتم و پارهٔ منقش بنقوش دلربا کار اساتید »
« بزرگ وستونها نیز بآینه‌های ریزه ورنگارنگ با نقاشیهای قشنگ زینت‌افزا »
« وآن‌آینه‌ها را با دربها بحدود (۱۳۰۰ قمری) بمسعودیه طهران بردند وشنیدم »
« آینه چهل ستون نما را یکپارچه دربی بزرگ قرقره‌دار ساخته که با فنرباز و »
« بسته میشد وجیوه را برداشته ودوروبلورنمایان، وبعضی‌ازآن آینه‌ها درهجوم »
« بختیاری بطهران شکسته وبعضی را به‌عمارات دیگر پیوسته، پنجره‌های بالای »
« سردرب‌ها نیز بسی زیبائیها داشت. وسط ایوان حوض مرمراست، چهارگوشه »
« چهار شیر دارد که آب از دهان شیرها در آن حوض میریخت ومنبع آن آب »
« ازهزارجریب وجوی سیاه بود ودر شاه‌نشین پرده شکل جوانی ناصرالدین شاه »
«کارحسن‌خان لال مصور بودگوئی خود ناصرالدین‌شاه است سخن میگوید، و از »
« محمدشاه نیز صورتی عیناً در طنابی بود، و دو آیةالکرسی خط میرزا احمد »
« نیریزی استاد نسخ بستونها و سلام سلطنتی دراین ایوان بود، و حوض بزرگ »
« وسط باغ وطول تالار بیش‌از۳۲ذرع وعرض ۲۲ذرع.»

«در۱۱۱۸ عمارت چهل‌ستون سوخت‌که‌بفال بدگرفتند و پس از چهارده‌سال»
« فتنه افغان عراق و فارس را ویران نمود خاصه اسپهان را، دیوارهای دوایوان »
« شمالی وجنوبی طنابی‌را نقشهائی بود ازچهره دختران‌گرجی وارامنه‌که دیده‌را»
« خیره میساخت ودل بدان نقش‌ونگار بی‌روان میباخت، امروزه‌که برآن گچها»

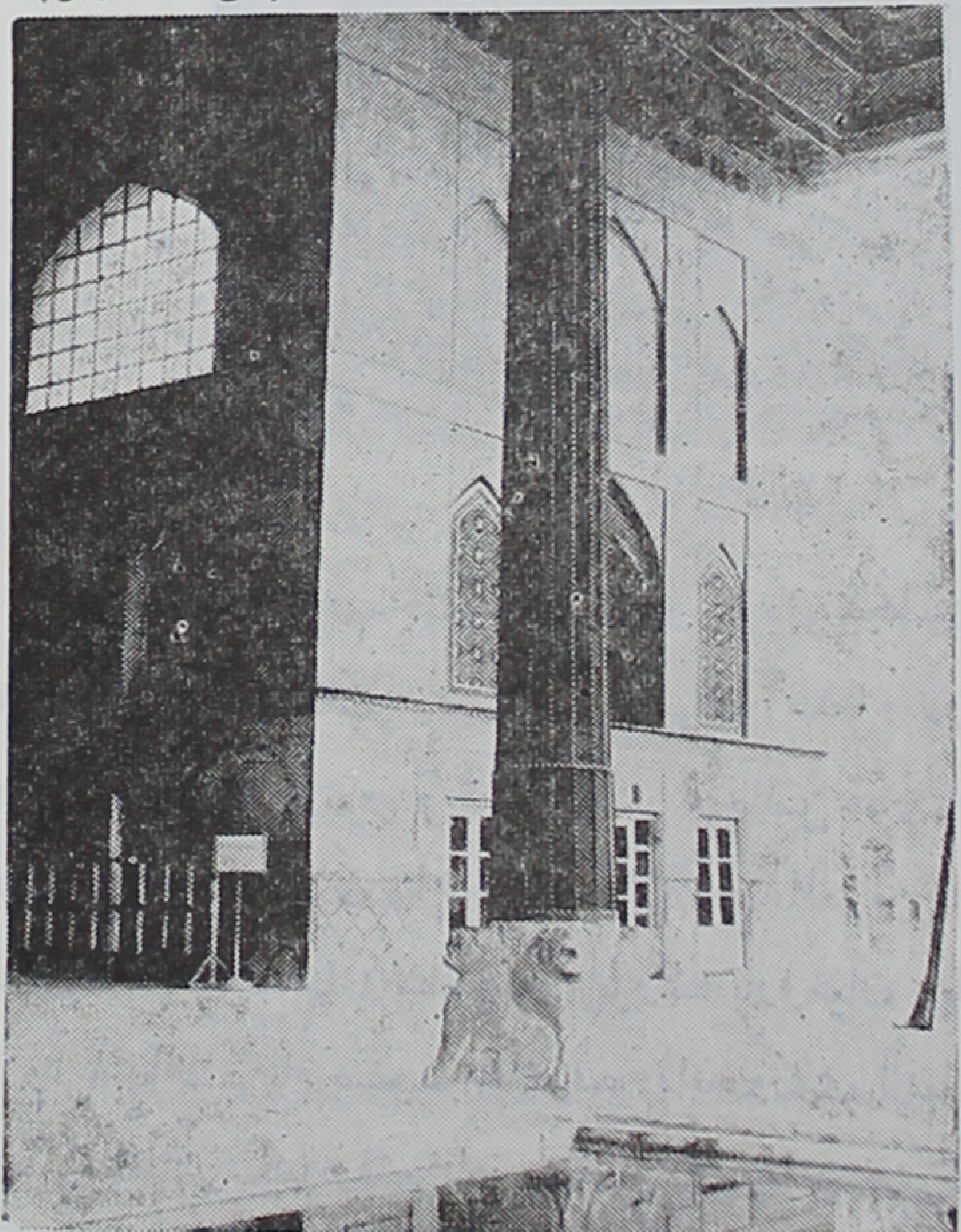
---

۱ ــ منظور بعدازسال ۱۳۰۰ هجری قمری است.

« کشیده‌اند و طرح برداشته باز حسنش نمودار است . »

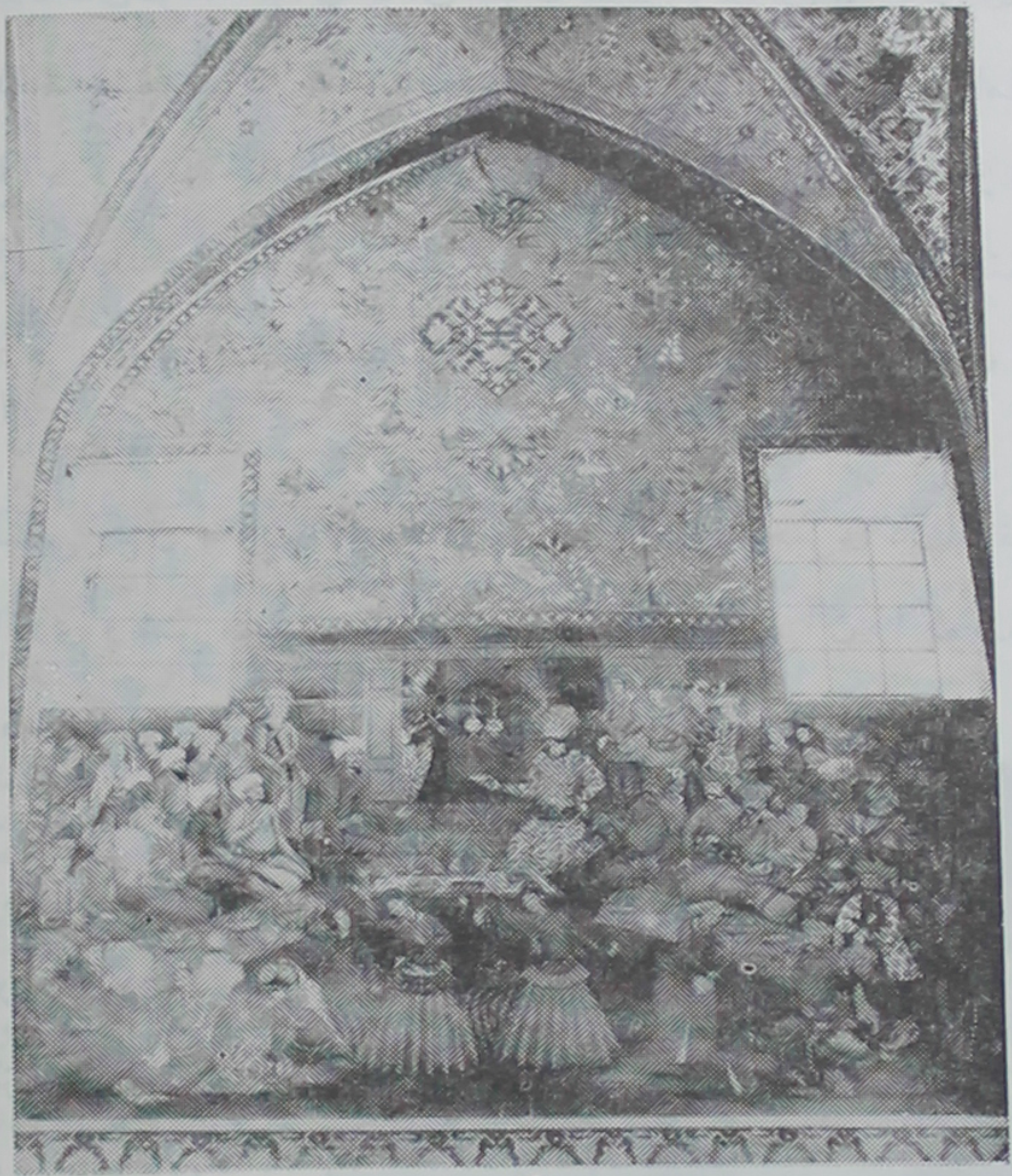
« بالاخانه‌های گوشه ایوانها برای خلوت نشینی وخواب بود وخرقه شاه‌صفی »
« وطومار عهدنامه منسوب به حضرت امیر (ع) وقرآن منسوب بخط امام حسن »
« عسکری (ع) در آن بالاخانه محفوظ وخواص را ملحوظ ، خط طومار وقرآن را »
« چنین نسبت میدادند ولی خلجانی بقلب مؤلف بخاطر است که شاید مانندسیاست »
« آل‌عثمان در قرآن منسوب بخط عثمان، صفویه نیز درمورد این قرآن خط قدیم »
« نظر سیاسی داشته‌اند . »

« در طنابی چهل ستون ازاره‌های سنگ مرمر وگچبری کار اساتید معتبر »
« و طلا ومیناکاری و شش مجلس نقاشی است : چهار مجلس آن را گویند از عهد »
« صفویه بوده ، یکی مجلس همایون شاه پسر ظهیرالدین با برکه پس از هجوم »
« شیرخان بدو او بدربار »
« ایران پناه آورد در (۹۵۱) »
« هرچند آن روزگار »
« قزوین مرکزیت داشت »
« اما همایون را بگردش »
« بلاد تا اصفهان آوردند »
« که طهماسب بزرگ همه‌جا »
« سلطان‌محمد پدرشاه‌عباس »
« را بمهمانداری او مقرر »
« داشت و اگر مهمانی هم »
« شهر دیگر بوده نقشه »
« را اینجاکشیده‌اند. »
(ش ۲۱)



(شکل ۲۱)

« ومجلسی‌هم بزم شاه عباس بزرگ و حضور ولی محمدخان پادشاه ترك »
« در ۱۰۱۹ که اونیز ملتجی بدربار صفویه شد. » (ش ۲۲)



(شکل ۲۲)

« ومجلسی‌هم جنگ شاه عباس و باز مجلسی دیگر ازشاه صفوی و اکبر »
« یکی ازشاهزادگان هندی که باصفهان آمده و دومجلس‌هم پس‌ازصفویه نقاشی »
« شده وبامر نادر بوده ویقیناً نقاشی مجالس قدرت صفویه را قبلا داشته ازآمدن »
« سلاطین ترك چون ولی محمدخان وعبدالعزیزخان و ندر محمد خان باصبهان »
« یاجنگهای فاتحانه شاه عباس بزرگ بارومیان وبامر نادر بسیاست اتحاد اسلام »
« وبرانداختن نام صفویه خك نموده‌اند وروی آنها نقشه شکست شاه اسماعیل‌را »
« از سلطان سلیم وفتح نادر هند راکشیده‌اند ظنی‌قوی‌است وهم‌گمان میبرم نقش »
« بزم‌باده‌گساری صفویه نیز بامر نادر پیوست بوده‌خصوصاً مجلس شاه‌طهماسب‌که »

« یقینی است باده نبوده و اوسالها بوده همه را ازمیگساری توبه داده وخود لب »
« نیالوده ، پس ازنادرهم کریمخان زند صورت خود راگفته کشیده‌اند . بکودکی »
« یاد دارم درطنابی چهلستون قالی یك تخته دو رو بافت بودکه هروجبی ازآن را »
« ببهائی گزاف میخریدند بی‌مبالاتی از سال ۱۲۹۸ قمری تا ۱۳۰۵ قطعه قطعه »
« از میان رفت . »

مسترسایکس انگلیسی درجلد دوم تاریخ ایران ترجمه فخرداعی[1] درباب کاخ چلهستون که آنجارا در اواخر قرن سینزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مشاهده‌کرده شرح مختصری چنین ایرادکرده است :

« عالی قاپو انسان را به باغهای وسیعی هدایت میکند که در آن کاخهای »
« متعددی قرار داشته ومهمتر از همه کاخ چهلستون است . این تختگاه مجلل »
« بابام آن از تنه درختان عظیم چنار بنا شدهٔ وبر بیست ستون ساخته شده‌ای از »
« همان درخت یعنی‌درخت چنارنگاهداشته‌اند. اطراف این ایوان ازسنگ‌مرمر »
« سفید پوشیده شده بود و روی‌آن‌آئینه کاری کرده بودند . جایگاه واقعی‌سریر »
« سلطنت درعقب این ایوان واقع شده بود وازآنجا بشاه نشینی تکیه گاه سریر »
« راه داشت ، درهرطرف اطاقهای‌کوچکی برای وزیران وکار آنها تعبیه شده‌بود »
« وپشت سرکه درتمام طول ساختمان امتداد دارد ، راهرو ویا غلام‌گردش درازی »
« باسه تابلو نقاشی روغنی بسیار بزرگ و نفیس در هرطرف آن وجود دارد که »
« هرسه تای آنها در این‌کتاب گراور شده است لردگرزن شرحی‌که در این‌باب »
« نوشته ما آنرا ذیلاً نقل میکنیم :

« این تابلوها دوره مجلل سلطنت شاه عباس واسلاف واخلاف او را درنظر »
« ما مجسم میسازد ، دراین‌تابلوها شاه‌ایران درحال جنگ ویا درمجلس‌بزم با پیاله»
« شراب مشاهده میشود ، سبیلهای بلند وضخیم ، چانه‌های تراشیده و عمامه‌هائی»
« که دراین تابلوها بنظر میرسد نماینده یك نوع آرایشی است که مدتها است »

۱- ج ۲ ص۳۱۱ .

« از مد افتاده و منسوخ گردید است . سلاح و لباس جنگجویان ، آلات طرب »
«مطربان وحرکات رقاصه ها درهای‌بسته گذشته را برروی ما باز و تاریخ روزگار»
«پیشین‌را درپیش‌چشم بیننده‌مصور می‌نمایند وگوئی بی‌اختیار هربیننده‌ای‌خودرا»
« دراین مجالس پرشور ومجلل‌بزم ورزم پادشاهان صفوی شریك وسهیم میبابد . »

« کروزنیسکی میگوید : عمارت اولیه چهلستون طعمه حریق شده واین »
« بنای فعلی‌را دوباره شاه سلطان حسین بجای آن ساخته است . » (ش ۲۳)



(شکل ۲۳)

این‌بود وضع گذشته کاخ چهلستون که مورخان‌شرح آنرا نوشته‌اند ودربرخی موارد اختلافات مختصری دیده میشود واما وضع کنونی این کاخ مطابق آنچه‌اخیراً نوشته‌اند بررسی میگردد :

مؤلف تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان[1] که درسال ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافته شرح مبسوطی راجع بکاخ چهلستون نوشته که منتخبی از آن این است :

در جنوب خیابان سپه باغ‌مشجر بزرگی بمساحت ۶۷۰۰۰ مترمربع واقع شده‌که میگویند‌درابتداء جزء باغ‌نقش‌جهان‌بوده واز وسط آن‌مادی فدا میگذرد. این باغ دارای سه درب خروجی است و در قدیمی باغ درطرف خاور میباشد . در وسط باغ‌تقریباً یك متر‌بلندتر‌کاخ چهلستون ساخته شده و مساحت‌آن دوهزار و یکصد وبیست (۲۱۲۰) مترمیباشد. پس‌از‌نقل قول‌میر سیدعلی‌جناب‌مؤلف‌الاصفهان راجع بسوختن‌بیست ستون از چهلستون گفته‌که‌آقای معارفی‌معمار ابنیه تاریخی آثارسوختگی‌را درقسمت‌غرب‌عمارت دیده است . ونیز گفته بعضی‌را عقیده‌بر اینست عمارت چهلستون دورو بوده وتالار بیست ستونی یاکمتر درطـرف مغرب عمارت وجود داشته واین‌قسمت آتش‌گرفته که آثار در وپنجره‌آن هنوز باقی و در زمان شاه سلطان حسین تعمیرات کلی درآن بعمل آمده‌است . و نیز متذکـر شده که سلاطین صفویه پس‌ازعالی‌قاپو جشن‌های مهم را در کاخ مزبور برگزار میکرده‌اند ووضع‌کنونی‌را چنین بیان کرده است :

ایوان بزرگ‌کاخ بطول۳۸ متر وعرض۱۷ متر و بارتفاع ۱۴ متر روبطرف مشرق بناشده و دارای۱۸ ستون ازچوب چنار وکاج است‌که بشکل کثیرالاضلاع ۱۶ ضلعی و ۸ ضلعی مدور میباشد، چهارستون وسط برروی چهار شیرسنگی قرار دارد وحجاری آنها طوری‌است‌که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهار شیر جلوآب فوران نموده داخل حوض مرمر وسط میریخته است .

تاریخ حجاری شیرها را بعضی بزمان هخامنشیان وعده‌ای بساسانیان (خسرو پرویز) وحتی اشکانیان وبرخی بدیالمه وبالاخره بصفویه مربوط میدانند .

درایوان دومی‌که کمی مرتفعتراست دوستون چوبی بارتفاع ۱۲ متر قـرار دارد که باستونهای ایوان بزرگ بیست‌ستون میشود. بالای این‌ایوان دوکتیبه‌دارد

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۰ ۵ تا ص۶۸.

یکی مربوط بینای آن در سلطنت شاه عباس دوم یعنی سال (۱۰۵۷ هـ . ق) و دیگری مربوط به تغییر آن بعد ازحریق یعنی سال یکهزار ویکصد وهیجده قمری هجری است که درسال ۱۳۲۷ هجری شمسی از زیرگچ بیرون آمده است .

سقف ایوان ازآئینه های مستطیل شکل و اطرافش ازقطاربندیهای رنگین ساختمان شده است ، دیوارهای سفیدیکه دیده میشود در قدیم نقاشی وآینه کاری بوده و ازاره‌اش از سنگهای مرمر منقوش میباشد .

در دوطرف ایوان دواطاق‌که بچهار طرف در دارد واقع شده و هریك دارای تصاویر گوناگون است‌که اززیرگچ بیرون آمده است ومیرزا عبدالله نقاش‌طرحهای اولیه‌رضا عباسی را باتغیراتی تعمیر نموده‌است دراطاق شمالی درمنبت کاری ومنبر خاتم دوره صفوی و کاشیهای متفرقه سلجوقی و صفوی و سقفف زر اندودی که از زیرگچ بیرون آورده‌اند و نیز در اطاق جنوبی تصویرهائی دیده میشود .

ایوان سومی‌که مرتفعتر وکوچکتر است بنام شاه نشین وبمساحت۵/۵×۷ متر میباشد . ازاره‌اش ازسنگهای مرمرگلدار وسقفش ازآئینه‌های ریز و قطارهای زرین‌ساخته‌شده. درطرفین ایوان‌علاوه‌برآینه‌های مستطیل شکل‌سنگی، چهارتابلو مصورکه دوتای آنها بسیار خوب وبلباس اروپائی و دوتای دیگر را تعمیر بسیار بدی‌کرده‌اند و دولوحه‌ازآیات قرآنی بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمد سعیدالجیلانی در۱۱۱۹ دیده میشود .

درطرفین شاه‌نشین دواطاق منقوش است‌که درهایش به‌ایوان شمالی وجنوبی بازمیشود . نقاشیهای اطاق جنوبی که دارای صورتهای اصلی و قدیمی است درسال (۱۳۳۱ هـ.ش) اززیر گچ بیرون آورده شده است وشامل مجلس بزم مفصلی‌است‌که بسبك‌ایرانی وهندی نقاشی‌شده شاید طرح عروسی رضاقلی‌میرزا باشد یاقصه وامق وعذرا وطاقچه بلند سمت راست مجلس یوسف وزلیخا وروبرویش خسرو وشیرین است وچند تصویر دیگر . ودراطاق مقابل شمالی که دردیماه سال ۱۳۳۴ شمسی از زیرگچ خارج شده روبرو مجلس بزم شاه‌عباس است که در کنار نهرآبی نشسته و

جمعیت زیادی ازمرد و زن در اطرافش میباشند و در طاقچه سمت راست یکی از شاهزادگان صفوی وروبرو شاه‌عباس باکلاه مخصوص گرجی دیده میشودکه ازساقی با حضور چندنفر جام میگیرد .

درجرزهای طرفین درورودی دواطاق سه‌تصویر زیبا دیده میشودکه بنابگفته حاج مصورالملکی نقاش ازآثار رضاعباسی است .

دربالای شاه‌نشین محفظه‌ای وجود داردکه درقدیم قرآن امام‌حسن‌وعهدنامه علی‌بن‌ابی‌طالب بانصاری‌وجبه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی درآنجا محفوظ بوده والحال در ویترینهای سالن گذارده شده است .

شاه‌نشین بسالن بزرگی که طولش ۲۲ وعرضش ۱۱متر ازشمال بجنوب وبه ارتفاع ۱۲متر میباشد متصل میگردد . سالن دارای سه‌گنبد منقوش زراندود عالی است که بیننده را مات ومبهوت مینماید . لچکهای رنگارنگ و طرحهای طلائی وشفاف از شاهکارهای هنری و نفیس محسوب است ازاره طالارکه فعلاً با گچ سفید پوشیده شده درقدیم ازکاشیهای منقش مستور بوده است .

ولی اکنون روی نمونه کتاب بررسیهای هنر ایران پرفسور پوپ کاشیهائی تهیه وزینت‌افزای تالار گردیده است دربالای ازاره دورتا دور ۲۴مجلس مینیاتور مختلف دیده میشود که درحال عیش وسرورند همه برروی گچ واز طرحهای اولیه زمان شاه‌عباس صفوی است‌که درسال ۱۳۰۷ شمسی بدون توجه بطرز وسبك‌قدیمی آنها تعمیر و روغن مالی شده است . بالاتر شش مجلس نقاشی نفیس بطول ۶×۴ مشاهده میشود که دو مجلس وسط طرفین تالار جنگ چالدران و کرنال را نشان میدهد ومربوط بدوره نادرشاه افشار است که در زمان محمدخان قاجار بقلم استاد صادق نقاش تعمیر گردیده است . ودرزیر تابلوجنگ‌کرنال چنین نوشته شده است:

« بحسب‌الحکم شاهنشاه دوران — فریدون‌فر محمدخان قاجار »

« زکلك صادق نقاش نو شد — نشان و فر نادرشاه افشار »

یا صادق‌الوعد

چهارمجلس که دوتا ازآنها مجلس پذیرائی شاه‌عباس اول ودوم از پادشاهان ازبك ودوتا دیگرمجلس پذیرائی شاه‌طهماسب ازهمایون‌شاه هندی پسرظهیرالدین بابر که ازشیرزاد افغان شکست خورد ودرسال ۹۵۱ هجری قمری به‌ایران‌پناهنده شد ویکی جنگ با ازبکان ازنقاشیهای خوب قدیمی و جالب است . بنابنظرحاج مصورالملکی نقاش معروف مجالس آخرین بقلم استاد رجبعلی شاگرد مظفرعلی و دوتای اول بقلم استاد صادق است .

عکس ناصرالدین‌شاه قاجاربقلم محمدحسن افشارنقاش درتاریخ ۱۲۷۶هجری درزیر لنگه طاق نیز دیده میشود . چهاربخاری دراطراف سالن بدستیاری مرحوم استاد حاجی اسماعیل گچ‌بر و میرزاعلی بطرز قدیم در سال ۱۳۲۷ شمسی ساخته شده است .

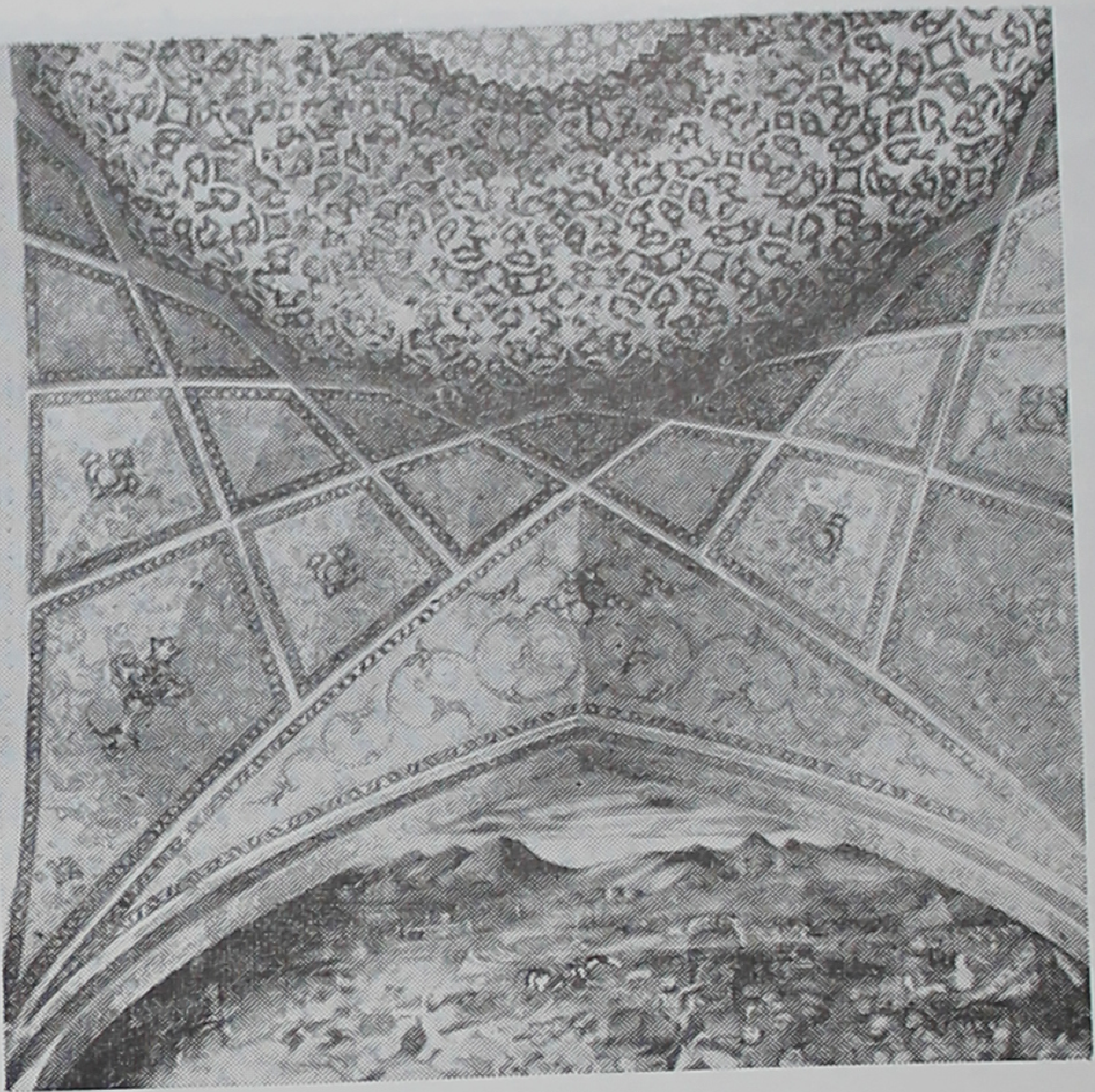
اشیائی که دراین سالن دیده میشود بیشتر مربوط به مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی‌است‌که برحسب مساعی جناب سیدمحمدتقی مصطفوی ریاست وقت اداره‌کل باستان‌شناسی و مساعدت مرحوم احسنی رئیس فرهنگ وقت و سرپرستی مهندس روانبد ازتهران به‌اصفهان نقل شده واعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر هنگام مسافرت برای زدن‌کلنگ تونل کوهرنگ، موزه چهلستون را نیزافتتاح‌فرمودند واین افتتاح درتاریخ هشتم مهرماه ۱۳۲۷ واقع گردید .

درسه طرف دیگراین سالن سه‌ایوان وجود دارد که هریك دارای نقاشیها و صورتهای بسیارعالی ایرانی واروپائی است‌که بالباسهای قرن۱۷میلادی ترسیم شده وامکان دارد صورت سفرا یاشاهزادگان فرانسوی وایطالیائی باشدکه بدست نقاشان هندی وایطالیائی ساخته شده است .

درتوصیف آن محمدبیك شاعر معاصر شاه‌عباس دوم سروده است :

عکس آئینه‌اش بجلوه‌گری	میکند دیو را بشکل پری
در و دیوارگشته رنگارنگ	همه تصویرهای کار فرنگ

(ش۲۴)



(شکل ۲۴)

روی دوایوان بزرگ چوب بست عجیب وغریبی ازالوارهای قطوروبلند بایك اسلوب هندسی وفنی درست کلاف شده‌که بیننده را متعجب‌میسازد، وبفاصله سه‌متر بالاتر شیروانی آجری که بمنزله بام عمارت است ساخته شده وپنجره‌های اطراف برای هواکش وعبورومرور پرندگان میباشد . اطراف عمارت مجرای آب است که دروسط آن فواره‌های سنگی ازقدیم موجود است .

درجنوب شرقی باغ عمارت استانداری از زمان قاجاریه است و برج هشت ضلعی سه طبقه مرتفعی از زمان صفویه نیز دیده میشود . قسمت فوقانی آن مورد استفاده استانداری وتحتانیش در تصرف اداره آمار میباشد. نکته‌ایکه ممکن‌است مورد مداقه وبحث واقع شود چهلستون است که بااینکه کمتر از چهل‌ستون‌داشته و دارد آنرا چهلستون نامیده‌اند . (ش ۲۵)



(شکل ۲۵)

آنچه ازمطالعه تاریخی اینگونه اسامی استنباط میگردد اعداد ۷و۴۰و۱۰۰ درموقع اغراق درتوصیف وغرابت ابنیه بکارمیرفته است .

مثلا کاخ صد ستون درتخت جمشید ویا چهلستون مسجد جامع اصفهان و چهلستون مسجد جمعه تهران و نظائر آنها ویا چهلستون مسجد گوهرشاد درمشهد مقدس که هیچکدام از نظرعدد بااسم مطابق نیست بلکه چهلستون کنایه از اینستکه آن قصر یاشبستان دربزرگی وتوسعه بحد اعلی که احتیاج بداشتن چهل ستون باشد رسیده و آن اندازه وسیع است که بدون اتکاء به چهل ستون ابقای آن مقدور نبوده است .

و همینطور است کلمه صد ستون درکاخ صدستون که حاکی ومبین وسعت زیاد کاخ است که درحدود صدستون تکیه گاه لازم دارد .

وبا تشریح نکات مزبور روشن گردید اینکه گفته‌اند کاخ چهلستون درموقع حریق چهلستون داشته وبیست ستون آن سوخته است اساسی ندارد وهمان بیست ستون را داشته است ، زیرا اگر این کاخ چهلستون پیش از حریق داشته بود خلف

شاه عباس دوم هنگام حریق همان چهل‌ستون را میساخت نه اینکه نقصی در آن قائل شود وبا بیست ستون تجدید بناکند.

درکاخ چهل‌ستون سر درها و ساختمانها و تابلوها وآثار دیگری مشاهده میشود که جزءِ کاخ مزبور نبوده وبرای محافظت بآنجا نقل گردیده است:

۱ـ پنجره عالی گچبری که ازشاهکارهای این‌صنعت است و ابتداء تمام‌آن از گچ ریخته شده وسپس ازقسمت پشت خلل وفرج آن باشیشه‌های رنگی تزیین‌شده و سرانجام ترکیبی بی‌نظیر و عالی شده است این‌پنجره ازبنای تاریخی درب امام که ساختمان آن مورخ بسال (۸۵۷ هـ. ق) است بعمارت چهل‌ستون انتقال داده شده است.

۲ـ پایه ستونهائی‌که بصورت مجسمه‌های شیر وانسان درچهارگوشه استخر قرار دارد وچهار قطعه است و دوتخته سنگ حجاری شده بشکل چهارشیر که در دو باغچه دوطرف خیابان ورودی‌کاخ قرار دارد ازبقایای عمارات سرپوشیده صفوی وآینه خانه بکاخ چهلستون نقل شده است.

۳ـ سردر کاشیکاری مسجد قطبیه مربوط بزمان شاه طهماسب اول که در مسیر خیابان‌واقع وبرای محافظت بعمارت چهل‌ستون انتقال یافته وروی‌دیوارهای جنوبی‌باغ چهلستون قرار داده شده است.

۴ـ قطعات کاشیکاری از مسجد آقاسی ـ مسجد خواجه علم ـ مسجد درب جوباره ـ پیربکران نیز برروی دیوارهای جنوبی باغ کاخ مزبور دیده میشود.

۵ـ سردرب‌کاشیکاری بنای تاریخی درکوشك مورخ بسال (۹۰۲ هـ. ق) ازعهد رستم آق‌قوینلو که برای محافظت به کاخ چهل‌ستون منتقل و درقسمت ضلع‌غربی باغ نگهداری میگردد.

این کاخ باستانی طی شماره ۱۰۸ بثبت تاریخی رسیده است[۱].

۳ـ عالی‌قاپو:

این‌نام بدو صورت تلفظ‌گردیده‌که برای هرکدام وجه تسمیه‌ای است. آنچه

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۰.

بیشتر درمورد محاورات ومکاتبات متداول میباشد عالی‌قاپو است که مرکب ازکلمه عالی وقاپوی ترکی بمعنی درمیباشد یعنی‌باب عالی و مراد اینست همان طورکه در عثمانی باب عالی‌معمول بوده بین ایرانیان شیعه هم چنین‌بابی وجود داشته‌که‌مانند باب عالی‌عثمانیها مورد احترام بوده است و از اینرو کلیه کسانی که میخواستند وارد عالی‌قاپوشوند باید خم‌شده آستانه‌را بوسیده وداخل شوند وحتی شاه‌عباس‌هم هنگام دخول باین‌عمارت از اسب پیاده میشده است . گذشته از این عالی‌قاپو محل تحصن مقصران و گناهکاران بوده‌که هرجانی و یاگناهکاری که وارد درب عالی قاپو میگردیدکسی نمیتوانست اورا ازآنجابیرون بیاورد مگربامر شاه صفوی وخلاصه عالی‌قاپو همان احترامی‌را داشت‌که باب عالی درعثمانی .

و اما عده‌ایکه آنرا علی‌قاپو و علی‌قاپی نوشته‌اند معتقدند که هنگامیکه شاه عباس‌کبیر درب نقره برای بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بـه نجف برد و نصب کرد دری‌را که در پیش‌آنجا نصب شده بود برای تیمن و تبرك باصفهان آورد و درعلی‌قاپو نصب‌کرد وازاین جهت آنرا علی‌قاپو و یا قاپی نامیدند که این در منسوب به حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است واز اینرو مـورد احترام شاه ومردم بود وحتی‌تا چندسال پیش‌هم مردم در اطراف آنجا آش‌ها می‌پختند و نذوراتی میکردند و بزنجیر جلو در مزبور رشته هائی بعنوان دخیل می‌بستند و همانطورکه گفته شد درزمان سلاطین صفویه جای بست گناهکاران بود .

درهرحال ازهردونام و وجه تسمیه چیزیکه استنباط میگردد نصب این در و رفتاری‌که در مقابل‌آن در میشده مربوط بیك امرسیاسی بوده‌که همان استقلال صفویه درمقابل عثمانیها باشد .

واما عمارت عالی‌قاپو بنیانش اززمان سلطنت سلاجقه است و درزمان صفویه دارای آن همه زیبائی‌وشکوه شده است ودرب آنرا شاه عباس بزرگ ازنجف‌اشرف آورده وازاین‌جهت مورداحترام سلاطین صفویه و مردم بوده است و چون این‌کاخ درمقابل باب عالی عثمانی‌ها قرار داشته فوق‌العاده درجهت‌عظمت وزیبائی آن‌همت مصروف داشته‌اند .

کاخ عالی‌قاپو سه طبقه وهر طبقه منقسم بدوطبقه اطاق است که درواقع شش طبقه میشود وچون ازبام طبقه آخر میتوان تمام مناظر شهررا دید خودبام را هم یك طبقه حساب کرده‌اند ومیگویند عالی‌قاپو هفت طبقه است ارتفاع آن ۴۸ متر و در ۲۸ متری دارای ایوان بزرگی است که درمیان ستونهای آن حوض مسی قرار داردکه آب ازآن فوران میکرده است .

گچبری ونقاشیهای عالی اطاقهای متعدد آن هر بیننده را خیره میکرده و اکثر گچبریها بشکل بطری وشیشه‌های شراب است . (ش۲۶)

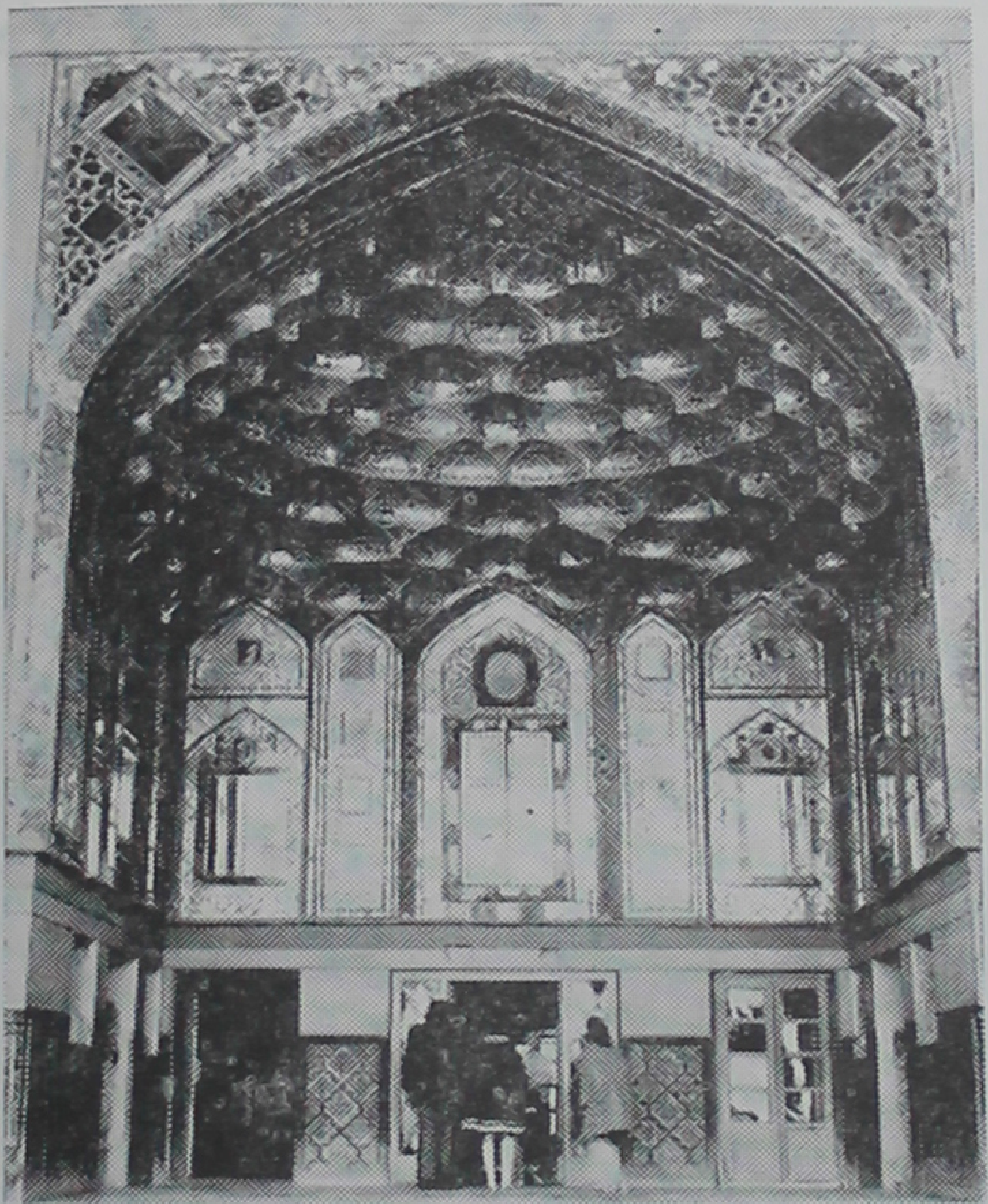


(شکل ۲۶)

این کاخ در غرب میدان شاه است که عرصه آن ۳۸۶ مترطول و ۱۴۰ متر عرض است ، در مقابل عالی قاپو مسجد شیخ لطف‌الله در شرق میدان واقع شده است .

شاردن فرانسوی که سه مرتبه باصفهان مسافرت کرده وعمارات و کاخهای دولتی را دیده گفته است :

« عالی قاپو بزرگترین کاخی است که ممکن است دریك پایتخت وجود داشته باشد » . پس میتوان گفت که این کاخ در زمان صفویه از بهترین کاخهای دنیا محسوب میشده است و ازاین رو محتوی برتمام مزایا ومحاسن بوده وآنچه لازمه یك کاخ سلطنتی بوده درآن وجود داشته است . (ش۲۷)



(شکل ۲۷)

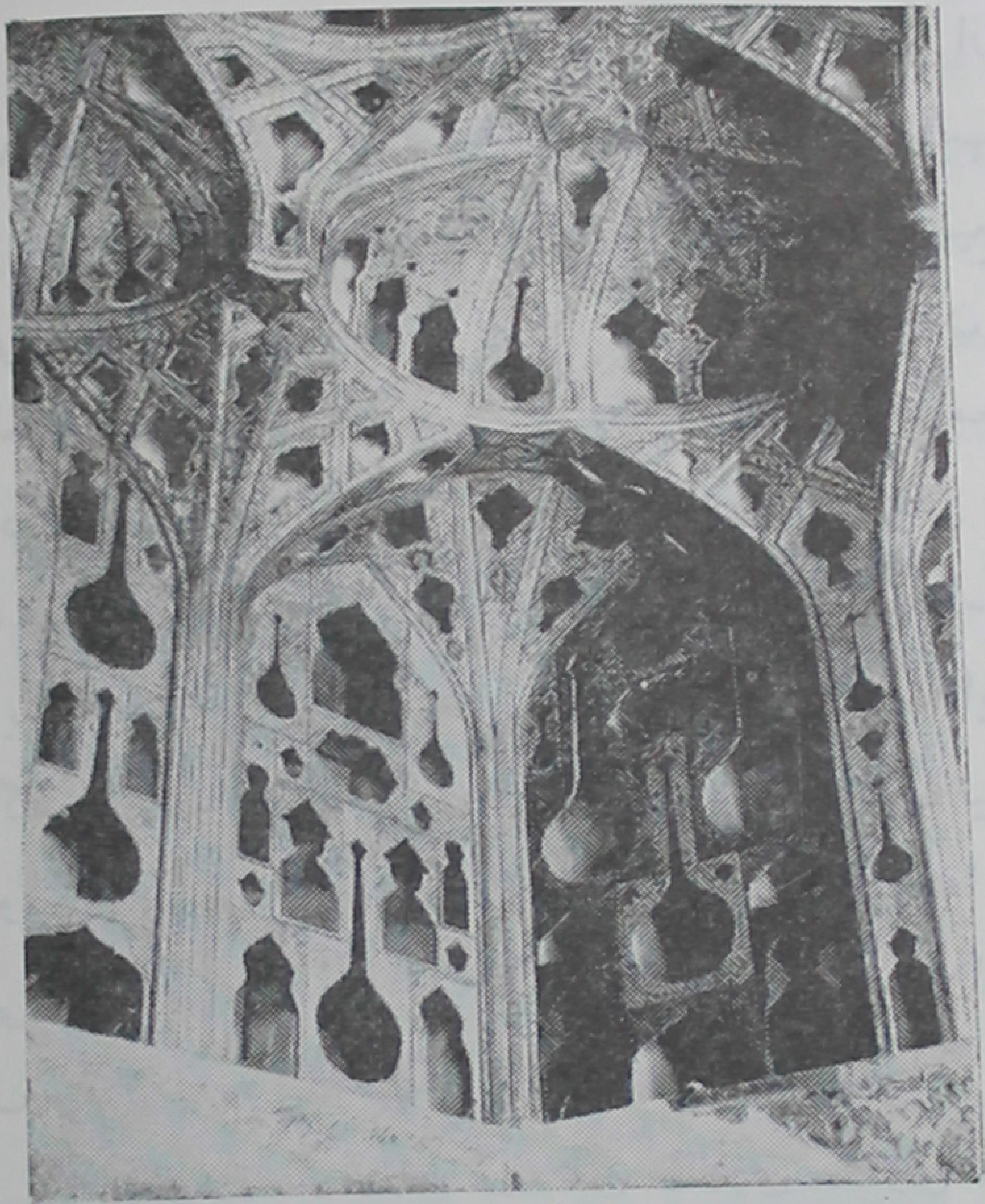
برای اینکه وضع کاخ مزبور درپایان قرن سیزدهم هجری معلوم گردد بهتراین است که نظریه مورخان آن زمان را نقل کنیم. مؤلف نصف جهان فی تعریف الاصفهان[1] چنین گفته است :

« اما عمارت علی قاپی که دروازه بزرگ عمارات دولتی بر آن است وآن مثل»

۱ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص۳۸ تا ص ۴۰ .

« سردری بر آن واقع شده محل نظر مهندسان و تمام معماران ایران وغیره است و »
« بوضعی ساخته شده که مایه حیرت جمع گشته است . عمارت باین ارتفاع و باین »
« قطر وباین پایه واین استحکام که ازوقت بنای آن تا کنون که قریب سیصد سال »
« است با وجود تواتر شلیك توپ و تفنگ که در آن میدان واقع است اصلا »
« خللی و تزلزلی دراصول وبنیان آن راه نیافته مگر بعض فروع آن ازکاشیکاری »
« وغیره که فی الجمله ریخته است ، ومجملاً عمارت مذکور ارتفاعاً محتوی برپنج »
« طبقه است که درزیری آن راه ودهلیز عمارت است ودوجهت عرض نیزهریك پنج »
« چشمه دارد که همه آنها مشتمل برحجرات وهمه بالای یکدیگراست ومحلهای »
« نیکو است و یك جهت آن با دیگری چشمه ها متفاوت است ، این عمارت را »
« شاه عباس بزرگ بنا و تمام نموده و دروازه ازصحن نجف اشرف تیمناً و تبرکاً »
« آورده است وبرآن نصب کرده وتا حال دروازه عمارات است وبجا است وبهمین »
« سبب آنرا علی قاپی نام نهاده است . سلاطین بعدازاو پیش این دروازه را عمارت »
« خروجی بطرف میدان طرح انداخته وساخته اند ودوطرف آنراهم یمیناً ، یساراً »
« دخولی وحجرات بنا کرده و بربالای همه آن طالاری بطرزی خوب و وجهی »
« مرغوب بنا و تمام نموده اند با ستونهای بلند و سقف مرتفع باستحکام استوار »
« کرده که بیننده را حیرت افزاید و در میان آن طالار حوضی ساخته اندکه در »
« زمان پیش آب مینموده اند وبا استحکامی است که اصلاً رطوبتی بسقف بنای زیر »
« آن نشرنمیکرده واین طالار محل نشیمن پادشاه برای عرض لشکربوده وازچند »
« حجره میانی آن عمارت رفیع راه ورود باین طالاراست وچنان استادی درساخت »
« واتصال این دوعمارت نموده اندکه کسی گمان نمیکند اینها را در دو وقت ساخته »
« و متصل نموده اند و چون بربالای این عمارت بطبقه آخری روند تمام شهر بل »
« اطراف آن نمایان وناظر را حالت انبساط وفرح روی بنماید و درآن بالاهم یك »
« مربعی محلی باز ساخته اند که چون برآن روند نمایندگی زیاد وصفا بیشتر و »
« کیفیت غریب ترباشد . مثل این عمارت وغرابت ونفاست آن که درتمام ایران بلکه »

« بسیاری ازممالك دیگر موجود نیست . » (ش ۲۸)



(شکل ۲۸)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه نویس ناصرالدین شاه قاجار درسال ۱۳۰۰ هجری قمری گزارشی که راجع بتاریخ وجغرافیای ایران در دوجلد تهیه کرده که هنوز مخطوط وتا چند سال قبل درکتابخانه وزارت دارائی بود و بطوریکه در پیش اشاره شده آنچه راجع باصفهان نوشته عیناً با کتاب جغرافیای اصفهان میرزا حسینخان تحویلدار که بچاپ رسیده بعین منطبق میباشد راجع بـه کاخ عالی قاپـو چنین نوشته است[1] :

« تالار وقصرعلی قاپو تاحال به نیکوئی وعظمت وارتفاع آن عمارتی درایران »
« ساخته نشده پنج طبقه قصرمزبور بانضمام کلاه فرنگی عرشه آن ۳۴ذرع ارتفاع »

۱ ـ ازصفحه ۲۱ جغرافیای اصفهان تا ص۲۲ باگزارش مزبور منطبق است .

« دارد هر کدام از طبقاتش مشتمل بر مکانهای ملوکانه واطاقهای وسیع وطاقهای رفیع »
« وبیوتات زمستانه وتابستانه وجلوقصر ازپایه روی زمین الی محاذی سقف طبقه »
« دوم قصر ، پایه وصحن تالارعظیم فوقانی واقع شده که تالارمزبورمشرف برمیدان »
« نقش جهان و۱۸ ستون بسیاربلند درآن استواراست . محسنات وخصوصیات تالار »
« وبیوتات طبقات قصر مزبور ازتوصیف بیرون است ، معلوم میشود چاه‌دم وتلنبه »
« هم درآن زمان ایران معمول ومصطلح بوده زیرا که درطبقه دوم قصر که عقب »
« زیرین مرتبه تالار واقع شده چاه ومنبع بزرگی است وجای دوتلنبه داردکه‌اول »
« با گاو وطناب ازچاه آب میکشیده‌اند درمنبع بالای طبقه دوم قصر، من بعداز »
« آن منبع با تلنبه‌ها بالا میبرده‌اند بطبقه سیم که ازآشپزخانه ومطبخ آن طبقه »
« قصرراه داردکه وارد حوض مرمربزرگ وسط تالارمزبور میشود،کف ودیوارهای »
« آن حوض ازمس یکپارچه است وغیراز مجرای دوسوراخ تنگ تلنبه ممر و »
« مدخلی بجهت قصروتالار ندارد که با چرخ ودلو بتوان آب‌کشید . ودیگردرب »
« بسیارعالی که بدروازه دالان تحتانی قصر منصوب است از چوب زیاد با دوام و »
« قوامی است معروف به‌چوب‌کلوذه[1] که جوزق درختی باشد ، از هر چوبی‌هست »
« درب اول بقعه متبرکه حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام‌است‌که سلاطین‌هندوستان »
« در نجف اشرف برده بودند . وقتی شاه‌عباس صفوی درب نقره را برد وبجای آن »
« نصب‌نمود درب مزبور را جهت تیمن وتبرك باصفهان آورد وبدروازه دالان قصر »
« وتالار برقرار فرمود، الآن قصرمنسوب بآن درب است ودرب موسوم به‌علی‌قاپی »
« وقبله‌گاه خلایق . »

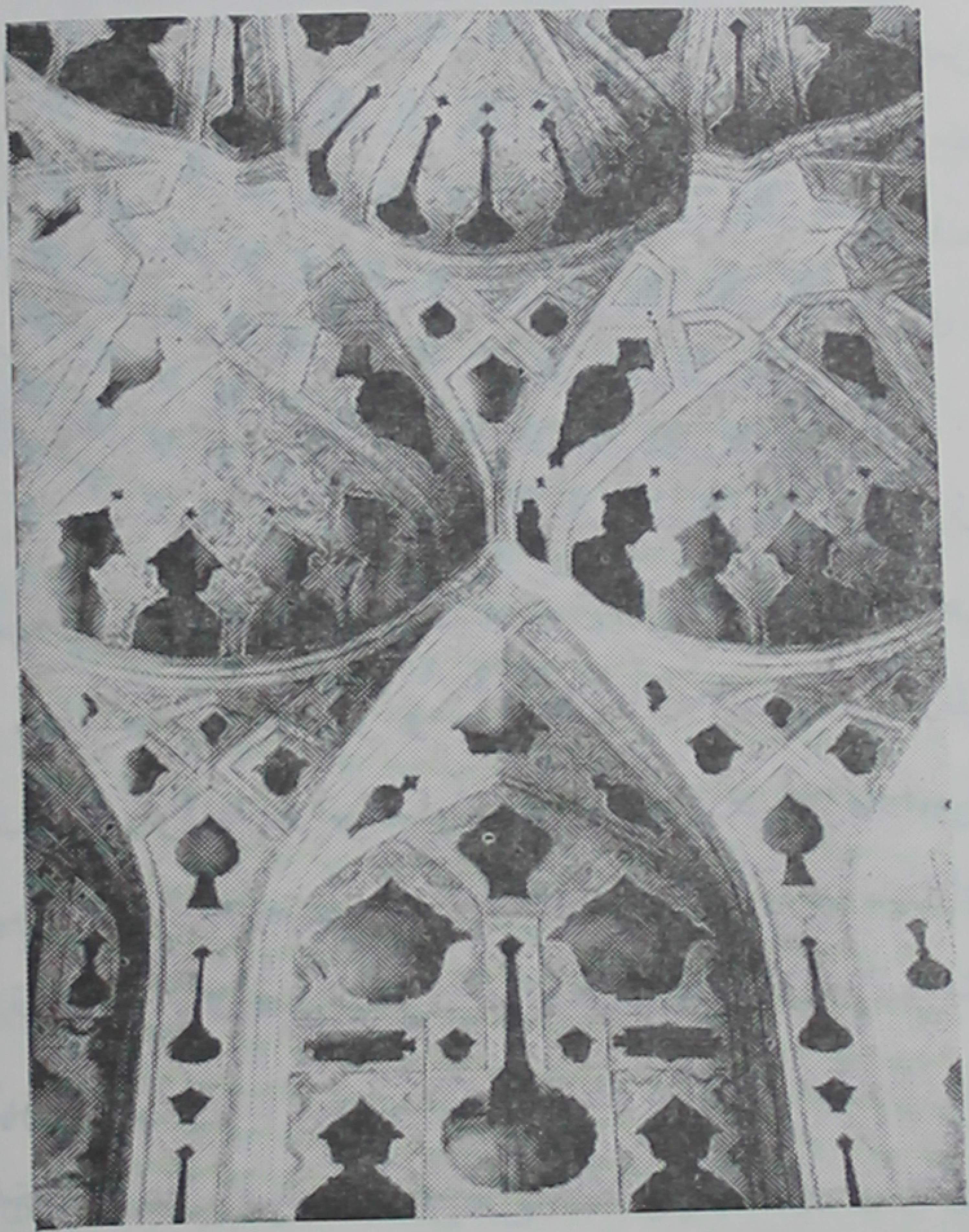
وضع ساختمان عالی قاپو را مستر سایکس انگلیسی بطور اختصار چنین توصیف‌کرده[2] :

« درطرف مشرق میدان شاه علی‌قاپی یاعالی‌قاپو (دروازه بزرگی) قراردارد »

۱ ــ درخت کلوزه که درایران بصورت بوته است درهندوستان درخت دارد ودربی را که از هندوستان به‌نجف برده‌اند ازچوب درخت مزبورساخته شده بوده است .

۲ ــ ترجمه ج۲ تاریخ مسترسایکس ص۳۰۹ .

« که آن مدخل قصرسلطنتی بوده است . این بناعبارت از یك طاق‌نمای بزرگی »
« است که روی آن یك تالاربزرگ برروی ستونهای چوبی قرارگرفته ویکی از »
« نمونه‌های خاص معماری عصرصفوی است . دراین تالار پادشاهان صفوی باللباس »
« تمام رسمی سلطنتی‌روزعیدنوروزرا بارعام میدادند. شاردن میگوید : (این تالار »
« زیباترین تالاری است درنوع خود که من درتمام دنیا دیده‌ام) وازهمین‌عمارت »
« بود که شاه صفوی مسابقه‌های چوگان بازی، اسب سواری ، و جنگ حیوانات »
« وحشی را درحضور هزاران رعایای خود تماشا میکرد . » (ش ۲۹)



(شکل ۲۹)

جابری انصاری درتاریخ اصفهان و ری[1] اظهار نظرکرده که اشتهار اینکه درب عالی‌قاپو را ازنجف آورده‌اند برای جلب افکارعمومی واحترام بدربارصفوی

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۳۸ .

بوده است واگر نه آوردن درب از نجف اشرف محرز نیست.

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وضع گذشته وزمان تألیف (۱۳۳۵ هـ.ش) را تشریح کرده و چنین گفته[۱] :

« عالی قاپو ـ علی قاپی ـ درمیدان نقش جهان دوره تیموریان که تبدیل به »
« میدان شاه امروزی شده است عمارتی از زمان تیموریان باقی بود که در زمان شاه اسماعیل »
« صفوی تا اندازه‌ای آباد وسپس بحالت خرابی در آمد، وقتی که شاه‌عباس اول صفوی »
« پای تخت را باصفهان انتقال داد ابتدا در باغ بزرگی که درطرف طوقچی بود منزل »
« نمود وسپس که میدان را مسطح ومرتب کرد عمارت قدیمی را نیز برای سکونت »
« خود و درباریان ساختمان نمود. و در دوران شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم (۱۰۵۳) و »
« شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین نیز تعمیراتی از آن بعمل آمده است. سیاحان و »
« مورخین خارجی وداخلی شرح مفصلی نسبت بوضعیت وشکوه این کاخ نوشته‌اند »
« بخلاصه اینکه : در آن تاریخ این قصر ازتمام قصور سلاطین زیباتر و دلرباتر و »
« جامع‌تر بوده است ».

« این عمارت فعلاً دارای جلوخانی است که درطرفین آن دواطاق وازاره‌اش »
« تماماً بارتفاع یک متر و نیم ازسنگ سیاه پوشیده واستوارشده وتمام بنا از آجرهای »
« تراش ویکنواخت ساختمان گردیده است وکسی حق نداشته سواره وارد شود . »
« درجلو این جلوخان ازقدیم زنجیر دانه درشت آهنی وجود داشت که بحلقه‌های »
« طرفین بازوبسته میشد که هرکس پناهنده میشد درامان سلطان بوده است . »

« بفاصله چندمتر دراصلی کاخ ببلندی ۵متر واقع است که روی آنرا ازفلز »
« مطلا جدول‌کشی نموده‌اند و درطرفین دوسکوی بزرگی بابعاد ۲/۵×۴متر از »
« شش پارچه سنگ مرمر ظریف ساخته شده و بالای درورودی عبارت: انامدینة‌العلم »
« وعلی بابها برروی کاشی زمینه زرد نوشته شده است . آستانه این درسنگ مرمر »
« مدوری است که میگویند شاه‌عباس هروقت سواره میآمد دراینجا پیاده میشد و »
« پا روی آستانه نمیگذاشت وعبور میکرد . »

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۸۷ تا ص ۹۷.

« درباره وجه تسمیه عالی‌قاپو بعضی را عقیده آنست که این در را شاه‌عباس »
« از نجف و بجای درنقره‌ای که بدانجا برده آورده و از این جهت علی‌قاپی نامیده »
« میشود . عـده دیگری گویند بجهت اینکه در بلند و عالی است بنام عالی‌قاپو »
« گفته‌اند و یا دربرابر باب‌العالی ترکیه نام گذارده شده، این در نیزدارای زنجیر »
« مطلائی بوده‌که حکم بست را داشته والحال نیز قطعهٔ از آن باقی است‌که تا این »
« اواخر مردم متوسل بآن شده نذوراتی مینمودند و مـانند مقابر متبرکـه نیز »
« پارچه‌ای باین زنجیر می‌بستند . »

« بالای درورودی پنجره مشبك چوبی‌اززمان قدیم باقی‌است . دهلیزعمارت »
« ازاره‌اش ازسنگهای سیاه وبالاتر تماماً ازنقاشیهای زیبا گل‌وبوته تزیین یافته »
« وروی آنرا گچ‌کشیده بودندکه این اواخرکم‌وبیش نقاشیهارا اززیرگچ بیرون »
« آورده‌اند . »

« دودهلیز ورودی وخروجی عمارت از مشرق بمغرب یابعکس بطورعمود »
« بریکدیگر مانند صلیب ساخته شده‌که دراصلی وسکوهای سنگ مرمرطرفین »
« واسطه بین آن دواست . در یکی از جادرهای این کاخ طبقات مختلفه تعمیر و »
« نقاشی کاخ را درگذشته بخوبی نشان میدهد ، در روی یکی از ورقه‌های نقاشی »
« دیوار این عبارت خوانده میشود : گرکند براه تو ... زانکه تقوی سرهم کرم »
« است . »

« ناگرفتن درم بوجه حرام بهتراز بذل کردن.. امیرالمؤمنین علی... »
« فرماید ... نمیدانم چرا بامن عداوت بیشتردارد . کتبه‌الفقیرسیدافضل‌مقصودعلی »
« دورانی بتاریخ جمادی‌الاول ۱۰۳۲ ومخصوصاً نامی ازشاه‌صفی و تاریخ آن برده »
« است . »

« این بنا درقدیم دوراه پلکان پیچ‌مانند داشته‌که اکنون‌باقی‌است وشاه‌عباس »
« راه وسیع‌تری برای ایاب‌وذهاب خود وسفراء ساختمان نموده‌که کف تمام‌آنها »
« ازکاشیهای هفت رنگ عالی‌تزیین شده‌بوده است . این‌راه شامل ۴۰پلکان ودوراه »

« دیگر دارای ۱۷ پله میباشد وتا طبقه چهارم اطاقهای متعدد ومنقوش دراطراف »
« دهلیز ببالا دارد که مختص بدرباریان بوده است . »

« شاه‌عباس‌کبیر بیشتر وقت خود را در این قصر بسر میبرد و پذیرائی‌های »
« رسمی را نیز درهمین‌جا اختصاص داده وازبالای تالار سان قشون و پیشکشهای »
« سفرا وچوگان‌بازی ویا عملیات‌ورزشی پهلوانان را تماشا میکرده . »

« این ایوان بطول ۲۸ و عرض ۱۶ و ارتفاع ۱۲ متر وازکف میدان تازیر »
« سقف ۲۴متر میباشد که فقط طرف غرب‌آن متصل بکاخ یا اطاقهای مسکونی »
« است، ایوان دارای۱۸ستون چوبی وبرروی پایه‌های سنگی منشوری‌شکل قرار »
« دارد ، این ستونها مانند ستونهای عمارت چهلستون ۱۶ضلعی و۸ضلعی و دارای »
« نقاشی وآینه‌کاری بوده است که دردوره قاجاریه ازبین رفته ودرسال ۱۳۲۷ نیز »
« برای تعمیروجلوگیری ازنفوذ موریانه تخته‌های روکوب آن برداشته شد . در »
« وسط این ایوان حوض مستطیل شکلی بابعاد ۴در۵٫۶متر است که اطرافش از »
« سنگهای مرمر وکف حوض ازمس پوشیده شده ودارای سه‌فواره بوده است . »

« درپاشویه این حوض قسمتی ازسنگ مرمر مشبك وبرای خروج آبهای »
« زیادی بوده که از دوناودان مطلای طرفین طالار روبطرف میدان‌شاه میریخته »
« است . منبع آب این حوض را دردامنه کوه صفه میدانند که از آنجا بعمارات »
« سلطنتی دنباله رودخانه مانند آینه خانه وهفت دست و غیره میرسیده و سپس »
« باین عمارت میآمده است . ولی ازنوشتجات سیاحان وغیره مخصوصاً بنا بگفته »
« شاردن چنین معلوم میشود که درجنب این‌کاخ نیزچاهی بوده که بوسیله چهار »
« گاو با دم مخصوصی آب بطبقات مختلفه میرسیده‌است، دربالای این‌تالاراشعاری »
« بشرح زیرموجود است که چند فرد آن نوشته میشود : »

« یاالله ـ ازپی امرشهنشاه باایمان ودین ـ یامحمد »

« داور دین‌پرور . . . امین ـ یا علی »

« کلب درگاه علی فخر شهان ـ یا الله »

« حامی دین جان سلطان زمان ـ یا محمد »

« زانکه آب رحمتست خاك بهشت ـ یا علی‌مدد »

« دست قدرت طینت گردون سرشت ـ یا الله »

« پایه ایوان کاخش بی‌حساب ـ یا محمد »

« باشد آن‌جائی که سرزد آفتاب ـ یامحمد یاعلی »

« منتظم باشد ازآن گردون مآب ـ یا الله »

« ران . . . همچو . . انتخاب ـ یا محمد »

« روز بادا امیرالمؤمنین ـ یا علی »

« شاه دین شاه زمان سلطان حسین »

« یا الله . . . این سلیمان‌بن سلیمان بارگاه . »

« ازاره دیوارها تماماً ازنقاشیهای بسیارزیبا ومطلا تزیین‌شده بوده‌که الآن »
« نیز مشاهده میشود ودرقسمتهای بالا هم تصاویر متعدد ایرانی واروپائی موجود »
« است‌که هر بیننده را مات ومتحیر میسازد این‌نقاشیها دردوران هریك ازسلاطین »
« بطرزخاصی تعمیرونقاشی‌شده‌وبعد درزیرگچ مستورگردیده روی بعضی‌صورتهای »
« موجوده را درسال۱۳۲۸ ازطرف باستانشناسی شیشه نصب نمودند که ازدستبرد »
« وخرابکاری جهال محفوظ ماند ، ولی متأسفانه افراد مغرض ونادان از شکستن »
« شیشه‌ها وخرابی صورتها دریغ نداشته‌اند . »

« سقف این طالار ازتخته چوبهای مثلث‌الشکل و با رنگهای عالی منقش »
« تزیین‌گردیده است‌اطاق شاه‌نشین بمساحت ۷×۸×۹مترودرطرفین آن‌شش‌اطاق »
« کوچکتر ومنقش بنقاشیهای‌گوناگون‌که هریك دلپذیرتر از دیگری‌است واقع »
« شده وطول زمان وگچ‌کشی روی آنها کمترین تأثیری وتغییری درنقاشی وآب »
« ورنگ آنها نداده است . »

« در شاه‌نشین اطاق از ازاره ببالا همان نقاشی‌های عالی و قلم معجزآسای »
« نقاشان باایمان صفوی که بااستادی علیرضا وامثالهم ساخته شده بقدری زنده با »
« روح ومتناسب است‌که هرقدرنگاه‌کنی غیرممکن است که دیده خسته ویاکسل »

« شود . هرقسمتی ازاین اطاقها وطاقچه‌ها نوعی مخصوص وبقلم نقاشان ایرانی و »
« اروپایی تزیین شده است . »

« اطراف این ایوان درقدیم نرده و طارمیهای چوبی مشبکی‌داشته است . »
« چوب‌بست روی ایوان که ازالوارهای قطور وچوبهای عظیم بااصول معماری و »
« هندسی کلاف‌کشی شده و سقف ایوان وستونها را استوارداشته موجب حیرت و »
« تعجب است . »

« درسال ۱۳۳۴ بنابرتصمیم اداره‌کل باستان‌شناسی تعمیرات لازمه سقف و »
« طره‌های اطراف بعمل آمده وشیروانی آهنی زده شده . در طبقه پنجم عمارت »
« اطاقها وایوانچه‌هائی است که همه از نقاشیهای بسیارزیبا وخوش آب ورنگ »
« نقاشی‌شده وچنانچه معروف‌است ومورخین نیز نوشته‌اند ازاین‌طبقه‌ببالا مسکن »
« حرمسرای شاهی بوده که مسلط برطالار وایوان شاهی باشند وبتوانند عملیات »
« وجشنها وپذیرائی‌های شاهانه را مشاهده نمایند . »

« درطبقه ششم که وارد شوید برحیرت وتعجب شما افزوده میشود ، زیرا »
« اطاقهای متعدد تودرتو و گچبریها و نقاشیهای حیرت‌انگیز مختلف را خواهید »
« دید که هرقسمتی بطرزخاصی جلوه‌گراست ازاره وبدنه این اطاقها وطاقچه‌ها »
« تماماً ازصور مختلفه زن ومرد ایرانی واروپائی بنوعی خاص نقاشی شده و در »
« بالا گچبریهای زیبائی مانند جای ظروف ویاباشکال هندسی ساخته‌اند . عده‌ای »
« را عقیده برآنستکه در زمان شاه‌عباس حبس‌الصوت بوده که وقتی نوازندگان »
« دست از نواختن میکشیدند مجدداً همان صدا و آواز بگوش میرسیده است ، »
« ودر کتب و نوشتجات نیز این اطاقها را بسفره‌خانه ویا شرابخانه ویا چینی‌خانه »
« نامیده‌اند . »

« طبقه هفتم عمارت یا سقف بام که بارتفاع ۴۸متر از روی زمین میباشد »
« مشرف برتمام‌شهراصفهان‌است ومنظره بی‌نهایت‌عالی وجالب توجهی را دربیننده »
« ایجاد میکند وبیشتر سیاحان و یا تماشاچیان آمدن به‌عالی‌قاپو را برای دیدن »

« منظره شهر اصفهان و نقاشیهای زیبای آن انتخاب مینمایند . ازبالای این کاخ »
« آثار تاریخی اصفهان در مشرق مانند بناهای دوره سلجوقی ومسجد سلطانی در »
« جنوب وطرف مغرب کوه آتشگاه ومدرسه سلطانی وسایر بناهای زیبای اصفهان »
« را میتوان بخوبی مشاهده وعکس برداری نمود . »

« منظره میدان شاه و مسجد زیبای شیخ لطف الله روح تازه‌ای به بیننده و »
« عاشق این ابنیه میدهد . درمغرب این کاخ عمارت شهربانی است که گنبد آجری »
« توحیدخانه یا گنبد طاوس دوره صفوی واقع شده ، این گنبد داخلش تزیینات »
« آجری زیبائی داردکه درزمان صفویه قابل توجه بوده واکنون زندان شهربانی »
« است وعوام آنرا گنبد شیرگویا مینامند . »

« این کاخ درزمان صفویه احترام خاصی داشته وتمام مردم درباره آن بچشم »
« احترام وبزرگواری نگاه میکردند وبتمام باغات وعمارات سلطنتی متصل بوده »
« است. شاه عباس جشن نوروزسال (۱۰۰۶ه ۱۵۹۸م) را برای اولین مرتبه دراینجا »
« برپا نمود و بعداز او نیز هریك ازسلاطین دراین قصر جشنهائی ترتیب داده و »
« پذیرائیهای شاهانه ازبزرگان وسفرای خارجی نموده وبرشکوه وجلال این قصر »
« افزوده‌اند، شاه عباس دوم وشاه سلیمان هریك پذیرائیهای مفصلی دراین کاخ نموده »
« که شرح تفصیلی آنها درتاریخ درج است . »

« درزمان شاه سلطان حسین نیزاین قصرتعمیرشده ودردوره افاغنه واواخر »
« قاجاریه خراب گردیده است . مطابق کتیبه سر در ورودی بر روی کاشی بسال »
« ۱۲۷۴ هجری درزمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیرگردیده وبعداً متروك مانده »
« تا دردوره رضاشاه فقید تحت تعمیردرآمده ومدتی اداره شهرداری بوده واکنون »
« درتصرف وزارت فرهنگ واداره باستان‌شناسی محافظت میشود . »

« دراین پانزده‌سال اخیر که نگارنده عهده‌دار قسمتی ازامورباستان‌شناسی »
« میباشم بعلت نبودن اعتبار نمایندگان محترم باستان‌شناسی موفق نشدندکنجکاوی »
« بیشتری نسبت بنقاشیها ویا تاریخ وکتیبه‌های آن بنمایند، علاوه براین احتیاج »

« کاملی بتعمیر اطاقها و کلاف کشی اطراف و تعویض بعضی ستونهای معوج آن دارد، »
« زیرا شکافهای گوناگون براین بنای باستانی وارد گردیده وامید است بزودی »
« تعمیرات شایانی ازاین بعمل آید » .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع بوضع ساختمان عالی قاپو چنین نوشته است[1] :

« تالار عمارت عالی قاپو ازالحاقات دوره شاه‌عباس دوم است : »

« بطبقه سوم عمارت عالی قاپو در دوره شاه‌عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از »
« چوب چناراضافه شده است که ستونهای آن باآینه پوشش میشده وسقف آن با »
« صفحات بزرگ نقاشی روی آلتهای چوبی تزیین شده . بایك نظر بساختمان این »
« تالار، الحاقی بودن آن بعمارت اصلی واضح میشود . دروسط این تالارحوضی از »
« مرمر ومس قراردارد که دارای فواره‌هائی بوده ودرمراسم مخصوص آب ازآنها »
« جستن میکرده (شاردن سیاح فرانسوی که دردوره سلطنت شاه‌عباس دوم وشاه‌سلیمان »
« در اصفهان بوده و این عمارت را در سفرنامه خود توصیف کرده است صریحاً »
« مینویسد که آب را بوسیله ماشینهای مخصوصی بالا میآوردند وبدیهی است آنچه »
« را که شاردن ماشین مینامد چیزی غیراز چرخ آبهای معمولی منازل اصفهان »
« نمیتواند باشد : مؤلف) اصولاً توجه بساختمان تالارها باحوض وجهش آب از »
« فواره یاشیرهای سنگی ازاختصاصات بناهای دوره شاه‌عباس ثانی است واین کیفیت »
« درتالارچهلستون وتالار عمارت آئینه‌خانه که دردوره سلطنت این پادشاه باتمام رسیده »
« به‌خوبی مشاهده میشود. دیوارهای تالارعمارت عالی قاپو بطوریکه عیان است دارای »
« دوپوشش تزیيناتی میباشدکه برروی‌هم قرارگرفته‌اند . پوشش زیرین تزیینات »
« عهد شاه‌عباس دوم است وپوشش بعدی تزییناتی است که بذوق وسلیقه شاه‌سلطان »
« حسین درتالاراین کاخ اضافه شده است. تزیینات نقاشی واشعاری بخط نستعلیق »
« قرمزرنگ برزمینه گچ سفید درزیرقشری ازگچ دیگرکه دراواخر عهدقاجاریه »

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۴۲۲ تا ص۴۲۶ .

« دو پوشش عهد صفوی را مستور نموده بوده است آسیب زیاد دیده معذلك در »
« بعضی قسمتها تشخیص این تزیینات وبعضی خطوط که درسنوات اخیرازز یر گچ »
« خارج شده امکان‌پذیر شده است . »

« کلمات ومصرعهائی‌ازاشعارمنقوش بردیوارعمارت عالی‌قاپوکه ازتعمیرات »
« یااضافات دوره شاه‌سلطان‌حسین حکایت میکند وهنوز قابل خواندن‌است بشرح »
« زیر میباشد : »

« یاالله ...... شهنشاه دین(یامحمد) داور دین‌پرور ایران‌زمین(یاعلی‌مدد) »
« کلب درگاه علی فخرشهان(یاالله) حامی دین نبی .... (یامحمد) آنکه زآب »
« رحمت وخاك بهشت(یاعلی‌مدد) دست‌قدرت طینت‌گردون سرشت(یاالله) پایه »
« ایوان قدرش بی‌حجاب (یا محمد) باشد آنجائیکه سرزد آفتاب (یا علی‌مدد) »
« منتظم باشد ازآن‌گردون مآب(یاالله) ....ملت همچون‌آن جناب (یامحمد).... »
« (یاعلی‌مدد) شاه‌دین‌شاه‌زمان سلطان‌حسین(یاالله) بن‌سلیمان این‌سلطان‌بارگاه »
« اشعارمحمدبیك فرصت راجع بساختمان ایوان عالی‌قاپو:(بنقل ازقصص‌الخاقانی »
« خطی): درسال ۱۰۵۳ هجری شاه‌عباس ثانی بمیرزا تقی‌الدین محمد وزیراعظم‌خود »
« دستورداد معماران عالی‌قدردرعمارت عالی‌قاپو روبطرف میدان‌نقش‌جهان تالاری »
« بنا نمایند وروز پنجشنبه بیست‌وچهارم شهرذی‌القعده سال ۱۰۵۳ بنای این‌تالار »
« گذاشته شد ودر عرض اندك مدتی باتمام رسید . شاعری موسوم به محمدی‌بیك »
« متخلص به (فرصت) که توپچی سرکار شاهی بود درتاریخ بنای تالار این اشعار »
« را سروده است : »

« ای معلا بنای عرش نظام — وی فلك کرسی فرشته مقام »
« سربسر عالم از تو گلشن شد — از تو چشم زمانه روشن شد »
« گرچه فرزند مادر خاکی — خلف خاندان افلاکی »
« تا زمین از تو یك نشان دارد — سرفرازی برآسمان دارد »
« آسمان از بلندیت شده پست — تا تو برخاستی سپهر نشست »

« گر فرو ریزد آسمان برهم — نشود خشتی از بنای توکم »
« چل ستون تو چهلستون باشد — که مدامت نگاه بآن باشد »
« هرستونی که ازتوپای بجاست — فلك پیر را بدست عصاست »
« هر ستون تو ای رفیع بنای — شده راهی بعالم بالای »
« طرحش ازگرد نور ریخته‌اند — در گچ او ستاره بیخته‌اند »
« آسمان با مهی در افشانش — کهنه فانوسی از شبستانش »
« بهر دیوان آن سپهربنا — زحل افکنده خشت بربالا »
« حسن خورشید بام دیوارش — من ندانم که بوده معمارش »
« سقف اورا چه‌جای زیور بود — قبه زر بسی مکرر بود »
« نصب کرد آخر اوستاد هنر — مهر انور بجای قبه زر »
« زده آن طارم فلك پایه — آسمان را بسر گل سایه »
« سقف تالار آن رفیع بنا — بر سر عرش گشته چتر گشا »
« تا فلك دیده سرفرازی او — خوانده تکبیر جان درازی او »
« روی طاقش ز فیض یزدانی — چون کریمان گشاده پیشانی »
« در و دیوارش از کرشمه نگار — گل تصویر او همیشه بهار »
« بلبلان خمش بناله زار — میسرایند بر در و دیوار »
« مرغ تصویرش ار نظاره کند — گل گریبان رنگ پاره کند »
« نیست ممکن که هیچ دانائی — بخیال آورد چنین جائی »
« دم عیسی هوای منظر او — لوح تقدیر تختهٔ در او »
« بت چنین‌است نقش‌خاك درش — در فردوس سینه چاك درش »
« دیده کی بیند از نظر سیرش — دل گرفتار زلف زنجیرش »
« بارها خورده آسمان بلند — بسر آستانه‌اش سوگند »
« که برون ازتلاش گفت وشنید — کس چنین نقش‌بی‌قرینه ندید »
« هست دروصف او زبان مغرور — شاه بیت است درجهان مشهور »

« الواحی از کاشی برجبهه شرقی عمارت عالی قاپو از تعمیرات دوره ناصرالدین شاه »
« قاجار حکایت میکند چهار جانب عمارت عالی قاپو در دوران پادشاهی شاه عباس اول »
« وشاه عباس دوم باکاشیهای خشتی خوش نقش تزیین شده بود که توأم با درها وپنجره های »
« نفیس آن منظره ای بس جالب باین عمارت تاریخی میداده است و موجب نهایت »
« تأسف است که از آن همه درو پنجره فقط یك پنجره در طبقه سوم عمارت برجای »
« مانده وبقیه آنها بتاراج رفته است . در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که »
« مختصر توجهی نسبت بتعمیر بعضی بناهای تاریخی اصفهان شده در عمارت عالی قاپو »
« هم ظاهراً کارهائی صورت گرفته که بطور حتم تعویض طره های فوقانی عمارت یکی »
« از آن جمله کارها است و باین مناسبت بجای کاشی های خشتی گل و برگ عهد »
« صفویه برجبهه بالای سردر ورودی فعلی کاشیهای دیگری که در بین آنها سه لوح »
« خط نیز جای داده شده قرارداده اند. عبارت این سه لوح اشعاری است که شاعری »
« بنام کفاش سروده وضمن تعمیرات سال ۱۲۷۴ هجری قمری بخط نستعلیق سفید »
« درهم برزمینه لاجوردی بجای کاشیهای عهد صفویه نصب شده است .

« عبارات واشعار لوح وسط این کاشیکاری بشرح زیراست : »

« هوالله »

« ناصرالدین شاه قاجار »

« درزمان ناصرالدین شاه قیصر پاسبان — شد زتعمیر علی قاپی جهان رشك جنان »
« باده دولت بجامش تا درآید آفتاب — سکه شاهی بنامش تا بگردد آسمان »

« السلطان بن السلطان »

« ۱۲۷۴ »

« لوح سمت راست : »

« دلا تاریخ تعمیر علی قاپی است این انشاء
که شد از ناصرالدین شاه این نیکو بنا احیاء »

« ناظمه کفاش »

« لوح سمت چپ بشرح زیراست : »

« تا علی در عالم امکان ولی‌الله باد — صدراعظم درپناه ناصرالدین‌شاه‌باد »

درفهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران[1]. نیز تأیید گردیده که‌عمارت عالی‌قاپو در سال ۱۲۷۴ هجری قمری تعمیر گردیده است و حاج میرزا حسن‌خان جابری انصاری درکتاب آگهی شهان از کارجهان تاریخ تعمیر را سال ۱۲۷۲ نوشته است[2].

دراشعاری که کفاش اصفهانی برای تعمیر علی‌قاپو در زمان ناصرالدین شاه سروده تاریخ تعمیرکه درشعر گفته شده با تاریخی که در ذیل اشعار نوشته شده و نیز با تاریخ مرقوم درآگهی شهان ازکارجهان مطابقتی ندارد.

تاریخی که صراحةً در ذیل السلطان‌بن‌السلطان نوشته شده : ۱۲۷۴ میباشد وتاریخی که ازشعر ماده تاریخ کفاش برمیآید : که شد از ناصرالدین‌شاه این‌نیکو بنا احیا یکهزارو دویست وهشتادونه میباشد واگر فرض کنیم‌که لفظ‌که عددآن بحروف جمل ۲۵ است جزء تاریخ نباشد میشود : ۱۲۷۴ وبا تاریخ تصریح شده در کتیبه مطابقت دارد و قسمت دوم درست بنظر میرسد و ممکن است گفت‌که تاریخ مندرج درآگهی شهان ازکارجهان تاریخ شروع تعمیربوده است.

در هرحال درسال (۱۲۹۹ هـ.ق) ممیز مالیه اصفهان عمارت عالی‌قاپو را جزءِ عمارات نیمه خراب قلمداد کرده ودرمجله ارمغان سال اول شماره ۹۶۸ صفحه ۵۹ مندرج میباشد.

آنچه مسلم است بعداز ناصرالدین‌شاه توجهی که بعمارت عالی‌قاپو نشده‌که هیچ حتی‌المقدورحکام وقت درصدد خرابی وبرداشتن آثارعتیقه آن بوده‌اند وحتی آثار گذشتگان را محو میکرده‌اند و از همین‌جهت بوده که روی نقاشیها را گچ میگرفته‌اند.

۱ــ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ازص۴۹ تا ص۵۰.

۲ــ آگهی‌شهان ازکارجهان ج۳ ص۶۳.

نگارنده بخاطر دارم پیش‌ازطلوع سلسله پهلوی این عمارت گردشگاه عمومی بود وهرکسی بسلیقه خود میتوانست درآنجا تصرفاتی کند و یا یادگاری بنویسد و آنجا محل آش‌پختن ودخیل بستن شده بود ودرواقع خرابه وجغدنشین بود .

ولی پس از طلوع سلسله پهلوی روزبروز موجبات تعمیر و حفظ اینگونه عمارات با تصویب قانون عتیقات وتأسیس‌ادارات وابسته بآن فراهم گردید واکنون این کاخ تاریخی ودیگرابنیه باستانی تقریباً بحال اول برگردانیده شده‌اند. عمارت عالی‌قاپواکنون موردتعمیرات اساسی وتزیینی ومهارکشی‌آهنی بناواصلاح‌نقاشیهای داخل ساختمان وتجدید کاشیکاری جبهه خارجی و پشت بغلهای آن میباشد. کاخ مزبور درطی شماره ۱۰۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ تالار اشرف :

این تالار در مغرب خیابان صوراسرافیل اصفهان چند قدم پائین‌تر از تالار تیموری وباغ کاج وعمارت محل سکونت استانداری اصفهان واقع ومحل سکونت اداره‌کل آموزش وپرورش استان اصفهان است .

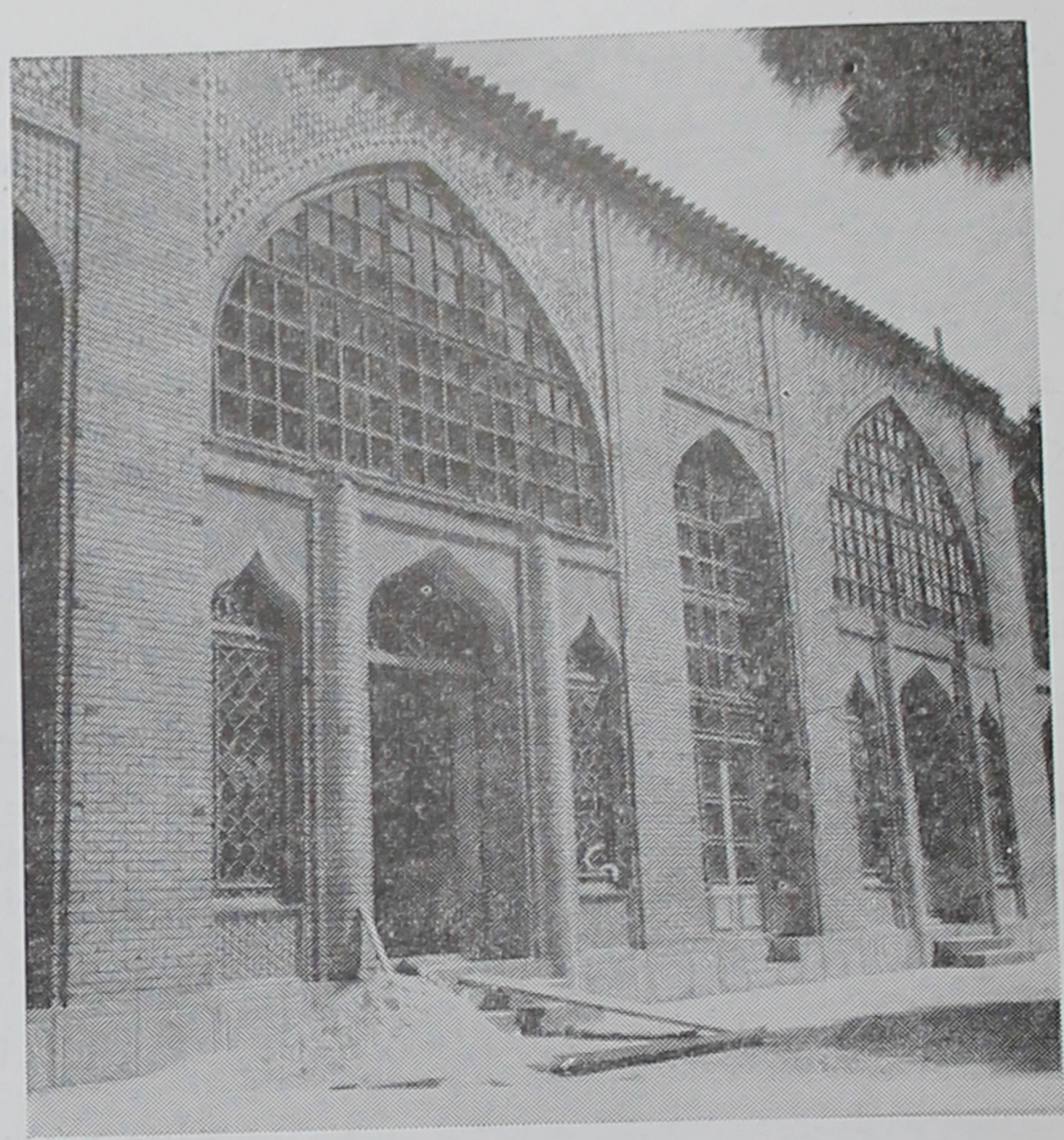
اصل ساختمان این تالار از احداثات شاه‌عباس دوم است و شاه‌سلیمان درآن درسال(۱۰۸۸ ه.ق) تاجگذاری کرده است . (ش ۳۰)

در وجه تسمیه آن به‌تالار اشرف وجوهی ذکر کرده‌اند : بعضی گفته‌اند که این تالار را اشرف افغان ساخته و برخی پنداشته‌اند که چون اشرف درآن اقامت داشته بنام اومعروف گردیده است وکسانی هم گفته‌اند چون عمارت این تالارمتصل به تالار طویله واشرف برسایرعمارات بوده باین نامش نامیده‌اند ولی‌بنظر نگارنده هیچکدام ازاین وجوه درست نیست . (ش ۳۱)

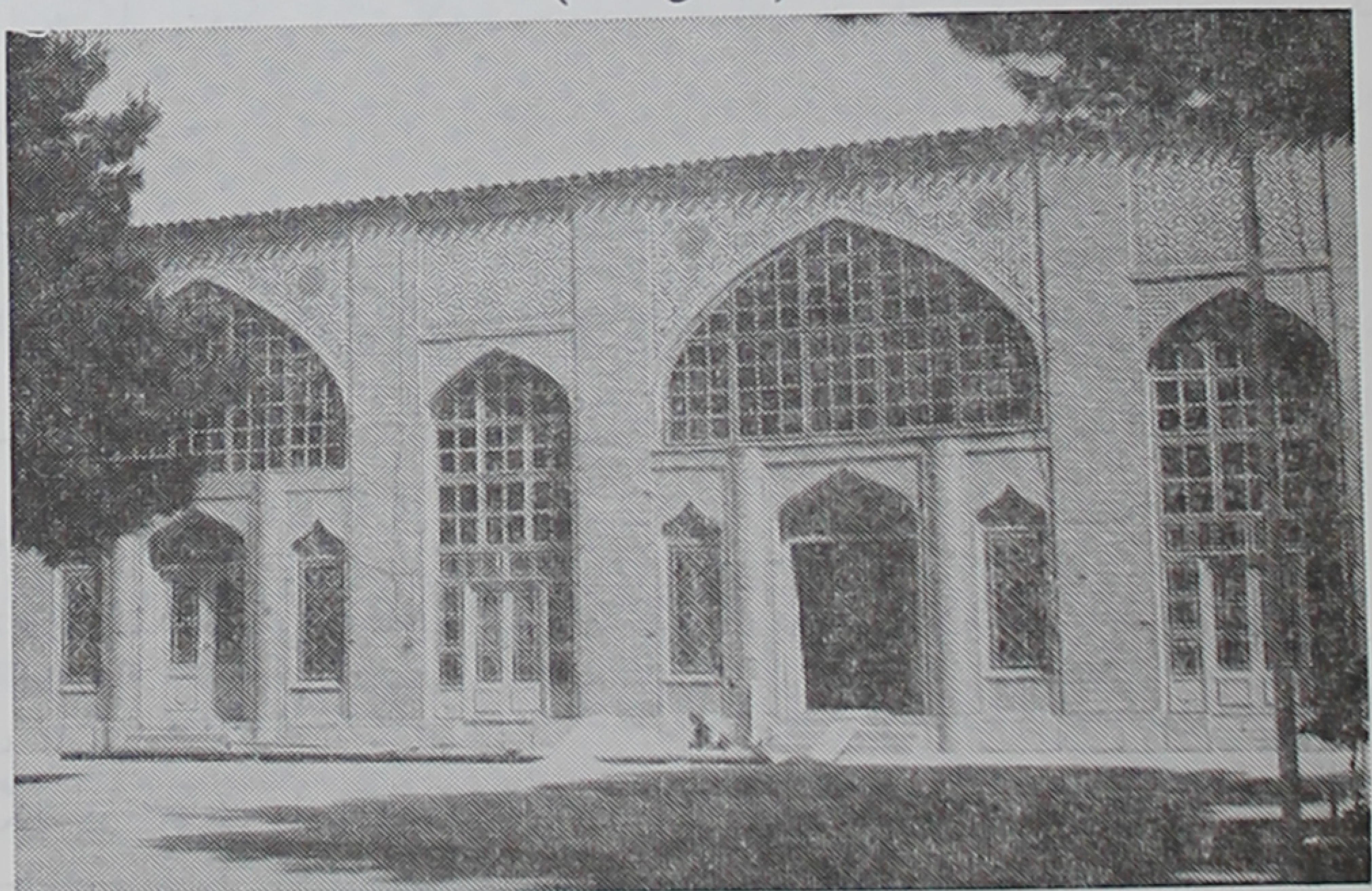
ممکن است گفت این تالار ازقصراشرف مازندران اقتباس شده یعنی‌ازلحاظ ساختمان مناسبتی داشته ولذا بنام تالاراشرف معروف شده است یا اینکه چون در زمان شاه‌عباس‌بشاه، خطاب اشرف میکردند و شاید چون جای او ویا جانشینانش

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۹ .



(شکل ۳۰)



(شکل ۳۱)

بوده باین‌نام خوانده‌اند راجع بوضع ساختمان وبنای این تالار، شرحی راکه مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[1] . عیناً نقل میشود :

« این عمارت مشتمل برسه قسمت وروبطرف جنوب ساخته‌شده وتالاراصلی »
« به مساحت ۱۴×۱۴متروبارتفاع ۱۱متردارای سقفهای ضربی ونقوش طلائی و »
« گچبریها وگل وبوته‌های لاجورد وزیبا است درچهارطرف تالار چهارشاه‌نشین و »
« بالاخانه‌های کوچك به اطراف دارد ، سقفش دارای مقرنس‌کاری‌های رنگین و »
« مخصوصی است که درهیچیك از ابنیه دوره صفوی نظیر ندارد ودرطرفین تالار »
« دواطاق مجلل دیگری است که سقفشان طلاکاری ودیوارهای اطراف منقش به »
« نقوش زیبا وعالی است بخصوص اطاق سمت شرقی‌که دفتر ریاست فرهنگ‌است »
« بقدری نقاشیهایش دلچسب وقشنگ است که بی‌اندازه جلب توجه مینماید . »
« این‌کاخ نیزخرابی بسیاردید، مدتی انبارعلوفه وزمانی سربازخانه بوده وقسمتی »
« ازنقاشیهای نفیس آن از بین رفته بود تا در زمان رضاشاه فقید این نقاشیها و »
« گچبریها بوسیله باستان‌شناسی اززیرگچ بیرون آورده شد و بطرز پسندیده‌ای »
« تعمیرودروپنجره‌هائی بسبك قدیم برآن نصب‌گردید. دروسط این‌عمارت‌حوضی »
« مستطیل‌شکل بزرگی است که درچهارطرف آن چهارباغچه مشجراحداث شده »
« ودرزوایای‌عمارت، ساختمانهای جدیدی‌برای نیازمندیهای اداره فرهنگ‌استان »
« دهم درسنوات اخیربعمل‌آمده است . »

« درشمال غربی عمارت‌زمین مسطح وسیعی است‌که باقیمانده عمارت‌صدریه »
« ومتصل بباغ چهلستون میباشد . این عمارت از طرف مشرق بوسیله طارمیهای »
« چوبی بخیابان صوراسرافیل متصل است . »

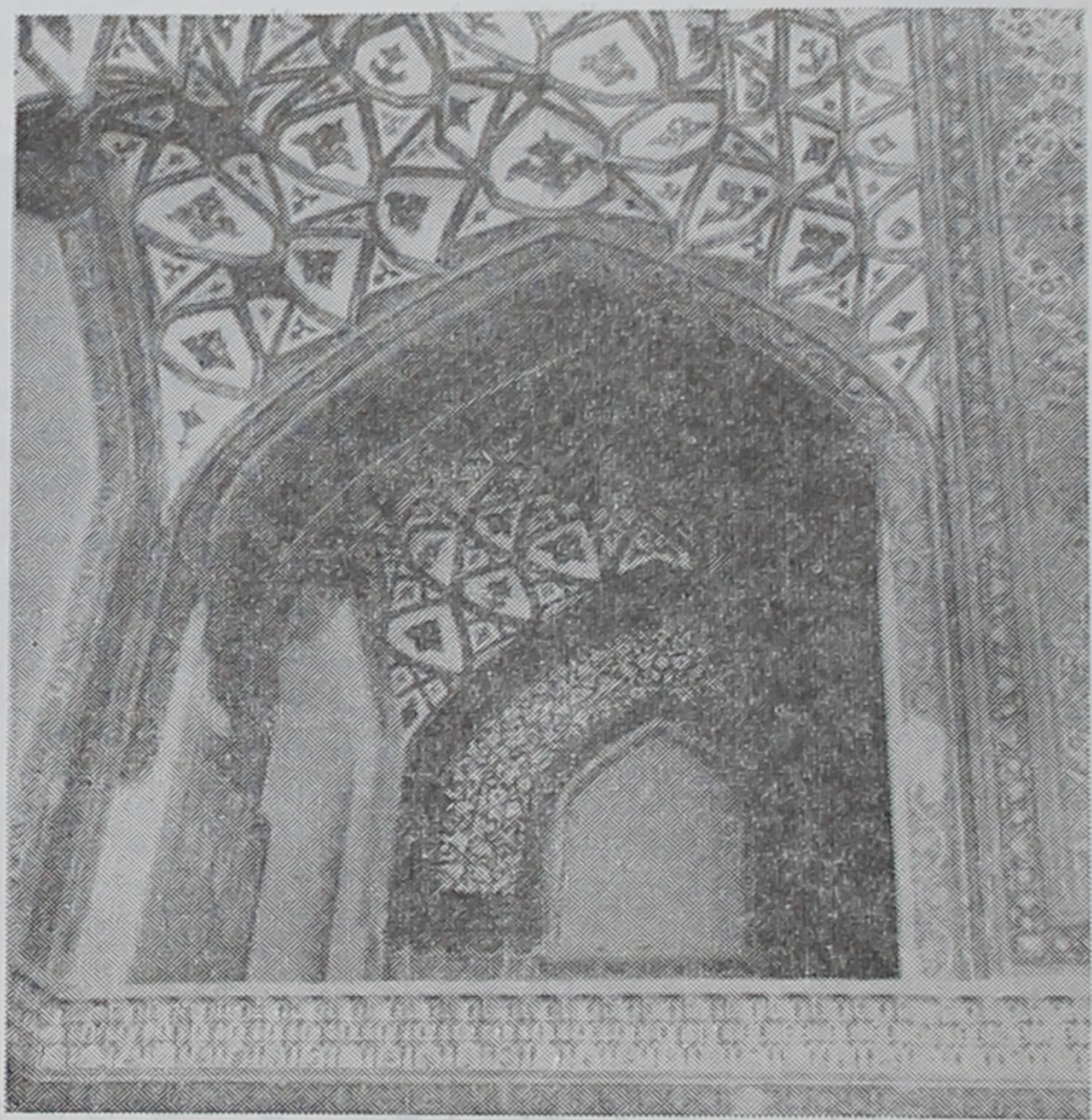
« دانشمند محترم جناب‌آقای مصطفوی رئیس‌اداره‌کل باستان‌شناسی‌شرح »
« مفصلی راجع به‌ابنیه تاریخی واین عمارت مرقوم فرموده و تحویل آنرا باداره »
« فرهنگ در ۲۳خرداد سنه ۱۳۰۶ ذکر فرموده‌اند .

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۷۴ تا ص۷۶ .

نگارنده درحدود سالهای ۱۳۰۸و۱۳۰۹شمسی بخاطر دارم که هنگام خرابی و تعمیر محل کنونی اداره‌آموزش و پرورش استان اصفهان طلاکاریهائی از زیر گچ بیرون آمد وروی همین زمینه‌گچ اطاقهای دیگررا نیز برداشتند تانقاشیهای طلائی خارج گردید. مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان چنین نوشته است[1] :

(ش۳۲)

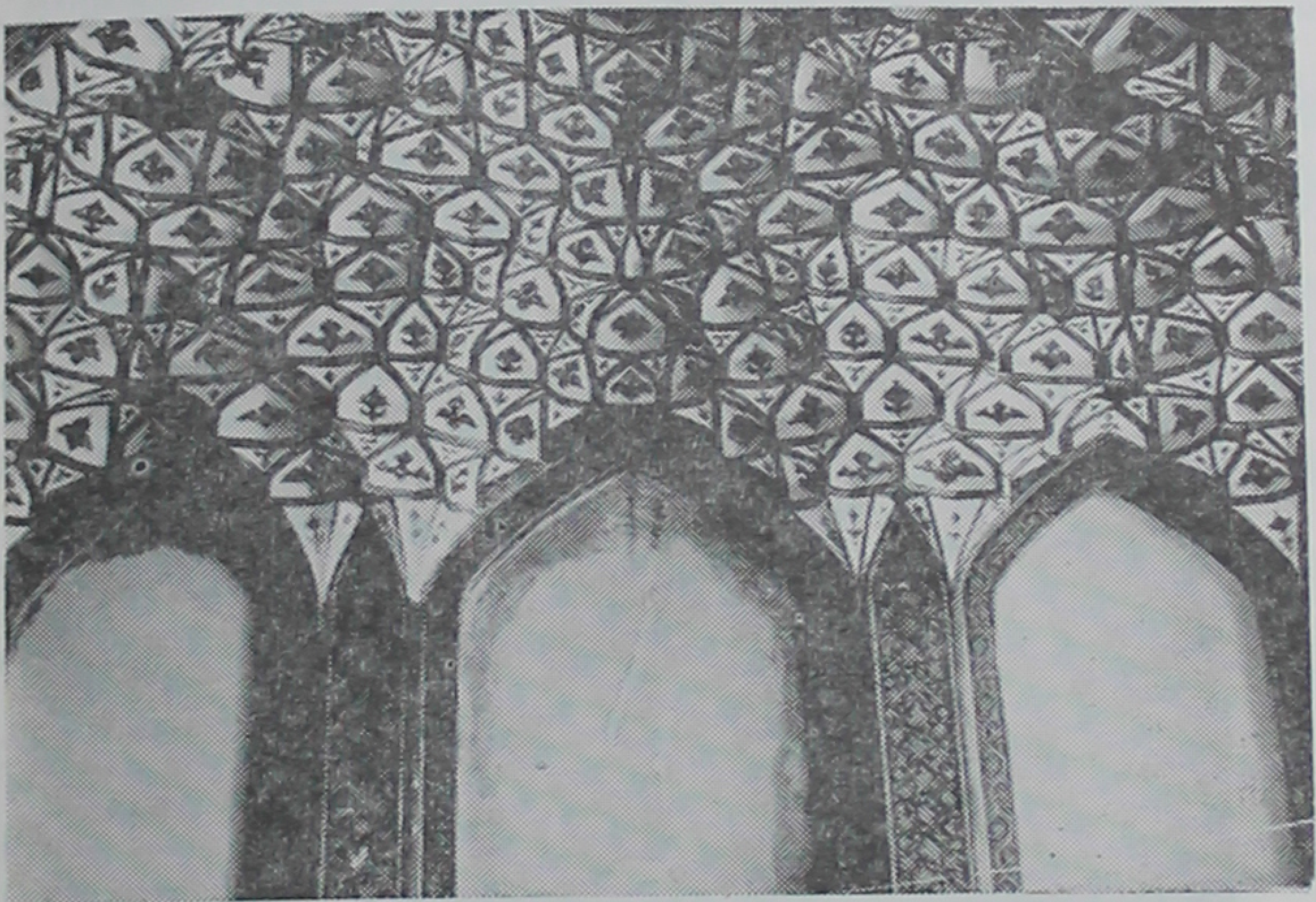


(شکل ۳۲)

« این بنا مجموعه‌ای ازاطاقها وتالارهای مزین وطلاکاری است وبه‌منظور »
« سکونت پادشاه و حرم سلطنتی از آن استفاده میشده است . خوشبختانه تالار »
« مرکزی این‌کاخ ویکی ازاطاقهای بزرگ‌آن برجای مانده‌است وعمده تزیینات »

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۸۱ .

« اصلی آنها باقی‌مانده ودر تالار دیگری نیز قسمتهای کمی از تزیینات باقی‌است، »
« اطاق وتالار اصلی بسیارمجلل است وگچبریهای برجسته لاجوردی و طلاکاری »
« دارد . طاقهای آن بلند واز مقرنسهای زیبای طلاکاری پوشیده شده است . زیر »
« مقرنسها هم با صفحات بزرگ گچبری و طلاکاری تزیین شده ودر تالار مرکزی، »
« ترنج وسط اطاق که طلائی خالص است جلب توجه میکند، کلیه درها وپنجره‌های »
« این عمارت بسمت جنوب بازمیشده ولی باکمال تأسف حتی نمونه‌ای از آنها باقی »
« نمانده است . » (ش۳۳)

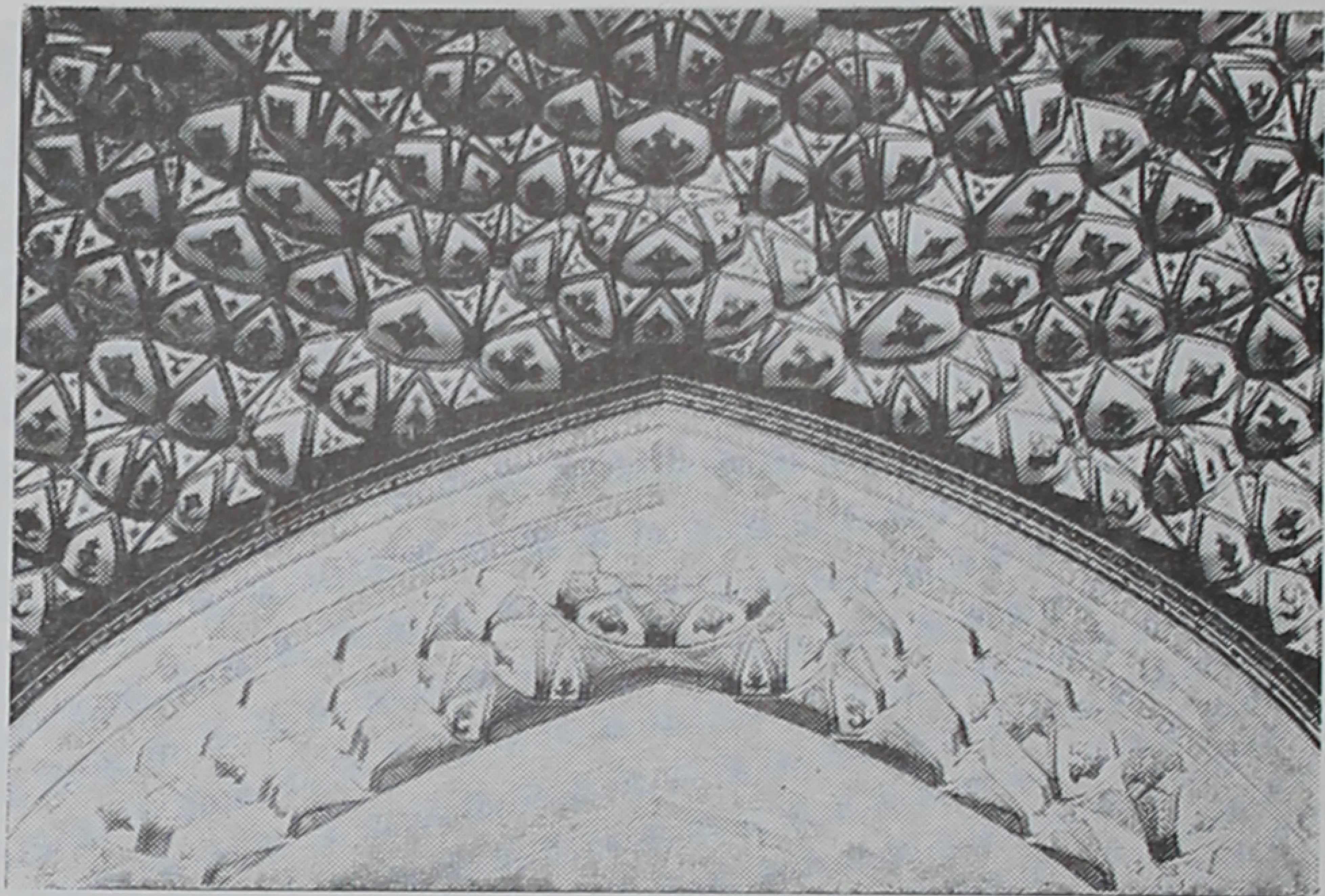


(شکل ۳۳)

حاج میرزا حسنخان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است[1] :

« عمارت اشرف نیز دستگاهی و نقشهائی شگرف داشت ، چنداطاق سمت »
« مغرب واطاقهای قبلی و ۱۳۰۸ که ظل‌السلطان میرزا حبیب‌الله‌خان مشیرالملک »
« انصاری را چندماهی درآنجا محبوس داشت شرحش را درآگهی شهان نوشته‌ام، »
(ش۳۴)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۱ .



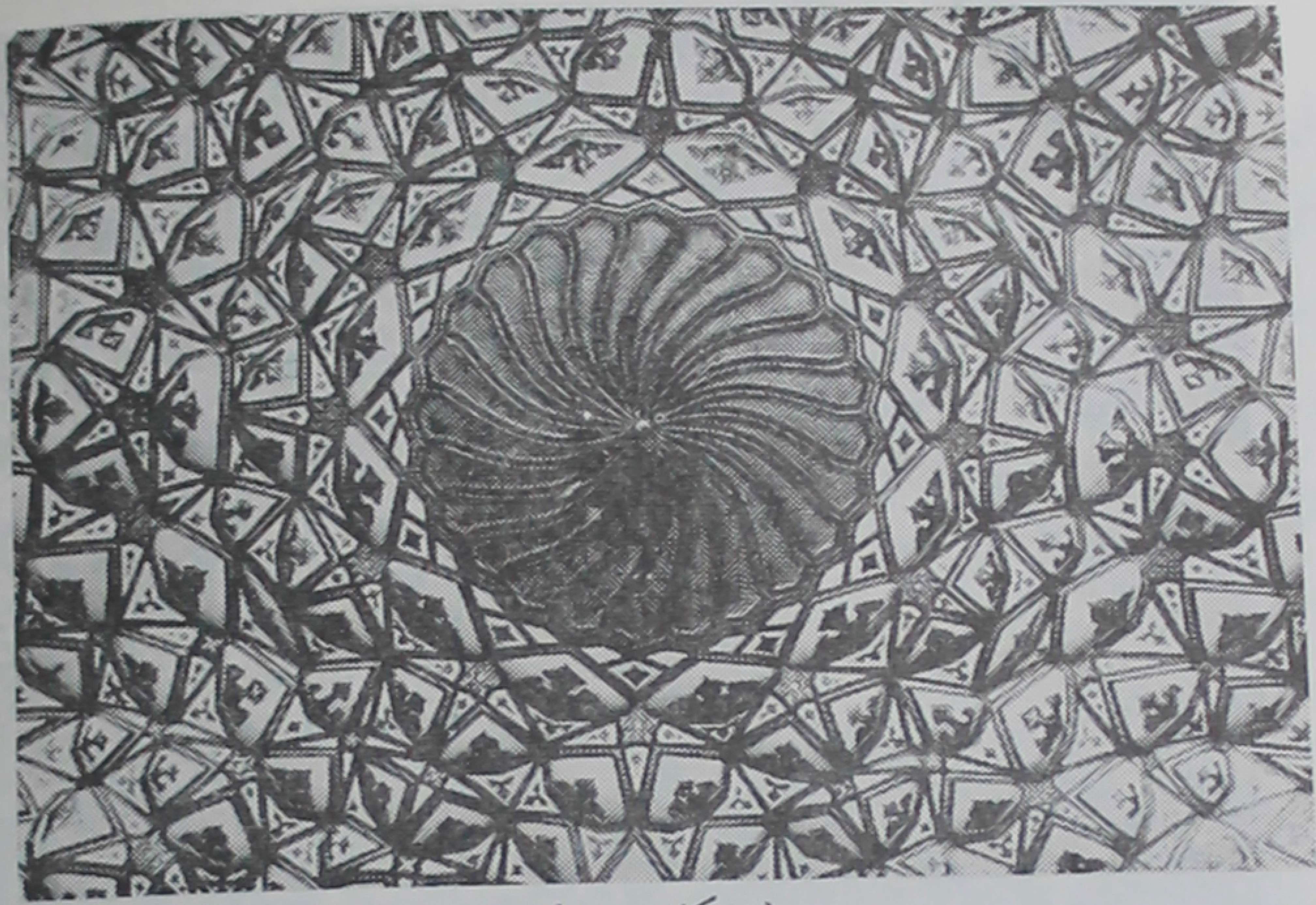
(شکل ۳۴)

« دوماهی هر روز بنده تماشای نقاشی استادانه اطاقها را میکردم و نقاشان استاد »
« میآمدند ازروی آن نقاشیها نقشه برمیداشتند وباصطلاح خود (گرته) میگرفتند »
« ازگچبریهای ممتاز بی انبازش بشکل درختان ومرغان . امروزه درب آن عمارت »
« در خیابان تقاطعی میان خیابان دروازه دولت و خورشید باز میشود . و بعضی »
« عمارت اشرف را میگویند همان زمان صفویه که ساختند این نام گذاردند، از »
« چنداطاق که پس‌از عزل ظل‌السلطان در عمارت اشرف‌که باقی بود میرزا محمد »
« دستجردی نظام‌الاسلام آقای حاج آقا نورالله را اغفال کرد وویران نمود، بعد جلو»
«گرفتند .» (ش ۳۵)

درجای دیگر آن کتاب دروجه انتساب این عمارت به‌اشرف چنین گفته که چون اشرف دراین کاخ جلوس میکرده بنام اومعروف شده مانند عمارت صدری‌که مربوط بدوره صفویه بوده و در اثر اقامت صدر اصفهانی درآن بدیوانخانه صدری معروف گردیده است[1] . خرابی عمارت اشرف در (۱۳۱۷ هـ.ق) اتفاق افتاد[2] . و

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ .

۲ــ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۱۱۳ .



(شکل ۳۵)

فقط قسمتی از آن باقی ماند که شرح آن داده شد . این اثر باستانی زیر شماره ۱۰۶ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۵ ـ تالار تیموری = عمارت تیموری :

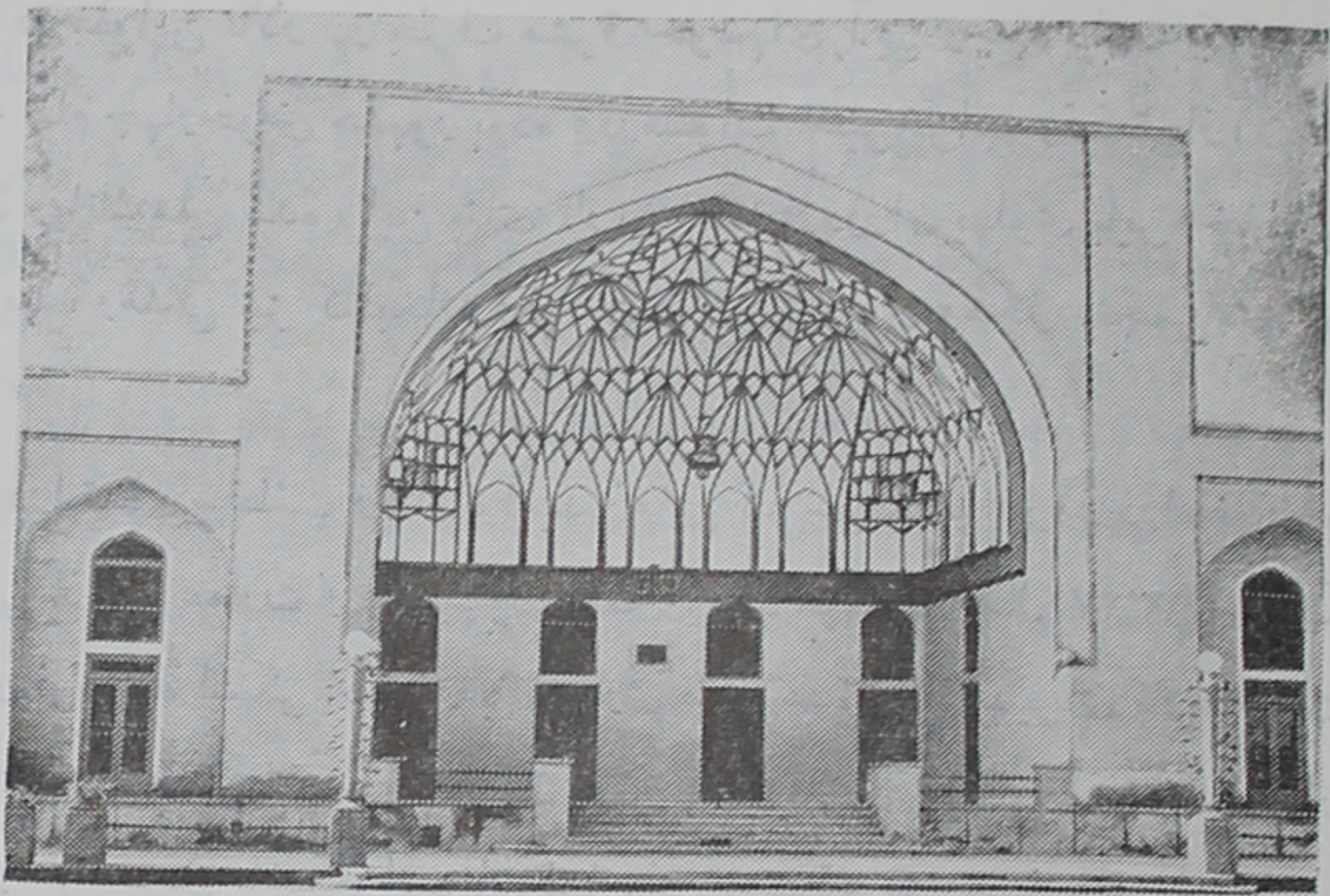
در طرف جنوب خیابان صوراسرافیل که بخیابان استانداری نیز شهرت دارد عمارت تیموری واقع گردیده ومعروف اینستکه این تالار و عمارت یا از احداثات تیمورلنگ ویا ازعماراتی است که در آن جلوس کرده است و در هر حال بنای آن مربوط بدوره تیموریان است .

این تالار دارای سقفهای آجری مقرنس است که با رنگهای لاجوردی و طلائی ساخته شده و آثار گچبریهای جالب و خیره کننده در آن باقی است ، وپس از اینکه مقر باشگاه افسران قرار گرفت از روی مینیاتورهای کاخ چهلستون تابلوهائی در آن اضافه گردیده است . (ش ۳۶)

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین تالار تاریخی شرحی مختصر

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص ۵۶ .



(شکل ۳۶)

وجامع نوشته که عیناً درج میگردد[1] :

« این بنا از آثار زمان تیمورلنگ است که پس از قشونکشی بایران وقتل »
« وغارتی که نمود از لحاظ ذوق هنری که داشت دستور ساختمان این بنای رفیع »
« را درمجاورت باغ نقش جهان که از آثار سلاجقه باقی بوده داده وبدستور او وسرپرستی »
« وسعی شاهرخ بن تیمور این بنا بصورت بسیار زیبائی ساختمان گردید . »
« این بنا درحال حاضر دارای دو اطاق بزرگ (سالن) وسیعی است که جلو »
« آنرا ایوان وسیع ومرتفعی فراگرفته . در اطراف آن چندین اطاق تودرتو متصل »
« بیکدیگر میباشد . »
« این اطاقها وایوانهای اطراف که حالا جلو ایوان جنوبی آن بسته شده »
« دارای سقفهای مقرنس آجری است که با رنگهای لاجورد وطلائین ساخته شده »
« بود ودرقسمتهای بالا نیز گچبریهائی بوده که اکنون نیز آثارش نمایان است این »
« عمارت پنجره‌های گچبری بسیار ریز وقشنگی داشته است . »

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۶۸ .

« درجلواین تالار رو بطرف مشرق حوضهای آبی وجود داشته که دردوره »
« صفویه بنام چهارحوض مشهور بوده ودرسنوات اخیرخراب وقسمتی‌ازآن جزو »
« خیابان وبانك ملی شده ، این بنای تاریخی قبل‌ازدوران پهلوی بایر وخرابیهای »
« بسیاردید ، ومدتی نیز کتابخانه وقرائت‌خانه شهرداری ومحل انجمن شهربوده »
« است . »

« درابتدای سلطنت رضاشاه فقید زمانی که سرلشکر فیروز دراصفهان بود »
« تعمیراتی ازاین عمارت و چهلستون بعمل آورد سپس در سال ۱۳۲۷ سرلشکر »
« معتضدی فرمانده لشکر اصفهان با همکاری مالی عده‌ای ازمدیران کارخانجات و »
« تجار وهنرمندان ومهندسین اصفهان تعمیرات شایان وقابل توجهی دراین‌عمارت »
« نموده وآنرا محل باشگاه افسران قرارداد ودرموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان جهت کلنگ‌زدن تونل کوهرنگ این باشگاه نیزبدست شاهانه »
« درمهرماه ۱۳۲۷ شمسی رسماً افتتاح گردید. سپس سرلشکرمعتضدی ازسال ۱۳۳۰ »
« بایك عشق وعلاقه خاص وذوق سرشاری برزیبائی وتکمیل این عمارت تاریخی »
« افزود و بخصوص قسمت غرب عمارت را که رو بانهدام میرفت با ساختن بنای »
« جدیدی درپشت آن موجب استحکام واستواری بنای قدیم ورفع حوائج باشگاه »
« را ازحیث اطاق کافی فراهم ساخت ، چنانچه درموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان درمهرماه ۱۳۳۲ باشگاه ازهرحیث با وسائل شایسته وشاهانه »
« بطوری آراسته ومجهز بودکه درتمام مدت دراین کاخ بسر بردند . بربدنه دیوار »
« ایوان شرقی عمارت این عبارت برسنگ لوح مرمری نوشته شده است : »

« درعهد سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی ومساعی تیمسار سرلشکر »
« نصرت‌الله معتضدی فرمانده لشکراصفهان عمارت باستانی تیموری تعمیروباشگاه »
« افسران تأسیس گردید مهر ۱۳۲۷ . »

درجنوب عمارت سنگابی است که دراطراف آن این اشعار نقش شده است:

یافت توفیق ز رب متعال باغبان شه دارین کمال

کرد آراسته جامی ز رخام	که شود بهره‌ور از کوثروجام
تا خورد آب از او تشنه لبی	گردد آمرزش او را سببی
چون شد ازآب بقا مالامال	«باغبان» گشت سنه جام‌کمال
	۱۰۵۶

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان فرد آخراشعار نوشته شده : باغبان گشت بسرحدکمال وبدیهی است‌که اشتباه خوانده شده است، بعلاوه کلمه (باغبان) بحروف جمل مساوی۱۰۵۶ است درصورتیکه درکتاب مزبور۱۰۵۹ ثبت شده‌است.

این اثر باستانی درجریان ثبت تاریخی است[1] .

۶ـ سردرقیصریه :

درمقابل مسجدشاه درشمال‌میدان‌شاه اصفهان سردری هلالی‌شکل باکاشیکاری مجلل وبا شکوهی پدیدار است که ازآنجا داخل بازار قیصریه میشوند .

این سردر بامر شاه‌عباس بزرگ درسال (۱۰۱۱ ه.ق) از روی سردر قیصریه آسیای صغیرساخته شده وچون درقدیم‌الایام‌عموم مردم بخصوص سلاطین‌وپادشاهان باوضاع کواکب توجه داشتند ساختمانها را نیز در ساعات میمون و اقترانات سعد بنا میکردند وگویا هنگام شروع بساختمان این بنا طالع دربرج قوس بوده است و ازاینرودربالای سردربرج قوس را که ازستاره‌هائی تشکیل میشود که پیکره‌کمان را نشان میدهد ترسیم وانسان نیم‌تنه‌ای که نیم‌تنه دیگرآن بصورت‌حیوان‌درنده‌ای است با دردست داشتن تیروکمان نقاشی کرده‌اند ودروسط این سردر نقش خورشید با طرزی جالب وعالی مشاهده میشود . (ش۳۷)

درداخل این سردرنقاشیهای بسیارزیبا وجود داردکه دراثرمرورزمان خراب وازبین رفته وآن تصویر یکی از جنگهای شاه‌عباس بزرگ با ازبکها میباشد . در بالا وپائین سمت راست تصاویری از مردان وزنان اروپائی درحال عشرت نمودار و طرف چپ شکارگاه است . درقسمت بالا روبرو دریچه‌ای است که درقدیم‌جای‌ساعت

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۱ .



(شکل ۳۷)

بزرگی بوده و در اوقات روز زنگهائی میزده و پاندولش موجب حرکات و بازیهای گوناگون باشکال منقش مانند پرندگان و حیوانات که از چوب نقاشی شده بود میگردید . وگفته‌اند که دربالای آن‌ساعت ناقوسی وجود داشته‌که ازدیر هرمزشاه آورده بود(۱) .

طرفین سردر قیصریه سکوهای‌وسیعی ازسنگ یشم وسماق نصب شده‌است، درقدیم جواهرفروشان وزرگران بساط خودرا روی‌آنها گسترده و متاعهای خود را بفروش میرسانیدند . درجبهه چپ سردر منظره شکار دسته جمعی‌شاه‌عباس ونیز تصویر جوانی‌را نشان میدهد .

درطرفین سردر نقاره خانه‌ای وجود داشته‌که تا این‌اواخر در ایوانهای آن هنگام غروب و طلوع آفتاب چنانچه مرسوم بود نقاره مینواختند ، نگارنده بیاد دارم‌که در سالهای تا ۱۳۰۷ شمسی این عمل انجام میشد . در حجرات و ایوانهای نقاره‌خانه نقاشیها وگچبریهای عالی مانند تزیینات طبقه ششم عالی‌قاپو وجود داشت که در۱۳۰۷ شمسی از میان رفت و تزیینات جدیدی انجام دادند .

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ .

هنگامی که عابران وارد سردر میشوند داخل بازار قیصریه میگردند، این بازار از بناهای شاه عباس بزرگ است که در زمان قدیم گران بهاترین پارچه‌های زربفت را در آنجا میفروخته‌اند. نمایندگان تجار خارجی نیز در این بازار حجره‌هائی داشتند.

بازار مزبور که ببازار شاهی نیز شهرت دارد از سردر قیصریه شروع و ببازار چیت‌سازها و از آنجا ببازار دارالشفاءِ منتهی میشود و امروز محل فروش بهترین قلمکارها و کارهای دستی اصفهان است. در این بازار محلی بنام ضرابخانه معروف شاهی وجود دارد و سرای معروف شاه نیز در این بازار واقع است.

چهارسوی ضرابخانه که مانند آن نه در اصفهان و نه در ایران وجود دارد و چهارسوی بازار چیت‌سازها در جنب دارالشفاءِ در این بازار واقع است. تیمچه‌های جهانگیر وشله نیز درهمین بازار است. بازار سماورسازهای کنونی که در قدیم به بازار مثقالی فروشها موسوم بوده دارای چهارسوی بی‌نظیری است مسمی به چهارسو کرباس فروشها که حوضی بسبک صفوی در وسط آن میباشد و بوسیله بازار کوچکی به چهارسوی چیت‌سازها متصل میشود.

اینکه این بازار را مثقالی فروشها میگفته‌اند از این رو بوده که پارچه های گران بها و زربفت را در آن بازار مثقالی میفروخته‌اند. از بازارهای متصل ببازار قیصریه است بازار زرگرها که بامر شاه‌عباس و بوسیله محبعلی لله‌بیك بنا گردیده است، این بازار از چهارسوی کرباس فروشها ببازار قهوه کاشیها منتهی میشود، در وسط آن چهارسوی زیبائی قرار دارد و انشعاب آن بازاری است که به دارالشفاء منتهی میشود.

دارالشفاء نام تاریخی بیمارستان بسیار بزرگ شاهی است که در عهد صفویه وجود داشته واکنون قسمتی از زمین ویرانه آن بصورت مسجدی کوچك بنام مسجد دارالشفاء بناشده و معروف است.

بازار دیگر بازار تفنگسازها میباشد که ازمبانی دوره شاه‌عباس بزرگ است. بازار مزبور از در سرای مخلص ببازار سماورسازها منتهی میشود، و بازار منشعب

از آن چخماق سازها نام دارد ، ایـن دو بازار را زمانی بنام بازار شمشیرگرها میخواندند[1]

تاریخ قطعی ساختمان سردرمذکورمعلوم نیست آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۴ که شاه عباس بازار قیصریه وتمام بازارهای اطراف میدان نقش‌جهان وکاروانسرا و حمام نزدیك میدان از ساخته‌های خود را وقف بـر پیغمبر اسلام نموده و صورت وقفنامه آن درکتاب قصص الخاقانی ضبط شده[2] سردرقیصریه‌هم ساخته شده بوده است ولی این نکته با آنچه در آثار ایران گفته شده[3] که تاریخ اتمام ساختمان سردر قیصریه سال (۱۰۲۶ هـ . ق) است مطابقت ندارد ، مگر ایـن‌که گفته شود تزیینات ونقاشیهای آن در سال (۱۰۲۶ هـ . ق) انجام یافته است .

در گنجینهٔ آثار تاریخـی اصفهان در بـاره کتیبه سردر قیصریـه چنین نوشته شده است :[4]

« بین نقاشیهای جبهه های سه‌گانه سردر قیصریه وپشت بغلهای کاشیکاری عهد»
« صفویه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار بـدستور ظل‌السلطان حکمران »
« اصفهان یك حاشیه کاشیکاری در امتداد سه جانب سردر و بعرض سی‌سانتیمتر »
« به‌تزیینات این‌سردر اضافه شده‌است وباین‌مناسبت‌کتیبه‌ای نیزنصب شده‌که بخط »
« نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بشرح زیر است : »

« در عهد دولت وزمان وسلطنت اقتدار سلطان الاعظم و الخاقان الاکرم ، »
« اعدل‌الخواقین‌واکرم‌السلاطین اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه جمجاه پادشاه‌اسلام»
« پناه السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان ابو... خسرو »
« صاحب قران ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه وسلطانه برحسب امرقدر قدر»
« مبارك حضرت سپهر رفعت اقدس اشرف امجد ارفـع والا شاهنشاه زاده اعظم »
« ظل‌السلطان حکمران و فرمانفرمای ایالات اصفهان وفارس وعراق وعربستان و»

۱ـ بنقل‌ازبخشی ازگنجیه آثارملی صفحات ۱۹و۲۵و۲۷ . ۲ـ زندگانی‌شاه عباس‌اول ج۳ ص۲۱ . ۳ـ آثار ایران ج۲ ص۲۹ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۶ تا ص۴۶۷

« لرستان و یزد و مضافات بسرکاری و اهتمام مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان مستوفی »
« مخصوص صورت اتمام وسمت انجام پذیرفت کتبه المنتسب بسیادة القرشی چاکر »
« درگاه اسدالله الحسینی القرشی سنه ۱۲۹۸ » .
« و در وسط این حاشیه کاری در جانب غربی سردر بخط نستعلیق آبی »
« برزمینه کاشی سفید نوشته شده : »
« بسعی مقرب الحضرة الوالا مصطفی قلیخان فراشباشی باتمام رسید . »
« ودرانتهای این حاشیه کاشیکاری بخط نستعلیق آبی برزمینه سفید نوشته شده: »
« عمل کمترین آقاجان فخار سنه ۱۲۹۸ . »
« خطوط بنائی درطرفین جلوخان سردر قیصریه : »
« برجرزهای طرفین مدخل بازارقنادها درسمت راست سردر قیصریه و بازار »
« کفاش‌ها در سمت چپ سردر دو شکل مربع بخط بنائی لاجوردی رنگ معرق »
« برزمینه آجری دو بیت شعر بشرح ذیل منقوش است : »

« غرض نقشی است کزما باز ماند | که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب‌دلی روزی برحمت | کند در کار مسکینان دعائی »

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع ببازار قیصریه چنین نوشته است:[1]
« در عقب سردر بازار شاهی مشهور به «قیصریه» است که در سال ۱۰۲۹ هـ »
« ۱۶۱۹ م دربرابر قیصریه رم ساختمان گردیده. این بازار بزرگترین وباشکوهترین »
« بازارهای اصفهان بوده است ، دروسط بازار محوطه بزرگ مدور شکلی است که »
« گنبد زیبای بلندی دارد و درطرف مغرب کاروانسرای با شکوه شاهی که دوطبقه »
« ودارای تقریباً ۱۵۰ حجره است قرار دارد ، درمشرق بازار ضرابخانه بوده که »
« حالا تجارتخانه می‌باشد ، دراین بازارمانند قدیم پارچه‌های گوناگون وقلمکارهای »
« اصفهانی وغیره بفروش میرسد . »
« درجلو این سردر درقدیم حوض آب بسیار بزرگی وجود داشت وچهار بازار »

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ و ۸۷

« شاهی نیز همین جلوخان شروع میشده که فعلاً بجای حوض قدیمی گلکاری »
« وحوض کوچك دیگری ازطرف شهرداری ساخته شده ونسبة قابل توجه است . »
« دربالای سردر قیصریه روی‌کاشی بخط نستعلیق نوشته شده که : »
« درزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وحکمرانی ظل‌السلطان بسرکاری »
« میرزا نصرالله خان مستوفی بسال ۱۲۱۸ [۱] تعمیر بعمل‌آمده و برای نگهداری »
« این‌سردر تاریخی تا این‌سال توجهی بعمل نیامده و نقاشیهای‌آن ازبین رفته و »
« بداخله‌آن نیز خرابی وارد شده اکنون باستان شناسی درنظر دارد تا حد امکان »
« تعمیرات آنرا بنماید . »

مجموعه سر در و بازار و نقاره‌خانه طی شماره ۱۰۳ بثبت تاریخی رسیده است . [۲]

ی - بازارها

بطوریکه در قسمت بازارهائی‌که سابقاً وجود داشته وازمیان رفته است‌گفته شد دراصفهان بازار ازقدیم الایام وجود داشته است ویك‌یك ازبازارهای ویران‌شده نیزدرجای خود بیان‌گردید .

بازارهائی‌که بیشترآن ازساختمان سلاطین وبخصوص سلاطین صفویه است ووجود دارد بقراری است‌که درپائین‌مینگارد:

۱- بازار قیصریه :

شرح این‌بازار وانشعابات آن درسردر قیصریه تشریح‌گردید و نیازی باعاده آن نیست .

۲- بازارگلشن یاجارچی :

این‌بازار از چهار سوی قلندرها تا محل دروازه اشرف امتداد دارد واز ساختمانهای عصر صفوی است .

۱- درمتن کتاب ۱۲۱۸ نوشته شده ولی این‌تاریخ اشتباه و درست آن ۱۲۹۸ می‌باشد.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۹ .

اماکن قدیمه‌ایکه دراین‌بازار واقع‌شده مسجدملك علی‌بیك جارچی‌باشی از عهدشاه عباس‌کبیر (۱۰۱۹ ه . ق) ومدرسه ملاعبدالله (۱۰۲۲ ه . ق) میباشد .

سراهای : جارچی‌باشی ، بزرگ ، گلشن ، ارباب ، فخر ، دوتیمچه که همه تجارتی هستند دراین‌بازار واقع شده‌اند .

۳- بازار دروازه اشرف :

این‌بازار ازدروازه اشرف شروع وتا چهارسو شاه و مدرسه ملاعبدالله امتداد دارد وازاحداثات عصرصفویه است . مدرسه جده بزرگ(۱۰۵۸ ه . ق) ومدرسه ملاعبدالله ازبناهای شاه‌عباس‌کبیردراین‌بازار واقع است ، چهارسوی شاه از بناهای شاه عباس است .

سراهای : محمدصادق خان ، مخلص ، تیمچه درقهوه‌کاشیها ، تیمچه‌ملك و عصارخانه وحمام شاه در این بازار قرار دارند ، بازار منجم باشی‌که به چهارسوی ساروتقی منتهی میشود از انشعابات این بازار است و قسمتی از کاشی‌کاری آن باقی می‌باشد .

مدرسه جده‌کوچك (۱۰۵۶ ه . ق) ازاحداثات زمان شاه عباس‌ثانی نیز در این‌بازار (منجم‌باشی)واقع است. دنباله این‌بازار در زمان‌صفویه‌ببازار بسیارطولانی وبزرگ مشعلدار باشی متصل میشده‌که امروز اثری ازآن نیست.

۴ و ۵ - بازار لوافها وآهنگران :

این دوبازار دردوطرف خیابان حافظ که از میدان‌شاه منشعب میشود قرار دارند. درشرق بازار آهنگرها کوچه‌ایست بنام بیگدلیها وسرائی بزرگ وحمامی ومحل‌دیگری هم بهمین‌نام معروف است .

خاندان بیگدلیها مربوط بسلسله شاملو و از طوایف قزلباش بوده‌اند وآذر بیگدلی صاحب تذکره معروف ازاین خاندان است .

مدرسه خواجه ملك درشمال مسجد شیخ لطف‌الله ومشرق بازار لوافان و

آهنگران واقع بوده است .

۶ ـ بازار کفشدوزها :

این بازار ازدرمسجد شیخ لطف‌الله بدر مسجدشاه امتداد دارد، ازجانب جنوب و غرب میدان نقش جهان و طرفین کاخ عالی قاپو دنباله چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان پیوسته بوده واکنون جزء ادارات شهربانی ودخانیات است .

۷ ـ بازار رنگرزها :

این بازارکه ازبناهای شاه‌عباس‌کبیراست ازبازارترکشدوزها ببازار دارالشفاء منتهی میشود واکنون هم دائر است .

۸ ـ بازار چهارسو نقاشی :

بازار بزرگی بوده که قسمتی از آن باقی مانده و اکنون در جنوب خیابان شاه‌عباس واقع است مدرسه مریم بیگم وچهارسو نقاشی دراین بازار واقع بوده‌اند .

۹ ـ بازار مقصودبیك = یا چهارسو مقصود :

این بازار ازجنوب شرقی میدان نقش جهان تابازار حسن‌آباد امتداد دارد . امامزاده احمد ، مسجد ساروتقی ، در این بازار در نزدیکی حسن‌آباد واقع‌شده‌اند ونیز تکیه‌گلبنده‌ها در نزدیك امامزاده احمد قراردارد .

۱۰ ـ بازار غاز :

این بازار ازآخرگلبهار شروع وبه‌محله جوباره اتصال داشت وازطرف دیگر بواسطه‌بازارخروجی‌بزازها ببازاربزرگ‌متصل میشداوکنون‌دربین‌خیابان رضاپهلوی وکمال اسماعیل قراردارد .

۱۱ ـ بازار ریسمان :

این بازار ازانشعابات بازارعربان وبه‌میدان هاتف متصل ومدرسه کاسه‌گران درآن بازار (ریسمان) واقع است .

۱۲ ـ بازار نجف‌آبادیها :

این بازارازمنشعبات بازار عربان قدیم بوده است وسراهائی که دراین بازار

قراردارند: خانی واردستانی میباشد. ازاین بازارکوچه‌ای منشعب میشودکه به دو مناره گنبد سلطان‌بخت‌آغا ملکه آل‌مظفرمیرسد، دروسط راه حمام کوچکی است ازآثار شیخ بهائی (۱).

۱۳ - بازارمقابل بازارعربان:

این بازار بازاری است مقابل بازار عربان از جانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه تا محل معروف به‌پادرخت سوخته یادرخت سوخته، این قسمت نیز از بازارهای قدیمی اصفهان و از منشعبات آن بـازار هارونیه است که تامسجد علی ادامه دارد، ودرقدیم‌این بازاررا بازار بوریابافها مینامیدند وسرائی هم هنوزبنام سرای بوریابافها باقی است. انشعاب دیگر بازار عربان بازارچه آقا میباشد. سراهای واقع دراین بازار: سرای‌آقا وسرای پادرخت سوخته است. یکی ازدرهای هارونیه از بناهای دورمیش‌خان‌شاملو (۹۱۸ه.ق) دراین بازارچه میباشد، قسمتی ازکاشیکاری سردرآن مورددستبرد وخرابی قرارگرفته است، باغچه عباسی که

---

۱ - حمام شیخ بهائی مانند حمام علیقلی‌آقا دوحمام است، کوچك وبزرگ، زنانه‌ومردانه، ولی بطرح وطرز دیگرعالی ومرغوب است ومذکور ومعروف است که آن حمام تازمان غلبه افغان دربگلخن آن بسته وگل گرفته بوده وهیچ آتش درآن نمیشده، هرروزه آب تازه‌روی خزانه میکردند آبش بیك میزان گرم بوده است، تاآن زمان سرش را بازکردندکه سرش‌را بیابند، چراغی دیده بودند روشن زیرپاطیل‌گذاشته بمجرد بازشدن گلخن فوراًچراغ‌خاموش شده غالب اهل اصفهان‌هم اعتقاد بروقوع این مطلب دارند، صدق وکذب‌آن راخداداناناست، چله‌خانه دارد بسیاربزرگ در سرحمام که یك درآن بخانه شیخ باز بوده حال درب روبخانه را گرفته‌اند ازوصله‌های شیخ‌مرحوم چیزی که کماکان درآن حمام تاکنون‌باقی است‌جام‌برنجی پشت‌ورو، آیات واعداد کنده شده است‌که میگویند افسون‌کردهٔ شیخ است وازشهروبلوکات هرکس بداند برای حاجات مردوزن میروند و آب ازآن جام برسرمیکنند واز جماعت کثیر شنیده شده‌که گشایش حاصل کرده‌اند، اززمانی‌که حمام مزبورساخته شده اکنون بازار این حمام بهمین‌جهت رواجی دارد دیگرخلایق بحسن عقیده و اعتقاد صاف خود بمطلب میرسند، یااینکه درواقع اثرجام است، کسی نمیداند عالم‌السرایر خدا است. (جغرافیای اصفهان از ص ۲۰ تا ص۲۱ که با گزارش (۱۳۰۰ ه.ق) میرزاعلیخان نائینی مطابقت دارد) نگارنده بخاطردارم وباین‌حمام رفته‌بودم (بین‌سالهای ۱۳۰۷تا ۱۳۰۰ شمسی) وچنین‌جامی که اعداد روی‌آن کنده شده بود وکلماتی ازقرآن نیزدیده میشد در خزانه حمام وجود داشت و هرکس میل داشت ازآن جام برنجی آب برسر میریخت.

درحدود سال (۱۰۰۰ ه.ق) محل اقامت شاه‌عباس کبیر بوده درجانب غرب این‌بازار واقع ودر مقابل هارونیه میباشد .

۱۴ ـ بازار درتالار = بازار نیماورد :

این بازار ازپادرخت سوخته تاچهارسوی درباغ قلندرها ممتد ودنباله همان بازارهای قدیمی اصفهان است که ساختمان آن مربوط به پیش از سلاطین صفویه میباشد .

ازسراهای معروف این بازار است : سرای سفید ، میراسماعیل ، مردارکشها (مروارید فروشها) ، میرزا کوچك ، سرای تالار ، سرای حاج کریم (سه سرای اخیر تجارتی است) ، سرای خوانساریها ، تیمچه قزوینیها .

۱۵ ـ بازار نیم‌آورد :

ازبازار تالاربازاری منشعب میشود بنام بازارنیم‌آورد وبخیابان جدید متصل میگردد ، مدرسه تاریخی نیم‌آورد که ازبناهای عهد شاه‌سلیمان صفوی است دراین بازار واقع ونیز مساجد : خیاطها ، مسجدنو ، مسجد ذوالفقار ، مسجد شیشه‌واقع درجنب باغ قلندرهاکه کتیبه آن بخط محمدرضا امامی و تاریخ آن (۱۱۰۰ ه.ق) قمری است دراین بازار قراردارند .

۱۶ ـ بازار زرگرها :

بازاری است‌که ازچهارسوی کرباس‌فروشها ببازار قهوه‌کاشیها منتهی میشود، دروسط‌آن چهارسوئی است وبدارالشفاء منشعب میشود . چنانکه گفته شده مسجد کوچك دارالشفاءِ در این بازار انشعابی قراردارد .

۱۷ ـ بازار تفنگ‌سازها :

این بازارکه ازاحداثات عصرشاه‌عباس بزرگ است از درسرای مخلص‌ببازار سماورسازها می‌پیوندد و بازار انشعابی آن چنانکه گفته شده بازار چخماق‌سازها است که هردوبازار زمانی بنام شمشیرگرها موسوم بوده‌اند .

۱۸ ـ بازار کلاهدوزها :

این بازار بدرقیصریه منتهی میشود ومقابل بازار قنادها واقع گردیده است.

۱۹ ـ بازار قنادها :

در عهد صفویه این بازار مخصوص قلمزنها و قندیل‌سازان بوده و در دوران قاجاریه تبدیل ببازار قنادیها شده است .

۲۰ ـ بازارشاهی = بازارچه بلند :

این بازار یا بازارچه درخیابان چهارباغ‌واقع ودرعصر صفوی بکوی‌شاهزادگان متصل میشده وآن را بنام شاهزادگان مینامیدند . باقی مانده این بازار نفیس انبار دخانیات است ، ازمدرسه چهارباغ وسرای فتحیه (مهمان‌سرای کنونی شاه‌عباس) و باغ هشت بهشت درهائی باین بازارباز میشده است . این بازار درتاریخ حاضر تعمیر شده و مرکز فروش کارهای دستی اصفهان میباشد و بهمت متصدی قابلی از صورت اندراس بیرون آمده است ووضع کنونی نمودارگذشته دوران زیبائی این بازاراست.

۲۱ ـ بازار علیقلی آقا :

این بازاردرمحله بیدآباد واقع ودارای چهارسوئی زیبا میباشدکه دردوران شاه‌سلطان‌حسین بوسیله علیقلی آقا از درباریان احداث گردیده است در این بازار مسجد وحمامی نیز ازهمو قراردارد .

۲۲ ـ بازارمجلسی :

بازاری است‌که ازنزدیکی مقبره مجلسی امتداد دارد، ومسجدجامع ومقبره مجلسی درنزدیکی این بازار قرارگرفته است .

۲۳ـ بازارجماله کله :

این بازار ازحدود نیم‌آورد بطرف مسجد حاج محمدجعفر آباده‌ای امتداد دارد و مسجد مزبور دراین بازار است .

۲۴ ـ بازارچه دردشت :

این بازارچه درمحله دردشت واقع‌گردیده وخود درحکم بازاربزرگی است.

۲۵ ـ بازارچه بیدآباد :

این بازارچه درحدود مسجدسید واقع ودارای طاقهای ضربی وگنبد وچهارسو نیز میباشد ومقداری ازآن درائر وقوع درخیابان جدید خراب شده است . دراین بازارچه مسجد و مدرسه هم قراردارد .

۲۶ ـ بازارچه حمام قاضی :

این بازارچه درمحله دردشت نزدیك فلکه شهشهان قراردارد ومسجدکوچك حاجی یونس ازخواجگان شاه‌عباس ثانی که در(۱۰۷۳ ه.ق) بناشده دراین بازارچه میباشد[۱] .

۲۷ ـ بازارچه خان :

این بازارچه درمحله دروازه‌نوواقع ومسجدکوچك سلیمان‌بیك‌ازکارگزاران شاه‌عباس ثانی‌که در (۱۰۷۲ ه.ق) احداث‌گردیده درآن قرار دارد .

۲۸ ـ بازارچه‌آقا :

همانطورکه گفته شده ازانشعابات بازارعربان ویکی ازدرهای هارون ولایت دراین بازارچه بازمیشود[۲] .

۲۹ ـ بازار هارونیه :

این بازار ازبازاری که درمقابل بازار عربان ازجانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه میگذرد منشعب میگردد وتا مسجد علی ادامه دارد.

۳۰ ـ بازار بوریابافها :

این بازار همـان بازار هارونیه است که بمناسبت بودن کاروانسرائی بنام بوریابافها درآن محل‌که‌آنجا را بازار بوریابافها گفته‌اند وهنوزهم آن سرا وجود دارد و وجه تسمیه آن به این نام اشتغال عده‌ای در آن کاروانسرا به بوریا بافی بوده است .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ .   ۲ ـ بخشی از گنجینه آثارملی ص۱۰ .

۳۱ ـ بازارچهارسوق شیرازیان :

این بازار درمحله چهارسوق شیرازیان قراردارد و بازار بزرگی است[1] .

۳۲ ـ بازار میدان میر :

این بازار درمحله میدان میرواقع ومنشعب ازبازار عربان است .

۳۳ ـ بازار حبیب‌الله خان .

۳۴ ـ بازار خیار :

این بازار با بازاریکه بنام بازار ریسمان معروف است منطبق میگردد، چه سرائی که دربازار ریسمان بنام سرای بازارخیارنامیده میشود درهمان بازاری است که ریسمان نامیده میشود ومدرسه کاسه‌گران هم درهمین بازارکه نامهای مختلفی دارد قرارگرفته است .

۳۵ ـ بازارچه حاجیه خانم .

۳۶ ـ بازارچه حسن‌آباد .

۳۷ ـ بازار سارو تقی :

این بازارکه بقیه بازار ساروتقی اعتمادالدوله شاه‌عباس ثانی است میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن‌آباد واقع ودر نزدیکی امامزاده احمد قراردارد قسمتی از طاق بازارخراب و قسمتی برفراز سردر مسجد ساروتقی و منزلش باقی‌مانده که جالب است . مسجد ساروتقی ومنزل او دراین بازارواقع بوده است .

۳۸ ـ بازار مرغ :

این بازار روبروی مسجد جامع در خیابان هاتف واقع وشاید باعتبار اینکه درآنجا روزی مرغ میفروخته‌اند باین نام خوانده شده است .

۳۹ ـ بازار بزرگ اصفهان :

این بازار ازمیدان شاه شروع وبباز ار طوقچی ختم میشود ودراین بازارعمده سرایها وتیمچه‌ها ومساجد ومدارس اصفهان واقع گردیده است .

---

۱ ـ جغرافیای اصفهان ص ۳۰ .

۴۰ - بازارچه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای :

این بازارچه دردنباله بازار نیم‌آورد ودرمحله جماله‌کله واقع است. مسجد حاج‌محمد جعفرآباده‌ای و تیمچه حوابیگم دراین بازارچه قرارگرفته است[1] .

۴۱ - بازارمنشی[2] :

این بازار ازبناهای میرزا رضی‌منشی‌الممالك است‌که آثارزیادی چون قصر منشی وحمام‌منشی ومسجدمنشی ازاو بجامانده است .

۴۲ - بازارنجارها :

این بازار ظاهراً جزء بازارهای متصل ببازار قیصریه است .

۴۳ - بازار گندم‌فروشان :

این بازار ازانشعابات میدان کهنه اصفهان است .

۴۴ - بازارچه اسماعیل کوسه :

این بازارچه درمحله باغات واقع و مناره‌کله که درزمان امیرتیمور از کله مردم اصفهان ساخته شده بود دراین بازارچه قرارداشته است[3] .

یا - چهارسوها

این‌کلمه بدوقسم تلفظ ونوشته میشود، نخست چهارسو، ودیگری‌چهارسوق . وچون درشهر اصفهان این کلمه زیاد مورد محاوره است چندکلمه‌ای برای‌توضیح مطلب مینگارد :

چهارسو بمکانی اطلاق میشود که چهارسمت وگنبدی داشته باشد، حالاگاهی چهارسمت آن بازاراست درچنین فرضی آنجا را چهاربازار یاچهارسوق میخوانند و اما اگر چهار سمت آن بازار نباشد دیگر اطلاق کلمه چهارسوق مورد نخواهد داشت . ودرهرحال چه چهارسمت بازارباشد چه نباشد اطلاق چهارسوبرآن درست خواهد بود ازاینرو درتمام موارد این کلمه را بلفظ چهارسو بکارمیبریم :

۱و۲ - تاریخچه محله خاجو ص۸۶ .   ۳ - تاریخ اصفهان وری ص۳۳۳ .

۱ ـ چهارسو شیرازیها :

این چهارسو دربازار محله چهارسوشیرازیها واقع وازبناهای قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی (۹۵۵ هـ.ق) وجزء بخش۱ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد. گنبد این چهارسو ازمیان رفته است .

۲ ـ چهارسو شاه :

این چهارسو در اول بازارشاه و نزدیکی مدرسه ملا عبدالله وحمام شاه واقع میباشد .

۳ ـ چهارسو درشیخ :

این چهارسو که بسیار وسیع و مرتفع است در نزدیکی محله شیخ ابومسعود رازی قرارگرفته است .

۴ ـ چهارسو آجری :

این چهارسو که بمناسبت ساختمان آن باآجر بنام آجری معروف است‌در محله خاجو واقع گردیده است .

۵ ـ چهارسونقاشی یا چهارسو اسفندیاربیک :

شرح این چهارسو هم درباب آثاریکه نامی فقط از آنها مانده‌بیان گردیده است ونیازی بتکرار نیست .

۶ ـ چهارسونمکی :

این چهارسو هم که از ساختمانهای زمان دیالمه بوده و اینك جزنام اثری ندارد درجای خود شرح داده شده است .

۷ ـ چهارسوی قیصریه . ۸ـ چهارسوی بازار مثقالی فروشها .
۹ ـ چهارسوی بازار چیت‌سازها . ۱۰ـ چهارسوی امامزاده اسماعیل.
۱۱ ـ چهارسومقصود . ۱۲ـ چهارسوعلیقلی آقا . ۱۳ـ چهارسوی بیدآباد . ۱۴ ـ چهارسوی دروازه‌نو واقع در محله دروازه‌نو .

۱۵ - چهارسو فریدون واقع درمحله خاجو .

۱۶ - چهارسو مخلص :

این چهارسو درنزدیکی سرای مخلص دربازاربزرگ میباشد که کمی زیرتر از سرای مخلص بطرف شمال ساخته‌اند . چهارسوهای دیگری نیز وجود دارد که معروفیتی ندارند .

۱۷ - چهارسوچوبی :

این چهارسو که ازچهارسوهای بزرگ است در قسمت خاجوی کوچك قرار دارد واز مستحدثات زمان صفویه است [۱] .

۱۸ - چهارسو کوچك :

این چهارسو درچهارسو شیرازیها وبجانب مشرق آن واقع است .

۱۹ - چهارسوی ساروتقی :

این چهارسو در بازار قهوه‌کاشیها واقع و مسجد و کاروانسرائی نیز از همان ساروتقی بجامانده بوده‌که کاروانسرای آن دردست مالك آن ومسجد بحال نیم‌ویران افتاده است . واحد ساختمانهای منسوب به ساروتقی عبارت از : بازار- چهارسو - کاروانسرا ومسجد میباشد .

این سه‌واحد ازبازاراصلی منشعب میشود، کاروانسرا درضلع شمالی چهارسو ومسجد ساروتقی درایوان‌جنوبی آن‌واقع است. درحال حاضر کاروانسرا با تغییراتی که درآن داده‌شده معمورشده ولی مسجد وضع اسفناکی دارد وقسمتی ازمقرنسهای آجری سردر وکتیبه‌خط ثلث‌آن‌که بقلم محمدرضا امامی‌است ریخته وازبین رفته است. سقف بازارآن دربعضی قسمتها فروریخته ، این بازارچون درقدیم معبرمردم بمیدان قدیم بوده وضع بهتری داشته است ولی اکنون‌که مسیر تغییرکرده بصورت یك بازارچه متروك در آمده است .

دراطراف‌چهارسودرهشت لوحه دربالای چهارگوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمدرضا امامی ومورخ

---

۱ ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۵ .

بسال (۱۰۵۶ ه.ق) چهاربیت شعر نوشته شده است که فرد آخر آن حاکی است که بنای مزبور پس‌ازگذشتن یکسال از کشته‌شدن او باتمام رسیده است . اشعار مزبور چنین خوانده میشود :

دولت عباس ثانی در جهان . . . .
خاك درگاهش . . . . چشم . . . از شرف شد جانشین توتیا
سال تاریخش چوجستم از خرد در ره این مصرعم شد رهنما
حاسد شه را سرافکندند و شد «چارارکان چار رکن این بنا»
(۱۰۵۶)

ودریك نیم‌لوح درآخر این اشعار بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است :

«کتبه‌المذنب‌المحتاج محمدرضا الامامی» .

بریکی ازدیوارهای بازارچهارسوی مزبور که درحال ویرانی است لوح‌سنگی بطول نیم‌متر و عرض سی‌سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« مخفی نماندکه چهاردانگ ازدکان نشاسته‌گری جنب‌چهارسوق ساروتقی »
« بامتعلقات‌آن به‌موجب وقفنامه جداگانه وقف است برتعزیه‌داری جناب خامس »
« آل‌عبا حضرت سیدالشهداءِ علیه‌الاف‌التحیة والثناءِ ویکدانگ دیگروقف است »
« برامامزاده واجب‌التعظیم امامزاده اسماعیل. هرکس تبدیل وتغییردهد به‌لعنت »
« خدا ونفرین رسول گرفتارشود . فی‌غره ذیحجة‌الحرام ۱۲۹۸ . »[1]

یب ـ حمامها

اصفهان در زمان صفویه حمامهای بسیار داشته که بویرانی گرائیده است و بیشترآنها اززمان تراکمه ودیالمه باقی مانده بوده که درفتنه افغان و بعد دراثراز

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۴۹ تا ص۵۵۲ .

بین رفتن جمعیت بتدریج ازمیان رفته است.

هنگامیکه مؤلف جغرافیای اصفهان کتاب خود را تألیف میکرده حمام‌های اصفهان را ۷۲ باب یاد کرده است که گمان دارم این عدد تقریبی بوده است والا ممکن نیست حمامهای شهر اصفهان باین عدد تقلیل یافته‌باشد درهرحال حمامهای معروف اصفهان ازاین قرار است :

۱ - حمام شاه :

این حمام درچهارسوی شاه ونزدیکی سردر مدرسه ملاعبدالله وابتدای بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است .

۲ - حمام خان :

حمامی است که شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۲۲-۱۰۲۰ ه. ق) و متوفی (۱۱ محرم۱۱۰۱ه.ق) در دوره سلطنت‌شاه سلیمان درمحله تروآسکان بنا کرده وتاکنون دائر است .

۳ - حمام علیشاه = شاه‌علی :

این‌حمام را علیشاه فرزند تکش‌سلطان خوارزم درقرن ششم هجری‌هنگامی که والی اصفهان بوده ساخته است(۱) .

۴ - حمام علیقلی آقا :

این حمام دربازار علیقلی آقا در محله بیدآباد واقع وشاخه مادی فدین بنام نهر باباحسن ازمیان آن میگذرد حمام مزبور ازاحداثات علیقلی آقا ازخواجگان حرم شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین صفوی میباشد که در قرن دوازدهم هجری (۱۱۱۲ ه.ق) پایان یافته است(۲) . آثارتاریخی آن به‌موزه چهلستون انتقال و طی شماره ۲۲۶ - ۱۳/۹/۲۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است(۳) .

۵ - حمام کوچك علیقلی آقا :

این حمام درپهلوی حمام بزرگ ساخته شده که هروقت حمام‌بزرگ مردانه باشد این حمام اختصاص بزنان داشته باشد واین دوحمام وقف برمسجد علیقلی آقا

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۹ .   ۲ - تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۳ .

۳ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹ .

که درمجاورت حمامها بنا شده قرارداده شده است[1] .

۶ ـ حمام خسرو آقا :

این حمام درقسمت شمالی میدان معروف به چهارحوض واقع شده و اینك میدان تبدیل به‌عمارات گردیده است. خسرو آقا برادر علیقلی آقا و از خواجگان حرم شاه سلیمان صفوی بوده است .

حمام مزبور بسیار زیبا و جامه خانه آن چون دیوان خانه بنظر میآید و گرمخانه بکمال اسلوب ساخته شده است. این حمام صحن داخل و خارجش محاذی سطح زمین است و هوای آن مطلقا غلظتی ندارد[2] .

۷ ـ حمام بیگدلی :

این حمام درطرف مشرق شمالی میدان شاه واقع ودرکوچه معروف به‌بیگدلی قرارگرفته است .

۸ ـ حمام شاهزادها :

این حمام محاذی بازار رنگرزان و مجاور مدرسه شاهزادگان قرار گرفته بوده که بوسیله یکی ازشاهزاده‌های صفوی ساخته شده ومدرسه آن که دوطبقه بود خراب وتبدیل بدبستان جدیدالاحداثی گردیده است[3] .

۹ ـ حمام شیخ بهائی :

این حمام که توصیف آن درپیش گذشته تبدیل بحمام جدیدی شده وآثاری ازگذشته درآن دیده نمیشود .

۱۰ـ حمام نو . ۱۱ـ حمام کرسی . ۱۲ـ حمام گود . ۱۳ ـ حمام ذوالفقار . ۱۴ـ حمام خاجو . ۱۵ـ حمام دردشت . ۱۶ـ حمام دوقلودر بیدآباد . ۱۷ـ حمام زعفران . ۱۸ـ حمام وزیر . ۱۹ ـ حمام شوری . ۲۰ـ حمام حاجی هادی . ۲۱ـ حمام آقاتیمور . ۲۲ـحمام چادردوز ۲۳ـحمام

۱و۲ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص۷۹ . ۳ ـ نگارنده درحال عمران مدرسه‌را دیده بودم دوطبقه و پر ازطلاب علوم دینی بود .

درویشان . ۲۴ـ حمام درقهوه‌خانه . ۲۵ـ حمام محمدصالح. ۲۶ـ حمام محمدکریم‌بیک . ۲۷ـ حمام منشی . ۲۸ـ حمام میرقاسم . ۲۹ ـ حمام فروهر . ۳۰ـ حمام‌خوره آزاد . ۳۱ـ حمام شریف .

یج ـ کاروانسراها و تیمچه‌ها

دردوران صفویه عدد کاروانسراهای اصفهان بسیار بوده که پس‌ازفترت‌افغان روزبروز برکاهش آن افزوده است .

شماره‌کاروانسراها و تیمچه‌های‌اصفهان بطورکلی درهنگام تألیف‌الاصفهان‌که اوایل قرن حاضر بوده یکصدوچهل‌وچهار باب بوده است که در ذیل بترتیب درج میگردد[1] .

۱ـ کاروانسرای آفتابگاه . ۲ـ کاروانسرای آقا . ۳ ـ کاروانسرای اردستانیها. ۴ـکاروانسرای اسکرو. ۵ـکاروانسرای‌اناریها. ۶ـکاروانسرای بارانداز . ۷ـ باربند گلشن . ۸ـکاروانسرای‌بازارخیار. ۹ـکاروانسرای بازار کفشدوزها . ۱۰ ـ کاروانسرای بانك استقراضی . ۱۱ ـ کاروانسرای بخشعلی. ۱۲ـکاروانسرای‌بروجنیها. ۱۳ـکاروانسرای‌بلبلیها. ۱۴ـکاروانسرای بوریاباف. ۱۵ـکاروانسرای‌بیگدلی. ۱۶ـکاروانسرای‌پاسنگ. ۱۷ـکاروانسرای پای درخت . ۱۸ ـ کاروانسرای پستخانه . ۱۹ ـ کاروانسرای پیزری . ۲۰ ـ کاروانسرای توتی . ۲۱ ـ کاروانسرای تیمچه . ۲۲ ـ کاروانسرای جارچی. ۲۳ـکاروانسرای جلوخان‌میدان. ۲۴ـکاروانسرای چهارسومقصود. ۲۵ـکاروانسرای‌چیت‌سازی . ۲۶ـکاروانسرای‌حاجی‌باقر. ۲۷ـکاروانسرای حاجی بنان‌السلطنه . ۲۸ ـ کاروانسرای حاجی‌حیدر . ۲۹ ـ کاروانسرای حاجی عبدالصمد. ۳۰ـکاروانسرای حاجی‌علینقی. ۳۱ـکاروانسرای حاجی غلامرضا. ۳۲ـکاروانسرای‌حاجی‌غلامعلی. ۳۳ـکاروانسرای حاجی‌غلامعلی‌عصار.

۱ـ الاصفهان ازص۵۷ تاص۵۹ .

۳۴ـ کاروانسرای حاجی کریم. ۳۵و۳۶ـ کاروانسرای حاج محمدحسین ارباب دوباب. ۳۷ ـ کاروانسرای حاجی محمدرضا عرب. ۳۸ ـ کاروانسرای حاجی محمدعلی. ۳۹ـ کاروانسرای حاجی محمدکاظم. ۴۰ـ کاروانسرای حاجی مشیرالملک. ۴۱ـ کاروانسرای حاجی یوسف. ۴۲ـ کاروانسرای حسن آباد. ۴۳ـ کاروانسرای حسین علاف. ۴۴ـ کاروانسرای حوض. ۴۵ـ کاروانسرای خاجو. ۴۶ـ کاروانسرای خانی. ۴۷ ـ کاروانسرای خسرو آقا. ۴۸ ـ کاروانسرای خواجه علم. ۴۹ـ کاروانسرای خوانساریها. ۵۰ـ کاروانسرای دالان دراز. ۵۱ـ کاروانسرای دخانیات. ۵۲ـ کاروانسرای در نیم آورد. ۵۳ـ کاروانسرای دروازه دردشت. ۵۴ـ کاروانسرای دومنار. ۵۵ ـ کاروانسرای زفره‌ایها. ۵۶ـ کاروانسرای زیگلر. ۵۷ـ کاروانسرای ساروتقی. ۵۸ـ کاروانسرای سرچاه. ۵۹ـ کاروانسرای سفید. ۶۰ـ کاروانسرای سلطانی. ۶۱ـ کاروانسرای سنگتراشان ۶۲ـ کاروانسرای سیدحسن. ۶۳ ـ کاروانسرای سیورسات‌خانه. ۶۴ ـ کاروانسرای شاه. ۶۵ـ کاروانسرای شاه‌علی. ۶۶ـ کاروانسرای شماعیها. ۶۷ ـ کاروانسرای شیشه باغ قلندرها. ۶۸ ـ کاروانسرای شیشه‌گری. ۶۹ ـ کاروانسرای شیشه‌گری مسجدنو. ۷۰ ـ کاروانسرای صفا. ۷۱ ـ کاروانسرای طالار. ۷۲ ـ کاروانسرای عبابافی. ۷۳ ـ کاروانسرای عربها. ۷۴ ـ کاروانسرای عزیزالله. ۷۵ـ کاروانسرای عطاء. ۷۶ـ کاروانسرای علی‌اکبر. ۷۷ـ کاروانسرای علیقلی آقا. ۷۸ـ کاروانسرای علی‌محمد. ۷۹ ـ کاروانسرای غلامحسین. ۸۰ـ کاروانسرای غلامعلی. ۸۱ ـ کاروانسرای فخر. ۸۲ ـ کاروانسرای فعله‌گاه. ۸۳ـ کاروانسرای فیل. ۸۴ـ کاروانسرای قالی‌بافها. ۸۵ـ کاروانسرای قهرودیها. ۸۶و۸۷ـ کاروانسرای قیچی‌سازها دوباب. ۸۸ـ کاروانسرای کهنه‌چین‌ها. ۸۹ـ کاروانسرای گلشن. ۹۰ـ کاروانسرای لنج. ۹۱ـ کاروانسرای ماست‌بندی. ۹۲ـ کاروانسرای محمدصادق‌خان. ۹۳ـ کاروانسرای محمدعلاف. ۹۴ـ کاروانسرای محمد یوشنی. ۹۵ ـ کاروانسرای مخلص. ۹۶ـ کاروانسرای مرتضی‌خان.

۹۷ـ کاروانسرای مردارکشها(مهره کشها). ۹۸ـ کاروانسرای مرغ ۹۹ـ کاروانسرای مسجد علی. ۱۰۰ ـ کاروانسرای مشهدی ابراهیم. ۱۰۱ ـ کاروانسرای مشهدی باقر. ۱۰۲ ـ کاروانسرای مشهدی رجبعلی. ۱۰۳ ـ کاروانسرای مصطفی. ۱۰۴ـ کاروانسرای مغزی. ۱۰۵ـ کاروانسرای ملاباشی. ۱۰۶ـ کاروانسرای ملك. ۱۰۷ ـ کاروانسرای منجم. ۱۰۸ ـ کاروانسرای میراسماعیل. ۱۰۹ـ کاروانسرای میرپنج. ۱۱۰ـ کاروانسرای میرحاج. ۱۱۱ـ کاروانسرای میرزاحسین. ۱۱۲ـ کاروانسرای مقصود. ۱۱۳ـ کاروانسرای میرزاکوچك ۱۱۴ـ کاروانسرای نادعلی. ۱۱۵ـ کاروانسرای نجات. ۱۱۶ـ کاروانسرای نجف آبادیها. ۱۱۷ ـ کاروانسرای نو. ۱۱۸ ـ کاروانسرای نقش جهان. ۱۱۹ ـ کاروانسرای هندوها. ۱۲۰ ـ کاروانسرای یاور. ۱۲۱ ـ تیمچه حاجی عظیم. ۱۲۲ـ تیمچه حاج سیدعبدالرحیم. ۱۲۳ـ تیمچه حوابیگم. ۱۲۴ـ تیمچه زنجیرخانه. ۱۲۵ـ تیمچه حمام وزیر. ۱۲۶ـ تیمچه تخت کشی. ۱۲۷ ـ تیمچه حاجی سید مصطفی. ۱۲۸ ـ تیمچه یزدیها. ۱۲۹ ـ تیمچه حاجی کریم پوستی. ۱۳۰ـ تیمچه محمودیه. ۱۳۱ـ تیمچه حاجی محمدحسین حریری. ۱۳۲ـ تیمچه ارباب. ۱۳۳ـ تیمچه حاجی رضا. ۱۳۴ـ تیمچه حاجی علینقی. ۱۳۵ ـ تیمچه قهوه کاشیها. ۱۳۶ ـ تیمچه ملك. ۱۳۷ـ تیمچه نبی. ۱۳۸ـ تیمچه چهارسوق مقصود. ۱۳۹ـ تیمچه پاقلعه. ۱۴۰ـ تیمچه میرزا علی اکبر. ۱۴۱ـ تیمچه عبابافی نارون. ۱۴۲ـ تیمچه سعادت. ۱۴۳ـ تیمچه ضرابی. ۱۴۴ـ تیمچه مهره کشها.

درواقع عدد کاروانسرا اعم از تجارتی و مال بند و تیمچه‌ها در ۱۳۰۳ شمسی بالغ بریکصدوچهل وچهار باب بوده است.

تیمچه ملك که درضمن تیمچه‌ها نگاشته شد از احداثات حاج محمدابراهیم ملك التجار اصفهانی است که ازمردان خیراصفهان بشمارمیرفته است. تیمچه مزبور از تیمچه‌های معروف دربازار اصفهان است ودارای کتیبه وتزیینات کاشیکاری میباشد. کتیبه اشعارفارسی داخل آن که گوینده آن طرب اصفهانی فرزند همای شیرازی وبخط

نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بربالای درورودی نوشته شده چنین است[1]:

در زمان خسرو ایران مظفر پادشاه — آن شهنشاهی که نامش زیب هفت اقلیم شد
هم بدور ظل سلطان حکمران اصفهان — آنکه خم پشت سپهرش از پی تعلیم شد
دراوان این دورخشان مهروماه مملکت — این سرا بنیان اواز میر با تکریم شد
بس بسر کاری ابراهیم و محمود این بنا — غیرت خلدبرین فی احسن التقویم شد
الغرض چون ساخت این عالی بنار امیر راد — عقل را تاریخش ازروح الامین تعلیم شد
زدرقم کلك گهرسلك طرب تاریخ او: — این بنابرپا در اصفهان از ابراهیم شد»
(۱۳۲۴)

و اشعار داخل تیمچه بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اثرطبع میرزا محمد سها فرزند دیگر همای شیرازی بشرح زیراست:

دوره شاه جهان مظفردین شاه — آنکه بودشاه و ملتجای تجارت
خسرو گیتی ستان شهنشه دوران — آنکه ازاو شد بپا بنای تجارت
دست کرم تا نهاد برسر تجار — برسر گردون نهاد پای تجارت
ملك تجارت زپاس امن چوفرمود — ماه درخشنده سمای تجارت
طبع سها . . . سلطان — ساخت ملك این بنا برای تجارت
ساخت درایام نیرین دوشاهی — حاج ملك این نکو سرای تجارت
وه چه سرائی زباغ جنت قصری — قصر جنان بینکه گشته جای تجارت
حاج ملك ساخت ازفتوت وهمت — روضه خلدبرین برای تجارت
جای سرای تجارتی زکرم ساخت — تازه سرائی پی نمای تجارت

(سلام علی ابراهیم)

زنده تجارت شد ازعطای نبوت — زنده بود عالم از عطای تجارت
باب تجارت گشود احمد محمود — آنکه بود شاه وپیشوای تجارت
خواجه والاگهر سمی بن آذر — آنکه بخورشیدزد لوای تجارت
اعنی نسل حسن سلیل محمد — آنکه بود صدراصدقای تجارت

---

۱ ـ نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۴ تا ص۸۳۶ .

خان رفیعی بنا نهادو شد آن خان	عدل دراو گشت کدخدای تجارت
تا گره غم گشاد از دل تجار	رأی ملك شد گره‌گشای تجارت
دوخته خیاط صنع از ید تقدیر	نیست ملك جم ولیك . . . تجارت
جمله دعای ملك کند چو ببندد	برشتران ساربان درای تجارت
ازپی حفظ ملك بکنگره عرش	روح الامین میکند دعای تجارت
مهر فروزنده سپهر نبوت	. . . تجارت
گشت مهندس در اینسرای چو محمود	. . . تجارت
. . گفت بتاریخ :	« به به زیبا بود سرای تجارت»

(۱۳۲۲)

دروسط هردو مصراع از اشعار فوق الذکر جمله : (یا اباعبدالله الحسین) بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است .

ید ـ مهمانسرای شاه عباس کبیر

این مهمانسرا همان کاروانسرای جده یا مادرشاه است که درزمان شاه‌سلطان حسین صفوی درضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده ودرچندسال قبل باحفظ نماهای داخل و تغییرات و اضافاتی تبدیل به مهمانسرا گردیده و اکنون بنام مهمانسرای شاه عباس کبیر موسوم است . (ش۳۸)

کاشی کاریهای داخلی این مهمانسرا نیز تعمیر گردیده و خلاصه اینك از مهمانسراهای با شکوهی است که هر تازه واردی از دیدنش خیره میگردد .

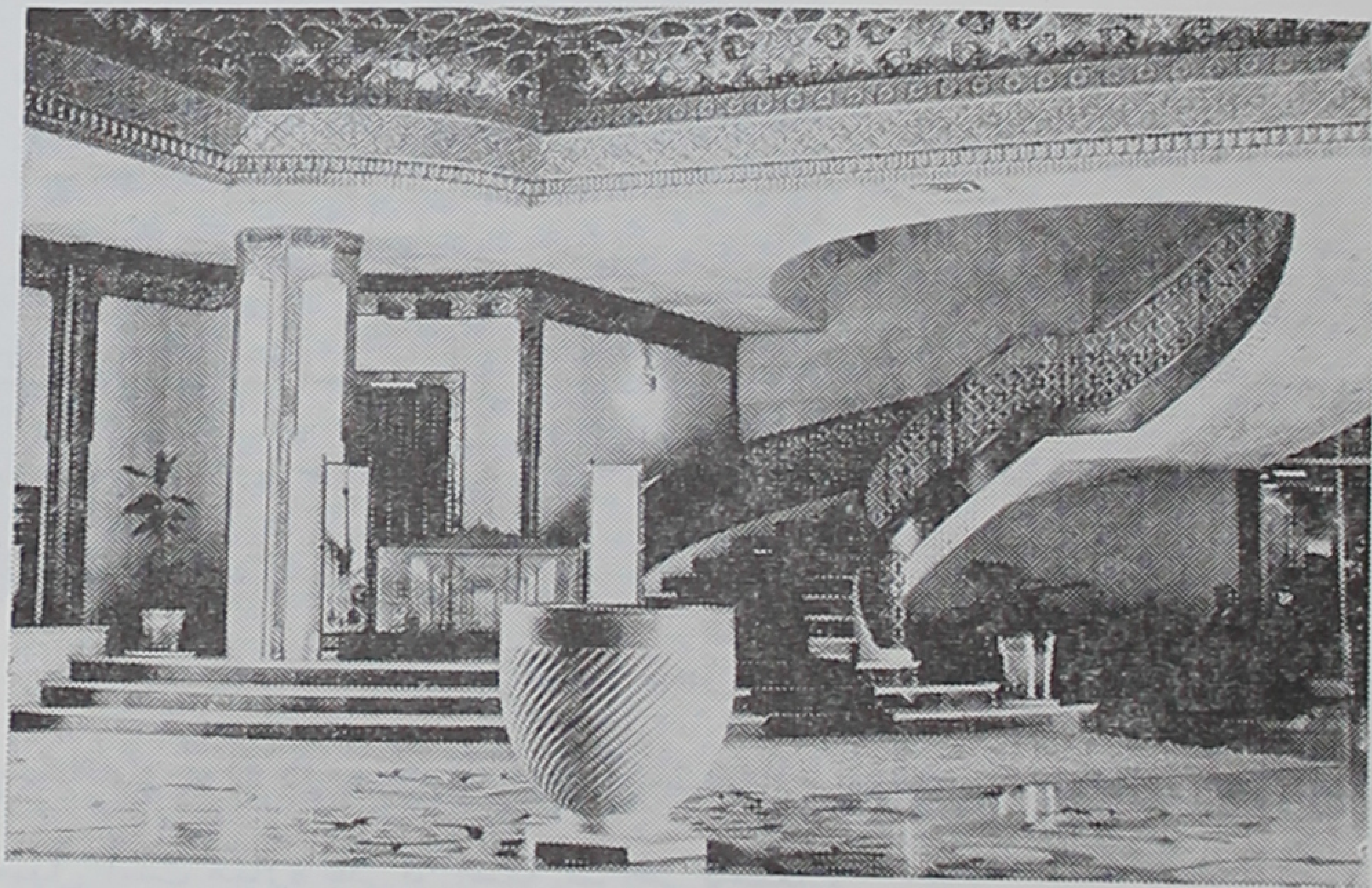
(ش۳۹)

یه ـ مناره ها

کلمه مناره مصدر میمی است ازفعل نار ثلاثی مجرد مانند مقامه ومنامه و معنی اسم مکان میدهد یعنی جای روشن .



(شکل ۳۸)



(شکل ۳۹)

مناره‌را درقدیم‌الایام بین‌دو مرز میساختند و درآن چیزی نورانی قرار میدادند تامرز وابسته را نشان دهد وکم بکم درمیان راههای عمومی نیز اینگونه مناره‌هارا بنا میکردند تامسافران وکاروانان بتوانندمسیر ومقصد خودرا بشناسند.

اول مناره‌ای که گفته‌اند بنا گردید مناره اسکندریه بود که ارتفاع آن دویست وسی ذراع بوده است.(۱)

این گونه مناره‌ها بعداز اسلام ودرممالك اسلامی برای گفتن اذان بناگردید وازاینرو دربیشتر جاهائی که بعد ازاسلام احداث گردیده مناره‌ها پیوسته به‌مساجد ویا عماراتی است که جنبه مذهبی وتقدیس دارد.

بیشتر مساجدیکه درقرون اولیه اسلام ساخته شده مناره هم داشته است: مانند مسجد جورجیر اصفهان که نوشته‌اند مناره‌آن بیش از یکصد(۲) ذراع بوده و یا مسجد شهرستان که اینك اثری ازمسجد ومناره آن دیده نمیشود.

دراین‌مناره‌ها جائی‌هم برای مؤذن درنظر گرفته‌اند که درآنجا اذان بگوید وآن‌را مأذنه میگویند وروی این اصل‌است که بعضی ازمناره‌ها راکه درآن چنین جائی ساخته نشده مربوط به پیش‌از اسلام میدانند.

شرح مناره ها چنین است:

۱ـ مناره باغ قوشخانه:

این‌مناره در آخر قسمت شمالی محله جوباره واقع و در حاشیه زمینهای موردکشت قرارگرفته است. این‌محل‌را بنام طوقچی نیز میخوانند چه متصل‌بآن محله است و بعلاوه خود محله طوقچی هم از محلات متفرقه جوباره محسوب میشده است.

این‌مناره را بمناسبت این‌که در محل زراعتی باغ قوشخانه میباشد مناره باغ قوشخانه وچون درمحله طوقچی است مناره طوقچی وچون در مجاورت مقبره علی‌بن‌سهل است مناره علی‌بن سهل‌نیز می‌نامند.

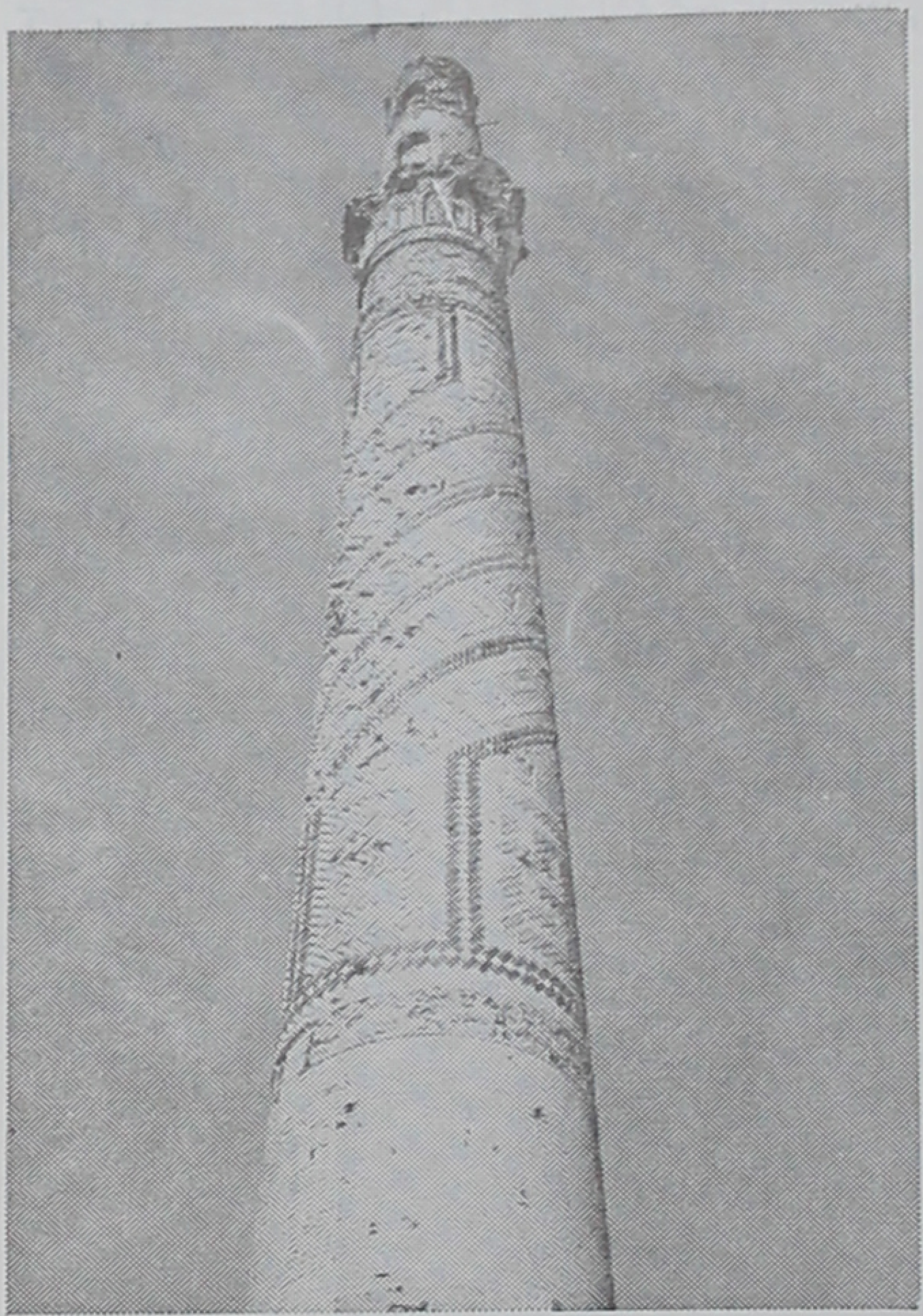
بلندی این‌مناره درحدود ۳۸ متر است. ازکتیبه مناره مزبور که درسه‌رگ خوانده میشود فقط کلمات: الی‌والله باقی‌مانده است(۳) این مناره درقدیم دو باب

۱ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۱۸۶ ۲ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۶۳

۳ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۱.

بوده و درطرفین مسجد بابا سوخته یامصلی قرار داشته‌که یکی از آن دو بامسجد مزبور خراب شده است.

این اثر باستانی بموجب شماره ۳۱۳ ـ ۱۷/۸/۲۱ بثبت تاریخی رسیده است[1] (ش ۴۰)



(شکل ۴۰)

ارتفاع مناره‌را برخی ۴۰ متر و تاریخ بنای آنرا مربوط بقرن هشتم‌هجری‌دانسته‌اند. باغ قوشخانه که عوام آنرا قوچخانه می‌نامند باغی بوده جزءِ قصر سلطنتی‌که در آن در بدو امر قوشهای سلطنتی را نگهداری میکرده‌اند وسپس درابتدای ورود شاه‌عباس‌کبیر باصفهان دراین‌محل اقامت‌کرده است.[2]

۲ـ مناره ته برنجی :

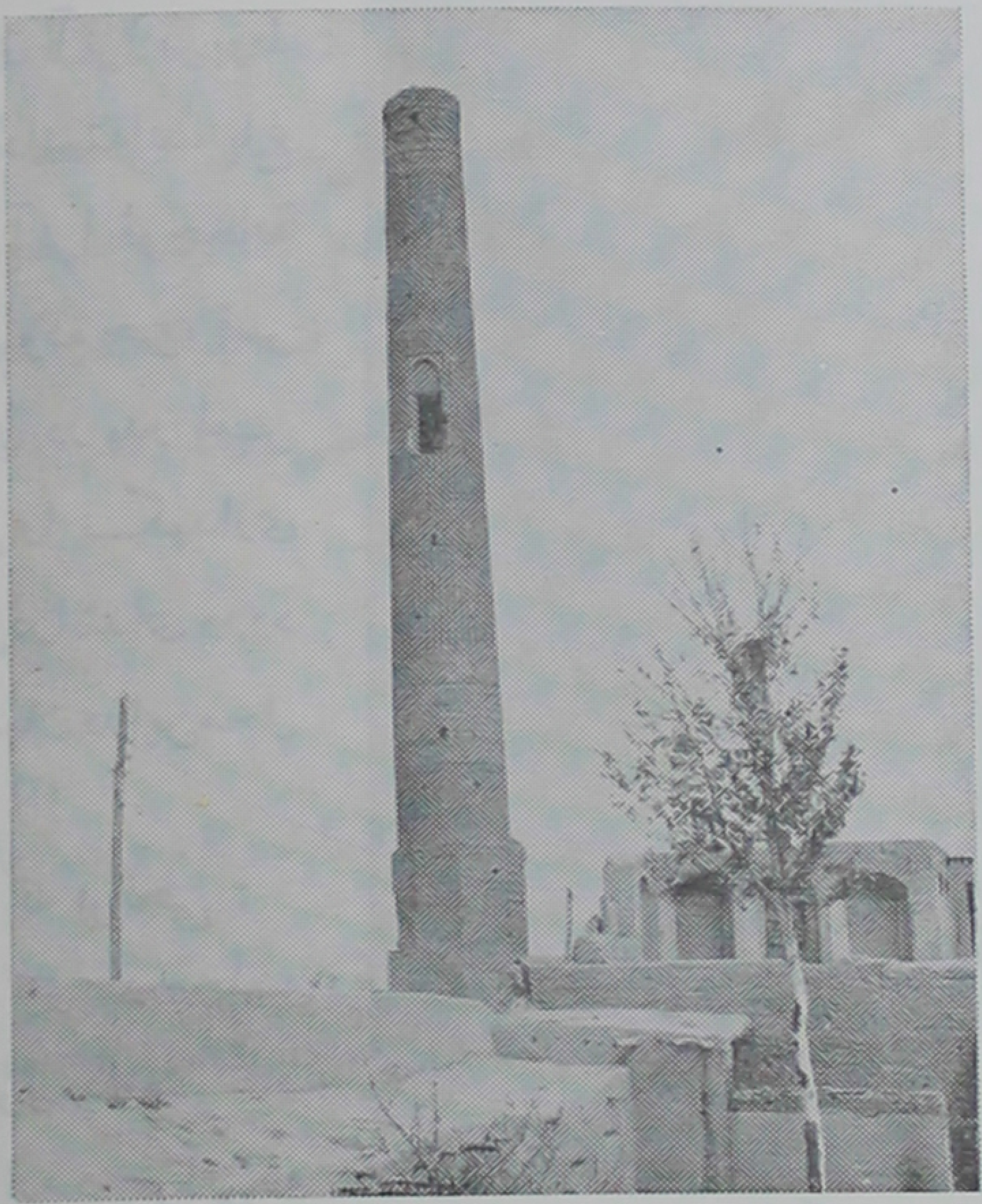
این مناره نیز در محله جوباره اصفهان قرار داشت[3] و نگارنده بخاطر دارم دخترانی‌که میخواستند بختشان‌گشوده شود میرفتند در محل مناره و چون قسمتی از آن مناره ساقط شده بود روی آن دانه گردوئی میگذاشتند و بر آن می‌نشستند وگردو را میشکستند و بمناره خطاب میکردند و میخواستند که بخت آنان باز شود و اکنون دیگر اثر درستی از آن باقی نیست .

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۶ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۹ ۳ـ نصف‌جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۲

۳ـ مناره چهل دختران :

مناره مزبود درپایان جهت شمالی جوباره محل سکونت یهودیان واقع بوده وگویا درزمانهای قدیم متصل بعمارتی بوده‌که اکنون اثری از آن نیست و ارتفاع آنرا از ۲۱ متر [۱] تا ۲۹ متر [۲] گفته‌اند وظاهراً مقداری از سرآن افتاده است .

(ش۴۱)



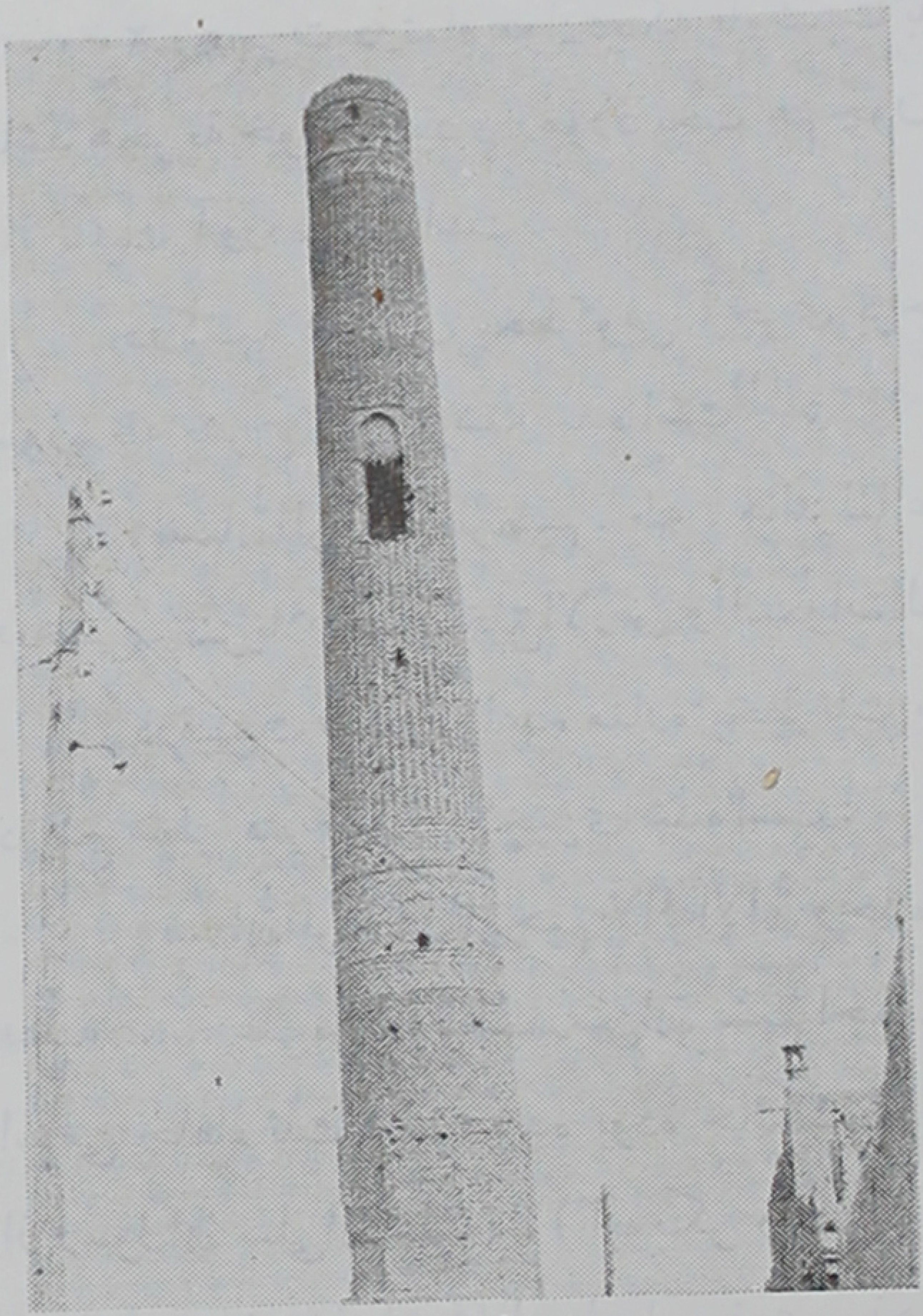
(شکل ۴۱)

دربالای آن پنجره ایست‌که دهانه‌آن بشکل مستطیل ومواجه با قبله‌ساخته شده وسه‌کتیبه داردکه دوتاکوفی ویکی بخط نسخ‌قدیمی است. قسمت بالای‌پنجره ازچوب ودرطرفینش ستونهای کوچکی است‌که نیمی ازآنها درداخل دیوار مناره قرار دارد وبخوبی دانسته میشودکه مناره مزبور برای اذان‌گفتن ساخته شده‌است .

این‌مناره را سکنه اطراف بنام مناره گارلنگ و یا گارلند مینامند و شاید

۱-گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹ ۲- تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص ۱۶۰

از آن‌نظر بوده‌که مبلغی مسیحی بهمین‌نام در اوائل قرن چهاردهم در آن اطراف ساکن ویهودیان را تبلیغ‌میکرده است.[۱] (ش ۴۲)



(شکل ۴۲)

متن‌کتیبه تاریخی‌را چنین نوشته‌اند:

«هذه‌المنارة بنیت من‌ماله»
«الاسفهسالارابی‌الفتح‌بن‌محمدبن»
«عبدالواحد النهوجی تقرباً»
«الی‌الله سبحانه و تعالی وابتغاء»
«مرضاته وجزیل ثوابه تقبل‌الله»
«منه برحمته وفرغ من اتمامها»
«فی سنة احدی و خمسأته»
«هجروية.»[۲]

وکتیبه حاکی است مناره مزبور در تاریخ سال پانصد و یك هجری بامخارج سپهسالارابوالفتح ابن محمدبن عبدالواحد نهوجی تقرباً الی‌الله ساخته شده است.

ولی با مراجعه دقیق بنوشته‌کتیبه آجری‌آن معلوم‌گردیدکه‌کلمه «من ماله» درست نیست بلکه (من‌مال) است ونیز کلمه (هجروية) واوآن زیادی خوانده شده ونوشته کتیبه (هجریه) است. خلاصه اینکه در خود کتیبه (من‌مال) و (هجرية) نوشته شده است ودرست آن هم چنین است بدلائل زیر:

۱ ــ جمله: هذه‌المنارة بنیت من ماله‌الاسفهسار درست نیست زیرا کلمه بنیت مجهول است ومرجعی برای ضمیر من‌ماله نخواهد بود که این مناره از مال

۱و۲ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹

سپهسالار نهوجی ساخته شده است .

۲ـ هجرت درتمام مواردیکه یاءِ نسبت بآن ملحق میشود هجری واگرمؤنث باشد هجریة خواهد بود ودرمورد بحث هم چون هجریت صفت سنه است هجریة با تاءِ تأنیث آورده شده است .

درکتیبه دیگری بخط‌کوفی آجری برجسته بر زمینه آجری پنج آیه اول سوره طه بشرح زیر نوشته شده است[1] :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . طه . ماانزلنا علیك‌القرآن‌لتشقی . الاتذکرة لمن» «یخشی . تنزیلاً ممن خلق‌الارض والسموات‌العلی. الرحمن علی‌العرش استوی . »

درقسمت فوقانی قاعده مناره بخط ثلث برجسته برزمینه آجری کتیبه ذیل درپنج سطر بشرح زیر گچبری شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدرسول‌الله صلی‌الله» «علیه ...... علی‌بن‌ابی‌طالب رضی‌الله عنهم اجمعین » که معلوم میشود در قسمتی که اسامی خلفاء ثلث نوشته شده بوده حك کرده‌اند . و در اصل چنین بوده که (بعد از رسول‌الله صلی‌الله علیه) : (ابوبکر و عمر و عثمان) محوگردیده است . و البته چون اصفهان تا زمان شاه‌اسماعیل صفوی مذهب تسنن رواج کامل داشته باید این حك اسامی خلفاء را مربوط بزمان صفویه وبعد دانست .

و اما بانی مناره چنانکه کتیبه حاکی است سپهسالار ابوالفتح‌بن محمدبن عبدالواحد نهوجی است که درزمان ملکشاه وجانشین اوسمت سپهسالاری داشته و رمسقط‌الرأسش نهوج ازقرای برزاوند اردستان بوده است . واین مناره برای‌اذان گفتن ساخته شده واحتمال میرود مسجدی هم داشته‌که ازبین رفته است .

وجه تسمیه آن به مناره چهل‌دختران معلوم نیست وکسی تاکنون متعرض آن نشده است . ممکن است در نزدیکی آن مناره گورستانی بنام چهل‌دختران بوده که سپس ازمیان رفته باشد . برخی آنرا مناره چهل‌اختران[2] . خوانده‌اند

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۰ . ۲ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۶۰ .

وآن ممکن است از این نظر باشد که خانه‌های مربع آن که شبیه ستاره است در حدود چهل مربع وبیشتر بوده که باین نام شهرت یافته است. این مناره بموجب شماره ۲۳۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۴ ـ دومناره دارالضیاء = دارالضیافة :

این مناره‌ها درمحله جوباره در طرفین کوچه‌ای بنام حاج‌کاظم قراردارد و معلوم میگرددکه درقدیم جای کوچه عمارتی بوده‌که‌آن دومناره متصل‌بآن بوده‌اند وبمرورزمان ازمیان رفته است ولی آثار سردر مجللی‌که برفرازمناره‌ها میگذشته است دیده میشود.

چون کتیبه‌ها ازمیان رفته ویکی دوجمله بیشترباقی نمانده نمیتوان بطور قطع وجه‌تسمیه مناره‌ها را تعیین‌نمود وبایدگفت اگر دارالضیافة نام حقیقی‌مناره‌ها باشد عمارت ویران شده مهمانسرائی بوده برای فقراء و زهاد و امثال آنها که در هنگام ورود درآن مهمانسرا پذیرائی میشده‌اند، ولی معلوم نیست‌مهمانسرا بامناره چه ارتباطی دارد مگراینکه گفته شود مهمانسرای مزبور جزء دستگاهی بوده که هم مسجد داشته وهم مهمانسرا و درواقع مانند خانقاهای قدیم چون خانقاه شاه علاءالدین‌محمد شهشهانی‌است که‌مجموعه‌ای ازمدرسه ومسجد وحسینیه ومهمانسرا وامثال آن بوده است واما اگرنام آن دارالضیاء باشد ممکن‌است گفت این‌دومناره برای روشنائی بوده یعنی درشبها برفراز مناره‌ها آتش میافروخته‌اند تا ازراه دور اصفهان را به‌بینند ومسیر خودرا گم نکنند و این وجه تسمیه با عمرمناره‌ها که گفته‌اند درحدود قرن هشتم هجری ساخته شده مباینت دارد[۲]. چه مناره‌هائی‌که برای روشنائی بنامیکردند مربوط به‌قرون اوائل بوده است. ممکن است هم‌گفته شود بانی‌مناره‌ها وساختمان موسوم به‌ضیاء بوده وساختمان را دارالضیاءِ نامیده‌اند. ساختمان اطراف مناره‌ها معروف به سنجریه است وازهمین‌جا ممکن‌است استنباط

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۸.

۲ ـ پرفسور پوپ ایران شناس نامی تاریخ بنای مناره‌ها را قرن هشتم هجری وسمیث بنای آنرا در ربع اول قرن هشتم میداند. (ترجمه آثار ایران ج۱ جزوه ۲ ص ۱۸۱)

کردکه ساختمان مزبور بامناره‌ها مرتبط باشد و در زمان سنجر ساخته شده باشد و تقریباً ازنظر تاریخ بنا مربوط به حدود قرن ششم میگردد. (ش ۴۳)



(شکل ۴۳)

از کتیبه زیر مقرنسهای بالای مناره که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است فقط جمله (و من دخله) باقی‌مانده‌که درواقع‌قسمتی از آیه:

«ان اول بیت وضع للناس»
«للذی‌ببکة‌مبارکاوهدی‌للعالمین»
«فیه‌آیات بینات مقام ابراهیم و»
«من دخله کان‌آمناً . » میباشد.

بنظر نگارنده این آیه دلالت دارد که محل مزبورمشتمل برمسجدی بوده و دراثر مرورزمان ازمیان رفته است.

در داخل مقرنسهای مناره‌ها هرسوسن یاطاس شامل یك‌کلمه است و کلمات موجود بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

«محمد» «وعلی» «وفاطمه» «والحسن» «والحسین».

پوشش تزییناتی مناره‌های مزبور بخط بنائی فیروزه‌ای بر زمینه شطرنجی آجری درهفت ردیف بشرح زیراست:

ردیف اول کلمه (الله) ، ردیف دوم تکرار کلمه « اکبر » ، ردیف سوم تکرارکلمه (الله) ، ردیف چهارم تکرارکلمه «محمد» ، ردیف پنجم تکرار کلمه

«وعلی» ، ردیف ششم تکرار کلمه «وحسن» ، ردیف هفتم تکرار کلمه «و حسین»[1].
این مناره زیر شماره ۲۷۲ بثبت تاریخی رسیده است[2].

۵ ـ مناره ساربان :

این مناره هم درمحله جوباره درمیان فضائی وسیع واقع شده واز منارههای بسیارزیبای عهد سلاجقه دراصفهان است .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع باین مناره چنین نوشته است :

«این مناره که یکی اززیباترین منارههای عهد سلاجقه دراصفهان است در»
«انتهای شمالی محله جوباره ناحیه یهودی‌نشین‌اصفهان نزدیك مناره‌چهل‌دختران»
«درگوشه یك میدان‌کوچکی که یقیناً درزمان ساختمان‌آن محل مسجدکوچکی»
«درپای مناره‌بوده است واقع شده .»

«ارتفاع این مناره درحدود ۴۸متراست و محیط قاعده آن ۱۴مترمیباشد و»
«ازپائین ببالا دارای هفت قسمت متمایزاست : »

«قسمت اول آن آجرچینی ساده است. قسمت دوم وسوم‌آن دارای‌تزیینات»
«عالی‌آجری میباشد . قسمت چهارم آن تاج اول مناره است‌که مقرنسهای آجری»
«توأم باکاشی فیروزه‌ای دارد وبسیارجالب وپرحالت‌است. قسمت پنجم‌آن‌تزیینات»
آجری است . قسمت ششم‌آن تاج‌دوم مناره است وقسمت هفتم آن‌تارك‌مناره‌است.»

«درقاعده دوتاج این مناره دوکتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزه‌ای»
«کاشی‌دیده وخوانده میشود . مناره مزبورکه ازارتفاع اولیه‌آن اندکی کاسته‌شده»
«است درحال حاضر بسمت مغرب متمایل شده واین تمایل از دورونزدیك کاملاً»
«نمایان است . سال ساختمان این مناره در کتیبههای فعلی آن موجود نیست لذا»
«بطور قطع نمیتوان زمان ساختمان آنرا معلوم کرد . پرفسورپوپ سال ساختمان»

---

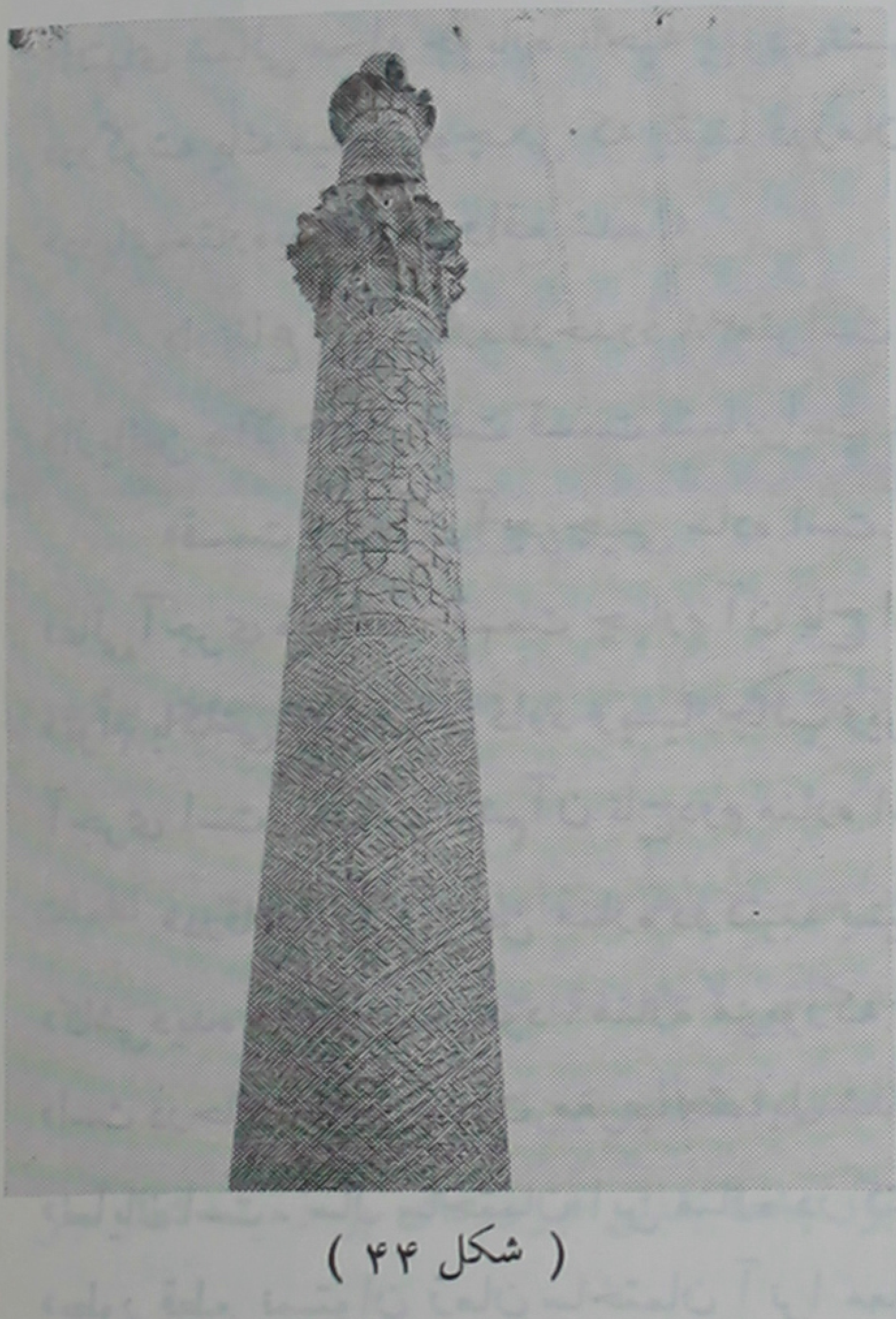
۱ ـ گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان ص۲۹۱ .
۲ ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۳۵ .

«این مناره را اواخر قرن پنجم هجری میداند و آقای (مایرون بمنت سمیث) »
«ساختمان آنرا بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است . کتیبه فوقانی»
«مقرنسهای تارك این مناره بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح»
«زیراست : »

«لااله‌الاالله صادقا مخلصا محمد رسول‌الله» .

«کتیبه زیر مقرنسها بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه‌آجری بشرح»
زیراست : »

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال»
«اننی من‌المسلمین . »



(شکل ۴۴)

« کتیبه وسط این مناره »
«بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه»
«آجری‌تکرار نامهای: (محمد) »
« و(بوبکر) و (عمر) و(عثمان) »
و(علی) . »

در نصف‌تحتانی‌مناره مزبور
و در اشکال مربع بخط بنائی فرو
رفته بر زمینه شطرنجی و بطور
درهم و بر هم عبارات زیر تکرار
شده است : »

«(لااله‌الاهو) (وهو بکل »
« شیءِ علیم) (و هوالسمیع »
«البصیر)[1] . » (ش۴۴)

درتاریخچه آثارتاریخی اصفهان نوشته شده که مناره ساربان بمناره مسجد

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۱۹۹ تا ص۲۰۳ .

علی شباهت دارد وارتفاع آن ۲/۴۴ مترومدخل پلکان درارتفاع ۷ متری تنه‌مناره واقع شده وتعداد پلکانش ۱۳۵ است و پهنای پلکانها ۶۸ سانتیمتر است .

و نیز گفته است که ساختمان مناره متعلق بعهد سلجوقیان و بنا بگفته گدار فرانسوی مربوط بسالهای از ۵۲۵ تا ۵۵۰ هجری است .

کتیبه های مناره‌را چنین بیان‌کرده که از سه‌کتیبه کوفی تزیین یافته است :

۱ ـ کتیبه یکم باکاشی‌آبی عبارت : لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله برآن منقوش است .

۲ـ کتیبه دوم شامل آیه ۳۳ سورهٔ فصلت قرآن است .

۳ـ کتیبه سوم بخط کوفی چهارگوش باآجر تراش بر روی کاشی‌آبی شامل اسامی: محمد (ص) وخلفای راشدین است .

این‌مناره کمی‌بسمت مغرب تمایل پیدا کرده وزیرمناره که خالی وبجای‌زیر زمین ازآن استفاده میکردند در سال یکهزار و سیصد وبیست وچهار شمسی‌بطرز خوبی بسته وپرشده است.(۱)

پس‌میتوان گفت که مناره ساربان ارتفاعش بین ۲/۴۴ متر تاحدود ۴۸ متر ومحیط قاعده آن ۱۴ متر ودارای ۱۳۵ پلکان وسه کتیبه کوفی میباشد و تاریخ ساختمان قرن پنجم وششم بوده است .

درکتاب نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان چنین‌گفته :(۲)

«ودرمحله‌جوباره‌هم‌چند مناره‌معتبر داردیکی‌ازآنهارا مناره‌ساربان‌مینامند»
« وازهمه این‌منارها منار ساربان‌بلندتر وخوشنماتر ساخته شده ومعتبرتر است و »
« بخاطر فقیر چنان‌میرسد که این‌مناررا نام منار سارویه بوده و درآن محل‌واقع»
« بوده است ، اسم آن محل متروك ومهجور شده وکسی نام سارویه ندانسته است »
« آنرا ساروان خیال‌کرده و بآن نام اشتهار یافته باشد والله‌اعلم . »

اما وجه تسمیه منار ساربان بنظر میرسد گفته نصف جهان درست باشد و

۱ - تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۶۲ ۲- نصف‌جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲

ساختمان ساروبه‌که شرح آن در مبانی معدومة‌الاثر بیان گردیده در همین محله بوده وهنگامیکه خمارتکین تصرفاتی در آن بناکرد احتمال دارد این مناره را هم اوساخته باشد ومناره بنام محل اشتهار داشته وکم بکم ساروبه به ساروان وساروان به‌ساربان تغییروضع داده است.

این‌مناره زیرشماره ۲۳۲ به ثبت تاریخی رسیده است. (۱)

۶ و ۷ ـ مناره های دردشت :

مناره‌ها که سر آنها افتاده وصل بساختمانی بوده که واحدی از مدرسه و مسجدی اززمان آل‌مطفررا تشکیل میداده و پس‌ازخرابی مسجد و مدرسه تبدیل بکاروانسراگردیده و در زمان حاضرکاروانسراهم خانه شده است.

درجوار این دومناره مقبره‌ای است‌که گنبدی خشتی وبسیار زیبا و مرتفع دارد و درآن سنگ قبری است که ازآن نام صاحب قبر معلوم میگردد.

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین دو مناره چنین نوشته است : (۲)

« درمحله دردشت دومناره قدیمی کاشیکاری مغولی وجود دارد که قسمتی»
« ازسرآنها خراب شده ومیگویند هرکس قصدخرابی این‌دومناره‌را نموده ازبین»
« رفته است ومربوط بدوره دوم سلجوقی است.»

« این دومناره طرفین‌سردر مدرسه‌ای‌بوده‌که درزمان‌شاه ابواسحاق مسجدی»
« وجود داشته وخراب شده وبعدها بکاروانسرا وحالیه‌اراضی‌آن تبدیل بچندخانه»
« مسکونی گردیده واین دومناره بحالت مخروبه‌ای هنوز باقی است. درجنب‌این»
«دومناره مقبره‌ای است‌که‌گنبد خشتی بسیار زیبا وبلندی دارد. در این‌بنا سنگ»
« قبرعالی است که این‌عبارات برروی‌آن خوانده میشود :»

« هذه‌الصخرة المقدسة انشاتها الخاتـون العظمی سلطان بخت آغـا ابنة‌الامیر »

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۰ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۴۹

« خسروشاه ادامه‌الله توفیقها لنفسها بعد وفـاتها فی رمضان سنة ثلث و خمسین .... »
« ومنظور دختر کیخسرو اینجو میباشدکه در سال ۷۵۹ ﻫ وفات یافته ، شوهرش »
« شاه محمود و برادر شوهرش شاه شجاع نام داشته‌که درجنگ دوبرادر رشادتهای»
« زیاد بخرج داد وعاقبت شاه محمود اورا درحال مستی درسال ۷۶۹ ﻫ بـکشت . »
« گویند این‌سنگ را قبل‌از فوت خود نقش‌کرده بوده است . در کنار این کتیبه »
« اطاق کوچکی موجود است که بزیرنقب یا دخمه‌ای راه دارد . »

« نام سلطان بخت آغا یا آغا سلطان درکتیبه ایوان جنوبی بخط نستعلیق»
« و درسر درب مسجد جامع رو بکوچه ساوجیان بخط کوفی معرق بسال ۷۶۰ ﻫ »
« موجود است .»

درگفته‌های مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دو اشتباه دیـده میشود : یکی این‌که درعبارت‌سنگ قبر بجای ادام‌الله اشتباهاً ادامه‌الله نوشته‌اند درصورتی‌که عبارت‌سنگ‌قبر همان ادام‌الله است . دوم این‌که بانو سلطان‌آقا بانی تزیینات ایوان جنوبی مسجد جامع عتیق اصفهان را که در قرن دهم میزیسته با سلطان بخت‌آغا دختر کیخسرو ویا خسروشاه که درقرن هشتم بوده‌است اشتباه‌کرده‌اند .

مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان درباره مناره‌های مزبور بحثی محققانه کرده‌که قسمتی ازآن بشرح‌زیرنقل‌میگردد :(۱)

« دومناره دردشت برفراز سردربلندی بارتفاع حدود پانزده مترکه‌ازعظمت»
« دیرین‌آن حکایت میکنند قرار دارند. ارتفاع باقی‌مانده‌هـای دومناره دردشت از»
« سطح پشت‌بام آن بیش‌از ۸ متر نیست وحکایت ازبنای مفصل ووسیعی میکندکه »
« درعقب مناره‌ها وسردرمجلل‌آن واقع‌میشده‌است. ازترتیب استقرار ساختمانهای»
« بعد ازسردر بعلت تغییرات زیادی‌که در وضع این ناحیه داده شده اطلاعی در »
« دست نیست ، و ازساختمان وسیع آن غیر ازفضای مختصری که در عقب سردر »
« واقع است چیزی باقی‌نمانده ولی‌بطوریکه معمرین ساکن دراطراف این بنای »

۱ــ گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۷ تا ص۳۲۰ .

« تاریخی برای نگارنده نقل کرده‌اند تا یك قرن پیش‌هم اطاقهای ویرانه اطراف »
« مدرسه دردشت که مناره‌ها وسردرفعلی مدخل آن محسوب میشده باقی بوده‌است »
« وتدریجاً ضمیمه خانه‌های اطراف شده وتا یك قرن پیش بصورت (تکیه) محلی »
« برای اجتماع مردم محله دردشت بوده است . »

« دراطراف گردنه‌گنبد آرامگاه سلطان بخت‌آغانیز آثاری مشاهده میشود »
« که اتصال بقعه را بناهای دیگر دراطراف آن میرساند وچنین استنباط میشود »
« که باقی‌مانده آثاری ازیك مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بـوده است که »
« باحتمال‌قوی بانی ساختمان‌آن خود سلطان بخت‌آغا ویا شوهراوسلطان محمود »
« آل مظفر بوده است . »

« بقعه فعلی از طرف ضلع شمالی راهی بداخل مدرسه داشته است‌که فعلاً »
« مسدود میباشد وترتیب ساختمان درمجاورت سردر وراه داشتن آن بمدرسه باز »
« مؤید این‌مطلب است‌که ساختمان مناره‌ها و سردر فعلی مدرسه نیز از اقدامات »
« خودسلطان‌بخت‌آغا بوده‌است وبقعه‌اختصاصی آرامگاه‌وی نیز درزمان‌حیات‌خود »
« او ساخته‌شده وکلیه این‌اقدامات ساختمانی بافراغت تمام صورت‌گرفته است ، »
« حتی‌سلطان بخت‌آغا بموجب الواح موجود برسنگ قبرنفیس اوسنگ مزبور »
« را در زمان حیات خود درسال ۷۵۳ هجری وشانزده سال قبل از آنکه کشته »
« شود دستور تهیه وتزیین آنرا داده است وبعداز قتلش دربقعه اختصاصی خود »
« مدفون‌شده وسنگ مزبورنیزبر آرامگاه اوقرار داده شده‌است. باعلاقه زیادی »
« که محمود شاه آل مظفر باین‌زن داشته‌است وتأثر وتحسر شدیدی‌که پس‌ازقتل »
« اوارکان زندگی‌اورا فراگرفته وتا آخرعمر اورا سخت نادم وپشیمان نموده‌است »
« وعلاقه خود شاه محمودآل‌مظفر بعمران وساختمان که آثار دوره اونیز درصفه »
« عمر درمسجد جمعه اصفهان ودرامامزاده اسماعیل موجود است میتوان‌احتمال »
« دادکه اگرملکه زیبا وزیباپرست اوخود بانی ساختمان بنای مزبور نبوده است »
« یقیناً درتشویق پادشاه وقت بانجام‌این‌قبیل امور مشوق مؤثری بوده ونقش‌مهمی »

« داشته است وباتوجه بجنگهای متعدد ولشکرکشی های دائمی این سلطان وجنگ »
« وستیزهای دائمی بین او وبرادران ورقیبانش که اورا وادار میکرده ازپای تخت »
« خود اصفهان خارج شود میتوان باحتمال قریب بیقین گفت که سرپرستی و »
« نظارت درعملیات ساختمانی دوره حکومت او بازن رشید ولایق اوسلطان بخت آغا »
« بوده است. »

« جای تأسف است که بعلت انهدام تدریجی تارك مناره ها وبالنتیجه ازبین »
« رفتن کتیبه ها و بالاخص ساختمان وسیع مدرسه دردشت وکتیبه سردر مدرسه که »
« جای آن خالی است هیچ کتیبه و لوحه‌ای که ممیزات ساختمان این مجموعه »
« وسیع معماری را صریحاً بیان کند باقی نمانده است، ولی از طرف دیگرجای »
« خوشوقتی است که سنگ نفیس آرامگاه دختر اینجو و ملکه مظفری بیغما و »
« تاراج نرفته وعلت آنرا بطوریکه نگارنده تحقیق نموده است جنبه قدسی این »
« بقعه میباشد که عامه مردم درقرون اخیر آنرامتبرك ومقدس میدانسته‌اند وحتی »
« امروزهم که حدود هفت‌قرن ازتاریخ بنای آن میگذرد مانند عموم زیارتگاهها »
« واماکن مقدسه مردم اصفهان برمزار ملکه مقتول شمع روشن میکنند. »

« داخل بقعه سلطان بخت آغا فعلاً هیچگونه تزییناتی ندارد وباقشری از »
« گچ پوشیده شده است وسنگ آرامگاه او دروسط بقعه قرار دارد و در اطراف »
« آن هم فعلا صورت قبور دیگری مشاهده نمیشود ولی دربعضی جاها از زیر قشر »
« گچ آثار نقاشی های ساده‌ای پدیدار است و بطور مسلم داخل بقعه تزیینات »
« نقاشی داشته‌است. جدار خارجی گنبد سلطان بخت آغا دارای تزییناتی ازکاشیهای »
« فیروزه‌ای ولاجوردی برزمینه آجری میباشد. »

« یك نام تاریخی ازاین محل که تا این عصر باقی مانده (شوری) است که »
« هم اکنون حمام شوری نزدیك این بنا و امامزاده شوری ویا امامزاده عبدالله »
« باین نام موجود است وبعید نیست که مدرسه متصل بمناره‌های دردشت هم مدرسه »
« شوری نام داشته است. »

راجع بخطوط و کتیبه سردر مدرسه و مناره های دردشت نیز چنین نوشته است : [1]

« کتیبه منارههای دردشت که یکی ازآنها ریخته ودیگری باقیاست بخط »
« بنائیآجری برزمینه کاشیفیروزهای بشرح زیراست : »

« لااله الاالله محمد رسولالله علی ولیالله حقا . »

« تزیینات جدار خارجی منارهها شبیه تزیینات مناره باغ قوشخانه میباشد »
« که درهمین دوره ساخته شدهو بخط بنائیفیروزهای بر زمینهآجریتکرارجمله »
« (اللهاکبر) است . »

« خطوط سر در مجلل آن بخط بنائی با کاشی فیروزهای برزمینه آجری »
« بشرح زیر است : »

« درسه شکل مربع : (یادیان) در دو مربع : (یاحنان) و در دوشکل »
« مربع دیگر. (یامنان) ».

« در زیرکتیبه خط سابقسردرکه چیزی ازآنباقینمانده در دوشکلمربع »
« مستطیلبخط بنائی فیروزهای برزمینهآجری درطرف راستجمله (لااله‌الاالله) »
« ودرسمت چپ جمله (محمد رسولالله نوشته شده است . »

« بالای سکوهای طرفین سردر بخطبنائی فیروزهای برزمینهآجرینوشته »
« شده است : (یاحنان یا منان) وبرجرزهای طرفینسردر جملات : (الملکلله) »
« (القوت لله) (العزت لله) . »

بنظر نگارنده چونبانوی نامبرده درواقع ازخصومت شوهر وکسانش آگاهی داشته پیش ازمرگ سنگ لوح خودرا تهیهکردهکه پس ازاو برگورش گذارده شود و مدرسه و مسجد متصل بمنارهها اگر از ساختمانهای خود آن بانو نبوده از ساختمانهائی بوده که آنرا مرمت و تعمیرکرده و از اینرو آنجا را برای مدفن و مقبره خودآمادهکرده است .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۲۰ تا ص۳۲۱

مناره‌ها و گنبد ومقبره وسنگ لوح که مجموعه آن از آثارملی باستانی بشمار میرود بشماره ۱۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۱]

درکتاب فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایـران[۲] : نوشته شده : (ساختمان این‌مقبره‌برطبق«کتیبه روی سنگ قبر باید درحدود سال ۷۶۹ هجری قمری باشد» . درصورتیکه درکتیبه رقمی‌که خوانده میشود (۵۳) میباشد ورقم مآت آن‌که ۷۰۰ باشد افتاده و خراب شده است و چون مسلم است‌که عدد دیگری بجز ۷۰۰ نمیتواند باشد پس‌سال ساختمان سنگ لوح ۷۵۳ بوده ورقم۷۶۹هجری که در فهرست بنا های تاریخـی و اماکـن باستانی ایران مذکـور گردیده موجـه نخواهد بود .

۸ ـ مناره گلدسته :

درکوچه رستی‌محله‌دردشت‌نزدیك مدرسه شفیعیه وحمام نم‌بنات ودرمجاورت گنبد ابوعلی‌سیناکه بمدرس ابن‌سینا نیزشهرت دارد مسجدی است‌که در کنار آن پایه مناره قدیمی وجود دارد که بربالای‌آن‌بارتفاع سه متر ازکف پشت‌بام گلدسته مسجد بناشده و سبك ساختمان بسبك ساختمان مناره مسجد شعیا شباهت دارد و میتوان احتمال داد که ساختمان مناره مزبور بـا ساختمان گنبد در قدیم مـربوط بوده است .

وضع‌ساختمان نشان میدهدکه مناره در دوره دوم سلجوقی بناشده ولی‌مدرسه شفیعیه ازآثارزمان شاه عباس‌دوم است [۳] وممکن‌است‌مدرس مزبور جزء مدرسه‌ای بوده‌که ازبین رفته است .

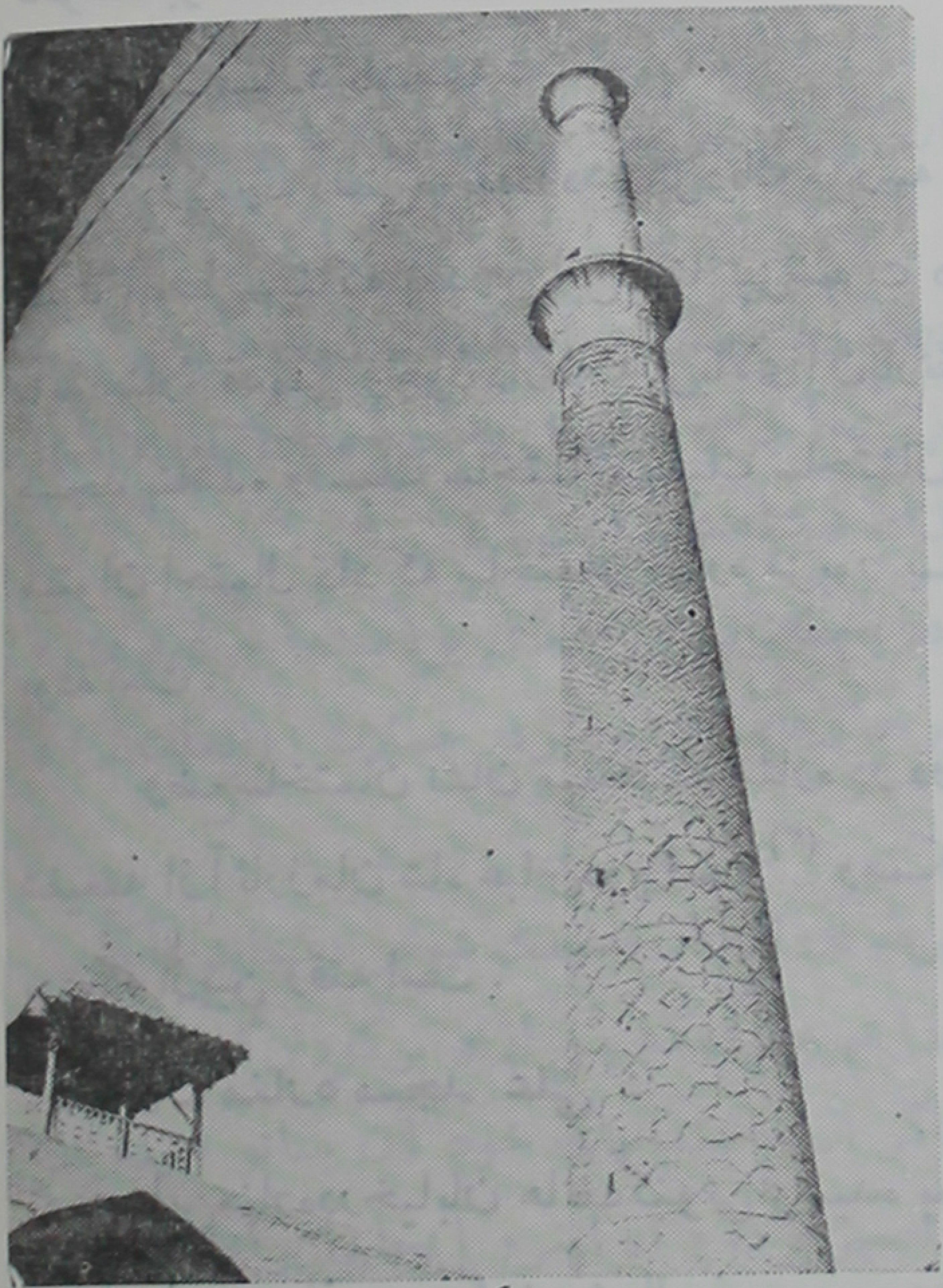
۹ـ مناره مسجد علی :

این‌مناره‌درخیابان هاتف‌کنونی‌نرسیده بمسجدجامع عتیق‌طرف‌دست چپ در خیابانی‌فرعی واقع ودرگوشه شمال غربی‌مسجدعلی‌قرارگرفته‌است، وبهمین‌مناسبت

۱و۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باسنانی ایران ص۳۹ .   ۳ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۰ تا ص ۱۵۱

بنام مناره مسجد علی شهرت یافته است ارتفاع این مناره را بین ۴۷/۸۵ [1] متر تا ۵۱/۵ متر [2] وابعاد کامل را چنین نوشته‌اند : [3] محیط قاعده در سطح زمین ۱۶ متر ، محیط مناره محاذی پشت بام مسجد علی ۱۵ متر ، محیط نعلبکی مناره ۱۲/۸۰ متر محیط قاعده منارچه‌ای که برفراز مناره بنا شده ۷/۷۵ متر ، ارتفاع هر پله تا نعلبکی مناره ۳۵/ سانتیمتر ارتفاع هرپله منارچه ۳۰/ سانتیمتر، تعداد پله‌های منار ازسطح زمین تابالای منارچه ۱۶۴ پله .

تاریخ ساختمان مناره معلوم نیست ولی طرز وسبك ساختمان بامقایسه بدیگر مناره‌های همزمان نشان میدهدکه مربوط بقرن پنجم وششم هجری است بطوریکه نوشته‌اند درقدیم مسجدی بوده که بنام سنجریه معروف واین مناره درکنار آن مسجد بوده ومسجد علی بجای آن مسجد ساخته شده است .



(شکل ۴۵)

و چون دوره قدرت و حکمرانی سلطان سنجر سلجوقی در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم بوده میتوان قبول کرد که چنین مسجدی درزمان حکمرانی او بنا و در زمان صفویه بویرانی گرائیده بوده واز این رو با تعمیر ویا ازنو برخرابه آن مسجد قدیم بناگردیده است . (ش ۴۵)

مناره مزبور پنج کتیبه از بالا بپائین دارد که بسیاری از کلمات کتیبه ریخته است [4] .

---

۱ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۳۳ ۲و۳ - گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۱۹۸ . ۴- گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۹ .

کتیبه اول - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری درقسمت بالای مناره تکرار کلمات : (لااله‌الاالله) است .

کتیبه دوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای درزیر مقرنسهای مناره عبارت : (الملک‌لله) تکرار شده است .

کتیبه سوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله) است.

کتیبه چهارم - بخط بنائی گچی برزمینه شطرنجی درمربعهای بزرگ : (هوالله‌الذی لااله الاهو) است .

کتیبه پنجم - بخط بنائی آجری برجسته برزمینه گچی‌که هم سطح با بام مسجد علی میباشد چنین است :

(شهدالله انه لااله‌الاهو والملئکة و اولوالعلم قائما بالقسط) .

ازمناره مزبور درسال یکهزارو سیصدو چهل ودو هجری شمسی تعمیراساسی بعمل آمده است .[1]

مناره ومسجد بشماره ۹۶ - ۱۵/ ۱۰/ ۱۰ بثبت تاریخی رسیده است .[2]

یو - مدارس شهر اصفهان

۱- مدرس ابن‌سینا :

این‌مدرس‌که به‌آن گنبد بوعلی نیزمیگویند ودارای گنبدی آجری و زیبا میباشد درمحله دردشت درنزدیکی مدرسه شفیعیه وحمام نم‌نبات واقع‌گردیده است و چنان شهرت دارد که شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در زمانی که در اصفهان اقامت داشته در این مدرس‌که بنظر میآید جزء مدرسه‌ای بوده و از میان رفته تدریس میکرده است .

---

۱ - بخشی ازگنجینه آثارملی ص ۹

۲ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۰

۲ـ مدرسه احمدآباد :

این مدرسه درمحله احمدآباد واقع واز بناهای جلال‌الدین محمد طبیب ـ خاص حرم شاه سلطان حسین صفوی است که آرامگاه بانی مزبور نیزدر همان مدرسه میباشد . کتیبه سر در مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لبناءِ هذه المدرسة المبارکة بمیامن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم ظل‌الله فی الارضین مروج مذهب آبائه الائمة المعصومین السلطان بن السلطان »
« والخاقان بن الخاقان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادر خان »
« خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه وزیدت نعمه »
« المتواترة المتوالیة طبیب خدام حرمه العلیة العالیة الداعی لخلود دولته جلال‌ـ »
« الدین محمد فی ۱۱۱۴ » .

و درپشت بغل سردر بخط بنائی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه آجری سورهٔ نصر نقش شده و بخط نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی رنگ این دو بیت خوانده میشود .

اجر وتاریخ این بنای رفیع	خواستم از خدا و خیر انام
بشنیدم ندا ز عالم غیب :	« بدهد ذوالجلال والاکرام »

بطوریکه از فحوای کتیبه سردر معلوم میگردد بنای مدرسه درسال یکهزار ویکصدو چهارده هجری باتمام رسیده است ولی کتیبه پشت بغل حاکی است که در سال یکهزارویکصدو پانزده باتمام رسیده است که یکسال پس از تاریخ سردر باشد و ظاهر امر بین این دو تاریخ مباینت است ولی مباینت آن را باین ترتیب ممکن است مرتفع نمود که کتیبه سردر درتاریخ ذیحجه سال هزارویکصدو چهارده هجری نوشته شده وکتیبه پشت بغل را در محرم بعد از ذیحجه که مقارن باسال یکهزارو یکصد و پانزده هجری میشود نوشته‌اند .

مؤلف دانشمند گنجینهٔ تاریخی اصفهان که کتیبه‌ها از آن کتاب نقل گردیده

تاریخ ابیات پشت بغل‌را همان یکهزار و یکصد و چهارده بحساب[1] آورده ولی درست نیست و بطور دقیق که محاسبه شود منطبق با سال ۱۱۱۵ هجری میشود. ثبت تاریخی سردرب مدرسه مزبور درگردش اداری است.[2]

۳ـ مدرسهٔ اسماعیلیه :

این‌مدرسه در محله قصرمنشی واقع و وسعتش نزدیك هفتصد ذرع است، و درآن قبری است‌که میگویند پیش ازبنای مدرسه بقعه صاحب آن زمین بوده و اطـراف آن درختان بسیار از آن جمله درخت فلفل وجود داشته که هنوز باقی است.[3]

۴ـ مدرسه امامزاده اسماعیل :

این مدرسه درصحن امامزاده اسماعیل ساخته شده است.[4]

۵ـ مدرسه امین‌الدوله :

این مدرسه که بمدرسه صدرمعروف است ازبناهای عبدالله خان امین‌الدوله ابن‌حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم‌اصفهانی است‌که درچهارباغ صدر قرارگرفته است.[5] ثبت تاریخی آن درگردش اداری است[6]

۶ـ مدرسه باباقاسم :

این‌مدرسه‌که بمدرسه‌امامیه نیزشهرت‌دارد درخیابان هاتف‌ودرکوچه باباقاسم ونزدیك مقبره باباقاسم قراردارد. مدرسه دوطبقه و دارای ۳۲ باب حجره تحتانی وفوقانی‌است که بیشتر حجره‌های فوقانی‌آن ویران شده است.

برای اینکه وضع مدرسه بخوبی نمایانده شود شرحی‌را که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره ساختمان و وضع مدرسه نوشته‌بعینه نقل‌میگردد:[7]

« نزدیك مقبره بابا قاسم‌درکوچه‌ایکه بطرف‌دست راست واقع است مدرسه»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۰ ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۶
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۵ ۵ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۹
۲ و ۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۸ ۷ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۳ تا ص۱۵۵

« بسیار قدیمی وزیبائی معروف بمدرسه بابا قاسم یا امامیه میباشد ».
« سبك معماری و ساختمان این‌مدرسه با مقبره باهم متناسب ومتعلق بیك »
« زمان است . سردر مدرسه رو بطرف جنوب و بجلوخان باز میشود که کاشیهای
« آن ازبین رفته است . پس ازعبور از دهلیز کوتاهی بفضای مربع شکل مدرسه »
« وارد میشویم ، ساختمان بنا دوطبقه و در اطراف بچهار طرف ایوان وسیعتری »
« است‌که درطرفین هریك حجراتی قرار دارد و در اطراف همگی آیات قرآنی »
« (سورهٔ انا فتحنا وسوره الدهر) بخط خوشی‌نوشته شده و باکاشیهای معرق خوش»
« رنگی تزیین گردیده است ، درایوان شمالی‌که شکاف بزرگی برداشته و بیشتر »
« کاشیهایش ازبین رفته علاوه برآیات قرآن وکتیبه‌های اطراف درپیشانی داخلی»
« آن بخط‌کوفی درهم نام : الله ربی ـ الحکم‌لله ـ الحمدلله ـ محمد نبیی ـ محمد »
« ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی ـ بخط شکسته بنائی بر روی کاشی مشکی منقوش»
« است ودر دور هفتی روبروی ایوان بطورمنقوش نام: ابوبکر، عمر، عثمان، علی،»
« طلحه ، زبیر ، سعد ، سعید ، عبدالرحمن ، ابوعبیده نوشته میباشد . (خطوط »
« بنائی یاکوفی‌این‌کتیبه ها برای اولین‌بارخوانده وبوسیله این‌جانب منتشرشد). »
« در داخل صفه جنوبی با خط‌کوفی (قال‌النبی علیه‌السلام الحکم‌لله الدنیا »
« جیفة وطالبهاکلاب ـ عمل‌شیخ محمد عمر، درمربع مستطیلی دیده میشود . »
« درآخرکتیبه سمت غربی مدرسه تاریخ ۷۲۵ هجری بروی کاشی نوشته »
« شده‌که درضمن تعمیرنتوانسته‌اند حروفها را بگنجانند و میرساند که این بنا »
« مربوط بقرن هشتم هجری ودوره آل‌مظفراست . »

« این‌مدرسه دارای ۳۲ باب‌حجره است‌که اغلب حجرات فوقانی‌آن خراب»
« شده وبرخی‌را همسایگان تصرف‌کرده‌اند . درسنوات اخیرمرتباً ازطرف‌باستان »
« شناسی تحت تعمیر بوده مخصوصاً درسال هزاروسیصدوسی‌وپنج دالان ورودی‌که »
« خراب بود از نو ساختمان گردید و با وجود این‌باز محتاج به تعمیرکامل‌است »
« که ازصورت فعلی خارج وتزیینات آن تعمیرشود . »

چون این‌گونه اماکن بمرور زمان بالاخره آثار باستانی خود را از دست خواهند داد لذا برای ثبت آثار مزبور در تاریخ هرچه بیشتر مشخصات و ممیزات این‌گونه آثار ذکر گردد از نظر بقای در تاریخ مفیدتر خواهد بود از این رو شرحی را که مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان نیز نوشته و تاحد مقدور کامل است بشرح زیر نقل مینماید:[1]

« مدرسه باباقاسم که آنرا مدرسه امامیه نیز مینامند بنای زیبائی‌است‌که »
« حیاطی دروسط و چهار ایوان و اطاقهائی‌که حجرات طلاب بوده است دراطراف»
« دارد . ساختمان این‌مدرسه که ازقدیمی‌ترین مدارس موجود طلبه نشین‌اصفهان »
« است دوطبقه است و درطبقه دوم‌نیز حجراتی دارد نمای خارجی صحن‌وایوانهای»
« بزرگ وکوچك مدرسه باکاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی »
« رنگ مخصوصی است ونظیرآن فقط درمحراب صفه عمر در مسجد جمعه دیده»
« میشود تزیین شده است ایوانهای بزرگ و کوچك دارای مقرنسهای کاشیکاری »
« میباشد که بعضی ازآنهاجنبه تزییناتی دارد و بعضی دیگر باخطوط بنائی‌وکوفی»
« وثلث تزیین‌شده است» .

« خطوط ضلع شرقی مدرسه ازجنوب بشمال :»

« درداخل مقرنسهای ایوان اول این‌ضلع دراشکال مربع بنائی باکاشی سفید»
« معرق برزمینه‌لاجوردی نوشته شده است : الله‌الاعلی . و محمد . و علی . وحسن»
« وحسین . »

« بردوجانب ایوان‌بزرگ وسط این ضلع بخط بنائی لاجوردی وفیروزه‌ای»
« برزمینه شطرنجی آجری درهم و مکرر نوشته شده است : « قل‌استغفرالله . »

« در داخل مقرنسهای ایوان چهارم این ضلع بخط‌کوفی آجری برزمینه »
« فیروزه‌ای دریك لوحه نوشته شده: (الملك‌لله) وبخط کوفی فیروزه‌ای و سفید»
« برزمینه‌آجری: (الملك‌لله) ودرداخل‌همین‌ایوان بخط‌آجری برزمینه فیروزه‌ای»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۰۳ تا ص۳۱۰

« دریك طرف (الله) ودر طرف دیگر کلمه (اکبر) نوشته شده است . »

« درزیر مقرنسهای ایوان پنجم این‌ضلع بخط بنائی با کاشی سفید معرق »
« برزمینه سبز دروسط نوشته شده: (الصلوة نورالمؤمن) ودرطرفین بخط‌کوفی »
« سفید برزمینه لاجوردی اسامی‌زیر نوشته شده است : »

« (الله) (ومحمد) (وعلی) (وحسن) (وحسین) »

« ایوان شمالی مدرسه بابا قاسم . »

« درایوان بزرگ شمالی مدرسه باباقاسم در بین‌حاشیه ومتن طاق ایوان در »
« یك‌شش‌ضلعی که بدون زمینه است وهمه تزیینات‌آن خطی‌است شش‌کلمه(علی) »
« نوشته شده‌که سه‌کلمه آن سفید وسه کلمه دیگرآن لاجوردی رنگ است . »

« قسمت عمده تزیینات متن طاق این ایوان بمرور زمان ریخته است و »
« آنچه‌که باقی‌مانده چهارشکل مربع‌است‌که درداخل آنهاکلمات وعباراتی بشرح»
« زیرخوانده میشود :»

« دریك مربع بخط بنائی آجری معرق برزمینه فیروزه‌ای : (وحسن) »
« (وحسین) دریك مربع بخط سفید معرق‌برزمینه‌لاجوردی: (عمل‌الشیخ‌محمدبن »
« عمر) دردو مربع‌بخط بنائی‌سفیدبرزمینهٔ‌لاجوردی (الدنیاداحة) (وترکهاراحة)،»
«در وسط هلال طاق این ایوان دریك شمسه بخط کوفی فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص »
« نقش شده است .»

« اسامی خلفای راشدین واصحاب پیغمبر : »

« درراس اسپر دیوارشمالی مدرسه باباقاسم دریك ته شمسه بخط‌ثلث سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله حقا) شمسه »
« وسط اسپر از ده مربع کوچك تشکیل شده که در هرمربع بخط سفید معرق »
« برزمینه کاشی لاجوردی یکی ازاسامی زیر نوشته شده است . »

« ابی‌بکر . عمر. عثمان . علی . طلحه . زبیر. سعد . سعید . عبدالرحمن. »
« ابوعبیدة . درحاشیه اطراف اسپر بخط بنائی با کاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه »

« آجری صلوات برچهارده معصوم نقش‌شده ودرحاشیه‌های پراکنده درمتن بخط »
« بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده است: »
(سبحان‌الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) (سبحان‌الله‌ربی‌الاعلی‌وبحمده)»
« (سبحان ربی‌العظیم و بحمده) (العظمة‌لله) (سبحان‌الله الفردالصمد) »
« (سبحان‌الملکوت) ».

« در مقرنسهای پائین‌اسپر در یك مربع بزرگ (الله) وبخط بنائی سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی سورهٔ (اخلاص) نوشته شده ، در چهار لوحه بخط »
« بنائی سفید ولاجوردی سه رگی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته‌شده است :»
« (الله ربی) (محمدنبیی) (الحکم‌لله) (الحمدلله) »

« در یك شش ضلعی بخط کوفی باکاشی سفید معرق برزمینه مشکی‌نوشته»
« شده است . »
« (محمد) (ابوبکر) (عمر) (عثمان) (علی) .»

« برجانب شرقی ایوان شمالی بخط بنائی شطرنجی لاجوردی وفیروزه‌ای »
« برزمینه آجری بطور درهم ومکرر جمله (سبحان‌الله) وبرجانب غربی جمله »
« (الحمدلله) تزیینات دیوارهای این ایوان را تشکیل میدهد . »

« در داخل ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان بزرگ شمالی بخط بنائی با»
« کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است : (الدنیا ساعة و جعلها »
« طاعة) »

« و در داخل ایوان‌کوچك غربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی‌نوشته»
« شده است : (الله) (محمد) (علی) . »

« ضلع غربی مدرسه باباقاسم .»

«دراین ضلع ازشمال بجنوب نقوش ایوان کوچك اول دراین‌ضلع تزییناتی»
«است . درایوان کوچك دوم دریك مستطیل بخط بنائی سفید معرق برزمینه‌کاشی»
«لاجوردی نوشته شده : (الله‌ربی) ایوان بزرگ ضلع غربی‌مدرسه دروسطاین ضلع»

«واقع است و خطوط تزیيناتی آن بخط بنائی شطرنجی فیروزه‌ای و لاجوردی»
«برزمینه آجری بطور درهم تکرار جمله (لااله‌الاالله) است . »

«درایوان کوچك چهارم درمقرنسها بخط بنائی باکاشی معرق سفید برزمینه»
«لاجوردی نوشته شده : (محمد نبیی) » .

«درایوان کوچك پنجم درپنج شکل مربع بخط بنائی با کاشی سفید معرق»
«برزمینه لاجوردی نوشته شده است (یاالله) (محمد) (حبیب‌الله) (الله‌ربی) (وعلی) .»

«نام شیخ‌محمد عمر استاد کاشیکار مدرسه باباقاسم درتزیینات ایوان و گنبد»
«جنوبی مدرسه ذکرشده است . »

«درداخل مقرنسهای ایوان بزرگ ضلع‌جنوبی مدرسه باباقاسم دریك مربع»
«کوچك بخط بنائی فیروزه‌ای معرق بر زمینه آجری نوشته شده است : (محمد) »
« (وعلی) » .

«تزیینات داخل این ایوان بخط بنائی شطرنجی لاجوردی و فیروزه‌ای»
«بر زمینه آجری تکرار جمله (والله‌اکبر) است . گنبد و محراب مدرسه در این»
«ضلع واقع شده وبردیوار شمالی محوطه زیرگنبد دریك لوح بشکل مستطیل به»
«خط بنائی با کاشی معرق لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : (عمل‌الشیخ»
«محمد عمر) ودررأس‌قسمت داخلی‌گنبد بخط بنائی باکاشی‌فیروزه‌ای‌معرق‌برزمینه»
«آجری عبارت زیر نوشته شده است : (قال‌الله عزوجل عسی ان یبعثك ربك مقاماً»
« محموداً) . »

«ایوان‌کوچك غربی‌این‌ضلع‌دارای نقوش تزییناتی‌است ولی‌درزیرمقرنسهای»
«ایوان کوچك شرقی که تزیینات قسمت فوقانی منتهی‌الیه دالان ورودی را بسمت»
«صحن تشکیل میدهد در الواح کوچك بشکل مربع مستطیل بخط بنائی معرق»
«سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است : »

« (قال‌النبی علیه‌السلام) (الحکمة‌لله) (الدنیا جیفة وطالبها کلاب) »

«کتیبه‌های قرآنی مدرسه باباقاسم مورخ بسال ۷۲۵ هجری : »

«داخل ایوانهای بزرگ چهارگانه شمالی وجنوبی و شرقی و غربی مدرسه»
«باباقاسم با کتیبه‌های زوجی که شامل آیات قرآنی میباشد تزیین شده است . »
«سطرهای بالا بخط کوفی باکاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه لاجوردی‌شامل»
«سوره (دهر) که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و پس از گردش بدور »
«مدرسه درهلال ایوان‌بزرگ شرقی ختم‌میشود ودرآخرسوره فقط جمله(صدق‌الله)»
«نوشته شده است . »

« سطرهای پائین بخط ثلث‌باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی شامل‌سوره»
« (فتح) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی درزیر کتیبه کوفی است و»
«به‌آخر هلال ایوان‌کوچك دوم ضلع غربی (ازشمال‌بجنوب) ختم میشود ودرآخر»
«این کتیبه سال تاریخ آن که ناتمام ولایقرء میباشد نوشته شده است . »

«گویا برحسب تصادف قسمت آخر این کتیبه‌که سال تاریخ بنا را درآنجا »
«نوشته بوده‌اند خراب شده وبعداً بشکل بدی تعمیر شده است .کلمه (خمس) که»
«رقم آحاد سال تاریخ است بخوبی خوانده میشود و بعدازآن حرف اول رقم مآت»
«نیزکه مسلماً(سبعمائه)بوده دیده‌میشود لکن‌رقم عشرات‌آن لایقرء است وبهرحال»
«میتوان حدود سال ساختمان مدرسه را (۷۲۵ هجری) تعیین کرد . »

از گفتارهای گذشته بخوبی مشخصات و ممیزات ساختمانی مدرسه باباقاسم که ساختمان اولیه آن در ۷۲۵ هجری بوده و سپس در ادوار بعد درآن بطورحتم تصرفاتی شده معلوم گردیدکه مدرسه مزبور هنگامی ساخته شده‌که مذهب تسنن دراصفهان رواج داشته و باباقاسم ونیزبانی‌آن ازاهل سنت ودرعصرآل مظفر بوده است وسپس درعصر صفویه تزییناتی اضافه شده‌که درآن تزیینات آثار تشیع دیده میشود بخصوص در ایوان پنجم که کلمات . الله و محمد و علی و حسن و حسین نقش شده است .

اما وجه تسمیه آن بمدرسه امامیه یا امامی‌که متفاوت نوشته‌اند و کسی‌هم متعرض آن نشده از گفتار بالا مفهوم میگردد کـه چون در مدرسه اسامی خلفاء

نوشته شده بوده و در واقع مرجع طلاب اهل سنت بوده سپس که از آن وضعیت خارج و مرجع طلاب امامیه شده بنام مدرسه امامیه معروف و مشهور شده است و بطور حتم از عهد سلاطین صفویه این تغییر نام عملی گردیده است. این مدرسه بموجب شماره ۱۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۷- مدرسه پاقلعه :

این‌مدرسه از آثار دوره صدارت حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم اصفهانی است که درمحله پا قلعه اصفهان قراردارد، نمای اطراف صحن آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین‌شده وکتیبه سردر آن که‌بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی نقش شده باین‌شرح است :

« لقد بنی‌هذه العمارة المشتملة علی‌المسجد الشریفة والمدرسة الرفیعة فی»
« زمن‌دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم‌الشریعة الغراء و مشید »
« قواعدملة‌البیضآء مروج آثارائمة‌الطاهر بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان»
« فتحعلی‌شاه قاجار شیدالله اطناب دولته باوتادالخلود ، اعدل حکام‌الزمان و زائر »
« بیت‌الله الحرام حاجی محمدحسین‌خان صانه‌الله من حوادث الدوران ، الوالی »
« فی‌دار السلطنة اصفهان صینت عن‌طوارق الحدثان ، فی عام سبع عشرة ومأتین‌بعد »
« الالف .»[۲]

ومعلوم‌میگرددکه مدرسه دارای مسجد نیزمیباشد - ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است.[۳]

۸- مدرسه ترکها :

این‌مدرسه درمحله درب‌کوشك قرار دارد ویکی ازمدارس قدیمی طلبه‌نشین عهد تراکمه آق‌قوینلو[۴] و صفوی بشمار میرود وساختمان مدرسه مزبور یك‌طبقه ودارای صحنی‌کوچك ونماهای کاشی وحجراتی دراطراف است. دراطراف مدرسه

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸   ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۴۹ تا ص۷۵۰   ۳- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .   ۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۵

کتیبه‌ای نیست وفقط سنگابی‌دارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« صفی‌قلی که‌بود بنده شهنشه دین — چوخضر آمده‌سیراب‌چشمه رحمت»

« زمانه‌گفت بتاریخ سنگ‌خیر اتش — (بنوش‌آب وبکام یزیدکن لعنت) »

(۱۰۸۱)

چنانکه بخاطردارم درسال (۱۳۰۸ هـ . ش) که بنا بردستور وزارت معارف سابق مقررگردیدکه عده‌ای از محصلان درمدرسه‌ای اسکان‌داده شوند مدرسه ترکها که درآن‌ایام مخروبه وغیر مسکون شده بود وفقط بقال زیربازارچه مدرسه‌لوازم اضافی کارخود را درآن انبار میکرد مورد تعمیر قرارگرفت و عده‌ای از محصلان که نگارنده هم در میان آنان بودم سکونت کردیم ، درامر تعمیر مدرسه مرحوم محمدعلی دانشور رئیس‌وقت‌اداره‌معارف‌واوقاف‌اصفهان و آقای‌حاجی آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی معاون اداره‌معارف مجاهدت بسزائی نمودند .

ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است .[۱]

۹- مدرسه جده بزرگ :

این مدرسه دربازار بزرگ واقع واز دوره شاه عباس ثانی‌است که جده او بناکرده است. نام‌جده شاه درکتیبه نیست ولی نوشته‌اند[۲] که این مدرسه را جده کوچك شاه عباس دوم بناکرده است ازمیان مدرسه نهرآبی عبور می‌کند واطراف صحن کاشیکاری ودارای محراب دوطبقه وطلبه نشین میباشد وپیوسته این‌مدرسه محل‌تدریس وتحصیل‌بوده ومدرسان بزرگی درآن تدریس میکرده‌اند .

نگارنده در این مدرسه از درس‌حاج میرمحمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و میرسید محمد نجف‌آبادی استفاده کردم و اغلب علماءِ و فضلای کشور از محضر آنان استفاده کردند .

از کتیبه سردر مدرسه معلوم میگرددکه مدرسه را جده شاه عباس دوم در سال (۱۰۵۸ هـ . ق) بنا نموده و وقف بر طلبه علوم کرده است . کتیبه سردر

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷ ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۵۳ .

بخط ثلث سفید با کاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط محمد رضا امامی چنین است :

« قد وفقت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة »
« العالیة جدة السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة »
« الاثناعشر علیهم السلام السلطان بن السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه عباس »
« ثانی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ایام دولته ومعدلته وسلطنته الی »
« یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة ووقفها علی الطلبة الاثنی عشریة وذب فی »
« نفعها ببنائها الدین و وفقها لتحصیل مآرب النشأتین بحق النبی سیدالکونین فی »
« ثمان وخمسین والف کتبه محمدرضا الامامی . »

تزیینات داخلی مدرسه منحصر به‌کاشیکاری اطراف است و چیزی که بنظر میآید در لوحه‌کوچك برسرپشت بغل ضلع شرقی با خط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی‌خشت زرد رنگ نقش‌شده :

«گشت تعمیر این‌خجسته بنا ۱۳۳۴» [۱]

و معلوم میگردد درتاریخ مزبوراز‌مدرسه تعمیری بعمل آمده است . متولی مدرسه مزبور تا (۱۳۰۸ هـ . ش) از خاندان آقا جمال‌الدین خوانساری بود . این‌اثرباستانی بموجب شماره ۸۹۲ ـ ۱/۱۰/۴۸ به ثبت تاریخی رسیده است . [۲]

۱۰ـ مدرسه جده کوچك :

این‌مدرسه دربازار قهوه کاشیهاکه ازبازار بزرگ منشعب میشود قراردارد و بعد از مدرسه جده بزرگ بناشده است .

آنچه شهرت دارد وبرخی‌از نویسندگان نیز متعرض شده‌اند [۱] مدرسه جده بزرگ را جده کوچك شاه عباس ثانی و مدرسه جده کوچك را جده بزرگش ساخته است .

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۳ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران اداره‌کل باستان شناسی .

ولی درستی این نکته و مطابقت آن با واقع محـرز نیست و بظاهر میتوان گفت که چون مدرسه جده کوچك از لحاظ وسعت کوچکتر است کوچك و بزرگتر چون توسعه آن بیشتر است بزرگ گفته‌اند و با قرینه این که مدرسه جده کوچك پیش ازمدرسه جده بزرگ ساخته شده ونام‌بانی درآن دلارام خانم برده شده وچون معموربوده دیگر درکتیبه مدرسه جده بزرگ نام جده برده نشده است وبانی یکنفر بوده‌است وبا این ترتیب نسبت کوچکی و بزرگی‌هم باتوجه بمساحت مدارس مزبور بوده است .

مگر این که در وقف‌نامه های مربوط معلوم باشد که واقفان و بانیان دونفر بوده‌اند .

طبق لوحی ازسنگ مرمر بطول ۹۵ وعرض ۷۰ سانتیمتر که بردیواریکی ازغرفه‌های شمالی مدرسه نصب شده این مدرسه را دلارام خانم جده شاه‌عباس ثانی در رجب (۱۰۵۷ هـ . ق) بسعی ولی آقا باتمام رسانیده است . کتیبه لوح مزبور که بخط ثلث برجسته میباشد چنین‌است :

« قد صدر الامر بانشاءِ هذه العمارة المبارکة و بنائها من‌جانب علیاحضرت »
« المعظمة المطهرة المکرمة المفخمة المخدرة الموفقة جدة سلطان الاعظم و »
« الخاقان الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم اشرف سلاطین‌العالم »
« سمی عم خیرالمرسلین نور حدقة‌الزمان ، عین‌الاعیان، السلطان‌بن‌السلطان‌بن »
« السلطان و الخاقان‌بن الخاقان‌بن الخاقان شاه عباس الثانی الصفـوی الموسوی »
« الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی‌ملکه وهی‌الناموس‌العظمی والمخدرة الکبری »
« المحلیة باخلاق الزهراء دلارام خانم وفقها‌الله‌لماتحب وترضی فی‌تاریخ شهررجب »
« سنة سبع وخمسین بعد الالف بسعی‌ولی‌آقا باتمام رسید .»

کتیبه مزبور بعینه ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] نقل‌گردید منتهی در کتاب مزبور هنگام مراجعه بعکس لوح (لماتحب‌وترضی) اشتباهاً (یحب‌ویرضی)

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۳ . ۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵

خوانده شده ولذا اصلاح گردید ولی درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] اشتباهات زیادی دیده میشود ازآن جمله : (بنائها)که درست آن (وبنائها) و(ومن جانب) درست آن (من جانب) و (مطهرة) درست آن (المطهرة) و (الـوقفة) درست آن (الموفقه) و (مالب رقاب) درست آن (مالك رقاب) و (شرف) درست آن (اشرف سلاطين) و (خير المرصلين) درست آن (خيرالمرسلين) و (ثانى) درست آن(الثانى) و (الحلية) درست آن (المحلية) و (وفقهاالله) درست آن (وفقهاالله) و (لمايحب) درست آن (تحب) و (يرضى) درست آن (ترضى) میباشد .

مدرسه جده کوچك دوطبقه و پشت بغلهای نمای اطراف آن تزيينات كاشى كارى دارد ودرسر در آن کتیبه‌ای بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بخامه محمد رضا امامی چنین است :

« قدوفقت علياحضرت المفخمة المكرمة المعظمة النبيلة الجليلة العلية »
« العالية جدة السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة »
« الاثنى عشر عليهم السلام ابوالمظفر شاه عباس الثانى الحسينى الصفوى خلدالله تعالى »
« ايام معدلته وسلطنته الى يوم الدين ببناء هذه المدرسة المباركة ووقفها على الطلبة »
« الاثنى عشرية وجعلت ثوابها هدية لروح خلف السلاطين العظام سلالة الخواقين »
« الكرام المرحوم المغفور المبرور الواصل الى رحمة ربه الغفور السلطان صفى ميرزا »
« اشمله الله بغفرانه وبنائها نفعها فى الدين ووفقها لتحصيل مآرب النشأتين بحق النبى »
« سيد الكونين كتبه محمدرضا الامامى فى ١٠٥٦ . »[2]

این مدرسه بموجب شمارهٔ ۳۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[3]

۱۱ـ مدرسه چهار باغ :

این مدرسه که ازبهترین مدارس بنا شده درایران است درضلع شرقی خیابان

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص ۱۷۴ تا ص ۱۷۵ . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۵۵ تا ص ۵۵۶. ۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۵ .

چهارباغ واقع گردیده است .

نمای خارجی آن مـواجه خیابان چهارباغ و دارای غرفه های روبـروی خیابان میباشد .

این‌مدرسه را مدرسه مادرشاه ومدرسه سلطانی‌هم خوانده‌اند وبرای هرکدام وجه تسیمه‌ای است .

مدرسه مادرشاه ازآن‌جهت‌گفته‌اندکه مادرشاه سرای فتحیه وبازارچه بلندرا وقف برمدرسه چهارباغ کرده بودکه بمصرف طلاب آن برسد واز این‌رو مدرسه را نیزمدرسه مادرشاه می‌نامیده‌اند واما مدرسه سلطانی‌ازنظر این‌که شاه‌سلطان‌حسین بانی‌بوده و مدرسه چهارباغ ازآن لحاظ که درخیابان چهارباغ واقع شده‌است .

وضع ساختمانی مدرسه چنین است :

از طرف ضلع شرقی چهارباغ نود مترمساحت مـدرسه است ونمای آن رو بخیابان و دارای سردر بسیار ممتاز وزیباست واطرافش هفده دهانه ایوان آجری دوطبقه دارد ، وعقب آنها حجره‌هائی است .

درجبهه فوقانی‌سردر مدرسه‌کتیبه‌ای بخط ثلث برزمینه لاجوردی نوشته‌شده است . دور دهانه سردر ازکاشیهای فیروزه‌ای‌است که برروی دوپایه سنگ‌گلدانی شکل مرمر حجاری شده بسیار زیبا قرارگرفته وپهنای دهانه سردر هفت (۷) متر وطرفین در دوسکوی مرمرعالی قرار دارد .

کتیبه پیشانی سردر مشرف بخیابان مانند کتیبه ایوان شرقی داخل مدرسه است‌که بعد نوشته خواهد شد ، و اماکتیبه بالای در بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی معرق درهشت لوحه مستطیل‌که برروی جرزها نصب شده چنین‌است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد　　　جانی‌است‌کزآلایش تن‌پاك‌آمد »

« یك حرف‌زمجموعه عزوشرفش　　　لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

« دریای سپهر کافتابست کفش　　　نبود چوعلی‌گوهری‌اندر صدفش »

« خورشیدگهی بدر شودگاه هلال　　　گر عکس دهد بماه در نجفش »

فاصله میان کتیبه خط ومقرنس کاریهای داخلی سر در باسوسنهای کاشی معرق ونقوش جالب زینت داده شده واز جمله روی سوسن میانی صورت طاوسی نقش شده که بالای آن عبارت : (انا مدینة العلم وعلی بابها) بخط نستعلیق خوش نقش شده است .

در دم طاوس صورتهائی نمایان است که بیشتر بصورت پادشاهان صفوی که معمم بوده‌اند شباهت دارد این دوبیت نیز درچهار لوحه بخط نستعلیق با کاشی سفید زمینه مشکی زیر طاق نقش شده است :

« دانی زچه این چرخ کهن میگردد   نه بهر تو و نه بهر من میگردد »
« درگردش او چون علی آمد بوجود   میبالد و گرد خویشتن میگردد »

در اصلی مدرسه دولنگه ازیکپارچه چوب کلفت روکش نقره مذهبی دارد که ازنظر زرگری ونقاشی وقلمزنی شایان توجه است . روی لنگه سمت راست عبارات زیر بخط نسخ برجسته درمیان دوترنج نقره حك شده است :

لنگه راست : فوقانی : « بسم‌الله الرحمن الرحیم » ـ درپائین : « قال النبی صلی‌الله علیه و آله » وروی لنگه چپ بالا : « انا فتحنا لك فتحاً مبینا ـ انامدینة العلم وعلی بابها » و دراطراف لنگه در سمت راست با خط نستعلیق خوش برجسته هشت بیت نوشته شده :

« خدیو کشور دین کلب آستان علی
گل محمدی گلشن مدینهٔ علم »

« ابوالمظفر سلطان حسین‌شاه کزو
شکست خاره جهل است ز آبگینهٔ علم »

« شهی که طینت صافش برنگ در نجف
نسب رسانده بخاك در مدینه علم »

« بناخدائی آن سایه خدا باشد
ز موج خیز خطر در امان سفینه علم »

« نبی مدینهٔ علم و علی بود در او
شه است بنده خاص در مدینه علم »
« عیان محبت آن قبله گـاه در دلـها
برنگ نور ز مشکـوة آبگینه علم »
« ببادبانی لطف و سحاب مـرحمتش
بـروی آب گهـر میـرود سفینه علم »
« بحفظ مملکت دین‌زفیض یزدان ساخت
برای لشکـر ملك دعا خزینه علم »
وبرلنگه چپ نیز همین بیت نقش شده :
« بنای مدرسهٔ کرد همتش که شونـد
درآن قرینه هـم اهل بی قرینه علم »
« نجـات از خطـر آب داد کشتی نـوح
رهاند از ضرر آتش ایـن سفینه علم »
« دو عادل است پی خرق و التیام سپهـر
بگاه بست و گشاد این در مدینه علم »
« اگردومصرع موزون بود درش چه عجب
که شاه بیت بلندی است از سفینه علم »
« بـود قـرینه شق‌القمـر بـلا تشبیه
چو وا شود در این شهر بی‌قـرینه علم »
« خجستهٔ کـه بسرکاریش مـوفـق گشت
کمال سعی نمود این که شد کمینه علم »
« بسان کوکب رخشنده خادمش هر شام
چراغ فضل فـروزد در آبگینه علم »
« نگاشت کلك بدیع از برای تاریخش
« گشاد حـق بصفاهان در مـدینهٔ علم »

و در میان دوبیت آخر نام کاتب چنین نوشته شده :

« کاتب‌الحروف محمد صالح غفرذنوبه »

ازجمع عددحروف فردآخرشعرآخرکه ماده تاریخ‌بنا میباشد سال یکهزار و یکصد ونوزده (۱۱۱۹ هـ. ق) حاصل‌میگردد وبدیهی‌است باوجودتاریخهای دیگری که درجاهای دیگرنوشته شده که بیشتراز میزان مزبور است بایدگفت که اساس بنای مدرسه دراین‌تاریخ انجام شده بود و درسالهای بعد بر تزیینات ومزایان آن افزوده شده است .

روی دماغه لنگه چپ در برلوحه‌ای ازنقره‌کـه قسمتی ازآن ازمیان رفته کلمات زیر خوانده میشود :

«حسب‌الامراعلی » و « بسرکاری مقرب‌الخاقان » و « زرگری ونقاشی‌ومطلا» « ومنبت ومليله وقالب » و « عبدالطیف التبریزی » .

ومعلوم میشودکه عبدالطیف‌تبریزی زرگرونقاش وبالاخره متصدی امورفنی ساختمان دربوده است وظاهرآنست که منظور ازسرکار مقرب الخاقان‌که حک‌شده همان آقاکمال باشدکه درامرساختمان مدرسه جهارباغ سرکاربوده است .

در سرسرای مدرسه و در قسمت بالای در برلوحه بزرگـی بشکل مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌های‌خشت‌لاجوردی رنگ کتیبه زیرخوانده میشود که علی‌نقی امامی خطاط آن‌بوده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله انا مدینة العلم وعلی بابها » و در پائیـن مستطیل نام کاتب که علینقی امامی بـاشد و تاریخ آن کـه ۱۱۱۹ باشد نـوشته شده است .

در چهار طرف لوحه مزبور و در وسط هرضلع درقسمت های مثلث شکـل کلمات و عبارات : الله ـ یا مفتح‌الابواب ـ محمد ـ علی ـ نصرمن‌الله و فتح قریب نقش شده است .

دراطراف سرسرای مدخل مدرسه اشعاری از شاعری متخلص به افهم‌که هر

مصراعی از آن در لوحه‌ای جداگانه نقش گردیده در زیر درج میگردد :

« شاه پیغمبر خصال و نقد شیر ذوالجلال
آفتاب اوج دولت ظل رب المشرقین »

« شعلهٔ کافر گداز و رشحهٔ مؤمن نواز
سروران را سرفراز وسلطنت را زیب وزین »

« وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان
پادشاه شیعیان جان جهان سلطان حسین »

« آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی
آنکه ازخلق وکرم بگرفت حد مشرقین »

« شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال
کز کمال عقل و دانش عقل و دانش راست عین »

« سازد این عالی بنا را پایه از اقبال شاه
کز علوشان گذارد پا بفرق فرقدین »

« ساخت عالی مسجدی با مدرسی ازلطف حق
زان سبب شد بهره یاب آرزوی نشأتین »

« هرستونش ز اعتقاد راست همدوش فلك
از دو سو گلدسته ها دست دعا را ساعدین »

« یافت چون اتمام حسب الامراعلی این بنا
گفت رضوانش بحسرت این جنت انت این »

« فکرافهم خواست تاریخی که باشد ازشرف
قابل عرض جناب کامیاب نشأتین »

« ازپی اتمام این عالی بنا از شوق گفت :
(مدرس کلب علی وشاه دین سلطان حسین) »
(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

و معلوم میگردد که کاتب آن محمد صالح وبخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی و در ذیل آن تاریخ را به اعداد یکهزار و صدو نوزده (۱۱۱۹) نوشته‌است درصورتیکه مصراعی‌که ماده تاریخ است بحساب جمل‌مطابق سال یکهزار ویکصدو بیست (۱۱۲۰) میشود.

دربالاترین کتیبه‌مدخل مدرسه اشعاری نقش‌شده ازشاعری متخلص به‌ازهری که در قرن دوازدهم از شعرای معروف بوده وآن اشعار بخط نستعلیق‌محمدصالح اصفهانی بشرح زیر است:

«بعهد دولت‌سلطان‌حسین شاه جوان	که ازعدالت اوگشت ملك دین‌آباد»
«شهنشهی که ز معماری عنایت او	بنای‌دولت‌ودین‌محکم‌است‌چون‌فولاد»
«خدایگان سلاطین دهرکزسرصدق	کمینه بنده درگاه اوجم‌است و قباد»
«ز بس بنای مساجد بعهد او پابست	مصالحی‌نشودصرف جز صلاح‌وسداد»
«بچارباغ‌صفاهان برنگ هشت بهشت	بنای مدرسهٔ‌کرد همچو سبع شداد»
«زهی بنای فلك رفعت مبارك پی	که‌دل زدیدن او شد زبند غم آزاد»
«چگونه وصف‌کنم‌آب نهرصحنش‌را	که سلسبیل‌روانی‌ازاوگرفت ارشاد»
«عجب نباشد اگر صبح تا بشام رسد	ز لوح شمهٔ او روشن آفتاب سواد»
«نگارخانه چین است طرح کاشی او	که نقش کرده بدیوارخانه بهزاد»
بسنگ‌کاری‌صحن‌وازاره‌اش‌شده‌فرش	هزار صنعت شیرین زتیشه فرهاد»
«کشیده‌اند زگلدسته‌اش بگلشن دین	مؤذنان همه گلبانگ الصلوة عماد»
«معلمی‌که در آنجا مدرس است بود	کتابخانهٔ یونان علم را استاد»
«زصدق بود چو آقاکمال سرکارش	شدست منزل اهل کمال و استعداد»
«قلم‌گرفت ونوشت‌ازهری بتاریخش:	(بنام‌مدرسهٔ شه شد از کمال آباد)»
	(۱۱۱۹)

«کتبه محمد صالح»

با این‌که درذیل اشعار تاریخ را (۱۱۱۹) نوشته‌اند ماده تاریخ آن‌بحساب

حروف جمل مطابق باسال یکهزار و یکصد و هیجده (۱۱۱۸) میباشد و گمان میرود یا اینکه کاتب درهنگام محاسبه اشتباه کرده و نوشته یا اینکه اختلاف یکسال را بمسامحه واگذار کرده‌اند. و در هرحال ماده تاریخ اول با حساب دقیق مطابق با (۱۱۲۰) و ماده تاریخ دوم مطابق باسال (۱۱۱۸) میگردد.

درسرسرای مدرسه سنگابی وجوددارد که دراطراف آن کتیبه‌ای است مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و بخط نستعلیق برجسته با رقم: «کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه» و رقم حجار و سازنده سنگاب چنین است:

«درشهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر» وباتوجه باینکه سنگاب سرسرای مدرسه درسال (۱۱۱۰) باتمام رسیده باشد درست بنظر میرسد که تاریخ اتمام کتیبه سردر درسال (۱۱۲۰) انجام شده باشد.

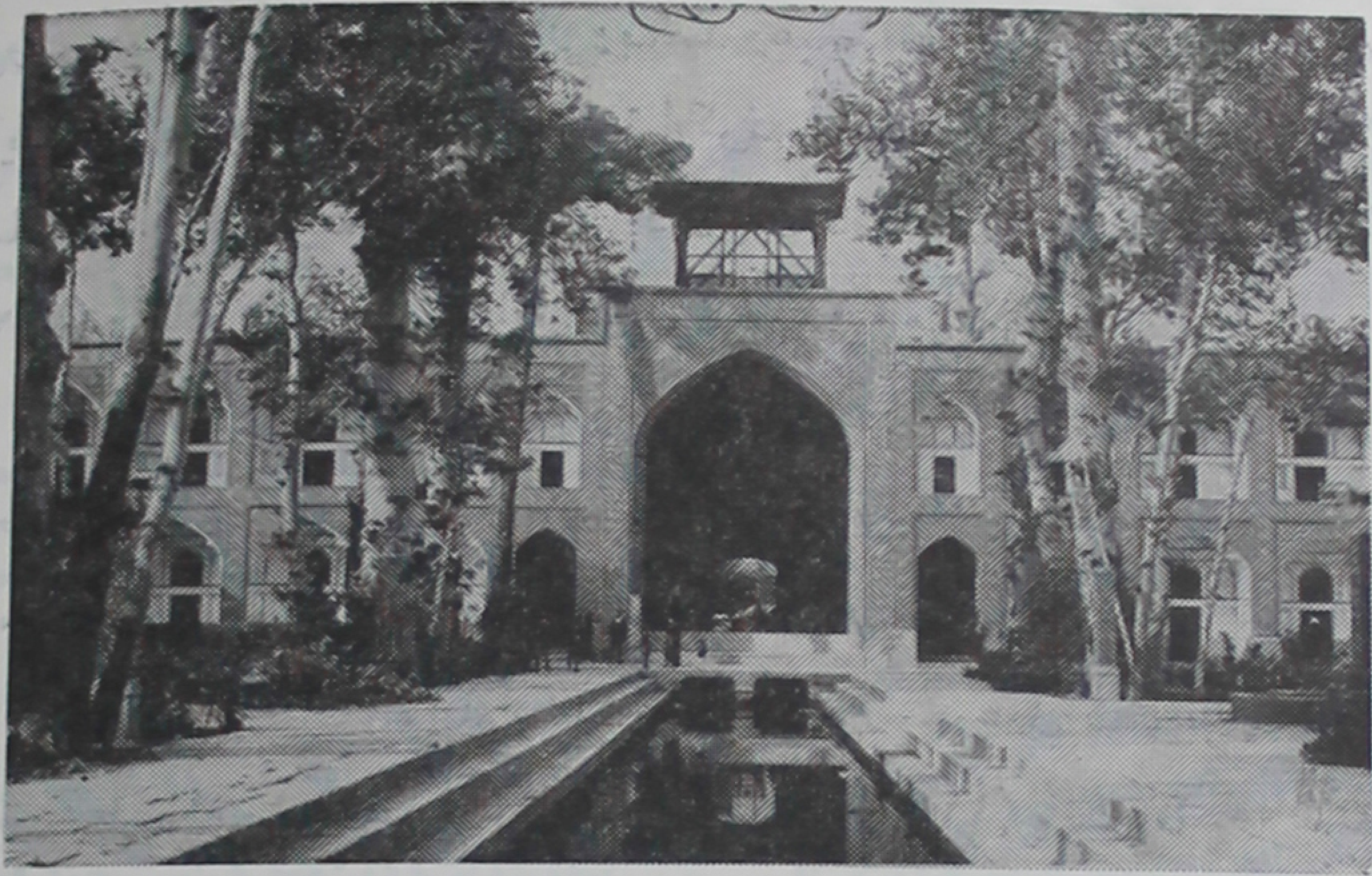
ونیزسنگاب دیگری در صحن مدرسه درمقابل ایوان بزرگ جنوبی در حاشیه باغچه گل ازسنگ پارسی قرار داردکه کتیبه آن چنین است:

«وقف حضرت امام حسین صلوات‌الله و سلامه علیه نمود این سنگ آب را حاجی ابوالحسن اردکانی فی‌شهرشوال المکرم سنه‌تسعین والف». و از آن برمیآید که سنگاب مزبور درزمانی پیش‌ازساختمان مدرسه ساخته شده و درجای دیگری قرار داشته وپس‌ازساختمان مدرسه بآنجا انتقال یافته است.

و احتمال هم میرودکه زمین مدرسه پیش‌از ساختمان تکیه یا سقاخانه‌ای بوده که سنگاب درآن نصب شده بوده و پس از عمارت مدرسه در همان‌جا ابقاء شده است.

مدرسه چهارایوان داردکه بیشتر کتیبه‌ها درآن ایوانها وگنبدی‌که درایوان جنوبی قراردارد واقع شده است. (ش۴۶)

الواح وکتیبه‌های ایوان شمالی مدرسه‌که درمقابل ایوان وگنبد جنوبی قرار دارد با کاشیهای نفیس هفت رنگ وکتیبه و خطوط تزیینی آراسته شده و دارای پنجره نفیس معرق‌است‌که درقسمت فوقانی‌مدخلی که ایوان سرسرای شمالی‌مدرسه



(شکل ۴۶)

را ارتباط میدهد منصوب است .

مدخل شمالی مدرسه بوسیله در نفیسی ببازارچه بلند متصل میشود . سردر مدرسه دربازارشاهی با کاشیهای معرق تزیین شده و دارای کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح زیر :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم . امر بانشاءِ هذه‌المدرسة المبارکة السلطان الاعظم »
« والخاقان الافخم خادم روضات الائمة سادن سدات سادات الامة ابوالمظفر شاه »
« سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان جعل‌الله تعالی بابه مآباً »
« للسلاطین وجنابه مطافا للخواقین ولماصرف فی بنائها خالص المال بخلوص البال »
« اهدی ثوابها للمعصومین الاربعة عشر علیهم السلام کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۱ ».

دراطراف سرسرای شمالی درالوح جداگانه‌ای اشعاری بخط خوش نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نقش شده است :

« ابر عالم گیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین »

« آن شهنشاهی که باشد مردمان دیده را

از غبار آستانش عین نور و نور عین »

« آسمان می‌خواست تا آفاق را سنجد به‌او

کهکشان‌میزان شد وخورشیدوماهش کفتین »

« آنکه‌دست قدرت حق چارعنصر کرده است

در سرشتش مشتری و زهره را با نیرین »

« آنکه جدش سرنوشت خانه تقدیر را

خوانده در پیشانی مردم زبین الاصبعین »

« ساخت باهم مسجد و مدرس چوعلم باعمل

شد بتوفیق الهی کامیاب نشأتین »

« مسجد گردون اساسی چون سپهر آراسته

گنبدش‌را گوی سرطوق است گوی نیرین »

« شهرعلمی‌مدرسش‌کردم‌غلط نه‌کشوری‌است

صد چو یونانش نهان درجیب بین‌الدفتین »

« مایه عمر ابد در طول دارد عرصه‌اش

عرض‌آن عرض‌عریض فکر داناراست عین »

« یافت چون اتمام این عالی‌بنا ازجود شاه

داد چون سرکاری آقاکمالش زیب و زین »

« بهر تاریخ بنا و سال اتمامش نجیب

مطلعی‌چون مهرو مه گرداند زیب خافقین »

« مسجد سلطان عادل ماه اوج مشرقین

۱۱۱۸

مدرس عالیجناب شاه دین سلطان حسین »

۱۱۱۹

« کتبه محمد صالح »

دو تاریخ دارد یکی بسال (۱۱۱۸) تاریخ تمام شدن بنا و دومی (۱۱۱۹) تاریخ آماده شدن مدرسه برای طلاب است.

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیراست:

«روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم انه قال من سلك طریقاً یطلب فیه علما»
«سلك الله به طریقاً الی الجنة وان الملئكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضابه وانه»
«لیستغفر لطالب العلم من فی السموات ومن فی الارض حتی الحوت فی البحر وفضل العالم»
«علی العابد كفضل القمر علی سایر النجوم لیلة البدر وقال صلی الله علیه و آله طلب العلم»
«فریضة علی كل مسلم ومسلمة وان العلماء ورثة الانبیاء وان الانبیاء لم یورثوا دیناراً»
«ولا درهماً ولكن ورثوا العلم فمن اخذ منه اخذ بحظ وافر. وعن ابی جعفر علیه السلام»
«انه قال من علم باب هدی فله اجر من عمل به ولا ینقص اولئك من اجورهم شیئاً»
«وعنه علیهم السلام انه قال ان الذی یعلم منكم العلم له اجر مثلا المتعلم له و»
«الفضل علیه فتعلموا العلم من حملة العلم وعلموه اخوانكم كما علموكم العلماء كتبه»
«علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۹».

کتیبه مزبور طابق النعل بالنعل از کتاب آثار تاریخی اصفهان[1] نقل گردیده که در آن نوشته شده:

«طلب العلم فریضة علی كل مسلم ومسلمة» در صورتی که در حدیث مربوط باین موضوع کلمهٔ مسلمة وجود ندارد ودلیل آن عمومیت کلمه مسلم است که دلالت برجنس مسلم دارد وشامل زنان هم میگردد ولی چه شده که کلمهٔ مسلمة درکتیبه آمده است موجبی بنظر نمیرسد و احتمال دارد چون در محاورات عمومی گفته میشود: العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بدون توجه بعدم صحت آن نوشته شده باشد.

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۱۲.

کتیبه‌های داخل ایوان شمالی :

۱- برهلال داخل ایوان شمالی مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بترتیب آیات (۳۵) ازسورهٔ نور و ۵۶ از سورهٔ احزاب و ۵۵ از سورهٔ مائده نقش گردیده و پـایان آن عبارت : « صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم » قرار دارد .

۲- کتیبه داخل ایوان بخط سفید برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم الله الرحمن الرحیم روی عن علی علیه السلم قال قال لی رسول الله صلی الله علیه »
« وآله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یاعلی وآخرهم القائم الذی یفتح الله علی »
« یدیه المشارق الارض ومغاربها. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله »
« لما عرج بی الی السمآء رایت علی باب الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد رسول الله »
« علی حبیب الله الحسن والحسین صفوة الله وفاطمة امة الله لعنة الله علی باغضیهم »
« قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لعلی علیه السلم انت منی بمنزلة هرون »
« من موسی الا انه لانبی بعدی وقال علیه السلم انا مدینة العلم و علی بابها کتبه »
« ابن محمد محسن الامامی علی نقی الاصفهانی ۱۱۱۹ » .

دررأس پشت بغل ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی زرد دریك لوحه چنین نقش گردیده است :

« درعهد دولت خسرو جهان آرا شاهنشاه اسلام پناه اعلیحضرت رضا شاه »
« پهلوی تعمیر شده » .

کتیبه‌های ایوان شرقی :

۱ - کتیبهٔ افقی نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بـرزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« عن ابی عبدالله علیه السلم اذاکان لیلة الجمعة نزل من السماء ملئکة بعدد »
« الذروفی ایدیهم اقلام الذهب وقراطیس الفضة لایکتبون الی لیلة السبت الاالصلوة »
« علی محمد وآل محمد فاکثروا منها ، قال ان من السنة ان تصلی علی محمد واهل »

« بیته فی کل جمعة » .

و در حاشیه چپ کتیبهٔ مزبور دریك سطر تاریخ تعمیر چنین نوشته شده :

« فی شوال ۱۳۴۶ »

۲ــ کتیبهٔ داخل ایوان شرقی بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« لما وقع الترغیب والتحریص علی طلب العلم وسلوك سبیله فی محکم الکتاب »
« والحث والتنصیص علی تحصیله وکسبه فی السنة الاخبار المأثورة عن اطیاب الائمة »
« علیهم صلوات الله الملك الوهاب فقال العزیز الحکیم فلولا نفر من کل فرقة منهم »
« طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم[1] یحذرون وقال »
« رسول الکریم علیه و آله التحیة والتسلیم طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا »
« ان الله یحب بغاة العلم امر ملك الملوك الذی حاذ من قصب السبق بین ملوك »
« البلاد باستباق الخیرات وجمع بیدر الذخر لیوم الحصاد بالتبادر الی القربات لا »
« زال معمار البنیان الدولة الابدیة کما هو رافع للواء الفضل والنعمة ومابرح معطرا »
« لمعاطس ارکان السلطنة البهیة کما انه ناصب لعلم العلم والحکمة ببناءِ هذه المدرسة »
« السلطانیة المبارکة النازلة منزلة الجنة التی وعد المتقون واهلها کسکانها فی الغرفات »
« آمنون ثم امر بترصیف هذا الایوان الرفیع لمدارسة کتب العلوم وسنة اتمامه : »
« هو لمصباح العلم مشکوة » کتبه محمد رضا ۱۱۱۹ » .

که میرساند ایوان مزبور در سال ۱۱۱۸ باتمام رسیده وکتیبهٔ آن در ۱۱۱۹ نوشته شده است .

بر دو جرز طرفین ایوان شرقی بخط بنائی سه رگی معرق که دو تای آن مشکی و یکی سفید رنگ برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ قدر و عصر نقش شده و سال تعمیر آن ۱۳۴۵ تعیین گردیده است .

برچهار جرز داخل ایوان هم بخط بنائی سه رگی که دو تای آن لاجوردی ویکی زرد برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص خوانده میشود ، و بردیوار مقابل و

۱ــ در کتاب گنجینهٔ تاریخی اصفهان هم اشتباهی لعلم چاپ‌شده است .

هلال داخل ایوان وطاق آن باخط بنائی لاجوردی معرق برزمینهٔ سفید در لوحه‌های جدا ازهم اسماءالله و تعدادی روایات مذهبی نقش و تزیینات خطی آن را تشکیل میدهد.

۳ـ کتیبهٔ دیگر ایوان شرقی چنین است :

« اخرج احمدفی مسنده ان رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم قال انی اوشك »
« ان ادعی فاجیب وانی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله حبل ممدود من السماءِ الی الارض »
« وعترتی اهل بیتی وان اللطیف اخبرنی انهمالن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروابم »
« تخلفونی فیها . روت عایشة سمعت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله یقول علی »
« مع الحق والحق مع علی لن یفترقا حتی یرداعلی الحوض صدق‌النبی علیه‌السلم کتبه »
« عبدالرحیم الجزایری . »

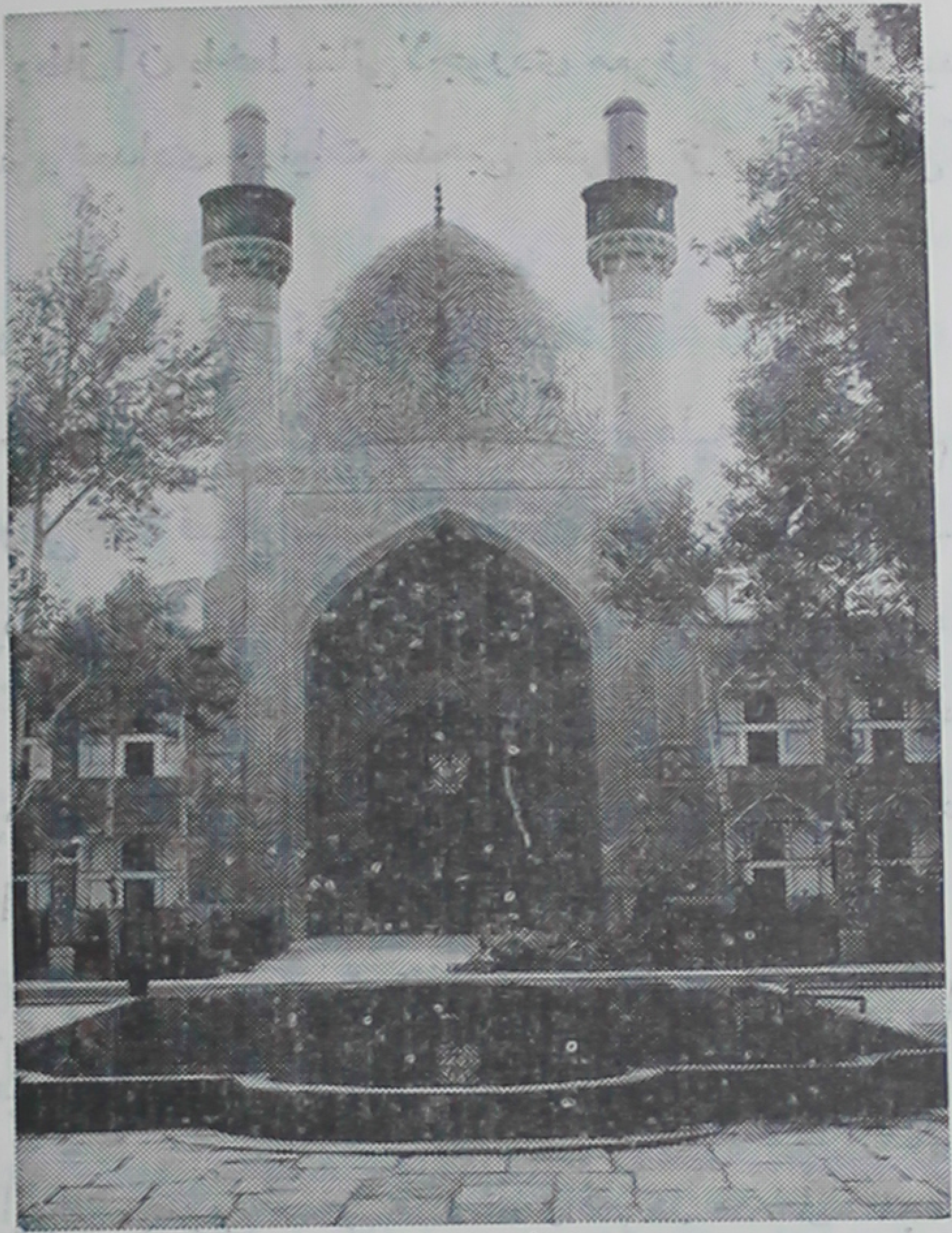
ایوان جنوبی مدرسه که دارای گنبد ودومناره و درواقع ایوان اصلی مدرسه بشمار میرود دارای کتیبه‌هائی است که بتفصیل ذکر میگردد :

۱ـ کتیبهٔ ایوان جنوبی صحن مدرسه واقع در مدخل گنبد که بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی نقش شده چنین است :

« روی الترمدی عن زیدبن ارقم قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم »
« من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل »
« من خذله. عن ابن عباس رضی‌الله تعالی قال لما نزل قوله تعالی انما انت منذر ولکل »
« قوم هاد قال صلی‌الله علیه وآله انا المنذر وعلی الهادی وبك یاعلی یهتدی المهتدون. »
« فی صحیح البخاری قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لعلی علیه السلم اما »
« ترضی ان تکون منی بمنزلة هرون من موسی . کتبه عبدالرحیم . » . (ش ۴۷)

۲ ـ کتیبه های عمودی داخل گنبد صلوات برچهارده معصوم باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. اللهم صل وسلم علی النبی الامی العربی الهاشمی القرشی »
« المکی المدنی الابطحی التهامی فخرالعالمین و حجةالله علی الخلق اجمعین و »



(شکل ۴۷)

« رحمة الله علی اهل السموات والارضین خیر البشر وشفیع یوم المحشر السید البهی و »
« السراج المضیء والکوکب الدری صاحب الوقار والسکینة المدفون بارض المدینة »
« الخاتم لماسبق والفاتح لما استقبل سید الانام ومبین الحلال والحرام العبد المؤید »
« والرسول المسدد المحمود الاحمد الامجد الکریم قایل قول ما عرفناك والمخاطب »
« بخطاب لولاك لما خلقت الافلاك ذی المعجزات والبینات مظهر البراهین والایات اشرف »
« الاولین والاخرین الذی کان نبیاً وآدم بین الماء والطین وانزل فی شأنه الاعلی »
« سبحان الذی اسری بعبده لیلا ودنی فتدلی فکان قاب قوسین اوادنی سبح فی کفه الحصی »
« ونبع من اصابعه الماء وجری المختص بتکریم من یطع الرسول فقد اطاع الله والمعزز »
« بتشریف و انه لذکر لك و لقومك وانذر عشیرتك الاقربین فاتبعونی یحببکم الله »
« صفوة المرسلین وحبیب اله العالمین . ابی القاسم محمد المصطفی خاتم النبیین . »

« اللهم صل وسلم على السيدالمطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابى »
« شبير وشبر قاسم طوبى وسقر صاحب احد وخيبر عامل لواء الحمد وساقى الكوثر »
« الذى من تولاه فازوا من من كل خطر ومن عاداه فقدخاب وخسروفى امه نظر الانزع »
« البطين الاشرف المكين العالم المبين الاشجع المتين والناصر المعين ولى الدين »
« الوالى الوالى المخلص الصفى الحاكم بالنص الجلى المدفون بالغرى السيدالرضى »
« اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله المسلول حجةالرحمن مفتح الجنان اب الائمة »
« المعصومين خليفة حبيب رب العالمين ليث بنى غالب وغالب كل غالب مطلوب كل »
« طالب مفرق الكتايب والشهاب الثاقب و الهزبر السالب امام المشارق و المغارب »
« مظهر العجايب ومظهر الغرايب مولانا ومولى الثقلين سيدالوصيين و امام المتقين »
« ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين امير المؤمنين ابى الحسن على بن ابى طالب . »

« اللهم صل وسلم على السيدة الجليلة الصديقة النبيلة المحدثة العليمة »
« الكريمة الشهيدة المعصومة المكروبة المضطهدة المظلومة ذات الاحزان الطويلة »
« فى المدة القليلة المغصوبة جهراً المدفونة سراً ام الائمة النجباء النقباء المزوجة »
« فى السماء وشهودها الملأ الاعلى ونثارها الدرر واليواقيت التى حملتها شجرة طوبى »
« بنت سيدالمرسلين و حليلة خير الوصيين المطهر [1] من الارجاس المنزهة من »
« الادناس العطية السنية النبوية الموهبة البهية الاحمدية البتول العذراء الانسية »
« الحوراء سيدة النساء فاطمة الزهراء . »

« اللهم صل وسلم على السيد المجتبى و الامام المرتجى سبط المصطفى وابن »
« المرتضى علم الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا بضعة الرسول قرة عين »
« البتول العالم الرفيع ذى الحسب المنيع الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع »
« المدفون بارض البقيع معز المؤمنين وسيد شباب اهل الجنة فلذة كبد سيدة نساء »
« العالمين الحبر المعصوم والامام المظلوم الكريم السخى الحليم السنى الكوكب »

---

۱ ــ درمتن كتيبه منقول از كتاب گنجينهٔ آثار تاريخى اصفهان المطهر نوشته شده ولى درست آن المطهرة ميباشد .

« الدری و النورالبهی العالم بالفرایض والسنن صاحب الجود والمنن ابی محمد »
« الحسن . » .

« اللهم صل و سلم علی السیدالزاهد والامام العابد زین المنابـر والمساجد »
« ولی الملك الماجد قتیل الکافر الجاهد الذی عوضه الله تعالی عن شهادته استجابة »
« الدعاء تحت قبته وجعل الشفاء فی تربته والائمة من ذریته صاحب المحنة والکرب »
« والبلاء المدفون بارض کربلاءِ خامس آل العباءِ وثانی السبطین وبضعة رسول الثقلین »
« مولانا ومولی الکونین سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین . »

« اللهم صل وسلم علی اب الائمة وسراج الامة وکاشف الغمة ومحیی السنة وسنی »
« الهمة رفیع الرتبة انیس الکربة وصاحب الندبة المدفون بارض طیبة حجة الخالق »
« شفیع الخلایق خازن الکتاب المسطـور و وارث التورية و الانجیل و الـزبور »
« سید الساجدین و اسوة الصالحین امام الزاهدین و زین العابدین صاحب المفاخر »
« والمناقب سلیل اسدالله الغالب قرة عین رسول الثقلین وامام الکونین ابی محمد »
« علی بن الحسین . »

« اللهم صل وسلم علی قمرالاقمار و نورالانوار و سیدالابرار و قایـدالاخیار »
« السیدالوجیه والامام النبیه المدفون عندابیه حجة الله علی الخلق اجمعین رحمة الله »
« علی اهل السموات والارضین سلالة سیدالنبیین قرة عین خیرالوصیین الممتاز بسلام »
« جده علی لسان جابر والناشبة بین خلفاء بسیدالاوائل و الاواخر مخزن اسرارالله »
«معدن علم الله الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدرالفاخر »
« امام الکونین ومقتدی الثقلین ابی جعفر محمدبن علی الباقر . »

« اللهم صل وسلم علی الصادق الصدیق العالم الوثیق الحلیم الشفیق خلیفة »
« خیرالانبیاءِ وصی سیدالاوصیاء المظهر البراهین ومبین الایات الحجج والبینات »
« منبع العلوم المکنونة خازن الاسرار المکتوبة بضعة رسول الثقلین قرة عین نبی »
«الخافقین حجة الخالق هادی الخلایق صاحب الشرف الرفیع والحسب المنیع والفضل »
« الجمیع المدفون بارض البقیع المهذب المؤید والامام الممجد قدوة الانام والحبر »

« الهمام محقق الحقايق و مظهر الدقايق ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق . »

« اللهم صل و سلم على السيد الكريم و الامام الحليم سمی الکلیم و الصابر »
« الکظیم قاید الجیش المدفون بمقابر قریش مخزن اسرار علوم الابد وحجةالله »
« الواحد الاحد الصمد هادی الانام ومبین احکام الحلال والحرام المظلوم المسجون »
« والغریب المغموم المحزون صاحب الشرف الانور والجبین الازهر مولی الثقلین »
« ومقتدی الکونین قرة عین خیر الخلق اجمعین موسی بن جعفر الکاظم . »

اللهم صل وسلم على السيد المعصوم و الامام المظلوم و الشهيد المسموم و »
« الغریب المغموم وارث علوم انبیاء المرسلین وسلیل خیر النبیین وسید الوصیین »
« بدر النجوم وشمس الشموس انیس النفوس المدفون بارض طوس عالم اسرار التنزیل »
« والتاویل کاشف رموز التوریة والزبور و الانجیل حجةالله علی البرایا رحمةالله »
« على اهل الارض و السماء الراضی المرتضی المجتبی المرتجی ابی الحسن علی بن »
« موسی الرضا » .

« اللهم صل وسلم على السيد العالم العامل الفاضل الکامل الباذل العادل الاجود »
« الجواد العارف باسرار المبداء والمعاد ولکل قوم هاد مناص من لامناص له یوم »
« ینادی المناد المدفون بارض بغداد حجةالله علی البریات شفیع الامة فی العرصات »
« المعصوم من الذنوب والخطایا منبع الهمم والعطایا قدوة اهل الهدی وذوی التقی و »
« المختص بالامامة فی الصبی مقتدی الکونین و للنبی قرةعین السید العربی والامام »
« الاحمدی والنور المحمدی الملقب بالتقی المکنی بابی جعفر محمد بن علی .»

« اللهم صل وسلم على الامام الهمام وفخر الانام مقتدی الخواص والعوام السید »
« السند المجد المؤید کهف التقی و غیث الوری بدر الدجی طود النهی علم الهدی »
« المدفون بسرمن رأی مظهر المعجزات ومبین الایات سلالة سید الاولین والاخرین »
« خلیفة قائد الغر المحجلین معدن العلوم الربانیة مخزن الاسرار السبحانیة حجةالله »
« علی کافة البریة امام الکونین و قدوة الثقلین صاحب المفاخر و الایادی افضل کل »
« حاضر وبادی ابی الحسن علی بن محمد التقی الهادی .»

« اللهم صل وسلم علی الامام الهمام الفاضل و السید العالم الکامل المعصوم »
« المؤید والمحدث المسدد حجة الله الناطق ولسانه الصادق وبرهانه القاطع ونوره الساطع »
« اللامع حامل امانات النبوة کافل هدایة الامة قدوة الابرار والاخیار امین الله فی البراری »
« والبحار منبع العلوم ومجمع الانوار کاشف المحن و البلوی المدفون بسر من رأی »
« الامام الولی خازن سر النبی ابی محمد الحسن بن علی العسکری . »

« اللهم صل و سلم علی صاحب الدعوة النبویة و الصولة الحیدریة والعصمة »
« الفاطمیة والحلم الحسنیة والشجاعة الحسینیة والعبادة السجادیة والمأثر الباقریة »
« والاثار الجعفریة والعلوم الکاظمیة والحجج الرضویة والجود التقویة والسخاوة »
« النقویة و الهیبة العسکریة الامام المنتظر صاحب العصر والزمان سمی حبیب »
« الرحمن صلوات الله و سلامــه علیهم اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین »
« کتبه عبدالرحیم . فی ۱۱۰۴ »

۳- کتیبهٔ ایوان غربی داخل گنبد بخط افقی چنین است :

« روی ابن المغازلی والدیلمی عن سلمان قال سمعت حبیبی رسول الله صلی الله
علیه وآله یقول کنت انا و علی نورا بین یدی الله عزوجل قبل ان یخلق الله آدم باربعة »
« عشر الف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلک النور جزأین فجزء انا وجزء علی ففی النبوة »
« وفی علی الخلافة. فی کتاب جامع الاصول روی الترمدی عن ام سلمة قالت قال رسول الله »
« صلی الله علیه وآله وسلم من اراد ان ینظر الی نوح فی تقواه والی ابراهیم فی حلمه »
« والی موسی فی هیبته والی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی. و روی ابوالقاسم سلیمان بن »
« احمد الطبرانی رحمه الله بسنده الی عبدالله بن حکیم الجهنی ان رسول الله صلی الله »
« علیه وآله قال انتهیت لیلة الاسراء الی سدرة المنتهی فاوحی الی فی علی انه امام »
« المتقین و قائد الغر المحجلین الی جنات نعیم و قال لو یعلم الناس متی سمی علی »
« امیرالمؤمنین ما انکر فضله کتبه عبدالرحیم الجزایری . ۱۱۲۱ »

۴- کتیبه ولوحه‌های نمای خارجی ایوان جنوبی :

الف ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی در زیر مناره های طرفین بخط

ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ در وسط چنین است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لعلی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه »
« السلام یاعلی نوم العالم افضل من عبادة العابد یاعلی رکعتین یصلیها العالم افضل من »
« الف رکعة یصلیها العابد وروی حفص بن غیاث انه قال قال ابوعبدالله علیه السلم »
« من تعلم وعمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیل تعلم لله و عمل لله »
« عن معویة بن وهب قال سمعت ابی عبدالله علیه السلم یقول اطلبوا العلم وازینوا معه »
« بالحلم والوقارو وتواضعوا لمن تعلموا العلم وتواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولاتکونوا »
« علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم . عن ابی عبدالله علیه السلم یقول ان من حق »
« العالم الاتکثر علیه السئوال ولاتأخذه بثوبه واذا دخلت علیه وعنده قوم فسلم علی[1] »
« جمیعاً وخصه بالتحیة دونهم واجلس بین یدیه ولاتجلس خلفه ولاتغمز بعینك ولا »
« تشر بیدك ولاتکثر من القول قال فلان خلافاً لقوله و لاتضجر بطول صحبته فانما »
« مثل العالم مثل النخلة تنتظر متی یسقط علیك منها شیئی والعالم اعظم اجراً من »
« الصائم القائم الغازی فی سبیل الله . وعن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله یقول من علم »
« خیرا فله مثل اجر من عمل به قلت فان علم غیره یجری ذلك له کتبه عبدالرحیم »
« فی ۱۱۱۲ »

ب- خطوط بنائی نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه :

۱ - روی دو جرز دو طرف ایوان جنوبی در یك شکل چهار ترنجی بخط بنائی مشکی برزمینهٔ سفید چنین نوشته شده :

« اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم و اهلك اعدائهم .

ودر ترنج دیگر نوشته شده :

« اشهد ان لااله الاالله واشهد ان محمداً رسول الله واشهد ان علیا ولی الله » .

در ترنج سوم نوشته شده :

« استغفرالله الذی لااله الا هوالحی القیوم واتوب الیه » .

۱- درست روایت (علیهم) میباشد .

و در ترنج چهارم چنین خوانده میشود :

« وصلی الله علی جمیع الانبیاءِ والمرسلین والحمدلله رب العالمین» .

ودرشکل مربع وسط چهار ترنج چهارمرتبه کلمهٔ (علی) نقش شده است .

۵ - کتیبهٔ قسمت فوقانی محراب ومنبرمدرسه چنین است :

« رواه البیهقی فی کتابه الذی صنفه فی فضایل الصحابة یرفعه بسنده الی »
« رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌و آله وسلم من اراد ان ینظر الی نوح فی تقواه والی ابراهیم »
« فی حلمه والی موسی فی هیبته والی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی. وروی ابوالقاسم »
« سلیمان بن احمد الطبرانی رحمه‌الله بسنده الی عبدالله بن حکیم الجهنی ان »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله قال انتهیت لیلة الاسراءِ الی سدرة المنتهی فاوحی »
« الی فی علی انه امام المتقین وقائد الغرالمحجلین الی جنات نعیم وقال لو یعلم الناس »
« متی سمی علی امیرالمؤمنین ماانکرفضله کتبه عبدالرحیم الجزائری ۱۱۲۱ » .

۶ - کتیبه های شبستان مدرسه :

شبستان مدرسه که درضلع خاوری گنبد واقع وبوسیلهٔ در منبت‌کاری جالبی بفضای زیرگنبد مربوط میشود سه محراب دارد ودر اطراف یکی از آنها با خط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره و پایان آن باین کلمات ختم میشود : «صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم ونحن علی »
« ذلك من الشاهدین کتبه محمد مؤمن الحسینی» .

در اطراف محراب دوم ازآغاز آیهٔ ۷۸ تا پایان آیهٔ ۸۲ سورهٔ اسری نقش شده و قسمت آخرآن برقم زیر ختم میشود: «کتبه محمد مؤمن الحسینی ۱۱۱۸» .

درکتیبهٔ محراب سوم آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره نقش شده بوده‌که فقط : «قدنری تقلب وجهك» ازآن باقی مانده است .

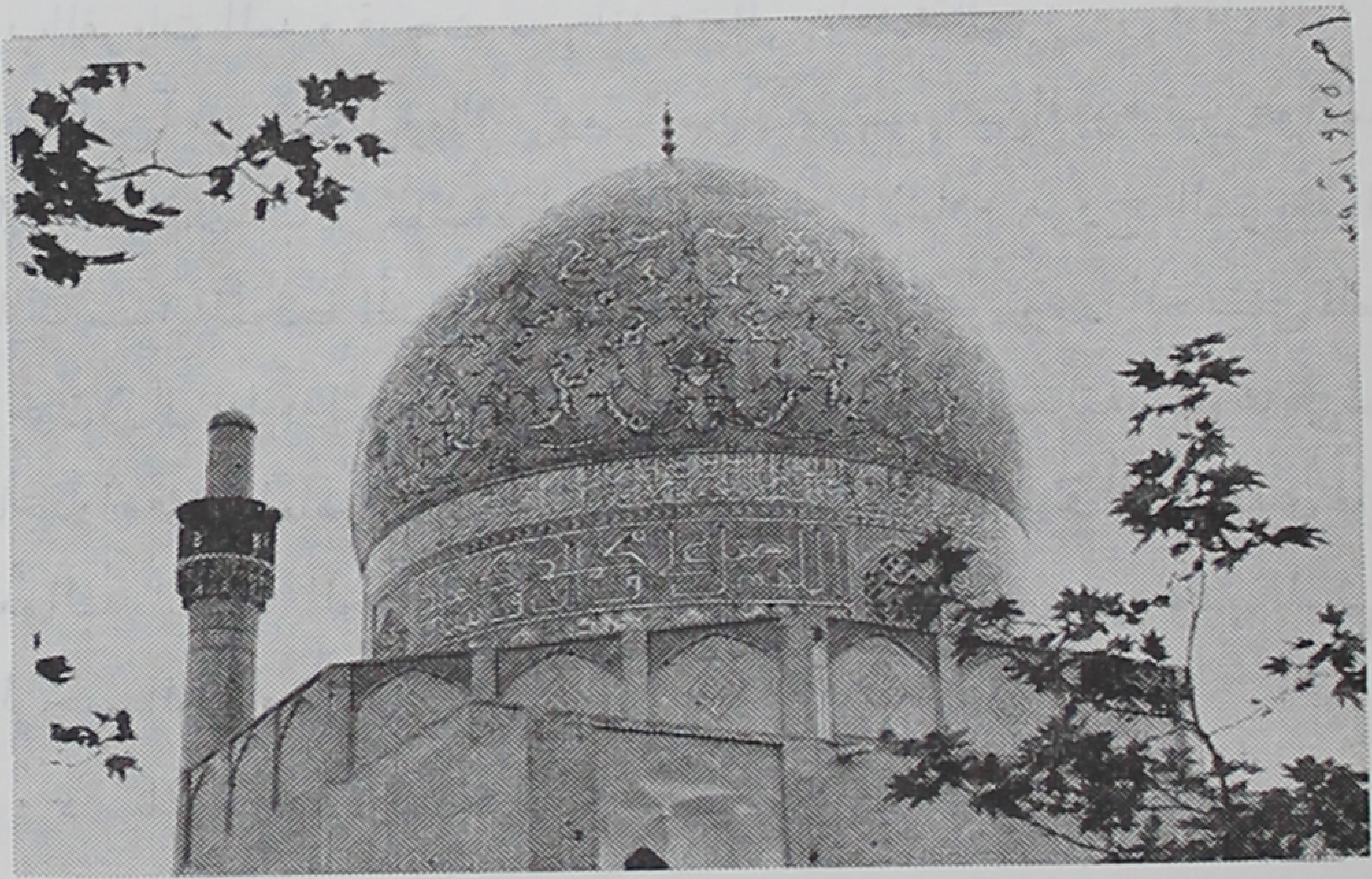
۷ - کتیبهٔ مناره های مدرسه :

درزیرستونهای تارك دومناره کتیبهٔ زیر بخط ثلث لاجوردی برزمینهٔ کاشی زرد باین شرح دیده میشود :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم ان علیا منی وانا من علی وهو مولی »
« کل مؤمن بعدی لایؤدی عنی الا انا اوعلی . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله »
« انا وعلی من نور واحد . »

۸ - کتیبه نمای خارجی گنبد مدرسه :

درگردنهٔ گنبد مدرسه درقسمت بالا باخط بنائی سه رگی برزمینهٔ فیروزه‌ای عبارت : « اللهم صل علی محمد و آله وسلم » چهار بار نقش شده است ، ودر پائین قسمت مزبور برلوحه های پراکنده‌ای با خط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینهٔ سفید عبارات زیرچهار بارتکرارشده است : (ش ۴۸)



(شکل ۴۸)

۱ - « توکلت علی الحی الذی لایموت» چهار بار.

۲ - «الله اکبر» چهار بار .

۳ - «هوالله الذی لااله الاهو» چهار بار .

۴ - «الله اکبر» چهار بار .

۵ - «الملک لله الواحدالقهار» چهارբار .

و در اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله‌رب‌العالمین رافع‌السموات وباسط‌الارضین »
« والصلوة والسلام علی خاتم‌الانبیاء و سیدالمرسلین محمد صاحب‌الفرقان و مهبط »
« وحی القرآن و علی اله الطیبین الاخیار وصحبه‌المنتجبین الابرار لاسیمااخیه و »
« وصیه و مستودع علمه و موضع سره وباب حکمته وخلیفته فی‌امته الداعی الی »
« شریعته علی‌بن‌ابیطالب علیه وعلی اولاده سلام‌الله الملك الواهب وبعد فان عمارة »
« المساجد لاقامة ذکرالله وتأسیس المدارس لتنفیذ امرالله من‌اعظم‌المثوبات لدیه »
« و اقرب‌القربات الیه و قدحث سبحانه وتعالی علیه فقال عز من قائل انما یعمر »
« مساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخر وممن من‌الله‌علیهم بهاتین‌الموهبتین هوالسلطان »
« العادل والخاقان الباذل ملك‌الانام ناشر احکام الاسلام مروج الشریعة‌الغراء »
« والسالك سبیل‌المحجة البیضاء الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی »
« بهادرخان‌لازال ایام‌دولته مرفوعة الی‌سمك‌السماء وصیت‌معدلته‌مسموعا فی‌سطوح »
« المساجدوالافلاك لماصرف‌فیهما صفوالمال بطیب‌البال وصدق‌النیة‌اهدی ثوابهما »
« الی موالیه سادات الخلق والبریة والمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلم کتبه »
« عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲ » .

و در یك حاشیه‌که برکتیبه مزبور عمود است چنین خوانده میشود :

« تعمیرات مدرسه درتاریخ هزاروسیصدوپانزده بامر وزارت معارف واوقاف »
« انجام یافت » .

۹ ـ حجرهٔ شاه سلطان حسین :

بطوریکه مشهور است شاه سلطان حسین حجره‌ای در قسمت ضلع شمالی مدرسه ازسمت مغرب داشته‌که درآن گاه‌گاهی جلوس وتدریس میکرده ویاهنگام سرکشی بمدرسه درآن فرود میآمده است .

حجرهٔ مزبورباسایرحجرات مختصرامتیازی داردکه یکی زیلوی سیاه رنگ

تاریخ وکتیبه‌داری است که کتیبهٔ آن چنین است :

« فرش این مدرسه که روح افزا است
وقف نواب اشرف والا است »

و دیگر اینکه داخل حجرهٔ مزبور با حاشیه های طلاکاری آراسته شده و بخاری بسیار زیبائی دارد .

هر چند انتساب حجره بشاه سلطان حسین سندی ندارد ولی ممکن است بنام آن پادشاه ساخته شده باشد برای حفظ عنوان نه اینکه پادشاهی در حجره مدرسه اقامت داشته باشد .

۱۰ - شاخص مدرسه :

ازقدیم برای تعیین ظهر وهمان‌طور تشخیص قبله دانشمندان فن چون شیخ بهائی وغیره شاخصهائی درست کرده‌اند یکی ازآنها در مسجد شاه و دیگری که نگارنده دیده‌ام در مدرسه نیم‌آورد میباشد .

درسال ۱۳۱۱ شمسی‌هم بهمت دانشمند منجم سیدجلال‌الدین طهرانی چنین شاخصی سنگی که مبین ظهر حقیقی‌است درطرف شرقی ایوان‌شمالی مدرسه‌سلطانی چهار باغ نصب گردیده‌که مورد استفاده نیازمندان است .

کتیبهٔ شاخص چنین است :

«در روز یکشنبه ۲۹ جمادی‌الاخرة ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب و۸ آبان‌ماه ۱۳۱۱»
«شمسی این‌سنگ برای تعیین‌ظهر حقیقی بیادگار سفر اصفهان این جانب سیدجلال‌الدین»
« الحسینی الطهرانی درمدرسهٔ چهارباغ نصب شدکه چون‌جدار غربی این‌سنگ »
« سایه‌اش معدوم شد ظهر‌حقیقی واقع میگردد . درزمان تولیت آقای آقا مصطفی»
« مدرس نجل مرحوم سید عبدالحسین سیدالعراقین طول اصفهان ۵۱ درجه و۳۵ »
« دقیقه شرقی گرینیچ وعرض آن ۳۲ درجه و۴۰ دقیقه شمالی استوا و انحراف »
« قبله از جنوب بمغرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیائی ۴ درجه و ۵۲ »
« دقیقه در مشرق جنوب مقناطیسی قطب‌نما است وارتفاع اصفهان ازسطح اقیانوس»
« مابین ۱۴۷۵ و ۱۵۲۰ متر میباشد وبواسطه انکسار شعاع روزهای سال از سه »

« دقیقه تا ۷ دقیقه بلندتر از روزهای حقیقی میشود و تیزه مابین جدار غربی و »
« جدار جنوبی سنگ نماینده قبله مدرسه چهار باغ است و چون ظل جدارغربی »
« معدوم شد در جدار شرقی ظل حادث میگردد . مرحوم‌شیخ بهاءالملة والدین »
« علیه‌الرحمه درمسجدشاه اصفهان در مدرسه غربی آن سنگی نصب فرموده‌اند که »
« آن نیز برای تعیین ظهرحقیقی است که چون ظل آن معدوم‌شد ظهرواقع میشود »
« و سطح فوقانی آن سنگ بشکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث درجهت »
« طرفی است که ظهررا تعیین میکند ویك ضلع مجاور بزاویه قائمه وصل بدیوار »
« است وضلع دیگر نماینده قبله است و اینجاست که بایدگفت الفضل‌للمتقدم . »

این بود کتیبه‌های مدرسه چهارباغ که تاکنون خوانده شده و بیشتر آنها را ازگنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که الحق در جمع‌آوری وقرائت کتیبه ها زحمت بسیارمتحمل‌شده وتاآنجاکه امکان داشته درنقل‌صحیح آن‌کوشیده است نقل‌کرده‌ام. کتیبهٔ مهمی که در قسمت نمای خارجی ایوان غربی درزیرگلدسته بخط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی‌نقش شده وتاریخ آن‌سال ۱۱۲۰هجری قمری است درست خوانده نمیشود مگر اینکه کسی اصل آن اشعار را ازجای دیگر بدست آورده باشد .

تاریخ شروع وبنای مدرسه مزبور بدرستی وقطعی معلوم و مشخص نیست و تاریخهای گوناگونی دیده میشود که باید مورد بررسی واقع‌گردد .

مثلاً تاریخ سنگابهای مدرسه یکی ۱۰۹۰ هجری ودیگری ۱۱۱۰ هجری است وتاریخ بنا از۱۱۰۴ هجری شروع وتا ۱۱۲۶ هجری ادامه داشته است که در تاریخ اخیر درب نقرهٔ آن نصب گردیده است .

و تاریخهای گفته شده جزتاریخ ۱۱۲۶ هجری بقیه در ذیل کتیبه هائی که یادگردیده وجود دارد وتاریخ ۱۱۲۶ نیزضمن ذکر وقایع سال ۱۱۲۶ ایام سلطنت شاه سلطان حسین درکتاب وقایع السنین‌خاتون‌آبادی مخطوط موجود درکتابخانه مجلس شورای ملی‌مذکور است[۱] .

۱ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۹۲ بنقل از مجله یادگار سال‌سوم شماره ۳ ص ۵۸

طول صحن مدرسه ازمشرق بمغرب ۶۵/۵ متر وعرضش ازشمال بجنوب ۵۵/۵ متر است .

زمین زیربنای مدرسه وصحن همگی قریب ۸۵۰۰ متر مربع است ویکصدو پنجاه حجره برای سکونت طلاب دارد .

چند اصله چنار قدیمی نیز در صحن مدرسه وجود دارد و شعبه‌ای از مادی فرشادی اززیر دالان وایوان شرقی بسمت سرای فتحیه میگذرد . سرای فتحیه امروز بنام مهمانسرای شاه عباس نامیده میشود .

این اثر باستانی طی شماره ۱۰۹ به ثبت تاریخی رسیده است [۱]

۱۲ـ مدرسهٔ حاجی حسن :

این مدرسه که در جنب مسجد علی و در برابر هارون ولایت واقع گردیده دو طبقه و مشجر میباشد و در زمان قدیم مدرسهٔ سلطان محمد سلجوقی نامیده میشده است .

درسال ۳۰۸ شمسی که نگارنده آن مدرسه را دیدم عده‌ای ازمحصلان جدید وکمی طلبه ومتفرقه درآن سکونت داشتند وبتدریج روبخرابی گذارده بود ولی در این اواخر مورد توجه وتعمیر واقع گردیده است .

سبك ساختمان مدرسه مشابه سبك ساختمان مسجد و بالای در ورودی آن روی کاشی این عبارات خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم » « انا مدینة‌العلم وعلی بابها »

« سرمایهٔ نجات بود مهر بوتراب   خواهی اگر نجات ازاوروی برمتاب»

و اگر ساختمان مدرسه مربوط بزمان سلاجقه‌هم باشد شکی نیست که کتیبهٔ مزبور اززمان صفویه ببعدایجادشده وازهمان‌موقع بمدرسه حاجی‌حسن‌شهرت‌یافته است وقاعدةً باید درزمان صفویه‌بحالت ویرانی درآمده‌باشدتا حاجی‌حسن درصدد احیاءِ وتعمیرآن برآمده است .

۱ـ فهرست، بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۸.

۱۳- مدرسه حاجی‌شیخ محمدعلی ثقة الاسلام :

این مدرسه دربازارچه حسن‌آباد ودرحد جنوبی‌مسجد ساروتقی قرار دارد و ازبناهای ثقةالاسلام حاج‌شیخ محمدعلی اصفهانی متوفی (۱۳۱۸ هـ. ق) میباشد ومساحت آن درحدود شانزده قفیز است.

سکنه مدرسه مزبور ازطلاب علوم دینیه بوده‌اند وتانیمه دوم قرن‌چهاردهم هم پراز طلاب علوم دینی بود ، و علمای مسجد شاهی درترویج طلاب بسکونت و تحصیل درآن میکوشیدند .

۱۴- مدرسه دربکوشك = باقریه = پاشیر :

این‌مدرسه درمحله دربکوشك ودرمجاورت باب‌القصر قرارگرفته وازمدارس قدیمی بدون تزیینات میباشد وطلبه نشین است ولی درزمان قدیم دارای کاشیهای معرق وتزییناتی بوده است‌که دراثرمرور زمان و ابتلای بویرانی ازمیان رفته‌است وچون درمحله درب‌کوشك واقع شده بمدرسه دربکوشك وچون شیری‌سنگی‌درآن محل‌بوده بمدرسه پاشیر وچون بانی‌آن باقر نام داشته بباقریه خوانده شده است .

ثبت تاریخی این مدرسه درگردش اداری است[۱] .

۱۵ - مدرسه ذوالفقار :

این مدرسه درکوچه‌ای موسوم به کوچه ذوالفقار منشعب از بازار بزرگ واقع درمحله نیم‌آورد قرار دارد ودرهمان‌کوچه مسجد و حمامی نیزبنام ذوالفقار وجود دارد و معلوم میگردد که در عصر شاه طهماسب صفوی این سه بنا ایجاد شده است . هرچند مدرسه‌کتیبه‌ای ندارد ولی‌کتیبه مسجد ذوالفقار حاکی است که در سال (۹۵۰) هجری در عهد شاه طهماسب شیخ محمد صفی نامی مسجد موسوم به ذوالفقار را تعمیرکرده است و با این ترتیب باید گفت که اصل بنا از زمان جلوتری بوده ودرعصرشاه طهماسب تعمیرگردیده است وعلت تسمیه بنام‌ذوالفقارهم معلوم نیست واگربگوئیم که بانی‌اول ذوالفقار نام داشته با عکسهای شمشیر دوسر

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

روی دیوارهای گچی شبستان وفق نمیدهد. مگر اینکه گفته شود از نظر عقیده و احترامی که صفویه بحضرت علی داشته‌اند مسجد ومدرسه و حمام بنام ذوالفقار علی نامیده شده‌اند.

۱۶ ـ مدرسه سلیمانیه:

این مدرسه درگوشه جنوب غربی مسجد شاه قرار دارد و بوسیله دو مدخل بزرگ بصحن مسجد وسه مدخل بزرگ دیگر بمحوطه زیر گنبدغربی ارتباط دارد. غرفه های اطراف صحن مدرسه در پائین با ازاره های مرمری و در بعضی جاها با سنگهای پارسی واز ازاره ببالا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده.

سنگ شاخص منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی در قسمت تحتانی یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن مدرسه نصب شده است؛ شاخص مزبور ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان میدهد.

سردرمدرسه که بطرف کوچه پشت مسجد است کتیبه‌ای دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ وبخط محمدرضا امامی باین شرح:

«.... جامع کبیرالاعظم الشاهی العباسی الصفوی فی زمن الدولة السلطان و»
«الخاقان الاکرم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم مروج مذهب الائمة»
«المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الموسوی»
«الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی کافة العالمین بره»
«وعدله و احسانه لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم»
«السلاطین معفرة بتراب اعتابه فی ثمان وسبعین والف کتبه محمدرضا الامامی.»

در درون مقرنس کاشیکاری سردرمزبور دردوشمسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی عبارات:

«یاصمد» و«یاغافر» و«یاشکور» و«یارازق» و«یاصبور» نقش شده؛ ودر دولوحه بردوطرف شرقی وغربی سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود:

« عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی »[1] .

از آغاز کتیبه سر در مقداری افتاده که ظاهراً مربوط بتاریخ اتمام بنای مدرسه بوده است .

این مدرسه و تمام ساختمانهای مسجد شاه بموجب شماره ۱۰۷ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۷ ـ مدرسه شفیعیه دردشت :

این مدرسه بهمت محمد شفیع بن جمال الدین محمد خوزانی درمحله دردشت ودر دوره شاه عباس دوم ساخته شده است . نمای خارجی صحن مدرسه آجر ساده ولی درون ایوانهای چهارگانه چهار سمت صحن قطاربندی های گچی دارد و با قطارهای مسجد علی مشابهت دارد . ایوان جنوبی از دیگر ایوانها بزرگتر است و تزیینات گچی بیشتری دارد و یك چشمه آن تجدید بناگردیده است .

کتیبه سر درمدرسه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قداتفقت عمارة هذه المدرسة الحقیرة والمساجد المبینة فیها فی ایام خلافة »
« السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب ابائه ائمة الطاهرین السلطان بن »
« السلطان شاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه و »
« وفق باحداثه و اتمامه احقر عبادالله و احوجهم الی عفوربه الغفور ابن جمال الدین »
« محمد الخوزانی محمد شفیع الاصفهانی عفی عنهمافی ۱۰۶۷ کتبه محمدرضا الامامی. »

در راهرو ایوان بزرگ جنوبی مدرسه دولوح بزرگ سنگی بردیوارهای دوطرف ایوان نصب شده ودر آن فهرست رقبات موقوفه نقش گردیده است ، در حدود نیمی از نوشته هریك از لوحه‌ها از میان رفته است وآنچه مانده و خوانده میشود چنین است :

« هوالواقف علی الضمائر بسم الله الرحمن الرحیم وقف نمود احوج المحتاجین »

---

۱ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۵۵ تا ص ۴۵۷ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۶ .

« الی عفور به‌الغفور محمد شفیع‌ابن جمال‌الدین‌محمد خوزانی اصفهانی‌کل این »
« مدرسه حقیره محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوطه بآن‌که بیوتات »
« مسفوره مشتمل است برسه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها »
« و غسالخانه مربوطه بمدرسه و فضاء دیگرکه کروچاه و مستراح در آن واقع »
« است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و »
« شبستان متصله بکریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی »
« عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مؤمنین »
« درغسالخانه مزبوره وطلب‌علوم دینیه درمساجد ومدرسه وبیوتات مزبوره نمایند »
« وقفاً صحیحاً دائماً شرعیاً و بعد ذلك وقف نمود قربة الی‌الله تعالی‌کفارة لبعض »
« سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف بعنوان ملکیت بلامنازعی در تصرف »
« شرعی واقف بود از رقبات وعقارات‌که عبارت است ازهفت حبه ویکدانگ‌ونیم »
« یکحبه ازکل هفتادودوحبه قریه معروفه بمحمدآباد قهاب وقاطبت سه‌حبه‌ونیم »
« ازکل هفتادودوحبه موضع طادلنجان وموازی شش سهم و چهاردانگ یك سهم »
« از جمله بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارت است از چهارحبه از کل »
« هفتادودوحبه قریه و سفاباد ماربین وکلیت شش سهم و چهاردانگ‌ونیم از جمله »
« بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از کل سه حبه از هفتادودوحبه »
« موضع امین‌آباد ماربین وتمامت سه حبه و دو دانگ‌ویك .... شعیر از »
« جمله یك‌حبه دیگرازکل هفتاد ودوحبه موضع کنگاز (جی) وهمگی هفتادودو »
« حبه .... تیمچه معینه مربوطه ... ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور »
« و واقع .... »

لوح سنگی دیگری در روبروی لوح گفته شده در بالا برروی دیوار ایوان نصب شده بطول ۱٫۶۵ و عرض ۸۸ سانتیمترکه در واقع متمم فهرست موقوفات و کیفیت‌آن میباشد وآن چنین است :

« ماه مبارك رمضان که همه ساله در مدرسه مزبوره روضته‌الشهداءِ خوانده »

« شود از رعایت قاری واسراج مجمع ولوازم آن بهمه جهت آنچه کرده شود . . . »
« از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات وتنقیه قنوات و مرمت مستغلات »
« وقفی ومسجد ومدرسه وغسالخانه مربوطه بمدرسه و باماندود وتجدید بوریا و »
« مؤنات زراعت . . . . . وتکلفاتی که بحکام جور وعمال دیوانی وغیره درکار باشد »
« ومتضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هرگاه آن تخلف بعمل نیاید ضرری »
« بموقوفات یاحاصل آن رسد یا امری بخلاف شرط واقف بعمل آید یاچیزی نزد »
« مستأجران وزارعین وقف باقی ماند وضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در »
« کاروضرور نموده باشد درمساجد وکریاس دهلیز هرشب چراغ روشن کرده بعداز »
« وضع اخراجات مزبوره بترتیبی که مذکورشده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه »
« ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه بشرط آنکه طلبه مشغول بطلب . . . . »
« علوم دینیه باشند و بیکار نباشند فراخور استحقاق وصلاح وتقوی وفضل هریك »
« قسمت نماید و همچنین شرط نمودکه موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و »
« مرهون نسازند و زیاده از سه سال باجاره ندهند نه بعقدی واحد و نه بعقود »
« متعدده واحدی ازارباب وحکام وارباب مناصب دیوان وملازمان امراءِ ومقربان »
« پادشاه والاجاه عصررا مالك انتفاع ازانها نسازند بواسطه .... موقوفات را اصلاً »
« بجهت ساکنین بیوتات وخانه وسکنی نمودن درآنها ... درمدرسه مدون سازند... »
« مزبوره بنای عمارت نکنند و بهمین سنت و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت »
« نمایند ... سنة تسع و ستین بعد الف من هجرة النبویة کتبه محمد رضا الامامی »
« الاصفهانی » (۱).

بطوریکه شرح داده شد بنای مدرسه در سال ۱۰۶۷ هجری در دوره شاه عباس ثانی بوسیله محمد شفیع بن جمال‌الدین محمد خوزانی انجام‌گرفته وبترتیب موقوفات وعواید مدرسه و تکلیف سایر احتیاجات تا تاریخ یکهزار و شصت و نه (۱۰۶۹ هـ .) یعنی دوسال بعداز اتمام مدرسه بدرازاکشیده است .

---

۱ – گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۸۹ تا ص۵۹۲

قسمتی از لوحه‌ها ازمیان رفته وبیشتر ازموقوفات نیز ازلوحه‌ها سترده شده است و درواقع سابقاً که اوقاف سروصورتی داشته آزمندان برای تصرف مقداری از رقبات موقوفه باین‌عمل زشت مبادرت کرده‌اند .

ثبت تاریخی مدرسه مزبور درگردش اداری است[1] .

۱۸ - مدرسه شمس‌آباد :

این‌مدرسه در محله شمس‌آباد و اکنون در حاشیه خیابان شیخ‌بهائی واقع و تزیینات ساختمانی داخل آن مشابه مسجد شیخ علیخان است که درزمان شاه‌سلطان حسین صفوی انجام شده است .

کتیبه سر در مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق باتمام هذه‌المدرسة‌فی‌ایام سلطنة السلطان الاعظم‌والخاقان‌الاکرم »
« الافخم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم‌شاه سلطان حسین‌الموسوی »
« الحسینی خلدالله ملکه و افاض علی العالمین بره و احسانه عالیحضرت الاکرم »
« آمیرزا محمد مهدی‌ابن المرحوم میرزا محمد تقی التاجر العباسابادی کتبه »
عبدالرحیم ۱۱۲۵»[2]

میرزا محمد مهدی‌که ساکن محله عباس‌آباد بوده درسال (۱۱۲۵ هـ . ق) یعنی درعهد سلطنت شاه سلطان حسین بعمارت این‌مدرسه درمحله شمس‌آبادهمت گماشته است وکتیبه مزبور بخط عبدالرحیم جزایری خوش‌نویس معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی است . ثبت تاریخی این مدرسه بموجب تصویبنامه شماره ۸۹۳/۱/۱۰/۴۸ انجام شده است.[3]

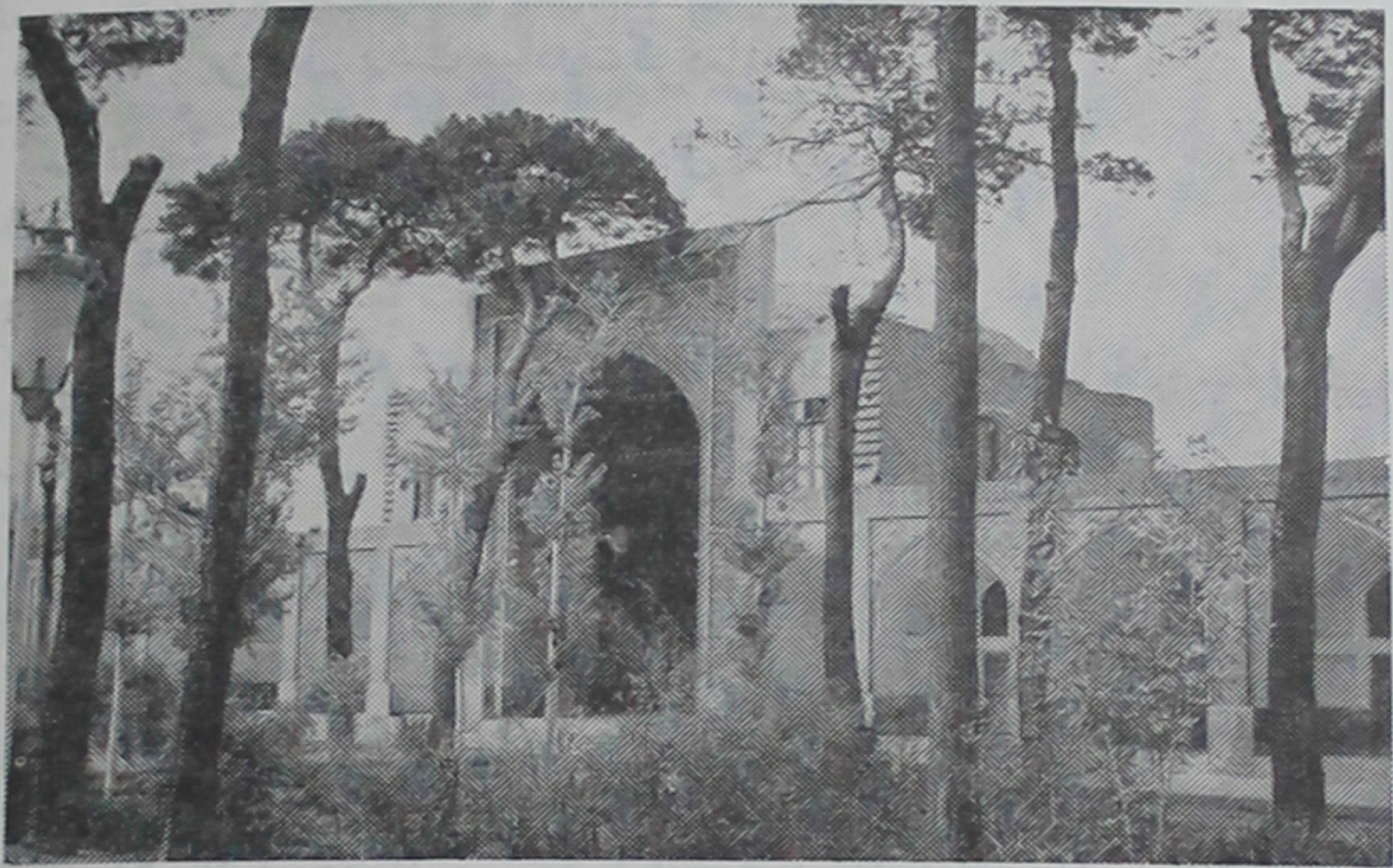
۱۹ - مدرسه صدر بازار :

این‌مدرسه که در حدود هشت جریب مساحت دارد مانند مدرسه چهارباغ

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ ۲ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۸۴ ۳ــ فهرست‌اداره کل باستان شناسی .

منتهی یك طبقه ساخته شده وچون عمر بانی کفایت نکرده ناتمام باقی مانده بوده است . (ش ۴۹)



(شکل ۴۹)

مدرسه صدر بازار بهمت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی متوفی (۱۲۳۹ ه. ق) صدر اعظم فتحعلیشاه قاجار بناگردیده وچون آن راد مرد بزرگ نیت خیر داشته پیوسته محل اقامت بزرگان علماءِ و مدرسان بوده است .

تا سال (۱۳۴۰ ه . ق) این مدرسه بهمان وضعی بود که بانی ساخته بود و حجرات آن آماده برای سکونت و تحصیل طلاب بود و نیز مدرسها برای تدریس مدرسان ولی ساختمان از لحاظ تزیینات کامل نبود و لذا از سال (۱۳۴۱ ه . ق) درزمان تولیت حاج شیخ محمد حسین خان صدر بتکمیل ساختمان پرداختند و نخستین کار کتیبه سردر مدرسه بود که خط آن از آن عبدالجواد خطیب [1] و شعرش از استاد

۱ــ میرزا عبدالجواد خطیب فرزند ملا عبدالله بن ملامحمدحسین بن حسن ریزی لنجانی ملقب به لسان الدین از علماء وفضلاء و ادباء وخطباء وخطاطان وشعراء بود ودراصفهان تحصیلات خود را در محضر بزرگان فن انجام و از طرف امام جمعه اصفهان سمت خطیب یافته بود و دراعیاد ومجالس خطبه میخواند و ماده تاریخهای بسیاری در تاریخ وفات بزرگان سروده ←

جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا فرزند طرب بود وسپس بتکمیل ایوانهای‌مدرسه پرداختند تا سرانجام عمارت‌کتابخانه مدرسه هم ساختمان و آماده استفاده گردید و اکنون مدرسه صدر بازار ازهرجهت آماده برای مدرسان وطلاب است.

حیاط مدرسه دارای درختان کهن‌سال کاج‌است که برصفای محوطه‌گلکاری مدرسه میافزاید وازاینرو طلاب همواره دربدست‌آوردن حجره درآن برای‌اقامت وتحصیل بریکدیگر سبقت میگرفتند.

دراواخر نیمه اول قرن‌چهاردهم‌هجری‌که نگارنده تحصیل میکردم‌حجرات این‌مدرسه طبعاً اختصاص به طلابی‌داشت‌که ازلحاظ وسائل معاشی‌در رفاه بودند و برای سکونت طلبه فقیر مناسب نبود وخود بخود فقط کسانی‌که در رفاه بودند در آن مدرسه سکونت داشتند ازمدرسان معقول مدرسه صدر آخوند ملامحمدکاشانی حکیم زاهد معروف متوفی (۱۳۳۳ ه. ق) وجهانگیرخان دهاقانی حکیم‌متوفی (۱۳۲۸ ه. ق) بوده‌اند.

مدرسانی‌که درزمان نگارنده یعنی ازسال (۱۳۴۰ ه. ق) ببعد وجود داشتند: حجةالاسلامان حاج شیخ محمد حسین‌فشارکی متوفی (۱۳۵۳ ه. ق) فقیه‌معروف و حاج سید ابوالقاسم دهکردی رجالی مشهور ودیگر حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی متوفی (۱۳۶۲ ه. ق) که از علمای‌نامی وافاضل نادرالوجود بشمار میرفت‌ودیگر شیخ علی‌یزدی ازفضلاء وادباء و زهاد متوفی (۱۳۵۳ ه. ق) و شیخ محمد حکیم خراسانی ازحکمای‌بنام‌وزهاد مجرد زمان متوفی‌(۱۳۵۵ ه. ق) بودندکه نگارنده ازمحضر سه تن اخیر استفاده کرده‌ام.

کتیبه سر در مدرسه درقسمت فوقانی بخط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق دریك لوحه: (بسم‌الله الرحمن الرحیم) وبرزمینه معرق مشکی‌گل و بوته

→ است در (۱۲۷۹ ه. ق) متولد ودرشب سه شنبه ۲۱ ربیع‌الاول سال (۱۳۵۹ ه. ق) وفات یافت ودرتخت فولاد درسمت جنوبی آب‌انبار تکیه کازرونی مدفون‌گردید. او راست دیوان اشعار و شرح حالش را نگارنده در فرهنگ اصفهان و تاریخ خط و خطاطان بتفصیل نگاشته‌ام.

چنین نقش شده است :

« قال رسول‌الله(ص) انا مدینة العلم و علی بابها کتبه الادیب عبد الجواد »
« الخطیب . »

در دوطرف سر در دو لوحه دایره مانند بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی معرق نقش‌شده :

« دست علی» « تراش غفار »

در سر در مزبور اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی کاشی معرق باین شرح خوانده میشود :

« ضمایر دوجهان ازپس هزار حجاب — چوآفتاب درخشد در آبگینه علم »
« بشوق‌چرخ نگر کزپس هزاران‌سال — هنوز دست تمنا دهد بسینهٔ علم »
« روان صدر ازین مدرس سپهر اساس — روان‌درآب‌حیات‌است یاسفینهٔ علم »
« بعون لشکر نصرت نظام دولت داد — بحفظ‌کشور دین نظم‌این‌مدینهٔ علم »
« بدستیاری الماس فکر تا بابد — پر از جواهر کانی بود دفینهٔ علم »
« صفای سعی بلیغش‌بطوف کعبهٔ دین — چوکردقفل یقین باز ازخزینهٔ علم »
« بتولیت چوبرافراخت سرزاستحقاق — حسین‌شبل علی‌آن زجان‌کمینهٔ‌علم »
« نوشت کلك سنا ازبرای تاریخش : — «گشوده‌شد بره‌دل در از مدینهٔ علم »
۱۳۴۱

کتیبه مزبور ازسال(۱۳۴۱ ه. ق) حکایت میکندکه‌تزیینات سردر آن‌انجام گردیده است و تولیت مدرسه در عهده حاج محمد حسینخان‌بن میرزا علیخان صدری و شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا بوده‌است. (ش ۵۰)

درمرحله بعد ساختمان‌کتابخانه مدرسه باهتمام وکوشش حجت‌الاسلام حاج سید محمدرضا خراسانی مدرس مدرسه انجام شد ودرسردرکتابخانه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین نقش‌گردیده :

« بعدالحمدلله والصلوة علی محمد (ص) و آله فقد اقدم السیدالسند الفقیه»
« وآیةالله‌الملك‌الجلیل السید محمدرضا الخراسانی لتأسیس هذا البناءِ وتکمیله »



(شکل ۵۰)

« احیاء للعلوم والمعارف الدینیه و حفظاً للکتب العلمیهٔ حرره خلیقی پور . »

ونیز در یك لوحه کوچك درقسمت فوقانی سردر کتابخانه خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم ۱۳۶۴ » .

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه بخط نستعلیق سفید خلیقی‌پور برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر که شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا است نوشته شده :

« دانش طلب که دانش و دین در کمال نفس	مس وجود را مثل کیمیا بود »
« بر رهروان ز منزل شك تا در یقین	دانش چراغ روشن و دین رهنما بود »
« با پرو بال علم هیولای محض را	تا عقل مستفاد همی از بقا بود »
« افشاند آستین بجهان آنکه باادب	بر آستان علم و ادب جبهه سا بود »
« آنرا که دست علم وهنر دستگاه داد	درپایه آسمان وزمین زیر پا بود »

« هرمجلسی ز علم بود باغی ازبهشت — این گفته نکتهٔ ز شه اولیا بود »
« باشد کتابخانه یکی گنج پرگهر — کز هر گهرش مخزن دل پربها بود »
« یا منبعی زنور که هر ذره‌ایش را — افزون از آفتاب فروغ وضیاءِ بود »
« یا گلشنی زعلم که اوراق گلبنش — اندر دماغ ناطقه دانش فزا بود »
« پاینده باد حجت اسلام ودین رضا — کزوی اساس و شالده این بنا بود »
« سرمایه نجات بکار دو عالم است — کاری که ازبرای رضای خدا بود »
« بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا — کان هر دو یادگار زطبع سنا بود »
« از این کتابخانه بجو علم دین سپس — برگو : بنای علم زسعی رضا بود ، »

۱۳۶۳

وسپس نوشته شده : « قدتم هذا البناءِ فی منتصف شعبان ۱۳۶۵ » ونیز بخط نستعلیق نوشته شده : «ساخت ابوالقاسم کاشی ساز ـ الکاتب الائیم میرسیدالملقب « بخلیقی پور» .

در دولوحه وسط دوپشت بغل کاشیکاری کتابخانه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید این عبارات خوانده میشود :

« قال علیه‌السلم احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها .» و در لوحه دیگر: « قال علیه‌السلم اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا .»

وسپس بخط نستعلیق‌مشکی برزمینه‌کاشی سفید نقش شده: « عمل ابوالقاسم کاشی ساز» .   (ش ۵۱)

سنگابی هم در صحن مدرسه وجود داردکه‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی یا پارسو چنین است :

« می نوش‌آب‌ولعنت حق بریزیدکن — جان را فدای مرقد شاه شهید کن »

« وقف جناب اباعبدالله نمود حاجی‌محمد ابراهیم‌خلف مرحمت‌وغفران پناه »
« میرزامحمد بیك شیروانی فی‌سنه ۱۳۷۵ حمل‌ونقل‌کننده ازمدرسه صدر بلعنت »
« خداوند گرفتارگردد مادامی‌که این مدرسه آباد است .»



(شکل ۵۱)

ومعلوم میگردد که سنگاب مزبور مدتها بعداز ساختمان مدرسه وقف بر آن گردیده است . هر چند تاریخ قطعی بنای مدرسه صدر بازار روشن نیست ولی آنچه مسلم است پیش‌از (۱۲۳۹ هـ . ق) که صدروفات یافته انجام شده بوده است وظاهراً در اوایل قرن سیزدهم که بحبوحه قدرت او بوده مانند سایر اعمال خیر او انجام گردیده است . دربخشی ازگنجینهٔ آثارملی سال بنارا (۱۲۲۰ هـ . ق) نوشته است[۱] .

ثبت تاریخی این مدرسه هنوز انجام نشده ودرگردش اداری است .

۲۰ ـ مدرسه عربان :

این مدرسه‌که درنزدیکی امامزاده احمد ومقبره آقانجفی قراردارد درزمان صفویه دائر و طلبه نشین بوده است و شاردن فرانسوی درسفرنامه خود ازآن یاد کرده وشاید مدرسه مزبوربزمان عربها ارتباط پیدا میکرده ودرهرحال چون سکنه آن مدرسه ازطلبه عرب بوده‌اند بنام مدرسه عربان نامیده شده است و بااین فرض در ابتدای امرنام دیگری داشته‌که مهجورگردیده است .

---

۱ ـ بخشی ازگنجینهٔ آثارملی ص ۱۳ـ۱۴ .

این مدرسه در چند سال پیش رو بویرانی گذارده و خالی از طلبه شده بود ولی بهمت حجةالاسلام حاج سیدمحمدرضا خراسانی از علمای بزرگ معاصر و از مدرسان عالیمقام ازآن تعمیری بعمل آمده وکتیبه‌ای درسردرآن نصب شده است.

کتیبه مزبور شامل نصف آیه ۳۵ تاآخر آیه۳۷ از سوره اسری میباشد ودر پایان آن نقش شده :

«سنه ۱۳۶۲ عمل سیدحسین موسوی‌زاده‌کاشی‌ساز.» و بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر خوانده میشود :

«ز آقای سید محمد رضا	خراسانی آن آیت و مقتدا»
«بشد پایدار این اساس علوم	که ویران بد ازجهل اهل‌خطا»
«بلی سعی اشخاص همت بلند	کند تازه آثار عالی بنا»
«چوتاریخی ازجابری‌خواستند	که باشد بتجدید بنیان سزا»
«چوروشن‌شد ازعلم این‌مدرسه	بگو: «بد زنور محمد رضا»»

«کتبه میرسید خلیقی پور ۱۳۶۲»(۱).

اکنون مدرسه مورد استفاده طلاب قرار دارد و از وضع گذشته و مخروبگی خارج شده است. ولی بااینکه مدرسه بسیار قدیمی است چون‌آثارتاریخی نداشته تاکنون نسبت به‌ثبت تاریخی‌آن اقدامی نشده است.

۲۱ ـ مدرسه کاسه‌گران :

این مدرسه‌که در محله کاسه‌گران ودر بازار ریسمان منشعب از بازار عربان ومیدان‌کهنه شهر اصفهان قراردارد هنگام‌بنا معروف به‌مدرسه‌شمسیه بوده وپس‌از آنکه حکیم‌الملك مدرسه را ساخته مدرسه حکیمیه نام گرفته است ودر وقفنامه مورخ (۱۱۰۴ هـ. ق) هم‌همین‌نام‌را برآن اطلاق کرده‌اند ولی‌چون درمحله‌کاسه‌گران واقع شده بود. عوام بتدریج آن را مدرسه کاسه‌گران یعنی مدرسه‌ایکه در محله کاسه‌گران قراردارد خوانده‌اند.

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۸۵۸ تا ص ۸۵۹.

و اما اینکه قبل ازبنای حکیم‌الملک اردستانی آنجا را شمسیه میخوانده‌اند گمان میرود که مدرسه ویرانه‌ای بوده که شمس‌الدین محمد یزدی بانی آن بوده و چون مخروبه شده بود. حکیم‌الملک باصلاحدید وتصویب مراجع وقت تجدید بنا کرده است.

مدرسه کاسه‌گران دارای سردر کاشیکاری معقلی وقطاربندی قابل توجهی است و از بهترین کارهای اواخر دوره صفویه محسوب میگردد. این مدرسه در عصر شاه سلیمان صفوی ساخته شده ودارای اطاقها وحجره‌های دوطبقه است و پیوسته طلاب علوم دینی که بیشتر آنها اردستانی ومردم حومه شهر بوده‌اند در آنجا بتحصیل علوم دینی میپرداخته‌اند چند سالی بودکه مدرسه روبخرابی نهاده بود ولی باتوجه اوقاف محل خرابیها ترمیم ومدرسه سروصورتی پیدا کرد و اکنون عده‌ای از طلاب و مدرسان در آن اشتغال دارند.

کتیبه سردر ورودی مدرسه و مقابل بازار ریسمان که در سال آخر سلطنت شاه سلیمان بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط عبدالله نوشته شده چنین است:

« حمدالمن وقف حجرات القدس فی السموات و مدارس الحکمة فی الارضین »
« علی محمد فخرالمرسلین وعترته المهدیین ، صلوات الله علیهم اجمعین وبعد لقد »
« وفق الله تعالی فی ظل حمایة اشرف السلاطین رافع لواءِ الشرع المبین مشید »
« اساس العلم والیقین فروع الشجرة الطیبة الاحمدیة غصن الدوحة العلیة العلویة »
« الخاقان بن الخاقان السلطان سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی متع الله المؤمنین »
« بطول بقائه الی آخر الزمان لبناء هذه المدرسة الرفیعة والجامعة المنیعة السید السدید »
« النجیب الفاضل امیرمحمد مهدی الحسنی الحسینی الشهیر بحکیم الملک اطال الله »
« بقائه و جعلها فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو »
« والاصال رجال کتبه عبدالله ۱۱۰۵ . »

در پائین کتیبه ودربالای در ورودی بخط بنائی مشکی سه‌رگی سفید ومشکی

برزمینه آجری نوشته شده :

« انما یعمر مساجدالله من آمن بالله » ودر بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری این عبارات خوانده میشود :

« سبحان‌الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر ولاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم . »

در اطراف پشت بغل سردر مدرسه بطرف بازار بخط بنائی مشکی برزمینه سفید سوره‌های : الحمد ، الکافرون ، اخلاص ، الناس نقش گردیده است ودر پایان بکلمات : «وفی سنته ۱۱۰۳» ختم میگردد . در راس پشت بغل مزبور دریك شکل چهارضلعی نگاشته شده: «طلب العلم فریضة » وبطورپراکنده نامهای: (الله) (محمد) (علی) نیز نوشته شده است .

در دو شکل مربع مستطیل در طرفین سردر مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استاد بناکننده سردر مدرسه چنین نوشته شده :

« عمل ابن استادعلی بیك ، محمد مؤمن بناءِ اصفهانی » ونام سرکار بنای مدرسه چنین آمده :

« بسرکاری سیادت وفضیلت پناه ابن محمد قاسم ، محمد محسن الحسینی » « المشهدی » .

در درون سوسنهای قطار سر در داخلی مدرسه که قرینه ایوان شمالی است درچهار شکل مربع بخط بنائی قرمز برزمینه سفید این ابیات منقوش است :

« غرض نقشی است کزما بازماند	که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب‌دلی روزی برحمت	کند در حق درویشان دعائی »

و درچهار شکل مربع مستطیل بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید این اشعار کتیبه شده است :

« دریای سپهر کافتاب است کفش	نبود چوعلی گوهری اندر صدفش »
« خورشیدگهی بدرشود گاه هلال	گر عکس دهد بماه در نجفش »

در دوشکل مربع‌مستطیل بخط ثلث مشکی برزمینه سفید نام سازنده سر در

داخلی چنین خوانده میشود :

« عمل ابن استاد اسمعیل بناءِ ، محمد ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳ ».

در اطراف سردر درونی مدرسه کتیبه‌ای دارد بخط ثلث لاجوردی برزمینه سفید بشرح زیر :

« روی عن علی بن موسی الرضا عن آبائه علیهم السلم قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه و آله طلب العلم فریضة علی کل مسلم فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله »
« فان تعلیمه لله حسنة وطلبه عبادة والمذاکرة به تسبیح والعمل به جهاد وتعلیمه من »
« لایعلمه صدقة وبذله لاهله قربة الی الله تعالی لانه معالم الحلال و الحرام و منار »
« سبل الجنة والمونس فی الوحشة والصاحب فی القربة والوحدة والمحدث فی الخلوة »
« والدلیل علی السرآءِ والضراء والسلاح علی الاعداء والزین عند الاخلاء یرفع الله به »
« اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة تقتبس آثارهم ویهتدی بفعالهم وینتهی الی رأیهم »
« وترغب الملئکة فی خلتهم وباجنحتها تمسحهم و فی صلوتها تبارك علیهم یستغفر »

در اطراف ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه قهوه‌ای گچبری شده که چنین خوانده میشود :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله تبارك وتعالی الاان بیوتی فی الارض »
« المساجد یضیئی لاهل السماءِ کما تضیئی النجوم لاهل الارض الاطوبی لمن کانت »
« المساجد بیوته ، الاطوبی لعبد توفنا فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الاان علی المزور »
« کرامة الزائر ، الابشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة »
« وقال صلی الله علیه و آله لاصلوة لجاد مسجد الافی مسجد وقال صلی الله علیه و آله »
« من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة ومن اخرج مایقذی عیناً کتب الله له کفلین من رحمته »
« وقال امیر المؤمنین صلوات الله علیه ان الله عزوجل اوحی الی عیسی علیه السلم قل للملاء »
« من بنی اسرائیل لایدخلوا بیتاً من بیوتی الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف »
« نقیة وقال الصادق علیه السلم علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض ومن اتاه »
« مطهراً اطهره الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعـاءِ فی »

« المساجد وصلوا في المساجد من بقاع مختلفة فان كـل بقعة يشهد للمصلي عليها »
« يوم القيمة . کتبه جعفر بن عبدالله ۱۱۰۳ » .

کتیبه های مدرسه کاسه‌گران چون بیشتر مربوط به احادیث است درقرائت آن اختلافی وجود ندارد ولی درقسمتی که مربوط باصل بنا و القاب بانی است اختلافات مختصری دیده میشود .

مثلاً درکتیبه سردرمقابل بازارریسمان که آیه‌های ۳۷ و ۳۸ سوره نورکلمه : رجال پایان آیه آمده و دنبال آن نام نویسنده کتیبه : عبدالله ۱۱۰۵ نوشته شده در گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] کلمه رجال بعدازعبدالله آورده شده وموهم اینست که رجال لقب عبدالله بوده است . دیگر کلمه حمداً میباشد که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] بصورت احمد نوشته شده درصورتی‌که حمداً بوده وازنظرمعانی بیان و نحو هم اقتضاءِ دارد که حمداً باشد زیرا شخص معینی در مقام بیان نیست و کتیبه هم همان حمداً را میرساند .

مورد اختلاف سوم کلمه : وقف است که درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[3] بشکل وصیغه اوقف آورده شده درصورتیکه وقف متعدی‌است ونیازی بمتعدی‌کردن آن بوسیله بردن آن به باب افعال نیست . اختلاف چهارم[4] کلمه خطا میباشدکه اصولاً دراین عبارات زاید بنظرمیرسد .

درکتیبه‌ها دوتاریخ جلب نظرمیکند ، یکی تاریخ (۱۱۰۳ هـ . ق) و دیگری (۱۱۰۵ هـ . ق) ومعلوم‌میگرددکه پایان بنائی‌وتزیینات‌مدرسه‌دریکهزارویکصدوپنج هجری خاتمه یافته است ولی تاریخ شروع را نمیتوان معین‌کرد آنچه مسلم است پیش ازسال (۱۱۰۳ هـ . ق) شروع بساختمان شده بوده‌است زیراکتیبه هرساختمان درآخرکار نوشته میشود واولین تاریخ مربوط بسال (۱۱۰۳ هـ . ق) میباشد . برخی ازنویسندگان[5] نوشته‌اندکه ساختمان آن مربوط بسال (۱۰۹۶ هـ . ق) بوده است

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۲ .   ۲و۳و۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۳ سطر ۱۱ .   ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۴۸ .

هرچند مدرکی برای این نظر در بین نیست ولی امکان داردکه آغازساختمان از آن سال باشد.

نکته‌دیگری که ازکتیبه‌ها برمیآید نام‌دو کاتب‌است یکی پدرموسوم به‌عبدالله نویسنده‌خط ثلث‌ودیگری جعفر بن‌عبدالله پسر نویسنده‌خط ثلث. نام استاد بناکننده سردر استاد محمد مؤمن فرزند استاد علی‌بیك و نام استاد بناکننده سردر داخلی مدرسه‌محمد ابراهیم‌بن استاداسمعیل بنای‌اصفهانی وسرکاربنای مدرسه‌محمدمحسن حسین مشهدی نوشته شده است.

بانی‌مدرسه همانطورکه‌درمتن‌کتیبه نوشته شده امیرمحمدمهدی‌حکیم‌الملك اردستانی است[1] که در دربار اورنگ زیب میزیسته و از اطبای بزرگ عصر خود محسوب میشده و چون در هندوستان ثروت هنگفتی نصیبش گردید دستور داد که نمایندگانش در اصفهان و اردستان ضیاع و عقار و مستغلاتی بخرند و پس‌ازفراغت از این کارآنانرا بساختن مدرسه کاسه‌گران امرکرد و پس‌از اتمام بنای مدرسه در شوال سال (۱۱۰۴ هـ . ق) مقداری ازرقبات خریداری شده را وقف برمدرسه نمود وصورت وقفنامه بطورکلی چنین است:

الف: رقبات موقوفه:

۱ ـ هشت حبه وکسری از قریه ناجوان واقع در بلوك ماربین‌که از میرزا هدایت‌الله خلف میرزا محمد مهدی الشهیر به شریف‌الملك، ابتیاع شده است.

۲ ـ چهارده سهم ازاملاك وباغات اصفهان خریداری ازمیرزا نورالدین ولد مرحوم شریف‌الملك.

۳ ـ چهارده سهم از املاك و باغات اصفهان خریداری ازمیرزا محمد زمان

۱ـ نسب حکیم‌الملك چنین است: امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك‌ابن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن میرحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سیدرضی‌بن سیدحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سید مرتضی علی‌بن سید روح‌الله‌بن سید قوام‌الدین‌بن سید ابوالشجاع‌بن سید علی‌بن سید عباد‌بن سیدحسن‌بن سید احمد‌بن سیدحسین‌بن سیدعلی‌بن سید محمد‌بن سید احمد‌بن سید محمد‌بن سیداحمد‌بن سید ابراهیم طباطبا‌بن سید اسمعیل‌بن سید ابراهیم‌بن سید حسن‌المثنی ابن الامام حسن (ع) (آتشکده اردستان بخش اول ص ۶۳).

پسر دیگر شریف‌الملک.

۴ـ هفت سهم دیگر از شریف‌الملک خریداری از زبیده‌خانم دختر شریف‌الملک.

۵ ـ بازار ریسمان که بوسیله حاج محمد رشیدا از میرزا محمد باقر گلستانه خریداری شده است.

۶ ـ حمام سرخ نزدیک مسجد جامع خریداری از گلستانه.

۷ ـ دکاکین قریب مسجد جامع قدیم اصفهان خریداری از میرزا علاءالدین گلستانه.

۸ ـ املاک و باغات ایرستان‌جی خریداری از ملامحمد باقر مجلسی بوسیله رشیدا.

۹ ـ املاک و باغات ابهرجی خریداری از حاجی‌حسین اردستانی.

۱۰ ـ املاک اردستان خریداری از میرزا محمدرضا و میرمحمدحسین معروف بزمین باغستان که بوسیله حاجی محمد رشیدا انجام شده است.

۱۱ ـ املاک مزروعی واقع در محله مون اردستان خریداری از آقا شفیع اردستانی.

۱۲ ـ املاک خریداری از حکیم مظفر اردستانی بوسیله حاجی‌محمد رشیدا.

۱۳ ـ املاک خریداری از میرسید احمد کچویه مثقالی که عبارت از نصف شایع کامل از کل یك خانه طاق واقع درقریه مزبوره مشهوره وطاق آقانظام متصل بخانه طاق حاجی‌حسن وتمامی مجری المیاه یك حبه‌آب ازپانصد حبه‌که عبارت است از قنوات خمسه کچویه.

۱۴ ـ املاک خریداری از حاجی شفیع زواره‌ای.

۱۵ ـ املاک خریداری‌از محمد مقیم ومحمد مؤمن ولدان پهلوان اسماعیل تفنگچی‌که عبارت ازممرومجری المیاه هفت سهم‌ونیم ازنهرجدال محله ازمحلات اردستان مشتق از قنوات قدیم وجدید.

۱۶ ـ یك درب باغ معین و معلوم واقع در محله محال از محلات اردستان

مشهور بباغ فوق‌المقسم که ازقنات اردنه مشروب میشود خریداری از عالیحضرت میرزا محمد حکیم وزیر اردستان بوسیله حاجی محمد رشیدا .

۱۷ ـ چهار حبه شایعه در هفتادودوحبه مزرعه اونج ازتوابع علیای اردستان من اعیان یکدرب باغ معین واقع درمزرعه مشهوره بباغ میرمحمد سعیدخریداری ازمیرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۱۸ـ املاك خریداری ازمیرزا محمدرضا مشهور بمیرمیران ولد میرمحمد صادق مشهور به‌آقا میرزا ومیرمحمد هاشم ولد میرمحمد جعفر.

۱۹ ـ مجری المیاه نودوپنج (۹۵) سرجه از سرقات آب محله باب‌الرحی ازقناتین قدیم وجدید و پنج سرجه ازسرقات معینه نهر استون .

۲۰ ـ باغ معین مشجر باشجار مشهور بباغ مولانا ابراهیمی واقع در محله باب‌الرحی بمساحت دوازده قفیز.

۲۱ ـ یك قطعه زمین ساده قابل زراعت مشهور به‌ماك خاتونی خریداری از میرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۲۲ ـ هفده سهم‌ونیم ازمحله باب‌الرحی .

۲۳ ـ دوقطعه زمین ازمحله باب‌الرحی .

۲۴ ـ املاك خریداری ازمیرزا ظهیر ولدمیرزامحمد یوسف اردستانی واقع درقریه اونج .

۲۵ ـ قطعات دیگری درمحله مون اردستان ودرقریه اونج علیا .

۲۶ ـ مزرعه تقی‌آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمدرضا کلباسی ومیرزا محمد تقی .

۲۷ ـ سه طاق ازمزرعه جعفرآباد برخوار خریداری از میرزا محمدعلی و میرزا علیرضا ولدان میرزا ابوالقاسم سمنانی .

۲۸ـ صد سرقه ازکل سرقات محله‌کبودان اردستان خریداری ازمیرزا باقر کججانی .

۲۹ـ سه شبانه‌روزوپنج سبع شبانه روزدیگرازکل ده شبانه روزمجری‌المیاه مزرعه هرمزآباد مشهور به‌مزدآباد ازقنات‌دائره وبائره مع املاك تابعه خریداری از ورثه میرسیدعلی‌کچویه مثقالی .

۳۰ ـ بیست‌وشش حبه لنگان اصفهان .

۳۱ ـ دودانگ‌ونیم و یك طاق کربکندی برخوار اصفهان .

ب ـ مصارف وقف

۱ ـ مخارج تعمیر مدرسه ورقبات موقوفه برداشت گردد و سپس‌عشر بعنوان حق‌التولیه .

۲ـ سالی پانزده‌تومان بکسی داده شودکه هم بتدریس وهم بعنـوان نظارت درمدرسه اشتغال داشته باشد .

۳ ـ بطلاب ساکن هرحجره از حجـرات مدرسه روزی پنجاه (۵۰) دینار داده شود .

۴ ـ بمؤذن روزی پنجاه (۵۰) دینار وفقط یکنفر مؤذن درمدرسه باشد .

۵ ـ دونفرخادم درمدرسه باشدکه بهرکدام روزی شصت (۶۰) دینار اجرت داده شود .

۶ـ یکنفر برای چراغ روشن کردن و یکنفر آبکش بقرار روزی پنجاه (۵۰) دینار اجرت داده شود .

ج ـ تولیت :

۱ـ سیادت و نجابت پناه ، فطانت و متانت دستگاه ، حمیده خصالـی ستوده فعالی، غنی‌الاوصافی مقرالسیادة والنجابة والفطانة والمتانة والکمالات میرمحمد سعیدا خلف‌سیادت ومرحمت پناه، الواصل الی‌جوار مرحمة الملك‌الباری میرمحمد حسین‌اردستانی‌که بشرف مصاهرت واقف و فقه‌الله تعالی مشرف است متولی‌خواهد بود وپس‌از اوامر تولیت مخصوص اسن اولاد ذکور مومی‌الیه‌که بصفت‌صلاح وسداد موصوف وبه‌رموز فضل‌وعلم‌متصف، وازبطن‌صبیه عالیحضرت واقف‌مومی‌الیه جعل‌الله

آماله مجیئا بوده باشد .

واگر اسن اولاد او متصف بصفت مزبوره نبوده باشد وعقب او موضوف بصفت علم وفضل بوده باشد امر تولیت مخصوص اوبود و درهرمرتبه ازمراتب علم وفضل را منظور و ملحوظ کلی دانسته تقدم اعلمیت وافضلیت و اورعیت بـراکبریت را شرط دانسته وبعد ازایشان باولاد اولاد ایشان ما تعاقبوا تناسلوا نسلاً بعدنسل و عقبابعد عقب الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهوخیرالوارثین مفوض ومرجوع بوده باشد.

واگرالعیاذبالله اولاد اولاد ذکور متولی ازبطن صبیه واقف موفق معزی الیه منقرض گردد امر تولیت مخصوص اولاد ذکور اناث متولی که از بطن صبیه آن عالیحضرت ملکی صفات بوده باشد بالشرط المذکور لابالترتیب . وبعد از اوباولاد اووبعد باولاد اولاد او و هکذا هلم جراً .

واگر العیاذبالله من ذلك اولاد متولی مومی الیه از بطن صبیه واقف منقرض گردند امر تولیت باولاد ذکورکه ازبطن دیگری باشد مخصوص و متعلق بوده باشد واگر اولاد ذکور مذکور نیز منقرض شوند اولاد ذکور اناث متولی مزبور که از بطنی دیگری بوده باشد الی انقراض الزمان و در همه مراتب اعلمیت و افضلیت و صلاح وسداد مقدم است .

وایضاً شرط گردندکه هرگاه ذکور اولاد ذکور وذکور اولاد اناث میرمحمد سعید مومی الیه بالکلیه منقرض ومنقطع گردند امر تولیت مخصوص یکی ازسادات عظام گرام که نسب او به ثمره شجرة طیبه طاهره و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین نقاوه احفاد خاتم النبیین، خاصه اعقاب امام المتقین کاشف اسرارالحق والیقین ، نور الواصلین سید روح الله روح الله تعالی گردد مخصوص و متعلق بوده باشد .

اگر العیاذبالله سلسله رفیعه کریمه سید روح الله نیزمنقرض گردند امر تولیت مخصوص یکی از اولاد امجاد عالیحضرت سامی مرتبت ، متعالی منزلت ، قدسی صفات ، ملکی ملکات ، اسلام واسلامیان ملاذی ، مجتهدالزمانی مولانا محمد باقر مجلسی که بزیور فضل وکمال وصلاح وسداد موصوف بوده باشد ، باشد .

واگر العیاذ بالله کل اولاد اسلام ملاذ مومی الیه منقرض گردند امر تولیت موقوفات مزبوره و رواج و رونق مدرسه مزبوره مخصوص بوده باشد بفقیه راوی احادیث اهل بیت علیهم السلام که در تحت توقیع شریف بقیة‌الله فی ارضه باشد عبارت شریفه : واما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجة‌الله باذن علمای زمان داخل باشد.

د ـ تنفیذ کنندگان وقف‌نامه :

عده‌ای ازعلماء وبزرگان اصفهان وقفنامه مدرسه‌را امضاء وتنفیذ کرده‌اندکه عمده آنان چنین است :

۱ ـ علامه زمان آخوند ملامحمد باقرمجلسی دوم‌که درمحرم(۱۱۰۶هـ. ق) که مدت یکسال و چندماه از وقوع عقد وقف‌گذشته بوده امضاءِ کرده است. سجع مهر: « محمد باقرالعلوم » است.

۲ـ عالم دیگری بنام ملامحمد قاسم‌که اونیز در (۱۱۰۶هـ.ق) تنفیذکرده‌است سجع مهرش « العبدالاثیم محمد قاسم » میباشد.

۳ـ سید مرتضی طباطبائی ازاحفاد شرف‌الدین‌علی‌میرمیران طباطبائی‌اردستانی که سجع مهرش : « مرتضی الطباطبائی » و عبارات تنفیذ : (اقرالسید السند الواقف بالوقف المزبور لدی‌کتبه ابن ابوالحسن‌الحسنی الحسینی مرتضی الطباطبائی »

۴ ـ میر زین‌العابدین حسینی تبریزی باسجع مهر : « عبده زین‌العابدین » وعبارات تنفیذ :

« قد استشرفت باستماع الاقرار بما فی‌هذه السطور متناً وظهراً السیدالسند»
«الامیرذی‌المجدالواقف باسرارالحکمةوالموفق فی‌الدارین للعز والمکرمة وکتبه»
« العبدالاقل میر زین‌العابدین‌الحسینی‌التبریزی »

۵ ـ امضاء و تنفیذ دیگری بنام : سید محمد الحسینی که شخصیت او معلوم نگردید.

۶ ـ امضای یکی از شهود مورد اعتماد بنام : حسن اردستانی که ازمعاریف

و معتمدین اردستان بوده است .

۷ ـ امضای یکی از شهود وقف بنام : محمد علی رادی .

۸ ـ امضای یکی از علمای وقت و تنفیذ آن باین عبارت: « فزت بسماع الاعتراف» « من السید السند الجلیل النبیل ادام الله ایام دولته وعزه وعوالیه . کتبه العبدابن » « المرحوم احمدبن سلامة النجفی محمد ابراهیم » و سجع مهر :

« سلام علی ابراهیم » .

از تاریخ اقرارات بخصوص در محضر مجلسی معلوم میشود که واقف در سال (۱۱۰۶ هـ . ق) دراصفهان وزنده بوده است .

حکیم الملک علاوه برساختمان مدرسه کاسه‌گران ووقف رقبات مذکور بر آن موقوفات دیگری نیز در اردستان واطراف دارد که انتفاع آن‌را برای سادات سید روح‌الله جد اعلای خود قرارداده است .

ونیز در لم‌لم وسماوات وحله عراق رقباتی را برمقبره خودکه درنجف‌اشرف واقع است وقف‌کرده بوده که صرف اسراج وتلاوت قرآن گردد .

مساجدی‌هم درمهرآباد سفلای اردستان وماربین ونیسیان برزاوند[۱] اردستان ساخته وموقوفاتی‌هم داشته‌اند که ازبین رفته است . صفه‌ای هم درمسجد جامع اردستان باومنسوب میباشد .

تا چند سال پیش تولیت مدرسه هم در خانواده واقف قرار داشت و آخرین متولی متصدی مرحوم دکتر سید ارسطو علاج[۲] فرزند میرزا رشید ناظم‌الاطبای اردستانی بود و اینك درتصرف اوقاف است .

مدرسه مزبورکه یکی‌ازآثارباستانی بشمار میرود بموجب تصویبنامه شمارهٔ ۳۸۶ ـ ۳۴/۱۱/۱۱ به ثبت تاریخی رسیده است .[۳]

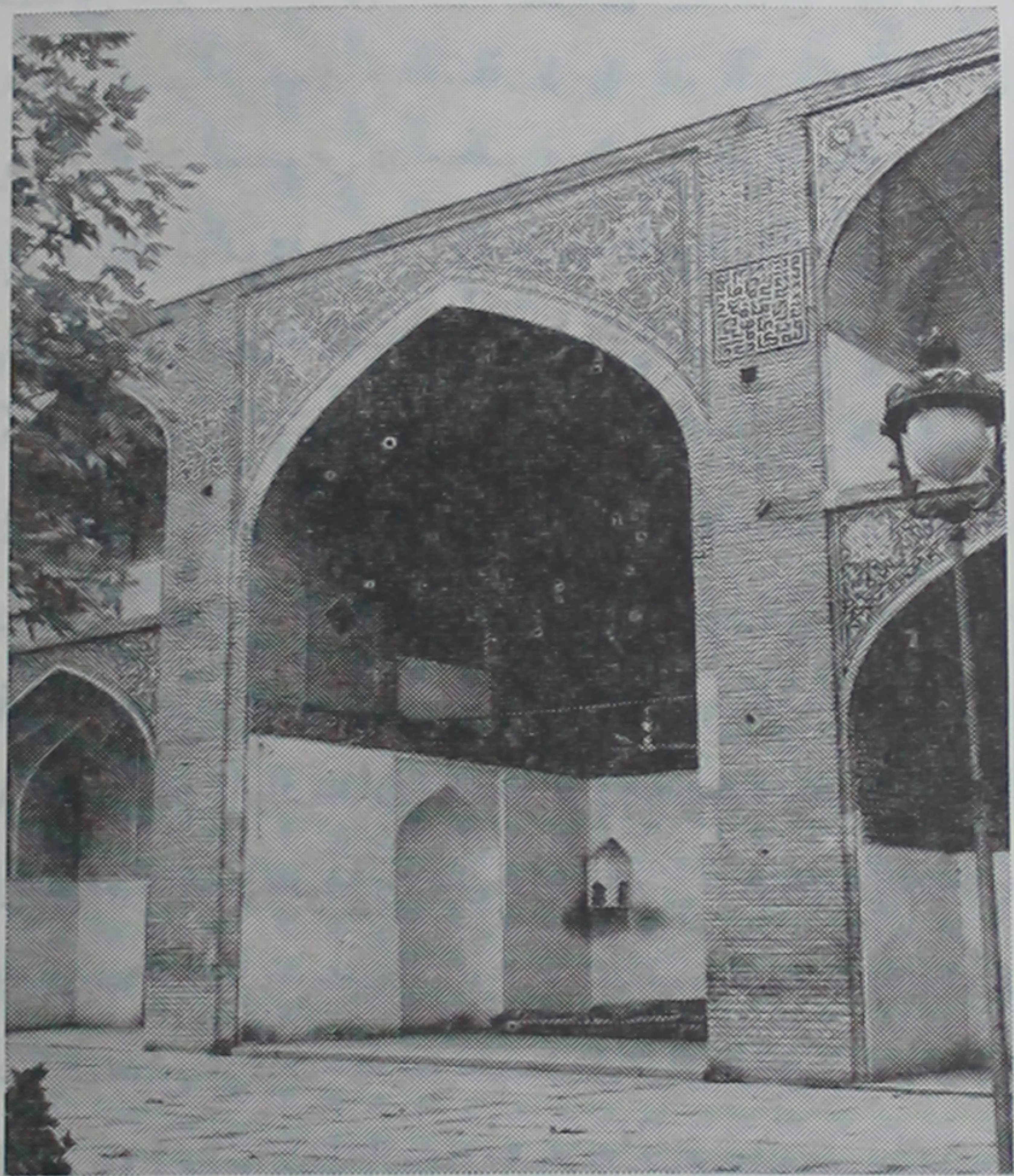
---

۱ ـ تاریخ بنای مسجد جامع نیسیان سال (۱۱۱۷ هـ . ق) میباشد . ۲ ـ دکتر سید ارسطو علاج در (۱۲۷۱ هـ .) شمسی متولد و در (۱۳۴۹ هـ . ش) وفات یافت .

۳ـ فهرست ابنیه وآثار تاریخی ایران گزارش باستان شناسی .

۲۲ ـ مدرسه ملاعبدالله :

این مدرسه که دراول بازار شاهی ودر نزدیکی حمام شاه وچهارسوی شاه واقع گردیده از احداثات شاه عباس اول صفوی است که برای ملاعبدالله شوشتری ساخته و از او برای تدریس در آن دعوت بعمل آورده و از اینرو بنام ملاعبدالله معروف شده است. (ش ۵۲)



(شکل ۵۲)

ملاعبدالله شوشتری[1] از بزرگان علمای زمان شاه عباس اول بشمار میرفته

۱ـ عزالدین ملا عبدالله بن حسین شوشتری اصفهانی درشوشتر متولد گردید و برای ادامه تحصیلات عالیه بعتبات عالیات تشرف یافت ومدت سی سال در اعتاب مقدسه بتحصیل وریاضت اشتغال داشت وازمحضر مقدس اردبیلی و شیخ احمدبن نعمت الله بن خاتون و پدرش شیخ نعمت الله مستفیض گردید واز آنها در روایات واجتهاد مجاز شد سپس بایران آمد ومدتی در ←

اصفهان اقامت کرد سپس ازترس شاه‌عباس ماضی بمشهد رضا علیه‌السلام هجرت کرد وچندی درآنجا مقیم شده وشاه‌عباس با او درمشهد دیدارکرد واو را بسیارگرامی داشت وهمان دیدار وگفتگوها سبب شد که‌شاه موقوفاتی برای چهارده معصوم قرار داد ومدرسه ملاعبدالله‌رانیز برای محل تدریس اودراصفهان بناکردواورا به‌اصفهان خواند ومقیم‌گردید وتاپایان عمرباقامت نماز وتدریس ملاعبدالله ادامه داد وپیوسته مورد تکریم وترویج شاه‌عباس ماضی قرارداشت. مرحوم شوشتری درسفر اخیر خود باصفهان مدت چهارده سال دوام یافت و در پایان مدت مزبور اجلش در رسید وبدار باقی شتافت وچون درعشر اول‌محرم (۱۰۲۱ ه.ق) وفات‌یافته پس میتوان گفت که ابتدای سفر دوم او باصفهان سال یکهزار و هفت (۱۰۰۷ ه. ق) بوده است.

مولانا عبدالله شوشتری از علماء بزرگ وزهادسترگ زمان خود بوده وعده بی‌شماری شاگردان بزرگ از محضر او برخاسته‌اند که ازآن جمله است: سید فاضل امیر محمد قاسم کوپائی وشریف‌الدین محمد رویدشتی اژه‌ای ومیرزا رفیع‌الدین محمد نائینی معروف‌بمیرزا رفیعا شارح کافی ومؤلف شجرة و ثمرة الهیه و ملا محمد تقی مجلسی و پسرش ملا حسنعلی شوشتوی.

اوراست: شرح قواعد در۷ مجلد وتعلیقاتی بر تهذیب الحدیث و تعلیقاتی براستبصار ورساله‌ای بفارسی در طهارت و صلوة ورساله‌ای در مناسك حج ورساله‌ای در وجوب صلوة جمعه وحاشیه برالفیه شهید ونیز شرح مفصلتری بر الفیه وحاشیه‌ای بر شرح ارشاد علامه.

چنانچه نقل کرده‌اند میان او و میرداماد مناقشاتی بوده و میرداماد این نامه را بعنوان ملاعبدالله نوشته:

«عزیز من جواب است‌این‌نه جنگ‌است　　　کلوخ انداز را پاداش سنگ است»

«رحم الله امرء عرف‌قدره‌ولم‌یتعد طوره نهایت مرتبه بی‌حیائی‌است که‌نفوس‌معطله‌و»
«هویات هیولائیة در برابرعقول مقدسه وجواهر قادسیه بلاف‌گزاف ودعوی بی‌معنی برخیزند»
«این قدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنر است نه بامن جدل‌کردن و بحث نام»
«نهادن‌چه معین است که ادراك مراتب عالیه وبلوغ بمطالب دقیقه کار هر قاصر المدرکی و»
«پیشه هر قلیل البضاعتی‌نیست فلامحاله مجادله با من در مقامات‌علمیه از بابت قصورطبیعت»
«خواهد بود نه ازباب‌دقت طبع مشتی خفاش‌همت که‌احساس محسوسات را عرش المعرفت»
«دانش پندارندواقصی الکمال هنر شمرند با زمره‌ملکوتیین که مسیر آفتاب تعلقشان برمدارات»
«انوار عالم قدسی باشد لاف تکافؤ زنند ودعوی مخاصمت کنند روانبود ودرخور نیفتد و»
«لیکن مشاکسه وهم با عقل و معارضه باطل باحق وکشاکش ظلمت با نور منکری است»
«نه‌حادث وبدعتی است نه امروزی والی الله المشتکی والسلام علی من اتبع‌الهدی:»

«و اذا اتیك مذمتی من ناقص　　　فهی‌الشهادة لی بانی کامل»
«خاقانی آن‌کسان که طریق تو میروند　　　زاغند وزاغ را روش کبك آرزو است»
«گیرم که مارچوبه‌کند تن بشکل مار　　　کوزهر بهردشمن وکومهره‌بهردوست»

که مقیم درنجف اشرف بوده وسپس بایران آمده است ومدرسه را شاه عباس برای محل تدریس او بنا کرده است.

مدرسه مزبور درابتدای ساختمان که تاریخ قطعی آن روشن نیست دو طبقه بنا شده ودارای کاشیکاریهای زیبا بوده و شعبه‌ای ازمادی فدین نیز از صحن آن میگذرد وازاینرو مدرسه‌ای باصفا وجالب بوده است.

مرحوم شوشتری در مدت حیات درآن مدرسه باقامه نماز و تدریس اشتغال داشته وپس ازوفات علامه مجلسی دوم بجای اوتعیین گردیده است.

واما تاریخ قطعی بنای مدرسه روشن نیست آنچه معلوم است اینکه شاه‌عباس درسال (۱۰۰۷ هـ. ق) بمشهد مشرف شده و درآن سال با مولانا ملاقات واورا دعوت باصفهان کرده است وگویا درهمان سال باصفهان عودت یافته چه اینکه درسفردوم درحدود چهارده سال دراصفهان اقامت داشته وچون درمحرم سال ۱۰۲۱ وفات یافته ابتدای چهارده سال تقریبی همان سال ۱۰۰۷ خواهد بود و میتوان گفت شروع ساختمان مدرسه از همان سال باشد و همین‌طور اتمام بنای آن نیز معلوم نیست. قدیم‌ترین تاریخی که درمدرسه‌دیده‌میشود تاریخ‌سنگی‌است‌که حاج‌میرزا محمدنامی

→

وسپس ملا عبدالله‌در جواب نوشت: «جانا سخن از زبان من میگوئی رحم‌الله‌امرء» «عرف قدره وبداحال کسیکه من‌ارسل الیه را ازنفوس معطله شمارد ودعوی اعلام‌کند.»

واما هنگام وفات که مصادف باشب یکشنبه بیست و ششم محرم (۱۰۲۱ هـ. ق) بود میرداماد وشیخ لطف‌الله میسی عاملی او را عیادت کردند وبا آنان وبخصوص میرداماد معانقه کرد وپس از اقامه نماز شب و نوافل‌آن برای تعیین وقت ازحجره بیرون‌آمد وچون‌بازگشت برزمین افتاد وروحش بعالم بقاء شتافت.

درتاریخ وفاتش شعراء وبزرگان اشعاری سرودند وکلماتی گفتند. ازآن جمله امیر صحبتی تفریشی گفت: «آه‌آه ازمقتدای شیعیان» که تذکره نصرآبادی آنرا ذکر کرده وبحساب جمل(۱۰۱۶) میشود ودرست نیست وظاهراً: «آه وه ازمقتدای شیعیان» بوده است‌که مطابق باهمان سال ۱۰۲۱ میشود و دیگری‌گفته: «حیف از مقتدای ایران حیف» وشیخ محمود عرب جزائری‌گفته: «مات مجتهدا لزمن» که دوماده تاریخ اخیر مطابقت دارند.

بطوریکه ازخلال گفته‌های بزرگان مؤلفان برمیآید شوشتری درعلم وزهد و تقوی در عصر خود کم نظیر بوده است. (نقل ازروضات الجنات ازص ۳۵۹ تا ص ۳۶۲.)

برای وقف رقباتی برسقاخانه نزدیکی مدرسه نصب کرده و تاریخ آن (۱۰۸۸ هـ. ق) میباشد ، تاریخ دیگری هم هست که درحکومت صدر اصفهانی وسلطنت فتحعلیشاه قاجار درکتیبه سر در مدرسه نوشته شده است .

مدرسه ملاعبدالله بطوریکه ازگفته‌های نویسندگان معلوم میگردد در زمان حیات ملاعبدالله دائر بوده و درحدود هزار طلبه برای درس و اقامت بآن مدرسه مراجعه میکرده‌اند ولی دراواخرقرن سینزدهم بکلی خالی ازطلبه وانبارکسبه بازار ومحل اقامت فقراء وبینوایان بوده است .

درقرن چهاردهم روزبروز برخرابی آن میافزود واطاقها نم آورده بود وحتی بخاطر دارم که درد الان مدرسه قهوه‌خانه دائرشده وبعضی میرزاها درآنجا برای جماعات متفرقه کاغذ ونوشتجات دیگر مینوشتند .

درسالهای اخیرمورد توجه مردم و انجمن آثار ملی واقع گردید وتعمیرات و ترمیماتی شده ومیشود واینك مدرسه سرو صورتی یافته است .

کتیبه‌هائی که درمدرسه وجود دارد ازاین قرار است :

۱ - کتیبه سردرمدرسه که مربوط بدوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار وحکومت صدر اصفهانی است، بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است .

«فی ایام دولة السلطان العادل الباذل ظل الله فی بسیط الارض عام المعمورة فی الطول»
« والعرض سریر السلطنة بالاستحقاق مالك ممالك الافاق مؤسس مبانی الانصاف قامع»
« قواعد الاجحاف السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار»
« سقی الله حیاض الشوکة بسحاب جوده و نضر ریاض الدولة با مطار بره وجوده وقد توفق»
« بتعمیر هذه المدرسة والسوق فی بابها جنب الحوض والمسقی الموقوف علی المسلمین»
« بمد اذیال صاحب المفاخر والعدالة خیر الحاج والمعتمر بن الحاج محمد حسین »
« خان الحاکم بامره المطاع فی شهر رمضان سنة ۱۲۱۸ . ».

کتیبه حاکی است که مدرسه و هم بازار نزدیك در مدرسه و هم سقاخانه بیرون مدرسه را تعمیر کرده‌اند .

۲- کتیبه سنگ لوح پارسی که بر دیوار ضلع غربی ایوان جنوبی مدرسه بطول ۱/۳۵ و عرض ۱/۲۰ متر نصب شده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

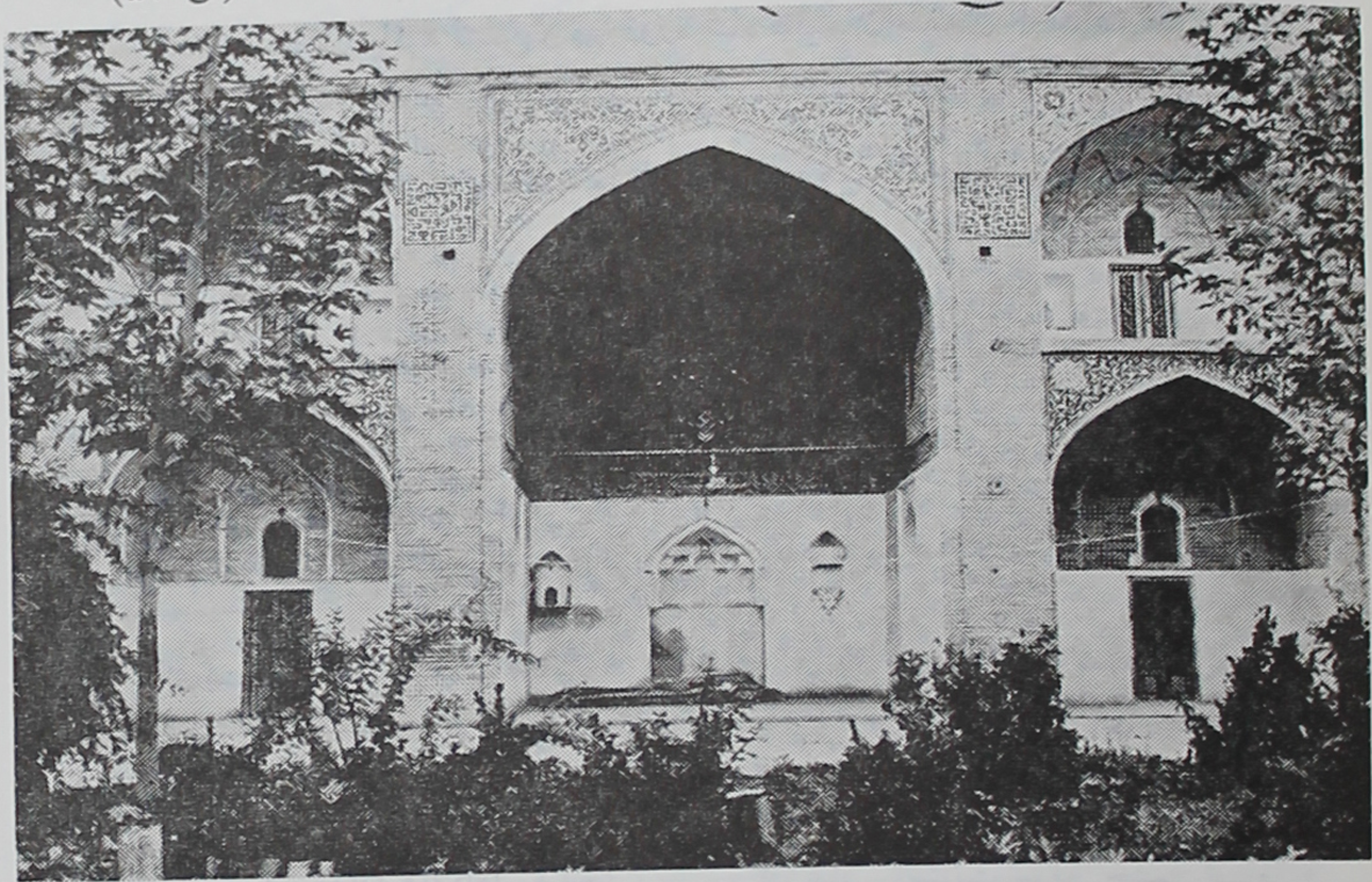
« بسم الله الرحمن الرحیم وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج الحرمین میرزا »
« محمد سه باب دکان درجنب یکدیگر با دو بالاخانه محدود بدکان تنباکو فروشی و »
« بشارع و بخانه آقاصالح و بدکان نجاری و بدکان نخود بریزی و عطاری از دو طرف »
« بشارع و بکوره آجرپزی و بملك واقف و نصف خان و نصف دکان متصل بخان »
« مزبور ازطرفین بشارع و تیمچه علی اکبر و بکوره آجرپزی مستغلات مزبوره »
« واقعه در بازار غاز بر سقاخانه متصله بمدرسه ملاعبدالله که کرایه موقوفات مزبوره »
« راحاجی مزکور[1] که تاحین حیاته تولیت با اوست صرف اخراجات سقاخانه و تعمیر »
« آن و مستغلات مزبوره بعداز وضع سدس که بحق التولیه شرط شده میبوده باشد و بعد »
« از واقف تولیت با اصلح اولاد او و بطناً بعد بطن و نظارت با طلبه مدرسه مزبوره »
« خواهد بود که اگر متولیان درباب دایر نمودن آن و تعمیر و آبادی موقوفات و »
« سنگی ازحوضها و چاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند و ازمضمون »
« و قیودی که شده درنگذرند و اگر اولاد واقف برطرف شوند تولیت با متولی مدرسه »
« مزبوره خواهد بود و اگر متولی درباب جاری و معمور داشتن سقاخانه و مستغلات »
« اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند باسم هرکه برآید او را »
« متولی دانند و باین دستور نیز عمل مینموده باشند و ازپانزدهم قوس تا پانزدهم »
« حوت آب نکشند و منافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر مستغلات ضبط »
« مینموده باشد و اگر سقاخانه بسبب حوادث خراب شود و بهیچوجه جاری نتوان »
« نمود منافع را به پنج نفر طالب علم مستحق میداده باشند و تغییر دهنده بلعنت »
« خدا و نفرین ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم گرفتار شود امید است که واقف وراقم »
« رابدعا یادکنند ۱۰۸۸ . »

این مدرسه که ازبناهای باستانی بشمار میرود طی شماره ۲۲۴ به ثبت تاریخی

۱- درمتن کتیبه مذکور بزاء معجمه نوشته شده است .

رسیده‌است[1] .

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری مینویسدکه درسال (۱۰۸۸ه.ق) مدرسه مزبور از طرف شاه سلیمان صفوی تعمیرگردیده است[2]. (ش ۵۳)



(شکل ۵۳)

مساحت مدرسه در حدود سه هزار ذرع و کاشیکاریهای خوبی‌دارد . ضیاء کفرانی[3] شاعر تصنیف سرا در تاریخ آغاز بنا در مدرسه مزبور مقیم و تحصیل میکرده و در حجره او در زمان بعد احفادش سکونت داشته‌اند و حاج میرزا بهاء شاعرکه از نژادکفرانی بود تاسال (۱۳۲۰ ه. ق) حجره‌را دراختیار داشت .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران صفحه ۴۵ . ۲ ـ تاریخ‌اصفهان وری ص ۲۶۸ . ۳ ـ میرزا نورالله متخلص به ضیاء از مردم کفران روی دشت و از اکابر آنجا بود وبجمیع کمالات آراسته چنانچه درعلوم متداوله ازطالب علمان سرکمی نداشت در زمان شاه عباس ماضی بتحریر جلد توجیه مشغول بود ودر سال (۱۰۵۰ ه.ق) بدرود حیات گفت از اشعار او است ترکیب بند مشهور:

←

۲۳ - مدرسه میرزاحسین :

این مدرسه راکه مدرسه میرزاحسین‌خان نیز گفته‌اند درمحله بید آباد واقع وبا مسجدسید رشتی مجاورت دارد .

مدرسهٔ مزبور طلبه نشین و در دوره شاه سلیمان صفوی احداث گردیده و دارای تاریخ است .

کتیبه سر در مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی بطور منظوم چنین است :

« درجهان بانی سلیمان شاه	افتخار انام و فخر امم »
« خلف صدق میرزا مهدی	. . . . »
« فخر آبا علیرضا که بعلم	چون قلم در شباب گشت علم »
« داشت بهر بنای مدرسهٔ	بانی همتش گلی در نم »

→

ای بت هرزه‌گرد هر جائی ای بر آورده سر برسوائی

ونیز قطعه‌ایکه در مدح نواب خلیفه سلطان صدر اعظم شاه عباس ماضی سروده و آن قطعه اینست :

قطعه

داورا ایران مدارا قبله‌گاها صاحبا	از غبار آستانت سرمهٔ چشم ترم
کار من ازدست‌رفت‌وغافلی‌ازکار من	از ضرورت چند حرفی برزبان‌میآورم
نخل‌طورم لیك‌خشك‌ازقحط‌سال مردمی	طوبی باغ بهشتم لیك بی بار و برم
مکتبی‌میخواستم‌درخورد همت‌ای‌دریغ	رستم بی‌گرز و تیغم جبرئیل بی پرم
نه فلك بردرگهت‌دارند هریك‌خدمتی	من که اینجاهرزه‌گردم ازکدامین کمترم
لطف‌کردی منصبی دادی وممنونم‌ولی	دم بدم در کار بی‌پرگارخودحیران‌ترم
نفع نه مرسوم نه عزت نه استقلال نه	مجملا شرمنده کلك ودوات و دفترم
ازپریشانی غلام‌ونوکر از من شد نفور	نیست‌کس کز قطرهٔ آبی‌گلوسازد ترم
سکه‌وجه‌جیره‌ومرسوم برمن جمع شد	چون شتر درزیر بار ساربان‌و مهترم
چون‌ندارم‌هیچ‌چیزازچاپلوسی‌چاره‌نیست	ساربانم را غلامم مهترم را کهترم
بیش‌ازاین‌مپسند‌بی‌سامان‌وسرگردان مرا	رخصتی گرهرزه‌کارم‌شفقتی گرنوکرم
خط آزادی اگر لایق نیم در بندگی	سرخط‌مرسوم اگر بهرغلامی درخورم
قصه‌کوته طاقت‌محنت ندارم بیش‌ازین	رخصتم ده‌گر نخواهی داد چیزدیگرم

(تذکره نصرآبادی ص۸۹ تا ص ۹۰)

« لیکن ازجا اساس عمرش را   کند سیل اجل که عمرش کم »
« لاجرم در بنای این مدرس   یافت توفیق والد اکرم »
« . . . .   شدکه شدچون بنای دین محکم »
« خشت خشتش کتابی ازعلم است   که بحکمت نهاده برسر هم »
« دم عیسی مگر مدرس اوست   که شد احیای علم در عالم »
« بهر تاریخ این بنا سامی   « مجمع اهل فضل » کرد رقم »
(۱۰۹۹)

از اشعار فوق نام بانی افتاده ومعلوم میگرددکه میرزا حسین فرزند میرزا علی رضا فرزند میرزا محمد مهدی این مدرسه را در عصرسلطنت شاه سلیمان صفوی در(۱۰۹۹ ه. ق) بناکرده ومسکن طلبه علم بوده است.

میان مصراع اول ودوم ازفرد ماقبل آخر دریك لوحه نوشته شده : « العبدا المذنب » ومیان شعرماقبل آخروبیت آخر دریك لوحه خوانده میشود: «ولایت الله» و درمیان مصراع نخست و دوم ازفرد آخر نوشته شده : « گلپایگانی » که معلوم میشود خط ازولایت الله گلپایگانی وشعر ازسامی بوده است.

مدرسه میرزا حسین را سنگابی است که دارای کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیرمیباشد:

« سلام الله علی الحسین واصحابه. لعنت الله علی قاتل الحسین واعدائه. وقف بر»
« سقاخانه نمود اقل حاج محمد کاظم ابن مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان »
« آرامگاه حاجی محمد مهدی شهیر بقاری ، هرکس ازجائی که واقف قرار داده »
« حرکت بدهد بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود. بتاریخ بیست و سوم شهر »
« ذی حجة الحرام سنه ۱۲۷۵ عمل استاد محمد حسین ابن استاد محمد رضای حجار.»

ازکتیبه سنگاب معلوم میگردد که وقف مزبور بعداز انقضای ۱۷۶ سال از بنای مدرسه و درسلطنت ناصرالدین شاه قاجار انجام گردیده است. قرائت کتیبه‌های مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. [۱]

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۴۹ تا ص۶۵۰ .

مساحت فضای مدرسه قریب دو جریب و دو قفیز و نیم میباشد یعنی کلیه محوطه مدرسه این مساحت‌را دارد ثبت‌تاریخی‌این‌مدرسه درگردش اداری‌است[۱].

۲۴ ـ مدرسه میرزا مهدی :

این‌مدرسه درکنار نهربیدآباد واقع وبیش‌از دوجریب مساحت دارد[۲]، وآن را میرزا مهدی اشتهاردی منشی نادرشاه افشار بناکرده است.

۲۵ ـ مدرسه ناصری :

این‌مدرسه درگوشه جنوب شرقی‌صحن‌مسجد شاه واقع و دردوره شاه‌سلیمان تکمیل شده‌ولی بنای نخست آن مربوط بزمان شاه‌عباس اول است وچون درزمان ناصرالدین شاه قاجار در مدرسه مزبور تعمیراتی شده بمدرسه ناصری موسوم گردیده است.

درضلع شرقی‌مدرسه چند اطاق برای سکونت طلاب ساخته شده است، این مدرسه ومدرسه سلیمانیه قرینه یکدیگرند، تفاوت آنکه مدرسه سلیمانیه بجای حجرات برای سکونت طلبه غرفه‌هائی داردکه خارج وداخل آنها باکاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است[۳].

ایوان‌جنوبی مدرسه دارای لوحه‌ها وکتیبه‌هائی‌است ازآن جمله‌کتیبه‌ایست بخط ثلث مشکی‌برزمینه زرد درشش‌لوح که درآن صلوات بر چهارده معصوم نقش شده ورقم آن چنین است: «کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷».

کتیبه دورمحراب‌ایوان مزبور بخط‌ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ مشتمل برسورهٔ اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سورهٔ اسری ورقم آخرآن‌چنین خوانده میشود: «وقال سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی و قوموالله قانتین» و رقم آن چنین است: «کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷».

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۸. ۳ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۴.

عبارات را دربر دارد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم لوان‌الغیاض »
« اقلام والبحر مداد والارض قرطاس والجن والانس حساب وکتاب ما احصوافضائل »
« علی‌ابن[1] ابی‌طالب صلوات‌الله علیه‌کتبه محمد حسن‌الامامی ۱۰۹۵ » .

این‌مدرسه بانضمام مسجد شاه طی شماره ۱۰۷ـ۱۵/ ۱۰/ ۳۱۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۲۶ ـ مدرسه نوریه :

این مدرسه درانتهای بازار عربان وتقریباً با بازار ریسمان محاذی است و درعهد سلطنت شاه سلیمان وشاه سلطان حسین‌بناگردیده است .[3] بانی آن میرزا نورالدین محمد جابری‌انصاری نبیره میرزا نظام‌الدین جابری‌انصاری وزیر ازنژاد میرزا سلمان اعتمادالدوله وزیر وخواجه جلال‌الدوله جابرا بوده و کبوترآباد برائان با دکاکین و غیر آنها که موقوفه خواجه جلال الدوله بوده مجدداً میرزا نورالدین وقفنامه برای آنها نوشته و منافع دو دانگ آن موقوفات را برای طلاب مدرسه و دو دانگ نیز برای‌حق‌الارتزاق سلسله جابریان‌که ازپیش‌هم‌مقرر بوده برقرار ساخته است .

مساحت فضای مدرسه یك جریب و سه قفیز و نیم است و علاوه بر طلاب هنرمندانی چون : آقا محمدعلی مذهب[4] صاحب یخچالیه ومیزا آقاجان‌پرتو[5] خطاط نسخ وشاعر درآن مدرسه سکونت داشته‌اند .

۱ـ هرچند درکتیبه منقول‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ابن باهمزه نوشته‌شده ولی درست‌آن بی‌همزه است. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۶. ۳ـتاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۷. ۴ـ محمدعلی بن‌ابی‌طالب‌مذهب اصفهانی‌متخلص به‌بهار متوفی (۱۲۷۵ ه.ق) ازشعراء ومذهبان‌زمان محمدشاه قاجار بودکه نخست‌بهار تخلص‌میکرد وسپس تخلص خود را بفرهنگ تبدیل‌کرد. اوراست: ۱ـ بامدایح معتمدیه درتذکره شعرای مداح معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان و ۲ـ یخچالیه‌که آنهم تذکره شعرائی است بطور مطایبه از اشعار او است:

یارب این‌تنگ قبایان‌که‌چه تنگ‌شکرند   تاکی از حال دل تنگدلان بی‌خبرند
نتوانم من از این طایفه برداشت نظر   که بچشمان سیه فتنه اهل نظرند

(مجمع الصفحاء ج۵ ص ۸۴۰)

←

این مدرسه با آنکه مربوط باواخر دوره صفویه میباشد بلحاظ اینکه تزییناتی نداشته تاکنون نسبت به ثبت آن اقدامی بعمل نیامده است ولی باتوجه بقدمت بنا اقتضا دارد مورد توجه واقع گردد .

۲۷ - مدرسه نیم آورد :

این مدرسه در محله نیم آورد که نم آورد هم گفته میشود قرارگرفته است . وازمدارس طلبه نشین اواخردوره صفویه میباشد .

بانی مدرسه زینب بیگم زوجه امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی است که از خیرات زنان عصر خود محسوب میشده است ودرواقع بانی واقعی خود حکیم‌الملك بوده‌که زن خود را تشویق و استمداد دراین عمل خیرنموده است .

تاریخ بنای مدرسه بعلت نداشتن کتیبه تاریخی ونیزدردست نبودن وقفنامه روشن نیست . جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری[۱] نوشته که در سال (۱۱۱۷ هـ . ق) این بنا ساخته شده وشایدمتکی باین نکته شده‌که مدرسه‌کاسه‌گران راکه خود حکیم‌الملك بانی بوده در ۱۱۰۵ ساخته شده بوده پس مدرسه نیم آورد راهم بعدازاین تاریخ ساخته‌اند ودرهرحال مدرك تاریخ مزبورمعلوم نیست . متولی پیشین[۲] مدرسه که او هم از پدرش شنیده بود میگفت تاریخ وقفنامه مدرسه

→

۵- میرزا آقاجان پرتو نامش میرزا علیرضا مشهور بمیرزا آقاجان و متخلص به پرتو متوفی سال (۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ هـ.ق) وی از استادان خط نسخ وثلث‌ورقاع وشاعر نکته‌پرداز وخوش طبع ومحضربود ودراواخر زندگانی درتهران بسرمیبرد وددربار ناصرالدین شاه‌قاجارمقامی داشت. ازاشعار اواست :

پدرخواهدکه‌برد زلفکان‌چون کمندش‌را   پسر درفکرچون‌سازد گرفتاران بندش را

درگفتن ماده تاریخ نیز مهارتی داشت وازماده تاریخهای او است که‌گفته :

بنا شد چو این مسجد با صفا   بعـون خداوند رکن و حطیم

ز پرتو بتاریخ آن شد سئـوال   بگفتا: «لساعیه‌فوز عظیم ۱۲۸۹»

(عمل آقاجان)

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۹۳)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۷ .   ۲ - آقا عطاء الله جدلی فرزند میرزا محمد علی متولی که اولی در ۱۳۱۳ شمسی ودومی در ۱۳۴۰ قمری وفات یافته‌اند .

(۱۱۱۱ هـ . ق) بوده ومرحوم آقاجمال خوانساری مجری صیغه وقف ونیز ناظر قرار داده شده بوده است .

مدرسه دوطبقه ودارای دو ایوان برای نماز وتدریس ودر روبروی دروروودی نیزمدرسی است که درآن تدریس میشود . چهار باغچه برای گلکاری و درختکاری دارد ودر وسط مدرسه حوضی بزرگ ساخته شده که مورد استفاده است . چهارسمت مدرسه بالا و پائین مشتمل بر۷۸ حجره و یك مدرس و دو ایوان میباشد .

مدرسه تزیینات کاشیکاری وگچبری فراوان دارد و نکته جالب توجه اینکه هنرمندان بوسیله گچهای رنگارنگ نوع مخصوصی معرق ترتیب داده‌اند که در سایر بناها وجود ندارد .

کتیبه اطراف سردرمدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برسوره اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری است و پایان کتیبه چنین است :

« وقالسبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی وقوموالله قانتین وقال »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله وسلم لوان‌الغیاض اقلام والبحرمداد والارض قرطاس »
« والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضائل علی‌بن‌ابی‌طالب سنة ۱۳۴۹ » .

این کتیبه‌را بخاطر دارم که باهتمام مرحوم سیدعبدالعلی عقدائی که نایب‌التولیه بود نوشته شد و از کتیبه های دوره پهلوی است و الا مدرسه هیچگونه کتیبه تاریخی ندارد .

خطوط بنائی سردر مدرسه مشتمل بر آیاتی ازقرآن وبرخی احادیث است ، خطوط بنائی درون مدرسه واطراف صحن معرق ومشکی برزمینه آجری سوره‌های واقعه واخلاص ودرواقع تزیینات مدرسه را تشکیل میدهند .

در زیر قطارهای گچبری مدخل مدرسه بخط نستعلیق مشکی اشعار پائین گچبری شده است :

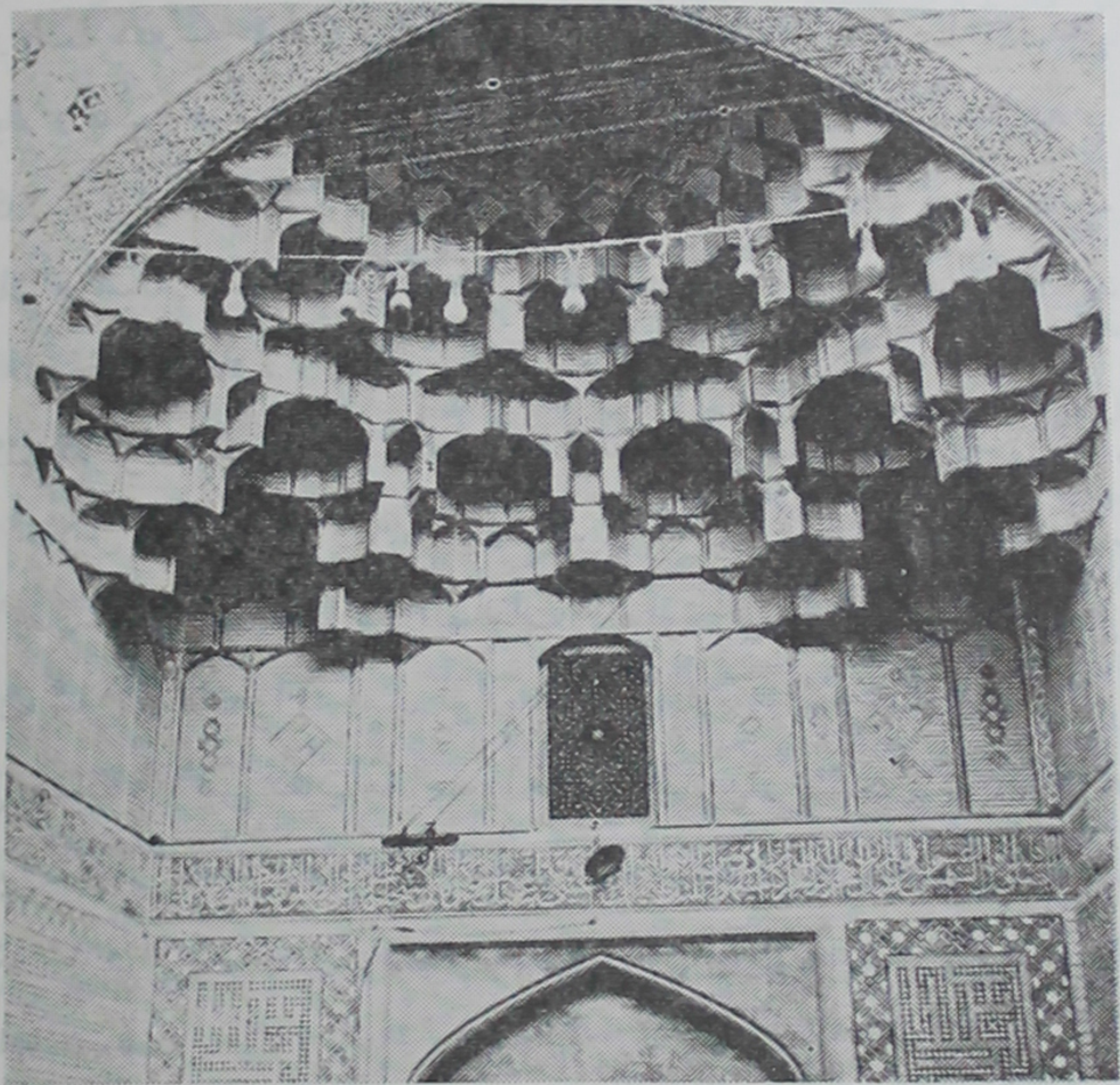
« احمد که شه سریر لولاك آمد	جانی است کز آلایش تن پاك آمد »
« یك حرف زمجموعه قدروشرفش	لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

و در ایوان شرقی چنین نوشته شده :

« دریای سپهر کافتاب است کفش نبود چو علی گوهری اندر صدفش »

« خورشید گهی بدرشود گاه هلال گر عکس دهد بماه در نجفش »

و رقم آن چنین است : « کتبه ابوالفتوح گلستانه » (ش ۵۴)



(شکل ۵۴)

و اما موقوفات مدرسه و ترتیب آن چنین است که بانیه نامبرده به‌وکیل خود میرزا رشیداً که ازمنسوبانش نیز بوده دستورمیدهد که مدرسه‌ای درمحله نیم‌آورد بنا نماید و چون از ساختمان مدرسه که ظاهراً سال (۱۱۱۱ هـ . ق) بوده فراغت حاصل میشود سفارش میدهد که رقباتی را دراصفهان و اردستان که خریداری شده بوده وقف برمدرسه و طلاب آن نماید ودر همان سال رقباتی را بشرح زیر وقف برآن میکنند :

۱ ـ دویست و ده سرجه مجری المیاه بانضمام املاك تابعه آن از محله فهره اردستان .

۲ ـ هفتاد (۷۰) گرداب آب باملاك تابعه‌آن ازمحله باب‌الرحی اردستان .

۳ ـ نودودو(۹۲) سرجه‌آب واملاك تابعه‌آن واقع درمحله رامیان اردستان .

۴ ـ نیم طاق آب و املاك تابعه‌آن در محله کبودان اردستان .

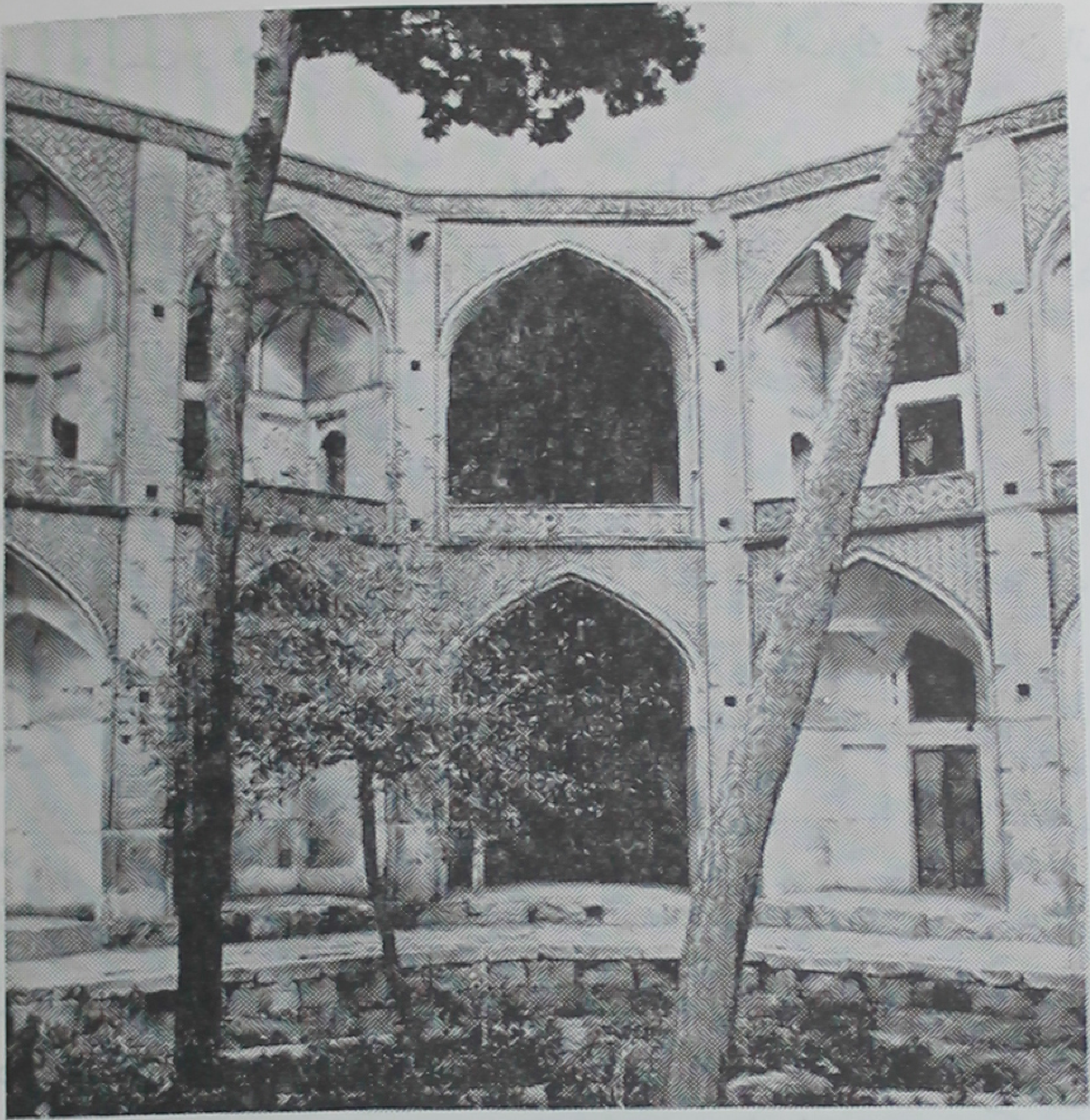
و چند مغازهٔ در بازار نیم‌آورد اصفهان .

مجری صیغه وقف آقاجمال‌الدین خوانساری بوده که علاوه سمت نظارت بروقف‌هم درخانواده اوتعیین شده است وتولیت درخانواده میرزا رشیدا که باواقفه نسبت وبستگی داشته وبعدازاو دراولادش بشرایطی که دروقف‌نامه حکیم‌الملك در مدرسه‌کاسه‌گران مرقوم‌گردیده قرارداده شده‌است ودرهر‌حال‌ملاك تولیت اصلحیت بوده ولی بعدازمدتی تولیت ازخانواده میرزا رشیدا خارج ودرخانواده دیگری‌که فرد بارز آنان مرحوم میرزا محمدعلی متولی متوفی (۱۳۴۰ هـ . ق) از علماء و متدینان بود قرارگرفت .

در باره مصارف منافع موقوفه همچنین مقرر گردیده که پس از برداشت هزینه‌های رقبات موقوفه وخود مدرسه یك عشر حق‌التولیه وعشر دیگر حق‌النظاره باشد و بقیه بمصرف مدرسان وطلاب وخادم وسایر مصارف برسد . عواید این املاك قسمتی‌که باقی مانده در حدود سیصد هزار ریال در سال میباشد .

این بانوی نیکوکار وقف دیگری هم داردکه مصرف آن زوار عتبات عالیات بوده و تولیت هم در خانواده متولی مدرسه کاسه‌گران قرار داده شده است و چون موضوع‌وقف‌را متصدیان بعنوان‌ملکیت به‌ثبت داده‌اند مقدورنگردیدکه ازجزئیات رقبات‌آن استحضار حاصل نماید .   (ش۵۵)

این مدرسه پیوسته درزمان رواج بازار علم در اصفهان مرکز بزرگان علماء وطلاب بوده و نامدارانی چون : حاج میرزا بدیع هرندی و حاج ملاحسن دری و حجةالاسلامان سید محمدباقر درچه‌ای و برادرش سید مهدی درچه‌ای و آخوند ملاعبدالکریم‌جزی ازآنجا برخاسته‌اندومعلوم میگرددکه بانیه‌آن ازروی اخلاص



(شکل ۵۵)

بساختمان مدرسه مزبور پرداخته است . کسان دیگری نیز از علماء و بزرگان و اوتاد از مدرسه نامبرده فارغ‌التحصیل شده‌اند که ذکر تمام آنها موجب تطویل خواهد بود یکی ازمعاصران استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا و نگارنده هم افتخار تحصیل در آن مدرسه را دارم . مدرسه مزبور طی شماره ۳۷۸ ـ ۳۰/۹/۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[1] . (ش ۵۶)

۲۸ ـ مدرسه هارونیه :

این مدرسه درمغرب هارون ولایت واقع وفضای کوچکی دارد و دراطراف آن حجره‌هائی است وجرزها و پشت بغلهای دورآن بتزیینات آجروکاشی آراسته شده است . ایوان جنوبی آن هم دارای محرابی است که با کاشیکاری معرق نفیس تزیین

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۷ .



(شکل ۵۶)

شده . مدرسه مزبور با سردر مجللی بصحن شمالی هارون ولایت متصل میگردد و کتیبه همین سردر است که ایجاد ساختمان هارونیه را بزمان شاه اسماعیل صفوی ربط میدهد . و رقم تاریخی آن چنین است : «کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸» .

چون هارونیه که متصل بمدرسه میباشد بوسیله دورمش خان حسین که از وزرای دربار شاه اسماعیل بوده ساخته شده مدرسه را هم باید از احداثات او خواند ، ولی جابری انصاری معتقد است که چون سنگی را که سلطان محمود از هندوستان آورده بود در همین مدرسه برو انداخته شده پس باید بنای نخست مدرسه هارونیه مربوط بزمان غزنویان وسلاجقه باشد . و همین مدرسه است که بانی وتعمیر کننده

آن میرزا شاه‌حسین وزیرشاه طهماسب بوده است[۱] .

این مدرسه بضمیمه امامزاده هارونیه طی شماره ۲۲۰ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

یز ـ مساجد معمور شهر اصفهان

مساجد شهر اصفهان بر دو قسم میباشد : قسم اول ـ مساجدی را که دارای آثارتاریخی بوده ومورد توجه باستان شناسی است بشرح زیر مینگارد :

۱ ـ مسجد آقامیرزا محمد باقر چهارسوقی :

این مسجد در محله چهارسوی شیرازیهای اصفهان واقع و سردر و محراب وشبستان آن دارای تزیینات کاشی‌کاری و در یك لوحه درمیان کاشیکاریهای جبهه مقابل محراب این‌کتیبه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ فنادته الملائکة و هو قائم یصلی فی‌المحراب »
« وصلی‌الله علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین . واقف کاشی محمدجعفر . »
« عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶ » .

سنگابی‌که در مسجد قراردارد با این کتیبه بخط نستعلیق برجسته تزیین گردیده است :

« وقف جناب اباعبدالله‌الحسین(ع) نمود حاجی فتح‌الله خلف مرحوم »
« آقاعبدالرضا لرشیروانی که در مسجد چهار سوق شیرازیها باشد فی‌شهر محرم »
« ۱۲۹۱ . مگربکرب‌بلا آب قیمت جان بودکه ازعطش بفلك ناله اسیران بود . »
« سلام‌الله‌علی‌الحسین(ع) لعنت‌الله‌علی قاتل‌الحسین علیه‌السلام‌حجره حاجی حسین. »

ازکتیبه سنگاب وسردرمسجد معلوم میگرددکه عمارت مسجد پیش‌از۱۲۹۱ انجام شده بوده ودر۱۲۹۱ کتیبه سنگاب‌حجاری ودر(۱۳۲۶ هـ . ق) کتیبه محراب

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۲۱ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۲ .

وسردر مسجد نوشته شده است .

واقف کاشی برای کاشیکاری محمدجعفر وکاشیکار استاد عبدالرزاق وحجار سنگاب حاجی‌حسین بوده است .

این‌مسجد چون محل اقامت نمازصاحب روضات‌الجنات آقامیرزا محمدباقر چهارسوقی بوده بنام آن عالم رجالی نامیده شده است .

۲ ـ مسجد آقامیرزا محمدهاشم چهارسوقی :

این مسجد نیزدرمحله چهارسوشیرازیهای اصفهان قراردارد . گنبد وایوان جنوبی دارد که صفه‌هائی در دوطرف آن واقع‌گردیده ودرشمال نیزدارای ایوان و غرفه‌هائی دراطراف است . نمای خارجی گنبد آجری است وداخل‌آن پوشش ساده گچی میباشد . کاشیکاری کتیبه دورگنبد و محراب آن قدیمی است ولی تزیینات نمای خارجی ایوانها و صحن‌آن جدید است .

کتیبه داخل گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ درآغازچنین نوشته شده :

« قال‌الله تبارك وتعالی » و دنبال آن آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۳ ازسوره اسری نوشته شده است .

کتیبه هلال محراب مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌لاجوردی بعدازعبارت : «قال‌الله تعالی» آیات ۳۵ و ۳۶ و۳۷ سوره نور و پس‌ازآن چنین خوانده میشود : «وقال‌سبحانه‌فی‌سورة‌البقرةواقیمواالصلوة وآتواالزکوة وارکعوامع‌الراکعین» در داخل محراب کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح وجود دارد :

«قال‌الله تبارك‌وتعالی» ودنبال‌آن‌آیه ۱۸ سوره توبه وآیه ۱۴۴ سوره بقرة و آیه ۵۵ سوره مائده نوشته شده و آخرکتیبه چنین است : « صدق‌الله العلی‌العظیم فی ۱۲۸۵ کتبه محمد ابراهیم الاصفهانی» ونیز درداخل محراب‌کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ناد علیا مظهر العجائب تجده عونالك فی النوایب »
« کل هم وغم سینجلی بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی . » .

کتیبه‌های فوقانی ایوانهای شمالی وجنوبی که درزمان نزدیك کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین است که ابتداء عبارت : « قال‌الله تبارك وتعالی » نوشته شده و سپس آیه ۱۸ سوره توبه وآیات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ سوره اعراف و پایان آن : « صدق‌الله‌العلی‌العظیم‌الکریم » است .

بردوجرزعمودی طرفین ایوانهای شمالی وجنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی سوره جمعه وپایان آن چنین است : « بانی کاشیهای خطی میرزاحسن بصیری رمضان ۱۳۳۶ » .

احادیثی نیز در داخل ایوان شمالی بخط ثلث لاجوردی برزمینه گچی در باب فضیلت نمازنوشته شده است .

درایوان جنوبی مسجد لوح سنگی که بر دیوار نصب شده بخط نسخ برجسته کتیبه زیرکه موضوع آن وقف یکدانگ وربع قریه جوان است حجاری شده :

« هوالواقف بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وقف شرعی نموده خیرالحاج حاجی فتح‌الله »
« جوزدانی یکدانگ ویك ربع ازطاحونه جوان راکه مال‌الاجاره را صرف روشنائی »
« وبوریا وتعمیرمسجد نوچارسوی شیرازیان بشود وصیغه جاری شد ۱۲۷۶ » .

درمسجد سنگابی نیزدرزیرایوان‌جنوبی قراردارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« آب درکرب وبلا ای‌قوم بداختر نبود یاحسین تشنه‌لب‌فرزند پیغمبر نبود »
« سلام‌الله علی‌الحسین لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین وقف‌جناب اباعبدالله‌الحسین »
« علیه‌السلام نمود طایف بیت‌الله‌الحرام حاجی فتح‌الله ولد مرحوم آقاعبدالرضا »
« لرشیروانی فی‌شهررمضان سنهٔ ۱۲۸۰ » .

تاریخهائی که درکتیبه‌ها موجود است: ۱۲۸۶ و ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵ و ۱۳۳۶ هجری میباشد و چون ۱۲۷۶ تاریخ وقف طاحونه برمسجد است پس باید قبول کرد که

ساختمان مسجد در آن تاریخ انجام شده بوده است و سپس در تاریخهای بعدی بتزیینات و نصب سنگاب پرداخته شده است . واقف طاحونه و سنگاب حاجی فتح‌الله و نویسنده کتیبه داخل محراب محمد ابراهیم اصفهانی بوده است . بانی مسجد معلوم نیست و ظاهراً مردم دسته‌جمعی ساخته‌اند و چون علامه چهارسوقی درآن مسجد اقامه نمازمیکرده بنام اومعروف شده‌است، بانی‌سنگاب دراین مسجد ومسجدآقامیرزا محمدباقر یکنفر بوده است[1]. ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[2].

۳ـ مسجد آقانور:

این‌مسجددرمحله دردشت واقع وازبناهائی است‌که درعهد پادشاهی شاه‌عباس ماضی شروع ودرنخستین سال سلطنت شاه‌صفی بپایان رسیده است و باین‌جهت نام هردو پادشاه درکتیبه اصلی مسجد وسردر شرقی درج گردیده است .

این مسجد چند کتیبه دارد که عمده‌آن مربوط بابتدای ساختمان و برخی مربوط بقرنهای بعد است . دوکتیبه دیده میشودکه یکی حاکی است مسجد درسال ۱۰۳۴ هجری ساخته شده وکتیبه دیگری حاکی است که در سال ۱۰۳۹ درآغاز سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است و تاریخهای ۱۲۵۸ و ۱۲۷۹ مربوط بتزییناتی است‌که درقرن سیزدهم در مسجد انجام شده‌است .

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قال‌الله تعالی انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة »

« وآتی‌الزکوة درایام‌دولت جاوید مدت‌کلب‌آستان علی‌بن‌ابی‌طالب[3] صلوات‌الله »

(۱۲۹۱)

« وسلامه‌علیه عباس‌حسینی ودراول جلوس پادشاه عادل شاه‌صفی بهادرخان‌خلدالله »

---

۱ ـ بنقل معنی ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۲ تا ص ۸۲۴ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

۳ـ درزیرکلمات‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌عدد(۱۲۹۱) نوشته شده وگویا سنه یکی ازتعمیرات باشد.

« ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره وعدله و احسانه توفیق یافت نورالدین »
« محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی کتبه محمدرضا »
« الامامی » .

(۱۰۳۹)

در دو پشت بغل سردر بخط بنائی سه‌رگی شطرنجی مشکی برزمینه آجری سوره اخلاص ودرطرفین سردر دردوشکل مربع بزرگ کلمه محمد نوشته شده‌است.

کتیبه ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد باقرشیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۸ میباشد ودرآخر کتیبه باکاشی طلائی‌رنگ سال (۱۲۷۹) اضافه شده است .

دراشکال مربع بزرگ داخل ایوان بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری نامهای : محمد ، علی ، حسن ، حسین نوشته شده ودردوطرف نمای خارجی ایوان دردو شکل مربع بخط بنائی ساده عباراتی بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه مربع سمت شرقی بخط بنائی حنائی رنگ برزمینه فیروزه‌ای شامل عبارت : «لم یلد ولم یولد ولم یکن له‌کفوااحد» است .

۲ـ درمتن آن بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه‌آجری عبارات : «سبحان الحی الذی لایموت» نقش شده است .

در نمای خارجی ایوان غربی مسجد در دو شکل مربع بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمیه آجری سوره اخلاص نوشته شده است .

درداخل ایوان شرقی در یك حاشیه کاشیکاری برمتن زرد رنگ درده لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ این اشعارنقش گردیده :

« صاحب خلق و فیض آقا نور — که‌چوخورشید مهربان‌علم‌است»
« مسجدی ساخت درکوی مکی — که بگیتی یگانه حرم است »
«این‌چنین‌مسجدی که خاك درش — غیرت افزای جنت و ارم است »
« سال تاریخ آن خرد گفتا : — مصرع آخرین این رقم است »

«معبد اهل اصفهان چون شد: «مسجد نور کعبه عجم است»
(۱۰۳۴)

«کتبه العبد نورا»

ظاهر امر اینست که در این تاریخ پیکره مسجد تمام شده بوده و نویسنده کتیبه هم میرزا نورای معروف بوده است [۱] .

مسجد آقا نور دارای شبستانی است بسیار زیبا و ستونهای آن سنگی وطاقهای متعدد آن از قطعات سنگ مرمر شفاف تشکیل شده و در روز فضای شبستان را روشن میکند ، در این شبستان محراب کوچکی است که در دوطرف آن در دوشکل مربع بخط بنائی مشکی ساده برزمینه زرد عبارات : «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله» نوشته شده است .

سردر خارجی شبستان جنب سردرشمالی مسجد نیز تزییناتی از نوع کاشیهای گره وخطوط بنائی دارد . در اسپر بالای در بخط بنائی شطرنجی مشکی سه رگی برزمینه فیروزه‌ای کتابت شده : «بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین» و درچهار اسپر اطراف سردر : «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله» خوانده میشود .

این شبستان درقرن سیزدهم بمسجد که از بناهای اوایل قرن یازدهم است الحاق گردیده است .

کتیبه سردر شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمدباقر شیرازی ومشتمل برآیات ۸۴ تا نصف آیهٔ ۹۲ سورهٔ مؤمنون است و در دوپشت بغل آن بخط بنائی شطرنجی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه آجری

۱ـ میرزا نورا فرزند صدرالشریعة اصفهانی ازشعراء وخوشنویسان خط نستعلیق وازشاگردان بنام میرعماد بود وخط نستعلیق را چون استاد خود مینوشت وقطعات بسیاری نوشت. درآخر عمر بکیمیاگری اشتغال داشت .

از اشعار او است :

شب وصل غیر چشمم زخیال باز باشد   که مباد چون شب من شب اودراز باشد

(تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۹۳)

نوشته شده : « انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر »[1]

ثبت تاریخی این مسجد در گردش اداری است .[2]

۵ ـ مسجد اولجایتو :

این مسجد درشمال ایوان استاد مسجد جمعه اصفهان وپس از سر درکاشیکاری بیت‌الشتاء قراردارد وآن مسجد عبارت از شبستان کوچکی است که دارای اطاقهای آجری متنوع وزیباترین محراب گچبری است . این شبستان بنام مسجداولجایتو خوانده میشود . ودرکتیبه محراب زیبای آن نامهای سلطان محمد خدابنده یعنی اولجایتو ووزیر او خواجه سعدالدین محمد مستوفی ساوجی ملقب بصاحب دیوان مندرج است .

کتیبه تاریخی محراب چنین است :

« سلطان محمد »

« هذاالمحراب المستطاب من مضافات العمارات التی اتفقت اعادتها فی ایام »
« معدلة السلطان حامی حوزة الاسلام والایمان غیاث الدنیا والدین ظل الله فی الارضین»
« حرس الله ببقائه الاسلام من فواضل صدقات العمیمة الصاحبیة الاعظمیة صاحب »
« دیوان الممالك شرقاًوغرباً بعداً وقرباً سعدالحق والدین المخصوص بعنایة رب العالمین »
« محمدالساوی اعزالله انصاره وضاعف اقتداره تولاه العبدالضعیف الراجی الی »
« رحمة الله تعالی وغفرانه عضدبن علی الماستری احسن الله عاقبته فی صفرسنة عشر»
« و سبعمئة ختم الله تبارك وتعالی بالخیر والظفر. ».

مفادکتیبه حاکی است که محراب مزبور از مضافات عماراتی بوده که پس از اتفاق حریق در مسجد جمعه اصفهان تجدید بنا شده و عمارات محراب درزمان سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و از وجوه صدقات صاحب دیوان و مباشرت عضدبن علی الماستری اختتام پذیرفته است .

۱ـ نقل بمعنی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۰۱ تا ص۵۰۴ .

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

در متن کتیبه تاریخی القاب سلطان محمد نوشته شده ولی نام سلطان محمد از نظر تجلیل واحترام درفوق کتیبه مزبور یاد شده است . دراطراف این کتیبه بخط ثلث چنین گچبری گردیده است :

«عن جابر بن زید الجعفی قال سمعت جابر بن عبدالله انصاری[1] یقول لما انزل الله»
« علی نبیه صلی الله علیه و آله یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی-»
« الامر منکم قلت یا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولوا الامر الذین قرن الله »
« طاعتهم بطاعته وطاعة رسوله فقال علیه السلم . » درآخر کتیبه بعد از (السلم) نام سازنده باین شرح خوانده میشود : « عمل حیدر » دنباله کتیبه مزبور در حاشیه فرورفتگیهای محراب در دو ردیف بشرح زیر نوشته شده است :

« هم خلفائی یا جابر وائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن»
« ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوریة بالباقر وستدرکه »
« یاجابر فاذا لقیته فاقرئه منی السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن»
« موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمییی وکنییی حجة الله فی»
« ارضه وبقیته فی عباده الحسن بن علی ذاك الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یده مشارق»
« الارض ومغاربها . » و بخط کوفی مشبك در بالای فرورفتگی محراب نقش شده :

« لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله » .

درحاشیه بزرگ محراب مزبور بخط ثلث چنین گچبری شده :

« قال الصادق المصدق رسول الرحمن صلی الله علیه و آله مـن بنی مسجداً »
« کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة وقال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه»
« سلام الله ورسوله وملائکته من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اخامستفاداً »
« فی الله اوعلماً مستظرفاً اوآیة محکمة او رحمة منتظرة اوکلمة رده عن ردی او»
« یسمع کلمة تدل علی هدی اویترك ذنباً خشیة اوحیآء »

در ورودی شبستان اولجایتو درروبروی محراب قرار دارد وبرروی هردولنگه در بخط ثلث برجسته این عبارات خوانده میشود :

۱ــ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان انصاری نوشته شده ولی درست آن الانصاری است.

« وان المساجدلله فلا تدعوا مع الله احدا صدق الله العظيم . »

« وقف کرد این درب را برمسجد قربة الی الله تعالی استاد حسین بن استادشاه »

« میرزای . . . اصفهانی ».

بر دیوار مقابل درقدیمی شبستان اولجایتو دراوایل دالان حوضخانه یك لوح سنگی بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی این کتیبه نوشته شده است :

« وقف شرعی نمود آقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی یکبابخانه »

« معینه واقعه درمحله تحت الشارع که بموجب وقفنامه علیحده وقف نموده (تولیت »

« بامیرزاخان ابن آقا رضا شوشتری) براولاد خود و غیره ازجماعت مفصله ذیل »

« بدین موجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمدکاظم و رجبعلی برادران واقف »

« ثلث اولادمسماتان صفیه بانو وکشورجان همشیره‌های واقف ثلث وشرط نموده‌اند »

« موقوف علیهم که هرساله مقدار شش من روغن چراغ بوزن شاه تسلیم خدمه مسجد »

« جامع قدیم اصفهان نمایندکه صرف روشنائی شود . زمستان در شبستان طرف »

« طنبی وتابستان درصفه سنگ تراشان سنه ثلاث و سبعین والف . » .

ازکتیبه اخیر معلوم میگردد وقف مزبور در عصر شاه عباس ثانی بعمل آمده است درصورتیکه اصل بنا ۷۱۰ هجری باتمام رسیده است[۱] .

این مسجد ضمن مسجد جامع عتیق طی شماره ۳۲۸ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۶- مسجد ایلچی :

این مسجد درمحله احمدآباد واقع ودارای کتیبه تاریخی است که میرساند درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی بوسیله صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام الدین محمد (یااحمد) ملقب بحکیم الملك ایلچی بسرکاری خواجه سعادت باتمام رسیده است .

۱ــ عبارات کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ازص۱۱۵ تاص۱۲۱.

۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۲۶ .

هنگامیکه کتیبه‌های محراب را مینوشته‌اند مقارن سال ۱۰۹۳ وپس از اتمام تزیینات محراب سال ۱۰۹۴ و هنگام نوشتن کتیبه سردر مسجد مقارن ۱۰۹۷ هجری بوده است . پس میتوان گفت سال ختم بنا همان باشد که در سر در مسجد نوشته شده است . (ش۵۷)



(شکل ۵۷)

کتیبه سردر مسجد مطابق نقل گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان چنین است :

« قد وقفت لبناء هذه المسجد فی زمان دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم»
« مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان وخاقان بن خاقان»
« ابوالمظفر شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه»

« وافاض علی العالمین عدله واحسانه صاحب سلطان بیگم بنت حکیم نظام الدین »
« محمد الملقب حکیم الملك ایلچی وبسر کاری خواجه سعادت باتمام رسید فی ۱۰۹۷ »
« کتبه ابن محمدرضا محسن الامامی . » .

بدیهی است کلمه هذه در این عبارت غلط است حالا غلط از که باشد معلوم نیست وممکن است که چون عبارات را از سایر امکنه اقتباس میکرده اند این کلمه را از کلمه هذه المدرسة که راجع بمدرسه ایلچی بوده فراگرفته باشند و با این فرض غلط ازگرده برداران وکاشیکاران بوده است.

دربالای سکوها وداخل مقرنسهای سردرمسجد خطوط بنائی بسیاری وجود دارد یکی از آنها در بالای سوسنهای قطار سردر درچهار شکل مثلث بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استادآن چنین آمده است :

« عمل العبد محمد علی بن استاد علی بیك » .

گرچه تاریخ ندارد ولی چون سردر تاریخی کتیبه بعداز انجام عمل مقرنس کاری وبنا بوده حداقل میتوان گفت تاریخ آن همان سال ۱۰۹۷ هجری میباشد .

در داخل سوسنهای قطار سر در بخط بنائی با کاشی لاجوردی بر زمینه زرد در دوشکل مربع این بیت نوشته شده :

« اگرهست مرد از هنر بهره ور		هنرخود بگوید نه صاحب هنر»

و در دوشکل مربع دیگر بخط بنائی با کاشی لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : « عاقبت محمود باد ».

در ایوان جنوبی مسجد و در اطراف دیواری که محراب را در بردارد بخط بنائی باکاشی معرق مشکی دو رگی برزمینه آجری چنین نوشته شده :

« بسم الله الرحمن الرحیم اذاجاءِ نصر الله والفتح ورأیت الناس یدخلون فی »
« دین الله افواجاً فسبح بحمدربك واستغفره انه کان تواباً صدق الله العظیم سنة ۱۰۹۳»

و دربالای این کتیبه بخط بنائی نوشته شده :

« انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة»

« ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین - یا الله - محمد - علی - »
« فاطمة - حسن - حسین . »

در داخل محراب بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی آیه ۱۰۳ سوره نساء خواند میشود .

در اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات ۱۸و۱۹ سوره توبه نقش و آخر آن باین عبارات ختم میشود : « صدق‌الله العظیم کتبه »
« محمد محسن‌الامامی فی ۱۰۹۴ » .

درقسمت فوقانی محراب ایوان بزرگ مسجد بخط ثلث برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ در یك شمسه کتیبه تاریخی زیر خوانده میشود :

« هوالعلی »

« لما سمعت المخدرة الصالحة المستورة صاحب سلطان بیگم بنت‌المرحوم »
« المغفور حکیم‌نظام‌الدین احمد شهرة ایلچی آیه انما یعمر مساجدالله وفقت »
« لبناء هذاالمسجد المبارك واتفق بنائه و اتمامه فی‌سنة ثلث وتسعین‌والف .» و در آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده است : « عبده حسینی ».

کتیبه محراب ایوان‌کوچك مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ مشتمل برآیه ۴۵ سوره عنکبوت چنین است :

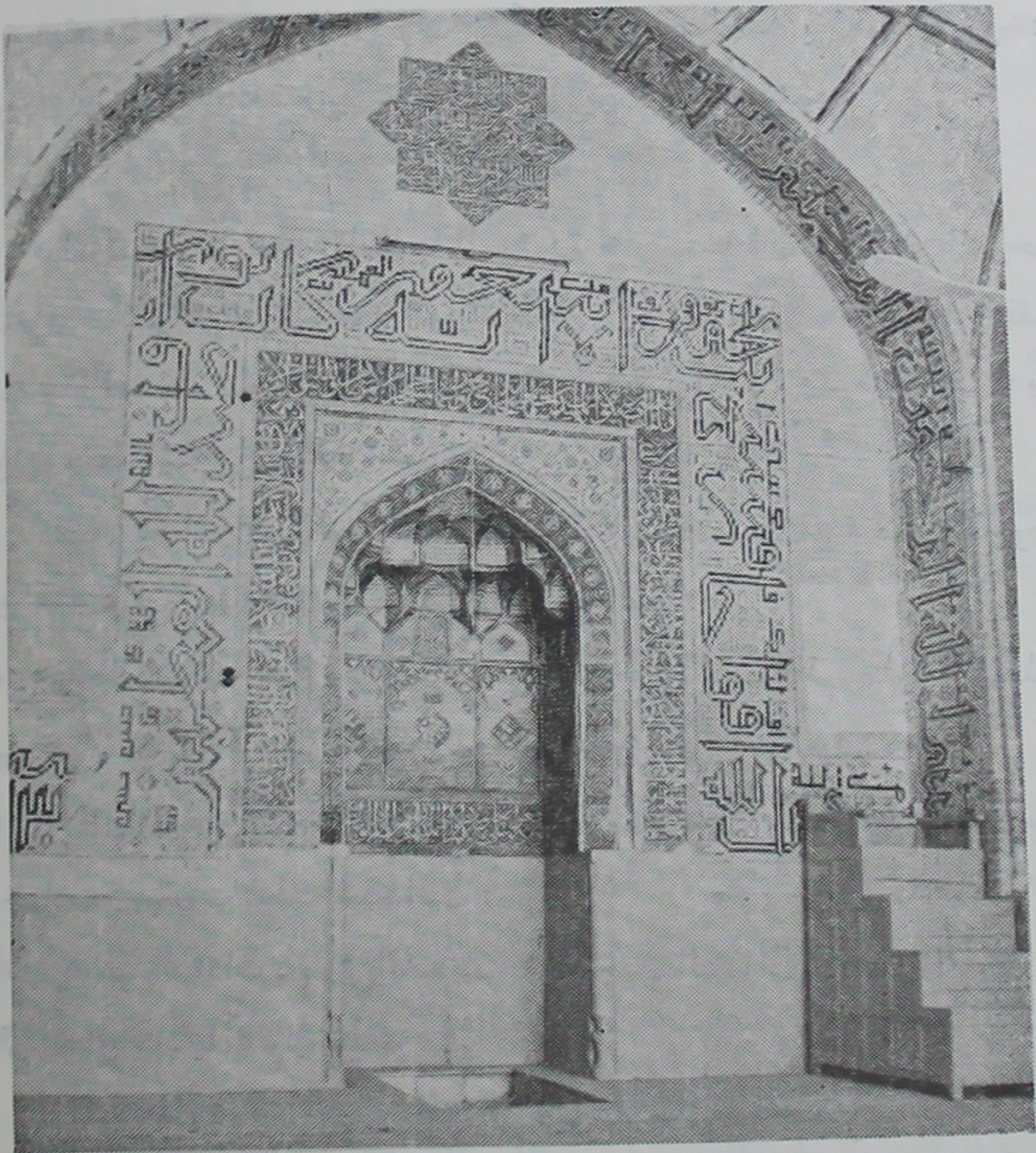
« قال‌الله تبارك وتعالی اتل ما اوحی‌الیك من‌الکتاب واقم‌الصلوة ان‌الصلوة »
« تنهی عن‌الفحشاءِ والمنکر ولذکرالله اکبروالله یعلم ما تصنعون . » .

درپشت‌بغل بزرگ داخل مسجد نیز بخط بنائی مشکی‌معرق برزمینه آجری این جملات و عبارات نوشته شده است :

« یا سیدالسادات - یاولی‌الحسنات - یا مجیب الدعوات - یاقابل‌التوبات - یا »
« غافرالخطایات - یا عالم‌الخفیات . »

درکتیبه‌های تاریخی دواشتباه بنظر میرسد یکی نام حکیم‌نظام‌الدین که در کتیبه سردر محمد نقل شده ودرکتیبه بالای محراب احمد وبطور حتم یکی‌از آن

دو نادرست است اشتباه دیگر این که در کتیبه‌سر در هذه‌المسجد نقل‌شده درصورتیکه درست آن هذا میباشد و گمان میرود همانطور که در پیش گفته شد موقع گرده‌برداری اشتباه شده باشد و نام حکیم هم چون در کتیبه آخرین یعنی سردر محمد نوشته شده درست آن همان محمد باشد و کلمه احمدکه نقل شده شاید در اثر سائیدگی میم نخست محمد چنین بنظر آمده است . اشتباه ادبی دیگر کلمه غافر-الخطایات است که خطایا اصولاً جمع خطیئه بمعنی گناه است و جمع آن بیشتر بروزن خطایا است وگاهی هم خطیئات و درهرحال خطایات وجود ندارد . (ش ۵۸)



(شکل ۵۸)

اثر تاریخی دیگری که درمسجد مزبور موجود است زیلوی قدیمی است که این‌عبارت برآن بافته شده است :

« وقف‌شد برمسجد ایلچی دردارالسلطنه‌اصفهان این‌فرد زیلومع چهارفرد »
« دیگر بجهت شبستان مسجد مزبور مشروط آنکه ازمسجد مزبور بیرون نبرند»
« مگربجهت عذر شرعی تحریراً فی‌شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۲۷۵ عمل‌عبدالوکیل.»
و میرساند که درسالهای اوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه زیلوی مزبور برمسجد وقف گردیده وواقف وبافنده آن عبدالوکیل بوده است .

قسمتی ازکتیبه‌ها ازگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان اقتباس‌شده است[۱]. اماعلت شهرت مسجد به‌ایلچی اینستکه حکیم نظام‌الدین ایلچی‌بوده، برخی گفته‌اند که‌او ایلچی‌عثمانی وبعضی دیگر گفته‌اند که ایلچی هند بوده است ولی‌بنظر نگارنده از رجال ایران‌بوده‌که بسفارت وایلچیگری بکشورهای دیگررفته بوده وازاینرواورا ایلچی میخوانده‌اند و کمتر دیده شده که یك مرد اجنبی برای کشور دیگری مبادرت بساختمان اینگونه ابنیه‌کند. این مسجد طی شماره ۲۷۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲]

۷ ـ مسجد باغ‌حاجی :

در نزدیکی باغ حاجی‌که اکنون بباغ همایون اشتهار دارد کوچه‌ای بنام کوچه باغ حاجی وجود دارد که درآن مسجدی اززمان صفویه قرار دارد .

عبارات کتیبه سردرمسجد حاکی‌است درعصر شاه عباس اول خواجه روح‌الله ابن نوراللّه فراهانی درسال (۱۰۳۳ هـ . ق) مسجد مزبور را بناکرده ، ونویسنده کتیبه محمد امین‌بن اخی‌بوده است .

ازتزیینات کاشیکاری مسجد غیر ازسردر آن چیزقابلی باقی نمانده و کتیبه سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۴۳ تا ص ۶۴۵.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷ .

« فی ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان الاعدل الاعظم مالك رقاب‌الامم »
« مولی‌ملوك العرب والعجم‌ابوالمظفرشاه عباس‌الحسینی‌الصفوی بهادرخان‌خلدالله »
« تعالی ظله‌ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این‌مسجد را توفیق آثار خواجه »
« روح‌الله‌بن نورالله فراهانی درسنه هزار وسی‌وسه‌کتبه محمد امین‌بن‌اخی . ».

درحقیقت مسجد بنام خواجه روح‌الله‌است ولی‌چون درنزدیکی‌محل‌معروف به باغ حاجی واقع شده مسجد را بنام باغ حاجی نامیده‌اند . ثبت تاریخی مسجد درگردش اداری است[1] .

۸ ـ مسجد جارچی :

این مسجد دربازاربزرگ اصفهان واقع و بانی‌آن ملك‌سلطان جارچی باشی شاه عباس اول بوده است . مسجد صحن ندارد ودرحقیقت شبستانی است‌که قسمتی ازسقف‌آن پس‌ازخرابی تعمیرشده است . اطراف شبستان تزییناتی داردکه برروی زمینه های لاجوردی و فیروزه‌ای انجام شده . محراب مسجد از سنگ ساده و در ورودی‌آن اززمان ساختمان باقی‌مانده است .کتیبه سردرمسجد بخط ثلث برجسته برسنگ چنین است :

« تیمنا وتبرکا بذکره الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی‌ایام »
« خلافة الخاقان الاکرم الاکمل الاشجع الاعدل الاعظم مولا ملوك العرب والعجم »
« قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین خلف اخلاف سیدالمرسلین رواج »
« دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر صلوات‌الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه عباس »
« الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان‌خلدالله‌ملکه‌وسلطانه وافاض‌علی‌العالمین »
« عدله و احسانه اللهم متع‌المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته »
« و ارفع درجاته وظفره جمیع اعدائه بما فی‌القرآن من‌آیاته اللهم‌آمن بلده الی »
« یوم‌القیام بانی این‌عمارة خجسته ملك سلطان جارچی باشی سنة تسع عشروالف »
« رقم صحیفی جوهری » .

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

درگنجینه آثار تاریخی اصفهان ضمن نقل کتیبه بعداز کلمه ظفره جمیع کلمه (کنا) که درواقع علامت تعجب ودرست نبودن آن است نوشته است وگمان میکنم (ظفره) را که بصیغه امر از باب تفعیل است بلفظ مصدری خوانده وچون ازلحاظ مفهوم عبارت نارسا میشود تعجب کرده‌اند درصورتیکه باخواندن بصیغه امر از باب تفعیل مطلب کاملاً درست خواهد بود ودیگرجای شگفتی نیست وکلمه علی پیش از جمیع افتاده است .

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری کتیبه سردر را چنین درج کرده است[1] :

« تیمنا و تبرکا بذکر الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی ایام »
« خلافة الاکرم الاکمل الاعدل الاعظم مولی ملوك‌العرب والعجم قهرمان الماء »
« والطین ظل الله فی الارضین خلف الانبیاء والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی عشر »
« صلوات‌الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی بهادرخان »
« خلدالله ملکه و سلطانه وافاض علی العالمین بره و عدله و احسانه واظفر بانی »
« این عمارت خجسته ملك سلطان خان جارچی باشی سنة تسع عشروالف رقم »
« صحیفی جوهری » .

ازمقایسه این دو چنین معلوم میگردد که اختلافاتی وجود داردکه آنها را باین موارد میتوان بیان‌کرد :

۱ ــ درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[۲] کلمه بذکره باضمیریکه مرجع آن معهود است ذکر شده ولی درکتاب تاریخ اصفهان وری بدون ضمیرنوشته شده است وازنظرمفاد هردو درست است .

۲ ــ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعداز الاکمل کلمه الاشجع نیز وجود دارد درصورتیکه درکتاب تاریخ اصفهان وری این کلمه موجود نیست .

۳ــ درگنجینه آثارتاریخی اصفهان بعدازفی الارضین (خلف اخلاف سیدالمرسلین

---

۱ ــ تاریخ اصفهان وری از ص ۲۷۵ تا ص ۲۷۶ .
۲ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۷۷ سطر ۱۴ .

رواج دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر) نوشته شده ودر کتاب تاریخ اصفهان وری نوشته شده :

« خلف‌الانبیاءِ والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی‌عشر» .

۴ ـ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعد ازکلمه علی‌العالمین نوشته شده : « عدله و احسانه » و در تاریخ اصفهان وری بین آن دوکلمه ـ لفظ بره هم اضافه شده است .

۵ ـ درگنجینه آثارتاریخی اصفهان بعدازکلمه احسانه نوشته شده: « اللهم » « متع‌المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته وارفع درجاته وظفره » « جمیع اعدائه بما فی‌القرآن من‌آیاته اللهم آمن بلده الی یوم‌القیام » ودر تاریخ اصفهان وری چنین است : «واظفر» .

دراین مورد علاوه براین‌که عبارات زیادی درتاریخ اصفهان وری ساقط شده بجای ظفره گنجینه آثارتاریخی اصفهان : اظفر آمده واگر بگوئیم اظفرهم درست است چون‌مفعولی برای‌آن ذکرنشده نمیتوان مورد توجه قرارداد .

۶ـ درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان بعداز القیام نوشته شده : «بانی این عمارة خجسته ملك سلطان» (جارچی باشی) ودرکتاب تاریخ اصفهان وری چنین مذکور است : «ملك سلطان‌خان جارچی باشی» که‌کلمه‌خان اضافه گردیده است .

از مقایسه مفاد دوکتاب معلوم گردید که آنچه درکتاب تاریخ اصفهان وری مندرج شده درخواندن‌کتیبه دقت نشده و بطورحدس مطالبی والفاظی مرتب شده است وازاینرو بایدآنچه درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان مرقوم شده مصدر و مرجع قرارداد و چون عبارت کتیبه از لحاظ اسلوب عربی است عبارت (رواج دهنده) را بایدگفت مروج درست است وچون نگارنده‌خودکتیبه را نخوانده‌ام بنوشته‌صاحب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که در خواندن کتیبه‌ها رنج بسیار کشیده‌اند اعتماد میکنم .

ازکتیبه سردر معلوم گردید که ملك سلطان[1] جارچی باشی شاه عباس اول این مسجد را بناکرده وتاریخ بنا سال ۱۰۱۹ ودر دوره شاه عباس اول انجام شده و کاتب وخطاط کتیبه صحیفی جوهری بوده است .

در مقابل در ورودی مسجد سنگاب کوچکی قراردارد که کتیبه‌آن درچهار لوحه کوچك در دورآن این عبارات خوانده میشود :

« وقف حضرت عباس علیه‌السلم نمودند ۱۲۶۷ حمل ونقل‌کننده بلعنت خدا گرفتار شود » .

این مسجد درطی شماره ۲۹۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۹ ـ مسجد جامع عتیق = جمعه :

دراغلب موارد مسجد جامع وجمعه مصداق واحدی دارد ولی تفاوتهائی بین آن‌دو نیزوجود داشته‌است، اصولاً مسجد جامع در شهرها ساخته میشده‌که مردم بتوانند درآن اجتماع‌کرده بعبادت وتعلم اموردین بپردازند ودر اینگونه مساجد کتابخانه ومدرسه وخانقاه نیزوجود داشته است ولی درمسجدجمعه چنین شرایطی وجود نداشته فقط درآن نمازجمعه اقامه میشده‌است ولکن درهرمسجدی‌که نماز جمعه اقامه میشده بعنوان مسجد جمعه خوانده شده و امام جمعه‌آن نیز از طرف سلطان وقت ویا اولوالامر منصوب میگردیده‌است البته هرجامعی‌که ازلحاظ فاصله بین‌دومحل نمازجمعه‌که نبایدکمتر ازمقدارمعین شرعی باشد مانعی نداشت ممکن بود محل اقامه نمازجمعه نیزباشد واینگونه مساجدرا هم مسجد جامع وهم مسجد جمعه میگفتند مثل اینکه اغلب مساجد جامع شهرهای کوچك مانند اردستان و نائین ونطنزهم بنام مسجدجامع وهم باسم مسجد جمعه خوانده میشوند وامام این مساجد را امام جمعه میخوانند .

---

۱ ـ ملك سلطان مردم رستاق اصفهان بود وبوسیله‌ای ملازم شاه عباس ماضی گردید ورفته‌رفته بسبب حسن خدمات و رشد جارچی باشی شده مورد اعتماد بود ودرمصلحتها دخیل بود .
(تذکره نصرآبادی ص ۴۱)

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۵ .

پس از طلوع اسلام موضوع نماز جمعه و ادای آن فریضه گردید و در زمان پیغمبر اسلام و سپس خلفاء تا انقضای دوره خلافت و نیز در دوره سلاطین مسلمان تا عصر صفویه کسانی برای امام جمعه‌گی از طرف مصادر امور تعیین میگردند . از زمان صفویه نیز که طرفدار تشیع بودند باین موضوع بخصوص که بسیاری از علمای شیعه نماز جمعه را واجب عینی میدانستند توجه خاصی مبذول گردید .

نخستین کسانی که از طرف سلطان وقت عنوان امام جمعه داشته‌اند و ترتیب آن معلوم نیست ، یکی شیخ بهاءالدین محمد عاملی و دیگری میرداماد و نیز شیخ لطف‌الله میسی عاملی و محقق سبزواری بوده‌اند واما کسانیکه امامت آنها مرتب میباشد چنین است :

۱ ـ ملامحمدتقی مجلسی اول متوفی (۱۰۷۰ هـ . ق) و مؤلف شرح من لا یحضره الفقیه و دیگر تألیفات .

۲ ـ علامه ملامحمد باقر مجلسی دوم مولود (۱۰۳۷ هـ . ق) و متوفی (۱۱۱۰ هـ . ق) مؤلف کتاب بحارالانوار و تألیفات بسیار دیگر مدفون در دالان مسجد .

۳ ـ میرمحمد صالح داماد مجلسی اول که از علمای بزرگ و صاحب مسند و مدرس بوده و در ۱۰۵۸ متولد و در ۱۱۲۶ وفات کرده است .

۴ ـ میرمحمدحسین فرزند میرمحمد صالح خاتون‌آبادی متوفی (۱۱۵۱ هـ . ق) .

۵ ـ میرزا محمدتقی الماسی نواده پدری مجلسی اول و نواده مادری مجلسی دوم متوفی (۱۱۵۹ هـ . ق) .

۶ ـ شیخ زین‌الدین خوانساری متوفی (۱۱۶۷ هـ . ق) از بزرگان علماء و مجاز از میرمحمدحسین .

۷ ـ میرمحمد مهدی پسر بزرگ میرمحمدحسین متوفی (۱۱۸۳ هـ . ق) .

۸ ـ میرعبدالباقی فرزند کوچك میرمحمد حسین خاتون‌آبادی متوفی (۱۲۰۸ هـ . ق) از بزرگان علماء .

۹ ـ حاجی میرمحمد حسین‌بن میرعبدالباقی متوفی (۱۲۳۳ ﻫ . ق) ملقب به سلطان‌العلماء .

۱۰ ـ حاجی میرزاحسن‌بن حاجی میرمحمد حسین‌خاتون‌آبادی امام جمعه مسجد شاه متوفی (۱۲۴۸ ﻫ . ق) .

۱۱ ـ آقامیرمحمد مهدی سلطان‌العلماء فرزندحاجی میرزاحسن امام جمعه متوفی (۱۲۵۴ ﻫ . ق) .

۱۲ـ آقامیرسید محمدسلطان‌العلماء ابن‌حاجی میرزاحسن امام‌جمعه متوفی (۱۲۹۱ ﻫ . ق) .

۱۳ ـ آقا میرمحمد حسین‌بن حاجی میرزا حسن امام جمعه متوفی رجب (۱۲۹۸ ﻫ . ق) .

۱۴ـ آقامیرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزاجعفربن حاج‌میرسیدمحمد متوفی (۱۳۰۰ ﻫ . ق) .

۱۵ ـ حاجی میرزا هاشم امام جمعه فرزند میرسید محمد خاتون‌آبادی متوفی (۱۳۲۱ ﻫ . ق) .

۱۶ـ آقامیرزا محمدصادق امام‌جمعه فرزند میرزا محمدعلی‌بن میرزاجعفر خاتون‌آبادی متوفی رمضان (۱۳۴۸) .

۱۷ ـ پس‌از بیست سال فاصله آقامیرمحمد مهدی امام جمعه‌گردید[۱] .

که این عده ازطرف سلطان وقت سمت امام جمعه داشته ومیتوانسته‌اند در مساجد معین وموسوم به‌مسجد جمعه اقامه نمازکنند ـ نامبردگان برخی درمسجد شاه و بیشترآنان درمسجد جامع عتیق نمازجمعه را بجا میآورده‌اند واز اینروآن مسجد بمسجد جمعه اشتهار یافته است .

در قدیم یعنی پیش‌ازقرن پنجم چند جامع بزرگ دراصفهان وجود داشته‌که دوتای آن در محل مسجد جمعه کنونی بوده است و پس‌از اندراس و حریقی‌که در

---

۱ ـ مکارم‌الاثار در احوال رجال دوره قاجار ج۲ ص ۳۱۴ تا ص ۳۲۰ .

۵۱۵ هجری اتفاق افتاد مورد تجدید بنا واقع و بتدریج و دراعصار متوالی بصورت کنونی درآمد.

وضع ساختمانی کنونی مسجد جمعه چنین است:

بطوریکه شادروان گدار فرانسوی متخصص امور باستان شناسی در آثار ایران بیان کرده و تحقیق شده در ابتدای رواج مذهب اسلام در ایران مساجدی بسبک عربی که عبارت ازعمارتی کوشك مانند بود بنا گردید ولی پس‌ازگذشتن حدود پنج قرن سلیقه ایرانی آن سبك را نپذیرفت و مساجد را بصورت عمارت چهار ایوانی صحن‌دار درآورد و شبستانی نیز برآن افزود و این تغییر سبك و روش تقریباً در اواخردوره خلفای‌عباسی شروع گردید، دربعضی ازمساجد مهم‌که بسبك‌تازی ساخته شده بود ازقرن پنجم ببعد تغییراتی داده شد بطوریکه ساختمانهای سبك تازی هم باقی ماند مانند مسجد جامع نائین و جامع اردستان و مسجد جامع عتیق اصفهان که با ساختمانهای سبك تازی توأم شده است.

اما ترکیب مساجد نائین و اردستان از دو سبك را خود بنا حکایت دارد ولی درمسجد جامع اصفهان‌که جامع قدیم‌آن باخشت‌خام بنا شده بود وساختمان زمان ملکشاه ببعد بوسیله آجر ساخته شده در هنگام تعمیر و خاکبرداری آثاری از خشتهای قدیم بدست‌آمده‌که ائتلاف ساختمان سبك تازی را با سبك ایرانی محرز میدارد.

اینك مسجد جامع عتیق از این اجزاء تشکیل میشود[۱]:

۱ ـ ضلع جنوبی:

در این ضلع در قدیم بناهائی بسبك عربی ساده وجود داشته که بنا بگفته باستان شناسان ونیز طبق گفته مافروخی ازخشت خام بوده است.

سپس درقرن پنجم مسجد باشکوهتری‌که تزیینات آجری وگچبری داشته در محل ساختمانهای اولیه بعمل آمده مانند گنبد نظام‌الملك. در جلو این گنبد

---

۱ ـ ترجمه آثار ایران ج ۱ از ص ۹۹ تا ص ۱۰۷.

بطرف صحن مسجد ایوان جنوبی واقع است که درآغاز قرن ششم هجری اساس ساختمان آن که سلجوقی است بنا شده و سقف آن درآخر قرن نهم هجری بامر حسن بیك آق قوینلو ازنوساخته شده ، این ایوان دومناره دارد . ازاره‌های مرمری و کاشیکاریهای گوناگون معرق برجسته که پائین ایوان را تزیین کرده وکاشیکاری پشت بغلهای طاق نماهای فوقانی وتحتانی اطراف صحن ازدوره حکمرانی اوزون حسن است . در این ایوان کتیبه‌ای از زمان شاه طهماسب وکتیبه دیگری از دوره شاه عباس ثانی وجود دارد . (ش۵۹)



(شکل ۵۹)

درطرفین گنبد و ایوان مذکور دو چهلستون عهد جانشینان ملکشاه (اوایل قرن ششم) وجود دارد ، درطرفین هردوچهلستون در سمت‌مشرق ساختمانهای دوره آل‌مظفرازقرن هشتم‌هجری است‌که درسمت‌چپ دالان ورودی مسجد قرارمیگیرد و یك راهرو جنوب شرقی مسجد آن را از ساختمانهای سلجوقی جدا میکنند .

در سمت مغرب چهلستون دیگری ازقرن یازدهم از دوره شاه عباس بزرگ قرار دارد که سبك ساختمان چهلستونهای سلجوقی را پیروی کرده است، این چهلستون را چهلستون عباسی مینامند.

۲ - ضلع غربی :

مهمترین ساختمان این ضلع ایوان غربی مسجد است که اساسش سلجوقی و در اوایل قرن ششم هجری بنا گردیده است ودارای مقرنسهای درشت میباشد. در زمان شاه سلطان حسین صفوی داخل و خارج ایوان مزبور از کاشیهای زیبا و خطوط بنائی آراسته شده و تزیینات آجری دوره سلجوقی آن از سادگی بیرون رفته است.

راه شبستان بزرگ‌مسجد درجنوب این‌ایوان واقع وشبستان‌کوچك دیگری نیز درهمین قسمت قرار دارد.

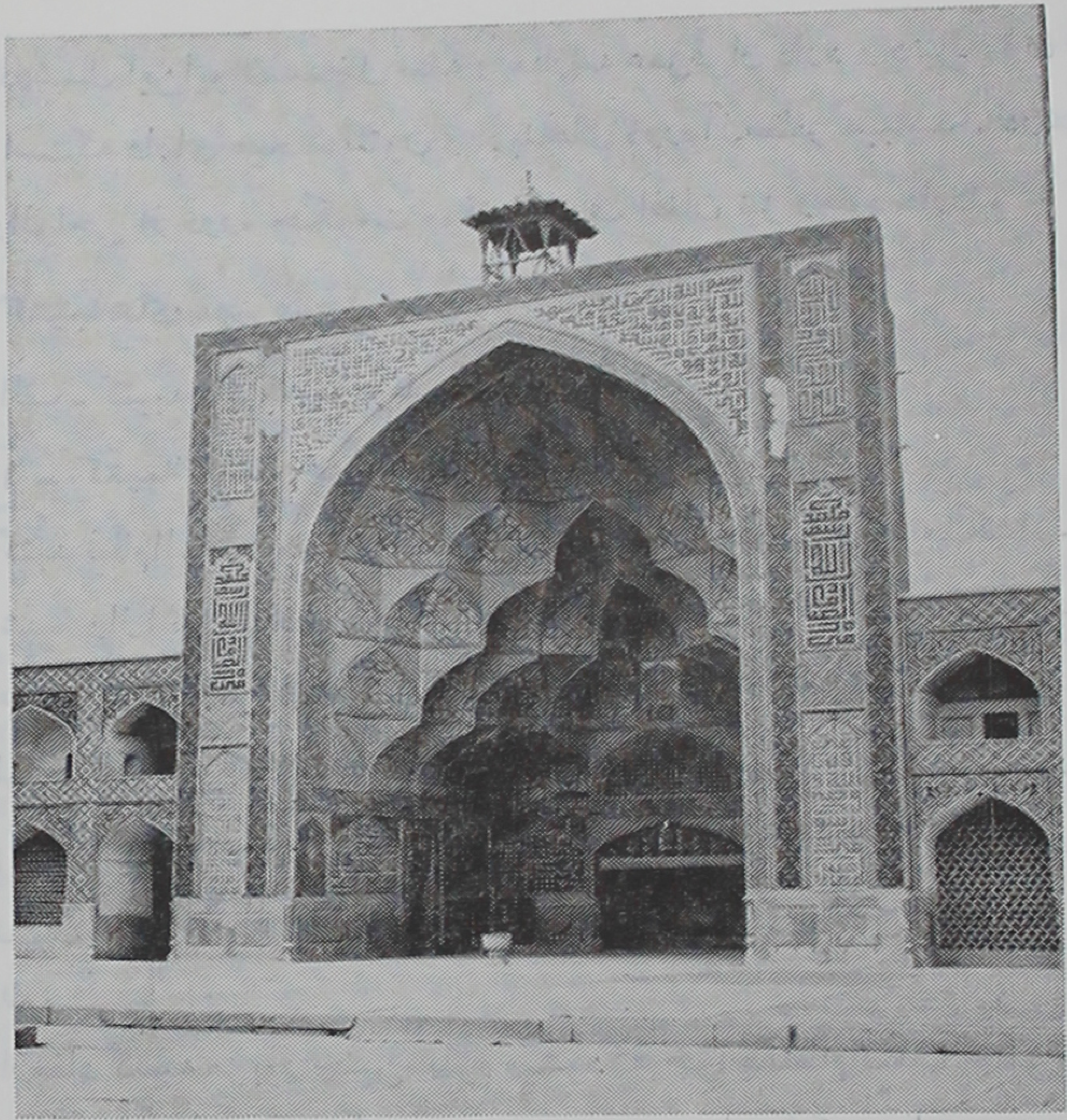
درشمال ایوان‌غربی یك سر درکاشی‌کاری نفیس ازقرن نهم‌هجری وجوددارد که سر در شبستان وسیعی است‌که درعقب ساختمانهای این ضلع واقع است.

درآخرین قسمت ساختمانهای ضلع مزبور شبستان بزرگ زمستانی موسوم به بیت‌الشتاءِ ازعهد حکمرانی سلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری قرار گرفته است و دارای مرمرهای درخشانی است‌که حکم‌چراغ‌را برای‌شبستان دارد. این شبستان دارای هیجده چشمه طاق است که ازسال ۸۵۱ هجری‌کتیبه دارد.

(ش۶۰)

۳- ضلع شمالی :

درمیان این‌ضلع ایوان است که از اوایل قرن ششم هجری و دوره دوم عهد سلجوقی شناخته شده و درآن قطعه سنگ یکپارچه مرمری است که در انتهای درون ایوان تعبیه شده و دارای خطوط زیبای کوفی گل و بوته‌دار میباشد، این ایوان دارای تزیینات آجری و کتیبه گچبری از زمان شاه سلیمان صفوی است و درطرفین آن چهل‌ستونهائی ازدوره دوم عهد سلجوقی قرار دارد.



(شکل ۶۰)

درشمال ایوان مزبور وچهلستونهای طرفین آن چهلستون مفصل دیگری وجود داردکه ساختمانهای دوره دوم عهد سلجوقی‌را به‌گنبد تاج‌الملك اتصال‌میدهد وهمه آن درضلع شمالی مسجد قرار دارد. دیگر ازساختمانهای ضلع شمالی‌گنبد تاج‌الملك است که به گنبد خاکی اشتهار دارد و بانی‌آن تاج‌الملك وزیر دیگر ملکشاه سلجوقی بوده و بنای آن مربوط به سال ۴۸۱ هجری است.

۴- ضلع شرقی :

وسط این‌ضلع ایوانی‌است‌که یك‌کتیبه‌کاشی‌کاری اززمان شاه سلیمان‌صفوی دارد و میرساندکه درآن زمان تعمیراتی از ایوان بعمل آمده است.

درشمال این ایوان مدخل صفه و مدرسه عمر قرار دارد و دنباله آن شبستان وسیعی است که دارای هیجده ستون و ازبناهای دوره آل‌مظفر میباشد . درصفه عمر کتیبه والواحی از دوره حکومت موقتی اشرف افغان نیز وجود دارد .

کتیبه‌های مهم مسجد جمعه :

الف ـ کتیبه‌هائی که مربوط به مسجد است :

۱ ـ کتیبه گنبد خواجه نظام‌الملک :

گنبد نظام‌الملک بوسیله حسن بن علی بن اسحاق طوسی وزیر ملکشاه سلجوقی ساخته شده وازآثار جالب سلجوقی است و کتیبه‌ای در داخل دارد که چنین است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم امر ببناءِ هذه‌القبة فی‌ایام‌السلطان المعظم‌شاهانشاه»
« الاعظم ملك المشرق والمغرب رکن الاسلام والمسلمین معزالدنیا والدین ابی ـ»
« الفتح ملکشاه‌بن محمدبن داود یمین خلیفةالله امیرالمؤمنین اعزالله نصره‌العبد »
« الفقیر الی رحمةالله الحسن‌بن علی‌بن اسحق علی ید ابی‌الفتح احمدبن محمد »
« الخازن . »

ازمفاد کتیبه مزبور چنین معلوم میشودکه خواجه نظام‌الملك حسن‌بن‌علی‌بن اسحق طوسی فرمان داده‌است که گنبدموردبحث بناشود واجراءِکننده‌این‌دستورابوالفتح احمدبن محمدخازن اصفهانی بوده و درزمان سلطنت ابوالفتح ملکشاه صورت‌یافته است . وچون تاریخی ندارد محتمل‌است که میان سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۷ هجری‌قمری که مدت سلطنت ملکشاه بوده انجام شده باشد . چه در کتیبه صراحت دارد که ساختمان گنبد درعهد سلطنت سلطان نامبرده انجام گردیده است .

پروفسور پوپ امریکائی درکتاب بررسیهای هنر ایران گفته که تاریخ اتمام ساختمان گنبد خواجه نظام‌الملك ۴۷۳ هجری بوده است.[۱]

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[۲] تاریخ ختم بنای گنبد خواجه نظام الملك را ۴۸۱ هجری‌قمری نوشته است ولی مدرك آن معلوم نیست شاید

۱ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶.　　۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۲۹.

بمناسبت اینکه تاریخ اتمام ساختمان گنبد تاج‌الملک که قرینه آن میباشد سال ۴۸۱ نوشته شده تصور کرده است که در یک زمان هردو گنبد ساخته شده است.

کتیبه گنبد تاج‌الملک :

این گنبد که به گنبد خاکی و گنبد تاج‌الملک هردو اشتهار دارد در بانی آن اختلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند که بانی آن پسر خواجه نظام‌الملک است.(۱)

ولی این گفته اساس ندارد و برطبق کتیبه‌ایکه در زیر نگاشته میشود بانی آن ابوالغنائم تاج الملک مرزبان بن خسرو فیروز بوده است. کتیبه گنبد باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة »
« ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمر »
« والنجوم مسخرات بامره الاله الخلق والامر تبارك‌الله رب العالمین امر ببناء هذه »
« القبة ابوالغنائم المرزبان بن خسرو فیروز ختم‌الله له بالخیر فی شهور سنة احدی »
« وثمانین واربع مائة ».

بطوریکه در کتیبه بیان گردیده ساختمان این گنبد بوسیله ابوالغنائم تاج‌الملک انجام گردیده است(۲).

در زیر کتیبه دور گنبد تاج‌الملک سی و دو پشت بغل قرارداردکه درهریك دو کلمه باخط کوفی ساده با آجر این کلمات نوشته شده :

«هوالعلی» «هوالدیان» «هوالغنی» «هوالحکیم» «هوالحق» «هوالله»
«هوالرحمن» «هوالمجید» «هوالملك» «هوالحی» «هوالسلام» «هوالمؤمن»
«هوالمهیمن» «هوالعزیز» «هوالکریم» «هوالمنجی» «هوالخالق» «هوالباقی»
«هوالمصور» «هوالفرد» «هوالصمد» «هوالاول» «هوالاخر» «هوالصادق» «هوالناصر»
«هوالخبیر» «هوالغفور» «هوالبصیر» «هوالواحد» «هوالقادر» «هوالعالی»
«هوالاعلی».

۱– تاریخ اصفهان و ری ص ۱۹۷.

۲– عبارات کتیبه از مفاد کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۷ اقتباس گردیده است.

درگوشه های دوره داخل گنبد مزبور ابتداء : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم و سپس آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری بخط کوفی ساده برجسته آجری نوشته شده ، شروع آیات مزبور از زاویه جنوب غربی درون گنبد است .

درمدخل جنوبی گنبد زیرهلال بزرگ کتیبه‌ای بخط کوفی ساده آجری برجسته وجود دارد که پس از بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم آیات ۲۶ و ۲۷ سوره عمران نوشته شده است .

۳ ـ کتیبه سردر شمال شرقی :

این کتیبه که درسردرشمال شرقی مسجد جمعه نوشته شده بخط کوفی باآجر برجسته باین شرح است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکرفیها اسمه » « وسعی . . . . . اعادة هذه العمارة بعدالاحتراق فی‌شهور سنة خمس عشرة وخمس » « مأته» واولاً میرساند که قسمتی از آیه بعدازکلمه سعی ساقط شده و آن قسمت عبارت از: « فی‌خرابها اولئك ماکان لهم ان‌یدخلوها الاخائفین لهم فی‌الدنیا خزی » « و لهم فی‌الاخرة عذاب عظیم» . بوده است . و ثانیاً معلوم میگردد که عمارت و ساختمان سردر بعد از ۵۱۵ که باطنیه قسمت مهم مسجد را آتش زدند اتفاق افتاده است .

آنچه بعدازحریق باقی مانده بطور یقین معلوم نیست برخی نوشته‌اند که فقط کتابخانه وخانقاه‌ها ومدارس سوخته بوده است و دیگری گفته بقایای حریق دو گنبدنظام‌الملك و تاج‌الملك بوده و بقیه آثاری نیمه سوخته بجامانده بوده است .

آنچه‌مسلم است مسجد شباهتی بصورت اولیه نداشته وحمیت‌اسلامی ایجاب میکرده‌که بصورت نخست اعاده گردد و بهمین جهت بانیان خیر قسمت قسمت را بصورت اول درآورده‌اند .

۴ ـ کتیبه محراب صفه صاحب :

در طرفین مدخلی که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملك مربوط میکند دو

محراب ازسنگ مرمروجود داردکه هریك دارای کتیبه‌ای میباشند . کتیبه اطراف محراب غربی بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« قال‌الله تعالی و ما ارسلناك الارحمة للعالمین» و سپس صلوات بر پیغمبر و دوازده امام را ذکر وتاریخ نصب سال ۹۱۸ نوشته شده است . بالای محراب مزبور کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته باین‌شرح وجود دارد :

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً » .

کتیبه محراب شرقی دردوقسمت حاشیه ومتن چنین نوشته شده : در حاشیه محراب چنین خوانده میشود :

« ان‌الله و ملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلواعلیه وسلموا تسلیماً» وسپس صلوات بردوازده امام ودرپایان عبارت: «العبد تاج‌الدین سنه ۹۱۸» خوانده میشود .

کتیبه متن محراب بخط ثلث برجسته باین شرح است :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله الحسن والحسین سبطا نبی‌الله» .

دردوطرف مدخل صفه صاحب بگنبد نظام‌الملك دوستون سنگی مرمری‌که دارای نقوش برجسته است وجود دارد و در بالای آنها بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح پائین حجاری شده است : ستون سمت راست :

« ناد علیاً مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی‌النوائب .» ستون سمت چپ :

«کل هم وغم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی .»

۵ ـ کتیبه‌کاشیکاری داخل صفه صاحب :

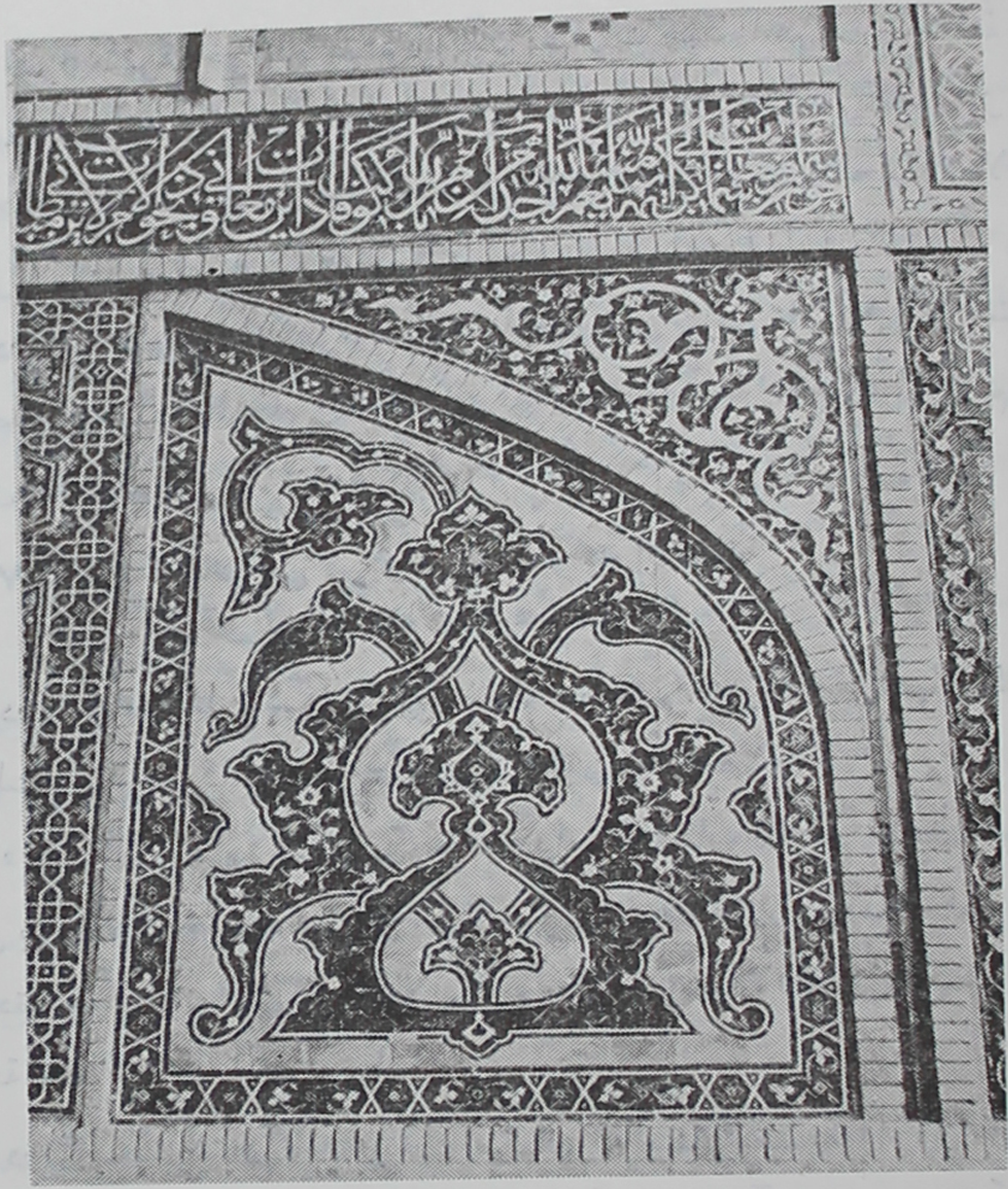
این کتیبه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بخط کمال‌الدین حسین حافظ هروی وتاریخ ۹۳۸ هجری چنین است :

« چون برسماءِ معالی سمات‌کریمه انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله‌کوکب »
« افادات این معانی ونجوم دلالات این مبانی طالع میشودکه قابل خلعت تعمیر و »
« تزیین مساجدکه بمزیة شرف ان بیوتی فی‌الارض المساجد اختصاص داردکسی »

« تواند بودکه نورنیر ایمان که سور ظلمت موانع قرابة است برساحة احوال او »
« تافته و بوسیله تصدیق بیوم‌الاخر بمعارج سعادت دینی و دنیوی ارتقاءِ یافته و »
« لباس اقبال وزینت اقامه صلوة‌که متسمست بسمت ما اعلم شاءٍ بعدالمعرفة افضل »
« من‌هذه الصلوة وبحلية ایتاءِ زکوة‌که‌متصف بصفت من‌اقام الصلوة ولم یؤت‌الزکوة »
« فکانه لم یقم الصلوة محلی بطرازکسبة حسبةالله‌که شیمه ارباب انبیاء هست‌مزین »
« شد تا در زمان خلافة اعلیحضرت بهرام صولت جم جاه ملائك سپاه تاج بخش »
« سلاطین کامکارتخت‌ستان خواقین‌عالیمقدارقامع‌الظلم ومارالعدوان مزین‌سماقدرا »
« بثواقب لعدةکواکب وله الاحسان قائدعسکر المهدی صاحب‌الزمان السلطان‌بن »
« السلطان ابوالمظفرشاه‌طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله علی بسیط »
« الارض ظلال اعلامه ولازال اعناق الجبابرة و رقاب الاکاسرة طائعین لقهرمان »
«اوامره واحکامه و من فارق جناه من حوزة الوفاق مسودة کغیاهب‌الظلم منشرة »
« فی‌الافاق متصدی شد بتزیین و تعمیر این مسجد بهجت آئین‌که رشك فردوس »
« برینست ابتغاءِ لوجه‌الله وطلبالمرضاته من‌خالص ماله‌آصف سیرت فرشته‌صفت »
« بانی‌مبانی الخیرات ناشرمآثرالمبرات‌ناظم امورالملك بفکره الصائب عامربنیان »
« الوزارة برأیه الثاقب منقذالضعفاء عن‌المهالك بلطائف التدبیر معین‌الواقفین»
« حباًلله بحقایق‌التقدیر الساعی‌لله فیما یحب و یرضی‌الکافی لانجاح مقاصدنا البر »
« حامی‌الفقراءِ والمساکین‌خادم‌عتبات الائمة المعصومین شمساً لسماء الدنیا والدین »
« محمدالاصفهانی لازال فائق المسمی مالا ومال الاجرلله علی صفحات الایام و بانی »
« زینة معابد لتحصیل المطالب الدنیویة والاخرویة و این تزیین سعادت قرین »
« بسعی واهتمام علیارتبت‌جلیلة وعفت پناه وفقهاالله للخیرات انجام یافت فی‌تاریخ »
« سنة ثمان وثلثین وتسعمأته کتبه کمال‌الدین حسین‌الحافظ الهروی ».

(ش۶۱)

نام ساعیه و اهتمام‌کننده درکتیبه جرز شرقی نمای خارجی ایوان آقاسلطان ذکرگردیده وآن‌کتیبه بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه‌کاشی مشکی چنین است:



(شکل ۶۱)

« واین تزیین سعادت‌قرین بسعی و اهتمام علیارتبت عصمت پناه عفت شعار »
« ساعیة‌الخیرات والمبرات آقاسلطان‌لازال ایام عصمتها وعفتها الی یوم‌القیام‌صورت »
« اتمام یافت امیدکه ثواب این خیر باو عاید گردد بمحمد وآله .» ودر پائین این جرز بخط نستعلیق سفید برزمینه‌لاجوردی نوشته شده : «عمل استاد شمس‌الدین »
« کاشی تراش » .

۶ ـ خطوط بنائی ایوان صاحب :

دردرون مقرنسهای صفه‌صاحب عباراتی بخط بنائی‌مشکی برزمینه شطرنجی

آجری بطور متفرق خوانده میشود و آن عبارات چند اسم از اسماء الله چون : یا حنان- یا منان - یادیان - یا برهان - یاکریم - یا رحیم - یاالله ونیز عباراتی چون : «لااله‌الاالله- محمد رسول‌الله - علی‌ولی‌الله- سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر- یا رفیع‌الدرجات» ونظائر آنها خوانده میشود.

دردیوارجنوبی صفه مزبور دریك لوحه شش ضلعی نام یکی از استادانی‌که تزیین صفه بوسیله او انجام یافته چنین نوشته شده: « عمل استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی » .

۷ - کتیبه تاریخی مربوط بتعمیرات اوزون حسن آق قویلونلو در صفه صاحب :

دریك‌قطعه مثلث شکل برسقف صفه صاحب ودرمیان مقرنسهای طاق ایوان بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین نوشته شده :

« حمداً‌لله و صلوة علی نبیه محمد قدامر‌السلطان الاعدل الاعظم ابوالنصر »
« حسن بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه باصلاح مااختل من‌هذاالجامع المنیع »
« و اعادة هذا السقف الرفیع بعدالاندراس و لما جرغب‌الانطماس من‌ماله الحلال »
« فی‌سنة ۸۸۰ » .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که بیشترکتیبه‌ها ازآن اقتباس شده عبارت : حمداً‌لله نوشته شده حمدلله درصورتیکه درست‌آن همان حمداً لله است و آن مفعول مطلق است ودرکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان هم حمداً‌لله نوشته شده است و گمان میرود که در چاپ گنجینه آثار تاریخی اصفهان الف حمداً افتاده باشد.

۸ - کتیبه ذیل کتیبه تاریخی :

درزیرکتیبه تاریخی مربوط به‌اوزون حسن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ دریك شکل مکعب مانند این عبارت نوشته شده است : « هذه‌التجدید عمل جمال خادم‌الشیخ محمدبن یوسف‌البناء رحمه‌الله» ومیرساندکه

جمال عامل و بجاآورنده تجدید بنای قسمتی ازمسجد جامع ازطرف اوزون‌حسن بوده است وچون نامبرده خادم بقعه ومقبره شیخ محمد پسر شیخ یوسف بناءِ بوده پس مقبره شیخ محمد درتاریخ ۸۸۰ هجری دائر بوده است.

و اما اینکه درعبارت عربی مزبور نوشته شده: هذه‌التجدید اگر درخواندن سهوی نشده‌باشد میتوان‌گفت‌که چون الف ولام التجدید عهدی است ومنظوربنای معهود است پس مشارالیه بناءِ میباشد و لفظ بناءِ مؤنث است وازاینرو هذه نوشته شده است.

۹ ـ کتیبه هلال داخل صفه صاحب :

در داخل هلال صفه صاحب بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی نخست عبارت: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس هشت آیه اول سوره اسری نوشته شده ودر پایان چنین خوانده میشود:

«تحریراً فی‌تاریخ سنة ثمان وثلاثین وتسعمائة» ودرقسمت‌آخر کتیبه مزبور در دو سطر بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعار و عبارات زیر خوانده میشود:

«آنها که خاك را بنظر کیمیاکنند   آیا بودکه‌گوشه چشمی بماکنند»

«بعمل الفقیر یوسف‌بن تاج‌الدین بناءِ اصفهانی».

در اسپرهای طرفین ایوان زیرهلال عباراتی بخط ثلث سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیرنوشته شده:

اسپرباختری ایوان: «قل‌امرربی بالقسط واقیموا وجوهکم عندکل مسجد» «وادعوه مخلصین له‌الدین».

اسپر خاوری ایوان: «و قال‌الله تبارك و تعالی یا بنی‌آدم خذوا زینتکم» «عندکل مسجد صدق‌الله العظیم.» و بخط آجری برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود:

«کتبه العبد تاج‌الدین معلم اصفهانی».

در درون صفه صاحب (دوطرف صفه) در هرطرف یك اسپر کاشیکاری دارد و هر اسپر دارای چهارپر (شمسه) است که بخط بنائی ساده حنائی برزمینهٔ کاشی معرق لاجوردی این اشعار خوانده میشود:

« ناد علیا مظهرالعجائب   تجده عوناً لك فی النوائب »

« کل هم و غم سینجلی   بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »

درطاقنماهای این ایوان درسمتهای چپ و راست درشکلهای مثمن عبارت: لااله‌الاالله تکرار شده است.

۱۰ - کتیبه های نماهای خارجی صفه صاحب:

کتیبه مناره‌های مسجدکه در دوطرف ایوان جنوبی یعنی صفه صاحب قرار دارد در زیرستونهای هردومناره یك عبارت بخط کوفی ساده‌آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای باین شرح نوشته شده:

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً » وجدار خارجی مناره‌ها بخط بنائی باکاشی فیروزه‌ای برزمینهٔ آجری وبشکل مارپیچ بااین جملات تزیین شده است: « الحکم‌لله - الملك‌لله - الحمدلله ».

۱۱ - کتیبه نماهای خارجی ایوان جنوبی:

جرزهای دوطرف ایوان که بطور عمودی قرارگرفته و از جرز غربی آغاز میشود جرز شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس‌هشت‌آیه اول سوره الفتح‌ودنباله‌آن ازآیه شانزدهم تا بیستم همان سوره تزیین شده است.

۱۲ - کتیبه نمای فوقانی صفه صاحب:

کتیبه افقی و فوقانی صفه صاحب (ایوان جنوبی) که دارای تاریخ و بنام شاه عباس دوم است بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح است:

« زین هذا المسجد الرفیع المؤید مناعلی المؤید بصدور من‌السلطان »

« المبرورالملحق بآبائه الطاهرین شاه طهماسب حشره‌الله من‌الائمة المعصومین »

« وشرف بمرور الدور والاعوام على الخروب والانهدام امر بتجديده وتعميره وتزيينه »
« نجله وسبطه اعظم الافخم سلطان السلاطين و ملاذ الخواقين و مروج مذهب آبائه »
« الطاهرين السلطان بن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی الصاحب »
« قران خلدالله ظلال معدلته علی مفارق العالمین بمحمد وآله المعصومین فی سنة »
« الف وسبعین من الهجرة النبویة صلی الله علیه وآله ».

درهلال خارجی صفه مزبور لوحه‌هائی دردوقسمت وجود دارد : اول لوحه‌های مستطیل شکل بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ ودوم لوحه‌های مربع دایره مانند کوچکتر از قسمت اول و هرلوح دسته دوم در میان دولوح از دسته اول جا دارد و کتیبه آن بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی مشکی بشرح زیر است :

« اللهم صل وسلم علی نبینا وسیدنا و مولانا ابی القاسم محمد المصطفی ».
« ناد علیا مظهر العجائب ».
« وصل وسلم علی الامام الهمام الوصی المصطفی علی المرتضی ».
« تجده عونالك فی النوائب ».
« وصل وسلم علی سیدة النساءِ البتول العذراءِ ام الائمة الاتقیاءِ فاطمة الزهراءِ ».
«کل هم وغم سینجلی ».
« وصل وسلم علی سبط المصطفی وقرة عین المرتضی الحسن المجتبی ».
« بولایتك یاعلی یاعلی ».
« وصل علی الامام الحرمین هادی ومربی الخافقین الامام ابی عبدالله الحسین ».
« ناد علیا مظهر العجائب ».
« وصل علی سید المتقین و امام المؤمنین و نور العارفین علی زین العابدین ».
« تجده عونالك فی النوائب ».
« وصل وسلم علی الامام النور الزاهر والبدر الباهر ابی جعفر محمد الباقر».
« یا قاضی الحاجات ».

« وصل وسلم على اعلم المشارق والمغارب الامام ابی عبدالله جعفر الصادق » .

« کل هم وغم سینجلی » .

« وصل وسلم على العابد المتهجد الصائم الامام بالحق موسى الكاظم » .

« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .

« وصل وسلم على وصی الاوصیاء و وارث علوم الابنیاءِ علی بن موسی الرضا »

« ناد علیاً مظهر العجائب » .

« وصل و سلم على العالم صاحب الهدایة والارشاد الامام محمد التقی الجواد » .

« تجده عونالك فی النوائب » .

« وصل على الشمس المضیئی والبدر البهی الامام بالحق ابی الحسن علی النقی » .

« کل هم وغم سینجلی » .

« وصل وسلم على الامام وارث الوصی والوالد الحجة الصفی الحسن العسکری » .

« بولایتك یاعلی یاعلی » .

« وصل وسلم على الامام القائم المنتظر ابی القاسم محمد المهدی الحجة بن الحسن »

« صاحب الزمان » .

بر روی پایه ستونهای مرمری زیر هلال خارجی ایوان در دوطرف دولوحه کاشیکاری باین شرح وجود دارد :

لوحه سمت راست : « عجلوا بالصلوة قبل الفوت » .

لوحه سمت چپ : « عجلوا بالتوبة قبل الموت » .

۱۳ - کتیبه آقاسلطان :

که شرح آن در ردیف ۵ گذشت .

۱۴ - کتیبه‌های چهلستونهای طرفین گنبد نظام الملك :

چهلستونهای اطراف گنبد نظام الملك که مربوط بدوره دوم عهد سلاجقه است دارای خطوط و نوشته‌هائی است که بعضی از قسمتهای آن در ضمن تعمیرات از گچ پوشیده شده ولی در بعضی جاها خطوطی باقی مانده است از آن جمله درچهلستون

واقـع در مشرق گنبد نظام‌الملك جای چند چـراغ گچی برروی ستونهای دوره سلجوقی تعبیه شده‌که یکی ازآنها دارای خطوطی است‌که شرح داده میشود :

دریك لوح‌کوچك بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید چنین نقاشی شده :

« بهتر بود بنزد فقیران زباغ وراغ   درکنج‌مسجدی‌که‌بسوزندچون‌چراغ»

ودرقسمت بالائی جای چراغ‌که ازگچ ساخته شده در اطراف آن این اشعار بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نقاشی شده :

« روشن بفروغ حق دل آگاهست   درویش بعالم فقیری شاهست »

« دل‌دربرعارف است سرگرم‌گداز   می‌پنداری چراغ بیت‌الله است »

« دل‌دردرون سینه‌آگاه روشن‌است   دایم‌چراغ‌حضرت‌الله‌روشن‌است »

در مغرب گنبد نظام‌الملك یك چهلستون مربوط بسلاجقه وجود دارد که دارای‌محرابی ازسنگ یکپارچه‌مرمر وبخط ثلث‌برجسته این عبارات را دربردارد:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم انا مدینة‌العلم وعلی بابها .» و دنباله آن چهلستون دیگری قرار دارد که مربوط بزمان شاه عباس بزرگ است و دارای محرابی عالی ازسنگ مرمری یکپارچه است‌که دردوطرف آن بخط ثلث برجسته این عبارات نوشته شده :

کتیبه سمت راست :

« مصطفی شد شهرعلم‌آن مملکت را درعلی است

تا دهندت راه در این شهر علم از در درا »

کتیبه وسط بخط بنائی : «قال‌النبی علیه‌السلام انا مدینة‌العلم وعلی بابها » .

کتیبه سمت چپ :

« از در اهل صفا روی مگردان ایدل   راه دوراست‌ازین‌دربخدا نزدیك‌است»

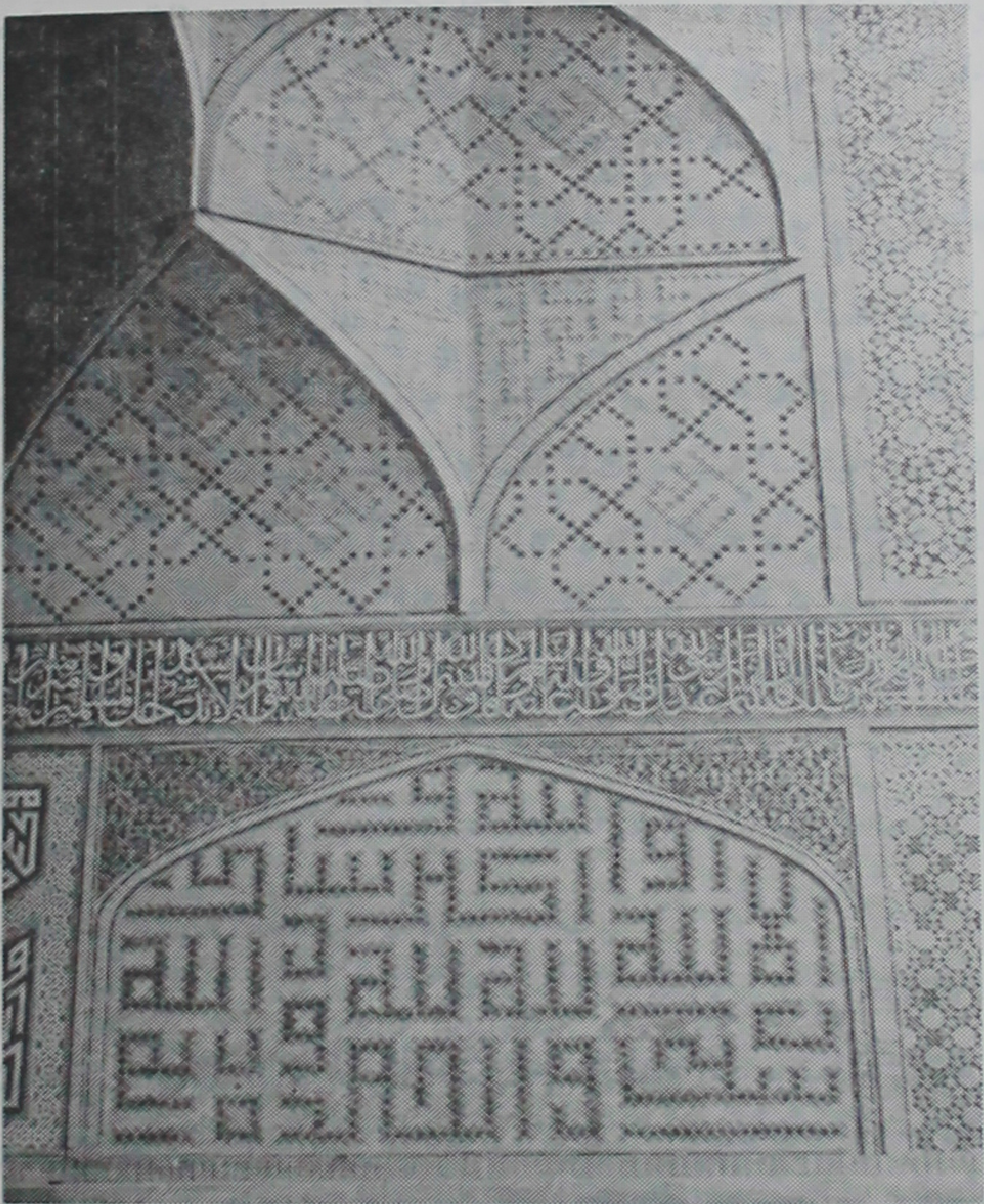
در پشت بغل سنگ مرمری محراب بخط بنائی ساده عباراتی باین شرح خوانده میشود :

سمت راست : «لااله‌الاالله» . وسط دوپشت بغل : «محمد رسول‌الله» .

سمت چپ : «علی ولی‌الله» .

۱۵ ـ کتیبه‌های صفه استاد :

ایوان غربی مسجد جمعه را که صفه استاد مینامند دارای نقوش و خطوط وکتیبه‌هائی است که در داخل و خارج بشرح زیر تزیین گردیده است . (ش۶۲)



(شکل ۶۲)

اول ـ دردوپشت بغل بزرگ ایوان بخط بنائی شطرنجی باکاشی فیروزه‌رنگ برزمینه سفید آیه ذیل خوانده میشود :

« بسم الله الرحمن الرحیم. شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائماً »
« بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ».

دوم ـ در پشت بغل سمت چپ ایوان معکوس عبارت مزبور نوشته شده است. درقسمت فوقانی جرزهای طرفین ایوان درحاشیه دو پشت بغل کوچك بخط بنائی لاجوردی برزمینه زرد سوره نصر نوشته شده. بقیه خطوط بنائی هریك ازجرزهای طرفین ایوان باین شرح است:

بخط بنائی سه رگی فیروزه‌ای ومشکی برزمینه آجری: «لا اله الا الله الملك الحق المبین» و بخط بنائی قهوه‌ای رنگ برزمینه آجری: « محمد رسول الله الصادق الامین» وبخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری:

«علی ولی الله ووصی رسول الله امیر المؤمنین».

سوم ـ کتیبه‌های داخل ایوان غربی (صفه استاد) = ایوان گلدسته:

کتیبه اصلی این صفه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

« بسم الله الرحمن الرحیم. فی مناقب الفقیه ابن المغازلی عن انس بن مالك »
« قال بینما اناعند رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم. . . . . قال صلی الله علیه »
« وآلدوسلم الان یدخل سید المسلمین وامیر المؤمنین وخیر الوصیین واولی الناس »
« بالنبیین اذطلع علی بن ابی طالب علیه السلام فقال رسول الله صلی الله علیه وآله »
« وسلم واللهم الی وقال الی ».

دنباله کتیبه مزبور درسمت چپ همان ایوان باین ترتیب ادامه دارد:

« فجلس بین یدی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فاخذ رسول الله »
« صلی الله علیه وآله وسلم یمسح العرق عن وجهه وجبهته ویمسح به وجه علی بن »
« ابی طالب و یمسح العرق من وجه علی و به یمسح علی وجهه فقال علی علیه السلم »
« یا رسول الله انزّل فیّ شیء قال صلی الله علیه وآله وسلم اما ترضی ان تکون »
« منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لا نبی بعدی وانت اخی ووزیری وخیر خلقه »

«من بعدی تقضی دینی وتنجز موعدی کتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی ۱۱۱۲».

درکتیبه مزبورکه بتمامها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده قبل از وزیری حرف و ساقط شده ولی در اینجا اضافه گردید زیرا معلوم است که در چاپ افتاده است.

قسمت وسط کتیبه مزبورکه مبین آمر بنا میباشد درکتیبه جداگانه باحترام بانی یااینکه چون اصل بنا مربوط ببانی دیگری بوده بشرح زیرخوانده میشود:

«قد امر بعمارة هذه السقيفة المنيفة ملك ملوك العالم و مستعبد صناديد»
«الامم الشهنشاه الاعظم السلطان بن السلطان المؤيد ابوالمظفر السلطان حسين»
«الحسينی الموسوی الصفوی بهادرخان عزبالتاييد ونصرمدة عمره بالتاييد بهغياث»
«الخطوب ومغيث الشعوب و نظام الامور ماضآء الديجور . . . . . خلدالله تعالى»
«ملكه.».

عبارات کتیبه مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس شده است:

در اطراف ایوان استاد در اسپرهای داخل آن از ضلع شمالی بترتیب بخط بنائی شطرنجی سه رگی که یکی ازآن سه مشکی ودوتا فیروزه‌ای است برزمینه آجری چنین نوشته شده است:

«سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» ومعکوس آن در اسپرقرینه آن خوانده میشود.

در این ایوان صفحه کاشیکاری جالبی وجود دارد که دارای چهارترنج بخط بنائی ساده وسفید رنگ برزمینه کاشی لاجوردی میباشد واین اشعار درآن ترنجها خوانده میشود:

«چون نامه جرم ما بهم پیچیدند   بردند و بمیزان عمل سنجیدند»
«بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی   ما را بمحبت علی بخشیدند»

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۱۰۹.

ودر یك شکل چهارگوش که درمیان ترنجها واقع شده بخط بنائی نام‌کاشیکار و پدرش چنین نوشته شده است :

« عمل‌ابن محمد مؤمن محمد امین . » .

در اسپر سوم نوشته شده : « ولاحول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم» و معکوس آن درقرینه‌آن درضلع جنوبی ایوان استاد خوانده میشود .

دراسپرچهارم : «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» و در قرینه‌آن در ضلع‌جنوبی معکوس عبارت مزبور ذکر شده است .

در شاه نشین ایوان استاد در داخل و بالا واطراف‌آن‌کتیبه‌هائی وجود دارد :

اول ـ کتیبه داخل شاه نشین‌بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم مثل‌اهل‌بیتی‌کمثل سفینة نوح من‌رکبها»
« نجی ومن‌تخلف عنها غرق » ودنباله آن بر دیوار روبروی شاه نشین باین شرح ادامه دارد :

« بنبی‌عربی ورسول مدنی‌واخیه‌اسدالله مسمی‌بعلی‌وبزهراءِ بتول وبام ولدتها»
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل‌ذکی وبسجاد وبالباقروالصادق حقا وبموسی وعلی‌وتقی»
« و نقی و بذی‌العسکر والحجة والقائم بالحق الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی » .
و دنباله آن درضلع جنوبی شاه‌نشین چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم حب‌علی حسنة لایضر معها سیئة »
« وبغضه سیئة لاتنفع معها حسنة کتبه ابـن شیخ محسن ـ محمد حسن الجزائری »
« فی‌سنة ۱۱۱۲ ».

درحاشیه طاق‌شاه نشین مزبور بخط بنائی ساده برزمینهٔ گچی آیات ازاول تا آخر ششم ازسوره الدهر خوانده میشود و درمیان طاق آن درسه چهار گوش بخط بنائی با کاشی این‌عبارات باین ترتیب نوشته شده : دروسط : « لااله الاالله محمد

رسول‌الله » و درسمت راست : « امیرالمؤمنین علیا ولی‌الله » و درسمت چپ : « الحسن والحسین سبطا رسول‌الله . » . در اطراف شاه نشین ایوان مزبور اشعاری فارسی وعربی درکنار یکدیگر باین ترتیب خوانده میشود :

« چون بحکم کارفرمای جهان » « علی حبه جنة »
« شد عمارت سجده‌گاه‌مسلمان » « قسیم النار و الجنة »
« خسرودوران شه‌کیوان غلام » « ناد علیاً مظهرالعجائب »
« داور دارا دل انجم سپاه » « تجده عوناً لك فی‌النوائب »
« نایب‌خیرالبشر کالطاف‌اوست» « کل‌هم و غم سینجلی »
« شیعیان را درجهان‌پشت‌وپناه » « بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »
« آنکه امرش باقضا باشد قدر » « دراین‌لوح‌گل‌وبوته‌نقش‌است»
« پادشه سلطان حسین ظل اله » « ناد علیاً مظهر العجائب »
« مؤمن‌بی شبهه ودستور عهد » « تجده عوناً لك فی‌النوائب »
«خان عالم صوفی‌یکرنگ‌شاه » « کل هم و غم سینجلی »
« بست‌حاجی قاسم‌اخلاص‌کیش » « بولایتك یاعلی یاعلی »
« بهرسرکاری‌کمربیگاه وگاه » « وصی المصطفی حقاً »
« فکر افهم ازپی تاریخ‌گفت: » «بنبوتك یامحمد یامحمد یامحمد»
«گشته‌نو این‌مسجدازلطف اله»

(۱۱۱۲)

۱۶ - کتیبه محراب ایوان استاد :

در داخل‌محراب‌ایوان استاد کتیبه‌ای بخط ثلث‌سفید محمد زمان‌بن‌عبدالباقی اصفهانی برکاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر وجود دارد:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله من مشی الی مساجدالله عزوجل فله بکل »
« خطوة خطاها حتی یرجع الی‌منزله عشر حسنات ویمحی عنه عشر سیئات وله »
« رفع عشر درجات فی‌سنة ۱۱۱۲ کتبه محمد زمان‌بن‌عبدالباقی‌الاصفهانی . »

کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

« قال الله تبارك وتعالی قل لوکان البحر مداداً لکلمات ربی لنفد البحر قبل »
« ان تنفد کلمات ربی ولوجئنا بمثله مدداً انما قل انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم »
« اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرك بعبادة ربه احداً»
« وقال الله تعالی فنادته الملئکة وهوقائم یصلی فی المحراب صدق الله العلی العظیم . »

ودرپشت بغل محراب مزبور دروسط در داخل مربع موربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی رنگ این جمله‌ها نوشته شده است : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً . » .

در داخل مقرنسهای دیوار مقابل ایوان بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی کبود چنین خوانده میشود :

« انامدینة العلم وعلی بابها »

« درغره رمضان المبارك سنه ۱۱۱۲ »

ودراطراف پنجره مشبك کاشی که درزیر عبارات بالااقرار گرفته بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی گل‌وبوته دار دریازده لوحه صلوات برچهارده معصوم نوشته شده ورقم کاتب آن درلوحه دوازدهم چنین است :

«کتبه العبدالمذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲ ». و دریك حاشیه بخط نستعلیق مشکی برزمینه زرد نوشته شده : « نقی بروز حشر بگو یاعلی مدد »

در دو طرف پنجره مشبك مزبور درفاصله های میان چهار مصراع شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نام استادکاشی کار باین شرح خوانده میشود :

« غرض نقشی است کزما باز ماند   که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« عمل ذره بیمقدار ابن محمد مؤمن »
« مگر صاحبدلی روزی برحمت   کند درحق مسکینان دعائی »
« محمد امین بناء اصفهانی »

۱۷ ـ کتیبه های بیت الشتاء :

درانتهای ضلع غربی مسجد جمعه شبستان وسیع زمستانی قرار داردکه در عهدسلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری بامر عمادبن مظفر ورزنه‌ای ساخته شده‌است. طول آن ۵۰ و عرض آن ۲۵ متر است وستونهای قطور وطاقهای خیمه‌ای شکل‌دارد و درمیان هرچشمه طاقسنگ مرمری شفاف نصب شده‌که بمنزله‌چراغ اطراف خود را روشن میکند .

شبستان مزبور دو در داردکه یکی‌درانتهای راهرو جنوب ایوان استاد واقع ودر دو پشت بغل‌گچی آن عبارت زیربخط نستعلیق گچبری شده است :

« عمل‌العبدالضعیف شیخ حسن‌بن شرف‌الدین‌بن‌حسین‌بناءِ رویدشتی . » ودر دو مربع مورب بخط بنائی ساده سفید برزمینه‌لاجوردی چنین نوشته شده : سمت راست : « عجلوا بالصلوةقبل‌الفوت » و در سمت‌چپ : «عجلوا بالتوبة قبل‌الموت» .

در سردر بیت الشتاءِ که درشمال ایوان استاد قرار دارد کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ باین شرح :

« امر ببناءِ هذه‌العمارة الموسعة لبیت شتاء هذاالجامع‌الشریف فی‌ایام دولة »
« السلطان الاعظم اعدل سلاطین العالم غیاث الحق والدین سلطان محمد بهادر »
« خلدالله ملکه و سلطانه اقل عبیده عمادبن مظفر ورزنهٔ وفقه‌الله لمراضیه وجعل»
« مستقبله خیراً من‌ماضیه فی‌شوال‌سنة احدی وخمسین وثمنمئة کتبه سید محمود»
« نقاش. » ودرقسمت‌فوقانی سردر بخط بنائی‌مشبك آجری برزمینه لاجوردی‌رنگ چنین‌نوشته شده : « قال‌النبی انامدینةالعلم وعلی‌بابها » .

درقسمت فوقانی ستون پنج روی کاشیکاری دوجانب سر در مشرف بصحن بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود : « قال‌النبی علیه السلام ـ الصلوة عمادالدین » .

۱۸ ـ کتیبه ایوان درویش :

این‌کتیبه درروی دیوار مقابل ایوان درویش‌بخط‌ثلث گچبری شده‌که حاکی

از تجدید بنای مسجد درزمان شاه سلیمان صفوی بشرح زیر میباشد :

« قدامر سیدالسلاطین و مفخرالخواقین مشید اساس‌الدین المبین مروج »
« شریعة آبائه‌الطاهرین معدن‌الجود و الکرم و الامتنان السلطان‌بن السلطان و »
«الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر السلطان سلیمان الحسینی الصفوی جعله‌الله‌خلیفة»
« من‌الرحمن بتجدید هذاالمسجدالعتیق‌الذی اسس‌علی‌التقوی‌للعاکفین والمصلین»
« والرکع‌السجود الداعین محبوباً للدولة والحکومة فی۱۰۹۳ »

شاه‌نشین واقع درانتهای ضلع شمالی‌ایوان درویش درقسمت فوقانی‌آن‌دارای مقرنسهای‌گچی است وطاق شاه‌نشین دارای‌تزیینات‌گچی و دراطراف‌آن بخط‌کوفی گل وبوته‌دار آیات ۳۶و۳۷و۳۸ سوره (نور) بشرح پائین‌گچبری شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والآصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله و اقام الصلوة و »
ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم‌الله احسن‌ما عملوا »
« ویزیدهم من‌فضله والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب . ».

در بالای پنجره مشبك مرمری شاه نشین بخط نستعلیق مشکی بر زمینه سفید این اشعار نقش‌شده است :

« شکرلله که طاق درویشان با صفا شد چو کعبه دلشان »
« چون حسینای کارگر کارش شد تمام از توجه ایشان »

در طاقنمای شاه نشین مزبور بخط بنائی این عبارات‌گچبری گردیده است : در دو مربع قرینه هم : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله . » ونیز در دومربع دیگر قرینه هم : « محمد وعلی خیرالبشر . » و در دو مربع دیگر قرینه هم : « یاالله المحمود فی‌کل فعاله . » و در یك چهار پروسط پنج‌کلمه « الله » خوانده میشود .

درطاق ایوان درویش کلمات الله ومحمد وعلی وعبارت: سبحان‌الله و الحمدلله ولااله الاالله والله اکبر باین‌ترتیب در هشت موج درمیان یك موج یك‌کلمه الله و

چهار کلمه محمد و در اطراف کلمه محمد چهار کلمه‌علی نوشته شده و جمع آنها مربعی را تشکیل میدهد و دراطراف مربع عبارت سبحان‌الله تا آخر که نوشته شد بخط بنائی آجری برجسته خوانده میشود.

درانتهای امواج گفته شده شانزده شکل چهارگوش که درهشت شکل آن چهارکلمه علی و در هشت مربع دیگر عبارت یا الله و اسم محمد نقش شده است.

کتیبه جرزهای داخل ایوان درویش بخط بنائی آجری فرورفته برزمینه برجسته بشرح زیرخوانده میشود:

در دوچهارپر بالا وپائین: «یاقاضی‌الحاجات» و درموج‌وسط عبارت «یاالله» تکرارشده ونیز کلمات محمد ـ علی بطور قرینه تکرار شده‌اند.

درهلال بزرگ ایوان مزبور مشرف برصحن عبارات پائین درهشت شکل چهار گوش بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فرو رفته از آجر قرمز خوانده می‌شود:

در دوشکل مربع قرینه هم: «سبحان‌الملك والملکوت».

ونیز در دو شکل مربع قرینه یکدیگر: «سبحان‌الحی الذی لایموت.» و در دوشکل مربع‌قرینه‌هم: «سبحانه تعالی عما یصفون.» ودرشکل‌چهارگوش میان هلال‌طاق: «صدق‌الله‌العلی‌العظیم» نوشته شده‌است.

نوشته های لوحه های نمای خارجی ایوان مانند کتیبه‌های جرزهای‌داخلی آن است جزاینکه درموجهای کتیبه آن برزمینه آجری برجسته وخط کاشی فیروزه‌ای فرورفته این عبارات خوانده میشود:

در دوشکل مستطیل قرینه: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر» ودرچهارگوش میان کتیبه: «یا الله ـ محمد ـ علی».

برروی جرزهای خارجی ایوان در شکلهای چهارگوش مانند، چهارکلمه: «الله» و چهارکلمه «علی» از بالا بپائین قرینه یکدیگر نقش‌شده است.

برستونهای سنگ مرمر دوطرف‌ایوان بخط‌کوفی دربالاوپائین: «الحکم‌لله»

نوشته شده است .

کتیبه‌های گچبری ایوان درویش یکی در بالا و دیگری درپائین واقع شده وازلحاظ محتوی ارتباطی ندارند .

سطر بالا حاوی احادیثی است درمناقب وفضایل خاندان نبوت بطریق عامه و سنت وسطردوم احادیث مربوط بفضیلت مساجدوآداب شرعی‌است که درباره مساجد وارد شده است وهردوکتیبه بخط ثلث گچبری شده ودرحدود یکمترونیم الی دومتر ازآغاز وپایان‌کتیبه ریخته شده است .

کتیبه اول چنین است :

« قال‌الله تبارك وتعالی ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله شاهدین علی »
« انفسهم بالکفر اولئك حبطت اعمالهم وفی‌النارهم‌خالدون انما یعمر مساجدالله »
« من آمن بالله والیوم‌الاخر و اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك»
« ان‌یکونوا من‌المهتدین اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجدالحرام کمن آمن »
« بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل‌الله لایستون عندالله و الله لایهدی القوم »
« الظالمین . روی فی‌جامع‌الاصول من صحیحی البخاری انه افتخر طلحةبن شیبة »
« بالحجابة و عباس بالسقایة فقال امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلم لقد »
« صلیت الی‌القبلة ستةاشهر قبل‌الناس وانا‌صاحب‌الجهاد فنزلت تصدیقا له‌علیه‌السلم»
« وروی من صحیحی مسلم والترمذی عن سعدبن ابی وقاص قال سمعت ثلثا قالهن »
« رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌و آله فی‌علی‌لان‌تکون‌لی واحدةمنهن‌احب‌الی‌من حمرالنعم »
«ثم‌سمعته صلی‌الله علیه و آله یقول‌له علیهم‌السلم وقد خلفه فی‌بعض مغازیه‌فقال‌له »
« علی‌خلفتنی مع‌النسآءِ والصبیان فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله اما ترضی‌ان »
« تکون منی‌بمنزلة هارون من‌موسی الاانه لانبی بعدی وسمعته یقول یوم خیبر »
« لاعطین الرایة غداً رجلاً یحب‌الله ورسوله ویحبه‌الله ورسوله فتطاولنا لهافقال »
« ادعوالی علیافاتی به‌ارمد فبصق‌فی‌عینه ودفع‌الرایة الیه‌ففتح‌الله‌علیه ولمانزلت‌قل »
« تعالوا ندع ابنائنا وابنائکم ونسائنا ونسائکم وانفسنا وانفسکم ثم‌نبتهل فنجعل »

« لعنة الله على الكاذبين دعا رسول الله صلى الله عليه و آله علياً و فاطمة و حسناً و حسيناً »
« عليهم السلام فقال اللهم هؤلاء اهلى . و منهما عن ابن عمر بن حصين قال شكوا علياً »
« الى النبى صلى الله عليهما فاقبل اليهم و الغضب يعرف فى وجهه فقال ما تريدون »
« من على و عليا منى و انا منه و هو مولى كل مؤمن بعدى . و فى الترمذى قال على منى »
« و انا من على و لا يؤدى عنى الا انا او على و من صحيح النسائى قال كان عند رسول الله »
« صلى الله عليه و آله طير فقال اللهم ائتنى باحب خلقك اليك ياكل معى هذا »
« الطير فجاء على فاكل معه . و من صحيحى مسلم و الترمذى عن عايشة قالت خرج »
« رسول الله صلى الله عليه و آله و عليه مرط مرحل[1] سود فجاء الحسن فادخله »
« ثم جاءِ الحسين فادخله ثم جائت فاطمة فادخلها ثم جاءِ على فادخله ثم قال انما »
« يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا . و فى الترمذى عن »
« انس ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يمر بباب فاطمة عليها السلم اذا خرج »
« الى الصلوة حين نزلت هذه الاية قريباً من ستة اشهر يقول الصلوة يا اهل البيت انما »
« يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً . »

کتیبه دوم که از ضلع شرقی ایوان آغاز و مربوط بمساجد میشود چنین است:

« بسم الله الرحمن الرحیم. روى عن عبدالله بن جعفر عن ابيه قال قال رسول الله »
« صلى الله عليه و آله قال الله تبارك و تعالى الا ان بيوتى فى الارض المساجد تضيئى »
« لاهل السمآءِ كما تضيئى النجوم لاهل الارض . الا طوبى لمن كانت المساجد بيوته . »
« الا طوبى لعبد توضأ فى بيته ثم زارنى فى بيتى. الا ان على المزور كرامة الزائر. الا بشر »
« المشائين فى الظلمات الى المساجد بالنور الساطع يوم القيمة و قال صلى الله عليه »
« و آله يا اباذر كل خطوة تخطوها الى الصلوة صدقة يا اباذر كل جلوس فى المسجد »
« لغو الا ثلثة قراءة مصل او ذكر الله تعالى او سائل عن علم. يا اباذر من اجاب داعى الله »
« و احسن عمارة مساجد الله كان ثوابه من الله الجنة قال كيف يعمرها قال لا ترفع »
« فيها الاصوات و لا يخاض فيها بالباطل و لا يشترى فيها و لا يباع و اترك اللغو ما دمت »

۱ــ اگر مرجل بجیم باشد معنی جامه صورت‌دار میدهد ولی در کتیبه مرحل بحاء مهتمله نقل شده است که بمعنی جامه پشمی صورت جل شتر بر آن میباشد و هردو درست است. مجمع البحرین

« فیها فان لم تفعل فلاتلومن یوم القیمة الا نفسك . یا اباذر تحیة المسجد رکعتان »
« ترکعهما وقال صلی الله علیه وآله من اسرج فی مسجد من مساجدالله سراجاً لم تزل »
« الملئکة وحملة العرش یستغفرون له مادام ذلك فی المسجد ضوء من السراج و »
« قال ایضاً من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة و من اخرج ما یقذی منه عیناً »
« کتب الله له کفلین من رحمته. وعن امیر المؤمنین صلوات الله علیه قال ان الله عزوجل »
« اوحی الی عیسی علیه السلام قل للملاءِ من بنی اسرائیل الاتدخلوا بیتا من بیوتی »
« الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف نقیة وقال صلوات الله علیه لیس لجار المسجد »
« صلوة اذالم یشهد المکتوبة فی المسجد اذاکان فارغا صحیحا. وقال الامام جعفر بن »
« محمد الصادق علیه السلام شکت المساجد الی الله تعالی الذین لایشهدونها من »
« جیرانها فاوحی الله عزوجل وعزتی وجلالی لاقبلت لهم صلوة واحدة ولااظهرت »
« لهم فی الناس عدالة ولا نالتهم رحمتی ولا جاورونی فی جنتی . و قال صلوات الله »
« علیه علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض و مُن اتاها متطهراً طهره »
« الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعاء وصلوا فی المساجد »
« من بقاع مختلفة فان کل بقعة یشهد للمصلی علیها یوم القیمة وقال صلوات الله علیه من »
« اکل شیئا من الموذیات ریحها فلایقربن المسجد و قال صلوات الله علیه من وقر »
« مسجداً لقی الله یوم یلقاه ضاحکا مستبشراً و اعطاه کتابه بیمینه و من رد ریقة »
« تعظیماً لحق المسجد جعل الله ذلك قوة فی بدنه وکتب له بها حسنة ولم تمر بداءٍ »
« فی جوفه الا ابرأته ومن کنس المسجد فاخرج منه التراب مایذر فی العین غفر الله »
« له کتبه محسن الامامی سنة ثمان وتسعین بعد الالف »

بطوریکه مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان در پاورقی کتاب مزبور تذکر داده است عبارت از کلمه : ابرأته تاپایان کتیبه قابل قرائت نبوده واز جای دیگری اقتباس شده است ونیز ازابتدای کتیبه تاکلمه المساجد ریخته شده بوده و با توجه باصل حدیث تکمیل شده است .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان پاورقی ص۱۲۹ وص۱۳۱ .

۱۹- کتیبه‌ها و نوشته‌های ایوان شاگرد (شرقی) :

ایوان شاگرد که درضلع شرقی مسجد قراردارد دارای نماهای خارجی و تزیینات ساده آجری میباشد و در واقع تمام حکمرانان و پادشاهان وقت در این ایوان و ایوانهای دیگر باندازه همت خود اقداماتی کرده و آثاری ازخود باقی گذارده‌اند .

و اما وجه تسمیه ایوان به ایوان شاگرد چنین گفته شده ودر افـواه اشتهار دارد که بنّای ایوان شرقی شاگرد بنّای ایوان غربی بوده است واز اینرو ایـن دو ایوان بنام استاد وشاگرد خوانده شده‌اند .

درنمای خارجی ایوان شاگرد در داخل دوطاقنمای پائین دست جرزهای دو طرف کتیبه‌ای بخط کوفی ساده آجری برجسته باین شرح خوانده میشود :

درسمت راست: « لااله الاالله الملك الحق المبين » ودرسمت چپ : « محمد رسول‌الله الصادق‌الامين » .

در داخل ایوان کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجـوردی مربوط بزمان شاه سلیمان صفوی باین‌شرح نوشته شده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله لاتجعلواالمساجد طرقا حتی‌تصلوا فیها»
«رکعتین‌وقال صلی‌الله‌علیه وآله من‌کان‌القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی‌الله له»
« بیتاً فی‌الجنة وقال الامام جعفربن محمد الصادق صلوات الله علیه من مشی‌الی »
« المسجد لم یضع رجله علی رطب ولا یابس الا سبحت له‌الارض الـی الارضین »
« السابعة صدق . ».

دنباله این‌کتیبه برجبهه شرقی وشمالی ایوان شاگرد چنین است :

« لقد جدد مجدد اساس الدین المبین ومشید قواعد شریعة آبائه الاطهرین»
« وعزالایمان والمؤمنین مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم فرع الشجرة»
« الطیبة النبویةغصن‌الدوحةالعلیة العلویةالسلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن الخاقان»
« شاه سلیمان الصفوی‌الموسوی بهادرخان‌لازالت سرادق‌دولته قائمة والفتن‌فی‌عهده »
« نائمة هذا البیت العتیق الذی یسامی سموالسمآء رفعة و یاوی الیه العباد عشیاً »

« وغدياً فزينه باسمه السامی وجعله مانساً للعاکف والبادی. روی الترمذی فی صحیحه »
« عن امیر المؤمنین صلوات الله علیه ان رسول الله صلی الله علیه و آله اخذیدا حسن »
« و حسین علیهما السلم و قال من احبنی واحب هذین و اباهما وامهما کان معی »
« فی درجتی یوم القیمة ومنه زید بن ارقم قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی »
« و فاطمة والحسن والحسین علیهم السلم انا حرب لمن حاربتم وسلم لمن سالمتم »
« کتبه محمد محسن بن محمدرضا الامامی فی سنة ثلث وتسعین بعدالالف ».

شاه نشین این ایوان دارای مقرنس کاری آجری است و در هلال آن بخط کوفی آجری برجسته چنین کتیبه شده است:

« بسم الله الرحمن الرحیم. شهدالله انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم »
« قائماً بالقسط لااله الاهو العزیز الحکیم. ان الدین عندالله الاسلام صدق الله.» ودر دوطرف شاه نشین مزبور درداخل دوطاقنمای کوچك بخط ثلث این عبارات گچبری گردیده است:

سمت راست: «ان الله وملائکته یصلون علی النبی.» ودر سمت چپ: نوشته شده: «یاایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً».

درمحراب این ایوان که بردیوار جنوبی آن سنگ یکپارچه مرمری نصب شده در اطراف و بالا و برروی سنگ مزبور لوحه‌ها وکتیبه‌هائی وجود دارد. در اطراف محراب در لوحه های جداگانه صلوات برچهارده معصوم بخط ثلث گچبری گردیده ولی اکثر لوحه‌ها ازبین رفته وفقط شش لوحه باقی مانده است.

لوحه‌های باقی مانده چنین است: «اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی »
« علی المرتضی.... و صل علی محمد الباقر وصل علی جعفر الصادق و صل علی »
« موسی الکاظم وصل علی موسی الرضا....»

این کتیبه بخط ثلث زیبای برجسته برسنگ مرمر محراب ایوان شاگرد نوشته شده:

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم اذا رایتم الرجل یتعاهد المسجد فاشهدوا »

« له بالایمان قال‌الله تبارك وتعالی یقول انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر»
« صدق رسوله الکریم . »

در بالای سنگ مرمر محراب بخط ثلث برجسته چنین گچبری شده :

« لااله‌الاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله حقاً حقا. یجاهدون فی‌سبیل‌الله »
« ولایخافون لومة لائم ذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاءِ والله واسع علیهم صدق‌الله »
« العظیم کتبه نظام‌الاصفهانی ۹۹۲ » .

بر دیوار شرقی ایوان کوچکی که درگوشه ضلع جنوب شرقی ایوان شاگرد قرارگرفته خطوط گچبری باین شرح وجود دارد :

در حاشیه : (اسماءالله) وسوره های حمد و اخلاص وآیةالکرسی و متن که مانند صفحه بزرگی است مزین باشکال کوچك چهارگوش و دایره مانند از گچ است . کلمات و عبارات درون اشکال مزبور بخط ثلث محتوی اسماءِالله است و در شکلهای دایره مانند بخط‌کوفی چهار بار محمد وچهار بار ابوبکر وچهاربار عمر وچهار بار عثمان و چهار بار علی گچبری شده است .

در برخی اشکال دائره مانند نام حضرت رسول صلی‌اله علیه وآله و خلفای راشدان باهم گچبری شده ودر دوائر دیگر عباراتی چون لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله گچبری گردیده است . درگچبریها علاوه برنامهای محمد و علی نام فاطمه نیزدیده میشودکه بخط ثلث گچبری شده است .

۲۰ ـ کتیبه‌ها ولوحه های صفه عمر:

صفه عمر که در انتهای ضلع شرقی مسجد واقع شده برخی ساختمان آن را منسوب به‌عمر بن عبدالعزیز اموی وبرخی به‌عمر بن عبدالعزیز الابی دلف میدانند بعضی هم برآنندکه چون اسماءِ خلفای راشدان درآن مسجد نوشته شده ومشهور خلفاء عمر بوده به‌مسجد وصفه عمر مشهورشده است .

کتیبه صفه عمر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی که برهلال آن است چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم الحمدلله المحمود العلی الماجد الذی وفق عبده »
« المرتضی لعمارة المساجد والصلوة علی محمدالمصطفی نبیه واصحابه والتابعین »
« لهم الذین هجروابهم العشایر فالذین استجابوا بالله و فی‌سبیل‌الله و بعدالحمد »
« والصلوة لقد ساعدنی‌الله لتاسی بقوله تعالی انما یعمرمساجدالله من آمن بالله »
« والیوم‌الاخرواقام‌الصلوة وبقوله تعالی فی بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکرفیها اسمه »
« یسبح له فیها بالغدووالاصال رجال لاتلهیم تجارة ولابیع عن‌ذکرالله واقام‌الصلوة »
« وایتاءِ الزکوة یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار وممن بادر واجازوآثر »
« فاجاد واجتهد فی‌ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله ملکه و سلطانه ببناءِ »
« هذاالایوان‌العالی لابتغاءِ مرضاة ربه‌واضافة الی البناءِ الجامع باصفهان هذه‌العمارة »
« المبارکة للعابدین و فیها معابدالله اضعف عبادالله مرتضی‌بن‌الحسن العباسی »
« الزینبی‌عمرالله الواحداخراه حین یجازی العباد ونودوا بان‌طبتم وطاب‌الموعد »
« فی‌شهور سنة ثمان وستین و سبعمائة من هجرة محمدالرسول الشاهد خصّه‌الله »
« بالصلوات ماحمده الحامدکتبه عزیزالتقی الحافظ . »

این کتیبه حکایت میکندکه صفه عمر در دوره سلطنت سلطان محمود در قرن هشتم هجری برعمارت مسجد جامع افزوده شده است :

این سلطان محمود ازآل مظفر است‌که عمارت مزبور در عهدش انجام شده و بانی آن مرتضی‌بن‌الحسن‌العباسی‌الزینبی بوده‌که ظاهراً باخلفای‌بنی‌عباس ارتباط نسبی داشته یا از احفاد عباس‌بن علی علیه‌السلام بوده است .

کاتب‌کتیبه‌که‌عزیزالتقی الحافظ باشد نامش درجای دیگری ازاماکن باستانی اصفهان دیده نشده و اختصاص به‌این صفه دارد .

خطوط تزییناتی صفه مزبور در دو چهارپر مندرج است باین ترتیب که عبارات و نوشته های اطراف هرچهارپر (شمسه) یکسان است ولیکن متن آنها متفاوت میباشد .

اطراف هرچهارپر هشت شکل چهارگوش را دربردارد که در داخل هرچهار

گوش بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی هریك ازاین کلمات : «الله ـ محمد ـ و ابوبکر ـ و عمر ـ و عثمان ـ و علی ـ و حسن ـ وحسین .» چهار بار تکرار شده است .

متن میان چهارپر غربی بخط بنائی چنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم اذا رایتم الرجل یتعاهد المسجد »
« فاشهدوا له بالایمان . »

متن میانی چهارپر خاوری بخط بنائی باین شرح نام بانی را بیان میکند :

« عامر بیت الله تعالی العبد الفقیر الی الله الغنی مرتضی بن الحسن العباسی »
« الزینبی تقبل الله منه » .

درطاق هلالی شکل مدخل صفه عمر بطرف شبستان محراب جنوبی عباراتی با سه نوع خطوط بنائی بشرح پائین خوانده میشود :

یکی بخط بنائی درشت سه رگی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده : «قال الله تعالی قل کل یعمل علی شاکلته » .

دوم ـ بخط بنائی یك رگی لاجوردی برزمینه آجری : « قال النبی صلی الله علیه وآله انما الاعمال بالنیات» .

سومی بخط فیروزه رنگ بر زمینه آجری چنین نوشته : « عمل العبد حسن کارون» .

عبارت اخیر نشان میدهد که نام استاد کاشیکار صفه عمر ـ حسن کارون بوده است .

کتیبه اطراف محراب صفه مزبور بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قال الله تعالی فی کتابه الکریم وکلامه القدیم وهو اصدق القائلین واکرم »
« الاکرمین انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة »
« ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . اجعلتم سقایة الحاج »

« وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الاخر وجاهد فی سبيل الله لايستون »
« عندالله والله لايهدى القوم الظالمين صدق الله العظيم وقال رسول الله صلی الله »
« عليه وسلم من بنی مسجداً بنی الله له بيتا فی الجنة وقال عليه من الصلوات افضلها »
« ومن التحيات اكملها احب البلاد الی الله مساجدها وابغض البلاد الی الله اسواقها »
« ختم الله تحريراً فی سنة ثمان و سبعين و سبعمائة كتبه علی كوهيار الابرقوهی » .

كتيبه فوقانی محراب مشتمل بردو سطر است كه سطر اول آن بخط كوفی حنائی ومعرق برزمينه كاشی لاجوردی رنگ ومشتمل برعبارات زير است :

« ربنا و اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا و »
« تب علينا » .

سطردوم بخط ثلث سفيد معرق برزمينه كاشی لاجوردی چنين است :

« قال الله تبارك وتعالی واذيرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا »
« تقبل منا انك انت السميع العليم » .

ازكتيبه هلال محراب صفه عمر بخط كوفی سفيد معرق برزمينه كاشی لاجوردی رنگ اين كلامها خوانده ميشود :

« الملك لله ـ الحمد لله ـ يا مجيب الدعوات » .

درداخل مقرنسهای محراب بخط بنائی سفيد معرق برزمينه كاشی لاجوردی نوشته شده :

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» « سبحان الواحد الصمد» « سبحان الدائم الابد» .

و بخط سبز برزمينه سفيد نوشته شده : « سبحان الودود المجيد » « سبحان الغنی الحميد» «قال النبی صلی الله عليه وسلم» و بخط سفيد برزمينه لاجوردی :

«لاصلوة لمن لم يقرءِ بالكتاب» «سبحان القائم الدائم» «سبحان الدائم القائم» «قال النبی عليه السلام» «المصلی يناجی ربه» .

نام كاشيكاران صفه مزبور دردوسمت راست وچپ در دولوحه مربع مستطيل و باكاشی لاجوردی رنگ باين شرح نوشته شده است :

درسمت راست : «عمل العبد الضعیف شمس بن تاج» ودرسمت چپ : «فخر بن عبدالوهاب شیرازی البناء» .

درصفه عمر کتیبه‌دیگری درزمان استیلای افاغنه دراصفهان بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ اضافه شده‌که چنین خوانده میشود :

« الحمدلله‌الذی تفرد بالوحدانیة والبقاء وتقدس‌عن‌الامثال والاکفاء واشهد »
« شهادة صادقة والانباء و نشهد نبیاً بعثه‌الله رحمة لاهل‌الارض والسمآءِ صلی‌الله »
« علیه‌وعلی آله‌واصحابه‌خیر الال‌وخیر الاصحاب الذین آمنوا وجاهدوا فی‌سبیل‌الله »
« سیما علی‌الامام الذی بمفاخرصدقه یضرب الامثال الموصوف فی‌القرآن بالتقوا »
« وقوی لماینال‌خلیفة رسول‌الله‌علی‌التحقیق‌امیر‌المؤمنین‌ابی‌بکر‌الصدیق‌رضی‌الله »
« عنه وعلی‌الامام الذی یضرب بمآثرعدله الامثال ویمحی عن‌الاسلام اصول‌الکفر »
« والضلال‌خلیفة رسول‌الله علی‌التحقیق امیرالمؤمنین‌عمر الفاروق وعلی‌الامام‌التقی »
« الوقورکالراسیات من‌الجبال خلیفة رسول‌الله علی التحقیق امیرالمؤمنین‌عثمان »
« ذی‌النورین الزکی و علی‌الامام الکبیر النوال خلیفة رسول الله علی التحقیق »
« امیرالمؤمنین‌علی‌الرضی‌السخی الوفی‌وسلم تسلیماً کتبه علی‌المولوی فی۱۱۴۹ » .

درصفه عمر لوحه‌های بزرگتر بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی ولوحه‌های‌کوچکتر که نام‌خلفای راشدان‌را دربردارد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت قهوه‌ای رنگ چنین خوانده میشود :

« لقد امر السلطان خاقان عصره » — « زصدیق است انوار صداقت »
« و من فاق فی‌ایران عز جلاله » — « زفاروق است اسرار عدالت »
« واشرف‌سلطان السلاطین‌اسمه » — « زذی‌النورین‌فیض ونوررحمت »
« ومنداستفاض‌الناس‌حسن نواله » — « زانوار علی حب ولایت »
« بتعمیرهذاالمسد الجامع‌الذی » — « زصدیق است انوار صداقت »
« افاض علی العباد فیض جماله »
« بترغیب مولی زعفران و انه » — « زفاروق است اسرار عدالت »

« هو الفاضل المعروف فضل كماله »
« تصدی له یعقوب خان و انه » « زانوار علی حب ولایت »
« یفوق علی الاقران حسن خصاله» «کتبه الفقیر مهر علی المولوی ۱۱۳۹»

کتیبه سردر صفه عمر واقع در جنب مدخل اصلی مسجد که مقداری از آن درائر خرابی ریخته شده بود ومورد تعمیر قرار گرفته واکنون بصورت معمور درآمده بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله المحمود العلی الماجد الذی وفق عبده »
« المرتضی لعمارة هذا المسجد فی ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله سلطانه الی »
« یوم الموعود بنیت هذه العمارة المبارکة فی شهور سنة ثمان وستین وسبعمائة من هجرة »
« محمد النبی .» ودر بالای اسپرهای طرفین سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده :

« قال النبی صلی الله علیه وآله و سلم. اذا رایتم الرجل یتعاهد المسجد »
« فاشهدوا له بالایمان ».

۲۱- لوحه‌ها و کتیبه‌های سردرها وراهروهای مسجد جمعه :

کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد یعنی سردر ورودی بخط ثلث سفید برکاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« قدتشرف بتعمیر باب المسجد الجامع العتیق والسوق الموقوف علیه فی »
« جنبه والمسقی الموقوف قدامه علی المسلمین فی زمن دولة السلطان الاعدل الاکرم »
« والخاقان الاعظم الافخم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی »
« شاه قاجار خلدالله ملکه ذوالهمم العالیة وذومجد التالیة خیر الحاج والمعتمرین »
« الحاج محمدحسین خان الحاکم بامره المطاع فی دارالسلطنة اصفهان ادام‌الله »
« توفیقه و دولته فی شهرالله الاعظم رمضان المکرم من شهور سنة ۱۲۱۸ کتبه »
« ابوالحسن الاصفهانی».

ازمفاد کتیبه فهمیده میشود که مسجد و بازار پهلوی آن و بازار جلو روی

مسجد که بازار طوقچی باشد درزمان فتحعلی‌شاه قاجار بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی حاکم وقت اصفهان در سال ۱۲۱۸ هجری قمری تعمیر گردیده است .

هنگام ورود به راهرو مسجد درطرف راست سردر کاشیکاری دیده میشودکه درواقع سردر اصلی صفه عمراست وشرح آن گذشت . درمیان کاشیهای خشت هفت رنگ اسپرهای طرفین سردر ورودی جملات و عباراتی بترتیب که درپائین گفته میشود نوشته شده است :

در بالانوشته شده : « المؤمن فی‌المسجد کالسمك فی‌الماءِ ». و در وسط نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نقتی» و درپائین : « المنافق فی‌المسجد کالطیر فی‌القفس » .

در دواسپرپشت در ورودی اصلی عبارات زیر بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه آجری خوانده میشود :

در اسپرشمالی : « عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت » و در اسپر جنوبی : « عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » .

درضلع شمالی‌دالان ورودی ایوان‌کوچکی است که‌آنرا صفه حکیم‌مینامند و مربوط بدوره سلجوقیان است و دیوار مقابل‌آن با مقرنسهای گچی تزیین شده است و درپائین مقرنسها بخط بنائی برجسته چنین خوانده می‌شود :

« قال علیه‌السلام المسجد بیت‌کل تقی. »

دراطراف ایوان مزبورکتیبه‌ای است ازرمان شاه عباس‌بزرگ‌که حکایت‌دارد صفه گفته شده بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم‌اصفهانی‌درسال ۹۹۶ مورد تعمیرقرارگرفته است. این کتیبه بخط ثلث صحیفی گچبری شده است وآن کتیبه مقداری ازآغازآن ریخته و آنچه باقی مانده چنین است :

« . . . فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم الاعدل الاکرم الاشجع مالك رقاب »

« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطين ظل الله فی الارضین خلف »
« اخلاف سید المرسلین السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابو المظفر »
« ابوالغازی شاه عباس الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض »
« علی العالمین بره وعدله واحسانه وفق بتعمیر هذه الصفة خادم الفقراء نورالدین »
« محمدبن جلال الدین محمد حکیم الاصفهانی غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما فی سنة »
«۹۹۶ رقم صحیفی غفر ذنوبه وسترعیوبه . »

کتیبه مزبور حکایت دارد که درزمان شاه عباس صفه معروف به حکیم بوسیله نورالدین محمدبن جلال الدین محمد اصفهانی که گویا همان نورالدین محمد بانی مسجد آقانور دردشت میباشد ساخته شده است .

ونیز در دوطرف دالان ورودی دو لوح سنگی چهار گوش قراردارد که در حواشی و متون آنها عباراتی حجاری شده ؛ لوح سنگی شمال دالان که طول آن ۵۵ وعرض آن ۵۲ سانتیمتر است درحاشیه آن این عبارات خوانده میشود :

« ناد علیا مظهرالعجائب تجده عونالك فی النوائب کل هم و غم سینجلی »
« بولایتك یاعلی یاعلی فرض علی الحاضر والغایب حب علی بن ابی طالب . سنة »
« خمس وثلاثین وتسعمائة » .

ودرمتن لوح مزبور عبارات زیر نوشته شده است :

« اللهم صل علی محمدالمصطفی وعلی المرتضی وحسن الرضی وحسین الشهید »
« بکربلا وعلی زین العابدین ومحمدالباقر وجعفرالصادق وموسی الکاظم و علی بن »
« موسی الرضا ومحمدالتقی وعلی النقی و حسن العسکری و محمدالمهدی » .

درمتن لوح سنگی جنوبی که عرض وطول آن مانند لوح شمالی است ابتداء « بسم الله الرحمن الرحیم» وسپس قسمتی از آیة الکرسی ودر حاشیه آن این عبارات نبشته شده :

« رب هب لی من المعیشة سؤلی واعف عنی بحق آل رسول واسقنی شربة بکف »
« علی سیدالاولیاءِ زوج بتول » .

« زمشرق تابمغرب گرامام است   علی و آل او ما را تمام است »

در سمت جنوب دالان ورودی مسقف شرقی مشرف بصحن مسجد محراب گچبری شده‌ای وجود داردکه سال ساختمان آن معلوم نیست ولی بامحراب مسجد اولجایتو بی‌شباهت نیست واز بناهای قرن هشتم بنظرمیرسد.

برهلال بالائی محراب مزبور بخط محقق سوره فاتحه گچبری و بعبارات: « سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله » ختم میشود. برسرستونهای محراب بخط‌کوفی در یك طرف: «الملك‌لله» وطرف دیگر «الحکم‌لله» خوانده میشود.

در هلال خارجی محراب بعد از «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» آیة‌الکرسی بخط کوفی‌گچبری‌گردیده است.

۲۲ - کتیبه سردرگنبد خاکی (تاج‌الملك):

گنبد خاکی بوسیله سردری بکوچه مجاور شمالی ارتباط دارد وکتیبه‌ای داشته‌که مقداری ازآن ازمیان رفته است آنچه ازآن مانده بخط‌کوفی اسلیمی‌دار سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی در حاشیه سمت راست مشتمل برآیات از اول تا چهارم سوره (دهر) ودر حاشیه سمت چپ قسمتی ازآخرآیات ۲۱ تا ۲۶ همان سوره است و در پایان بعبارت: «تم فی‌شهرالمحرم سنة ثمان و ستین و سبعمائة» ختم میشود.

۲۳ - کتیبه‌ها ولوحه‌های سردر مجلسی:

یکی ازدرهای هشتگانه مسجدجامع عتیق درِ مجلسی‌است‌که درباختر‌گنبد خاکی قرارگرفته است ومقبره مجلسی درجنب‌آن میباشد وباین مناسبت‌آن در را در مجلسی مینامند.

آخوند ملامحمد تقی مجلسی اول و فرزندش علامه محمد باقرمجلسی دوم وچند تن دیگر ازعلماء بزرگ و معروف درگوشه شمال غربی مسجد مدفونند[1].

۱- مدفونان درمقبره مجلسی عده‌ای ازبزرگان علماء باین شرح میباشند:

←

←

۱- ملامحمد تقی‌مجلسی فرزند ملامقصود علی‌نطنزی معروف بمجلسی‌اول از اکابرعلماء وفقهاء شیعه وازثقات ومعتمدان ومحدثان، فقیه محدث اصولی رجالی زاهد عارف در فقه و رجال وتفسیر وحدیث، که بر عموم علمای زمان خود تفوق داشته و در محضر پدر خود و شیخ بهائی ومیرفند رسکی وملاعبدالله شوشتری تحصیل کرده و او اول کسی است از علماء که بنشر اخبار آل محمد علیهم‌السلام همت‌گماشته و درفقه و اصول وتفسیر ورجال وحدیث و ادعیه کتابها تألیف وخود اهل ریاضت وذکر بوده وار بعینها ریاضت کشیده ومکاشفاتی‌داشته که برخی از آنها معروف است.

وی در سال ۱۰۰۳ متولد و در ۱۰۷۰ هجری وفات یافت ماده تاریخ وفاتش: «صاحب علم رفت‌از عالم» ونیز: «مسجد ومنبر ازصفا افتاد» و «افسر شرع اوفتاد وبی‌سرو پا گشت فضل» میباشد درعموم‌کتب رجال وتراجم ازمنامات ومکاشفات او داستانها نقل‌میکنند طالبان مراجعه فرمایند.

خود درشرح فقیه در باب نماز میت فرموده: «والحمد لله رب العالمین که بنده در چهارده سالگی‌همه اینها رامیدانستم‌یعنی‌خدا ونماز وبهشت‌ودوزخ‌ونماز شب میکردم درمسجد صفا ونماز صبح‌را بجماعت میکردم واطفال را نصیحت میکردم وبه‌آیت وحدیث بتعلیم‌پدرم».

کتب زیر از اوست:

۱- احیاء الاحادیث. ۲- اربعون‌حدیثا. ۳-حدیقة المتقین. ۴- حاشیه بر صحیفه سجادیه. ۵- حاشیه نقدالرجال. ۶- حواشی بر اصول کافی. ۷-رساله درنماز جمعه ووجوب‌تعیینی‌آن. ۸- رساله دررضاع. ۹-رساله دراوزان. ۱۰- رساله درریاضات شرعیة. ۱۱- رساله در رد ایرادهائی که برملای رومگرفته‌اند. ۱۲- روضة‌المتقین شرح عربی‌من لایحضر. ۱۳- شرح‌مشیخه‌فقیه. ۱۴- شرح‌خطبه همام. ۱۵- شرح زیارت جامعه. ۱۶- شرح خطبه استسقاء از خطب نهج‌البلاغه. ۱۷- شرح صحیفه سجادیه. ۱۸- شرح صحیفه بفارسی. ۱۹- طبقات‌الرواة. ۲۰- طریق روایت صحیفه کامله. ۲۱- لوامع صاحبقرانی شرح فارسی من‌لایحضر. ۲۲- مناسك حج وغیرآن، اورا سه‌پسر وچهار دختر بود، پسران مجلسی دوم وملاعبدالله و ملا عزیزالله که اکبر اولادش بوده است. جد مادریش ملا درویش محمد نام داشته و از مشایخ اجازه بوده‌است، پدرش عارف زاهد مقدس فاضل ودائی اوملا محمدقاسم ازشاگردان شهید ثانی وراوی ازوی بوده است. وپس ازوفات در گوشه شمال غربی مسجد جامع که اکنون بمقبره مجلسی شهرت دارد دفن‌شد. مشایخ اجازه مجلسی: شیخ بهائی وملاعبدالله تستری و قاضی معزالدین محمد اصفهانی وشیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله‌بن شیخ ابوالبرکات وملامحمد قاسم دائی خود وجمعی دیگر از علماء بوده‌اند.

۲- علامه ملامحمد باقر مجلسی دوم فرزند ملامحمد تقی‌بن ملامقصود علی نطنزی از اعاظم علماء واکابر فقهاء و محدثان شیعه و اسلام واز مفاخر علمی فرقه امامیه، عالم فاضل ومحقق‌کامل ومتکلم جامع، مجدد مذهب شیعه دررأس قرن یازدهم.

←

←

در اصفهان امام جمعه وشیخ‌الاسلام بوده وتمام عمر شریفش بدرس وبحث وترویج دین و تألیف کتب احادیث و اخبار آل محمد علیهم السلام و اجرای حدود و احکام و امر بمعروف ونهی از منکر و احقاق حقوق مردم ودفع شر ظلمه وقلع و قمع بدع صوفیه وغیر آنان گذشته است. وچون بالطبع نادانان با عالمان وعلم وبی‌دینان با دینداران و مروجان آن در مخالفتند عده ای در زمان حیات با مجلسی مخالف بودند و بعد از حیات هم آنانکه با رویه او مخالفند همان رویه مخالفت را ادامه داده‌اند ولی با تمام این مخالفتها کمترخانه مسلمانی است که یکی از کتابهای مجلسی دوم درآن نباشد . تألیفات او زیاد است برخی بعربی و بعضی بفارسی تألیف شده است وعدد آن بالغ بریکصد و پنجاه میشود که بیشتر آن بچاپ رسیده است ومقداری از آن اینست:

۱- اختیارات. ۲- اربعین. ۳- اعتقادات. ۴- اوزان . ۵- بحارالانوار که‌خوددائرة‌المعارف‌شیعه‌ودر بیست‌وپنج مجلدگردآوری گردیده‌است. ۶- تحفة‌الزائرین ۷- جبائر. ۸- جلاء‌العیون. ۹- جنت‌ونار. ۱۰- حق‌الیقین. ۱۱- حلیة المتقین. ۱۲- حیات القلوب‌درسه مجلد. ۱۳-ربیع‌الاسابیع. ۱۴-زادالمعاد. ۱۵- شرح اصول کافی. ۱۶- شرح جوشن کبیر. ۱۷- شرح عهدنامه مالك اشتر ۱۸-شرح‌احادیث‌مشکله. ۱۹- صراط‌النجات. ۲۰-صلوة‌اللیل. ۲۱-صواعق‌ الیهود. ۲۲ - صیغ العقود . ۲۳- صیغ النکاح . ۲۴ - طریق النجات . ۲۵- علائم الظهور . ۲۶- عین الحیات . ۲۷ - عین الیقین . ۲۸ - الفرق بین الصفات الذات و صفات الفعل . ۲۹ - الفوائد الطریفة . ۳۰ - کفارات . ۳۱- مقباس‌المصابیح. ۳۲- مفاتیح الغیب. ۳۳- ملاذالاخیار. ۳۴- مشکوة‌ الانوار. ۳۵- مآل النواصب. ۳۶- الوجیزة در رجال. نامبرده در ۱۰۳۷هجری متولد و در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ وفات یافته و در مقبره خود (مجلسی) مدفون گردید و قبرش اکنون مزار عمومی است .

۳- میرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزا جعفر بن‌حاج میر سید محمد صاحب‌فضل و علم وتحقیق وحسن اخلاق وفضائل وکمالات ممتاز بوده ومدت چهار سال در مسجد جامع امامت جمعه داشته است . از تألیفات او است : ۱- رساله در جواز تقلید بر میت . ۲- رساله درکفایت هرغسل ازوضوء وغیر اینها. نامبرده پیش ازغروب‌آفتاب روز دوشنبه ۱۹ ربیع الاول سال (۱۳۰۰ ه. ق) بدرود زندگی گفت و در مقبره مجلسی مدفون گردید . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری چنین گفته است: «لقد غاب الامام».

۴- ابوالفضایل حسام‌الدین محمد صالح‌بن احمدبن شمس‌الدین طبرسی مازندرانی‌عالم فاضل ومحقق مدقق فقیه جامع از شاگردان مجلسی اول وشیخ بهائی وملا عبدالله شوشتری و داماد مجلسی مزبوروصاحب تألیفات بسیارچون: ۱- حاشیه‌برشرح لمعه. ۲-حاشیه مختصرالاصول عضدی. ۳- حاشیه برمعالم. ۴- شرح‌قصیده برده. ۵- شرح بر اصول‌کافی معروفترین تألیفات او. ۶- شرح روضه کافی. ۷- شرح‌زبدة‌الاصول

←

شیخ بهائی. ۸- شرح برمن لایحضر. ۹- شرح برمعالم. ۱۰- شرح قصیده در یدیه وغیر اینها . نامبرده در سال ۱۰۸۶ هجری در اصفهان وفات یافت و در ایوان بقعه مجلسی مدفون گردید. زاهد ازشعرای اصفهان در ماده تاریخ وفاتش چنین گفته است:

« جست تاریخ وفاتش زاهد که کی آن ذات مؤید شده فوت »

« هاتفی گفت بتاریخ که : (آه صالح دین محمد شده فوت) »

(تذکرة القبور یابزرگان اصفهان ص ۳۸۴)

ملا محمدصالح از آمنه دختر مجلسی اول چند پسر ودختر داشته پسران: ۱- ملاحسنعلی ۲- ملامحمد حسین. ۳- ملا محمداشرف. ۴- ملاعبدالباقی. ۵- ملا نورالدین محمد . ۶- آقا هادی مترجم که دارای ترجمه‌های بسیار واکمل و اعلم فرزندان ملامحمد صالح بوده و اوراست : ۱- ترجمه قرآن مجید وشأن نزول ونیك وبد استخاره وبهمین سبب اورا آقا هادی مترجم خوانده‌اند. ۲- ترجمه صحیفه کامله سجادیه. ۳- ترجمه شافیه. ۴- ترجمه کافیة ابن حاجب . ۵- ترجمه وشرح معالم الاصول. ۶- حاشیه عربی برتفسیر بیضاوی . ۷- حاشیه مواریث قواعد الاحکام علامه . ۸ - حدود و دیات فارسی . ۹ - شرح بر فروع کافی . ۱۰ - شرح کافیه . ۱۱ - شرح تلخیص المفتاح فارسی . ۱۲ - شرح شافیه که بنام نواب حسینعلی خان تألیف شده . ۱۳- شرح نظام بفارسی. ۱۴- شرح شمسیه. ۱۵- شرح صحیفه سجادیه بفارسی . ۱۶- شرح قواعد علامه. ۱۷- رساله رضاعیه که در ۱۱۰۷ تألیف گردیده. ۱۸- رساله رسم الخط .

نامبرده در ۱۱۲۰ هجری فوت و در مقبره مجلسی مدفون گردید .

(تذکرة القبور یابزرگان اصفهان ص۳۸۵)

۵- میرزا محمدتقی الماسی فرزند میرزاکاظم بن میرزا عزیزالله بن ملامحمدتقی مجلسی از علماء وفضلاء مولود ۱۰۸۹ هجری ومتوفی شعبان ۱۱۵۹ و مجاز از علامه مجلسی دوم جد مادریش وخود نیز شیخ اجازه عده‌ای از علماء و دانشمندان بود .

اوراست: ۱- کتاب بهجةالاولیاء بفارسی در ذکر کسانیکه بشرف حضور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی وفرجه رسیده‌اند. ۲- الوسائل الکثیرة ورسائل دیگر .

وی درزمان نادرشاه امام‌جمعه اصفهان بوده وپس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید. وجه تسمیه او به الماسی این بوده که پدرش میرزا کاظم قطعه‌الماسی در جای دو انگشت امیرالمؤمنین در ضریح مطهر نصب کرد که قیمت آن در آن زمان هفت هزار تومان بوده و اکنون نیز وجود دارد.

۶- میرزا محمد علی بن میرزاکاظم برادرمیرزا محمدتقی نیز ازعلماء معروف سلسله مجلسی است که در صحن مقبره مجلسی مدفون است .

۷- ملا عزیزالله بن میرزا محمد تقی الماسی متوفی (۱۱۶۳ هـ. ق) ازعلماء وفضلاء و اوراست کتابی در اصول عقاید. پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید .

۸- میرزا جعفر امام‌جمعه فرزندحاج میر سیدمحمد امام‌جمعه ازرؤساء و علماء اصفهان

بردولنگه درشمالی مسجد جمعه نزدیك مقبره مجلسی لوحه‌هائی بخط ثلث برجسته چنین نوشته شده است :

بود وپس‌ازوفات باذن حجة الاسلام رشتی دربقعهٔ مجلسی مدفون‌گردید .
(تذکرة‌القبور یا بزرگان اصفهان ص ۲۳۲)

۹ - شیخ شمس‌الدین محمد اصفهانی از علماء و ازمشایخ مجلسی اول متوفی (۹۳۶ ه. ق) بالای‌سر مجلسی مدفون گردیده است. (رجال اصفهان ص ۱۲۶)

۱۰- میرزا رضا حسینی از سادات علمای اصفهان در طرف پائین پای مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۱۱- میر عظیم بن میر عنایت‌الله اصفهانی از اکابر علمای قرن سیزدهم متوفی (۱۲۲۳ ه. ق) مدفون دربقعه مجلسی وقبرش پیوسته بگور مجلسی است.

۱۲- میرزاحیدر علی بن ملامیرزا شیروانی از اجله علماء وفقهاء نواده دختری ملامحمد تقی مجلسی وداماد علامه مجلسی دوم اوراست: ۱- تعلیقه بر مسالك. ۲ - رسالة فی‌العصمة. ۳- رساله درتکفیر غیرامامی. ۴-رساله‌درتکفیر منافقین. ۵-رساله درحد قصر در نماز وروزه . ۶ - رساله در طریق استنباط احکام در زمان غیبت امام علیه السلام. ۷- شکوك الصلوة وغیر اینها. نامبرده پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید.

۱۳- میرزاکمال‌الدین محمدبن معین‌الدین محمد فسائی شیرازی متوفی درحدود عشر سوم‌قرن دوازدهم معروف بمیرزاکمالا داماد مجلسی‌اول وازعلماء وفقهاء ومفسران وادبای‌کامل بود واوراست: ۱- بیاض کمالی. ۲- شرح شواهد مطول. ۳- شرح‌قصیدهٔ تائیه دعبل خزاعی. ۴- القیود الوافیة درشرح شافیه درعلم صرف. پس ازوفات دربقعه مجلسی دفن شد. (تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص ۷-۸)

۱۴- ملامحمدعلی استرآبادی داماد مجلسی اول وشاگرد اوکه تعلیقاتی‌برکتب حدیث دارد مدفنش بقعه‌مجلسی است. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۵- ملا محمد صادق بن ملامحمد باقر مجلسی از اجله تلامیذ پدر بوده و مجلسی مرآت‌العقول وشرح تهذیب را بخواسته او تألیف کرده است. ولی درحیات پدر وفات یافت ودربقعه مجلسی مدفون شد. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۶- ملامحمدنصیربن ملاعبدالله‌بن‌ملامحمدتقی‌مجلسی‌اول ازاجله‌علماء وصاحب‌تألیفات واوراست: ۱- حاشیه برشرح‌لمعه. ۲- رساله‌ای‌دراثبات‌رؤیت‌جن. ۳-ترجمه مجلدفتن و محن بحارالانوار . در بقعه مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۷- میرزا محمد باقربن میرزا عبدالله‌بن ملا محمدباقر مجلسی معروف به‌مجلسی سوم ازعلماء که ازپدر خود روایت میکرده است. پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

« قال الله سبحانه و تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکر الله و اقام الصلوة »
« وایتاء الزکوة یخافون یوماتتقلب فیه القلوب والابصار رقم صحیفی الجوهری ».

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که بیشتر این کتیبه‌ها ومشخصات باستان‌شناسی از آن اقتباس شده نام کاتب کتیبه صحیفی جویمری نوشته شده درصورتیکه درمتن کتیبه جوهری یاد شده ودر مواضع دیگرهم جوهری رقم گردیده است پس باید اذعان کرد که کلمه جویمری اشتباه چاپی است.

برلنگه راست در مزبور بهمان خط این عبارت نوشته شده: « قال النبی « علیه السلام انا مدینة العلم و علی بابها » و برلنگه چپ آن: « این در بسعی حضرة آقا محمدرضا فرمدی اتمام یافت ».

بردو لوحه سنگی که بردیوار سردر قدیمی مقبره منصوب است و مشرف بردالان شمالی مسجد است درلوحه اول چنین نوشته شده:

« مطلب از تعمیر این مقام و بنای این لوح آنستکه حضرت صاحب الزمان »
« علیه السلم را شخصی ازمؤمنان درین مکان شریف درخواب دیده است.» ودرلوحه دوم چنین خوانده میشود:

« بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد وآل محمد ومنّ علینا بظهور »
« امام زماننا الذی ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض »
« والسماء وبه یملاءالله الارض قسطاً وعدلا بعدما ملئت جوراً و ظلماً کتبه المذنب »
« حاجی محمد مؤمن الکاظمی فی ۱۰۹۲ العبدالاقل حاجی امام قلی از مؤمنان »
« التماس فاتحه دارد. آمرزیده باد که اورا بدعاء خیر یاد فرماید ».

درمجاورت سردرمجلسی سقاخانه‌ای قراردارد که برسنگاب آن بخط نستعلیق این عبارات حجاری شده است:

« قربة الی الله وقف نمود این برنج را آقاذوالفقار ولد آقانصیر هرکس ازاین »
« مکان تغییردهد بلعنت خدا گرفتارشود تحریراً جمادی الثانی سنه ۱۰۹۳ ».

درمحوطه مقابل سردرشمالی مسجد سنگاب شکسته‌ای‌وجود داردکه دارای نقش ونگارونوشته‌هائی میباشدکه قسمتی ازآن بعلت شکستگی ازبین‌رفته وآنچه خوانده میشود بخط ثلث برجسته چنین است :

« . . . . وصل‌علی زین‌العبادعلی والباقرمحمد والصادق‌جعفروالکاظم موسی »
« والرضاعلی والتقی محمدوالنقی . . .» ودرزیرکتیبه مزبوربخط نستعلیق برجسته ابیاتی حجاری شده‌که سه فرد آن باقی مانده وآن چنین است :

« کرد وقف شاه مظلومان حسین‌بن‌علی   هرکه نوشدآب‌گوید لعن برابن‌زیاد »
« شد تمام این‌جام‌درعصرشه ایران‌صفی   . . . . »

۲۴ ـ کتیبه تاریخ سنگفرش مسجد :

درمحل اتصال دهلیزمجاور سردرمجلسی بصحن مسجد لوحی ازسنگ مرمر بردیوار سمت جنوبی بطول ۶۳ و عرض ۴۳ سانتیمترنصب شده که روی‌آن بخط نستعلیق برجسته این اشعارکنده شده است :

« محمد قلی آنکه در دور او   گریزان بود فتنه از چارسو »
« زپاسش دل پر دلان درهراس   زبیداریش چشم بد خواب‌جو »
« پی مور در سنگ اگرگم شود   زجوهر نمایان کند تیغ او »
« زبس خدمت مسجد جمعه‌کرد   میسر شدش هرچه‌کرد آرزو »
« بمسجد زاطلس بیفکند فرش   که اطلس بنایش بود پشم ومو»
« بساطی فروچید ازسنگ لعل   که هرروز نوگردد ازرفت‌ورو »
« پی سال تـاریـخ اتمام او   میان من و عقل شد گفتگو »
« بتاریخ اتمام او عقل گفت :   (شده سجده‌گاه ملك فرش او) »
(۱۰۸۴)

از اشعار مزبور برمیآیدکه محمدقلی در زمان شاه سلیمان صفوی در مسجد جامع عتیق هم فرش انداخته است‌که از پشم ومو بوده وهم سنگفرش‌کرده است .

۲۵- کتیبه سردر بواسحاقیه :

سردربواسحاقیه‌که درگوشه شمال‌غربی‌مسجد قرارگرفته وبکوچه‌بواسحاقیه

بازمیشود کتیبه‌ای دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ که آیات از ۳۲ تا آخر ۳۹ سوره (ص) بر آن نوشته شده ولی مقداری از کاشیهای خط ازمیان رفته است. وجه تسمیه آن به بواسحاقیه از آن جهت است که شیخ ابواسحاق انجو در اطراف درمزبور سکونت داشته است. البته این سکونت مربوط بزمان حکمروائی او دراصفهان میباشد.

۲۶ـ کتیبه سردر باب الدشت :

این سردر درگوشه جنوب غربی مسجد واقع ودر انتهای یکی از راهروهای اصلی مسجد ازدوره سلاجقه قرار دارد.

کتیبه سردر مزبور بخط ثلث برزمینه لاجوردی رنگ گچبری شده و در آن کتیبه ازآیه اول تا آخر آیه سوم سوره جمعه خوانده میشود.

۲۷ـ کتیبه درچوبی دردشت :

بردولنگه راست وچپ دردشت باین ترتیب وشرح عباراتی بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی کنده شده :

« قال‌الله تعالی واذ یرفع ابراهیم القواعد من‌البیت واسمعیل ربنا تقبل منا» « انك انت‌السمیع‌العلیم صدق الله فی‌شهور سنة ۹۹۹ » ودرلوح دیگر « وقف‌کرد» « این در را قربةالی‌الله مولینا محمد مطلق برمسجد کبیر. » و دنباله آن برلنگه چپ نوشته شده : « عمل استاد محمدبن علی‌بن محبعلی کتبه جعفرالامامی. »

۲۸ـ کتیبه درجنوب غربی :

درپایان دالانی که چهلستون سلجوقی مغرب گنبد نظام‌الملك را ازچهلستون شاه عباس گوشه جنوب غربی مسجد جدا میکند یکی‌از درهای قدیمی وجود دارد که معمولا بسته است واز آن رفت‌وآمد نمیشود وبردولنگه راست وچپ آن بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی این‌جملات نوشته شده است :

« قال‌الله تبارك وتعالی ان‌المساجدلله فلاتدعو مع‌الله احداً. »

« موفق‌شداستاد محمودبن صدرالدین نجار واین‌دررا که ازمال وبعمل‌خود»

« ترتیب نموده وقف نمود بر مسجد جامع اصفهان قربةالی‌الله تعالی فی غره شهر»
« شعبان‌المعظم سنة اثنی وستین وتسعمائة . »

۲۹ ـ کتیبه‌های ساختمان روی حوض مسجد :

روی حوضی که وسط صحن مسجد جمعه ساخته شده بر دو جرز آجری چهارستون ساختمان آن دولوح سنگ مرمر هریك بطول ۵۷ وعرض ۵۰ سانتیمتر نصب وکتیبه‌آن دو بشرح وترتیب زیراست :

کتیبه لوح غربی بخط ثلث برجسته :

« فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم‌الاعدل الاکرم قهرمان الماء والطین ظل‌الله»
« فی‌الارضین مالك رقاب الامم مولاملوك العرب و العجم ابوالمظفر خدای بنده »
« سلطان محمد خلدالله ملکه وسلطانه رقم فقیر صحیفی سنة ۹۸۵ ». کتیبه لوح شرقی بخط نستعلیق شامل اشعار فارسی چنین‌است :

« به‌یمن داور دین صدر اعظم	غیاث‌الملة والدین میر میران »
« موفق‌شد باحسان یوسف آقا	قدم زد بی ریا درخیرو احسان »
« بروی‌حوض‌مسجد ساخت‌تالار	که باشد سجده‌گاه اهل ایمان »
« صحیفی اینعمارت‌یادگاری‌است	که ازوی ماند درشهر صفاهان»
	سنه ۹۸۵

از فرد آخر معلوم میگردد که نویسنده و شاعر همان صحیفی جوهری شیرازی معروف بوده است .

۳۰ـ کتیبه‌های مربوط به آب مسجد :

درمقابل محراب گچبری ضلع جنوبی دالان و روی (دالان شرقی‌مسجد) لوحی ازسنگ سفید بطول ۱٫۲۱ و عرض ۸۳ سانتیمتر وجود دارد که کتیبه آن بخط ثلث برجسته محتوی عبارات واشعاری چنین است :

«بیمن توفیق‌ربانی وتأیید سبحانی درزمان دولت خاقان‌الاعدل الاعظم‌مالك»
« رقاب الاممم مولی سلاطین العرب و العجم السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه »

« طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه در ملازمت شاهزاده عالمیان نور »
« حدیقه امن وامان ابوالنصر سلطان احمد میرزا بنده درگاه امیراصلان بن رستم »
« سلطان لله افشار ارشلو از زنده رود اصفهان حفر نهری نموده و آب مباح مسجد جامع »
« مذکور مجری وممر آب مزبور راکه این بند تحت بند نهر ظهراست آنرا بلافاصله »
« مع التوابع واللواحق وقفاً مخلداً مؤبداً باین وجه که مسلمین ومسلمات ازشرب »
« وطهارت آن محظوظ باشند و چون ازمسجد خارج شود بهر محل که جاری شود »
« منافع آنرا بمصرفی که دروقفیه مسطوراست صرف نمایند وشرط نمودکه باشراف »
« ونظارت حضرت افادت وافاضت پناهی شیخ الاسلامی زیناعلیا منشارا خود بنفس »
« نفیس وبعد متولی وقف مزبور بوده وبنظارت تولیت چنانچه دروقفیه مسطوراست »
« قیام و اقدام نمایند و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب »
« بباغات و مزروعات نبرد و بغیراز طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای »
« حضرت شیخ الاسلامی که در بردن آب . . . » و مفاد آن حاکی است که امیراصلان سلطان ارشلو لله سلطان احمد میرزا فرزند شاه طهماسب درعهد سلطنت شاه طهماسب بمعیت سلطان احمد میرزا نهری اززنده رود اصفهان حفر و بمسجد جامع آورده ووقف برمسجد کرده است وشرایطی برای استفاده مردم ازآن قرارداده است ولی مفاد وقف بتدریج متروك وفراموش شده بوده ومجرای مزبور درسال ۱۳۴۰ شمسی مورد لاروبی قرارگرفته است این آب که درگذشته اختصاص بمسجد داشته اینك محله خاوجان راکه درمجاورت مسجد قراردارد سیراب میکند؛ درپائین لوح سنگی که کتیبه آن نوشته شد این اشعارنیز خوانده میشود :

« آفاق بفر شه دین دار جهان جو — چون صورت مینا شده وروضه مینو »
« برخاك درش سجده کنانند چوخورشید — . . . . . رخ بنهد رو »
« بردرگهش آن بنده که منظور نظرهست — در حکم سکندر شدو . . . »
« . . . . افشار — آن کس للگی داد شهنشاه هنرجو »
« از رود صفاهان بسوی مسجد جامع — . . . . روان کرد یکی جو »

« این کار نیامد زخدا بنده و غازان وین آب نیاورد . . . . »

« تاریخ . . . . . . گفت : (آب‌ملك‌اصلان بیك سلطان ارشلو)»

مفاد اشعارکه مقداری‌هم از آن ریخته حاکی است‌که درسال ۹۸۴ یعنی سال آخرسلطنت شاه‌طهماسب آب مزبوررا اززنده رود بمسجد جامع آورده است وضمناً استنباط میگرددکه درزمان غازان خان و سلطان محمد خدابنده نیزچنین نظری بوده ولی انجام نشده است.

ب ـ کتیبه‌هائی‌که مفادآن بمسجد ربطی ندارد :

۱ ـ توبه‌نامه شاه طهماسب :

درسمت راست محراب‌گنبد نظام‌الملك بریك لوح سنگی بطول ۷۰ و عرض ۶۶ سانتیمتر بخط ثلث برجسته کتیبه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« العزة‌لله جمیعاً » .

« بحمدالله وحسن توفیقه که بتأیید مسند صدرنشین معزالله اولیائه و مذل »
« اعدائه لوامع سرمکتوم و رمز مکنون مضمون یمحوالله الباطل و یحق الحق »
« بکلماته ازمشرق خاطر مهر انور اعلیحضرة شاه عالمپناه ظل‌الله ابوالمظفر شاه »
« طهماسب بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه نورتأثیربرافق تقدیرانداخته درحین »
« تقبیل عتبه‌علیه رضیه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحیّة جبین مبین اعتقادش »
« بطلایه توبوا الی‌الله توبة نصوحاً محلی ومطلی‌شده بعدازاین توبه نصوح ازکل »
« منکرات‌کوکب امرمطاعش بذروه اتباع رسیدکه فردی ازافراد . . .» وبطوریکه ملاحظه‌میگردد بقیه سنگ لوح نیست ومعلوم نگردیده‌که درچه زمان دوقسمت سنگ از یکدیگر جدا شده است آنچه مفهوم میگردد اینست‌که شاه طهماسب پس‌ازتشرف بزیارت حضرت رضا علیه‌السلام این توبه نامه را نصب‌کرده است.

۲ ـ فرمان منع ورود بخانه مردم :

درضلع غربی‌گنبد نظام‌الملك میان گنبد وچهلستون سلجوقی برروی دیوار یکی ازمدخلهای بازکه‌گنبدوچهلستون‌را بیکدیگرربط میدهد لوح سنگی بطول

یك متروعرض ۷۲ سانتیمتر منصوب گردیده ولی قسمت پائین آن که ظاهراً محتوی
کتیبه تاریخی بوده از بین رفته وشکسته شده است. کتیبه مزبور بخط ثلث برجسته
چنین حجاری شده است :

« فرمان همیون شد آنکه چون حضرت ملك ذوالجلال و خداوند لم یزل و »
« لایزال جلت شانه و عظم برهانه طغرای غرای سلطنت پادشاهی عرصه جهان »
« برحسب آیه کریمه اناجعلناك خلیفة فی الارض باسم سامی ونام نامی نواب همیون »
« مارقم فرموده توقیع وقیع خلافت وکشورگشائی دارالسلطنه وآتیناه ملکاً کبیراً »
« را بحکم یفعل الله مایشآء ویحکم مایرید بالقاب همیون ماموشح ومزین ساخته »
« بعون عنایت ازلی وتاییدات محض لم یزلی وجودکثیرالجود ما راکه مظهر آثار »
« لطف واحسان است سرمایه امن و امان گردانیده واراده خجسته صفات ما که »
« مصدر انواع مکرمت وامتنان است منبع مرحمت و احسان فرموده پایه قدر و »
« منزلت ودرجه قرب و رفعت ما را باوج مدارج خلافت جهانی ودر پناه ابهت و »
« کشورستانی رسانیده عالمیان بل کافه جهانیان را بموجب آیه وافی هدایت و ما »
« ارسلناك الارحمة للعالمین درظل رأفت وسایه معدلت ماجای داده لاجرم مضمون »
« باصدق مشحون ان الله یامر بالعدل والاحسان را نصب العین ضمیر انورونظر کیمیا »
« اثرداشته بشکرگذاری این مراتب علیه و سپاس ادای این مواهب سنیه همواره »
« توجه خاطرفیض مآثر وپیوسته نیت ضمیرمنیرمان ناظروبدان مصروف ومعطوف »
« داریم که در عهد سلطنة بی زوال و زمان خلافت ابدی الاتصال کافه رعایا و برایا »
« که ودایع بدایع حضرت خالق البرایا بیمن معدلت همیون درمهد فراغت وبستر »
« استراحت غنوده درمساکن واوطان مرفه الحال وفارغ البال روزگارگذرانند سیما »
« جمعی که بخلوص عقیدت وصفای طویت ازسایر اهل زمان ممتاز بوده درمضمار »
« اخلاص ویك جهتی واختصاص ونیکو بندگی گوی مسابقت ورجحان را از اکفاء »
« واقران ربوده باشند مکرر دارالسلطنه اصفهان بیمن نزول موکب نصرت قرین »
« غیرت افزای بهشت برین گشته همگی مردم آنجا را درشاه راه مخالصت وبندگی »

« و جاده اخلاص و یکجهتی نواب کامیاب همیون ثابت قدم و راسخ دم یافته‌ایم »
« حقیقت ولاو یکرنگی وصدق عقیدت ودولتخواهی مردم آن بلده برحسب مثال »
« مرآت ضمیر منیر آفتاب تأثیر کالشمس الشارق من السمآء ظاهروروشن گشته و »
« همگی سرومال و جان در راه نواب همیون ما نهاده‌اند بنابراین مجدداً سادات »
« عظام ونقباء کرام وقضات اسلام و ارباب و اهالی فخام و اصول اعیان وصواحب »
« کدخدایان وجمهورمقیمان وسایراهالی ومتوطنان ورعایا دارالسلطنة مذکورة و »
« بلوکات وولایات را مشمول عواطف بیکران شاهی وملحوظ مکارم واحسان بی‌پایان »
« پادشاهی فرموده خانها کل دارالسلطنه مزبوره و مواضع فرود . . . . از نزول »
« بلعنت نامه برطرف فرموده مقرر داشتیم که من بعد هیچ آفریده از امراءِ عظام »
« و مقربان کرام وملازمان درگاه فلك احتشام وقورچیان ظفر فرجام خاصه غلامان »
« وملازمان بیوتات شریفه . . . از هرطایفه و طبقه وهرکه بوده باشد در خانه »
« احدی نزول ننموده پیرامون نگردند وهرکس درهرخانه نزول داشته باشد در »
« روز بیرون رفته و توقف ننمایند تا همگی بفراغت خاطر درخانه و مکان خود »
« ساکن بوده دعا بدوام دولت ابدی الاتصال ما نمایند » .

هرچند ازکتیبه مزبوربرخی ازکلمات ازبین رفته ولی مطلب را حاکی است که چون درزمانهای پیش رسم این بوده‌که متابعان سلطنت درخانه های مردم شهر جبراً سکونت وموجب اضرار وآزارمردم میشده‌اند دراین فرمان مقررگردیده‌که از این رویه خودداری کنند ، درکتیبه مزبور صادرکننده فرمان تصریح نگردیده ولی بقرینه کلمه دارالسلطنه و شیوه تحریری فرمان میتوان گفت صادرکننده آن شاه طهماسب بوده است .

۳ ـ فرمان شاه اسماعیل صفوی :

در سمت راست مدخلی که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملک وصل میکند

دوفرمان ازشاه اسماعیل وشاه طهماسب صفوی وجود دارد . که فرمان شاه اسمعیل آن بخط ثلث برجسته برسنگ سفید چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال‌الله تبارك و تعالی اطیعواالله و اطیعوا الرسول »
« واولوالامر (۱) منکم مستفاد ازکلام معجز نظام‌وامر باحکام ثلاثه‌آنکه برهرفردی »
« از افراد اطاعة وانقیاد واجب ولازم وهرآینه مصدوقه این مقال ذکرحکمتیست »
« که از خلیفةالزمان ناشرالعدل والاحسان الامام العادل الکامل الهادی الغازی »
« الوالی ابوالمظفرالسلطان شاه‌اسماعیل الصفوی بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه »
« نفس مبارك همایون شدکه من بعد هرکس‌که برخانها ومحلات اصفهان وسکنه »
« آنها چیزی‌حواله نماید یاهرکس‌که دهد و . . . ستاند واجب‌القتل باشد . . . . »
« خلاف‌کننده درلعنت خدا و رسول و بعتاب شاهی‌گرفتار .» .

مفاد این فرمان هم اینستکه کسی نباید وجهی از خانها (کاروانسراها) و محله‌ها و سکنه اصفهان گرفته شود و هرکس برخلاف این دستور عمل‌کند مورد مؤاخذه دولت ونفرین ولعنت قرار خواهد گرفت .

در لوح مزبور تاریخی نوشته نشده ولی در زیرلوح مزبور سه لوحه دیگر گچبری شده‌که متن‌آنها اشعاری‌فارسی ودرمصراع آخرماده تاریخی داردکه با ۹۱۱ منطبق است :

« آنکه جهان مظهر شانش بود	بسمله طغرای نشانش بود »
« شاه زمان شاه ملائك حشر	رایت مهر آیت فتح و ظفر »
« خلق جهان را زکرم این عطا	کرد بسال الف و یا وطا »

فرد آخرشعرآخرمیرساندکه لوحه درسال الف و یا و طا نصب شده و چون این حروف را بمراتب خود بنویسیم میشود ۹۱۱ که با سلطنت شاه اسماعیل اول منطبق میشود (۲) .

۱ــ در آیه اولی‌الامر است .
۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۸ .

۴ – فرمان شاه طهماسب راجع به بخشیدن مالیات :

در زیر لوح سنگی که فرمان شاه اسماعیل بر آن نوشته شده لوح دیگری سنگی بطول ۲/۴۵ و عرض ۱/۸ متر موجود است که کتیبه آن بخط ثلث برجسته چنین است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم قال‌الله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و »
« عن النبی صلی‌الله علیه و آله وسلم من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من یعمل »
« بها الی یوم القیامة مصداق این مقال هبوب نسیم افضال است که در این اوقات »
« برقوی وضعیف ازاینروح فیض وکرم اختر برج مکارم ونعم السلطان بن السلطان »
« ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان لابرحت رایات دولته منصورة واعداءِ حشمته »
« مقهورة وزیده و عنایة شامله برفع قوانین فساد از دارالسلطنه اصفهان فرموده »
« که هیچ یك از سلاطین ماضیه برفع آن توجه ننموده بلکه درهرعصری علاوهٔ »
« برآن افزوده و فرمان واجب‌الاذعان مؤکد بلعنت نامه شرف نفاذ یافت آنکه »
« مضمون مال و جهات و وجوهات و اصناف محترفه بلده و بلوکات و ولایات و »
« تمغاوات از سرجواز و بیع‌الحوائج و زکوة گوسفند و مواشی بلده و بلوکات و »
« ولایات ودارالسلخ وسوق‌الدواب وطریق قومشه و مالواجرد وقلعه ملوس و باج »
« و بلدی و بیع‌الحلیج وسرجواز خورده و بازار مرغ وخلقانی و برد و میزر و »
« طریق ریدو رباط و دروب سلطان و مورچه خورت و سرزر و داروغگانه و »
« سرکلگی کرون و احداث و هوایی رار ومزدج وفریدن و دارالضرب که مبلغ »
« دوهزار تومان تبریزی تخمیناً میشده براهالی و رعایا وتجار محترفه وعابرین »
« این دیار تصدق فرموده‌اند و این مثوبات راهبه ارواح مقدسه چهارده معصوم »
« علیهم‌السلام نموده‌اند و اهداء این ثواب نیز اهداءِ بروح پرفتوح الامام العالم »
« موسی‌الکاظم علیه‌السلام هدیه فرموده‌اند فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی »
« الذین یبدلونه و صورت این موهبت را حسب‌الامر المطاع ذره بیمقدار علی »
« الکرکی . . . این مضمون کالنقش فی‌الاحجار برخواطرسکنه این دیاروالعابرین »

« من جمیع الامصار جای‌گیر شد و با همگنان در دعا و دوام دولت آن اعلیحضرت »
« کوشیده تغییر کننده در لعنت الهی و عتاب نامتناهی باد. کتبه العبد علی بن جعفر..... »

در جاهائی که نقطه گذارده شده یا کلمات خوانده نشده و یا سائیده شده بوده است.

۵ - فرمان شاه طهماسب راجع بچوپان بیگی :

در دالان ورودی مسجد درقسمت جنوبی لوحی سنگی بطول ۱٫۱۰ وعرض ۸۸ سانتیمتر وجود داردکه کتیبه‌ای بخط خوش ثلث برجسته برسنگ مرمر باین شرح برآن حجاری شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین ».

« فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون مقصد اصلی از تکفل امور »
« جهانبانی ومطلب کلی ازتصدی مهام کشورستانی مراعات جانب عموم رعایا ورفاه »
« احوال کافه برایا است وحضرت واهب بی‌منت که پادشاه علی الاطلاق است جل شانه »
« وعظم سلطانه منشورمبرور خلافت بیزوال مارا بطغرای غراانی جاعل فی الارض »
« خلیفة مزین ونشان عالیشان سلطنت ابدی الاتصال مارا بتوقیع اطیعوا الله واطیعوا »
« الرسول واولی الامر منکم موشح گردانیده وشمسه رایت فیروزی مارا آیت المطلع »
« اذاجاءِ نصرالله والفتح وماهچه رخشان لوای فلك فرسای ما ازمکمن وینصرك الله »
« نصراً عزیزا تابان و درخشانست الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده لاجرم »
« ما نیز بشکرانه عواطف اللهی همواره همت والانعمت صافی طویت به بسط بساط »
« معدلت و احسان نسبت بکافه زیردستان مصروف و معطوف فرموده‌ایم و پیوسته »
« مطمح نظرفرخنده برآنست که کافه برایا وعموم خلایق ازتکالیف دیوانی سبکبار »
« بوده ودرکل موارد مرفه وآسوده باشند وچون دراین چند سال رعایا ومتوطنین »
« دارالسلطنه اصفهان عن بلده وبلوکات به جهت استیلای مخالفان بولایات خراسان »
« وآمدوشد ایشان بآنجا از تردد دواب واخراجات عساکرمنصوره تعب وتشویش »
« بسیارکشیده در جمیع موارد تا یك جهتی ایشان بمنصه ظهور رسیده ودرخاطر »

« فیض مأثرما رسوخ یافته بودکه‌چون اعادی دین ودولت منکوب‌گشته بتوفیق »
« الله‌تعالی ممالك خراسان بحیطه تسخیر و تصرف درآمده ضمیمه سایر ممالك »
« محروسه گردد و بسعادت زیارت طواف روضه مشهد مقدس منور معطر حضرة »
« امام‌الجن والانس ابوالحسن علی‌بن موسی‌الرضی فایزگردیم در رفاهیت احوال »
« کل ساکنین و متوطنین دارالسلطنه مذکور توجه خاطر اشرف مبذول فرموده »
« وجوه چوپان بیگی وکدو ایشان را بتخفیف و تصدق مقرر فرموده ثواب آنرا »
« بروح مطهرمنور آن حضرة هدیه فرمائیم چون درین اوقات بعون عنایت ازلی »
« وتوفیقات لم یزلی ابواب فتوحات غیبی وعواطف لاریبی برروی روزگارفرخنده »
« آثار اولیای دولت ابدی الاتصال ماگشوده مملکت‌خراسان بتسخیراولیای نواب »
« دولت همایون ما درآمد وبشرایف زیارت و طواف‌آن . . . . حضرة حسب‌کلام »
« معجز نظام سیدالمرسلین صلی‌الله‌علیه و من زارالذی بطوس فکمانما زاربیت‌الله »
« الحرام استسعادیافته بامداد روح مقدس معطرآن‌حضرة مخالفان نیست ونابود »
« گشته‌دارالسلطنه هراة مرکزسرادقات‌جلال‌گشت عنایت بیغایت شاهانه شاملحال »
« عموم سکنه و متوطنه دارالسلطنه اصفهان از سپاهی ورعیت فرموده از ابتدای »
« تنگوزئیل وجوه کدو وچوپان بیگی دارالسلطنه مذکور که ابواب المال قدیم »
« را انفراداً . . . تنفیذ مینمودند. » . بطوریکه مؤلف گنجینه‌آثارتاریخی‌اصفهان تذکرداده‌اند سبك املاءِ مطابق خود کتیبه است وتصرفی درآن نشده ولی در مورد طغرا و غرا که متذکرشده‌اند در متن کتیبه بدون (ی) میباشد درصورتیکه عبارت اقتضا دارد که طغرای غرای باشد نگارنده در عکس‌کتیبه مزبور بدقت رسیدگی کردم ولی معلوم شد که بالای کلمه طغرا حرف (ی) وجود دارد و چون در خط ثلث از یك حرف در دو مورد گاهی استفاده میشود ممکن است حرف (ی) ازآن طغرا و غرا هردو باشد . نکته دیگر اینکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تذکرداده شده‌که درکتیبه موردبحث: اولوالامرمنکم‌باواو نوشته‌شده درحالی‌که در آیه شریفه‌ومطابق قوانین‌نحوی باید اولی‌الامربیانوشته‌شود این‌موردهم روی‌عکس

بررسی ودقت شد ومعلوم گردید که در کتیبه هم اولی الامر بیا نوشته شده‌است .

نکته دیگر اینکه درقسمت عبارت : (رعایا ومتوطنین دارالسلطنه اصفاهان) نوشته‌اند که صفاهان بدون همزه درکتیبه خوانده شده است ، باین موضوع هم رسیدگی گردید وعکس کتیبه میرساند که اصفاهان باهمزه میباشد .

۶ ـ فرمان شاه طهماسب راجع بوجوه راهداری مأکولات :

در مقابل لوح سنگی جنوبی دالان شرقی که گذشت دو لوح سنگی دیگر وجود دارد که باخط نستعلیق خوش حجاری شده است .

مفاد لوح فوقانی بطول ۱۰۷ و عرض ۶۲ سانتیمتر که قسمتی از آن ازمیان رفته وقسمتی باقی مانده بشرح زیر است :

« . . . . آنکه در این . . . . و بنابر ازدیاد موارد . . . . . شفقت »
« بیدریغ شاهی درباره . . . . . . وفراغ بال ایشان وجوه راهداری ماکولات را از »
« غله و میوه و برنج و روغن و امثال ذلك که جهت فروختن بدارالسلطنه مذکور »
« آورند وبمحال دیگر برند سوای عقاقیل وشکرواجناس ابریشمی وریسمانی که »
« تجارازجانب هند بدارالسلطنه مذکورآورند وابریشم که ازگیلان وشفت و. . . . »
« که از روم میآورند و اجناس ابریشمی وریسمانی که ازیزد وکاشان وسایر محال »
« بدارالسلطنه مزبورآورند وباطراف‌وجوانب برند تخفیف وتصدق مقررفرمودیم »
« که من‌بعد بدین جهت طلبی از متردین ننمایند . . . . . ومستحفظان شوارع »
« دارالسلطنه‌مذکورسیما ملازمان امارت‌پناه نظام‌الدین‌شیخ . . . . وجوه راهداری »
« ماکولات‌را بتخفیف و تصدق مقررفرمودیم . . . . . بدین‌علت ازمترددین بازیافت »
« نکنند و مزاحمت تجار. . . واقمشه و اجناس ابریشمی و ریسمانی . . . . که »
« بدارالسلطنه مذکورآورده از وجوه راهداری . . . . دستورالعمل ازدیوان اعلی »
« قراریافته بازیافت ننموده زیاده‌ازآن یکدینارویکمن بار. . . . . سوای‌معمول »
« که اسب وگاو وگوسفند والاغ که . . . ازمخالف که موجب عتاب و خطابست » .

دوفرمان اخیر که بشاه طهماسب صفوی نسبت داده شده در متن‌کتیبه‌ها این

انتساب صراحتی ندارد وبعلاوه تاریخی هم درفرمان دیده نمیشود .

مؤلف گنجینه آثارتاریخی اصفهان هم آنرا باتوجه بقرائن تاریخی منسوب بشاه طهماسب دانسته است .

۷ ـ فرمان دیگر ازشاه طهماسب راجع بتخفیف مالیات اصناف :

در پائین لوح سنگی فوق‌الذکر لوح سنگی دیگری بطول ۱٫۵۶ و عرض ۵۴ سانتیمتر نصب شده‌که کتیبه‌آن بخط نستعلیق خوش برجسته برسنگ پارسی چنین خوانده میشود و بعضی از سطور وکلمات‌آن نیز محو شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . ثواب‌جزیل این امرجمیل را هدیه ارواح مطهره »
« مقدسه منوره متبرکـه حضرات چهارده معصوم . . . بنت خیرالانـام . . . . »
« علیهما‌الصلوة والسلم شد چون مشیت ازلی واراده لم یزلی بانتظام اسباب حضور »
« صوری ومعنوی . . . متعلق‌گشت بمقتضاءِ حکمت بالغه ذات قدسی . . . شده »
« زمام حل خواص و عوام و عنان قبض و بسط ارزاق اهالی بکف کافی آن مرکز »
« دوایر مفاوضات سبحانی درآمده کافه انام وعامه اهل اسلام درظل رافت وکنف »
« عاطفتش‌مرفه وفارغ‌البال‌اند مصداق این‌مقال وقیرالاجلال صورت ... والحدثان »
« که در ظل رایات عرش‌سای سلطان سلاطین زمان باسط بساط امن وامان‌المروج »
« للشریعة الحقة الامامیه بتأیید الملك المنان حامی بیضة‌الاسلام عن‌الانکسار »
« من‌رجوم الشیاطین الزمان‌السلطان‌بن السلطان‌بن‌السلطان ابوالمظفرمعزالدین... »
« شاه طهماسب بهادرخان . . . لواءِ معدلته . . . مبین و ایده بالجود والامتنان »
« نشوونما یافته هبوب عواصف . . . . عندلیب زمان پیرامن حدایق ذات بهجة »
« و بساتین ذات نضرتشان‌نگشته ازوصمت فتور وانحلال وحدت وقصور واختلال »
« مغیرالحال‌نیستند از انعامات عامه وتصدقات شامله‌که درین زمان فرخنده اوان »
« ازان مصدر مفاوضات سبحاتی . . . وکیفیت شیوع . . . و بلاد . . . ومعمورند »
« سیما اکابر و اهالی دارالسلطنه اصفهان صانهاالله تعالی عن‌آفات الزمان آنکه »
« مال ووجوهات اصناف وتمقاوات از . . . جواز وتمقاءِ . . . قلعه ملوس . . . . »

« ومالواجرد وبيع الحوايج وقرارزكوة وباج وبلدى وبيع الحليج ومواشي وسر كلگى »
« كرون وسرجواز خورده وسوق الدواب و تمقاطريقات ازطريق قومشه و مورچه »
« خورت وريد ورباط . . . سلطان . . . وسبزه زر داروغگانه وامثال مذكورات در »
« دار السلطنه مذكوره وساير بلاد ممالك محروسه . . . ماضيه داخل . . . سلاطين... »
« امضاء نموده درمخيله احدى ازايشان صورت اين موهبت خطور ننموده خاطر قدسى »
« مآثر بندگان نواب اشرف اقدس اعلى ايده الله تعالى باين هديه عظيمه و عطيه »
« جسيمه توجه فرموده تا مبلغ دوهزار تومان كه بهرجهت . . . شد مذكورات بود »
« بتخفيف و تصدق . . . دار السلطنه مذكوره . . . سپارده احكام مطاعه بتواريخ »
« مختلفه كه متمم آنها اوايل سنه احدى وسبعين وتسعمائه سمت صدور يافته برفع »
« سدومنع آمد . . . رسوخ وتاييد اين موهبت مولد لعنت نامه شده . . . . ومركوز »
« گشت تادر صحايف خواطر كالنقش فى الحجر صورت پذير گردد ومن بعد در . . . . »
« تغيير وتبديل آن متصور نشود واز مضمون آيه كريمه ومن بدله بعد ماسمعه »
« فانما اثمه على الذين يبدلونه متغط گشته تغيير كننده درسخط ولعنت الهى باد . »

اين بود وضع ساختمان مسجد جامع عتيق اصفهان وكتيبه‌هاى آن كه بيشتر آن ازكتاب گنجينه آثار تاريخى اصفهان اقتباس شده است .

بطوريكه درهر مورد تشريح گرديده اولين تاريخى كه از قديمترين ايام در مسجد مزبور جلب نظر ميكند تاريخ بناى گنبد تاج الملك است كه در سال ۴۸۱ هجرى انجام گرديده است وتاريخى صريح كه مقدم بر آن باشد اكنون درميان نيست.

بعدازآن تاريخ ۵۱۵ هجرى است كه درقسمتى ازساختمانهاى مسجد كه پس از حريق ملاحده تجديد بنا گرديده سال مزبور دركتيبه كوفى آن تصريح شده است. سپس تاريخ ۷۱۰ هجرى وزمان سلطان محمد خدابنده اولجايتو ميباشد كه بناهائى در مسجد در وزارت سعدالدين محمد ساوى و با اهتمام عضدبن على الماسترى و بمباشرت ابوالفتح احمدبن محمد خازن وبنائى حيدر نام انجام گرفته است . در پى آن تاريخ ۷۶۸ هجرى است كه مربوط بدوره سلطان محمود آل مظفر است وصفه

عمر بوسیله واهتمام مرتضی‌بن حسن عباسی زینبی درآن تاریخ ساخته شده است وکاتب‌کتیبه‌آن بخط ثلث عزیزالتقی الحافظ الهروی بوده است . دنباله آن تاریخ ۷۷۸ هجری است که محراب صفه عمر درآن تاریخ مورد تعمیر واقع وکتیبه آن بخط ثلث علی کوهیار ابرقوهی است .

در ۸۵۱ هجری که زمان سلطان محمدبن بایسنقر تیموری باشد عمارت بیت‌الشتاءِ مسجد بوسیله‌عمادبن‌مظفرورزنه‌ای‌انجام‌شده وکاتب‌کتیبه‌آن سیدمحمود نقاش میباشدکه بخط ثلث نوشته است .

در ۸۸۰ هجری ابوالنصرحسن بهادر اصلاحاتی در مسجد معمول داشته ودر صفه صاحب کتیبه آن بخط ثلث موجود است و بنّای‌آن جمال خادم شیخ محمدبن شیخ یوسف بنا بوده است .

درسال ۹۱۱ لوحه‌ای ازشاه اسماعیل صفوی راجع بمنع پول گرفتن ازمردم اصفهان وصدورحواله بخانه‌ها درسمت راست مدخل صفه‌صاحب نصب‌گردیده‌است .

در۹۱۸ هجری درمحراب شرقی صفه صاحب تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه‌آن بخط ثلث تاج‌الدین میباشد . در سال ۹۳۸ هجری در زمان شاه طهماسب صفوی شمس‌الدین محمد اصفهانی تزییناتی بسعی واهتمام بانوآقاسلطان درمسجد معمول داشته وکتیبه‌آن بخط ثلث‌کمال‌الدین حسین‌حافظ هروی وتاج‌الدین معلم اصفهانی وعمل‌ساختمانی بدست بنایان استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل ویوسف‌بن تاج‌الدین بنای اصفهانی صورت گرفته است .

در سال ۹۶۲ هجری استاد صدرالدین نطنزی دری ساخته و برمسجد وقف کرده است. در۹۸۴هجری‌درزمان شاه‌طهماسب امیراصلان‌بن رستم سلطان للّه‌افشار ارشلو نهری از زنده رود بمسجد جامع‌آورده است .

درسال ۹۸۵ هجری درعصرسلطان محمد خدابنده‌صفوی وصدارت‌غیاث‌الدین میرمیران ـ یوسف‌آقا نامی روی حوض صحن مسجد ساختمانی‌کرده است و خط کتیبه و شعرآن از صحیفی جوهری میباشد . در سال ۸۹۲ هجری عصر خدابنده

تعمیراتی درایوان شاگرد بعمل آمده وکتیبه آن بخط ثلث نظام اصفهانی است .

در سال ۹۹۶ هجری عهد شاه عباس بـزرگ بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم اصفهانی درصفه‌حکیم مسجد تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه آن بخط ثلث گچبری شده صحیفی میباشد . در سال ۱۰۷۰ هجری عهد شاه عباس دوم درصفه‌صاحب تعمیراتی شده واشاره‌گردیده‌که شاه طهماسب نیزدرآن تعمیراتی کرده بوده است .

در سال ۱۰۷۳ استاد فخرالدین شوشتری خانه‌ای را وقف و قسمتی ازعوائد آن را برای روشنائی مسجد اختصاص داده است . در ۱۰۹۲ هجری در سلطنت شاه‌سلیمان‌صفوی‌درسر قبر مجلسی تزییناتی انجام شده وکتیبه‌آن بخط حاجی‌محمد مؤمن‌کاظمی است . درسال ۱۰۹۳ هجری وعهد شاه سلیمان صفوی درایوان‌درویش تعمیراتی شده وکتیبه‌ای بخط ثلث گچبری شده دارد که حکایت ازتعمیر مزبور میکند .

درسال ۱۰۹۸ هجری درسلطنت شاه سلطان‌حسین صفوی نیزدرایوان‌درویش تعمیراتی انجام‌گرفته وکتیبه‌آن بخط ثلث محسن امامی است .

در سال ۱۱۰۲ هجری استاد امین‌بن استاد اسماعیل سرنج پز سنگابی را وقف کرده که در زیرهلال ایوان صاحب قراردارد ، این وقف در زمان سلطنت شاه سلطان حسین انجام‌گرفته است . در۱۱۱۲ درعهد شاه سلطان‌حسین نیز تعمیرات و تزییناتی در مسجد بعمل آمده و نویسندگان کتیبه‌ها علینقی امامی و محمدحسن جزایری ومحمدزمان‌بن عبدالباقی اصفهانی بخط ثلث وابوالمعالی النقیب‌الحسینی بخط نستعلیق وشاعران کتیبه‌ها افهم ونقی ومسعود بوده‌اند .

درسال ۱۱۳۹ هجری‌که دوره اقتدار اشرف افغان بوده درصفه عمر تعمیرات وتزییناتی انجام شده ومتصدی‌آن یعقوب‌خان ازسران اشرف وناظرآن ملازعفران مفتی بزرگ افغانی وخطاط کتیبه آن بخط ثلث محمدعلی مولوی بوده است .

درسال ۱۲۱۸ هجری یعنی عهد فتحعلی‌شاه قاجار و حکومت حاجی محمد

حسین‌خان صدراعظم اصفهانی درب ورودی مسجد جامع مورد تعمیر قرارگرفته و نویسنده کتیبه سردرآن ابوالحسن اصفهانی بخط ثلث بوده است.

آخرین تاریخی‌که در مسجد مشاهده شده ۱۳۰۱ هجری و مربوط بزمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که درآن تاریخ کتیبه قرآنی سردر بواسحاقیه نوشته شده است.

این مسجدکه مجموعه‌آثار باستانی را تشکیل میدهد بموجب شماره ۳۲۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۱۰ - مسجد جنب پیرپینه‌دوز = جوباره :

مسجد جوباره از مساجدی است که پیش از صفویه وجود داشته و در زمان شاه طهماسب صفوی بوسیله مهتر و رکابدار شاهزاده ابوالفتح بهرام میرزا حسینی برادر شاه تعمیرگردیده است. این مسجد که در یکی ازکوچه‌های محله جوباره واقع شده آنرا مسجد درب جوباره ومسجد جنب پیرپینه‌دوز نیز مینامند اما وجه تسمیه به‌مسجد درب‌جوباره بعلت وقوع‌آن درمحله جوباره است واما وجه تسمیه دوم گویا قبر پیرپینه‌دوز درهمان اطراف میباشد درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان[۲] نوشته شده‌که وجه تسمیه نخست درست است ولی در تاریخ اصفهان وری[۳] مسجد را به مسجد جنب پیر پینه‌دوز معرفی‌کرده است و با این ترتیب هر دو نام و وجه تسمیه درست خواهد بود.

کتیبه سردر این مسجدکه اکنون برای محافظت درباغ چهلستون نگهداری میشود بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود:

« تیمناً باسمه سبحانه‌قدتشرف ببناء هذاالمسجدالمؤسس البنیان علی‌تقوی »
« من‌الله و رضوان فی‌ایام دولة سلطان سلاطین الزمان و خاقان خواقین الدوران »
« المتمکن علی سریرالعدل و مسندالاحسان السلطان‌بن السلطان‌بن السلطان »

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۶ . ۲ - گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۲۸۶ . ۳ - تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰ .

« ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی فی‌ظل‌الامن والامان »
« من انتسب رسم‌الخدمة علی اهل‌الایمان نواب الکامران الکشورستان ابوالفتح »
« بهرام میرزا الحسینی خلدظله‌العالی من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة مهترمحمدعلی »
« رکاب‌دار نواب المشارالیه وهومن اعیان الاصفهان کتبه شیخ محمد بابربن خالد »
« معلم سنة ۹۵۵ . » .

درعبارات‌کتیبه پیچیدگی‌وافتادگی بنظرمیرسد عبارات‌کتیبه بعینه‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل شده ولی بنظر میرسد که بعد از (بهادرخان خلد) ضمیر غایب متصل‌که فاصله بین فعل و فاعل بوده افتاده است و قاعدة باید عبارت چنین باشد : «خلده‌الله تعالی فی‌ظل الامن والامان» ودروضع‌کنونی ناقص‌است .

دیگر اینکه : «من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة» درست بنظر نمیرسد چه‌ضمیر ماله مرجعی ندارد ودرست آن چنین است : (من‌خاص مال مقرب‌الحضرة) وخلاصه ترجمه‌آن چنین خواهد بود که تشرف پیدا کرده است کارگزار بهرام میرزا یعنی مهتر محمدعلی رکابدار ببنای مسجد ازمال خاص خود درزمان شاه طهماسب وشاید منظور این بوده‌که محمدعلی رکابدارموفق‌شده مسجدرا ازمال بهرام میرزا بسازد .

در دو لوحه چهارشعر بخط نستعلیق سفید درسردر خوانده میشودکه تعمیر مسجد مزبور بوسیله محمدعلی رکابدار بهرام میرزا انجام شده است وآن بشرح زیر است : لوحه اول :

« در ایام شاهی طهماسب شاه — که در عهد او عدل انشا شده »
« که صیت‌عدالت ازآن شاه دین — زتحت ثری تا ثریا شده »

لوحه دوم :

« زمهتر محمد علی خالصاً — لوجه‌الله این مسجد احیا شده »
« گرش سال تاریخ خواهی بگو: — زاقبال بهرام میرزا شده »

که مفاد اشعار بالا حکایت دارد مهتر محمد علی که از اعیان اصفهان و رکابدار بهرام‌میرزا بوده درتاریخ ۹۵۶ مسجدرا احیا وتعمیرکرده است ولوحه‌های

مزبور بعدازکتیبه سردرکه ۹۵۵ بود نوشته شده است وممکن است گفت‌که کتیبه درآخرسال ۹۵۵ نوشته شده ولوحه‌ها درمحرم دنبال آن نوشته شده است.

ولی درکتاب تاریخ اصفهان‌وری[۱] ماده تاریخ مزبور باین‌شرح نوشته شده: «باقبال بهرام میرزا شده» ودراین‌صورت سال تاریخ ۹۵۱خواهد بود ولی درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] ماده تاریخ بشرحی که در بالا گفته شد نوشته شده است. مسجد مزبور وسردرآن بموجب شماره ۲۷۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۳].

۱۱ - مسجد جنب باغ حاجی:

این مسجد درجنب باغ حاجی (باغ همایون سابق) واقع و در سال (۱۰۳۳ ه. ق) بوسیله خواجه روح‌الله بن نورالله فراهانی از خواجه سرایان شاه عباس اول ساخته شده هرچند کوچك و وسعتی ندارد ولی سردرکاشیکاری آن جالب است.) کتیبه این مسجد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود:

« فی‌ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان‌الاعدل الاعظم مالك و قاب‌الامم »
« مولی‌ملوك‌العرب والعجم ابوالمظفرشاه‌عباس الحسینی الصفوی بهادرخان‌خلدالله »
« تعالی ظله ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این مسجد را توفیق‌آثار خواجه »
« روح‌الله‌بن نورالله فراهانی درسنه هزاروسی‌وسه‌کتبه محمدامین‌بن اخی. »

درتاریخ اصفهان وری[۴] بانی مسجد را خواجه فرهاد نوشته وبا صراحتی‌که درکتیبه موجود است نادرستی آن محرز میگردد و درست آن همانست‌که مؤلف دقیق‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان بیان کرده است[۵]. ثبت تاریخی این مسجد در گردش اداری است[۶].

ضمناً متذکر میگردد اینکه درص ۸۵ ردیف ۱۲۳ بنقل ازجغرافیای‌اصفهان

---

۱ - تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰. ۲ - گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۳۸۶ تا ص۳۸۷. ۳- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۴۳. ۴- تاریخ اصفهان وری ص۳۷۴. ۵- گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۴۷۹. ۶- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

گفته‌شد زمان نزول و اقامت همایون‌شاه در اصفهان طبق دستور شاه عباس عمارتی دولتی بناکردند و آنرا باب همایون نامیدند فقط از نظر استشهاد وجه تسمیه‌وفقه اللغة بوده وگرنه خلاف گفته مزبور مسلم است ودرآن زمان شاه طهماسب سلطنت داشته وپدرشاه‌عباس میهماندار بوده است.

۱۲ - مسجد حاجی سیدجواد=صفا :

این مسجد درمحله چهارسوواقع وبنام مسجد صفا نیزخوانده میشود وشاید چون امام‌آن حاجی سیدجواد بوده بنام او مشهورشده است ولی صفا را بعنوان نام آن اختیارکرده‌اند ودرکتیبه منظوم آن‌که اثرطبع طرب میباشد این نکته اشعار گردیده است .

مسجد مزبورشبستان‌کوچکی داردکه بسیارجالب ودرمحراب‌آن بخط خوش نستعلیق برنگ سفید برزمینه لاجوردی این اشعارکاشیکاری‌گردیده است :

« شمس فلك رفعت و مصباح دجی — علام زمان مروج شرع هدی »
فرخنده عطاءالله ذومجد و بها — مصداق سیادت زنژاد موسی »
« نجل و خلف حجة اسلام قویم — کوباقر علم آمد و عنوان تقی »
« از رهگذر خلوص وصدق وتقوی — این مسجد همچو خلد فرمود بنا »
« انجام و بنا را قلم فتح‌الله — بنمود دو مصرع بدو تاریخ انشا »
« این کعبه دلها است فولواشطره » (۱۲۹۶) — « این قبله حاجتست صلوا فیها » (۱۲۸۴)

« کتبه العبدالمذنب فتح‌الله غفرله »
(۱۳۱۶)

ازکتیبه مزبورمعلوم میگرددکه شروع ساختمان مسجد درسال۱۲۸۴هجری و اتمام آن در سال ۱۲۹۶ هجری بوده و در واقع دوازده سال مدت ساختمان بوده است وکتیبه در سال ۱۳۱۶ هجری یعنی بیست سال بعد از اتمام ساختمان نوشته شده است .

برجبهه‌جنوبی ایوان مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی نوشته

شده : «قال‌الله تبارك‌وتعالی» وسپس آیات ۱۵۸ و ۱۵۹ سوره بقرة و آیه ۱۸ سوره توبه نوشته شده است .

در محراب ایوان جنوبی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی عبارات و اشعار زیر نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، هذا مسجدالصفا »

« لوحش‌الله‌زین نکومسجدکه‌چون بنیاد شد
از صفا شد در صفاهان کعبه دیگر بنا »

« چاررکن کعبه آمد بهرطوف این حرم
چاررکن این‌حرم ازفیض حق چون شد بپا »

« بارك‌الله زین بنای دلگشای سخت پی
صانه‌الله زین مقام جان فزای دلگشا »

« بیت معمورش بدان و مسجد اقصاش خوان
گرچه نام او صفا گردید منزل از سما »

« همچو کعبه قبله اهل دعا شد از شرف
مستجاب است هردعا دروی نمائی آن دعا »

« چون بناشددرصفاهان این‌نکومسجد زلطف
اصفهان شد از شرف همسایه عرش علی »

« گرخلیل‌الله شد معمار کعبه‌ای عجب
این بنا را شد عطاءالله بانی از صفا »

نجل پاك حجةالاسلام میر راستین
باقر ثانی مهین ذریه آل کسا »

« رحمة حق برروانش باد کزوی بازماند
زادگان متقی هریك جهان را مقتدا »

« خاصه بدرالعلم کنزالحلم علام زمان
میرزا آقا عطاءالله گردونِ عطا »

« الغرض چون این نکو مسجد باتمام آمدی
خواست تاریخی پی‌اتمام او فکرت مرا »
« از پی تاریخ اتمامش طرب با شور گفت :
« قبله دین و تقی شد کعبه اهل صفا »
(۱۳۲۵)

از کتیبه فوق روشن میشودکه تزیینات مسجد ادامه داشته‌است وحتی‌سنگاب کوچکی درسال ۱۳۳۲ هجری قمری درمسجد نصب شده . درمقابل‌کتیبه‌کاشیکاری محراب ایوان جنوبی اشعارمعروف محتشم (هفت‌بند) درمرثیه امام سوم‌کاشیکاری گردیده است[۱] . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی نشده است .

۱۳ ـ مسجد حاجی محمد امید :

این مسجد در محله قصر منشی واقع و باحمام قدیمی‌آن محله مجاور است کتیبه مسجد که بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ میباشد حاکی است‌که مسجد مزبوردرسال (۱۱۲۹ هـ . ق) وزمان سلطنت شاه سلطان‌حسین بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده و وقف گردیده است و چون در زمانهای بعد روبخرابی نهاده در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) بهمت رکن‌الملك میرزا سلیمان خان نایب‌الحکومه اصفهان تعمیرشده است . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی معمول نگردیده است[۲] .

۱۴ ـ مسجد حاجی محمد جعفر آباده‌ای :

این مسجدکه میان محله نیم‌آورد وجماله‌کله ودرب امام دربازارچه‌ای بنام بازارچه حاجی‌محمد جعفر آباده‌ای واقع است شبستان آن درقرن سیزدهم بوسیلهٔ حاجی محمد جعفر آباده‌ای[۳] از روحانیان بزرگ اصفهان ساختمان گردیده ولی

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۶ تا ص ۸۲۸ .
۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۱۰۳۹ .
۳ ـ حاجی محمد جعفربن محمد صفی آباده‌ای از شاگردان مرحوم حجة‌الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی بوده که بهمراه او بمکه مشرف شده وخودش عالمی محقق وبسیار زیرک ودانا وباتدبیر بخصوص در مرافعات و تمام‌کردن آنها ورساله عملیه نوشته ومقلدین هم داشته ←

بقیه مسجد پیش‌از آن برجا بوده است ، تنخواه ساختمان شبستان مزبور از وجوه بر بعضی از تجار قزوینی بدست آمده و مصرف شده است . مساحت مسجد قریب سه جریب میباشد[1] .

تاریخ شروع و خاتمه بنای شبستان بصراحت معلوم نیست ؛ مسلم اینستکه در هنگام وفات حاجی آباده‌ای (شب ۱۹ رمضان ۱۲۸۰ هجری) مسجد آماده برای امامت بوده است منتهی تزیینات مسجد در تاریخهای ۱۲۹۶ و ۱۳۶۷ و ۱۳۷۰ هجری قمری تکمیل گردیده است . (ش ۶۳)

اینکه در کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران صفحه ۶۰ اظهار نظر شده که ساختمان مسجد حاج محمد جعفر آباده‌ای در سال ۱۲۹۶ هجری بوسیله حاجی محمد جعفر آباده‌ای مزبور انجام شده اشتباه بنظر میرسد زیرا حاجی محمد جعفر در شب ۱۹ ذیحجة‌الحرام سال ۱۲۸۰ هجری بدرود حیات گفته است و زنده نبوده تا مسجدرا باتمام برساند ولی ممکن است در زمان شیخ عبدالجواد آباده‌ای

→

و معروف است که قرار او ثبت اموراتی که نزد او میشده بوده است که من بعد اشتباه کاری نشود، ومدرس دراصفهان وامام مسجدی بوده‌که برای او باسم اوبنا شده ومسجد خوش‌وصفی است ومزاحهای شیرین از آن مرحوم معروف است، شوخیها وخوش‌صحبتیهای بسیار داشته نظیر آقاجمال خوانساری وکتابهای فاضلانه نوشته، یکی نقودالمسائل است در فقه‌استدلالی که ملمع است یعنی فارسی وعربی باهم است؛کتاب مرایا دراصول ، رساله حمامیه در محل نزاع حمام شیخ بهائی، شرح تجرید الکلام، شرح دروس فقه جعفری، سئوال وجواب وغیر اینها میباشد مرحوم حاجی درشب شنبه۱۹ ذیحجة الحرام سال ۱۲۸۰ هجری قمری دراصفهان وفات یافت و در تخت فولاد در تکیه‌ای بنام خود مدفون گردید وعلیرضا معروف به آقاجان لنجانی متخلص به پرتو که از شعراء و خطاطان قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود در ماده تاریخ‌وفاتش‌جنین سرود :

سال تاریخ‌زپرتو شد سئوال گفت : «اللهم نور مضجعه»

که حساب‌آن‌بحروف ابجد همان سال ۱۲۸۰ هجری میباشد. آن مرحوم دوپسرداشت یکی‌شیخ عبدالجواد‌که بعد از پدر در مسجد او امامت داشت و در سفر عتبات وفات‌کرد و دیگری حاجی اعطاءالله که مردی وارسته و ازدنیا گذشته ومجاور نجف اشرف بود و در ایام طاعون در نجف وفات کرد وهردو برادر در وادی‌السلام مدفون شدند .

(تذکرة القبور جزی از ص۳۱–۴۲)

۱– تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۱ .



(شکل ۶۳)

پسرش که امام جماعت آن مسجد بعداز فوت پدر بوده انجام شده باشد . کتیبه های مسجدآباده‌ای که درزمانهای مختلف نوشته شده چنین است :

۱ ـ کتیبه ایوان شمالی :

در هلال ایوان شمالی و اطراف آن بخط ثلث سوره اسری تاآخر آیه ۱۳ نوشته شده و بسال ۱۲۸۰ خاتمه مییابد و بطوریکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده رقم آحادآن هنگام نصب کتیبه افتاده‌است بنابراین ممکن است که در تاریخ دیگری غیراز ۱۲۸۰ خاتمه یافته باشد . در اسپرهای متعدد ایوان شمالی بخط بنائی عبارات وجملاتی بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه‌ای مشتمل برسوره فیل و در متن جمله‌های : « یا علام‌الغیوب » « یا غفارالذنوب» « یا ستارالعیوب» .

۲ ـ حاشیه مشتمل برسوره فاتحه و متن آن سوره اخلاص .

۳ ـ یك متن باعبارت : «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» .

۴ ـ درحاشیه متن یك اسپر کاشیکاری بخط بنائی مشکی برزمینه زرد این اشعار نوشته شده است :

« دور پرگار در میان آمد ‌ ‌ ‌ نقطه در دائره عیان آمد »
« سر توحید قطب عالم شد ‌ ‌ ‌ مهدی آخر زمان آمد »
« پادشاه همه جهان گردید ‌ ‌ ‌ زانکه‌سلطان‌ملك‌جان‌آمد »
« عکس دلدار در دلم بنمود ‌ ‌ ‌ سرور جمله عاشقان آمد »
« هرکه‌سر باخت‌اندراین‌سودا ‌ ‌ ‌ آن مبرا از این وآن‌آمد »

۲ ـ کتیبه ایوان غربی :

این کتیبه‌که در سال ۱۳۶۸ هجری کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی معرق لاجوردی باین شرح است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس آیه ۳۵ سوره نورکتیبه شده است .

در یك لوحه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید معرق «لاحول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم سنه ۱۳۷۰ نوشته شده است . و در لوحه دیگر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی معرق مشکی چنین خوانده میشود :

« بسمه تعالی وان‌المساجدلله فلاتدعوامع‌الله احدا سنة ۱۳۶۷ » و در جاهای دیگر نیزکلمات و جملاتی مانند : « ان‌الصلوة تنهی عن‌الفحشاءِ والمنکر » وکلمه (الله) و «اکبر» وجود دارد .

۳ ـ کتیبه سردر شرقی :

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیه ۳۰ سوره (ص) تـاریخ کاشیکـاری در انتهای کتیبه سال ۱۲۹۶

هجری قمری نوشته شده است[1].

این مسجد طی شماره ۳۸۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2].

۱۵ ـ مسجد حاجی محمد مهدی :

این مسجد که بمسجد زاغی مشهور ودرکوچه درویشان محله خاجو واقع است درزمان شاه سلطان‌حسین ساخته شده وکوچك است .کتیبه سنگی سردرمسجد مزبور بشرح زیر حکایت میکند که حاجی محمد مهدی‌بن حاجی محمد رضابن حاجی غیاث‌الدین محمد مسجد را ساخته و بجهت روشنائی و بوریا و آب کشی یکباب‌خانه و بجهت تعمیر و خدمه دو حبّه اربابی قریه مهرآبادجی را وقف‌کرده است وآن کتیبه چنین است :

« بنا نمود توفیق‌آثاری حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد مهدی ولد »
« مرحمت‌پناه حاجی محمدرضابن مغفرت‌پناه حاجی غیاث‌الدین محمد این‌مسجد »
« را ووقف‌نمود بجهة روشنائی وبوریا وآب‌کشی یکباب‌خانه متصله بمسجدمزبور »
« و بجهة تعمیر وخدمه مسجد مزبور وقف‌نمود همگی وتمامی دوحبّه اربابی از »
« جمله هفتادودوحبه قریه مهرآبادجی‌مشهور به‌باب‌الحکمة‌متصله بقریه‌شهرستان »
« و تغییردهنده بلعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك »
« من شهور سنه ۱۱۰۷»[3] . این مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۱۶ ـ مسجد حاجی منوچهر:

این مسجدکه محقر است درمحله خاجوقراردارد و بانی‌آن حاجی منوچهر نامی بوده است ، ازآثار تاریخی این مسجد سنگ نبشته‌ای است بطول ۵۰ وعرض ۳۰سانتیمترکه بربالای سردرمسجد مزبورنصب شده ومفاد سنگ نبشته‌چنین‌است:

« درزمان معدلت نواب‌کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس اعلی شاه‌عباس ثانی »
« صفوی‌الحسینی بهادرخان‌خلدالله ملکه ابداً احیاء نمود این‌مسجدرا فی‌سبیل‌الله »

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۸۹ تا ص ۷۹۲ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۰ .
۳ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۳۰ تا ص ۷۳۱ .

« حاجی منوچهر ووقف مسجد نمود یك دکان بقالی ویك دکان نانوائی ویك دکان »
« علافی که مجموع سه جسم بوده باشد وکرایه آنها را صرف روشنائی وضروریات »
« دیگر نموده وطمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر »
« رمضان سنه ۱۰۷۲ » .

کتیبه عیناً ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل گردید[۱] . ولیکن در شمارش دکانها بعداز (یك دکان بقالی) (و) اضافه شده است . موضوع دیگری که بنظر میرسد اینستکه در عبارت «که مجموع سه جسم باشد» تحریفی شده باشد زیرا دراین جورموارد دکان‌را تخته وچشمه مینویسند وظاهراً درنوشته «سه‌چشمه» بوده وبصورت (سه‌جسم)خوانده شده است وگرنه اطلاق جسم بردکان درست نیست واگرچنین مفاهیمی‌را بخواهند اطلاق کنند بایدحجم بگویند نه‌جسم. دیگراینکه ازکلمه احیاءِ معلوم میشود مسجد ویران شده بوده واحیاءِ شده است . ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[۲] .

۱۷ ـ مسجد حاجی میرزا محمد صادق :

این‌مسجد درمحله خاجوودرنزدیکی چهارسوآجری ساخته شده وازمساجد زمان فتحعلی شاه قاجار است که بهمت مرد خیری بنام حاجی میرزا محمد صادق بناگردیده است ، مسجد مزبور وسعت‌زیادی ندارد ولی ازلحاظ نمای‌آن باکاشیهای معقلی جالب است .

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ‌که قسمتی ازآغاز ووسط و پایان‌آن تعمیرگردیده چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌ثقتی لقدوفق لبناءِ هذه العمارةالشریفة والمسجد »
« الرفیعة فی‌الزمن الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی‌مراسم الشریعة »
« الغراءِ و مشید قواعدالبیضاءِ مروج دین ائمة الطاهرین السلطان‌بن السلطان و »

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۳۰ . ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

« الخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار ادام‌الله ملکه ودولته ، الموفق بتوفیقات »
« الملك الخالق کهف الحاج والمعتمرین حاجی میرزامحمد صادق غفرالله سیئاته »
« فی‌سنة سبع وثلثین و مأتین بعدالف من‌الهجرة النبویة وقدتم بعون‌الله و حسن »
« توفیقه فی‌سنة اثنی و اربعین و مأتین بعدالالف ۱۲۴۲ » .

بانی مسجد در سال ۱۲۳۸ وفات کرده و چنین استنباط میگرددکه عمارت مسجد در ۱۲۳۷ خاتمه یافته بوده وقسمت اول کتیبه هم نوشته شده بوده است ولی چون بعدازوفات بانی هم دنباله‌آن تکمیل شده تاسال ۱۲۴۲ یعنی چهارسال بعداز وفات بانی طول کشیده است .

در عبارات‌کتیبه سر در الغرا والبیضا بدون همزه ممدوده درکتیبه مزبورکه عیناً ازکتاب‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] گرفته شده نوشته شده است ولی چون اسلوب عبارات کتیبه عربی است و ضرورت دارد که الغراءِ و البیضاءِ ممدود نوشته شود درست‌آن نوشته شد و ممکن هم‌هست‌که در قرائت‌کتیبه همزه‌ها از نظرمحو شده باشد .

نکته دیگر اینکه درعبارت‌کتیبه المسجد الرفیعة نوشته شده درصورتیکه درست‌آن روی قوانین‌نحوی‌المسجدالرفیع میباشد ولی بمتابعت‌اصل همان المسجد الرفیعة نوشته شد .

بانی مسجد مزبور پس‌ازوفات درایوان‌کوچکی‌که درشمال صحن‌آن میباشد دفن شده و روی سنگ مرمری بطول یك متر و عرض ۳۸ سانتیمترکه بطور قائم نصب شده‌کتیبه‌ای بخط ثلث چنین حجاری گردیده است :

«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون » .

« قدارتحل من‌دارالمحنة والغرور الی‌دارالبهجة والسرور المرحوم‌المغفور »
« المبرور الذی موته حیوته الجمیل وحیوته غرق رحمة ربه‌الجلیل یده للارامل »
« والیتامی کفیل اسمه لقوله دلیل و معرض عن لذات الدنیا قبل‌الرحیل ومات »

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۷۶۱ .

« لولاية اهل بيت الوصی والتنزیل خیرالحاج حاج میرزا محمد صادق فی احدی »
« وعشرین شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۲۴۸ » و سپس اشعار زیر بخط نستعلیق برجسته
برسنگک مرمر مزبورکنده شده است :

« معدن جودوسخا جامع دنیا ودین — مجمع صدق وصفا پیرواهل یقین »
« آنکه بتأیید حق برد سبق ازسبق — کرد بنا مسجدی رشك سپهر برین »
« شدچو بلاراهدف یافت شرف ازشرف — مدفن اوگشت پس خانه‌جان آفرین »
« گشت روانش روان چون بسفر ازجهان — شدبریاض بهشت باشه‌دین همنشین »
« دربراوگسترید خوان ضیافت خلیل — برسر راهش دویدعطرفشان حورعین »
« ازپی تاریخ اوخواست برآرد خرد — از صدف بحر نظم لؤلؤ در ثمین »
« جلوه‌گرافتاد عقل ازپی تاریخ فوت — گفت: (لکان هوجامع فضل مبین) »
(۱۲۳۸)

نکته‌ای‌که در فرد اول شعر چهارم بنظر میرسد اینستکه درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] که اشعارمزبور ازآن‌نقل شده(جنان) نوشته‌شده درصورتیکه جنان‌درست نیست وصحیح آن (جهان) میباشد وازاینرو درست‌آن درج شد . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد اقدامی نشده است .

۱۸ ـ مسجد حاجی یونس :

این مسجد در محله دردشت در بازارچه حمام قاضی نزدیك فلکه شهشهان واقع ومحقر است وکتیبه‌آن حاکی است‌که شخصی بنام حاجی یونس که‌آزادکرده حاجی صفی‌قلی بوده این مسجد را ساخته و ثواب آنرا نثار روح معتق خود قرار داده است . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] اظهار نظر شده که حاجی یونس از خواجه سرایان دوره شاه عباس ثانی بوده است ولی در مواردیکه خواجه سرایان مبادرت بعمل خیری میکرده‌اند مخصوصاً درکتیبه‌ها کلمه خواجه اضافه میشده است ودراینجا چنین‌چیزی وجود ندارد وبعلاوه حاجی یونس‌غلام حاجی صفی‌قلی

۱ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۲ . ۲ـگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ .

بوده نه شاه‌عباس ثانی وخلاصه مدرکی برای خواجه سرائی او دردست نیست مگر مدرکی تاریخی درمیان باشدکه ارائه نشده است .

کتیبه سردرمسجددرسه‌سطرحجاری شده ، سطراول آن‌که بخط ثلث برجسته میباشد چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی‌الله »
« له بیتاً فی‌الجنة صدق نبی‌الله . » .

سطردوم وسوم‌کتیبه بخط نستعلیق برجسته باین شرح‌کنده‌کاری شده است :

« توفیق بناءِ این مسجد یافت سعادت‌مآب حاجی‌الحرمین الشریفین‌حاجی »
« یونس ازخالص مال خود قربةالی‌الله وطلباً لمرضاته وثواب‌آنراهبه کرد بروح »
« مرحوم حاجی‌الحرمین الشریفین حاجی صفی‌قلی معتق خود سنه ۱۰۷۳ کتبه »
« محمدرضا الامامی » .

ونیز روی دولنگه در مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته کنده شده که سال ساختمان مسجد را حکایت میکند وآن کتیبه چنین است :

«قال‌الله‌تعالی وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداًصدق‌الله تحریراً فی‌اربع »
« وعشرین من‌شهرربیع‌الاول سنة اثنی وخمسین وتسعمائة الهجریة . » .

نکته‌ایکه‌دراین‌قسمت‌کتیبه بنظرمیرسد اینکه‌درعبارت : (فی‌اربع‌وعشرین) چون درمقام بیان مرتبه عدد است معمولا مینویسند : (فی‌الرابع والعشرین) و یا (فی‌رابع وعشرین) وگمان میرود درکتیبه هم (فی‌رابع) نوشته شده باشد . و چون کتیبه از گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] نقل شده همانطورکه درآنجا بوده نقل گردیده است .

سال ساختمان در که مطابق کتیبه در ۹۵۲ هجری میباشد با زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی انطباق دارد . وناچار بایدگفت که این در ازجای دیگری باین مسجد نقل گردیده است ، چه تاریخ بنای مسجد بعد از ساختن در میباشد .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۶۱۲ .

ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[1] .

۱۹ ـ مسجد حکیم :

این مسجد درنزدیکی بازارچه نو درپایان بازار رنگرزان قراردارد ودرقرن یازدهم هجری درزمان شاه‌عباس ثانی بوسیله حکیم داود اصفهانی ملقب به‌تقرب‌خان برروی خرابه مسجد جامع صغیرجورجیر بنا گردیده است .

علت اینکه آن مسجد را مسجد جورجیرنامیده‌اند ازآن‌رو بوده‌که درمحله جورجیرکه ازمحلات قدیمی اصفهان محسوب میشده قرارداشته است .

حکیم داود بطوریکه نوشته‌اند درابتداء پزشك شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم بوده است و چون بجهاتی مورد بی‌مهری واقع شده بهندوستان گریخته ودرآنجا درائر ملازمت اورنگ زیب و انجام خدماتی بلقب تقرب‌خان مفتخر واموالی اندوخته و آن اموال را بوسیله‌خانواده‌اش دراصفهان هزینه ساختن این مسجدکرده است .

مسجد حکیم دارای چهار در خروجی است . (ش۶۴)

درسردر شرقی مسجددرکتیبه‌ای‌بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعاری نوشته شده‌که درآن پادشاه زمان ساختمان و بانی ساختمان وتاریخ ساختمان بشرح زیر بیان گردیده است :

« در ایام سریرآرائی خاقان گردون تخت

سلیمان زمان عباس ثانی سایه یزدان »

چنان از غیب ملهم شد حکیم کاردان داود

بپای تخت هند آمد خطاب او تقرب‌خان »

« که بی‌تأخیرمیباید روان شد سوی اصفهان

یکی مسجد توچون گلزارداودی نهی بنیان »

« بسعی کارفرمائی بنا شد اندراین دوران »

خجسته مسجدی چون عالم تجرید روحانی

مصفا معبدی خاطرگشا چون شیوه احسان »

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .



(شکل۶۴)

« بتاریخ بنا واضح نوشت این‌تازه مصرع را:

(مقام کعبه دیگر شد از داود اصفهان) »

(۱۰۶۷)

میان مصرع پنجم‌وششم بخط سفید بر زمینه سبزرنگ نوشته شده : «درسال ۱۳۲۳ خورشیدی» «تعمیرشد» و میان مصرع ششم و هفتم درلوحه دیگری نوشته شده : «فی‌خمس وثمانین بعدالالف» ودرآخر اشعار در یك نیم لوح بخط لاجوردی رنگ برزمینه سبز چنین خوانده میشود : « عمل میرزا محمد کاشی پز ۱۰۸۵ » ودر رأس هلال سردر درلوحه‌کوچکی نوشته شده :

« درتاریخ شوال ۱۳۶۳ بهمت حاج ابوالقاسم تبریزی تعمیرشد . »

کتیبه تاریخی مسجد در سردر شمالی قرار دارد و آن کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« قد وفق لاتمام هذاالمسجدالرفیع فی‌زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم مالک رقاب‌الامم مولی‌ملوک‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمةالمعصومین »
« السلطان‌بن السلطان ابی‌المظفر شاه‌عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی »
« بهادرخان خلدالله ملکه اقل‌العباد الملک‌الکریم محمد داود الحکیم‌المخاطب »
« بتقرب‌خان ادام‌الله‌تعالی افضاله و رفع قدره الی یوم‌الدین‌کتبه محمدرضاالامامی »
« فی ۱۰۷۳ » .

در دو طرف سردر شمالی در دو لوحه کوچک بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« عمل فقیر محمد علی‌بن استاد علی بیک بناء اصفهانی » .

درقسمت بالای نمای‌خارجی ایوان‌جنوبی مسجد بخط بنائی سه‌رگی برزمینه فیروزه‌ای معرق کاشی نوشته شده :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله‌والله‌اکبر» . در داخل ایوان جنوبی ابتداء نوشته شده : «قال‌الله سبحانه وتعالی» و دنباله آن آیةالکرسی و سپس این عبارات خوانده میشود :

« وقال عزوجل ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین‌آمنوا صلوا »
« علیه وسلموا تسلیماً صدق‌الله العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم‌کتبه محمدرضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره جمعه است وسپس باین عبارات تمام میشود :

« صدق‌الله‌العظیم وصدق‌رسوله‌النبی‌الکریم تم فی‌تسع وستین والف ۱۰۶۹ »
« کتبه‌المذنب محمدرضا الادهمی الاصفهانی . »

کتیبه اطراف محراب مسجد بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی

رنگ مشتمل بر آیات ازاول تاششم سوره اسری وباین عبارات اتمام میپذیرد :
« قال‌الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان‌یکونوا من‌المهتدین کتبه»
« محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ » .

کتیبه درون محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی رنگ بعد از آیه ۱۴۴ ازسوره بقره چنین‌نوشته شده :

« قال‌الله عزوجل و ان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً کتبه محمد رضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه نمای خارجی‌محراب شبستان شرقی‌گنبد بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی مشتمل بر صلوات برچهارده معصوم بوده و باین عبارت ختم میشود :
« فی‌تسع وستین والف » و درآخر کتیبه در دوسطر کوچك بخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ‌کاشی لاجوردی چنین‌نوشته شده :

«کتبه العبد المذنب المحتاج الی‌الله الغنی محمدرضا الامامی‌الاصفهانی . ».
کتیبه محراب شبستان غربی گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« قال‌الله تبارك وتعالی انما ولیکم‌الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون »
« الصلوة ویؤتون الزکوةوهم راکعون صدق‌الله و رسوله کتبه محمدباقر الشیرازی »
۱۲۵۴ » .

دراطراف ایوان شمالی مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ مشتمل بر سوره‌های دهر و اخلاص نوشته شده و رقم تاریخی آن چنین‌است : «کتیبه محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ »

کتیبه هلال‌مقابل ایوان مزبور بخط ثلث برجسته برزمینه لاجوردی ابتداء سورهٔ شمس گچبری شده ودنباله آن چنین‌است : « قال‌الله تعالی ان‌الله وملائکته»
« یصلون‌علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً. قال‌الله تعالی انما»

«ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون»
« کتبه محمدرضا الامامی فی ۱۰۷۰ »

بردست انداز دوحجره طرفین ایوان شمالی مسجد بخط بنائی ساده برهریك یك مصرع از بیت زیر نوشته شده :

« بسم الله الرحمن الرحیم » « هست کلید درگنج حکیم »

درایوان شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی سوره تکویر ودنبال آن این عبارت خوانده میشود :

« وقال عزوجل قل الحمدلله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریك فی الملك »
« ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیراً . » .

درایوان غربی نیزسوره نصر وانفطار وعبارت زیر بخط ثلث سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است : « صدق الله العظیم وصدق رسوله »
« النبی الکریم کتبه محمدرضا الامامی حامداً تعالی فی ۱۰۷۳ » .

و درمیان پشت بغل نمای خارجی ایوان مزبور در شکلی چهار گوش بخط بنائی لاجوردی برزمینهٔ کاشی سفید نام استاد معروفی که در این مسجد کارکرده و میتوان گفت براستادان دیگربرتری داشته بشرح زیر ذکرشده است :

« عمل محمد علی بن استاد علی بیك » .

شبستان غربی مسجد حکیم از نمونه شبستانهای بـزرگ وجالب مساجد اصفهان هم محسوب ومحراب کاشیکاری آن بسیار زیبا است و کتیبه آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« وعن ابی حمزة عن الامام ابی جعفر محمدبن علی الباقر انه قال قال له رجل »
« کیف سمیت الجمعة قال ان الله عزوجل جمع خلقه لولایة محمد ووصیه فی المیثاق »
فسماه یوم الجمعة لجمعه فیه خلقه . »

این مسجد دارای هفت هزار ذرع مساحت است که عمارات مسجد وصحن و ملحقات آن درآن قرارگرفته است .

نوشته‌اندکه حکیم داود از اموالی که در هندوستان بدست آورده بوده این مسجدرا ساخته‌است وحکایت کرده‌اندکه باندازه‌ای درکیفیت ساختمان دقت‌میکرده که دستور داده بود حیوانهائی که بار مصالح برای مسجد میبردند بجای اینکه‌در تند رفتن آنها را آزارکنند علف در راهشان میریختندکه با علاقه‌آن مسیر را طی کنند وکسی حیوانی را آزارندهد[۱].

مقبره معروف به سادات درگوشه شمال غربی‌قرار داشته است وقبر ملامحمد جعفر فرزند ملا محمدباقر سبزواری[۲] پشت مجسد و مقبره حاج محمد ابراهیم کلباسی[۳] وآقای محمد مهدی کلباسی[۴] و عده‌ای دیگر در مقابل درب شرقی مسجد واقعند.

۱ـ تاریخ‌اصفهان‌وری ص۱ــ ۲۷۰. ۲ـ ملامحمدجعفر شیخ‌الاسلام‌فرزند ملامحمدباقر سبزواری از اجله علماء وفقهای اصفهان بود و در محضر پدر وجمعی دیگر از علماء استفاده کرده بود و در اصفهان بتدریس و امامت اشتغال داشت وپس ازوفات درجنب مسجد حکیم درقبرستان کوچکی مدفون‌گردید. ۳ـ حاج محمدابراهیم کلباسی فرزند حاج‌محمدحسن ابن محمد قاسم خراسانی اصفهانی پدرش از هرات به‌کاخك واز آنجا باصفهان آمده و در اصفهان و قم ونجف اشرف وکاشان از محاضر وحید بهبهانی و بحرالعلوم وشیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض و میرزای قمی و ملامهدی نراقی استفاده وپس از اینکه از طرف اساتید خود مجاز گردیده در اصفهان مشغول تدریس و امامت و افتاء و ارشاد گردیده است وبزرگانی چون میر سیدحسن‌مدرس وآقا سیدحسن مجتهد موسوی وآقامیرسید محمد شهشهانی‌را تربیت کرده است. مرحوم کلباسی از زهاد بنام و علمای عظام زمان خود بوده و تألیفات زیادی داردکه از آن جمله است:

۱- اجوبة المسائل. ۲ - اشارات الاصول. ۳ ـ ارشاد المسترشدین. ۴ـ ایقاظات. ۵ـ رساله در تقلیدمیت. ۶- رساله درصحیح واعم. ۷- رساله در مفطر بودن قلیان. ۸ـ شوارع الهدایة. ۹ـ مناسك حج. ۱۰ـ منهاج‌الهدایة. ۱۱- نخبه. ۱۲ـ نقد الاصول.

وی در نوزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۱۸۰ هجری در اصفهان متولد و در شب پنجشنبه هشتم جمادی الاولی سال ۱۲۶۱ هجری در اصفهان درگذشت و در مقبره مخصوص مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید.

۴ـ آقا محمد مهدی‌کلباسی فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی عالم و زاهد متقی از فحول علماء ومجتهدان ومحققان بود در نزد پدرخود و سید حجةالاسلام رشتی وجمعی دیگر ←

این مسجد بموجب شماره ۲۲۳ به ثبت تاریخی رسیده[۱] مطالب کتیبه‌ها بیشتر آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[۲].

۲۰ ـ مسجد خان :

این‌مسجدراکه درمحله خاجو درکوچه‌ایکه بطرف تر واسکان‌میرود واقع‌شده شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۱۰۲۰ ویا ۱۰۲۲ ه . ق) ومتوفی محرم (۱۱۰۱ه.ق) وزیر شاه سلیمان صفوی ساخته وساختمان درسلطنت شاه مزبور انجام شده است.

مسجد مزبور نسبت بسایر مساجد دوره صفویه‌کاشیکاری مختصری دارد ولی تزیینات آجری‌آن جالب است وکتیبه‌هائی‌داردکه بترتیب زیرشرح داده میشود :

۱ـ کتیبه ایوان شمالی مسجد برهلال دیوار مقابل آن بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگک مشتمل برصلوات برچهارده معصوم و بایـن جمله ختم میشود : « کتبه عباس المولوی ». و دنبالـه آن کتیبه تـاریخی آن بشرح زیر است :

« قد امر ببناء هذا المسجد المبارك فـی‌زمان دولـة السلطان‌بن السلطان »

→

تلمذکرده ودر مسجد حکیم امامت وتدریس میکرد ومرجعیت داشت ومورد وثوق عموم بود. از آثار اواست :

۱- رساله در استصحاب. ۲ـ رساله در اراضی مفتوح‌العنوة . ۳ ـ رساله درطهارت. ۴- رسائلی دراصول. ۵ـ شرح طهارت لمعه. ۶ـ شرح‌منهاج‌الهدایة درهشت مجلد. ۷ـ شرح روضة‌البهیة. ۸ـ شرح‌تصریف. ۹- شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد . ۱۰ ـ شفاء الاسقام در شرح تهذیب المنطق . ۱۱ ـ ضیاءالعوالم در اصول فقه . ۱۲ ـ عیون الاصول در اصول مختصر . ۱۳- مشارق‌الاصول . ۱۴- مصابیح الاصول . ۱۵- منهج‌السداد در شرح ارشاد . ۱۶ - نورالعیون . ۱۷- هدایة‌الطالبین .

نامبرده در شب چهارم جمادی الثانیه ۱۲۷۸ هجری وفات یـافت و در جنب پدر در مقبره مقابل مسجد حکیم مدفون شد . (نقل از تذکرة‌القبور یا بزرگان اصفهان)

۱ - فهرست بناهای تاریخی ص ۵۵. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۶۱۲ تا ص ۶۱۹ .

« والخاقان بن الخاقان ظل الله المنان شاه سليمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله »
« ملکه اعتماد الدولة العلیة العالیة شیخعلیخان آصفجاهی ایده الله تعالی کتب فی سنة »
« تسعین بعد الالف » .

۲ ـ کتیبه ایوان جنوبی بر دیوار شرقی آن در یك شکل سه گوش چنین نوشته شده است :

« قال الله تعالی فی محکم کتابه المنزل علی نبیه المرسل انما یعمر مساجد الله »
« من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك »
« ان یکونوا من المهتدین و بحول الله تعالی و قوته قدقام باقدام الصدق فی صف »
« المبشرین بتلك الایة الکریمة حین ماسفر صبح السلطنة العلیة العلویة القائمة »
« فی الذریة الموسویة الصفویة من افق سریرا عدل ملوك مشارق الارض و مغاربها »
« واکمل من حملته الدنیا علی سنامها و غاربها ذی السطوة القاهرة الذی اذ اتلیت »
« آیات باسه علی الذین عتوا فی الارض ارتعدت اکتافهم و اذا خیلت للذین ضربوا »
« صفحاً وطووا کشحاً عن النفل والفرض شرارة من جحیم غضبه اذابترت اطرافهم »
« مذانشدت علی المنابر خطب سلطنته یقوی ظهر الاسلام بفقرات مناقبه بحیث لاغرو »
« ان لم یبق کالمحاریب علی الجدران وحیثما بسطت همة طایرها المیمون جناح »
« الرافة علی بیضة المملکة تقاصرت ید الظلمة فافرّ من شدید بطشه بحیث لایستعجب »
« ان استوکرا لعصافیر فی مخالب العقبان صاحب الدولة الکیوانیة مروج الشعائر »
« الایمانیة السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی »
« بهادرخان جعل الله انتظام الدولة موکولاً الی قدیم عنایته وصیر بخلیقته دوام سلطنته »
« موصولاً بقیام حجته وظهور خلیفته من هو اصدق الطائفین حول ذلك السریرنیة »
« واخلصهم طویة واصفاهم سریرة و انقاهم عقیدة طود الطول والمرحمة جودی »
« الجود والمکرمة ناحت قلم الوزارة بسیف الامارة رافع لواء الامارة بیمین الوزارة »
« اعتماد هذه الدولة العلیة و اعتضاد تلك السلطنة البهیة المطیع لامر الله المنفق فی »
« سبیل الله المؤید بتأییدات الملك المنان شیخعلیخان لازالت جوامع همه مقصورة »

« علی اقامة شعائر الدین و ادامة مآثر سید المرسلین حیث امر ببناءِ هذا المسجد الذی»
« اسس علی التقوی من اول یوم وافترشت و طویت فیه للمصلین اجنحة الملائکة »
« فی کل قعدة وقوم وکان فوزه دام توفیقه بتلك السعادة الجلیلة فی سنة تسعین بعد »
« الالف کتبه محمد محسن الامامی . »

هردو کتیبه بعینه از گنجینه آثار تاریخی[1] اصفهان نقل گردیده و باتوجه بعکس کتیبه معلوم گردید که تمامی آن مطابق اصل کتیبه میباشد فقط واوی از عتووا حذف گردیدو کلمه نقوی ظهر الاسلام هم بامراجعه بعکس معلوم گردید نقطه‌ای روی نون نیست و درواقع همان یقوی بصیغه مفرد مضارع غایب است که بامضمون کتیبه وفق میدهد و لذا نقوی مذکور در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان به یقوی اصلاح گردید .

کتیبه حاکی‌است که پیش از سال یکهزار و نود هجری دستور بینا داده شده بوده‌است ولی خاتمه‌بنا را حکایت نمیکنند، مگر اینکه بگوئیم معمولاً کتیبه‌های تاریخی بعد از اتمام بنا نوشته می‌شود و با این فرض فقط تاریخ شروع بنا معلوم نیست . این مسجد که از آثار تاریخی‌است طی شماره ۳۲۷ به‌ثبت رسیده است.[2]
مسجدخان دیگری درمحله احمدآباد وجود داردکه بانی آن باقرخان خوراسگانی بوده است .

۲۱- مسجد خلوت نشین = شیشه :

این مسجد درکوچه باغ قلندرها واقع شده وچون بانی آن محمد قاسم زاهد مشهور بخلوت‌نشین فرزندمحمدبن محمدمحسن زاهد از درباریان زمان‌بوده آنرا مسجد خلوت نشین نامیده‌اند ولی بمناسبت اینکه در اواخر صحن کوچك مسجدرا با شیشه پوشانیده‌اند به‌مسجد شیشه شهرت یافته است .

مسجد مزبور از نظر تعمیراتی که درآن شده از صورت قدیمی بیرون رفته ولی محراب شبستان جنوبی آن بحالت اصلی باقی ودارای تزیینات کاشیکاری میباشد .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۸ تاص ۶۴۰.   ۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷.

کتیبه هائی که ذکر میشود از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است [1] .

دراین مسجد سه کتیبه بخط ثلث بشرح زیر وجود دارد :

۱ـ کتیبه محراب شبستان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ در اول آن آیه ۱۴۴ سوره بقره و آخر آن چنین است : « کتبه محمد محسن الامامی » .

۲ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بخط محمد محسن امامی باین شرح است :

« لما توفر الداعی علی اتخاذ المساجد و تعهدها فی الکتاب والسنة کما قال الله »
« تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله وقال رسول الله صلی الله علیه و آله من بنی »
« مسجداً بنی الله له بیتا فی الجنة ، اقام بمجامع الهمم فی زمن السلطان الاعظم و »
« الخاقان الافخم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم ظل الله فی العالم السلطان بن »
« السلطان ابن السلطان ابی المظفر شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله »
«ملکه وسلطانه لبناء هذا المسجد مثابا للناس من العاکف والعابد خادم اهل بیت العصمة»
« وملازم سدة السلطنة محمد قاسم الزاهد الشهیر بخلوت نشین وفقه الله لمرضاته »
« وافاض علیه من برکاته وقد وفق اتمامه السنة المأته بعد الالف کتبه ابن محمد رضا »
« محسن الامامی . »

عبارت از : (شاه سلیمان تا سلطانه) برای تجلیل وتعظیم در بالای کتیبه نوشته شده و این نکته درقدیم مرسوم بوده است ولی برای اینکه تولید اشتباه نشود درکتیبه مذکور درمحل خود منظور گردید .

۳ـ کتیبه حاشیه دالانی که سردر مسجد را بصحن وصل میکند بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ باین شرح نوشته شده است :

« اللهم اغفر لبانی هذا المسجد ولوالده الورع الماجد محمد بن محمد محسن»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۵۱ تا ص ۶۵۲

« زاهد ولابائه المشهورین بخلوت نشین رحمة‌الله علیهم اجمعین فی ۱۱۰۱ »

ازکتیبه آخرمعلوم میگردد که خانواده بانی‌مسجد معروف به خلوت نشین ونیز زاهد بوده‌اند واین عنوان اختصاص بشخص‌بانی نداشته است و دیگر اینکه مسجد در سال ۱۱۰۰ ساخته شده و دنباله تزیینات تا سال ۱۱۰۱ هجری کشیده شده است . ثبت‌تاریخی این‌مسجد درگردش اداری [۱] ومساحت آن درحدود چهار قفیز است [۲].

۲۲- مسجد دروازه حسن آباد :

این مسجد در ابتدای دروازه حسن‌آباد واقع و در عصر محمد شاه قاجار یعنی قرن سینزدهم بنا شده وبانی‌آن مشهدی‌حسن‌سلمانی‌بوده‌که سه دکان نیزوقف براین مسجد کرده است .

کتیبه سردرمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل برآیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه است .

در داخل محراب مسجد لوح سنگی بطول ۸۵ وعرض۲۸ سانتیمتر منصوب است که روی‌آن چنین حجاری شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لقد بنا هذه العمارة الشریفة و المسجد الرفیعة »
« فی‌الزمن الدولة السلطان الاعظم‌والخاقان الاکرم محمد شاه قاجار خلدالله‌ملکه »
« وبفضل وکرم خالق ربانی توفیق یافت مشهد حسن سلمانی برین بنای روحانی »
« مخفی نماندکه این‌عبارت ازخود واقف است واینقبه محققاً مسجداست ودودکان »
« یکی متصل بعقب این‌قبه وجنب دروازه حسن‌آباد ویکی‌دیگر دکان نعلبندی »
« درب اینقبه وقف مؤبد صحیح شرعی این قبه است وبلعنت خدا و نفرین رسول »
« گرفتار شود هرکه تغییر وتبدیل دراین اساس دهد فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما »
« انمه علی‌الذین یبدلونه واحتیاطاً مجدداً صیغه جاری شد ۱۳۳۷ » .

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷
۲- تاریخ اصفهان وری ص ۲۷۸ .

این کتیبه نیز عیناً از کتاب گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان [۱] نقل گردیده است نکته‌ایکه دراین کتیبه جلب توجه میکند اینستکه مشهدی حسن‌سلمانی درزمان محمدشاه قاجار این‌مسجدرا بناکرده و اگر فرض کنیم که سال بنا مصادف با آخرین سال عمر محمد شاه یعنی سال یکهزار ودویست وشصت وچهار هجری باشد تاتاریخ (۱۳۳۷ هـ . ق) بالغ برهفتاد وسه سال میشود واگر واقف و بانی درهنگام بنای مسجد سی سال هم داشته باشد سنین عمر او در۱۳۳۷ بالغ بر یکصدوسه سال‌خواهد بود و معمولی بنظر نمیرسد وممکن است‌کسانی عبارت پائین‌کتیبه را نوشته باشند که وارث او بوده‌اند و صلاحیت این‌کار را داشته‌اند .

۲۳ ـ مسجد ذوالفقار :

این‌مسجد در محله نیم‌آورد درکوچه ذوالفقار در بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است ومساحت آن درحدودنیم [۲] جریب است . مطابق محتوای‌کتیبه بانی مسجدشخصی بنام شیخ محمد صفی‌بوده که درعصر شاه طهماسب مسجد را بناکرده است و نام‌آنرا نیز ذوالفقار نهاده و از اینرو بالای سردرمسجد صورت دو شمشیر دیده میشودکه ذوالفقار از آن مفهوم میگردد .

مؤلف تاریخ اصفهان وری [۳] نوشته که مسجد و مدرسه و حمام ذوالفقار را ذوالفقارخان اسپهانی خاصه تراش‌شاه ساخته است و این‌مطلب کاملاً اشتباه است . زیرا اولا خاصه تراش شاه مطابق محتـوای یکـی از کتیبه‌ها استاد علیرضا بوده نه ذوالفقارخان واصولا ذوالفقارخانی در بین نبوده است واینکه تصورکرده‌اند که مسجد را خاصه‌تراش شاه ساخته است از آنجا ناشی شده که درلوحه سنگی که‌در مسجد نصب‌است مقررگردیده‌که درریاست خاصه تراش‌شاه برصنف دلاك وسلمانی و نظائر آنها وجوهاتی‌که درپیش‌گرفته میشده مطالبه‌نگردد وازطرفی‌هم بالای‌سردر صورت دوشمشیر بوده ازمجموع این‌مطالب نتیجه موهومی‌باین‌طورکه ذوالفقارخان خاصه تراش بانی مسجد ومدرسه وحمام بوده گرفته شده است .

۱- گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۹ .   ۲و۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۲۴۷ .

درمسجد مزبور دو نوع کتیبه وجود دارد که قسمتی مربوط بمسجد و قسمت دیگر ارتباطی بمسجد ندارد و برای اینکه درنظرمردم بوده وکسی‌هم نتواند محل آن‌را تغییر دهد درمسجد نصب شده است.

الف- کتیبه‌هائی که بمسجد ارتباط دارد:

۱- کتیبه‌سردر مسجد بخط ثلث باکاشی سفیدمعرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین است:

«قد عمرالله هذا المسجد الموسوم بذی‌الفقار فی‌ایام خلافة السلطان‌الاعظم»
«الاکرم ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض علی-»
«العالمین عدله اضعف عبادالله شیخ محمد الصفی نمقه محمد سیاوش فی‌سنة ۹۵۰.»

۲- کتیبه اشعار کنده شده بردر قدیمی مسجد که بطرف بازار باز میشود بخط ثلث برجسته بشرح زیر:

«محمد عربی آبروی هر دو سرای
کسی که خاك درش نیست خاك بر سراو»
«شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او»
«که من مدینهٔ علم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی‌است من‌سگ در او»

۳- روی دری‌که بسوی کوچه باز میشود این جملات خوانده میشود:
«قال‌الله تبارك وتعالی» «وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً»

۴- کتیبه‌ایکه حاکی‌است رقباتی‌برمسجد وقف‌شده وآن‌لوحی‌است سنگی بطول ۵۷ و عرض ۴۰ سانتیمتر که بربالای کتیبه سردر نصب شده وآن بخط‌ثلث برجسته چنین‌است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی واقف علی‌الضمائر و السرائر و»
«الصلوة‌والسلم علی‌محمد وآله اجمعین‌وقف شرعی نمود عالیجناب‌حاجی‌الحرمین»

« الشریفین سیدالساداة حاج میرزا اسدالله همگی دوباب دکان قصابی و نوار . . »
« فروشی درجنب مسجد ذوالفقار معین درسرنم آورد بموجب وقف‌نامچه علیحده »
« و وقف مسجد مزبور نمود وقفاً صحیحاً شرعیاً و این کلمات بجهة وقف نامچه »
« قلمی شد فی پنجم شهر رمضان ۱۱۰۹ کتبه محمد نصر. »

ب ـ کتیبه‌ایکه ارتباط بمسجد ندارد وآن عبارت از فرمانی‌است راجع به بخشش مالیات بعضی از کسبه که برسنگی سیاه بطول ۹۰ و عرض ۵۵ سانتیمتر منصوب بریکی ازجرزهای ایوان‌جنوبی مسجد بخط نستعلیق برجسته بشرح‌زیر حجاری شده است :

« فرمان همیون آنکه چون‌بعرض رسیدکه ازقدیم‌الایام مقرر بودکه خاصه»
« تراش مبالغی‌ازجماعت‌سلمانی‌وسلیمانی که عبارت از دلاکان وآینه‌داران وفصادان»
« وختنه‌کاران وکیسه مالان وخدمتکاران وآبگیران حمامات مردانه وزنانه‌بعنف »
« وتعدی با آنان رفتارمینموده‌اند ـ دراین‌زمان‌خجسته اوان که‌امرخاصه‌تراشیرا »
« بعمدة‌الصناع استاد علیرضاخاصه‌تراش شفقت‌فرمودیم مشارالیه مطالبات‌مذکوره»
« رامعاف داشته شرط نمودکه یك دینار طلب ندارد وثواب آنرا بروزگارفرخنده»
« آثاربندگان نواب‌کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس‌شاه بابام اناالله برهانه‌هبه‌نمود »
« بنابرین مقرر نمودیم که احدی ازحکام و تیولداران وکلانتران و سربلوکان و »
« ضابطان فیوج ممالك محروسه اصلاً ومطلقاً بعلت اخراجات ازعلفه و علوفه و »
« قنلقا و الاغ وپیکار وشکار و دست‌انداز وپیشکش وعیدی وسایر تکالیف دیوانی »
« بهراسمی‌که بوده باشد حواله ننمایند وقلمرا کوتاه دارند وهرساله حکم‌مجدد »
« طلب ندارند وآیه کریمه فمن بدله بعد ما سمعه‌را منظور دارند تحریرا فی‌شهر»
« صفر ۱۰۳۷ » .

هرچند درمتن فرمان صادرکننده‌آن تصریح‌نگردیده ولی‌تاریخ‌آن میرساند که صادرکننده آن شاه عباس اول بوده است .

مأخذکتاب‌درباب‌کتیبه‌ها‌گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان[1] است. ثبت‌تاریخی‌این

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۴ تا ص۳۸۶ .

مسجد درگردش اداری است[1].

۲۴ــ مسجد رحیم‌خان :

این مسجد در ابتدای محله نو در جائی‌که بدرب‌کوشك متصل میشود واقع وبنای نخست آن ازمرحوم میرسید حسن‌مدرس‌متوفی (۱۲۷۳ هـ. ق) استاد میرزای شیرازی وآقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی ومیرزا محمد حسن نجفی بوده است. تاریخ شروع بنا معلوم نیست ولی‌بطوریکه مؤلف نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان نوشته‌است[2]:

«پس‌از وفات میرسیدحسن مدرس (۱۲۷۳هـ. ق) محمد رحیم خان بیگلر-» «بیگی[3] بعمارت‌آن پرداخته و عمراونیز وفا باتمام‌آن نکرده وبرادرانش محمد» «کریمخان ومحمدحسینخان بعمارت‌آن مشغول‌شدند وباز درآن‌اثنا محمدکریم-» «خان‌بمرد ومحمد حسین‌خان بکار عمران‌مسجد مشغول‌است وقریب‌الاتمام میباشد» «خداوند توفیق عطا فرماید که تعجیل در اتمام آن کرده شودکه مسجدی نیکو» «شده‌وآن درکوچکی وبزرگی‌متوسط است‌سمت قبلی‌آن‌گنبدی خوش وضع‌ساخته» «شده ودوطرف‌آنرا نیزصفه مانند باستونهای سنگ ساخته‌اند ومسجدی باشکوه» «شده صحن‌آن بقاعده وسعتی‌دارد، حوض ومهتابی‌درآن انداخته‌اند وموافق همت» «و دولت خود خوب ساخته‌اند.»

«این مسجد سه دروازه دارد یکی بطرف مشرق ودیگری بجانب مغرب و» «دیگری بطرف شمال‌که مقبره بانی نخست در جنب آن است.»

در ساختمانهای مختلف مسجد تاریخهای‌گوناگون دیده میشودکه عبارت از تاریخهای: ۱۲۹۰ و ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ و ۱۳۷۸ می‌باشد.

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

۲ــ نصف جهان‌فی‌تعریف الاصفهان ص۶۶.

۳ـ رحیم‌خان سدهی اول فراش حکومتی بود وهیچ سواد وخط نداشت وبنیروی هوش وحافظه ترقیاتش بجائی رسیدکه ضابطی کل بلوکات اسپهان وگمرك‌کرمانشاهان وکاشان ویزد واصفهان‌را اداره میکرد و بیگلربیگی‌گریرا نیز برمنصبش افزودند یك‌کرور نقد ومقادیری جنس ابوابجمعی دولت‌را داشت اتمام مسجد رحیم خان ازهمت اوشد. (تاریخ اصفهان وری درص۲۸۹ تا ص۲۹۰).

تاریخ شروع بنای مسجد پیش‌از ۱۲۷۳ هجری بوده و از گفته مؤلف نصف جهان فی تعریف الاصفهان استنباط میشود که حداقل پنج سال مشغول عمارت مسجد بوده که فوت شده‌است وچون تاریخ فوت میرسید حسن ۱۲۷۳ هجری بوده میتوان گفت شروع بساختمان در ۱۲۶۸ هجری شده وخاتمه آن در ۱۳۰۴ هجری بوده و تغییرات بعدی پس‌از اتمام ساختمان بوده است .

درمسجد رحیم خان که عمارت آن بوسیله بانیان مختلف انجام شده‌کتیبه‌هائی وجود دارد که هرکدام درزمان بانی دیگری انجام شده است :

۱ ـ کتیبه سردرشرقی مسجد بخط ثلث‌سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه وآله انا مدینة‌العلم وعلی‌بابها درایام دولت‌جاوید
« مدت محیی مراسم شریعت سیدالمرسلین ومشید قواعد ملت ودین مخرب آثار»
«الکفار السلطان ناصرالدین‌شاه قاجارخلدالله ملکه واوان حکمرانی معدن جود »
« و احسان حضرت اشرف اقدس و الاظل السلطان دام اجلاله بسعی خلد آشیان »
« مرحوم محمد رحیمخان امیرالرعایا واهتمام عالیجاهان محمدکریم‌خان وکیل‌»
« الرعایا ومحمد حسینخان امین‌الرعایا اتمام یافت . ۱۳۰۱ » .

ازمفاد کتیبه مزبورمعلوم میگردد که‌گردش عمارت مسجد موقوف‌نگردیده و پس از وفات محمد رحیم خان امین‌الرعایا ادامه داشته و برادرانش باتمام رسانیده‌اند .

دربالای دوسکوی بزرگ طرفین دربخط بنائی آجری سورهٔ عصر ودربالای دوسکوی کوچك طرفین در بخط بنائی اسامی : الله ـ محمد ـ علی ـ فاطمه را نقش‌کرده‌اند .

دریك لوحه چهار ضلعی منصوب بربالای سردر بخط نستعلیق لاجوردی بر زمینه کاشی زرد چنین نوشته شده :

« انا مدینة‌العلم وعلی‌بابها ۱۲۹۵ » ودر ذیل آن بخط نستعلیق لاجوردی

صلوات بردوازده‌امام بشرح زیر نوشته شده است :

« صل علی النبی العربی محمد صلی الله علیه و آله وامیر المؤمنین علی بن ابی طالب »
« والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمدابن علی وجعفرابن محمد وموسی ابن »
« جعفر وعلی ابن موسی ومحمدابن علی وعلی ابن محمد والحسن ابن علی والقائم . »
در صلوات مزبور که عیناً ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] نقل شده و در اصل کتیبه چنین نوشته شده غلط املائی وجود دارد وآن همزه ابن است که درمورد یکه ابن میان دو علم واقع میشود مطابق قانون خط باید همزه آن ساقط گردد ولی در کتیبه مزبور وجود دارد .

۲- درحاشیه چهارپر طاق سردر بخط بنائی لاجوردی بر زمینهٔ سفید معرق درآغاز سورهٔ اخلاص و دنبال آن عبارت « باهتمام کریمخان و حسینخان » نوشته شده است .

۳ - کتیبه فوقانی نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی ابتدا « قال الله تبارك وتعالی » وسپس آیات ۳۵ و ۳۶ و نصف آیه ۳۷ سوره نور و پایان کتیبه باین عبارت : « کتبه محمدباقرالشیرازی فی سنة ۱۳۰۴ » منتهی میگردد .

۴ - درهمین تاریخ برطرفین ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« از علو همت ستوده دوران	خان حسین آسمان عالم احسان »
« لشکر اقبال‌را امیر جهانگیر	کشور اقبال‌را خدیو جهان بان »
« کوثر دیگرظهور یافت بجنت	کعبه دیگر پدید شد بصفاهان »
« ازپی تاریخ این بنای معظم	زدرقم این شعرنغز کلك سخن‌دان »
« قبله دیم عیان نموده بن آزر »	« مسجداقصی بنانهاده سلیمان » »
(۶۸۷)	(۶۱۷)

دربالای مصراع ماقبل آخر بخط نستعلیق ریزنام معمار مسجد «معماراستاد

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۷۹۶ تا ص۸۰۳ .

آقاجونی» ودرزیر مصراع آخر بخط نستعلیق نوشته‌شده:«کتبه‌حسن خان ۱۳۰۴».
ضمناً قابل یادآوری است که‌برای بدست‌آوردن تاریخ بنای مسجدرحیم‌خان که ۱۳۰۴ هجری است باید حروف هر دو فرد بحساب در آید تا مجموع آن به ۱۳۰۴ هجری برسد.

۵ـ کتیبه‌های ایوان ومحراب مسجد:

بر سقف ایوان دوکلمه علی‌وسال «۱۲۹۴» برآجر نقش‌شده ولی داخل‌ایوان وگنبدکاشیکاری نشده است محراب مسجدکاشیکاری شده وکتیبه‌هائی دارد.

۶ـ کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی‌ابتدا: «قال‌الله تعالی» و سپس‌آیات ۱۸ و۱۹ سورهٔ‌توبه ودنبال آن «قال تعالی‌شأنه وآیه‌۵۵ سورهٔ مائده و پایان‌کتیبه چنین است : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق‌رسوله الکریم فی ۱۳۰۴ ».

۷ـ کتیبه فوقانی محراب بخط ثلث سفید برزمینه لاجـوردی رنگ چنین نوشته شده است:

«قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله‌الصلوة عمودالدین اذا قبلت قبل‌ماسواه و» «اذا ردت رد ماسواه». اصل‌حدیث در هردوجا ماسواها میباشد.

۸ـ بریکی ازستونهای سنگی صفه غربی مسجد که درسمت راست محراب است بخط نستعلیق برجسته این اشعار کنده شده است.

« بعهد شه دادگر ناصرالدین — که‌چون اوبگیتی نیامدجهانبان»
«زاخلاص و همت‌امین الرعایا — خداوندا‌حسان‌محمد رحیم‌خان»
«چوکعبه‌که‌درمکه‌بنیان‌آن‌شد — بنا کرد این‌مسجد اندرصفاهان»
«بتاریخ ارکان آن گفت خرم : — بمسجد پی‌طاق جنت‌شد ارکان »
(۱۲۹۰)

با اینکه درزیر این اشعار نوشته‌شده ۱۲۹۰ ولی اشتباه است وبحساب جمل مطابق میشود بایکهزار ودویست وشصت هجری واز مفاد شعر استنباط میگرددکه

این تاریخ پی گذاردن مسجد است یعنی وقتی که میرسید حسن مدرس شروع ببناء کرده است نه تاریخ اتمام.

۹ـ کتیبه سنگابی که در زیر ایوان جنوبی مسجد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته الواح واشعاری باین ترتیب حجاری شده است:

«از عنایات کردگار رحیم — یافت توفیق این ثواب عظیم»
«اسد، الله دبیر نیکو خو — که‌ورا حسن خلق طبع کریم»
«از برای حسین تشنه جگر — سنگ آبی چوکوثر و تسنیم»
«وقف بنمود بهر تشنه لبان — بی‌ریا از خلوص قلب و صمیم»
«دل آن‌سنگ رانمودچو آب — تاکه بر تشنگان دهد تعلیم»
«لعن بر قاتل حسین کنند — بعد ذکر تحیت و تسلیم»
«بهر تاریخ او بهاء میگفت: — «جام ده سنگ آب فوز عظیم»

(۱۲۹۹)

بر قسمت دیگری از سنگاب چنین خوانده میشود:

«وحید عصر اسدالله با نژاد و گهر — که درنوشتن افراد و فردهست وحید»
«دراین‌مکان‌خوش‌این‌سنگ‌آبرا‌آورد — که شیعه آب بنوشد بیاد شاه شهید»
«طلب نمود ز خرم خجسته تاریخی — بگفت: «باد دوصد لعنت خدا به‌یزید»

این ماده تاریخ را مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان جزء تاریخهای ۱۲۹۹ هجری ذکرکرده است درصورتیکه بحساب جمل مطابق بایکهزار و سیصد وچهار میشود.

لوحه دیگر سنگاب چنین است:

«یا اباعبدالله»

«ز همت اسدالله راد مستوفی
که وقف کرده سرو جان براه‌آل عبا»
«تمام‌گشت چو این سنگ آب‌جان‌پرور
که خضر خورد از او جرعهٔ و یافت بقا»

« گرفت روی دو تاریخ را و عنقا گفت :

۱۲۹۹

« سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا »»

۱۲۹۹

« السلام علیك »

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان کتیبه[1] شعری عنقا بشرح فوق نقل شده و تاریخ آنرا یکهزار و دویست و نود و نه (۱۲۹۹) تصور کرده‌اند درصورتیکه بحروف جمل شعر حاضر (سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا) باسال یکهزار و دویست نود ودو منطبق میگردد ولی در دیوان عنقا ماده تاریخ چنین نقل‌شده :

نهاد پای چو عنقا بجمع شد تاریخ: سلام ما بلب تشنه کام کرب و بلا

که بحساب جمل ۱۲۹۶ میشود[2] واگر واقعاً درسال ۱۲۹۹ سنگاب تمام‌شده باشد باید گفت که شعر تاریخ دراصل چنین بوده : « سلام ما باد و لب تشنگان کرب و بلا » که کلمه باد حذف ودر نوشتن اسقاط شده باشد ولی این تأویل برخلاف ظاهر و میتوان گفت هنگامی که حجاری سنگاب تمام شده بوده سال ۱۲۹۲ هجری بوده وزمانیکه وقف برمسجد شده سال ۱۲۹۶ ویا سال ۱۲۹۹ و زمانی که در مسجد نصب کرده‌اند سال ۱۳۰۴ بوده است واین ترتیب باتمام ماده تاریخها موافق است .

درلوح دیگری بخط نستعلیق وبرروی سنگاب چنین حجاری شده است :

« وقف جناب سیدالشهداءِ علیه السلام نمود عالیجاه آقا میرزا اسدالله ولد »

« حاجی ابوالقاسم بجهة مسجد رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان ۱۲۹۹».

بانی وواقف سنگاب چنانکه درکتاب جغرافیای اصفهان تألیف میرزاحسین‌خان تحویلدار[3] اصفهان نوشته شده است :

« میرزا اسدالله او نیز ازبنی اعمام میرزا جواد است والآن درحیات وحرکت »

« ومحرر محمد رحیم‌خان بیگلربیگی است وراجع بمیرزاجواد چنین گفته است[4] »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۱ . ۲- دیوان عنقا ص۸۹۵ .

۳و۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۷ .

« سلسله بناهاکه اهل قلم شدند : ۱ـ مرحوم میرزا جواد سرسلسله بوده و درسلک »
« میرزائی و داخل النسب مستوفی باخط و ربط بی نظیری بود . زمان قلیلی وزارت »
« با تسلطی در اصفهان نمود اوصاف کمال و کفایتش بسیار است بواهمه شخصیت او »
« مرحوم فضلعلیخان قراباغی امیر تومان ملقب به بیگلربیگی که حاکم اصفهان »
« بود در اوان عهد شاهنشاه مبرور شب طناب بحلقش انداخت و مقتولش ساخت در »
« خانواده خودش اولاد ذکوری نمانده » .

از تعریف جغرافیای اصفهان و عبارت وقفنامه سنگاب چنین مستفاد می گردد که میرزا اسدالله مستوفی فرزند حاج ابوالقاسم از بنی اعمام میرزاجواد از سلسله بناهای اصفهان و محرر محمد رحیم خان بیگلربیگی اصفهان بوده است .

در دوپشت بغل غرفه وسط شمالی شبستان مسجد که درسالهای اخیر کاشیکاری شده بخط ثلث برکاشی لاجوردی نوشته شده : «عجلوا بالصلوة قبل الفوت» و «عجلوا بالتوبة قبل الموت » و دنباله آن با خط نستعلیق ریز قرمز رنگ بر زمینه سفید چنین نوشته شده:(۱)

« ساخت کاشی سازی کهرنگی ـ طراح حاج عباس کرباسی ـ بانی هفت دهنه» حاج محمد طلائی تفنگ ساز ۱۳۷۸ » و بر پائین دوجرز کاشیکاری ایوان غربی مسجد بخط ریز برکاشی خشت نوشته شده : «حقیر فقیر آقاجان کاشی پز» و درطرف دیگر « عمل کمترین حسین کاشی پز » و درزیر این لوحه آخری نوشته شده : «حقیر فقیر علی نقاش » .

۱۰ـ کتیبه سردرشمالی :

در داخل سردر شمالی مسجد که درمجاورت مقبره میرسید حسن مدرس قرار دارد کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بعداز: «قال الله تعالی» آیات ۱۸ و ۱۹ سورهٔ توبه و سپس عبارت : « قال الله تعالی شأنه » و آیه ۵۵ سورهٔ مائده نوشته شده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۷۹۶ تا ص ۸۰۲ .

در بالای سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی : « بسم الله الرحمن الرحیم »
وبخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید : « نصرمن الله وفتح قریب » خوانده میشود .

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات ۳۳ تا نصف آیه ۴۴ سوره (ص) وکتیبه باین عبارات : « صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله الکریم . بسعی عالیجاه محمد حسینخان امین الرعایا اتمام یافت . » ختم میشود .

ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است [1]

۲۵ ـ مسجد رکن الملك :

این مسجد در تخت فولاد واقع و از بناهای میرزا سلیمانخان رکن الملك متخلص به خلف نایب الحکومه اصفهان است [2] که در اوائل قرن حاضر ساختمان شده است . مسجد مزبور دارای کتیبه‌هائی میباشد : (ش ۶۵)

۱ـ کتیبه سردر :

کتیبه سردر مسجد ومدرسه از نوع ثلث وبرزمینه کاشی خشت لاجوردی

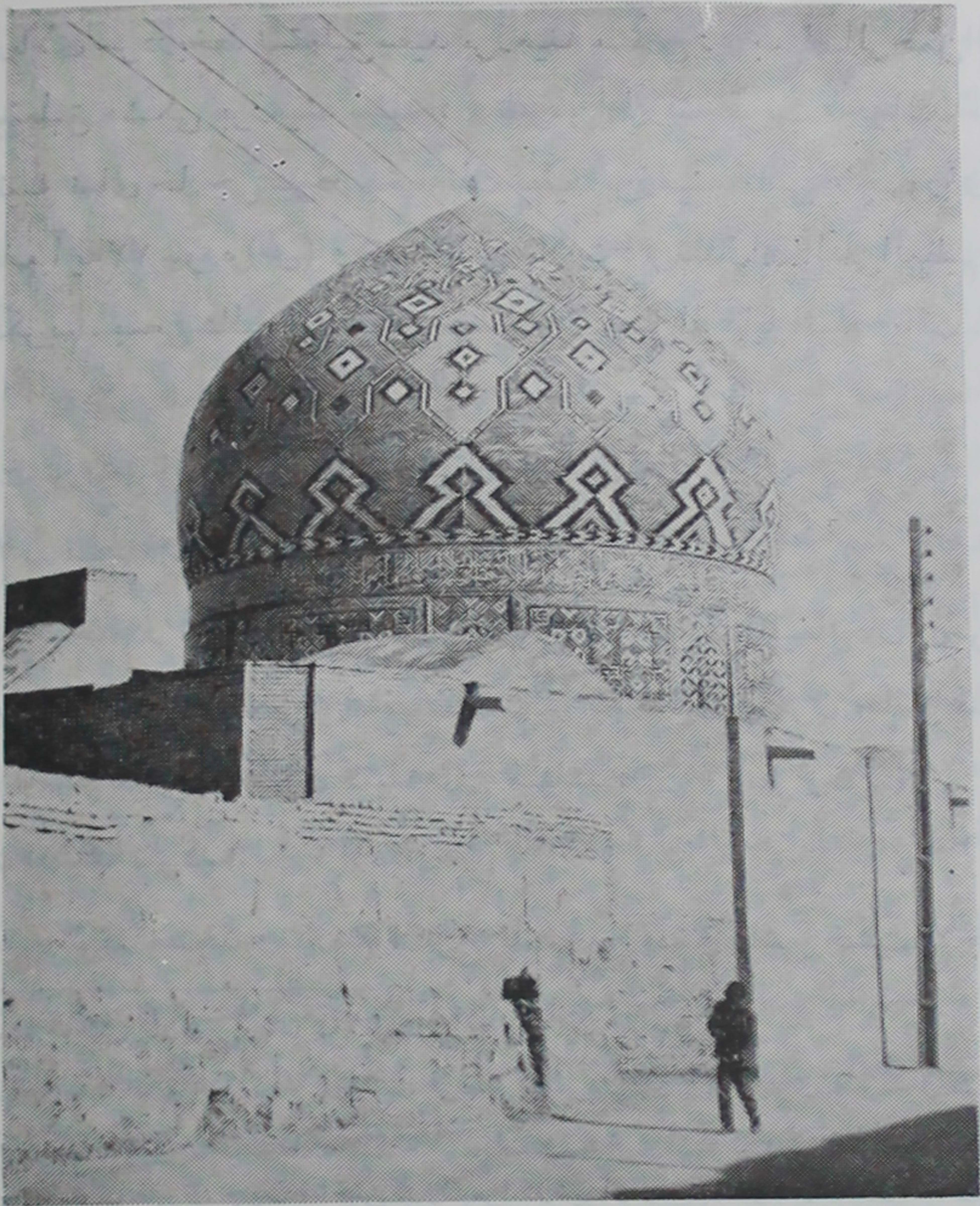
---

۱ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

۲ـ میرزا سلیمان خان رکن الملك شیرازی فرزند کاظم در ۱۲۵۴ هجری متولد و در ۱۳۳۱ هجری بدرود حیات گفت . مردی فاضل وشاعر وخیر بود ومانند جد خود خلف سفره‌چی در مدت حیات کارهای خیری چون ساختن کاروانسرا درشیراز ومسجد ومدرسه در تخت فولاد و تعمیر مسجد درخاجو وچاپ قرآن و زاد المعاد وصحیفه سجادیه وساختمان تکیه حاج محمد جعفر آباده‌ای در تخت فولاد انجام داد. وی در ۱۲۷۹ که مسعود میرزا ظل السلطان بحکمرانی فارس منصوب گردید بسمت منشی باشی همراه اورفت وهنگامیکه ظل السلطان حاکم اصفهان گردید (۱۲۹۶) رکن الملك بسمت نایب الحکومه انتخاب و این سمت ادامه داشت تا زندگی را بدرود گفت ودر اطاق مجاور مسجد خود در تخت فولاد مدفون شد؛ رکن الملك شاعر بود وخلف تخلص میکرد و از اشعار او است :

دل غمین بوصال بتی ز نوشاد است — که رشک لعبت فرخار وشوخ نوشاد است
بکوی خسروشیرین ما دلا بگذر — ببین که تیشه بفرق هزار فرهاد است

خطوط شکسته ونستعلیق ونسخ وسایر خطوط را خوش مینوشت ودرانشاء قدرتی بسزا داشت. نامبرده پیش از اینکه در فارس منشی باشی ظل السلطان شود کارگزار بحرین بود واو پیوسته دردستگیری ضعفاء وفقراء ودر تعظیم وتکریم علماء وسادات میکوشید .



(شکل ۶۵)

رنگ ابتدا آیه اول سورهٔ اسری و آیه ۵۵ سورهٔ مائده ودنبالهٔ آن چنین است :
« وفی حدیث القدسی قال جل شأنه ولایة علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن »
« من عذابی وقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم انا مدینة العلم وعلی بابها صدق الله »
« العلی العظیم و صدق رسوله النبی الکریم کتبه محمد تقی ابن محمد ابراهیم »
« الاصفهانی . »

در دوطرف سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیه ۵۱ سورهٔ قلم ودر دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی عبارت : « الله اکبر

سبحان‌الله والحمدلله » خوانده میشود .

۲- کتیبه اشعار فارسی سردر :

در هلال سر در ورودی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این‌اشعار که حاوی ماده تاریخ نیزهست چنین نوشته شده است :

« بعهد زیب اورنگ کیان وتخت جمشیدی
مظفرخسرو عادل که رونق داد ایرانرا »

« بدور ظل سلطان حضرت مسعود مه خرگه
که اندرسایه خورشید خود پروردرخسانرا »

« سلیمانخان رکن‌الملك میر مسند دیوان
که زینت‌داده ازاعمال‌خیر اسلام و ایمانرا »

« امین دولت و ملت معین ملت و دولت
که ذخروفخرباشد حضرتش‌هم‌این‌وهم‌آنرا »

« جنابش‌متصف در زهد وعدل وتقوی ودانش
صفات حق پرستی بدینسان باشد انسانرا »

« ز زهدش زهدرا رونق‌زصدقش‌صدق‌را زینت
مطیع صدق بوذر را مرید زهد سلمان را »

« دراصفاهان که باشد سالها والی بروزوشب
کند دلشاد محزون‌را کند معموروبران‌را »

« بدیوانش نگرکز نظم ونثر نغز وشیرینش
بهم زد دفتر خاقانی و سحبان و حسان را »

« بنا در تخت فولاد او نمود این‌مسجد عالی
کش‌ازفولاد محکمتر بنا فرموده بنیان را »

« رقم‌ازسلك هدهد کلك طغرل‌زدبتاریخش:
« بنای مسجد اقصا مبارك شد سلیمان را »

فی ۱۳۲۱

واین اشعار حاکی است که مسجد بوسیله رکن‌الملك درسال ۱۳۲۱ ساخته‌شده و مصادف بوده باسلطنت مظفرالدین‌شاه‌قاجار وحکومت ظل‌السلطان مسعود میرزا دراصفهان وشاعر آن طغرل بوده است [۱]

سردر مسجد ومدرسه رکن‌الملك بحیاط محقری متصل میگردد که بیش‌از چند حجره‌کوچك ندارد ودر آنجا آب‌انبار مسجد واقع است وکتیبه‌ای منظوم‌بر دیوار آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر باین‌شرح خوانده میشود :

« از همت رکن‌الملك معمور صفاهان شد
در مسجدش آب انبار سرچشمهٔ حیوان‌شد »

« نوشاندش از کوثر هرلحظه عوض حیدر
کین‌آب روان پرور زان منبع احسان شد »

۱- میرزا محمد علی بن میرزا محموداصفهانی متخلص به‌طغرل مولود ۱۲۷۴ ومتوفی ۱۳۳۲ هجری قمری برادرشهاب اصفهانی و از شعرای ماهر و در ماده تاریخ گوئی ممتاز بوده‌است. از آثار و اشعار او است:

۱ـ ماده تاریخ‌های مسجد جنب حمام کوچه قصر منشی ـ و مسجد رکن الملك ـ و تکیه حاج محمد جعفرآباده‌ای درتخت فولاد .

۲ـ از اشعار او است که سید اسدالله غراء شاعررا درخواب دیده وماده تاریخ ختم‌طبع قرآن رکن الملکی را باو گفته برکن‌الملك برساند که آن‌تاریخ را درقرآن بگنجاند :

. . . .
دیدم اندر خواب در شیراز درشاه چراغ
گفت رکن‌الملك‌را برگو که‌غراعرض‌کرد
زان کلام‌الله که کردی‌طبع شد سبع‌طباق
عامل اعمال خیر است و خداوندش کناد
یك‌مجلدکن‌برای این قدیمی دوست‌لطف
سرزده تاریخی ازطبع من‌آن هم‌طبع‌کن
مصرعی خواند وشدم بیدار بد درخاطرم
برنوشتم مصرع وکردم‌حساب و وفق داد
مرده نبود سید غراء‌که دائم زنده است
طالع بیداررکن‌الملك‌زین‌خواب‌است‌فاش
عامل اعمال خیر استو خداوندش کناد
چیست‌آن‌مصرع که‌غراگفت‌وطغرل برنوشت:

هم ملالت بوددردل هم کسالت در مزاج
سیدی بس محترم آمد برم با ابتهاج
ای معرا از فسادووی مبرا از لجاج
تخت‌وجاهت‌زین‌عمل‌خورشید وماهت‌گشت‌تاج
درد های ظاهر و باطن بدو عالم علاج
تا که از قرآن نمایم رفع هرنوع احتیاج
تازمن مانده نتیجه چون ز تو ماند نتاج
خالی از درد درون بیرون شدم زود ازدواج
درعجب ماندم از آن طبع سعادت امتزاج
زین کرامت میسزد کز زندگان گیرد خراج
پرتوش واقع همی گیرد زساطع مهر باج
دردهای ظاهر و باطن بدو عالم علاج
«شرع احمد را سلیمان داده آئین رواج»

«خواهی اگرش اطوار بنگر تو بدین آثار

کاین مسجد و آب انبار شرذمهٔ از آن شد»

«میجست خطیب[1] ازغیب تاریخ که ذوقش گفت:

«این صرح ممرد نیز بنیان زسلیمان شد»

سنه ۱۳۲۵

در داخل سردر مسجد ومدرسه کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بااین شرح خوانده میشود:

«قال‌الله سبحانه تبارك و تعالی انه من سلیمان وانه بسم‌الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی وآتونی مسلمین نمقه العبد الاقل الآثم سیدهاشم المتخلص بطوبی ۱۳۲۰».

از این طوبی اثری جز این کتیبه در جای دیگری دیده نشده نه از شعر و نه از خط.

ودر بالای درورودی درلوحه‌ای این عبارات نوشته شده: «قال‌الله تعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع‌الله احداً»

۳- برسر درمسجد رکن‌الملك اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود:

«در زمان شه جمجاه منوچهر کلاه خسرو عهد مظفر شه اقلیم ستان»

«شاه قاجارجم آثار جهان‌دار که هست زیب دیهیم فریدونی واورنگ کیان»

«فخر شیراز در اصفاهان فرمود بنا مسجدی سخت پی محکم عالی بنیان»

«مهتر راد سلیمان زمان رکن‌الملك کش بود راستی بوذر وصدق سلمان»

«صدر دیوان قضا گوهر دریای کرم خلف‌الصدق خلف ذخر زمین فخر زمان»

«دروجودش زازل پاك خدا جمع نمود زهد سلمانی با معدلت نوشروان»

«چون که او نام نکو خواست بگیتی برجا نام نیکوش بماند بجهان جاویدان»

«در ره حق ننماید ز زر وسیم دریغ تا بپاداش خدایش بدهد باغ جنان»

۱- میرزا عبدالجواد خطیب ازفضلاء وخطباء وشعراء وخوشنویسان اصفهان بودو در ۱۲۸۰ قمری متولد ودر ۱۳۵۰ قمری وفات یافت.

«هر کجا یابد ویرانه‌ای آباد کند غیر بنیاد ستم‌کز کرمش شد ویران»
«از پس ابنیهٔ پادشهان صفوی دیدهٔ دهر ندیدست بنائی اینسان»
«مال‌راخاصیت آن‌است که‌تاصاحب‌مال خانهٔ آخرت آباد نماید بجهان»
«صرف‌شد عمرگران‌مایه‌آن‌میرکریم همه درخدمت مخلوق ورضای یزدان»
«وه‌ازاین میرفلك‌قدرکه‌مالش‌همه شد صرف درساختن مسجدوطبع قرآن»
«ساخت‌این‌خانه‌درامروزپی راحت‌خلق تاکند خانهٔ فرداش خدا آبادان»
«همچوکاخ‌فلك‌ورای‌خودآن‌میرکریم ساخت این‌معبد عالی‌پی‌محکم‌ارکان»
«نامزد گشت بسرکاری این طرفه بنا نایب رادمحمد فلك عزت و شان»
«الغرض چونکه‌بتوفیق‌خداوند رحیم ازسلیمان زمان گشت‌تمام‌این‌بنیان»
«گشت‌ملهم‌طرب‌ازغیب‌وبتاریخش‌گفت: «شاد شد مسجد اقصی زسلیمان‌زمان»

« قائله وراقمه طرب‌ابن‌هما ۱۳۲۱»

این کتیبه وماده تاریخی‌که نوشته شد مطابق است باآنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] مندرج‌گردیده ورقم ماده‌تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است با سال ۱۲۱۳ که برخلاف تاریخ ذیل کتیبه و تاریخ واقعی بنا میباشد ومسلم درنقل اشتباه‌شده است.

برای بدست آوردن درست آن بدیوان طرب[2] گرد آورده شاعر مقدام و فرزند مفضال آن مرحوم استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا معلوم گردیدماده تاریخ درست آن چنین است:«تازه‌شد مسجداقصی زسلیمان زمان» که بحساب‌جمل منطبق است با سال یکهزارو سیصد وبیست ویك (۱۳۲۱) هجری که در ذیل‌کتیبه نیز نوشته شده است. و در یك نیم لوحه دیگر نیز تاریخ ۱۳۲۲ هجری خوانده میشود. دراشعار کتیبه‌ایکه در گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده با آنچه در دیوان طرب است مختصر اختلافی وجود دارد باین کیفیت که بعداز: «زیب دیهیم فریدونی و اورنگ‌کیان» دردیوان طرب این‌دوشعر اضافه است:

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۱۰. ۲- دیوان‌طرب ص۷۱۴.

«سدّه اورا مهر است کمین فرمانبر درگه‌اوراچرخ‌است‌کهین‌مدحت‌خوان»
«هم در ایام جهانداری سلطان مسعود حضرت والاجم مرتبه ظل‌السلطان »

و دیگر اینکه در فرد اول شعر نهم در گنجینهٔ آثار تاریخی نوشته شده :
« چونکه او نام نکو خواست بگیتی باد . »

درصورتیکه درست آن که در دیوان طرب نوشته شده چنین است: «چونکه او نام نکوخواست بگیتی برجا».

و ترتیب‌ذکر بعضی‌از اشعارنیز باترتیب مندرج در دیوان‌طرب اختلاف‌دارد.

۴- کتیبه ایوان جنوبی مسجد:

کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود: « بسم الله الرحمن الرحیم» و سپس آیات ۴۳ تا ۴۵ و نصف آیه۴۶ سورهٔ اسری ودنباله آن باین عبارت: « کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی «الآتشی فی سنة سبع وخمسین ومأتین‌بعدالالف[1] » ختم میشود.

دردو پشت بغل کاشیکاری این ایوان دردو لوحه‌بخط نستعلیق‌مشکی‌برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « و انه بسم الله الرحمن الرحیم».

دو اسپر دو طرف ایوان جنوبی مسجد در سال ۱۳۷۹ هجری کاشیکاری شده و اشعاری از خلف‌که رکن‌الملك باشد در دو طرف ایوان بخط نستعلیق سفید بـر

۱- محمد باقر شریف شیرازی متخلص به آتش ازشعراء و خطاطان ثلث ساکن اصفهان‌بوده که تا سال ۱۳۱۲ هجری زنده بوده است ودر اغلب مساجد و اماکن تاریخی اصفهان رقم و اثری از او باقی است. اثر خطی او از۱۲۵۱ هجری شروع‌میشود. باین ترتیب که‌در۱۲۵۱ کتیبه گنبد شاه سید علی اکبر در شهرضا را نوشته ودر ۱۲۵۴ کتیبه‌ای در مسجد حکیم‌و در سال ۱۲۵۵ کتیبه‌ای در مسجد سید ونیز در ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ در مسجد آقا نـور ودر ۱۲۵۹ در مسجد سید ومسجد گز ودر ۱۲۶۱ در مسجد شاه ودر ۱۲۸۸ در مسجدسید وهمچنین در ۱۲۹۸ درهمان مسجدکتیبه نوشته است. ودر۱۳۰۴ هجری کتیبه مسجد رحیم‌خان را نوشته است و با این ترتیب میتوان تعیین کرد که نامبرده تا اوایل قرن چهاردهم هجـری حیات داشته وبکار خود ادامه‌داده است، وچون عمارت مسجد رکن‌الملك بعد ۱۳۱۲ هجری انجام شده محقق است،که‌کتیبه مزبور ازکتیبه مسجد سید گرده‌برداری شده است .

زمینه‌کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته شده است :

« یا ایها المدثر تا چند در پلاسی	برخیز در عبادت کز شب نمانده پاسی »
« تاسر خوشی ودل گرم ازجام قم فانذر	هرگز مدار دردل از دشمنان هراسی »
« مستجمع کلامی مستغرق وصالی	از خم لایزالی برخیز و نوش کاسی »
« پروردگارت ازمهر بهر توکرد بنیاد	نیکوترین بنائی محکمترین اساسی »
« احکام حق بفرما ظاهر به‌بندگان فاش	بی بیم اشتباهی بی خوف التباسی »
«ازکید دیگر اعداء خاطر پریش منما	ازوصل دوست دریاب جمعیت حواسی »
« تا در زوال وحدت با دوستت وصالت	درخویشتن مده راه نه نوم‌ونه‌نعاسی »
«برخیز در عبادت چالاك باش ودرپوش	کو تا بیابی هشته پاکیزه‌تر لباسی »
« از ماسوی سفرکن درکوی لی مع‌الله	کانجا گذر ندارد اندیشه و قیاسی »
«حصنی طلب که‌هرگز درآن نمیبرد راه	سستی و انهدامی تحلیل واندراسی »
« ازبوته اطاعت خالص خلف برون‌آی	کز کیمیای ایمان بل زرکنی نحاسی »

« اشعار از مرحوم رکن‌الملك (خلف) بفرمایش دکتر حسین رکنی ۱۳۷۹» اصفهان بازارچه‌نو کاشی‌سازی کهرنگی » .

۵ ـ کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی :

کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی بخط ثلث آیـات از ۴۳ تا آخر ۴۵ سورهٔ اسری نوشته شده و بعبارت: « ۱۳۲۳ هجری» ختم میشود و در دوپشت بغل‌کاشی‌کاری آن در دو لوحه بخط نستعلیق مشکی بر زمینه‌کاشی خشت زرد چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « انه بسم‌الله الرحمن الرحیم » .

۶ ـ کتیبه منظوم اطراف صحن مسجد :

در اطراف صحن‌مسجد اشعاری‌که هرفردآن دریك لوحه‌جای داده‌شده بخط نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح خوانده میشود :

« خامه چو جاکرد در انامل دانا	حمدخداوندانس‌وجان‌کند انشا »
« منعم ومعبود و چاره ساز مقدر	داور یکتا وبی نیاز و توانا »

« قادر قدرت نما ز ذره و خورشید صانع هستی فراز قطره و دریا »
« رازق روزی رسان بعالم و جاهل خالق خلق آفرین زمقطع و مبدا »
« موجد اجسام از سمك بسموات مبدع اجرام از ثری بثریا »
« خلق پدید آورد ز اصغر و اکبر دهر هویدا کننده ز اسفل و اعلی »
« ذاتش از گردش و زوال منزه وصفش از دانش و خیال مبرا »
« امرش بالاتر از قیاس چه و چون حکمش والاتر از خط نعم و لا »
« رحمتش آموده از تفکر و اعداد نعمتش افزوده از تصور و احصا »
« نامش از سنخ کائنات تقدس شأنش از جنس ممکنات تعالی »
« عرصه حمدش چگونه پوید و جوید این قدم لنگ و این دو دیده اعمی »
« بار خدایا بروزگار چو آمد نطق خلف از کمال فضل تو گویا »
« خواست بتوحید لب گشود خرد گفت پای چو بیرون نهی زحد ادب ها »
« قدر نگهدار و شرم دار و بیندیش بیش زحد گلیم خویش منه پا »
« خود چه تند عنکبوت تار بطارم کس چه زند از بروت[1] تیر بجوزا »
« یا چه کند دام حوت شیر فلك صید یا چه پرد صعوه در مقابل عنقا »
« پشه چرا خود پرد بشاخه طوبی ذره چسان ره برد بچشمه بیضا »
« ای زحواس و خیال و فکرت بیرون وی زقیاس و گمان و وهم معرا »
« ای تو بری ازمثال و مونس و مانند وی تو عری از همال و همسر و همتا »
« هم بتو این کاخ بیستون شده محکم هم زتو این چرخ واژگون شده پویا »
« هم تو روان دادهٔ و سینه صافی هم تو توان دادهٔ و دیده بینا »
« حکم تو نافذتر ازمقام کم و کیف امر تو عالی تر از کلام ام و یا »
« مطرب در پرده از تو بر زند آهنگ بلبل در باغ از تو بر کشد آوا »
« از تو ببازار مصر آمده یوسف وز تو گرفتار عشق گشته زلیخا »
« از تو بود ارتباط لیلی و مجنون وز تو بود اختلاط وامق و عذرا »

۱- بروت بمعنی سبیل است .

« از تو بود اختیار ویسه و رامین — وز تو بود اشتهار سلمی و سلما »
« از اثر فحل فضل تست که در بحر — حامله گردد صدف بلؤلؤ لالا »
« از نظر خشم و قهر تست که در کوه — زلزله افتد بجان صخره صما »
« راهنمای رهی تو گشتی از این ره — از لا ره یافته بشهره الا »
« ور نشود رهنمون لطف تو رهبر — کس نتواند قدم برون نهد از لا »
« عقل برد ره بکنه ذات تو هرگز — فهم کند درك وصف قدر تو حاشا »
« خود تو مگر خویشتن شناسی ورنه — کس نرساند کمند دانش آنجا »
« از تو گذشته است نام سید سادات — از طبقات سپهر و گنبد مینا »
« احمد محمود برگزیده معبود — باعث ایجاد کل مخاطب طاها »
« قطرهٔ از جوی اوست چشمه کوثر — شمه‌ای از بوی اوست عنبر سارا »
« آنچه پیام از تو داده دارم تصدیق — آنچه رسانیده از توگفتم اهلا »
« شرع نبی را زسر نهادم گردن — امر تورا کرده‌ام بجان و دل اصغا »
« بعد نبی آن رسول پاك مصدق — هست بما پیشوا و سرور و مولا »
« مظهر قدرت ولی قادر بیچون — مفخر امت علی عالی اعلا »
« از پس او شد حسن امام که باشد — مسئله دان رموز علم الاسما »
« بعد حسن مقتدا حسین شهید آنك — هست بمحشر شفیع خلق بفردا »
« سید مظلوم آنکه بی کس و یاور — کشته کین شد زجور لشکر اعدا »
« از پس او مقتدا علی است که گشته — هادی راه خدا بمردم دنیا »
« بعد علی پیشوای خلق جهان شد — باقر علم نبی شهنشه والا »
« از پس باقر بود سلیل جلیلش — جعفر صادق که دین از او شده برپا »
« موسی جعفر دگر که از شرف و قدر — زنده جاوید کرد سنت آبا »
« بعد علی آن که آستان رفیعش — خلق جهان را ملاذ باشد و ملجا »
« باز محمد خدیو ملك امامت — کز همهٔ خلق بود ازهد و اتقی »
« نور علی آفتاب چرخ ولایت — کرده بامت رموز شرع هویدا »

« یازدهم عسکری که کرده ز اعجاز عسکر حق بهر خصم ناحق پیدا »
« حجت قائم امام حی که ز افضال هست مقامات جملگی را دارا »
« پر کند از عدل بعد ما ملئت ظلم جمله جهان امر حق نماید اجرا »
« بخش خدایا فرج باو که ظهورش دین هدا را کند بدنیا احیا »
« بارالها گواه باش که دارم در همه عالم باین ائمه تولا »
«گرچه مرا معصیت برون ز حسابست بخش گناهان من بعصمت زهرا »
« دست تولا زدم بدامن ایشان خون برگ و جان بجسم وموی براعضا »
« هست خلف را پر از محبت ایشان بار خدایا مرا بایمان افزا »
« یافت چو اتمام این بنای مقدس گشت خلف سال اختتامش جویا »
« سر ز بنا کرد عقل داخل و گفتا: « شد زسلیمان تمام مسجد الاقصی»
« یاسبحان ۱۳۲۴ » « کتبه طرب ابن هما ۱۳۲۴»

در شعر آخر که ماده تاریخ است درگنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱) که این کتیبه‌ها از آنجا نقل شده فرد آخر چنین نوشته شده :

« شد زسلیمان تمام مسجد الاقصا »که الاقصا پایانش با الف و بحروف جمل مطابق میشود با ۱۳۱۳ وچون سر (بنا) که (ب) باشد و بحروف جمل با عدد دو منطبق است به ۱۳۱۳ اضافه گردد جمع آن میشود ۱۳۱۵ و حال آنکه درست نیست و تاریخ منظور ۱۳۲۴ هجری است ولی اگر فرد آخر چنین نوشته شود : « شد ز سلیمان تمام مسجد الاقصی »که اقصی بیاء نوشته شود عدد آن بحساب جمل ۱۳۲۲ میشود وچون عدد دو بر آن اضافه شود تاریخ مطلوب بدست میآید .

اشعار کتیبه مزبور ازخود رکن الملك و نویسنده آن مرحوم طرب فرزند همای شیرازی بوده است که درسال ۱۳۲۴ کاشیهای آن نصب شده است .

۷ - کتیبه ایوان جنوبی مسجد :

دراطراف ایوان جنوبی مسجد کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق سفید برزمینه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۸۰۵ تا ص ۸۲۱ .

کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود .

« حبذا از همت والای والی زمان

رکنملك و یاور دین حکمران اصفهان »

« آصف ملك عجم خان سلیمان راد خان

افتخار دین و دولت اعتبار این و آن »

« این چنین فرمانروا ازعدل وفیض وداد جو

نه کسی برده است نام ونه کسی دارد نشان »

« گشته تعمیر بقاع و تربت اخیار از او

نیت خیرش ضمین و فطرت پاکش زمان[1] »

« درّه لله در خیراتش از حق اجر باد

قصر خلد و حور عین فیهن خیرات حسان »

« در ره حق بنده گر اینسان کند طی طریق

پایگاه قرب را این گونه سازد نردبان »

« از سلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور

زین سلیمان مشتهر آمد نبی اندر جهان »

« از سلیمان سلف بیت المقدس شد خلف

و ز سلیمان خلف بیت المقدس شد نشان »

« بهر آبادانی و بنیان این تقوی اساس

شد اشارت از جناب کامیابش از بنان »

« پا درون آورد ادیب وکلك تاریخش نوشت:

« سازشد بیت المقدس از سلیمان زمان »

۱۳۱۹

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] فرد اول شعر هفتم چنین نوشته شده :

« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور » درصورتیکه درست آن چنین است :

---

۱ - درست آن ضمان بنظر میرسد .

۲ - گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۸۱۶ .

« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامه زبور» بقرینهٔ اینکه در فرد دوم چنین گفته :

« زین سلیمان مشتهر آمد نُبی اندر جهان » که منظور قرآنی است که رکن‌الملك انتشار داده است .

۸- کتیبه‌های درون گنبد :

دراطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ابتداء : « بسم‌الله‌الرحمن الرحیم» و سپس از آیات ۲۶ تا نصف آیه ۲۹ و نصف آیه ۴۵ سوره اسری وسپس (۱۳۲۳ هجری) ودر دنباله‌آن درچهار سطر بخط نسخ سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی اشعاری عربی باین‌شرح نوشته‌شده است :

« ان السلیمان و رکن الاعلی — اسس ذلك المسجد المثوی »

« جزاه ربنا جزاء الاوفی — قصور مجد فی جنان المأوی »

« ارخ الانصاری بدوالمسمی — و شطر شطراً للمعاد الاقوی »

« کفی السلیمان ذابناء الاقصی — واسست ارکانه بتقوی »

که بحساب جمل با سال ۱۳۱۶ منطبق میشود و چنین بنظر میرسد که در مصرع اخیر تحریفی شده باشد و ممکن است که سال شروع بساختمان ۱۳۱۶ هجری باشد .

در داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات از ۲۵۵ تا آخر ۲۵۷ سوره بقره و درپایان « ۱۳۲۳ » نوشته شده است. ونیز دردرون آن‌بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم» وبخط ثلث مشکی برزمینه‌کاشی‌خشت زرد رنگ: « سبحان ربی‌العظیم وبحمده و درچهارترنج بخط ثلث زرد برزمینه صورتی‌رنگ : « یا حنان - یاغفران - یا رضوان » .

۹- کتیبه ستون‌های سنگی گنبد :

درسرستونهای چهارگانه قسمت فوقانی زیرگنبد بخط نستعلیق سیاه‌برجسته اشعاری بشرحی‌که درپائین‌آورده میشود حجاری شده :

« شد ز رکن‌الملك چون بنیان این محکم بنا
سال اتمامش خلف ازاین و آن جویا شده »

« عقل دوراندیش او ازبهر تاریخش سرود :
« از سلیمان مسجد الاقصی نگر برپاشده »

که به‌حروف جمل با سال ۱۳۲۲ هجری منطبق میشود .

«چو این زیبا مکان‌را دیدمرشد[1] بگفت ازکیست این ترویج اسلام»
« یکی آمد برون گفتا بتاریخ: « و ز اقدام سلیمان یافت اتمام »

که بحساب حروف جمل باسال (۱۳۲۳ هجری) منطبق می‌گردد وچون یکی خارج شود میشود ۱۳۲۲ که مطلوب است .

دیگری درباره تاریخ گفته :

سال آغاز بنا و انجام آن زین دومصرع گفته‌تاهست‌شنو:
«کزسلیمان حشمت آصف مقام» « گشت برپا مسجد الاقصی بنو»

که بحساب حروف‌جمل شروع بنا سال ۱۳۱۸ هجری وسال اتمام بنا ۱۳۲۲ هجری میشود . این دوشعر نیز ازمرحوم حاجی آقا نورالله متخلص‌به نور است[2] که تاریخ ۱۳۲۴ را تعیین میکند :

۱ـ سید عبدالوهاب مستشار دفتر فرزند سیدهاشم اصفهانی از فضلاء و ادباء و شعرای‌معروف قرن چهاردهم بود ودرشعر مرشد تخلص داشت وشعر نیکو میسرود و ماده تاریخی که درمتن ذکر شده از اشعار او است .

نامبرده در تاریخ هفدهم صفر ۱۳۴۳ هجری در اصفهان وفات یافت و در تخت‌فولاد در یکی از اطاقهای تکیه ملك مدفون شد. ماده تاریخ وفاتش را چنین سروده‌اند :

سال تاریخ فوت پرسیدم از مقیمان روضهٔ رضوان
باغبان سر برون نمودوبگفت: « مستشارآمده مقیم جنان »

۲ ـ حاجی آقا نورالله‌بن شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی بن عبدالـرحیم ایوان کیفی مسجدشاهی اصفهانی مولود (۱۲۷۸ هـ. ق) ومتوفی(۱۳۴۶ هـ. ق= ۱۳۰۶/۱۰/۴ هـ. ش) از فقهاء وعلماء وبزرگان اصفهان و از مقدمان مشروطیت بود او مصلحی با تقوی و مجاهدی بزرگ و روحانی مبارز بشمار میرفت وبی‌شك یکی از رهبران واقعی مشروطه است که روی ←

« چون ز رکن الملک والدین آن سلیمان دوم

شد بنای مسجد اقصی هدی للمتقین»

« سر برون آورد نور وبهر تاریخش سرود :

« از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین »

۱۰- کتیبه خارجی گنبد :

در اطراف نمای خارجی گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیاتی ازسوره جمعه درچهار سطر اشعار عربی : (ان السلیمان و رکن الاعلی » تا آخر تکرار شده و سال تاریخ آن نیز در پایان کتیبه (۱۳۲۲) نوشته شده است .

۱۱ - کتیبه شبستان مسجد :

بر هلال شبستان سقف‌دار مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی نخست جمله : « قال‌الله تعالی » وسپس آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه ودنباله آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این اشعار کتیبه شده :

« حبذا ز این بلند اساس مقام — که بود رکنی از جنان بصفا »

« گشت برپا زسعی رکن‌الملک — گوئیا کعبه‌ای نموده بنا »

« بهر تاریخ او نوشت ادیب(۱) : — « ولقد اسست علی التقوی »

۱۳۱۸

→

احساسات ملی مبارزه کرد و از هیچ‌چیز دریغ نداشت، باشرافت و تقوی زیست و در حفظ حقوق مردم وحدود احکام الهی و عدالت اجتماعی تا آنجاکه توانست جهاد کرد . پس از فوت برادرش شیخ محمد علی ثقةالاسلام لقبش باو داده شد ولی مردم در محاوره اورا همان حاجی نورالله خطاب میکردند. نامبرده شعری میسرود و تخلصش نور بود.

(نقل بمعنی از رهبران مشروطه)

۱- ادیب آنچه‌مسلم است اینکه ازشعرای قرن چهاردهم بوده و شعرهم بخصوص ماده تاریخ نیکو میسروده وعلاوه برچند ماده تاریخ که راجع بمسجد رکن‌الملک گفته درموارد دیگری‌هم سروده است ولی تاکنون از نـام و خصوصیات زندگی او چیزی بـدست نیاورده‌ام اشعار ماده تاریخ او از ۱۳۱۴ هجری تا ۱۳۱۹ دیده شده است وبا اینکه با طرب بن هما معاصر بوده است استاد جلال‌الدین همائی در مقدمه دیوان طرب نامی از او نبرده‌اند درصورتیکه از شعرای معروف نزد رکن‌الملک بوده است .

ماده تاریخ مزبور در واقع تاریخ شروع مسجد را تعیین کرده است.

کتیبه‌ها از لحاظ مفاد و خصوصیات از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است.

آرامگاه رکن‌الملك نیز چنانچه در پیش اشاره گردید دراطاقی در مسجد مزبور قرار وکتیبه هائی نیزدارد ولی ازلحاظ اصولی شرح و چگونگی آن درباب آرامگاهها وبقاع تاریخی اصفهان داده خواهد شد.

ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است[1].

۲۶- مسجد سارو تقی :

این مسجدکه به‌مسجد بزرگ ساروتقی شهرت دارد در فاصله میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن آباد درمجاورت امامزاده‌احمدواقع گردیده‌است. هرچند صحن مسجد وسعتی ندارد ولی گنبد مذهب تاریخی آن جالب توجه و قابل بررسی هنری است. قسمتی ازطاق بازار ویران گردیده ولی‌قسمتی دیگرازآن برفراز سر در مسجد ومنزل ساروتقی باقی‌مانده است.

نمای‌گنبد مسجد ساروتقی درخارج آجرساده است ولی در داخل مانند سقفهای زمان صفویه با نقاشی وگچبری تزیین شده وهمین تزیینات است‌که گنبد مسجد مزبور را ازسایر گنبدها جدا می‌کند و برآنها امتیاز دارد. در داخل گنبد کتیبه‌ای وجود ندارد وکتیبه آن درسردر مسجد که مشرف بربازار است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است: (ش ۶۷)

«فی‌ایام الدولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة»

«المعصومین‌علیهم‌السلم السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌ابوالمظفرشاه‌عباس الموسوی»

«الحسینی‌الصفوی الثانی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه توفیق بنای این مسجد»

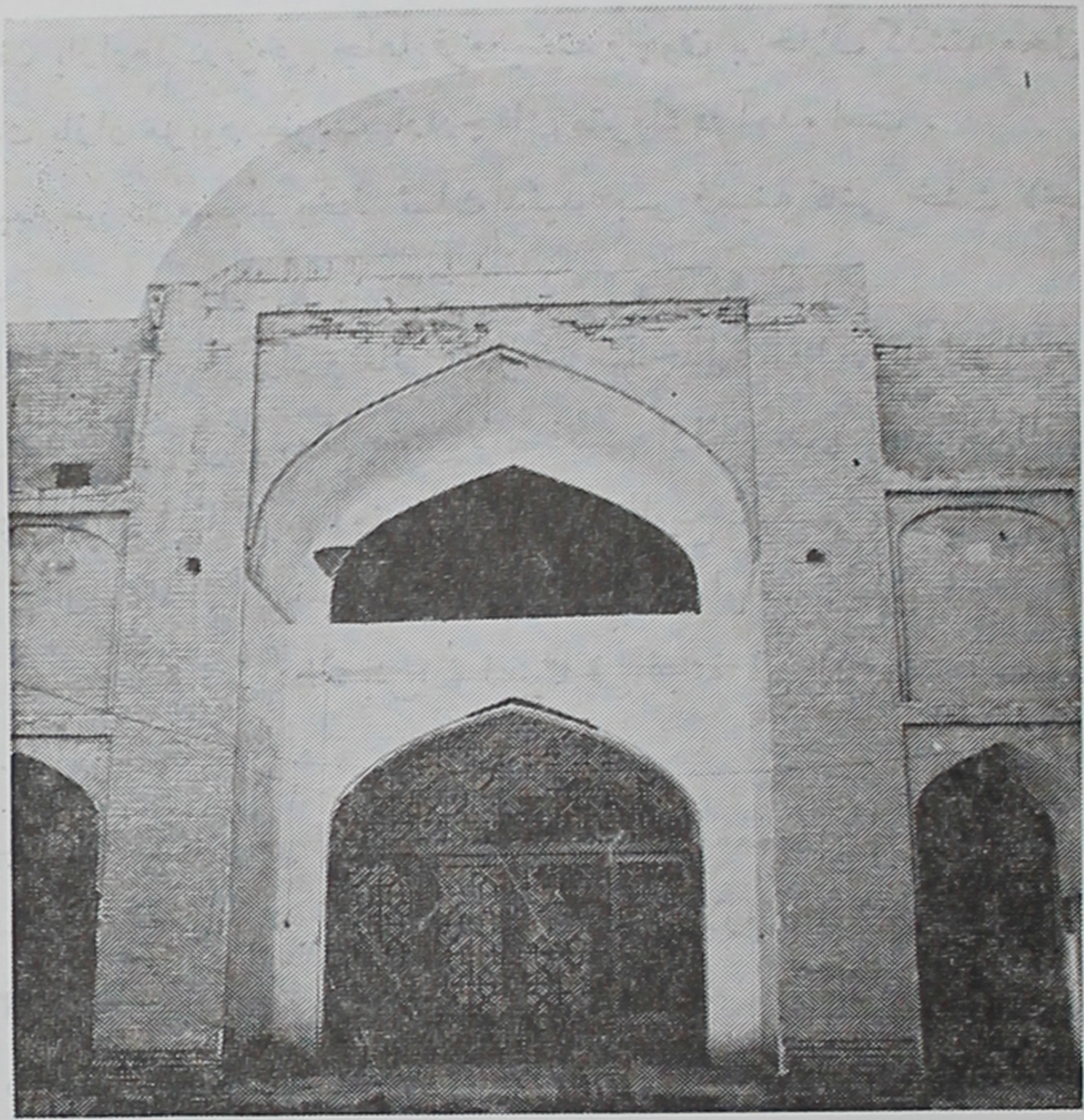
«یافت مخدوم الامراء و خادم‌الفقراء اعتمادالدولة العلیة العالیة میرزا محمدتقی»

«المشهور بساروتقی فی۱۰۵۳کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی‌الادهمی[2]» وحاکی

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

۲ - بنقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۹.



(شکل ۶۶)

است که مسجد ساروتقی درعهد شاه‌عباس ثانی درسال ۱۰۵۳ بناگردیده . ونویسنده خط‌کتیبه محمد رضا امامی ادهمی اصفهانی بوده است . این‌مسجد طی شمارهٔ ۱۱۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۲۷ ـ مسجد کوچك ساروتقی :

مسجد کوچك ساروتقی درچهار سوی بازار ساروتقی دربازار قهوه کاشیها واقع‌شده است . مسجد درایوان جنوبی چهارسو قرار دارد و کاروانسرای ساروتقی که درضلع شمالی چهارسو میباشد چون مالك خصوصی‌دارد درحال معموریت است ولی مسجد وضع اسفناکی دارد و قسمتی از مقرنسهای آجری و کتیبه آن ریخته

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

است ، سقف بازارهم دربرخی جاها فروریخته وچون برخلاف گذشته محل‌عبور و مرور نیست بازار مزبور بصورت بازارچه‌ای متروك درآمده است .

کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین‌است :

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی انمایعمرمساجدالله من‌آمن بالله و الیوم‌الاخر»
« واقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین »
« و قال عزوجل یا ایهاالذین آمنوا . . . وذروالبیع ذلکم خیرلکم ان‌کنتم »
« تعلمون . قال‌الامام الناطق جعفربن محمدالصادق صلوات‌الله علیهما وعلی‌آبائهما »
« من بنی مسجداکمفحص قطاة بنی‌الله له‌بیتا فی‌الجنة فی ۱۰۵۶ کتبه محمد رضا »
« الامامی.»[۱]

نسبت به‌ثبت تاریخی این‌مسجد هنوز اقدامی معمول نگردیده است واقتضاء داردکه نسبت به‌ثبت تاریخی ومحافظت آن توجه لازم معمول‌گردد .

۲۸ـ مسجد سعیدبن جبیر :

درب این‌مسجد درصحن درب امام باز میشود وبنای اصلی آن پس‌ازمسجد شعیا کهن‌تر از دیگر مساجد بوده است .

سعیدبن جبیر درسال ۸۱ هجری همراه عبدالرحمن اشعثی باصفهان آمده ودراین مسجد بعبادت میپرداخته است .

درداخل‌این‌مسجدکوچك‌درزمان صفویه مختصر کاشیکاری شده وکتیبه‌اطراف آن بخط بنائی مشکی باکاشی معرق برزمینه زرد شامل سوره الضحی وقسمت‌آخر آن عبارت : « سبحان ربك رب‌العزة عما یصفون وسلام علی‌المرسلین و الحمدلله » « رب‌العالمین» میباشد .

و در پشت بغل محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین مکتوب است :

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۱.

« نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین ـ یا الله ـ یا محمد ـ یا علی » .
کتیبه داخل محراب بخط بنائی مشکی معرق شامل سورهٔ اخلاص است و در پایان آن تاریخ (۱۱۲۳) خوانده میشود[۱] که حکایت دارد در سال ۱۱۲۳ هجری یعنی درسلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری مزبور انجام گردیده ومساحت آن بیش از یك قفیز است . [۲] درب امام به‌ثبت تاریخی رسیده ولی این مسجد هنوز بـه ثبت تاریخی نرسیده واقتضاء دارد که موجبات ثبت آن نیز فراهم شود .

۲۹ـ مسجد سفره چی = سرخی :

این مسجد که درکوچه‌ای بنام‌کوچه مسجدسرخی واقع‌شده از بناهای دوره شاه عباس اول وبانی آن خلف سفره‌چی شاه عباس بوده است . و اما اینکه به‌مسجد سرخی معروف شده بیشتر گفته‌اندکه همان سفره‌چی است که دراثرکثرت استعمال درمحاورات تبدیل به سرخی شده است ولی‌احتمال‌هم داردکه درهنگامیکه مسجد بنا شده‌چون ازآجرهای سرخ‌رنگ ساخته‌شده بوده برای امتیاز از دیگرمساجد آن را بنام مسجد سرخی خوانده باشند .

داخل مسجد ونیز سردرآن تزییناتی‌ازکاشیکاری دارد وکتیبه سردرش بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قداتفق فی‌ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاشجع الاعظم مالك رقاب»
« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غـلام »
« باخلاص امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام‌ابوالمظفر شاه عباس»
« الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی»
« العالمین‌بره وعدله واحسانه وعظمته وشوکته ومعدلته ونصرته و حشمته الی‌یوم »
« القیامة بنده درگاه خلف سفره‌چی بتاریخ اربع عشر[۳] والف رقم صحیفی . » در جلوخان مسجد مزبور درطرف غربی‌آن سنگابی‌قراردارد که درسال ۱۱۱۷ هجری

۱ـ وضع مسجد وکتیبه‌آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ۲ـ تاریخ اصفهان ودی ص۲۴۹ . ۳ـ بنا بر قاعده علمی درست آن رابع‌عشر میباشد .

وقف برحضرت امام حسین شده است وکتیبه آن باین‌شرح خوانده میشود :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام‌نموداستاد محمد شفیع خیاط بتاریخ»

« شهرجمادی الاخر فی‌سنه ۱۱۱۷ . » (۱) .

نکته‌ایکه دراینجا لازم بتذکر است اینکه درچندجای تاریخی اصفهان‌نام صحیفی نویسنده خط ثلث برده شده و بیشترآن‌مربوط بزمان شاه‌عباس اول‌میباشد دربعضی موارد صحیفی جوهری و در برخی کتابها صحیفی جویمری و در مورد دیگر صحیفی شیرازی وصحیفی فارسی و درتذکره نصرآبادی ملاصحیفی شیرازی درج شده است درجائی‌هم صحیفی مطلق ذکرگردیده است .

درکتیبه صفه حکیم مسجد جمعه مربوط بسال ۹۹۶ هجری صحیفی مطلق رقم کرده وبخط ثلث است ونیز درکتیبه ساختمان روی حوض صحن مسجد جمعه اصفهان چنین رقم‌کرده : « رقم فقیرصحیفی سنة ۹۸۵ » ودیگرکتیبه مسجدسرخی که نوشته‌شد رقم‌آن «بتاریخ اربع‌عشر والف رقم‌صحیفی» است ونیزدرکتیبه مسجد جارچی باشی رقم‌آن : « سنه تسع عشر و الف رقم صحیفی جوهری » میباشد . در کتیبه‌های دولنگه راست وچپ درشمالی مسجد جمعه‌که تاریخ ندارد چنین‌نوشته شده : « رقم‌فقیرصحیفی‌الجویمری (۲) » درکتیبه لنگه چپ‌درمقبره شاه‌زند نوشته

۱- نقل‌ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۷۵ تا ص۴۷۷ .

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

بطوریکه تذکره‌نویسان نوشته‌اند صحیفی جوهری شیرازی ازکتابه نویسان پرکاربوده که‌کمتر مزاری بوده در زمان اوکه درآن مزار کتابه بخط اودرآن نباشد. وی ازبزرگزادگان طایفه ذوالقدر فارس بوده ودر شیراز متولد گردیده است. در جوانی از شیراز باصفهان‌آمدو چون آن زمان‌دوران تشویق هنرمندان‌وخطاطان بود در آنجا اقامت کرد وبکار کتابت‌پرداخت وشعر هم میسرودتا اینکه درسال ۱۰۲۲ هجری وفات کرد و در محل سه‌تنان نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید و این اشعار را حکیم شفائی درسوك وماده تاریخ وفاتش سرود :

چون‌صحیفی‌جوهری‌ز قضـا	از جهان رفت جانب عقبی
دل خلق‌جهان بسوخت براو	همه را دیده گشت خون پالا
بی بدل بود در فنون سخن	در فن شعر بود بی همتـا
تا قیامت بر این کتابه دهر	رقم خط او بود پیدا

←

«رقم صحیفی جوهری ۹۹۴» ودرکتیبه سردرمسجدکوچك جورجیر «رقم فقیر صحیفی جوهری فی سنة ثمان عشروالف» و در کتیبه داخل بقعه شهشهان بخط ثلث : « فی شهر ذی الحجة سنة ثلاث وعشر والف من الهجرة النبویة خط صحیفی الفارسی.»

ازمجموع یادآوریها استنباط میشودکه صحیفی شیرازی وجوهری وفارسی وجویمری یکی بوده وخط ثلث را خوش مینوشته و شعرهم میسروده است و علاوه بر اشعاریکه در کتیبه روی ساختمان حوض مسجد جمعه از او باقی مانده این یك شعر نیز درتذکره نصرآبادی[1] ازاو نقل شده است :

شدم موئی و پیچیدم برآتش یار حاضر شد
عزایم خوان پری حاضرکند چون موبسوزاند

مسجد سفره چی = مسجدسرخی طی شماره ۲۷۵ به ثبت تاریخی رسیده است[2]

۳۰ ـ مسجد سلیمان بیك :

این مسجدکه در محله نوکوچه بازارچه خان واقع است کوچك وبانی آن سلیمان بیك ازدرباریان شاه عباس ثانی بوده وکتیبه سردرآن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لاتمام هذاالمسجد فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم »
« مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه »
« عباس الثانی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه »
« اقل خلق الله سلیمان بیك چینی کش خاصهٔ شریفه خالصاً لله تعالی فی ۱۰۷۲ کتبه »
« محمد رضاالامامی[3] » .

→

سال فوتش زعقل جستم گفت: «رفت ملا صحیفی از دنیا »
۱۰۲۲

از اشعار معروف ملا صحیفی ساقی نامه او است که مطلع آن چنین است:

بده ساقی آن آب فکرت گداز — که بیرون دهد دل از این پرده راز

۱ـ تذکره نصرآبادی ص ۳۰۵ . ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۴ . ۳ - نقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۱۱ .

۳۱ ـ مسجد سید :

پس از انقراض صفویه تقریباً ساختن مساجد بزرگ در اصفهان رو به‌رکود گذارد ومساجدی‌هم که گاه‌بگاه بوسیله مردان خیر ساخته میشد کوچك و محقر بود تااینکه درعصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار حجة‌الاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی رشتی بیدآبادی تصمیم ببنای مسجد جامع معروف به مسجد سید گرفت و میتوان‌گفت این مسجد یکی ازمساجد بزرگ وباعظمت اصفهان است .

تاریخ صریح بنای مسجد ازآغازمعلوم نیست ولی آنچه مسلم‌است دراواخر نیمه‌اول قرن‌سیزدهم[۱] شروع‌گردیده وتا آخرقرن مزبور و اوائل قرن چهاردهم ادامه داشته ومعذلك بعضی ازتزیینات مسجدهم تاکنون انجام نشده است .

این مسجد واقع است در محله بیدآباد و ببازارچه بیدآباد اتصال دارد و دارای چهار درب‌است[۲] ومساحت‌آن ازلحاظ طول۹۵متر وعرضش ۸۵متر میباشد ومجموع مساحت‌آن بالغ برهشتهزار وهفتادوپنج (۸۰۷۵) متر است .گنبداصلی وشبستانهای طرفین درقسمت جنوب واقع شده است ، ازاره مسجد ازسنگ سیاه و قسمتهای فوقانی ازکاشیهای هفت رنگ بنا گردیده ، خطوط کتیبه‌های مسجد که مشتمل‌براخبار واحادیث وآیات‌قرآنی‌است اغلب‌مربوط به‌محمدباقرشیرازی‌است.

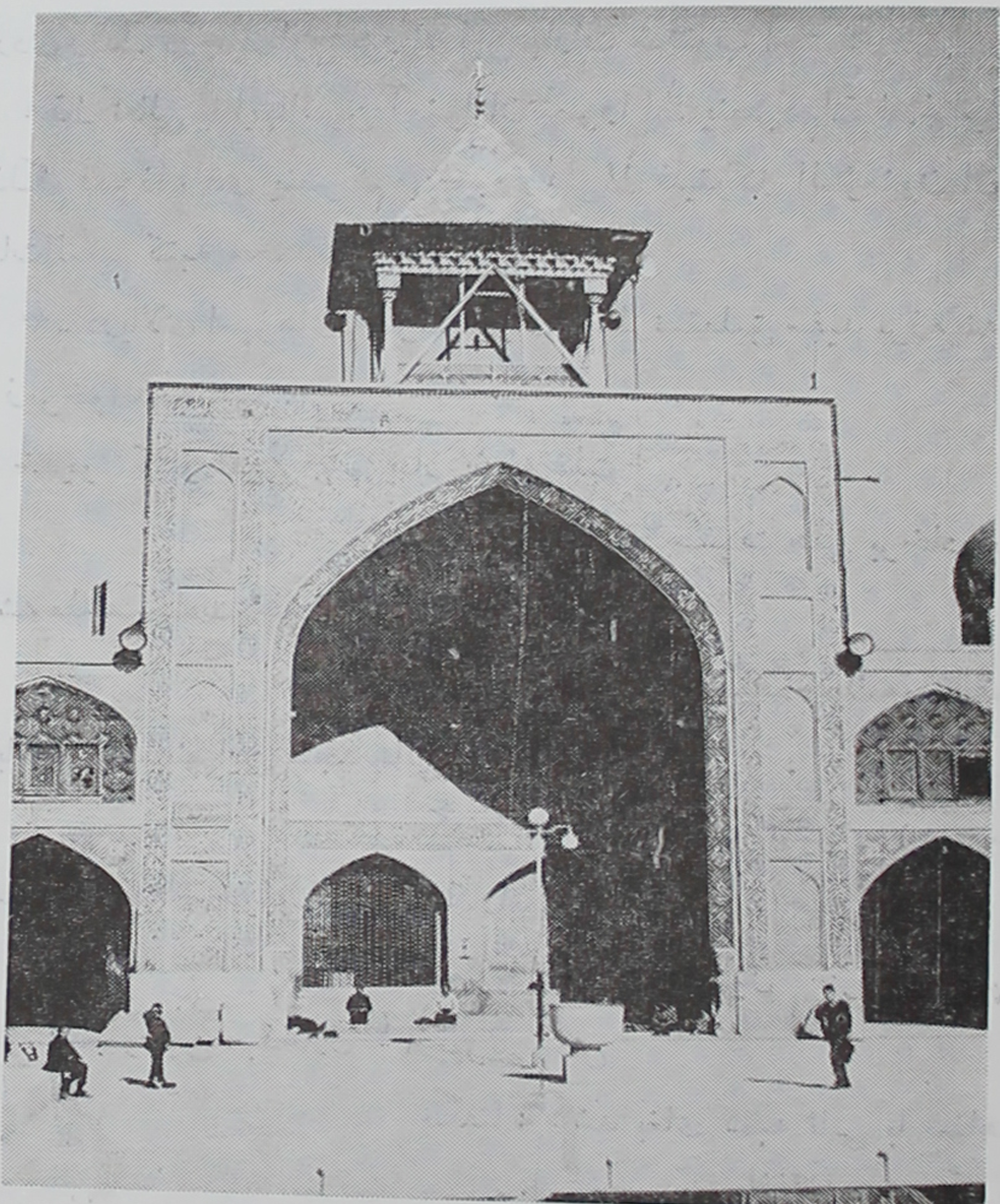
درشمال غربی شاخصی منصوب است که ساعت ظهر را تعیین میکند و در بالای ایوان جنوبی گلدسته واقع و ساعت بزرگی نصب‌شده و درطرفین‌آن دومناره ساخته شده است .

درسمت شرقی وغربی‌مهتابیهای وسیعی درطبقه دوم وجود داردکه دراطراف آن حجره‌هائی‌را برای سکونت طلاب‌بناکرده‌اند در وسط مسجد حوضی مستطیل شکل و درمشرق مسجد شبستان بزرگی قرار دارد . معروف است‌که زمین مسجدرا

۱- درتاریخ اصفهان وری ص۲۸۸ نوشته‌اندکه تاریخ شروع‌بنا ۱۲۴۰/ هجری بوده است.

۲- ۱ـ در جنوب‌شرقی. ۲ـ در زنجیر(شمالی). ۳ـ درحمام‌دوقلو. ۴ـ در جنوب غربی معروف به‌درملاعلی‌میرزا که مؤذن‌خوش‌صوت مسجد ومورد اعتمادسید بوده‌است. نامبرده نیای مادری پدر نگارنده است وپسرش ملایوسف درزمان حاج سیداسدالله مؤذن بوده است برای‌اطلاع ازشرح‌حال آنان به ص۸۰ بخش اول آتشکده اردستان رجوع شود.

درزمان شاه سلطان‌حسین فتحعلی‌خان اعتمادالدوله وزیرشاه مزبور خریده بودکه درآن مسجدی بناکندولی دراثرهجوم افغانها مقدور نگردید تااینکه حجةالاسلام شفتی مبادرت باین‌کار بزرگ‌کرد .[۱] (ش ۶۷)



(شکل ۶۷)

کتیبه‌های مسجد سید باین شرح است :

۱ ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۷۷ .

لاجوردی رنگ شامل سوره اسری تا آخر آیه ۲۵ و آخر کتیبه چنین است: « کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۵۶ ».

۲ ـ در زیر کتیبه افقی نمای فوقانی ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ درچهار لوح بزرگ این عبارات مکتوب است :

« قال تعالی یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم الله فلاغالب لکم وان» « یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المؤمنون ان المتقین » فی جنات النعیم کتبه محمدباقر الشیرازی » .

۳ ـ دربالای اسپرهای دوطرف ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعار زیر خوانده میشود :

« خدیو کشور دین شهریار خطه ملت
که کیوانش برد حسرت همی برخادم ایوان »
« شه ملك سیادت حجة الاسلام آن کامد
بدم چون عیسی مریم بکف چون موسی عمران»
« بامرش شد بنا این مسجد عالی بآن نزهت
که باشد هر شبستانش نظیر روضه رضوان »
« سزدگر کعبه اش خوانی که شد سرکارا تمامش
سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان »
«چوشد معمور این معبد هلال (۱) ازبهر تاریخش
بگفتا : « شد بنای کعبه ثانی با صفاهان »
(۱۲۵۵)

۴ـ کتیبه داخل ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نخست : « قال الله تعالی » وسپس آیات از ۱۴ تا ۱۷ سوره رعد و آیات از ۳۱ تا ۳۳ سوره ابراهیم ودنباله آن چنین است :

۱ـ آقا محمد حسین فرزند آقامحمد علی مذهب متخلص به هلال وهمت از شعرای اواخر قرن سیزده واوائل قرن چهاردهم هجری است . (مقدمه دیوان طرب) .

« صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی سنة خمس و خمسین و »
« مأتین بعدالف ۱۲۵۵ ».

در پائین حاشیه دو اسپر ایوان مزبور نام استادان کاشی‌پز مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین ترتیب نوشته شده‌است: «عمل کمترین معصوم فی ۱۲۵۵ ».

ودر حاشیه کوچکی بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه کاشی سفید رنگ نوشته شده : « عمل کمترین آقاجان ۱۲۹۹ » و در ایوانهای کوچك فوقانی ایوان جنوبی بخط بنائی مشکی معرق برزمینه سفید خوانده میشود :

« یامن هوخالق لکل شیئی »   « سبحان ربی‌العظیم وبحمده »
« سبحان ربی‌الاعلی وبحمده »

۵ــ کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی شامل سوره‌جمعه وآخر آن چنین است :

« کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۸۸ » وبرکاشی دیگری نوشته شده : « اللهم اغفر لحمد اسمعیل ».

۶ــ در اطراف هلالها نخست عبارت : «قال‌الله سبحانه تبارك و تعالی» و سپس آیات ۴۰ تا ۸۵ سوره مریم وبجملات زیر تمام میشود : « صدق‌الله العلی العظیم. کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۹۸ ».

۷ ــ کتیبه اطراف محراب بزرگ داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی ابتدا : « قال‌الله تبارك و تعالی» و سپس از آیه ۸۳ تا ۱۰۰ سوره مؤمنون و پایان کتیبه چنین است :

« صدق الله العلی‌العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی فی ۱۲۵۹ ».

۸ ــ کتیبه داخل محراب بزرگ بخط ثلث ونستعلیق برزمینه کاشی برجسته هفت رنگ عبارات : « یاسامع‌المناجات » و « یامجیب‌الدعوات » هریك سه‌مرتبه تکرار شده است.

۹ـ کتیبه محراب کوچك سمت راست بخط ثلث پس از ذکر آیه اول تا دهم سوره علق در داخل قطارها بخط بنائی مشکی برزمینه سفید نام کاشیکار بشرح پائین خوانده میشود :

« عمل استاد حسن بن استاد علی »

۱۰ـ کتیبه محراب کوچك سمت چپ بخط ثلث نخست از آیه ۱۱ تا آخر سوره علق و کتیبه مزبور باین قسمت ختم میشود :

« صدق‌الله العظیم والنبی الکریم کتبه عبدالجواد ابن عبدالحمید ۱۲۹۷[۱] »

۱۱ـ کتیبه زیر ایوان شمالی مسجد بخط ثلث سفید برزمینهٔ خشت لاجوردی جمله : « قال‌الله تبارك و تعالی » وسپس آیات از ۳۴ تا ۳۶ سوره نور و درپایان آن این عبارات نوشته‌شده است :

« صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی فی‌سنة ۱۲۵۹ » .

۱۲ـ کتیبه داخل ایوان شمالی بخط ثلث ابتداء از آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۲ سوره‌اسری وسپس درآخر آن تاریخ : « ۱۲۹۹ هجری » ذکر شده است .

۱۳ ـ کتیبه منظوم بالای دوپشت بغل کاشیکاری داخل ایوان مزبور بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه‌کاشی خشت‌سفید رنگ باین شرح نوشته شده است :

« نجل پاك حجة الاسلام آن میر همام
جعفر ثانی کز اول شد ملاذ خاص و عام »

« بانی اتمام‌این صفه چه شد گوئی که گفت
ایزدش بادا جزایت خیر فی دارالسلام »

« ازخرد کردم سؤال ازسال تاریخش جواب
گفت طوبی لك چه شداین صفه عالی تمام »

پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو:
« صفه مسجد بیامد قبله گاه خاص و عام »

۱ـ عبدالجوادبن‌عبدالحمید خطاط ونقاش بوده ونقاشی‌اطاق‌عمارت مسعودیه اهدائی بوزارت فرهنگ سابق ازقلم اواست . تذکرة القبور چاپ دوم ص۱۲۹ .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] که این کتیبه ها ازآن اقتباس شده در مصرع اخیر «قبه‌گاه» نوشته شده است در صورتیکـه درست آن «قبله‌گاه» میباشد؛ زیرا مصرع مزبور بحساب جمل بطوریکه درکتاب مزبور درج شده بالغ بر ۱۲۸۰ میشود و وقتی لفظ (پا) که بحساب با رقم ۳ برابر است از ۱۲۸۰ کم کنیم میشود ۱۲۷۷ هجری وحال آنکه باید مطابق ۱۳۰۷ هجری باشدکه تاریخ مساوی آن در دو اسپرداخل ایوان (۱۳۰۷) اعلام گردیده‌است ولی اگر «قبله‌گاه» خوانده شود مجموع حروف مصرع آخر بحساب جمل با ۱۳۱۰ منطبق میشود وچون لفظ (پا) بحروف جمل بارقم ۳ تطبیق میکند از ۱۳۱۰ کسرکنیم همان عدد مطلوب که ۱۳۰۷ باشد بدست میآید.

۱۴ ـ کتیبه دواسپر داخل ایوان بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین است:

«انامدینة العلم وعلی بابها ۱۳۰۷».

۱۵ ـ درکتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات از ۲۵ تانصف آیه ۴۵ سوره اسری وبعبارت زیر پایان میگیرد:

«کتبه‌محمد باقرالشیرازی الآتشی فی‌سنة سبع وخمسین ومأتین بعدالالف.»

۱۶ ـ بخط نستعلیق طلائی برزمینه لاجوردی رنگ نام‌خطاط اشعار چنین نوشته‌شده است: «کتبه الاحقراسدالله[2] غفرله وستر ذنوبه ۱۳۰۸».

نام کاشی‌ساز درزیر مصرع: «بدانا ازپی تاریخ اتمامش خرد گفتا» چنین نوشته شده:

«عمل آقاجان کاشی‌پز غفرله»

ونام حجار در زیرگلدانهای سنگی‌طرفین ایوان چنین نوشته شده: «عمل کمترین حسن‌ابن حسینعلی حجارسنه ۱۳۰۹» «التماس‌دعا ۱۳۰۹» ونیز بخط نستعلیق

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۶۸.

۲ـ اسدالله رجالی فرزند عبدالجوادبن عبدالحمید اصفهانی مولود ۱۲۸۲ و متوفی پنجم ذیحجه ۱۳۷۲ از شاگردان میرزا فتح‌الله جلالی درخط ونویسنده خطوط نسخ ونستعلیق بوده‌است.

سفید برزمینه مشکی درسمت راست ستون سنگی نوشته شده :

« خادم بیت‌الله حسینعلی ۱۳۰۸» و برقسمت پائین ستون سنگی سمت چپ نوشته شده :

« هاجی[1] اسمعیل حجار » « التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹ »

۱۷ - بردیوار شمالی ایوان کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق ریز لاجوردی بر زمینه کاشی خشت سفید وصورتی چنین خوانده میشود :

« ایوان‌این‌گلدسته راپرداخت از حسن‌عمل

سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل »

« زهدش‌چوسلمان بی‌ریارایش‌چوبیضا پرضیا

رویش‌چوبستان‌باصفاخویش‌چوگلشن درعمل»

« ازسعی او شد با صفا مانند سعی صفا

صحن فضایش‌چون منی‌لیکن بوادی جبل »

«گلدسته‌آن ازصفا چون‌باغ رضوان بی‌نظیر

ایوانی اما در بنا چون قصرکسری بی‌بدل »

« ازبعد چندین‌سال ومه فصل‌ربیع‌انجام شد

خرم چوماه فرودین فرخ چوآغاز حمل »

« تاریخ‌اتمامش یکی‌میخواست بانی‌گفتمش :

« گاه نماز آمد بگو حی‌علی خیرالعمل »

تاریخ اتمام برحسب حروف جمل مطابق است باسال ۱۳۰۵ هجری ولی در نوشتن اشعار مزبور اختلافاتی وجود داردکه درست آن همانست‌که نوشته شد وآن اختلافات چنین است‌که درکتاب‌گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان[2] که مبنای نقل است درمصرع: (رویش‌چوبستان باصفا خویش‌چوگلشن در عمل) (صفای) با یاء نوشته

۱ـ برای امتیازکسانی که دراثرتشرف بمکه حاجی‌نامیده میشوند بکسانیکه درروز عیدقربان متولد میشوند هاجی با هاء هوز میگویند .

۲ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ .

شده درصورتیکه درکتاب تاریخچه ابنیه‌تاریخی[1] اصفهان(صفا) نوشته شده وچون مفاد دوم درست بنظر میرسد بدون یاءِ نوشته شد. درمصرع : (صحن‌فضایش چون منی لیکن بوادی جبل) در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] :

(صحن فضایش درمنالیکش‌بوادی‌ملل) ودرتاریخچه‌ابنیه تاریخی‌اصفهان[3]:
(صحن‌فضایش چون منی لیکن‌بوادی جبل) نوشته شده است‌که چون درست آن منی ولیکن وجبل‌بود همانطور تصحیح ودرج گردید.

درگنجینه آثارتاریخی[4] این‌مصرع(گلدسته‌آن‌ازصفا) (گلدسته‌آنك‌ازصفا) و درتاریخچه‌ابنیه[5] تاریخی (گلدسته آن ازصفا) نوشته شده و درکتاب حاضر مانند تاریخچه ابنیه تاریخی درج گردید.

درگنجینۀآثارتاریخی‌اصفهان[6] این‌مصرع (ایوانی امادربناچون قصرکسری بی‌بدل) و در تاریخچه ابنیه تاریخی[7] (قصرکبری) نوشته شده که چون درست آن‌همان است‌که درگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان مرقوم شدبهمان وضع درج گردید.

مورد اختلاف دیگرمصرع آخر ماده تاریخ است‌که درتاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان نوشته شده:[8] « کان‌ماه بازآمد بگوحی‌علی خیرالعمل » که بحساب جمل باسال۱۳۰۸منطبق میشود ودرگنجینه آثار ناریخی‌اصفهان[9] نوشته شده :«گاه نماز آمد بگوحی‌علی‌خیرالعمل» که بحساب‌جمل‌مطابق‌است باسال ۱۳۰۵هجری وچون مفادگنجینه آثار تاریخی اصفهان درست بنظر رسید بهمان منوال نوشته شد.

۱۸- کتیبه ایوان کوچك واقع درخاور ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« هنا مصرع‌الحلم والقدس‌والتقی — هنا مطلع‌الانوار من‌جهة العلی »
« هنا بیت معمور و واد مقدس — وجنة عدن انزلت جانب الثری »
« هنا معدن التقوی و کنز فتوة — هنامخزن‌التوفیق‌والرشدوالهدی»

« نظمه اقل‌الحاج میرزافتح‌الله »

۸،۷،۵،۳،۱ – تاریخچۀ ابنیۀ تاریخی اصفهان ص ۱۷۸ . ۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ . ۹،۶،۴–گنجینۀ آثار تاریخی اصفهان ص۷۷۰ .

« ایا قبة النور من فیك ضاجع — اباقر علم‌الله ام آیة النهی »
« ایا قبره ان الذی قد ضمنته — لحجة اسلام و منتخب الوری »

« کتبه اسدالله شهیر برجالی »

« تضمنت بحر الجود و العلم و الکرم — وواریت نورالله فی اظلم الدجی »
« وزینها بالنقش سید ولده — ابوجعفر السامی مقتدی الوری »
« سئلت عن التاریخ قال کمابدا — « هنا مصرع الحلم و القدس و التقی »

۱۳۱۳

در پائین اشعار مزبور در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این دوشعر نوشته شده است :

« این بارگه نور جلی میباشد — جاروب کشش حسینعلی میباشد »
« هرکس که چو او براستی خدمتکرد — شایسته لطف ازلی میباشد »

درضلع غربی ایوان مزبور بخط ثلث زرد رنگ برزمینه کاشی خشت لاجوردی برجسته چنین نوشته شده است :

« قال‌الله تعالی وان المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً » ودر بالا وپائین :
« یاقاضی الحاجات یاکافی المهمات » نوشته شده است .

۱۹ ـ کتیبه ایوان کوچك واقع در باختر ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح است :

« لمسجد اسسه اس التقی — تم لسعی نجله نجم الهدی »
« اسسه مؤسس العلوم — اتمه متم تأسیس النهی »
« اسسه الحصن لدین الله — اتمه الرکن لشرع المصطفی »
« اسسه القمقام استاد البشر — اتمه العلام مقتدی الوری »
« اسسه باقر علم الدین — اتمه الجعفر ذوالمجد العلی »
« تاریخ هذا البیت للاتمام — اطلبه من بیت الاخیر المنتهی »
« اسسه رکن الهدی مجد النهی — « وجعفر سلیله فیه سعی »

۱۳۱۸

« عبده العاصی اسدالله رجالی غفر ذنوبه »

۲۰ ـ کتیبه‌داخل ایوان غربی بخط ثلث سفیدبرزمینهٔ کاشی لاجوردی مشتمل بر آیه ۳۰ تا نصف آیه ۴۵ سوره اسری است .

۲۱ـ کتیبه مهتابی‌شمال‌غربی‌بخط بنائی‌معرق سفیدوزرد برزمینه فیروزه‌ای نخست سوره‌اخلاص وسپس درزیر چهار اسپرشمال وجنوب‌آن بخط نستعلیق‌سفید برزمینه لاجوردی این‌اشعار نوشته شده است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد — جانی‌است‌کز آلایش‌تن‌پاك آمد»

« یك‌حرف‌زمجموعه‌عزوشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

***

« دریای سپهر کافتابست کفش — نبودچوعلی‌گوهری اندرصدفش»

«خورشیدبدرگهش‌شودهمچه هلال — تا عکس دهد بماه در نجفش »

۲۲ـ کتیبه مهتابی شمال شرقی درچهار اسپربخط بنائی برزمینه فیروزه‌ای باین‌شرح خوانده میشود :

« قال‌الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله والیوم الاخر » .

و درذیل اسپرهای مزبور بخط نستعلیق‌سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این‌کتیبه منظوم نوشته شده :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق — نشناخت تراکسی‌بغیرازمن‌وحق»

«حق‌رانشناخت‌کس بغیرازتو‌ومن — نشناخت مراکسی بغیرازتووحق»

***

« مسلم‌است علی‌راهمه‌صفات صمد — بغیرازاین دوصفت‌لم‌یلدولم‌یولد»

« به‌احمدوبه‌احدجزازاونیابی‌راه — که مظهراحداست وخلیفه‌احمد»

۲۳ـ کتیبه مهتابی جنوب شرقی :

درچهار اسپر بخط بنائی معرق برزمینه کاشی سفید سوره ماعـون و دریك مربع بزرگ آیه ۵۱سوره قلم‌نقش گردیده است ، ودر ذیل اسپرهای مذکور بخط

نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی این کتیبه منظوم خوانده میشود :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق — نشناخت مرا کسی بغیر از تو و حق»
« حق را نشناخت کس بغیر از من و تو — نشناخت تو را کسی بغیر از من و حق»

***

« دوش احمد زد قدم بتها شکست از هم علی
ساخت ویران کفر را از امر حق آن دم علی»
« آن که از تیغش سپر افکند جبریل امین
بود سیف‌الله فوق ایدیهم علی»

کتیبهٔ مهتابی جنوب غربی مسجد مانند مهتابی شمال غربی مسجد است و خطوط بنائی آن شامل سورهٔ کوثر است.

۲۴- کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد:

در بالای در ورودی بخط ثلث برزمینه کاشی لاجوردی نخست: « قال‌الله تعالی» وسپس آیات ۱۳ و ۱۴ و نصف آیه ۱۵ سوره رعد کتیبه شده و پایان آن چنین ختم میشود: « کتبه محمد باقر الشیرازی ».

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید پس از : «قال‌الله تبارك وتعالی » آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ سوره نور و دنباله آن چنین است : « صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم فی سنه ۱۲۵۹ کتبه محمد باقر الشیرازی » ودر یك کاشی بالای عبارت : « فی سنه ۱۲۵۹ » نوشته شده « سنه ۱۳۱۱ » که میرساند خط در ۱۲۵۹ نوشته شده ولی در ۱۳۱۱ هجری گرده برداری شده است.

در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه در دو لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این شعر نوشته شده است :

« رواج مذهب جعفر چو شد پیدا از این مسجد
بگو تاریخ او طغرل : « رواج مذهب جعفر»

که بحساب جمل باسال ۱۳۱۰ هجری منطبق میگردد. درقسمت بالائی اسپر

این دوشعر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود:

«اقل بندگان استاد محمود — که بر جانش ز ایزد باد رحمت»

«بفرمان سمی جعفر آراست — دری کو طعنه زد بر باب جنت»

بر نمای خارجی سردرمز بور بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر کتیبه شده:

«سلیل حجة الاسلام فخر الصادقین جعفر
که دارد علم جعفر صدق بوذر زهد سلمانی»

«نشد ترویج ار اسلام ز آبای عظام او
نه اسمی بود از اسلام و نه نامی از مسلمانی»

«بود هر خیر درعالم ز گردون تا ابد باقی
شود آن خیر را راغب بود آن فیض را بانی»

«چه شد خاک صفاهان ازغبار مقدمش زینت
بهرجا طوطیای دیده شد کحل صفاهانی»

«کتبه اسدالله شهیر برجالی ۱۳۱۱»

«سزد گر عرش اعظم دانی این دارالعبادة را
نگنجد عرش واجب گر درون فرش امکانی»

«بنا شد کعبه و مشعر ولی درقدر و جاه آمد
برفعت مشعر اول برتبت کعبه ثانی»

«چه شد مفتوح این باب العطا جمعی ز دانایان
پی تاریخ او گشتند غرق بحر حیرانی»

«درآن محفل یکی از اهل دل داخل شد و گفتا
بسوی ماگشود ابواب رحمت لطف یزدانی»

۱۳۱۱

و نیز دراطراف حاشیه های اسپرهای دوطرف سردر مشرف بجاده مجاور این اشعار بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین نقش شده است:

« خلف حجة اسلام و سليل اطياب
غوث ايتام غياث ضعفا ملجأناس »
« كز ششم حجة و هفتم بودش نام و نسب
بوالحسن سيرت موسی‌كف و عيسی انفاس »
« مسجدی را كه پدر كرد بنا همچو خليل
اين پسر كرد ز اتمام مصون از اطماس »
« بانی مسجد اقصی بود و كفو حرم
زانكه سر دفتر تقوی بودش اس اساس »
« چون‌كه فرمود به تزيين درون سعی بليغ
نيز پرداخت باين سر در و باب و كرياس »
« هاتفی از پی تاريخ ندا زد از غيب :
« فتح الباب الی الجنة امنا للناس »
۱۳۱۱

اين ماده تاريخ در صورتی با سال ۱۳۱۱ منطبق ميگردد كه الف (امنا) را حساب نكنيم و بگوئيم علامت تنوين است والا اگر مطابق نوشته حساب شود منطبق با سال ۱۳۱۲ هجری ميگردد .

۲۵- كتيبه سردر شمالی :

كتيبه‌های نمای خارجی سر در زنجير كه در اصلی بشمار ميرود بخط ثلث سفيد وزرد بر زمينه كاشی لاجوردی مشتمل بر سوره قدر وكوثر وجمعه و آية ـ الكرسی وآياتی از سوره يس ميباشد وازنويسندگان آن خطوط حبيب‌الله فضائلی ازخوشنويسان معاصركه انواع‌خطوط‌را خوش مينويسد و ديگران‌كه دركاشيكاری دخالت داشته‌اند نامبرده شده است .

اصول‌كتيبه ها ازكتاب گنجينه آثار تاريخی اصفهان اقتباس گرديده است .

اين‌مسجد كه يكی ازآثارمهم بشمار ميرود طی شماره ۳۷۸ به‌ثبت تاريخی رسيده است [۱]

۱ـ فهرست بناهای‌تاريخی واماكن‌باستانی‌ايران ص۵۹.

۳۲ - مسجد شاه = عباسی = سلطانی :

این مسجد که درمحله‌ای بنام‌مسجد شاه ودرجنوب میدان شاه واقع گردیده ازبناهای شاه عباس اول شاه مقتدر وخیر صفوی میباشد .

مشهور اینستکه مسجد شاه بعد از اتمام ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده وتاریخهای مختلفی برای سال‌اتمام وجود دارد .

مؤلف تاریخ اصفهان وری درباره بنای مسجد شاه چنین گفته (۱) :

«و امامسجد شاه‌شالوده مسجدی‌بزرگ درآن ناحیه‌بسلطنت سلطان‌محمدبن»
« طهماسب که نورچشمانش ضعیف بود و ولیعهدی سلطان حمزه بکوشش میرزا »
« سلمان جد بنده مؤلف نذر نموده بود درشکرانه نجات ازقتل‌خود زمان‌اسماعیل»
« ثانی تأسیس‌نماید ومیرزا سلمان جابری اصفهانی اعتمادالدوله و سیدالوزراءِ »
« زمام مهام امور دولت او مستقلاً بکفایتش بود و دخترش زن سلطان حمزه »
« چنانچه خود گیلان وگرجستان را بگشود ومالیات دو سال بگرفت ، سال ۹۸۰ »
« میرزا سلمان نبیره خواجه میرزا مسعود جابری بودکه به ۹۳۰ وزارت دربار »
« طهماسبی داشت وخانه‌های او حوالی سرای گلشن‌تاکوچه حاج عباس درسلسله »
« جابریان هنوز بعضی‌باقی‌است ونوشتجاتش نزدبنده موجود پس‌از شهادت میرزا»
« سلمان دربیرون‌قلعه هرات بدست امرای‌خائن‌در۹۹۱ وسپس‌شهادت حمزه‌میرزا »
«در۹۹۴وانقلاب احوال وآمدن شاه‌عباس بزرگ در۹۹۸ باصفهان تصمیم‌بوفای‌نذر »
« پدر و توسعه مسجد گرفت، چو او نیزازخطر قتل‌نظر‌بشب جمعه‌بودن درهرات »
« نجات یافت وجنگهای بااوزبکان و عثمانی وانقلاب خراسان و آذربایجان عزم »
« شاهانه را دوسالی تأخیرانداخت تا آغازهزار (۱۰۰۰) که میدان نقش‌جهان را »
« ساخت سال‌بسال بتکمیل ابنیه پرداخت اواخر ۱۰۱۹ باتمام مسجد اهتمام شده »

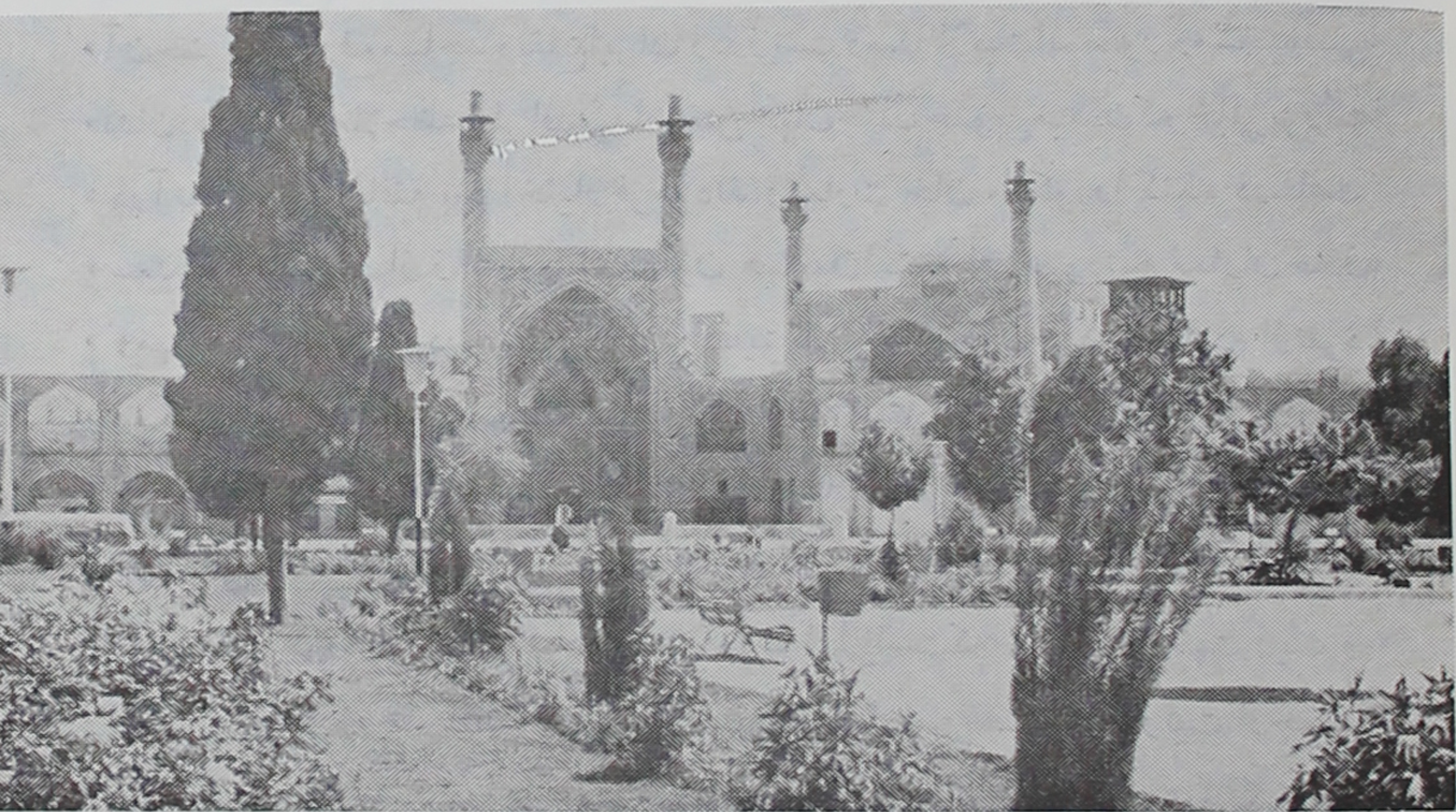
درنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان راجع باین مسجد چنین‌گفته شده است :

« ازمساجد بزرگ معتبر مسجد جامع عباسی‌است که بمسجد شاه معروف »

۱- تاریخ اصفهان وری ص۲۵۴ تا ص۲۵۵ ۲ - نصف جهان فی تعریف الاصفهان از ص۶۲ تا ص۶۴ .

« و در سمت جنوب میدان نقش‌جهان است آنرا شاه عباس بزرگ هفده سال قبل »
« ازوفات و انقضای زمان سلطنت خود شروع بعمارت نموده و تاریخ اتمام آنرا »
« متعرض نشده‌اند که خود او باتمام رسانیده یا دیگری از اخلاف او تمام نموده »
« است ومذکور درافواه مهندسان ومعماران مشهور میان ایشان آنست که محوطه »
« مسجد را تمام‌کنده بآب رسانیده‌اند وازآنجاباسنگ وساروج ساخته بمحاذات »
« زمین رسانیده‌اند وبنای جدار وسقوف نهاده برای این‌مسجد بزرگ سه گنبد »
« وچهار ایوان عالی‌ساخته‌اند وایوان سمت‌قبله عالیتر وگنبد آن وسیعتروررفیعتر »
« است وازجمله ابنیه منیع‌تر بردوطرف این ایوان یعنی سربالای آن دو مناره »
« زیبا ساخته‌اند که درآن اذان هم‌توان‌گفت. ارتفاع این‌ایوان سی‌ودوذرع (۳۲) »
« وارتفاع گنبدآن پنجاه (۵۰) ذرع شاه است . در این گنبد بجنب محراب آن »
« منبری ازسنگ مرمر یك پارچه ساخته ونصب نموده‌اند که زیاده قابل نظاره »
« ودرکمال تعریف است‌ودر دوطرف این‌گنبد وچهلستون‌طرح انداخته‌وساخته‌اند »
« وعقب آنها دوصحن بزرگ با ایاوین اطراف‌که هریك آنها بقدر مسجد متعارفی »
« است شاه سلیمان ساخته و بسمتهای دیگر مسجد بطبقه بالا غرفات وحجرات »
« جهت طلاب علم‌بنا نموده‌اند. صحن این‌مسجد وسیع است وعرض‌آن طرف‌طول »
« واقع‌شده ومحل عبرت مهندسان‌گشته است‌که‌چرا چنین نموده‌اند وتاحال سبب »
« آن معلوم کسی‌نشده . تمام این‌مسجد ازداخل وخارج‌کاشیکاری وازاره‌های آن »
« سنگ مرمر است وصحن‌آن‌را ازسنگ پارسی متعارف‌فرش نموده‌اند و دراین »
« زمان بحکم پادشاه مرمت‌کامل نموده و دو مهتابی بصحن‌آن بناکرده و حوض »
« بزرگ‌میان مسجدراکه بطرزقدیم ونامرغوب‌بود تغییرداده‌حوض بزرگتر بطرز »
« این زمان با سنگهای قائم ساخته‌اند . این‌مسجد را سردری است عالی باکمال »
« زیبائی وبالای‌آن سنگ مرمر وسرآن را مقرنس کاشی سنگین‌که ازآن بهتر »
« متصور نباشد در نهایت تکلف بطرف میدان ساخته‌اند و دری‌که روی آن تنکه »
« نقره گرفته ودورآن کتیبه که میگویند خط رشیدای خوشنویس است وآنرا »

« گرده نموده بر آن کنده‌اند بر آن نصب و مرتب داشته و دو دروازهٔ دیگر هم »
« درآن دوصحن شاه سلیمانی بطرف محله درست نموده وگشاده‌اند ودو شبستان »
« نیزکه یکی ازآنها بزرگ وقابل تعریف است ودیگری کوچکتر بطرف مشرق »
« ومغرب آن درست ومرتب کرده‌اند . طول این‌مسجد یکصدوچهل‌وشش (۱۴۶) »
« ذرع شاه و عرض آن هشتاد وچهار (۸۴) ذرع است . گلدسته این مسجدراکه »
« موضع اذان است بربالای ایوان مغربی ساخته‌اند ، بسیاربزرگ وخوشنما که‌از »
« آن بهتر متصور نباشد وبالجمله باستحکام و درستی‌وزیبائی این مسجد درایران »
« بلکه سایر ممالك جهان موجود نیست . » (ش۶۸)



(شکل ۶۸)

درعالم آرای عباسی [۱] درووقایع سال۱۰۲۰ چنین‌گفته شده است :
« در اوایل این‌سال فرخنده آغاز خجسته انجام شهریار ظفر قرین نصرت »
« فرجام را نیت خیر امنیت به‌اسطرلاب فکرت بدان مقصور ومعطوف گردید که »

۱- عالم آرای عباسی ج۲ ص۸۳۱

« درحوالی نقش‌جهان اصفهان بینای مسجد عالی‌بنیان که در بلاد ایران بل‌معموره»
« جهان مثل آن نشان نتوانندداد بپردازند وچون دارالسلطنه اصفهان را ازعمارات»
« عالیه ومنازل مرغوبه ودلگشا وباغات عنبر شمیم روح‌افزاوانهار وبساتین نمونه»
« خلد برین گردانیده‌اند اگر چه مسجد عالی [1] و مدرسه‌ای [2] در جانب شرقی »
« و شمالی میدان نقش جهان ترتیب داده بودند اما آنها در برابر همت بلند آن »
« حضرت پست مینمود ومکنون ضمیرانور بودکه همچنانکه آن بلده جنت‌مثال »
« ازعمارات عالیه وباغات وقیصریه وخانات واسواق رشک بلاد ومصدوقهٔ ارم ذات »
« العماد التی لم‌یخلق مثلها فی‌البلاد است مسجد عالی‌اساس ومدارك وبقاع‌الخیر »
« آن‌حضرت‌نیزارفع‌مساجد وبقاع‌ایران ودرزینت وصفا ازبیت‌المعمور ومسجداقصی»
« نشان‌دهدبعد ازملاحظه اطراف‌میدان‌نقش‌جهان‌جانب‌جنوبی‌میدان‌که خانی‌بزرگ»
« درآنجا ترتیب یافته بود اختیار فرمودند وعمارت خان مذکوررا کنده درساعت»
« سعدکه اهل‌تنجیم‌از زایجه طالع‌میمون همایون‌استخراج نمودند معماران‌حاذق»
« ومهندسان مدقق‌که دراعمال‌هندسی ودقایق‌کارهریك چون‌مرکزپرگاردم ازتفرد»
« ویکتائی میزدند طرح‌مسجد ومقصوره انداخته استادان نادره‌کار بمبارکی واقبال »
« شروع‌درکارکردند. ازغرایب‌حالات ونوادر اتفاق‌پیدا شدن‌معدن‌سنگ‌مرمراست»
« درحوالی [3] صفاهان‌که درهیچ‌زمان کسی‌ازآن نشان نیافته بود وهماناسنگهای »
« مذکور درآن مکان ودیعت نهاده دست قدرت ازلی‌است‌که تا غایت بجهت زیب و »
« زینت‌این‌معبد شریف ازنظرخلق پنهان بوده وازمیامن‌بخت بلند ونیت ارجمند »
« این‌خسرو فیروزمند دراین عهد ظهوریافت وازاین معنی استدلال توان‌کردکه »
« ظهور این‌آیتی است روشن وعلامتی واضح برصدق نیت وحسن‌اعتقاد بانی وقدر»
« ومنزلت این‌بنا در درگاه مبدع جهان آرا که چنین‌سنگهای یکپارچه طویل‌و »
« عریض منقوش ایوان را که در معموره جهان مثل آن نشان نمیتوان یافت »
« آرایش‌این‌ثانی بیت‌المعمورگردانید :

۱- منظور مسجد شیخ لطف‌الله است .

۲ - اشاره به مدرسه ملاعبدالله میباشد .

۳ - مقصود اردستان است .

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل
از شوق گفت : « کعبه ثانی بنا شده » »

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] راجع باین مسجد چنین گفته :
« ازسال ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۰ هجری ۱۶۱۲ـ ۱۶۳۰ م در جنوب میدان شاه یا »
« میدان نقش جهان ساختمان با شکوه مسجد شاه واقع‌شده است ، شاه عباس‌کبیر »
« برای زیبائی میدان ومقر سلطنت خود بعد از ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله در »
« بیست‌وپنجمین‌سال سلطنت خود (۱۰۲۱ هـ ـ ۱۶۱۲ م) تصمیم گرفت این‌مسجد »
« راکه پدرش سلطان محمد قصد بنای آنرا کرده بود ساختمان نماید . در کتابی »
« خواندم که ماده تاریخ مسجد شاه را اینطور نوشته :

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل
ازشوق‌گفت: (کعبهٔ ثانی بناشده) ۱۰۱۸»

« شاه درنظر داشت ساختمان این مسجد را زودتر از مدت پانزده سالیکه »
« صرف بنای مسجد شیخ لطف‌الله شده بود باتمام رساند و بهمین جهت در امر »
« ساختمان آن عجله وشتاب مینمود وبطوریکه مشاهده میشود ابتدا بنابود تمام »
« کاشیکاری مسجد مانند سردر ورودی آن ازکاشیهای معرق تزیین شود ولی‌بعد »
« بانظر استادان فن اتمام این‌عمل بکاشی خشت هفت رنگ مبدل‌گردید و برای »
« سرعت اتمام بنای مسجد میخواست از سنگهای مرمرمسجد جامع استفاده‌کند »
« ولی‌مخالفت علماء وبزرگان او را منصرف‌نموده وپس‌از رسیدن سنگهای مرمر »
« از اردستان در مسجد نصب‌گردید .»

« در دوطرف سردر زیبا وبا شکوه کاشیکاری مسجد دو مناره بلند طرفین »
« بارتفاع ۴۸ مترقرار دارد و در جلو محوطه آن بشکل کثیرالاضلاع ده ضلعی »
« است حوض هشت ضلعی قشنگی میباشدکه در سالهای قدیم مملو ازآب وبرای »
« مصرف مجاورین‌وضو ونمازگزاران بکار میرفته و اکنون مدتها بدون آب‌آنرا »

---

۱ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۹۷ ص۹۸

« نگهداری مینمایند ، گویند این حوض بمنزله ترمومتر هوای اصفهان »
« بوده است . »

ازگفته‌های مؤلفان که بتفصیل ذکرگردید چنین معلوم شد :

۱ ـ ساختمان مسجد جامع بزرگی در اصفهان ازخواسته‌های سلطان محمد پدر شاه عباس بوده وچون شاه عباس بزرگ هم از قصد پدر آگاه و موافقت داشته پس از پای تخت قرار دادن اصفهان و آماده بودن وسائل بانجام خواسته مزبور پرداخته است .

۲ ـ این‌که محل‌فعلی‌مسجد شاه پیش‌از ساختمان مسجد کاروانسرای بزرگی بوده که مورد استفاده‌بوده است وپس‌از‌تصمیم بساختن‌مسجدابتدا کاروانسرا خراب وسپس‌بینای مسجد پرداخته‌اند .

۳ ـ تاریخ شروع بنا سال یکهزار وبیست هجری بوده است و این‌که برخی گفته‌اند[1] که درصفر سال ۱۰۱۹ بوده درست بنظر نمیرسد ، زیرا صفویه بخصوص کارهای خیر و بزرگ را در ماههای محرم و صفر انجام نمیدادند و بعلاوه مؤلف عالم آرای عباسی‌که خود معاصر بوده تاریخ شروع بنا را (۱۰۲۰) نوشته است. امکان دارد درسال۱۰۱۹ مشغول تخریب‌کاروانسرا بوده‌اندکه برای ساختمان‌مسجد آماده ومهیا باشد . (ش ۶۹)

۴ـ درنظربوده‌که سنگهای مرمر مسجد جامع در مسجد شاه بکار برده شود واین‌طور استنباط میشود که میخواسته‌اند مسجد جامع را خراب و از مصالح آن در مسجد جامع شاهی استفاده کنند و چون عملی غیرمجاز و نادرست بوده علماء وبزرگان شاه را ممانعت‌کرده‌اند .

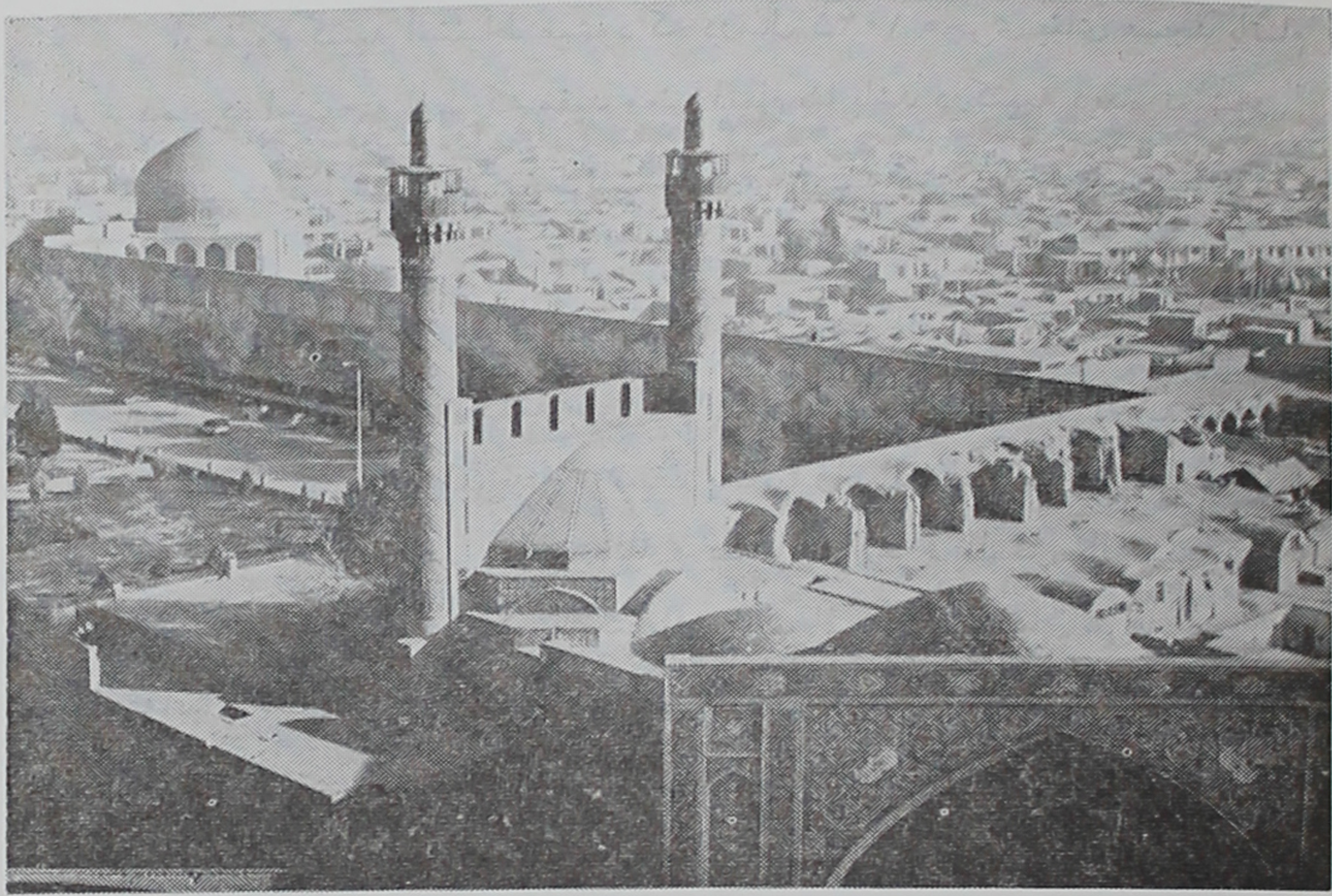
۵ ـ سنگهای مرمریکه درمسجد شاه بکار برده شده از رنگون[2] اردستان بوده است[3] واین‌نکته را شاردن فرانسوی نیز درسفرنامه خوداشعار داشته است[4]

۱ـ وقایع السنین والاعوام خاتون‌آبادی .

۲ ـ رنگون از دهات روستای علیای اردستان است و در حدود لاسیب واقع‌گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۳۲ .

۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۲ .



(شکل ۶۹)

کتیبه‌های مسجد بردوقسم است :

الف ـ کتیبه‌هائی که مربوط به‌مسجد است :

۱ـ کتیبه سردر ورودی بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی مربوط بسال ۱۰۲۵ هجری وبخط علیرضا عباسی چنین‌خوانده میشود :

« امر ببناءِ هذاالمسجد الجامع من‌خالص‌ماله اشرف خواقین‌الارض نسباً و »
« اکرمهم‌حسباً واعظمهم‌رفعةً وشاناً واقواهم‌حجة وبرهاناًواشملهم عدلاً واحساناً »
«تراب‌العتبةالمقدسةالنبویة وقمامةالساحةالمطهرةالعلویةابوالمظفرعباس‌الحسینی»
« الموسوی الصفوی بهادرخان لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و »
« جباه افاخم السلاطین معفرة بتراب اعتابه وقد اهدی ثوابه الی‌روح جده‌الاعظم »
« الاکرم الافخم شاه‌طهماسب سقی‌الله ضریحه صوب‌الرضوان واسکنه غرف‌الجنان»
«کتبه علیرضا العباسی فی‌سنة ۱۰۲۵ »

ازمفهوم کتیبه استنباط میشود که درسال ۱۰۲۵ هجری بنای مسجد باتمام نرسیده بوده است چه لفظی که مفید معنی اتمام بنا باشد درکتیبه دیده نمیشود .

۲ ــ در ذیل کتیبه بالا بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین نوشته شده است :

« قد تمت بعون الله وحسن توفیقه عمارة المسجد الذی حری به ان یکون »
« جامعاً لما صلیت صلوة الجمعة بشرایطها فیضاهی المسجدالاقصی الذی بورك »
« حولها فطوبی ثم طوبی لمن رعی ترصیف بنیانها وارکانها اعنی من عظم قدره بین »
« اقرانها لازال کاسمه محب علی بیکالله و بمعماریة من فی العمل کالمهندسین و »
« هوالنادر الاوانی استاد علی اکبر الاصفهانی و باشراف من یشرفه الله شرفاً جزیلاً »
« فرعوابها بیکالله کتبه محمد رضا الامامی » .

دراین کتیبه تصریح گردیده که عمارت مسجد بسرکاری و اهتمام محب علی بیك لله و مهندسی و معماری استاد علی اکبر اصفهانی اتمام یافته است ولی تاریخ اتمام معلوم نیست .

۳ ــ بر دو اسپر کاشیکاری دو طرف در ورودی درهشت لوحه بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین کتیبه شده :

« قال الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم الاخر و »
« اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین »
« قال النبی صلی الله علیه و آله اذارایتم الرجل یتعاهدالمسجد فاشهدواله بالایمان».

و در دو طرف جلوخان سر در بخط ثلث زرد رنگ بر زمینه کاشی خشت لاجوردی این عبارات خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله انامدینة العلم وعلی بابها . » و بردو اسپر طرف خاوری و باختری جلوخان درقسمتهای فوقانی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی این دوشعر نوشته شده است :

« ناد علیاً مظهر العجایب   تجده عوناً لك فی النوایب »

« کـل هم و غم سینجلی بنبوتك یامحمدو بولایتك یاعلی»

« کتبه العبدالمذنب الراجی ادیب مجلسی. »

و درپائین اسپرهای مزبوراین اشعار بخط نستعلیق حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی خوانده میشود.

« امی لقبی کز انبیا اعلم بود احمد نامی که سرور عالم بود»

« زان سایه نبودیش بهمراه که بود محرم جائی که سایه نامحرم بود»

۴ ـ در ضلع غربی جلوخان تخته سنگی بزرگ نصب شده که میگویند در قدیم روی آن وقفنامه موقوفات مسجد نوشته شده بوده و در زمان نادرشاه آنرا محوکرده‌اند و فقط این عبارت خوانده میشود:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم »

۵ ـ کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح است:

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی لمسجد اسس علی‌التقوی من‌اول یوم احق‌ان»

« تقوم‌فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین. عن‌ابن‌عباس رضی‌الله »

« عنه قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم ان‌علیاً وصیبی وخلیفتی وفاطمة »

« زوجته‌سیدة نساء العالمین بنتی‌والحسن‌والحسین‌سیدا شباب اهل‌الجنة[1] والذی »

«والاهم‌فقد والانی ومن‌عاداهم فقدعادانی ومن‌اتاهم فقد اتانی‌ومن‌جفاهم‌فقد جفانی»

«ومن برهم‌فقد برنی‌ومن‌وصلهم‌وصل‌الله ومن‌قطعهم قطع‌الله ومن‌اعانهم‌نصرالله وخذل »

« من‌خذلهم اللهم‌من‌کان له‌من‌انبیائك ورسلك ثقل واهل‌بیت فعلی وفاطمة والحسن»

« والحسین‌اهل بیتی وثقلی‌فاذهب عنهم‌الرجس‌وطهرهم‌تطهیراً. قال‌کان‌امیرالمؤمنین»

« علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام یقول من‌اختلف‌الی‌المساجد اصاب احدی‌الثمان اخاً »

«مستفاداً فی‌الله عزوجل اوعلماًمستظرفاً اوآیة‌محکمة اورحمة‌منتظرة اوکلمة‌رده »

«عن‌ردی اویسمع‌کلمة تدل علی‌هدی اویترك ذنباًخشیة اوحیاء قال‌النبی صلوات‌الله»

« وسلامه علیه انا مدینة‌العلم و علی بابها. صدق رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله. »

۱ـ درحدیث بعد ازسیدا شباب اهل‌الجنة ولدی دارد.

۶ـ کتیبه های مناره های سردر جنوب میدان شاه باخطوط بنائی تکرار سوره اخلاص وکلمات : لااله الاالله محمد رسول‌الله و الله‌اکبر است ، و درزیر مقرنسهای هردو مناره بخط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه وسلموا »
« تسلیماً وقل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم یکن‌له ولی من‌الذل وکبره تکبیراً »

۸ـ کتیبه درنقره وطلا اندود ورودی اشعاری است بخط نستعلیق برجسته که احتمال داده‌اند خط رشیدای خوشنویس است[۱] وآن اشعار چنین است :

روی لنگه راست :

« چون خدیو زمانه شاه صفی — شاه دشمن‌گداز و بنده نواز »
«که از این‌در شه فرشته‌خصال — میبرد ره بکعبه بی‌تك وتاز »
« کی بانجام میرسد حرفم — وصف‌این مسجد ارکنم‌آغاز »
« مسجدی کز شرف بیك مسجد — کرده با مسجد الحرام نماز »
« خانهٔ بانی زمان و زمین — کعبهٔ ثانی عراق و حجاز »
« مرغ روح کبوتران حرم — میکند در هوای آن پرواز »
« نقرهٔ قرص مه ز رشك درش — میخوردچون طلای مهرگداز »
« بازشد چون بتازگی این در — در صفاهان بروی اهل‌نماز »

روی لنگه چپ :

« این بنا خلقتی که صبح ازل — در توفیق شد برویش باز »
« آنکه سعیش ببوستان نجف — داد آب روان بعمر دراز »
« شهسوار قلمرو دانش — خسرو عهد داور ممتاز »
« شرع پرور شهی که جبریلش — بدعا یاد کرده وقت نماز »
« داد فرمان که این در مسجد — یابد از نقره و طلا پرداز »

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۶۲

« زرگرانش بکارخانهٔ ذوق — گرم‌خدمت شدندچون‌دم‌وگاز »
« چون باقبال شاه گشت تمام — آمد از روی آسمان آواز »
« فکرتاریخ‌کرد واهب[1] وگفت — « شد در کعبه در صفاهان باز »

۱ــ تاجا میرزا حسن‌بن میرزابیك‌بن خواجه نعمت‌الله مالمیری اصفهانی متخلص به‌واهب‌متوفی (۱۰۵۸ ﻫ. ق) نبیره خواجه نعمت‌الله مالمیری است که اوهم ازنبیره‌های خواجه قوام‌الدین وزیر شاه شجاع است. واهب در زمان شاه صفی (۱۰۴۴ ﻫ.ق) بسمت مستوفی یزد منصوب شد وچهارده سال‌باین خدمت مشغول‌بود وسپس مستعفی‌گردید وچون قبل‌ازشغل مستوفی‌گری یزد در اصفهان عاشق پسری بنام زاغی بود واوهم گرفتار دیگری بود در این‌باب واهب‌غزلی سروده که نقل میشود :

ایکه صیاد مرا کرده نگاهت نخجیر — با خبر باش که‌صیدش نشوی‌سهل مگیر
چنگ بر سینه شاهین قضا بند کند — زاغ سیمرغ شکاری که تراگشته اسیر
منما چین جبین تا نربائی دل او — دام‌عنقا نتوان یافتن از موج حصیر
آفتابی که رخ از مطلع حسن تونمود — میبرد پرتو او روشنی از مهر منیر
تواگر باغ گلی او چمن یاسمن است — در گلستان جهان هردو ندارند نظیر
عطر زلف تو اگر برده دل عالم را — اوهم از نکهت خط‌کرده جهان‌راتسخیر
تیغ ابروت بابروی کمانش نرسد — کار شمشیر نیاید ز غلاف شمشیر
پنجه عشق ودل نازك او انصاف است — بنده گردیده بگلبرگ تری ناخن شیر
عشق ترکیت‌که از گوشه ابروی کمان — پادشه را بزمین افکند از روی سریر
عشق بود آنکه بیکدم زدن همت او — سر منصور ز دار ادب افتاد بزیر
عالمی‌صید توگردید چو او صید توشد — بود در طالع حسنت‌که شوی عالمگیر
شب که مستانه بیزم تو قدم بگذارد — سجده شکر کن ودرقدم دوست بمیر
به‌نگاهی‌که اسیرانه کند چشمش پوش — بنیازی که فقیرانه زند دستش گیر
همچو مژگان‌خودانگشت بچشمت‌بگذار — گر زمژگان تو خواهد که‌بسازد پر تیر
چمن‌خوبیت‌امروز که بابرگ ونواست — گل به‌جیبش کن‌وچون‌غنچه مسازش‌دلگیر
نار پستان تو فرد است که‌بر نخل‌قدت — بطریقی‌است که بر شاخ بخشکدانجیر
بصفای نظر و مهر و محبت سوگند — که اگر آینه‌اش از تو شود زنگ‌پذیر
میکنم زود ترا چون شب خودتیره وتار — میکشم زلف ترا چون‌خط اودر زنجیر

واهب علاوه برنظم در نثر نیز ید طولائی داشته که مختصری از یکی از رقعه‌های او نوشته میشود:

«امید که طره عنان سمند جهانگرد قضا و دنباله لگام توسن عالم مورد قدم همواره در « دست اختیار بندگان عالیمقدار . . . . » (جامع مفیدی ج۲ ص ۲۵۷) . در تذکره نصرآبادی ص ۱۰۸ مرقوم است که در ترتیب نظم‌پایه سخن را باعلی مدارج رسانیده رباعیات ←

که میرساند درمزبور واندود کاری آن در سال ۱۰۴۶ هجری باتمام رسیده است . وچون شاه صفی درسال ۱۰۳۸ بسلطنت رسیده [1] پس هنگام اتمام در مزبور مقارن با هشتمین سال سلطنت او بوده است .

۹ـ میان در نقره ولوح سنگی در اطراف یك طاق کاشیکاری در لوحه‌های متفرق بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم وبعد: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر » در راهرو ورودی بچشم میخورد .

۱۰ ـ کتیبه فوقانی درون گنبد بزرگ ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« من‌مناقب ابن‌المغازلی عن‌ابن عباس قال کنت جالساً مع‌فتیة من‌بنی‌هاشم »
« عندالنبی صلی‌الله علیه وآله اذا انقض کوکب فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله »
« من‌انقض هذاالکوکب فی‌منزله فهوالوصی‌من‌بعدی فقام‌فتیة من‌بنی‌هاشم فنظروا »
« فاذاالکوکب قدانقض فی‌منزل علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلم قالوا یارسول‌الله‌اغویت »
« فی‌حب علی فانزل‌الله والنجم اذا هوی ماضل صاحبکم وما غوی الی‌قوله‌بالافق »
« الاعلی . وفی‌مسندابن حنبل عن‌عبدالملك ابن عطیة قال اتیت زیدبن‌ارقم فقلت »
« له ان‌خالی حدثنی عنك بحدیث فی‌شأن علی یوم غدیر خم‌فانا احب ان اسمعه »
« منك فقال انکم معشر اهل‌العراق فیکم مافیکم فقلت‌له لیس‌علیك منی‌بأس قال »
« نعم کنا بالجحفة وخرج رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله ظهراً و هوآخذ بید علی »
« علیه‌السلم فقال ایهاالناس‌الستم تعلمون انی‌اولی بالمؤمنین من‌انفسهم قالوابلی »

←

ستهٔ میرزا محتشم را در جلوس شاه‌صفی جواب‌گفته بتحسین اهل بلاغت سرافراز گردیده در استیفای یزد فوت شد واهب تخلص داشت شعرش اینست :

واهب‌سفر بحر فنا کن‌که نمیری   اینجانفس بازپسین باد مرادست.

۱ ـ در تاریخ جلوس شاه صفی غروری شاعر دو شعر گفته که هرمصرع آن جلوس شاه صفی است :

دادند سریر پادشاهی بصفی   دوران زمان لایتناهی بصفی
۱۰۳۸   ۱۰۳۸

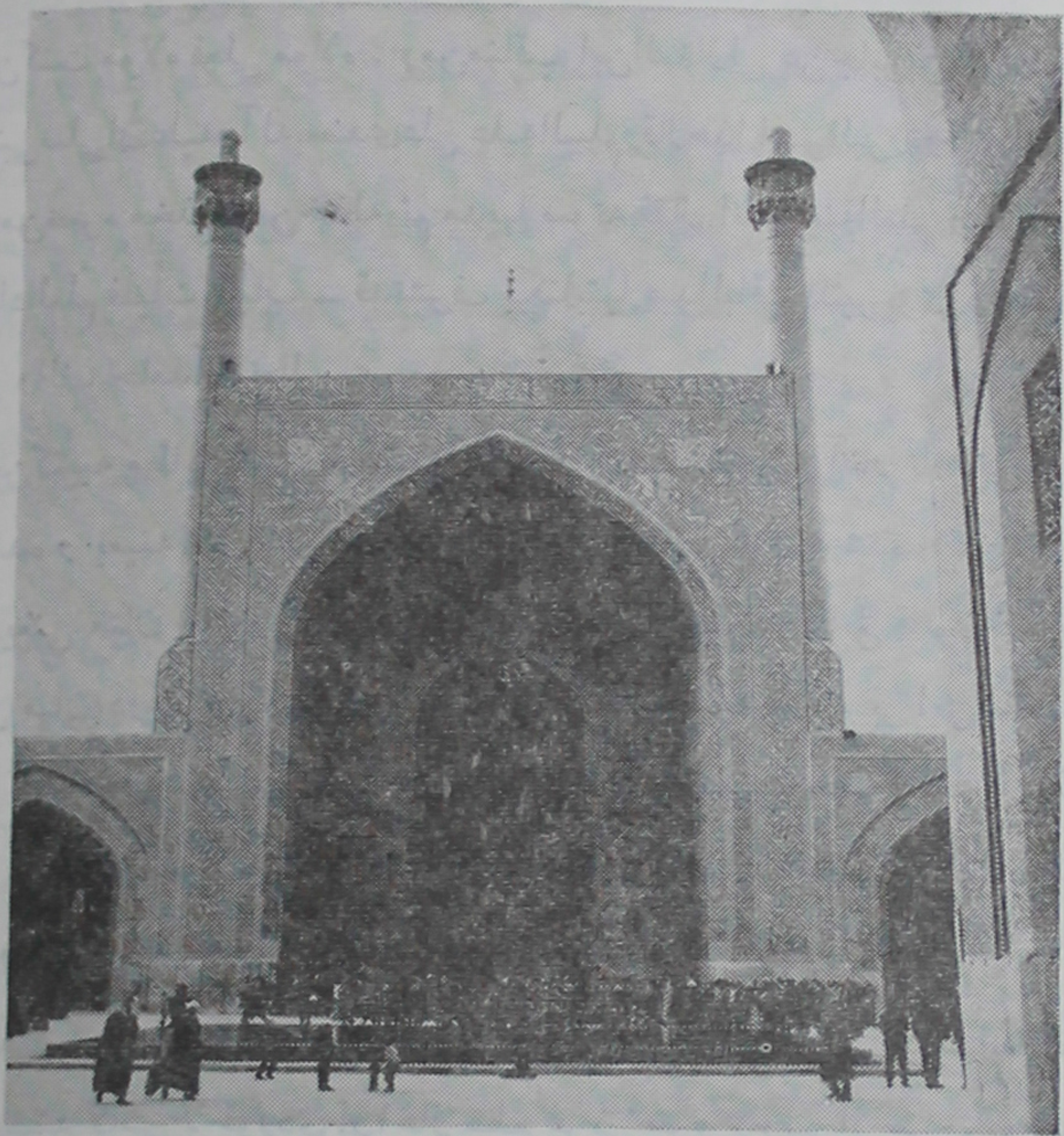
گویندزصدق اهل‌عالم همه شکر   کافزود بهای تاج شاهی بصفی
۱۰۳۸   ۱۰۳۸

« قال فمن كنت مولاه فعلی مولاه . ومن مناقب ابن المغازلی عن جابر بن عبدالله قال »
« اخذ النبی صلی الله علیه و آله بعضدی علی علیه السلم وقال هذا امیر البررة وقاتل الکفرة »
« منصور من نصره مخذول من خذله ثم مد بها صوته فقال انا مدینة العلم و علی بابها »
« فمن اراد العلم فلیأت الباب ـ قد تشرف بکتابتها عبدالباقر التبریزی فی سنة ست »
« وثلثین والف حامداً لله تعالی . »

این کتیبه مطابق است با کتیبه‌ایکه در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان مذکور شده و بعینه نقل شده در قسمت منقول ازجابر نوشته شده « عن جابر ابن عبدالله » یعنی میان جابر و بن همزه قرار گرفته درصورتیکه مطابق قانون خط هرگاه کلمه ابن میان دوعلم واقع گردد همزه آن ساقط میشود علاوه بر این که ملفوظ نیست در خط هم نوشته نمیشود حالا این اشتباه از نویسنده خط کتیبه یا درقرائت کتیبه یا درچاپ کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان واقع شده باشد موکول برسیدگی بیشتری میباشد . (ش ۷۰)

۱۱ ـ کتیبه ایوان بزرگ جنوبی و اطراف محوطه زیر گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ازآغاز ضلع غربی شروع وپس‌از طی محوطه زیر گنبد بنقطه مقابل شروع درضلع خاوری ایوان ختم میشود وآن چنین است :

« قال ابن المغازلی فی مناقبه عن انس انه قال لما کان یوم المباهلة وآخی النبی »
« صلی الله علیه وآله بین المهاجرین والانصار وعلی واقف یراه ویعرف مکانه لم یواخ »
« بینه وبین احد فانصرف علی باکی العین فافتقده النبی صلی الله علیه وآله وسلم فقال »
« ما فعل ابوالحسن قال انصرف باکی العین یا رسول الله قال یابلال اذهب فأتنی به »
« فمضی بلال الی علی علیه السلم وقد دخل منزله باکی العین فقالت فاطمة ما ابکیك »
« لاابکی الله عینیك قال یا فاطمة آخی النبی بین المهاجرین والانصار و انا واقف »
« یرانی ویعرف مکانی لم یؤاخ بینی وبین احد قالت لایحزنك الله لعله انما ادخرك »
« لنفسه فقال بلال یا علی اجب النبی صلی الله علیه وآله فاتی علی النبی علیه السلم »
« فقال النبی صلی الله علیه وآله ما یبکیك یاعلی قال آخیت بین المهاجرین والانصار »



(شكل ٧٠)

« يا رسول الله وانا واقف ترانى وتعرف مكانى لم تؤاخ بينى وبين احد قال انما ذخرتك »
« لنفسى اما يسرك ان تكون اخا نبيك قال بلى يا رسول الله انى بذلك فاخذ النبى »
« بيده وارقاه المنبر فقال اللهم ان هذا منى وانا منه الا انه منى بمنزلة هرون من موسى »
« الا من كنت مولاه فهذا على مولاه فانصرف على قرير العين فاتبعه عمر بن الخطاب فقال »
« بخ بخ يا اباالحسن اصبحت مولاى و مولى كل مسلم . من مناقب ابن المغازلى عن »
« جابر بن عبدالله قال وقد قدم نجران على النبى صلى الله عليه و آله العاقب والطيب »
« فدعاهما الى الاسلام فقالا اسلمنا يامحمد قال كذبتما ان شئتما اخبرتكما مايمنعكما »
« من الاسلام قالا فهات انبئنا قال حب الصليب و شرب الخمر و اكل لحم الخنزير »
« فدعاهما الى الملاعنة فوعداه ان يغادياه بالغداة فغدا رسول الله صلى الله عليه و آله واخذ »

« بید علی وفاطمة والحسن والحسین ثم ارسل الیهما فابیاان یجیبا واقرا له بالخراج »
« فقال النبی صلی الله علیه و آله والذی بعثنی بالحق نبیاً لوفعلا لامطرالله علیهما »
« الوادی نارا قال جابر نزلت فیهم هذه الایة فقل تعالوا ندع ابنآئنا و ابنائکم و نساءنا »
« و نسآءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین، قال الشعبی »
« ابنائنا الحسن والحسین و نسآئنا فاطمة وانفسنا علی بن ابی طالب. وتلک فی المناقب »
« عن زید بن ارقم قال انه دخلت رسول الله صلی الله علیه و آله فقال انی مؤاخ بینکم »
« کما آخی الله بین الملائکة ثم قال لعلی انت اخی ورفیقی ثم تلا هـذه الایة اخوانا »
« علی سرر متقابلین الاخلاء فی الله بعضهم ینظر الی بعض وعن محمد بن عبدالله بن »
« ابی رافع قال نادی المنادی یوم احد لاسیف الاذوالفقار ولافتی الاعلی و فی مناقبه »
« ایضاً قال رسول الله صلی الله علیه و آله مکتوب علی باب الجنة محمد رسول الله علی »
« اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات بالفی عام کتبه بحمدالله وحده عبدالباقی [۱] »

۱- عبدالباقی دانشمند ازمردم تبریز وبفنون وهنرهای گوناگون آراسته بود مدتها دراکتساب علوم وفضایل رنجها کشید و در خدمت علاء بیک که از فحول هنرمندان بود تلمذ میکرد تا خود دانشمندی گران مایه گشت وبر کرسی اشتهار نشست آنگاه از تبریز بجانب بغدادسفر کرد و در آن‌وقت مصطفی دده از مهره حسن خط بود که نظیر نداشت عبدالباقی بخدمت او شتافت و آنقدر رنج برد تا آنکه خطش شهره آفاق‌گردید واین خبر بسمع شاه‌عباس رسید اورا باصفهان دعوت کرد عبدالباقی امتناع کرد شاه‌عباس هم نوشتن کتیبه جامع بغداد رابه حسن چلپی محول کرد اوهم عبد الباقی را برای نوشتن کتیبه جامع بغداد انتخـاب نمود ، پس از فتح قندهار شاه عباس مجدداً عبدالباقی را باصفهان دعوت کرد وروانه اصفهان شد و مورد نوازش واقع گردید ونوشتن کتیبه‌های مسجد شاه باومحول شد وبنوشتن آن پرداخت . دانشمند در نوشتن خطوط ثلث ونسخ ونستعلیق جلی‌ماهر وبر سایرین مقدم بود با اینکه مورد احترام ونوازش شاه عباس بود بازبان شکایت واعتراض داشته واشعاری در این زمینه سروده است، نامبرده در اوایل قرن یازدهم وفات کرد. ازاشعار اواست :

صاحبا عید آمد و ما را مهیا هیچ نیست — جامه‌در برفوطه برسر کفش‌درپا هیچ‌نیست
شال و مندیل و قباوکفش در بازار هست — قیمتش بسیار کردم پول پیدا هیچ‌نیست
کردم از پوشیدنی قطع نظر اما چه سود — خوردنی‌درخانه ما غیـر سرما هیچ‌نیست
سفره اعلای دون از نان وازحلوا پر است — پیش ما غیر ازکتاب نان‌وحلوا هیچ‌نیست
گرچه‌در بازار رنگارنگ‌انگور است لیک — در کف اطفال ما جزریش بابا هیچ‌نیست

←

۱۲ ـ کتیبه بالای محراب مرمری بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« روی عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال یاعلی لوان عبداً عبدالله مثل »
« ما قام نوح فی قومه وکان له مثل احد ذهباً فانفقه فی سبیل الله ومد فی عمره حتی »
« حج الف حجة علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوماً ثم لم یوالك یاعلی »
« لم یشم رایحة الجنة کتبه محمد صالح ۱۰۳۸ » .

این کتیبه را محمدصالح درهمان سال وفات شاه عباس بزرگ نوشته ولی معلوم نیست که درسلطنت شاه صفی بوده یا این که هنوز شاه عباس بزرگ زنده بوده است .

۱۳ ـ کتیبه محراب غربی چهلستون خاوری بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« عن ابی عبدالله علیه السلم قال لما هبط جبریـل علیه السلم بالاذان علی »
« رسول الله صلی الله علیه وآله کان رأسه فی حجر علی علیه السلم فاذن جبریل علیه »
« السلم واقام فلما انتبه رسول الله صلی الله علیه وآله قال سمعت یاعلی قال حفظت »
« قال نعم قال ادع بلالافعلمه فدعا علی علیه السلام بلالاً فعلمه کتبه محمد رضا »
« الامامی [۱] » درداخل همین محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی

→
حال خدمتکار و نوکر را چگویم درلباس — جز زمین و آسمان درزیروبالا هیچ نیست
این همه بگذار حرف قرض خواهان راشنو — وجه قرضی رابجز امروزوفردا هیچ نیست
جزوئی قرض ازکسی کردم طلب گفتا بچشم — تاقیامت صبرکن زیرا که حالا هیچ نیست
ازره طبع آزمائی چند بیتی گفته شد — ورنه مارا جزخدا ازکس تمنا هیچ نیست
(نقل از تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۴۷ تا ص ۴۸)

۱ ـ محمدرضا امامی اصفهانی قدوه خطاطان وخوشنویسان عهد شاه عباس بزرگ (۱۰۳۸-۹۹۶) تا شاه سلیمان (۱۱۰۶ـ۱۰۷۸) بود ودر نوشتن خط ثلث جلی ثانی علیرضا عباسی بود، این نویسنده زبردست دربیشتر کتیبه‌های مسجد شاه اصفهان هنرنمائی کرده وهمینطور درکتیبهٔ سایر مساجد وبقاع اصفهان خط چون بال طاوسش در کاشیهای معرق وآجری یافت میشود چنانچه در محراب دست چپ مسجد شاه رقم کرده: «کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی سنه ۱۰۳۸» واین سالی بوده که شاه عباس بزرگ بدرود زندگی گفته است .
←

رنگ خوانده میشود :

« قال الله عزوجل یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه فاسعوا»

« الی ذکرالله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون . »

۱۴- کتیبه اطراف محراب شرقی چهلستون شرقی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

«عن ابی عبدالله علیه السلم قال من سمع المؤذن یقول اشهدان لا اله الا الله واشهدان»

« محمداً رسول الله فقال مصدقاً محتسباً وانا اشهدان لا اله الا الله و اشهدان محمدا »

« رسول الله اکتفی بها عمن ابی و جحدواعین بها من اقرو شهد الا کان له من الاجر »

←

و نیز در بیرون محراب مسجد شاه سلیمان نوشته است: « کتبه محمد رضا الامامی سنه ۱۰۷۷» از نوشتن کتیبه‌های مختلف معلوم میشود که محمد رضا امامی عمر طولانی کرده چه اولین کتیبه اودر (۱۰۱۲ ه.ق) وآخرین کتیبه او (۱۰۷۷ ه.ق) میباشد و با این ترتیب معلوم میشود که زمان اساتیدی چون میرعماد وعلیرضا عباسی وعبدالباقی و محمدصالح همه‌را درك کرده است واین مرد بزرگ نزد سلاطین عصر خود بسیار محترم‌وبزرگوار بوده وسلاطین وامراء وشاهزادگان صفویه در موقع بنای عمارتی اورا مأمور نوشتن کتیبه آن میکردند بطوری که هیچ مدرسه ومسجد وبقعه‌ای درعصر او ساخته نشده که فاقد خط او باشد بیشتر قصور و عماراتی که در آن تاریخ بناشده وپر از خطوط خطاط مزبور بوده در حکومت مسعود میرزا ظل السلطان مورد بی‌مهری قرار گرفته و تیشه بیداد آن قصور و عمارات را ویران ساخت بطوریکه نوشته‌اند درمدت حکمرانی خود قریب هفتاد عمارت وبناهای بزرگ‌را خراب کرد. مدیر روزنامه چهره‌نما که خود اصفهانی است خرابـی عمارات عهد صفوی را در اصفهان بخوبی مجسم کرده و در این اشعار که در ذیل درج میگردد بیان نموده است :

گامی بصفاهان زن‌هان‌ای‌دل حسرت زا — بین قصر شهنشاهان ویران شده سر تا پا

هرسو که سرا بوده یکسرشده ویرانه — هرجاکه بنا بوده ویرانه شده یکجا

کاخان‌که زدی‌هریك برچرخ‌سر ازرفعت — از فر شه عباس شاهنشه ملك آرا

هریك شده بومان را ویرانه و کاشانه — کاشانه وویرانه هر یك شده بومان را

هان رود صفاهان بین باناله همی‌گوید: — کوقصر شهنشاهان‌چون گشت عمارتها

از هشت بهشت او نبود اثری اکنون — وز نقش جهان آرا نقشی نبود برجا

هفت‌دست‌شده ازدست ازدست‌ستمکاران — گلدسته شده بی دست ازدست ستم والا

بالای سرشك‌از چشم از باغ زرشك‌او — کزصرصرعدوان‌سوخت‌آن‌باغ بهشت‌آسا

محمد رضا امامی در سال یکهزار وهشتاد واندی وفات یافت.

(نقل از تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۱۱ تاص ۱۱۳)

« عدد من انکر وجحد و عدد مثل من اقر و اعترف کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی»
« الادهمی ۱۰۳۸ » .

و در داخل محراب مزبور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی کتیبه‌ای باین‌شرح خوانده میشود :

« . . . . انما ولیکم‌الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة‌ویؤتون»
« الزکوة وهم‌راکعون قال‌النبی علیه‌السلم الصلوة معراج‌المؤمن . »

۱۵ـ کتیبه درون ایوان شمالی‌مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی مشتمل است برسوره دهر ودرپایان آن چنین رقم شده است : « کتبه ـ عبدالباقی فی الف وثلاثین وخمس. » که درزمان شاه عباس بزرگ نوشته شده‌است.

۱۶ـ کتیبه ایوان وسط ضلع شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح‌نوشته شده:

« قال ابو نعیم المحدث فی کتابه فی‌قول‌الله عزوجل واسأل من ارسلنامن‌قبلك»
« من رسلنا فقال النبی صلی‌الله علیه و آله لیلة اسری به‌جمع‌الله بینه وبین‌الانبیاء»
« ثم قال اسألهم یامحمد علی ما بعثتم فقال النبی صلی‌الله علیه و آله و سلم بعثنا»
«علی شهادة ان لااله الاالله والا قرار بنبوتك و ولایة علی‌بن ابی‌طالب علیه السلم .»
« و عن ابی‌ذرالغفاری قال قال رسول‌الله صلوات‌الله وسلامه علیه لعلی بن ابی‌طالب»
« علیه السلم انك قسیم‌الجنةوالنار وانك تقرع باب‌الجنة و تدخلها بغیر حساب . »
« تعمیر آذر ۱۳۲۹» .

ازقسمت آخر کتیبه معلوم میگرددکه درسال ۱۳۲۹ شمسی درآذرماه کتیبه مذکور مورد تعمیر قرارگرفته است.

۱۷ـ کتیبه‌داخل گنبدشرقی درقسمت‌فوقانی بخط ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی ابتدا سوره فتح تا آخر آیه دهم آن و دنباله آن این عبارت خوانده میشود: «صدق‌الله العظیم حر ره محمدغنی.» ومعلوم میگردد که یکی ازنویسندگان خط ثلث آن زمان محمد غنی بوده است که‌کمتر خط اودیده شده است.

۱۸- کتیبه درون گنبد بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«فی مسند ابن حنبل عن البراءِ بن عازب قال اقبلنا مع النبی صلی الله علیه و آله»
«فی حجة الوداع حتی کنا بغدیر خم فنودی فینا الی الصلوة جامعة وکسح لرسول»
«الله صلی الله علیه و آله بین شجرتین واخذ بید علی فقال الست اولی بالمؤمنین»
«من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال الست اولی بکل مؤمن من نفسه قالوا بلی»
«یا رسول الله قال هذا مولا من انا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فلقیه عمر»
«فقال هنیئاً لك یا بن ابی طالب اصبحت وامسیت مولا کل مؤمن ومؤمنة. ومن مناقب»
«ابن المغازلی عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی بن ابی طالب»
«علیه السلم یوم فتح مکة اما تری هذا الصنم یاعلی قال بلی یارسول الله قال فاحملك فتناوله»
«قال بل انا احملك یا نبی الله فقال صلوات الله وسلامه علیه لو ان ربیعة ومضر جهدوا ان یحملوا»
«منی بضعة واناحی ما قدروا ولکن قف یاعلی فضرب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم»
«ویدیه الی ساقی علی فوق القربوس ثم اقتلعه من الارض بیده فرفعه حتی تبین»
«بیاض ابطیه ثم قال تری ما اری یاعلی قال الله عزوجل قد شرفنی بك حتی لو اردت»
«ان امس السماء لمستها فقال له تناول الصنم یاعلی فتناوله علی فرمی به ثم خرج»
«النبی صلی الله علیه و آله من تحت علی وترك رجلیه فسقط علی الارض فضحك فقال»
«ما اضحکك یاعلی فقال سقطت من اعلی الکعبة فما اصابنی شیئی فقال النبی»
«صلی الله علیه و آله کیف یصیبك وانما محمد حملك وانزلك جبریل علیه السلم و»
«عن ابی ذر الغفاری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله من ناصب علیاً علی -»
«الخلافة بعدی فهو کافر وقد حارب الله ورسوله کتب بحمد الله الغنی القوی فی ثمان»
وثلثین والف.» .

هرچند در این کتیبه نام کاتب بصراحت برده نشده ولی ازطرز بیان فهمیده میشود که نویسنده خط آن همان محمد غنی است و درکتیبه اول که تاریخ نوشتن معلوم نبود ازمجموع دوکتیبه استنباط میگردد که محمد غنی از نویسندگان خط ثلث در سال یکهزار وسی وهشت کتیبه‌ها رانوشته است.

۱۹ـ کتیبه درون محراب گنبد شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره بقره و سپس باین رقم « کتبه محمد صالح [۱] الاصفهانی ۱۰۳۸ . » پایان می‌پذیرد.

۱ــ محمد صالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی ازخوشنویسان معروف عصر صفوی و مؤلف تذکره‌ای راجع به‌احوال خوشنویسان است و در آن تذکره شرح حال خودرا نیز بیان کرده است، در امتحان الفضلاء گفته که پس از قتل میرعماد شاه عباس اورا بهندوستان فرستاد تا رشیداخواهرزادهٔ میر را بایران بیاوردوشاه جهان‌مقدم اوراگرامی داشت ولی مانع ازبازگشت رشیدا شد وخود او باصفهان بازگشت واین‌درست بنظرنمیرسد چه محمد صالح‌تاسال۱۱۱۸ که کتیبه مدرسه چهارباغ را نوشته یا ۱۱۲۲ که کتیبه مسجد علیقلی آقا را نوشته حیات او مسلم‌بوده ومرحوم دکترمهدی بیانی درجلد سوم‌احوال وآثارخوشنویسان‌حیات اورا تا۱۱۲۶ هجری مسلم دانسته است وبا این ترتیب نمیتوان گفت که محمد صالح پسر میرزا ابوتراب بهندوستان رفته است‌ممکن است خود میرزاابوتراب‌رفته باشد وچون رشیدا نیامده‌خودبازگشته باشد. راجع بشرح حال خودْ چنین نوشته است :

«بعد چون بعضی از مخادیم کرام بگمان اینکه فقیرحقیر خاکسارا حقر کتاب محمد
«صالح بن ابی‌تراب را اطلاعی برچگونگی خط وبهمرسیدن خطوط خطاطان هرزمان میباشد»
«خواهش فرمودندکه تذکره‌ای دراوضاع خطوطواحوال‌خوشنویسان درسلك‌تحریر درآورد»
«بنابرفرمان وامتثال وامرملازمان ذی‌شأن ایشان‌آنچه ازاین‌مراتب‌که مسموع این بی‌بضاعت»
«شده بود در مقام تنمیق آن درآمده بعزعرض میرساندکه قلم بر دو نوع است: یکی نباتی»
« است و آن کام شیرین‌کن خــوشنویسان و کاتبان کــرامت آیــات است . . . دیگـری »
«قلم‌موست.. ذکر احوال خود کمترین‌هرچند که درعالم خوشنویسها از همه شاگردان‌مرحوم»
«والد خود وباقی خوشنویسان عهد در دنیا نسبت وحسن خطی که موجب امتیاز و افتخار»
«باشد ندارد،اما قریب به‌چهل‌سال است که سررشته تعلیم خط نستعلیق در دست بنده وباین»
«تقریب درخدمت اکابر واصاغر ترك وتاجیك این ولایت واهل هر دیاری که وارد این شهر»
شوند مشغول است وشعر ابوطالب کلیم‌که :

«درجهان طالع خاکستر صیقل دارم | خودسیه رو وهزار آینه‌روشن‌کردم»

«و این رباعی از خود مناسب حال خود است:

«نیستم‌قدری‌که گویم‌رطل ومدگردیده‌ام | از گناه اما گرانتراز احد گردیده‌ام »
«چون‌خمیر ترش‌اگرخودنان‌نمیگردم‌ولی | مایهٔ نان هزاران بذر خود گردیده‌ام »

« ما صدق حال است ، از فقیر فیضهای وافی و شافی بخلق‌الله رسیده کـه هـرکس تعلیم»
«از بنده گرفت، نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود، بلکه اکثر باعلی مدارج مراتب »
«عالیه دنیا رسیده صاحب مزینهای بلند و خدمات ارجمند گردیده‌اند. شاید بـاین تقریب »
←

«جمعی طلب مغفرتی بکنند یا ازراه قدرشناسی نام حقیر را گاهگاهی ببرند یادر نوشتجات»
«به تقریبات بخیر یاد فرمایند، از آن جمله چون مناسب مقام است بذکر آن میپردازد که»
«بیست و سه سال قبل از این ارسطوی عهدکه قوت متخیله افلاطون طفل‌رضیع افکاربدیع»
«وخیالات دقیق نیتش را مهد بود اعنی غریق رحمت ربانی، بلبل گلشن سخندانی، نواب»
«مستطاب فضایل مآب، وحیدالزمانی میفرمودند که اگر درخوشنویسی‌منشور خواهی، اول»
«کسیکه چیزی خواهد نوشت من خواهم بود. بعد ازچند روز این فقرات را انشاء فرموده»
«قطعه‌ای برای‌بنده نوشته‌اند وعبارات‌آن قطعه اینست:

«نهال قابلیت شخصی که ازقطعه زمین ترابها اصقل من الماء وماؤها الطف‌من‌الهواء»
«ببار آمده باشد صالح است‌که بگلهای‌بدایع اعجارمنور وبروایح امتیاز معطر باشد،صدق»
«فهم صادق وصحت قول با نفس‌الامر مطابق دوگواه عدلند که شمیم نـرگسی که از قلم»
«سحر رقم این زبدة الاقران بمشام ادراك رسیده ازریحان خط یاقوت لبان شنیده وبنفشه‌ای»
«که از جدول این خامه اعجاز شمامه بالاکشیده غبار خط بناگوش سیمین عذاران‌بگـرد»
«آن نرسیده، زمان حصول ترقیات نزدیك‌وچشم بد دورباد.»

«اما در این ایام که بازار کمالات کساد وخرمن هستی هنرمندان وارباب استعـداد»
«نزدیك است به‌باد رود چند بیتی بطرح مثنوی با یك دو رباعی‌که مبتنی براین مطلب‌است»
«خود موزون‌کرده درین‌مقام‌ایراد می‌نماید ومسموع‌هوش‌وگوش هنرپروران هرعهدمی‌سازد»
«که هرچند روزگار برایشان تنگ گیرد باز ازعهد خود راضی‌باشند:»

«چه‌شدحق‌سعی‌وکجا شد سپاس   چرا خلق گشتند حق ناشناس»

رباعی

«آنهاکـه درین دیر فنا یارهمند   پیوسته پی شکست بازارهمند»
«ارباب‌کمال را هنر معشوق‌است   گرنیست‌چنین بهرچه اغیارهمند»
«قلم اینجارسید وسربشکست .»

در تاریخ وفات محمد صالح اختلاف است. سپهر در تذکرهٔ خود تاریخ وفـاتش را ۱۱۳۰ هجری ضبط‌کرده ولی درجای دیگر تاریخ فوتش را ۱۱۲۶ هجری نوشته‌اند درهر حال یکی از خطوط اوکه در راهرو مدرسه چهار باغ وجود دارد حاکی از آنستکه در سال ۱۱۲۰ هجری حیات داشته است ونیزمحمدطاهروحید که‌برای او منشور نوشته درسال ۱۱۱۲ هجری قمری مطابق گفته تذکره نصرآبادی وفات کرده است.

بنا بگفته مؤلف امتحان الفضلاء محمد صالح پس ازوفات در جوار آرامگاه پدرش میرزا ابوتراب در مسجد لنبان بخاك سپرده شده است .

(نقل از ج ۳ احوال خوشنویسان ص۷۶۷ تاص ۷۷۱)

موضوعی که بایدمورد توجه واقع شود سن محمد صالح است‌که در سال ۱۰۳۸خط اوجزء خطوط خوشنویسان ثلث در مسجد شاه وجود دارد وباید گفت در آن موقع‌بسن۲۵ سالگی رسیده بوده است که توانسته است در حسن خط مشهور باشد پس سـال ولادت او

۲۰ـ کتیبه ایوان غربی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«قال‌الله تعالی شانه وتعاظم سلطانه انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم»
«الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین»
«وقال تعالی فی سورة الجن وان المساجد لله فلا تدعوا مع‌الله احداً و عن مولانا»
«ابی عبدالله الصادق علیه السلم عن ابیه‌الباقر علیه السلم قال قال رسول‌الله صلی‌الله»
«علیه و آله وسلم من کان القرآن حدیثه و المسجد بیته بنی‌الله له بیتاً فی‌الجنة»
«کتبه محمدرضا الامامی حامداًالله تعالی فی ۱۰۴۰ .»

۲۱ـ کتیبه درون گنبد غربی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بااین شرح نوشته‌شده است :

« من مسند ابن حنبل عن سلمان قال سمعت حبیبی محمداًرسول الله »
« صلی الله علیه وآله یقول کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عز وجل یسبح‌الله »
« ذلك النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام فلما خلق الله آدم رکب »
« ذالك‌النور فی صلبه فلم یزل فی‌شیئی واحدحتی ترقیا فی‌صلب عبدالمطلب‌ففی‌ـ

→
۱۰۱۳ هجری بوده است وبا این ترتیب درسال ۱۱۲۰ که آخرین خط او وجود داردسن او بالغ بر ۱۰۷ سال خواهد بود، مگر اینکه گفته‌شود بیست سال داشته که خط سال ۱۰۳۸ را نوشته است و با این فرض‌هم سن او بالغ بر ۱۰۳ سال میشودکه مستبعد بنظر میرسدکه بتواند در سن ۱۰۳ سالگی خطوط خوش بنویسد.

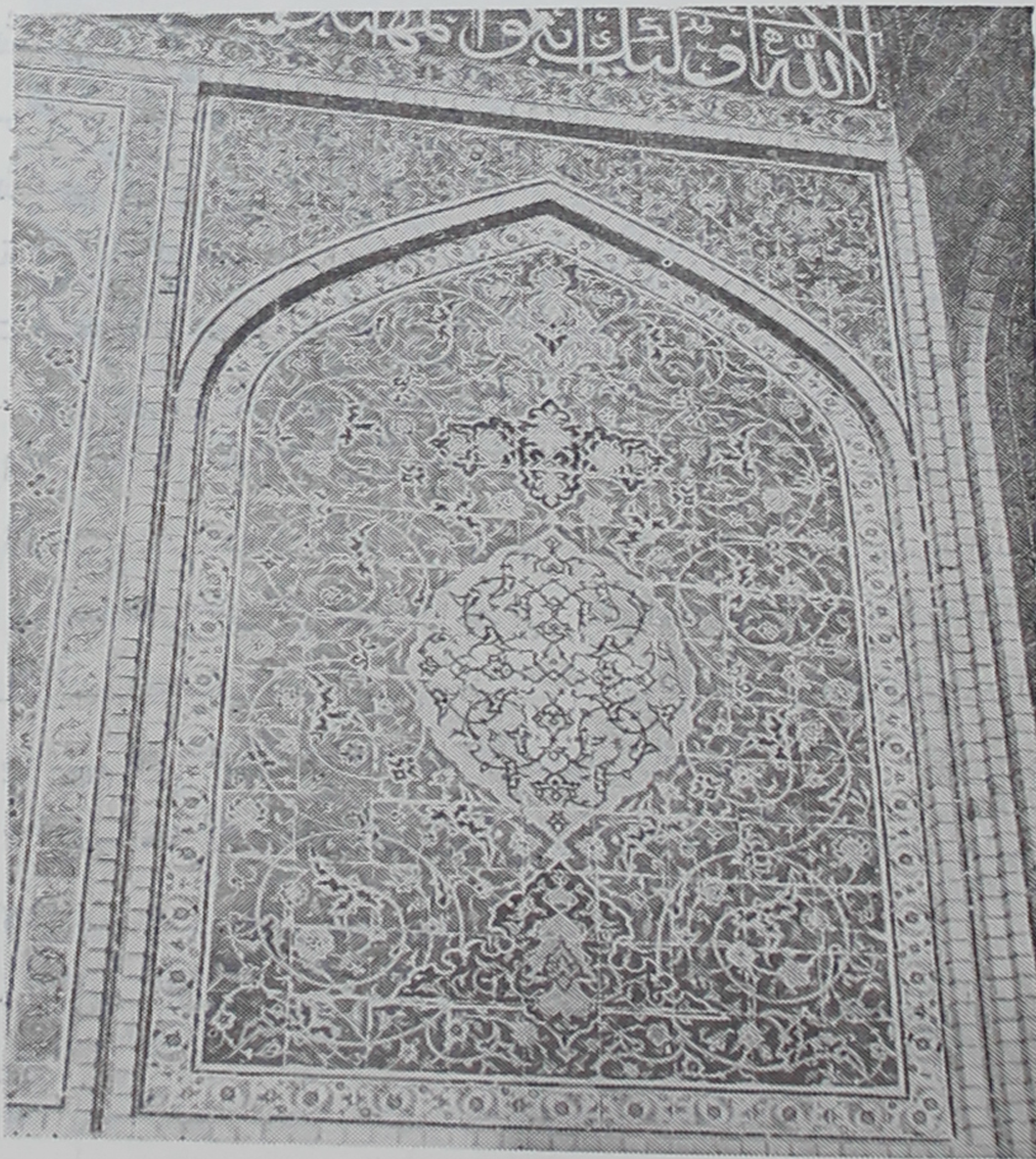
آنچه بنظر نگارنده میرسد اینستکه در قرن یازدهم چند محمد صالح بایـن شرح بوده‌اند :

۱ـ محمدصالح‌بن میرزا ابوتراب اصفهانی که درثلث‌نویسی شهرت داشته است.
۲ـ محمد صالح‌بن میرزا علی خاتون آبادی که درخط نستعلیق‌اشتهار داشته‌است .
۳ـ محمد صالح‌بن عباس مولوی که اوهم درخط‌ثلث مشهور بوده است.

وچون محمد صالح بن میرزا ابوتراب همانطور که خود در تذکره‌اش گفته متخصص در خط نستعلیق بوده نه ثلث پس کتیبه‌های مربوط بسال ۱۰۳۸ که بخط ثلث است از‌آن‌او نیست وممکن است خط آن کتیبه مربوط بمحمد صالح مولوی باشد که اوهم‌درسال ۱۰۳۹ کتیبه نوشته است وچون رقمها نیز تفاوت دارد بایدگفت که‌این‌سه‌نویسنده درموارد حالاتشان اختلاط پیدا کرده‌اند وتعیین خصوصیات آنان احتیاج برسیدگی بیشتر دارد.

«النبوة وفی علی الخلافة وایضاً من مسنده عن جابر بن عبدالله عن النبی صلی الله»
«علیه و آله قال ان الله عزوجل انزل قطعة من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی»
«قسمها جزئین فجعل جزءاً فی صلب عبدالله وجزءاً فی صلب ابی طالب فاخرج جنی»
«نبیاً واخرج علیاً وصیاً. ومن مناقب المغازلی عن عایشة قالت اقبل علی بن ابی طالب»
«قال النبی صلی الله علیه و آله من سره ان ینظر الی سید شباب العرب فلینظر الی»
«علی فقلت یارسول الله الست سید شباب العرب فقال انا سید ولد آدم وعلی سید»
«العرب فی الف وثلاثین وخمس کتبه عبدالباقی حامداً لله ومصلیاً علی محمد و آله.»

۲۲ - کتیبه دور زیر گنبد غربی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین نوشته است : (ش ۷۱)



(شکل ۷۱)

« عن ابن عباس قال کناجلوساً مع النبی صلی الله علیه و آله اذهبط علیه جبریل »
« الامین علیه السلم جام من البلور الاحمر مسکا وعنبراً وکان الی جنب النبی صلی الله »
« علیه و آله علی بن ابیطالب وولداه الحسن والحسین فقال له السلام علیك الله یقرأ »
« علیك السلم ویحییك بهذه التحیة ویأمرك ان تحیی علیاً وولدیه. قال ابن عباس فلما »
« صارت فی کف النبی صلی الله علیه و آله هللت وکبرت ثلثاً وقالت بلسان طلق ذرب »
« بسم الله الرحمن الرحیم طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی فاشمها النبی صلی الله »
« علیه و آله ثم حیی بها علیاً فلما صارت فی کف علی قالت بسم الله الرحمن الرحیم انما »
« ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون »
« فاشمها علی علیه السلام وحیی بها الحسن علیه السلم فلما صارت فی کف الحسن قالت »
« بسم الله الرحمن الرحیم عم یتسائلون عن النبأ العظیم الذی هم مختلفون فاشمها »
« الحسن وحیی بها الحسین علیه السلم فلما صارت فی کف الحسین علیه السلم قالت »
« بسم الله الرحمن الرحیم قل لااسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی ومن یقترف »
« حسنة نزدله فیها حسناً ان الله غفور شکور ثم ردت الی النبی صلی الله علیه و آله »
« فقالت بسم الله الرحمن الرحیم الله نور السموات والارض . قال ابن عباس فلاادری »
« اسماء صعدت اوفی الارض توارت بقدرة الله عزوجل. عن علی علیه السلم قال رسول الله »
« صلی الله علیه و آله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یا علی واخرهم القائم الذی »
« یفتح الله علی یدیه مشارق الارض ومغاربها. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه و آله لما عرج بی الی السماء رأیت علی باب الجنة مکتوباً لا اله الا الله محمد »
« رسول الله علی حبیب الله الحسن والحسین صفوة الله و فاطمة امة الله لعنة الله »
« علی باغضیهم کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی ۱۰۳۹. » (ش ۷۲)

۲۳- در دوطرف محراب گنبد مزبور در دولوحه تازه بخط نستعلیق سفیدبر زمینه کاشی لاجوردی چنین کتیبه شده است :

« عمل عبدالرزاق کاشی پز کرمانی » در لوح دیگر « توسط باستان شناسی تعمیر شد » .



(شکل ۷۲)

۲۴ ـ کتیبه نمای خارجی محراب شبستان غربی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیات اول تا آخر آیه چهارم سوره اسری و دنباله آن چنین است : « کتبه محمد رضا الامامی غفر له ۱۰۷۷ ».

۲۵ ـ کتیبه درون محراب شبستان مزبور بخط ثلث طلائی برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« قال الله سبحانه تبارك وتعالی سیقول السفهاء من الناس ماولیهم عن قبلتهم »
« التی کانوا علیها قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . قال »
« النبی صلی الله علیه و آله الصلوة معراج المؤمن کتبه محمد رضا الامامی ۱۰۷۷ . »

۲۶ـ کتیبه نمای خارجی‌ایوان بزرگ جنوبی‌مسجد بخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود :

« الحمدلله الذی زین مساجدالاسلام بتسبیحه و شیدبایدی الملوك كعبة »
« الانام والصلوة والسلم علی محمد الذی شرف بصلوته مسجدالحرام و علی‌صاحب »
« الصمصام و وصیه وبعد قد وفق‌الله الملك المؤید قبلة السلاطین وكهف‌الخواقین »
« السلطان‌بن السلطان‌بن السلطان محمد شاه الغازی خلدالله ملکه لتشید هذا »
المسجد الذی اسس علی‌التقوی بعون رکن السلطنة البهیة العلیة منوچهر خان »
« معتمدالدولة کتبه محمد باقرالشریف الشیرازی فی۱۲۶۱ ».

از کتیبه مزبور استنباط میگردد که ایوان مسجد شکستی برداشته بوده و در دوران محمد شاه قاجار درسال ۱۲۶۱ هجری بوسیله منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان تعمیر گردیده است .

۲۷ ـ کتیبه بدنه مناره های ایوان جنوبی مسجد شاه که هـریك ۴۸ متر ارتفاع دارند بخط بنائی حنائی‌رنگ شطرنجی بر زمینه فیروزه‌ای عبارت است از تکرار نام : « محمد » و «علی» وکتیبه فوقانی‌هردو مناره بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌است :

« ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه‌وسلموا »
« تسلیماً وقل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم یکن‌له شریك فی‌الملك ولم یکن»
« له‌ولی‌من‌الذل وکبره تکبیراً » .

۲۸ ـ کتیبه نمای خارجی گنبد بزرگ دوپوش مسجد :

وضع این‌گنبد که بزرگترین گنبد دوپوش مساجد اصفهان است باین شرح می‌باشد :

تارك جدار خارجی گنبد از سطح مسجد ۵۴ متر ارتفاع دارد وارتفاع دیوار داخلی آن۳۸ متراست‌ومیان دوپوشش گنبدفضائی خالی‌وجود دارد. تزیینات‌کاشیکاری هفت‌رنگ درون‌گنبد ووجود منبر یك‌پارچه از سنگ مرمر وقطعات بزرگ‌سنگ

مرمر از تزیینات قابل توجه است و از خصوصیات دیگر گنبد مزبور انعکاس صوت در درون این گنبد است.

درگردنه این گنبد درهشت لوحه بزرگ بخط بنائی ساده لاجوردی بر زمینه فیروزه‌ای صلوات بر چهارده معصوم و پائین تر از آن بخط بنائی لاجوردی بر زمینه سفید: «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» و «الحکم لله» تکرار گردیده و در آخرین قسمت پائین گردنه گنبد بخط بنائی معرق لاجوردی بر زمینه سفید سوره دهر خوانده میشود.

۲۹ ـ کتیبه اطراف گندبزرگ مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله الواحد الاحد الملک القیوم الصمد»
«الدائم الباقی بلاامدالذی رفع قبةالسمآءِ فبنی سقفاً مرفوعاً بلاعمد وزین ایوان»
«الفلك وشمسه بشمس مضیئة وقمر منیر وکواکب غیر محصورة فی اتقن عدد»
«صنع العالم وجعل فیه من الحکم والمصالح مالا یحصی ولایعد بنیان اسس علی قواعد»
«الصنع قائمة وثابتة وابدع فی الوجود بناءً بدیعاً لایضعضع ولایهد والصلوةوالسلم»
«علی نبینا وسیدنا الرسول الامجد الصادق الامین رحمة للعالمین خاتم الانبیاء و»
«المرسلین ابی‌القاسم محمد صلی‌الله علیه وآله واصحابه الذین بذلوا مهجم فی»
«سبیل‌الله وبایعواالنبی بالصدق یداً بید سیما ابن‌عمه وصهره و وصیه وخلیفته‌و»
«اخیه ووزیره المعتمد امام‌الوری ومنارالهدی وکلمةالتقوی و حجةالله العظمی»
«مولانا ومقتدانا علی بن ابیطالب علیه‌السلم صلوة دائمة مستمرة الی‌الابد و بعد»
«فقد تشرف ببناء هذه‌البقعة الشریفة و السقیفة المنیفة والجنبدالرفیع المطبق»
«تلوالسماء البدیع المعلق للمسجدالجامع الذی اسس علی‌التقوی المخصوص بقوله»
«تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله‌والیوم‌الاخر واقام الصلوة ملک ملوك العالم»
«ومستعبدصنادیدالامم الشهنشاه‌الاعظم المؤیدالمنصورالمخصوص بعنایةرب‌العالمین»
«ظل‌الله فی‌الارضین السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه عباس‌الموسوی»

« الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و نصر جنده و ابد دولته و حرس مهجته »
« و عافیته و افاض عارفته و ابد دوام مدة فیض دولته القاهرة و خذل اعدائه بفضل »
« حقه و قرة عینه و خصه بمد عمره و عزه و من علی الشیعة الفایزة الاثنی عشریة حتی »
« الجبابرة و اقتل الاحبة من ابناء امیة و الذی تبعهم فی الخسران و بوئهم دار جهنم و »
« بئس القرار اللهم ایده و انصره بحق محمد و آله الاطهار فی سنة سبع و ثلثین »
« و الف . »

۳۰ ـ کتیبه همان گنبد که در سال ۱۳۲۸ شمسی بوسیله اداره کل باستان شناسی مورد تعمیر واقع گردیده ولذا دنباله کتیبه‌ایکه درپیش گفته‌شد این قسمت هم اضافه گردیده است :

« درعصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ضمن تعمیرات »
« اساسی مسجد سلطانی این کتیبه که بمرور زمان قسمتهای زیادی از آن ریخته »
« و معدوم شده بود بوسیله دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه »
« تهران با استفاده ازباقیمانده کتیبه قبلی تکمیل و تلفیق گشته تحت نظر آقای »
« مهندس روان‌بد رئیس باستان شناسی اصفهان تهیه و نصب شد بخط آقایان بهادری »
« و مسمی‌پرست . عمل ایلیائی کاشی پز و محمد علی کاشی تراش مقضی دیماه ۱۳۲۸ ».

ب ـ کتیبه‌های وابسته بمسجد شاه :

۱ـ کتیبه سنگاب چهلستون غربی گنبد مسجد بخط نستعلیق برجسته در الواحی باین کیفیت وشرح خوانده میشود :

« چون بفرمان سلیمان زمان شاه جهان	علی حبه جنة »
« آنکه باشد فلکش از مه نو حلقه بگوش	»
« شاه جمجاه کز آوازه آب تیغش	قسیم النار والجنة »
« شد بکانون جهان آتش بیداد خموش	»
« گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام	وصی المصطفی حقاً »
« که ز هم چشمی او جام جم آمد بخروش	»

« نیست بر ساغر زرین فلک چشمك زن	امام الانس و الجنـة »
« بسکه‌موجش شده چون‌آب گهربار زنوش	»
« گر چه سرپوش بدریا نتـوان پوشیدن	یا قاهر العدو »
« لیك بر شهرت بحرست حبابش سرپوش	»
« خضر چون وصف روان‌بخشی این‌آب‌شنید	یا والی الولی »
« گفت با آب بقا آب رخ خود مفروش	»
« چون بیاد شهدا آبخوری میگوید	یا مظهر العجائب »
« لب باز قدح اوکه بجان بادت نوش	»
« فکر سامی پی تاریخ بهر سو میگشت	یا مرتضی علی »
« گفتمش : زمزمی ازکعبهٔ ثانی‌زده جوش»	۱۰۹۵

کتیبه‌مزبور حاکی است که سنگاب درزمان شاه سلیمان صفوی درسال۱۰۹۵ آماده شده است وشاعریکه اشعاررا سروده سامی بوده است ولی خطاط آن معلوم نیست. در مسجدشاه چند سنگاب دیگر وجود دارد ولی هیچکدام جز سنگابی‌که نوشته شد کتیبه‌ای ندارند.

ج- کتیبه‌هائی که ارتباطی بامسجد ندارند:

۱- فرمان شاه عباس بزرگ راجع به‌بخشش ۸۴ تومان وکسری دلالی بازار ریسمان :

این فرمان که درلوحه‌ای درغرب ایوان بزرگ جنوبی مسجدشاه نصب شده بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« چون همگی همت‌والانهمت بندگان‌اشرف‌همایون اعلی مصروف ومعطوف»
« بر آن است که عجزه ورعایا مرفه الحال وفـارغ البال بدعای دوام دولت ابد »
« مقرون مشغولی نمایند بتاریخ شهر جمادی الثانی اودی‌ئیل موافق سنه خمس »
«وثلاثین والف من‌الهجرة‌النبویة درجواب فصلی ازفصول عالیحضرت وزارت‌ورفعت»
« واقبال پناه اصفی ظهیرا محمد ابراهیما فرمان قضاجریان‌قدر توامان صادرشده »

« که از ابتداء پارس ئیل دلالی بازار ریسمان به‌تخفیف وتصدق مقرربوده باشد و »
«بعلت دلالی مذکور احدی متعرض حال عجزه ودرویشان نگردند ومضمون این »
«عطیه رابرسنگ نقش نمایند بموجب فرموده اشرف وجه دلالی مذکورکه مبلغ »
« هشتاد و چهار تومان وکسری است بتصدق فرق مبارك اشرف مقررگردید امید»
«که بمضمون کلام‌بلاغت نظام من جآءبالحسنة فله‌عشر امثالها ثواب آن بروزگار»
« فرخنده آثار عاید گردد وتغییرکننده بلعنت الهی گرفتار باد. »

۲ـ فرمان دیگری ازشاه‌عباس بزرگ راجع بتخفیف مطالبات دیوانی درماه رمضان که درقرینه لوح غربی نصب‌شده بخط نستعلیق برجسته باین‌شرح است:

« امرخاطر خطیر ومکنون ضمیر معدلت اثرهمایون ما آنستکه درزمان »
« دولت روزافزون عهد خلافت‌ابد مقرون‌کافه‌رعایا وعموم برایا ازمطالبات‌دیوانیه»
« سبکبار بوده ودرمهد امن‌وامان‌آسوده فارغ‌البال ملهم‌توفیق‌ازلی و. . . . بخاطر»
« فیض مآثرپرتوانداخت‌که درماه رمضان‌که ایام طاعات وعبادات است و شیعیان »
« اهل‌بیت طیبین وطاهرین‌که سالکان‌مسالك حق ویقین .... وادای صوم وصلوة و »
« وظائف طاعات وعبادات‌قیام واقدام‌نمایندکه هرآینه مثوبات آن‌بروزگارفرخنده»
« آثارهمایون ما عایدگرددلهذا شمهٔ ازمراحم‌والطاف. . . شیعیان ممالك محروسه»
« فرموده درکل قلمرو همایون مالوجهات . . . رمضان المبارك سوای جهاتی که »
« باجاره میدهند تخفیف وتصدق مقرر فرموده ارزانی داشتیم واین‌حکم همایون »
« ازمکمن . . . دارالسلطنه اصفهان‌که مردم آنجا اباًعن‌جد از زمره شیعیان‌اند »
« وحلقه اخلاص وبندگی این دودمان ولایت نشان برگوش‌جان دارند عزا صدار »
« یافته مستوفیان عظام دیوان . . . وثبت نموده از شوائب تغییر و تبدیل مصون و »
« محروس دارند . وزرا وعمال و متصدیان مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره از »
« ابتدای تو شقان‌ئیل مالوجهات ووجوهات . . . بتخفیف وتصدق‌مقرر دانسته در »
« آن‌ماه مبارك‌که ایام ولیالی متبرکه است‌بعلت حقوق دیوانی حواله و اطلاقی‌بر »
« رعایا و عجزه ننموده ازحشو بنیچه جمع هر محل وضع نمایند و . . . برعایا»

« نرسانیده قلم وقدم کشیده وکوتاه دارند . سادات عظام وعلماءِ کرام وقضاة اسلام»
« واهالی‌واعیان وارباب ورؤسا وکدخدایان واهل حرفت وعموم رعایای‌دارالسلطنه »
« اصفهان‌ازبلده وبلوکات بدین‌عطیه عظمی مبتهج ومسرور بوده از روی‌امیدواری »
« تمام در لوازم دعاگوئی و دوام دولت ابد پیوند » ذیل آن ناتمام وممکن است
« قیام واقدام‌نمایند » بوده وازبین رفته است .

۳ـ فرمان شاه عباس بزرگ راجع به بخشش عوارض بعضی ازاصناف :

بریك لوح بزرگ از سنگ مرمر که در دالان غـربی مسجد شاه منصوب گردیده کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته‌چنین نقش‌گردیده است :

« فرمان همیون‌شرف نفاذیافت‌آنکه چون‌توجه خاطرخطیر مرحمت اثرو »
« تعلق ضمیرمنیر معدلت‌گستر‌همایون بترفیه‌حال وفراغ بال‌کافه خلایق وعبادالله »
« بتخصیص کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی که عبارت ازدلاکان وآینه داران »
« و فصادان و ختنه‌کاران و جامه داران وکیسه مالان و آبگیران و خدمتکاران »
« حمامات مردانه وزنانه وتیغ سازان وچرخگران وسنگ سایان وسایرجماعت »
« سلمانی‌که بخاصه‌تراش‌منسوب ومتعلق‌اند درجه‌اعلی ونهایت کمال دارد درزمان»
« فرخنده نشان نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی جنت آشیانی جد بزرگوارم طاب »
« ثراه که امرخاصه تراشی بسعادت نصاب زبدة‌الصناع استاد علیرضا دلاك خاصه »
« شریفه مرجوع گشته احکام مطاعه لازم‌الاطاعة نواب‌گیتی‌ستانی خصوصاً حکمی»
« که بتاریخ شهرذی‌حجة‌الحرام سنه۱۰۲۱ عزّ‌اصدار یافته مشعر برآنکه درزمان»
« سابق خاصه‌تراشی مبلغی بعنف و تعدی از جماعت سلمانی و سلیمانی بازیافت »
« مینموده‌اند وسعادت نصاب مشارالیه ازتاریخی‌که خدمت خاصه تراشی‌باو متعلق»
« گشته آن‌جماعت را ازمطالبات مذکوره معاف گردانیده وشرط‌کرده‌که یکدینار»
« ازجماعت کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی طلب‌ندارد وثواب آنرا بروزگار »
« فرخنده آثار نواب گیتی‌ستان فردوس مکانـی شاه بابا ام انارالله برهانـه هدیه »
« نموده ودراحکام مذکور است که هیچ‌آفریده ازحکام و تیولداران و کلانتران و »

« سر بلوکان محال وضابطان وصاحب اختیاران فیوج ممالك محروسه اصلا ومطلقاً »
« بهیچوجه من الوجوه بعلت اخراجات وعوارضات مسدودة الابواب از علفه وعلوفه »
« و قنلغا والاغ والام وپیکار وشکار وطرح ودست انداز وپیشکش وسلامی و عیدی و »
« نوروزی وجوه کپك مرتی وزرتفنگچی وسایر تکالیف دیوانی بهراسم و رسم که »
« بوده باشد حواله واطلاقی بجماعة دلاکان وسایر کاسبان مذکور فوق که بخاصه تراش »
« تعلق دارند ننموده وقلم وقدم کشیده کوتاه دارند و شکر شکایت ایشان را مؤثر »
« شناسند وچون جماعة تیغ سازان وچرخگران ازقدیم الایام بخاصه تراشان متعلق »
« و منسوب اند و هرگز نسبتی بجماعة شکاك نداشته اند بهمان دستور بمومی الیه »
« متعلق دانسته بقاعده زمان اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکانی علیین آشیان »
« کدخدایان شکاکی دخل درایشان ننموده وطمع وتوقعی ازایشان نکنند وازقانون »
« قدیم درنگذرند ومقدمات مذکور مؤکد بلعنت نامه گردانیده چون سعادت نصاب »
« مشارالیه بدستور بخدمت بخاصه تراشی نواب کامیاب همایون ما مفتخر وسرافراز »
« است وشفقت ومرحمت بیدریغ شامل حال مومی الیه است مقرر فرمودیم که جماعت »
« سلمانی وسلیمانی را بدستور نادرالعصر مشارالیه منسوب ومتعلق دانند وایشان را »
« ازاخراجات وعوارضات مسدودة الابواب مؤکد بلعنت نامه معاف ومسلم ومرفوع »
« القلم دانسته حکم نواب گیتی ستان فردوس مکانی را بامضاءِ نواب همیون ما متصل »
« ومقرون شناسند وحکام وکلانتران وارباب واهالی وضابطان فیوج وسفیدریشان »
« ممالك محروسه این عطیه را درباره ایشان مستمر وبرقرار داشته از فرمان قضا »
« جریان درنگذرند وخلاف کننده را مورد سخط الهی وغضب پادشاهی شناخته از »
« مدلول آیه کریمه « فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله »
« سمیع علیم » عدول وانحراف نورزند وهرساله درین باب حکم مجدد نطلبند و »
« چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف اقدس اعلی مزین و محلی گردد اعتماد »
« نمایند تحریراً شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۰۳۸ ».

نظیر فرمان مذکور درمسجد ذوالفقار نیز فرمانی وجود دارد که درصفر ۱۳۰۷

از طرف شاه عباس راجع بعوارض صنف سلمانی و امثال آن صادر گردیده منتهی مختصرتر است ، ولی موضوع فرمان وصادرکننده فرمان یکی‌است و در واقع‌برای تأکید فرمان قبلی‌بوده است .

۴ ـ فرمان فتحعلی‌شاه قاجار راجع به بخشش عوارض نانوائی وآردفروشی:

در مدخلی‌که صحن بزرگ مسجد شاه بصحن مدرسه سلیمانیه اتصال پیدا میکند دولوح سنگی‌وجود دارد که در روی یکی ازآنهاکتیبه‌ایست بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر بااین‌شرح :

« بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز »

« العزة لله »

« قرار درکف شاه زمانه فتحعلی (۱۲۱۲)

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی »

« الملك‌لله‌تعالی ـ حکم‌همایون‌شدآنکه‌چون‌رعایت‌رعایای‌دارالسلطنه‌اصفهان»
« وترفیه احوال ایشان همواره منظور نظرمهر اثرپادشاهی می‌باشد در هذه‌السنه »
« تخاقوی ئیل خجسته دلیل ومابعدها یکهزار وپانصد تومان تبریزی مالیات و »
« وجوه خبازی وآردفروشی‌دارالسلطنه مزبور راکه همیشه‌ازصنف خباز دیوانیان»
« بازیافت مینموده‌اند بطریق سایر بلاد ممالك محروسه بتخفیف ابدی مرحمت »
« فرمودیم که بعدالیوم احدی ازدیوانیان ومباشرین ولایت مطالبه دیناری‌ازبابت»
« مالیات وغیره ازجماعت خباز وکسانی‌که خواسته باشند بتجدید دکان خبازی »
« بازنمایند یادرمحلات‌وکوچهانان‌بفروشند مطالبه ننموده هرکس‌خواهد درهرجا»
« وهرگذر وهرکوچه وهرخانه نان بپزد ودرمعابروغیرمعابر بدون اندیشه‌بفروش»
« برساند تاباعث ارزانی وفراوانی‌نان‌بوده عموم ضعفا وفقرا را رفاه آسایش‌حاصل »
« وبدعاگوئی دوام دولت ابد مدت اشتغال نمایند مقرر آنکه عالیجاهان نایبان و »
« کلانتران وداروغگان ومستأجرین وجوه وکدخدایان محلات دارالسلطنه اصفهان»

« این حکم را بقید لعنت بود ابد معمول داشته دیناری وجه ازبابت مالیات‌وسایر »
«وجوه خبازی‌وآرد فروشی بهیچ‌اسم‌ورسم‌مطالبه ننمایند وتخلف را موجب سخط»
«قهار سبحانی ومؤاخذه شدید قهرمانی دانند ودرعهده شناسند. تحریراً فی شهر »
« رمضان المبارك ۱۲۴۰ »

از مفاد فرمان بالا معلوم میشود که‌فتحعلی‌شاه قاجار درسال ۱۲۴۰ هجری مقرر داشته است که مالیات وعوارض خبازی و آرد فروشی را که بر خلاف سایر قسمتهای ایران ازرعایای دارالسلطنه اصفهان دریافت میکرده‌اند بخشوده شود و دیگر دیوانیان چنین وجهی را مطالبه نکنند.

۵ـ فرمان ناصرالدین شاه قاجار در موضوع‌معافیت‌مالیات صنف‌خبازوعلاف:

بطوریکه در مقدمه فرمان فتحعلی‌شاه نوشته شد درجائی که‌صحن مدرسه سلیمانیه باصحن بزرگ مسجد شاه متصل میشوند دو لوحه سنگی وجود دارد که یکی ازآنها شرح داده شد ودیگری که راجع بفرمان ناصرالدین شاه قاجار در باب معافیت مالیات خبازان وعلافان است وکتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته‌برلوح سنگی مرمری بطول یك‌متر وعرض‌چهل سانتی‌متر ومفاد آن چنین است:

« بسم‌الله تعالی شأنه العزیز »

« الملك لله تعالی »

«تاکه‌دست ناصرالدین‌خاتم‌شاهی گرفت صیت داد معدلت‌ازماه تا ماهی گرفت»

« الملك‌لله تعالی حکم همایون شد که‌چون ازقرار فرمان خیریت تو امان»
« خاقان خلد آشیان مغفور [1] البسه‌الله تعالی حلل النور و ازعهد قدیم جماعت »
« خباز و علاف دارالسلطنه اصفهان ازجمیع تکالیف و تحمیلات دیوانی معاف و »
«مسلم بوده‌اند وحکام سابق برخلاف این‌رفتار کرده وهرساله جنس‌مبلغی برآنها»
«طرح و تحمیل نموده و دو هزار تومان تفاوت قیمت آنـرا میگرفتند و این »

۱ـ درمتن گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان که‌مأخذ کتاب حاضر است نوشته‌شده : «مغفوراً»واین درست نیست ودرست آن مغفور وبعد آن: «البسه‌الله» میباشد.

« مرحله باعث شکستگی وپریشانی آنها شده بود لهذا سرکار اقدس همایون ما »
« محض شمول مراحم واشفاق خاطرملوکانه دربارهٔعامه انام وحصول دعای‌خیربرای»
« دولت ابد فرجام ازمعامله هذه السنه سیچقان‌ئیل خیریت دلیل ومابعدها طرح »
« جنس مبلغی را موقوف‌داشته‌اند ومقرر میفرمائیم که عالیجاهان رفیعجایگاهان »
« حکام و عمال و مباشرین حال واستقبال دار السلطنه اصفهان‌بموجب همین‌منشور»
« قضا دستور جماعت‌خباز وعلاف اصفهان‌را من جمیع‌الجهات ازتکالیف‌وتحمیلات»
« دیوانی معاف ومرفوع القلم داشته و این بدعت را از آنها موقوف دارند مقرر »
« آنکه کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاتر »
« خلود ثبت وضبط نمایند ودر عهده شناسند حرر فی‌شهر رجب ۱۲۶۸ باستدعای »
« چاکردرگاه اسلام‌پناه ودولتخواه بالاشتهارچراغ علی‌خان حکمران دارالسلطنه »
« اصفهان اینمرحمت شامل احوال اهالی اصفهان گردید. »

از ذیل فرمان فهمیده میشودکه مالیات وعوارض مزبور درزمان سابق گرفته نمیشده است‌چون‌مردم ناراضی بوده‌اندازاینرو چراغعلی‌خان حاکم اصفهان‌پیشنهاد کرده که مردم اصفهان نیز ازمالیات مزبور معاف شوند وبرطبق آن پیشنهادفرمان صادرگردیده است. بیشتر متن کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان(۱) اقتباس گردیده‌است.

این مسجد بموجب شماره۱۰۷ جزءِ آثار تاریخی ثبت‌گردیده است(۲).

۳۳ـ مسجد شعیا:

شرح آن درمرقد شعیا نوشته خواهدشد.

۳۴ـ مسجد شیخ لطف‌الله :

این مسجد درمیدان شاه اصفهان ومواجه‌عمارت عالی‌قاپو واقع‌گردیده‌وپیش از اینکه مسجد مزبور ساخته شود جای آن خرابه مسجدی قدیمی وجود داشته

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۴۲۸ تاص ۴۶۴. ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۶.

است که بامر شاه‌عباس بزرگ بجای آن مسجد معروف به‌مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده است.

در تاریخ شروع بنای مسجد اختلاف است برخی بمناسبت کاشی مورخ ۱۰۱۱ هجری که در شبستان مسجد موجود است تاریخ شروع را همان سال ۱۰۱۱ دانسته‌اند ولی بنظر نگارنده چون درکتیبه سردر مسجدکه ۱۰۱۲ هجری میباشد نوشته‌شده: « امر بانشاء» میرساند که‌همان سال ۱۰۱۲ سال شروع بوده است واما تاریخ اتمام ساختمان وتزیین مسجد همان سال ۱۰۲۸ هجری است که در کتیبه محراب اشاره گردیده است . وجه تسمیه مسجد هم باتفاق نویسندگان این بوده‌که چون شیخ لطف‌الله میسی که‌از بزرگان علمای شیعه درآن‌زمان بوده درآن مسجد امامت داشته بنام او خوانده شده است .

ابهت وشکوه وظرافت کاشیکاریهای این‌مسجد وسبك‌بنا وتناسب هندسی آن مورد اعجاب باستان شناسان ومستشرقان خارجی واقع شده وکسیکه ازهمه بیشتر تحت تأثیر واقع شده پرفسور پوپ معروف میباشد.

نگارنده دریکی ازکنفرانسهای آن شادروان دراصفهان حاضر بودم که‌گفتند ذوق ایرانی مسبب شده که شکلی مافوق تمام اشکال هندسی اختراع شود و آن شکل گنبد مسجد شیخ لطف‌الله است که با هیچ یك ازاشکال هندسی منطبق نیست ودرهمین‌حال ذوق سلیم آنرا یکی‌از بهترین‌اشکال میداند وازدیدن آن لذت میبرد و درعظمت آن دچار شگفتی میگردد وانسان در مقابل این صنعت عظیم سر تعظیم واحترام فرود میآورد.

ترجمه‌شرحی را که‌آن شادروان راجع بهمین مسجد وساختمان‌آن درکتاب بررسیهای هنر ایران نوشته ودرکتاب راهنمای اصفهان دکتر هنرفر نقل‌شده ذیلاً مینگارد[1] :

« مسجدی که درسمت مشرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار »
«دارد یکی ازشاهکارهای بی‌نظیر معماری است که‌درسراسر آسیا خودنمائی‌میکند »

۱- راهنمای اصفهان دکترهنرفر ص ۱۰۶ .

« این مسجد زیباکه همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان میدرخشد»
« شیخ لطف‌الله نام‌دارد، شاه‌عباس بزرگ این مسجد را بافتخار پدرزن خود شیخ- »
لطف‌الله که یکی از پیشوایان عالیقدر آن زمان بود برروی خرابه‌هائیکه‌ازبقایای»
« مسجد قدیمی بجای مانده بود بناکرد. درحقیقت میدان بزرگی که‌قصر باشکوه»
« عالی‌قاپودریکطرف آن‌قرار داشت‌بچنین گوهری گران بها دربرابر خوداحتیاج»
« داشت وشاید همین‌نکته شاه‌عباس را برآن داشت تا با ساختن این‌بناکه‌بسختی »
« میتوان آن را محصول‌دست‌بشر دانست زیبائی میدان رابکمال رساند. درساختمان»
« این‌مسجد باردیگر استادی ومهارت هنرمندان ایرانی یك مسأله مشکل‌را حل»
«کرده است بدین معنی که‌چون مسجد درضلع شرقی میدان واقع است وخواه و »
« ناخواه درورودی‌مسجد‌بسمت مشرق خواهد بود اگر بنا بود مسجدرا نیز‌بهمین»
« جهت میساختند کار جهت‌یابی ازلحاظ قبله مختل میشد. دراینجا با ایجادیك»
« راهرو که ازابتدای مدخل مسجد‌بسمت‌چپ وسپس‌بسمت راست میچرخدبراین»
« مشکل فائق آمده‌اند یعنی اگرچه ساختمان مسجـد درمشرق است و از نمای »
«خارجی آن چنین‌برمیآید که دیوارجبهه آن درجهت شمال بجنوب است‌لیکن »
«در همین دیوار محراب بنا شده که‌بسوی قبله است ووقتی بعظمت این فکرپی »
« میبریم که‌دربیرون مسجد اثری‌ازکژی وزاویه بچشم نمیخورد اما بمجرددورود»
« ناچاریم قبول‌کنیم که‌صحن نسبت به‌نمای خارجی پیچشی دارد درصورتیکه‌گنبد»
« کوتاه این مسجد بعلت مدور‌بودن جهت یازاویه مخالفی‌نشان‌نمیدهد، این‌گنبد»
« یکی از زیباترین‌گنبدهای اصفهان است‌که از طرفی بخاطرعظمت و از طرف »
دیگر براثر تزییناتی‌که از زمینه کرمی با نقش و نگارهائی برنگ آبی سیر »
« تشکیل میشود نظر هربیننده‌ای را بخود جلب میکند. »

« گنبد مسجد شیخ لطف‌الله یکی ازچند گنبد یك‌پوششی زمـان صفویه »
« است‌که با ارتفاع‌کم پوشش مناسبی برای صحن‌کوچك آن بشمار میرود. ازطرفی»
« بلندی‌آن تا اندازه‌ای است‌که بتواند درکنار میدان بزرگ خودنمائی کرده وبر»

«آن فضامسلط باشد. خمیدگی گنبد از نقطه بر آمدگی بزرگ ناگهان بسمت داخل»
«گرائیده ورأس گنبدرا تشکیل داده است و این فشار زیادرا دیوارهای قطورمسجد»
« تحمل میکند. دیوارهای داخلی از یك هشت ضلعی شروع میشود. این هشت »
« ضلعی‌ها هریك بوسیله کاشیهای طناب مانند فیروزه‌ای محصورشده و خطوط »
« بسیار زیبائی که از آثار علیرضا میباشد مانند قابی هریك از اضلاع هشت گانه‌را»
« درمیان میگیرد. این خطوط از کاشیهائی برنگ سفید خیره کننده درمیان کاشیهای»
« آبی تیره بکاررفته‌است وزاویه‌هائی ازاین هشت‌ضلع بوجود میآیند پایه‌خمیدگی»
« بزرگ را تشکیل میدهند لکن انحنای تدریجی گنبد نقطه شروع انحناء و »
«دایره بزرگ گنبد را ازنظر پنهان میکنند. خمیدگی گنبد را دیوارهای بادبادك »
«شکل زاویه‌داری باضلاع هشتگانه وصل میکنند . قسمت بعدی بسمت خمیدگی»
« بزرگ گرایش دارد. سرتاسر این خمیدگی باندازه‌ای عادی ویك نواخت است »
« که‌بندرت احساس شده ویا بچشم میآید .کاشیکاری پوشش داخلی گنبد ازابتدا»
« تا انتها تقریباً بیك‌اندازه بوده وتزیین گنبد را تشکیل‌میدهد. دیوارهای‌جانبی»
«صحن‌مسجد باگل وبوته‌های‌متصل‌بهم برنگ آبی دریك متن کرمی رنگ‌تزیین»
« شده‌است. زاویه‌های فوقانی دیوارهای جانبی ازگل وبوته‌هائی که‌طرح آن‌باسایر»
« قسمتها تفاوت‌کلی دارد پوشیده شده وتنوع خاصی بتزیین‌کلی صحن بخشیده‌ودر»
« اولین‌نظر بیننده‌را جلب‌میکند. زیبائی‌کاشیکاری این‌مسجداعم ازکاشیهای معرق»
« یاکاشیهای هفت‌رنگ درنوع‌خود بی‌نظیر است. اصولا شروع دیوارهای صحن‌با»
« کاشی هفت‌رنگ وتبدیل آن‌بکاشیهای معرق خود تنوعی است دلپذیر کاشی‌معرق»
« ظریف‌ترین نوع کاشی ومتعلق بقرن هفدهم است. در حقیقت کاشی معرق نوع »
« ظریفی ازکاشی هفت‌رنگ قرن پانزدهم وشانزدهم میباشد. تزیینات سطح داخلی»
« گنبد عبارت است ازستاره‌های بسیاربزرگ مکرر برنگ زرد طلائی که‌باطرح »
« درهمی ازپیچك‌های بهم پیچیده پوشیده شده. طرح وترسیم این‌مسجد ونقشه »
« قالیهای اردبیلی منبع‌الهام مشترکی‌دارند. ضمناً شباهت بسیار نزدیك‌باتزیینات »

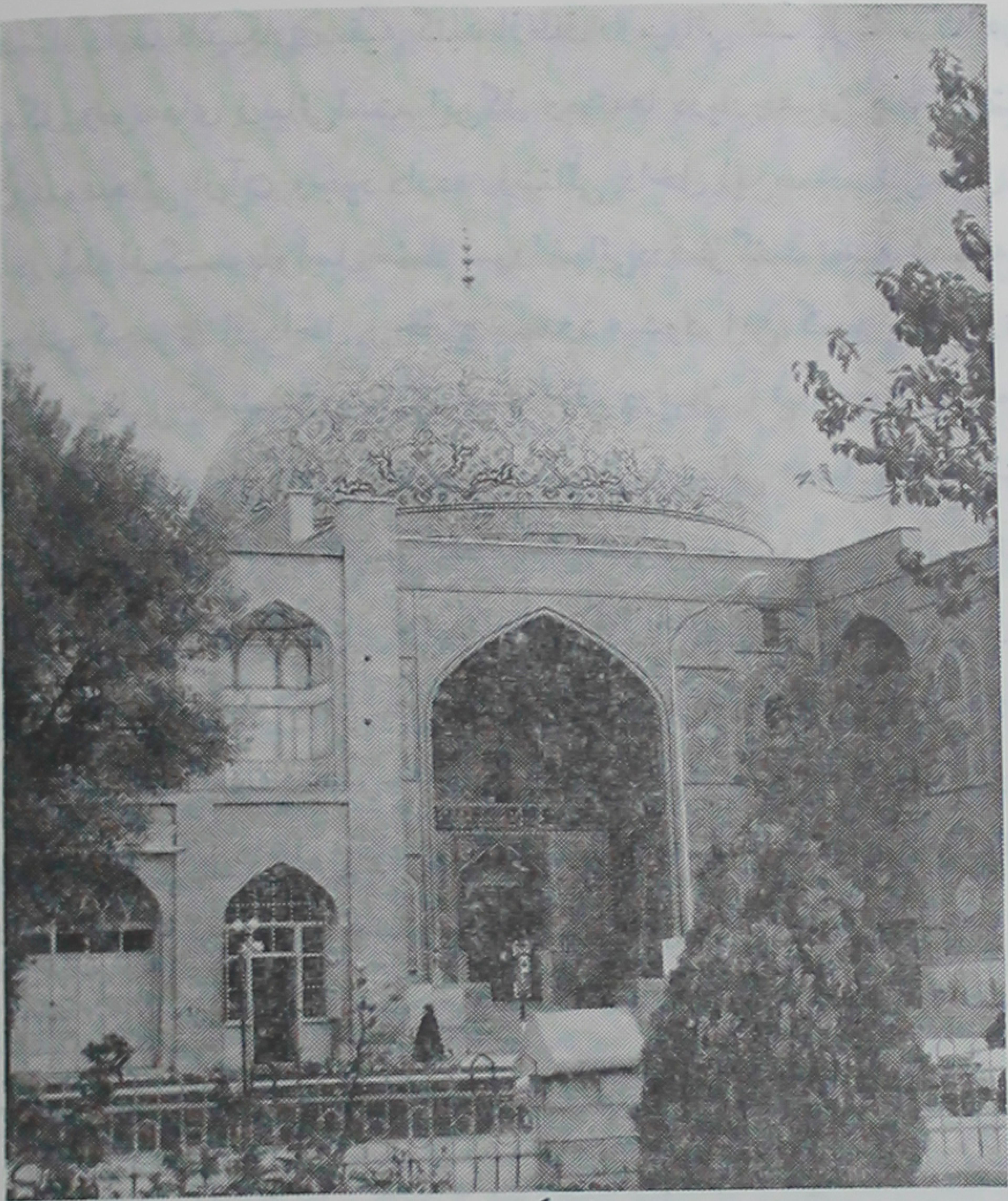
« مسجد شاه دارد. کاشیکاری بقیه گنبد ازطاق رومیهائی تشکیل شده که هر یك »
« شامل گل وبوته‌های زیبائی است. این گل وبوته‌ها درپارچه‌بافی هم بکاررفته و هم»
« اکنون نمونه‌هائی از آن وجود دارد. روشنائی داخل این مسجد نیز قابل توجه »
« است. در اطراف گنبد بفواصل منظم سوراخهائی درقطر گنبد تعبیه شده که بوسیله»
« پنجره‌های گچبری از داخل و خارج مسدود میشود. این گچبریها عبارتند از »
« طرحهای منظمی که بنسبت مساوی فضای خالی درمیان آنها وجود دارد. مجموع»
« نورهائی که ازاین پنجره‌ها بداخل میتابد زیبائی آسمانی وخیال‌پروری بتزیینات»
« کلی صحن می‌بخشد. کوچکترین نقطه‌ضعفی دراین‌بنا دیده نمیشود . اندازه‌ها »
« بسیار مناسب نقشه طرح بسیار قوی‌وزیبا وبطور خلاصه توافقی است بین‌یك دنیا»
« شور وهیجان ویك سکوت وآرامش با شکوه که نماینده ذوق سرشار زیباشناسی»
« بوده ومنبعی جز ایمان مذهبی والهام آسمانی نمی‌تواند داشته‌باشد. کتیبه‌های »
« زیبائی که علیرضا برداخل وخارج این مسجد نگاشته زیباترین خط‌زمان خود »
« میباشد. نابغه‌ای که این همه‌شکوه وجلال‌وزیبائی وهنررا باین مسجد بخشیده»
« کسی است که سمت چپ وراست‌محراب را امضاء نموده وخودرا : « فقیر حقیر»
« محتاج برحمت خدا محمدرضابن استاد حسین‌بناءِ اصفهانی» معرفی کرده است»
« وبعد از نام او تاریخ ۱۰۲۸ هجری (۱۶۱۸میلادی) دیده‌میشود. » (ش۷۳)

علاوه بر کتابه‌هائی که در مسجد شیخ لطف‌الله وسر درآن بوده بـرطاق بازار خفافان‌وحلاجان‌که بدرمسجد مزبور واقعند دورباعی‌بخط نسخ تعلیق علیرضاعباسی نوشته شده بوده که‌بسیار خوب بوده است ولی اکنون اثری ازآن نیست [1] و اما

۱- علیرضا عباسی ازمردمان تبریز بسیار پاکیزه وضع وآدمی روش‌بوده وهفت‌قلم را خوش مینوشت کتابه درمسجد مشهور بمسجد شیخ لطف‌الله وکمرصفه در مسجد جامع عباسی‌خط او است وبطاقهای روی بازار خفافان وحلاجان واقع‌بدر مسجدشیخ‌لطف‌الله دورباعی بخط‌نسخ تعلیق نوشته وخوب نوشته. این طرفه‌که (خوش نویس‌عهد) با علیرضا در عدد موافق آمده این‌رباعی از او مسموع شد:

تا خانه نشین‌شدی توای درخوشاب — پیوسته مراست از غمت دیده پرآب
من خانه دل خراب کردم ز غمت — توخانه نشین شدی ومن خانه‌خراب

(تذکره نصرآبادی ص ۲۰۷)



(شکل ۷۳)

وضع و اسلوب ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله خلاصه آن بشرحی است که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان باین‌شرح نگاشته است[۱]:

« سردر این مسجد بانمای جلو خان آن تماماً ازکاشیهای زیبا بناشده‌بود، »
« این‌مسجد عالی که‌نماینده روح ایرانیست وایمان و آینه قلب استادان آن‌عصر »
« میباشد بنام: فتح‌الله وسپس بنام‌شیخ لطف‌الله که ازنزدیکان شاه وامام جماعت‌بوده »
« اشتهار یافت ، درجلو این‌مسجد حوض هشت ضلعی قشنگی بوده که در سنوات »
« سال ۱۳۱۶ و۱۸ نظر بخرابی آن متروك وسنگهایش برداشته‌شد.

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۱۱۱ تا ص ۱۱۵ .

« بنای این مسجد ببلندی ۶ پله سنگی اززمین بلندتر وسر در کاشیکاری »
« بسیارریز وظریف دارد. کتیبه بالای دربنام‌شاه‌عباس وبخط زیبا ورقاع ازعلیرضا»
«عباسی درتاریخ ۱۰۱۲ مشاهده میشود.»

« ودر وسط یکی از قطارها بخط نستعلیق عبارت : (مایه محتشمی خدمت»
« اولاد علی است) خوانده میشود ودربالای پنجره کاشی نوشته شده‌است: در عهد»
« سلطنت اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه‌تعمیر»
شد آبان ۱۳۰۸.»

« درجنب پله ورودی پنجره سنگی یکپارچه دیده میشود که از زمانهای »
« قدیم بانقش مخصوص باقی است. درطرفین درورودی دوسکوی سنگ مرمر با »
« نهایت ظرافت‌ساختمان‌شده‌که ابعاد هریك۱×۱ در۲ متر میباشد درچوبی‌مسجد»
«ازیکپارچه چوب وبقطر ده‌سانتیمتر وابعادش بطول ۳ و عرض ۱متر میباشد که »
« درهیچیك ازابنیه تاریخی نظیرش وجود ندارد.»

« راهرو مسجد بشکل‌زاویه قائمه وتمام‌سقف واطراف باکاشیهای‌هفت‌رنگ»
« خوش نقش پوشیده شده است وبرای روشنائی مسجد پنجره‌های مشبك ظریف »
« قشنگی درطرف چپ دهلیز که‌سابقاً حوضخانه مسجد بوده قرارداده شده‌است. »
« درب‌شبستان از قابهای هندسی شکل گوناگون ساخته شده ، شبستان مسجد از »
« زیباترین وگرانبهاترین‌بناهااست که‌بمحض‌ورود بیننده رامبهوت وخواه‌وناخواه»
« زبان به‌تحسین‌بانی وسازنده میگشاید واز تلؤلؤ و روشنائی و وضع ساختمان »
« کاشیهای معرق آن‌آفرین میگوید.»

« تناسب ساختمان قدرت فن معماری وقشنگی ومتجانس‌بودن مصالح‌شخص»
« را بعظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته ومات ومبهوت میشود.صحن»
« زیرگنبد که ابتدا بچهار قسمت وسپس بهشت‌قسمت مساوی تقسیم‌شده دورتادور»
« هرقسمت بوسیله پیچهای کاشی‌فیروزه رنگ ازیکدیگر متمایز وجدا میباشد،»
« قسمتهای چهارگوش این‌صحن ازپائین‌تاکمرازکاشیهای هفت‌رنگ عالی ساختمان»

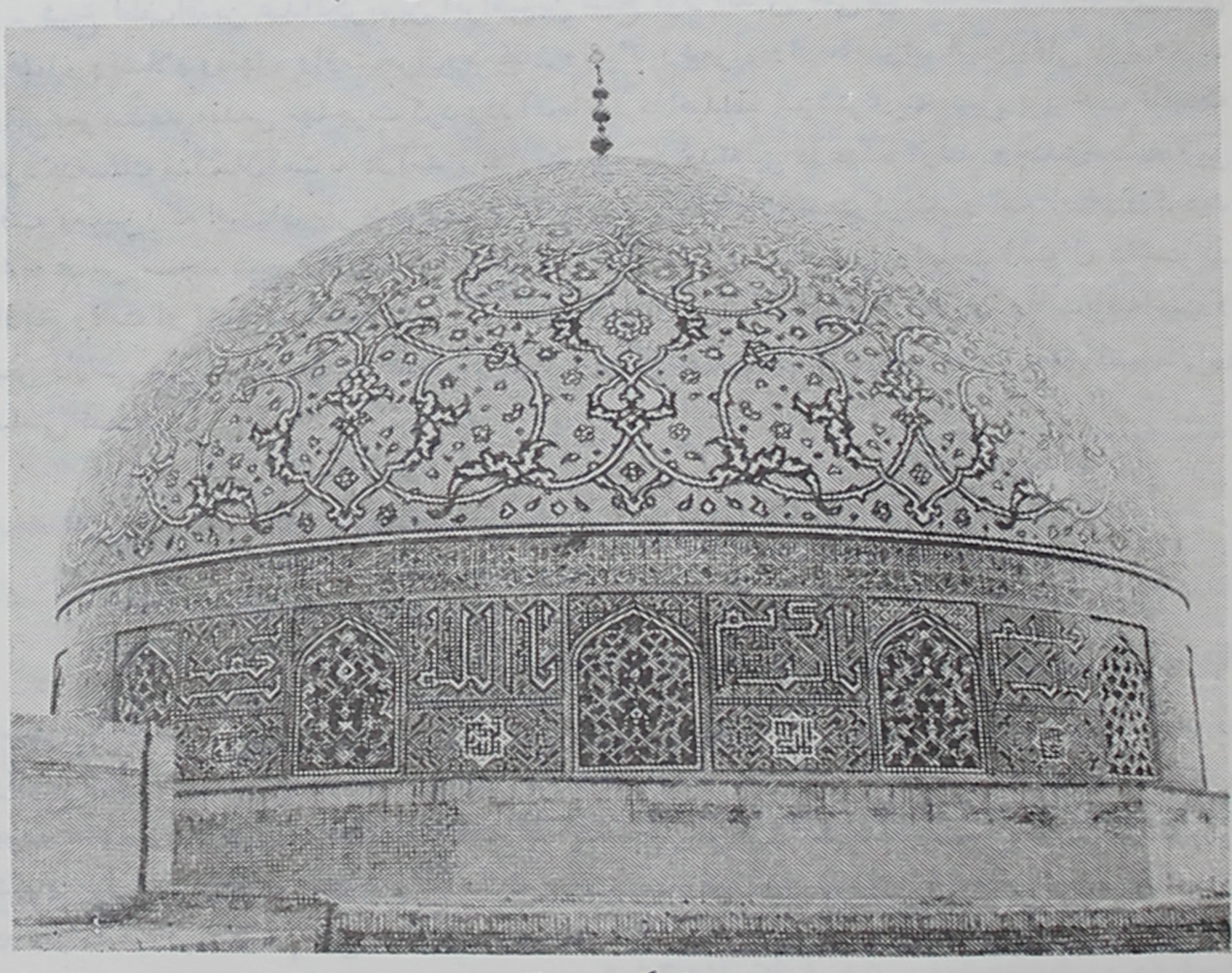
« شده که بی‌نهایت جالب توجه است وازکمربیالا تماماً از کاشیهای نفیس معرق و»
« خطوط بسیار زیبا تزیین گردیده است، در بالای این قسمتها هشت ترنج‌لوزی »
« از کاشیهای معرق حنائی‌رنگ وجود دارد،درزیر این قسمتها شانزده پایه‌سنگی»
« ازسنگ مرمر منشوری شکل نصب شده که بر روی آنهـا شانزده پیچ کاشی »
« محیرالعقول قرار دارد. محراب این‌مسجد که ازاول ورودجلب توجه بیننده‌را»
« مینماید یکپارچه جواهری است که آنرا زیباترین محرابها میتوان شمردوبا»
« بهترین‌کاشیهای‌معرق پوشیده‌شده. درطرفین این‌محراب این عبارت نوشته‌است:»
« عمل‌فقیر حقیرمحتاج برحمت خدا محمدرضابن‌استاد حسین بناء اصفهانی۱۰۲۸»
« وکتیبه دوم زیرگنبدسوره یسبح‌لله بخطزیبای علیرضا عباسی درسال۱۰۲۵است.»
« محیط‌دایرهٔ که‌گنبد را تشکیل میدهد ازسی‌ودوقطعه اشکال‌هندسی وپنج‌ردیف »
« بتدریج کوچکتر ومنتهی بنقش و نگارهای لوزی‌شکل بی‌نهایت‌کوچك وزیبای»
« سقف‌شده وبکاشی فیروزه مدور وسط گنبد ختم‌میگردد.»

« بلندی گنبد تا زیرسقف ۳۲ متر است ، روشنائی داخل این شبستان از »
« پنجره‌های ۱۶گانه معرق ومشبك است ونور از هرطرف‌که میتابد جلوهٔ خاصی»
« بکاشیهای‌سقف میدهد ، درزیر این‌صحن‌مربع شکل ۲۴ در ۲۴ مترعالی‌شبستان »
« زیر زمینی روی چهارستون منشوری شکل قطور قرار داردکه از پنجره های »
« اطراف روشنائی بداخل میرسد ، ودر زمستان برای ادای فریضه بـکار میرود .
« درمحراب شبستان زیرزمینی نمونه کاشیهائی‌که ازجلوخان سردر مسجدخراب»
« شده نصب است وروی یکی‌ازآنها تاریخ ۱۰۱۱ هجری که سال شروع بنا است»
« سابقاً دراطراف مسجد همه‌گونه وسائل تطهیر بوده که بمرور خراب شده و یا »
« چون برای مسجد ضرر داشته خراب‌کرده‌اند .

« دراطراف شبستان زیرین راهرو بسیار طولانی وسیعی‌است که در قدیم »
« بقسمت شرقی مسجد راه داشته بعلاوه در زاویه های مسجد اطاقهای متعددی »
« بوده است . درقسمت فوقانی مسجد نیز ایوانچه و اطاقهای مخروبه است .گنبد»

« مسجد که یکی از قشنگترین گنبدهای اصفهان است « یك‌پوش و محیطش »
۷۰ متر وارتفاعش از سطح زمین ۴۲ متر است ، نقش ونگار خارج گنبد بی‌اندازه»
« زیبا و مطبوع و دلربا است ، میله طلائین روی گنبد بارتفاع سه متر ودارای»
« سه گومیباشد که بزرگترین آن محیطش ۲ مترمیباشد . »

« میگویند این‌مسجد را شاه عباس بجهت ملاعبدالله شوشتری ساخت و پس»
« از اتمام چون مشارالیه امام جماعت مسجد جامع ومدرس مدرسه ملاعبدالله‌بود »
« امامت را به شیخ لطف‌الله محول نمود وپس‌از شروع بساختمان مسجد شاه این »
« مسجد مخصوص شاه و نزدیکانش گردید ». (ش۷۴)



(شکل ۷۴)

« مساحت مسجد مطابق نوشته مرحوم جناب[1] ۳۲ در۲۶ است » .

۱ـ حاج میرسید علی بن میرمحمدباقر بن میرمحمدحسین حسینی معروف به جناب مولود۲۵ ←

→ ذیحجة الحرام ۱۲۸۷ هجری در اصفهان و متوفی شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۴۹ هجری در تهران ومدفون در امامزاده عبدالله. وی از ادبا ورجال فضل ودانش بود و در همه رشته‌ها بخصوص درریاضیات قدیم یدطولائی داشت و درتنویر وروشن‌کردن افکار عمومی از طریق روزنامه وکتاب زحماتی کشید. ازآثار اواست: ۱ـ الاصفهان در ده مجلد که‌فقط جلد اول آن بطبع رسیده است. ۲ـ روزنامه الجناب که ۹ شماره ازآن انتشار یافته است. ۳ـ راهبر مسافر اصفهان. ۴ـ ترجمه مسافرت شاردن در اصفهان‌که در پاورقی‌الاصفهان درج شده است. ۵- مقالات مختلفه درروزنامه‌های اصفهان.

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۴۰ تاص۲۴۱.)

۱ - شیخ لطف‌الله‌بن عبدالکریم‌بن ابراهیم‌بن شیخ نور الدین علی‌بن عبدالعالی العاملی‌میسی ازعلماء وفضلاء وفقهاء وازمتبحران‌ومحققان وادباء وشعراء وازمعاصران شیخ‌بهائی بود وی‌در اوائل‌عمر بمشهد مقدس مهاجرت‌کرد ودرآنجانزد ملاعبدالله شوشتری‌بتحصیل پرداخت تااینکه خود درمسلك مدرسان‌آستانه درآمد ونظارت براموزخدام‌نیز درعهده اوشد وچندی‌بعدبقزوین رفت وسپس که اصفهان مقر شاه عباس شد او را باصفهان دعوت‌کردند ومقیم اصفهان‌گردید وشاه عباس مسجد شیخ لطف‌الله را برای اوساخت وسالها بتدریس وامامت اشتغال داشت در تاریخ وفات او اختلاف است ودرست آنستکه دراوایل سال ۱۰۳۳ هجری وفات‌یافته‌است و شعر فارسی هم که دراینباب گفته‌شده مؤید این‌عقیده میباشد وآن نقل ازتاریخ عالم آرای عباسی است:

شیخ‌لطف‌الله رفت‌ازدار دهر	رخت‌بربست ازجهان بی‌مدار
عزم عقبی کرد ازدنیای دون	شد جنانش مامن ودارالقرار
سال تاریخش‌همی‌جستم‌زعقل	گفت بامن‌نکته‌ای آن پیرکار
چون دولاازنام آن ساقط‌کنی	سال تاریخ وفاتش‌زان شمار

منظور ازنام مجموعه «شیخ لطف‌الله» میباشد که جمع آن بحساب جمل (۱۰۹۵) است وچون دولا یعنی ۶۲ را از ۱۰۹۵ کسر کنیم میماند ۱۰۳۳ و اینکه در عالم آراء در وقایع سال ۱۰۳۲ آورده از این نظر بوده که اواخر آن سال با اوائل سال ۱۰۳۳ متقارن بوده است وبعلاوه درهمان تاریخ‌گفته که پنجسال‌پیش ازوفات شاه عباس رحلت کرده‌وچون شاه مزبور در ۱۰۳۸ بدرود حیات گفته وفات شیخ لطف‌الله مقارن سال ۱۰۳۳ خواهدبود و در روضات الجنات هم این احتمال داده شده است. واینکه در روضات‌گفته شده‌که وفات‌او در ۱۰۳۵ اتفاق افتاده محمل درستی‌برای آن نمیتوان بدست آورد وفقط فرضی است. شیخ لطف الله علاوه‌برمقامات علمی در سرودن شعر عربی نیز مهارت داشته واشعاریکه دردوجانب شمالی وجنوبی مسجد نوشته شده ازاشعار او است که‌موضوع التجاء بدرگاه باری تعالی است ویك بیت آن‌که متضمن نام اواست چنین‌میباشد:

«وشفعهم فی عبد عبدعبیدهم — عبیدك لطف‌الله فی‌العرصات»

استادان زمان نوشته شده باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود .

« امر بانشاء هذا المسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی »
« مراسم آبائه الطاهرین مروج مذهب الائمة المعصومین ابوالمظفر عباس الحسینی »
« الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه واجری فی بحارالتأبید فلکه »
« بمحمدوآله الطیبین الطاهرین المعصومین صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین »
« کتبها علیرضا العباسی ۱۰۱۲ »

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آن اقتباس گردیده نوشته شده: « فی البحارالتأیید » ، یعنی تأییدرا با دویای حطی املاءکرده‌اند درصورتیکه درست آن « التأبید » که حرف اول آن با ی‌دومین حرف ابجد و حرف دوم آن یای حطی که بمعنی جاوید گردانیده است میباشد .

۲ـ کتیبه خارجی گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی مشتمل برسور شمس و دهر و کوثر و باین جملات پایان میپذیرد :

« قال الله وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً » ودر یك سطر درحاشیه بخط نستعلیق این عبارت : « درسال هزاروسیصدو پانزده خورشیدی تعمیرشد . »که‌حاکی از حال تعمیر گنبد است خوانده میشود .

در لوحه دیگری بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی‌خشت لاجوردی در بالای پنجره مشبك کاشیکاری سردر مسجد چنین نوشته شده :

« درعهد سلطنت اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاه رضاشاه پهلوی خلدالله »
« ملکه وسلطانه تعمیرشد آبان ۱۳۰۷ »

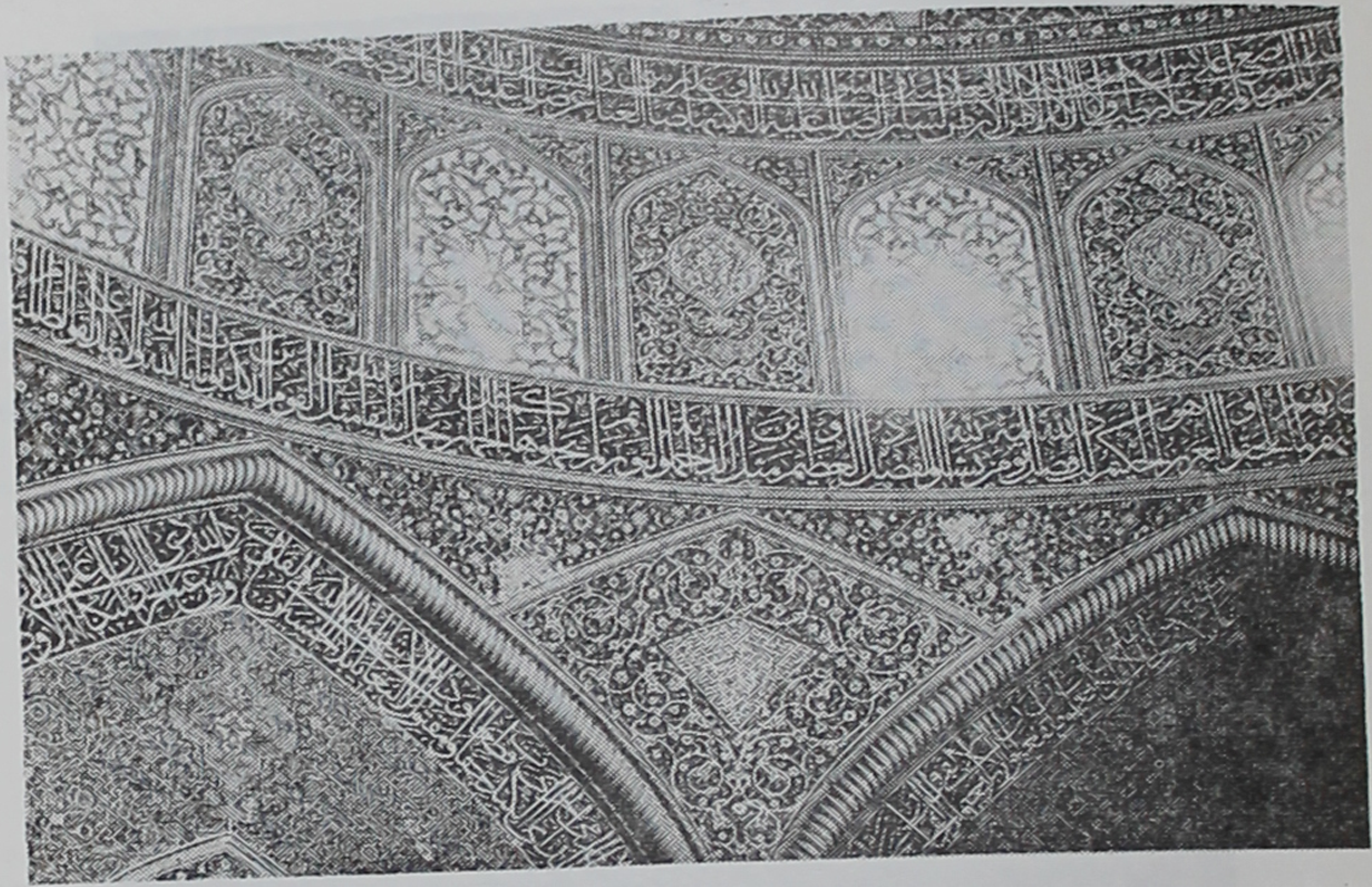
برگردنه‌گنبد بخط بنائی دریك‌جاکلمات : (یاکریم) (یاالله) (یارحمن) (یارحیم) تکرارشده و درمحل دیگر : (الله اکبر) (الملك‌لله) (الحکم‌لله) (الحمدلله) (الله ومحمد علی) تکرارگردیده است .

۳ـ کتیبه فوقانی داخل گنبد مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی بخط علیرضا عباسی چنین است :

« عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال من توضأ ثم خرج الی المسجد فقال »
« حین یخرج من بیته بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین هداه الله الی الصواب والایمان »
« واذاقال والذی یطعمنی ویسقین اطعمه الله من طعام الجنة وسقاه من شرابها واذاقال »
« واذا مرضت فهو یشفین جعل الله ذلك کفارة لذنوبه و اذا قال والذی یمیتنی ثم »
« یحیین اماته الله میتة الشهداءِ و احیاه حیوة السعداءِ و اذا قال والذی اطمع ان »
« یغفرلی خطیئتی یوم الدین غفر الله له خطاه کله وان کان کزبد من البحر واذاقال »
« رب هب لی حکماً والحقنی بالصالحین وهب الله له حکماً وعلماً والحقه بصالح »
« من مضی وصالح من بقی و اذا قال و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین کتب الله له »
« فی ورقة بیضاءِ ان فلان بن فلان من الصادقین واذا قال واجعلنی من ورثة جنة النعیم »
« اعطاه الله منازل فی جنة النعیم واذا قال واغفر لابی غفر الله لابویه . عن ائمة اهل البیت »
« سلام الله علیهم اجمعین اذا دخلت المسجد فقدم رجلك الیمنی وقل بسم الله وبالله »
« ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله ولاحول ولاقوة الابالله اللهم »
« صل علی محمد وآل محمد وافتح لی ابواب رحمتك وتوبتك و اغلق عنی ابواب »
« معصیتك واجعلنی من زوارك وعمار مساجدك وممن یناجیك فی اللیل والنهار و »
« ادحرعنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین. وقال الامام ابو عبدالله جعفر بن »
« محمد الصادق علیه السلم من مشی الی المسجد لم یضع رجلاً علی رطب ولا یابس »
« الا سبحت له الارض الی الارض السابعة صدق رسول الله صلی الله علیه و آله کتبها »
« علی رضا العباسی فی ۱۰۲۵» . (ش ۷۵)

۴ـ کتیبه قسمت فوقانی داخل گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نیز بخط علیرضا عباسی مشتمل بر سور جمعه و نصر و پایان آن چنین است :

« سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین »

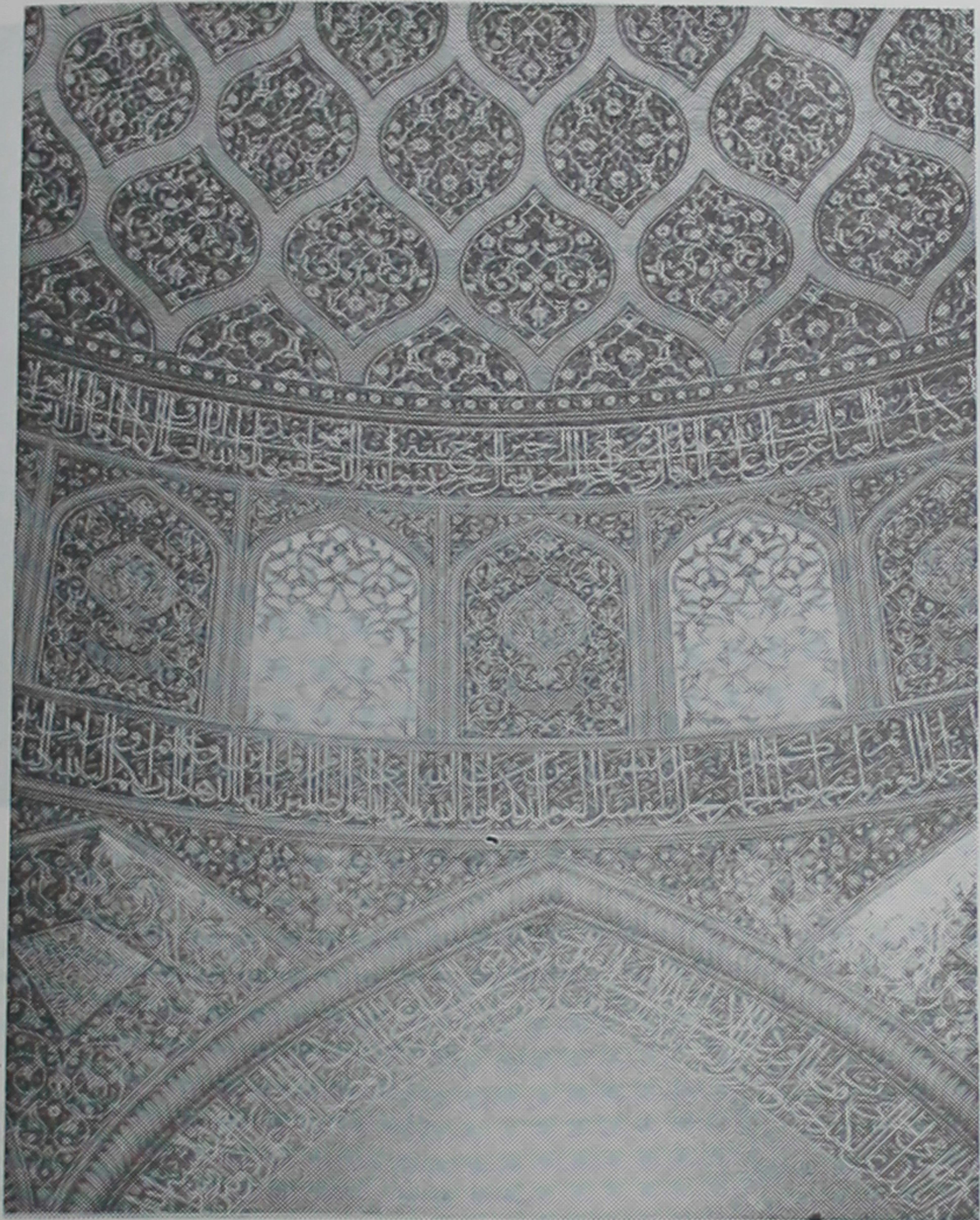


(شکل ۷۵)

« صدق‌الله العظیم وصدق رسوله النبی الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین والحمد»
« لله رب العالمین کتبها علی رضا العباسی غفرالله ذنوبه.» هر چند این کتیبه تاریخ ندارد ولی چون دنبال کتیبه تاریخ‌دار پیش است میتوان گفت که درهمان تاریخ چون نوشته شده تکرار آن لاطائل تلقی شده است.

۵ـ در زیر کتیبه دوم کمربندی داخل گنبد درهرگوشه در دو شکل لوزی مانند بخط بنائی سور قدر وهمزه وکافرون وانشراح وفیل وماعون و تین و فاتحه خوانده میشود. (ش ۷۶)

۶ـ کتیبه گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد بخط ثلث سفید باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی سوره انفطار وبعد از آن چنین نوشته شده:
« صدق‌الله العظیم الکریم. عن ابی عبدالله علیه السلم اذا کان لیلة الجمعة انزل»
«من السماء ملئکة بعدد الذر فی ایدیهم اقلام الذهب و قراطیس الفضة لا یکتبون »
« الی لیلة السبت الا الصلوة علی محمد فاکثروا منها قال ان من السنة ان تصلی علی»



(شکل ۷۶)

« محمد واهل بیته فی کل جمعة الف مرة وفی سایر الایام مأئة مرة ».

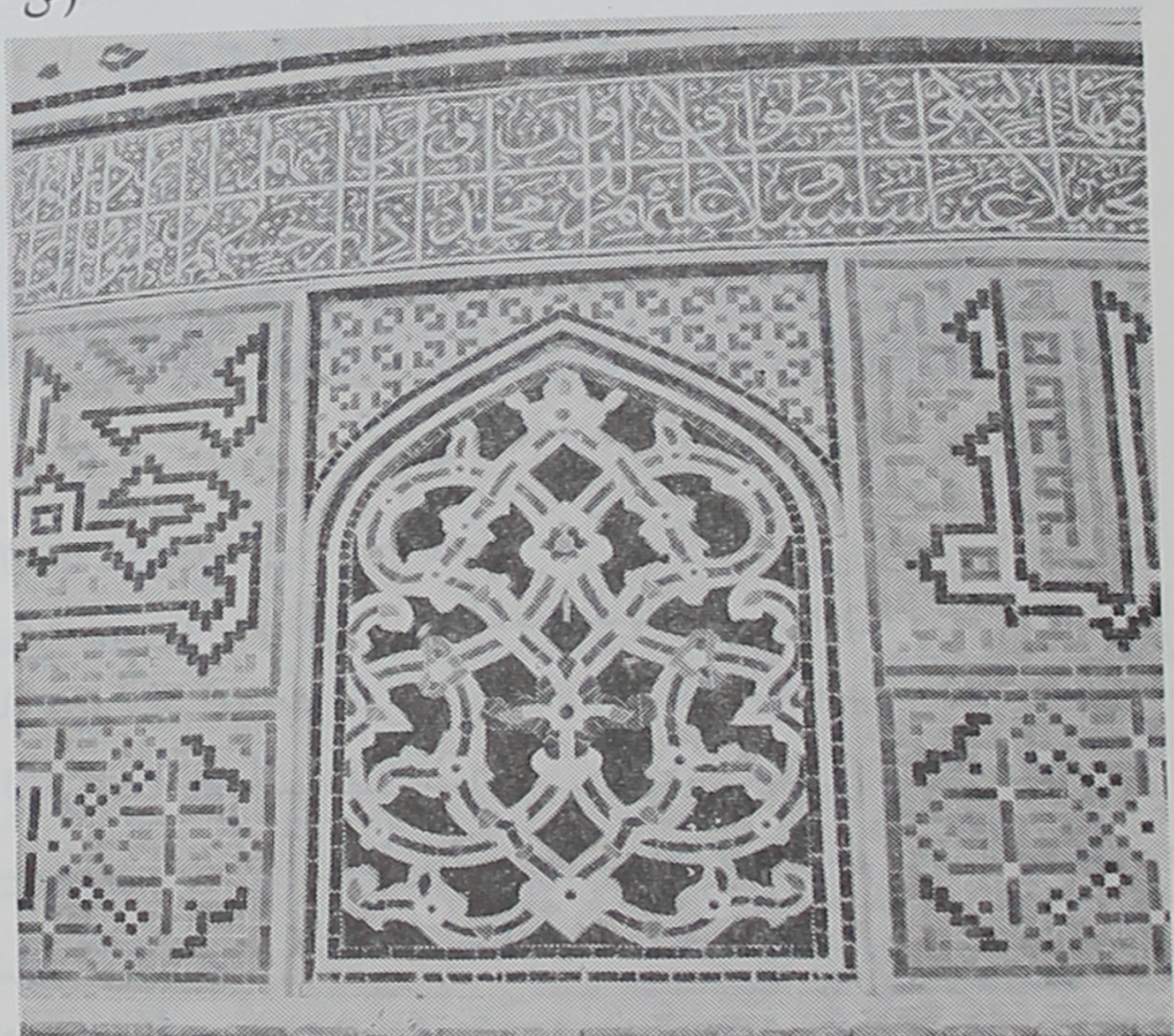
۷ـ کتیبه گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ ابتداء سوره لیل وپایان آن چنین است:

« صدق الله العظیم وصدق رسوله الکریم. عن جابر عن ابی جعفر علیه السلم »
« قال قال النبی صلی الله علیه و آله لجبریل علیه السلم وای البقاع احب الی الله »
« تعالی قال المساجد و اهلها احب الی الله اولهم دخولا و آخرهم خروجاً صدق »
« نبی الله .» .

۸ـ کتیبه گوشه شمال شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست سوره شمس وسپس این عبارت نوشته شده است:

« وقال الله تبارك وتعالى وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً صدق الله العظیم»
« وصدق رسوله الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین برحمتك یا ارحم الراحمین»
« عن ابی جعفر علیه السلام قال لما اسری برسول الله صلی الله علیه وآله الی السماءِ»
« فبلغ البیت المعمور فحضرت الصلوة فاذن جبرئیل علیه السلام واقام فتقدم رسول الله»
« صلی الله علیه وآله صف الملئکة والنبیون خلف محمد صلی الله علیه وآله . » .

(ش ۷۷)



(شکل ۷۷)

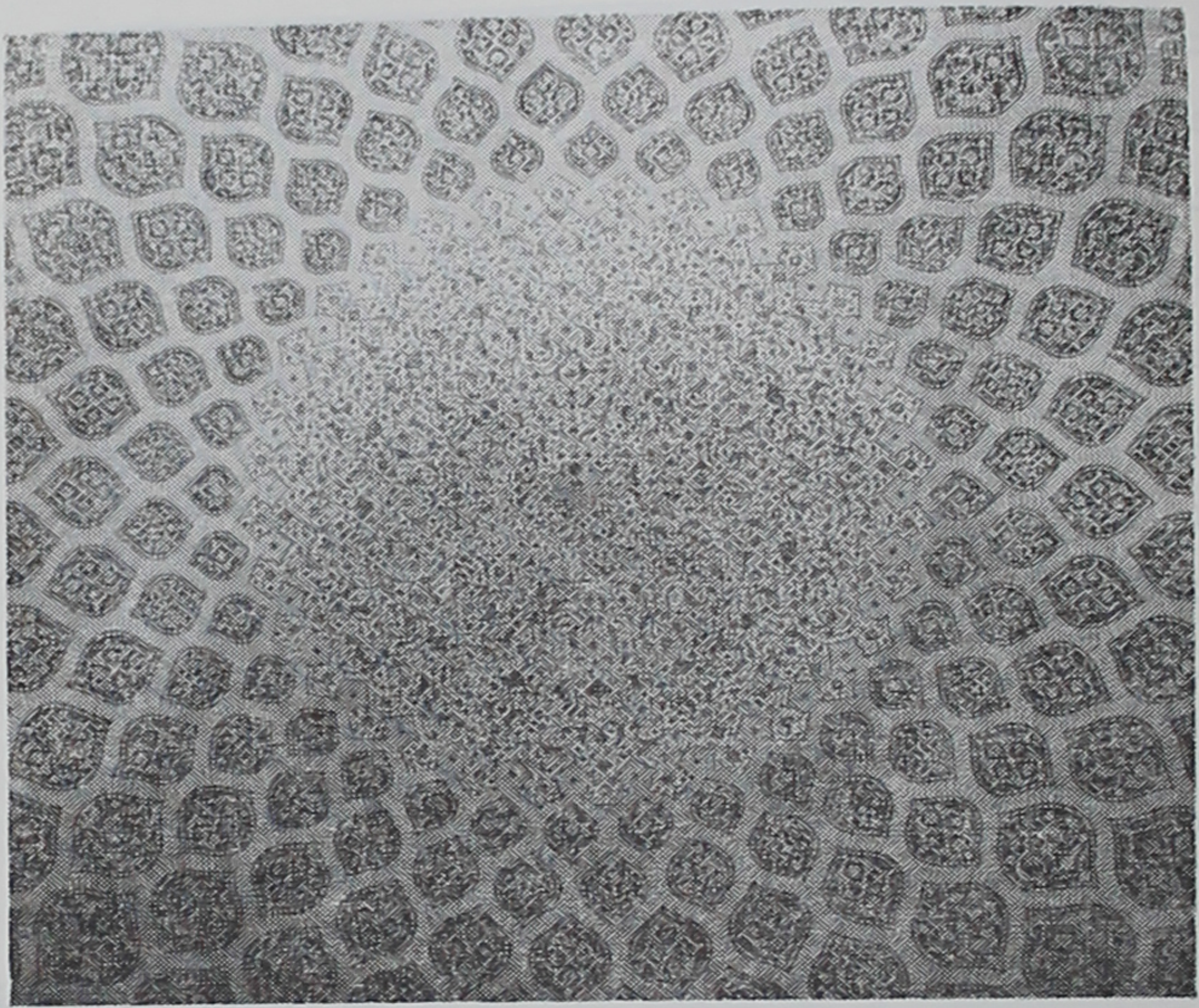
۹ـ کتیبه منظوم عربی دوضلع شرقی وغربی داخل گنبد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

« الهی بحق نبی الانـام	شفیع الذنوب بیوم القیام»
« الهی الهی بنفس الرسول	قسیم الجنان وزوج البتول»
« الهی بحق الزکی الحسن	بحق الحسین اسیر المحن »
« الهی الهی بزین العباد	وبالباقر الطهر کر الرشاد »
« الهی وبالصادق المقتدا[1]	وبالکاظم الغیظ بحر الندا[2] »
« الهی بحق الامام المبین	علـی الرضا قبلة الطالبین »
« الهی الهی بحق التقی	الهی الهی بجاه النقی »
« الهی وبالعسکری الحسن	الهی و بالقائم المؤتمن »
« بلطف بعفوك یاذا الجلال	علی هائم فی مهاوی الضلال »
« بهائك المذنب المستهام	غریق بحار الخطایا العظام»
« واعتقه یارب یوم الورود	علیك من النار داب الودود »
« و یسر له کل امر عسیر	فانت علی کل شیء قدیر »
« باربعة وعشرة اعتضـادی	وهم شفعای فی الیوم العبوس»
« بطیبة و الغری و کربلا	وسامرا و بغداد و طوس »

ودنبال آن این عبارات نیز آمده است:

« عن جابر قال دخلت علی فاطمة علیها السلم و بین یدیها لوح فیه اسماء »
« الاوصیاءِ من ولدها فعددت اثنی عشر احدهم القائم ثلثة منهم محمد واربعة منهم علی»
« علیهم السلم کتبها باقر بنا مفاد اشعار عربی مذکور حاکی است که شاعر وسراینده »
« آن شیخ بهائی وخطاط آن باقر بنا بوده است وآیا باقر هم خطاط وهم بنا بوده است»
« معلوم نیست ودرهر دو کتیبه که بخط اواست تاریخی ندارد ومیتوان خدس زد که»
« چون درهمان تاریخ ۱۰۲۵ نوشته شده وآن تاریخ هم درداخل گنبد بوده مورد را»
«محتاج بتکرار تاریخ ندانسته اند » . (ش ۷۸)

۱ــ و۲ـ درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که بیشتر کتیبه ها ازآن نقل شده: (المقتدا) و (الندا) نوشته شده وبرفرض که در اصل کتیبه ها چنین باشد نادرست بخصوص در (الندی) که بمعنی سخا است ولی د. المقتدی هم بالف وهم بیاء نوشتن جایز است.



(شکل ۷۸)

۱۰ ـ کتیبه منظوم عربی دیگری در دوجانب شمالی وجنوبی داخل مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی بخط باقر بنا وسرایندگی شیخ لطف الله چنین است :

« الهی بحق الهاشمی محمد	حبیبك طه شافع العرصات »
« بحق علی نفسه و وصیه	ابی ولده والصهر ذی الحسرات »
« و فاطمة الزهراءِ قرة عینه	مجسمة الاحزان والعبرات »
« ومسموم اولاد الزنا الحسن الذی	رمی الکبد الحری جفا قطعات »
« ومقتول اولاد البغایا بکر بلا ال	حسین شهید الله فی الفلوات »
« وزین عباد الله ذی الحزن والبکاء	علی ابی الاوصاب والزفرات »
« و باقر علم الاولین محمد	شبیه رسول الله ذی الدرجات »

« ومظهر دین الصدق والحق جعفر و مظهره فی الجهر والخلوات »
« و موسی شهید الاشقیاء و نجله علی الرضا المسموم فی العنبات »
« ومعدن تقوی الله الجواد وابنه محمد المحبور بالنعمات »
« وهادی الوری نجل التقی معدن النقی علی خفیر الخلق فی القفرات »
« وبالحسن الاصل الاصیل بعسکر ابی العز والخیرات والبرکات »
« بصاحب هذا العصر اعنی محمدا ای الخاتم الثانی لخیروصات »
« انلنی انلنی بغیتی بولائهم وصل علیهم افضل الصلوات »
« وشفعهم فی عبد عبد عبیدهم عبیدك لطف الله فی العرصات »
« و بالباقر البناءِ کاتب هذه ال حروف وقاه الباری العثرات »

بیشتر این کتیبه ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است[1].

(ش۷۹)

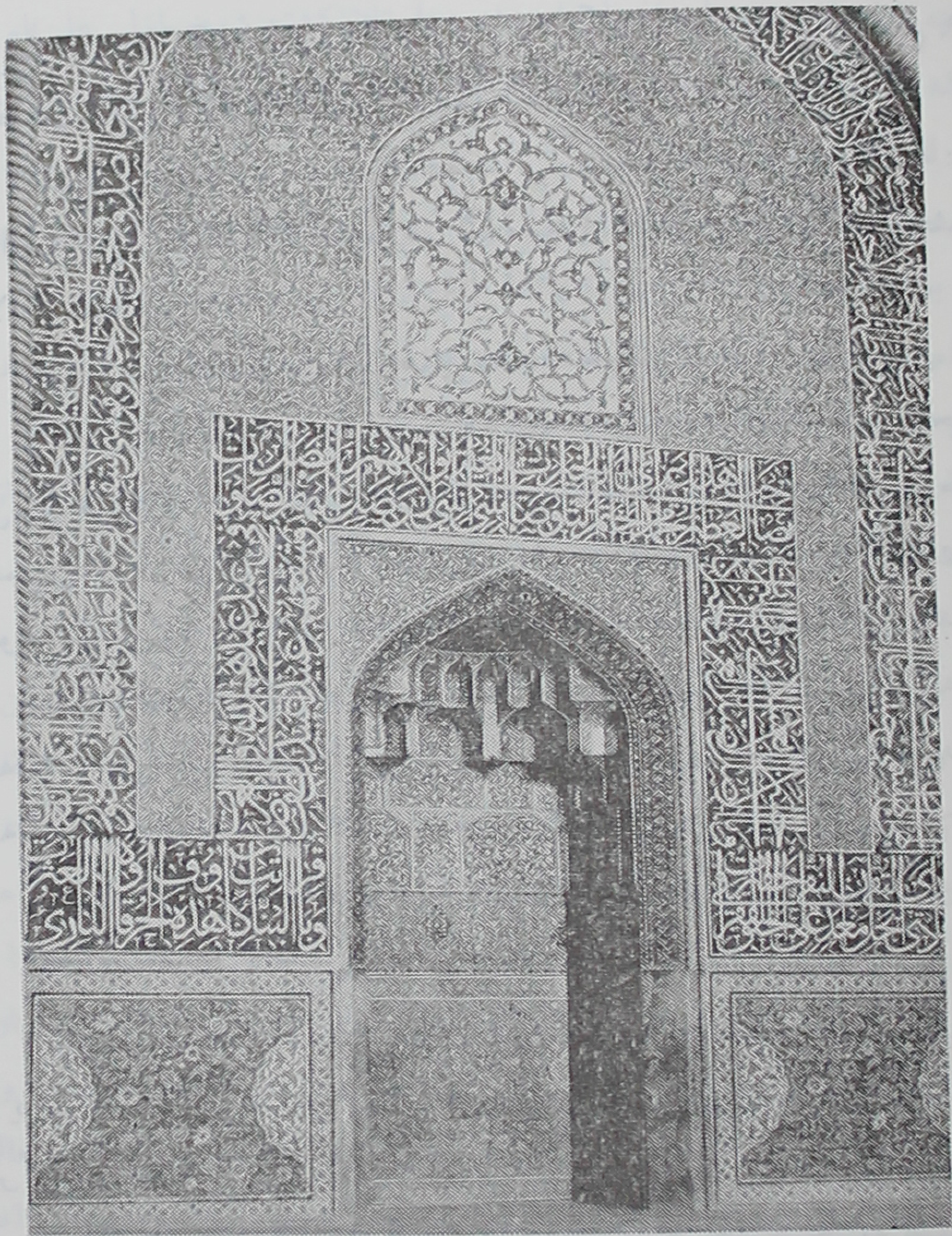
این مسجد تاریخی که مورد توجه همه جهانیان میباشد بموجب شماره ۱۰۵ به ثبت تاریخی رسیده است[2].

۳۵- مسجد صفا = شهشهان :

این مسجد که در محله شهشهان و در نزدیکی بقعه تاریخی شهشهان قرار گرفته در قرن سینزدهم هجری بوسیله سید محمد علی بن محمد باقر گلستانه از خانواده گلستانه صورت اتمام پذیرفته است. کتیبه سردر آن بخط ثلث محمدتقی بن محمد ابراهیم چنین است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة »
« وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . بسعی و »
« اهتمام خادم الائمة محمد علی بن محمد باقر گلستانه شرف اتمام پذیرفت فی ۱۲۹۰ »
« کتبه محمد تقی بن محمدابراهیم . »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۴۰۲ تا ص۴۱۵.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۷ .



(شکل ۷۹)

دربالای در ورودی بخط ثلث عبارات : « هوالباقی . بسم‌الله الرحمن‌الرحیم» « وبه ثقتی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین فی ۱۲۹۱ » ونیز با خط نستعلیق این‌اشعار وعبارات بترتیب زیرخوانده میشود :

« بنا شد چو این مسجد با صفا بعون‌خداوندرکن‌وحطیم(یاحنان) »

« ز پرتو بتاریخ آن شد سؤال بگفتا « لساعیه فوز عظیم ۱۲۸۹ »
« نمقه محمد تقی » « یا حنان » « عمل آقاجان ».

کتیبه ایوان جنوبی مسجد بخط بنائی سوره اخلاص و سپس آیه : « وان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر یقولون انه لمجنون و ما هو الاذکر للعالمین ۱۲۹۱ ».

شبستان مسجد صفا نیز کتیبه‌هائی دارد که مهمتر از همه آنها چنین است :

« لااله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله وفاطمة عصمةالله‌الحسن والحسین و »
« علی‌بن‌الحسین ومحمدبن‌علی وجعفربن‌محمد وموسی‌بن‌جعفر و علی‌بن‌موسی‌و »
« محمدبن‌علی و علی‌بن محمد والحسن‌بن علی والقائم‌المهدی هم خلفاء رسول‌الله »
« صلوات‌الله علیهم اجمعین فی ۱۲۹۰ فی شهر صفر سنة تسعین ومأتین بعدالالف ».

درکتاب گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که عبارات کتیبه از آن گرفته شده در صفحه۷۹۵ سطر سوم بعداز علی‌بن موسی نوشته شده « و محمدبن » و پدرش علی نوشته‌نشده است وچون این اشتباه مسلم‌بود اصلاح گردید.

ثبت تاریخی این‌مسجد نیز درگردش اداری است[۱]

۳۶- مسجد علی :

این‌مسجد که درنزدیکی میدان قدیم ومسجد جمعه و هارون ولایت قرار دارد یکی از مساجد تاریخی است که در قرن ششم هجری بنا ودر دوران صفویه تعمیر گردیده است.

مسجد مزبور پیش ازشاه اسماعیل صفوی به مسجد سنجریه اشتهار داشته وشاید علتش آن‌بوده‌که بانی آن سلطان سنجر بوده است و پس از اینکه مسجد مزبور رو بویرانی نهاده و درزمان شاه اسماعیل صفوی بتعمیر آن پرداخته‌اند چون تا زمان او بیشتر مردم اصفهان سنی و چهاریاری بودند و برخی‌هم حضرت علی را سب میکردند ازاین‌رو در زمان‌شاه‌اسماعیل‌که مروج مذهب‌شیعه‌بود برای مقابله‌با

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷.

اینگونه عقاید مسجد را بنام علی نامیدند وداستان کشته شدن طفلی علی نام گذشته ازاینکه مدرك تاریخی ندارد بیشتر بافسانه شباهت دارد ونمیتوان بچنین گفته‌هائی ترتیب اثرداد .

ونیز ممکن است که چون در ۹۷۷ شیخ‌الاسلام علی منشارکرکی متولی آب مسجد بوده مسجد بنام او شهرت یافته باشد .

مسجد علی دارای ایوانهای متعدد در شرق و شمال وجنوب میباشد و ایوان جنوبی از دیگر ایوانها وسیعتر است و شبستان گنبد دار آن نیز درضلع جنوبی قرار دارد . نمای گنبد ازخارج ساده وآجری است ولی درداخل دارای تزیینات گچبری میباشد . کتیبه‌های مسجد مزبور بشرح زیر است :

الف ـ کتیبه سردر بخط ثلث وبردو قسمت میباشد :

۱ ـ قسمت اول بخط ثلث معرق‌حنائی برزمینه‌کاشی لاجوردی چنین است :

« قال‌الله تعالی و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل ان طهرا بیتی للطائفیـن »
« والعاکفین و اذیرفع ابراهیم‌القواعد من‌البیت واسمعیل وقالوا نعبد الهك واله »
« آبائك ابراهیم و اسمعیل قل آمنا بالله وما انزل‌الینا و ما انزل علی ابراهیم و »
« اسمعیل. ام تقولون ان ابراهیم و اسمعیل واسحق ویعقوب و الاسباط‌کانوا هوداً »
« او نصاری قل‌آمنا بالله ومااانزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل انا اوحینا »
« الیك کما اوحینا الی‌نوح والنبیین‌من‌بعده واوحینا الی‌ابراهیم واسمعیل‌واسحق »
« ویعقوب والاسباط . واسمعیل والیسع ویونس ولوطاً وکلا فضلناه علی‌العالمین .»
« الحمدلله الذی وهب لی علی‌الکبر اسمعیل و اذکر فی‌الکتاب اسمعیل انه کان »
« صادق الوعد وکان رسولا نبیاً . واسمعیل وادریس وذاالکفل‌کل من‌الصابرین . و »
« اذکر اسمعیل والیسع وذاالکفل وکل من‌الاخیار » .

۲ـ قسمت دوم‌کتیبه بخط ثلث برزمینه کاشی‌لاجوردی مشتمل برنام پادشاه زمان تعمیر وبانی تعمیر ونویسنده کتیبه و ماده تاریخ انجام تعمیر میباشد و آن چنین است :

« هذا مسجد من توجه اليه بالاحرام فقد ولی وجهه شطر المسجد الحرام »
« اسسه فی زمان من بیده مقالید الزمان السطان بن السلطان بن السلطان الذی اسمه »
« الجمیل بعدد الائمة علیهم السلم فی التنزیل ابی المظفر سلطان شاه اسمعیل خلدالله »
« ظله الظلیل مؤسس قواعد السلطنة سمی ثانی السبطین کمال العدالة والاقبال میرزا »
« شاه حسین ابدت ظلال نصفته فی الخافقین ولماورد فی الاخبار ان نعیم الدنیا مساجدها »
« جاء تاریخ العمارة جاؤها وفتحت ابوابها کتبه شمس الدین التبریزی . » (ش ۸۰)

از دو قسمت کتیبه‌های سر در چند نکته استفاده میگردد :



(شکل ۸۰)

۱- اینکه چون درقرآن در دوازده جا کلمه اسماعیل ذکرگردیده و با عدد دوازده امام مطابقت دارد نتیجه گرفته شده که شاه اسماعیل‌هم که نامش اسماعیل است درعداد ائمه وپیشوایان و بزرگان دین محسوب شده است البته ذکر اینگونه مطالب مربوط بکسانی است که در اطراف شاه بوده و میخواسته‌اند مورد توجه شاه قراربگیرند والا خود شاه اسماعیل که چنین اطلاعاتی نداشته است.

۲- ازکلمه اسسه معلوم میگردد که اساس مسجد از میرزا شاه حسین ودر زمان شاه اسماعیل انجام شده است درصورتی که شاردن گفته که مسجد سنجریه را بنام شاه اسماعیل کرده‌اند از مجموع مطالب می‌توان گفت که میرزا شاه حسین اساس مسجد را برهم زده و ازنو بعمارت آن پرداخته است.

۳- اینکه عمارت مسجد علی درزمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی بهمت میرزا شاه حسین اعتماد السلطنه (۱) انجام گردیده است و ماده تاریخ آن که:

۱- میرزا شاه‌حسین ملقب به‌کمال‌الدین میرزا و متخلص بساقی در ابتدای‌کار در اصفهان به بنائی اشتغال داشت‌وسپس دراثر ابراز لیاقت بخدمت‌دورمش‌خان درآمد وبقاضی‌شهر اصفهان رسید ومدتی وزیر داروغه آنجا وملازم‌دورمش‌خان بود ودر سال ۹۲۰ بوزارت شاه‌اسماعیل منصوب شد وعنوان وکیل‌السلطنه و اعتمادالدوله باو داد درطی نه‌سال‌اشتغال بمناصب تمولی سرشار تحصیل کرد وعاقبت محمد شاهقلی‌ازمنسوبان شاه که‌جهت اخراجات رکابخانه همایونی مبلغهای‌کلی تحویل داشت واز سخت‌گیریهای وزیر درآن دل‌تنگ بود خنجری برشانه‌وی‌زد و بقورچیان گفت حکم همایون صدور یافته که این شخص را پاره پاره‌کنند و آنان نیز چنان کردند. میرزا شاه حسین گاهی شعر هم میگفت وتخلصش ساقی بود ازاشعار او است:

شام غیر سگ کویش که‌با من یاربود — هر که را دیدم ز یاران بر سر آزار بود

در رثای اوخواجه ضیاءالدین میرم قصیده‌ای مشتمل بریازده بیت‌گفته که‌مطلع ومقطعش را ذیلا مینگارد:

مهر سپهر لطف که از رای روشنش — آیینه فلک شده جام جهان نما
دریای جود شاه حسین آنکه از شرف — مثلش ندیده دیده ایام عمرها
مضمونش آنکه چون‌بجوارش مقام‌یافت — تاریخ گشت: «شاه شهیدان کربلا»
(۹۲۹)

از مضمون اشعار مزبور معلوم میگردد که‌بعد از اینکه در۹۲۹ مقتول گردید نعش‌اودر کربلا مدفون گردیده است.

پس از قتل اوکسی درخواب دید که تاریخ کشته‌شدن اوبا الفاظ (میرزا شاه حسین اصفهانی) مطابقت دارد وچون محاسبه شد درست درآمد.

(نقل از احسن‌التواریخ و تاریخ حبیب‌السیر)

« جاؤهاوفتحت ابوابها» باشد ویکی از آیات قرآن‌است بحروف جمل یاسال ۹۲۹ منطبق میگردد.

۲ـ درقسمت دوم کتیبه نوشته‌شده « السلطان بن السلطان بن السلطان» که میرساند پدر وجد شاه اسماعیل عنوان سلطنت داشته‌اند در صورتیکه اگر منظور سلطنت وپادشاهی باشدبا واقع منطبق نیست.

۳ـ کتیبه داخل سر در در اشکال چهارگوش پراکنده بخط بنائی سفید رنگ برزمینه مشکی « الله ». ـ «الله‌اکبر». ـ « الحسن العسکری» . ـ «محمد» .ـ «علی» و بخط بنائی سفید معرق برزمینه مشکی در درون چهار ضلعی پراکنده : «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله‌والله اکبر» خوانده‌میشود. ودرپشت بغل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این عبارت : « عبادت بمسجد علی خوش بود ».

در سال ۱۳۲۳ شمسی بوسیله شیخ‌زاده هراتی که از اخیار و نیکوکاران و مردم یزد میباشد در سردر تعمیراتی انجام شده واین اشعار که اثر طبع شاعر معاصر محمد حسین متخلص‌به صغیر متوفی (۱۳۹۰ هـ. ق) میباشد دراطراف سردر درج گردیده وآن اشعار چنین است:

« شیخ‌زاده آن ملقب بر هراتی زاهل‌یزد   کزازل خوکرده با مهرنبی عشق ولی»

« کرد برمسجدعلی تعمیرکامل وین‌عمل   خود دلیل‌روشنی ازاوست‌بر روشندلی»

«خواست‌ازدوران‌شمسی‌مصرعی‌گویدصغیر   تا بتاریخش‌رقم سازند با خط جلی »

«کاملی‌ازجمع ناگه‌سربرون آورد وگفت: «مرحبا سعی هراتی یاراو بادا علی»

۱۳۲۳

۴ـ درایوان شرقی که روبروی در ورودی مسجد است لوح سنگی نصب‌شده که کتیبه آن بخط ثلث برجسته باین شرح خوانده میشود :

« درتاریخ سنه اربع‌وسبعین وتسعمأیة عنایت‌ازلی شامل حال غلام‌شاه ولایت»

« پناه‌ملك اصلان بیك‌بن مغفرة پناه‌رستم‌سلطان افشار ارشلو شده یك‌لوله‌که‌قطر »

« آن نیم‌چاریك باشد بذراع جدید اصفهان‌از نهر جرجی کان‌وقف نمود برمسجدی»
که درجنوبی آستانه هارون ولایت علیه السلام والتحیة واقعست بعد ازآنکه از »
« ملاّك آن موضع بوجه شرع شریف باو منتقل شده بود و تـولیت آن بحضرت »
« شریعت و افادة پناه شیخ الاسلامی علیا منشار اکرکیا تفویض نمود وبعد ازآن »
« حضرة با ارشد اولاد اوباشد مشروط بآنکه از بالا هیچ آفریده الا از ضروری »
طهارة وشرب تصرف ننماید وبعد ازآنکه ازمسجد خارج شود بهرمحل که‌جاری »
« شود منافع آنرا بمصرفی‌که دراو مسطور است صرف نماید وتغییردهنده درلعنت»
« الهی باشد بسعی بنده درگاه موسی باتمام رسید سنه ۹۷۷» .

مساحت مسجد علی قریب سه‌جریب وسه‌قفیزشاه‌است [۱] نوشته‌های دیگری هم ازطرف عابران در قرن یازدهم درمسجد وجود داردکه چون ارتباطی با مسجد ندارد ازشرح آن خودداری گردید.

کتیبه‌هائی‌که نوشته شده ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهـان [۲] اقتباس گردیده است. این مسجد بموجب تصویبنامه شماره ۹۶ ـ ۵۱/ ۱۰/ ۱۳۱۰ به ثبت تاریخی رسیده است. [۳]

۳۷ـ مسجد علیقلی آقا:

این مسجد در محله بیدآباد در بازاری بنام بازار حاج علیقلی آقا بـوسیله حاج علیقلی آقا از خواجگان حرمسرای شاه سلطان حسین صفوی بنا شده است. درجلو مسجد نهر بابا حسن‌که منشعب از مادی فدین است جریان دارد ،گلدسته مسجد برbالای سردر ومسجد باکاشیهای الوان ونقوش هندسی وگره سازی مـانند طرحهای مدرسه چهارباغ تزیین شده است، صحن مسجد مستطیل وطولش‌ازشمال بجنوب وحوض ومهتابی ندارد. درطرف جنوب ایوان و محرابی دارد که ازاره‌اش

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۲۰ .
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۳۷۱ تا ۳۷۶ .
۳ـ فهرست بناهای تاریخی ص۳۰ .

از سنگ مرمر و دربالا دارای کاشیکاری معرق نفیس است . در سمت مشرق دارای شبستان کوچکی است که در اواخر قرن‌سینزدهم بمسجد اضافه شده‌است . مساحت مسجد تقریباً ۱۲۰۰ ذرع است . [۱] کتیبه های مسجد حاج علیقلی آقا بشرح زیر است :

۱ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث قهوه‌ای‌رنگ علینقی امامی‌چنین‌است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. لقد تصدی لاتمام هذا المسجد الشریف واختتام »
« هذا المعبدالمنیف فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم الشاه »
« سلطان حسین‌الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض‌علی ـ »
«العالمین بره عالیجناب الموفق بالتوفیقات الربانیة والمؤید بالتأییدات‌السبحانیة»
« محرم‌حریم‌الدولة السنیة العظمی ومقرب‌الحضرة العلیة الکبری‌الحاج‌علیقلی‌آقا»
« وفقه‌الله تعالی علی نقی‌الامامی ۱۱۲۲ . ». ازاین کتیبه معلوم میگردد که حاج ـ علیقلی آقا از خواجه سرایان ومحارم حرم شاه سلطان حسین این مسجد را تمام کرده است یعنی اساس بنای آن ازدیگری بوده ونامبرده موفق باتمام واختتام آن گردیده است . و تاریخ شروع را جابری انصاری ۱۱۱۲ قمری نوشته است.

۲ـ دردرون مقرنسهای سردر دوبیت زیر بخط نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی لاجوردی وبخطاطی محمد صالح نوشته شده است:

« درزمان دولت سلطان حسین — آنکه ظل حضرت ایزد بود »
« شد بنا این‌مسجدوتاریخ‌گفت: — « رحمت‌حق‌وقف‌این‌مسجدبود»
« محمدصالح » «۱۱۲۲»

۳ـ روی‌جرزهای طرفین‌وبالای سردربخط بنائی این عبارات وجملات‌نوشته شده است:

« اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احدالله»
« الصمد لم یلد ولم‌یولد ولم یکن له کفواً احد.»

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۷۳.

و در محراب ایوان شرقی بخط کوفی عبارت : « لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله » خوانده میشود .

۴ـ کتیبه سردرشبستان کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

« هوالله تعالی شأنه العزیز »

« یا علی ادرکنی »

« از علو همت صدر اجل	فخر دوران قطب ایمان بدردین»
«چرخ فرقاضی ابوالقاسم که هست	شخص پاکش پیشوای متقین »
«یافت اتمام این شبستان کز شرف	بایدش خادم شود روح الامین »
« یافت چون اتمام این عالی بنا	ماندیحیی بهر تاریخش غمین»
« قال جبریل الامین » اطهرون	و ادخلوها فی سلام آمنین»
	۱۲۹۷

و دردولوحه کوچك چنین نوشته شده است:

« کتبه عبدالجواد» « عمل محمد اسمعیل »

ازمجموع اشعار ولوحه‌ها معلوم میگردد که‌قاضی ابوالقاسم در آخر قرن سینزدهم شبستان رابناکرده ومحمد اسماعیل بنای آن ویحیی که حاج‌میرزا یحیی کاشی‌پز باشد شاعر کتیبه وعبدالجواد بن عبدالحمید پدر اسدالله رجالی خطاط آن بوده است. بیشترعبارات کتیبه‌هااز گنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده‌است[۱]. این‌مسجد طی شماره ۲۲۵ ـ ۱۳۱۴/۹/۲۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۲].

۳۸ـ مسجد فتح = کوچه باغ :

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان راجع باین مسجد چنین نوشته شده است :[۳]

« درمحله قدیمی باب‌الدشت مساجدکوچك دیگری نیز وجود دارد ازآن»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۸۳ تاص ۶۸۴. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹. ۳ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۶۱۲.

« جمله: مسجد فتح است که مسجد کوچه باغ نیز نامیده میشود .کتیبه این مسجد »
« که بخط ثلث نوشته شده وقسمتهائی از آن فعلاً موجود نیست مشعر بر آنست »
« که مسجد فتح بوسیله عالم ربانی وعارف صمدانی ابوالفتوح محمد درسال ۹۸۷ »
« هجری بنا شده .کتیبه این مسجد بخط علیجان معلم است وبرجرز طرفین سردر »
« آن نیز بردو لوحه سنگی بخط نستعلیق اشعاری بتاریخ نوزدهم شهر ربیع الاول »
« سنه ۹۸۸ حجاری شده . » در تاریخ اصفهان وری هم فقط نوشته شده که در زمان شاه طهماسب مسجد ساخته شده است و اما راجع بوجه تسمیه مسجد چنین بنظر میرسد که چون کنیه بانی ابوالفتوح بوده مسجد بنام فتح نامیده شده و شاید در ابتدای امر مسجد ابوالفتوح می‌گفته‌اند و در اثر کثرت استعمال فتح شده است و اماکوچه باغ گفته‌اند از آن نظر که در کوچه باغ بوده‌است. این مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۳۹- مسجد قطبیه :

این مسجد در خیابان‌شاه اصفهان قرارگرفته وبانی آن امیر قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی بوده که در عصر شاه طهماسب صفوی مبادرت بساختن مسجد کرده است . صحن مسجد مزبور کوچك و اطراف آن با کاشیهای معقلی تزیین گردیده است و سردر آن در هنگام احداث خیابان شاه چون در معرض خطر بوده کاشیهای آن به چهلستون نقل‌گردیده است ودر آنجا درضلع جنوبی باغ چهلستون سردری بنا وکاشیها برآن نصب گردیده است . کتیبه های مسجد باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر مسجد بخط ثلث ابوسعید امامی بـا کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی آن قسمت که باقی‌بوده چنین است :

« . . . المعصومین فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم »
« ظل‌الله علی اهل الایمان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادرخان »
« خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره واحسانه الصاحب الاعظم »
« والاکرم المستعین من‌الله الملك الولی امیر قطب‌الدین علی الباب الدشتی فی‌شهر »

« محرم سنة خمسين وتسعمائة کتبه ابوسعيد الامامی . »

۲ ـ درزیر کتیبه بالا بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین خوانده میشود :

« بسعی شمس الدین محمد اصفهانی . »

۳ ـ کتیبه وقف امیرقطب الدین باب الدشتی برمسجد واطعام مساکین درزیر هلال سردر بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« چون توفیق الهی رفیق حال وکافل آمال اقل العباد قطب الدین باب الدشتی »
« شده‌خو است که ازبرای یوم المعاد ترتیب ذخیره مائده احسان نمایدکه ازخان انعام »
« اومستحقین بهره‌مند گردند بنابراین مزیت رقبات معینهٔ را وقف نمود که از »
« حاصل ونماءِ آن حقوق یکنفرقاری داده‌شودکه تمام ایام بتلاوة کلام ملك علام اشتغال »
« نماید ازجهت واقف وتتمه باطعام فقرا ومساکین متر ددین در آن صرف نمایند »
« مقرر آنکه بعلة رسم الصدارة وتوزیعات ورقمات وقفی و مدد فوج نواب دیوان »
« الصدارة وغیرهم طلبی از موقوفات مزبوره ننمایند و زیاده از یکسال باجاره »
« ندهند نه بعقدواحد ونه بعقود متعدده فمن بدله بعدماسمعه فانماائمه علی الذین »
« یبدلونه ان‌الله سمیع علیم . » .

چند مورد اشتباه املائی دراصل کتیبه وجود داردکه امانت ایجاب میکرد عیناً درج گردد وتصرف در آن بی‌مورد بنظر میرسید .

۳ـ کتیبه قسمت فوقانی جبهه مقابل سردر در اطراف یك صفحه کاشیکاری که باکاشی معرق صورت دوطاوس نقش شده بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی صلوات بردوازده امام نوشته شده است .

۴ـ دراطراف مدخل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این اشعار خوانده میشود :

« محمد عربی آبروی هردو سرا
کسی که خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »

« که مـن مـدینهٔ علمم علی درست مـرا
عجب خجسته حدیثی‌است من سگ دراو »

۵ - بر دوجانب سردر بخط نستعلیق با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی این اشعار کتیبه شده :

« غرض نقشی‌است کزما بازماند | که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگرصاحب دلی روزی برحمت | کند درحق این مسکین دعائی »

۶ - درصحن مسجد مزبور سنگابی نصب شده که دارای کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق برجسته بشرح زیراست :

« از ره احسان نمود وقف بدوران | دختر باقر ز ساکنین صفاهان »
« وقف ابوالفضل کرده سنگ آبی | تاکه شود سرفراز حضرت‌سبحان»
« هر که‌خورد آب‌خوشگوار نماید | لعن‌فراوان بقاتلان شهیدان »
« گفت فیوضی ز بهر تاریخش : | غشز پس‌ازهجرت ستوده دوران »

۱۳۰۷

درکتاب گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان[۱] که مأخذ نگارنده در ذکر کتیبه‌ها و ممیزات آنها میباشد «غشر» بحروف غین‌وشین وراء مهمله نوشته شده درصورتیکه درست آن بجای‌حرف‌راء مهمله‌حرف‌زاءِ منقوط است وباید«غشز» نوشته شود واگر آنچه درآنجا نوشته بحساب‌آوریم تاریخ سنگاب میشود۱۵۰۰که بهیچوجه درست نیست‌پس درست‌آن(غشز) بزاءِ منقوط میباشدکه‌باسال۱۳۰۷ هجری‌منطبق میشود.

نکته‌ای که دراین کتیبه ها استنباط میگردد اینستکه آنچـه درعصر شاه طهماسب نوشته شده بیشتر مضامین آنها متشابه و برخی هم یکسان بوده است. مثلاً درمسجد ذوالفقار اشعار : محمدعربی تا آخرکه برروی درآن نقر شده ودر مسجد قطبیه همان اشعاردر مدخل‌سردرکتیبه‌شده است یااینکه القاب شاه‌طهماسب در همه جا یکسان و مشابه است.

سردراین‌مسجددرتاریخ ۲۲/۹/۱۳۱۳ بشماره۲۱۸ بثبت‌تاریخی‌رسیده‌است[۲].

۱- گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۰ تا ص۳۸۳.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۳.

۴۰ ـ مسجد لنبان :

این مسجد که ازمساجد قدیمی اصفهان است درمحله لنبان که آن نیز ازمحلات کهن اصفهان میباشد قرار دارد بنای اصلی این مسجد بطوریکه نوشته‌اند در قرن هشتم انجام وچون درزمان صفویه فرسوده شده بوده مورد تعمیر قرار گرفته است .

سعید هروی که درقرن هشتم میزیسته در اشعار خود اشاره بمسجد لنبان و عمارت جمال‌الدین محمد که درجای خودگفته شده‌کرده است :

از پی ذوق وتفرج گربلنبان درشوی — مسجدی بینی مروح برسرآب‌روان
درجوارش صاحب‌صاحب‌خدم‌را بقعهٔ — کزلب تعظیم بوسدآسمانش آستان

از آثار قدیمی جز چند قطعه گچبری از دوره های پیش ازصفویه و چند لوح کاشیکاری اززمان صفویه چیزی باقی نمانده است .

خطوطی که بردولوح کاشیکاری اززمان صفویه باقی مانده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بخطاطی محمد رضا امامی اصفهانی چنین است : «وصل وسلم» «علی وارث الامام الولدالوصی والحجة الصفی‌الحسن العسکری صلوات‌الله علیه .» «وصل وسلم علی‌وارث الامام القائم المنتظر ابی‌القاسم محمدالمهدی‌صاحب‌الزمان» «صلوات‌الله علیهم اجمعین کتبه محمد رضا الامامی‌الاصفهانی ۱۰۸۰ . »

درزیر تالار بزرگ مسجد نهرآبی جاری است و سردابه‌ای دارد که مردم نذورات خود را درآنجا ادا میکنند و عریضه حاجات خود را بآب میاندازند و مسجد مزبور نزد مردم اصفهان احترام خاصی‌دارد ومنبرآن‌که مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری است بمنبر صاحب‌الزمان معروف و از اینرواست که عرایض خود را بآب میاندازند که جواب آنرا ازحضرت صاحب الامر دریافت کنند و شاید این تسمیه واین عمل از ذکر صاحب‌الامر در لوح کاشیکاری که باقی مانده منتزع شده باشد . دیگر مردم اعتقاد دارند که حضرت امام حسن مجتبی (ع) در مسجد لنبان نماز خوانده است ولذا مسجد مزبور را ازسایر مساجد بیشتر تقدیس وتجلیل‌میکنند برروی منبر نفیس مسجد بردو جانب آن در لوحه‌هائی صلوات بر چهارده معصوم کنده شده است.

در بالای درورودی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی‌رنگ این کتیبه منظوم خوانده میشود:

«هوالعزیزالکریم الغفار»

«در زمان داور گیتی ستان بحر دل	آفتاب دولت مشرق سلیمان پادشاه»
«پادشاهی کز برای کسب اقبال وشرف	فتح درظل همای رایتش گیرد پناه»
«یافت تعمیراین بنا ازلطف آن گردون‌شکوه	شامل حال شریفش باد الطاف اله»
«تا بود مسجد برای سجدهٔ اهل ورع	آستانش پادشاهان جهان‌راسجده‌گاه»
«خامه بهرسال تاریخش عبارت‌زدرقم:	«نوشد این مسجدزامرعادل‌عالم‌پناه» (۱۰۸۰)

«قائله محمد طاهر نصرآبادی کتبه العبد المذنب المحتاج الی الله الغنی»

«محمدرضا الامامی غفرله.»

کتیبه دیگری که در سردر مسجد دیده میشود و بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است مشتمل بر آیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه و باین رقم ختم میشود: «کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۵۶» ومعلوم‌میگردد که آخرین کتیبه مسجدلنبان است که درقرن‌سیزدهم الحاق گردیده است ودرواقع از عمر این مسجد هفت قرن میگذرد. (۱) این مسجد بشماره ۲۹۳ - ۱۶/۹/۲۹ به‌ثبت تاریخی‌رسیده‌است. (۲)

۴۱- مسجد مصری:

این مسجد بطول پنجاه وعرض چهل‌متر درشمال جوباره و نزدیك قبرستان شور درکوچه مصری واقع گردیده‌است وچون‌بانی آن مردی بنام حاجی‌میرزاخان مصری بوده باین‌نام اشتهار یافته است.

مسجدمزبور دارای سردرکاشیکاری‌است ولی درداخل تزییناتی نداردخطوط

۱- این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۲۶ تاص ۶۳۰ اقتباس گردیده است ضمناً متذکرمیگردد که درکتاب مذکورگفته شده که در محاسن‌اصفهان ما فروخی‌مکرر ازلنبان ومسجد وعمارت آن گفتگو شده واین درست نیست چه‌مسجد وعمارت لنبان‌در قرن هشتم بنا شده ومحاسن اصفهان درقرن پنجم نوشته شده است وفقط از محله لنبان در ص ۸۱ نامی برده شده است.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران‌ص۵۵.

وکتیبه‌های آن چنین است:

۱ ـ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح:

« قال الله تبارك وتعالى انما يعمر مساجدالله من امن بالله واليوم الاخر واقام ـ «الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش الاالله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين. قال» «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لاصلوة لجارالمسجد الافى مسجد وقال تعاهدوا» « نعالكم عند ابواب مساجدكم. كتبه جعفرابن عبدالله ۱۱۶۶» این کتیبه مطابق است با آنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده ولی بـامراجعه بعکس که از سردر مسجد درهمان کتاب گراور شده معلوم گردید که اولا بعد از کلمه: جعفر، بن بدون همزه نوشته شده و همزه ایکه درکتاب آورده شده زاید است وهمین طور در عکس مزبور بعد از جعفر بن عبدالله تاریخی خوانده نمیشود مگر اینکه درجای دیگر سردر بوده که درعکس نیامده باشد این جعفر بن عبدالله کتیبه سردر مدرسه کاسه‌گران را نیز درتاریخ ۱۱۰۳ نوشته‌است درذیل کتیبه سردر دریك پشت بغل بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی لاجوردی جملات: «عجلوا بالصلوة قبل الفوت» و « عجلو بالتوبة قبل الموت » نوشته شده است و نیز دریك هفتی عبارت:

« انا مدينة العلم وعلى بابها» خوانده میشود. (ش ۸۱)

۲ ـ کتیبه منظوم لوح سنگی داخل محراب مسجد که دارای ۱٫۱۸ متر طول و۶۴ سانتیمتر عرض وبخط نستعلیق برجسته‌چنین است:

« کتبه العبد « هوالعلى الاعلى » المذنب المحتاج محمدرضا امامی اصفهانی»

« در زمان دولت خاقان جمشید احترام
شاه دین عباس ثانی داور گردون غلام »

« ساخت حاجی میرزاخان ازسر صدق وصفا
مسجدی زینسان که بینی درکمال اهتمام »



(شکل ۸۱)

« در صفاهان هر که این‌عالی بنارا دید گفت
کعبه نو بین که پیداگشته در دارالسلام »

« سعی حاجی آنچنان داده صفائی مرورا
کز منی‌و مشعرش ننهند فوقی خاص‌وعام »

« از علو منبر او شاید ار بیند خطیب
بر فراز پایه اول فلك را سطح بام »

« طاق محرابش که‌هست ابروی معشوق ازل

قبله ارباب طاعت باد الی یوم القیام »

« بانی این کعبه را چون بانی‌آن کعبه باد

آتش دنیا گلستان آتش عقبا حرام »

« در چنین مسجد که زیبد فرش او بال‌ملک

شاه دین ، مأموم باد ومهدی هادی امام »

«سال تاریخش‌شریف‌ازپیر وانش‌خواست‌گفت:

قبله‌گاه اهل ایمان باد این بیت‌الحرام »

(۱۰۶۱)

از کتیبه مزبور استنباط میگرددکه در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۱ هجری بوسیله شخصی بنام حاجی‌میرزا خان معروف به‌مصری مسجدی ساخته شده که منبری‌مرتفع وعالی ومحراب برای ارباب‌طاعت داشته وآن‌قدر این‌مسجدمقدس ومحترم بشمار میرفته که زیبنده‌بوده فرش آن ازبال فرشتگان ومأموم مسجد شاه دین منظور سلطان وقت‌یعنی شاه‌عباس‌ثانی وامام آن مسجد حضرت مهدی‌امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه باشد و شاعری با تخلص شریف[1] در تاریخ بنای مسجد این اشعار راسروده وبموجب‌مصرع آخر سال تاریخ محراب مسجد ۱۰۶۱ هجری‌بوده است واگر تاریخی را که درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان تذکر داده یعنی‌سال۱۱۱۶ هجری درست باشد اختتام سردر مسجد درآن سال بوده است ودرواقع خاتمه‌بنای مسجد در۱۱۱۶ بوده است .

مسجد دارای دوسنگاب‌است یکی‌درداخل ودیگری درخارج روبروی‌سردر وهردوکتیبه دارد:

۱- نامش ملامحمد پدرش استاد کلبعلی سنگ تراش ورنو سفادرانی بوده وخودهم درابتدای کار همان حرفه را داشت و سپس‌رها کرده بکارهای دیوانی پرداخت و در یکی از محلات اصفهان بنوشتن سجلات شرعی اشتغال وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصربوده است .
(تذکره نصرآبادی‌ص ۴۱۵)

۱ـ کتیبه‌سنگاب‌داخل مسجد که‌مستدیر شکل وقطر دهانه آن۷۹سانتیمتر است بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« هرکه این‌سنگاب را ازمسجد مصری بیرون ببرد بلعنت خدا و نفرین »
« رسول‌گرفتار شود سنهٔ ۱۲۴۳» واز فحوای آن معلوم میگرددکه درتاریخ ۱۲۴۳ هجری که‌زمان فتحعلی‌شاه قاجار بوده این‌سنگاب وقف برمسجدمصری شده‌است وکسی حق بردن آن سنگاب رابخارج مسجد نداشته است.

یك فرد شعر نیز بردو لوح برسنگاب مزبور بخط نستعلیق برجسته نوشته شده که چنین خوانده میشود:

« بنگر بقای عمر که چون‌کشتی روان   استاده می‌نماید چون باد میرود »

۲ـ کتیبه سنگاب خارج مسجد بخط ثلث برجسته برسنگ سیاه باین شرح است:

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود سقاخانه را باکارخانه های‌شعر»
بافی . . وخانه فوقانی‌کخرج سقا خانه نمایند حاجی‌آقاجانی وحاجی آقاحسن، »
« تغییر دهنده بلعنت خدا و رسول‌گرفتار شود سنه ۱۲۰۰ » از این کتیبه معلوم میگردد که این‌سنگاب در محل سقاخانه بوده و ربطی به مسجد مصری نداشته و کارخانه شعربافی وخانه فوقانی‌کارخانه وقف برآن سقاخانه بوده ومتولیان‌سقاخانه ورقبات موقوفه حاجی‌آقاجانی وحاجی آقا حسن بوده‌اند واین‌اقدام درتاریخ۱۲۰۰ و دراوایل سلطنت آقا محمدخان قاجارانجام‌گرفته است . این‌کتیبه‌ها ومشخصاتش ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است.(۱)

این‌مسجد بموجب شماره ۲۷۳ به ثبت تاریخی رسیده است.(۲)

۴۲ ـ مسجد مقصود بیك = مسجد ظلمات :

این مسجد درکوچه تکیه ظلمات قرار دارد که ازگوشه شمال شرقی میدان شاه منشعب میگردد .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۵۸۵ تا ص۵۸۸.   ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

مسجد مزبور چنانکه از کتیبه تاریخی آن معلوم میگردد و مورخان وسیاحان نیز نوشته‌اند بانی آن مقصودبیك ناظر شاه عباس اول بوده است.

واما اشتهار کوچه‌ایکه مسجد در آن بناشده بکوچه ظلمات از آن جهت است که در آن کوچه تکیه ظلمات قرارگرفته و اما تکیه را چرا تکیه ظلمات میگویندگمان میکنم علتش این بوده که این تکیه پیوسته تاریك وبی‌روشنائی بوده است‌واز اینرو بنام‌تکیه ظلمات معروف شده‌است. دراین مسجد دوکتیبه‌که مربوط به‌مسجد وکتیبه‌ها وخطوطی‌هم راجع بمدفونان در آنجا وجود دارد :

۱ـ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بتوفیق‌الله تعالی عمرهذا المسجد فی‌ایام سلطنة من‌هو ظل‌الله فی‌الارضین»
« قهرمان الماء والطین ناصر عبادالله حافظ بلادالله السلطان‌بن السلطان‌ابوالمظفر»
« شاه عباس‌الحسینی خلدالله ملکه‌وسلطنته وافاض‌علی العالمین‌بره وعدله واحسانه»
« بنده شاه عالم پناه مقصودبیك ناظرقربةً الی‌الله تحریراً فی‌الف وعشر نمقه جعفر»
« علی‌الامامی » .

درتاریخ این‌کتیبه افتادگی بنظرمیرسدکه درهنگام قرائت ویا درموقع درج درکتاب ویا درچاپ واو عطف بعد از الف افتاده است وگرنه معنی‌عبارت هزار ده است واین چنین معنائی مراد نیست و از اینرو واو عطف درج گردید .

۲ـ کتیبه محراب شبستان جنوبی‌مسجد بخط ثلث خوش‌سفید معرق علیرضا عباسی برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ باین‌شرح است :

« درزمان دولت پادشاه جمجاه ملائك سپاه‌گردون بارگاه مروج مذهب‌ائمه»
« اثنی‌عشر صلوات‌الله علیهم من‌الملك‌الاکرم‌الاکبر الاعدل السلطان‌الاعظم‌والخاقان»
« الاکرم‌ابی‌المظفرشاه عباس‌الموسوی‌الصفوی الحسینی‌بنای‌این‌مسجدنمودکمترین»
« غلامان مقصودبیك ناظر و ثواب آنرا بروزگار بندگان نواب اشرف‌اقدس هبه »
« نمود کتبه علیرضا عباسی ۱۰۱۱ »

از این کتیبه معلوم میشود که محراب شبستان بعد از بنای کتیبه سردر انجام شده است چه سردر در ۱۰۱۰ و محراب در ۱۰۱۱ ساخته شده است. قبر میر عماد خوشنویس و حکمت‌الله خزاعی نیز در این مسجد واقع است. مسجد طی شماره ۲۲۱ به ثبت تاریخی رسیده است.[1]

قسم دوم:

از جمله مساجد معمور شهر اصفهان مساجدی است که از لحاظ سوابق تاریخی و تزیینات کاشیکاری چندان مهم نیستند و در اینجا آن مساجد را بطور اختصار بشرح زیر ذکر مینمائیم:

۱- **مسجد آب بخشگان**: واقع در قبرستان آب بخشان که وسعت آن قریب یکجریب و نیم است.

۲- **مسجد آقاحسین**.

۳- **مسجد آقا سید محمد لطیف**: واقع در محله خاجو و بنام علی اکبر بیك نیز شهرت دارد.

۴- **مسجد آقا شمس**.

۵- **مسجد آقا میرزا ابراهیم**: درمحله مستهلك بمساحت یك قفیز و نیم.

۶- **مسجد آقا میرزا احمد**:

مسجدی است درحدود مدرسه نیم‌آورد که میرزا احمد اصفهانی متوفی (۱۱ ذیقعده ۱۳۴۸) در آن امامت داشت.

۷- **مسجد احمدآباد**: واقع درفلکه احمدآباد.

۸- **مسجد اژه ایها**: واقع درنزدیکی چهارسوق میدان میر اصفهان.

۹- **مسجد استاد نوروز**: واقع در میدان میر.

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۴.

۱۰- مسجد اقصی :

واقع در فلکه خیابان شاه عباس بانی آن حاجی آقا کمال‌الدین شریعتمدار فرزند حاجی شیخ محمد تقی نجفی ومساحتش قریب چهارجریب واختتام بنای آن درسال ۱۳۲۰ هجری قمری بوده است .

۱۱- مسجد اول کوچه پهن .

۱۲- مسجد باباتو تها : واقع در محله جوباره نزدیك مناره‌های دارالضیافة.

۱۳- مسجد باروت کوبها .

۱۴- مسجد بازارچه آقا.

۱۵- مسجد بازارچه .

۱۶- مسجد بازارچه حاجیه خانم .

۱۷- مسجد بازارچه حاجی میرمحمد صادق .

۱۸- مسجد باغچه عباسی : واقع در باغچه عباسی نزدیك هارون ولایت بمساحت چهارقفیز .

۱۹- مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه ساخته شده ومساحت آن شانزده قفیز ودرگوشه آن تکیه وبقعه شیخ عبدالله انصاری فقیه متوفی (۹۸۰ هـ . ق) قرار دارد که پس ازآنکه‌آن محل مسجد شده سنگ قبررا بدیوار نصب‌کرده‌اند و ازعهد نادر ببعد ازمیان رفته است.(۱)

۲۰- مسجد بیمارستان : واقع درجنب بیمارستان ثریای اصفهان .

۲۱ - مسجد پاچنار : واقع درمحله نو وبمساحت سه قفیز .

۲۲- مسجد پاسنگ ویاپاشیر : واقع در محله درب کوشك از مساجد قدیمی ودارای چهار قفیزونیم مساحت .

۲۳- مسجد پاقلعه : واقع درمحله پاقلعه وبا مدرسه پاقلعه توأم است .

۲۴- مسجد پاکوشك: از بناهای ملك‌التجار اصفهانی ودارای یازده‌قفیز مساحت.

۱- تاریخ اصفهان وری ص۲۷۹ .

۲۵- مسجد پانارون : واقع درمحله خاجو .

۲۶- مسجد پشت بارو : واقع در پشت باروی بیدآباد .

۲۷- مسجد پشت بازارچه : واقع در جوباره ودارای سه قفیز مساحت .

۲۸- مسجد پناهی : از مساجد جدیدالبناءِ که در خیابان فروغی بنا شده است .

۲۹- مسجد پهلوی عصارخانه : واقع درمحله میدان قدیم ودارای سه‌قفیز ونیم مساحت .

۳۰- مسجد تکیه‌گرک یراق : واقع درحوالی مسجد حکیم بمساحت دو قفیز ونیم .

۳۱- مسجد تکیه محمدعلی یزدی .

۳۲- مسجد تل عاشقان : واقع درتل عاشقان بمساحت هشت قفیز .

۳۳- مسجد جنب بازارچه .

۳۴- مسجد جنب خانه استاد حسن‌بنا .

۳۵- مسجد جنب‌خانهٔ شیخ‌الاسلام: واقع در حوالی مسجد حکیم ودارای سه قفیز مساحت .

۳۶- مسجد جنب دروازه دردشت .

۳۷- مسجد جوی باریکه .

۳۸- مسجد چاره .

۳۹- مسجد چهارسوی آجری : واقع درمحله خاجو .

۴۰- مسجد چهارسو درشیخ : واقع درمحله شیخ یوسف .

۴۱- مسجد چهارسو کوچك :

واقع درخیابان چهارسوق کوچك که میرزا محمد هاشم چهارسوقی درآن امامت داشته ویك جریب مساحت دارد .

۴۲- مسجد چهل‌دختران : واقع در محله سید احمدیان که در دوره شاه اسماعیل صفوی مورد تعمیر قرارگرفته ومساحت آن نیم‌جریب است .

۴۳- مسجد حاجی ابوالحسن : واقع درمحله پا قلعه بمساحت شش‌قفیز .

۴۴- مسجد حاجی باقر : واقع دربازار عربان و بمساحت چهارقفیز .

۴۵- مسجد حاجی جعفر .

۴۶- مسجد حاجی جمال .

۴۷- مسجد حاجی رسولی‌ها : واقع درمحله نو که بمسجد نو مشهور و بانی آن حاجی عبدالرسول ویک جریب و نیم مساحت دارد .

۴۸- مسجد حاجی رضا .

۴۹- مسجد حاجی سر تیپ : واقع‌میان نیم‌آورد وسینه پائینی و دارای بیش ازیك جریب مساحت .

۵۰ - مسجد حاج سیدعبدالله : واقع درمحله نو بمساحت سه قفیز .

۵۱- مسجد حاج سید عبدالوهاب .

۵۲- مسجد حاجی عبدالغفار .

۵۳- مسجد حاجی طالب : واقع درمحله دروازه نو بمساحت یك قفیزونیم .

۵۴ - مسجد حاجی علی : واقع درمحله سیداحمدیان بمساحت چهارقفیز.

۵۵- مسجد حاجی گداعلی : [۱] واقع درمحله سید احمدیان .

۵۶- مسجد حاجی محمد امید : واقع درمحله قصر منشی در مجاورت حمام قدیمی آن‌محله . کتیبه مسجد حکایت‌دارد که درسال (۱۱۲۹هـ.ق) بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده ووقف گردیده است . کتیبه آن بخط نستعلیق بوده وپس‌از این‌که خراب‌شده بوسیله رکن‌الملك شیرازی نایب‌الحکومة اصفهان درسال(۱۳۰۸ هـ.ق) تعمیرشده است .[۲]

۵۷ - مسجد حاجی هادی .

۵۸- مسجد حاجی میرزابدیع : واقع دردرب حمام‌وزیر بمساحت سه قفیز و چون امام جماعت آن حاجی میرزا بدیع یکی از مدرسان وفضلاء بوده بنام او شهرت‌یافته است .

۱- احتمال کلی‌دارد که این‌دومسجد یکی باشدچه هردو درمحله سیداحمدیان واقع‌ونامهای بانیان هم تقریباً متحدند . ۲- گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۱۰۳۹ .

۵۹ ـ مسجد حمالها : واقع درمحله مستهلك ونیم‌جریب مساحت دارد .

۶۰ـ مسجد حوالی تکیه : واقع در محـلـه جـوباره و مساحت آن نیم جریب است .

۶۱ـ مسجد حوالی حمام حاجی‌هادی .

۶۲ـ مسجد حوالی عصارخانه : واقع درمیدان قدیم‌بمساحت سه‌قفیز ونیم.

۶۳ـمسجد خان احمدآباد : واقع‌درمحله احمدآبادکه‌بانی آن باقرخان خراسکانی بوده است.

۶۴ـ مسجد خرابه محله خاجو : واقع در محله خاجو ودارای دوجریب و کسری مساحت.

۶۵ـ مسجد خواجه : واقع در محله سید احمدیان و دارای سه قفیز و نیم مساحت میباشد.

۶۶ـ مسجد خیابان چهارسوق : واقع درخیابان چهارسوق و مساحت آن دوازده قفیز است.

۶۷ ـ مسجد خیاطهـا = پادرخت سوخته = پادرخت = بادرخت سوخته زنجانی:

کتیبه سردر آن بنام ابوالفتح سلطان احمد میرزا پسر شاه طهماسب اول و در قدیمی آن مورخ بسال ۹۷۵ هجری دربازار بزرگ واقع شده است.

۶۸ ـ مسجددارالشفاء : واقع دربازار نجارها.

۶۹ـ مسجد درب‌تکیه : واقع در درب تکیه میان طوقچی‌وجوباره.

۷۰ـ مسجددرب حمام زعفران : واقع درمحله جوباره بمساحت سه قفیز .

۷۱ ـ مسجد درچه‌ای : واقع در بازارچه حاجی محمد جعفر آباده‌ای در نزدیکی نیم‌آورد وسینه پائینی وچون امام راتب آن حجة الاسلام سید محمدباقر درچه‌ای متوفی (۱۳۴۲ ه.ق) بوده باین نام اشتهار یافته است.

۷۲ـ مسجد قهوه: واقع درمحله ترواسکان ازمساجد قدیمی و دارای قریب نیم‌جریب مساحت میباشد.

۷۳- مسجد دوغازی.

۷۴- مسجد ذکرالله.

۷۵- مسجد زاهدی.

این مسجد ازبناهای جدید وبانی آن سرهنگ محمود زاهدی معاصر است وبا مدرسه ودرمانگاه ضمیمه‌آن قریب‌سه‌هزار متر مساحت‌دارد. نقشه بنای‌مسجد بوسیله مهندس عبدالله فروغی تهیه‌شده وخود ایشان ومهندس ناظر آن‌رضا صدیقی بوئینی در ساختمان وتزیینات کاشیکاری آن‌نظارت مستقیم داشته‌اند. معماری‌مسجد هم بعهده استاد حسین کارخانه‌دار بوده . ساختمان مسجد دوطبقه واز اماکن جالب اصفهان است بخصوص کاشیکاری‌معرق‌محراب آن که‌بوسیله عده‌ای کاشیکاربسرپرستی استادعلی‌مقضی باتمام رسیده وازنمونه‌های عالی صنعت‌کاشیکاری عصر حاضراست(۱).

۷۶- مسجد زهراخانم :واقع‌درمحلهٔ‌احمدآبادودارای نه‌قفیز‌مساحت‌میباشد.

۷۷- مسجد زین‌العابدین .

۷۸- مسجد ستاری : واقع درخیابان فردوسی از مساجد جدید.

۷۹- مسجد سرتابه : ازمساجد قدیمی.

۸۰- مسجد سرجوی شاه.

۸۱- مسجدسرجوی.

۸۲- مسجد سرچهاررو: ازمساجد قدیمی است.

۸۳- مسجدسرچهارسو شیرازیها : از مساجد قدیمی.

۸۴- مسجد سرقبرآقا : واقع درمحله سرقبرآقا .

۸۵- مسجدسرمادی فرشادی: از مساجد قدیمی که در سرمادی فرشادی واقع است.

۸۶- مسجد سلام: ازمساجد جدیدکه درناحیه۳ واقع ونه‌قفیز مساحت دارد ومحل امامت مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی اعلی‌الله مقامه متوفی (۱۳۵۴ ه.ق) بوده است.

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۷۱ .

۸۷ ـ مسجد سلمان : واقع درخیابان شیخ‌بهائی ازمساجد جدید .

۸۸ـ مسجدسیف‌الله‌خان: واقع در محله‌ترواسکان‌ازبناهای سیف‌الله‌خان‌افغان بمساحت‌یك‌جریب.

۸۹ـ مسجدسینه‌پائین= مسجدعلی اکبر: که در محله سینه پائینی واقع‌و نام‌بانی آن علی‌اکبراست.

۹۰ـ مسجد شاه علی.

۹۱ـ مسجدشاه اسدالله‌میرهندی: از مساجدقدیمه واقع درجوباره اصفهان ونه قفیز مساحت دارد.

۹۲ـ مسجدشجرة : این‌مسجد روی مسجد قدیمی مخروبه بناشده‌ودرخیابان شاه‌عباس کنونی‌قرار دارد.

۹۳ ـ مسجد شعیا: واقع درمحله خوشینان (محله امامزاده اسماعیل) و در حاشیه شرقی خیابان هاتف کنونی ازمساجد قدیمی که‌گفته‌اند اول‌مسجدی است‌که در اصفهان بناگردیده وبانی آن ابوخناس آزادکرده عمربن خطاب بود . و درزمان خلافت‌ظاهری حضرت علی‌بن ابی‌طالب(ع) انجام یافته‌است. مرقه‌شعیا نیز در آنجا وجود دارد که خصوصیات آن انشاءالله در جای خود مسطور خواهد شد .

۹۴ـ مسجدشیخ بهائی : واقع در خیابان شیخ‌بهائی وبنا شده‌برروی مسجد خرابه قدیمی.

۹۵ ـ مسجدشیخ مفید : واقع در نزدیکی چهارسوق میدان‌میر که در آن شخص مهمی مدفون است.[۱]

۹۶ـ مسجدشیخ‌یوسف : واقع درمحله شیخ یوسف درترواسکان.

۹۷ـ مسجد شیرسبز.

۹۸ـمسجدشیره پزها : واقع در نزدیکی میدان کهنه اصفهان که بانی آن حاجی سیدجعفر شیره پز است و در اوائل قرن دوازدهم بنا و دارای هشت قفیز مساحت‌است.

۱ـ رجال اصفهان ص۲۲۵ .

۹۹- مسجدشئیش: واقع درمحله بیدآباد .

۱۰۰- مسجدشیشه‌گری: واقع درنزدیکی درب باباقاسم و دارای نیم‌جریب مساحت میباشد.

۱۰۱- مسجدصدر العلماء : واقع درمحله مستهلك و بمساحت هشت قفیز و نیم است . بنظر نگارنده باید این مسجد با مسجد شیخ لطف الله یکی باشد چه لقب شیخ‌لطف‌الله صدرالعلماء بوده ومسجد اوهم درمحله مستهلك واقع و مساحت آن‌دوهم تقریباً متحد است.

۱۰۲- مسجدصاحب بن‌عباد: واقع درطوقچی.

۱۰۳- مسجدصحر النبان.

۱۰۴- مسجدطوقچی.

۱۰۵- مسجد علی‌اکبر حاجی رضا:

این‌مسجد درمحلهٔ سینه پائینی واقع ومساحتش هفت قفیز ونیم است وظاهر اینستکه این مسجد هم با مسجد سینه‌پائینی یکی است .

۱۰۶- مسجدعلی بابا: واقع درمحله باغات درکوچه اسماعیل‌کوسج بمساحت هفت قفیزونیم.

۱۰۷- مسجد علی بقال .

۱۰۸- مسجد فریدون : واقع در بازارچه فریدون محله خاجو .

۱۰۹- مسجد قراولخانه: واقع درمحله پا قلعه بمساحت هفت‌قفیزونیم .

۱۱۰- مسجد کازرونی : واقع درخیابان سپه ازمساجد جدید که بانی آن حاجی‌محمد حسین[۱] کازرونی است .

۱۱۱- مسجد کازرونی : واقع‌درخیابان‌عباس‌آبادبانی آن همان‌حاجی‌محمد حسین‌کازرونی است .

۱۱۲- مسجدکریم‌ساغری‌دوز: واقع‌درمحله‌جوباره‌ودارای‌چهارقفیزمساحت.

۱- حاج محمد حسین‌بن حاج‌محمد جعفر کازرونی اصفهانی متوفی سوم محرم (۱۳۵۱هـ.ق) ازتجار اخیار وبانی چند مسجد و مدفون درتخت پولاد در تکیه‌ای بنام خود .

۱۱۳- مسجد کلانتر : واقع درمحله یزدآباد بمساحت سه قفیز .

۱۱۴- مسجد کمرزری :

این مسجد نزدیك میدان‌میر واقع شده وچون در سلطنت دیالمه آن محل مورد توجه بوده بیشتر مساجدش قدیمی وکهنه است واین‌مسجد بعدها تعمیر شده ومساحت‌آن بیش از یك جریب ونیم است .

۱۱۵- مسجد کوچك : واقع درمحله مستهلك بمساحت دوقفیز .

۱۱۶- مسجد کوچه‌اژه‌ایها : واقع در کوچه اژه‌ایها و دارای نیم جریب مساحت میباشد .

۱۱۷- مسجد کوچه پاکاریها .

۱۱۸- مسجد کوچه حاجی‌ملاابوطالب روضه خوان : واقع درنواحی پشت خیابان وچهارده قفیز مساحت دارد .

۱۱۹- مسجد کوچه عمریها : ازمساجد قدیمی .

۱۲۰- مسجد کوچه مرحوم مشیر .

۱۲۱- مسجد گرك یراق :واقع درحوالی مسجدحکیم بمساحت‌دوقفیزونیم [1] .

۱۲۲- مسجد گلدسته : از مساجد قدیمی اصفهان .

۱۲۳- مسجد گلشن .

۱۲۴- مسجدلرها : واقع در محله جوزدان بیدآباد .

۱۲۵- مسجدمحله نو :

این مسجد مربوط بزمان صفویه است وآنچه مانده نشان میدهد که جالب بوده، پشت‌بغلهای‌اطراف‌صحن‌آن‌باتزیینات‌آجری مشابه‌کارهای هنری‌دوره صفویه است‌که در مسجد شیخعلیخان و مدرسه شمس‌آباد انجام شده ، ازبعد ازصفویه هم الحاقاتی دارد ولی هیچگونه اثر تاریخی‌درآن وجود ندارد تاریخهائی هم‌که دیده میشود مربوط بقرن سینزدهم وچهاردهم میباشد وآن چنین است :

دریك مورد : « حرره فی‌شهر ذی‌قعده سنه ۱۲۷۵» ودرجای دیگر:«۱۲۷۰»

---

۱ – این‌مسجد بامسجد تکیه‌گرك‌یراق یکی‌است ودوتعبیر دارد .

و مورد دیگر : « ۱۳۸۰ قمری » و « ۱۳۴۱ شمسی » موجود است. کتیبه سنگاب مسجد چنین است : « شهر رجب سال ۱۲۷۶ عمل استاد حسین ولد رضا »[۱]

۱۲۶- مسجد محمد علی سلمانی .

۱۲۷- مسجد محمدی- واقع در خیابان محمد رضاشاه .

۱۲۸- مسجد محله لنبان .

۱۲۹- مسجد مریم بیگم : واقع درمحله باب القصر و دارای حدود ۷۵۰ ذرع مساحت ، بانی آن مریم بیگم زن میرزا رضی منشی الممالك است .

۱۳۰- مسجد مصلی: واقع در تخت پولاد .

۱۳۱- مسجد مقابل سرای قهرودیها .

۱۳۲- مسجد مقابل چهارسوق : واقع درمحله میر بمساحت هفت قفیز و نیم.

۱۳۳- مسجد مقدسها .

۱۳۴- مسجد ملا کاظم : از مساجد قدیمی اصفهان .

۱۳۵- مسجد ملك : از بناهای ملك التجار اصفهانی .

۱۳۶- مسجد موتابها : واقع در میدان میر واز مساجد قدیمی .

۱۳۷- مسجد مورنان .

۱۳۸- مسجد میدان میر: این مسجد درمیدان میر قرار دارد .

۱۳۹- مسجد میر : واقع در خیابان میر و بانی آن حاجی محمد حسین کازرونی است .

۱۴۰- مسجد میرزا اشرف :

این مسجد درمحله خاجو واقع و ازبناهای میرزا مهدیخان اعتمادالدوله ، امیراشرف، صدرالممالك شاه عباس ثانی میباشد وچهارقفیز مساحت دارد .

۱۴۱- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله جوباره واقع ومساحت آن چهار قفیز است ، واین مسجد غیراز مسجد میرزا باقر دربیدآباد است .

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۸ .

۱۴۲- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله بیدآباد اصفهان واقع‌است .

۱۴۳-مسجد میرزاجلال: واقع درمحله بیدآباد ودارای چهار قفیزمساحت می‌باشد .

۱۴۴- مسجدمیرزا عبدالرحیم کازرونی :

از مساجد جدیدکه بانی آن میرزا عبدالرحیم کازرونی است .

۱۴۵-مسجدمیرزاعبدالله : واقع درمحله جماله‌کله بمساحت شش‌قفیز .

۱۴۶- مسجد میرهندی :

واقع درمحله جوباره ومساحتش‌هفت قفیزونیم وبانی‌آن‌میرهندی‌بوده‌است .

۱۴۷-مسجدنزدیك‌قصرچملان : ازمساجد قدیمی .

۱۴۸- مسجدنور ورضوان:

این‌مسجد واقع است در نزدیکی سرای ساروتقی‌که در۱۳۲۵ هجری قمری توسعه یافته ویك جریب و دوقفیز مساحت دارد . نام این‌مسجد سابق برآن‌مسجد کهنه بوده وملامحمد حسین‌کرمانی متخلص به‌مفتی‌که از فضلاء وعلماء ومدرسان و شعراء بوده مسجدکهنه را از پول حاج‌محمد ابراهیم ملك‌التجار اصفهانی توسعه داده است .کتیبه آن‌که اثرطبع خود مفتی‌است بخط نستعلیق و نام‌نویسنده معلوم نگردیده است استاد جلال‌الدین همائی را عقیده بر اینستکه خطاط‌آن طرب پدر ایشان بوده است . اشعارکتیبه سردرچنین است :

« بارك‌الله روضهٔ رضوان ببین بابهای روضه ازرضوان بپرس »

«آیه‌های‌حسن‌رضوان‌را بخوان در معنی از لب مرجان بپرس »

« مرجان‌تفسیرقرآن »

« آیه « رضوان خیر » یاد آر شرح آن ازکاشف قرآن‌بپرس»

« سجده‌گاه قدسیان آمد پدید راه قدس ازبوذر وسلمان بپرس»

« بس‌مقدس‌معبدی شد جلوه‌گر آن تجلی ازمه فاران بپرس »

« فاران‌کوه مکه »

« درصفاهان بازشد از نو بنا کعبهٔ از مفتی کرمان بپرس »
« شدمؤسس مسجد رضوان‌ونور اس‌این‌تأسیس ازیزدان بپرس »
« نور تابنده شد ورضوان بپا هردورا تأیید ازسبحان بپرس »
« خواستم تاریخش‌ازمفتی عصر درجوابم‌گفت ازرضوان بپرس »
« گفت باتبریك : (از رضوان بپرس) »
۱۳۲۹

۱۴۹- مسجدنو:

این‌مسجد دربازار بزرگ اصفهان واقع‌وبوسیله حاج شیخ‌محمدباقربن‌محمد تقی مسجد شاهی ازمصالح هفت مدرسه ساختمان و بنای آن درسال ۱۳۰۵ هجری خاتمه یافته است. مساحت مسجد درحدود هفت جریب میباشد. (ش۸۲)

۱۵۰- مسجدهادی : واقع درخیابان ثریا ازمساجد جدیدالبناءِ.

۱۵۱- مسجدهمدانیان: واقع درتخت فولاد وازمساجد جدیدالبناءِ که بانی آن حسین همدانیان ازتجار معروف اصفهان است.

۱۵۲- مسجدیازده‌پیچ : واقع درکوچه یازده پیچ محله جوباره.

یح - امامزاده های شهر اصفهان :

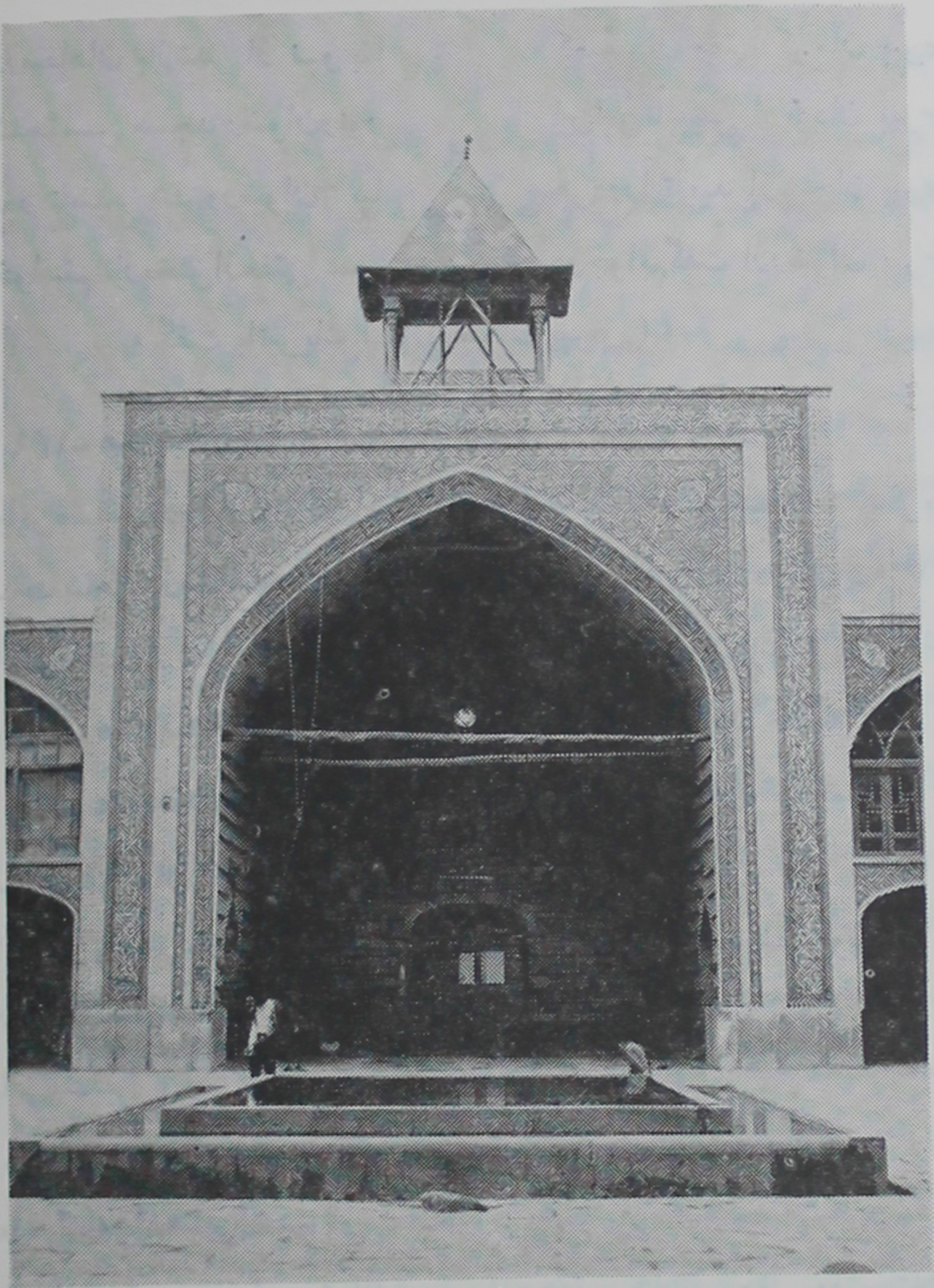
۱- امامزاده ابراهیم :

این‌امامزاده درمحله‌مستهلك درمجاورت قبرستان‌معروف به‌قبرستان‌شاهزاده ابراهیم واقع گردیده است، قبرستان مزبور در عهد سلاطین صفویه دائر بوده و بتدریج تبدیل بخانه وباغ و دبیرستان ودبستان و دانشسرا گردیده است ولی صحن وبقعه امامزاده بوسیله مردمان نیکوکار تجدید بناشده است[1].

۲- امامزاده اسحاق :

این‌امامزاده درمحله آسنجان‌که از مادی فدین مشروب میگردد واقع شده

۱- تذکرةالقبور چاپ دوم ص ی.



(شکل ۸۲)

ومورد توجه مردم آن‌محل میباشد[۱].

۳- امامزاده احمد :

این‌امامزاده درمحله‌ایکه سابقاً (قرن چهاردهم هجری) آنرا واذار وسپس باغات ودروازه حسن‌آباد واکنون محله‌حسن‌آباد میگویند واقع‌شده است. بطوری که ابونعیم اصفهانی نوشته[۲] نام او : احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بـن الحسین‌بن

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۱۱۹.

۲- ذکراخبار اصفهان ج۱ ص۸۰ .

علی بن ابی طالب علیهم السلام بوده که درحال فرار در زمان خلافت هارون الرشید به اصفهان آمده وهمانجا وفات ودرمحله واذار مدفون گردیده است ، کنیه اوابوطاهر ویکی از روات اخبار بشمار می آمـده است و خود از علی بن عبیدالله بن محمدبن عمر بن علی ازابن اسحاق روایت میکرده و جعفر بن مـروان از او حدیث نقـل کرده است .

حدیث : انت منی بمنزلة هارون من مـوسی الاانـه لانبی بعدی و همچنین حدیث : اللهم ارحم خلفائی الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی و یعلمونها الناس ازاو روایت شده است .

ولی بطوریکه درکتاب روضات الجنات[1] فی فضایل العلماءِ والسادات وگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] بنقل ازمیزان الانساب چهارسوئی نوشته‌اند نام او: احمدبن علی بن محمدالباقر میباشد و او را از فرزندان علی بن محمد الباقر که دربارکرسب مدفون است دانسته‌اند. گذشته ازاینکه در فرزند پسر داشتن علی بن محمـد باقر نسابه‌ها تردید کرده‌اند و در عمدة الطالب آمده که ازفرزندان حضرت باقر جزامام جعفرصادق بقیه عقبی نمانده است میتوان گفت که‌چون ابونعیم اصفهانی ازمحدثان بزرگ ودررجال توغلی داشته ودرزمان نزدیك باامامزاده بوده‌است بگفته‌اوممکن است ترتیب اثر داده‌شود. مؤید دیگر اینکه سنگی که‌بنا بنقل صاحب الاصفهان[3] بردیوار امامزاده نصب‌بوده اورا: احمدبن علی بن سیدمحمدبن محمدالباقر قلمداد کرده‌اند درصورتیکه جزءِ اولاد حضرت‌امام محمدباقرمحمد نیامده‌است مگراینکه گفته‌شودا حمدبن‌عیسی بن زیدبن علی بن‌الحسین مدفون درمحله‌واذار غیراز احمدبن علی بن محمدبن الباقر مدفون درمحله باغات بوده است وپذیرفتن این‌مطلب‌هم با آثار و قراین وفق نمیدهد .

عمارت امامزاده ازآثار تاریخی اصفهان است ، چه امامزاده احمد در قرن دوم هجری (اواخر آن) به‌اصفهان آمده وتقریباً در همان قرن دوم وفات کرده و

۱ــ روضات الجنات ص ۳۵۴ .　۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۸ .

۳ـ الاصفهان ص۸ .

دورترین تاریخی که درعمارت وجود دارد سال ۵۶۳ هجری است که مصادف بازمان سلطنت سلطان ارسلان بن طغرل ودوره وزارت جلال‌الدین قوام الدین بوده‌است.

مجموعه بنای امامزاده احمد مشتمل بریك بقعه و دو ایوان یکی در شمال ودیگری درغرب بقعه مشرف بجاده وصحن‌وسیعی دارد وعده‌ای ازبزرگان درصحن آن مدفونند. (ش ۸۳)



(شکل ۸۳)

قدیمی‌ترین اثری که در این عمارت دیده میشود سنگ سیاه رنگی است به درازای سه‌متر که‌در آستانه امامزاده‌درپائین‌پنجره‌مشبك‌چوبی مشرف بجاده‌قراردارد ومشهوراست که‌قطعه‌ای ازسنگی است که سلطان‌محمود غزنوی ازبتخانه‌هندوستان آورده . کتیبه این سنگ چنین است :

«آمین رب العالمین فی تاریخ الخامس عشرة من ربیع الاول سنة ثلاث وستین»
« وخمس مأته . »

اثر دیگری نیز تا سال ۱۳۰۷ هجری شمسی موجود بوده و مورد دستبرد قرارگرفته است وآن لوحی سنگی نفیسی بوده که درایوان غربی امامزاده مشرف بجاده نصب شده بوده ودرگنجینه آثارتاریخی اصفهان بنقل از روضات الجنات عبارت منقوش برآن سنگ چنین نقل شده :[۱]

«مقبره امامزاده احمدبن علی بن محمدالباقر(ع) دراصفهان درجاده خواجو»
« وسط باغات است درسنگ لوحی که بردیوار آنجا نصب شده نوشته است: اقدام نمود »
« بتجدید عمارت این مزار متبرکه . . . امامزاده معصوم مغفور سید احمدبن سید »
« علی بن سیدمحمد من اولاد الامام الهمام . . . محمد الباقر علیه الصلوة و السلام »
«کمترین خادمان شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین تقبل الله عنه فی سنة پانصدو سی »
« وهفت » .

ودرتاریخ اصفهان وری[۲] عبارت لوح مزبور چنین نقل شده است :

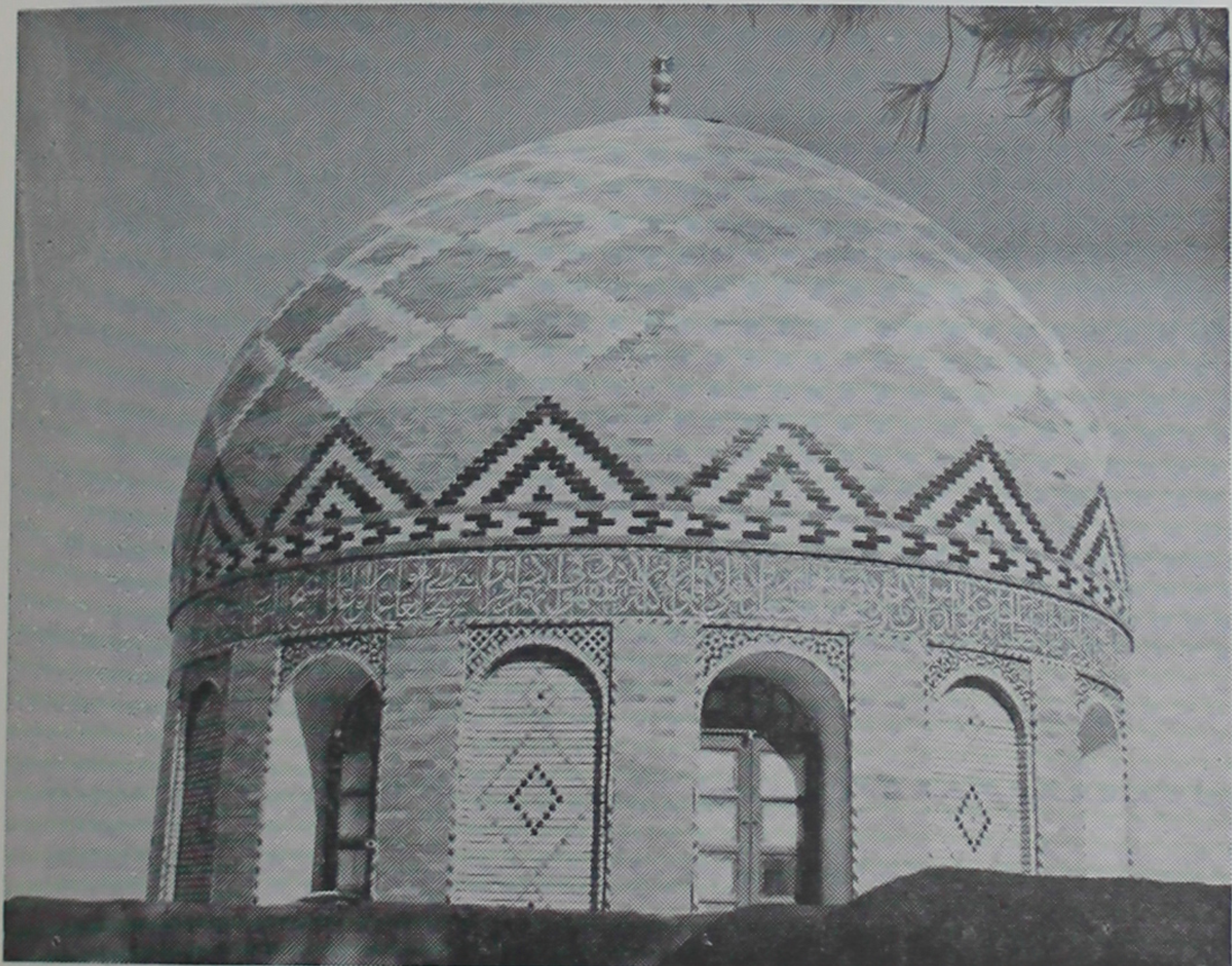
تجدید عمارت مـزار امامزاده سید احمدبن سید عـلی بن سید معصوم از اولاد امام محمدباقر (ع) کمترین خادمان شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین بسال ۵۳۷ نمود باسال رحلت» منظوراینستکه وجودچنین سنگی که بگفته مؤلف تاریخ اصفهان وری طولش ۹۰ سانتیمتر وعرضش نیم ذرع بوده وبرخی هم آنراسنگ الماس میدانسته اند وتا سال ۱۳۰۷ شمسی موجودبوده مسلم میگردد و درتاریخ آن که پانصدوسی وهفت هجری قمری است نیز جای شبهه باقی نمیماندو با این فرض معلوم میگرددکه بقعه و بارگاه امامزاده مزبور همان اوائل که امامزاده احمد وفات یافته ساخته شده بوده است و درزمان سلطان مسعود در ۵۳۷ هجری تعمیر گردیده و در ۵۶۳ هجری سنگ معروف به سنگ بت سومنات درتاریخ مزبور کتیبه آن حجاری شده است ولی اینکه درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازالاصفهان گفته که درروضات عبارت سنگ مورخ بسال

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۹ بنقل از الاصفهان ص ۸. ۲- تاریخ اصفهان وری ص ۲۵۲ .

۵۳۷ ذکر شده درست نیست چه درروضات‌الجناتی که تا کنون دو مرتبه چاپ شده چنین عبارتی وجود ندارد وممکن است مؤلف الاصفهان خود آن‌سنگ نبشته را دیده بوده ویادداشت کرده باشد .

درهر حال بسنگ موضوع بحث دستبرد زدند ومجد نامی که‌ازمردم‌تهران بوده مورداتهام واقع‌وچند سالی‌هم‌درداد گستری تعقیب‌شدولی‌نتیجه‌ای حاصل نگردید[۱].

داخل مقبره کاشیکاری و رویش گنبد کوچکی‌است که از خارج بدون کاشی میباشد . در اطراف قبر ضریح منبت‌کاری وجود دارد . سقف بطرز قطار بندی و مقرنس‌کاری و دارای‌کتیبه گچبری است‌که سوره الصافات و قسمتی ازسوره‌الدهر درآن خوانده میشود . امامزاده مزبور در دوره صفویه بیش از دیگر امامزاده‌ها مورد توجه وتعمیر قرارگرفته است : (ش۸۴)



(شکل ۸۴)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۲۵۲ .

دراین امامزاده کتیبه‌های دیگری (علاوه بر کتیبه هائی که ذکر شد)که هر یك دارای تاریخ میباشد وجود دارد :

۱ـ کتیبه سردر امامزاده بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم احمد من حمدالله تعالی حمدا یلیق بعز جلاله محمد»
« صلی‌الله علیه و آله اما بعد فقد وفق السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان شاه »
« سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان لبناءِ ما اضاف الشریف لمشهد»
« ذکی من العرصة والاعیان فی ربیع الاخر سنة ۱۱۱۵ وکان هذا الخیر باهتمام الداعی »
« لدوام الدولة القاهرة محمد شرفا الشریف المنجم کتبه علی نقی الامامی. »

این کتیبه که از گنجینهٔ آثار تاریخی[۱] اصفهان نقل شده درسطر اول آن غلق و ابهامی موجود وبطور حتم حشو و اسقاطی دارد و اگر : « بعز جلاله » بعز جلالة محمد خوانده شود آن غلق مرتفع میگردد وگمان میکنم که در قرائت آن در گنجینه آثار تاریخی اصفهان اشتباهاً جلالة با تاءِ جلاله باهاء خوانده شده است .

۲ـ کتیبه ایوان ورودی بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی رفع سمك هذه القباب العلی والصلوة»
« علی نبیه محمد المصطفی وولیه علی المرتضی اما بعد فقد وفق السلطان والخاقان »
« الانجب الاشرف الاکرم الاعظم سلطان السلاطین قهرمان الماء والطین شاه سلطان»
« حسین الحسینی الموسوی الصفوی خلدالله ملکه لبناءِ هذه الروضة المنیعة للسید »
« الجلیل المعروف بسید احمد حشره الله فی زمرة من ینمی الیهم صلوات الله وسلامه »
« علیهم، کان ذلك الداعی لغرض لدوام الدولة القاهرة محمد شرف الشریف المنجم »
« و قد تشرف برجوع هذه الخدمة الیه واتفق اتمامها فی سنة ۱۱۱۵ کتبه احمد »
« الحسینی .»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۷۰ .

این کتیبه حاکی است که شاه سلطان حسین عمارات صحن وبقعه سید احمد را بکارگزاری محمد شرف الشریف منجم درسال ۱۱۱۵ هجری قمری بیاراسته‌است وکاتب کتیبه احمد حسینی بوده است وضمناً معلوم میگردد که بناهای قبلی بطوری مندرس شده بوده که از نوبنا گردیده است ، احتمال هم دارد که فقط بقعه قبر وجود داشته وصحن امامزاده وایوانها درزمان شاه سلطان حسین بنا گردیده است .

۳ـ کتیبه داخل بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی نخست سوره الدهر گچبری شده وباین جملات پایان میپذیرد :

« سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین»

«کتبه الفقیر ابن محمدمحسن ـ علی نقی الامامی فی ۲۲ شهرشعبان المعظم سنة ۱۱۱۵».

۴ ـ کتیبه منظوم در اطراف ضریح امامزاده بخط نستعلیق طلائی رنگ مبنی برتعمیر امامزاده در سال ۱۲۹۰ هجری قمری از طرف ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار باین شرح :

« در زمان شه همایون فال	ناصرالدین خدیو ملك‌گشا »
« پور محمود اوملك مسعود	آسمانی وجود چرخ سخا »
« ظل سلطان یمین دولت شاه	کرد این بقعه را ز نو برپا »
« مرقد پاك حضرت احمد	که بود منبع بهاء و ضیا »
« کلك من بنده از پی تاریخ	داشت حیرت که‌چون‌کند انشا »
« یکی آمدزغیب وگفت حکیم:	« ظل سلطان نهاد کعبه بنا »

« کتبه محمد حسین لله زند بکله »

این کتیبه نیز میرساند که ظل السلطان تعمیر ارزنده‌ای از عمارت امامزاده بعمل آورده و شاعر کتیبه حکیم تخلص داشته و کاتب آن محمد حسین لله زندبکله بوده است .

۴ ـ کتیبه لوح سنگی بطول ۴۶ و عرض ۲۶ سانتیمتر منصوب بردیوار ایوان غربی امامزاده مشرف برجاده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« هوالواقف علی ضمائر والنیات »

« چون سعادت یارو مددکار عالیحضرت استاد ابراهیم ولداستاد رضا بنابود »
« وقف شرعی نمود منفعت یك رأس شتری که ازجبرپناه بامامزاده واجب التعظیم »
« اعنی امامزاده احمدآورده من بعد صاحب آن عرض نمود واورا بیرون برده بار »
« دیگرپناه بامامزاده مذکور آورده آن‌شتر مزبوررا استاد ابراهیم ابتیاع نمود و »
« وقف امامزاده نمود تولیت او را بعالیجناب آقا سید محمد متولی گذارده بشرط »
« آنکه اورا جبرنکنند ونفروشند ومنفعتی که از او بهم رسد صرف شترکنند و »
« آنچه باقی‌ماند صرف امامزاده نمایند و این چندکلمه بجهت وقف‌نامچه قلمی »
« شد بتاریخ سنه ۱۲۴۷ ».

این کتیبه هم حاکی از حس احترام مردم اصفهان در قرن سیزدهم هجری بمقدسات مذهبی وحتی توجه بحال حیوان‌ها هم میباشد.

۵- کتیبه لوح سنگی منصوب بر جزر شرقی ایوان شمالی بخط نستعلیق حاکی از تعمیر امامزاده چنین خوانده میشود:

« این بنا درسال ۱۳۲۲خورشیدی تعمیرشد،مبلغ سی‌وپنجهزار ریالمخارج»
« تعمیر آنرا بانوی محترمه افتخار اعظم مسعود پرداختند. اردی‌بهشت ۱۳۲۲ »
« جواد صهبا. »

کتیبه حکایت دارد که تعمیر امامزاده احمد در سال ۱۳۲۲ شمسی بوسیله اداره باستان‌شناسی اصفهان بریاست مرحوم جواد صهبا و بهزینه بانو افتخار اعظم مسعود انجام گرفته‌است.

۶- کتیبه سقاخانه پیوسته بسردرصحن امامزاده بخط نستعلیق سفیدبرزمینه کاشی خشت لاجوردی درلوحه‌هایی کاشیکاری شده محتوی اشعار معروف محتشم کاشانی دررثاء حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام وپایان آن‌چنین است : «کتبه العبد حاجی میرزا علینقی فی شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۱ عمل استاد آقاجان کاشی‌پز ».

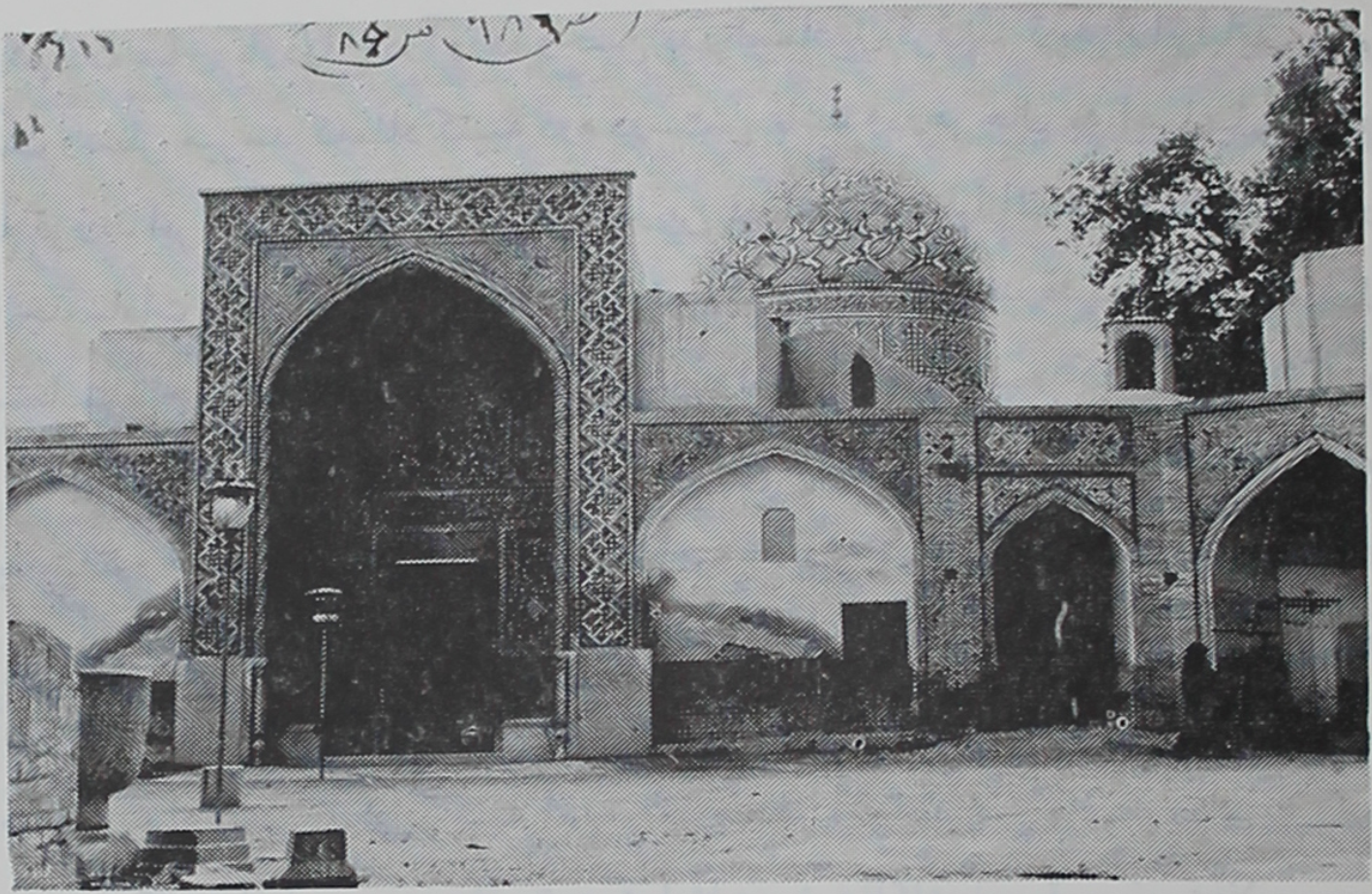
سنگهای مرمر نبشته منظوم و منثور راجع بتاریخ وفات کسان گوناگون در صحن وحجرات امامزاده موجود میباشد که‌هرکدام در خور توجه است ولی چون خارج ازموضوع بحث است شرح آنرا بجای خود (مقابرقدیمی) موکول میکند. بیشتر این‌کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است[۱]. این‌بنای باستانی بموجب‌شماره ۲۳۴ ـ ۱۴/۹/۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۴- امامزاده اسماعیل:

این امامزاده درطرف مشرق خیابان هاتف کنونی روبروی امامزاده جعفر واقع ودرغربی آن درچهارسوقی که‌دارای‌گنبد آجری‌کهن سالی است وبشکل‌مربع بناشده بازمیشود. سردر امامزاده‌دارای کاشیکاری وقطاربندی ظریف قدیمی‌زیبائی است. داخل صحن مقبره و مسجد کوچك قدیمی وجود دارد که در محل مسجد کهنه‌تری ایجاد شده است. روی درامامزاده از فولاد طلاکوب بوده‌که پولادهای‌آن مورد دستبرد قرارگرفت. بنای امامزاده بوضع‌کنونی اززمان شاه عباس اول شروع شده ولی ساختمان امامزاده و مسجد و مرقد شعیا بدوران اوائل اسلام می‌پیوندد و قسمتی ازساختمان کنونی بدوره‌سلاجقه مربوطاست وخلاصه‌مجموعه‌بنای امامزاده اسماعیل ومسجد شعیا شامل‌مسجدی بسیارقدیمی ومقبره، امامزاده، رواق، سر در، گنبد بزرگ زیبا وصحن، مرقد شعیا، شبستان، ایوان، حرم، سنگ آرامگاه دختر شاه اسماعیل صفوی، درب‌نفیس، آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمدزواره‌ای سنگابها ویك‌رشته‌تزیینات‌کاشیکاری، گچبری ولوحه نفیس‌کاشی، وکتیبه‌های فراوان‌تاریخی ازدوران پادشاهان صفوی است[۳]. (ش۸۵)

امامزاده اسماعیل مدفن‌اسماعیل‌بن حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی علیه‌السلام میباشد که‌پدرش بنا برمشهور درری (تهران) درمحل معروف به‌امامزاده حسن‌واقع درجی‌شهر تهران مدفون است.

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۶۸ تاص ۶۷۴ . ۲ـ فهرست‌بناهای‌تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۲ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱ .



(شکل ۸۵)

درتاریخ اصفهان وری[۱] نسب اورا بنقل ازکتیبه درپنجره چوبی بخط نسخ چنین نوشته است:

«اسمعیل بن زیدبن حسن بن‌علی‌بن ابی‌طالب وگویند جدشان درری‌مدفونند معروف به‌امامزاده حسن ومؤلف را راست نیاید زیرا حسن مثنی درمدینه مدفون است بلی امامزاده‌حسن درری هم یك‌بزرگی ازنسل آن بزرگوار است یاشاید یك دو واسطه درخط پنجره چوبی ازقلم کاتب افتاده ، امامزاده‌اسماعیل را جد سادات طباطبا دانسته‌اند وبا امامزاده اسحاق که دراراضی پائین دروازه مدفون شده‌خویش نزدیك میدانند» وبا این فرض فرزند زاده حسن مثنی محسوب میشود.ولی مطابق کتیبه سردر امامزاده نسب‌او «اسماعیل بن‌حسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب» میباشد ومطابق این‌کتیبه اسماعیل فرزندزاده زیدبن حسن‌بن علی‌بوده‌که مدت‌نود سال زندگی کرده ومردی باجلالت قدروام لبابه زن حضرت ابوالفضل العباس‌رابعد

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۶.

ازشهادت عباس بازدواج درآورده وحسن پدر اسماعیل فرزند زید ازام لبابه بوده است وبنظر میرسد که‌مفاد کتیبه دوم درست‌تر باشد ودرهرحال به اسماعیل دیباج که فرزند ابراهیم غمربوده ونیز اسماعیل بن ابراهیم طباطبا انتساب وارتباطی ندارد تا جد سادات طباطبا باشد. کتیبه مرقد شعیاکه برجای مسجد قدیمی بنا شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است: «وجدنافی کتاب اصفا ان اول مسجدکبیر بنی‌باصفهان»
« مسجد شعیا وبناه ابوعباس‌المفتی فی‌زمن علی صلوات‌الله‌علیه وعمره الب ارسلان»
«بعدنیف وخمسأته بعد ماغلبها بقوة وقدامر بعمارته فی‌عام احدعشر ومأته و الف»
« وبعبارة اخری هی‌مرقد شعیا النبی‌علیه‌السلام علی نقی‌الامامی ۱۱۱۲» ودرحاشیه آن آیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه گچبری‌شده وپایان‌آن چنین است : «صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله النبی الکریم کتبه ابن‌محمد محسن‌الامامی.»

۲-کتیبه اصلی سردررواق بقعه‌بخط ثلث سفیدباکاشی‌معرق برزمینه‌لاجوردی باین شرح خوانده میشود:

«اتمام‌هذه العمارة فی‌ایام دولة‌السلطان الاعظم والخاقان‌الاکرم مروج‌مذهب»
« الائمة المعصومین السلطان‌بن‌السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه صفی‌الموسوی»
« الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی کافة‌العالمین‌بره»
« وعدله واحسانه فی‌شهرذی قعدة الحرام فی ۱۰۴۱ کتبه محمد رضا الامامی » که حاکی است عمارت امامزاده درسال ۱۰۴۱ هجری قمری باتمام رسیده است وخطاط آن محمدرضا امامی بوده‌است.

۳ـ کتیبه رواق امامزاده روی لوح سنگ منصوب بر دیوار زیرکتیبه ثلث کاشیکاری وبالای درچوبی رواق بقعه بخط ثلث برجسته چنین است:

«قدوفق لعمارة هذه‌البقعة‌الشریفة‌والروضة‌المنیفة‌من‌فاز بتایید الدین‌الاحمدی»
« وامتاز بترویج الشرع المحمدی‌اعنی‌السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان»
« بن‌الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصورشاه سلطان حسین‌الحسینی‌الموسوی»
«الصفوی بهادرخان لازال‌به رکن‌الاسلام رکینا ومتن الایمان متیناً کتبه‌ابن محمد»

«محسن علی نقی الامامی ۱۱۱۴ »که حکایت ازعمارت امامزاده درزمان شاه سلطان حسین دارد وخطاط کتیبه علی نقی امامی بوده است .

ودرحاشیه لوح مزبور بخط نستعلیق برجسته این اشعار نوشته است:

« شهنشهی که عطارد که منشی در اوست / همیشه عاجز طغرا کشی کشور اوست »
«جناب حضرت سلطان حسین که روی زمین / تمام در کنف ظل عدل پرور اوست »
« رسید رشحهٔ از فیض عام و انعامش / بدین زمین که فلك سایه بان منظر اوست»
« مزار حضرت عالیمقام اسمعیل / که قبله‌گاه دعا بارگاه اطهر اوست »
«بگوش هوش شنیدم زغیب مصراعی / چولؤلؤی که زبحر خیال مظهر اوست»
« ببین شکوه حریم مزار اسمعیل / چه‌خوش مطابق تاریخ مهر«گستر اوست»»

که با سال ۱۱۴۷ منطبق میگردد.

درمیان هر دومصراع از اشعار مذکور دریك لوحهٔ کوچك کلمات (یا علی مدد) حجاری شده و در دو دایرهٔ کوچك بخط نستعلیق دو مصرع زیر خوانده میشود:

« قبله ایرانیان بانی این خیراست لیك / یافت اتمام این بنا از سعی ابراهیم بیك »

۴ــ کتیبه مربوط بتعمیر امامزاده در زمان فتحعلی شاه قاجار که روی سنگ مرمری حجاری و بربالای لوح سنگی سردر منصوب بوده بخط نستعلیق چنین است :

« بعهد جم نگین فتحعلی شه خسرو عادل
ز خاصان نظام الدوله مردی نام او جعفر »
« نمود اقدام بر تعمیر این کاخ سر افرازی
که باشد نامش اسماعیل از ذریهٔ حیدر »
۱۲۲۹

۵ ــ کتیبه منظوم دراطراف رواق بقعه درلوحه های کوچك بخط نستعلیق بر زمینه لاجوردی باین شرح است :

« از حکم دارای زمان سلطان حسین کامران
معمار ارکان جهان شاهنشه فرمان روا »
(کتبه محمد صالح الاصفهانی)

« شاهی که شد معماری دولت سرای دین او

زان پیش کز حکم خدا بنیاد هستی شد بپا »

« آنجا که موج آور شود دریای عدل دائمش

زنجیر نوشروان بود موج سراب کم بقا »

« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت

چون شد سواد لشکرش درچشم عالم سرمه سا »

« ساعی شدابراهیم بیك آن خیراندیشی که هست

از بندگان محرم خلوت سرای پادشا »

« از پاکی ذاتش بود ره در حریم حرمتی

کز دور باش کبریا ره بسته برباد صبا »

« کین روضهٔ جنت‌سرشت این عبرت قصر بهشت

آرد ز مهر وماه خشت سازد بصدق از نو بنا »

« چه روضه دارالامن جان دلهای نور قدسیان

آویخته بر سقف آن مانند قندیل طلا »

« دست دعای سائلان برگشته در این آستان

ز ایوان نعمای جنان یابند کشکول گدا »

« . . . .

کوری باین درگاه اگر افتد بامید شفا »

« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت

همت بآن راضی نشد این‌مصرعم شد ره نما »

مصرع اول شعر بالا سه مرتبه درکتیبه تکرار شده است.

« بازاین‌ملایك آشیان نوشد ز سلطان جوان

۱۱۱۱

راضی نشد خاطر بآن در فکر شد طبع رسا »

« تا ازمکان و از مکین ازساعی و از شاه دین

باشد قلم حرف آفرین بازاین دومصرع شد ادا »

« این منزل چون کعبه نو از سعی ابراهیم شد

۱۱۱۱

سلطان داور کرد نو مأوای اسمعیل را »

« دیگر بفکر دلنشین در طبع معنی آفرین

از لطف رب العالمین آمد بگوشم این ندا »

« این کعبهٔ آئین صفا از سعی ابـراهیم شد

الطاف سلطان نونمود این حجراسمعیل را »

۱۱۱۱

در سه مصرع بالا که عدد ۱۱۱۱ زیرآن گذارده شده تاریخ تعمیر امامزاده بسعی ابراهیم بیك وفرمان شاه سلطان حسین صفوی میباشد.

۶ـ کتیبه داخل حرم امامزاده اسماعیل بخط ثلث برجسته طلائی برزمینه لاجوردی نخست سوره (الملك) تا آخر آیه ۲۷ گچبری شده و دردنبال آن نام بانی باین شرح نوشته شده است :

« حسب الامر الاعلی سرکاری عالیجاه مقرب الخاقان محمد ابراهیم بیك »
« یوزباشی زید . . . مرقوم رقم کمترین غلام پایه سریراعلی . . . سنه ۱۱۱۲ » که معلوم می‌گردد دریکسال بعداز تعمیراول بوده است .

۷ـ کتیبه درب منبت کاری متصل بمرقد شعیا که در زمان سلطان محمود آل مظفر نصب شده برلنگه راست و چپ صلوات برچهارده معصوم منقور است و بربالای لنگه راست بخط ثلث جمله : « العظمةلله » و درپائین آن : «لااله‌الاالله» و درمیان آن بانوشتن چهارکلمه محمد نقشی ظاهرشده است .

برلنگه چپ درب در بالا بخط ثلث : « الملك‌لله » و درپائین آن : « محمد رسول‌الله » کنده شده ودروسط این‌دوعبارت دریك شکل چهارگوش با نوشتن چهار دفعه «علی» نقشی پدیدآمده است . درمتن هلال فوقانی در مزبور با نوشتن پنج‌الله

يك پنج‌پر درست شده ودر حاشيه آن اين‌عبارات خوانده ميشود :

« امر بـاحداث هذالباب احراز اللمغفرة والثواب فى‌ايام دولة السلطان »
« الاعظم مولى‌سلاطين الامم ناشرالعدل والاحسان باسط الامن والامان ظل‌الله فى‌ »
« الارضين قطب الحق والدين شاه محمودبن السلطان الاعظم محمدبن المظفر »
« خلدالله‌ملكه البهلوان‌الاعظم‌الصاحب‌الاكرم‌تاج‌الدولة‌والدين‌على‌رشيدالخراسانى »
« من‌خاص‌ماله . »

اين‌كتيبه حاكى‌است‌كه درقرن هشتم درزمان قطب الدين محمود آل مظفر متوفى (۷۷۶ هـ . ق) درب مزبور احداث گرديده است بانى آن پهلوان بـزرگ تاج‌الدوله على رشيد خراسانى ازبزرگان دربار او بوده‌كه ازمال خاص خود انجام داده است .

در جانب شمالى مرقد شعيا و حرم امامزاده اسماعيل و در ضلع شرقى رواق بقعه مسجد كوچكى واقع شده كه در جاى مسجد دوره سلجوقى در دوره صفويـه بتزييناتى‌آراسته شده است . از آثار سلجوقى مسجد فقط پايه مناره آن‌باقى‌است . واثر ديگرى موجود نيست .

كتيبه سردر شمالى مسجد بخط ثلث خوش طلائى برزمينه كاشى هفت رنگ مشتمل برآيات ۱۸ و۱۹ سوره (التوبة) و باين عبارت پايان ميپذيرد : « صدق‌الله العظيم‌وصدق رسوله‌الكريم‌كتبه على نقى‌الامامى ۱۱۱۲» .

ايـوان جنوبى مسجد شعيا داراى تزيينات كاشيكارى و محراب مـرمرى و كاشيكارى است. درسمت راست محراب يك‌لوح‌كاشيكارى نصب‌شده بخط ثلث سفيد برزمينه كاشى لاجوردى باين شرح :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحيم‌قال‌الله‌تبارك وتعالى جل‌جلاله وعظم‌شأنه ولااله‌غيره»
و سپس آية‌الكرسى نوشته شده و باين عبارت « كتبه محسن‌الامامى» ختم ميشود .

و در سمت چپ محراب‌بخط ثلث سفيد برزمينه كاشى خشت لاجوردى‌آيات ۲۶و۲۷ سوره (آل‌عمران) خوانده ميشود .

كتيبه اطراف‌محراب بخط ثلث‌سفيد برزمينه‌كاشى لاجوردى مشتمل برآيات

۱۸ و ۱۹ سوره (التوبه) وباین عبارت : « صدق‌الله العظیم » ختم میگردد .

دنباله آن نام بانی وخطاط محراب چنین خـوانده میشود : « توفیق یافت باتمام این محراب محمد مهدی‌بن میرزا اسمعیل انباردار کتبه محمد محسن ابن محمد رضا الامامی فی‌سنة ۱۱۰۰ » درعبارت آخرکتیبه همزه (ابن) زاید است ولی چون کتیبه عین‌آن ازگنجینه آثارتاریخی‌اصفهان‌گرفته شده ودرآنجا همزه‌آورده شده ازلحاظ حفظ امانت نقل‌گردید .

کتیبه داخل محراب مسجد شعیا بخط ثلث فیروزه‌ای برزمینه آبی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره (بقرة) و بجملات زیر : «کتبه محسن الامامی ۱۱۰۰ » پایان می‌گیرد .

درضلع شرقی مسجد شعیا شبستانی‌وجود دارد که اخیراً ساختمان‌آن‌تجدید گردیده وکتیبه‌آن بخط ثلث‌برجسته سفید برزمینه‌آبی‌آسمانی چنین‌گچبری‌شده:

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انادارالحکمة وعلی‌بابها فمن‌ارادالحکمة»

« فلیات‌الباب . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انامدینةالعلم وعلی‌بابها . توفیق »

« یافت باتمام این‌عمارت و جدنا فی‌کتاب اصفا ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان »

« مسجد شعیا وبناه ابوالعباس المفتی فی ز » بقیه کتیبه برجانب شمالی‌مرقد شعیا نوشته شده است که در مرقد شعیا مذکـور است . و در بالای پشت بغل محراب بخط ثلث برجسته نوشته شده :

« محراب محمدهادی کاشانی‌کتبه عبدالحمید الادهمی ۱۱۱۵ »که میرساند بانی محراب محمد هادی وکاتب‌کتیبه عبدالحمید ادهمی بوده است .

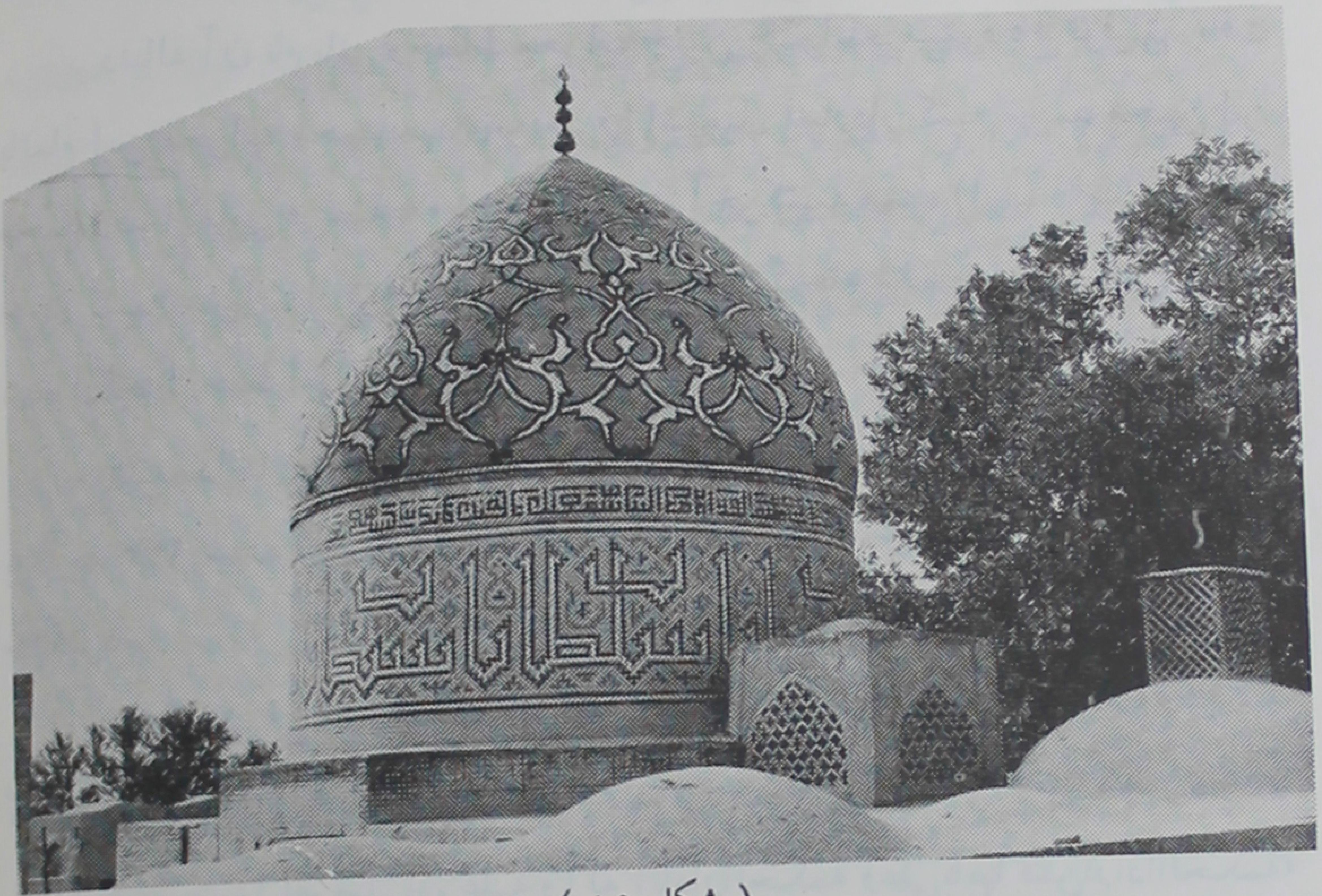
۸ ـ کتیبه گنبد امامزاده اسماعیل بخط بنائی ساده لاجوردی‌رنگ برزمینه آجری چنین‌است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن له »

کفوا احد قال رسول‌الله تعالی واذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا »

« تقبل منا انك انت‌السمیع العلیم صدق‌الله العظیم وصدق‌رسوله النبی‌الکریم عمل»

« کاتب العبد حسن بن علی بن غیاث البناءِ »   (ش ۸۶)



(شکل ۸۶)

۹ ـ کتیبه سردر امامزاده که در زیر چهارسو واقع شده خطوط بنائی ساده‌ای است و دربالای پشت بغل سنگی در ورودی بخط نستعلیق برجسته برسنگ چنین حجاری گردیده است :

« بتوفیق سرکاری این بنا   عوض شد بلطف خدا بی‌عوض »

میتوان گفت که شعر مزبور حکایت داردکه سرکار بنا عوض نامی بوده است . و در دوطرف در ، در هرطرف چهار مصرع بخط نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« اول ابراهیم از امر شهنشاه جوان   آنکه محموددو کون ازطالع مسعودشد »
« درصفای بقعه وسعی بنای مدرسه   کین عمارات ازعلوهمتش موجودشد »
« حبذا فرخنده اقبال معلی فطـرتی   بانی تعمیر دراین کعبهٔ مقصود شد »
« صوفی پاك اعتقادشاه‌دین سلطان حسین   ساعی اتمام هریك عاقبت محمودشد »

« کتبه علی نقی الامامی ۱۱۱۵ »

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه مجموعه بنای امامزاده اسماعیل علاوه بر مسجدومرقد شعیا شامل مدرسه‌هم‌بوده‌است که‌بوسیله ابراهیم بیك‌یوزباشی بفرمان شاه سلطان حسین مورد تعمیر قرارگرفته است وبطوریکه مؤلف تاریخ‌اصفهان[1] وری نوشته مساحت مجموع اینها بالغ برسه‌هزار ذرع میباشد.

۱۰ ـ کتیبه سردرصحن امامزاده‌بخط ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت‌لاجوردی چنین است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. قد وفق‌الله تعالی مشیدارکان الزمان سلطان‌العدل»
« والاحسان ومحکم بنیان الامن والامان ناشر المسلك الجعفری ناصر المذهب »
« الاثناعشری السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان بن الخاقان بن‌الخاقان‌شاه»
« سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان . . هذه العتبة الی السید »
« الجلیل‌اسمعیل‌بن‌حسن‌بن‌زیدبن‌حسن‌بن‌علی بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام وکان‌السالك »
« فی داعی المقرب حضرة السلطان‌حاجی محمد ابراهیم بیك‌یوزباشی زیدتوفیقه.»
« کتبه ابن‌محمدمحسن ـ علی‌نقی الامامی سنة ۱۱۱۵ . » از مفاد این کتیبه معلوم میگردد که امامزاده اسماعیل پسرحسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن ابیطالب بوده و در منتهی‌الامال قمی[2] در ذکر اولاد امام حسن علیه‌السلام یکی از اولاد حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی‌بن ابیطالب را ابومحمد اسماعیل نوشته است وبدیهی است که میان نسب مرقوم درکتیبه بالا وکتیبه‌ایکه درپیش مذکور افتاد فرق بسیار است‌و درصورت اول از اولاد مستقیم زیدبن حسن‌بن علی‌بن‌ابیطالب ودرفرض‌دوم ازاحفاد زیدبن حسن خواهد بود.

اشکالی که درعبارت کتیبه بنظر میرسد درکلمه «الی السید» میباشد که در اثر تعویض کاشیها تحریفی واقع شده وبنظرمیرسد که دراصل کتیبه چنین بوده : « قدوفق‌الله »تابرسدبه: (بهادرخان‌لبناءِ هذه العتبة للسید الجلیل اسماعیل) تا آخر کتیبه وخلاصه اینکه کلمه لبناء ساقط شده وبجای لام حرف جرالی گذارده شده بوده است.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۸۷..

۲ـ منتهی‌الامال ص۲۶۴.

درامامزاده اسماعیل علاوه برمرقد ومسجد شعیا ومدرسه سنگهای مزار بسیار قدیمی و نیز سنگاب تاریخی وجود دارد که بذکر سنگاب آن و یکی از سنگهای مزار دراین مورد میپردازد.

درصحن امامزاده دوسنگاب وجود داردکه کتیبهٔ آن‌دو مشتمل برصلوات بر چهارده معصوم ویکی ازآن شامل تاریخ و نام‌بانی آن میباشد.

کتیبه سنگاب مزبوربخط ثلث برجسته پس ازذکرصلوات برچهارده معصوم چنین خوانده میشود:

«وقف نمود برآستانه حضرت‌امامزاده‌اسماعیل(ع)این‌حوض‌راحاجیه‌شاهمیر»
«بنت حاج‌میرزا علی جزی برخواری‌سنه ۱۰۴۹.»

۲ـ در ایوان غربی امامزاده یك سنگ قبر قدیمی قرار داردکه در اطراف وجوانب آن حجاری‌شده باین ترتیب که درسطح بالائی بخط بنائی: «الملك‌لله»ودر اطراف این ابیات کنده‌شده است:

«چون نامه جرم ما بهم پیچیدند   بردند وبمیزان عمل سنجیدند»
«بیش ازهمه‌کس گناه‌مابود ولی   ما را بمحبت علی بخشیدند»

برجانب بالائی سنگ آرامگاه بخط ثلث برجسته این‌عبارات‌خوانده‌میشود:
«وفات العالم الربانی والعارف الصمدانی قدوة العلماءِ والمحققین و اسوة الفقهاءِ»
«المدققین قاضی حوائج السائلین وکفیل مصالح‌المؤمنین، مطاع العالمین‌ومتبوع»
«العالمین صفیاً للشریعة والافادة والدین‌محمدابن عمدة القضاة والمتشرعین خادم»
«شرع سیدالمرسلین غیاث الملة والدین الملا علی الزواری تغمد هما الله تعالی»
«بغفرانه فی‌منتصف شهرشعبان المعظم سنة خمس وتسعین و تسعمائة من هجرة»
«مقصود ایجاد البریة عمل صدرالدین سنگ تراش» برجانب جنوبی‌سنگ مزبور این اشعار که حاوی ماده تاریخ وفات قاضی محمد نیز میباشد کنده شده و آن چنین است:

«افتاد دین ز مرتبه اعتبار حیف   حیف‌ازسپهرشرع که‌شدبی‌مدارحیف»

«رفت ازجهان جهان فضیلت دریغ ودرد | شد کاروان فضل وشرف زین دیار حیف»
«قاضی صفی که مرکز پرگار شرع بود | رفت ازمیان وکرد کنار اختیار حیف»
«تاریخ فوت قاضی دنیا ودین که رفت | ازمرگ اوهر آینه برروزگار حیف»
«جستم زعقل گفت که برلوح دل همین: | «حیف ازجهان دانش ودین صدهزار حیف»

۹۹۵

وبرجانب شمالی سنگ مزبور بخط نستعلیق برجسته این ابیات خوانده میشود:

«احکم قاضیان صفی الدین | که حکم بود درفروع واصول»
«عمرها بربساط شرع نشست | بطریق رسول وزوج بتول»
«روزآخر ازاین نشیمن خاک | کرد درروضه جنان چونزول»
«سال فوتش زهرکه پرسیدم | بس که بودندازعزاش ملول»
«اشک میریختند ومیگفتند: | «وای ازمرگ جانشین رسول»

۹۹۵

ازکتیبه‌های سنگ لوح برمیآید که قاضی صفی‌الدین محمد زواره‌ای فرزند ابو الحسن ملاعلی زواری عالم بزرگ قرن دهم‌هجری که‌خودنیز ازبزرگان علماءِ وقضات اصفهان‌بوده درتاریخ نیمه‌شعبان ۹۹۵ هجری بدرود حیات گفته است. برای اطلاع کامل ازشرح حال و ترجمه پدر وپسر به بخش دوم کتاب آتشکده اردستان مراجعه گردد.

۳ـ بردیوار غربی سردر تاریخی بقعه‌امامزاده سنگ نبشته‌ای نصب‌شده بخط ثلث برجسته باین‌شرح:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم وبه‌ثقتی»

«حسب الفرمان قضا جریان ازتاریخ شهرمحرم الحرام سنه ۱۱۱۵ رقم‌مبارک»
«اشرف صادر شد آنکه حکم جهان مطاع شد آنکه درینوقت اهل محله واقعه»
«درجوار امامزاده واجب التعظیم والتکریم امامزاده اسماعیل علیه و علی آبائه»
«التحیة والتسلیم مشهور بمحله امامزاده ازتکلیف یراق پوشی ایام عاشورا وامثال»
«آن ازبستن نخل وغیره معاف فرمودیم داروغگان وعمال دارالسلطنه مزبور حسب»

« المسطور مقرر دانسته من بعد بهیچوجه من الوجوه تکلیف یراق پوشی و بستن »
« نخل وغیره باهل محل مزبوره ننموده وایشان را ازامور مزبوره معاف مسلم دانند»
«ودرین باب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد طلب ندارند وازفرموده تخلف نورزند »
« ودرعهده شناسند برطبق عرض عالیجاه مقرب الخاقانی جالینوس الزمانی حکیم باشی»
«کتبه علی نقی». بیشتر کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس گردیده است . مجموعه امامزاده اسماعیل و مرقد ومسجد شعیا بموجب شماره ۱۱۲ به ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۵- امامزاده باقر:

این امامزاده درکنار چهارباغ خاجو طرف مغرب قراردارد وساختمان بقعه آن مربوط بزمان قاجاریه است ومعروف است که امامزاده باقر ازاحفاد امام موسی بن جعفر است ولی صحت آن معلوم نیست.

این امامزاده دارای صحن وبارگاه وقطعه سنگی درآنجا نصب است که تاریخ ساختمان بقعه را حکایت میکند وکتیبه آن چنین خوانده میشود :[3]

« در زمـان دولت دارای قیصر پاسبان
ناصرالدین شاه غازی خسرو گیتی ستان »

« چاکر درگاهش ابراهیـم مانند خلیل
ساخت همچون کعبه ایوانی سراسر گلستان »

« بارگاهی رشك فردوس برین از خرمی
نهر های او چوکوثر ساحتش باغ جنان »

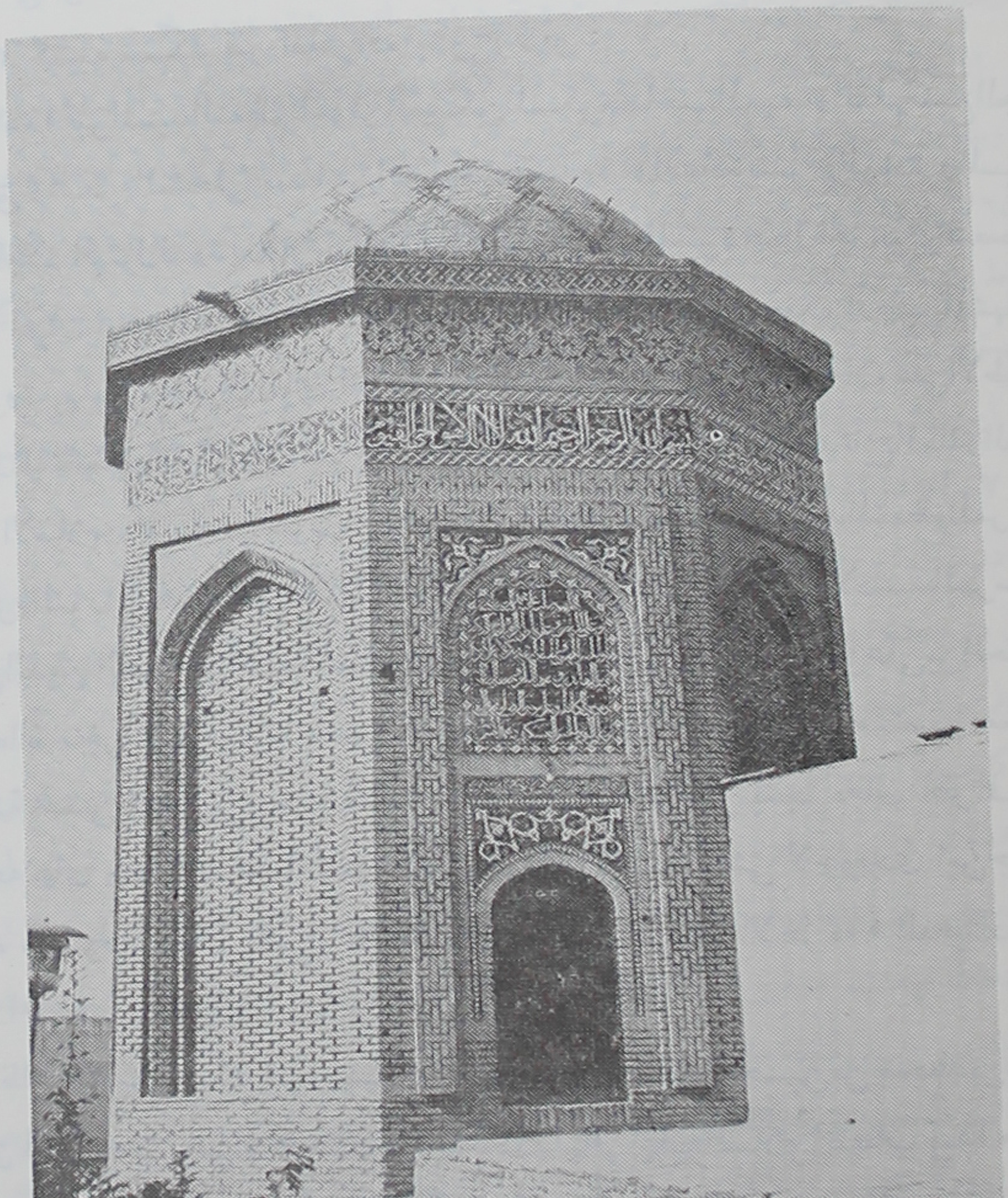
« پایـه های او یـد معمار از قـدرت نهاد
بر سر ماهی ولی شد ماه را چون سایبان »

« سال تاریخ بنای آن بصد شادی سرور
گفت : «باب کعبه مقصودی ازابراهیم خان »
۱۲۷۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۲۳ تا ص ۵۴۰. ۲- فهرست بناهای تاریخی ص ۳۱ . ۳- تاریخچه محله خاجو ص ۶۰ .

۶- امامزاده جعفر :

این امامزاده درحاشیه غربی خیابان هاتف کنونی و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل قراردارد وبقعه‌آن برج مانند ازساختمان‌های عصر مغول میباشد. صحن امامزاده درابتدای امر بسیار وسیع بوده ولی‌بتدریج اراضی آن را مجاوران تصاحب وتبدیل بخانه‌کرده‌اند. شکل بقعه درقسمت پائین هشت ضلعی و سطح آن‌کوتاه و مسطح است. گنبدآن مختصر تزییناتی باین شرح دارد: (ش ۸۷)



(شکل ۸۷)

۱ـ کتیبه فوقانی گنبد امامزاده بخط کوفی ساده آجری برجسته و معرق برزمینه فیروزه‌ای بعد از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آیات ۱۶۴ تا آخر آیهٔ ۱۶۷ سوره آل‌عمران خوانده میشود.

۲ـ کتیبه دوم گیلوئی گنبد بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی مشتمل بر آیة‌الکرسی باین عبارت ختم میشود: «فی سنة خمس و عشرین و سبعمائة» ومعلوم می‌گردد که در اوائل قرن هشتم بنا شده ودر دوره آل مظفر بوده است.

۳ـ کتیبه سنگ قبر امامزاده بشرح زیر:

«هذا قبر السید المعظم الموقر الممکن المکرم صاحب السیف والقلم منبع الجود»
«والخلق والکرم المتحلی بمحاسن الشیم سید الصدور والسادة ینبوع السادة والسیادة»
«مفخر اولاد البتول قدوة آل الرسول نظام الطالبیة شمس العترة جمال اهل بیت المصطفی»
«سلالة اعیان ابناء المرتضی مالك اصحاب السخاءِ والفتوة ومعدن ارباب الشهامة»
«والمروة بهلوان العراق نبوی الشمایل وجمیل الاخلاق کریم الزمان علی الاطلاق»
«محرز المناصب بالاستحقاق المرحوم المبرور المغفور السید الشهید تاج الملة والدین»
«عماد الاسلام والمسلمین اشرف ابناءِ الماءِ والطین جعفر بن السید المعظم المرتضی»
«المکرم النور الازهر الاطهر الامجد مفخر آل طه ویاسین نتیجة اولاد سید المرسلین»
«شمس الدین الحسن بن السید المغفور عماد الدین الحسین بن محمد بن علی بن الحسین»
«تغمده‌الله بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه وادام سعادته توفی فی منتصف محرم»
«من سنة خمس وعشرین وسبعمائة.»[1] و درقسمت فوقانی پنجره‌های اطراف بقعه در لوحه های جداگانه بخط ثلث سفید درشت برزمینه کاشی لاجوردی این جملات خوانده می‌شود: «قال النبی علیه‌السلام» «الدنیا مزرعة الاخرة» «الدنیا داحة و ترکها راحة».

ظاهر کتیبه سنگ قبر اینستکه جعفر پسر حسن بن حسین بن محمد بن علی بن الحسین است یعنی پس از دوپشت بامام محمد باقر علیه‌السلام انتساب پیدا میکند درصورتیکه زمان وفات اوکه دوره آل مظفر باشد با این ترتیب انتساب موافقت

۱ـ رجال اصفهان ص ۱۸۱.

ندارد چه امام محمد باقر در قرن دوم میزیسته و اگر برای هریك ازکسانی که امامزاده جعفر درعقب آنان واقع‌شده ولادتشان با یکدیگر پنجاه سالهم اختلاف داشته باشد اقتضاءِ خواهد داشت‌که وفات امامزاده جعفر درقرن چهارم وقوع یافته باشد وتا قرن هشتم درحدود چهارقرن تفاوت دارد پس این انتساب درست نخواهد بود مگر اینکه گفته شود محمدبن‌علی‌بن‌الحسین مذکور در نسب امامزاده جعفر غیر ازمحمدبن علی‌بن‌الحسین است وبقیه نسب‌او نوشته نشده است.

از مفاد سنگ قبر برمیآید که نامبرده مـردی بزرگ وازصدور زمـان و سخی وصاحب شمشیر وقلم بوده و شهیدگردیده است وتاریخ وفات او منتصف‌محرم سال ۷۲۵ بوده است از اینکه اورا شهید خطاب وازطرفی نوشته‌اندکه وفات یافته استنباط میگردد که در زندان و یا بعداز تصادمی وفات‌کرده است . بیشترکتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[۱].

این اثرباستانی‌بموجب تصویبنامه شماره۲۳۴ به ثبت تاریخی‌رسیده است[۲].

۷- امامزاده‌های درب امام :

درب امام واقع است در محله سنبلان = شنبلان = چملان = چنبلان و چملون در مجاورت محلهٔ در دشت و درآنجا آرامگاه دو امامزاده بنامهای ابراهیم بطحا وزین‌العابدین است.

کیفیت انتساب این‌دو امامزاده اولی به حسن مثنی ودومی بامام جعفرصادق روشن نیست ولی مشهور چنین است که ابراهیم بطحا ازاحفاد حسن مثنی است و زین‌العابدین از احفاد امام جعفر صادق است ولی سندی که این انتساب را احراز کند دردست نیست. درمیزان‌الانساب[۳] میرزا محمدهاشم چهارسوقی نسب امامزاده زین‌العابدین چنین‌گفته شده :

« ابوالحسن زین‌العابدین‌علی‌بن نظام‌الدین‌احمد الابج‌بن شمس‌الدین‌عیسی»
« الرومی‌جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌بن‌الامام‌الهمام جعفرالصادق‌علیه‌الصلوة»

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۰۰ تا ص۳۰۲ . ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۲ . ۳- میزان‌الانساب از ص۴۶تا ص۴۷ .

« والسلام » ولی کیفیت انتساب ابراهیم بطحا معلوم نیست .

بنای تاریخی درب امام ازدوگنبد بزرگ وکوچك ویك سردر بزرگ کاشی-کاری وسه صحن تشکیل گردیده است .

نمای خارجی بنای مزبور بجانب هرسه صحن دارای تزیینات کاشیکاری و گچبری است وگنبدهای آن بویژه گنبد بزرك ازکاشیهای نفیس تزیین شده است. در ورودی بقعه بصحن خاوری مفتوح میشود .

در عمارت درب امام کتیبه‌ها و خطوطـی وجود دارد کـه مهم آن از قرار زیر است :

۱ـ کتیبه سردر اصلی درب امام بخط ثلث که ازجانب غربی سردر شروع ودر جانب شرقی پایان میگرفته و فقط قسمت غربی آن بشرح زیر باقی مانده و قسمت شرقی آن ازبین رفته است : باقی مانده بخط ثلث سفیدکاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین‌است :

« در زمانی‌که والی ولایة عظمی و حاکم حکومة کبری پادشاه جهان پناه »
« ابوالمظفر امیرزاده جهانشاه خلدالله خلافته حکومة این ولایة با ایالة واشارة »
« شاه‌زاده عالم مؤید قواعدالدین الاحمدی ابوالفتح‌محمدی خلدالله سلطانه مفوض»
« فرموده بود امیراعظم اعدل معدن العزوالجاه جلال الدین صفرشاه زادالله دولته»
« دربنای این‌بقعه رفیعه وعمارت منیعه طلبا لمرضاةالله اهتمام بکارداشت فی‌شهور »
« سنه سبع وخمسین وثمانمائة.» این کتیبه‌تاریخی حاکی است‌که در دوره سلطنت امیر جهانشاه ودرحکومت جلال الدین صفرشاه درسال ۸۵۷ هجری عمارت و بقعه درب امام ساخته شده است.

۲ـ درزیرمقرنسهای‌کاشیهای‌سردرمزبوربخط ثلث‌آجری پوسته‌شده‌برزمینه کاشی‌لاجوردی این اشعار خوانده‌میشود که‌دردولوحه نوشته شده‌است:

« بماند سالها این نظمو ترتیب — زما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی است‌کزمابازماند — که گیتی را نمی‌بینم بقائی »

۳ــ در بالای کتیبه خط ثلث سردر مزبور پنجره مشبکی از کاشی وجود دارد ودراطراف آن این اشعار بخط حنائی‌رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی نگارش یافته است:

« کنایه‌ایست بدین دور گنبد افلاك | که‌پاك باش چوجام ومدار ازکس باك»
« ز سقف خانه دنیا مجوی نقش وفا | مشو بآمدنش شاد و وزشدن غمناك »
« ببین بعین‌بصیرت که آنك ایوانش | گذشته‌بودزکیوان‌چگونه‌شددر خاك»

۴ــ کتیبه سردر تاریخی واقع درسمت شرقی سردراصلی از زمان شاه سلطان حسین صفوی بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی‌لاجوردی چنین است:

« اقدام هذه العمارة المنورة فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم »
مروج المذهب الائمةالمعصومین علیهم السلم شاه‌سلطان‌حسین الصفوی الموسوی»
« الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه». و بقیه‌کتیبه در دو لوحه‌کوچك چنین نوشته شده: «علی‌نقی‌ابن‌محمد محسن‌الامامی» » عمل‌استاد محمدبن‌محمد غدیر آجرتراش ۱۱۲۷ »که حکایت دارد از اینکــه عمارت درب امام در زمدان شاه سلطان حسین انجام شده وکاتب‌کتیبه علی‌نقی الامامی و سازنده‌کتیبه استاد محمدبن محمدغدیر آجرتراش وتاریخ همه ۱۱۲۷ هجری بوده است.

۵ــ کتیبه تاریخی دیگرسردر مزبور بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی باین‌شرح میباشد:

« قدوقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الی‌مولانا سید الساجدین التی‌فیهامزار»
« السید السندین امامزاده‌ابراهیم بعلحا وامامزاده زین‌العابدین‌بامر نواب‌الخاقان»
« بن الخاقان اعظم السلاطین الصفویة المسفورة فی‌الفوق کتبه الفقیر عبدالرحیم»
«فی ۱۱۲۹.»که حکایت ازتعمیر امامزاده‌ها دردوسال بعد بوسیله شاه‌سلطان حسین صفوی میکند وخطاط آن عبدالرحیم جزایری بوده است.

۶ــ دراطراف رواق شرقی‌بخط بنائی باکاشی فیروزه ای بر زمینه شطرنجی آجری بردیوار غربی رواق چنین نوشته شده است:

«چون نامه جرم مابهم پیچیدند بردند وبمیزان عمل سنجیدند»

«بیش ازهمه کس گناه مابود ولی ما را بمحبت علی بخشیدند»

وبردیوار شرقی رواق این ابیات:

«غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی بینم بقائی»

«مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در حق درویشان دعائی»

۷ـ کتیبه گنبد بزرگ بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره (الدهر) تا آخر آیه سینزدهم و پایان کتیبه چنین است: (ش ۸۸)



(شکل ۸۸)

«فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم ابی المظفر عباس الحسینی»
«الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه و قدا وفق هذا الداعی غیاث الدین»
«محمود الحسینی المستوفی کاتب ۱۱۰» از این کتیبه استنباط میشود که گنبد

بزرگ درزمان سلطنت شاه‌عباس اول و به‌اهتمام غیاث‌الدین محمود حسینی‌مستوفی ساخته شده است وکاتب کتیبه‌هم همان غیاث الدین محمود بوده است و تاریخ آن هرچند بصورت (۱۱۰) نوشته‌شده ولی مقصود۱۰۱۰ بوده‌که بازمان‌سلطنت‌شاه‌عباس موافقت دارد.

۸- در گردنه گنبد مزبور : (الحمدلله) تکرار و سوره اخلاص نیز نوشته شده است.

۹- کتیبه گنبدکوچك بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی‌نخست عبارت: « قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی» وسپس آیة‌الکرسی ودنبال آن‌آیات۲۶و۲۷ سوره آل‌عمران وپایان آن‌چنین است:

« فی‌احدی وثمانین والف کتبه محمدرضا الامامی.» ؛ کتیبه‌گردنه‌گنبدمزبور بخط بنائی سه‌رگی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌چنین خوانده میشود: « لمن الملك الیوم لله الواحد القهار».

۱۰- کتیبه زنجیر دروروردی حرم درب امام که‌برحاشیه دائره برنجی وسط آن‌نوشته‌شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« وقف حضرت امامزاده زین العابدین نمود عالیشان آقامحمدحسن تاجر »
« همدانی این‌زنجیر را طمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود. بتاریخ»
« ۲۶ .. » وبرمتن دائره برنجی زنجیر ابتدا « یاسلطان» «یا سبحان» « یا قاضی-»
« الحاجات» «یا منان» وبخط نستعلیق برجسته باین‌عبارت پایان‌یافته است:«بتاریخ»
« بیست وششم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۰» .

وخلاصه‌مفاد کتیبه زنجیر حاکی است که‌آقامحمد حسن تاجر همدانی‌زنجیر را وقف بر امامزاده زین العابدین کرده است و این وقف مصادف با تاریخ ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۲۷۰ هجری بوده است.

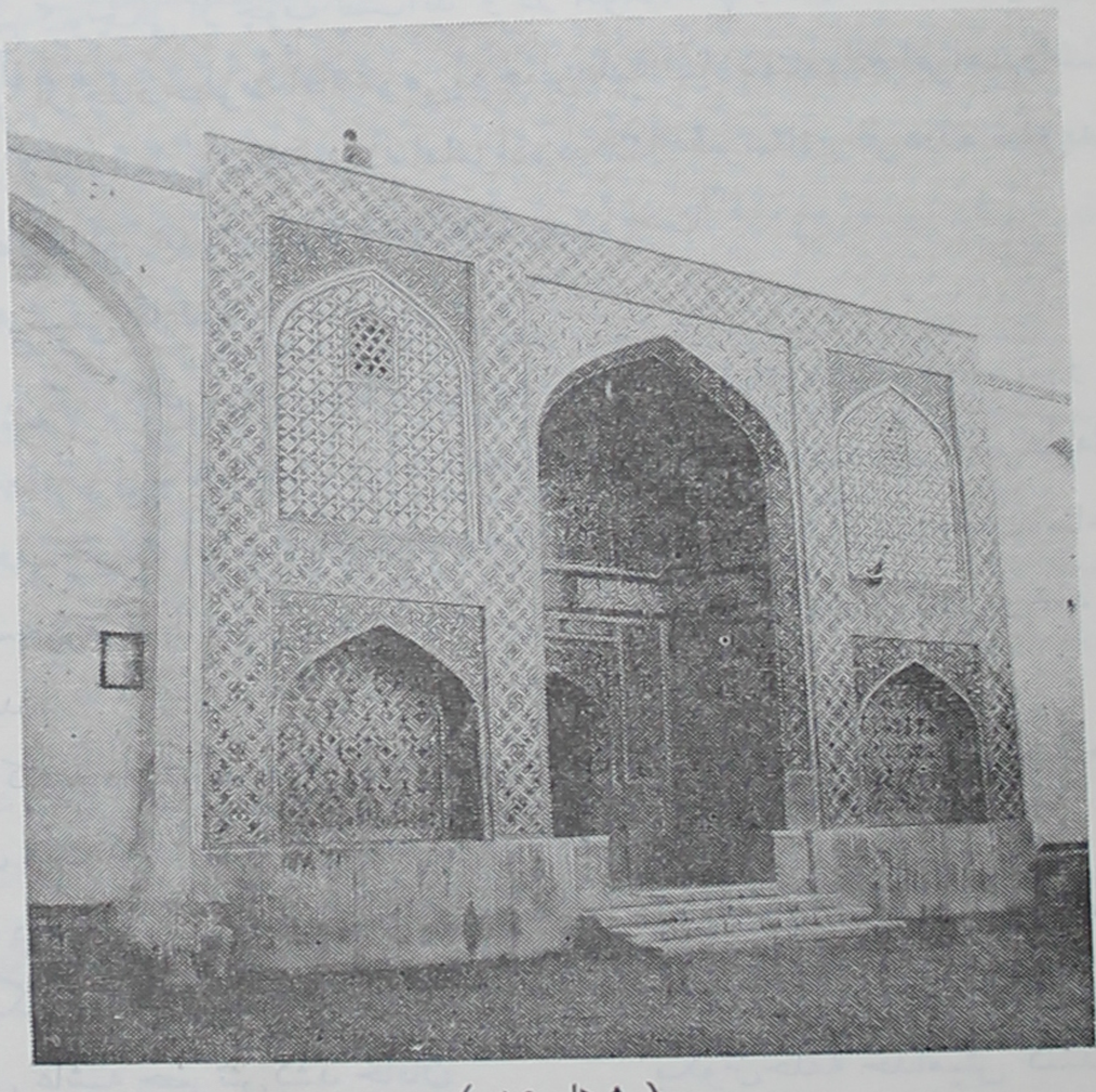
۱۱- کتیبه‌زیر طاق‌مرقد در دوسطر، در سطر اول بخط کوفی‌طلائی‌برزمینه کبود : «یاسبحان» «یاحنان» « یا منان» «یابرهان» نقش‌شده ودرسطر دوم بخط ثلث

طلائی رنگ برزمینه کبود این اشعار درج شده است:

« نظام یافت بنام خدای عالمیان
عمارتی که بود رشك روضه رضوان »
« بنزد طاس زر اندود و چتر این گنبد
مرقعی است کبود این رفیع‌شادروان »
« زرشك شمسه این هشت طاق ونه منظر
چو ذره شمسه خورشید گشته سرگردان »
« نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر
برای زینت این‌بقعه جام جاویدان »
« بیمن همت زین العباد و دولت شاه
بهشت روی زمین‌گشت ملك اصفاهان »
« بعهد فقد جهانشاه آن ابوالفتحی
که کرد نام خدایش محمدی سلطان »
« بروج قصر جلالش از آن رفیعتر است
که تیر وهم رسد بروی از کمان گمان »
« اجل بدست خودش داد تیغ و زد بر پای
کسی که کرد سرافراز شمس عالمیان »
« اگر ز دنیی دون شمس‌الدین محمدرفت
جلال میر صفر شاه باد در دوران »
« تمام گشت بفضل مفتح الابواب
بسال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان »

۱۲ـ کتیبه صحن شرقی درب امام دردوردیف بخط بنائی است. ردیف اول بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری شامل صلوات برچهارده معصوم و ردیف دوم بخط بنائی مشکی برزمینه آجری چنین‌است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر ولا »
« حول ولاقوة الابالله العلی العظیم . شهدالله انه لااله الاهو و الملئکة واولوالعلم »
« قائماً بالقسط . » وحاشیه پشت بغل‌ایوان ورودی صحن‌شرقی بخط بنائی با کاشی لاجوردی برزمینه کاشی سفید ابتدا آیةالکرسی وپایان‌آن چنین است :
« والصلوة والسلام علی‌محمدالمصطفی سیدالمرسلین و حبیب‌اله العالمین »
« ۱۲۰۶ » این‌کتیبه میرساندکه دراوائل‌قرن سینزدهم درصحن‌شرقی تعمیری‌بعمل آمده است .   (ش۹۰)



(شکل ۸۹)

۱۳ ـ کتیبه سنگاب مجاور درب امام بخط نستعلیق برجسته برسنگ‌پارسی باین‌شرح خوانده میشود :
« وقف حضرت امام حسین‌علیه‌السلام نمودند این سنگ را ورثه مرحوم »

«حاجی حیدر باین شروط که در امامزاده زین العابدین درجنب خانه کمتر بنان باشد»
« بتاریخ غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۷ » .

بیشتر این کتیبه‌ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است[۱]
این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۱۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۸ـ امامزاده دوقلی :

این امامزاده درکنار خیابان شاه‌عباس کنونی واقع وبقعه محقری دارد که در آن ضریح کوچکی از چوب نصب‌اند و در افواه اشتهار داردکه مدفون در آن بقعه دوتن ازاحفاد حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام بنامهای ابراهیم واسماعیل میباشند. آنچه معلوم است اینکه امامزاده در کنار قبرستانی از دوره صفویه قرار داشت که بتدریج تبدیل بخانه وخیابان گردیده است[۳] .

۹ـ ستی فاطمه :

این بقعه واقع‌است درمحله چهارسوکوچك و دارای مقبره و ضریح و صحن است ومعروف اینکه مدفون درآن فاطمه صغری دختر امام موسی کاظم علیه السلام می باشدولی حقیقت امر معلوم نیست وصحت گفته‌عموم‌محرز نگردیده‌است. ساختمان بقعه وصحن مربوط بدوره صفویه وجمعی ازبزرگان آن زمان درصحن وبقعه مزبور مدفونند .

کتیبه داخل بقعه دراطراف گنبد آن بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعاری است که راجع بینای بقعه سروده شده است :

« بعهد دولت شاه زمانه فتحعلی — که بنده دراو هست پادشاه مثال »
«خدایگان سلاطین روزگار که‌هست — بحضرتش الف قامت‌شهان چون‌دال »
« بدوش غاشیه حضرتش کشد خاقان — بگوش‌حلقهٔ خدامیش کنند جبال »
« بنام او چه قضا خواند آیت شاهی — ببام چرخ برافراشت رایت‌اجلال »
« یکی زجمله غلامان نیك بنیانش — که درزمانه ندارد بحسن‌حال همال»

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۳۴۱ تا ص۳۵۳ ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۹ ۳ـ تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

« ستوده رای و خجسته نهاد و پاک سرشت — نکو طویت و خوش فطرت و حمیده خصال »
« سپهر جاه محمد علی که از ره قدر — نهاده پای بفرق فلك زعز و جلال »
« بلند مرتبه خانی که تیغ نصرت او — نموده است زخون چهره عدو را آل »
« مه سپهر نظارت که آفتاب کند — ز نور ناصیه‌اش اکتساب بهر جمال »
« بنا نهاد بنائی رفیع و مستحکم — در اصفهان که مبادش زحادثات وبال »
« برای فاطمه بضعهٔ امام انام — امام هفتم منظور قادر متعال »
« زهی خجسته بنائی که قبهٔ گردون — بر ش چه نقطه موهوم پیش وهم و خیال »
« تمام خیل ملك بال خویش گسترده — بجای فرش در این بقعهٔ فلك تمثال »
« بیمن دولت شاهی وسعی و همت خویش — بنا رسید بانجام مدت یك سال »
« رقم زد از پی تاریخ خامه طالع — « باین سپهر نهانست مهر اوج کمال »

۱۲۴۲

که حاکی است محمد علی خان که از بزرگان و درباریان بوده این بنا را درمدت یکسال ساخته است و شاعر شعر آن طالع ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده است.[۱]

قبوری باسنگ لوح ازشاهزادگان صفویه مربوط بتاریخ‌های ۱۰۴۱ و ۱۰۶۲ درمجاورت ستی فاطمه قرار دارد و مجموع این بناها بموجب شماره ۲۲۲ به ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۱۰- شاه زید :

این امامزاده که اورا زید بن علی بن الحسین علیه السلام میخوانند درشرقی ترین نقطه محله تر واسکان اصفهان واقع و دارای تزیینات کاشیکاری جالب میباشد. کتیبه‌ایکه بردر مقبره کنده شده بوده قسمت اول آن بعلت تبدیل در از میان رفته ولی قسمت آخر آن چنین است :

« بر آستانه مقدس منور شاه زید بن امام علی بن الحسین رقم صحیفی جویمری ۹۹۴[۳]. » که حکایت دارد درمزبور در زمان سلطنت سلطان محمد خدا بنده صفوی

۱- نقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۲ ۳- تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

ساخته شده و در قسمت بالای سکوی راست سر در مقبره لوح سنگی سیاه رنگی بشکل مثلث ببلندی ۲۵ سانتیمتر از سطح سکو بر دیوار نصب شده که کتیبه آن بخط ثلث چنین است :

« امام مفترض الطاعة امام رضا علیه الصلوة والسلام. توفیق یافت بتعمیر این »
« آستان منوره متبرکه شاه زید درزمان دولت سلطان اعظم و خاقان اکرم مالك »
« رقاب الامم سلطان العرب والعجم شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان»
« خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین عدله وبره این اقل عبادالله الملك المنان»
« الجمیل الجلیل الوهاب خادم المعصومین میرزا طالب المشتهر بباغانی معزالدین »
« محمد فی تاریخ سنة سبع وتسعین بعدالالف من الهجرة النبویة والصلوة والسلام»
« علی محمد وآله اجمعین کتبه محمد محسن الامامی. [1] »

این کتیبه حکایت میکند که در زمان شاه سلیمان صفوی معزالدین محمد مشهور به میرزا طالب باغانی آستانه امامزاده شاه زید را درسال ۱۰۹۷ هجری قمری تعمیرکرده است وکاتب آن محمد محسن امامی بوده است . و اما جمله‌ایکه درصدر کتیبه نوشته شده :

« امام مفترض الطاعة امام رضا علیه الصلوة والسلام »گمان میرود که عبارت اینطور بوده « یا امام مفترض الطاعة امام رضا علیه السلام» وحرف ندا یادرکتیبه محو شده یا درقرائت درنظر نیامده است والاجمله مزبور حشو وزائد خواهد بود .

درایوان سمت راست مقبره برلوح سنگی سیاه رنگ به‌درازای ۱٫۵۵ متر وپهنای ۴۲ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته این اشعار حجاری گریده است[2] :

« الحکم‌لله تعالی وتقدس »

« محمد رضا خادم شاه زید	گرفت از جهان گوشهٔ انزوا »
« به ذکر خدا متصل شاد بود	بمهر علی کرد نشو و نما »
« بآخرچو دلسرد شد از جهان	بفکر خود افتاد بی انتها »

۱و۲- نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۹۰ تا ص۳۹۱

« چو اتمام کرد این بنای بخیر ز کروبیان آمدش مرحبا »
« پس آنگه بنا کرد سردابهٔ که بعد از حیاتش بماند بجا »
« هر آن کس که دید آن بنا را بگفت خدا از تو راضی محمد رضا »

درحاشیه سنگ مزبور نیز این اشعار بخط نستعلیق برجسته کنده شده‌است :

« ابن ملا کرم علی از صدق چاکر مؤمنان شاه و گدا »
« خدمت شاه زید از دل و جان سالها کرد از اشد رضا »
« هم خدا ورسول و خلق جهان از محمد رضا شدند رضا »
« چون محب علی و آلش بود جای خود ساخت جنة‌المأوی »
« چون دخیل امام ضامن شد گشت تاریخ او : (امام‌رضا) »
۱۰۸۳

این کتیبه دلالت بر این دارد که محمد رضا درسال یکهزار وهشتاد وسه هجری موفق باتمام بنای مورد نظر گردیده است .

در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آنجا نقل شده برای اینکه این تاریخ با تاریخ فوت محمد رضا اشتباه نشود درحاشیه نوشته‌اند[1] :

« تاریخ وفات محمد رضاخادم بقعه شاه زید درجای دیگری ازسنگ یادبود فوق‌الذکر بعداً باین شرح حجاری شده است : (« تاریخ وفات مرحوم مغفور آقا محمد رضا فی‌سنه هزارونود وهفت .»

این‌بقعه تاریخی بموجب شماره ۲۹۴ به ثبت تاریخی رسیده است [2].

۱۱- شاه سید علی :

بقعه شاه سید علی که اورا از احفاد امام زین‌العابدین علیه‌السلام میدانند دریکی ازکوچه های جنوبی خیابان شاه عباس واقع وچنین‌شهرت دارد که صاحب بقعه برادر شاه زید میباشد . بقعه آن از خشت خام ساخته شده و در داخل آن ضریح آهنی کوتاهی است که سه قبر در آن قرار دارد و قبر میانی مربوط بشاه

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۱.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

سید علی مزبور است . در سالها پیش در اطراف امامزاده قبرستان بزرگی بود که بتدریج تبدیل بساختمان گردید.(۱)

۱۲- امامزاده شوری:(۲)

این امامزاده در محله دردشت واقع و بامامزاده شوری و امامزاده عبدالله معروف و درمقابل آن مسجد شوری قرار گرفته است . درون امامزاده کتیبه‌ای ندارد ولی برنمای خارجی یکی ازجرزهای آن لوح سنگی بردیوار نصب است و کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته منظوم بشرح زیردارد :

« هرکه را اخلاص او با جعفر و باقر بود
اعتقاد او بآل مصطفی ظاهر بود »
« آنکه او با سید عبدالله دارد دوستی
لطف رحمن و رحیمش مونس خاطر بود »
« یا محمد یا علی شیخ ابوالقاسم که او
با امیرالمؤمنینش دوستی وافر بود »
« شد زسعیش نقش‌این تاریخ بردیوار برج
تا نشان و یادگار او در این جابر بود »
« سال‌تاریخ ازپی این لوح جستم عقل‌گفت:
« سید عبدالله ز نسل جعفر باقر بود »

کتیبه مزبور دلالت براین‌داردکه سنگ‌لوح امامزاده عبدالله ازنسل‌جعفربن محمدالباقر بوسیله شیخ‌ابوالقاسم نامی‌که ازدوستداران ولایت علی‌علیه‌السلام بوده درتاریخ هزارونودویك هجری درزمان شاه سلیمان نصب‌گردیده است .

۱۳ ـ امامزاده موسی :

این امامزاده دراول محله جوزدان درکنار خیابان دروازه تهران قرارگرفته است ومورد احترام عموم است .

۱- تاریخچه محله خاجو ص ۶۵ .   ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۲ .

۱۴ - امامزاده میرحمزه :

این امامزاده درمحله فرسان درقسمت شرقی خیابان سروش قرارگرفته وجزءِ قبرستانی مربوط بعهد سلاجقه ببعد بوده که دراین اواخر تسطیح وبتدریج تبدیل بخانه وعمارات مختلف گردیده است . از عمارت امامزاده درزمان اخیر با نظارت اوقاف تعمیرات کلی بعمل آمده است[۱] .

۱۵ - هارون ولایت :

این امامزاده درمحله میدان کهنه اصفهان و روبروی مسجد علی ومناره آن واقع گردیده است و بنای اولیه آن مربوط بزمان سلاجقه است که سنگ بت سومنات را درآستانه مدرسه آن انداخته اند. درنسب این امامزاده ونژاد اواختلاف زیاد وجود دارد برخی انتساب اورا بخاندان نبوت و ولایت مورد تردید قرار داده واحتمال داده اندکه از بزرگان یهود باشد ولی اغلب نویسندگان وطبقات عامّه تقریباً انتسابش را بخاندان رسالت و ولایت محرز میدانند ودرکیفیت انتسابش اختلاف دارند . مؤلف میزان الانساب[۲] معتقد است که او هارون بن علی از اولاد و احفاد حضرت هادی امام دهم میباشد. بعضی هم گفته اند:[۳] هارون بن محمدبن زیدبن الحسن و دسته دیگری او را هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام دانسته اند[۴] و احتمال میرود او هارون بن اسحاق کوکبی ابن حسن بن زیدبن الحسن علیه السلام باشد[۵] . در تاریخ سلطانی نوشته که[۶] او هارون بن محمدبن احمدبن جعفربن هارون بن امام موسی(ع) میباشد .

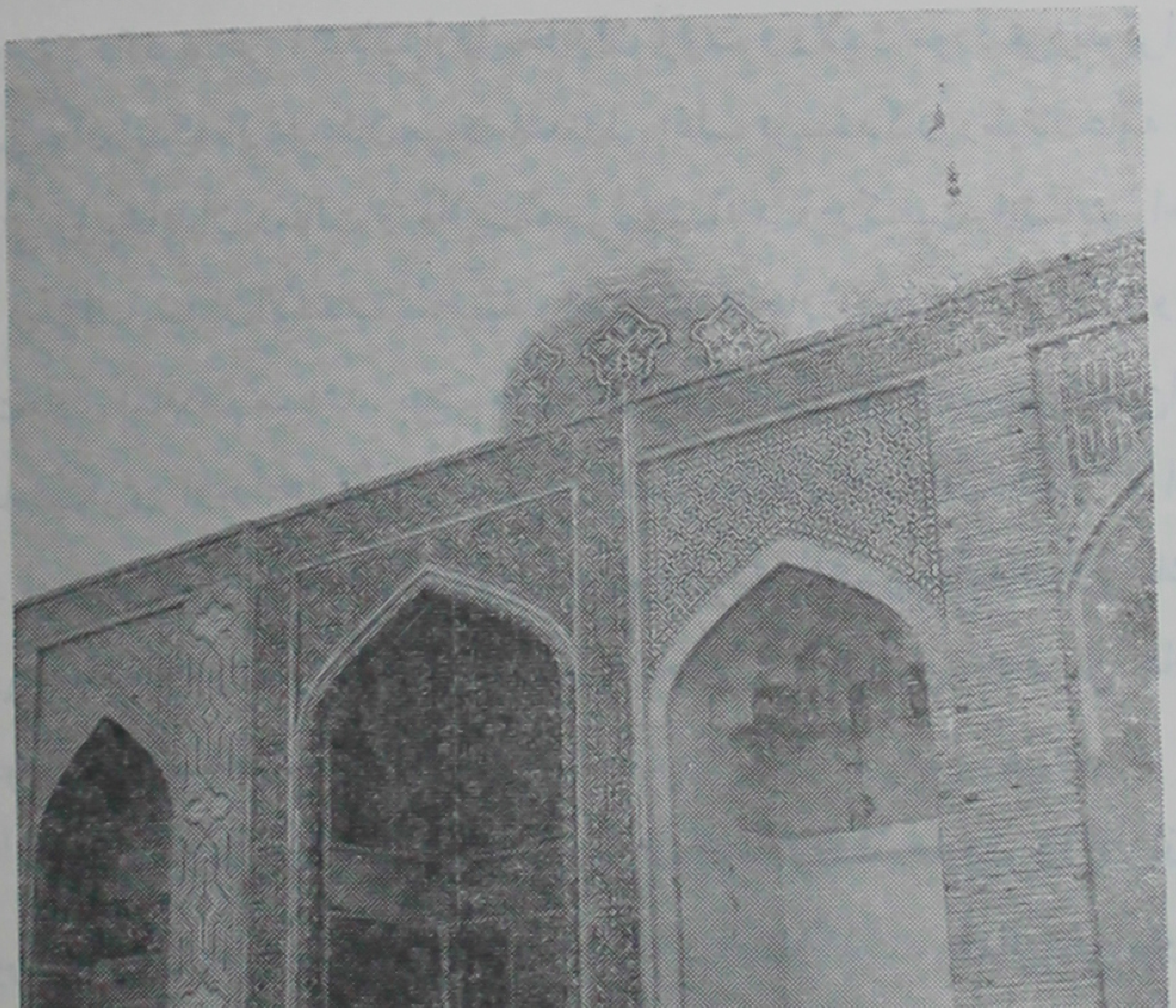
بنظر نگارنده با احترامی که در ادوار گوناگون از هارون ولایت از طرف سلاطین وبزرگان ومردم بعمل آمده وبااینکه دراعصارگذشته علمائی هم بوده اندکه اگر شایعه ای را برخلاف واقع تشخیص میدادندمردم را ارشادمیکردند وچنین مطلبی هم واقع نشده است و روز بروز برتجلیل وتکریم آن افزوده شده است پس انتساب او

۱ـ تذکرة القبورچاپ دوم ص یو .　۲و۳و۴ـ میزان الانساب ص ۴۷.

۵ـ منتهی الآمال ص ۲۶۳.　۶ـ رجال اصفهان ص ۱۹۲ .

بخاندان ولایت محرزمیگردد و چون اغلب امامزادگانی که در اصفهان مدفونند از احفاد امام موسی کاظم میباشندکه درهنگام ولایت‌عهدی حضرت امام‌رضا علیه‌السلام بایران آمده‌اند میتوان گفت که اختیار قول باینکه هارون‌بن موسی علیه‌السلام یا هارونی که از تاریخ سلطانی نقل شد و به‌هارون‌بن موسی میرسد درآنجا مدفون است مصاب باشد . این امامـزاده دارای صحن وسیعی است که در وسط آن حوضی ساخته شده وسردر کاشیکاری بسیارزیبا مربوط بزمان شاه اسماعیل صفوی اول دارد که مورخ بسال ۹۱۸ هجری قمری میباشد .

نوشته‌ها وکتیبه‌هائی درهارون ولایت موجود است‌که آنچه مربوط بمدرسه میشود درشرح مدارس ذکرگردیده است وآنچه باامامزاده ارتباط دارد دراین مورد شرح میگردد : (ش ۹۰)



(شکل ۹۰)

۱ـ کتیبه سر درهارون ولایت بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسمه تیمنا بذکره قداتفقت عمارة دارالولایة ومشهد قبلةالاسلام بمیامن »
« فیض بحروجودجده العلی الذی قال النبی فی شأنه انت منی بمنزلةهارون من موسی »
« علیهم السلم فی ایام خلافة والی لواء الولایةفی الافاق مالك سریر الخلافة بالاستحقاق »
« الغازی المجاهد فی سبیل الله بقاطع البرهان ناصرالمؤمنین ابی المظفر السلطان »
« شاه اسماعیل بهادرخان لازال ابواب الخیرات بعمیم لطفه مفتوحةواقطارالارض »
« بانوارمعدلته محصورة والامصاربسعی معمار احسانه معمورة والبانی بعین عنایته »
« ملحوظاًوموفقا للحسنات وکان سعیه مشکوراً کتب فی اوایل شهرربیع الاول من سنة »
« ۹۱۸ . » دربالای کتیبه مزبور یك اسپرکاشیکاری وجود دارد ودرلوحه‌های اطراف آن بخط ثلث حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی صلوات بردوازده امام مکتوب است ودر یك لوحه در ورودی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این شعرکه حاکی ازنام بانی ساختمان است خوانده میشود :

« باقبال خان دورمش کامکار — بماند ازحسین این بنا یادگار »

ونیز درمیان دو پشت بغل نمای خارجی سردر بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی دریك شکل چهارگوش اسامی : الله ـ محمد ـ علی نوشته شده است . ودر دو طرف در چوبی سردر بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی در دو لوحه چنین خوانده میشود :

« که شد درب هارونیه اینسان تمام — بود روضهٔ آل خیرالانام »

ونیز در زیر هلال دراین بیت دیده میشود :

« درگاه توقبله گاه جان است — محراب زمین و آسمان است »

درمیان اسپرچوبی بالای درورودی بخط نستعلیق فرورفته مشکی این اشعار نقاری شده است :

« درب مسجدهارون پورموسی جعفر — آنکه جبرئیل آید بردرش بدربانی »

«گشته بود مستعمل تا که همت مرشد طرح تازه از نو ریخت بهر درب آنی»
«چون تمام شد شوقی گفت بهر تاریخش: «مرشد آمده دردم از برای دربانی»
سنه ۱۳۳۰

کتیبه فوق حاکی است که مرشد نامی درب مستعمل هارون ولایت را درسال ۱۳۳۰ قمری تعویض کرده ومیرزا ابوالقاسم شوقی اصفهانی اشعاری که ذکر شد در اینباب و تاریخ آن سروده است. درفرد دوم شعر ماقبل آخر درجمله «بهر درب آنی» نکته‌ای است وظاهر اینستکه کلمه «آن» بعداز «درب» افتاده است واگر کلمه درب اضافه شود چنین میشود: «طرح تازه از نو ریخت بهر درب آن آنی».

۲ ـ بالای سکوی راست سردر تاریخی کتیبه‌ایست بخط ثلث و نستعلیق که بریك لوح سنگی مرمری کوچك نوشته شده وآن چنین است:

«بتاریخ یوم السبت ۱۹ شهر شوال سنه ۹۴۶ استاد قاسم علی بن علی ... بقال»
«هشت اصله درخت وسك بردرمزار شریف حضرت امامزاده بحق امامزاده هارون»
«ولایة علیه تحیة والسلام نشانیده وقف آنجا نمود تقرباً الی الله تعالی.»

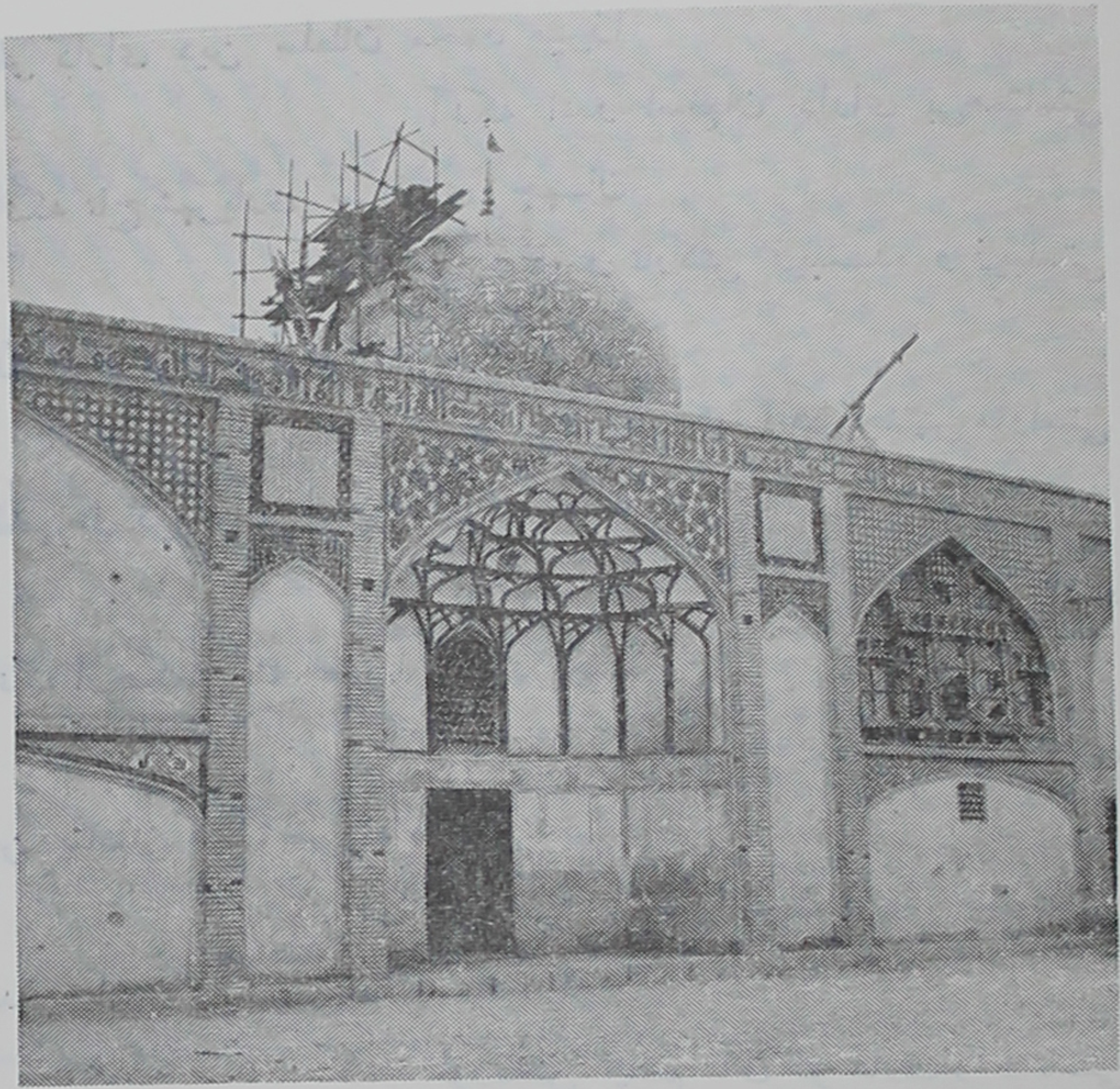
«هرکه خواند دعا طمع دادم زآنکه من بندهٔ گنه کارم»

ودردوطرف لوح مزبور بخط نستعلیق دومصراع باین شرح خوانده میشود:

«آنکه پاینده و باقی است خدا خواهد بود» «دنیا نکند وفا تو خوش باش»

۳ ـ کتیبه قاعده گنبد رواق که تجدید ساختمان شده وبخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی شامل اشعاری بزبان فارسی است بشرح زیرخوانده میشود:
(ش ۹۱)

«در زمان دولت خاقان داود اعتبار
کو سلیمان وار در این دور دین آراستی»
«صاحب انفاس زوح و حامی شرع حبیب
آنکه بد خواهش بفطرت قائل یکتاستی»
«داور دنیا و دین شاهنشه صاحب قران
آن سکندر حشمتی کاندر جهان داراستی»



(شکل ۹۱)

« نامور فتحعلی شاه آنکه از عدل و عطا
ماحی آثار حاتم کاسر کسر استی »
« آنکه اندر ماتم اسباط پیغمبر مدام
دیدهٔ حق بین او پیوسته خون مالاستی »
« سروری کرداین بنای کهنه رانو درجهان
کز سخا وجود او مشهور در دنیاستی »
« آنکه آمد نامور او از محمد وز علی
خان ذیشانی که از او این بنا برجاستی »

« ناظر دارای دین سلطان محمد میرزا

آنکه اندر اصفهان دارای بی‌همتاستی »

« آنکه تاج شهریاری سرافزای جهان

بر همایون تارکش زیبنده و زیباستی »

« آنکه او پرورده صدر جهان آرا بود

صدر ذیقدری که اندر جنتش مأواستی »

« مفخر اهل کرم حاجی حسین‌خان زیب ملک

کاصفهان تاهست از آن آن خطه رو آباستی »

« آنکه ازحکمش بنا حصن امان اندر نجف

آنکه از امرش قضابانی، قدر بناستی »

« این بنادانی کجا؟ خرگاه هارونی بود

کز علو مرتبت چون قبهٔ خضراستی »

« مدفن هارون بن موسی که خاك درگهش

نوربخش چشم آن کو عارف و داناستی »

« بقعه هارونی است و نور دست موسوی

از جبین پاسبانان درش پیداستی »

« این نه آن هارون که موسی را برادر بوده است

موسی اندر ماتمش در گریه وغوغاستی »

« . . . .

ظاهر . . . . »

« هست آن هارون که نوح ازماتم اودرجهان

دیدهٔ خون بار در دریای طوفان زاستی »

« هرکه شمعی دید روشن اندراین خرگاه گفت

آتش موسی عیان از سینهٔ سیناستی »

«ساکنان عرش اعظم برفرازش گفته‌اند
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی»
«با حوارییں ملائك بردرش گرد آمدند
سر بسر گفتند با هم منتظر عیساستی»
«بضعهٔ موسی درین مدفون و عیسی در فلك
گوید اینك آفتاب از مشرقش پیداستی»
«سال اتمامش رقمزد کلك هادی بر ورق
«کعبهٔ دین بقعه هرون بن موسی ستی»

کتیبه منظوم مزبور حکایت میکندکه درسلطنت فتحعلی‌شاه‌قاجار و صدر- اعظمی حاجی محمد حسینخان صدر اصفهانی بوسیله شاهزاده سلطان محمد میرزا در بقعه هارون ولایت تعمیراتی انجام گردیده است و تاریخ این‌تعمیر سال ۱۲۳۷ هجری قمری بوده وشاعر اشعار مزبور هادی تخلص داشته است.

۴ـ در ارتفاع دو متری از سطح بقعه این اشعار بخط نستعلیق برجسته در الواح جدا جدا گچبری شده است :

«بدور قدوه ارباب‌فضل و فخر صدور — جهان قدروسپهر جلال ومشرق‌نور»
«خجسته نظم اوضاع عالم کز عدلش — سراب فضل چوگلزار خلدشدمعمور»
«زبس تکثر انعام خلق نزدیکست — که جود او کرم آز را کند منشور»
«نفاذ معدلتش برتر از . . . . . — گهی که عدل‌تو‌امضاءکندزهی‌دستور»
«وحید ازمنه نواب میرزا مهدی — که نور جبههٔ اومهررا کند مستور»
«بجهد بانی از متقین عقبی دار — بسعی ساعی از مؤمنین دنیا دور»
«بدیع سعی‌محمد شفیع مؤمن‌محض — محب خالص حق‌عبد خاص‌رب غفور»
«نهفت چهره زنور مرمت آیت‌حزن — شکفت‌غنچه‌تصویر نقش وشدمشهور»
«بقبهٔ که دراونیست جز فلك خادم — بروضهٔ که‌دراونیست جزملك مزدور»
«چه‌قبر تازه‌سپهری‌است‌درجهان خدای — براو صلوة وتحیات حق‌شده موفور»

« خرد چه‌صورت اتمام یافت تعمیرش   که رافع‌الم‌ازراه غیبت‌است‌وحضور »
« بدیهه گفت بتحسین‌کار و تاریخش :   « زهی‌منیع‌بناکان سعیهم مشکور»
(۱۰۶۶)
« هزار رحمت حق‌بر کسی که‌همت‌را   شود بفاتحهٔ یاور و کند مسرور »
« کتبه محمدرضا الامامی »

کتیبه منظوم حاکی است‌که بهمت نواب میرزا مهدی ومحمد شفیع که از صدور فاضل‌وعالم وکثیر الجودبوده‌اند بقعه‌هارون ولایت درسال ۱۰۶۶ هجری‌قمری که مصادف با سلطنت شاه‌عباس دوم بوده تعمیر گردیده است.

۵ـ کتیبه گردنه‌گنبدبر نمای خارجی‌آن بخط بنائی‌مشکی برزمینه‌فیروزه‌ای باکاشی نره سوره الفتح خوانده میشود.

۶ـ کتیبه سر درشرقی دربالای‌پنجره‌مشبك آهنی درحاشیه بخط ثلث‌حنائی معرق برزمینه کاشی لاجوردی اسامی چهارده معصوم و در متن آن عبارات زیر خوانده میشود:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله. انا مدینة‌العلم وعلی‌بابها وانت منی‌بمنزلة ـ»
« هارون من‌موسی.» ودر ذیل مقرنسهای ایوان‌کتیبه‌شده: «عمل عمادالدین بناءِ».

۷ـ کتیبه نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

« چون توفیق سبحانی وتایید رحمانی شامل حال هر بنده‌گردد او را موفق»
«باعمال خیریه میگرداند لهذا طایف بیت‌الله‌الحرام خیرالحاج والمعتمرین سمی »
« سادس ائمة المعصومین توفیق یافت ببناء این بناءِ کانه بنیان مرصوص و اهتمام»
« درانجام آن‌فرمود . کتبه‌الاثیم محمدتقی‌ابن‌محمد ابراهیم‌فی‌سنة تاسع‌والعشرین»
« وثلثمائة بعدالالف. بانی حاجی جعفر. معمار نصرالله. بناءِ حسنعلی.»

۸ـ کتیبه سنگاب واقع در دالان میان صحن ورواق بقعه مشتمل برشش‌لوح کوچك چنین است:

« وقف جناب سید الشهداء نمود محمد حسین‌ابن مرحوم آقا مسیح این »

«سنگ آبرا بلعنت خدا گرفتار شود بیرون برنده بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۱».

از قسمتهای تاریخی و جالب هارون ولایت طاوسهای سردر اصلی است که بی اندازه شیوا و جالب و از جمله جواهر گرانبها محسوب میگردد. کتیبه های مذکور راجع به هارون ولایت ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱) اتخاذ گردیده است. این اثر باستانی بموجب شماره ۲۲۰ بثبت تاریخی رسیده‌است. (۲)

یط - بقاع تاریخی شهر اصفهان:

۱- بقعه بابا قاسم:

این بقعه واقع است در طرف غرب خیابان کنونی هاتف در حدود پانصدمتر دورتر ازمسجد جامع‌عتیق درکوچه باباقاسم ودرمجاورت مدرسهٔ باباقاسم ودرب بقعه روبطرف‌شمال ودارای قطاربندی وکاشیکاری بسیارشیوا وزیبامیباشدوبقعه‌مزبورطبق کتیبه تاریخی بوسیله سلیمان بن شرف الدین ابی الحسن طالوت دامغانی درسال ۷۴۱ هجری ساخته شده است. داخل وخارج بقعه دارای تزیینات آجری‌وکاشیکاری است. گنبد آن هرمی‌شکل وهشت ترک وبرهرترک آن یکی از اسماء الله نوشته شده‌است تاریخ زندگی ووفات باباقاسم معلوم نیست ولی آنچه مسلم است درتاریخ ۷۲۵ هجری که مدرسه باباقاسم معروف بمدرسه امامیه برای باباقاسم ساخته‌شده حیات داشته ودر ۷۴۱ هجری قمری که‌بقعه او ساخته شده وفات یافته بوده است پس‌میتوان‌گفت‌محمد معروف به‌باباقاسم ازعرفا وصلحای ربانی وصمدانی‌قرن هشتم هجری بوده است‌که پس ازوفات یکی از مریدان ودوستدارانش بنام سلیمان بن ابو الحسن شرف الدین طالوت دامغانی بقعه وعمارتی شایسته برمزار او بنا کرده است‌واینکه‌درکتاب تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان (۳) وگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان (۴)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۶۰ تاص ۳۶۹.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۲.
۳- تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص ۱۵۲.
۴-گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص‌۳۱۱.

کتیبه سردررا: «بتوفیق‌الله‌الفرد بلاثانی‌وهمة ولیه الربانی القطب الصمدانی محمد»
« بابا القسم الاصفهانی فی هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان ابی الحسن »
« طالوت الدامغانی» نوشته وسلیمان وابی الحسن و طالوت را یک‌شخص دانسته‌اند
اشتباه صریحی است بدو دلیل: دلیل اول اینکه در کتیبه هلال محراب تصریح
گردیده[1]. «سلیمان‌بن‌الصاحب السعید شرف‌الدین‌ابی الحسن‌بن طالوت‌الدامغانی».
دلیل دوم اینکه اگر درعبارت: « تشرف العبدالجانی سلیمان ابی الحسن الطالوت»
« الدامغانی » ابی الحسن کنیه سلیمان بود باید مقدم بر اسم باشد و ثانیاً اینکه
باید ابو الحسن خوانده ونوشته شود وابی الحسن نوشتن آن دلیل براینستکه بعد
ازسلیمان‌لفظ (ابن) افتاده وابی الحسن‌که مضاف‌الیه ابن بوده باقی‌مانده است و در
اصل چنین بوده: «تشرف العبدالجانی سلیمان‌بن ابی‌الحسن‌بن الطالوت‌الدامغانی»
پس‌محرز گردید که‌بانی‌مقبره‌خواجه سعدالدین‌سلیمان‌پسر‌شرف‌الدین ابوالحسن‌بن
طالوت دامغانی بوده است . (ش ۹۲)

کتیبه‌های آرامگاه باباقاسم بردوقسم است‌کتیبه‌های تاریخی وغیر‌تاریخی:

۱ـ کتیبه تاریخی سردر حاکی از تاریخ بنای بقعه بخط ثلث با کاشی سفید
معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

« بتوفیق‌الله الفرد بلاثانی وهمة‌ولیه‌الربانی القطب‌الصمدانی محمدباباالقسم»
« الاصفهانی فی اتمام هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان‌بن ابـی الحسن‌بن »
« الطالوت الدامغانی فی‌شهر سنة احدوالاربعین وسبعمأته.»که حاکی است سلیمان
بقعه را درسال ۷۴۱ هجری‌قمری بنا کرده است.

در چهار لنگه‌های مقرنس سردر مقبره بخط بنائی با کاشی معرق لاجوردی
برزمینه آجری درهر‌لنگه کلمه الله ودر میان سردرکلمه محمد نوشته‌شده‌است، و
در نمای مقابل سر در بخط بنائی آجری بر زمینه کاشی فیـروزه‌ای نوشته شده :
الحکم‌لله ـ الملک‌لله. در وسط مقرنس بخط بنائی باکاشی سفید بر زمینه لاجوردی

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۳۱۳ .



(شکل ۹۲)

جمله: العظمة‌لله خوانده میشود.

دربالای درچوبی بقعه درشش شمسه بخط ثلث برزمینه لاجوردی اسامی : الله ـ محمد ـ ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی خوانده میشود ولی کاشیهای شامل نام ابوبکر وعمر وعثمان شکسته شده است .

۲ـ کتیبه تاریخی تعمیر گنبد واقع درقسمت فوقانی نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« توفیق یافت عزت آثاری آقازمان بن آقاجمال میوه‌فروش درتعمیر گنبد عارف معارف سبحانی باباقاسم اصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۴ کتبه محمدرضا » الامامی . »

۳ـ کتیبه هلال بالای محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« امر ببناء هذه العمارة المخصوصة بالروضة المتحلیة بالنضارة المتکی علی »
« و سادة الامارة والوزارة المشرف بحلیة الصدارة المتحیر فی وصفه الاشارة والعبارة »
« مدبر امور الجمهور بنور البصارة الخواجه سعدالحق والدین سلیمان بن الصاحب »
« السعید شرف الدین ابی الحسن بن طالوت الدامغانی زید جلال قدره من خاص ماله »
« الحلال احتسابا لله الملک المتعال . » که حاکی است خواجه سعدالدین سلیمان بن شرف الدین ابوالحسن بن طالوت دامغانی که از وزارت وصدارت بهره‌مند بوده محراب را ساخته است .

۴ـ کتیبه لوح سنگی منصوب برقسمت فوقانی پنجره مشبک دیوار شرقی سر در شامل دوحاشیه ویک متن :

عبارات حاشیه شامل صلوات برچهارده معصوم است و متن آن چنین خوانده میشود :

« بسم الله الرحمن الرحیم. سلام علی آل یس انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس »
« اهل البیت ویطهر کم تطهیراً وسقاهم ربهم شراباً طهوراً. قال النبی صلی الله علیه وسلم »
« الا و من مات علی حب آل محمد . العبد صاحب الخیرات الفقیر علی بن »
« عوض بن . . . . . . »

۵ـ کتیبه لوح سنگی دیگر منصوب برقسمت فوقانی دیوار شرقی سردر بخط نستعلیق برجسته باین شرح است :

« وقف صحیح شرعی اسلامی خود گردانید آقای هادی پاشنه ساز ولدمرحوم
« آقا مهدی تمامت حصه ورسدی خودرا از اسباب وافزار مچه شترقربانی که باو »
« میرسد بر باباقاسم که هرساله آنچه عاید میشود بمصارف بابا قاسم برسد سنه »
« ۱۲۲۹ » .

در داخل بقعه سنگ قبرقدیمی وجود دارد که اسامی چهارده معصوم برروی آن کنده شده وبرجانب غربی آن بخط ثلث برجسته چنین ثبت است :

« وفات مرحمت ومغفرت پناه الواصل الی رحمةاله تعالی پهلوان میرزاعلی بن »
« استاد حیدرفوطه باف فی خامس عشرین شهرذیحجه سنه خمس وثمانین وتسعمائة »
و این دو شعر نیز بخط نستعلیق برسنگ نقش شده است :

« چون نامهٔ جرم ما بهم پیچیدند — بردندو بمیزان عمل سنجیدند »
« بیش از همه کس گناه ما بودولی — ما را بمحبت علی بخشیدند »

بیشترعبارات کتیبه ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است[1].
این اثرباستانی بموجب شماره ۱۰۰ بثبت تاریخی رسیده است[2].

۲ـ دارالبطیخ :

این محل که به آن تربت نظام ومدرسه ملکشاه وتکیه پای چنار و مقبره پای چنار ومقبره نظام الملك ودالبتی می گویند و در عرف عوام محل همان دالبتی که مخفف دارالبطیخ باشد خطاب میکنند در محله احمد آباد که در قدیم آنجا را کران مینامیده اند واقع گردیده است .

چون مرکزعمده فروشی میوه وبخصوص خربزه وسبزی اصفهان درآن حدود بوده آنجا را دارالبطیخ میگفته اند وبتدریج تکیه یا مدرسه یامقبره که در زمان قدیم گفته میشد مثلا مقبره دارالبطیخ یعنی مقبره ایکه درنزدیکی دارالبطیخ قرار دارد برحسب کثرت استعمال وبرای سهولت امرفقط دارالبطیخ میگفتند وازکلمه دارالبطیخ مردم همان مقبره را درك میکردند .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۱۰ تا ص۳۱۴ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸.

دراین محل چند سنگ قبر وجود دارد که بعضی از آنها صاحبانشان معین وبرخی دیگر عباراتی بر آنها نقرشده ولی نام آنها معلوم نیست .

۱- یکی از آن سنگها که شهرت دارد مربوط بقبر خواجه نظام الملک است روی آن چنین نوشته شده :

« وقال الله تعالی قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله»
« ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هوالغفور الرحیم .»درحاشیه اطراف سنگ مزبور بخط ثلث برجسته آیة الکرسی وسپس این آیات کنده شده است: «وقوله تعالی شهدالله »
« انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیز الحکیم . »
« ان الدین عندالله الاسلام. قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء وتنزع الملک »
« ممن تشاء وتعزمن تشاء وتذل من تشاءِ بیدک الخیر انک علی کل شیئی قدیر» وقوله »
« فسیکفیکهم الله وهوالسمیع العلیم . ».

و برجبهه فوقانی سنگ گفته شده ایـن کلمات وعبارات بخط ثلث برجسته خوانده میشود :

« واصل گشت بجوارمرحمت وغفران وفایز شد بغرفات جنان وروضه رضوان»
« حضرت مغفرت مآب قیام بصفت رحمة دیان ... المفاخر وافتخارا للاکابرواعاظم»
« الوزراءِ . . . خواجه . . . الملک .»

۲- سنگی است که شهرت دارد مربوط بقبرملکشاه سلجوقی است وآن یکی از سنگهای نفیس مرمری بطول ۱٫۹۸ متر وعرض ۴۳ و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر از ازسطح بقعه میباشد . در بالای این سنگ بخط ثلث بـرجسته سوره اخلاص و در حاشیه نخست بسم الله الرحمن الرحیم وآیة الکرسی و دنبال آن عبارات زیرخوانده میشود :

« قال الله تعالی شهدالله انه لااله الاهو والملائکة و اولوا العلم قائماً بالقسط »
« لااله الاهوالعزیز الحکیم . ان الدین عندالله الاسلام . قل اللهم مالک الملک توتی-»
« الملک من تشاءِ وتنزع الملک ممن تشاءِ وتعز من تشاءِ وتذل من تشاءِ بیدک الخیر انک»

« علی کل شیئی قدیر صدق‌الله العظیم . »

۳ـ سنگ مزار میرعلی‌شهید برنگ قرمز وبطول ۱٫۴۵ متر و عرض ۲۵ سانتیمتر بخط ثلث چنین حجاری شده است :

« هذا قبر المرحوم الشهید افتخار الزمان سلالة الوزراءِ فی‌الاوان الواصل »
« الی رحمة‌الملك‌الولی خواجه جمال‌الملة والدین میرعلی الصاحب‌الاعظم‌المرحوم»
« خواجه . . . وتوفی فی‌یوم‌الثلثا ثالث شوالسنه تسع وخمسین وثمانمأة الهجریة »
« النبویة صلعم . » و دریك لوحه بالای آن‌بخط بنائی برجسته‌کتابت شده :
« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله » .

درپائین‌سنگ مزبوربخط بنائی‌دریك‌لوحه‌کلمه محمد چهارمرتبه‌تکرارشده است. درحاشیه‌آن‌ابتدا آیة‌الکرسی وسپس‌چنین پایان‌میگیرد : « صدق‌الله‌العظیم» «وصدق رسوله النبی‌الکریم خیرالکلام‌کلام‌الله ». و ازکتیبه سنگی معلوم میگردد صاحب قبریکی از وزراءِ قرن نهم و در روز سه شنبه سوم شوال سال ۸۵۹ قمری شهید گردیده ونام اوخواجه جمال‌الدین میرعلی‌بوده است .

۴ـ سنگی‌است مرمری بطول یك متر وپهنای ۲۳ سانتیمتر برروی قبریکی ازمردان زمان بنام محمد مؤمن که درحاشیه آن بخط ثلث اسامـی چهارده معصوم ودرلوحه آن جمله : « الحکم‌لله » ودرپائین آن اشعار ذیل‌حجاری‌گردیده است:

« فریاد ز رفتن محمد مؤمن — کزنخل‌حیات‌خویشتن‌طرف‌نبست»
« جستم زمعمائی دوران تاریخ — ترکیب وی‌ازجزوبمصرع‌پیوست »
«کزباغ اثرندیدوبیرون‌شدطوطی — وزسنگ‌اجل‌دوبال‌ومنقارشکست»

ودرطرف زیرین سنگ بخط ثلث نوشته شده : « فی سابع عشرین رمضان » « المبارك‌سنة ثلاث وعشرین وتسعمائة » که حاکی است محمد مؤمن ناکام در روز بیست وهفتم‌رمضان سال۹۲۳ هجری قمری بدرود زندگی‌گفته است وبرای‌اوعنوان ولقبی ذکرنشده و میرساند که ازمردان عادی بوده است .

۵ـ سنگ سفیدرنگ دیگری بطول۸۰٫ وپهنای ۲۲٫ سانتیمتر وجود دارد

که بربالای آن بخط نستعلیق چنین حجاری شده است :

« وفات جناب مرحمت پناه جمال‌الدین ابن محمدبن عالیحضرت شهریار »

« خاجه صفی‌الدین محمد بتاریخ شهر رمضان سنة ثلاث وخمسین وتسعمائة . » ودر حاشیه آن بخط نستعلیق برجسته‌این اشعار خوانده میشود :

«بلبلی‌خون‌جگرخوردوگلی‌حاصل‌کرد   باد غیرت بصدش آه پریشان دل‌کرد »

« قرةالعین من‌آن میوهٔ دل یادش باد   که خودآسان‌بشدوکارمرا مشکل‌کرد»

« ساربان بار من افتاد خدایا مددی   که امید کرمم همره این محمل‌کرد »

« آه‌وفریادکه از دست حسودان نا گه   درلحد ماه‌کمان ابروی من منزل‌کرد»

ودربالای آن‌بخط ثلث جمله : « الحکم لله تعالی » و بردو جانب‌آن اشعار زیر حجاری‌گردیده است :

« نادعلیاً مظهر العجائب   تجده عوناً لك فی‌النوایب »

« کل هم و غم سینجلی   بولایتك یاعلی‌یاعلی‌یاعلی»

که ازمفادآن معلوم میگردد صاحب قبر جمال‌الدین‌بن محمدبن عالیحضرت شهریار خواجه صفی‌الدین محمد بوده که درتاریخ رمضان سال ۹۵۳ هجری قمری وفات کرده است . این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان(۱) وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان(۲) اقتباس‌گردیده است. این بنای باستانی بموجب شماره ۹۹ به ثبت تاریخی رسیده است(۳) .

۳ ـ بقعه سید حجةالاسلام رشتی :

این بقعه واقع است درگوشه شمال‌شرقی‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان ومدفن حجةالاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی بیدآبادی بانی مسجد سید میباشد . آرامگاه سید مرکب است ازبقعه ورواق‌که درون آنها با تزیینات کاشیکاری ونقاشی وگچبری آراسته شده است وکتیبه‌هائی دارد :

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۲۴۳ تا ص ۲۴۴ .

۲ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص ۱۶۳ تا ص ۱۶۵ .

۳ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .

۱ـ کتیبه سردر رواق بقعه‌که بمقبره و مسجد ارتباط دارد بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی نخست آیةالکرسی وپایان آن چنین است: «فاخلع نعلیك انك» «بالوادالمقدس طوی» ودربالای‌کتیبه مزبور بخط ثلث این مطالب خوانده میشود: «درزمان تولیت حضرت حجةالاسلام آقای حاج سید محمدرضا شفتی کاشیکاری» «سردرب مقبره بسعی وهزینه آقای حاجی آقائی اتمام یافت.».

۲ـ کتیبه سردرورودی مقبره بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی مبنی برتاریخ وفات سید حجةالاسلام چنین است:

«تاریخ وفات آیةالله‌العظمی فقیه اهل بیت طه و یس و ملاذالشیعة حامی» «الشریعة الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجةالاسلام اعلی‌الله له‌المقام» «دوم ربیع‌المولود سنه ۱۲۶۰».

۳ـ دربالاترین قسمت‌جبهه سردرمقبره درکتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بعضی از آیه‌های سوره‌جمعه مکتوب وبعبارت: «۱۳۷۰» پایان میگیرد ودر میان آیات سوره مزبور در لوحی بخط نسخ زرد برزمینه لاجوردی تاریخ کاشیکاری رواق چنین بیان گردیده است:

«رواق سید در زمان تولیت حضرت ملاذالاسلام الحاج میرزا محمدعلی» «جعفری سبط حجةالاسلام بخرج آقایان حاجی‌آقائی بکاشی تزیین شده.».

۴ـ برجبهه فوقانی سردرمقبره ودیوارجنوبی رواق بقعه سید بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی اشعاری بعربی در مقام روحانیت سید و رثاءِ او بشرح زیر درج گردیده است شاعر و خطاط آن مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله نیر متوفی (۱۳۷۹ هـ. ق) میباشدکه ازفضلاء وادباء وخطاطان ومؤلفان بوده است:

«روض قدس ام هناجنات عدن سرنا	قف لك البشری وزرمن فیه قدنلت المنی»
«لهفی لفقدان مولی اعطی النعما	العلم والمال والترویج والکرماً»
«السید الحجةالاسلام فی الزمن	و باقر منه کان الشرع منتظماً»
«یدعوالاله و یبکی فی تهجده	یجری الحدود من الخوان منتقماً»

« و مسجدا جامعاً فی اصفهان بنی یعد تـالیه فـی الغبراءِ منعدماً »
« میراث اولاد زهراء استردلهم من غاصبی فدك فی طوفه الحرما »
« الموسوی الذی قدعاش حضرته فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً »
« راحت الی الروح روح منه ثاویة واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً »
« بدرالمضیئی مضی شمس العلی افلت من موته صار حبل الدین منفصماً »
« بحرالسخا جف عین الدهر باکیة فنال بالفضل عـندالله مبتسماً »
« نجم الهدی غاب کنزالمجد یستتر و یعجز المدح منه اللوح والقلما »
« و کوکب القدس والتوحید منتثر فی فوته فتری الاسلام ملتطماً »
« یا نیر اکتبه للتاریخ من سنة : «من فقدسید نارکن التقی هدما« ۱۲۶۰»

۴ـ بردیوار دوطرف در ورودی مقبره بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این اشعار صغیر اصفهانی خوانده میشود :

« آنکه این مسجد زیمن همتش برپا بود
تا قیـامت آستانش قبلهٔ دلـها بود »
« زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید
باطن جنت بلی از باطنش پیدا بود »
« کردآباد این جهان‌وآن جهان را زین بنا
مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود »
« حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل
صحن آن‌چون ساحت فردوس روح‌افزا بود »
« گنبد پرنقش و ایوان رفیعش بین چسان
از بلندی طعنه زن برگنبد خضرا بود »
گرگشائی گوش جان گلدسته‌اش روزوشبان
خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود »
« همچوطرف‌گلشن ازهرصفه‌اش نقشی بدیع
میکند جلب نظر بس دلکش و زیبا بود »

«هر بنا باشد برای حق گر ازحق نگذری

بهر بانی بهتر از دنیا و مافیها بود»

«جندا بر همت این سید عالی نسب

کز شرافت افتخار دودهٔ طاها بود»

«نام نیکش باقر و کنز علوم دین و شرع

شرح احوالش رقم بر صفحهٔ دنیا بود»

«تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف

بندگی را باید اینسان بنده پابرجا بود»

«جلوهٔ حق کرده مدهوشش توگوئی تا ابد

او بود موسی و این بیت‌الشرف سینا بود»

«مجری احکام جدش مصطفی بی‌خوف وبیم

پور موسی شبل حیدر زادهٔ زهرا بود»

«گفت این تاریخ در تعمیر درگاهش صغیر

«حکم سید نشر شرع سید بطحا بود»

۱۳۶۸

این کتیبه‌حکایت میکند ازاینکه درسال ۱۳۶۸ هجری قمری آرامگاه مزبور تعمیرگردیده است.

۵ ـ در لوحه های کوچکی بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نام بانیان کاشیکاری رواق بقعه باین شرح گفته شده‌است: «به‌هزینه مهندس‌عباس حاجی‌آقای» «به هزینه آمیرزاآقا حاجی آقای» «به هزینه آمرتضی حاجی‌آقای» «به‌هزینه آقامحمدحسین حاجی‌آقای» که درواقع چهارنفرمتحمل مخارج کاشیکاری شده‌اند.

۶ـ کتیبه درون‌گنبد بقعه بخط ثلث برجسته‌طلائی رنگ برزمینه لاجوردی بعد از: «قال‌الله تعالی» آیات ۲۹ تا ۴۶ سوره ص گچبری شده و در آخرآن سال اتمام: «۱۲۷۲ هجری» خوانده میشود.

۷ ـ کتیبه قسمت فوقانی سه‌گوشواره شرقی وغربی وجنوبی درون بقعه بخط

ثلث برجسته طلائی رنگ برزمینه لاجوردی چهارده معصوم بشرح زیر گچبری گردیده است :

« بنبی‌عربی ورسول مدنی واخیه‌اسدالله‌مسمی بعلی‌وبزهراء بتول وبام‌ولدتها »
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی‌و »
« تقی‌ونقی وبذی‌العسکر والحجة‌القائم بالحق . الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی»
«و علیهم صلواتی وسلامی ماةالفا بلیال و نهار وغدو وعشی. »

۸ ـ کتیبه اشعار فارسی داخل‌بقعه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌گچبری شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم »

« قدم زروی ادب‌نه دراین‌خجسته مقام — که جایگاه کرام است و قبله‌گاه انام »
« صفای کعبه و پاکی زمزم ارخواهی — مقیم باش دلا اندرین خجسته مقام »
« حریم کیست که آید پی زیارت او — زعرش روح قدس با فرشتگان عظام »
« حریم حجة‌الاسلام باقر ثانی — که‌هست حرمت‌اوهمچوکعبه دراسلام»
« طراز طره حورا برند و روضه خلد — زخاك تربت او ساکنان دار سلام »

« بیت‌الارشاد »

« ازآن خجسته شداین بقعهٔ شریف که هست
خجسته مدفن نوباوهٔ رسول انام »
« مگر ریاض بهشت است کز تفرج او
نسیم روضهٔ فردوس آیدم بمشام »
« برفت آن که ازو تازه بود شاخ کرم
بمرد آن‌که ازو زنده بود نام کرام »
« یتیم شد هنر و فضل و کس نمی بینم
بزیر سایهٔ الطاف پرورد ایتام »
« درین سرای مجازی نبست آری دل
کجا بجیفه کند میل مرغ عرش مقام »

« پیام ارجعی آمد بگوش او چه ز دوست
پرید طایر روحش ز شوق آن پیغام »
« چه بود روضهٔ فردوس منزلش آغاز
بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام »
« نه گشت تیره چرا آفتاب و چهرهٔ ماه
که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام »
« هلال وار رخش زرد بود و قامت خم
ز بسکه روز و شب اندر صیام بود و قیام »

« باب الاکرام »

« کلام او همه الهام بود زانکه نبود — بجز کلام خدا و حدیث خیرالانام »
«کسی نکرد در ایام‌او ز معن حدیث — کسی نبرد بدوران او زحاتم نام »
« موحدی که باو بود معنی توحید — مسلمی که باو بود معنی اسلام »
« شکست دام ونمود آشیان بعالم‌قدس — که می‌نزیبد طاوس‌عرش بسته دام »
« بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم : — چه بشمری‌ماتین‌است‌والف‌وستین‌عام»

۹ـ کتیبه دوضلع شمال وجنوب گوشواره غربی‌درون‌بقعه بخط نستعلیق‌طلائی رنگ برزمینه سفید اشعار زیر گچبری شده است :

« دلا بخلد برین خواهی ار گذاری‌گام — قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام »
« کجا بلندتر از بارگاه رفعت اوست — ز بعد قبهٔ شاهنشهان عرش مقام »
« هزار قرن کند مرغ وهم اگر پرواز — بشرط آن‌که نگیرد بیك‌نفس‌آرام »
« هنوز مانده باول مقام رفعت او — دو صد هزار حجاب ودوصدهزارمقام »
« بظل پرچم امرش قلمرو خورشید — که ازسفیدهٔ صبح‌است تا بظلمت شام »
« برای مژده‌شهان تخت وتاج‌میدادند — که آورند ز خدام درگهش پیغام »
« چوآن‌همای بلند آشیان پاك سرشت — بعزم سیر بهشت برین پرید از دام »
« نوشت ازپی تاریخ رحلتش کفاش: — « که دردرج‌کرم درجنان نمود مقام »

***

« دلا قدم چوگذاری درین بلند مقام بکن سلام نخستین بحجة الاسلام »
« سمی قبله پنجم محیط علم و عمل طراز مسند اکرام حجة الاسلام »
« کجاست چشم حقیقت که بیندش درخلد بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام »
« چشیده از لب یاقوت فام حورا قوت کشیده ازکف گوهر فشان حیدر جام »
« کسیکه جدکبارش حبیب حضرت حق کسیکه جدهٔ او دختر رسول انام »
« روا بود که بروبند حوریان بهشت غبار بارگهش را ز زلف عنبر فام »
« غرض رسید چوآن گلبن ریاض رسول خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام »
« خرد سرود بتاریخ او که ای کفاش : « مقام را بجنان کرده حجت اسلام »

۱۲۶۰

دربالای در ورودی مقبره پنجره زیبائی منصوب است که دربالای آن بخط نستعلیق جمله : «انامدینة العلم و علی بابها ۱۲۷۲ هجری قمری» گچبری شده و در زیر آن این شعر خوانده میشود :

(یا امام حسین ادرکنی)

« درگاه توقبله گاه جان است محراب زمین و آسمان است »

۱۰ ـ کتیبه ضریح فولادی آرامگاه بخط ثلث طلائی برزمینه مشکی شامل آیة الکرسی وسوره اخلاص ودرپایان نام خطاط وسال ساختن آن چنین است :

« و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف ۱۳۲۲ »

۱۱ ـ کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی مشتمل بر شجره نامه نسب حجة الاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بشرح زیر نقر شده است:

« قد جد بنصب ضریح جده سمیه ابن حجة الاسلام الحاج سید اسدالله بن »
« حجة الاسلام آیة الملك العلام الحاج سید محمدباقر بن محمدنقی بن محمدزکی بن »
« محمد نقی بن شاه قاسم بن میر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن الامیر هاشم بن »
« السلطان السید علی قاضی بن السید علی بن السید محمد بن السید علی بن السید »

« محمدبن السید احمدبن السید محمدبن السید ابی‌القاسم بن السید حمزة بن »
« الامام موسی بن جعفر بن محمدبن علی بن‌الحسین بن علی بن‌ابی‌طالب ۱۳۲۲ کتبه»
« الاثم فتح‌الله . » .

این کتیبه که از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده در آن کتاب پدر مرحوم سید را تقی بتاء دونقطه نوشته‌اند و همین‌طور نیای دوم (محمدتقی) او را در صورتیکه درست آن در هردو موضع (نقی) بنون است وازاینرو دراین کتاب درست آن نوشته شد .

۱۲ - کتیبه عمودی ضریح که مشتمل بر اشعار عربی در لوحه هائی بخط نستعلیق طلائی‌رنگ برزمینه مشکی است چنین خوانده میشود :

« هذا ضریح للثریا سما	و شأنه فاق ضراح‌السما »
« بحجة الاسلام اعنی بـه	العالم العلامة العیلما »
« باقر علم‌الله مستودع	امین‌السر الغیب حامی الجمی»
« ناب عن‌الحجة فی‌عصره	فکان عنه النایب الاعظما»

(عمل کمترین حاجی اسدالله)

« اشباله الاساد کم خلقوا	لغابة المجد لهم ضیغما »
« وسبطه الباقر من طوقت	کفاه اجیاد الوری العما »
« علامة الدهر الذی فخره‌السا	می‌علی هام السما قد سما »
« قد خصّ فی خدمته جده	وجده احری بان یخدما »
« فها له الامر لما قد رای	ضریحه قارب ان یعد ما »
« فصمم العزم لتشییده	و لیس الا الرشد ان یعزما »
« وحیثما قدتم و استو ثقت	ارکانه فی‌الارض واستحکما»
« وقد تعالی شأنه رفعة	ارخه : «فاق ضراح السما »

(۱۳۲۲)

۱۳ـ کتیبه در ضریح آرامگاه بخط نستعلیق طلائی بـر زمینهٔ مشکی این اشعار عربی خوانده میشود :

« بحرالندی باب‌الهدی شرعة ما وافق السنة و الکتابا »
« لما دعاه ربه مبادراً الی جنان خلده اجابا »
« فعطلت کل الوری لفقده المسجد والمنبر والمحرابا »
« ومذ تواری نوره مستتراً عن‌الوری ارخت : « نورغابا »
۱۲۶۰
« وباقر العلم الذی علومه قد فتحت الی‌الهدی ابواباً »
« ونوره ان اشکلت عویصة یرفع عنها الستر والحجاباً »
« لو شجر البر غدت راقمة و الانس و الجن معا کتاباً »
« یمدها البحر بحصر فضله لماراواالفضله حساباً »

ونیز دنباله اشعار عربی مذکور برلنگه راست درنیز این اشعار فارسی‌کتیبه شده است :

« مه برج‌ایمان که درگاه اوست سپهر برین از هجوم نجوم »
« ز بعدش برفت از حقیقت نشان ز فقدش نماند ازشریعت رسوم »
« فلك تیره‌گردیدوتاریخ گشت : « شد اندر سحاب آفتاب علوم »
(۱۲۶۰)

و برلنگه چپ درضریح بخط نستعلیق طلائی این اشعار خوانده‌میشود:

«این بقعه‌که خلق‌را شب و روز از بهر ز یارتش‌هجوم است»
« محشر زتوجه‌نفوس است غوغا ز تراکم نجوم است»
« هرکس که دعاکند باخلاص اینجا باجابتش لزوم است»
« از باقر علم مصطفی آنك معروف‌جهان‌بروس‌وروم است»
» مشکوة هدی نبیره او باقر که امام بر عموم است»
« آراست ضریح او ز پولاد کش‌علم بکف بسان‌موم است»
« پرسید خلف که این کرامات ظاهر زکدام مرز وبوم است»
« دانائی بگفت بهر تاریخ « زین مرقد باقر علوم است»
(۱۳۲۲)
« باقر علم‌آسمان علم که‌خورشید پرتورایش بود بچرخ‌مقرنس »

«ساخت ضریحی ز بهر مرقدجدش کامده محسود نه رواق مبدس»
«فردوجود است وعقل گفت بتاریخ: «کلی ایجادی ای ضریح مقدس»
(۱۳۲۲)

۱۴- بردماغه درضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی نام هنرمندانی که درساختن وپرداختن ضریح شرکت داشته‌اند چنین گفته‌شده: «عمل استادرمضان» «طلاکوب اصفهانی - مباشر عبدالباقی- عمل حاجی غلامعلی -کارخانه اعلا - عمل» «استاد یدالله».

۱۵- بریك لوحه کاشیکاری بخط نسخ خوش که دربالای سردر ورودی رواق شرقی نصب است این دوشعر خوانده میشود:

«بنده اهل حقیقت خادم اهل یقین صانع نقش علی نام امیرالمؤمنین»
«هفت براعدادتاریخش بیفزودو بگفت «دار امن فادخلوها بسلام آمنین»
۱۳۱۵(هجری قمری)

این قسمت ازکتیبه هم ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده‌ولی یا عدد هفت غلط ودرست آن هشت است ویا اینکه (۱۳۱۵) نادرست وصحیح آن ۱۳۱۴ میباشد چه‌عبارت: «دار امن فادخلوها بسلام آمنین» بحساب جمل بالغ بر ۱۳۰۷ میشود و اگر هفت (۷) برآن اضافه کنیم میشود : ۱۳۱۴ و اگر هشت بیافزائیم میشود: ۱۳۱۵ وظاهر اینستکه کلمه هشت (۸) درکتیبه هفت (۷) خوانده شده باشد.

۱۶- کتیبه سنگاب رواق مقبره سید واقع درزیرجار آرامگاه بخط نستعلیق برجسته این اشعاررا شامل است:

«چو حاجی کاظم قاری بنا کرد بتوفیق شه لب تشنه سنگاب»
«خداوند جهان ازروی رحمت برویش بازکرد از جنت ابواب»
«بیاد تشنگان کربلا شد روان سیل سرشك ازچشم احباب»
«حسین بن علی را یاد آرد بنوشد هرکه ازوی جرعهٔ آب»
«بلعنت یاد آرد آل سفیان زفرط تشنگی شدهرکه سیرآب»

« ضیاء شد بیدل و تاریخ بنوشت: « که گردد تشنهٔ از آب سیراب »
(۱۲۴۹)

ماده تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است با عدد ۱۲۹۲ هجری قمری و اینکه در ذیل آن نوشته شده (۱۲۴۹) با عدد مزبور موافق نیست و در اصل و یا در نقل اشتباه شده است.

این کتیبه‌ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس گردیده است. آرامگاه مزبور و مسجد سید چنانچه درجای خود بیان گردیده بشماره ۳۸۷ به ثبت تاریخی رسیده است[2].

۴- بقعه شهشهان:

این بقعه واقع است درمحله شهشهان و درمجاورت مسجد جامع عتیق و دارای حسینیه و مدرسه میباشد. و از آن جهت آن محله را شاه شاهان میگفته‌اند که مسکن ومحل اقامت شاه علاء الدین محمد از عرفا و نقبای بزرگ قرن نهم بوده که خود را شاه‌شاهان میخوانده و اولادش نامشان با کلمه شاه ابتدا میشده است و گرنه پیش از آن چون آنجا جزء دردشت بوده محله در دشت خوانده میشده و پس از آنکه از طرف شاه علاء الدین در آن قسمت عمارت حسینیه ساخته شد بنام محله حسینیه هم خوانده میشد و دنباله آن به شهشهان و شاه‌شاهان تبدیل گردید.

این بقعه مدفن شاه علاءِالدین محمد است که نسبش پس از بیست و دو واسطه بحضرت رسید سجاد متصل میگردد و از احفاد علی اصغر فرزند سید سجاد میباشد.

پس از آنکه بامر شاهرخ تیموری شاه علاء الدین محمد دررمضان ۸۵۰ هجری قمری باتفاق عده‌ای دیگر از بزرگان در ساوه بدار آویخته شد و بعد از هشتاد روز شاهرخ درگذشت سلطان‌محمد بهادر مجدداً باصفهان مراجعت و نعش شاه علاء الدین را از ساوه باصفهان نقل و درحسینیه خودش مدفون و بر آن بقعه و بارگاهی بنا کرد و موقوفاتی بر بقعه مزبور قرار داد و در زمانهای بعد نیز در این بقعه و عمارات آن

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۷۷۸ تا ص ۷۸۸.

۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۹.

اضافات والحاقاتی بعمل آمده است. درداخل و خارج بقعه تزییناتی ازکاشیکاری و کجبری اززمان قدیم و جدید وجود دارد وکتیبه‌هائی گوناگون از زمانهای متفاوت دیده میشود و آن کتیبه‌ها چنین است:

۱ـ کتیبه اصلی بقعه بخط ثلث گچبری شده بشرح زیراست :

« بسم الله الرحمن الرحیم».

« یا ذاکراً اخوان صدق بالصفا ثم المقام فمروة ثم المنی »

« انسیت راحات براح و سقیت نغمـات اطیار تغرّد بالغنا »

« ها اذکرن عهدا قدیماً باقیاً انسیت عهداً قد تقدم وانطوی »

« قم واخلع النعلین فی ارجاء ما قدقدمت هذاك وادی ذی‌طوی »

« من ایمن الوادی کلیم‌الله قد حاذالهدی عیناه اذشام السنا »

« ماذلك النور الذی مثل القبس قد ضاء الانور طه المصطفی »

« لما تجلی نوره للمرتضی قال الولی الحق لوکشف الغطا »

« وابناه سبطا احمد شهدا کما شهدالنبی بدرالدجی شمس الضحی»

« هذابسمّ قد قتل بالسیف ها ذا صار سلطانا بطف الکربلا »

« یازائرالشاه الشهید المشتهر هذاك سلطان دلیلا للملا »

« زرهذه روضات جنات العلی والله عزبا لمعالی قد علا »

« ذا مرقدا لسعد السعید و قبره ذامشهد الشاه الشهیدالمجتبی »

« هذا مزارالسادة الشم الاولی خدموا المهیمن . . . سجدا »

« مجدالمؤثل من علاهم یستضئی فی ذروة الاصل الاصیل قداعتلا »

« سلطان النقباءِ بالاتفاق برهان نجباء الافاق مقدم السادات السعیدالشهید »

« اعلاه الوالد والوالدون محمدبن محمدبن محمدبن یحیی بن محمدبن محمدبن »

« حیدربن الحسین بن محمدبن قوام‌الشرف ابن محمدبن قوام‌الشرف‌ابن هادی‌بن »

« اسمعیل‌بن الحسین‌بن‌علی بن‌الحسین‌بن علی‌بن عمربن الحسین‌بن علی‌بن علی‌بن »

« الحسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب . »

« زمان صلبو الشاه المعلی وفاق المرتضی شهرالصیام »
« خلا رمضان من امرخلابه تفطر عام اتمام الامام »
« عاقبت خیرباد کتبه العبد سید محمود نقاش . »

عبارات این کتیبه دارای غلق ودشواری است و بهمین جهت کمتر کسی است کتیبه را کامل و درست خوانده باشد آنچه دراینجا نوشته شد چیزی استکه ازمجموع گزارش باستان شناسی اصفهان و یادداشتهای مرحوم حاجی سید حسین شهشهانی متولی وقت بقعه متوفی ۱۳۴۰ شمسی وکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان بدست آورده است .

وماده تاریخ وفات شاه علاءالدین را ماه رمضان و سال ۸۵۰ هجری قمری اعلام کرده است ، چه گفته شده رمضان که مقصودعدد (۱۰۹۱) باشد از (امر) منظور عدد (۲۴۱) خالی گردد یعنی (۲۴۱ ـ ۱۰۹۱) حاصل میشود عدد ۸۵۰ که سال مصلوب شدن شاه علاءالدین است .

۲ـ بر دیوار ضلع شرقی درون بقعه صورت یك گلدان نقش شده که پیکرهٔ گلدان را از پائین ببالا اشعار زیر بخط نستعلیق سفید درهم برزمینه سبز وروشن گچی تشکیل میدهد :

« بماند سالها این نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در کار درویشان دعائی »

۳ ـ در وسط پشت بغل ایوان غربی کاشیکاری شده نام استاد کاشیکار بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود : « عمل میرم « کاشی تراش » .

۴ ـ کتیبه درهای منبت جدید بقعه بسبك درهای قدیم بخط ثلث مشکی برجسته چنین است :

« هذابقعة السیدالسند والبحرالمعتمد السعید الشهیدالشاه علاءالدین محمد»

« المقتول فی سنة خمسین و ثمانمأته .»

۵ـ کتیبه گچبری داخل بقعه بخط ثلث سفید برزمینه قهوه‌ای وسبزوقرمز بردیوار شمالی باین‌شرح است :

« قداتفقت فی ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاعظم مولی ملوك العرب »
« والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غلام باخلاص امیرالمؤمنین »
« علی‌بن‌ابیطالب علیه صلوات‌الله رب‌العالمین السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن »
« الخاقان ابوالمظفر سلطان شاه عباس‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی بهادرخان خلدالله »
« ملکه‌وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه تعمیرهذه‌البقعة‌الرفیعة من »
« برکات علیا حضرة المقدسة العلیة المغفورة سلالة العترة الطاهرة صالحه خانم »
« سلطان اسکنهاالله فی ریاض‌الجنة صارت مضجعها عاریة الی‌ان انتقل الی‌المشاهد »
« المقدسة فی‌شهر ذی‌الحجة‌سنة ثلاث‌و عشر والف من‌الهجرة النبویة‌خط‌صحیفی »
« الفارسی [۱] .».

این بقعه باستانی بموجب شماره ۳۶۸ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۵ـ بقعه شیخ ابومسعود رازی :

این‌بقعه واقع است درمحله معروف درشیخ ومدفن شیخ ابومسعود احمدبن فرات‌رازی میباشدکه‌بیشتر ازنویسندگان اورا ستوده‌اند منجمله ابونعیم‌اصفهانی[۳] او را چنین ترجمه کرده است :

« احمدبن فرات‌بن خالد ضبی رازی ابومسعود از طبقه هفتم محدثان است »
« که فریابی وابوخلیفه وپسر ابوعاصم از اوحدیث نقل‌کرده‌اند ، اومدت چهل‌و »
« پنجسال‌دراصفهان اقامت‌کردوحدیث‌گفت ودرشعبان‌سال ۲۵۸ وفات‌یافت‌ومحمدبن »
« عاصم‌اورا غسل داد وقاضی‌ابراهیم‌بن احمد خطابی براو نمازخواند ودرگورستان »
« مردبان‌دفن‌گردید .»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۳۹ تا ص۵۴۱ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۲. ۳ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۲ .

« ابومسعود ازابواسامة ویعلی‌وابن نمیر وابن ابی‌فدیك وغیر آنان‌ازکوفیان»
« وشامیان روایت‌کرده واو یکی‌ازپیشوایان وحفاظ صاحب مسند وکتاب است. در»
« زمانهای پیش‌که باصفهان‌آمد قبل‌از اینکه بطرف عراق‌برودحدیث ازحسین‌بن »
« حفص‌نوشته وسپس بعراق مسافرت‌کرد وهنگام بازگشت در اصفهان متوطن شد .»
« ابومسعودبا شش‌واسطه‌حدیث ازپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله‌نقل میکرد »
« ونیز درکتاب خلدبرین[1] بنقل از ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی‌گفته شده‌که »
« با ابومسعود بعزم‌زیارت حج وارد اصفهان شدیم و درصدد پیداکردن رفیق‌بودیم»
« که بمسافرت ادامه‌دهیم وچند روزکه ماندیم‌مشاهده‌کردیم‌مردم اصفهان حضرت»
« علی‌را سب میکنند ، چون شیخ ابومسعود چنین دید رحل اقامت افکندوگفت »
« من دراصفهان میمانم تامردم را هدایت وازاین عمل زشت دورسازمٔ و روزها در »
« مسجد جامع رنگرزان یکی ازبزرگان صحابه را نامعلوم توصیف میکرد ولی »
« مردم نمیدانستندکه موصوف و ممدوح شیخ کیست تا اینکه اصرار کردند که »
« کسی‌راکه شما مدح میکنید مورد توجه وعلاقه وارادت ماست اورا تعیین‌کنید »
« تابشناسیم او را ، وقتی شیخ اطمینان یافت‌گفت‌که ممدوح من‌همان‌کسی‌است‌که »
« شما او را سب میکنید و دشنام میدهید و از آن روز ببعد دیگر مردم اصفهان »
« باین‌کار زشت مبادرت نکردند .».

سابقاً بقعه شیخ مرکب ازخانقاه ومدرسه ورواق وبقعه وحمام وچهارسووباغ بوده ولی بتدریج مورد دستبرد قرارگرفته وفقط بقعه مانده است وشرح خرابی‌آن بامر یکی‌ازعلماءِ درکتاب خلدبرین[2] ومیزان‌الانساب[3] مرقوم گردیده است .

بقعه مزبور دارای تزیینات و کاشیکاریهای شگرف بوده که بتدریج از میان رفته است آنچه اینك باقی‌مانده باین کیفیت است :

۱ـ کتیبه اطراف گنبد مشتمل برآیاتـی ازسوره اسری بخط ثلث برزمینه آبی‌گچبری گردیده و در ذیل آن بخط نستعلیق سفید اشعاری از محتشم کاشانی

۱- خلدبرین ص۱۹۲. ۲ـ خلدبرین از ص۱۹۶ تا ص۱۹۷. ۳- میزان‌الانساب چهار سوفی ص۵۸ .

کتیبه شده که تازه است .

۲- کتیبه سردر اصلی خانقاه بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی در دوقسمت چنین خواند میشود :

« الحمدلله الذی نور صوامع الانس وخوانق القدس بمصابیح وجود الاولیاء من »
« الذین جعلوا للمتقین اماماً والذین یبیتون لربهم سجداً وقیاماً والصلوة والسلم »
« علی شمس فلك الرسالة محمد المصطفی المبعوث لهدایة من کان فی الذکر مسعود »
« وعلی آله وصحبه آل التقی و النقی وبعد فقد بنی واسس فی ایام السلطان الاعظم »
« والخاقان الاعدل الاکرم واضع قوانین السیاسة رافع اساطین الحراسة حامی »
« ارباب العدالة والاحسان ماحی اسباب الضلالة والطغیان المتوکل علی المهیمن »
« الرحمان ابی المظفر یعقوب بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه بنیان هذه البقعة »
« الموسومة بالمسعودیة الرازیة من خالص ماله العبدالفقیر الی عفوالله محمدبن- »
« جلال الدین عربشاه کتبه العبد کمال بن شهاب الکاتب الیزدی غفرالله ذنوبهما و »
«ستر بفضله عیوبهما فی سنة ۸۹۵» ودرزیر کتیبه مزبور بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی در دوجانب سردرچنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم من تصدق بعدل تمرة من کسب طیب و »
« لایقبل الله الاالطیب فان الله یقبلها بیمینه ثم یربیها لصاحبها کما یربی احدکم فلوه »
حتی یکون مثل الجبل صدق رسول الله.»

۳- کتیبه اطراف سر در کاشیکاری خانقاه بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی سه بیت دریك حاشیه بطول پنج متر و پهنای ۲۵ سانتیمتر نوشته شده بوده که کاشیهای تمام مصرع اول و ازمصرع دوم فقط جمله (بکعبه مقصود) باقی مانده باین ترتیب:

« . . . . . . بکعبه مقصود »
« هر که آورد رو باین درگاه درفیضی بروی خویش گشود »
« از در اهل دل مشو غافل کین مقامیست عاقبت محمود»

کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده‌است [1] . این اثرباستانی بموجب شماره ۲۱۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است [2] .

۶- بقعه صاحب بن‌عباد:

این بقعه هیچگونه اثر تاریخی وباستانی ندارد ومشهور اینستکه صاحب‌بن عباد پس ازاینکه درسال ۳۸۵ درری وفات‌کرد نعش او با تجلیل تمام باصفهان نقل ودر دهلیز خانه‌اش که نزدیك دروازه طوقچی بود بخاك سپرده‌شد وتاکنون قبرش مورد زیارت عموم است وبرخی آنرا امامزاده پلوی خطاب میکنند. صاحب‌یکی از وزرای دانشمندوادیب وشاعر وسخی ودوستدار اهل‌بیت رسول بود وتمام‌دوران حیات را با تجلیل زندگی کرد وشرح‌حال‌مفصل اودرکتاب ارشاد کوهپائی مذکور است که طالبان میتوانند بکتاب مزبور رجوع‌کنند .

۷- بقعه صائب:

این بقعه اخیراً برروی سنگ مزارمیرزا محمدعلی صائب واقع درباغ خود او که تکیه صائب نیزگفته میشود ساخته شده و درکنار نهرنیا صرم درخیابان‌صائب کنونی قرار دارد ودرآن‌باغ جزقبر صائب قبور دیگری از فرزندان و کسان اونیز وجود دارد.

صائب‌ملك‌الشعراء دربار شاه‌سلیمان بوده ودرجوانی‌سفری‌بهندوستان وسپس بایران معاودت ودر اصفهان اقامت داشته است . پدرش ازتجار وبازرگانانی بوده‌که ازتبریز باصفهان آمده ودرمحله عباس‌آباد سکونت داشته وصائب دراصفهان متولد وهمانجا وفات‌کرده است .

در زمانیکه میرزا طاهرنصرآبادی مشغول تألیف تذکره خود بوده صائب را درحال حیات‌نوشته وتاریخ‌شروع نصرآبادی بتألیف تذکره خود سال۱۰۸۳ هجری بوده و چون تاریخ سنگ آرامگاه او سال ۱۰۸۷ هجری است مسلم میگرددکه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۵۳ تاص۳۵۸ .

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰ .

صائب در تاریخ مزبور وفات کرده بوده است . برخی گفته‌اند تاریخ وفات او ۱۰۸۶ هجری بوده است .

درهرحال صائب پس از وفات درباغ خود که شرح آن داده شد مدفون گردید ودرکنار او پسران ونزدیکانش نیز مدفون گردیدند ، دراین اواخر ازطرف انجمن آثار ملی بقعه‌ای برمزار او ساخته شد و ماده تاریخهائی از طرف ادباء و شعراء از آن جمله استاد جلال‌الدین همائی سروده شده است .

کتیبه سنگ مزار صائب دراطراف و بالای آن اشعاری از خود او باسلیقه مخصوصی حجاری گردیده است وآن اشعار بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« درهیچ پرده نیست نباشد نوای تو — عالم‌پرست ازتو وخالی‌است جای‌تو »
« هرچند کاینات گدای در تواند — یك‌آفریده نیست‌که داند سرای‌تو »
« درمشت خاك من‌چه بود لایق نثار — هم از توجان ستانم وسازم فدای تو »
« غیر ازنیازوعجز که‌درکشورتو نیست — این‌مشت‌خاك تیره‌چه‌داردسزای‌تو »
« صائب‌چه‌ذره‌است وچه‌داردفداکند — ای صدهزار جان مقدس فدای تو »

دربالای سنگ آرامگاه یك شعربااین‌کیفیت خوانده میشود :

« محوکی‌ازصفحه دلها شودآثارمن — من‌همان ذوقم‌که‌میابنداز گفتارمن »

و درپائین‌سنگ مزار چنین‌نوشته شده است : « تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح » .

از فرزندان صائب‌که در تکیه او مدفونند :

۱- میرزا ابوالقاسم‌فرزندش متوفی ذی‌قعده ۱۱۴۰هجری ۲- میرزا محمد محسنا فرزند صائب متوفی محرم ۱۱۴۹ هجری ۳ - میرزا محمد علی‌بن میرزا رحیم صائب نواده او متوفی جمادی‌الثانیه ۱۱۴۱ هجری قمری‌که ماده تاریخ‌وفات اورا درروی سنگ مزارش چنین سروده‌اند :

« کرد رحلت ازین سرای فنا — ناصر دین یگانهٔ دوران »
« در صلاح و سخا یگانه عصر — معدن جود و مخزن احسان »
« همچو نیکان بگلشن رضوان — مرغ روحش مدام درطیران »

« چو شود جیم اضافه تاریخ   میشود فاش فوت او بجهان »
« سال تاریخ او خرد گفتا :   « کرده منزل بهشت جاویدان »
سنه ۱۱۴۱

درباغ صائب سنگ لوحی نیز مربوط بساختمان سدی برای مشروب کردن اراضی رودشتین وجود دارد که پیش در کنار نهر نیاصرم کمی بالاتر ازباغ مزبور قرار داشته است و درائر احداث خیابان بباغ آرامگاه انتقال داده شده است.

کتیبه سنگ مزبور بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« الملك لله تعالی »

« بسم الله الرحمن الرحیم »

« بحکم شاه دین پرور سلیمان شاه کیوان قدر
که تعمیر خرابی‌ها بنام او مقدر شد »
« شهی کز حکم جاری کرد منع آب ازجریان
که نتوانست نهری را از آن یك قطره لب تر شد»
« بسعی کمترین بندگان آستان قاسم
وزیر چهارده معصوم آن کز ذره کمتر شد »
« بمعماری مهدی الحسینی نادرالدهری
که شکل چرخ دویم در زمین ازوی مصور شد»
« بعرض فرصتی کم آخرین سدّ رویدشتین
بهنگام وفور آب ازنو چون مقرر شد »
« بتاریخش رقم زد خامه من مصرع دیگر :
« ز اقبال سلیمان باز نو سد سکندر شد »
۱۱۰۰

« راقمه محمد صالح غفرله »

این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل گردیده است [1]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۴ تا ص۶۳۸ .

ثبت تاریخی آرامگاه صائب درجریان است[1].

۸- بقعه کمال‌الدین اسماعیل :

این بقعه در نزدیکی مناره ساربان در محله جوباره قرار دارد و آن اطاق مخروبه‌ای است و آنجا محل دفن کمال‌الدین اسماعیل خلاق المعانی شاعر بلند پایه قرن هفتم هجری میباشد وشهرت دارد که همانجا خانه اوبوده است.

گفته شده که شدت نفاق واختلاف میان فرق‌مسلمانان خلاق‌المعانی‌را آزرده کرده بود واز برادر کشیها رنج میبرد واز فرط دلتنگی این‌اشعار را سرود :

تا در دشت هست و جوباره	نیست از کوشش و کشش چاره
ای خداوند هفت سیاره	پادشاهی فرست خونخواره
تاکه دردشت را چو دشت کند	جوی خون آورد ز جوباره
عدد خلق را بیفزاید	هریکی را کند دوصد پاره

وگویا آرزوی شاعر برآورده شد ودرهجوم مغولان مردم اصفهان بخصوص جوباره و دردشت موردکشتار قرارگرفتند و خودکمال‌الدین اسماعیل نیز برحسب فساد مغول بچه‌ای زیر شکنجه مغولان بدرود زندگی گفت ودر دهلیز خانه خود مدفون‌گردید. دیوان شاعر چندبار بچاپ‌رسیده است. نسبت به ثبت تاریخی‌آن بقعه تاکنون اقدامی نشده است.

۹- بقعه علی‌بن‌سهل :

این بقعه در نزدیکی امامزاده ابراهیم در طوقچی واقع و مربوط است به ابوالحسن علی‌بن سهل‌بن محمدبن از هر اصفهانی متوفی ۳۰۷ هجری قمری از اعلام صوفیان اصفهان و از اصحاب محمدبن یوسف بنا نیای مادری ابونعیم اصفهانی و اورا مقامات روحانیت بجائی رسیده بود که باجنیدبن محمد و اقرانش مکاتبه میکرد.

مرحوم آخوند ملاعبدالکریم گزی درتذکرة‌القبور چنین‌گفته :[2]

۱- فهرست بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲- تذکرة‌القبور ص۱۳۸ تا ص ۱۴۰ .

« از این امامزاده طوقچی قدری پائین تر میرود قبر علی بن سهل است که از »
« عرفا بوده و تکیه‌اش سابقاً خیلی دستگاه داشته و خراب شده عمارت جدیدی »
« دارد وقبرش میان گنبد است واگرچه مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی در کتاب »
« خیرآتیه که در رد بر صوفیه نوشته‌اند او را سنی صوفی دانسته ولی مرحوم »
« شیخ بهائی اعلی‌الله مقامه در کشکول خود تمجید او نموده حکایتی نقل کرده که »
« شیخ علی بن سهل اصفهانی انفاق بسیار میکرده وقتی سئوالی شد و نداشت از »
« شخصی وجهی برای فقرا خواست آن شخص قدری فرستاده و عذر آورده که »
« میخواهم خانه‌ای بسازم شیخ گفت وجه خانه را بده بفقراء بدهم و من ضامن »
« میشوم خانه‌ای دربهشت بتو بدهند او بجهت اعتمادی که بشیخ داشت قبول کرد »
« و وجه را داد و ضمانت نامه گرفت و در همان سال مرد و وصیت نمود آن‌را در »
« کفنش گذاردند بعدآن نوشته در جانماز شیخ پیداشدکه پشتش نوشته بود تو را »
« از ضمانت بیرون آوردیم وآن نوشته درصندوق کتاب شیخ بود و مردم استشفاء »
« میکردند تاوقتی که صندوق را دزد برد وقصه دیگری نیزشیخ بهائی دال برمقامات »
« زوحانی علی بن سهل نقل کرده‌است وظاهر حسن حال اواست وزیارت او وخواندن »
« فاتحه ضرری ندارد ».

مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] راجع بمقبره علی بن سهل چنین نوشته : « در انتهای محله طوقچی و درآن طرف حصار قدیم اصفهان که اکنون »
«قطعه دیواری از آن باقی است بفاصله کمی درپشت خندق شهر جائیکه در زمان »
« سلجوقیان محله فلفلچی نامیده میشده واز محلات پرجمعیت اصفهان بوده آرامگاه »
« علی بن سهل واقع شده است. ازقبه وضریح علی بن سهل که ازبزرگان عرفای قرن »
« هشتم هجری بوده است باوجود موقوفات فراوان آن فعلا اثری باقی نیست وسالها »
« است که این بنای مشهور اصفهان بویرانی گرائیده وآنچه ازآن فعلا بر جای »
« مانده است اطاق محقر خشت وگلی است که جدید البنا میباشد واطراف آن‌را »
« اراضی زراعتی فرا گرفته‌است.»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۹۶ .

بطوریکه ازگفته ابونعیم اصفهانی درذکر اخبار اصبهان[1] ظاهر است وفات علی‌بن سهل در ۳۰۷ هجری بوده بنابراین درقرن سوم واوائل قرن چهارم میزیسته است نه‌قرن هشتم که‌درگنجینه آثار تاریخی اصفهان اشعار شده است واشتباه‌مؤلف دانشمند کتاب مزبور از این جا ناشی‌شده که ابن بطوطه درقرن هشتم در زاویه علی‌بن سهل اقامت داشته است وهیچگونه ارتباطی باحیات علی‌بن سهل‌ندارد .

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴ .

گفتار دوم - در ابنیه و آثار تاریخی حومه‌شهر اصفهان

الف : مناره‌ها :

۱- مناره برسیان:

این مناره در دهکده برسیان در ۴۲ کیلومتری مشرق اصفهان و در مشرق بستر زاینده‌رود واقع و حد فاصل میان بلوك براآن و رود شتین است و سکنه آنجا نام دیه‌را بیسیون [۱] میخوانند.

سیان بروزن میان در لغت فرس بمعنی عشقه و پیچك است و شاید در آن حدود گیاه مزبور میروئیده است که‌باین نام خوانده شده‌است. (ش ۹۳)

ارتفاع مناره ۳۵ متر و میله‌ای منفرد و مدوراست. قسمت پائین آن آجرچینی ساده است ولی قسمتهای بالای آن دارای تزیینات آجری میباشد. تزیینات تاج مناره با بدنه آن تفاوت دارد و در این قسمت است که‌کتیبه مناره بخط کوفی ساده و با آجر که سال ساختمان مناره را ۴۹۱ هجری قمری تعیین میکنند و آن کتیبه چنین است :

« وارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون سنة احدی»

۱- در کتاب اوقاف ربع رشیدی فسیان نوشته شده است. اوقاف ربع رشیدی ص ۱۴۸.



(شکل ۹۳)

« وتسعین واربعمأته [۱] » ودر دوره‌صفویه الحاقاتی شده‌که چیزی ازآن باقی‌نمانده است. مناره مزبور بمسجد برسیان‌اتصال‌دارد. این اثر تاریخی‌با‌نضمام مسجدبموجب شماره ۲۶۵ به‌ثبت تاریخی رسیده‌است [۲].

۲ـ منارجنبان :

ازبناهای جالب اطراف اصفهان بنای منارجنبان است‌که دردیه کارلادان در

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌ص ۱۷۵ . ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۲۸ .

سر راه اصفهان به‌نجف آباد واقع گردیده است. (ش ۹۴)



(شکل ۹۲)

این بنا مرکب است از صحن وایوان که مقبره عمو عبدالله در آن قرار گرفته و دومناره درطرفین ایوان مزبور که بین آن دومناره چوبی بوضع افقی چنان نصب‌شده

است که اگر یکی از آن دو مناره را حرکت دهند دیگری نیز بجنبش در میآید وبین ناظران ومحققان درعلت این حرکت بحث و گفتگواست،فاضل معاصرمعزالدین مهدوی رساله‌ای دراین موضوع نوشته است که مطالعه آن برای علاقمندان مفید خواهد بود (ش ۹۵)



(شکل ۹۵)

دراین بنا هیچگونه تاریخی که دلالت برشروع ویاخاتمه ساختمان داشته باشد

وجود ندارد فقط سنگ مزار عمو عبدالله میرساند که او در تاریخ ۷۱۶ هجری وفات کرده است. کتیبه سنگ مزار عمو عبدالله بر روی سنگ مرمری که بر دیوار بر روی سنگ بزرگ آرامگاه نصب شده بخط ثلث برجسته چنین حجاری شده است:

« هذه قبر الشیخ الزاهد البارع المتورع السعید المتقی عمو عبدالله بن محمد بن»

« محمود سقلا رحمة الله علیه و نور فی السابع عشرة من شهر ذی حجة سنة ست عشرة و »

«سبعمأته» و بر اطراف سنگ آرامگاه بخط ثلث برجسته سوره یس و در ضلع جنوبی بهمان خط:« کفی بالموت واعظاً» و در ذیل لوحه مزبور درسه لوحه کوچك بخط ثلث برجسته:

« قال الله تبارك و تعالی ان رحمة الله قریب من المحسنین یاعامراً لحزاب الدین مجتهداً»

ولی درخود مناره‌ها هیچگونه نوشته واثر تاریخی وجود ندارد. ارتفاع ایوان منارجنبان اززمین بقعه ده‌متر وارتفاع هریك ازدومناره ۱۷/۵ متر است. فاصله دومناره‌درسطح پشت‌بام حدود نه‌متر ومحیط هرمناره ۴/۵ مترونیم است[۱]. این اثرتاریخی بموجب تصویبنامه شماره ۳۴۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۳ـ مناره راهروان:

این مناره درمیان کشتکارهای دهکده راهروان یا راران قرارگرفته وارتفاع آن درحدود سی‌متر است. سال ساختمان آن روشن‌نیست ولی‌باستان شناسان تاریخ ساختمان آن‌را میان سالهای ۵۷۵ تا۶۸۸ هجری قمری دانسته‌اند.

کتیبه فوقانی مناره که بخط ثلث وباکاشی فیروزه رنگ نوشته شده چنین خوانده میشود :

« لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمد رسول‌الله». این اثرتاریخی بموجب شماره ۲۳۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۴ـ مناره زیار:

این‌مناره در دهکده زیار در۳۳ کیلومتری اصفهان قرار دارد وسه طبقه بنا شده وتاکنون خرابی درآن راه نیافته است. ارتفاع آن بالغ بر ۵۰ متر و کتیبه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌ص ۲۷۹. ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن‌باستانی ایران ص۳۴. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۱ .

فوقانی آن بخط کوفی برجسته باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجر ساده چنین است :
« بسم‌الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال اننی»
« من المسلمین- الله‌ربی . » و هیچگونه اثری تاریخی ندارد . ولی باستان شناسان معتقدند که ساختمان آن میان سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری قمری اتفاق افتاده است.

این اثر تاریخی بموجب تصویبنامه شماره ۳۸۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است[1].

۵- مناره سین :

این مناره درقریه سین در ۲۵ کیلومتری اصفهان ودرجنب مسجد قدیمی آن قرار دارد ودارای دوکتیبه بشرح زیر است:

۱- کتیبه فوقانی مناره بخط کوفی برجسته باکاشی فیروزه‌ای چنین است:
« بسم الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً و»
« قال اننی من المسلمین. »

۲- کتیبه جانب شرقی قاعده مربع مناره که باپشت بام مسجد هم‌سطح است بخط کوفی آجری برجسته برزمینه آجری توأم باتزیینات ساده گچی درچهارسطر باین شرح:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم امر ببناءِ»
« هذه المنارة العبد المذنب الراجی لعفوالله تعالی»
« ابو اسمعیل محمدبن الحسین‌بن علی‌بن زکریا تقبل‌الله»
« منه وذلك فی رجب سنة ست وعشرین وخمسمأته» [2]

این اثر تاریخی و مسجد سین بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است [3] .

۶- مناره گز :

این مناره درگوشه شمالی مسجدگز که خود در ۱۸ کیلومتری شمال اصفهان

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۲ . ۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۹۶ . ۳- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۱.

واقع شده قراردارد، مناره مزبور درزمان آبادی ارتفاعش بیش اززمان حاضر بوده است معذلك آنچه باقی‌مانده قابل توجه است‌و تزیینات عالی‌آجری‌دارد. درقسمتی که باقی مانده اثر تاریخی وجود نداردولی باتوجه‌بساختمان نظائر آن حدس‌میزنند که درربع نخستین قرن ششم هجری‌ساخته شده‌باشد . این اثر تاریخی ومسجدآن بموجب تصویبنامه شماره ۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۱]

ب- مدارس :

۱- مدرسه نصرآباد :

این مـدرسه در دیه نصرآباد از توابـع ماربین در چهارکیلومتری مغرب اصفهان قرار دارد وبانی‌آن صدرالدین علی طبیب است‌که نیای اعلای مؤلف‌تذکره نصرآبادی است واین مدرسه را درقرن نهم هجری درکنار خـانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی بناکرده است .

این‌مدرسه‌که باخانقاه به‌تکیه میان‌ده‌نصرآباد اشتهار دارد قسمتی‌ازکاشیهای کتیبه‌آن ازمیان رفته است وآنچه باقی‌مانده بشرح ذیل است :

« بناءِ این‌خانقاه‌که مزار شیخ است احداث نمود درزمان خلافت سلطان »
«جهان‌پناه... خلدالله‌ملکه وسلطانه ازخاص‌مال خودبنده درگاه‌المنیب صدرالدین»
« علی‌الطبیب بسعی بنده راجی حیدر نافجی فی‌سنة اربع وخمسین و ثمنمائة » .

ودربالای کتیبه مزبوربخط کوفی‌باکاشی‌طلائی‌رنگ معرق برزمینه‌لاجوردی آیه ۸ و ۹ سوره الدهر چنین خوانده میشود :

« وقال‌الله تبارك وتعالی ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً »
« انما نطعمکم لوجه‌الله لانرید منکم جزاءِ و لاشکورا . » و سپس دربالای کتیبه تاریخی سردر درحاشیه یك‌صفحه کاشیکاری بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینهٔ لاجوردی اشعار زیرکه قسمتی ازآن ریخته است خوانده میشود :

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۱ .

« بیت معمور این‌که دارد سطح او اندر فراز

صد شرف بر سقف مرفوع از علو و افتخار »

« در زمان داور دوران غیاث ملك و دین

. . . . »

« . . . . لازمند

جاه و دولت فتح و نصرت بر یمین و بر یسار»

« کمترین بندگان آستانش صدر دین

کرد سال هشتصد وپنجاه و پنج این یادگار »

واین اشعار عربی درحاشیه افقی ذیل صفحه‌کاشیکاری وبالای کتیبه تاریخی سر در بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی خوانده میشود :

« علی‌الله فی‌کل الامور توکلی وبالخمس من‌آل الکساء توسلی»

« محمد المبعوث وابنیه بعده و فاطمة الزهرا والمرتضی علی »

« کتبه شرف‌الدین السلطانی »

بردوجرز عمودی دو طرف سردر وحاشیه افقی بالای‌آن‌که خراب شده بخط بنائی عباراتی منقوش‌بوده که قسمتی ازآن برجرز غربی باقی‌مانده و بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری معرق چنین‌است :

« قال‌النبی علیه‌السلام من قال لااله الاالله دخل الجنة » درقسمت پائین‌همین جرز دریك شکل چهارگوش بخط بنائی لاجوردی برزمینه آجری نوشته شده : « درگه خلق همه زرق وفریب است وهوس[۱] » .

این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۳۵ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۳۲۹ تا ص۳۳۲ .

۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص ۴۱ .

ج ـ مساجد :

۱ ـ مسجد ازیران :

این مسجد درسی کیلو متری مشرق اصفهان و در جنوب بستر زاینده رود و در دهکده ازیران قرار گرفته و مردم محل مطابق معمول خود آنجا را ازیرون تلفظ میکنند.

این مسجدکه بسبك مساجدمغولی است درحال انهدام وخرابی است. در این مسجد سه‌کتیبه دیده میشود : یکی کتیبه خارجی‌گنبد مسجد بخط بنائی آجری برجسته وسفید برزمینه آجری قرمزرنگ تکرارکلمه الله‌اکبر.

دوم کتیبه داخل‌گنبد بخط‌بنائی آجری برجسته و سفید برزمینه آجری قرمز رنگ مشتمل برآیات اول ودوم وسوم سوره الفتح.

سوم ـ کتیبه محراب بخط ثلث‌گچبری برجسته برزمینه‌گل وبرگ محتوی برآیه ۲۸ سوره (البقرة).

و درقسمت فوقانی منفذهای چهارگانه اطراف داخل‌گنبد در داخل اشکال چهارضلعی بخط بنائی برزمینهٔ شطرنجی کلمات: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله و الله‌اکبر» [۱] خوانده میشود. ثبت تاریخی این‌مسجد درجریان‌است. [۲]

۲ـ مسجدجامع اشترجان :

این‌مسجد دراشترجان (اشترگان) جزءِ منطقه لنجان‌که تا شهراصفهان ۳۶ کیلومتر وتا پیربکران ۱۲ کیلومتر فاصله دارد واقع‌گردیده است ، و وجه تسمیه آن گویا این بوده‌که درآنجا اشتر زیاد بوده است و لـذا آنجا را اشترگان یعنی جائیکه اشترزیاد دارد و سپس در زمان تسلط اعراب براصفهان معرب گردیده و اشترجان گفته‌اند ویا اینکه درلهجه قدیم اصفهان‌جیم وکاف فارسی‌شبیه یکدیگر تلفظ میشده‌اند.

مسجد مزبور مطابق فحوای‌کتیبه تاریخی در زمان سلطان محمد خدابنده

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۲۸۸. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۷.

اوبحاتیوی مغول بوسیلهٔ رئیس الوزرای او خواجه فخرالدین محمدبن محمودبن علی‌اشترجانی بناگردیده است. خواجه اشترجانی زمانی‌هم حاکم لنجان ودر دوره سلطان ابوسعید ازمستوفیان ومنشیان بزرگ ومدتها نیزوزیر امیرسونج از امرای مشهور سلطان ابوسعید بوده است .

مسجد جامع اشترجان از لحاظ مساحت بطول ۵۰ متر و عرض ۳۰ متر و دارای دودرب ورودی یکی درجنوب شرقی مسجد که سردرآن بارتفاع هفت متر گچبری شده وداخل گچبریها گل‌وبوته ایجاد شده است وکتیبه آن چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. وان‌المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً فی‌سنة خمس»
« عشرة وسبعمائة . »

ودرب دیگر روبشمال است ودومناره آجری بارتفاع ۲۰ متر در طرفین‌آن قراردارد‌که مقداری ازارتفاع آنها در دوره یاغی‌گری رضاخان جوزدانی وجعفرقلی چرمهینی‌خراب‌گردیده است .

ودر اطراف مناره‌ها باکاشی فیروزه‌ای وخط‌کوفی‌کلمات : الله‌اکبر نقش شده ووضع مناره‌ها طوری است‌که اگر یکی‌را تکان دهند دیگری تکان میخورد .

کتیبه اصلی این سردر بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه کاشی فیروزه‌ای چنین است :

«امر ببناء هذاالمسجدالمبارك‌الصاحب‌الاعظم‌ملك‌الوزراءفی‌العالم‌فخرالدنیا »
« والدین محمدبن محمودبن علی‌الاشترجانی. » در داخل مقرنسهای کاشیکاری سر در مسجد بخط آجری برجسته برزمینه کاشی فیروزه‌ای دراشکال مربع‌مانند چهار کلمه « محمد » دریك شکل‌چهارگوش وچهارکلمه « ابوبکر » درچهارگوش دیگر وچهار لفظ « و عمر » و چهار « و عثمان » و چهار بار « وعلی » نـوشته شده و در مربع دیگردنباله آن‌کلمات : رضوان‌الله علیهم اجمعین » خوانده میشود. و دریك شکل‌چهارضلعی درزیر مقرنسهابخط بنائی‌آجری برزمینه فیروزه‌ای اسامی‌چهارده معصوم ذکرگردیده است .

درقسمت بالائی درچوبی مسجد بخط ثلث فیروزه‌ای پوسته شده بـر زمینه آجری آیه ۹۶ وپاره‌ای از آیه ۹۷ سوره آل‌عمران باین‌کیفیت: « ان‌اول بیت‌وضع «للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین‌فیه‌آیات بینات مقام ابراهیم ومن‌دخله» « کان‌آمنا . » و در دولوحه کوچك در بالای همان کتیبه در طرفین‌آن بخط ثلث پوسته شده برزمینه کاشی فیروزه‌ای عبارات : « استاد احمد و حاجـی محمد قطاع تبریزی » نوشته شده است .

بردوجانب شرقی وغربی درورودی دردو طاقنما بخط بنائی آجری برجسته برزمینه‌کاشی‌فیروزه‌ای‌آیه ۲۸ ومقداری ازآیه ۲۹ سوره الفتح یعنی از(هوالذی ارسل تا « رحماءِ بینهم » نوشته شده است .

درچهار لوح کوچك این‌عبارات خوانده میشود : « سبحانه وتعالـی » «عما یصفون » « فسبحان‌الله حین تمسون » « وحین‌تصبحون » وله‌الحمد » .

ازکتیبه‌های‌گنبد و ایوان جنوبی مسجد مورخ بسال ۷۱۵ که بخط ثلث بـا کاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری‌گل وبرگ نوشته شده فقط‌کلمات زیر باقیمانده است :

« . . . اتفق بعون‌الله . . . . » برجانب شرقی ایوان جنوبی دریك حاشیه گچبری آیه هائی از اول سوره یس وبرجانب غربی آن اسماءالله گچبری گردیده است .

کتیبه اصلی‌گنبد بخط کوفی برجسته برزمینه گچ ساده مشتمل بـرآیات اوائل سوره الفتح تا وسط آیه ششم است وتاریخ‌کتیبه مزبور درگوشه راست بالای محراب چنین است : « وذلك فی‌اواخر صفر سنة خمس‌عشر وسبعمائة » در زیـر پنجره‌های اطراف‌گنبد نامهای : محمد ـ علی‌ـ حسن ـ حسین‌بطور مکررگچبری شده است .

دراطراف محراب مسجد بخط کوفی آیة‌الکرسی وبخط ثلث‌آیه اول‌تاآخر چهارم سوره الدهر گچبری شده و درقسمت فوقانی کتیبه بخط کوفی کبود رنگ

کلمات : « سبحان‌الله والحمدلله والله اکبر » نوشته شده است .

درحواشی محراب مسجد باخط ثلث آیاتی ازسوره التوبة وبخط‌کوفی سفید رنگ کتیبه‌ای دارد که قسمتی‌ازآن ریخته وبقیه آن چنین است : « . . . صدق » « الله العظیم وصدق رسوله الکریم فی‌سنة . . . » سطر دوم این‌کتیبه شامـل سوره الضحی میباشد .

در درون محراب بخط بنائی‌گچبری برجسته برزمینه گچی این عبارات خوانده میشود : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « اللهم صل‌علی محمد المصطفی » « وصلی‌علی علی‌المرتضی » « و اصحابه رضوان‌الله علیهم » .

آیه ۱۸ سوره آل‌عمران‌بر‌جانب غربی محراب وسوره‌الفاتحه برجانب‌شرقی آن‌گچبری شده است .

درایوان شمالی‌بخط‌ثلث‌برجسته این‌آیه‌گچبری گردیده :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم . ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایها‌الذین» « آمنواصلوا علیه وسلمواتسلیماً » وبرطاق‌ایوان مزبور بخط بنائی‌کلمات‌الله‌اکبر» بطور مکرر وبرجرزهای داخل ایوان درچهارگوشهای‌کوچك : الله - محمد- علی - ابوبکر - عمر بطور پراکنده گچبری گردیده‌است .

بردیوار چهلستون شرقی مسجدلوحی سنگی‌نصب شده‌که‌کتیبه آن‌بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :

۱- درحاشیه لوح : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انمایعمرمساجدالله من‌آمن‌بالله» « والیوم الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم‌یخش الاالله فعسی‌اولئك ان‌یکونوامن» « المهتدین صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله . »

۲- کتیبه متن لوح : « درزمان خلافة حضرة پادشاه اسلام السلطان‌الاعظم » « مالك رقاب الامم ابوالنصر حسن‌بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه تعمیریمین و » « یسار مسجد جامع‌اشترجان نمود از خاص مال خود الشیخ‌السالك المسمی بـه » « کمال‌الدین اسماعیل‌بن ظهیرالدین ابراهیم اشترجانی ابتغاء لمرضاةالله تعالی »

« امید که قبول حضرة عزة گردد واهل بیتش بدعا یادکنند فی تاریخ ربیع الثانی سنة »
« احدی وثمانین وثمنمائة . »

درمحوطه زیرگنبد مسجد سنگابی قرار دارد که بخط نستعلیق برجسته این عبارت در اطراف آن حجاری گردیده است :

« نادعلیا مظهرالعجایب . تجده عونا لك فی النوایب . کل هم و غم »
« سینجلی . بعظمتك یاالله بنبوتك یا محمد . بولایتك یا علی . اللهم صل علی »
« محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وعلی ومحمد وعلی »
« والحسن والحجة القائم (ص) . »

« وقف شرعی مسجد جامع اشترجان نمود ابن غلامعلی - علی داد ساکن »
« من القریة سنه ۱۲۴۴ » . این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است.[۱]

این اثرباستانی بموجب شماره ۲۶۳ به ثبت تاریخی رسیده است .[۲]

۳- مسجد برسیان :

این مسجد همانطورکه درمناره آن یادآور شد درفاصله ۴۲کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بسترزاینده رود واقع گردیده است . دوقسمت ازمسجد مزبور از نظرهنری قابل توجه است یکی گنبد ودیگری محراب آن .

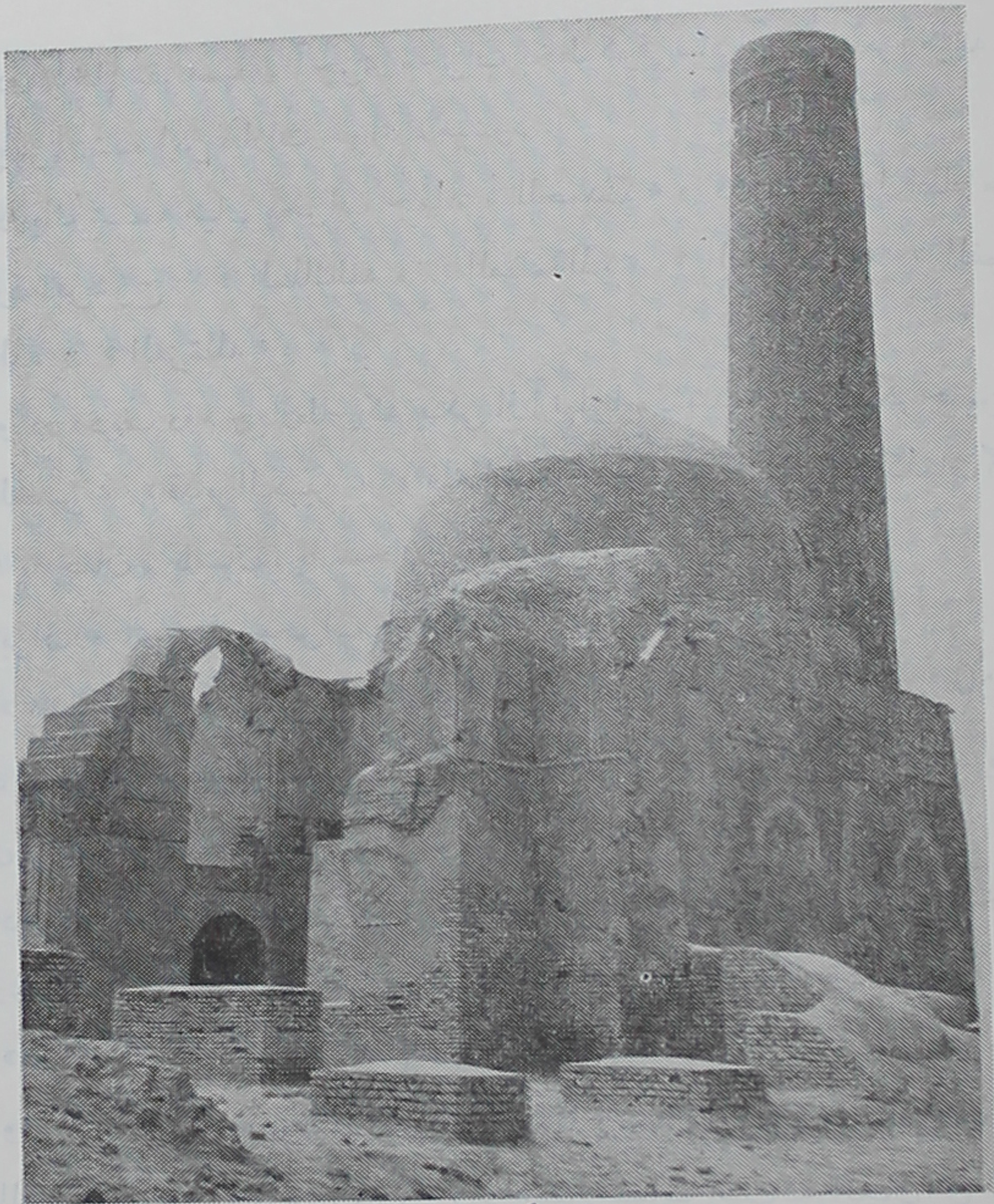
گنبد مسجدکه شباهت زیادی بگنبد تاج الملك مسجد جامع عتیق دارد تاریخی که دلالت برزمان ساختمان آن کند درآن باقی نمانده است ولی معلوم است که گنبد تاج الملك سرمشق بنای گنبد مسجد برسیان بوده است . کتیبه داخل گنبد نصف آن فرو ریخته وآن قسمت که باقی‌مانده بخط کوفی ساده آجری از ابتدای سوره الفتح شروع و چندآیه کتیبه شده‌است وآنچه باقی‌است تاریخی ندارد.

محراب مسجدهم از نظر هنری جالب توجه است و آجرتراشی و گچبری آن امتیاز خاصی دارد وتعلق آن بدوره سلجوقیان محرز میگردد . (ش ۹۶)

---

۱ -گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۲۶۷ تا ص۲۷۹.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .



(شکل ۹۶)

کتیبه اطراف محراب بخط کوفی برجسته آجری برزمینه تزیینات گچی گل‌وبوته‌ای چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی‌اولئك ان یکونوا من‌المهتدین فی »
« شهرالله المبارك رمضان سنة ثمان وتسعین واربعمائة . »

وحکایت میکند که بنای محراب مزبور در سال ۴۹۱ هجری قمری و زمان سلطنت برکیارق‌بن ملکشاه انجام شده است .

در داخل مقرنسهای آجری محراب بخط کوفی‌ساده‌آجری برزمینه گل و بوته گچبری شده این‌عبارات خوانده میشود :

دریك شمسه میان محراب جمله: « الحمدلله » و درردیف اول‌قطار محراب شش‌طاس باین‌شرح : « الملك‌لله » « العظمةلله » « القدرة لله » « القوةلله » « المنةلله » « العزةلله » .

و در ردیف دوم چهارطاس‌که یکی ازآنها نابود شده وسه دیگرچنین‌است : « الله الخبیر » « قدیرالکبیر » « فله‌الحمد » ونیز بخط‌ثلث این‌کلمات‌گچبری شده : « یا حنان . یامنان . یا سبحان . یا دیان » .

برازاره‌های میان محراب جملات زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « وهوالسمیع‌البصیر » در شمسه های هلال وسط محراب بخط کوفی مشبك کلمات : یاحنان . یامنان . یا سبحان . یا الله . یادیان . گچبری‌گردید است .

در دوره صفویه در محور محراب الحاقاتی بعمل آمده و از کتیبه خط ثلث کاشیکاری معرق این قسمت فقط چندکلمه بشرح زیر باقی‌مانده است :

« . . . . الاعظم . . . . الافخم وزوجته . . . . »

ونیز روی‌کتیبه مزبور دریك دائره بخط ریحان این‌کلمات باقی‌مانده است: « . . . الشهیدبکربلا وعلی‌بن . . . . » واز همین‌کلمات است‌که الحاق‌آن به‌مسجد دردوره صفویه احراز میگردد چه پیش از صفویه چنین امری رایج نبوده است . این مسجد ومناره آن‌چنانکه درباب مناره آن متذکر گردیده بموجب شماره۲۶۵ به ثبت‌تاریخی رسیده‌است.[۱] کتیبه های‌مسجد ازکتاب گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان اقتباس‌گردیده است.[۲]

۴- مسجد جامع دشتی :

این‌مسجد درساحل جنوبی زاینده رود واقع وتا اصفهان ۱۸ کیلومترفاصله

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۲۸ .

۲ -گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان از ص۱۷۵ تا ص۱۷۸ .

دارد وضع ساختمان آن بمسجدکاج شباهت دارد. دراطراف مسجد مزبورکه بقرن هشتم تعلق‌دارد ساختمانهائی شده بوده‌که ازمیان رفته‌است ونیز دومناره درنیم‌قرن پیش وجود داشته‌که‌آن دو مناره را برای مصالح‌آن خراب کـرده‌اند. دهانه‌گنبد مسجد چهارده متر ودر زیر سقف‌آن عبارت: الله ومحمد وعلی بخط‌کوفی نقش‌شده است و هیچگونه خط واثری دیگر باقی نمانده است[۱] این‌مسجد بموجب شماره ۳۴۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۵- مسجد سروشفادران :

این مسجد دردیه سروشفادران ازقرای بلوك براآن در۲۹کیلومتری جنوب شرقی اصفهان ودرساحل شمالی‌زاینده رود قرارگرفته است. سروشفادران بمناسبت بنای آتشکده سروش‌آذران درآن بااین‌نام خوانده شده است ولی اکنون اثری از آن آتشکده وجود ندارد وفقط همین‌مسجد است که درزمان شاه طهماسب صفوی بناشده است.

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌که مقداری ازکاشیهای آن ریخته شده چنین است :

« در ایام خلافت سلطان الاعظم نیراوج فیض وکرم اختر برج مکارم و نعم »
« السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه بنا نمود »
« این مسجد را ابن یوسف محمد سروشفادرانـی اتمام داد سنه ۹۷۶ . . . خط »
« میرعلی بنا . »   (ش۹۷)

واین کتیبه حـاکی است در عهد سلطنت شاه طهماسب محمدبن یوسف سرو شفادرانی درسال ۹۷۴ هجری قمری مسجد مزبور را بناکرده وخطاط آن میرعلی بنا بوده است. در بالای اسپرهای دو طرف سردر دو لوحه بخط آجری بـرزمینه کاشی‌لاجوردی وجود دارد که درآن دولوحه چنین نوشته شده است :

۱- درسال ۱۳۳۵ شمسی‌که تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان تألیف شده کلمات الله و محمد وعلی باقی‌بوده است ولی در۱۳۴۴ شمسی‌که‌گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف‌شده آن کلمات هم وجود نداشته‌است.

۲- فهرست‌بناهای تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۳۶.



(شکل ۹۷)

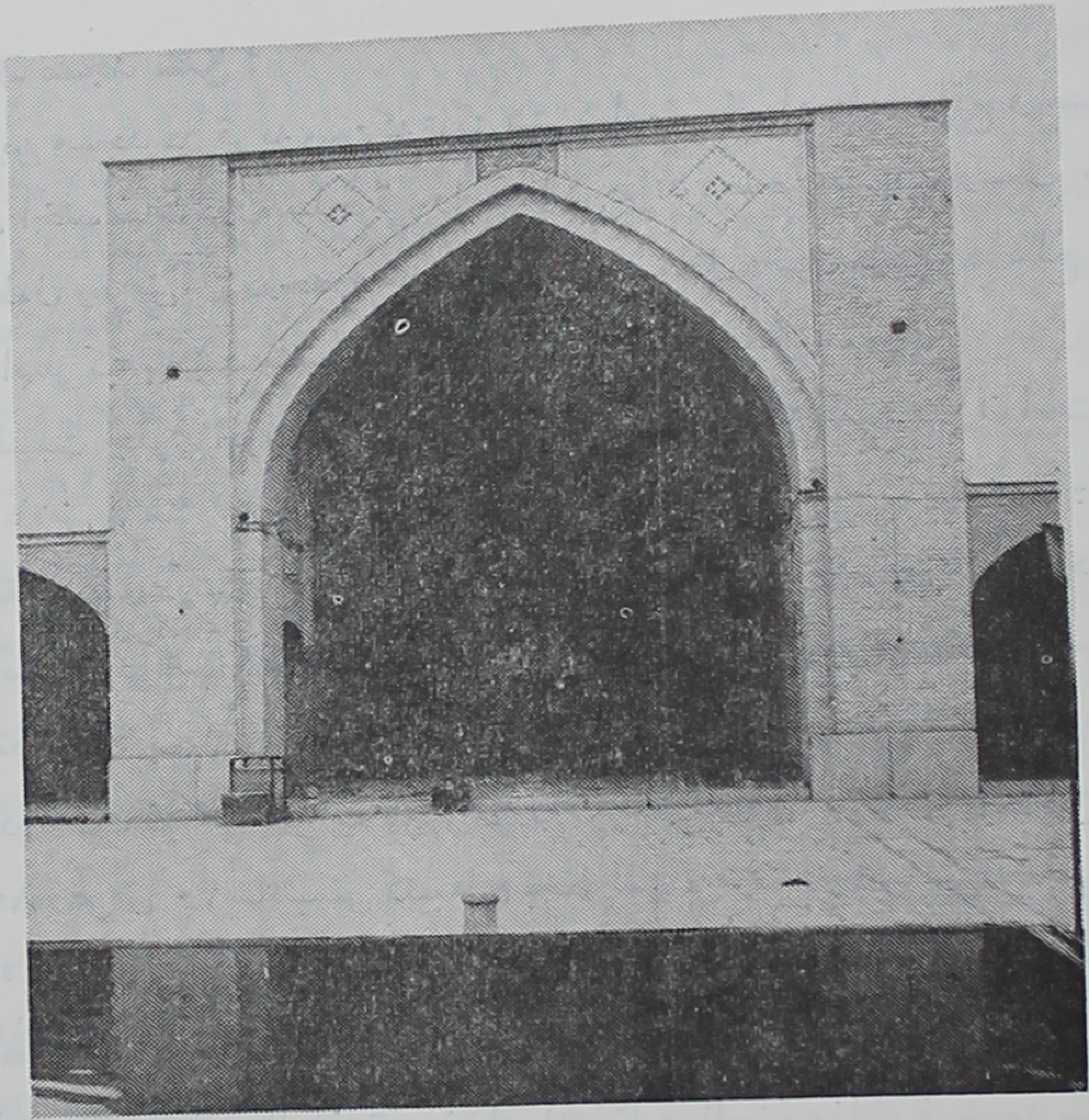
« بعون ولی‌داد این‌زیب‌را   میرمحمود ابن‌میرعلی »

که از فحوای این شعر معلوم میگردد که زینت آرای اسپرها میرمحمود پسرمیرعلی بنا وخطاط بوده است .

فرد اول شعرظاهراً این‌طور باشد:

داد این‌زیب را بعون‌ولی   میرمحمود ابن‌میرعلی

صحن مسجدکوچك‌وآثار قابل توجهی‌ندارد ولی‌درآن قدیمی است‌واشعاری بخط ثلث برجسته برآن‌کنده شده است :   (ش۹۸)



(شکل ۹۸)

« محمد عربی آب روی هر دو سرای
کسیکه خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »

« که من مدینه علمم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی است‌من سگ دراو »

این کتیبه ها نیزازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است.[۱]

ثبت تاریخی مسجد درجریان است.[۲]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۸۶۰ تا ص ۸۶۲.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

۶ـ مسجد سین :

این مسجد در قریه سین که تاگز شش کیلومتر فاصله دارد واقع و مسجد و مناره‌اش اختصاصات دوره سلجوقی را حفظ کرده‌اند . صحن مسجد وسعت زیادی ندارد وطول وعرض آن درحدود هفت متر است ، محل دخول مسجد درضلع شمالی وایوان اصلی که بگنبد منتهی میشود درطرف جنوب میباشد .

قسمت جلوی ایوان بکلی تازه ساز وقسمت عقب که گنبد درآن است بطول ۶/۵ و عرض ۴ متر مشخصات سلجوقی خود را حفظ کرده است . طاق گنبدی‌وار آن ازمقرنسهای درشت آجری وشبیه بآن دسته ازطاقهای مقرنس‌دار آجری‌مسجد جمعه اصفهان ترکیب شده است . خطوط گچبری اطراف محراب مسجد برزمینه آبی ابتداء : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » وسپس آیةالکرسی خوانده میشود .

درقسمت فوقانی‌محراب گچبری ودرزیر مقرنسهای آجری بریك لوح‌سنگی بطول ۸۰ وعرض ۴۰ سانتیمتر کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امر ببناءِ هذه القبة واتمامه العبد المذنب الراجی »
« لعفوالله تعالی ابوغالب یحیی‌بن ابوسعیدبن زکریا تقبل‌الله عزوجل‌منه‌وغفرالله‌له »
« ولوالدیه ولمن‌دعاله بالمغفرة و بنی‌الله له بیتا فی‌الجنة وذلك فی‌شهور سنة تسع»
« وعشرین وخمسمائة » .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که‌کتیبه ازآن اقتباس‌گردیده: «وغفرالله» بدون له نوشته شده در صورتیکه درست آن « و غفرالله له » میباشد زیرا در جمله قبل : (تقبل‌الله) الله ذکر شده وبعداز غفر باید مفعول مع‌الواسطه ان ذکرگردد و وقتی غفرالله له خوانده شود عبارت درست میگردد . این‌اثرباستانی چنانکه‌درباب مناره آن گفته شده بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است.[1]

۷ـ مسجد گز :

این‌مسجد درقریه‌گز که تا اصفهان ۱۸ کیلومترفاصله دارد واقع ویك‌مسجد چهار ایوانی‌است که‌درزمان‌سلاجقه ساخته شده وبر اثر تجدید ساختمان امتیازات

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۲۹ .

زمانی خود را ازدست داده است .

صحن مسجد بشکل مربع وطول وعرض آن هریك ۱۲ متراست ایـوانهای شمالی وجنوبی وشرقی وغربی آن دوبدو قرینه یکدیگر ساخته شده‌اند وآثـار قابل توجه آن از دوره سلجوقیان درایوان غربی مشاهده میشود. پشت بغل هرمدخل دارای دوقسمت برجسته مدور درچپ وراست میباشد که نام خدا وپیغمبر و خلفاءِ راشدان برآنها منقوش بوده ونام خلفای سه گانه اول را محو کرده‌اند ، محـراب سلجوقی آن درضلع جنوبی قرارگرفته و درقسمت فوقانی آن جای یك کتیبه دیده میشود ولی اثری ازخود کتیبه نیست ، درضلع شمالی وغربی ایوان تزییناتی باقیمانده که تاریخی ندارد وشاید ازدوره صفویه باشد .

ایوان جنوبی درزمان شاه‌اسماعیل تجدیدساختمان وکتیبه آن چنین گچبری شده است :

« جدد هذه العمارة فی زمان السلطان الهادی الجلیل ابی المظفر السلطان شاه » « اسمعیل خلدالله . . . » و در یك شکل چهارگوش بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم گچبری شده و در چهار شکل مربع دیگر در چهار گوشه آن بخط بنائـی کلمات زیرگچبری گردیده است :

« الله‌اکبر » « محمد » « و علی » « الحکم‌الله » . بردیوار شـرقی ایوان شمالی مسجدگز لوحی دایره مانند وبقطر تقریبی ۵۰/ سانتیمتر نصب و بـرروی آن اشعاری حجاری گردیده است ودروسط آن این عبارت خوانده میشود : « عمل کربلائی محمدتقی دهقی ۱۳۰۵».

درایوان شرقی هم کتیبه‌ایست بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی که پس‌ازجمله : «قال‌الله تبارك و تعالی» آیه ۳۵ سوره النور نوشته شده و درپایان آن چنین خوانده میشود : « صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمدباقر الشریف الشیرازی فی سنة ۱۲۵۹ » ونیز دردوشکل مربع بخط بنائی مشکی برزمینه کاشی فیروزه‌ای معرق خوانده میشود : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله » ونیز دردوشکل

مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردیمعرق درسمت راست وچپ چنین نوشته شده :

« این بنا از توماند در عالم »

« عمل العبد . . . الی الله الغنی حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی» « سنة ۹۵۲ » وبردولنگه در مسجد بخط ثلث برجسته خوانده میشود : « و ان ـ المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً». درایوان غربی دریك دائره بخط‌کوفی باآجر برزمینه گچ: « لااله‌الاالله‌وحده » و دردائره دیگر : «لاشریك له محمدرسول‌الله» و دراسپرهای اطراف ایوان‌بخط بنائی مشکی برزمینه سفید : « یا الله » « محمد » « یا علی » خوانده میشود .

کتیبه اطراف محراب ایوان مزبور بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فیروزه‌ای شامل آیه ۱۷ و قسمتی ازآیه ۱۸ سوره آل عمران و در داخل محراب بخط کوفی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری : « الله اکبر » خوانده میشود .

این‌مسجد بطوریکه درشرح مناره آن‌گفته شده بموجب شماره۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است(۱) .

کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس‌گردیده است.(۲)

د ـ کلیساهای جلفا :

مطابق روایات تاریخی شاه عباس اول درسال ۱۰۱۳ هجری قمری عده‌ای از مردم ارمنستان را باصفهان‌کوچ داد وآنان درساحل زاینده رود منازلی برای خود ساختند وبرجمعیت آنان بتدریج افزوده میشد و ازاطراف ایران عیسویان بآنجا مهاجرت میکردند وهمین محل‌بود که بعدها بنام جلفا نامیده شد وشاه عباس‌مقرر داشت‌که کسی ازمسلمانان درآنجا ساکن‌نشود وبرای ساکنان محل‌مزبور امتیازاتی

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱ ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۱۸۷ تا ص ۱۹۱ .

ازقبیل آزادی درمذهب وکار ووضع زندگی بآنان داد وچون اراضی محل‌سکونت آنان متعلق بشخص‌شاه[1] بود زمین مزبور را بموجب فرمان زیربآنان واگذارکرد وآن فرمان اینست :

« بنده شاه ولایت عباس »

« حکم مطاع شد . آنکه درینوقت بنابرعنایت بی‌غایت شاهانه و شفقت »
« بلانهایت پادشاهانه درباره ارامنه جولاه وترفیه حال‌ایشان اراضی وزمین واقعه »
« در کنار رودخانه زاینده رود دارالسلطنه اصفهان که ایشان آنجا خانه ترتیب »
« داده‌اند وملك نواب همیون ماست بانعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم . »
« مستوفیان‌عظام‌کرام دیوان زمین‌مذکور را ازملکیت دیوان‌برطرف ساخته بانعام»
« ارامنه مذکور در دفاترعمل نمایند. وزیر وکلانترو‌عمال اصفهان حسب‌المنظور»
« مقرردانسته‌ازفرموده درنگذرندوزمین‌مذکوررا بانعام‌ایشان مقرر دارند.تحریراً»
« فی‌شهر شوال ۱۰۲۸» .[2]

پس‌ازاینکه وضع سکونت ارامنه جلفا سروصورتی یافت شاه عباس اندیشید که عبادت‌گاهی نیز برای آنان فراهم کند و از اینرو دستور داد کلیسائی برای آنان ساخته شود ودرسال ۱۰۲۳ قمری این‌فرمان صادرگردید :

« فرمان همایون شد »

«آنکه‌کشیشان ورهبانان وملکان‌وریش‌سفیدان وکدخدایان ورعایای‌ارامنه»
« ساکنین دارالسلطنه اصفهان بعنایت بی‌غایت شاهانه وشفقت ومرحمت بی‌نهایت »
« پادشاهانه مفتخر وسرافراز وامیدوار بوده بدانند که چون میانه نواب کامیاب »
« همایون ، وحضرات سلاطین‌رفیع‌الشأن مسیحیه خصوصاً سلطنت وشوکت‌پناهی »
« قدوة السلاطین العیسویه حضرت پاپا وپادشاه اسپانیه کمال محبت ودوستی‌است »
« و درمیانه ما وطوایف مسیحیه از اطراف وجوانب بدین‌دیار آیند وآمدوشد »
« نمایند وچون دارالسلطنه اصفهان پای‌تخت است وازهمه طبقه و مردم هرملت »

۱ـ گویا مربوط بدیوان بوده و چون پادشاه حاکم مطلق بوده اختیار بخشش زمین نیز با او بوده است . ۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۲۱۳.

« در آنجا هستند میخواهیم که بجهت مردم مسیحیه دارالسلطنه صفاهان کلیسای »
« عالی درکمال رفعت وزیب وزینت ترتیب دهیم که معبد ایشان بوده باشد وجمیع »
« مردم مسیحیه در آنجا بکیش و آئین عبادت نمایند وکسی نزد حضرت پاپا خواهیم »
« فرستاد که یکی از کشیشان ورهبانان ملت مسیحیه بدارالسلطنه مذکور فرستند »
« که در آن کلیسا بآداب عبادت قیام نموده وطوایف مسیحیه را بطاعت وعبادت ترغیب »
« نماید ومانیز از ثواب آن عبادت بهره‌مند باشیم وچون چند عدد سنگ بزرگ »
« در اوچ کلیسای ایروان بود وعمارت آن کلیسا منهدم گشته خرابی تمام بآن راه »
« یافته بودکه دیگر شایستگی تعمیر نداشت وکشیش آنجا استخوانهای پیغمبران »
« را که در آن مکان مدفون بود از آنجا بیرون آورده بجماعت ترسا و نصارا فروخته »
« آن مقام را ازعزت وشرف انداخته بود بنابراین آن سنگهای مذکور را از آنجا »
« بیرون آورده روانه دارالسلطنه اصفهان فرمودیم که درکلیساء عالی که در آنجا »
« ترتیب میدهیم نصب فرمائیم. میبایدکه چون سنگهای مذکور را بدانجا آورند »
« همگی طوایف مسیحیه را جمع نموده واز روی تعظیم واحترام تمام استقبال کرده »
« سنگهارا آورده باتفاق سیادت‌پناه وزارت واقبال دستگاه شمساللوزارة علیا وزیر »
« دارالسلطنه مذکور و رفعت پناه محب علی بیك لله درجائی که مناسب دانند »
« بگذارند وباتفاق یکدیگر معماران خاصه شریفه را همراه برند ودرپشت باغ »
« زرشك درزمینی که بجهت کلیسا قرار داده بودیم کلیسای عالی طرح نمایند که »
« کشیشان وپادریان عظام قرار دهند وطرح آنرا درتخته و کاغذ کشیده بخدمت »
« اشرف فرستاده که ملاحظه نمائیم وبعد از ملاحظه امرفرمائیم که استادان شروع »
« درکار کرده باتمام رسانند و دراین باب اهتمام لازم دانسته بهمه جهتی بشفقت »
« بیدریغ خسروانه امیدوار باشند. شهر شعبان سنه ۱۰۲۳ » [۱] و بر حسب این
فرمان کلیسای وانك ساخته شد.

کلیساهای جلفا بردوقسمند دسته‌ایکه اهمیت تاریخی و باستانی دارند و »

۱ــ تاریخ زندگانی شاه عباس اول ج ۳ ص ۱۵ - ۲۱۴

« برخی دیگر که از نظر تاریخی مهم نیستند ، از دسته نخست است :

۱- کلیسای وانک :

مهمترین کلیساهای مشهور تاریخی جلفا از نظر معماری و نفاست و تزیینات هنری کلیسای سن‌سور مشهور به‌کلیسای و انک میباشد این کلیسا برروی کلیسای دیگری که ساختمان آن مربوط بسال ۱۶۰۵ میلادی بوده بناگردیده است .کلیسای مزبور را بنام آمناپرکیچ یعنی نجات دهنده نیز میخوانند .

کلیسای وانک در سال یکهزار وشصت وپنج هجری قمری از محل اعانات مردم جلفا ساختمان آن آغاز و در ۱۰۷۴ هجری بپایان رسیده است . داخل این کلیسا پراز تزیینات و نقاشیها و ازاره‌های آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است . تزیینات ومعماری وطلاکاری آن کار استادان ایرانی و نقاشیهای آن بوسیله هنرمندان ارمنی‌واروپائی انجام‌گردیده است.کتیبه‌های کلیسای وانک بشرح زیر است : (ش ۹۹)

الف ـ کتیبه سردر اصلی درجانب غربی آن واقع وبخط ارمنی طلائی‌رنگ برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌است :

« درسال ۱۱۰۴ ودرعهد سلطنت شاه عباس‌دوم درزمانی‌که خلیفه اعظم ارامنه

« دراوچ کلیسا بافیلیپس بودوخلیفه این‌وانک داوید وارتابد ازخلیفه‌های‌کلیسای»

« وانک بود ساختمان این‌کلیسا ازمحل‌کمکهای مردم‌خیرجلفا شروع شد ودرسال»

«۱۱۱۳ بپایان‌رسید. ثواب عباداتی‌که دراین‌کلیسا برگزارمیشود عایددرگذشتگان»

« و بازماندگان بشود . » .

داخل‌کلیساچهارکتیبه‌است‌که همه بخط ارمنی‌طلائی‌رنگ برزمینه‌لاجوردی گچبری شده است ومفادآن چهارکتیبه چنین است :

یکم ـ کتیبه جبهه شمالی داخل‌کلیسا : « درتاریخ پنجم فوریه ۱۱۱۸ »

« (۱۶۶۹ میلادی برابر ۱۰۷۹ هجری) خواجه آودیك که نقاشیهای این‌کلیسا »

« را بیادبود خود ودرگذشتگان خانواده‌اش بیادگار گذاشته است رحلت کرد و به »



(شکل ۹۹)

« مسیح پیوست . »

دوم ـ کتیبه جبهه جنوبی : « بازهم درپیشگاه مسیح از خواجه آودیك و »
« فرزندش ماردیروس و فرزند متوفی اوساهاك و تمام خویشاونـدان نزدیکش »
« یادآوری‌کنید . ».

سوم ـ کتیبه جبهه جنوبی مقابل در ورودی : « از خواجه آودیك و زنش »
« مالتان سلیم ودخترهایش گل‌صنم وبدری ومریم تاتیك درپیشگاه حضرت‌مسیح »
« یادآوری کنید سال۱۱۱۹ (برابر ۱۶۷۰ میلادی و ۱۰۸۰ هجری) » .

چهارم ـ کتیبه جبهه غربی دربالای در ورودی اصلی : « درپیشگاه مسیح »

« بیاد آورید ازآودیك و فرزندش ساهاك و ماردیروس و نواده‌هایش: امیر آقا و»
« آنائی ومارگاریت وخواهر شوهرمارگاریت زیبی ته و (د . خ . ن) ».

ب- کتیبه سردرشمالی کلیسا در زیر تابلونقاشی که نمایش دهنده دفن حضرت مسیح است بخط ارمنی مفادش‌چنین است :

« درسال ۱۸۵۷ (میلادی) محوطه‌کلیسا بوسیله خلیفه طاطاوس تعمیرشد»
« ونقاشیهای داخل‌کلیساگردگیری وپاك شد . ».

ج - کتیبه داخل‌کلیسا درشاه نشین بخط ارمنی طلائی بر کاشی لاجوردی مفادش چنین است :

« در زمان خلیفه موسس وارتابد جلفائی این کلیسا کاشی‌کاری شد بتاریخ »
«۱۱۶۵ (۱۷۱۶ میلادی برابر ۱۱۲۸ هجری) » .

د -کتیبه‌کاشیکاری مدخل‌کلیسا بخط ارمنی‌باکاشی سفید برزمینهٔ لاجوردی مفادش باین شرح است :

«این‌کاشیکاری‌بیادگار مرادخالداریان وپدرش‌خواجه‌هوهانس ومادرش وزنش»
« مریم تاتیك وپسرانش ماردیروس واوهان ودخترانش‌پاراسی‌وموراسه وگل‌نبات »
« و نواده‌اش مارکار و بـرادران مرحومش مارکار و زادور و آواك و خواهرانش »
« تاماروای‌بیرس انجام‌شد یادگاری ازمراد وبرادرش (بارون هاکوپ جان) بتاریخ »
« ۱۱۵۹ (۱۷۱۰ م برابر ۱۱۲۱ هجری) » .

ه - کتیبه برج ناقوس درسه سطر بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مفادش چنین است :

« درتاریخ ۱۱۵۱ (۱۷۰۲ میلادی برابر۱۱۱۳ هجری) این ساختمان بنام»
« فرشتگان مقرب خدا جبرئیل ومیکائیل در دوره سلطنت شاه سلطان حسین که »
« پادشاهی‌آرام وصلح دوست است وزمانی‌که خلیفه بزرگ جلفا الکساندروارتابد »
« بود بانظارت خلیفه دیگری بنام موسس‌بهزینه حضرت هوهانجان جامـالیانس »
« بیاد بود پدرش خواجه هوهانس و مادرش جنیادین و دخترش بـرزاده و پسر »

« جوانش هوهانس و برادر بزرگش بارون گریگور و برادر زاده‌اش هوهانس و بیاد بود »
« آمرزش درگذشتگان و بازماندگان خانواده‌اش بناگردید . ».

و- کتیبه زیر برج ناقوس برروی آرامگاهی که دراطراف سنگ آن تصویرهائی ازسربازان حجاری شده چنین نوشته شده است :

« رستم خان سوقمن انیکلپیان ۱۸۴۳ » . درشرح قبور ارامنه گفته شده که رستم خان برادر منوچهرخان معتمدالدوله گرجی بوده و در ۱۲۵۸ هجری قمری مقارن حکومت معتمدالدوله دراصفهان کشته شده است وچون ارمنی مسیحی بوده درآنجا دفن گردیده است .

این کلیساموزه‌ای هم دارد که در۱۳۲۲ هجری ساخته شده و در آن تابلوها و کتابهای خطی واشیائی که ازطرف ارمنی‌ها به کلیسا اهداءِ شده جمع آوری گردیده است .

(ش ۱۰۰)

ز - کتیبه سنگاب کلیسای وانك بخط ارمنی برجسته مفادش چنین است :
« این سنگاب یادگار آودیك فرزند بونیات است . بتاریخ ۱۱۱۶ (۱۶۶۷م»
« برابر ۱۰۷۷ هجری) » .

این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است[1].
اثر مزبور بشماره ۸۵ به ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۲- کلیسای بیدخم = بیت‌اللحم = بتلهم = بدخم = بیدخهم :

این کلیساکه درنزد ارامنه جلفای اصفهان بنامهای مختلف خوانده میشود همان بیت‌اللحم است که درمیدان جلفا ودرمجاورت کلیسای مریم واقع شده است وخواجه پطرس ارمنی درسال ۱۰۳۶ هجری قمری دراواخر سلطنت شاه عباس اول کلیسای مزبور رابناکرده وبیست سال طول کشیده تاکلیسا تمام شده است وبااین ترتیب شروع ساختمان دوسال بفوت شاه عباس بزرگ شروع ودرسال ۱۰۵۶ که مقارن سلطنت شاه عباس دوم بوده باتمام رسیده است .

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۴ تا ص۵۱۸.
۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۴ .



(شکل ۱۰۰)

این کلیسا درمیان دوازده کلیسای کنونی جلفا دارای بلندترین گنبد است که ازفاصله‌های دور نمایان است وگنبد دوپوشه آجری آن خودنمائی میکند . قطر پی و دیوار بنا زیاد ودربعضی جاها بچندمتر بالغ‌میگردد . درضلع غربی گنبد و باندك فاصله‌ای محل مسقف ناقوس کلیسا قرارگرفته است . نمای خارجی کلیسا جالب نیست بلکه بنائی‌است گلی وآجری‌که توده گرد و غبار آنرا فراگرفته‌است ولی هنگامیکه بدرون‌کلیسا رویم نقاشی‌های گوناگون‌که بر دیوارها و سقفها دیده

می‌شود جلب توجه میکند و انسان احساس میکند که ازنظر بدوی اشتباه‌کرده و راه خطا پیموده است .

درموقع ورود به‌کلیسا برای آشنائی بازدیدکنندگان این مطالب ازطرف کلیسا درنظر آنان گذارده میشودکه ازوضع وپیشینه کلیسا آگاه شوند :

« این کلیسای زیبای منقش درسال ۱۶۲۸ میلادی توسط خواجه پتروس بنا »
« گردیده است نامبرده یکی ازخادمین درگاه الهی بود وبرای ملت ارمنی خدمات »
« دیگری نیزنظیر این انجام داده است .»

« نقاشیهای این کلیسا تا امروز بطوری محفوظ مانده‌که کاملاً تازه بنظر »
میرسد بزعم خواجه اوتیك برادرش بانی کلیسای مریم این کلیسا را بنا کرده تا »
« اغلب نمازروزانه خودرا دراینجا برگزار نماید آرامگاه او درسمت غربی کلیسا »
« دراطاقی بامقبره خواجه لوکاس پسرش وپسرخواجه لوکاس واقع . . . شعر : »

« بخواب آرام ای‌فرزند ارمن	به پهناور زمین‌ملك‌ایران» »
« بسی کردی تو بهرملت خویش	بناکردی‌کلیسائی‌تواینسان» »
« خداوندت دهدپاداش اینکار	روانت جاودان‌ماناد شادان » »

برسردر کلیسا این‌کتیبه تاریخی‌که بخط ارمنی ومضمون‌آن بفارسی چنین است خوانده میشود :

« ازماهدسی خواجه پطروس‌که مردنیکی بود درپیشگاه‌خداوندبدعای‌خیر»
«یادکنید وی‌این‌کلیسارا بهزینه خودبرای جاویدکردن نام‌خویش وپدرش‌ولی‌جان»
« و مادرش شوشان وخانواده‌اش درتاریخ ۱۰۷۷ بنا کرد ».

تاریخ۱۰۷۷ ارمنی برابر است با ۱۶۲۷ میلادی و ۱۰۳۶ هجری .

در ذیل‌کتیبه مزبور کتیبه زیرین بخط ارمنی چنین‌نوشته شده است :

« حجاری‌شد توسط کشیش‌هوانس گالستانیان درسال ۱۲۹۸ ارمنی(۱۸۴۹م »
« و۱۲۶۵ هجری) » .

در داخل‌کلیسا و اطراف محراب آن نیزکتیبه های کوچکی وجود دارد که خواجه پطرس از همکیشان خود توقع والتماس دعاکرده است .

درضلع غربی کلیسای مزبور وبالای سردر ورودی اصلی کلیسا کتیبه‌ای بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه لاجوردی گل و بوته‌دار باین شرح ومضمون وجود دارد:

« ساختمان این کلیسای مقدس با تصاویرعالی و تزیینات طلاکاری درسال »
« ۱۶۲۸ میلادی بوسیله خواجه پطرس ولی‌جانی شروع شده و درظرف بیست سال »
« باتمام رسید سپس درسال ۱۸۹۹ میلادی درزمان خلافت اعظم حضرت مگردیچ »
« خلیفه کل ارامنه در اچمیادزین و رهبر ارامنه جلفا خلیفه ماقاکیا در دوره »
« شاهنشاهی مظفرالدین شاه پادشاه ایران تعمیر کلیسای بیدخم بهزینه اشخاص خیری »
« ازارامنه هندوستان بشرح زیرشروع شد :
« کلیسای مقدس نازارت (کلیسای کلکته) هزار روپیه . کمپانی آبکار »
« هزار روپیه واشخاص دیگری ۱۴۲۳ روپیه اهداء کردند - تعمیرات با نظارت »
« آقای هوسپ آبکاریان انجام گرفت . اهداکنندگان را در پیشگاه حضرت مسیح »
« بدعای خیر یادکنید . »

در داخل کلیسای بیدخم دربالای محراب آن بخط ارمنی طلائی برزمینه فیروزه‌ای نوشته شده است :

« در دعاها ازخواجه پطرس وپدر ومادر وفرزندش یادکنید بتاریخ ۱۰۷۷ »
« (۱۶۲۸ میلادی) » .

کتیبه‌های دیگری نیز بخط ارمنی گچبری شده که مضمون آنها نزدیک بیک - دیگر وتقاضای دعای خیراست برای خواجه پطرس وکسانش.

نسبت به‌ثبت تاریخی این کلیسا تاکنون اقدامی نشده است و اقتضا دارد که مورد توجه واقع گردد .

کتیبه‌ها ازمقاله دکتر علاءالدین آذری دمیرچی [۱] درمجله هنرومردم وگنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است .[۲]

۱- مجله هنر ومردم شماره ۱۰۹ ازص ۲۶ تا ص ۲۹.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۱۱ تا ص ۵۱۳.

۳- کلیسای هاکوپ = یعقوب مقدس :

این کلیسا درگوشه شمال غربی صحن کلیسای مریم قرار دارد وکتیبه سردر آن که بزبان ارمنی است تاریخ ساختمان را سال ۱۰۵۶ ارمنی که با سال ۱۶۰۷ میلادی و۱۰۱۴ هجری‌قمری برابراست‌تعیین‌میکندوبا این‌ترتیب نخستین‌کلیسائی خواهدبودکه درجلفای اصفهان‌ساخته شده است . نسبت به ثبت تاریخی این‌کلیسا نیز تاکنون اقدامی‌نشده است .

۴- کلیسای‌گیورك :

این‌کلیسا در محله میدان‌کوچك جلفا واقع و ازکلیساهای قدیمی‌است که مردم آنرا کلیسای غریب مینامند وشاید علت این تسمیه وجود سنگهای‌کلیسای قدیمی ارمنستان دراین‌کلیسا میباشد که‌آن سنگها دراین‌کلیسا غریب میباشند .

درون‌کلیسا بسیار ساده وفقط یك تابلو نقاشی قدیمی در قسمت محراب آن نصب‌شده است و اهمیت این‌کلیسا بواسطه بودن سنگهای اوچ‌کلیسا درآن میباشد وبنظر ارامنه یکی‌ازاماکن مقدس‌بشمار میرود.

سردرآن در دوره سلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری شده و تصویر حضرت مریم ومسیح وچند تن دیگر باکاشیهای خشت هفت‌رنگ نمایش‌داده‌اند و در زیر تابلو مزبور بخط سفید ارمنی برزمینه کاشی خشت لاجوردی عبارتی‌کتیبه شده‌که ترجمه‌اش چنین‌است :

« این‌در مخصوص خدا است وبی‌گناهان میتوانند از این در داخل شوند . از بانی بدعای خیر یادکنید ۱۱۶۸ ».[۱]

سال ۱۱۶۸ ارمنی مطابق با ۱۷۱۹ میلادی میباشد .

۵- کلیسای مریم :

این‌کلیسا در واقع کلیسای هاکوپ است که وسعت داده شده و بنام مریم خوانده شده است . در درون آن تابلوها و نقاشیهای مذهبی است که روی‌دیوارهای

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۸ .

گچی نقاشی شده است . بانی این کلیسا خواجه آودیك است که از تجار ابریشم عهد شاه عباس اول ومردی ثروتمند بوده است .

کتیبه تاریخی کلیسا بخط ارمنی مضمون آن چنین است :

« بااستمداد ازحضرت عیسی کلیسای مریم بوسیله ماهدسی آودیك ساخته شد »
« وباتمام رسید . اواین کلیسا را بمنظور جاویدان کردن نام خود وخانواده اش یعنی »
« پدرش خواجه باباك ومادرش اولوخاتون و زنش لیسین پاشه و پسرش هاکوپ جان »
« وآودالمیس و دخترش پالاف وقدم قوتلو وصوفیا و برادرش مارکار وهاکوپ و »
« خواهرش صنم وآنا در دوره سلطنت شاه عباس وهنگامی که خلیفه اعظم داوید »
« بود درتاریخ ۱۰۶۲ بناکرد . ».

سال ۱۰۶۲ ارمنی برابراست باسال ۱۲۰۱ هجری .

خواجه آودیك بانی کلیسا درهمین کلیسا مدفون و سنگ آرامگاه او باین شرح است :

« این آرامگاه ماهدسی خواجه آودیك است که درتاریخ ۱۰۸۸ (۱۶۳۹ »
« میلادی) از این دنیا رخت بربست » .

کتیبه دیگر بزبان و خط ارمنی وجود دارد که حاکی است ساختمان کلیسا در سال ۱۰۵۹ ارمنی برابر (۱۶۱۰ میلادی و۱۰۱۸ هجری) در زمانی که داوید خلیفه اعظم ارامنه بوده شروع شده و درسال ۱۰۶۲ (برابر ۱۶۱۳ میلادی و۱۰۲۱ هجری) نقاشی شده ودرسال ۱۸۴۱ میلادی (۱۲۵۶هجری) تعمیرشده است. نویسنده کتیبه کشیش گالستانیان است . تاریخ کاشیکاری کلیسای مزبور ۱۶۶۰ و ۱۶۶۶ میلادی یادداشت شده است .

این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان گرفته شده است .[۱]

نسبت به ثبت تاریخی این کلیسا تاکنون اقدامی نشده است .

کلیساهای دیگری که در دوره صفویه در جلفا ساخته شده و در درجه دوم

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۰ تا ص۵۱۱ .

اهمیت میباشد ازاینقرار است :

۱ـ استیاکوس ۲ـ راهنه‌کارتانیه ۳ـ سرکیس ۴ـ گریگور ۵ـ میناس ۶ـ نرسس ۷ـ نیکاغوس ۸ـ یحیی .

درجنوب منطقه جلفا در دامنه کوه صفه قبرستان قدیمی ارامنه وجود دارد که در آن عده‌ای قبرهای تاریخی مانند آرامگاه رودلف ساعت‌ساز آلمانی مقتول درزمان شاه‌صفی و دیگر ویلهلم لوکینسن‌ولکن‌مدیر کمپانی‌هند شرقی‌هلند متوفی (۱۶۶۵) وتئو درمیرانویچ سفیرلهستان در اصفهان متوفی (۱۶۸۶) وبان‌شاندیر مدیر کمپانی هندشرقی هلند متوفی (۱۷۰۳) درآن میان قابل توجه است.[۲]

۵ـ آرامگاههای تاریخی حومه:

۱ـ آرامگاه آقاحسین خوانساری :

این آرامگاه واقع است در تخت پولاد ودارای بقعه وگنبد وسردر آن با کاشیهای خشتی خط ثلث تزیین شده ولی بجز یك ردیف سرکشهای حروف در قسمت فوقانی کتیبه چیزی باقی نمانده است . قسمت عمده از مقرنسهای گچبری سقف سردرتکیه‌فروریخته است و درواقع مشرف بانهدام وویرانی‌است درصورتیکه نخستین بقعه وتکیه‌ایستکه درزمان صفویه برروی مزار یکی ازعلماء بنا شده و چون در این آرامگاه جز آقاحسین خوانساری استاد الکل فی‌الکل عده دیگری ازعلماءِ ودانشمندان مدفونند ازاینروآنجا را قبة‌العلما نامیده‌اند .

آقاحسین خوانساری فرزند آقاجمال خوانساری از علمای بزرگ و مورد احترام شاه سلیمان صفوی بوده است واغلب علماءِ و فضلای آن زمان محضر درس اورا درك کرده‌اند نامبرده درتاریخ‌ذی قعده ۱۰۱۶ هجری متولد ودر۱۰۹۹هجری وفات یافت ودرتاریخ وفاتش‌چنین گفتند :

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۲۰.

از آسمان بجمع یکی سرنمود و گفت

« امروز هم ملایکه گفتند یا حسین »

که عدد فرد دوم شعر مفرد میشود ۱۰۹۸ وچون یکی بسرآن اضافه شود میشود ۱۰۹۹ که مطلوب همانست و نیز گفته‌اند : « ادخل جناتی » که جمع آن بحروف جمل میشود ۱۰۹۹ درحاشیه‌تذکرة‌القبور (رجال اصفهان) دانشمندمعاصر ملامحمد علی معلم حبیب‌آبادی دراین‌تاریخ تردیدکرده وعلت‌آن این‌بوده‌که متن کامل آن اشعار وکلمه مورد نظر دردسترسشان نبوده و دیگر بشعرتائیر تبریزی نیز بااین‌شرح‌که درزیر نوشته میشود استناد کرده است :

تائیر گفت از پی تاریخ رحلتش

آن دم که بود اختر طالع کفیل او

زد چاك جامه خامه مشکین‌لباس و گفت :

« رفت از میان کسی‌که نیابی عدیل او »

که بحساب جمل ۱۰۹۸ میشود وحل این‌اشکال هم‌بچند وجه ممکن است : اولا جواب نقضی وآن اینستکه تائیر درتاریخ واقعی وفات محقق خوانساری اشتباه کرده باشد و ثانیاً شعرا در این مورد با یک سال تفاوت برای انسجام شعر غمض عین میکنند و ثالثاً مصرع‌آخر چنین خوانده شود : « رفت از میان کسی‌کو نیابی عدیل او » و با این ترتیب عدد آن بحروف جمل بالغ بر ۱۰۹۹ میشود که مطلوب است . در تکیه خوانساریها جز محقق خوانساری پسرانش آقا جمال و آقا رضی وعده دیگر از علماءِ مدفونند ثبت تاریخی این‌آرامگاه در گردش اداری است .(۱)

۲ـ آرامگاه بابا رکن‌الدین :

این آرامگاه درتخت فولاد درساحل جنوبی زاینده رود قرار دارد وآن مدفن بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله بیضاوی فارسی است‌که یکی‌ازعرفای معروف

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

زمان خود بوده وازفارس باصفهان آمده ودریکشنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری بدرود زندگی گفته و درتخت فولادکه بعدها بمزار بابارکن معروف گردید مدفون شده است. تکایا وآرامگاهائی که گنبد دارند بیضی شکل میباشند برخلاف گنبد بابارکن الدین که بنا بامرشاه عباس اول بصورت کلاههای صوفیان وقزلباشان یعنی ترک دار وهرمی شکل ساخته شده که خود علامت صوفیگری است وبعلاوه دوازده ترک دارد که موافق عدد ائمه اثناعشر میباشد.

نمای خارجی بنای بقعه بابا رکن الدین وسردرآن کاشیکاری است. قاعده گنبد آن مخمس است وپنج ایوان مشابه دراطراف محوطه زیرگنبد ساخته شده و آرامگاه دریکی ازاین ایوانها واقع وسنگ مرمری بزرگ بطول درحدود ۲ متر وعرض ۱/۱۶ متر روی آن قرار دارد. وسنگی مرمری دیگر بطول ۱/۶۳ متر و عرض ۸۹ سانتیمتر بطورعمودی نصب وکتیبه آن معرف مدفون میباشد. کتیبه آن بخط ثلث بسیار خوب برجسته چنین است:

« الاان اولیاءالله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون. هذا قبر حجة الاولیاء العارفین »
« وقطب الاوتاد الوالهین برهان الاتقیاء والصالحین قدوة العشاق الذاکرین کهف »
« الموحدین والمحققین السالك مسالك الائمة المعصومین العارف بالحقایق الربانیة »
« الواقف بالدقایق الملکوتیه الطائربفضاء اللاهوتیة مهبط الانوار ومخزن الاسرار »
« ونفحة العطار ومقام الشطار ومحل الاستغفار رکن الشریعة والطریقة والحقیقة و »
« العرفان بابا رکن الدین مسعودبن عبدالله البیضاوی وقد توفی یوم الاحد من یوم »
« السادس والعشرین من شهر ربیع الاول سنة تسع و ستین و سبعمائة. » و حکایت از مراتب روحانیت وعرفانی وزهد وحقانیت اومیکند ونیزوفات اورا درتاریخ یکشنبه ۲۶ شهر ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری تعیین کرده است.

کتیبه سردر آرامگاه که ازتاریخ بنای بقعه وگنبد حکایت دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است:

« بتأیید الله الواحد الباقی قدارتفع عمارة هذه البقعة الملکوتیة فی ایام دولة »

«کلب سدة علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه عباس الحسینی بهادرخان خلدالله »
« تعالی ملکه وسلطانه الی یوم القیام وتمت بحسن اهتمامه والانقیاد لاوامره الامر »
« یؤمئذلله تعالی کلب الفقراء محمد صالح الاصفهانی المولوی ۱۰۳۹ » .

از این کتیبه سه نکته معلوم میگردد یکی اینکه بابارکن الدین درزمان شاه عباس مورد احترام بوده است ودیگر اینکه شاه عباس که در اغلب کتیبه‌ها بر القاب خود افزوده است دراین مورد از آن کاسته است .

سومین نکته اینکه محمد صالح نویسنده کتیبه غیر ازمحمد صالح امامی است وخطاط آن محمد صالح اصفهانی مولوی است .

این آرامگاه درسال ۱۲۰۰ هجری تعمیر گردیده است وکتیبه آن برلوحی سنگی بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« چون از تصاریف دوران شرفات مقصوره بابارکن الدین را انهدام ساری واز»
« تقالیب ایام وحدثان زمان غرفات معموره حصن حصین اورا انهدام طاری گردیده »
« بود ازآنجاکه مشیت واراده جناب رب الارباب برابقاءِ وعدم انهدام آن بقعه شریفه »
« بود درین اوان فیروزی نشان سعادت توامان توفیق حضرت باری وتأیید جناب»
«اقدس الهی شامل حال عالیجاه رفیع جایگاه قدوة السالکین میرزا محمد نصیر بایزیدی»
« البسطامی گردیده و درصدد تعمیر و آبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه برآمده »
« معمور گردید دراواسط شهرذی الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰ ».

ومعلوم میگردد که آرامگاه درحال انهدام وخرابی بوده که بوسیله میرزا محمد نصیر بایزید بسطامی درسال ۱۲۰۰ هجری مورد تعمیر قرارگرفته است .

کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است . این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۰۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۳ـ آرامگاه پیر بکران :

این آرامگاه در دیه پیربکران در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان در

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

لنجان قرار دارد ومتعلق است به محمدبن بکران که معاصر با اولجاتیو بوده واز مشایخ بزرگ ومحققان بشمار میرفته است . بنای بقعه‌او به ایوان کسری مشابهت دارد ومعلوم میگردد هنوز درآن‌زمان ازسبك دوره ساسانیان پیروی میکرده‌اند . این بنا شامل سه قسمت است :

۱ ـ رواق بقعه که ازکوچه مجاورآن بصحن بقعه منتهی میگردد .

۲ـ صحن بقعه‌که دارای سقف بلند ودر اطراف‌آن ایوانچه‌ها و غلام‌گردشها قرار دارد ودیوارهای جوانب اربعه وپوشش طاق ایوان با خطوط‌کوفی بنائی‌وشاخ وبـرگ وگل وبوته‌گچبری شده آراسته‌گردیده است .

۳ـ آرامگاه ومدفن پیربکران درضلع شمالی بقعه واقع و با طاق محفوظی که درزمان صاحب قبر محل‌تدریس‌اوبوده اتصال دارد واطراف آن باگچبری‌تزیین شده است . چندکتیبه تاریخی وغیرتاریخی دربقعه وجود دارد :

۱ ـ کتیبه سردر صحن بقعه بخط ثلث برزمینه‌گل‌وبرگ بشرح زیرگچبری شده است :

« هذه‌العمارة‌المبارکة للشیخ‌المشایخ المسلمین محمدبن بکران فی‌ثلث و »
« سبعمائة . » .

درکتاب‌گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ونیز تاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان‌بجای «للشیخ» (الشیخ) نوشته‌شده درصورتیکه‌درست‌آن ازنظر اسلوب عبارت عربی‌همان (للشیخ) است نه‌الشیخ ودر عکس‌کتیبه هم دقت‌شده دراصل للشیخ‌بوده وفاصله‌ای میان لام جر وشیخ دراثر سائیدگی پیدا شده‌که همان موجب اشتباه‌گردیده است .

۲ـ کتیبه اطراف صحن بقعه دردوسطر وبارتفاع تقریبی یکمترونیم‌ازسطح بقعه واقع شده است . درسطر اول نخست‌آیة‌الکرسی تا والله سمیع‌علیم بخط بنائی گچبری وپایان‌آن چنین است : « صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله الکریم ونحن‌علی »
« ذلك من‌الشاهدین والحمدلله رب‌العالمین . » .

درسطردوم‌کتیبه‌آیاتی ازسوره الدهر بخط ثلث درشت‌گچبری شده وپایان‌آن

که درضلع باختری ایوان میباشد چنین است :

« و یطعمون الطعام علی‌حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً صدق‌الله عمل محمد »
« شاه نقاش. ».

ضلع شرقی بقعه نیز دارای خطوط و تزیینات گچبری است باین ترتیب که ضلع مزبور دارای دوجرز و یك ایوان کوچك است ، برجرز اول نام (ابوبکر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی در اشکال مربع بطور مکرر گچبری گردیده است . برجرز دوم کلمه (وعمر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی وداخل مربعهای بزرگ گچبری شده و در پائین جرز مزبور بخط بنائی ساده برجسته ازآجر صلوات بر چهارده معصوم گچبری گردیده است .

درپائین این‌جرز تخته سنگی‌وجود داردکه در داخل‌آن فرورفتگی‌مشاهده میشود وعموم مردم آن‌را جای پای دلدل وبرخی‌هم جای پای اسب الیاس پیغمبر میدانند .

بنظرنگارنده باید این‌سنگ ازمزار قدیمی یهودیان بنام استرخاتون واقع درهمان قریه پیربکران به بقعه پیربکران نقل‌شده باشد .

میان دو جرز ضلع‌شرقی دریك طاق‌نما و یا ایوان کوچك بخط کوفی این عبارات گچبری شده است : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » « سبحان‌الحی‌الباقی » وبر طرف جنوبی آن بخط ثلث چنین‌گچبری‌گردیده است :

« هذه‌الصفة المبارکة للشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین »
« محمدبن بکران قدس‌الله روح‌العزیز سنة اثنی‌عشرو سبعمائة . » ، در اینجاهم در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان الشیخ نوشته شده ولی بطوریکـه در صفحات پیش نوشته شد درست آن‌للشیخ است. برضلع غربی‌نیز خطوط و تزییناتی‌گچبری شده باین‌ترتیب :

برجرز شمالی‌ضلع مزبور نام « وعثمان » بخط بنائی‌مکرربرزمینه‌شطرنجی و در داخل یك مربع بزرگ گچبری شده ودربالای آن دریك صفحه مربع بخط

بنائی ساده با آجر چنین گچبری شده :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم هوالله الذی لااله الاهو الرحمن‌الرحیم . الملك »
« القدوس . السلام . المؤمن . المهیمن . العزیز . الجبار . الملك »
« الخالق . الباری . المصور . الغفار . الوهاب . المفید . المدبر »
« الشدید . المبدی . المعید . المبید . الودود . المحمود . »
« المعبود . البعید . القریب . المجیب . العلیم . الحلیم . الكریم »
« الحكیم. » وبرجرز جنوبی آن بخط‌بنائی برزمینه شطرنجی نام « وعلی» گچبری شده و در طاقنمای میان ضلع مزبور بخط ثلث سوره اخلاص و برجانب جنوبی طاقنما بخط كوفی برجسته جمله : « الملك‌لله » گچبری شده است .

۲ـ كتیبه هلال دوم اطراف‌دیوار مشبك بخط ثلث برجسته دراطراف سنگ آیةالكرسی وبرجانب غربی آن صلوات بردوازده‌امام حجاری شده ودر ذیل آن كتیبه تاریخی‌آن بشرح زیرشروع میشود :

« هذاالروضة المقدسته المباركة لشیخ المشایخ المسلمین و قدوة ارباب »
« المحققین محیی معالم‌الشریعة معظم معالم‌الطریقة كاشف‌اسرار الحقیقة حجةالحق »
« علی‌الخلق هادی‌الخلق الی الحق العارف باسرار الربوبیةالواقف بآثار الالوهیة »
« محمدبن بكران جعلهاالله روضة من‌ریاض‌الجنةفی‌لیلة الثلثا عاشر شهرربیع‌الاول »
« ثلث وسبعمائة عمل‌سراج » .

وبرجانب شرقی سنگ مزار چنین حجاری شده است : « اللهم صل‌علیه »
« كلما ذكره‌الذاكرون وصل‌علیه‌كلماسها عنه الغافلون حررالعبدالضعیف المحتاج »
« الی‌رحمةالله الغنی علی‌محمودبن محمد التبریزی بفیروزان » ، و بر دیوار شمالی درون آرامگاه بخطوط كوفی وثلث یك سطر در میان عباراتی باین ترتیب گچبری شده :

۱ـ خطوط كوفی‌مشتمل‌برآیه هائی ازسوره (الفاتحه) .

۲ـ خطوط ثلث باین‌شرح :

«هذه الروضة المقدسة للشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین محیی»
«معالم الشریعة کاشف اسرار الحقیقة واقف بآثار الالوهیة حجة الحق علی الخلق»
«محمدبن بکران نورالله قبره فی سنة ثلث و سبعمائة».

کلمه للشیخ نیزدر گنجینه الشیخ نوشته شده ودرست آن للشیخ است. این اثر تاریخی بموجب شماره ۱۰۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۱].

کتیبه های مربوط به پیربکران ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است.[۲]

۴- آرامگاه حاج محمد جعفر آباده‌ای:

این آرامگاه که بصورت تکیه‌ای برمزار حاج محمد جعفرآباده‌ای (متوفی ۱۲۸۰ ه.ق) ازعلمای بزرگ زمان مرحوم حجةالاسلام شفتی درمجاورت مسجد ومدرسه وآرامگاه رکن‌الملك میرزا سلیمان خلف شیرازی نایب‌الحکومه‌اصفهان در سال ۱۳۱۶ هجری قمری بنا گردیده است و کتیبه سردر تکیه مزبور بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی بشعرفارسی چنین است:

«جندا از آصف دوران سلیمان زمان
رکن ملك حق‌گزار حق‌پرست حق شناس»
«آنکه‌عمرخویش‌را فرموده‌درخیرات‌صرف
حسن اعمال جنابش بی حساب و بی قیاس»
«تکیه حاجی محمد جعفر آباده‌ای
عالم ربانی آن ذخر خواص و فخر ناس»
«کرد آباد و بدین‌جعفری خدمت نمود
خدمت دین‌راکند آن حضرت اندرهرلباس»
«بهر تاریخش بزرّ جعفری طغرل نوشت:
«ازسلیمانست دین جعفری محکم اساس»

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳. ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۲۵۴ تا ص ۲۶۴.

که میرساندمدفون‌درتکیه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای وبانی‌آن میرزاسلیمان خان رکن‌الملك در ۱۳۱۶ قمری و شاعرکتیبه طغرل بوده است و در ذیل‌کتیبه مزبور خطاط چنین معرفی شده است :

« کتبه‌العبد المذنب فتح‌الله المتخلص بجلالی غفر ذنوبه » .

۵- آرامگاه خاتون‌آبادی :

این‌بقعه که درزمان شاه سلطان حسین صفوی‌بنا شده در تخت فولاد واقع و دارای‌گنبدکاشی‌کاری ومدفن میرمحمد اسماعیل خاتون‌آبادی متوفی(۱۱۱۶ ه.ق) است وسلسله خاتون آبادیها و پا قلعه‌ایها و امام جمعه‌های تهران و اصفهان متحد و نسب‌آنها بحضرت امام حسین علیه‌السلام متصل میگردد ومعروف است‌که تکیه مزبور بعد از دوره صفویه دچار خرابی شده بود وبرحسب نذر شخصی نانوا تعمیر میگردد و خاتون‌آبادی راست : تفسیربزرگی در چهارده‌مجلد و تصنیفات دیگری نیز دارد . جدآنان امیرحسن از مدینه‌آمده ودر جورت وخاتون‌آباد منزل‌کرده‌اند واز اینرو به‌سادات‌خاتون‌آبادی معروف‌گردیده‌اند ودرتکیه‌خاتون‌آبادیها بسیاری ازبزرگان و علمای‌آن خانواده مدفونند .

ثبت تاریخی‌این‌تکیه درجریان است .[۱]

۶- آرامگاه الراشد بالله :

این بقعه‌که مطابق‌گفته مورخان ونویسندگانی چون صاحب مجمل‌التواریخ و القصص[۲] و معجم‌البلدان[۳] در شهرستان اصفهان که جی قدیم باشد درکنار نهر زاینده رود واقع‌گردیده است ودرگذشته مسجد جامع شهرستان و مناره‌آن هم در همین‌حدود بوده است .

اینك فاصله بقعه تاشهر اصفهان درحدود چهارکیلومتر است ودارای‌آثاری مخروبه ویك‌گنبد آجری می‌باشد ودر داخل‌گنبد صورت دوقبروجود داردکه‌بدور

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۸ .

۲- مجمل‌التواریخ والقصص ص۴۵۴ .　　۳- معجم‌البلدان ج ۲ ص۲۰۲ .

آنها ضریحی از چوب قرار گرفته ومردم ساکن قریه معتقدند که شاهزاده ابراهیم وحسین بن زیدبن حسن بن علی درهمانجا مدفونند درصورتیکه گفتیم مورخان و نویسندگان معتقدندکه بقعه مربوط به‌الراشد بالله میباشد.

ولی بنظر نگارنده این بقعه محل ومدفن همان دوتن ازامامزادگان می‌باشد و جائی که مدفن الراشد بالله بوده درزمان غلبه تشیع ازبین‌رفته است واین نکته هیچ منافاتی‌را بین‌قول مورخان ومردم محل‌ایجاد نمیکند بلکه جمع‌بین‌آن دوخواهد بود ومؤید این‌نظراست گفته عمادکاتب: «ودفن الراشد بالله فی‌مدینة‌جی وافردت» «له‌تربة فی جامعها و صار الی‌الیوم موضع قبره عن‌اشرف مواضعها» که خود در (۵۷۰ هـ. ق) وفات یافته باینکه در نیمه دوم قرن ششم هجری آن آرامگاه در جامع شهرستان بالاستقلال وجود داشته وبدیهی است پس‌ازغلبه تشیع در قرن نهم ببعد از میان رفته است و معلوم می‌گردد مردم محل این بقعه را آرامگاه آن دو امامزاده‌دانسته‌اند نه‌الراشد‌بالله‌وروی همین‌اصل‌هم‌دردوقرن‌اخیر درصدد برآمده‌اند که‌گنبد بقعه را کاشیکاری‌کنند وچند قطعه‌کاشی فیروزه‌ای نصب‌گردیده‌که مقداری ازآن ریخته است.

واینکه درفهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران گفته شده که در مجاورت بقعه دومناره سلجوقی برجای مانده درست نیست[1]

این‌گنبد در داخل تزییناتی‌ندارد ولی‌درسال (۱۳۱۶ هـ. ق) بوسیله‌بانوئی بنام افتخارالدوله تعمیری ازآن بعمل آمده وماده تاریخ‌آنرا علیرضا متخلص به انجم چنین سروده است[2].

افتخارالدوله از باب کرم — گشت باعث بهر تعمیر حرم
انجم بیدل بتاریخش بگفت: — بود الف وسیصد و شانزده رقم

در داخل بقعه کتیبه‌ای بخط کوفی برجسته برزمینه گچ رنگ‌آمیزی‌شده چنین است:

۱- فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن‌باستانی ایران‌ص۳۲. ۲- تاریخچه‌محله خواجوص۶۲.

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم فی بیوت اذن‌الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح‌له»
« فیها بالغدو والاصال . رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکرالله واقام‌الصلوة وایتاءِ »
« الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه‌القلوب والابصار. لیجزیهم‌الله احسن ما عملوا و»
« یزیدهم من‌فضله والله یرزق من یشاء بغیرحساب. »

کتیبه مزبور میرساند که بقعه از ملحقات مسجدی بوده که در آن عبادت میشده است وبمرور زمان آثار مسجد ازمیان رفته وهمان بقعه باقی مانده است . واین نکته مؤید قول عمادکاتب میباشد این‌اثرتاریخی بموجب شماره ۳۵۰ به ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۷- آرامگاه میرمجدالدین اسمعیل باب‌الدشتی :

درصفه شمالی شبستان گنبد دار مسجد قطبیه قبری است که میان مردم معروف به امیرقطب‌الدین علی باب‌الدشتی‌است ولی‌سنگ‌مزارحکایت داردکه مدفن میرمجدالدین اسماعیل ابن‌حضرت‌عمدة الاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی وکتیبه آن چنین است :

« وفات عالیجناب . . . . خلف الاکابر العظام میرمجدالدین اسماعیل‌ابن »
« حضرت عمدةالاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی فی‌شهرصفر »
« سنة خمس وخمسین وتسعمائة » .

مگر اینکه گفته شود قسمتهائی که بعد از کلمه عالیجناب ساقط شده نام امیرقطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی بوده واو خلف میرمجدالدین اسماعیل بوده است .

این‌مقبره و مسجد قطبیه و سردر آن ضمن‌شماره ۲۱۸ - ۱۳/۹/۲۲ به ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۸- مقبره میرزا رفیعا نائینی :

این‌بقعه بفاصله زیادی ازراه شیراز درتخت‌فولاد درمحوطه فرودگاه اصفهان

۱- فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۲.

۲- فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۳ .

واقع ودارای گنبدی جالب میباشد و آنجامدفن رفیع الدین محمدبن حیدر معروف به میرزا رفیعا نائینی از علمای بزرگ و کامل عصر شاه صفی و شاه سلیمان صفوی است که کتاب شجرة الهیه را در کلام بفارسی بنام شاه صفی وخلاصه آن کتاب را نیز بنام ثمره الهیه تألیف کرده است . از تألیفات او شرح بر اصول کافی وحواشی دیگر است که شرح آن را نگارنده در کتاب آتشکده اردستان[1] نگاشته‌ام وطالبان می‌توانند مراجعه فرمایند ، وشجره الهیه را نیز با تطبیق چند نسخه خطی مهذب آنرا تنظیم وبرای طبع بکتابخانه آستان قدس رضوی تقدیم کردم .

کتیبه سنگ آرامگاه میرزا رفیعا که دریکی از گوشواره‌های محوطه زیر گنبد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته این اشعاررا دربردارد :

« فلك سنگ غم زد بجام رفیع — نمود آسمان تلخ کام رفیع »
« بگاه هدایت بتك رشته بود — کلام کلیم و کلام رفیع »
« درآفاق و انفس تجلی نمود — بلندی اقبال و نام رفیع »
« چه بنمود از بعد هشتاد و پنج — ز دنیی وطن درمقام رفیع »
« بتاریخ فوتش خردمند گفت : — «مقام رفیع مقام رفیع »

۱۰۸۲

دراطراف گنبد بخط بنائی مشکی برزمینه آجری نخست عبارت « قال الله تبارك وتعالی » وسپس آیة الکرسی وپایان آن باین عبارات : « صدق الله العظیم و «صدق رسوله النبی الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین والشاکرین والحمدلله رب» العالمین » ختم می‌گردد .

کتیبه گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی برزمینه آجری این کلمات خوانده می‌شود :

« یابرهان . یاغفران . یا سبحان . یا مستعان . یا دیان . یا »
« سلطان . یا حنان . یا منان . یا دیان . یا رضوان . »

۱- آتشکده اردستان بخش۲ ص۲۷۸ .

میان پشت بغلهای اطراف نیز بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید اسامی محمد وعلی تکرار گردیده است.

این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس شده است.[1]

نسبت به‌ثبت تاریخی این تکیه اقدام شده است.[2]

۹- آرامگاه میر:

این آرامگاه درتخت‌فولاد درتکیه‌ای که محتوی اطاقها و حجراتی‌است واقع گردیده ومحل آرامگاه درهوای آزاد وبرسکوئی بزرگ و مرمرین بطول ۳/۶۰ متر وعرض ۱/۹۰ متر و ارتفاع بیش ازیکمتر قرار دارد و طبق مفاد کتیبه‌ایکه برجانب غربی‌سنگ قبر بخط ثلث‌برجسته‌خوانده‌میشود مدفون‌درآن میرابوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیك‌بن صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی ازحکمای بزرگ عصرصفویه واساطین‌عرفاء ودانشمندان بنام بوده‌که در۱۰۵۰ هجری قمری بدرود زندگی گفته است. اشعار فارسی حکیمانه اومشهور ومطلع قصیده معروفش: چرخ بااین‌اختران نغز وخوش وزیباستی زبانزد خاص وعام است و شروحی برآن نوشته‌اند وآن‌کتیبه چنین است: (ش۱۰۱)

«الاان اولیاءِ الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون»

«هذا مرقدقدوة الاولیاءِ وزبدة الاوصیاء معتضدالاصفیاء معتمدالعرفاء قاید»

«السالکین والعاشقین‌هادی‌الموحدین والمتألهین‌السایرفضاء الجبروتیة والطایر»

«فی‌هواءِ اللاهوتیة عارف عوالم الالوهیة مالك‌ممالك الملکوتیة قطب‌الذین»

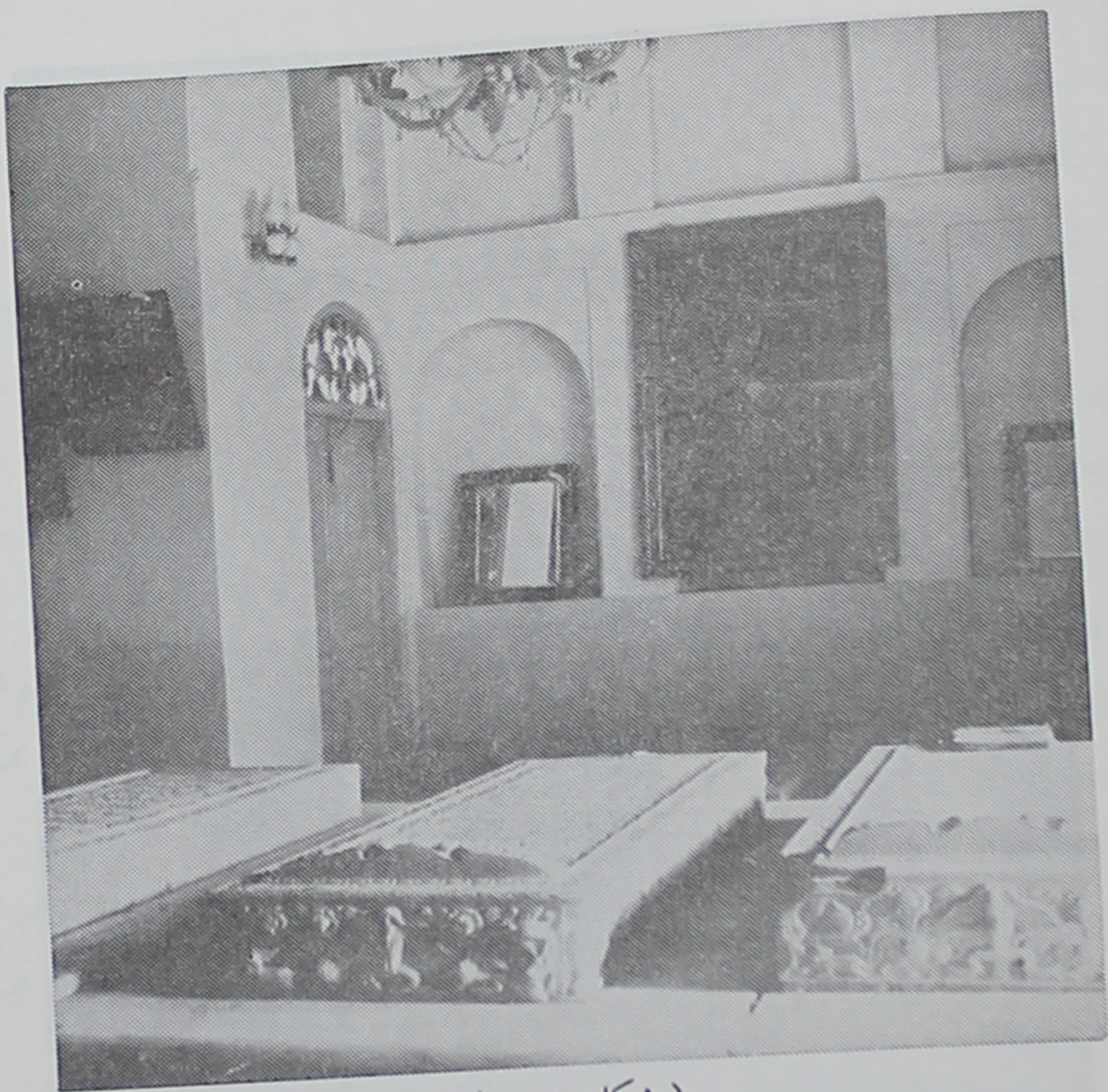
«لاخوف علیهم ولاهم یحزنون مرکز دایره‌بل‌احیاء عند ربهم یرزقون اعلم‌علماء»

«المتبحرین افضل فضلاء المتفردین جامع المعقول مجمع الفروع و الاصول»

«سیاح بوادی الایقان سباح بحارالعرفان الفانی فی‌الله و الباقی بالله سیدسادات»

«العظام سنداسناد الفخام‌السید ابوالقاسم الفندرسکی قدس‌سره الزکی‌وکان‌وفاته»

۱- گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۶۳۱ تا ص۶۳۳. ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷.



(شکل ۱۰۱)

« الف وخمسین من‌هجرة النبوی ۱۰۵۰ » .

دراطاق مجاور آرامگاه غزل : روضه خلدبرین خلوت درویشان است بخط نستعلیق گچبری شده وخیلی استادانه گچبری گردیده که میتوان گفت گچبرهم مانند میرعمادکه در خط تفوق داشته درگچبری استاد مبرز بوده است . (ش۱۰۲)

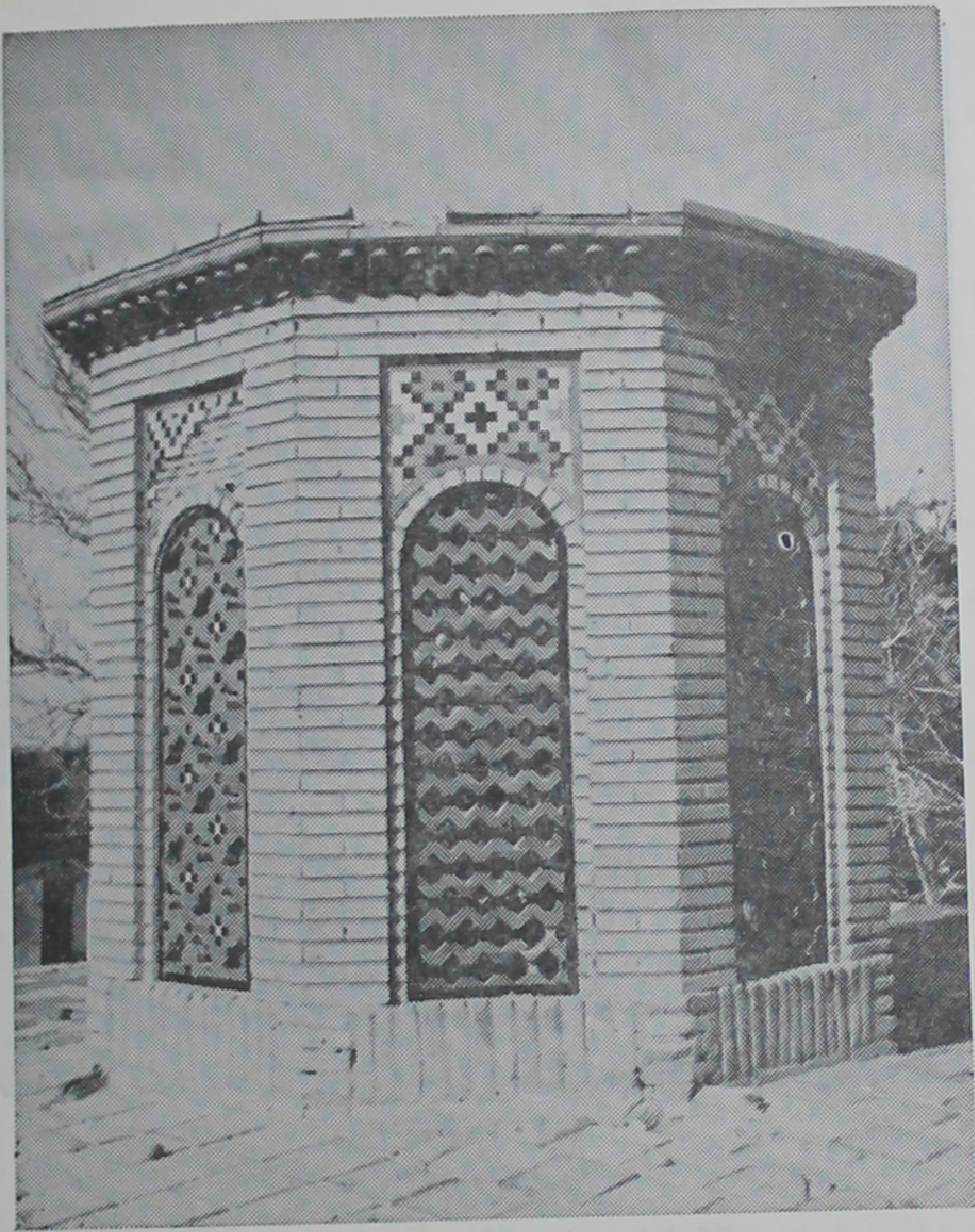
بردیوار مقابل درورودی اطاق اشعار زیرگچبری شده :

« جای فیض علی چوتکیه میر — شد ز فیض خدای فیض علی »

« فیض‌فیاض‌گشت وشد تاریخ : — « این‌مکان باد جای فیض علی »

✻✻✻

« علی را قدر پیغمبر شناسد — که‌هرکس‌خویش‌رابهترشناسد »



(شکل ۱۰۲)

هر چند تصریح نگردیده که کسی در آنجا مدفون شده ولی ازمفاد دو شعر اولی استنباط میگردد که در سال ۱۱۹۳ هجری قمری شخصی بنام فیض علی در آنجا مدفون گردیده است.

سران ایل بختیاری مانند حسینقلی خان ایلخانی بختیاری مقتول در ۱۲۹۹ هجری وحاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و دیگران دراطاق مخصوص مدفونند.

مفاد کتیبه ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است. (۱)

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۴۳ تا ص ۵۴۵.

نسبت به ثبت تاریخی تکیه میر اقدام اداری گردیده است.[1]

۱۰- آرامگاه واله :

این آرامگاه در تکیه معروف به والهیه در حاشیه خیابان فیض کنونی و چهارباغ امین آباد سابق درباغی قرار دارد که مساحت اولیه آن دوازده جریب شاه بوده و نهر دویست و پنجاه از مغرب بمشرق در ضلع جنوبی آن جریان دارد و مدفون در آن آقا محمدکاظم واله تخلص از شعراء و خوشنویسان و دانشمندان است که در سال ۱۲۲۹ هجری قمری وفات یافته است.

واله در زمان حیات سنگ مزار خود را تهیه کرد و کتیبه آن را نوشت و حجاری کرد وفقط جای تاریخ مرگ را خالی گذارد و پس از مرگش کتیبه تکمیل و برمزارش نصب شد.

کتیبه سنگ آرامگاه بخط نستعلیق زیبا بقلم خود او باستثنای رقم تاریخ که بعد اضافه شده بر سنگ مرمر شفاف نفیسی یعنی بطول ۱/۷۰ متر و عرض ۸۵ سانتیمتر چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله الذی لایبقی الا وجهه و لایدوم الاملکه »
« والصلوة والسلام علی محمد و آله اما بعد فهذا مرقدی وانا تراب اقدام العلماء و »
« الحکماء والعرفاء الذین لاخوف علیهم ولاهم یحزنون والفصحاء والبلغاء والشعراء »
« الذین ورد فیهم ان‌الله کنوزا تحت العرش مفاتیحها السنة الشعراءِ وهذا اعتقادی »
« واعتضادی ان‌الله تعالی واحد بالذات ظاهر فی الذوات وقلت فیه :

« ای چشم خرد عاجز از دیدن ذات تو
پنهان‌تری از پنهان با این همه پیدائی »

« وان محمداً صلی‌الله علیه عبده ورسوله وان الائمة الاثنی عشر اوصیائه »
« وان ماجاء به‌النبی حق و انا المستغرق فی بحار معرفةالله العزیز بحیث قلت »
« و اقول :

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

« تراخواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی
در رحمت برویم بند ودرهای بلا بگشا »

« یا معشر الناس اوصیکم بترك اللذات وحب الشهوات لانی عشت فی الدنیا »
« بالراحة والفخامة بحیث حصلت لی نهایة اللذة والعزة وعاقبة الامر وجدت راحتها »
« الماً وعزتها ذلة ونلتمس من الاخوان المخلصین و نرجوا من الاخلاء الصادقین »
« اذا مرو علی هذا المضجع اسرونی بقرائة الفاتحة ولاینسونی بدعاء اللایحة لانی »
« مجرم ومشتاق بلقاءِالله المتعال ولما قال النبی صلی الله علیه و آله من کتب بحسن »
« الخط بسم الله الرحمن الرحیم دخل الجنة بغیر حساب کتبت بیدی فی مرض الموت »
« وانا محمدکاظم المتخلص بواله الاصفهانی ۱۲۲۹ . »

پس ازوفات واله چون مورد توجه صدر اصفهانی بود دستور داد بقعه‌ای بر آرامگاه اوبناکنند ودرآن موقع حاج محمد حسین‌خان لقب نظام‌الدوله داشت و پس‌از بناءِ این کتیبه که شاعرش آقا محمد طلعت اصفهانی وخط آن نستعلیق‌است در اطراف بقعه گچبری گردید :

« بعهد خسرو گیتی‌پناه گردون حکم — خدیو مملکت‌آرا شه بلند اقبال »
« ابوالمظفر خاقان عهد فتحعلی — که‌فتح‌ونصرت ازو گشته‌اندفرخ‌فال »
« هم‌ازعنایت خان سپهر پایه حسین — نظام دولت شه‌کامدش همال محال »
« ستاره حکم‌وفلك قدر حضرت‌واله — که‌ذات‌اوست بلنداختر ونکواقبال »
«زهمنشینی اهل‌زمان‌چوشددل‌تنگ — زبی‌ثباتی کارجهان چو یافت ملال »
« برای‌مدفن‌خودساخت‌این‌نکوبقعه — که‌خودبهشت نشان‌آمدوسپهرمثال »
«غرض‌چوگشت‌تمام‌این‌بناکه‌بنیانش — مباد تا بقیامت ز دور چرخ زوال »
« نوشت‌خامه‌طلعت‌برای‌سال‌که:«باد — دراین‌سپهر نهان آفتاب‌اوج‌کمال »
۱۲۲۹

نسبت به ثبت تاریخی تکیه والهیه اقدام‌گردیده است . کتیبه عربی‌ازتذکرة القبور(۱) وکتیبه فارسی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان(۲) اقتباس‌گردیده است .

۱ــ تذکرةالقبور از ص۲۳ تا ص۲۵ـ
۲ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۷۵۹ تا ص ۷۶۰ .

۱۱ - آرامگاه پرفسور پوپ :

این آرامگاه در کنار رودخانه زاینده رود درباغی قرار دارد ومدفون در آن ایرانشناس سترگ و دانشمند بزرگ جهانی پرفسور آرتور آپام‌پوپ امریکائی است که عمرخودرا صرف شناسائی هنرایران کرده وکتابها درباره‌آن تألیف‌کرده است.

ماسوف علیه دراین اواخر برطبق تمایلات قلبی خود در شیراز اقامت داشت وخود را بابحث درایران وهنرهای آن سرگرم می‌کرد و پس از گذشتن یك عمر طولانی‌چون مرگ خودرا روبرو میدید وصیت‌کردکه پس‌از مرگ اورا دراصفهان که معشوق واقعی اوبود دفن نمایند وبرحسب وصیتش چنین کردند وجنازه او را درباغی درکنار زاینده رود با تجلیل تمام دفن‌کردند وبرمزارش بقعه‌ای ساختند و اینك عاشقان هنرایران وایران دوستان ازمقبره‌اش دیدن می‌کنند .

پرفسور در ۱۲۶۵ شمسی‌متولد ودرنیمه شب چهارشنبه ۱۳۴۸/۶/۱۹شمسی درشیراز بدرود حیات گفت وهنگام مرگ همسر وعده‌ای از دوستانش حاضر بودند وهمانطورکه گفته شد نعشش باصفهان نقل و درآنجا مدفون گردید .

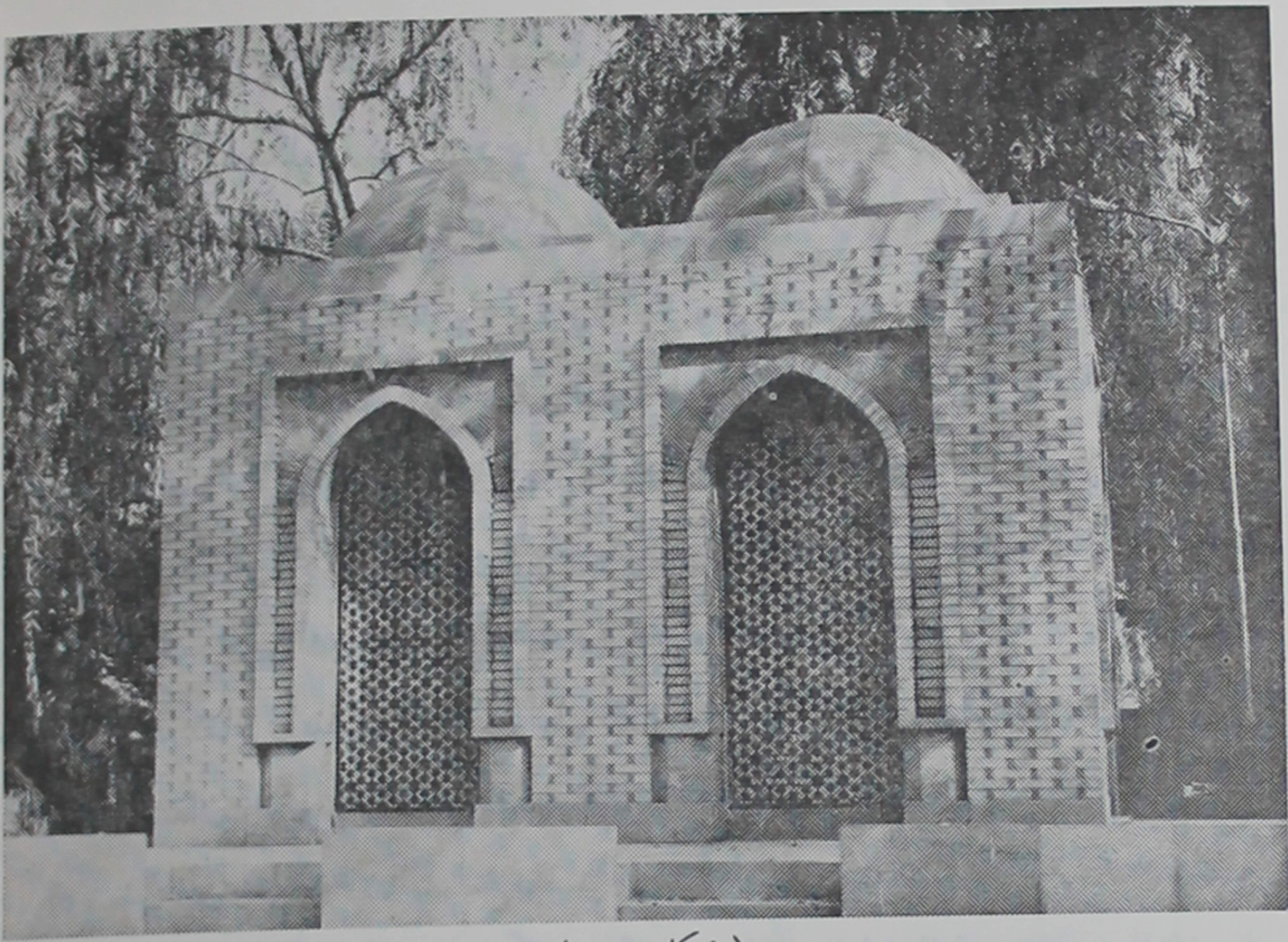
پرفسورپوپ درباره ایران وهنرآن تألیفات بسیاری دارد ازآن جمله :

بررسیهای هنرایران درشش‌مجلدبزبان انگلیسی‌است‌که بعضی از مجلداتش ترجمه شده وشامل پنجهزار تصویر رنگی‌سیاه وسفید و متجاوز از سه هزار صفحه تحقیقات وتتبعات بقلم قریب هفتاد نفر ازمحققان و ایران شناسان معروف جهان است وتمام هنرهای ایران ازجمله معماری وسفال سازی وفلزکاری و منبت‌کاری و مجسمه سازی ومفرغ کاری وگچبری ونقاشی وتذهیب وتجلید وکتابت و میناتور و قالی‌بافی‌را دربردارد .[۱] (ش ۱۰۳)

۱۲- سنگ نبشته پیر بکران :

این سنگ نبشته‌که بطول ۹۵ وعرض ۷۵ سانتیمتر است در هنگام تجدید ساختمان سقف‌کتیبه حضرت یعقوب در قبرستان قدیمی یهودیان اصفهان بنام

۱- مجله هنرومردم شماره ۸۴ مهر۱۳۴۸ .



(شکل۱۰۳)

استر خاتون (سارح بت آشر) واقع در دیه پیر بکران سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان درسالهای ۱۳۲۳_۱۳۲۲ شمسی از زیر خاکهای کنیسه بدست آمده و بر دیوار یکی ازطاقنماهای داخل کنیسه نصب شده است .

ترجمه کتیبهٔ لوح آن بخط و زبان عبری برجسته شامل آیاتی از تورية و تاریخ تحریر ونصب آن ازاوایل قرن دوم مسیحی چنین است :

« دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید . بآنها داخل شده خدا را حمد »
« خواهم گفت . دروازه خداوند اینست . عادلان بدان داخل خواهند شد . واین »
« سنگ را که چون ستون برپاکردم بیت‌الله شود و آنچه بمن بدهی ده‌یك آنرا »
« بتوخواهم داد اینك من فرشته‌ای پیش‌روی تو می‌فرستم تا ترا درراه محافظت »
« نموده بدان مکانی که مهیاکرده‌ام برساند خداوند برای شما جنگ خواهدکرد »
«وشما خاموش باشید بتاریخ پنجشنبه بیست و هشتم ماه آب سال ۳۸۹۰ از خلقت »

« آدم خداوند این ماه عزارا (مقصود ماه آب است که ماه سوگواری یهودیان میباشد) »
« بشادی مبدل نماید . سلام بر تمام افراد اسرائیل . غلام این درگاه داود بن یعقوب. »

نسبت به ثبت این سنگ تا کنون اقدامی نشده است . مفاد سنگ نبشته مزبور از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است.[1]

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۲۸ تا ص ۲۹ .

گفتار سوم:

در آثار و ابنیه موجود و معمور شهرستانهای استان اصفهان:

الف ـ شهرستان اردستان:

۱ ـ جمعیت ومساحت شهرستان اردستان:

جمعیت شهرستان اردستان ۴۴۰۰۹ نفر ومساحت آن ۱۱۲۹۳ کیلومتر و مرکز فرمانداری آن شهر اردستان وجمعیت شهر بالغ بر ۶۶۴۵ نفر است[۱].

۲ـ اماکن تاریخی شهر اردستان:

یکم ـ مسجد جامع:

مسجد جامع اردستان بطوریکه ازگفته مقدسی[۲] که درقرن چهارم میزیسته معلوم میگردد تازه معمورگردیده بوده‌است وبااین ترتیب بایدگفت مسجد معمور در آن زمان همان مسجدکوشك مانند سبك عربی بوده که پس ازطلوع اسلام درایران رواج یافته بود وهمانطوریکه درباب مسجدجامع اصفهان بیان گردید چون آن سبك با ذوق ایرانی وفق نمیداد بتدریج بمساجدگنبدوار چهار ایوانی تبدیل گردید ودر مسجد جامع کنونی اردستان قسمتهائی وجود داردکه باقی‌مانده مسجدکوشك مانند

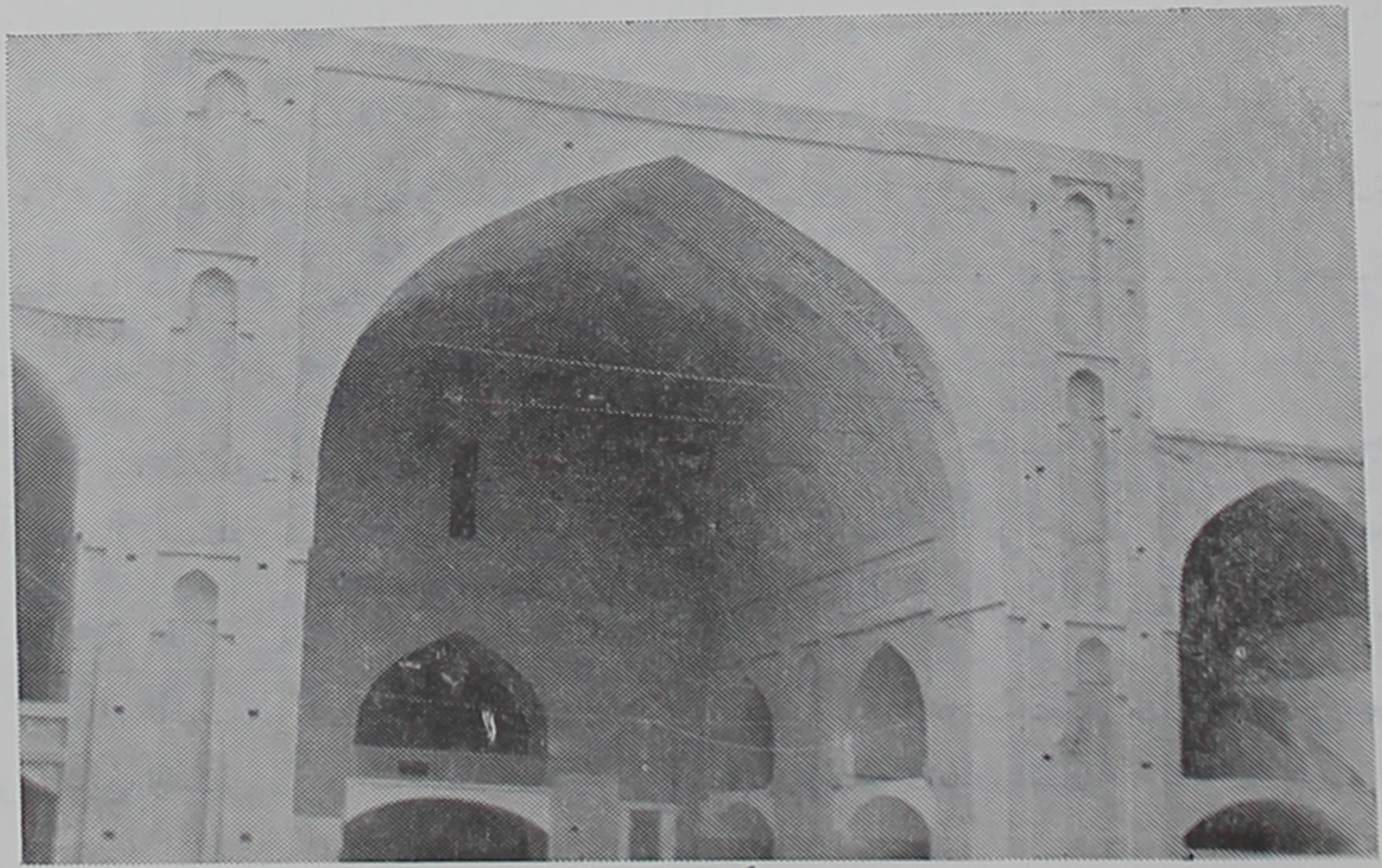
۱ ـ نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ــ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت کشور.
۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴.

است ودرواقع تاریخ وسرگذشت مسجدرا تعیین میکندکه ازکوشک‌مانندی به‌مسجد گنبدوار چهارایوانی تبدیل شده‌است .   (ش۱۰۴)



(شکل۱۰۴)

مؤلف مرآت‌البلدان ناصری در جلد چهارم راجع بمسجد جامع اردستان چنین گفته است :   (ش۱۰۵)



(شکل۱۰۵)

« جامع اردستان: »

« مسجدی است بسیارعالی وباصفاکه دارای چهارایوان بزرگ میباشد، در »
« سمت قبله ایوان وگنبد رفیعی است که ظاهراً کمال شباهت را بگنبد حضرت »
« امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام دارد ، منظر این گنبد زایدالوصف »
« مطبوع وخوش وضع ودر بنای‌آن‌کمال سلیقه را بکار برده‌اند ، بعضی ازاهل بلد »
« گویندکه بنّای این‌گنبد وگنبد یعسوب‌الدین علیه‌السلام یکنفر بوده- درمسجد »
« گچبریهای پاکیزه وظریف واستادانه که عبارت است ازکتیبه بخط کوفی دیده »
« میشود وچنین معلوم میگرددکه سازنده‌آن مرد صاحب صنعی بوده است . این »
« مسجد را شش در میباشد که ازچهار در آمدوشد مینمایند و دو در دیگر محل »
« عبورومرورنیست . زیرصحن مسجد بطریق سرداب شبستان بسیار بزرگی است، »
« بانی مسجد معلوم نیست از قرائن چنین مستفاد میشود که تقریباً هشتصد سال »
« قبل‌آنرا ساخته‌اند ، دراین زمان بعضی ازمواضع قریب‌الانهدام ومحتاج مرمت »
« وتعمیراست. درسمت‌غربی‌مسجدمدرسه‌ایست متصل بمسجد[2] مشتمل برحجرات »
« تحتانی وفوقانی ودر بام متصل بمسجد ومدرسه منارهٔ بلندی است‌که درسرمناره »
« گلدسته ساخته بوده‌اند وآن‌گلدسته خراب شده وچیزی ازآن باقی نیست ولی »
« مناره برقراراست. ازطرف شرقی‌مسجدبازوصل بمسجد تکیه‌ایست[3]که درایام »
«عاشورا وغیرها درآن روضه‌خوانی‌وتعزیه‌داری‌مینمایند درشمال مسجدایوانی‌است»
« بزرگ‌که مقابل مقصوره وگنبدواقع‌است‌درانتهای این ایوان‌دومرتبه‌چشم‌اندازی »
« باصفا دارد وبباغی بزرگ‌که مشجر باشجار مختلفه‌میباشد نظرمیکند فی‌الحقیقه »
« محل تفرج وتفریح است و در ایام تابستان‌که باد شمال میوزد برای آسایش و »
« راحت بهترین جائی از جاهای آن نواحی است . در جانب جنوب این مسجد »
« آب‌انبار بسیاروسیع معتبری است‌که درفصل زمستان آنرا مملو ازآب میکنند »
« ودرتمام بهار وتابستان بمصرف میرسانند وکافی است واین آب باوجود عذوبت »

---

۱ ـ سال تألیف مرآت‌البلدان ۱۲۹۶ هجری است . ۲ ـ منظور مدرسه حاجی حسین نورالدین است. ۳ـ مقصود تکیه سلطان‌بیك درمحله رامیان است.

« وگوارائی در تابستان چندان سرد است که گوئی آنرا با یخ باین درجه برودت »
« رسانیده‌اند . » .

میرزا علیخان نائینی روزنامه نگار ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در گزارش خود راجع بامور جغرافیائی کشور نسبت بمسجد جامع اردستان چنین گفته :

« . . . . پس از آن به مسجد جامع رفتم برکتیبه مسجد بگچبری آیات »
« مبارکات ترسیم شده ودر آخر رقم نموده که امر ببناءِ هذه‌البقعة والقباب الاربعة »
« العبدالضعیف ابوطاهر ابن الحسین بن عالی بن احمد تقبل الله منه فی سنة ثلث وخمسین »
« وخمسمأته انتهی که الحال [1] هفتصدوچهل‌وهفت سال میشود بهیچوجه فتوری »
« درآن راه نیافته است ، اما قبه دراثر زلزله شدیدی که دراین اواخرشده شکفتی »
« راه یافته‌است ایوان برابر گنبد نیز که ایوانی بس‌عالی‌است‌ودرعهد شاه طهماسب »
« بزرگ باهتمام و خرج سلطان بك نام که حکومت اردستان داشته ساخته شده »
« دیده شد واین ایوان را بصفه‌صفا موسوم ساخته است والحق اسمی بامسمی است »
« زیراکه طرف پشت‌آن مشرف بربساتین ومیاه باصفا میباشد وجانب مقابل‌صحن »
« با روح و فضا برسرقبر سلطان بیك نیز که درمحله رامیان واقع است بیتی چند »
« برسرسنگ حك نموده‌اند که در جمله این مصراع است : شد بانی صفه صفا »
« سلطان‌بیك . » .

از نوشته مرآت‌البلدان معلوم گردید که اصولاً راجع بجامع اردستان تحقیق وتوجهی نشده و حتی از بانی آن هم بی‌اطلاع بوده‌اند ولی باید از روزنامه نگار مزبور تشکر کرد که لااقل توجه کرده ولی دراثر عدم وجود وسائل کار نتوانسته است درکار کتیبه‌ها و خطوط موجود در مسجد تحقیق جامعی بنماید .

مسجد جامع اردستان مطابق اولین کتیبه تاریخی در ۵۵۳ وآخرین کتیبه در ۹۴۶ و نیز میان سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری قمری دوره فرمانروائی امیرجمله

---

۱ ــ یعنی درتاریخ ۱۳۰۰ هجری قمری .

ویا امیر محمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی که تاسال ۱۱۱۷ حیات‌داشته درجریان بنا وتعمیرات بوده ونیزدردوره اخیر پهلوی هم تعمیراتی ازآن بعمل آمده است. اما وضع کنونی مسجد مزبور چنین است:

مسجد جامع اردستان راشش در بوده که دو درآن غیرقابل ایاب و ذهاب و چهار در آن مورد تردد واخیراً یکدردیگر نیزمسدود شده است. این مسجد دارای چهار ایوان است:

الف- ایوان جنوبی:

این ایوان‌که دربالای‌آن‌گنبد است بسیار باشکوه وتزییناتی داردکه مربوط بدوره سلجوقی است وکتیبه‌آن بشرح زیر است:

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنة ولانوم‌له‌ما »
« فی‌السموات ومافی‌الارض من‌ذاالذی یشفع عنده الاباذنه یعلم مابین ایدیهم و ما »
« خلفهم ولایحیطون بشئی من‌علمه ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم. امرببناءِ »
« هذه‌الصفة ایضا و الرواق‌التی هی عن یمینها و الرواقی اللتین عن یسارها العبد »
« الضعیف ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد تقبل‌الله منه وفرغ‌منه فی‌سنة خمس »
و خمسین وخمسمائة عمل محمودبن محمد. ». (ش ۱۰۶)

محراب بزرگ زیرگنبد جنوبی دارای هفت ردیف کتیبه بخط کوفی و ثلث میباشد که ازخارج بداخل بشرح و ترتیب زیراست:

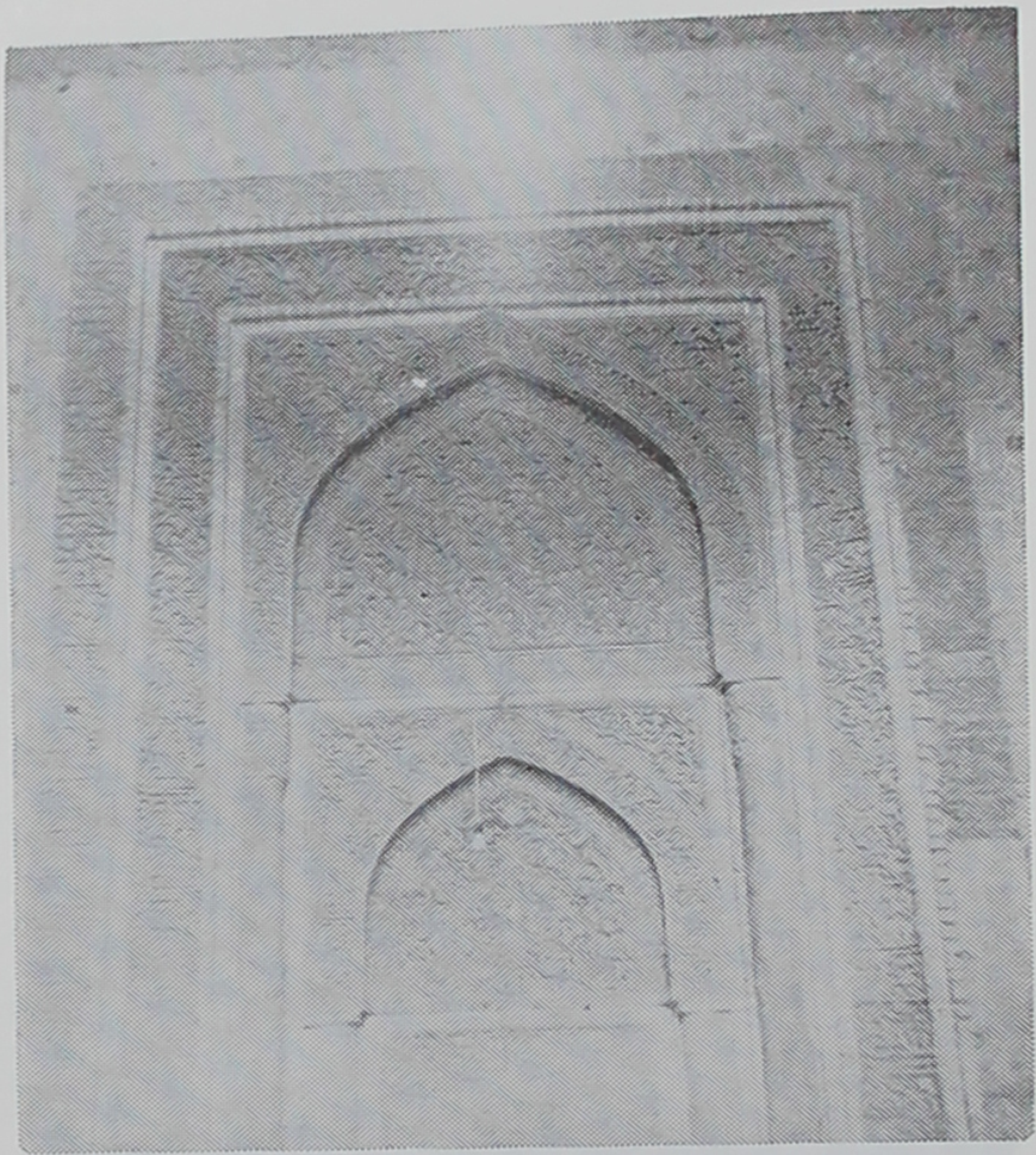
۱- آیه ۸۰ تاآخر آیه ۸۴ سوره (اسری) (از اقم‌الصلوة لدلوك الشمس تا ولایزیدالظالمین الاخساراً) بخطکوفی و نیز: (صدق‌الله‌العظیم).

۲- آیه ۷۶ تاآخرسوره حج بخط ثلث.

۳- ازاول سوره مؤمنون تاآخرآیه ۵ بخطکوفی.

۴- بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رباجعلنی مقیم‌الصلوة (آیه ۴۲ سوره ابراهیم) بخط ثلث.

۵ - بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله انه لااله الاهو تا ان‌الدین عندالله الاسلام



(شکل۱۰۶)

بخط ثلث (آیه ۱۶ آل عمران) .

۶ - بسم‌الله الرحمن الرحیم واقم الصلوة طرفی‌النهار و زلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن‌السیئات ذلك ذکری للذاکرین (آیه ۱۱۶ سوره هود) بخط‌کوفی .
(ش۱۰۷)

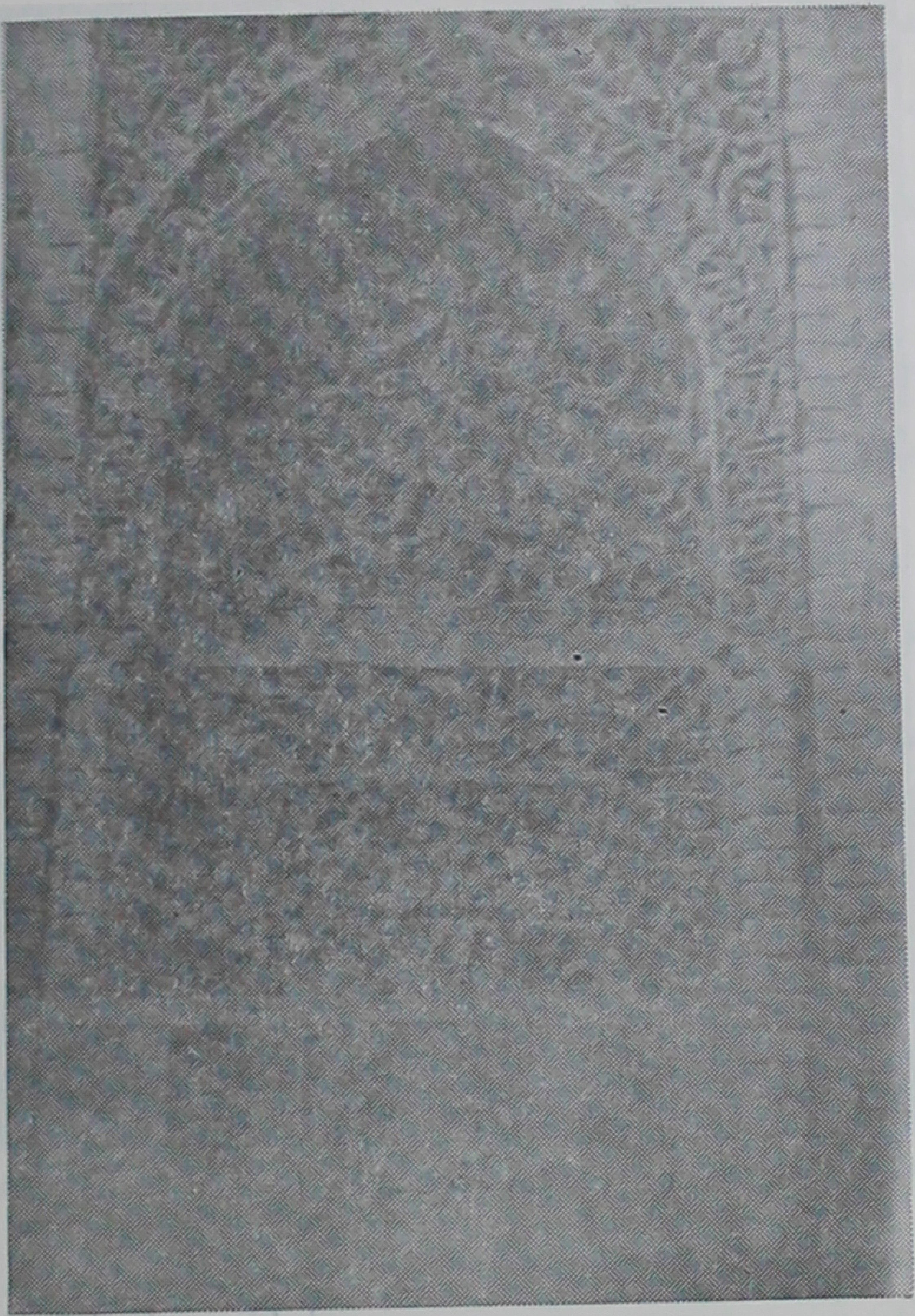
۷ـ خطوط داخل محراب مخدوش شده است .

۲ـ محراب کوچك قبه های شرقی مسجد :

درمحراب مزبور کتیبه‌هائی بشرح زیرخوانده میشود :

یکم ـ از اول‌تاآخرآیه ۵ سوره مؤمنون بخط ثلث .

دوم ـ در داخل محراب سوره توحید بخط کوفی نوشته شده ولی دراثر



(شکل ۱۰۷)

مرورزمان سائیده ومخدوش شده است . (ش ۱۰۸)

۳ـ محراب کوچك قبه‌های شرقی (محراب کناری) :

درمحراب مزبورکه درکنار محراب بزرگ واقع شده‌کتیبه های زیرخوانده می‌شود :

یك ـ آیات ۹۸ و ۹۹ سوره الحجر « فسبح بحمد ربك وکن‌من‌الساجدین. واعبد ربك حتی‌یأتیك‌الیقین » .

دو ـ آخرین آیه سوره‌کهف: « قل‌انما انا بشرمثلکم یوحی‌الی انما الهکم



(شکل۱۰۸)

اله واحد فمن كان يرجو القاءِ ربه فليعمل عملاً صالحاً ولايشرك بعبادة ربه احداً»
(ش ۱۰۹)

ب- ایوان شمالی معروف بصفه صفا :

این ایوان دارای تزیینات گچبری بسیار زیبا باشکال مختلف میباشد و نام بانی وتاریخ بنا در یکی از کثیرالاضلاعهای سمت راست علی بن احمد الطباطبائی الزواری وتاریخ آن ۹۴۶ نوشته شده ودر کثیرالاضلاع دیگر نام بنای آن استادحیدر علی المعمار الاردستانی خوانده میشود ومطابق آنچه برسنگ مزار سلطان بیك حاکم اردستان نوشته‌شده حاکی استکه اوساعی بوده نه‌بانی ومعلوم می‌شودکه تعمیر آن



(شکل۱۰۹)

در زمان‌حکمرانیش در اردستان تحت نظر ومراقبت وسعی او انجام شده‌است وهمین مضمون‌را اشعار منقور برسنگ مزارش واقع درتکیه سلطان بیك درمحله رامیان حکایت میکند وآن چنین است :

« مقبول خدا ومصطفی سلطان‌بیك   هم چاکر شاه اولیا سلطان‌بیك »

« در دور ظهور شاه طهماسب ولی   شدساعی صفه صفا سلطان‌بیك »

« فی‌سنة اربع وسبعین وتسعمائة »

وتاریخ ذیل اشعار مربوط بوفات سلطان بیك می‌باشد ، پس اینکه در بعضی

مواضع[1] نوشته‌اند[2] که بانی صفه صفا سلطان بیك بوده[3] در اثر این اشتباه بوده که مصرع آخر اشعار را بجای ساعی (بانی) خوانده‌اند.

وتاکنون بانی این صفه معلوم نبود ودوست فرهنگ پژوه ارجمندم آقای حاجی سید نصرالله هاشمی اردستانی که درخدمت وزارت فرهنگ وهنر می‌باشد این نکته‌را دریافت و باستحضار نگارنده رسانید و نیز عکسها و توضیحات دیگری داده‌اندکه ارزش بسزائی دارد. توفیق نامبرده و برادرش آقای احسان‌الله هاشمی‌را در اینگونه امور ازخداوند مسئلت دارم و بدینوسیله سپاسگزاری می‌کنم.

درضلع شرقی ایوان شمالی (صفه صفا) دوکتیبه که عبارت ازآیة‌الکرسی ودیگری صلوات برچهارده معصوم‌است بخط ثلث گچبری شده است[4]. (ش ۱۱۰)



(شکل ۱۱۰)

۱و۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۱۹.   ۲ـ آتشکده اردستان بخش اول ص۳۲.

۴ ـ گزارش میرزا علیخان نائینی.

و برضلع غربی آن نیز این دوکتیبه خوانده میشود :

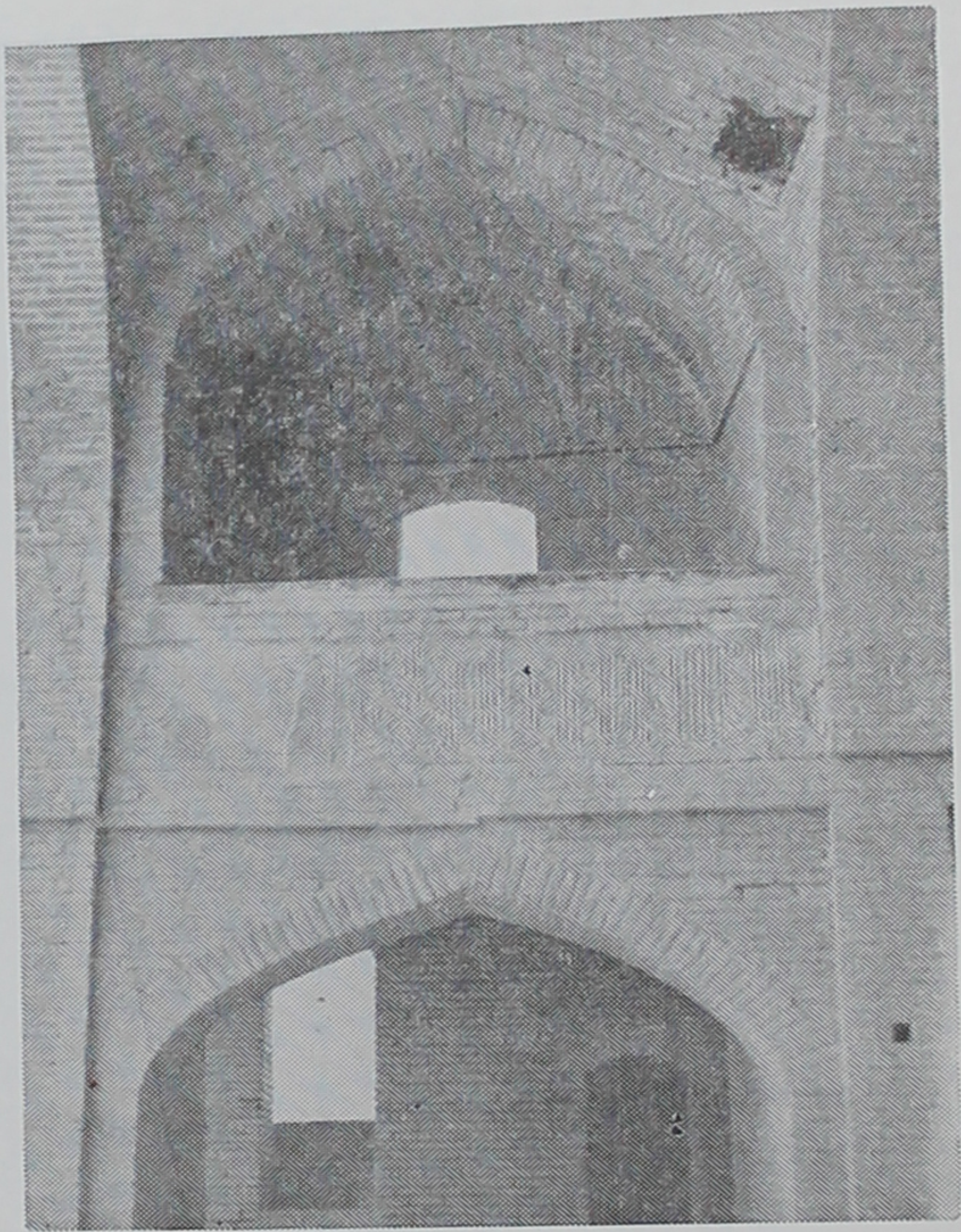
۱ـ« اما بعد حمدالله العلی المحمود فی کل فعاله والصلوة والسلام علی النبی»
«محمدو آله فقد سعی واهتم ببناء هذه الصفة الصفا والغرفات المتصلات شرقیاً وغربیاً »
« وشمالیاً تحتانیاً وفوقانیاً من خالص ماله خالصاً لله وطلباً لمرضاته المحتاج الی »
« الملك الباری علی بن احمد الطباطبائی الزواری تقبل الله حسناته وغفر له ولوالدیه»
« فی سنة ست واربعین وتسعمائة ۹۴۶ . » (ش ۱۱۱)



(شکل ۱۱۱)

۲ ـ نام معمار بنا درتعمیرات بعدی درکنار کتیبه مزبور روی گچ سیاه چنین نوشته شده : « استاد حیدرعلی معمار اردستانی ».

این استاد حیدرعلی فرزند ذوالفقار اردستانی بوده و دربنای مسجد گز نیز ازاو باین کیفیت : استاد حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی نامبرده شده‌است و تاریخ آن ۹۶۲ وبعداز تاریخ تعمیر صفا بوده است . (ش ۱۱۲)



(شکل۱۱۲)

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1]: «اما بعدحمدالله» را «امابعدحمدالله» نوشته شده ولی بامراجعه بعکس کتیبه وازنظرصحت عبارت درست آن همان است که در بالا نوشته شد وتمام کتیبه تاریخی که نوشته شد باعکس مطابقت دارد .

اما وجه‌تسمیه این‌صفه بصفا شاید این‌نکته باشدکه درپشت‌صفه مزبور باغهای با صفا ونیز آب جاری قرار دارد .   (ش۱۱۳)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۱۹ .



(شکل۱۱۳)

ج ـ ایوان شرقی = صفه امیر جمله :

بردرب قدیمی‌این قسمت مسجدکه تا حدود سال۱۳۱۴ و۱۳۱۵ شمسی‌وجود داشت این‌اشعار نوشته بود :

« ساخت این‌رکن مسجد بصفا   جملة الملك آن سعید لقا »

وگویا اشعار دیگری‌هم وجود داشته که حاوی تاریخ بنا بوده است ولی مقیمی‌نامی‌که نماینده فرهنگ اردستان بوده آن درب تاریخی را تبدیل به‌میز و

نیمکت برای اطفال دبستان کرده است ودرواقع گوشه‌ای ازتاریخ کشور را از میان برداشته است .

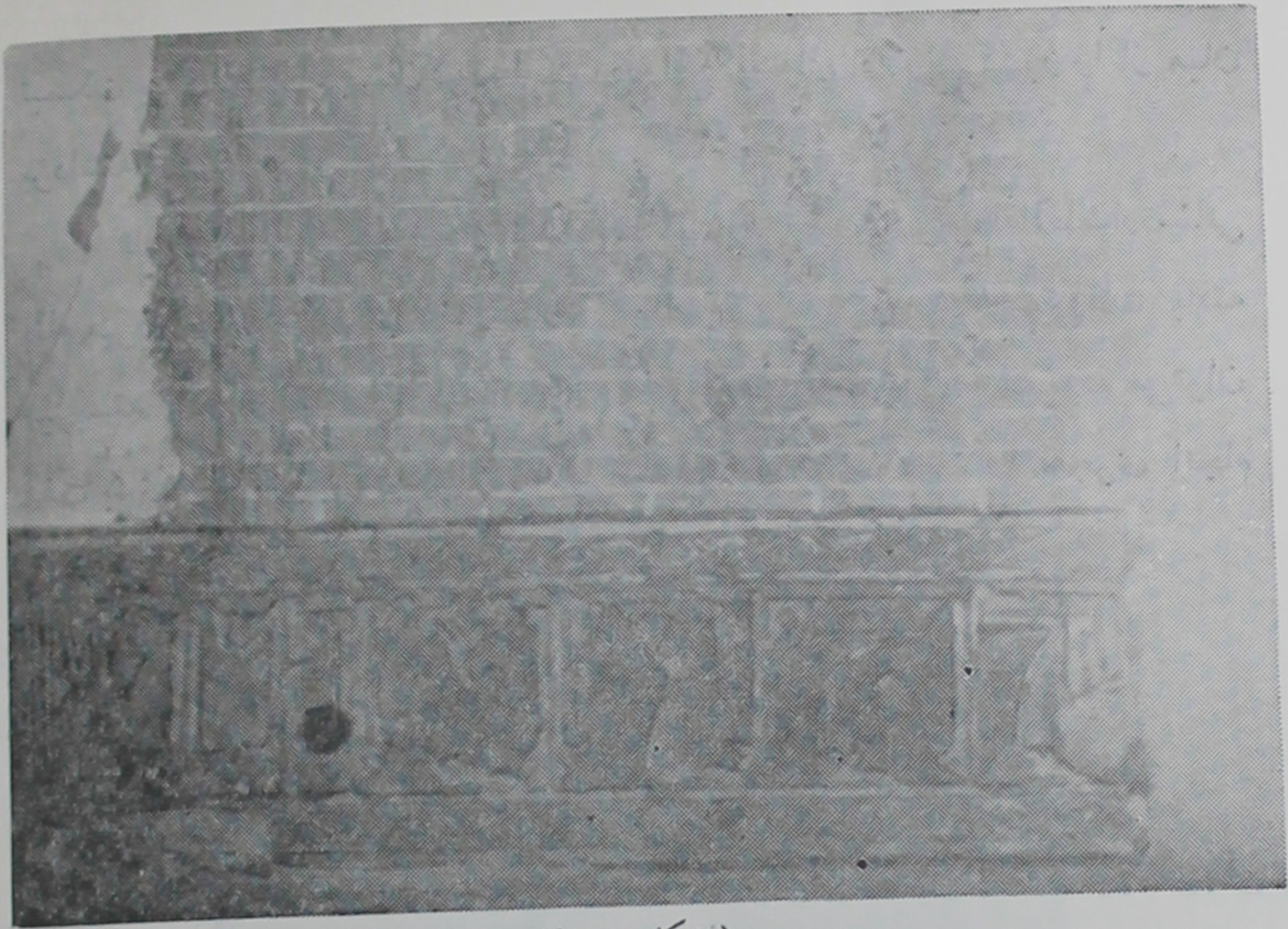
تاریخ بنای این صفه تصریح نگردیده است ولی چون امیر جملة الملك اردستانی بنام میرزا محمد سعید در هندوستان از سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ که وفات یافته میزیسته و دوره اقتدار وازمنه اشتغال او بامور خیریه در آن مدت بوده می‌توان گفت بنای صفه مزبور دریکی از سالهای ده‌گانه از ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری انجام شده است .

د ـ ایوان غربی = صفه امام حسن :

بنای این صفه مربوط بعهدصفویه می‌باشد ونقاشیها وتزیینات آن نیز کمی باقی است وبا اینکه درسالهای اخیر ازطرف اداره‌کل باستانشناسی تعمیراتی انجام شده ولی هنوز آثار خرابی درآن دیده میشود . کتیبه ایوان و تاریخ بنا از سمت شمال ایوان شروع وبسمت جنوب ختم میشود وازآغاز سوره الفتح شروع میشده‌که اول و آخرکتیبه افتاده وقسمتی ازوسط کتیبه باقی مانده است .

سوره های کوچك قرآن وآیات ودعاهای دیگر بسقف ایوان بطرز زیبائی نقاشی شده ولی جز قسمت کمی ازآنها چیزی نمانده است . (ش۱۱۴)

بطوریکه در افواه شایع است ودربعضی کتابها هم نوشته‌اند این ایوان از بناهای امیرمحمد مهدی حکیم الملك اردستانی ازاطبای دربار اورنگ زیب و معاصر شاه سلیمان وشاه سلطان حسین بوده است ولی کتیبه‌ای یا سند دیگری اکنون وجود ندارد که دلالت براین انتساب کند ومطلب بطور تواتر وشیاع دهان بدهان رسیده است و اما وجه تسمیه آن به صفه امام حسن برحسب رسمی است که متدینان مساجد ومعابد را بنام یکی از مقدسان مورد احترام می‌نامند چندسال قبل سقف دالان راهروآن خراب شده بود ولی مورد تعمیر قرارگرفت .



(شکل ۱۱۴)

رواق غربی :

گچبری رواق غربی بخط کوفی محتوی : « بسم‌الله الرحمن الرحیم » وکلمه دیگری که مخدوش است میباشد وبعقیده باستان شناسان مربوط بعصری است که مسجد کوشك مانند اردستان تبدیل بمسجد چهار ایوانی شده است .

درآثار ایران[1] راجع بمسجدجامع اردستان چنین گفته شده : (ش ۱۱۵)

« مسجد جامع اردستان دارای دوتاریخ یکی ۵۵۳ هجری درآخر کتیبه بزرگ »
« شبستان زیر گنبد ودیگری ۵۵۵ هجری در ایوانیکه جلوشبستان مزبور واقع »
« است ومعلوم میشودکه شبستان وایوان دریك زمان ساخته نشده لیکن درست »
« نیست، توضیح اینکه درحدود ۵۵۳ هجری که مسجد اولیه را بیك مسجدچهار »
« ایوانی تبدیل نمودند شبستان زیر گنبد را مقصوره اصلی قرار داده درون آنرا »
« ازتزییناتی شبیه تزیینات بناهای جدیدالاحداث پوشاندند زیرا ساختمانهائیکه »

۱- آثار ایران ج ۱ ص ۱۰۷.



(شکل ۱۱۵)

« بینای اصلی افزوده شده باآن مربوط وپیوسته نیست بلکه فقط چسبیده بآن »
« احداث گردیده این مطلب از بیرون و داخل معلوم میشود . بطوریکه گذشت »
« ساختمان بدوی بطور جدا درمیان بناهای دیگر قراردارد باضافه بردیوار جنوبی »
« از دوسمت محراب دو پنجره مشاهده میشود که در موقع وسعت دادن مسجد »
« آنهارا بعلت اینکه درمحل تزیینات تازه قرار میگرفته مسدود کرده اند . بالنتیجه »
« شکی نمیماند که بنای گنبدوار متعلق بتاریخ غیر مشخصی است که درحدود انتهای »
« سلطنت ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ هجری) میباشد ملحقات اولی بسالهای (۵۵۳ - »
« ۵۵۵ هجری) است وپس از آن ملحقات و تغییرات دیگری وجود داشته است . »

تزیینات گچبری داخل گنبد اصلی :

قسمتی از تزیینات و گچبری های داخل گنبد اصلی مسجد مربوط بعهد سلجوقی و نیز کتیبه سقف راهرو میان گنبد و ایوان که در آن آیات ۶۲ تا آخر سوره الفرقان گچبری شده دیده میشود . (ش ۱۱۶)



(شکل ۱۱۶)

درطاق گنبد اصلی این کتیبه بخط ثلث گچبری شده است : « بسم الله الرحمن »
« الرحیم انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة و آتی الزکوة »
« ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین .»
« امر ببناءِ هذا القبة والقباب الاربعة المتصلة بها والصفات اللتی هی امامها العبد »

« الضعيف الراجى برحمة الله تعالى ابوطاهر الحسين بن غالى بن احمد تقبل الله منه »
« وغفرله ولوالديه على يدى الاستاد محمود الاصفهانى المعروف بالغازى فى سنة »
« ثلث وخمسين وخمسأته » .

درسمت شرق وغرب گنبد اصلی چهار درگاه وجود دارد که دوتای آن در مشرق و رفت‌وآمد بداخل گنبد ازآنها میشود واز دودرگاه سمت غرب یکی مسدود و دیگری بازاست ، درطاق این چهار درگاه آیات قرآن بخط کوفی گچبری شده وآن آیات چنین است :



(شکل ۱۱۷)

۱ - بسم الله الرحمن الرحیم. ۲ـ یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة و چند آیه دیگر . ۳ - یاایها الذین آمنوا اذکروالله ذکراً کثیراً وسجوه بکرة و اصیلا . ۴ـ لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ماعنتم. ۵ـ انما المؤمنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم تا آخر. (ش ۱۱۷)

مناره مسجد :



(شکل ۱۱۸)

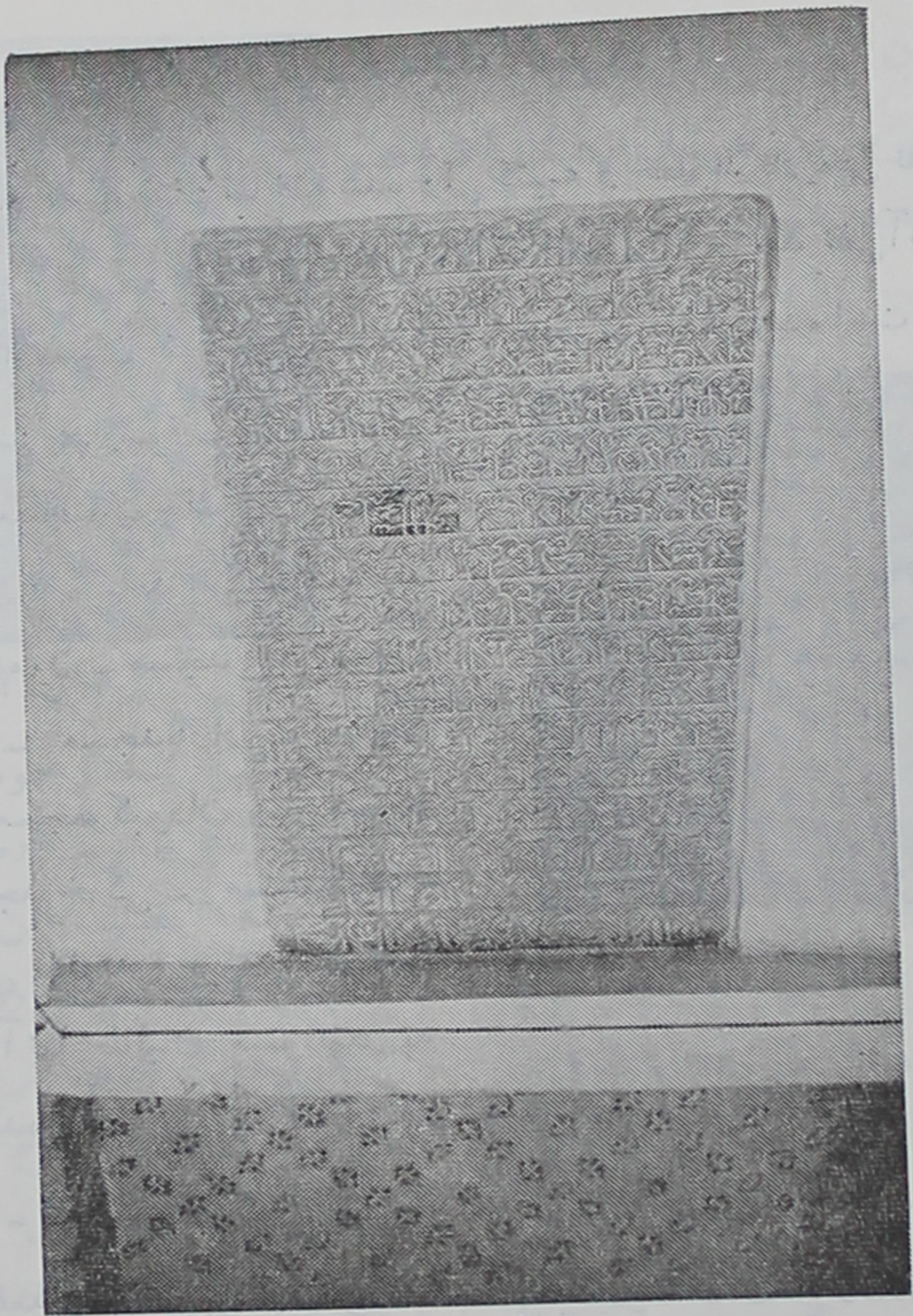
درگوشه شمال‌غربی مسجد جامع اردستان مناره‌آجری ساده وجود داردکه مقدار زیادی از آن خراب شده است ودرجنب آن مدرسه قدیمی بنام مدرسه حاجی حسین نورالدین واقع شده که در سال ۱۰۶۹ هجری بوسیله حاجی حسین نورالدین ساخته شده و رقباتی موقوفه دارد وطلبه‌نشین است.[1] (ش ۱۱۸)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ .

فرمان شاه عباس اول :

برجانب غربی مدخل دوطبقه‌ای‌که ایوان جنوبی مسجد را بگنبد سلجوقی آن متصل میکند برلوح سنگی بطول ۱٫۶۰ متر و عرض ۶۰ سانتیمتر فرمانی از شاه عباس اول راجع بتخفیف مالیات مردم شیعه اردستان بخط ثلث‌درهم نصب گردیده که مفاد آن چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه نستعین . الملک‌لله حکم جهان مطاع شدآنکه
« درینوقت بنابر شفقت شاهانه درباره شیعیان‌الکای اردستان ازابتدای توشقان‌ئیل
« مالوجهات ایشان راعن‌رسد یکماهه شهر رمضان‌المبارك سوای جهاتی‌که باجاره »
« میدهند بتخفیف وتصدیق مقررداشتیم مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی این‌رقم »
« عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده تغییر وتبدیل بقواعد آن‌راه ندهند وآنچه »
« بمواجب همه ساله مقرراست ازاین‌تیولداران ومواجب همه ساله برطرف دانند »
« وآنچه در اینتیول مقرر نیست وازدیوان حواله میشود مالوجهات شهرمذکور »
« را سال بسال کمتر نموده تتمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند. تیولداران »
« الکاءِ مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته رسد یکماهه مذکور را از تیول خود »
« برطرف دانسته طلبی ازرعایا ننمایند کلانتر وکدخدایان وریش‌سفیدان الکای »
« مذکور بحقیقت برسند اگر سنی درمیان شیعیان باشد یا ازمردم محله محال »
آنجا سنی باشند بایشان تخفیف داده نمیشود و نسخه منقح آن در دست داشته »
« بدفترخانه همیون فرستند که مستوفیان عظام اعلی در دفاتر دیوان عالی عمل »
« نمایند ودانسته باشندکه اگرسندپوشیده و پنهان‌کرده باشند در دنیا بازخواست »
« خواهند شد و در روزقیامت خدمت حضرت امیرالمؤمنین وامام‌المتقین علی‌بن »
« ابی‌طالب‌علیه‌السلم شرمنده خواهند بود. تغییرکننده تخفیف مذکور بلعنت الهی »
« ونفرین‌حضرت رسالت پناهی گرفتارگردد میبایدکه دردعاگوئی ودوام‌دولت‌قاهره »
« تقصیر ننمایند وسواد حکم‌را برسنگ‌نقش‌نموده ودرمسجد جامع‌نصب‌وبتوجهات »
« پاینده شاهانه امیدوار باشند فی‌شهررمضان سنه اربع وعشرین‌والف.» (ش۱۱۹)



(شکل۱۱۹)

این مسجد بموجب تصویبنامه شماره ۲۳۰۵ هیئت وزیران مورخ ۱۳۱۱/۴/۲۹ شمسی جزء آثار تاریخی محسوب[۱] و بشماره ۲۸۴ نیز به ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۱- آتشکده ارستان بخش۱ ص۳۳.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۱ .

دوم ـ مسجد خسرو :

این مسجد سه طبقه ساخته شده ولی کتیبه و خطوط تاریخی ندارد و مطابق معروف خسرو نامی برای امامت حاجی ملاعبدالعظیم بن محمد تقی آرانی بیدگلی مقیم زواره واردستان متوفی درحدود ۱۲۵۰ هجری بناگردیده است (ش۱۲۰)



(شکل۱۲۰)

مساجد: چهارسوق ـ مسجدجوی مسگر ـ مسجد کوچك ـ مسجد باب الرجی ـ مسجد سنگماته ـ مسجد خرابه‌مون ـ مسجد میدان مون مسجد عرب ـ مسجدبازار ـ مسجد حوض ـ مسجد کبودان ـ مسجد محال ـ مسجد خاکی ـ مسجدکوشك جنبه تاریخی ندارند و برای اطلاع از خصوصیات آنها طالبان میتوانند به کتاب آتشکده اردستان [1] تألیف نگارنده مراجعه فرمایند.

سوم ـ بقعه پیرمرتضی :

این بقعه درمحله فهره ودرغرب مسجد سفیدسردشت واقع ودارای گنبدی بطول ده متر و ایوان جنوبی و شمالی است و درب ورودی آن از ایوان جنوبی ومساحت گنبد ومجموع ایوانها ۱۴۰ متراست .

گنبد بطور مربع شروع شده وبعداز چهارمتر مثمن گردیده و دارای چهار زاویه مساوی وچهارایوان وبطور مدور پوشیده شده‌است؛ ازمرکزگنبد تا آخر آن درحدود ده متر ارتفاع دارد ، ته‌گنبد (قاعده آن)که مربع شروع شده بمساحت شش درشش میباشد . (ش۱۲۱)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ازص۲۸ تا ص۴۲ .

درمیان گنبد سه قبر وجود دارد :



(شکل ۱۲۱)

۱- قبر پیر مرتضی علی اردستانی فرزند امیر شمس‌الدین محمد اردستانی ندیم شاه منصور .

۲ - قبر زن پیر مرتضی علی اردستانی .

۳ - قبر پیر جمال‌الدین محمد اردستانی عارف معروف قرن نهم هجری .

هر سه قبر را محجری چوبی در بر گرفته که دارای کتیبه‌ای منظوم بشرح زیر می‌باشد:

« از یمن عطای حق تعالی — آن شهر سخا و جود رادر »
« عباس ولی‌بك آنکه باشد — چون مهر سپهر ذره پرور »
« در روضه پیر مرتضی ساخت — با صدق عقیده این محجر »
« مقبول قلوب اهل دل شد — چون گشت معینش رب داور »
« در سال هزار باسی و نه (۱۰۳۹) — این خلعت خلد کرد در بر »
« داریم امید آنکه بادا — تا هست نشان چرخ اخضر »
« گردونش بکام دهر بادا — کام دو جهانیش میسر »

کتیبه حاکی‌است که محجر بهمت عباس ولی‌بك در سال ۱۰۳۹ ساخته شده ومعلوم نیست عباس ولی‌بك چه‌کسی بوده وظاهراً حاکم اردستان بوده است .

وضع ساختمان مقبره وگنبد وسایر جهات حکم‌میکند که در نیمه دوم قرن نهم بناشده باشد واز هر جهت قابل‌توجه‌است‌وبااینکه‌نگارنده درسال ۱۳۲۸ شمسی‌شرح مشبعی نسبت بتاریخ بقعه ومدفونان آن‌به انجمن آثار ملی واداره‌کل باستان‌شناسی نگاشت ودرخواست رسیدگی‌وثبت آن‌گردید ولی‌بالاخره نتیجه‌ای معلوم نگردید و تاکنون به ثبت تاریخی نرسیده است . طالبان اطلاع از شخصیت مدفونان بقعه میتوانند به‌کتاب آتشکده اردستان رجوع فرمایند.[1]

۱- آتشکده اردستان بخش۱ از ص۳۳ تا ص۳۴ وبخش۲ ازص ۳۴۴ تا ص۴۰۶

چهارم ـ قنات اروند :

این کاریز که طبق مشهور بانی آن اروند شاه بوده و آثار فیزیکی ومیکانیکی نیز دلالت برقدمت آن دارد وشاید بیش از دوهزار سال از احداث آن میگذرد . مطابق معروف در زمان مغولها اختلافی میان مردم اردستان در تقسیم آب حاصل میشود ورفع اختلاف بخواجه نصیرالدین طوسی رجوع میگردد ونامبرده برحسب اصول علمی مقسم آب‌را به بیست‌ویك فرزه تقسیم‌بندی وسهم محلات اردستان را مشخص میکندکه اکنون هم بهمان ترتیب رفتار میشود. مظهرقنات مزبور درمحله محال است ولی‌درقدیم در باغ قلعه میان شهر که مولد انوشیروان عادل بوده قرار داشته است.[1] اقتضا دارد نسبت به ثبت تاریخی این اثر باستانی اقدام شود .

(ش۱۲۲) و (ش۱۲۳)



(شکل۱۲۲)



(شکل۱۲۳)

پنجم ـ قنات مون :

یکی‌دیگرازقنوات مهم وقدیمی اردستان قنات‌مون است که مظهرآن‌محله مون وطبق‌معروف بانی آن‌کاوه‌آهنگر که ازمردم زواره واردستان بوده میباشد . از مشخصات قنات مزبور اینستکه دارای دو رشته ودو طبقه میباشد و از هر دوطبقه آب جاری است و هیچکدام در یکدیگر نفوذ ندارند و گفته میشود که تا زمانی

۱ــ آتشکده اردستان بخش ۱ از ص ۲۴ تا ص۲۵ .

قریب ازمنال دیوانی نیزمعاف بوده است. این کاریزهم اقتضاءِ دارد مورد ثبت تاریخی وحفاظت قرارگیرد.

ششم ـ قنات خسروشاه:

این قنات هم ازکاریزهای بسیار قدیمی وبانی آن خسروشاه کیانی و یاساسانی بوده است. مظهرآن درزیر قریه زفرقند وتمامی آن درمحله محال جریان دارد با توجه بقدمتی که دراین قنات مهم است اقتضا دارد درثبت تاریخی وحفاظت آن اقدام شود.

سوم ـ اماکن تاریخی زواره:

یکم ـ مسجد جامع:

این مسجد که درمدینة‌السادات زواره دوازده کیلومتری اردستان واقع شده درواقع بهمان سبك مسجد جامع اردستان بناشده با این تفاوت که زمان احداث مسجد جامع اردستان هنوز سبك چهارایوانی رایج نشده بوده و بطورکوشك مانند بنا و سپس تبدیل به چهار ایوانی شده است ولی در زواره درهنگام احداث، مساجد چهار ایوانی رایج شده و از همان ابتداء بطور چهار ایوانی ساخته شده است.

مسجد جامع زواره دارای چهار ایوان: شرقی ـ غربی ـ شمالی وجنوبی است وایوان جانب قبله ازایوان شمالی وسیعتر و ایوان شمالی از شرقی وغربی وسیعتر است ومناره آن درگوشه شمال غربی قرار دارد.

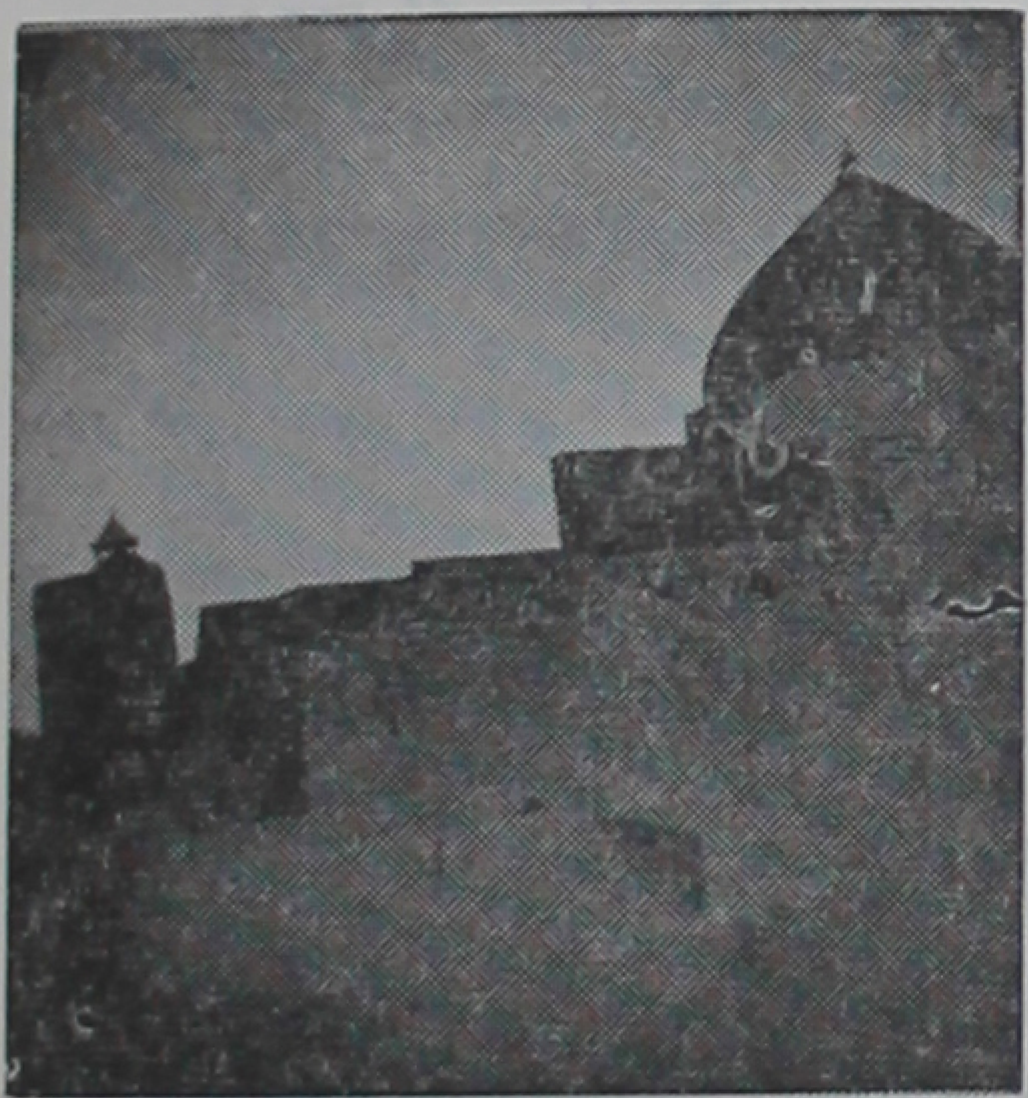
کتیبه تاریخی مسجد جامع زواره برخلاف معمول درقسمت فوقانی نماهای اطراف صحن مسجد واقع شده است.

ازکتیبه مزبور جزدسته یانوك بعضی حروف و سرکشها چیز دیگری معلوم نمیگردد، کتیبه مزبور بخط کوفی برجسته آجری که ابتدای آن بردیوار شرقی ایوان جنوبی میباشد چنین خوانده میشود:

«بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر و»

« اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . »
« اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجدالحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر وجاهد »
« فی سبیل الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین. امر ببناء . . . . الفقیر»
« الی رحمةالله . . . . . احمد . . . . ین وخمسمأته » .

وبطوریکه تحقیق شده ازنظر وجودکلمه احمددربیان نام بانی و دیگر تقارن ساختمان مسجدجامع زواره با جامع اردستان میتوان گفت که بانی هردو جامع همان ابوطاهر حسین بن غالی بن احمد بوده است[1] وعدد بعد از خمسمائه ثلاثین بوده[2] «پس کتیبه چنین خوانده میشده است : « امر ببناءِ هذا الجامع الفقیر الی رحمةالله »
« تعالی ابوطاهر الحسین بن غالی بن احمد فی سنة ثلاثین وخمسمأته » . (ش ۱۲۴)



(شکل ۱۲۴)

درایوان جنوبی مسجد ودرقسمت شرقی مدخل میان ایوان وگنبد بر قطعه‌ای ازگچ بخط ثلث برجسته چنین نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم و به»
« نستعین وبعد تاریخ ساختن مسجد »
« جامع مدینة السادات زواره فی سنة »
«احدی وخمسین وخمسمأته من الهجرة»
النبویة .» ومعلوم میگرددکه میان این دو تاریخ بیست ویك سال فاصله وجود داشته است ، و بنظر نگارنده ممکن است کلمه‌ای که احمد خوانده شد دراصل چنین بوده :

« احدی وخسمین و خمسمأته » و اگر اینطور بوده باشد هردو تاریخ یکی خواهد بود . نکته دیگری که بنظر میرسد اینستکه تاریخی که بـر قطعه گچ نوشته شده تاریخ کتابت نباشد بلکه از تاریخ ساختمان خبر بدهد وخود نوشته دوم

۱- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۵۴. ۲- آثار ایران ج ۱ جزوه دوم ص ۱۵۰.

پس از آنکه خرابی در کتیبه راه یافته بوده برای ضبط تاریخ بنا آن را نوشته‌اند و با این ترتیب کتیبه دوم کتیبه اصلی نیست بلکه از وجود کتیبه اصلی خبر میدهد و با این فرض باید اذعان کرد که کتیبه مخدوش همان (احدی وخمسین وخمسمأته) بوده است .

کتیبه‌ایکه زیر گنبد وشبستان محراب واقع شده از گچ است وحروف آن از کوفی گلدار وتقریباً خراب وویران شده وفقط میتوان تشخیص داد که محتویات کتیبه مزبور آیات ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره آل عمران و پس از آن متضمن متن تاریخی بوده که سال تاریخ بنا را نیز دربرداشته لکن اکنون چیزی خوانده نمیشود[۱] در کتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[۲]: « و دارای محراب بسیار زیبای گچبری» « است که درسال ۵۵۳ خاتمه یافته » و در واقع همان کتیبه تاریخی محراب است که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل از آثار ایران نوشته‌اند مفهوم نشده است و اگر نوشته تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان مستند باشد تاریخ محراب هم معلوم خواهد بود .

این اثر باستانی بموجب شماره ۲۸۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

دوم- مسجد پامنار :

این مسجد در محله بن‌کویه‌زواره و در پای مناره آن واقع گردیده است. مسجد مزبور دارای شش ایوان درضلع جنوبی ومتعلق بدوره سلجوقیان میباشد ویك رشته تزیینات گچبری ظریف درمحراب وداخل ایوانها دیده میشود وخطوط ثلث گچبری شده داخل هلال محراب جلب توجه میکند . (ش ۱۲۵)



(شکل ۱۲۵)

خطوط ثلث محراب اصلی ازبین رفته

۱- آثار ایران ج۱ جزوه دوم ص ۱۵۰ .
۲- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۲۰۷ .
۳- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۲ .

ولی کلماتی بشرح زیر خوانده می‌شود :

« بسم‌الله . . . مما امر . . هذا المحراب . . . المتهجد ابوعبدالله محمدبن »
« ابراهیم اطال‌الله بقائه . . . » هلال محراب باخطوط کوفی گچبری شده بوده ولی دردوره‌های بعد روی آن گچ کشیده و مجدداً بخط ثلث گچبری کرده‌اند. از خطوط کوفی سابق آن فقط جمله « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » جلب توجه میکند. کتیبه‌های دیگری که بخط ثلث گچبری شده چنین خوانده میشود :

۱ـ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله‌انه لااله‌الاهووالملئکة واولوالعلم قائماً »
« بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . »

۲ـ کتیبه‌هلال داخل محراب شامل آیات ۷۸ و۷۹ سوره اسری باین‌شرح :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اقم‌الصلوة لدلوك الشمس‌الی‌غسق اللیل وقران »
« الفجر ان‌قران‌الفجرکان مشهوداً و من‌اللیل فتهجد به‌نافلة لك عسی ان یبعثك »
« ربك مقاماً محموداً . »

۳ـ درداخل محراب آیه ۲۹ سوره اعراف چنین‌خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم قل‌امرربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل »
« مسجد وادعوه مخلصین‌له‌الدین. ».

مناره مسجد مزبورکه ازنظرقدمت تاریخی دومین مناره ایران است دارای کتیبه‌ای بخط‌کوفی‌است که چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ممامر بیناء هذه المنارة محمدبن ابراهیم ابتغاء »
« لوجه‌الله سنةاحدی وستین واربعمأته . ».

هرچند خود مسجد تاریخی ندارد ولی ظاهراً تاریخ بنای مسجد با مناره یکی باشد[1] .

این‌مسجد ومناره طی‌شماره ۱۰۸ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۱۷۲ تا ص ۱۷۴. ۲ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۶۳ .

٤- اماکن تاریخی سفلی (دهستان) :

یکم - بقعه امامزاده سیدکمال‌الدین حسین :

این بقعه که منسوب بسیدکمال‌الدین حسین فرزند حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام میباشد بنای اصلی بقعه از زمانهای قدیم است ولی رواق وگلدسته در اواخرقرن سیزدهم شروع ودرتاریخ ۱۳۲۳ هجری قمری خاتمه یافته است . وآنچه جالب بنظرمیرسد آیینه‌کاری ایوان و رواق آن است و بخصوص چهل‌چراغ آن‌که متأسفانه درچند سال پیش مورد دستبرد قرارگرفت . ماده تاریخ خاتمه بنای بقعه مزبور چنین است :

سال تاریخ کتیبه «دان گلستان بهشت» خامه کوچکعلی درنظم زیب دفتراست

۱۳۲۳

املاك زیادی وقف بربقعه مزبور است که بیشتر آن درتصرف وقف است[1] .

دوم - چهلستون دیه سرنج آباد :

این‌عمارت تاریخی وجالب‌درنیمه دوم قرن سیزدهم دردیه سرنج آباد بوسیله مصطفی قلیخان سهام‌السلطنه عرب عامری که از امیرتومانان و سرداران دربار ناصرالدین شاه قاجار بوده بناگردیده است و بسیارشبیه چهلستون اصفهان میباشد هرچند دراثر عدم مراقبت‌مشرف بانهدام میباشد ولی وضع آن اقتضاءِ داردکه مورد توجه اداره‌کل باستان‌شناسی واقع وازخرابی‌آن جلوگیری شود .

(ش۱۲۶) و (ش۱۲۷) و (ش۱۲۸) و (ش۱۲۹) و (ش۱۳۰) و(ش۱۳۱ و (ش۱۳۲)

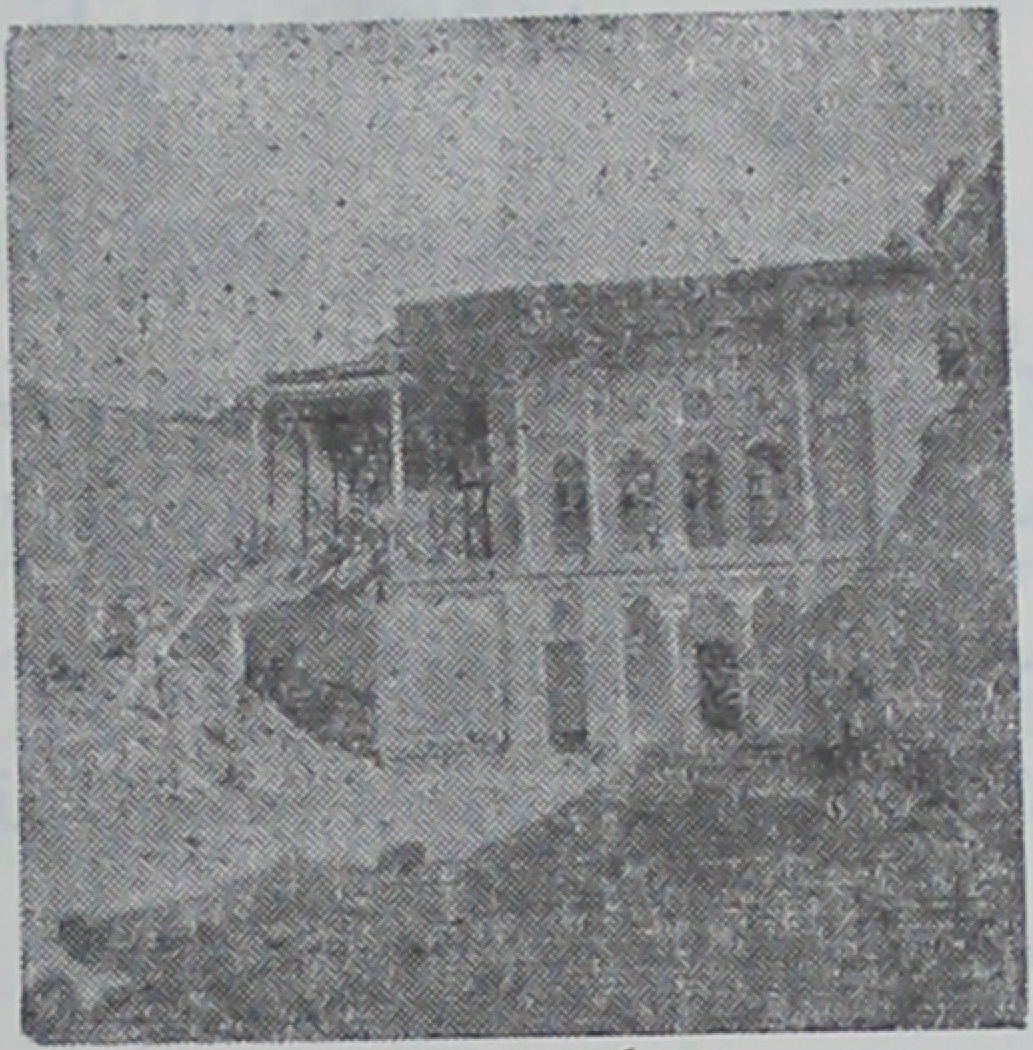
ب - شهرستان گلپایگان :

یکم - مساحت وجمعیت :

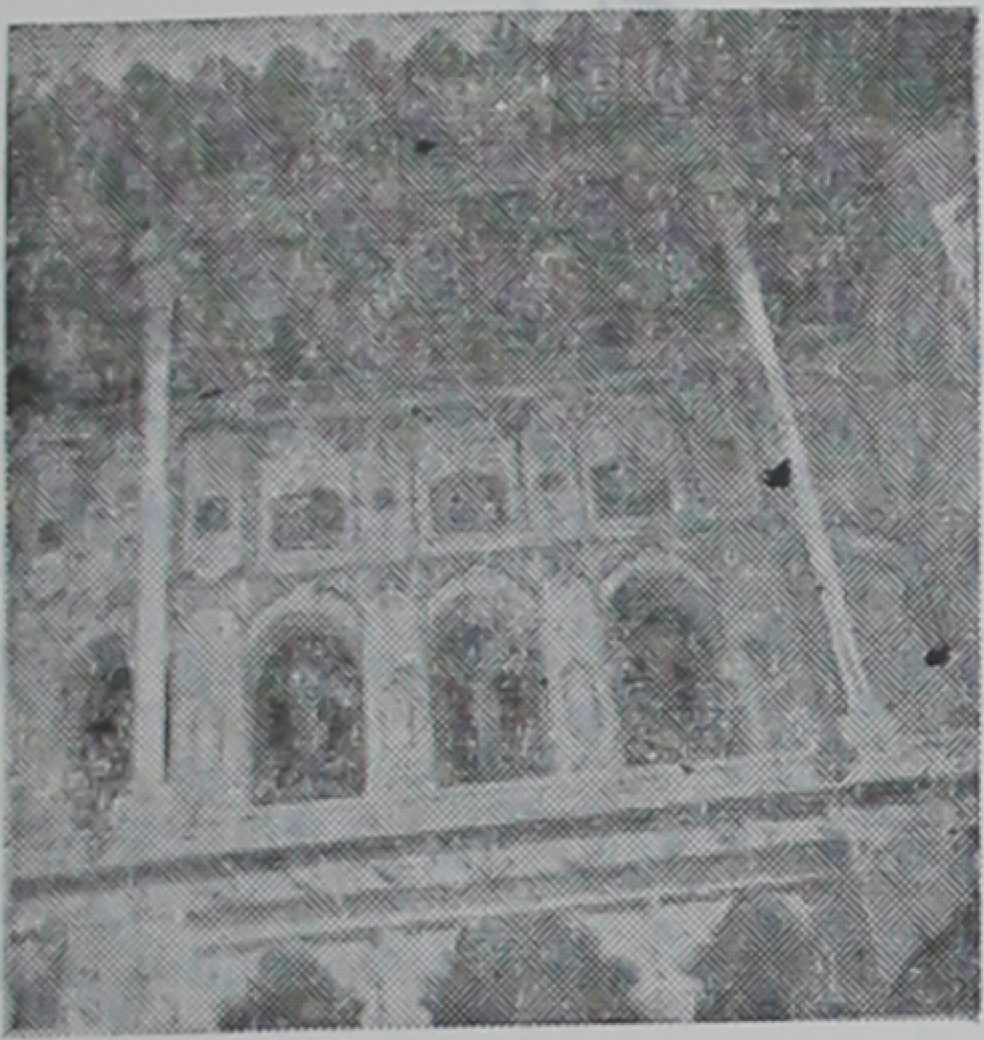
مساحت این شهرستان ۲۴۲۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر۸۳۱۷۸ نفر است ومرکزش شهرگلپایگان وجمعیت شهر۲۰۵۱۵ نفر است .

---

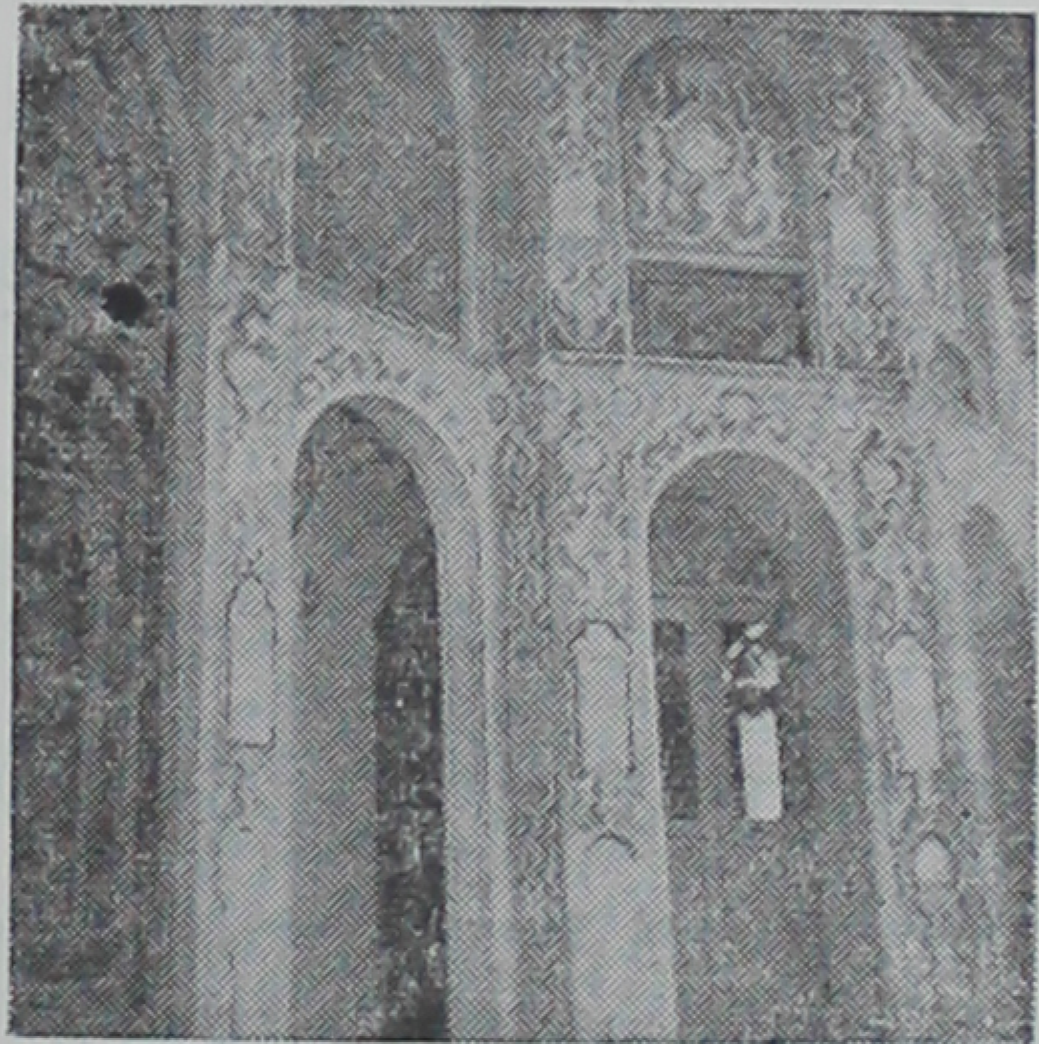
۱ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۲ .



(شکل ۱۲۶)



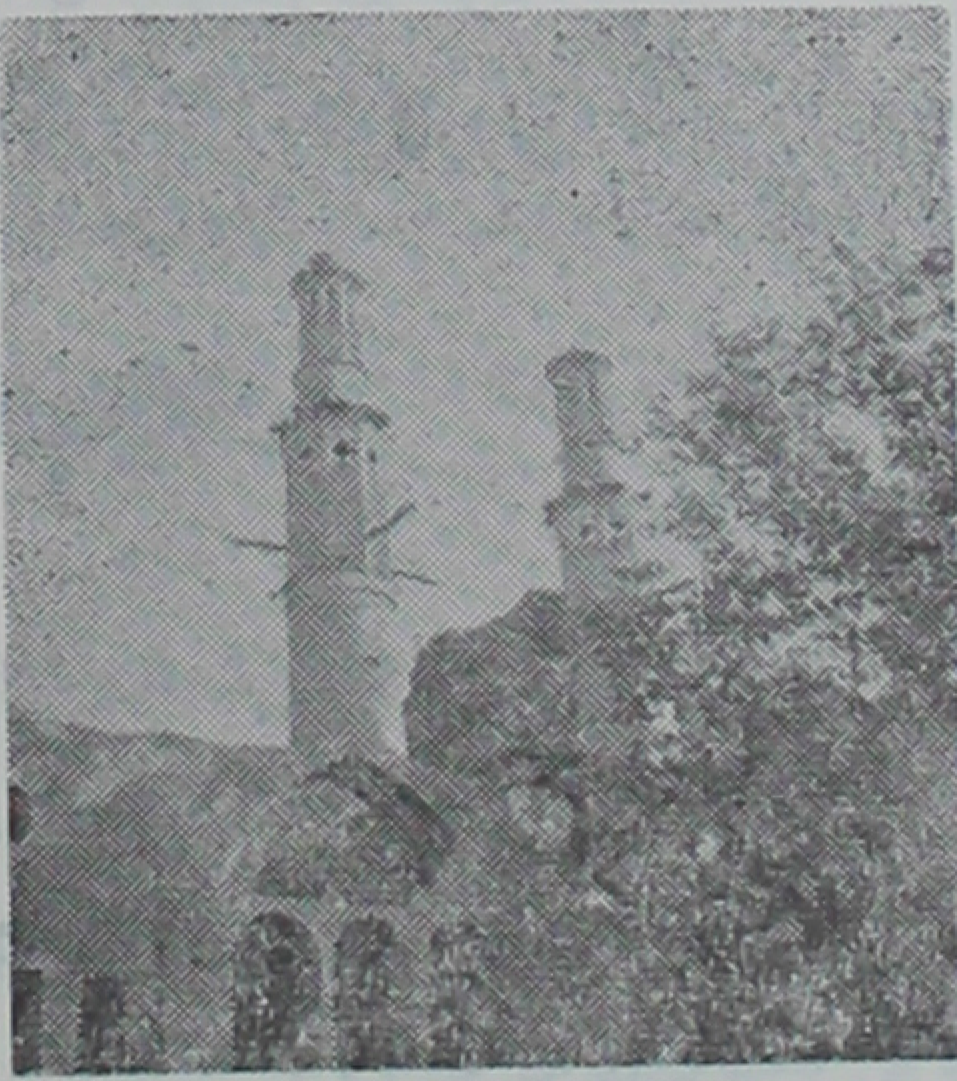
(شکل ۱۲۷)



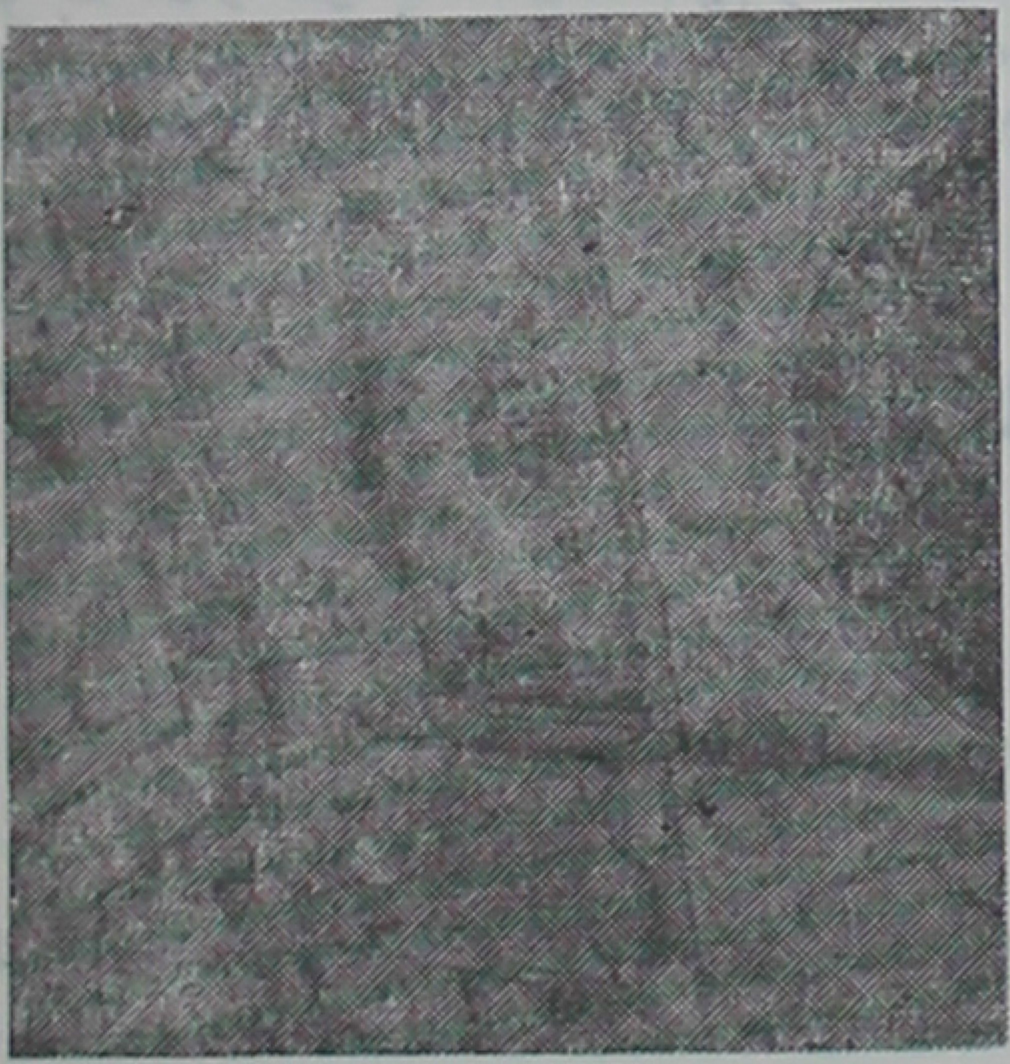
(شکل ۱۲۸)



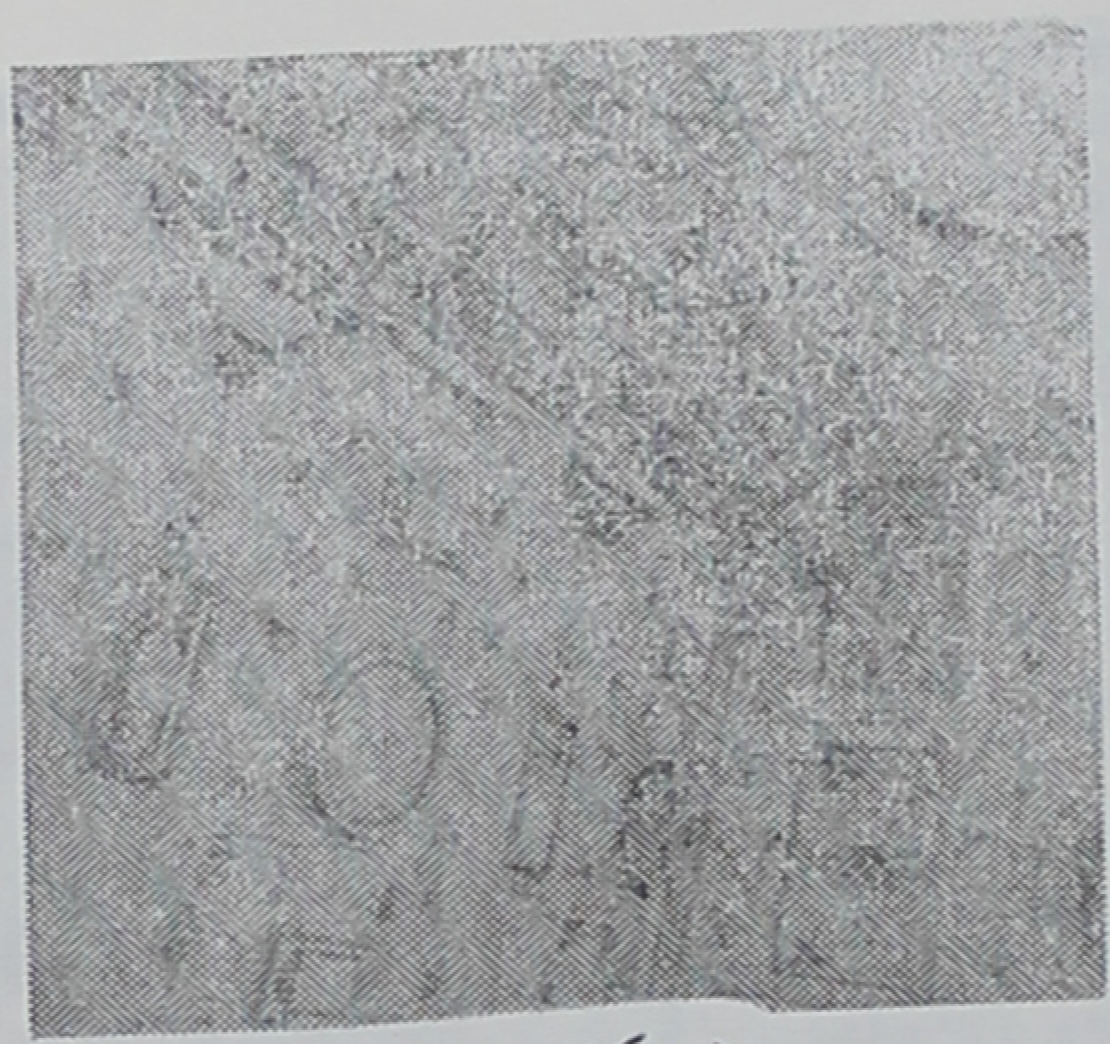
(شکل ۱۲۹)



(شکل ۱۳۰)



(شکل ۱۳۱)



(شکل۱۳۲)

دوم - اماکن تاریخی :

۱ - مسجد جامع گلپایگان :

این مسجد دارای صحن و شبستان وسیع وگنبد آجری میباشد و بنای آن مربوط بزمان محمدبن ملکشاه سلجوقی ، ودارای کتیبه‌های کوفی آجری متعدد و تزیینات عهد سلجوقی است . در اطراف محراب بزرگ زیر گنبد درمتن کتیبه‌ای نام بانی را «ابونصر ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم» و بر بدنه شبستان جملات مذهبی بخط کوفی آجری خوانده میشود . درزمان فتحعلی‌شاه قاجار الحاقی بر آن کرده‌اند . ساختمان گنبد سلجوقی متعلق باوائل قرن ششم هجری است[۱] . این مسجد به‌شماره ۱۹۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] . (ش۱۳۳) و (ش۱۳۴) و (ش۱۳۵)

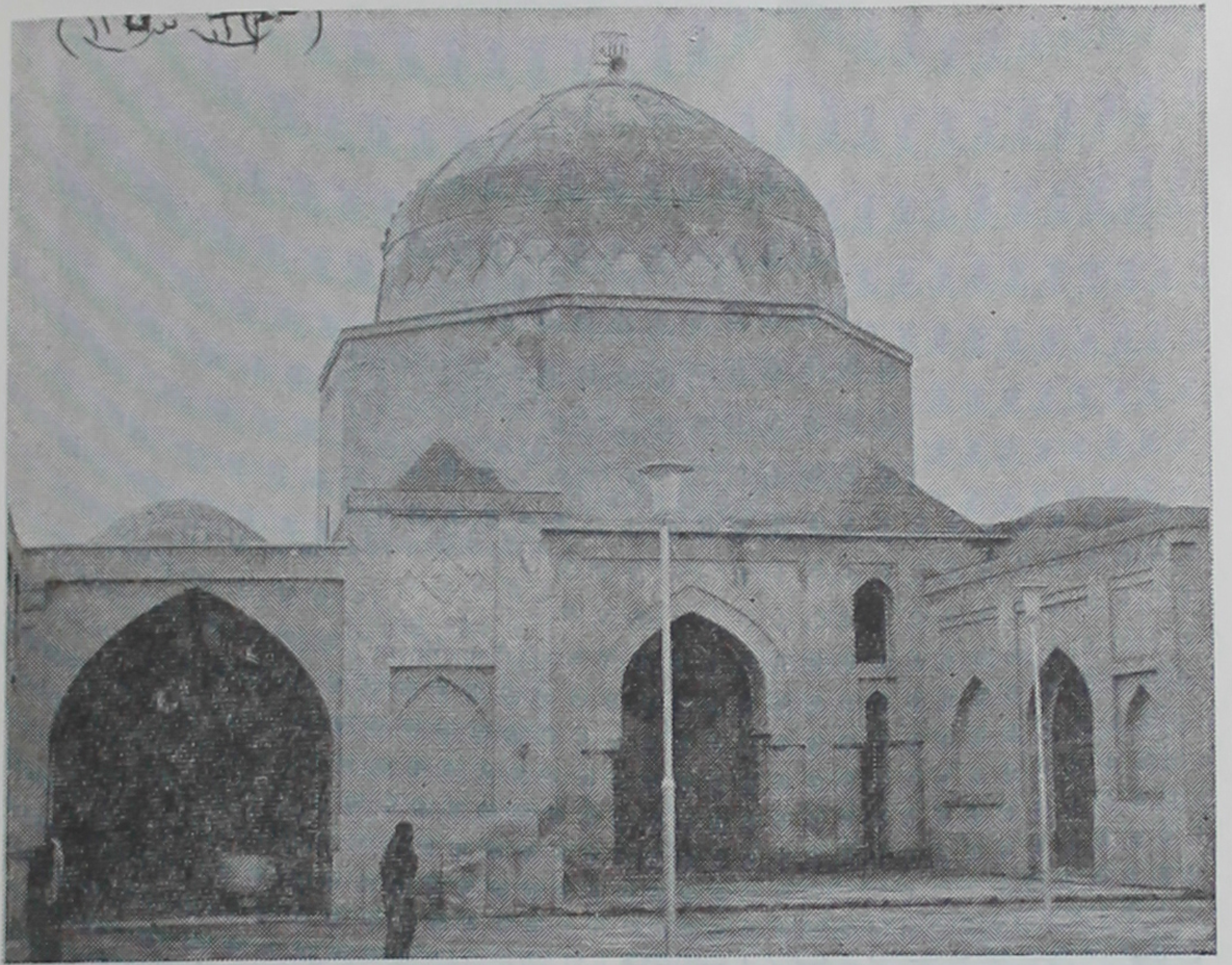
۲ - مسجد جامع سرآور :

این مسجد در۱۸ کیلومتری شمال شرقی گلپایگان واقع وازلحاظ سقف‌بندی وساختمان ستون و معماری و حمالهای چوبی قابل توجه است وکتیبه منبر آن از نفایس بشمار است . در روی درب مسجد تاریخ ۹۷۹ هجری خوانده میشود پایان کتیبه سال ۸۱۱ و روی حاشیه محجر کتیبه آن بخط نسخ برجسته چنین است :

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۴ .



(شکل۱۳۳)

۱ ـ «الله مفتح الابواب» .

۲ ـ «هذه العمارة مسجد الجامع سر الوار» .

۳ ـ «هذه الخير المبارك ابراهیم بن علی سر الواری» .

۴ ـ «فی تاریخ عشرین ذوالقعدة سنة احدی عشر وثما نمأته . »

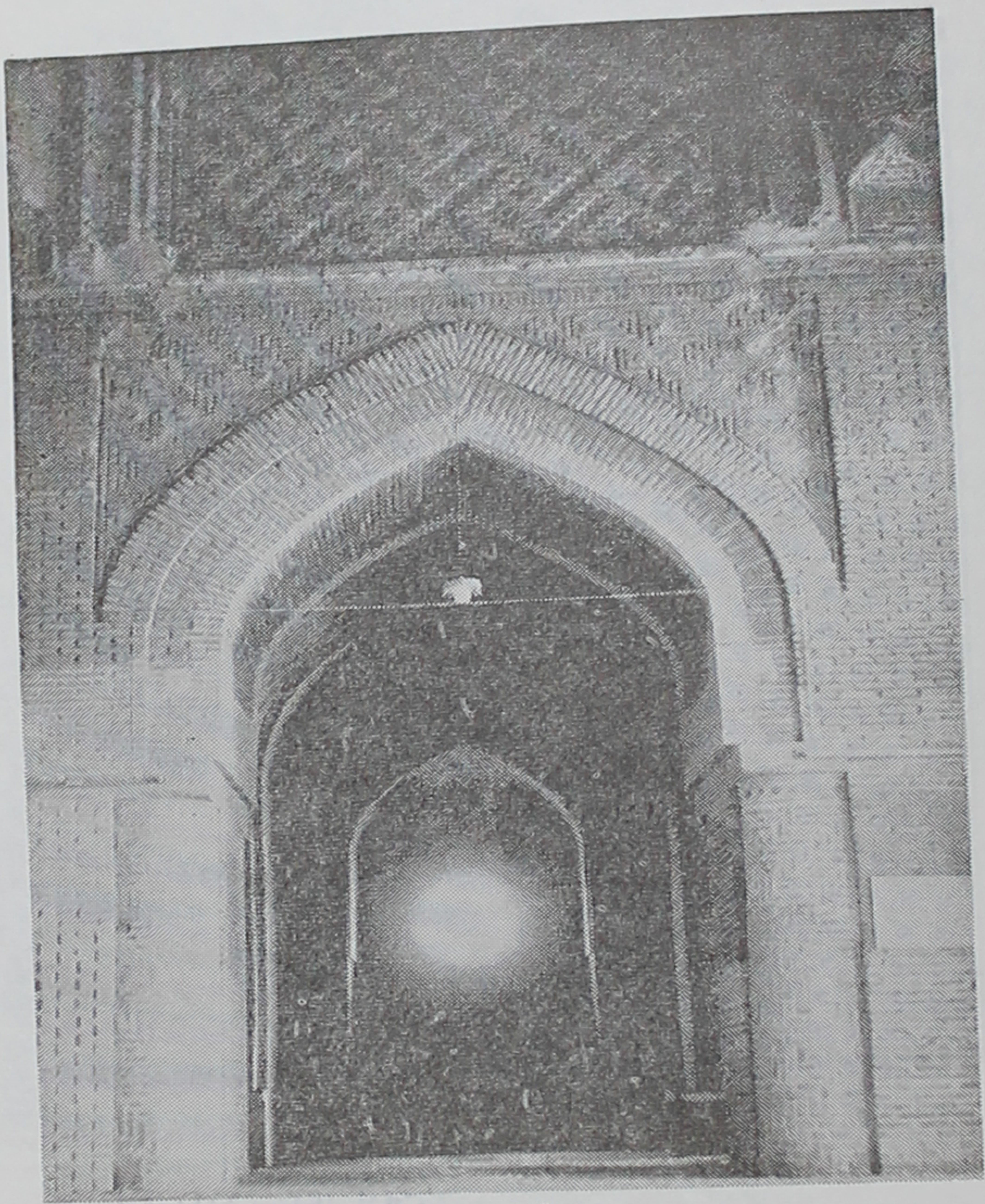
این مسجد بشماره ۴۳۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۳ ـ مناره گلپایگان :

این مناره مربوط بدوره سلجوقی واز آجر ساخته شده ودر عداد بلندترین مناره‌های قرن پنجم محسوب و دارای دو در ودر داخل آن پلکانی تعبیه شده و پائین و بالای آن مرمت شده است .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .



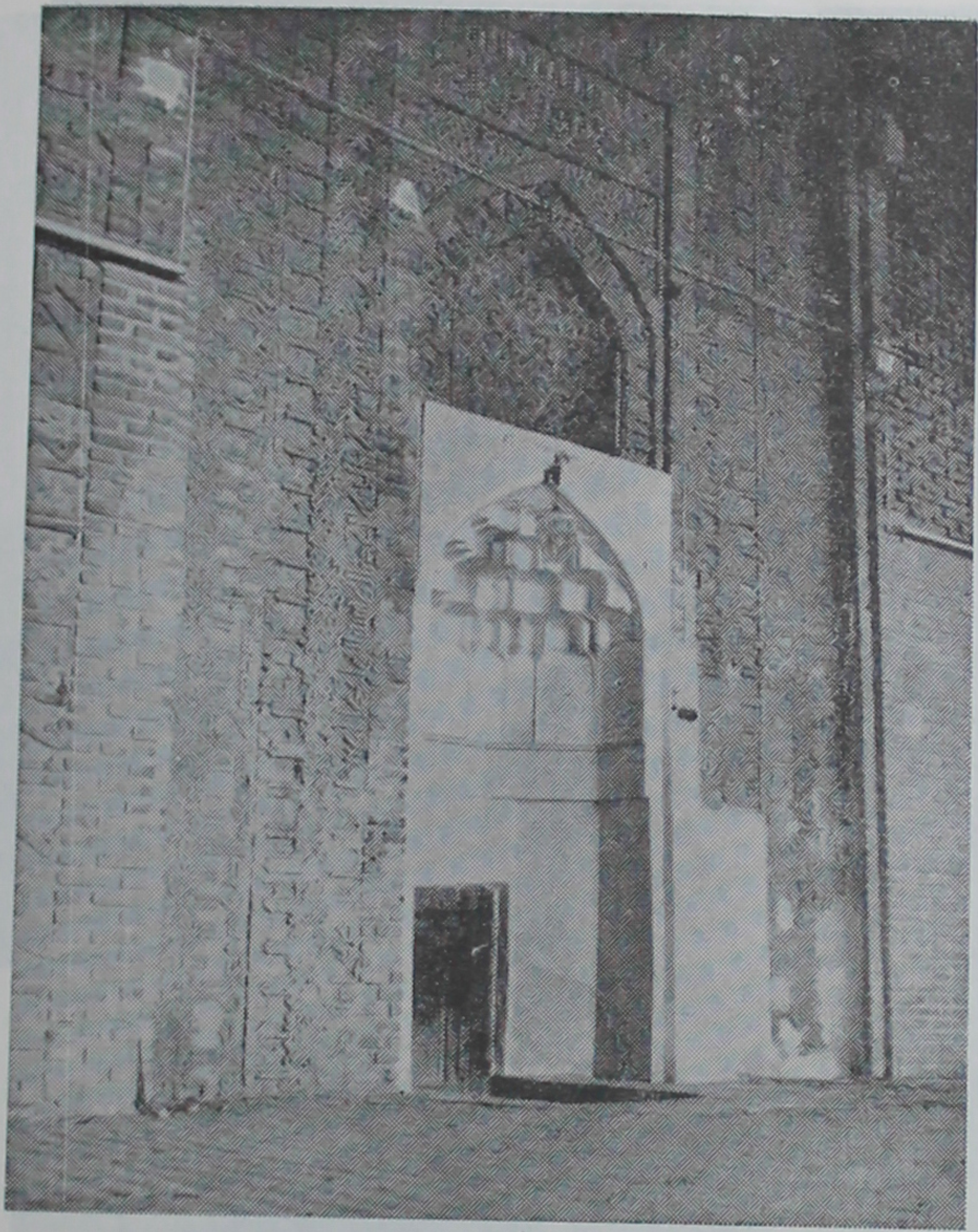
(شکل۱۳۴)

مناره مزبوردارای کتیبه کوفی آجری میباشد ولی تاریخی ندارد ومتن کتیبه آیات کلام‌الله مجید است . این مناره بشماره ۲۵۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

(ش ۱۳۶)

---

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .

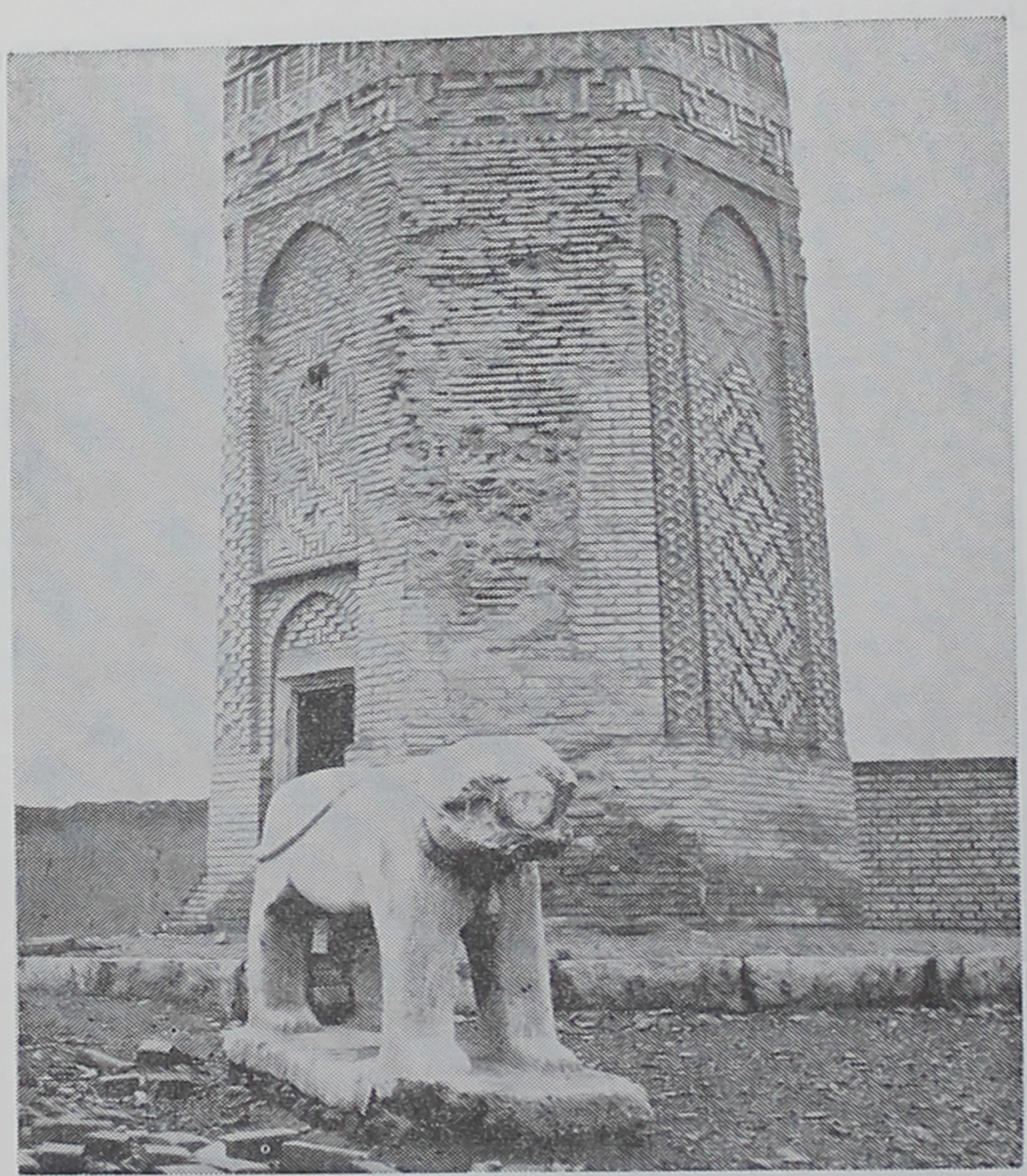


(شکل۱۳۵)

۴ ـ امامزاده سیدالسادات :

این بقعه مقبره امامزاده سیدالسادات و بنای آن مربوط بزمان قرن هشتم هجری و دارای ایوان و غرفات دوطبقه وگلدسته و گنبدی است که ارتفاع آن به نه متر بالغ میگردد ، تزیینات شمال شرقی و جنوب شرقی آن از لحاظ ظرافت بسیارشایان است . این اثر تاریخی طی شماره ۶۴۲ به‌ثبت رسیده است[۱]. (ش۱۳۷)

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .

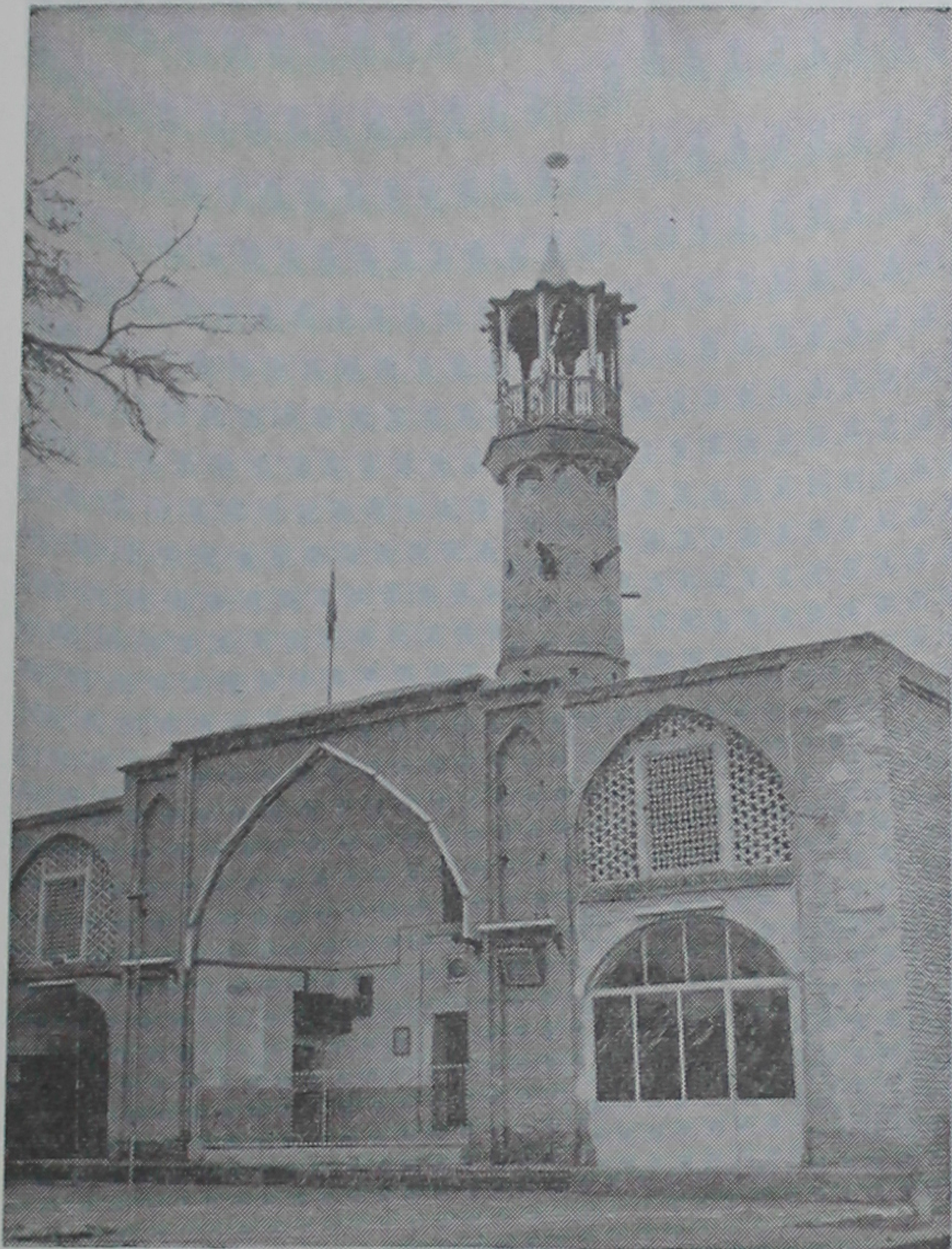


(شکل۱۳۶)

۵ - بقعه هفده تن :

این بقعه‌که درخارج شهر گلپایگان واقع شده در زمان شاه‌عباس اول صفوی ساخته شده و تاریخ‌کتیبه سردرآن ۱۰۳۲ هجری است ،کتیبه تاریخی آن‌که بیشتر آن درتوصیف شاه‌عباس اول است درهمین بنا باقی وحاکی‌ازاینستکه بقعه بوسیله امامقلیخان سردارمعروف شاه‌عباس احداث گردیده است . این بقعه بموجب شماره ۲۹۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .   (ش۱۳۸ و۱۳۹)

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۶۶.

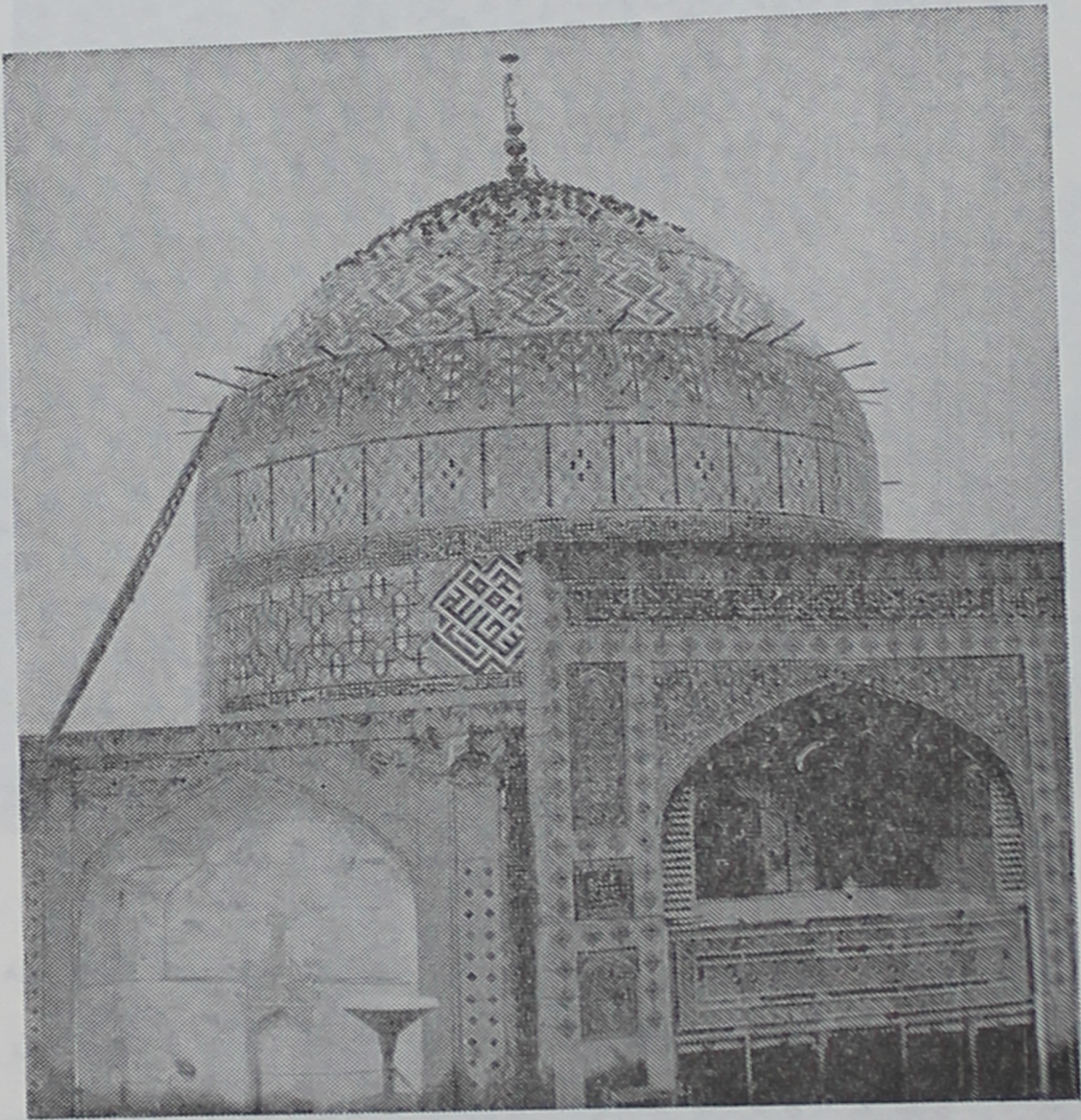


(شکل ۱۳۷)

۶ - امامزاده ابوالفتوح :

این بقعه‌که درقریه وانشان میان راه‌گلپایگان به خوانساروواقع شده دارای منظره‌ای شیوا وگنبدی‌هرمی‌شکل دوازده ترک میباشد وکتیبه‌آن‌که برروی لوحه سنگ مرمری‌کنده شده حاکی‌است امامزاده ازفرزندان امام موسی‌کاظم‌علیه‌السلام بوده است . تاریخهائی‌که در بنای مزبور وجود دارد : ۹۶۲-۹۶۳-۹۹۰ میباشد که روی لوحه و در بدنه صندوق مرقد نوشته شده است . بنابراین میتوان گفت که

ساختمان بقعه مربوط بقرن‌دهم هجری‌است . این بقعه بشماره ۴۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].   (ش ۱۴۰)



(شکل۱۳۸)

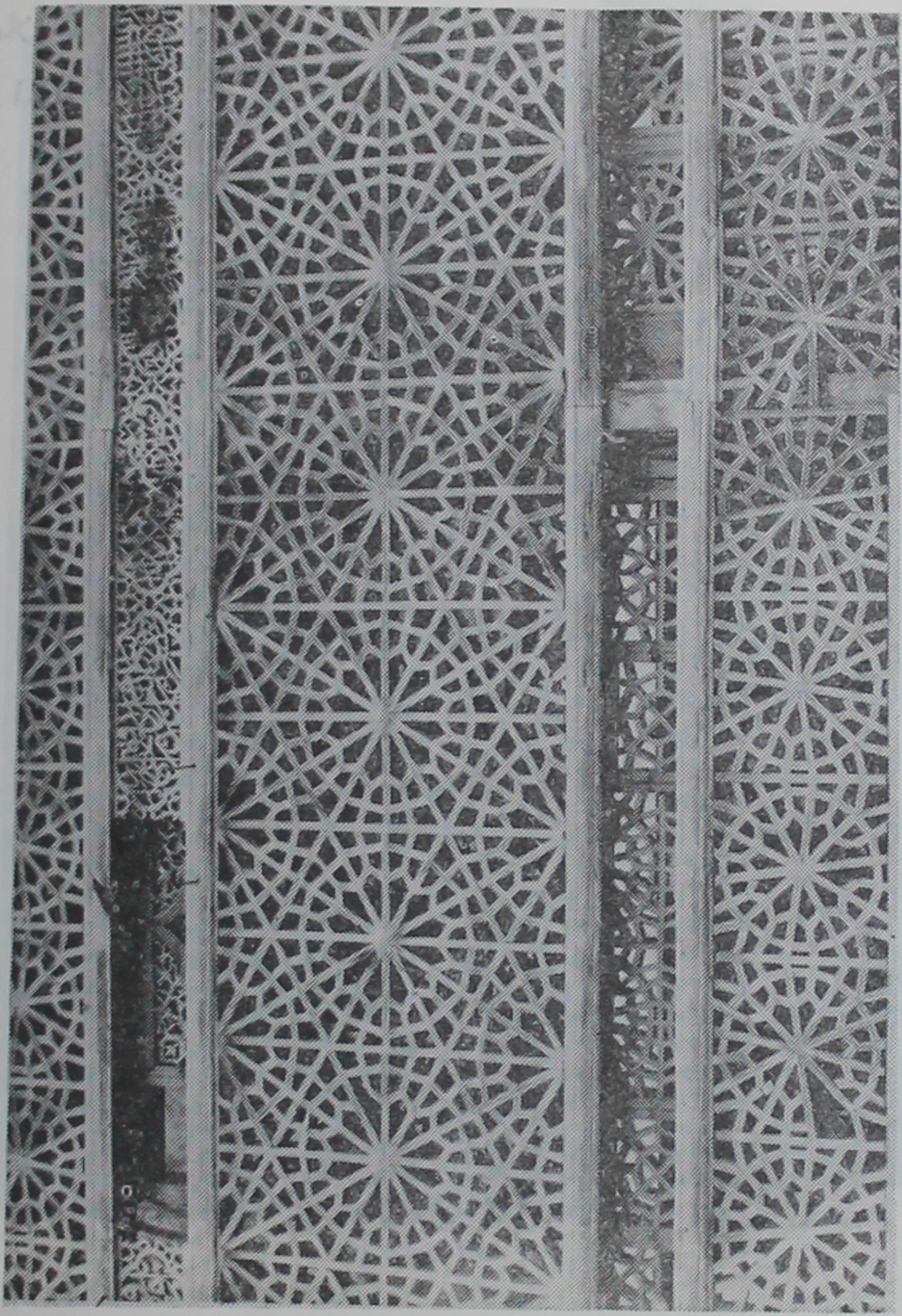
ج ـ شهرستان شهرضا :

یکم ـ مساحت وجمعیت :

مساحت این شهرستان ۴۱۶۲/۵ کیلومترمربع وجمعیت آن بالغ بر ۹۴۱۳۱ نفر میباشد ومرکز آن شهر شهرضا است .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۷ .



(شکل ۱۳۹)

دوم ـ از اماکن تاریخی و باستانی آنجا است :

۱ ـ امامزاده شاهرضا :

این امامزاده در فاصله کمی از شهرشهرضا قرارگرفته و روی قسمت مرتفعی از دامنه کوه محلی واقع شده است . سردر بقعه وگنبد آن کاشیکاری شده وکتیبه



(شکل ۱۴۰)

اطراف آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی تمام سوره جمعه نوشته شده است ودراین قسمت کتیبه تاریخی وجود ندارد ولی اوضاع واحوال ساختمان آنرا بدوران صفویه میرساند. درسالهای ۱۲۷۶ و۱۲۷۸ و ۱۳۶۰ هجری تعمیراتی بوسیله مردان مختلف ازعمارت امامزاده بعمل آمده است. این بقعه بموجب شماره ۱۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۲ ــ بقعه شاهزاده ابراهیم وشاهزاده محمد :

این بقعه در پانزده‌کیلومتری جنوب شاهرضا واقع و درسرراه شیراز قرار گرفته ودارای صحن و چند حجره است.

گنبد آجری آن دوازده ترك و بگنبد بابا رکن‌الدین شباهت دارد ، بنای

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .

اولیه آن‌مربوط بدوره مغول است ولی تزیینات رواق‌وگچبری ونقاشی‌آن اززمان صفویه میباشد . این‌اثرباستانی بموجب شماره ۷۵۰ به‌ثبت‌تاریخی رسیده است.[۱]

۳- کاروانسرای مهیار :

این‌کاروانسرا که از نمونه‌های عالی وممتاز دوران صفوی است در ۳۰ کیلو-متری شهرضا قرارگرفته است و دارای‌صحن وسردر و حجرات و تزیینات خاصی میباشد و آنرا بدوره شاه سلیمان صفوی منسوب میدارند . این کاروانسرا بموجب شماره ۳۵۴ به ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۴- بقعه شاه سید علی‌اکبر :

این‌بقعه درهیجده‌کیلومتری شمال شهرضا قرارگرفته و ازآثار دوره صفویه است . گنبدآن باکاشیهای نره همچون‌گنبدشهرضاپوشیده شده ودوپوش‌وبسیارزیبا است ودریك‌گوشه ضریح آن‌تاریخ ربیع‌الاخر ۱۲۵۱ به چشم میخورد ،کتیبه نمای خارجی‌آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی شامل‌آیات سوره نور و کاتب آن محمد باقر شریف شیرازی است و برطرف شمالی ضریح صلوات برچهارده‌معصوم بخط نسخ‌کنده شده‌است .

درایوان شمالی مقبره دولوح سنگی‌وجود دارد یکی‌ازآن دو که کوچك و برديوار نصب شده کتیبه آن چنین‌است :

« این بنارا بفضل حی صمد — یافت‌توفیق ساخت یار احمد»

« سال تاریخ او اگر خواهی — نود و هشت دان تو با نهصد »

که تاریخ بنارا بعصر شاه عباس اول میرساند سنگ دیگری از یك قبر در آنجا دیده میشود که وفات سید شاه محمودبن جناب سید حیدربن سید علیشاه طباطبائی حسینی‌را در اواخر صفر ۹۲۰ هجری تعیین میکند و خلاصه میتوان بضرس قاطع‌گفت که بنای این‌بقعه درعصر شاه عباس بزرگ بوده است . تاریخهای دیگری نیز مربوط بقرن سینزدهم و چهاردهم هجری وجود دارد . ثبت تاریخی

۱و۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۴ .

این بقعه در گردش اداری است.[۱]

د ـ شهرستان نائین :

یکم ـ مساحت و جمعیت آن :

مساحت شهرستان نائین ۳۵۵۱۹ کیلومترمربع و جمعیت آن بالغ بر ۴۰۴۳۱ نفر است .

دوم ـ اماکن تاریخی آن بشرح زیر است :

۱ـ مسجد جامع نائین : (ش ۱۴۱)

بطوریکه مؤلف دانشمند و محقق تاریخ نائین نوشته است[۲] مسجد جامع



(شکل ۱۴۱)

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۸.

۲ـ تاریخ نائین ص۷۲.

نائین زمان عمربن عبدالعزیز اموی بناشده واکنون محلی که مسجد در آن واقع است بنام محله باب‌المسجد شهرت داردواین مسجد دارای یك مناره وپهلوی‌مناره گنبدی است یك پوسته واین‌سبك‌گنبدها مقبره است وازمسجد محسوب نیست و درنائین نظیرآن وجود دارد مانند مسجد بابا عبدالله و شنیده شده‌که هنگام خاك‌برداری ازگنبد خانه مسجد جامع کاسه سربسیار بزرگی پیدا شدکه آهن‌پیکان در استخوان سرفرورفته وهنوز باقی‌بود . درمسجد مزبور منبری است‌که سازنده آن اهل‌کرمان بوده‌است .

باستان شناس‌معروف گدارگفته مسجد جامع نائین‌ازحیث نقشه نمونه مساجد اولیه عرب میباشد ، ساختمان‌آن ازتاریخانه دامغان کاملتراست ، ستونهای آن کوچکتر ، دالانها بلندتر ، وطاقها تیزترند ، درگوشه مسجد طرف چپ مناره‌ای است‌که جزء ساختمان مسجداست . (ش۱۴۲)

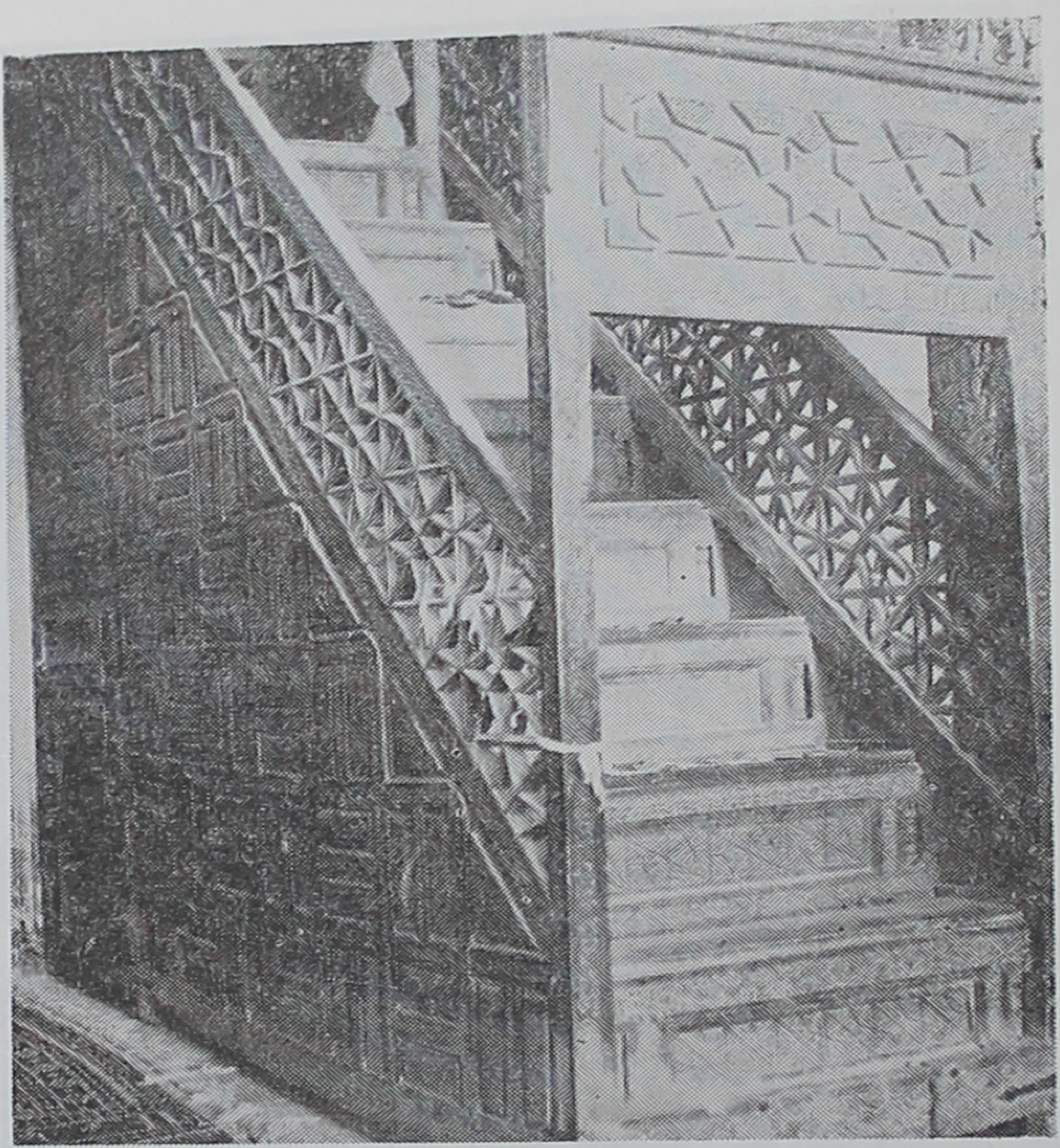
سردر اصلی مسجدجامع نائین درگوشه شمال شرقی واقع و در جنوب شرقی نیز درساده دیگری دارد ، صحن آن‌که وسعت زیادی ندارد چهارضلعی است ودر سه جانب‌شرقی وجنوبی وغربی چهلستونهائی داردکه مداخل‌باز و بلندآنها بصحن باز است .

مناره آجری‌آن‌دارای ۲۸مترارتفاع وبامناره‌های دوره‌سلجوقی تفاوت بسیار دارد، درزیرصحن‌مسجد شبستان وسیعی‌است‌که ستونهائی‌ازرس طبیعی‌داردوبوسیله قطعاتی ازسنگ مرمری ازبالاروشنائی‌میگیرد . درضلع جنوبی چهلستون جنوبی محراب عالی‌گچبری شده ومنبرنفیس آن قراردارد و تزیینات گچبری محراب و اطراف جای منبر جالب است .

تاریخ ساختمان مسجد بنظر پروفسورپوپ امریکائی ۳۵۰ هجری است و گدار فرانسوی مربوط بدوران دیالمه میداند . (ش۱۴۳) و (ش۴۴)

کتیبه‌ها وخطوط مسجد جامع مزبور چنین است :

۱ـ خطوط کوفی گچبری‌شده دربالای محراب شامل‌آیه۱۸ سوره‌توبه وخطوط



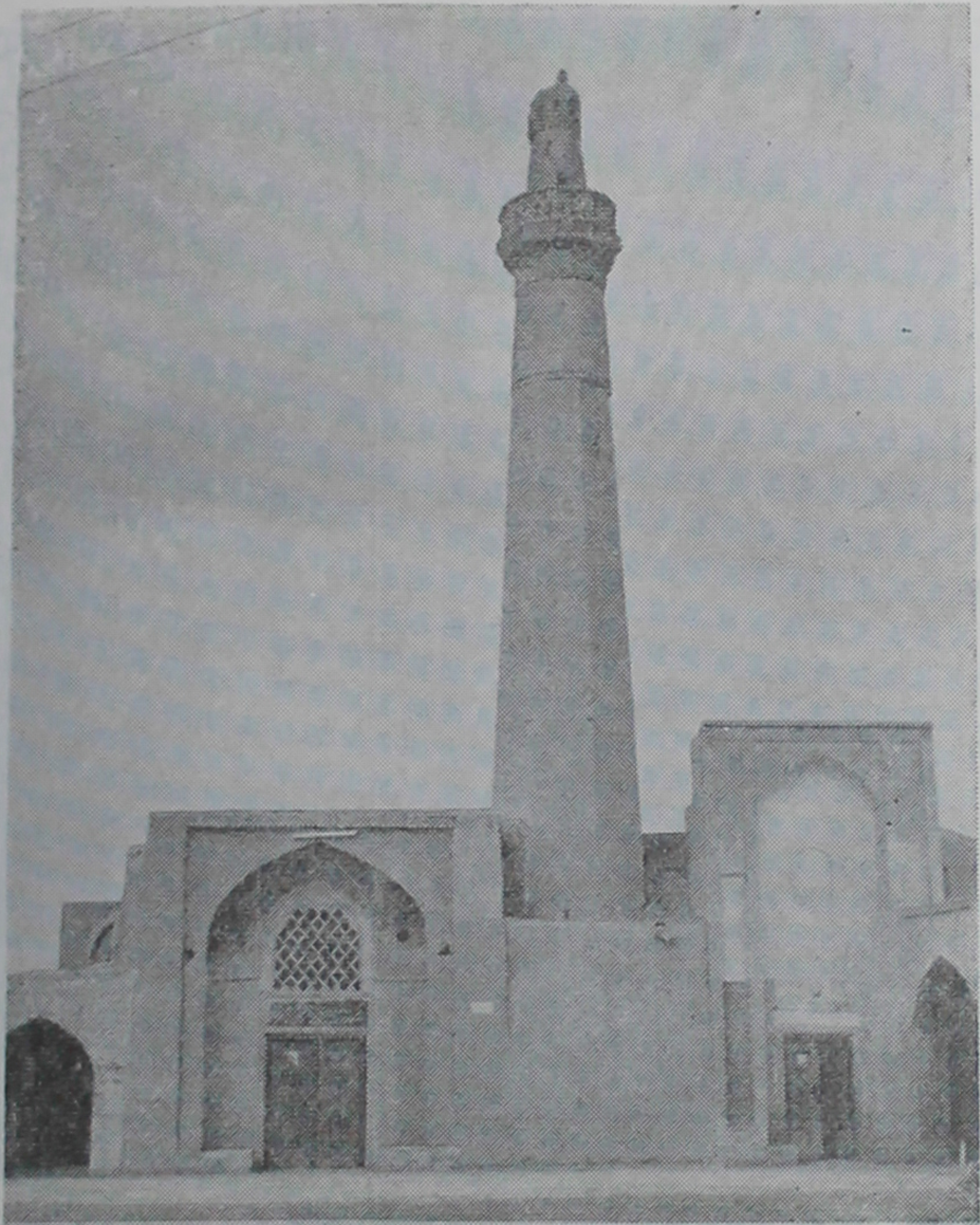
(شکل۱۴۲)

کوفی گچبری اطراف هلال طاقنمای جلوی محراب مشتمل بر آیه ۴۰ سوره نمل و آیه آخر سوره توبه است.[1]

۲- کتیبه منبر مسجدکه ازچوب ساج ساخته شده بخط ثلث برجسته چنین است : « ولله ملك السموات والارض وما فیهن وهوعلی کل شئی قدیر . » وبر جبهه چپ منبر بخط ثلث برجسته دردو سطر چنین خوانده میشود :

« وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملك التجار جمال الدین حسین بن المرحوم « عمر بن عفیف هذاالمنبر علی المسجد الجامع فی مدینة النائین تقبل الله منه فی »

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۰ .

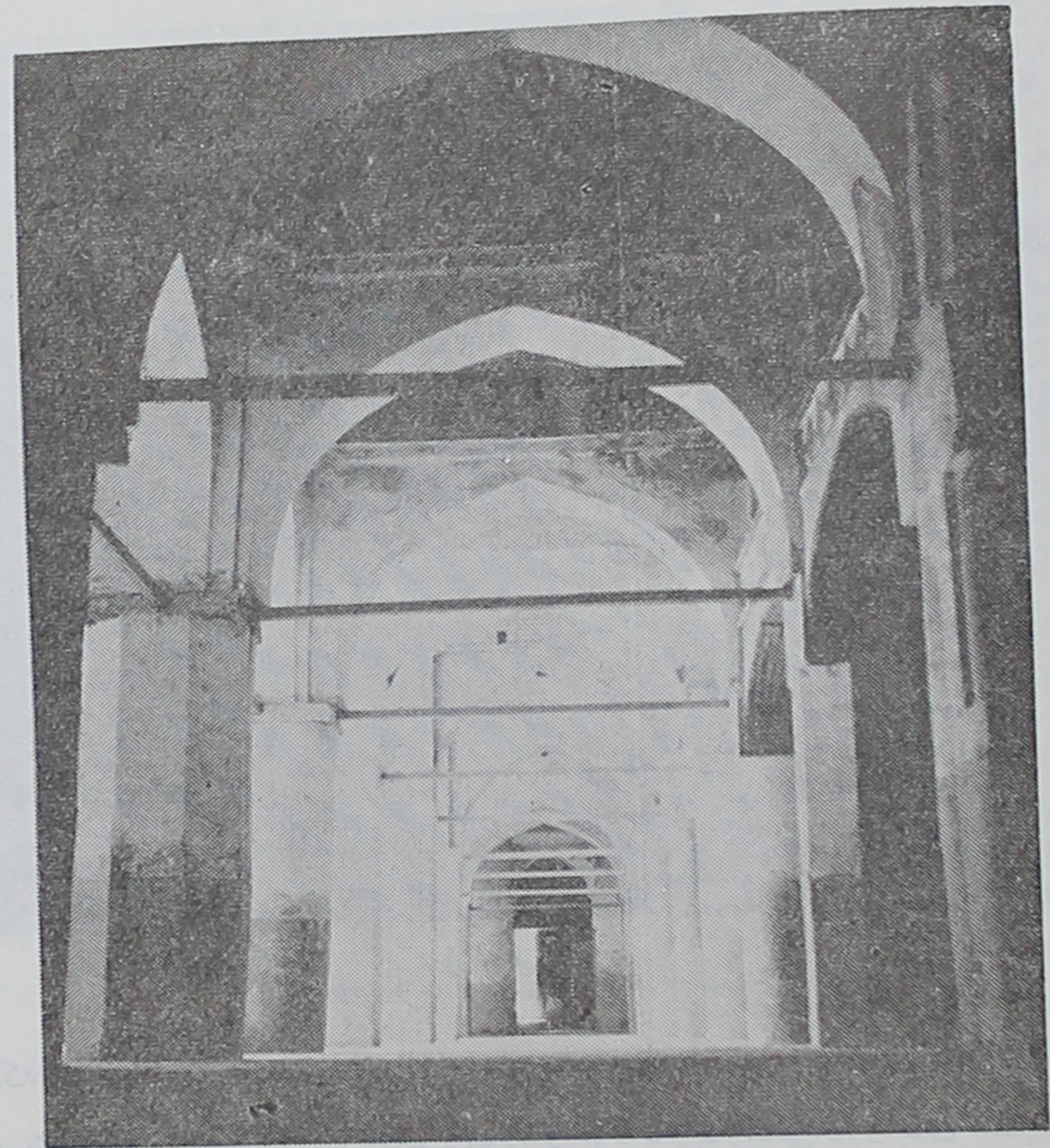


(شکل ۱۴۳)

« رجب سنة احدی عشر وسبعمأته » وبر جانب راست منبر بخط ثلث برجسته نوشته شده : « عمل الاستاد افتخار الصناع محمود شاه بن محمد النقاش الکرمانی خدایش بیامرزاد هر که فاتحه خواند بجهت . . . . . » .

منبر مزبور دارای هیجده پله و ۵ متر ارتفاع است ، در زیر طاق دهانه دوم دروسط بخط کوفی برروی کاشی کلمات الله ومحمد ودرگوشه دیگر علی مرتضی ودر سه گوشه دیگر اسامی خلفا نوشته شده بوده که کاشی‌های آنرا کنده‌اند .

مسجد دارای سه درخروجی است که در شرقی بمناره آن اتصال دارد . این



(شکل۱۴۴)

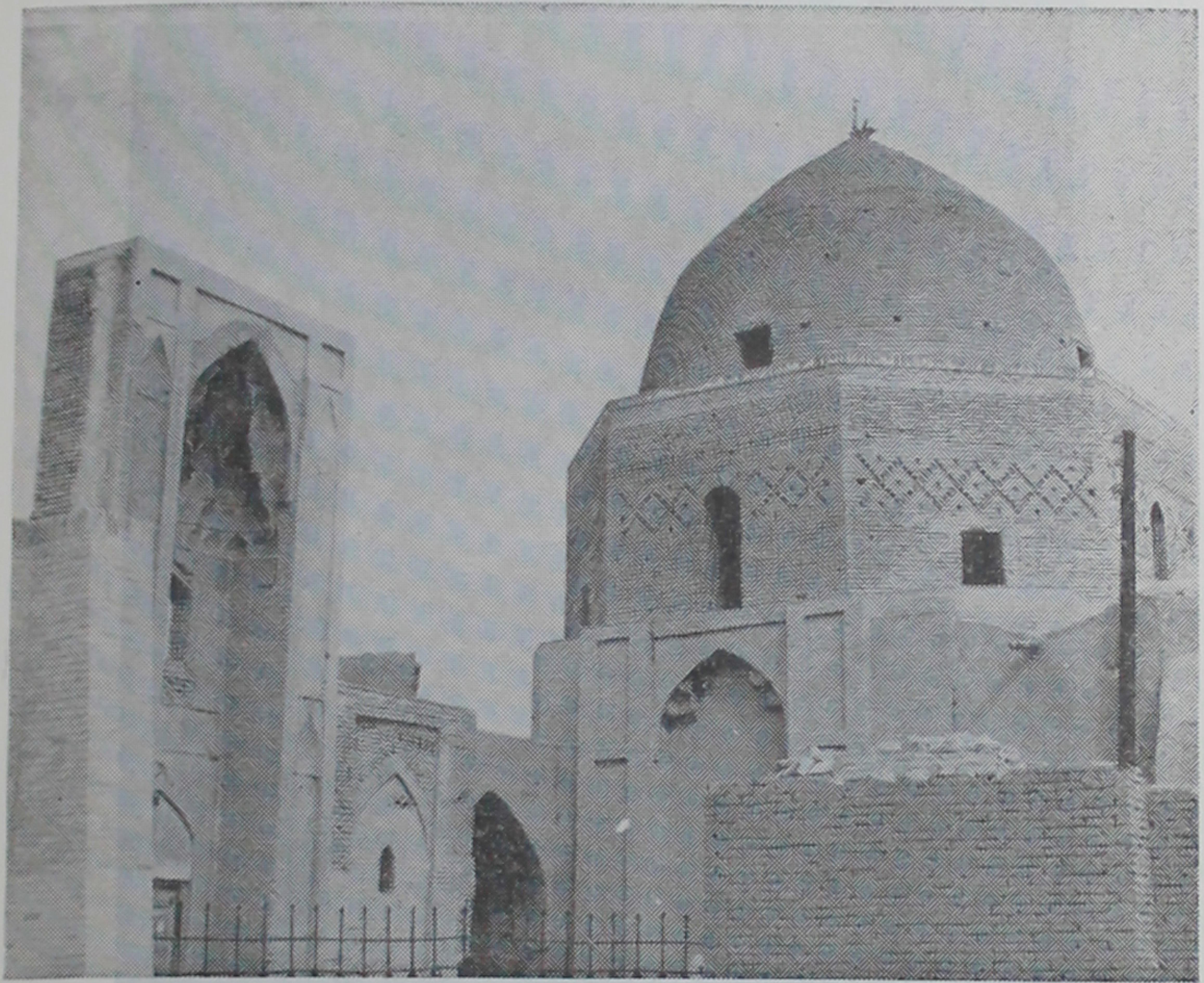
مسجد بموجب شماره ۱۴۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش۱۴۵)

۲ـ مسجد بابا عبدالله :

بانی مسجد بابا عبدالله شمس‌الدین عبدالله بوده‌که در ۷۰۰ هجری این‌مسجد را ساخته و مصادف با زمان غازان خان مغول ومیرجلال‌الدین احمد امام جماعت آن‌بوده است .

کتیبه چوبی‌که درمسجد وجود دارد ودرشش سطر بخط نسخ میباشد حاکی

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۷۰ .



(شکل ۱۴۵)

است که شمس الدین عبدالله در سال ۷۰۰ مسجد را ساخته است[۱] و گفته اند که تاریخ اتمام بناءِ غره محرم سال ۷۰۰ هجری بوده وخود بانی در یکی از زوایای مسجد مدفون است.[۲] این مسجد بموجب شماره ۲۰۴ به ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۳- مسجد محمدیه :

این مسجد که در حومه شهر در دیه محمدیه واقع است وضع ساختمان آن حکایت میکند که مربوط بقرن چهارم هجری است واسلوب ساختمان شباهت بساختمان مسجد جامع نائین دارد وازاینرو بموجب شماره ۳۵۵ به ثبت تاریخی رسیده است.[۴]

۱-۳-۴- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۷۰.   ۲- طرایق الحقایق ج۳ ص ۲۱۰.

۵ - شهرستان نطنز :

یکم - مساحت وجمعیت :

مساحت‌شهرستان نطنز ۳۲۱۰/۴ کیلو مترمربع وجمعیت آن بالغ بر ۲۸۸۳۶ نفر میباشد ومرکزشهرستان شهر نطنزاست . (۱)

دوم - اماکن تاریخی :

۱ - مسجد جامع شهرنطنز :

این مسجد ازنظروضع ساختمان بنابگفته آندره‌گدارفرانسوی مرکب است ازشبستان هشت ضلعی گنبدداری مشرف برصحن‌که چهارایوان دارد ، اضلاع صحن را دهلیزها ونمازخانه های مختلف بهم متصل میسازد ، این مسجد از سمت شمال ومشرق‌وجنوب محدوداست بکوچه باریکی‌که‌چون بمدخل بزرگ مسجد ومقابل مناره ودرگاه خانقاه میرسد وسعت یافته مبدل بمیدان کوچکی میگردد . درسمت غرب ویرانه خانقاه دیده میشودکه محدود براهی میگردد .

مسجد سه مدخل‌دارد یکی‌جنوبی ودوشمالی . مدخلهای سمت شمال باسطح حیاط برابر است ولی معبرجنوبی عبارت از دهلیز وسیع با دوازده پله بلند است . ارتفاع این دوازده پله حاکی از اختلاف سطح صحن وسطح کوچه است‌که درجلو مدخل جنوبی واقع است ، و بهمین جهت قسمتی از شبستان مثمن مذکور در خاك کنده شده است . صحن مسجد فضای مربعی است بطول ۱۴/۰۶ متر، عرض هریك از ایوانها بنسبت اهمیت موقع آن درطرح بنا متفاوت شده است ، ایوان جنوبی‌که درجلو شبستان است ۶/۵۰ متر دهنه دارد و ایوانی‌که در برابرآن یعنی در سمت شمال افتاده دارای ۵/۸۸ مترعرض است ودو ایوان دیگر ۶/۲۸ متر دهانه دارد و پهنای شبستان هشت ضلعی یعنی فاصله هردوضلع متقابل‌آن ۸/۴۶ متر است .

کتیبه‌های مربوط به‌مسجد جامع نطنز باین شرح است :

۱ - کتیبه سردرجنوبی مسجد باین عبارات : «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، امر» « بالعمارات المستحدثة فی‌المسجد المولی المعظم الصاحب الاعظم دستور ممالك »

(۱) نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ / ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت کشور .

« العالم ممهد قواعد الخير والكرم خواجه زین‌الدنيا والدين خليفةبن الحسين »
« الماستری بمساعی الصدر المعظم شمس‌الدين محمدبن على النطنزی فی‌اربع »
« وسبعمأته . »

۲ـ درایوان شمالی مسجدکتیبه‌گچبری است بخط ثلث سفیدکه شامل آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه و۱۱۴ سورهٔ هود و دنباله آن حدیث نبوی راجع بدوازده امام نوشته شده ونام خطاط محمدرضا امامی خوانده میشود .

۳ـ درایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه وسپس دنباله‌آن خوانده میشود : «فی‌سنة سبع وسبعمأته» .

۴ـ بالای یکی‌ازدرگاههای ایوان شمالی‌اشعاری بخط نستعلیق‌سفید برزمینه قهوه‌ای خوانده میشودکه مطلع آن چنین است :

«صفحه روح‌فزائی که‌هر آن‌کس دیدش   دل زکیفیت آن صافی و نورانی شد»

و پس از سه بیت چنین گفته :

« فکرت وذهن امامی پی سال تاریخ   چون‌گدایان بدرموسی عمرانی‌شد »
« پنج‌پنجه‌بفکندازیدو بیضاو بگفت: « روسفیدی وی ازمهدی‌کاشانی‌شد »

وحاکی است‌که درسال ۱۱۱۴ قمری این بنا تعمیرشده است .

۵ ـ کتیبه در قدیمی مسجد باین ترتیب خوانده میشود : « . . . بن‌یحیی »
« النطنزی تقبل‌الله عمل استاد . . . الله اصفهانی فی‌رمضان سنة خمس و عشرین »
« وثما نمائة . »

۶ ـ بردر ورودی مسجد بخط نستعلیق صلوات بردوازده امام وسپس چنین خوانده میشود: «اتمام این دردرتاریخ سنه‌اثنی وسبعین وتسعمائة شد ونصب این‌در »
« درتاریخ شهرذی‌الحجةالحرام سنه اثنی‌عشروالف شد . »

۷ـ کتیبه لوح سنگی جرز ایوان بخط نستعلیق برجسته چنین است :
« بنای تعمیر وسفید نمودن مسجد جامع بسعی عالیحضرات فضیلت و افادت پناه »
« مولانا محمدباقردماوندی وسلالةالسادات والنجبائی حاجی میرابراهیم‌الحسینی »

« النطنزی باتمام رسید بتاریخ شهرذی‌القعدةالحرام سنه ۱۱۷۸ کتبه محمدعلی »
« ابن‌سعیدالحسینی‌النطنزی » .

۸ـ کتیبه دیگری حاکی از اینستکـه دو روز آب قناتین دستجرده نطنز بمصارفی برسد بتاریخ ۱۲۵۹ قمری .

۹ـ کتیبه سنگی ایوان جنوبی حاکی ازوقف‌کردن سه طاق قناتین دستجرده نطنز برمصارف مسجد وواقف استادحیدر نجار نطنزی‌وکاتب‌کتیبه اسکندرابراهیم-آبادی نطنزی بتاریخ ۱۱۰۳ قمری است .

۲ - بقعهٔ شیخ عبدالصمد :

این بقعه بمسجد اتصال دارد ولی در عین اتصال وضع ساختمان میرساند که بقعه ومسجد درزمانهای مختلفی ساخته شده‌اند . گنبد بقعه هرمی شکل و دارای سقف‌گنبدی است‌که مقرنس‌کاری شده وکتیبه‌آن چنین است :

« هذه‌البقعة المشرفة مزار الشیخ الربانی نورالملة والدین عبدالصمدبن »
« علی‌الاصفهانی المقیم بنطنز امر ببنائها الصاحب الاعظم زین‌الدنیا والدین‌خلیفة »
« الماستری فی‌سبع وسبعمائة» و برضریح چوبی آن بخط ثلث برجسته چنین نقر شده : «عمل استاد حسین‌ابن استاد اسمعیل سرشکی النطنزی فی‌تاریخ سنة اربع »
« وستین والف سنه ۱۰۶۴ کتبه عبداللطیف» کتیبه سنگ بالای قبرشیخ عبدالصمد بخط نستعلیق برجسته چنین حجاری شده : « هوالغفور الرحیم الرحمن اللهم »
« صل‌علی النبی والولی والحسن والحسین والعباد والباقروالصادق والجعفروالکاظم »
« الموسی والرضا والتقی والنقی والعسکری والحسن الحجةالقائم محمدالمهدی »
« الهادی صاحب‌الزمان همت مصروف‌داشت عصمتی‌پناه صالحه‌خدیجه سلطان بنت »
« شمس طلا درسنه ۱۰۴۵ واین آثارخیر ازوباقی ماند » .

کتیبه سردرخانقاه بخط ثلث آجری برجسته چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امر بعمارة هذه البقعة المیمونة المبارکة الصاحب »
« المعظم وزیرممالک العالم مشید مبانی‌الخیرات المتوسل الی‌الله بانواع القربات »

« اضعف عباد الله المفتقر الی رحمته و رضوانه خواجه زین الدنیا والدین شرف الاسلام »
« والمسلمین خلیفة بن الحسین بن علی الماستری تقبل الله خیراته وافاض السعادة »
« والرحمة علیه و علی اسلافه و ذریاته ثم وقفها خانقاها علی الفقراء الصوفیة تقرباً »
« الی الله القدیم وتبرعاً لوجهه الکریم بمساعی شمس الدین محمد بن علی النطنزی »
« فی سنة خمس وعشرین وسبعمائة» بردوجرز طرفین سر درخانقاه دریك لوحه بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین نوشته شده : « وقف ذلك خواجه نجم الدین »
« محمود ابن عماد فی سنة ۹۲۱ عمل استاد حسین خراسانی کتبه الفقیر اسدالله »
« الحسینی » .

در فاصله میان در مسجد و سردر خانقاه مناره آن واقع گردیده است ودر بالاترین بدنه آن جمله : «العظمة لله» ودر پائین آن : «الملك لله» خوانده میشود که بخط کوفی آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای است . کتیبه تاریخی مناره چنین است :

« امر ببناء هذه المنارة العالیة والغرفات الرفیعة الملك الاعظم الصاحب »
« المعظم اعدل ملوکا لعجم بانی قواعد الخیرات منبع السعادات ، باسط الامن »
« والامان ناشر العدل والاحسان شمس الدولة والدین ناصر الاسلام و عون المسلمین »
« محمد بن علی تقبل الله حسناته فی شهور سنة خمس و عشرین و سبعمائة » ودر متن کاشیکاری پایه مناره دردولوحه کوچك بخط آجری برزمینه فیروزه‌ای چنین خوانده میشود: «امیر کبیر جلال الدین عبدالله . . »
« بمساعی الصمد الاصفهانی المعظم کمال الدین محمد جزاه الله خیراً[۱] . »

این سه اثر تاریخی بموجب شماره ۱۸۸ به‌ثبت رسیده است[۲] .

درشهرستان نطنز اماکن تاریخی دیگری مانند محراب مسجد کوچه میر که بشماره ۲۰۹ به ثبت تاریخی رسیده و سر در بیت السعاده والسیادة و خانقاه و بقعه

۱- این کتیبه ها باملاحظه گنجینه آثار تاریخی اصفهان وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وآثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز تنظیم شده است.

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۸ .

سیدواقف درقریه افوشته و درهای منبت‌کاری مسجد جامع آن وگنبد مقبره سید
واقف و امامزاده قریه برز ومسجد جامع ابیانه وگنبد باز وقلعه وشاق وامامزاده
آقاعلی‌عباس دربادرود نطنز وجود داردکه چون عدد صفحات‌کتاب محدود و ازحد
خـود تجاوزکرده عنان قلم‌را بازگرفته وببحث خاتمه میدهد امیداست‌که خداوند
توفیق دهدکه درباب آثار تاریخی حاشیه‌کویرکتاب مستقلی تنظیم نماید.

بتاریخ ۲۵ تیرماه سال۱۳۵۱ شمسی تهران -- یوسف‌آباد

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

پایان

فهرست مآخذ کتاب آثار ملی اصفهان :

(آ ـ ا)

۱ـ آتشکده آذر . ۲ـ آتشکده اردستان . ۳ـ آثار ایران . ۴ـ آثار البلاد قزوینی . ۵ ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز . ۶ـ آشیانه عقاب . ۷ـ آگهی شهان از کار جهان . ۸ ـ احسن التواریخ رملو . ۹ ـ احوال خوشنویسان نستعلیق. ۱۰ ـ اخبار البشر . ۱۱ـ ارشاد در احوال صاحب بن عباد . ۱۲ـ از سعدی تا جامی . ۱۳ـ اسماء البلدان. ۱۴ـ اسماء الرجال التدوین رافعی قزوینی. ۱۵ـ اسماء المصنفین. ۱۶ـ اسماء المؤلفین . ۱۷ـ الاصفهان جباب . ۱۸ـ اصفهان جوانان. ۱۹ـ اصفهان وهمه جهان. ۲۰ـ اعلاق النفیسة. ۲۱ـ اعلام زرکلی. ۲۲ـ اعلام الشیعة. ۲۳ـ اعیان الشیعة. ۲۴ـ امتحان الفضلاء . ۲۵ـ انساب سمعانی. ۲۶ـ انوار النعمانیة .

(ب)

۲۷ـ بخشی از گنجینه آثار ملی . ۲۸ ـ بررسیهای هنر ایران . ۲۹ـ برهان قاطع . ۳۰ـ بزرگان و دانشمندان اصفهان . ۳۱ـ البلدان فقیه همدانی .

(پ)

۳۲ـ پیدایش خط و خطاطان .

(ت)

۳۳ـ تاریخ اصفهان وری . ۳۴ـ تاریخ ایران دانشمندان شوروی. ۳۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان. ۳۶ـ تاریخچه محله خاجو. ۳۷ـ تاریخ حزین ۳۸ـ تاریخ خط وخطاطان . ۳۹ ـ تاریخ کتابخانه در ایران . ۳۰ـ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی. ۴۱ ـ تاریخ نائین ۴۲ـ تجارب السلف .۴۳ ـ تحفه سامی .۴۴ـ تذکرة الائمة ۴۵ـ تذکره حزین. ۴۶ـ تذکره روز روشن. ۴۷ـ تذکره شعرای معاصر اصفهان. ۴۸ـ تذکرة القبور. جزی . ۴۹ـ تذکره نصر آبادی. ۵۰ـ ترجمه تاریخ سرپرسی سایکس. ۵۱ـ ترجمه سفرنامه کامفر (در دربار شاهنشاهی) . ۵۲ـ ترجمه محاسن اصفهان. ۵۳ ـ تلاش درراه خدمت بآثار ملی .

(ج)

۵۴ ـ جامع مفیدی . ۵۵ ـ جغرافیای اصفهان .

(ح)

۵۶ ـ جلل سندسیه .

(خ)

۵۷ ـ خزاین نراقی . ۵۸ ـ خلد برین . ۵۹ ـ خبر آتیه .

(د)

۶۰ ـ دیوان حافظ . ۶۱ ـ دیوان طرب .

(ذ)

۶۲ ـ الذریعة الی تصانیف الشیعة . ۶۳ ـ ذکر اخبار اصبهان .

(ر)

۶۴ ـ راحة الصدور. ۶۵ـ راهنمای ابنیه تاریخی دکتر هنرفر. ۶۶ـ راهنمای اجمالی دکتر هنرفر . ۶۷ـ راهنمای اصفهان دکتر هنرفر . ۶۸ـ راهنمای اصفهان رضا عطارپور . ۶۹ ـ رجال اصفهان . ۷۰ ـ رحلة ابن بطوطه . ۷۱ ـ روح القدس

پیر جمالی اردستانی . ۷۲ ـ روضات الجنات چهارسوقی . ۷۳ ـ رهبران مشروطه.
۷۴ ـ ریاض العلمآء وحیاض الفضلاء .

(ز)

۷۵ ـ زندگانی آیة‌الله چهارسوقی. ۷۶ـ زندگانی شاه‌عباس‌اول. ۷۷ـ زندگانی ملک‌المتکلمین . ۷۸ ـ زنده‌رود . ۷۹ ـ زینت‌المجالس .

(س)

۸۰ ـ سفرنامه اوژن فلاندن . ۸۱ ـ سفرنامه اولئاریوس . ۸۲ ـ پیترودولا واله . ۸۳ ـ سفرنامه شاردن . ۸۴ ـ سفرنامه ناصرخسرو . ۸۵ـ سفرنامه‌هانری رنه آلمانی . ۸۶ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیآء . ۸۷ ـ سی فصل خواجه نصیر طوسی.

(ش)

۸۸ ـ شرح چغمینی .

(ص)

۸۹ ـ صبح گلشن .

(ط)

۹۰ ـ طبقات اعلام‌الشیعة . ۸۸ ـ طرایق‌الحقایق .

(ع)

۹۱ ـ عالم‌آرای عباسی . ۹۲ ـ عیون‌الانبآء .

(ف)

۹۳ ـ فارسنامه ابن‌بلخی . ۹۴ ـ فرهنگ تاریخ نائین . ۹۵ ـ فرهنگ جغرافیائی ارتش . ۹۶ ـ فرهنگ دکتر محمد معین . ۹۷ـ الفهرست ابن‌الندیم. ۹۸ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران. ۹۹ـ فهرست کتابهای آستان قدس رضوی. ۱۰۰ـفهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه‌تهران . ۱۰۱ـ فهرست

کتابهای فارسی چاپی . ۱۰۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی . ۱۰۴- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار . ۱۰۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

(ق)

۱۰۶ - قصص الخاقانی .

(ك)

۱۰۷ - کشکول شیخ بهائی . ۱۰۸ - کشف الظنون .

(گ)

۱۰۹-گزارش اداره کل باستان شناسی . ۱۱۰ -گزارش میرزاعلیخان نائینی. ۱۱۱ - گنج دانش . ۱۱۲ - گنج سخن . ۱۱۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان .

(ل)

۱۱۴ - اللباب فی تهذیب الانساب . ۱۱۵ - لغت نامه دهخدا .

(م)

۱۱۶- المأثر والاثار . ۱۱۷ - مجالس النظامیه . ۱۱۸ - مجله ارمغان . ۱۱۹- مجله آستان قدس . ۱۲۰ - مجله هنر و مردم . ۱۲۱ - مجله یادگار . ۱۲۲ - مجمع البحرین . ۱۲۳- مجمع التواریخ گلستانه . ۱۲۴ - مجمع الفصحاء . ۱۲۵- مجمل التواریخ والقصص . ۱۲۶- محاسن اصفهان . ۱۲۷ - المحیط الاعظم. ۱۲۸- مرآت البلدان ناصری . ۱۲۹- مراصدالاطلاع . ۱۳۰- المسالك والممالك ابن خردادبه . ۱۳۱ - المسالك والممالك اصطخری . ۱۳۲ - المشترك یاقوت حموی . ۱۳۳ - مصطفی المقال . ۱۳۴ - مطلع السعدین و مجمع البحرین . ۱۳۵ - معجم الادباء. ۱۳۶ - معجم البلدان. ۱۳۷- مقدمه برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی . ۱۳۸ - مقدمه دیوان طرب. ۱۳۹ - المنجد . ۱۴۰-منتخب التواریخ مظفری. ۱۴۱-منتظم ناصری. ۱۴۲-منتهی الآمال محدث قمی. ۱۴۳-موادالتواریخ. ۱۴۴ - میزان الانساب چهارسوقی .

(ن)

۱۴۵ ـ نامه وزارت کشور . ۱۴۶ ـ نزهت القلوب . ۱۴۷ ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان . ۱۴۸ ـ نظام الاقوال .

(و)

۱۴۹ ـ الوزراء والکتاب جهشیاری ترجمه سیدابوالفضل طباطبائی. ۱۵۰ ـ وقایع السنین خاتون آبادی . ۱۵۱ ـ وقفنامه سیدرکن الدین یزدی . ۱۵۲ ـ وقفیه ربع رشیدی .

(هـ)

۱۵۳ ـ هدیة الاحباب محدث قمی. ۱۵۴ ـ هدیة العارفین فی اسماء المؤلفین. ۱۵۵ ـ هند شرقی و ایران .

فهرست کلمات و حروفی که غلط چاپ شده و درست آن:

صفحه	سطر	غلط	درست
۲	۱۹	اصفهان	اصبهان
۶	۵	فوسان	فرسان
۱۲	۱۳	خوا	خوار
۲۴	۲۲	۲۲۶	۱۲۲۶
۲۹	۶	الخزانة	لخزانة
۳۱	۱۳	ففه	فقه
۳۲	۲۱	(۵)	(۶)
۳۸	۲۴	لطاهرة	لظاهره
۴۴	۲۱	دری	وری
۶۰	ازسطر ۲۱ تاسطر	۲۵ ترتیب درست اشعار چنین است:	

فانوس و شمع قدسی وپاتاسر آینه — رویت صباح عید ترا پیکر آینه

نقاش صنع لم‌یزل از سایهٔ توبست — بر پرده‌های دیدهٔ‌هفت اختر آینه

این‌جلوه‌گاه‌کیست که‌درهر طرف‌دراو — صورت نمای‌گشته ز یکدیگرآینه

عشرت سرای شاه‌صفی دان‌کزو بود — روشن چراغ اختر چشم هرآینه

خواند خط جبین ملایك بنه فلك — افتد اگر زروی توعکسی در آینه

صفحه	سطر	غلط	درست
۶۷	۱۰	نظز	نطنز
۷۱	۲۰	حسنو	حسنویه
۸۰	۲۰	کوه صفحه	کوه صفه
۱۰۵	۹	صفوی	صوفی
۱۴۶	۱۲	(۴)	زاید
۱۴۶	۲۲	۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان	زاید
۱۵۱	۱۶	للباب	اللباب
۱۶۰	۶	تل عاشقان	تل استخوان
۱۶۹	۱۷	حوضی	حوض
۱۷۱	۲۲	تخست	نخست
۱۸۲	۲	شیعا	شعیا
۱۸۵	۱۷	شبانه	شبابة
۱۸۵	۱۸	ص۱۰۰	ص۲۰۰
۱۸۷	۱۳	دملی	رملی
۱۹۰	۵	باغ کاران	محله باغ کاران
۱۹۲	۹	ابوسعید	ابوسعد
۱۹۹	۱۶	سیدحیدرعاملی	سیدحیدر آملی
۲۱۱	۲۷	چهارسوق	چهارسوی
۲۱۸	۲۳	ابوسعیدبن جبیر	ابوسعید جبیر
۲۱۹	۱۳	حمام درویشان	وحمام درویشان
۲۲۵	۲۱	۵ ـ ابوعبدالله	۱۹ ـ ابوعبدالله
۲۵۲	۷	بشا	بشار
۲۵۴	۲۱	سهیل بن عثمان	سهل بن عثمان

صفحه	سطر	غلط	درست
۲۵۶	۱۸	ابوالحسن	ابوالحسین
۲۵۷	۴	جشنش	جشنس
۲۶۰	۹	کوداه	کوراه
۲۶۷	۲۵	سیرجانی	سریجانی
۲۷۱	۱۶	بوحاتم	ابوحاتم
۲۷۲	۱۱	فرح	فرج
۲۸۱	۲۱	سعیدالدین	سعدالدین
۲۸۳	۱۰	قبرستان شور	قبرستان شوری
۳۰۴	۶	مادنان	مارنان
۳۲۴	۱۹	وازسادات	ازسادات
۳۳۴	۱۳	سائرمشهدی	سائرا مشهدی
۳۵۳	۷	خانه تقدیر	خامه تقدیر
۴۵۷	۸	فیها	فیهما
۴۸۵	۱۹	لجاد	بحار
۴۸۷	۷	حسین	حسینی
۵۰۳	۲۳	۱ـ بامدایح	۱ـ مدایح
۵۰۳	۴	محمدحسن	محمد محسن
۵۱۶	۱۵	المالك	الممالك
۵۱۷	۱۴	الحسن بن علی	ابن الحسن بن علی
۵۴۹	۱۵	ذکی	زکی
۵۵۱	۲	انما قل	قل انما
۵۵۶	۲۴	مهتمله	مهمله
۵۵۹	۲۱	علی موسی الرضا	علی علی بن موسی الرضا

صفحه	سطر	غلط	درست
۵۷۵	۱۲	دردشت	در دردشت
۵۸۹	۲۳	محمدعلی	مهرعلی
۶۴۴	۱۵	زند	زید
۶۴۹	۱۴	لحمداسمعیل	لمحمداسمعیل
۶۷۹	۹	اعجار	اعجاز
۷۲۴	۱۸	شور	شوری
۷۳۶	۴	پائین	پائینی
۷۳۶	۱۴	مرقه	مرقد
۷۴۲	۳	(قرن۱۴هجری)	مربوط بسطر۲ وبعد از کلمه اکنون واقع است
۷۴۷	۹	لشریف	الشریف
۷۴۹	۱۲	جزر	جرز
۷۶۷	۱۹	بعلحا	بطحا
۸۰۲	۱۷	رسید	سید
۸۴۷	۳	مفرد	مزبور
۸۶۳	۲۳	کتیبه	کنیسه
۸۷۶	۱۱	صفا	صفه صفا
۸۹۳	۴	بعدازمیباشد	در دیه شهراب واقع و

فهرست اعلام اماکن

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ فراخان	۸۶
باغ فراشخانه	۷۱
باغ فرح آباد	۸۰-۸۱
باغ فرنگ	۸۶
باغ فلاسان	۷۲-۸۷
باغ فوق‌المقسم	۴۸۹
باغ فیل‌خانه	۷۵
باغ قادرخان	۸۲
باغ قراخان	۶۹
باغ قرچه‌خان	۸۶
باغ قرچقای‌خان	۷۵
باغ قلعه میان‌شهر	۱۸-۸۸۸
باغ قلندرها	۳۹۸
باغ قورچی‌باشی سفلی	۷۵
باغ قورچی‌باشی علیا	۷۵
باغ قورچیها	۸۶
باغ قوشچیان	۷۷
باغ قوشخانه	۶۰-۶۱-۷۰-۷۲-۴۱۴-۴۱۵
باغ کاج	۱۷۱-۳۸۰
باغ کاخ صفوی	۸۲
باغ کاران	۶۶-۶۷-۸۷-۱۸۱-۲۱۸-۲۴۱-۲۹۰
باغ کجاوه‌خانه	۶۵
باغ کرکس صفوی	۸۲
باغ کلاه‌شاه	۷۸
باغ کلعنایت	۷۰-۲۹۶
باغ کومه صفوی	۸۳
باغ گلدسته	۶۱-۷۲-۱۷۱
باغ گوش‌آران	۷۹
باغ لب مادی	۸۳
باغ لنجانی	۷۰-۷۲
باغ مابان	۷۲
باغ محمد امین	۸۰
باغ محمدعلی‌حیدر	۶۸

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ محمدعلی‌خان	۸۲
باغ محمدعلی صدری	۸۲
باغ محمود صفوی	۲۱-۷۸-۳۰۲
باغ مراد	۷۳-۹۰-۱۸۶
باغ مردارکش	۸۶
باغ مستمند	۸۰
باغ مستمن	۸۰
باغ مستوفی	۸۶
باغ معتمد خسرو	۶۶
باغ معیر	۸۶
باغ ملك صفوی	۸۳
باغ منوچهرخان	۷۳
باغ مودون	۸۶
باغ مولانا ابراهیمی	۴۸۹
باغ مهردارشاه‌عباس	۷۷
باغ میراخور شاه‌عباس	۷۷
باغ میرزامحمدسعید	۴۸۹
باغ میرزامهدی‌خان	۶۹
باغ نارنجستان صفوی	۸۲
باغ ناظر	۶۸
باغ نسترن	۶۸-۱۷۱
باغ نطنز	۶۹
باغ نقش جهان	۳۸-۶۴-۱۶۱-۳۲۳-۳۳۷-۳۳۹-۳۹-۳۴۵۵-۳۸۷
باغ نگار	۷۰
باغ نگارستان	۸۶
باغ نو	۱۹۰-۲۲۱
باغ نواب	۶۵
باغ‌وحش صفوی	۸۵
باغ وقایع‌نویس	۷۶
باغ هزارجریب	۸۰-۸۱-۱۶۷-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۳۱۸
باغ هشت‌بهشت	۶۴-۱۰۸-۱۶۸-۱۷۱-۲۹۵-۲۳۱-۳۹۹

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

(ش)

(ص)

(ض)

(ط)

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات
کربکندی برخوار	۴۹۰
کربلا	۱۹۳–۳۱۳–۴۶۰–۷۰۸–۷۱۵–۸۰۱
الکربلا	۸۰۳
کرب وبلا	۵۱۰–۶۲۳
کرج	۲–۲۳۶
کرچنبوت	۸
کرمان	۱–۲۸۹–۲۹۲–۳۰۱–۷۴۱
کرمانشاهان	۶۱۸
کرنال	۳۵۷–۹۰۶
کرند	۱۹۲
کروان	۷
کرون	۸–۵۸۲–۵۸۷
کرونین	۸
کعبه	۶۲۰–۶۲۱–۶۴۸–۶۵۷–۶۶۳–۶۶۸–۶۶۹–۶۷۷–۶۸۴–۶۸۷–۷۲۶–۷۲۷–۷۴۱–۷۴۸–۷۵۵–۷۹۶
کفران رویدشت	۴۹۹
کلمان	۲۶۰
کلیسای آمناپرکیج	۸۳۷–۸۴۳
« استیاکوس	۸۴۶
« بتلهم	۸۴۰
« بدخم	۸۴۰
« بیت اللحم	۸۴۰
« بیدخم	۲۴۰–۸۴۰
« راهنه کارتانیه	۸۴۶
« سرکیس	۸۴۶
« سن سور	۸۳۷–۸۴۳
« غریب	۸۴۴
« کلکته	۸۴۳
« گریگوز	۸۴۶
« گیورك	۸۴۴
« مریم	۸۴۰–۸۴۴–۸۴۵
« میناس	۸۴۶
« نازارت	۸۴۳

اعلام جایها	شماره صفحات
کلیسای نرمس	۸۴۶
« نیکاغوس	۸۴۶
« وانك	۱۸۰–۲۰۴–۲۸۳–۸۳۶–۸۳۷
« هاکوپ	۸۴۴
« هرمز	۹۳
« یحیی	۸۴۶
« یعقوب مقدس	۸۴۴
کمائان	۶۵–۲۰۳
کمبرك	۲۶۰–۲۹۶
کمپانی آبکار	۸۴۳
کنبرك	۲۶۰
کنیسه حضرت یعقوب	۸۶۳
کوثر	۳۸۹–۴۵۹–۶۲۰–۶۲۱–۶۲۸–۷۶۲
کوچه آداب	۲۸۶
کوچه ابوسعید قصاب	۳۵
کوچه ازه‌ایها	۷۳۸
کوچه اسماعیل کوسج	۲۷۹–۷۳۷–۷۶۳
کوچه امامزاده باقر	۸۹
کوچه باباسرخ	۲۷۹
کوچه باباسنگکی	۲۸۴
کوچه باباقاسم	۴۳۳–۷۸۵
کوچه باب‌التبریزیه	۲۸۴
کوچه بازارچه‌خان	۲۸۰
کوچه باغ	۲۸۰
کوچه باغ حاجی	۲۸۰–۵۲۳
کوچه باغ قلندرها	۲۸۰–۶۱۲
کوچه باقلافروشان	۲۷۹
کوچه بواسحاقیه	۲۸۰–۵۷۴
کوچه بیگدلیها	۳۹۵–۴۰۷
کوچه بی‌نقابان	۲۷۹
کوچة پاکاریها	۲۸۰
کوچه پشت مسجد شاه	۲۸۱
کوچه پهن	۲۸۱

اعلام جایها — شماره صفحات

اعلام جایها — شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

(ن)

فهرست اعلام طوایف و خانواده‌ها و کسان :

(آ)

اعلام

شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

شماره‌صفحات

شماره صفحات

(خ)

شماره صفحات

شماره صفحات

(ص)

شماره صفحات

اعلام جایها	شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

اعلام	شماره صفحات

(ی)

فهرست تصاویر کتاب:

پایان

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثارملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پروفسور هرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثارملی و تاریخی ایران (ازمحمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا درپنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ یونسکو درفلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (به تصحیح آقای دکترمحمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة استاددانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقایان‌سیدمحمدمشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (به تصحیح‌آقای دکترموسی‌عمید استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سر گذشت ابن سینا (ازآقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـ
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۰ـ	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ
۲۱ـ	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۲۲ـ	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳ـ	رسالهٔ کنوز المعزمین ابن‌سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴ـ	رسالهٔ معیار العقول ـ جر ثقیل ـ ابن سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ـ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ـ	ترجمهٔ مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ـ	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ـ	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ـ	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱ـ	جشن‌نامهٔ ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲ـ	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ـ	جشن نامهٔ ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴ـ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ـ	جبر و مقابلهٔ خیام (به تصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ـ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (به تصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ـ	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۳۸ـ	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ـ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ـ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفرشهیدی)	۱۳۴۰
۴۱ـ	شرح احوال ونقد وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح واهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ـ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات وقصائد عطار (به‌اهتمام وتصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس‌شورای‌ملی)	۱۳۴۱
۴۵ـ	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (باتصحیح وتعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمهٔ وتصحیح وتحشیهٔ آقای جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ـ	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام ورباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ـ	اقلیم‌پارس (آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی‌فارس)ـ تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ـ	سفارش‌نامهٔ انجمن آثارملی	اردی بهشت ۱۳۴۴
۵۰ـ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف‌زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل‌جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی ـ دکترمحمد شهرداد ـ دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور۱۳۴۴

شماره	نام کتاب		تاریخ انتشار
۵۲-	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح به خط خود استاد ـ مقدمه و شرح حال به خط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی		۱۳۴۵
۵۳-	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار		۱۳۴۵
۵۴-	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهرری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان		۱۳۴۵
۵۵-	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ماه	۱۳۴۶
۵۶-	فردوسی وشعرا و تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ماه	۱۳۴۶
۵۷-	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین	۱۳۴۷
۵۸-	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه	۱۳۴۷
۵۹-	کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات در بارهٔ فردوسی و شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد	۱۳۴۷
۶۰-	روزبهان نامه به کوشش آقای محمدتقی دانش پژوه	اسفند	۱۳۴۷
۶۱-	کشف الابیات فردوسی (جلداول) به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت	۱۳۴۸
۶۲-	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد	۱۳۴۸
۶۳-	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر	۱۳۴۸
۶۴-	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان	۱۳۴۸
۶۵-	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذر	۱۳۴۸
۶۶-	تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی	۱۳۴۸
۶۷-	عهد اردشیر برگرداننده به فارسی سید محمدعلی امام شوشتری	دی	۱۳۴۸
۶۸-	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن	۱۳۴۸
۶۹-	ری باستان (مجلد دوم تألیف آقای دکتر حسین کریمان)	خرداد	۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۰-	ازآستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهرستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱-	یادنامهٔ فردوسی‌حاوی‌مقالات وچکامه‌ها به مناسبت تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲-	فردوسی وشاهنامهٔ او به اهتمام‌آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳-	فیلسوف ری، محمدبن‌زکریای‌رازی تألیف‌آقای‌دکترمهدی‌محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴-	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵-	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶-	ذخیرهٔ خوارزمشاهی‌تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم‌اسماعیل‌جرجانی‌سنهٔ ۵۰۴ هجری به‌اهتمام‌وتفسیروتصحیح‌دکترجلال‌مصطفوی.(کتاب‌دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷-	نظری اجمالی به‌تاریخ آذربایجان و آثار باستانی وجمعیت شناسی‌آن تألیف آقای دکتر محمدجواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸-	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای‌کاخ گلستان نوشتهٔ‌آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹-	کشف‌الابیات‌شاهنامهٔ‌فردوسی.جلددوم.به‌کوشش‌دکترمحمددبیرسیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰-	آثارباستانی وتاریخی‌لرستان.جلدنخست.تألیف‌آقای‌حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱-	دردربارشاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی.ترجمهٔ‌آقای کیکاووس جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲-	نگاهی به شاهنامه، تألیف‌آقای پروفسورفضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳-	مونس‌الاحرارفی‌دقایق‌الاشعار(جلد ۲) تألیف محمدبن بدرجاجرمی به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیرآقای میرصالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴-	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵-	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهٔ شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶-	دانش وخرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکترمحمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷-	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ‌عکسی) ازروی‌نسخهٔ مورخ به سال ۷۰۹ قمری زیرنظرآقایان مجتبی مینوی وایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۸-	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹-	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰-	نصیحة‌الملوک تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ استاد جلال‌الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱-	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲-	مجموعهٔ انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳-	مجموعهٔ مقالات فروغی در بارهٔ شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱
۹۴-	داستان داستانها - رستم واسفندیار - تنظیم متن وشرح وتوضیح از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاء‌الملک حسینی شوشتری (قرن ۱۱ هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷-	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی	شهریور ۱۳۵۲
۹۸-	ترجمه یک فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی ازایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹-	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دویست‌ساله مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲